

ابوالقاسم فردوسی  
شاهنامه

پیشش :  
جلال خالقی مطلق

دفتر سوم

طبع انتقادی شاهنامه فردوسی

\*\*\*

بکوشش : جلال خالقی مطلق

زیر نظر : احسان یار شاطر

ناشر : بنیاد میراث ایران

پخش کننده : انتشارات مزدا

محل نشر : کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا

کلیه حقوق متن برای دکتر جلال خالقی مطلق و حق چاپ برای ناشر در سراسر جهان محفوظ است.

شماره استاندارد بین المللی کتاب : ISBN:0-939214-86-5

## فهرست مطالب دفتر سوم

یازده

دستنویس های اساس تصحیح این دفتر  
مآخذ دیگر  
برخی از نشانه ها  
دستنویس های دیگر که بررسی شده اند

### کیخسرو

پادشاهی کیخسرو شست سال بود

داستان عَرَض کردن کیخسرو

۴

آغاز داستان

۱۹

گفتار اندر برگزیدن لشکر ایران بنزدیک کیخسرو

بج

## داستان فرود سیاوخش

- ۲۷ آغاز داستان
- ۳۱ گفتار اندر آگاهی یافتن فرود از آمدن لشکر ایران
- ۳۶ گفتار اندر دیدن طوس فرود و تُخوار را بر کوه
- ۴۱ گفتار اندر شدن ریونیز به جنگ فرود
- ۴۴ گفتار اندر رفتن زرسپ پسر طوس به جنگ فرود
- ۴۵ گفتار اندر رفتن طوس نوزر به جنگ فرود
- ۴۸ گفتار اندر رفتن گیو بنزد فرود
- ۵۱ گفتار اندر جنگ بیژن با فرود
- ۵۳ گفتار اندر خواب دیدن جریره مادر فرود
- ۵۴ گفتار اندر رزم فرود با ایرانیان و کشته شدن فرود
- ۶۰ گفتار اندر رزم کاس رود و نبرد بیژن با بلاشان ترک
- ۶۲ گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از آمدن لشکر ایران
- ۶۷ گفتار اندر آمدن تژاو به جنگ ایرانیان
- ۷۳ گفتار اندر شیخون آوردن پیران و یسه بر سر طوس
- ۷۷ گفتار اندر نامه نبشتن شاه کیخسرو به فریبرز کاوس
- ۸۰ گفتار اندر نشستن فریبرز کاوس بجای طوس نوزر
- ۸۲ گفتار اندر جنگ پشن و لاون
- ۸۹ گفتار اندر داستان بهرام گودرز
- ۹۶ گفتار اندر رفتن گیو و بیژن پس بهرام گودرز
- ۹۹ گفتار اندر گریختن لشکر ایرانیان از پیش پیران و یسه

## داستان کاموس گشانی

- ۱۰۶ آغاز داستان
- ۱۱۲ گفتار اندر رفتن طوس و گودرز به جنگ پیران
- ۱۱۷ گفتار اندر نبرد طوس با هومان و یسه

- ۱۲۵ گفتار اندر نبرد دوم طوس با پیران
- ۱۲۷ گفتار اندر داستان بازور جادوی
- ۱۳۳ گفتار اندر گریختن طوس به کوه هماون
- ۱۳۸ گفتار اندر آمدن پیران و یسه بنزدیک هومان
- ۱۴۱ گفتار اندر تاختن طوس و گیو و رهام بر سر ترکان
- ۱۴۵ گفتار اندر آگاهی یافتن شاه کیخسرو از شکستن لشکر
- ۱۴۸ گفتار اندر خواب دیدن طوس نوذر سیاوخش را
- ۱۶۱ گفتار اندر آگاه شدن گودرز و طوس از آمدن لشکر ایرانیان
- ۱۶۵ گفتار اندر رسیدن فریبرز کاوس به کوه هماون
- ۱۷۰ گفتار اندر رزم کاموس با ایرانیان
- ۱۸۲ گفتار اندر رزم رستم با آشکبوس
- ۱۹۱ گفتار اندر رزم رستم با کاموس
- ۱۹۷ گفتار اندر رزم چنگش با رستم زال
- ۱۹۹ گفتار اندر رفتن هومان و یسه به ناشناخت بنزدیک رستم
- ۲۰۵ گفتار اندر آمدن پیران و یسه بنزدیک رستم
- ۲۲۴ گفتار اندر باز آمدن پیران و یسه بار دوم
- ۲۲۷ گفتار اندر رزم رستم با شنگل
- ۲۳۱ گفتار اندر کشته شدن ساوه بر دست رستم زال
- ۲۳۲ گفتار اندر کشته شدن گهار گهانی بر دست رستم
- ۲۳۶ گفتار اندر پیغام فرستادن خاقان چین به رستم
- ۲۳۸ گفتار اندر گرفتن رستم خاقان چین را به کمند
- ۲۴۶ گفتار اندر نامه نبشتن رستم بنزدیک شاه کیخسرو
- ۲۵۰ گفتار اندر پاسخ نامه ی رستم از شاه کیخسرو
- ۲۵۲ گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از شکستن لشکر
- ۲۵۵ گفتار اندر رسیدن رستم بدان دز که مردم خوردندی
- ۲۷۱ گفتار اندر رزم رستم زال با پولادوند
- ۲۷۹ گفتار اندر گریختن افراسیاب از پیش رستم

۲۸۰ گفتار اندر بازگشتن رستم و پهلوانان ایران از ترکستان

### داستان رستم و اکوانِ دیو

۲۸۹ آغاز داستان  
۲۹۵ گفتار اندر رفتن افراسیاب از پسِ رستم

### داستان بیژن و منیژه

۳۰۶ آغاز داستان  
۳۲۱ گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از کار منیژه و بیژن  
۳۲۸ گفتار اندر آمدن پیران بنزدیک افراسیاب  
۳۳۵ گفتار اندر بازگشتن گرگینِ میلاد بی بیژن به ایران  
۳۴۸ گفتار اندر نامه نبشتن شاه کیخسرو به رستم  
۳۵۸ گفتار اندر ستایش کردن رستم بر شاه کیخسرو  
۳۶۳ گفتار اندر فرستادن گرگینِ میلاد پیغام پیشِ رستم به خواهشگری  
۳۶۸ گفتار اندر رفتن رستم با هفت گُردِ ایران به ترکستان  
۳۷۱ گفتار اندر آمدن منیژه دختر افراسیاب بنزدیک رستم  
۳۸۰ گفتار اندر رفتن رستم به سر چاهِ بیژن  
۳۸۳ گفتار اندر شبیخون آوردن رستم و بیژن  
۳۸۶ گفتار اندر رزم رستم زال با افراسیاب  
۳۹۱ گفتار اندر باز آمدن رستم با بیژن از توران به ایران زمین

### فهرست‌ها

۴۰۱ فهرست نام کسان  
۴۱۵ فهرست نام جای‌ها

## توضیح

در این مجلد اندکی از طول مصراعها کاسته شد تا فاصله کلمات از یکدیگر متناسبتر باشد و کشیدن حروف برای پر کردن فواصل کمتر ضرورت یابد. این تغییر مختصر به توصیه آقای سعیدی سیرجانی که لطفاً در طبع کتاب نظارت کرده اند و تایید آقای دکتر خالقی مطلق انجام پذیرفته است. ا. ی.





# دستنویس‌های اساس تصحیح این دفتر

## الف - دستنویس‌های اصلی

- ۱- ف دستنویس کتابخانه ملی فلورانس، به نشان Ms. Cl. Ill. 24 (G. F. 3)، مورخ ۱۲۱۷/۶۱۴
- ۲- ل دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add, 21. 103، مورخ ۱۲۷۶/۶۷۵
- ۳- س دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1479، مورخ ۱۳۳۰/۷۳۱
- ۴- ق دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۶۰۰۶ س، مورخ ۱۳۴۱/۷۴۱
- ۵- ل<sup>۲</sup> دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add. 18 188، مورخ ۱۴۸۶/۸۹۱
- ۶- س<sup>۲</sup> دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1510، مورخ ۱۴۹۸/۹۰۳

## ب - دستنویس‌های غیر اصلی

- ۱- لن دستنویس کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد، به نشان کاتالک دُرُن، شماره ۳۱۶-۳۱۷، مورخ ۱۳۳۳/۷۳۳
- ۲- ق<sup>۲</sup> دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۷۳ تاریخ فارسی، مورخ ۱۳۹۴/۷۹۶
- ۳- لی دستنویس کتابخانه دانشگاه لیدن، به نشان Or. 494، مورخ ۱۴۳۷/۸۴۰
- ۴- ل<sup>۲</sup> دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Or. 1403، مورخ ۱۴۳۸/۸۴۱
- ۵- پ دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 493، مورخ ۱۴۴۱/۸۴۴
- ۶- و دستنویس کتابخانه پاپ در واتیکان، به نشان Ms. Pers. 118، مورخ ۱۴۴۴/۸۴۸
- ۷- لن<sup>۲</sup> دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، به نشان S. 1654، مورخ ۱۴۴۵/۸۴۹
- ۸- آ دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Pers. C. 4، مورخ ۱۴۴۸/۸۵۲
- ۹- ب دستنویس کتابخانه دولتی برلین، به نشان Or. 2 4255، مورخ ۱۴۸۹/۸۹۴

## مآخذ دیگر

- ۱- بنداری ترجمه شاهنامه به عربی از فتح بن علی بنداری اصفهانی، میان ۶۲۰ - ۶۲۱ / ۱۲۲۳ - ۱۲۲۴، به کوشش عبدالوهاب عزام، چاپ دوم، تهران ۱۹۷۰
- ۲- لغت فرس اسدی طوسی، لغت فرس، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۳۶
- ۳- لغت دری ابومنصور احمد بن علی اسدی طوسی، لغت فرس (لغت دری)، به تصحیح فتح الله مجتبائی - علی اشرف صادقی، تهران ۱۳۶۵
- ۴- معجم شاهنامه محمد بن الرضا بن محمد العلوی الطوسی، معجم شاهنامه، به تصحیح حسین خدیوچ، تهران ۱۳۵۳
- ۵- لغت شهنامه شیخ عبدالقادر بغدادی، گزیده لغت شهنامه، به تصحیح کارلوس زالمان، سن پترزبورگ ۱۸۹۵
- ۶- راوندی محمد بن علی بن سلیمان الراوندی، راحة الصدور و آية السرور، به تصحیح محمد اقبال، لندن ۱۹۲۱

## برخی از نشانه‌های دیگر

- (!) در جلوی هر واژه یا بیتی که آید، نشان آن است که آن واژه یا بیت مشکوک یا نامفهوم یا فاسد است
- (?) گویا ضبط درست نیست، ولی شاید هم درست و یا راهبر به صورت درست باشد
- [ ] در متن هر بیتی که به گمان مصحح بر آن ظن الحاقی بودن میرود و یا در جای خود نیست، در چنگک دو گوشه نشانده شده است. همچنین در پی نویس ها گاه گاه صورت فرضی افتادگی های ناشی از سهو کاتب در میان همین نشانه ثبت شده‌اند
- < > هر حرف یا واژه‌ای که در پی نویس ها در جلوی نشانه دستنویسی در چنگک یک گوشه آید، نشان آن است که آن حرف یا واژه در آن دستنویس نیست و یا افتاده است (از دفتر سوم بجای آن نشانه پیشین بکار رفته است)
- = برابر است با
- آ لت یکم بیت
- ب لت دوم بیت

- پ بی نویس (اگر شماره پیش از این حرف آید شماره بیت است و اگر پس از آن آید شماره بی نویس است. مثال:
- ۱۲ پ، یعنی بی نویس بیت ۱۲، ولی: پ ۱۲، یعنی بی نویس شماره ۱۲)
- ← متن نگاه کنید به: متن در شماره سپین
- ← نگاه کنید به، نشانه برگشت
- نشانه گشتگی ضبطی از ضبط دیگر

### دستنویس‌های دیگری که بررسی شده‌اند

- ۱- دستنویس بنیاد خاورشناسی کاما در بمبئی، بی تاریخ (افتادگی دارد)
- ۲- دستنویس کتابخانه چترپتی در دبلین، به نشان Ms. P. 110، مورخ ۷۴۱ / ۱۳۴۱ (ناقص)
- ۳- دستنویس موزه ملی کراچی، به نشان N.M. 1957-913/3، مورخ ۷۵۲ / ۱۳۵۱ (دارای نیمه دوم شاهنامه)
- ۴- دستنویس کتابخانه طویقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1511، مورخ ۷۷۲ / ۱۳۷۱
- ۵- دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۱۸ تاریخ فارسی، مورخ ۷۷۳ / ۱۳۷۲ یا ۷۳۳ / ۱۳۳۳ (هر دو تاریخ مشکوک است)
- ۶- دستنویس کتابخانه چترپتی در دبلین، به نشان Ms. P. 114، بی تاریخ (ناقص)
- ۷- دستنویس کتابخانه طویقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1515، مورخ ۸۰۳ / ۱۴۰۰
- ۸- دستنویس کتابخانه دانشگاه کمبریج، به نشان Or. 420، مورخ ۸۴۱ / ۱۴۳۸ (نیمه نخستین شاهنامه)
- ۹- دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 494، مورخ ۸۴۸ / ۱۴۴۴
- ۱۰- دستنویس کتابخانه طویقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1496، مورخ ۸۶۸ / ۱۴۶۴
- ۱۱- دستنویس انجمن آسیائی بنگال در کلکته، به نشان No. 69، مورخ ۸۸۲ / ۱۴۷۸
- ۱۲- دستنویس کتابخانه ملی اطیش در وین، به نشان Mxt. 378، مورخ ۸۸۲ / ۱۴۷۸
- ۱۳- دستنویس کتابخانه چترپتی در دبلین، به نشان Ms. P. 157، مورخ ۸۸۵ / ۱۴۸۰
- ۱۴- دستنویس کتابخانه چترپتی در دبلین، به نشان Ms. P. 158، مورخ ۸۸۵ / ۱۴۸۰
- ۱۵- دستنویس کتابخانه طویقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1489، مورخ ۸۸۷ / ۱۴۸۲
- ۱۶- دستنویس کتابخانه طویقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1056، مورخ ۸۹۱ / ۱۴۸۶
- ۱۷- دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Pers. 228، مورخ ۸۹۵ / ۱۴۹۰
- ۱۸- دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Elliot, 325، مورخ ۸۹۹ / ۱۴۹۴
- ۱۹- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، به نشان Fy. 1406، مورخ ۸۹۹ / ۱۴۹۴ (دارای نیمه دوم شاهنامه)
- ۲۰- دستنویس موزه فریتس ویلیام در کمبریج، به نشان Ms. 22-1948، بی تاریخ (سی و چند برگ)
- ۲۱- دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، به نشان S. 822، بی تاریخ

- ۲۲- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، به نشان Fy. 1405، بی تاریخ
- ۲۳- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان R. 1549، بی تاریخ
- ۲۴- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1507، مورخ ۱۴۹۵/۹۰۰
- ۲۵- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان R. 1542، مورخ ۱۴۹۵/۹۰۰
- ۲۶- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1491، مورخ ۱۴۹۶/۹۰۱
- ۲۷- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان A. 3065، مورخ ۱۴۹۶/۹۰۱ (?)
- ۲۸- دستنویس کتابخانه کاخ پادشاهی مادرید در اسپانیا، به نشان 3.218 - II، مورخ ۱۴۹۶/۹۰۱
- ۲۹- دستنویس کتابخانه دولتی باویر در مونیخ، به نشان Pers. 8، مورخ ۱۴۹۷/۹۰۲
- ۳۰- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1508، مورخ ۱۴۹۷/۹۰۲

(برای معرفی این دستنویس ها نگاه کنید به: ایران نامه، سال سوم، ۱۳۶۴/۳، ص ۳۷۸-۴۰۶؛ سال چهارم، ۱۳۶۴/۱، ص ۱۶-۴۷؛ ۲/۱۳۶۴، ص ۲۲۵-۲۵۵؛ سال هفتم، ۱۳۶۷/۱، ص ۶۳-۹۴)

کپخسرو



## پادشاهی کیخسرو شصت سال بود داستان عَرَض کردن کیخسرو<sup>۱</sup>

<p>به پالیز چون برکشد سرو شاخ، به<sup>۴</sup> بالای او<sup>۵</sup> شاد باشد درخت؛ سزد گر گمانی برد بر سه چیز هنر با نژادست و با گوهرست هنر کی بود تا نباشد گهر گهر آنک از<sup>۱۱</sup> فر یزدان بود نژاد آنک باشد ز تخم پدر هنر گر بیاموزی<sup>۱۵</sup> از هرکی ازین هر سه گوهر بود مایه دار</p>	<p>سر شاخ<sup>۲</sup> سبزش برآید ز کاخ<sup>۳</sup>، چو<sup>۶</sup> بیندش بینادل و نیک بخت، کزین سه گذشتی چه چیزست<sup>۷</sup> نیز: سه چیزست و<sup>۸</sup> هر سه به بند اندرست نژاده بسی دیده‌یی<sup>۹</sup> بی هنر<sup>۱۰</sup> نیازد<sup>۱۲</sup> به بد دست و بد نشنود سزد کاید آن<sup>۱۳</sup> تخم پاکی به بر<sup>۱۴</sup> بکوشی و پیچی ز رنجش بسی که بر یابد از<sup>۱۶</sup> خلعت کردگار<sup>۱۷</sup></p>
--	--

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی کیخسرو شصت سال و هفت ماه دوازده روز بود و کین خواستن خون پدر از افراسیاب؛ ل، ل، س: پادشاهی کیخسرو شصت سال بود؛ س: پادشاهی کیخسرو پسر سیاوش شصت سال بود؛ ق: پادشاهی کیخسرو بن سیاوش شصت سال بود؛ بنداری: ذکر نوبه ملک الملک کیخسرو و ماجری فی آیامه من الوقائع و کانت مئة ملکه ستین سنة؛ در س<sup>۲</sup> از بیت ۲۱-۴۰ و در ق از بیت ۸۱-۹۶ افتاده است ۲- ل: سروگاه ۳- ق: سرسبز شاخش برآید به کاخ ۴- ق: ز؛ متن ← ۵- س: به پالیز ازو؛ متن = ف، ل، ل، س: ۶- س: که؛ س: پس از این بیت افزوده است:

دل روزگارش همی پرورد  
که را پادشاهی بود در گهر  
جهانی ز کردار او بر خورد  
بباید که نیکی کند تاجور

۷- ق: دگر چیز؛ ل، س: سه چیزست؛ متن = ف، ل، س ۸- ق: [و] ۹- ل: دیده‌ام ۱۰- س: با هنر ۱۱- ق: هنر آنک با؛ ل: هنر آنچه از؛ س: هر آنکس که با؛ متن = ف، ل، س ۱۲- ل، س، ل، س: نیارد؛ متن = ف، ق ۱۳- ل، ق، ل، س: از؛ س: از؛ متن = ف ۱۴- ل، ق، ل: پاکیزه بر؛ س: پاکی پسر؛ متن = ف، س ۱۵- س: آنک آموزی؛ ق: کان بیاموزی؛ س: ار بیاموزی؛ متن = ف، ل، ل ۱۶- ل، ل، ل، س: که زیبا بود؛ ق: که نیکو بود؛ متن = ف، س ۱۷- ل: شهریار

۱۰ چو هر سه بیابی، خرد بایدت  
 چو این چار با یک تن آید بهم  
 مگر مرگ کز مرگ خود چاره نیست  
 جهانجوی<sup>۵</sup> ازین<sup>۶</sup> چار بُد بی نیاز  
 شناسنده ی نیک و بد بایدت  
 برآساید از آزا<sup>۱</sup> و از درد<sup>۲</sup> و غم  
 وُزو<sup>۳</sup> بتر از بخت<sup>۴</sup>، پتیاره نیست  
 همش بخت سازنده بود از فراز

### آغاز داستان<sup>۷</sup>

۱۵ چو کیخسرو شاه بر گاه شد  
 چو تاج بزرگی به سر بر نهاد  
 به هر جای ویرانی<sup>۱۱</sup> آباد کرد  
 از<sup>۱۳</sup> ابر بهاری بیارید نم  
 جهان گشت پُر چشمه<sup>۱۵</sup> و رود آب  
 زمین<sup>۱۷</sup> چون بهشتی شد آراسته  
 چو جَم و فریدون بیاراست گاه  
 ز دادش<sup>۸</sup> جهان یکسر آگاه شد<sup>۹</sup>  
 ازو شاد شد تاج<sup>۱۰</sup> و او نیز شاد  
 دل غمگنان از غم آزاد<sup>۱۲</sup> کرد  
 ز روی زمین زنگ<sup>۱۴</sup> بزود غم  
 سر غمگنان اندر آمد به خواب<sup>۱۶</sup>  
 ز داد و ز بخشش پر از خواسته  
 ز جام و ز رامش نیاسود<sup>۱۸</sup> شاه

۱- ف، ل: رنج؛ ق: درد؛ متن = ل، س، س<sup>۲</sup> ۲- ل، س: وز درد؛ ق: وز رنج؛ ل: و آزار؛ س: و از رنج؛ متن = ف ۳- ل، ق: وزین؛ متن = ف، س، س<sup>۴</sup> ۴- س: هول [تر] نیز؛ ق: بدتر از دهر؛ متن = ف، ل، س: ل: بگیتی جز از مرگ جهانجو ۶- س: زین؛ ف پس از بیت ۱۳ افزوده است:

نهاد همایون و فرخنده بخت  
 ل پس از بیت ۱۳ افزوده است (لی، و، آ، ب نیز بیت دوم را دارند):  
 سخن راند گویا بدین داستان  
 دگر گوید از گفته باستان (= داستان رفتن گوی، ۷۰۲)  
 کنون باز گردم به آغاز کار  
 که چون بود کردار آن شهریار  
 س<sup>۲</sup> پس از بیت ۱۳ افزوده است:

چو جم و فریدون بیاراست گاه  
 چو کیخسرو از تخم شاهان برست  
 ز داد و دهش بر نیاسود شاه (= ۲۰)  
 بیامد به تخت کیبی بر نشست  
 بنداری بیت های ۱-۱۳ را ندارد ۷- ق: گفتار در آغاز داستان ۸- ف: عدلش؛ متن = س<sup>۹</sup> ۹- س: آباد شد (پسوند ندارد)؛ متن = ف؛ س: جهان یکسر از دادش آگاه شد؛ ل، ق، ل<sup>۱۰</sup> این بیت را ندارند؛ س، س<sup>۱۱</sup> (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ) پس از بیت ۱۴ افزوده اند:

نشست از بر تخت شاهنشهی  
 کجا بود در گیتی آزاده  
 نمد در جهان کس به هنگام او  
 هم از شاه گیتی و گاه آوری  
 به سر بر نهاد آن (س: بر نهاده) کلاه مهی  
 خداوند تاج و کیان (س: تاجی و کی) زاده  
 کجا سر نیارود در دام او (س: ندارد)  
 بیامد برش هر چه ناماوری (س: ندارد)

ف، ل، ق، ل<sup>۱۲</sup> (نیز ل<sup>۱۳</sup>، و، ب) این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۱۰- س: تاج شد شاد؛ در س<sup>۱۱</sup> این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۱- ل: که ویران بُد؛ ق: هر آنجا که ویران بُد ۱۲- س: اندران شاد ۱۳- ف: ز؛ متن = ل- س<sup>۱۴</sup> ۱۴- ل: رنگ؛ ق: پاک؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱۵</sup> ۱۵- ل: سبزه؛ متن = ف، س، ق، ل<sup>۱۶</sup> ۱۶- س: سران را همی سر برآمد ز خواب؛ متن = ف، ل، ق، ل<sup>۱۷</sup> س<sup>۱۸</sup> این بیت را ندارد ۱۷- ق، س: جهان؛ متن = ف، ل، س، ل<sup>۱۸</sup> ۱۸- ل، ل<sup>۱۹</sup> (نیز لن، ق، پ، لن<sup>۲۰</sup>): ز داد و ز بخشش نیاسود؛ س: ز داد و دهش بر نیاسود؛ (ب: ز جام و ز رامش برآسود)؛ متن = ف (س: ب)؛ در س<sup>۲۱</sup> این بیت پس از بیت ۱۳ آمده است؛ س، ق این بیت را ندارند؛ بنداری: ویزهر علی التخت کمجشید و فریدون



جهان شد پُر از خوبی و ایمنی  
 فرستاده‌یی<sup>۲</sup> آمد از هر سُوی<sup>۳</sup>  
 پس آگاهی آمد سُوی نیمروز  
 ابا زالِ سامِ نریمان بهم  
 سپاهی که شد دشت چون آبنوس  
 به پیش اندرون زال با انجمن  
 تیره برآمد ز درگاه شاه  
 یکی کشور<sup>۱۱</sup> از جای برخاستند  
 دل شاه شد زان سَخُن شادمان  
 که او بود<sup>۱۲</sup> پروردگار پدر  
 بفرمود تا گِیو و گودرز و طوس  
 ز پهلُو به پهلُو پذیره شدند  
 برفتند پیشش به دو روزه<sup>۱۵</sup> راه  
 درفش تهمتن چو آمد پدید  
 خروش آمد و ناله‌ی بوق و کوس

۲۵  
 ۳۰  
 ۳۵

ز بد بسته شد دست آهرَمنی<sup>۱</sup>  
 ز هر نامداری و هر پهلوی<sup>۴</sup>  
 بنزد سپهدار گیتی فروزه<sup>۵</sup>  
 بزرگان کاوُل<sup>۶</sup> همه بیش و کم  
 بدرید هر<sup>۷</sup> گوش از آوای<sup>۸</sup> کوس  
 درفشِ بنفش از پس<sup>۹</sup> پیلتن  
 همه برنهادند گردان کلاه<sup>۱۰</sup>  
 پذیره شدن را بیاراستند  
 سراینده را گفت کاباد مان!  
 وُزویست پیدا به گیتی<sup>۱۳</sup> هنر  
 برفتند با نای روین و کوس<sup>۱۴</sup>  
 همه با درفش و تیره شدند  
 چُنین پهلوانان و چندین<sup>۱۶</sup> سپاه  
 به<sup>۱۷</sup> خورشید گرد سیه<sup>۱۸</sup> برکشید<sup>۱۹</sup>  
 ز قلب سپه گِیو و گودرز و طوس<sup>۲۰</sup>،

۱- در س<sup>۲</sup> از این بیت تا بیت ۴۰ را پاک کرده و بجای آن تصویر کشیده‌اند  
 هر کشوری؛ متن = ف، س، ل<sup>۲</sup> ۴- ق: سروری؛ ل<sup>۲</sup>: ز هر کشوری ۵- ف: پس از بیت ۲۳ افزوده است:  
 که بنشت کیخسرو شاهزاد  
 بازید رستم شدن نزد شاه  
 بیاراست رستم به دیدار شاه  
 بیبند که تاهست زیبای (ل<sup>۲</sup>: که هست اوسزاوار) گاه  
 ل پس از بیت ۲۳ افزوده است (بیت یکم در ب و بیت دوم در ل<sup>۲</sup> نیز هست):  
 که خسرو ز توران به ایران رسید  
 نشست از برنخت کورا (ب: گاه همچون) سزید  
 بیاراست رستم به دیدار شاه  
 بیبند که تاهست زیبای (ل<sup>۲</sup>: که هست اوسزاوار) گاه  
 هیچک از این بیت‌ها در دستنویس‌های دیگر نیست، ولی برخی از دستنویس‌ها بجای آنها بیت‌های دیگری افزوده‌اند؛ بنداری (۲۳-۲۶): فلما وصل  
 إلى نيم روز الرسول المنفذ إليها ركب رستم وابنه فرامرزو أبوه دستان في جميع أكابر كابل، وأقبلوا في الجمل الغفير والعديد الكثير نحو الحضرة ۶- ف،  
 ل، س، ل<sup>۲</sup>: كابل؛ ق: زابل؛ متن تصحيح قياسي است ۷- ق: خود ۸- ف، ل: ز آوای؛ س، ل<sup>۲</sup>: از آواز؛ متن = ق: ل پس از  
 بیت ۲۵ افزوده است: سوی شهر ایران گرفتند راه  
 زواره فرامرزو پیل و سپاه  
 ۹- ق: از پی؛ ل پس از بیت ۲۶ افزوده است:  
 پس آگاهی آمد بر شهریار  
 زواره فرامرزو دستان سام  
 که آمد زره پهلوان سوار  
 بزرگان که هستند با جاه و نام  
 س پس از بیت ۲۶ افزوده است:  
 چو آگاهی آمد بنزدیک شاه  
 که آمد زره رستم کینه خواه  
 ۱۰- ل این بیت و بیت سپین را پس از بیت ۳۱ آورده است؛ س این بیت را ندارد ۱۱- ل، ق: لشکر؛ ل<sup>۲</sup>: همه لشکر؛ متن = ف، س؛  
 ل این بیت و بیت پیشین را پس از بیت ۳۱ آورده است ۱۲- ل، س، ق (نیز ل، و، آ، ب): اویست؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> (نیز ل، ق، ل<sup>۲</sup>، پ،  
 ل<sup>۲</sup>) ۱۳- ل<sup>۲</sup>: هرجا ۱۴- در ل پس از این بیت، بیت‌های ۲۷ و ۲۸ آمده‌اند ۱۵- ق: بشش روزه؛ ل<sup>۲</sup>: پذیره به؛  
 بنداری: فاستقبلوه علی مسیره یومین ۱۶- ق: چندی ۱۷- ق: ز ۱۸- ل (نیز ل، ل<sup>۲</sup> - ب): سپه؛ متن = ف، س، ق، ل<sup>۲</sup>  
 (نیز ق<sup>۲</sup>) ۱۹- ل، س، ق، ل<sup>۲</sup> (نیز ل، ل<sup>۲</sup>، پ، و، ل، ل<sup>۲</sup>، ب): بردمید؛ متن = ف (نیز ق<sup>۲</sup>) ۲۰- در ل<sup>۲</sup> این بیت با بیت سپین  
 پس و پیش شده است؛ ق بیت‌های ۳۵-۳۷ را ندارد

به پیش گو پیلتن تاختند<sup>۱</sup>      به شادی<sup>۲</sup> برو آفرین ساختند<sup>۳</sup>  
 گرفتند هر سه وُرا در کنار      بپرسید شیراوزن<sup>۴</sup> از شهریار  
 ز رستم سُوی زالِ سام<sup>۵</sup> آمدند      گشاده دل و شاد کام<sup>۶</sup> آمدند  
 نهادند سوی فرامرز روی      گرفتند شادی به دیدار اوی  
 وُزآن جایگه سوی شاه آمدند      به دیدار فرخ کلاه<sup>۷</sup> آمدند  
 چو خسرو گو پیلتن را بدید      سرشکش ز مژگان<sup>۸</sup> به رخ برچکید  
 فرود آمد از تخت و کرد آفرین      تهمتن ببوسید روی زمین  
 به رستم چُنین گفت کای پهلوان      همیشه بزنی<sup>۹</sup> شاد و روشن روان  
 که پروردگار سیاوش توی<sup>۱۰</sup>      به گیتی هنرمند<sup>۱۱</sup> و خامش توی  
 سر زال از آن<sup>۱۲</sup> پس به بر درگرفت      ز بهر پدر دست بر سر گرفت  
 گوان را به تخت کیی<sup>۱۳</sup> برنشاند      بریشان همی<sup>۱۴</sup> نام یزدان بخواند  
 نگه کرد رستم سراپای<sup>۱۵</sup> اوی<sup>۱۶</sup>      نشست و سَخُن گفتن و رای اوی<sup>۱۶</sup>  
 رخس گشت پُرخون و دل پُر ز درد<sup>۱۷</sup>      ز کار سیاوش بسی یاد کرد  
 به شاه جهان گفت کای<sup>۱۸</sup> شهریار      جهان را توی<sup>۱۹</sup> از پدر یادگار  
 ندیدم من اندر جهان تاجور<sup>۲۰</sup>      بدین فر<sup>۲۱</sup> و مانندگی پدر<sup>۲۲</sup>  
 وُزآن<sup>۲۳</sup> پس چو از تخت برخاستند      نهادند خوان و می آراستند  
 جهاندار تا نیمی از<sup>۲۴</sup> شب نخفت      گذشته سَخُن ها و می بود جفت<sup>۲۵</sup>  
 چو خورشید تیغ از میان برکشید      شب تیره را گشت سر<sup>۲۶</sup> ناپدید،  
 تیره برآمد ز درگاه شاه      به سر بر نهادند گردان کلاه  
 چو طوس و چو گودرز و گبو دلیر<sup>۲۷</sup>      چو گرگین و گسهم و بهرام شیر<sup>۲۸</sup>

۱- ل: راندند؛ متن = ف، س، ل<sup>۲</sup>      ۲- ل: ز شاهی      ۳- ل: خواندند؛ متن = ف، س، ل؛ ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر  
 رسیدن رستم با زال و پهلوانان سیستان پیش تخت کیخسرو و آفرین خواندن برو؛ ق (چند بیت بالاتر): آمدن زال و رستم به درگاه شاه  
 کیخسرو      ۴- ل، س، ل: اوژن؛ متن = ف      ۵- ق: همی سوی زال      ۶- ق: به دیدار فرخ کلاه (= ۴۰ ب)      ۷- ق: گشاده دل و نیکخواه (۳۸ ب)      ۸- س، ل: ز دیده.      ۹- ل: بدی؛ س: تویی؛ متن = ف، ق، ل، س<sup>۱۰</sup>      ۱۰- ف، س، ق، ل: س؛ تویی؛ متن = ل      ۱۱- ل- ل: (نیز ل، ق، ل، پ، ل، ن): خردمند؛ متن = ف (نیز ل، و، آ)      ۱۲- ل، س: زان؛ متن =  
 ف، ق، ل، س<sup>۱۳</sup>      ۱۳- ف: کیان؛ ل: مهی؛ متن = س، ق، ل، س<sup>۱۴</sup> (نیز ل- ب)      ۱۴- ل، س: همه      ۱۵- ل، ق: برو پای؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱۶</sup>      ۱۶- ل- س: او؛ متن = ف      ۱۷- ق: و پر آب زرد؛ ق پس از این بیت افزوده است:  
 بسی آفرین بر سیاوش بخواند      که خسرو به چهره جز اورانمانند (= داستان رفتن گبو، ۶۹۲)  
 ۱۸- ق: ای      ۱۹- س، ق، ل: تویی؛ متن = ف، ل؛ س این بیت را ندارد      ۲۰- ف: ندیدم کنون در جهان نامور؛ متن = ل-  
 س<sup>۲۱</sup> (نیز ل، ق، ل، ب، و، آ، ب)      ۲۱- ق، ل، س: زیب      ۲۲- ل، س<sup>۲</sup> (نیز ق، ل، آ): مانندگی با پدر      ۲۳- ل: از آن؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۲۴</sup>      ۲۴- س: نیم از؛ ل، س: نیمه؛ متن = ف، ل      ۲۵- ل، س، ق (نیز ل- آ): سخن ها همه  
 (ق: همی) باز گفت (ل: به رستم بگفت)؛ متن = ف، ل، س<sup>۲۶</sup> (نیز ب)      ۲۶- س: شب (→ سر)؛ ل، ق (نیز ل، آ): تیره گشت از  
 جهان؛ (ل، پ، ل، ن): تیره از بیم شد)؛ متن = ف، ل، س<sup>۲۷</sup> (نیز ل، و، ب)      ۲۷- ف: گودرز کشواد و گبو؛ متن = ل- س<sup>۲۸</sup> (نیز ل-  
 ب)      ۲۸- ف: چو گرگین میلاد و شاپور نیو؛ ل: چو گرگین و رهام و گسهم شیر؛ س<sup>۲</sup> (نیز ل): چو گرگین و بهرام و شاپور شیر؛ (ق، ل،  
 ل، آ، ب: چو گرگین و بهرام و گسهم شیر)؛ متن = س، ق (نیز ل، پ، و، ل، ن)

بدان <sup>۱</sup> ناموربارگاه آمدند	گرافمایگان نزد شاه آمدند
ابا ناموررستم پهلوان <sup>۲</sup>	به نخچیر شد شهریار جوان <sup>۲</sup>
چو گیو و چو گودرز کشادگان	ز لشکر برفتند آزادگان
ز بس جوشن و ترگ و تیغ و کلاه <sup>۵</sup>	سپاهی که شد تیره <sup>۴</sup> خورشید و ماه
به آباد و ویرانی اندرگذشت <sup>۶</sup>	همه بوم ایران سراسر بگشت
تبه بود و ویران ز بیداد بود،	هر آن بوم و بر کان نه آباد بود
ز دادو ز بخشش نیامدش رنج <sup>۷</sup>	درم داد و آباد کردش ز گنج
چنان چون بود مردم <sup>۸</sup> نیک بخت	به هر شهر بنشست و بنهاد تخت
به دینار گیتی بیاراستی <sup>۱۱</sup>	همه <sup>۹</sup> بدره و جام می خواستی <sup>۱۰</sup>
همان <sup>۱۳</sup> با می و تخت و افرشدی <sup>۱۲</sup>	وز آنجا سوی شهر دیگر شدی <sup>۱۲</sup>
بشد با <sup>۱۴</sup> بزرگان و آزادگان	چنین تا در <sup>۱۴</sup> آذربادگان <sup>۱۵</sup>
بیامد سوی خان آذرگشسپ	همی <sup>۱۷</sup> باده خوردوهمی <sup>۱۸</sup> تاخت اسپ
به آتشکده <sup>۱۹</sup> ندر نیایش گرفت	جهان آفرین را ستایش گرفت
نهادند سر سوی کاوس <sup>۲۰</sup> شاه	بیامد خیرامان از آن جایگاه
نبودند جز <sup>۲۲</sup> شادمان یک زمان	نشستند با او <sup>۲۱</sup> بهم شادمان
به خواب و به آسایش آمد شتاب <sup>۲۴</sup>	چو پُر شد سر از جام روشن <sup>۲۳</sup> گلاب
بگسترد باقوت بر تیره خاک،	چو روز درخشان <sup>۲۵</sup> برآورد چاک
دو شاه سرافراز <sup>۲۶</sup> ، دو نیک پی	جهاندار بنشست و کاوس کی
همی گفت کاوس هر <sup>۲۸</sup> بیش و کم	ابا رستم گردو <sup>۲۷</sup> دستان بهم
دو رخ را به خون دو دیده بشت	از <sup>۲۹</sup> افراسیاب اندرآمد نخست

۱- ل: بران؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup> ۲- ل، ل، آ: جهان؛ متن = ف، س، ق، س<sup>۳</sup> ۳- ل، س: ابارستم نامور پهلوان؛ ل، آ، س<sup>۴</sup>: ابارستم و طوس و دیگر گوان؛ متن = ف، ق؛ در ل این بیت پس از بیت ۵۳ آمده است ۴- ف: خیره (؟)؛ متن = ل، س، ل، آ، س<sup>۵</sup> (نیز لن - پ، لن، آ، ب) ۵- س: خود و کلاه؛ س<sup>۶</sup>: رومی کلاه؛ ل: همی رفت با یوز و با باز شاه؛ ل<sup>۷</sup>: ز جوشن زرنگ و زرومی کلاه؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد ۶- ل، آ، س<sup>۸</sup> (نیز ل، آ، ب): و ویران همه برگذشت؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن<sup>۹</sup>)؛ ق این بیت را ندارد ۷- ق، ل، آ، س<sup>۱۰</sup>: نیامد به رنج؛ متن = ف، ل، س ۸- ل: خسرو؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۱۱</sup>: ق این بیت را ندارد؛ بنداری: قلم میز مدینه إلا وضع فیها تخت ۹- س<sup>۱۲</sup>: همی ۱۰- ل، آ، س<sup>۱۱</sup>: خواستند ۱۱- ل، آ، س<sup>۱۲</sup>: بیاراستند؛ ق این بیت را ندارد ۱۲- س، ل، آ: شدند ۱۳- ل، ق: همی؛ س، ل، آ، س<sup>۱۴</sup>: همه؛ متن = ف ۱۴- ل: همی رفت تا؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۱۵</sup> ۱۵- ل، آ، س<sup>۱۶</sup>: مرز آبادگان ۱۶- ل: ابا او؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۱۷</sup>: بنداری (۶۵-۶۸): فاذا فرغ منها تحول لمدينة أخرى حتى أتى على الكل. ولما أتى نواحي آذربيجان دخل بيت النار الذي هناک فزاره ۱۷- ل: گهی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۱۸</sup> ۱۸- ل: گهی؛ ل، آ، س<sup>۱۹</sup>: خوردند و می؛ متن = ف، س، ق ۱۹- ف- ل<sup>۲۰</sup> (نیز ل، آ): به آتشکده در؛ (لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب: به آتشکده بر)؛ متن = س<sup>۲۱</sup>: به آتشکده اندر (— ضحاک، بیت ۴۰) ۲۰- س: درگاه؛ بنداری: ثم عادوا الی بلاد فارس الی حضرة کیکاوس ۲۱- ل: هردو؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۲۲</sup>: بنداری: وأقاموا عنده ۲۲- ق: نبودى بجز ۲۳- ل، آ، س<sup>۲۴</sup>: از باده چون ۲۴- ق: سخن رفت چندی ز افراسیاب ۲۵- س: درفشان ۲۶- ل: سرافرازو؛ متن = ف، س، ق، س<sup>۲۷</sup>: رستم و گرد ۲۸- ل، آ، س<sup>۲۹</sup>: هرگونه از ۲۹- ف، ق: ز؛ متن = ل، س، ل، آ، س<sup>۳۰</sup>

- ۸۰ بگفت آنک او با سیاوش چه کرد  
 بسا<sup>۲</sup> پهلوانان که بی‌جان شدند  
 بسی شهر بینی از<sup>۳</sup> ایران<sup>۴</sup> خراب  
 ترا ایزدی هرچه<sup>۵</sup> بآیدت<sup>۶</sup> هست  
 ز فر<sup>۷</sup> تمامی<sup>۸</sup> و نیک‌اختری  
 کنون از تو سوگند خواهم یکی  
 که پُرکین کنی دل از<sup>۱۳</sup> افراسیاب  
 به<sup>۱۴</sup> خویشی مادر بدو ننگری<sup>۱۵</sup>  
 به گنج و فروزی نگیری فریب  
 به گنج و به تخت و به تیغ<sup>۲۰</sup> و کلاه  
 بگویم که بنیاد سوگند چیست  
 بگویی به دادار خورشید و ماه  
 به برز و به<sup>۲۲</sup> نیک‌اختر ایزدی  
 میانجی نخواهی<sup>۲۵</sup> جز از<sup>۲۶</sup> تیغ و گرز
- ۹۰ چو بشنید از<sup>۲۸</sup> شهریار جوان<sup>۲۹</sup>  
 به دادار دارنده سوگند خورد  
 به خورشید و شمشیر و گنج<sup>۳۱</sup> و کلاه
- از ایران برآورد یکباره<sup>۱</sup> گرد  
 زن و کودکی خرد پیچان شدند  
 تبه گشته از رنج<sup>۵</sup> افراسیاب  
 ز بالا و از<sup>۸</sup> دانش و زوردست  
 ز شاهان به هر گوهری برتری<sup>۱۱</sup>  
 نباید که پیچی ز داد اندکی<sup>۱۲</sup>  
 دم آتش اندر نیاری به آب  
 نیچی<sup>۱۶</sup> و گفت کسی نشمری<sup>۱۷</sup>  
 به پیش ار<sup>۱۸</sup> فراز آیدت گر<sup>۱۹</sup> نشیب  
 به گفتار با او نگریدی ز راه  
 خرد را و جان ترا بند چیست  
 به تیغ و به مهر و به تخت و کلاه<sup>۲۱</sup>  
 که هرگز<sup>۲۳</sup> نیچی به سوی<sup>۲۴</sup> بدی  
 مَنیش بُرز داری به<sup>۲۷</sup> بالای بُرز
- سوی آتش آورد روی و روان  
 به روز سپید و شب لاژورد<sup>۳۰</sup>  
 به مهر و به تخت و به دیهم و گاه<sup>۳۲</sup>

۱- ل- س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب): سراسر برآورد؛ (لی، و، آ: برآورد از ایران آباد)؛ متن = ف ۲- ل، ق، ل، س: بسی؛ متن =  
 ف، س ۳- ل، ق: ز ۴- ف (نیز ل): ایشان؛ متن = ل- س<sup>۲</sup> (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: و ذکر کیکاوس آثار نکایاته فی  
 ممالک ایران ۵- ل: بردست؛ س: از دست ۶- ل، س: هرچ ۷- ل: بایست ۸- ق، ل، س: وز ۹- ل، س:  
 س: فرو ۱۰- ق: همایی؛ (ق: کیانی؛ لی، و، آ: بزرگی)؛ متن = ل، س، ل، س<sup>۲</sup> (نیز لن، ل، پ، لن، ب) ۱۱- ل: زهرگونه  
 برتری؛ ل، س: که بودند تو برتری؛ ق: ز ایران بگردان تو هر داوری؛ متن = ف، س، (نیز لن، ق، لی، پ، لن، آ، ب) ۱۲- ق: ازبیت  
 ۸۱-۹۹ را ندارد ۱۳- ل، س، ل، س: ز؛ متن = ف ۱۴- ل: ز؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> ۱۵- س (نیز ق، لی، پ، و، لن، آ،  
 آ): نگروی؛ ف: خویشی و مادر پدر ننگری؛ متن = ل، ل، ل، س<sup>۲</sup> (نیز لن، ب) ۱۶- ل، س: نیینی؛ متن ← ۱۷- س (نیز لن، ل،  
 لی، پ، و، لن، آ، ب): نشنوی؛ ف: زد دل مهر او را همه بستری؛ متن = ل (نیز ق، لی، ل، پ)؛ بنداری (۸۳-۸۵): ولا تمیل الیه لموضع قرابة  
 أمک منه، ولا تنخلع له بما یبذل من الرغائب، ویسمع به من الحزائن والذخائر ۱۸- ل: همان گر؛ متن = ف، ل، س<sup>۲</sup> ۱۹- ل، س:  
 س: ار؛ س: به پیش فراز آید از تو (!)؛ س: در اینجا سرنویس دارد: سوگند دادن کاوس شاه کیخسرو را از بهر کین خواستن سیاوش ۲۰-  
 ل: به تاج و به تخت و به کین؛ س: به گنج و به تیغ و به تخت؛ متن = ف، ل، س<sup>۲</sup> ۲۱- ف پس از این بیت افزوده است:  
 به کیوان و زاوش و بهرام و هور به ناهید و تیرومه و فروروز  
 این بیت در هیچیک از چهارده دستنویس دیگر نیست ۲۲- ل، ل، ل، س<sup>۲</sup> (نیز ق، ب): به پیروز؛ س (نیز لن، پ، لن، ب): به قزو به؛ متن =  
 ف (نیز ل، و) ۲۳- ل: دلرا ۲۴- س: راه ۲۵- ل: نخواهی ۲۶- ف: بجز؛ ل، س: مگر؛ متن = ل، س ۲۷-  
 ل، ل، س: و؛ متن = ف، س ۲۸- ل: زو ۲۹- ف: جهان؛ متن = ل، س، ل، س<sup>۱</sup> (بیت ۵۷) ۳۰- ف، س، ل، س: س:  
 لا جورد؛ متن = ل ۳۱- س، س: بخت؛ ل: تخت؛ ل: و ماه و به تخت؛ متن = ف ۳۲- ل: به تیغ و بدیهم شاه؛ ل: بتاج و بدیهم و  
 گاه؛ متن = ف، س، س<sup>۲</sup>

که هرگز نیچم سَوی مهر اوی<sup>۱</sup>      ۹۵ گوا بود دستان و رستم برین<sup>۴</sup>  
 یکی خط نَبشتند<sup>۲</sup> بر پهلوی      به زَنهار بر<sup>۶</sup> دست رستم نهاد  
 بزَریان لَشکر همه هَمچُنین<sup>۵</sup>      وُزآنجا یگه<sup>۹</sup> خوان و<sup>۱۰</sup> می خواستند  
 چُنین<sup>۷</sup> خَظ و سوگند و آن<sup>۸</sup> رسم و داد      بیودند یک هفته با رود و می  
 دگرگونه<sup>۱۱</sup> مجلس بسیار استند      جهاندار هشتم سر و تن بَشست  
 بزرگان<sup>۱۰</sup> به<sup>۱۲</sup> ایوان کاوس کی      به پیش خداوند گردان سپهر      ۱۰۰  
 نیاسود و جای نیایش بجُست      شب تیره تا برکشید آفتاب  
 برفت آفرین را بگسترد مهر<sup>۱۳</sup>      چُنین گفت کای داد گریک خدای  
 خروشان همی بود، دیده پُر آب      به روز جوانی تو کردی رها  
 جهاندار و روزی ده و<sup>۱۴</sup> رهنمای      تو دانی که سالار توران سپاه  
 مرا بی سپاه<sup>۱۵</sup> از دم آژدها      به بیران<sup>۱۸</sup> و آباد نفرین اوست      ۱۰۵  
 نه پرهیز داند<sup>۱۶</sup>، نه ترس از<sup>۱۷</sup> گناه      به بیداد خون سیاوش بریخت  
 دل بی گناهان پُر از کین اوست<sup>۱۹</sup>      [دل شهرياران<sup>۲۲</sup> پر از بیم اوست  
 برین<sup>۲۰</sup> مرز باران آتش بیخت<sup>۲۱</sup>      به کین پدر بنده را دست گیر  
 بلا بر<sup>۲۳</sup> زمین تخت و دیم اوست<sup>۲۴</sup>]      تو دانی که او را بدی<sup>۲۵</sup> گوهرست  
 بیخشای بر جانِ کاوس پیر      فراوان بمالید رخ بر زمین      ۱۱۰  
 همان بدنژادست و افسون گُرس      وُزآنجا یگه شد سَوی تخت باز  
 همی خواند بر کردگار آفرین      چُنین گفت کای نامداران من  
 بر پهلوانان گردن فراز      بیمودم این بوم<sup>۲۷</sup> ایران بر اسپ  
 جهان گیر<sup>۲۶</sup> و خنجرگزاران من      ندیدم کسی را که دل شاد بود  
 ازین مرز تا خان<sup>۲۸</sup> آذرگُشپ      ۲۷ - ق: مرز  
 توانگر<sup>۲۹</sup> بُد و<sup>۳۰</sup> بومش آباد بود      ۲۸ - س، ق، ل: خوان؛ ل: خاک؛ متن = ف، ل

۱ - ل، س، ل، س: ۲: او؛ متن = ف؛ بنداری (۸۶-۹۳): فعاله کيخسرو علی ذلک  
 ف ۳ - ل، ل، ل: س (نیز ق: ل، ل، و، آ): به مشک آب؛ متن = ف، س (نیز ل، پ، ل، ب) ۴ - س: بدین؛ ل: بران؛  
 س: بدان؛ متن = ف، ل ۵ - ل: همچنان ۶ - ل: س: در ۷ - ل: چنان؛ متن = ف، س، ل، س: ۸ - س:  
 ین؛ ل، س: خط به سوگند بر؛ متن = ف، ل ۹ - ل: از آن پس همی؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ۱۰ - ل، ل، س:  
 جام ۱۱ - ل: زهرگونه؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ۱۲ - س، ل: در ۱۳ - ل، ق: چهر؛ متن = ف، س، ل، س:  
 س: ۱۴ - ق: خداوند روزی ده ۱۵ - ل: بی عشا؛ ق: بی سپاس؛ متن = ف، س، ل، س: ۱۶ - ل، ل، س:  
 دارد ۱۷ - ل: نه شرم؛ ق، ل، س: نه شرم از؛ متن = ف، س ۱۸ - ل - س (نیز ل - ب): ویران؛ متن = ف ۱۹ -  
 ل: بیم اوست (پساوند ندارد)؛ ق: بالای زمین تخت و دیم اوست (= ۱۰۷ ب) ۲۰ - ل: بدین؛ متن = ف، س، ل، س: ۲۱ -  
 س: مرز بارز آتش بریخت؛ در ف پس از این بیت، بیت ۱۱۷ آمده است ۲۲ - س: در شهر ایران ۲۳ - س: بالای ۲۴ -  
 ق: دل بی گناهان پر از بیم اوست (= ۱۰۵ ب)؛ ف این بیت را ندارد، ولی در چهارده دستنویس دیگر هست ۲۵ - س: را دوبد؛ ق: دیو  
 بد؛ متن = ف، ل، ل، س: ۲۶ - ل: جهاندار؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ ق: در اینجا سرنویس دارد: سخن گفتن کيخسرو با پهلوانان  
 بران و جواب ایشان ۲۷ - ق: مرز ۲۸ - س، ق، ل: خوان؛ ل: خاک؛ متن = ف، ل ۲۹ - س: توانگر ۳۰ -

همه دل پُر از خون و دیده پُر آب که پُر درد ازویست <sup>۲</sup> جان و تنم که از دل همی برکشد باد <sup>۴</sup> سرد زبس گشتن و غارت <sup>۶</sup> و جنگ و جوش <sup>۷</sup> به دل سربسر دوستدار منید، بگردانم این بد از <sup>۹</sup> ایرانیان بکشید و رسم پلنگ آورید ز جنگ یلان کوه هامون شود <sup>۱۱</sup> گنهار <sup>۱۳</sup> اویست <sup>۱۴</sup> و آویخته بهشت بلندش <sup>۱۷</sup> بود جایگاه همه یکسره <sup>۱۸</sup> رای فرخ نهد مکافات این بد <sup>۲۰</sup> نشاید نشست	همه خستگانند از <sup>۱</sup> افراسیاب نخستین جگرخسته <sup>۱</sup> او <sup>۲</sup> منم دگر چون نیا شاه آزادمرد به ایران زن و مرد ازو <sup>۵</sup> با خروش کنون گر <sup>۸</sup> همه ویژه یار منید به کین پدر بست خواهم میان اگر همگان رای <sup>۱۰</sup> جنگ آورید مرا این سخن بیش بیرون شود هر آن خون که آید به کین <sup>۱۲</sup> ریخته اگر <sup>۱۵</sup> کشته آید <sup>۱۶</sup> کسی زین سپاه چه گوید و این را چه پاسخ دهید بدان اند و بر بد شده پیش دست <sup>۱۹</sup>	۱۱۵ ۱۲۰ ۱۲۵
به درد دل از جای برخاستند همیشه ز رنج و <sup>۲۱</sup> غم آزاد باش غم و شادمانی به کم بیش <sup>۲۲</sup> تست همه بنده <sup>۲۳</sup> یم، ار چه آزاده <sup>۲۴</sup> یم ز گودرز و از طوس و از انجمن <sup>۲۵</sup> ، که دولت جوان بود و خسرو جوان که آباد بادا به گردان زمین	بزرگان به پاسخ بیاراستند که ای نامدار جهان شاد باش تن و جان ما سربسر پیش تست ز مادر همه جنگ <sup>۲۳</sup> را زاده <sup>۲۴</sup> یم چو پاسخ چنین یافت از پیلتن <sup>۲۴</sup> رخ شاه شد چون گل و <sup>۲۶</sup> ارغوان بریشان <sup>۲۷</sup> فراوان بخواند <sup>۲۸</sup> آفرین	۱۳۰

۱- ل: ز ۲- ل، ق: جگرخسته از وی؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۲</sup> ۳- س، ل، اویست ۴- ل، آه: در ف این بیت پس از بیت ۱۰۶ آمده است، ولی جای آن به پیروی از چهارده دستویس دیگر در اینجاست ۵- ف، ل، ا، س: پُر؛ متن = ل، س، ق ۶- ف: غارت و کشتن؛ متن = ل- س<sup>۲</sup> ۷- ل: جنگجوش ۸- ق: ار ۹- ل- س: ز؛ متن = ف ۱۰- س: ابا همگان باد ۱۱- ل پس از این بیت افزوده است:

به ایران مدارید دل را به بزم به توران سپارید جان را به رزم  
ببندید دل ها یک اندر دگر به نیروی یزدان پیروزگر

این بیت ها در هیچیک از چهارده دستویس دیگر و ترجمه بنداری نیست ۱۲- س: بدین ۱۳- ق: گرفتار ۱۴- ل: او باشد؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س<sup>۲</sup> ۱۵- ل، ق: و گسر؛ متن = ف، س، ل، ا، س<sup>۲</sup> ۱۶- ل: گردد؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س<sup>۲</sup> ۱۷- ق: بریش؛ متن = ف، ل، س، ل، ا، س<sup>۲</sup> ۱۸- ق: بکشید تا ۱۹- ل: بدین بدکننده شویش زد دست (!)؛ س: بدانید بر بد شد او پیش دست؛ (لن، پ، لن): بدانید کوشد به بد پیش دست؛ ق: نباید ابر بد شدن پیش دست؛ ل، و، آ، ب: بدان اند و هم بر بدی پیش دست؛ متن = ف، س، ل، ا، س<sup>۲</sup> ۲۰- ل: بد را؛ س، ل، ا، س<sup>۲</sup> (نیز ق، ل، و، آ، ب): این را؛ متن = ف (نیز لن، ل، ا، لن)؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- ل: [و] ۲۲- ل: شادمانی کم و بیش؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س<sup>۲</sup> ۲۳- ل- س: (نیز لن، ق، ل، ا، پ، و، لن): مرگ؛ متن = ف (نیز ب؛ در ف سپس جنگ را به مرگ تصحیح کرده اند)؛ بنداری: و انا ولدنا للحرب والقتال ۲۴- ق: زان انجمن ۲۵- س: و آن انجمن؛ ق: وز طوس وز پیلتن؛ ل، س، ل: ز طوس وز گودرز و آن (ل: وز) انجمن؛ متن = ف ۲۶- ل، ق، ل، ا، س: [و]؛ متن = ف، س؛ در س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۷- ل: بدیشان؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س<sup>۲</sup> ۲۸- ل، س: بگرد؛ متن = ف، ق، ل، ا، س<sup>۲</sup>

## گفتار اندر عَرَض دادن لشکر<sup>۱</sup>

<p>چو از خوشه<sup>۳</sup> بنمود خورشید<sup>۴</sup> چهره، سَخُن‌های بایسته چندی براند به نَوی<sup>۶</sup> یکی دفتر اندر شکست که گویند نام کیهان و میهان چُنان<sup>۱۰</sup> چون بود درخور<sup>۱۱</sup> پهلوان صدوده سپهبد فگندند بی<sup>۱۲</sup> کجا بود پیوسته‌ی شاه نو همه گرزدار و همه لشکری که بُردی به هر کار تیمارشان خداوند گوپال و شمشیر<sup>۱۴</sup> و کوس که لشکر<sup>۱۶</sup> به رای وی آباد بود دلیران کوه و سواران دشت فرازنده‌ی اختر کماویان بزرگان و سالارشان گُستهم چو گرگینِ پیروزگر مایه‌دار<sup>۲۱</sup> سواران رزم و نگهبان<sup>۲۴</sup> گنج به رزم اندرون دست‌بردارشان<sup>۲۷</sup></p>	<p>بگشت اندرین<sup>۲</sup> نیز گردان‌سپهر ۱۳۵ ز پهلَو همه موبدان راه بخواند دو هفته در بار دادن بیست بفرمود موبد<sup>۷</sup> به روزی‌دهان سزاوار<sup>۸</sup> بنبشت<sup>۹</sup> نام گوان نخستین ز خویشان کاوس‌کی ۱۴۰ فربرز کاوس‌شان پیشرو گزین کرد هشتاد<sup>۱۳</sup> تن نوذری زرسپ سپهبد نگهدارشان که تاج کیان بود و فرزند طوس سدیگر<sup>۱۵</sup> چو گودرز گشواد بود ۱۴۵ نیره پسر داشت هفتاد و هشت<sup>۱۷</sup> فروزنده‌ی تاج و تخت<sup>۱۸</sup> کیان چو شست<sup>۱۹</sup> و سه از تخم‌ی گَزْدَه‌م<sup>۲۰</sup> ز خویشان میلاد بُد صد سوار ز تخم نوایه<sup>۲۲</sup> چو هشتاد<sup>۲۳</sup> و پنج ۱۵۰ کجا برنه<sup>۲۵</sup> بودی نگهدارشان<sup>۲۶</sup></p>
--	--

۱- ف: گفتار اندر نامه نشتن پهلوانان ایران بر رفتن و فرمودن کارها بدیشان جداگانه با خلعت و اسب و غلام؛ ل: عرض دادن لشکر شاه کیخسرو؛ س: عرض خواستن کیخسرو لشکر را از بهر جنگ افراسیاب؛ ق: گفتار در دیوان عرض شاه کیخسرو و هدایا شاه و پذیرفتن پهلوانان هدایا شاه را جهت رزم توان؛ ل: عرض کردن کیخسرو لشکر را و فرستادن به توران؛ س: لشکر ساختن کیخسرو به کین پدر؛ متن = آغاز ل ۲- س، ل، آ، س: اندران؛ متن = ف، ل، ق ۳- س: چشمه؛ (ب: گوشه)؛ متن = ف- ل (نیز لن، ق، آ، ل- آ) ۴- ل: خورشید بنمود؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۵- ق: پهلوانان ۶- ف- س: نوی؛ متن تصحیح قیاسی است ۷- ف (نیز ل، آ): خسرو؛ ق: روزی؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ل، پ، و، لن، آ، ب) ۸- ق: سرافراز ۹- ل- س (نیز لن- ب): نوشت؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- ل، آ، س: همه ۱۱- ق: لزدرد؛ ف این بیت را ندارد؛ در ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، و، ب) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲- در ل، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، و، ب) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پایی بیت‌های ۱۳۸ و ۱۳۹ = س (نیز لن، ل، پ، لن، آ) ۱۳- س: هفتاد ۱۴- ل، ق: شمشیر و کوبال؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۵- ل، ل: به دیگر ۱۶- ل، ق: گیتی؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۷- س: هشتاد و هشت ۱۸- ل، آ، س: تخت و تاج ۱۹- ف، ق، ل، آ، س: شصت؛ متن = ل، س ۲۰- در ف، س، ق، ل حرف دوم یک نقطه دارد و در ل، س به نقطه ۲۱- س: پیروز گرد و سوار (پساوند ندارد)؛ ق: پیروزور مایه‌دار؛ ل: فروزنده نامدار؛ س: پیروز بُد مایه‌دار؛ متن = ف، ل ۲۲- ل: لواده؛ ق: کوانه؛ ل، آ، س: نوابه؛ (ق: گزاره؛ ل: نزاره؛ ل: بوابه؛ ب: نوابه؛ و: نوازه؛ لن: نوانه؛ آ: نزاده؛ لغت شهنامه، شماره ۲۵۹۳: نواده)؛ متن = ف، س ۲۳- ق: هفتاد ۲۴- س: جنگ و نگهدار ۲۵- ل، س، ق، ل (نیز لن، ل، آ، و، آ، ب): برته؛ (ق: برهه؛ ل: بوته؛ ب: برته؛ لن: بُرته)؛ متن = ف، س ۲۶- (ل: نگهبانشان) ۲۷- (ق، آ، و، ب: نامبردارشان؛ ل: دستگه بانشان)؛ متن = ف- س (نیز لن، ل، پ، لن، آ)

چو سی‌وسه مهتر<sup>۱</sup> ز تخم پشنگ  
به روز نبرد او بُدی پیش کوس<sup>۳</sup>  
گزین ابرشهر هفتاد<sup>۶</sup> مرد  
بریشان نگهدار<sup>۸</sup> فرهاد بود  
ز تخم گرازه صدوپنج گرد<sup>۱۱</sup> ۱۵۵

کنارنگ با<sup>۱۲</sup> پهلوان گزین<sup>۱۳</sup>  
چنان<sup>۱۶</sup> بُد که موبد ندانست مر  
نیشند<sup>۱۸</sup> بر دفتر شهریار  
بفرمود کز شهر بیرون شوید<sup>۱۹</sup>  
سر ماه باید که از کره‌نای<sup>۲۰</sup> ۱۶۰  
همه سر سویی جنگ<sup>۲۱</sup> توران نهید<sup>۲۲</sup>  
نهادند سر پیش او بر زمین  
که ما<sup>۲۵</sup> بندگانیم و شاهی تراست  
فسیله که بودش به جایی یله<sup>۲۸</sup>  
بفرمود کان<sup>۳۰</sup> کو کمندافکن ست ۱۶۵  
به سوی فسیله<sup>۳۳</sup> کمند افکنید<sup>۳۴</sup>

که رویین بُدی شاهشان<sup>۲</sup> روز جنگ  
نگهبان<sup>۴</sup> گردان و داماد طوس<sup>۵</sup>  
که بودند گردنکشان<sup>۷</sup> نبرد  
که در جنگ<sup>۹</sup> سندان پولاد بود  
نگهدار<sup>۱۱</sup> ایشان هم او را شمرد<sup>۱۱</sup>

ردان و<sup>۱۴</sup> بزرگان با آفرین<sup>۱۵</sup>  
ز بس نامداران با برز<sup>۱۷</sup> و فر  
همه نامشان تا کی آید به کار  
ز پهلُو سویی دشت هامون شوید<sup>۱۹</sup>  
خروش آید و زخم هندی درای  
همه شادمانی و سور آن<sup>۲۳</sup> نهید  
همه یک‌به‌یک خواندند آفرین<sup>۲۴</sup>  
سر گاو<sup>۲۶</sup> تا برج<sup>۲۷</sup> ماهی تراست  
به لشکرگه آورد یکسر گله<sup>۲۹</sup>  
به رزم<sup>۳۱</sup> اندرون گرد<sup>۳۲</sup> رویین‌تن ست  
سر بادپایان به بند افکنید<sup>۳۴</sup>

۱- س: سی و سدبگر ۲- ف: که شیدوش بُد شاهشان؛ ق (نیزلی، ل، آ، ب) که رویین بُدی سازشان؛ لن: که روشن بُدی شاهشان؛ و: که رویین بُدی پیشان؛ متن = ل، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیزپ، لن، ب) ۳- ل: پیشرو ۴- س: نگهدار ۵- ل: گردان بدو ماه نو؛ در ق بیت های ۱۵۲-۱۵۴ درهم ریخته‌اند: ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴؛ س<sup>۱</sup> بیت های ۱۵۲-۱۵۴ را ندارد ۶- ف (نیزلی): گزین بود از این شهره (ل: شهر) هفتاد؛ ل: ز خوبشان شیروی هفتاد؛ ق: گزینند از آن شهر هشتاد؛ ل: گزین بود ازین شهر هفتاد؛ (لن، ب، لن): گزین کرد ابرشهر هشتاد؛ ق: گزین آور و شهره هشتاد؛ ل، آ: گزین آور شهر هفتاد؛ متن = س (س بیت ۳۱۴: داستان فرود سباوخش، بیت ۱۳۴) ۷- ل، س، ق، ل: گردان روز؛ متن = ف (نیزلی، ل، آ، ب) ۸- ل: گزین گوان شهره؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیزلی) هشت دستنویس دیگر؛ ق: بدیشان) ۹- ل: گه رزه؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۰- ل، س، ل، آ، س: نگهبان؛ متن = ف، ق ۱۱- ل، س: سپرد؛ ق: بایشان سپرد؛ متن = ف، ل، آ، س: ۱۲- ل: وزه؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ۱۳- ل، ق، ل، آ، س: (نیزلی، و، آ، ب): پهلوانان جزین؛ س: پهلوان زمین؛ متن = ف (نیزلی، ق، ب، لن، آ) ۱۴- س: گزین؛ ق: ز گردان؛ متن = ف، ل، آ، س: ۱۵- ق: ایران زمین ۱۶- س: بدان ۱۷- س: با زیب؛ ل، آ، س: با زوره؛ متن = ف، ل، ق ۱۸- ل، س، ق: نوشتند؛ متن = ف، ل، آ، س: ۱۹- ل- س (نیزلی، ق، ل، آ، ب، و، لن، آ، ب): شوند؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۲۰- ف، ل، س: کرتای ۲۱- ل: رزم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: ۲۲- ق: نهند؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س: (در ل حرف سوم نقطه ندارد) ۲۳- ل، س، ق، ل: (نیزلی، ل، آ، ب): سوران؛ متن = ف، س: (نیزپ، و، ضبط ف را می توان سود آن هم خواند) ۲۴- س (نیزلی، ل، ب، لن، آ) بجای این بیت افزوده‌اند:

بگفتند کای شاه با زیب و فر فروزنده شد از توتاج و کمر

۲۵- س: هم ۲۶- ل، ل، آ، س: (نیزلی): در گاو؛ س: در گنج؛ متن = ف، ق (نیزلی، آ) ۲۷- ق، ل، آ، س: (نیزلی): تا پشت؛ متن = ف، ل، س (نیزلی، آ) ۲۸- ل، ق، ل، آ، س: (نیزلی، ل، آ، ب): به جایی که بودند ز (ق، س: [ز]) اسبان یه (ق: گله)؛ متن = ف (نیزلی) ۲۹- ق: یله؛ س: این بیت را ندارد ۳۰- ل: هر ۳۱- س: جنگ ۳۲- ل، س: گردو؛ متن = ف، ل، آ، س: ق: این بیت را ندارد ۳۳- ل، س (نیزلی، ق، ب، و، لن، آ، ب): به پیش فینه؛ ق: بدان تا سواران؛ ل، س: برین دیو اسبان؛ (ل: ابریا اسبان)؛ متن = ف (نیزلی، آ) ۳۴- ل، ق، س: افکنند (در س حرف پنجم نقطه ندارد)؛ س: افکنند؛ متن = ف، ل



- در گنج دینار بگشاد و گفت  
 که هنگام کینه بر شهریار<sup>۳</sup>  
 به مردان همی<sup>۴</sup> گنج و تخت آوریم  
 چرا بُرد باید همی<sup>۵</sup> روزگار  
 ۱۷۰ سواران ایران در<sup>۶</sup> آن انجمن  
 بیاورد صد جامه دیبای روم  
 همان خز و منسوج هم زین شمار<sup>۷</sup>  
 نهادند پیش سرافرازشاه  
 که اینت بهای سر بی بها  
 ۱۷۵ کجا پهلوان<sup>۸</sup> خواند<sup>۹</sup> افراسیاب  
 سر و تیغ و اسپش<sup>۱۰</sup> بیارد چو گرد  
 سبک بیژن گیو بر پای جست  
 همه جامه برداشت و آن جام زر  
 بسی آفرین کرد بر شهریار<sup>۱۱</sup>  
 ۱۸۰ و زانجا بیامد به جای نشست
- که گنج بزرگان<sup>۱</sup> نباید<sup>۲</sup> نهفت  
 شود گنج دینار بر چشم خوار  
 به خورشید بار درخت آوریم  
 که گنج از پی مردم آید به کار  
 بزرگان نشسته<sup>۳</sup> همه تن به تن  
 همه پیکرش<sup>۴</sup> گوهر و زر بوم  
 یکی جام<sup>۵</sup> پُر گوهر شاهوار<sup>۶</sup>  
 چنین گفت شاه جهان با سپاه  
 بلاشان<sup>۷</sup> دُرْخیم<sup>۸</sup> نرآزدها  
 به بیداری<sup>۹</sup> او شود سیرخواب<sup>۱۰</sup>  
 به لشکرگه ما به روز نبرد  
 میان کشتن آزدها را بیست  
 به جام اندرون نیز چندی<sup>۱۱</sup> گهر  
 که بادی چنین جاودان کامگار<sup>۱۲</sup>  
 گرفته چنان<sup>۱۳</sup> جام گوهر به دست
- به گنجور فرمود<sup>۱۴</sup> پس شهریار  
 همان خز و دیبای و صد<sup>۱۵</sup> پرنیان  
 چنین گفت کین<sup>۱۶</sup> هدیه آنرا دهم<sup>۱۷</sup>
- که آرد دو صد<sup>۱۸</sup> جامه ی زرنگار<sup>۱۹</sup>  
 دو گلرخ به زنار بسته میان  
 و زانپس<sup>۲۰</sup> بسی نیز بر سر نهم<sup>۲۱</sup>

۱- ل: گنج از بزرگان؛ س: رنج بزرگان؛ ق: گنج نیاکان؛ متن = ف، ل، س (نیز ل - ب) ۲- ل، س: نشاید؛ متن = ف، ق، ل، س؛ س: در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳- ل، س، ق (نیز و، ب): گه بخشش و کینه شهریار؛ س (نیز ل، ق، ب، ل): گه بخشش و کینه و کارزار؛ ل، س: گه کینه جستن بر شهریار؛ (ل: گه جستن کینه بر شهریار)؛ متن = ف ۴- س: هم؛ س: به میدان هم؛ ق: به مردی همی؛ متن = ف، ل ۵- ل: غم؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۶- ل: بزرگان ایران؛ متن = ف، س ۷- ل: نشسته به پیش؛ متن = ف، س؛ س، ق، ل: این بیت را ندارند ۸- ل، ق: پیکر از؛ متن = ف، س، ل، س ۹- ل: هم از خز و منسوج و هم پرنیان؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۱۰- س: جامه ۱۱- ل: اندر میان؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۱۲- (ق: پلاشان؛ ل: ب: پلاشان) ۱۳- ق: بدخیم ۱۴- ل: پهلوش ۱۵- س، ق، س: خواندش؛ متن = ف، ل، ل ۱۶- ل: به بیدادی (!) ۱۷- ل: شیر خواب ۱۸- ف: سر و اسب و تیغش؛ متن = ل- س ۱۹- ل: چند گونه؛ س: کرده چندی ۲۰- س: خواند بر ناجدار ۲۱- ل: پایدار؛ ل، س: که خرم بدی (س): بزی) تا بود روزگار؛ ق: که پیروز بادا سرتاجدار؛ متن = ف، س؛ ل، س (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:  
 چنان دان که آن آزدها بسی سرست (ل: آزدهای سرست)

که در روزه (ل: جنگ) یزدان مرا یاورست

۲۲- ق: همان؛ متن = ف، ل، ل، س؛ س این بیت را ندارد ۲۳- س، ل: به موبد بفرمود؛ ق: و زانپس بفرمود؛ متن = ف، ل، س ۲۴- س، ل: که آورد صد؛ ق: که آزند صد؛ متن = ف، ل، س ۲۵- ل: شاهوار ۲۶- ف: دیبای صد؛ ق: دیا و صد؛ ل: صد از خز دیا و صد؛ س، ل، س: همه خز و دیا و صد (ل: وهم؛ س: و از)؛ متن تصحیح فیاسی است (ف، ق) ۲۷- س: این؛ ق: همی گفت این ۲۸- س: او را ۲۹- س: از آنپس؛ متن = ۳۰- ل: بدو نیز دیگر دهم؛ ل: وزو بر دل خویش منت نهم؛ س: وزین بیشتر نیز بر سر نهم؛ متن = ف، ق

<p>۱۸۵ که تاج تزاوا آورد پیش من که افراسیابش به سر بر نهاد همان<sup>۴</sup> بیژن گیو برجست باز<sup>۵</sup> پرستنده و هدیه‌ها<sup>۶</sup> برگرفت بسی آفرین کرد و بنشست شاد<sup>۷</sup></p>	<p>وگر<sup>۲</sup> پیش این نامدارانجمن ورا خواند بیدار و فرخ‌نژاد<sup>۳</sup> کجا بود در جنگ چنگش دراز<sup>۶</sup> ازو مانده بُد<sup>۸</sup> انجمن در شگفت که گیتی به کیخسرو آباد باد<sup>۱۰</sup>!</p>
<p>۱۹۰ بفرمود تا با کمر ده غلام ز پوشیده‌رویان ده آراسته چنین گفت بیدارشاه رمه کسی را که چون سر بیچد تزاو پرستنده‌یی دارد او<sup>۱۶</sup> روز جنگ به رخ چون بهار و به بالا چو<sup>۱۸</sup> سرو یکی ماه‌روی‌ست<sup>۲۰</sup> نام اسپنوی<sup>۲۱</sup> نباید زدن چون بیابدش<sup>۲۲</sup> تیغ به خَم کمند ار گرفته کمر بزد دست بیژن بر آن<sup>۲۴</sup> هم به بر به شاه جهان بر ستایش گرفت ازو<sup>۲۵</sup> شاد شد شهریار بزرگ</p>	<p>ده اسپ گزیده<sup>۱۱</sup> به زرین‌لگام<sup>۱۲</sup> بیاورد موبد چُنین<sup>۱۳</sup> خواسته که اسپان و این<sup>۱۴</sup> خوب‌رویان همه، — سزد گر ندارد دل شیر گاو<sup>۱۵</sup>—، کز آواز او رام گردد پلنگ<sup>۱۷</sup> میانش<sup>۱۹</sup> چو غرو و به رفتن تذور سمن‌پیکر و دلبر و مُشک‌بوی که از تیغ باشد چنان رخ دریغ بر آنسان که آرد کسی را<sup>۲۳</sup> به بر بیامد بر شاه پیروزگر جهان‌آفرین را نیایش گرفت چُنین گفت کای نامدار سترگ،</p>

۱- ل: تجاو ۲- ق: همان ۳- س: بیدار فرخ‌نژاد؛ ق: داماد فرخ‌نژاد؛ س: همان تاج کورا سیاوش داد؛ متن = ف، ل، ل  
۴- س: دگر ۵- ل: زود؛ ق: بر پای جست؛ متن = ف، س، ل، س ۶- ل: برسان دود؛ ق: به برزد بر آن کار  
هشار دست؛ متن = ف، س، ل، س ۷- س: (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

جوان بود و جویای نام مهان که نامش فسانه کند (شود) در جهان

۷- ل: جامها؛ س: و آن هدیه‌ها؛ ل: بزد دست و آن هدیه‌ها؛ متن = ف، س، ق ۸- ل، ق: آن؛ ل: ماندند؛ متن = ف، س، س  
۹- ق: کرد بر شهریار ۱۰- ق: که جاوید بادی و به روزگار ۱۱- ق، س: سپید؛ س: همان نازی‌اسبان؛ متن =  
ف، ل، ل ۱۲- ل، س: ستام؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۳- ق: ابا؛ س: کیخسرو این؛ متن = ف، ل، س، ل ۱۴-  
س: که این باره و ۱۵- ف (نیز پ): تاو؛ (ل: سر شیر تاو)؛ متن = ل- س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- س:  
این ۱۷- س: هنگ؛ س: پس از این بیت افزوده است:

ز دیدار او براه (!) گیرد روا چنو چنگ گیرد بخندد هوا

۱۸- س: به بالای ۱۹- ل: به خوبی؛ در س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۰- س: ماه‌روی و  
به ۲۱- ف- س (نیز لن- ب): اسپنوی؛ ف، ق، س (نیز ق، ل، آ، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

سمن‌برنگاری سمن‌بوی کام (س: نام؛ ق: سبب‌نام) سواری که آرد مرورا به دام

ل، س، ل (نیز لن، ل، پ، و، لن) این بیت را ندارند، ولی در ل آنرا به خطی دیگر در کناره افزوده‌اند ۲۲- ف (نیز ل، و): بیایش؛  
س: بیاید به؛ ل (نیز ل): بیاید به؛ (لن، ب: بیابدش)؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، ق، پ، آ)؛ ف (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

نباید که بادی برو بر بسزد (ل: آ: برورد) که پزمرده گردد فرو پزمرد (ل: آ: نه مارا سزد)

۲۳- س (نیز لن، پ، لن): مرا و را؛ ق: بدانسان یارد که آید؛ ل: بر آن بتازد که آرد؛ س: بر آنسانش آرد که دارد؛ (و: یارد بر آنسان که  
آید؛ ب: برانسان بیارد که دابه)؛ متن = ف؛ ل این بیت و بیت سپین را ندارد، ولی آنها را به خطی دیگر در میان ستون‌ها افزوده‌اند ۲۴-  
ق، س: بدان؛ ل: دیدم (!)؛ متن = ف، س ۲۵- ل: بدو؛ متن = ف، س، ق، ل، س

همان جان پاک<sup>۱</sup> تو بی تن مباد!

چو تو پهلوان یار دشمن مباد!

که ده جام زرین بیار از نِهفت  
 ده از نقره‌ی خام تا سر گهر<sup>۵</sup>  
 ز پیروزه دیگری یکی<sup>۶</sup> لاژورد<sup>۷</sup>  
 به مُشک و گلاب اندر آمیخته<sup>۱۰</sup>  
 ده<sup>۱۲</sup> اسپ گرانمایه زرین لگام<sup>۱۳</sup>  
 بود در تنش<sup>۱۴</sup> روز جنگ تراو  
 به پیش دلاور<sup>۱۷</sup> سپاه آورد  
 میان جنگ آن پهلوان<sup>۱۹</sup> را بیست  
 ببردند پیش وی آراسته  
 که بی تو مبادا کلاه و نگین!  
 که ده جام<sup>۲۳</sup> زرین بنه پیش گاه  
 پری روی ده با کلاه و کمر<sup>۲۶</sup>  
 یکی خسروی افسر و ده کمر<sup>۲۸</sup>  
 ندارد دریغ از پی نام<sup>۳۰</sup> و گنج  
 دهد بر روان سیاوش درود

جهاندار<sup>۲</sup> از آن پس<sup>۳</sup> به گنجور گفت  
 شَمامه نهاده بر آن<sup>۴</sup> جام زر  
 پُر از مُشک جامی ز یاقوت زرد  
 عقیق و زبرجد<sup>۸</sup> برو<sup>۹</sup> ریخته  
 پرستنده‌یی<sup>۱۱</sup> با کمر ده غلام  
 چُنین گفت کین هدیه آنرا که تاو  
 سرش را بدین<sup>۱۵</sup> زیرگاه<sup>۱۶</sup> آورد  
 به بر زد بر آن<sup>۱۸</sup> گبو گودرز دست  
 گرانمایه خوبان<sup>۲۰</sup> و آن<sup>۲۱</sup> خواسته  
 همی خواند بر شهریار آفرین  
 و ز آن پس<sup>۲۲</sup> به گنجور فرمود شاه  
 برو ریز<sup>۲۴</sup> دینار و مُشک<sup>۲۵</sup> و گهر  
 دو صد خَز و دیبای پیکر به زر<sup>۲۷</sup>  
 چُنین گفت کین<sup>۲۹</sup> هدیه آن را که رنج  
 از ایدر شود<sup>۳۱</sup> تا سر<sup>۳۲</sup> کاس رود<sup>۳۳</sup>

- ۱- ل- س<sup>۲</sup> (نیز لسن، ق<sup>۱</sup>، لی، پ، و لسن<sup>۲</sup>، آ): درخشنده جان؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> (نیز ل<sup>۲</sup>) ۲- س: سپهدار ۳- ل: زان ۴- ل: در آن؛ ق: اسر جام؛ س: نهادند بر؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup> ۵- ل: با شش کمر؛ متن = ف، س، ق، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup> ۶- س: جامی دگر؛ ل<sup>۲</sup>: هم دیگری؛ س<sup>۲</sup>: جامی دو از؛ متن = ف، ل، ق ۷- ف، س، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>: لاژورد؛ متن = ل، ق ۸- ل، س، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>: زمرد؛ متن = ف، ق ۹- ق: درو؛ س<sup>۲</sup>: فرو؛ متن = ف، ل، س، ل<sup>۲</sup> ۱۰- ف (نیز لسن<sup>۲</sup>): اندر آویخته (!)؛ متن = ل- س<sup>۲</sup> (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۱- س، ق: پرستنده و؛ س<sup>۲</sup>: پرستندگان؛ متن = ف، ل، ل<sup>۲</sup> ۱۲- ق: دو ۱۳- ل، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>: ستام؛ متن = ف، س، ق ۱۴- ف (نیز ل<sup>۲</sup>): پیش رو (؟)؛ ل<sup>۲</sup>: پیش در؛ (ق<sup>۲</sup>): در دلش؛ لسن<sup>۲</sup>: در پیش؛ متن = ل، س، ق، س<sup>۲</sup> (نیز لسن، لی، پ، و آ، ب) ۱۵- س، س<sup>۲</sup>: بدان؛ متن = ف، ل، ق، ل<sup>۲</sup> ۱۶- ل (نیز و، ب): بارگاه؛ س، ق، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup> (نیز لسن، ق<sup>۲</sup>، لی، ل<sup>۲</sup>، پ، لسن<sup>۲</sup>، آ): رزمگاه؛ متن = ف ۱۷- س: دلاور به پیش؛ متن = ف، ل، ق، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup> ۱۸- ل: بدین؛ س، ل<sup>۲</sup>: برین؛ ق، س<sup>۲</sup>: بدان؛ متن = ف ۱۹- ل: رزم آن پهلوان؛ ق: کشتن ازدها؛ متن = ف، س، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup> ۲۰- س: اسبان ۲۱- ل: این؛ س<sup>۲</sup>: بجای این بیت و بیت سپین افزوده است: گهر گرچه بودش ز گودرز گردد که نادمندان را به دشمن سپرد ۲۲- ل: از آن پس ۲۳- ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>: خوان؛ س در اینجا سرنویس دارد: هدیه دادن شاه کبخسرو ایرانیان را ۲۴- س: برآمیز؛ ق: درو ریز؛ متن = ف، ل، ل<sup>۲</sup> ۲۵- ق، ل<sup>۲</sup>: در؛ س<sup>۲</sup>: برو ریخته مشک و زر ۲۶- ل: یکی افسر خسروی با کمر؛ متن = ف، س، ق، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup> ۲۷- ف: پیکر پرند؛ ق: خَز دیبای پیکر به زر؛ متن = س، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup> (نیز لسن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، و لسن<sup>۲</sup>، ب) ۲۸- ف: کند؛ س، ق، س<sup>۲</sup> (نیز لسن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، و لسن<sup>۲</sup>): یکی افسر خسروی ده (ق، و؛ با) کمر؛ ل<sup>۲</sup>: یکی یاره و افسر و ده کمر؛ متن = (ب)؛ ل این بیت را ندارد؛ در س<sup>۲</sup> لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۹- ق: این ۳۰- ق، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>: تاج؛ متن = ف، ل، س ۳۱- س، ق: رود؛ متن = ف، ل، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup> ۳۲- ل، ق: در؛ س<sup>۲</sup>: سوی؛ متن = ف، س، ل<sup>۲</sup> ۳۳- ل- س<sup>۲</sup> (نیز لسن- ب): کاس رود؛ متن = ف

ز هیزم یکی کوه بیند بلند  
 چنان خواست کان را کسی<sup>۲</sup> نسپرد  
 ۲۲۰ دلیری از ایران ببايد شدن  
 بدان تا گر آنجا بود رزمگاه  
 همان گيو گفت: اين<sup>۵</sup> شكار منست  
 اگر لشکر آيد نترسم ز رزم  
 همه<sup>۷</sup> خواسته گيو را داد شاه  
 ۲۲۵ ابي<sup>۱</sup> تیغ تو تاج روشن مباد!

بفرمود صد ديبه از<sup>۱۱</sup> رنگ رنگ  
 هم از گنج صد در<sup>۱۲</sup> خوشاب جست<sup>۱۳</sup>  
 ز پرده پرستار پنج<sup>۱۵</sup> آورد  
 چنين گفت کين هديه آنرا سزاست  
 ۲۳۰ دليرست و بينادل و چرب گوي<sup>۱۸</sup>  
 پيامي<sup>۲۱</sup> برد نزد افراسياب  
 ز گفتار او پاسخ آرد به من  
 بيازيد گرگين ميلاد دست  
 پرستار و آن جامه‌ي زرينگار  
 ۲۳۵ ابر شهريار آفرين کرد و گفت

۱- س، ل، آ، س: ۲: ده؛ متن = ف، ل، ق: ق، ل، آ، س: ۲ پس از اين بيت افزوده اند:  
 که افراسياب آن بداندیش مرد برآن کوه از بهر آن کنار کرد  
 ۲- ل، س، ل، آ، س: ۲: ره کسی؛ ق (نیز لن - آ، ب): راه کسی؛ متن = ف ۳- ل - س: ۲ (نیز لی، ل، آ، ب): از (ق، س: ۲: ز) ایران  
 به توران؛ متن = ف (نیز لن، ق، آ، ب، لن) ۴- ل - س: ۲ (نیز لن - ب): کاسه رود؛ متن = ف ۵- ف: گفت کان (!)؛ س،  
 ل: گفت آن؛ ق: گفتا؛ متن = ل، س: ۲ ۶- ق: چون گرایم که بزم: ل پس از این بیت افزوده است:  
 ره لشکر از برف آسان کنم دل تکرک را زان هراسان کنم  
 ۷- ل، آ، س: ۲: همان ۸- ق: پهلوان ۹- ل، س، ل، آ، س: ۲: که بی: متن = ف، ق ۱۰- س: بی تنو: ل: چنين  
 بارزوی ۱۱- ل، س: ديبه؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: ۲ ۱۲- ل، س: دانه؛ س: ۲: ززه: متن ← ۱۳- ق: صد در خوشاب  
 (وزن ندارد)؛ متن = ف، ل ۱۴- س، ل، آ، س: ۲: گویی درست: ق: گویی در آب؛ متن = ف، ل ۱۵- س: پیش ۱۶-  
 ف: سرو جعد از؛ س: سرو جعدو؛ ل، آ، س: ۲: سرو موی از؛ متن = ل، ق ۱۷- ل، ق، ل، آ، س: ۲: جان پاکش؛ متن = ف، س ۱۸-  
 ف: خوب گوی؛ س، س: ۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): جنگجوی؛ ق: خوب گوی؛ (ل: راه جوی)؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ) ۱۹- ق:  
 نگرداند ۲۰- ق: رو؛ س: ۲: از شیروز پیل روی؛ ل: ۲: این بیت را ندارد ۲۱- ل، آ، س: ۲: پیامه ۲۲- ل، س، ق، س: ۲: به  
 دیده در؛ ل: ۲: بدید اندر؛ متن = ف: به دیده اندر (← ضحاک، بیت ۴۰) ۲۳- ل (نیز لن، ل، آ، ب): که دانید ازین (ل: ۲: زین)؛ س  
 (نیز لی، لن): که دانند ازین (س: این)؛ ق: که راند ازین؛ ل، آ، س: ۲: که باشد ازین؛ (و: که دارید ازین)؛ متن = ف (نیز ق) ۲۴-  
 ق: بی شمار ۲۵- س، ل، آ، س: ۲: بران؛ متن = ف، ل، ق ۲۶- س، ل، آ، س: ۲: و آن؛ متن = ف، ل، ق

ازا افزاز کوه اندرآمد چراغ،  
 برفتند گردان سُوی خان خویش  
 همه شب همی زرّ<sup>۳</sup> و گوهر فشاند  
 به ابر اندرآمد خروش خروس،  
 از<sup>۷</sup> ایران<sup>۸</sup> سَخُن رفت و از<sup>۱</sup> تاج و گاه  
 همی رفت هر گونه از<sup>۱۱</sup> بیش و کم  
 که ای نامبردار با آفرین،  
 کزان<sup>۱۴</sup> بوم و بر تور<sup>۱۵</sup> را بهر بود  
 یکی خوب جایست با فرهی  
 بیفتاد ازو فرّ و نام و گهر<sup>۱۷</sup>،  
 سُوی شاه ایران همی ننگرند  
 تن بی گناهان ازیشان به رنج  
 سر از باد توران<sup>۲۲</sup> برافراختن  
 پی مور با چنگ شیران<sup>۲۴</sup> تُراست  
 فرستاد با پهلوانی سترگ  
 وُگر سر بدین بارگاه آورند  
 به توران زمین بر شکست<sup>۲۶</sup> آوریم  
 که جاوید بادی که اینست راه  
 تو بگزین ازین لشکر<sup>۲۷</sup> نامدار  
 بهای زمین<sup>۲۸</sup> درخور ارز تُست  
 چنان چون بیاید ز جنگاوران<sup>۲۹</sup>

چو روی زمین گشت چون پرّ زاغ  
 سپهبد بیامد به ایوان خویش  
 می آورد<sup>۲</sup> و رامشگران را بخواند  
 چو از روز شد کوه<sup>۴</sup> چون سندروس<sup>۵</sup>  
 ۲۴۰ تهمتن بیامد بنزدیک<sup>۶</sup> شاه  
 زواره، فرامرز با او<sup>۱۰</sup> بهم  
 چُنین گفت رستم به شاه زمین  
 به زاولستان<sup>۱۲</sup> در<sup>۱۳</sup> یکی شهر بود  
 منوچهر کرد آن ز ترکان تهی  
 ۲۴۵ چو کاوس شد بی دل و پیرسر<sup>۱۶</sup>  
 همی<sup>۱۸</sup> باز و ساوش به توران برند  
 فراوان بدان مرز<sup>۱۹</sup> پیلست<sup>۲۰</sup> و گنج  
 ز بس غارت و کشتن<sup>۲۱</sup> و تاختن  
 کنون شهریاری به<sup>۲۳</sup> ایران تُراست  
 ۲۵۰ یکی لشکری باید اکنون بزرگ  
 اگر باز نزدیک شاه آورند  
 چون آن مرز یکسر به دست<sup>۲۵</sup> آوریم  
 به رستم چُنین پاسخ آورد شاه  
 بین تا سپه چند باید بکار  
 ۲۵۵ زمینی که پیوسته‌ی مرز تُست  
 فرامرز را ده سپاهی گران

۱- ل، ق، ل، س: زه متن = ف، س ۲- ف، ل: می و رود؛ متن = س، ق، ل، س: (— بیت ۲۶۰) ۳- س، ل، س: در: متن = ف، ل، ق ۴- ل: کوه شد روز؛ ق، ل: دور شد کوه؛ متن = ف، س، س: ۵- ل: آبنوس ۶- ل، س: به درگاه؛ متن = ف، س، ق، ل: ۷- ل، س: زه متن = ف، ق، ل، س: ۸- ل: ترکان؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ۹- ف، ل، ق، س: وزه متن = س، ل: ق در اینجا سرنویس دارد: رفتن فرامرز به باز کشور شدن و لشکر آراستن شاه جهت رزم توران ۱۰- ق: وی ۱۱- ل: هرگونه ۱۲- س، ق: زابلسان؛ متن = ف، ل، ل، س: ۱۳- س: بر ۱۴- س: کزین ۱۵- ق: ترک ۱۶- ف: بی پسر؛ (لن: تیزسر)؛ متن = ل- س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۷- س: (نیز لی): هنر: ل (نیز و ل): نام شاهی و فر: س: نام و فر و گهر: ق، ل: (نیز لن، پ، لن، ب): نام و فر و هنر: متن = ف (نیز ق): ۱۸- ق: همه؛ ل: کنون ۱۹- ل: شهر: س: بران بوم ۲۰- س: بناج است ۲۱- ل، ق، ل، س: کشتن و غارت؛ متن = ف، س ۲۲- ل: باز ترکان؛ س: باز توران؛ ق: ناز ترکان؛ ل: باد توران؛ متن = ف، س: س: پس از این بیت افزوده است: بسی روم از هند و هم زمین نشان گرفتند آیین ازین سرکشان ۲۳- س: [به] ۲۴- ل (نیز ل، و، ب): تن پیل و جنگال شیران؛ س (نیز لن، لی، پ، لن، آ): پی (لی، آ: دل) نامور چنگ شیران؛ ق، ل، س: همین مرز تا مرز (ل: شهر) توران؛ (ق: تن مور با چنگ شیران)؛ متن = ف ۲۵- ق: بچنگ ۲۶- ل: نشت؛ ق: به ترکان جهان نار و ننگ ۲۷- ل: نو خود برگزین لشکری ۲۸- ف: بمانی چنین؛ ق: بهای چنین؛ (ق: بهار زمین)؛ متن = ل، س، ل، س: (نیز لن، لی، ل، و، لن، آ، ب) ۲۹- س: کنداوران

گشاده شود کار بر دست اوی<sup>۱</sup>  
 رخ پهلوان گشت از آن<sup>۲</sup> آبدار  
 بفرمود از آنپس<sup>۳</sup> به سالار بار  
 می آورد و رامشگران را بخواند ۲۶۰  
 چو خورشید تابان<sup>۴</sup> برآمد ز کوه  
 تبیره برآمد ز درگاه شاه  
 بستند بر پیل روینه<sup>۵</sup> خم  
 نهادند بر کوهی پیل تخت  
 پیامد نشست از بر پیل شاه<sup>۶</sup> ۲۶۵  
 فروهشته از تاج دو گوشوار  
 به چنگ اندرون گزهی گاوسار  
 بزد مهره بر کوهی زنده پیل  
 ز تیغ و ز گرز و ز کوس و ز گرد<sup>۷</sup> ۲۷۰  
 تو گفתי به دام<sup>۸</sup> اندرست آفتاب

به کام نهنگان رسد شست اوی<sup>۱</sup>  
 بسی آفرین خواند بر شهریار  
 که خوان از<sup>۲</sup> خورشگر<sup>۳</sup> کند خواستار<sup>۴</sup>  
 از<sup>۵</sup> آواز<sup>۶</sup> بلبل همی خیره ماند  
 سراینده آمد ز گفتن ستوه،  
 رده برکشیدند بر<sup>۷</sup> بارگاه  
 برآمد خروشیدن گاودم<sup>۸</sup>  
 به بار آمد آن خسروانی درخت<sup>۹</sup>  
 نهاده به سربر ز گوهر<sup>۱۰</sup> کلاه  
 به در و به<sup>۱۱</sup> یاقوت کرده نگار  
 یکی طوق<sup>۱۲</sup> پُر گوهر شاهوار  
 زمین شد بکردار دریای نیل<sup>۱۳</sup>  
 سیه شد زمین، آسمان لاژورد<sup>۱۴</sup>  
 و گرا<sup>۱۵</sup> گشت خم سپهر اندر آب

۱- ل، س، ق، ل؛ او؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> ۲- ل: زان ۳- ل (نیز ل، ل، پ، و، ل، ب): بفرمود خسرو؛ متن = ف، س، ق، ل؛ س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، آ) ۴- س، ق، ل؛ س<sup>۱</sup> (نیز ل)؛ و؛ متن = ل (نیز ق، ل، و، آ) ۵- ل؛ خورشها ۶- ف: که مر بزم را زود کن خواستار ۷- ل، س، ل؛ س<sup>۱</sup>؛ وز؛ متن = ف، ق ۸- ل؛ آوای؛ ل پس از این بیت افزوده است:

سران با فرامرزو با پیل تن  
 غریبونده نای و خروشنده چنگ  
 همه تازهروی و همه شاددل  
 ز هرگونه گفتارها رانندند  
 5 که هرکس که در شاهی او داد داد  
 همان شاه بیدادگر در جهان  
 به گیتی بماند ازو نماند بد  
 کسی را که پیشه بجز داد نیست  
 همی باده خوردند بریاسمن  
 بدست اندرون دسته بوی و رنگ  
 ز درد و غمان گشته آزاد دل  
 سخن های شاهان بسی خواندند  
 شود در دو گیتی ز کردار شاد  
 نکوهیده باشد بنزد مهان  
 همان بیش بزدان سرانجام بد  
 چنودر دو گیتی دگر شاد نیست

۹- س: رخشان؛ بنداری (۱۵۹-۲۶۱): فلما فعلوا ذلك فتح أبواب الخزان فأعطاهم العطايا الوافرة، وخلع عليهم الخلع الرائعة، وأمرهم بأن يستعدوا للخروج إلى العدو ۱۰- ل؛ در ۱۱- در س بیت های ۲۶۳-۲۶۵ پس از بیت ۲۷۳ آمده اند ۱۲- ل؛ این بیت را ندارد ۱۳- ق: تخت شاه؛ س: نشست از بر پیل بر تخت شاه؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۱۴- س: آهن؛ متن = ف، ل، ق، ل؛ س؛ در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ بنداری (۲۶۲-۲۶۵): ثم بعد ذلك ارتفعت أصوات الكوثرات من الميدان صيحة يوه من تلك الأيام فجاءوا بفيل على ظهره تخت منصوب من الفيروزج، فعلاه الملك كیخسرو معتصبا بتاج من الذهب المصع بالياقوت ۱۵- س؛ به دینارو؛ در ل؛ س؛ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ در ل بجای بیت های ۲۶۶ و ۲۶۷ آمده است:

یکی طوق پرگوهر شاهوار (= ۲۶۷ ب) فروهشته از تاج با گوشوار (= ۲۶۶ آ)

۱۶- ق: تاج؛ در ق ل ت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۷- س؛ پس از این بیت افزوده است:

یکی تاج بر سر ز یاقوت و زر  
 به چنگ اندرون گرز گاو سر

۱۸- ل؛ و کمر؛ ق: ز کوس و ز تیغ و ز گرز و ز گرد؛ س: ز تیغ و ز کوس و ز گرز و ز گرد؛ متن = ف، ل ۱۹- ف، ق، س؛ لاچورد؛ متن = ل؛ ل؛ زمین شد سیه آسمان پر غبر؛ در س این بیت چنین آمده است:

ز تیغ و سندان و ز گرز گران  
 سیه شد زمین لاچورد آسمان

۲۰- س: چرم ۲۱- ق: یا

همی چشمِ روشنِ عِنان<sup>۱</sup> را ندید  
 ز دریای آرمیده<sup>۳</sup> برخاست موج  
 سراپرده بردند از<sup>۴</sup> ایوان به دشت  
 همی رفت شاه از بر زنده پیل  
 همی زد<sup>۷</sup> میان سپه پیل گام  
 یکی مهره در جام بر دست شاه  
 چو بر پشت پیل آن شه نامور<sup>۹</sup>  
 نبودی به هر پادشاهی روا  
 از آن نامور<sup>۱۲</sup> خسرو<sup>۱۳</sup> سرکشان  
 سپهر و ستاره جهان را ندید<sup>۲</sup>  
 سپاه اندرآمده می فوج فوج  
 سپهر<sup>۵</sup> از خروشیدن آسیمه گشت  
 یکی تخت پیروزه برسان نیل<sup>۶</sup>  
 ابا زنگ زرین و زرین ستام<sup>۸</sup>  
 به کیوان رسیده خروش سپاه  
 زدی مهره در<sup>۱۰</sup> جام و بتی کمر  
 نشتن مگر بر در پادشا<sup>۱۱</sup>  
 چنین بود در<sup>۱۴</sup> پادشایی<sup>۱۵</sup> نشان

گفتار اندر برگزیدن لشکر ایران بنزدیک کیخسرو<sup>۱۶</sup>

همی بود با پیل بر<sup>۱۷</sup> پهن دشت  
 نخستین فریبرز بُد پیشرو  
 ابا<sup>۱۹</sup> تاج و با گرز<sup>۲۰</sup> و زرینه کفش  
 یکی باره بی برنشته سمند  
 همی رفت با باد و با برز<sup>۲۱</sup> و فر  
 برو آفرین کرد شاه جهان  
 به هر کار بخت تو پیروز باد  
 بدان تا سپه پیش او<sup>۱۸</sup> برگزشت  
 گذر کرد پیش جهاندار نو  
 پس پشت خورشید پیکر درفش  
 به فتراک بر حلقه کرده کمند  
 سپاهش<sup>۲۲</sup> همه غرقه در سیم و زر  
 که بیشی ترا باد و فر مهان  
 همه روزگار تو نپروز باد<sup>۲۳</sup>

۱- س، ق، ل، س، ۲: جهان؛ متن = ف، ل ۲- س: سپهر از خروشیدن اندر کشید ۳- ف: ارمیده (ج-آرمیده)؛ ل: ساکن چو؛ (ق): ارمنده؛ س، ق، ل، س، ۴: (نیز، ل، پ، لن، آ، ب): ز دریا تو گفتی که؛ متن = (و): بنداری بیت های ۲۶۶-۲۷۲ را ندارد ۵- ل: سپاه ۶- ق، س: زمین شد بگردار دریای ز؛ متن = ف، ق، ل، س، ۷: درس پس از این بیت، بیت های ۲۶۳-۲۶۵ آمده اند ۸- ل: آتینا بیت های یکم و سوم و س: تنها بیت سوم را افزوده اند (درس: بیت یکم پس از بیت ۲۶۸ آمده است):

یکی تاج بر سر زیاقوت وزر (ق): یاقوت زرد) به چنگ اندرون گرز گاو سر (ق): زیروزه کرده بر ولا ژورد)  
 یکی طوق پر گوهر شاهوار (=۲۶۷ ب) فروهشته از تاج وز گوشوار (=۲۶۶ آ)  
 به بازو دوباره زرزو گهر (س): زیاقوت زرد؛ ل: زیاقوتها بر نهاده برز) ز در خوشاب وز بر جد (ل): زمرد؛ س: ز خوشاب زرزو گهر) کمر  
 ۷- ق: در؛ متن = ف، ل، ل، س، ۸- ل: لگام؛ س: بیتهای ۲۷۵ و ۲۷۶ را ندارد ۹- س، ق: تاجور؛ متن = ف، ل، ل، س، ۱۰- ل: بر؛ متن = ف، س، ق، ل، س، ۱۱- در ل: پس از این بیت، بیت ۲۸۲ آمده است ۱۲- س: بدان تاجور ۱۳- ل: شاه ۱۴- س: آمد از ۱۵- ل: س: پادشاهی؛ متن = ف ۱۶- ف: گفتار اندر رفتن شاه کیخسرو به صحرا و برگزیدن لشکر ایرانیان برو و نشان دادن علمها و سلیح هریک؛ متن = س ۱۷- ل، ق: در؛ ل: بر پیل در؛ متن = ف، س، س، ۱۸- ف: سر بر؛ (ل): نزد وی؛ متن = ل- س (نیز، ل، ق، ل، پ، ب): بنداری (۲۷۳-۲۸۰): و خرج الی الصحراء و فی یده جام فیه خزره متی حرکتها الملك ركب العسكر اجمعون حتى لا يبق منهم على وجه الأرض أحد. فوقف وأمر بالعرض ۱۹- س: که با ۲۰- ل: گرز و با تاج ۲۱- ف: شادان ابا برز؛ س: با بازو و با برز؛ (نیز، ل، پ، لن): با یال و با برز؛ ل: تابان با برز؛ س (نیز، ل، ب): با بازو و با برز (س): زور؛ (ق): با یار و با برز؛ ل، آ: با بازو و با یوز؛ متن = ل (نیز و) ۲۲- س، ق، ل، س: سپاهی؛ متن = ف، ل ۲۳- ل ۲۸۶ ب و ۲۸۷ آ را انداخته و از ۲۸۶ آ و ۲۸۷ ب یک بیت ساخته است

به رفتن جز از<sup>۱</sup> تندرستی مباد  
 پس شاه<sup>۲</sup>، گودرز گشواد بود  
 درفش از پس پشت او شیر بود  
 به چپ بر همی رفت<sup>۳</sup> رهام نیو  
 ۲۹۰ پس پشت شیدوش بُد<sup>۴</sup> با درفش  
 هزار از<sup>۵</sup> پس پشت او<sup>۶</sup> سرفراز  
 یکی گرگ پیکردرفشی<sup>۷</sup> سیاه  
 درفش جهان جوی<sup>۸</sup> رهام بر  
 ۲۹۵ نیره پسر داشت هفتاد و هشت  
 پس<sup>۹</sup> هر یک اندر دگرگون درفش  
 تو گفتی که گیتی همه زیر اوست  
 چُن آمد به نزدیکی تخت شاه  
 به گودرز بر<sup>۱۰</sup> شاه کرد آفرین  
 پس پشت گودرز گشته<sup>۱۱</sup> بود<sup>۱۲</sup>  
 ۳۰۰ همه<sup>۱۳</sup> نیزه بودی به جنگش<sup>۱۴</sup> به چنگ  
 ز بازوش پیکان برندان<sup>۱۵</sup> بُدی<sup>۱۶</sup> (!)  
 ابا لشکری<sup>۱۷</sup> گش و<sup>۱۸</sup> آراسته  
 یکی ماه پیکردرفش از برش

به باز آمدن باز<sup>۱</sup> پیروز و شاد  
 که گیتی<sup>۲</sup> به رای وی آباد بود<sup>۳</sup>  
 که جنگش به گرز و به شمشیر بود  
 سوی راستش چون سرافراز<sup>۴</sup> گیو  
 زمین گشته از شیر پیکر بنفش<sup>۵</sup>  
 عنان دار با نیزه های دراز  
 پس پشت گیو اندرون با سپاه  
 برافراخته<sup>۶</sup> نیزه را سر به ابر<sup>۷</sup>  
 ازیشان بُد جای بر پهن دشت  
 همه با دل و تیغ و زرینه کفش<sup>۸</sup>  
 سر<sup>۹</sup> سروان زیر شمشیر اوست  
 بسی آفرین کرد بر تاج<sup>۱۰</sup> و گاه  
 چه بر گیو و بر لشکرش همچین<sup>۱۱</sup>  
 که فرزند بیدار گزده<sup>۱۲</sup> بود<sup>۱۳</sup>  
 کمان یار او بود و تیر خدنگ  
 همه<sup>۱۴</sup> در دل<sup>۱۵</sup> سنگ و سندان بُدی<sup>۱۶</sup>  
 پُر از گرز و شمشیر و پُر خواسته  
 به ابر اندر آورده تابان<sup>۱۷</sup> سرش

۱- س:؛ بجز ۲- ل، س: باد؛ ل: خیره؛ متن = ف، ق، س؛ بنداری؛ فکان اول من عبر فری برزین کیکاوس. و هو مقدمه علی مائة إصبهذ و  
 عشرة، من أقارب أبیه. فمرضوا علی الملک فی أم آله و أكمل عده (= ۱۴۰، ۱۳۹، ۲۸۱) ۳- س، ل، س:؛ پیش باز؛ متن = ف، ل،  
 ق ۴- ل:؛ لشکر؛ متن ← ۵- ل، ق: که با جوشن و گرز پیولاد بود؛ متن = ف، س، س:؛ ۶- ل:؛ بود ۷- ق:  
 نامبردار ۸- ل:؛ یل؛ متن = ف، س، ق، ل، س:؛ ۹- ف: یل پیکر بنفش؛ س: جهان گشته از شیر پیکر درفش؛ ق: زمین پرز گرز و ز  
 تیغ بنفش؛ (ق:؛ زمین گشته بود از درفش بنفش)؛ متن = ل، ل، س:؛ (نیز هشت دستویس دیگر) ۱۰- ق، ل:؛ هزاران ۱۱- ل:؛ آن؛  
 ف این بیت را ندارد ۱۲- س، ق، س:؛ درفش؛ متن = ف، ل، ل:؛ ۱۳- ق: جهاندار ۱۴- س، ل:؛ برافراشته؛ متن ← ۱۵-  
 ل: که برافراخته بود سر تا به ابر؛ س:؛ برافراشته نیز مانند ابر (!)؛ متن = ف، ق؛ ل (نیز ل) پس از این بیت افزوده اند:

پس بیژن اندر درفشی دگر برستارفتش بر سرش تاج زر

۱۶- ل:؛ بسر ۱۷- ل، س:؛ جهان گشته بُد سرخ و زرد و بنفش؛ متن = ف، س، ق، ل:؛ (نیز ق: ب) ۱۸- س:؛ سرو ۱۹- ل-  
 س:؛ چو؛ متن = ف ۲۰- ق: یکی آفرین کرد بر تخت ۲۱- س:؛ پس ۲۲- ل:؛ ازوشاد شد شاه ایران زمین (= ۳۰۵ ب)؛ بنداری؛  
 ثم تلاه جودرزین کشواد، و هو مقدم علی ثمانیه و سبعین إصبهذ من اولاده و أحفاده. علی میمنه ولده رهام، و علی میسرته جیو، و علی رأس کل  
 واحد منهم لواء یخفق، و یتبعه عسکر عظیم ۲۳- ف، ل:؛ بُد گشته؛ متن = ل، س، ق، س:؛ (نیز هشت دستویس دیگر) ۲۴- ف، ل:؛  
 چه (ل:؛ که) فرزند بیدار دل گزده<sup>۱</sup> (ل:؛ بد گزدهم)؛ متن = ل، س، ق، س:؛ (نیز هشت دستویس دیگر) ۲۵- ل:؛ یکی؛ ق: کجا؛ متن =  
 ف، س، ل، س:؛ ۲۶- ق: همیشه ۲۷- ل، س:؛ بزندان (در ل حرف سوم نقطه ندارد)؛ ق (نیز ق: ل، ل، آ)؛ چوپران؛ پ: بندان؛  
 و: بزندان (حرف سوم نقطه ندارد)؛ متن = ف، س، ل:؛ (نیز ل، ل، آ، ب) ۲۸- ق (نیز ق: ل، ل، آ)؛ شدی ۲۹- ل:؛ همی ۳۰- س:؛  
 دلش؛ ل:؛ و گرچه دل ۳۱- س، ق:؛ لشکر ۳۲- ف، ق، ل:؛ [و] ۳۳- ق: زرین



ازو شاد شد <sup>۱</sup> شاه ایران زمین	همی خواند بر شهریار آفرین	۳۰۵
که با رای <sup>۲</sup> دل بود و با مغز و توش <sup>۳</sup>	پس گشته <sup>۴</sup> آشکش <sup>۲</sup> تیزهوش <sup>۳</sup>	
به راهی که جستیش بودی به پای <sup>۷</sup>	یکی گرزدار از نژاد همای <sup>۶</sup>	
سیگالیده جنگ <sup>۱۰</sup> و برآورده خوچ <sup>۱۱</sup>	سپاهی <sup>۸</sup> ز گردان کوچ و بلوچ <sup>۹</sup>	
برهنه یک انگشت ایشان ندید	که کس در جهان پشت ایشان ندید	
همی از درفشش ببارید <sup>۱۳</sup> جنگ	درفشی برآورده <sup>۱۲</sup> پیکر پلنگ	۳۱۰
بدان <sup>۱۵</sup> شادمان گردش روزگار	بسی آفرین خواند <sup>۱۴</sup> بر شهریار	
بدید آن <sup>۱۶</sup> سپه را رده <sup>۱۷</sup> بر دو میل	نگه کرد کیخسرو از پشت پیل	
بر آن <sup>۱۸</sup> بخت بیدار و فرخ زمین <sup>۱۹</sup>	پسند آمدش سخت و کرد آفرین	
کزو <sup>۲۱</sup> لشکر خسرو <sup>۲۲</sup> آباد بود	گزین ابرشهر <sup>۲۰</sup> فرهاد بود	
به هر کار بودی به هر جای یار <sup>۲۵</sup>	سپه را بکردار <sup>۲۳</sup> پروردگار <sup>۲۴</sup>	۳۱۵
بدان سایه‌ی آهو اندر سرش <sup>۲۶</sup>	یکی پیکر آهو درفش از برش	
زره سغدی و زین ترکی نشست <sup>۲۸</sup>	سپاهش <sup>۲۷</sup> همه تیغ هندی به دست	

۱- س: شادمان: بنداری: ثم عرض گشته بن کردهم، وهو مقدم علی ثلاثة وسبعین اصبهنا من اولاد ابيه رواة الحدق، وأصحاب الدبابيس و تعد (= ۳۰۰، ۱۱۷، ۳۰۱، ۳۰۳) ۲- ق. ل: (تیزق: آ، بنداری): اشکش: (لغت شهنامه، شماره ۶۳۳: اشکن): متن = ف، ل، س، س: (تیزلی، ل، ب) ۳- ل، ل، ل: (تیزلی، ق، ب، و، ل، ن): گوش: س: جوش: متن = متن = ۴- ل: زور: متن = ف، س، ق، ل، س: (تیزلی، ب) ۵- ل، ل، س، ل، س: (تیزلی، ق، ب، و، ل، ن، ب): هوش (س، ل، ب، ب: ساوند ندارند): (آ: گوش: لغت شهنامه: تاو و توش): متن = ف، ق (تیزلی) ۶- ف (ق): قباد: س، س: کمای: (ل، ل، ن، ل، کوان، ب: کیان): متن = ل، ق (تیزلی، ل، و، آ، ب) ۷- (و، ب: بجای): ف: بد آهن گه رزده مانند باد: ق: همی رفت برسان فرهای: (ل، ب: بر آهن که خستش بودی زیان: ق: سرافراز و آهسته و پیاکزاده، ل، آ: ابا قزو با دانش و نیک رای: ل، ن: بر آهن زیبکانش بودی زیان): متن = ل، س، س: (تیزل): ل: این بیت را ندارد ۸- ل، ل، ل: سپهش: متن = ف، س، ف، س: ۹- ل (تیزل): کوچ بلوچ: س: کوچ و بلوچ: (و: کوچ و بلوچ): متن = ف، ق، ل، س: (تیز هفت دستنویس دیگر) ۱۰- ل: کته ۱۱- ل (تیزق): خوچ: س، ق، ل، س: (تیزلی، ل، آ): کوچ: (ل، ل، ب، و: کوچ): متن = ف (تیزب) ۱۲- ل: برآورد ۱۳- س: بیازید: متن = ف، ل، ق، ل، س: (حرف دوم در همه دستنویس ها بی نقطه است) ۱۴- ل: کرد ۱۵- س، ل، س: بران: متن = ف، ل، ق ۱۶- س: برد آن: ل: پس از این بیت افزوده است:

جزین نامداران لشکر دگر	برآورده هریک به خورشید سر
۱۷- ل: بره	۱۸- ل، ق: بدان: متن = ف، س، ل، س: ۱۹- ل: نگین: متن = ف، س، ق، ل، س: ل (تیزل) پس از بیت ۳۱۳ افزوده اند:
از آنپس درآمد سپاهی گران	همه نامداران جوشن و ران
سپاهی کزیشان جهاندار شاه	همی دید شادان دل و نیک خواه

ق، س: پس از بیت ۳۱۳ و ل: پس از بیت ۳۱۴ افزوده اند:

پس اشکر اندر دگر (س: یکی) مهتری درآمد ابا نامور لشکری

بنداری (۳۰۶-۳۱۳): ثم اشکش صاحب الراي والشهامة والنجدة والبالاة في عكر بجر شاکی السلاح ۲۰- ف، س: (تیزق): پس پشت او شهره: ل (تیزلی، ب، ل، ن): گزیده پس اندرش: ق: گزین همه شیر: ل: کزیده پس پشت: (ل، و، آ: پس او گزین شهره: ل: بریشان نگهدار: ب: گزین آور شهره): متن = س (بیت ۱۵۳-۱۵۴: داستان فرود سیاوخش، بیت ۱۳۴) ۲۱- س: ازو ۲۲- ق: شاه ۲۳- س: نکه دارو ۲۴- س: روز شکار ۲۵- ل، س، ل، س: به هر جای بودی به هر کار یار (س: کارزار): متن = ف، ق ۲۶- س: بدان سایه آهو بد اندر خورش: ل: بدان پیکر آهو بد اندر سرش ۲۷- س، ل، س: سپاهی: متن = ف، ل، ق ۲۸- ل: توران نشست: س: زره ترکی و زین سغدی بدست: ق: زره توری و زین توری نشست: س: زره سعد و برزین بودی نشست (!): متن = ف، ل

بسی آفرین خواند بر شاه نو همی رفت پرخاشجوی و ژکان <sup>۲</sup> سپاهش <sup>۵</sup> کمندافکن و رزمساز بسی آفرین کرد و اندرگذشت <sup>۷</sup> به زین اندرون حلقه‌های <sup>۹</sup> کمند بشد با دلیران <sup>۱۱</sup> و گنداوران همی راند <sup>۱۲</sup> چون کوه رفته ز جای <sup>۱۳</sup> که با نیزه و تیغ پولاد بود <sup>۱۴</sup> ، سپهبد همی داشت بر پیل جای بر آن بُرزابالا <sup>۱۶</sup> و تیغ <sup>۱۷</sup> و نگین که با فر و با گرز <sup>۱۹</sup> و با ارز بود همه جنگجویان <sup>۲۱</sup> و گنداوران همه سرفرازان <sup>۲۴</sup> گیتی فروز که کس را نبودی ز رستم <sup>۲۷</sup> گذر تو گفتی ز بند آمده‌ستی <sup>۲۹</sup> رها بسی <sup>۳۰</sup> آفرین کرد <sup>۳۱</sup> بر شهریار همی کرد با او بسی پند یاد سرافراز باشد <sup>۳۲</sup> به هر انجمن ز دستان سامی و از <sup>۳۳</sup> نیرمی	چو دید آن نشست و سرا <sup>۱</sup> گاه نو گرازه سر تخمهی گیوگان <sup>۲</sup> درفشی همی بُرد <sup>۴</sup> پیکر گراز سواران جنگی و مردان <sup>۶</sup> دشت ازو <sup>۸</sup> شادمان شد که بودش پسند دمان از پیش <sup>۱۰</sup> زنگهی شاوران درفشی پس پشت پیکر همای هر آنکس که از شهر بغداد بود همی برگذشتند زیر <sup>۱۵</sup> همای بسی زنگه بر شاه کرد آفرین پس او نبرده <sup>۱۸</sup> فرامرز بود ابا پیل و کوس <sup>۲۰</sup> و سپاهی گران ز کشمیر و از <sup>۲۲</sup> کاول <sup>۲۳</sup> و نیمروز درفشش <sup>۲۵</sup> چو آن <sup>۲۶</sup> دلاورپدر سری <sup>۲۸</sup> هفت همچون سر آژدها بیامد بسان درختی به بار دل شاه گشت از فرامرز شاد بدو گفت: پرورده‌ی پیلتن تو فرزند بیداردل رستمی	۳۲۰ ۳۲۵ ۳۳۰ ۳۳۵
---	---	--------------------------

۱- ق: سرو؛ بنداری بیت‌های ۳۱۴-۳۱۸ را ندارد ۲- ل: کاوگان ۳- ق: پرخاشجو و دمان ۴- ل: پس پشت؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۵- ل، ق: سپاهی؛ متن = ف، س، ل، س ۶- س: شیران ۷- س، ق، ل، س: او پس برگذشت؛ متن = ف، ل ۸- ل: از آن ۹- ق: حلقه کرده؛ بنداری (۳۱۹-۳۲۲): ثم تلاه جُرازه فی أصحابه و عساکره ۱۰- س: از پس ۱۱- ل: [و] ۱۲- س: رفت؛ متن ← ۱۳- س: (نیز ق): آهن زجای؛ ل (نیز ل): سپاهی (ل: دلیر و) چو کوه رونده زجای؛ ق: سپهبد همی داشت بر پیل جای (= ۳۲۶ ب)؛ متن = ف، ل (نیز ل، ل، پ-آ) ۱۴- ق: این بیت را ندارد؛ درس پس از این بیت، بیت‌های ۳۲۹-۳۳۰ آمده‌اند ۱۵- س: همه برکشیدند فر؛ ق ۳۲۴ ب- ۳۲۶ آ را انداخته و از ۳۲۴ آ و ۳۲۶ ب یک بیت ساخته است؛ ل: بیت‌های ۳۲۶ و ۳۲۷ را ندارد ۱۶- ل، س: برزو و بالا؛ متن = ف، س، ق ۱۷- ف: تاج؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ل، ل، و، آ، ب)؛ بنداری (۳۲۳-۳۲۷): ثم جاء من بعده زنگه بن شاوران فی عساکر بغداد. و کان کلها مرمنه مقدم وقف فخدمه، و أثنی الملك علیه و دعاه ۱۸- ل: ز پشت سپهبد؛ س، ل: ز پس تر نبرده؛ متن = ف، ق، س ۱۹- ل: برز ۲۰- ل، ق: کوس و پیل؛ متن = ف، س، ل، س ۲۱- ل: رزم جویان؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ درس بیت‌های ۳۲۹-۳۳۰ پس از بیت ۳۲۵ آمده‌اند؛ درس بیت ۳۲۴ دوباره آمده است ۲۲- ل، ق، ل، س: وز؛ متن = ف، س ۲۳- ف- س: کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۴- س: نامداران ۲۵- ل، س: درفش؛ متن = ف، س، ق، ل ۲۶- ل: کجا چون؛ ق: چنان چون؛ ل: چنان (= چنان)؛ متن = ف، س، س ۲۷- ل، س: ز رستم نبودی؛ متن = ف، ق، ل، س ۲۸- ل: سرش ۲۹- س: که گفتی زبند آمدست آن ۳۰- ل: یکی؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۳۱- ل، ق: خواند؛ متن = ف، س، ل، س ۳۲- س: باشی ۳۳- ل، ق، ل، س: وز؛ متن = ف، س

کنون سربسر هندوستان<sup>۱</sup> تراست  
 هر آنکس که<sup>۲</sup> با تو نجویند جنگ  
 به هر جایگه یار درویش باش  
 ۳۴۰ بین نیک تا دوستدار تو کیست  
 به بخشش<sup>۶</sup> بیارای و فردا مگوی  
 ترا دادم این پادشایی<sup>۹</sup> بدار<sup>۱۰</sup>  
 مشو در جوانی خریدار گنج  
 مکن<sup>۱۳</sup> ایمنی بر<sup>۱۴</sup> سرای فسوس  
 ۳۴۵ ز تو نام باید که ماند بلند<sup>۱۷</sup>  
 مرا و ترا روز هم<sup>۱۹</sup> بگذرد  
 دلت شادمان بادی و تن<sup>۲۰</sup> درست  
 جهان آفرین از تو خشنود باد  
 چو بشنود<sup>۲۳</sup> پند جهاندار تو  
 ۳۵۰ زمین را ببوسید و بردش نماز  
 بسی آفرین کرد بر شاه نو  
 همتن دو فرسنگ با او<sup>۲۸</sup> برفت  
 بیاموختش رزم و بزم<sup>۳۰</sup> و خرد

ز قَتَوج تا مرز دستان<sup>۲</sup> تراست  
 بریشان مکن روز<sup>۴</sup> تاریک و تنگ  
 همه راده<sup>۵</sup> با مردم خویش باش  
 خردمند و انده گسار تو کیست  
 که فردا مگر تنگی<sup>۷</sup> آرد<sup>۸</sup> به روی  
 به هر جای خیره مکن کارزار<sup>۱۱</sup>  
 به بی رنج کس<sup>۱۲</sup> هیچ منمای رنج  
 که گه<sup>۱۵</sup> سَنَدروس ست و گه<sup>۱۶</sup> آبنوس  
 نگر دل نداری به گیتی نژند<sup>۱۸</sup>  
 دمت چرخ گردان همی بشمرد  
 سدیگر<sup>۲۱</sup> بین تا چه بایندت جُست  
 سر بدسیگالانت پُر<sup>۲۲</sup> دود باد  
 پیاده شد از بارهی تندرو<sup>۲۴</sup>  
 بتابید سر<sup>۲۵</sup> سوی راه دراز  
 که اندر<sup>۲۶</sup> فزون باش<sup>۲۷</sup> چون ماه نو  
 همی مغزش از رفتن او بکفت<sup>۲۹</sup>  
 همی خواست کز<sup>۳۱</sup> روز رامش<sup>۳۲</sup> برد

۱- ل، س (نیز لن، پ، ل، ن)؛ هندوان مر؛ س؛ هندوستان؛ ق؛ مرز هندوستان مر؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، و) ۲- ل؛ توران؛ ل؛ نشن که بت پرستان؛ (لن، پ، ل، ن)؛ ز قَتَوج تا سیستان مر؛ ق؛ ز قَتَوج تا شهر دستان؛ متن = ف، س، ق، س (نیز ل، و، آ، ب)؛ بنداری (۳۲۸-۳۳۷)؛ و کان آخر القوم عبورا فرامرزمین رستم مقدم عساکر قشمر و کابل و نیر روز. فارتاح له الملك و بش، و وهب له جمع بلاد الهند من حد قَتَوج الی حد ممالک دستان ۳- ل؛ گرایدونک؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۴- ف، س؛ بکن روز؛ ل؛ مکن کار؛ متن = س، ق، ل ۵- ل؛ راز؛ (لی؛ یار؛ و، ب؛ نیک)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ل، پ، ل، ن، آ) ۶- ل؛ به خوی؛ س، ق، ل، س (نیز لن- ل، و، ب)؛ ببخش و؛ متن = ف (نیز پ) ۷- س (نیز ق)؛ نیکی؛ ل (نیز ل، آ)؛ تندی؛ س؛ سختی؛ (ب؛ انده)؛ ل؛ که کژی پشیمانی؛ متن = ف، ق (نیز لن، ل، پ، و، ل، ن) ۸- ق؛ آید ۹- ل؛ س؛ پادشاهی؛ متن = ف ۱۰- ق؛ بدان ۱۱- س؛ مکن خیره هر جای بر کارزار؛ ق؛ که تا کم کنی رای نابخردان؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۲- س؛ پس رنج کس ۱۳- ل؛ بجو؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۱۴- ل؛ س؛ در؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۵- ل؛ اگر؛ س؛ گهی ۱۶- ل؛ گاه؛ ل؛ اگر؛ س؛ روشن است و گهی؛ متن = ف، ق، س ۱۷- ق؛ دراز ۱۸- ق؛ نگر تا نبندی دلت را به راز ۱۹- ل؛ می؛ س؛ بر ۲۰- ل؛ شاد باید تن و جان؛ س، ق، ل، س (نیز لن- ب)؛ شادمان باید و تن؛ متن = ف ۲۱- ل، ل؛ سه دیگر ۲۲- ل، س، ل؛ سر (ل؛ دل) بدسیگالت پراز؛ متن = ف، ق، س ۲۳- ل؛ س؛ بشنید؛ متن = ف ۲۴- ل، ق، ل؛ تیزرو؛ س؛ نیک رو؛ س؛ که اندر فزون باش چون ماه نو (= ۳۵۱)؛ متن = ف؛ ق پس از بیت ۳۴۹ افزوده است؛

زمین را ببوسید و کرد آفرین بتابید سر سوی هندوزمین

۲۵- ق؛ بیامد سرش؛ س این بیت را ندارد ۲۶- ل؛ که هر دم؛ ق؛ که ایدون؛ متن = ف، س، س ۲۷- ق؛ باد؛ ل این بیت را ندارد؛ س ۳۴۹- ب ۳۵۱ را انداخته و از ۳۴۹ آ و ۳۵۱ ب یک بیت ساخته است ۲۸- ل؛ دو فرسنگ با او همتن ۲۹- ل، س؛ بتفت؛ متن = ف، ق، ل، س ۳۰- ل، ق؛ بزم و رزم؛ متن = ف، س، ل، س ۳۱- ل؛ کش ۳۲- س؛ کيفر

<p>۳۵۵</p> <p>پُر از درد<sup>۱</sup> از آنجایگه بازگشت<sup>۲</sup> سپهبد فرود آمد از پیلِ مست گرازان بیامد به پرده سرای چو رستم بیامد بیاورد می همی گفت: شادی ترا مایه بس کجا تور و سلم و<sup>۷</sup> فریدون کجاست بیویم و رنجیم و گنج آگنیم<sup>۹</sup> سراجم ازو بهره<sup>۱۲</sup> خاکست و بس شب تیره سازم با<sup>۱۴</sup> جام می بگویم تا برکشد نای طوس بینیم تا دست گردان سپهر ۳۶۵ بکوشیم و از<sup>۱۹</sup> کوشش ما چه سود</p>	<p>به سوی سراپرده آمد ز دشت<sup>۳</sup> یکی باره‌ی تیزرو<sup>۴</sup> برنشست سری پُر ز رامش، دلی<sup>۵</sup> پُر ز رای به جام بزرگ اندرافگند پی به فردا نگوید<sup>۶</sup> خردمند کس همه ناپدیداند<sup>۸</sup> با خاک راست به دل بر همه<sup>۱۰</sup> آرزو بشکنیم<sup>۱۱</sup>، رهایی نیابد ازو هیچ<sup>۱۳</sup> کس چو روشن شود بشمرد روز<sup>۱۵</sup> پی تیره برآزند با بوق<sup>۱۶</sup> و کوس برین<sup>۱۷</sup> جنگ سوی که آرد<sup>۱۸</sup> به مهر کز آغاز بود آنچه<sup>۲۰</sup> بایست بود</p>
--	---

۱- ل: شهنشاه ۲- ل، س: گشت باز ۳- ل، س: آمد فراز؛ بنداری (۳۵۲-۳۵۴): و شیعه ابوه رستم نحو فرسخین و ودعه. و عاود  
حضرة الملك ۴- ل، س، ل، س: تیزتک؛ متن = ف، ق ۵- ل: زباد ودلی؛ س: ز کین ودلی؛ ق: ز درد ودلی؛ ل: ز کینه دلی؛ س:  
دلی پرز کینه سری؛ متن = ف؛ بنداری (۳۵۴-۳۵۷): فنزل الملك کیخسرو عن الفیل، و رکب فرسا و اقیل الی سراق ضرب له. و جاء رستم  
و جلس یشرّب معه ۶- ل: نگوید به فردا ۷- ل: سلم و تور ۸- ل: ناپدیدند و ۹- ل، س: آورم؛ متن = ف، ل، س،  
ق ۱۰- ل، ق: همی؛ متن ← ۱۱- ل: بدل دادن تن شکنج آگنیم (!)؛ س: به جان و تن خود شکنج آورم؛ متن = ف،  
س ۱۲- ل، س: زو بهره؛ س: آن هم به؛ متن = ف، ق، ل ۱۳- ل، س: ازین روز؛ متن = ف، ل، ق ۱۴- ل: بر؛ متن =  
ف، س، ق، ل، س ۱۵- س: بسپرد زیر ۱۶- ل: با پیل؛ ق: ز درگاه؛ ل: بیازند با بوق؛ س: برآمد ابا بوق؛ متن = ف،  
س ۱۷- ل، س، ق: بدین؛ متن = ف، ل، س ۱۸- ل: یازد؛ س، ق: دارد؛ متن = ف، ل، س ۱۹- ل، س، ق، س: وز؛ متن =  
ف، ل ۲۰- ل، س: آنچه؛ ف، س، ل، س: (نیز لن، ق، ل، پ-آ) پس از این بیت افزوده اند:

اگر یار باشد جهان آفرین  
به تیغ از عدو (ق: ز خون پدر) بازخواهیم (ف: باز یابیم) کین  
ل، ق (نیز ل، ب) این بیت را ندارند؛ بنداری بیت های ۳۵۸-۳۶۵ را ندارد





## داستان فرود سیاوخش<sup>۱</sup>

جهانجوی چون شد سرافراز و<sup>۲</sup> گرد  
سرشک<sup>۵</sup> اندرآرد<sup>۶</sup> به مرگان زرشک<sup>۷</sup>  
کسی کز نژاد بزرگان بود  
چو<sup>۱۱</sup> بی کام دل بنده باید بُدن  
سپهبد چو خواند وُرا دوستدار  
گرش زآرزو<sup>۱۳</sup> بازدارد سپهر  
وُرا هیچ خوی نخواهد به دل  
وُدیگر که<sup>۱۶</sup> از بُن نباشد خرد  
چو این داستان سربسر بشنوی

سپه<sup>۳</sup> را به دشمن نیاید<sup>۴</sup> سپرد  
سرشکی که درمان نداند بزشک  
ز<sup>۸</sup> بیشی بماند<sup>۹</sup> سترگ آن<sup>۱۰</sup> بود  
به کام کسی داستان‌ها زدن  
نباشد خرد با دلش سازگار<sup>۱۲</sup>  
همان آفرینش نخواند<sup>۱۴</sup> به مهر  
شود زآرزوهای<sup>۱۵</sup> او دلگِیل  
خردمندش از مردمان نشمرد  
بدانی<sup>۱۷</sup> سر مایه‌ی بدخوی

## آغاز داستان<sup>۱۸</sup>

۱۰ چو خورشید بنمود بالای خویش  
به زیر اندرآورد برج بره  
تیره برآمد<sup>۲۱</sup> ز درگاه طوس

نشست از بر تندبالای خویش،  
جهان چون می<sup>۱۹</sup> زرد<sup>۲۰</sup> شد یکسره،  
همان<sup>۲۲</sup> ناله‌ی بوق و آوای<sup>۲۳</sup> کوس

۱- ف: گفتار اندر رفتن طوس به نرکتان به کین خواستن سیاوش و رفتن به راه کلات و جرم و کشته شدن فرود؛ ل: گفتار اندر رزم فرود سیاوش؛ س: داستان فرود سیاوش؛ ق: حکم فرمودن کیخسرو به پهلوانان به مطاوعت طوس و وصیت که لشکر به راه کلات و میم نبرد؛ ل: داستان فرود برابر کیخسرو؛ بنداری: ذکر انفاذ کیخسرو طوسا الی قتال افراسیاب، و وقعة فرود بن سیاوخش ۲- ق، س: [و] ۳- ق: جهان ۴- ل: نشاید؛ متن = ف، س، ق، س: ل: نباید سپه را بدشمن ۵- ق: زرتنگ؛ س: نخست؛ متن = ف، ل، س ۶- ل، س: اندرآید؛ متن = ف، ق، ل، س: ۷- ف: سرشک (!)؛ ق، س: سرشک؛ متن = ل، س ۸- ل: به؛ متن = ف، س، ل: ۹- س: چو بی کام مانند ۱۰- ل: سترکان؛ ل: بزرگ آن؛ ق: بیت‌های ۳-۸ را ندارد ۱۱- ل: که ۱۲- ل: خرد را دلش خواستار ۱۳- ل: گرش آرزوی؛ س: گراین آرزو؛ ل: گرش راز آرزو؛ متن = ف، س: ۱۴- س: همی آفرین زو نخواهد؛ متن = ف، ل، ل، س: ۱۵- ل: شود آرزوهای؛ متن = ف، س، ل، س: ۱۶- ل، ل: کش؛ متن = ف، س، س: ۱۷- ل: س: (نیز لن، ق، ل، پ، لن): بیخی؛ متن = ف (نیز لی، و، آ، ب)؛ بنداری بیت‌های ۱-۹ را ندارد ۱۸- س: فرستادن کیخسرو لشکر به جنگ افراسیاب، متن = ف، ل، س، ل: ۱۹- ل: چنین تا زمین؛ ق: جهان و زمین؛ متن = ف، س، ل، س: ۲۰- ل: سرخ ۲۱- ف: درآمد؛ متن = ل- س: ۲۲- س: همه ۲۳- س: آواز؛ ق: برفتند با نای روین و

ز کشور برآمد سراسر خروش  
 از آوای<sup>۳</sup> اسپان و گرد<sup>۴</sup> سپاه  
 ۱۵ ز چاک سلیح<sup>۷</sup> و ز آوای پیل<sup>۸</sup>  
 هوا سرخ و زرد و کبود و بنفش  
 به گردش سواران گودرزیان  
 سپهدار با افسر و گرز و نای<sup>۱۱</sup>  
 بشد طوس با کاویانی درفش  
 ۲۰ بزرگان که با طوق و افسر<sup>۱۳</sup> بُدند  
 برفتند یکسر ز پیش سپاه<sup>۱۶</sup>  
 یکی پیل پیکر درفش از برش  
 هر آن کو ز تخم منوچهر بود  
 برفتند یکسر چو کوهی سیاه<sup>۲۱</sup>  
 ۲۵ چو لشکر همه نزد شاه آمدند  
 بفرمود تا نامداران گرد  
 بدیشان<sup>۲۳</sup> چُنین گفت بیدار شاه  
 به پای ست<sup>۲۵</sup> با اختر کاویان  
 نیاززد باید کسی را به راه  
 ۳۰ کشاورز گرز<sup>۲۷</sup> مردم پیشه‌ور  
 نباید که تازد برو<sup>۲۹</sup> بادِ سرد

زمین پُرخروش و هوا<sup>۱</sup> پُر ز جوش  
 شده<sup>۵</sup> قیرگون روی خورشید و ماه<sup>۶</sup>  
 تو گفتی بیاگند گیتی به نیل<sup>۹</sup>  
 ز تابیدن کاویانی<sup>۱۱</sup> درفش  
 میان اندرون اختر کاویان  
 بیامد ز بالای پرده سرای  
 به پای اندرون کرده زرینه کفش<sup>۱۲</sup>  
 جهانجوی<sup>۱۴</sup> و از<sup>۱۵</sup> تخم نوذر بُدند،  
 گرازان و نازان<sup>۱۷</sup> بنزدیک شاه<sup>۱۸</sup>  
 به ابر اندر آورده تابان<sup>۱۹</sup> سرش  
 دل و جانش از طوس پُر مهر بود<sup>۲۰</sup>  
 نتابید خورشید روشن نه ماه  
 - دمان با درفش و کلاه آمدند<sup>۲۲</sup> -  
 ز لشکر سپهد سوی شاه برد  
 که طوس سپهد به پیش<sup>۲۴</sup> سپاه،  
 به فرمان او بست باید میان  
 چُنین ست<sup>۲۶</sup> آیین تخت و کلاه  
 کسی کو به لشکر نبندد<sup>۲۸</sup> کمر  
 مکوشید<sup>۳۰</sup> جز با کسی همنبرد

۱- س: آسمان ۲- ق: ز ۳- ل، س، ق، ل: آواز؛ متن = ف، س ۴- س: بوق؛ ق، ل: بوق و ۵- ل: بشد؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۶- ف: روز چون شب سیاه؛ ق: چشم خورشید و ماه؛ ل: چشم کرده ساه متن = ل، س، س ۷- س، ق: سلاح ۸- س: کوس ۹- س: جهان شد بگردار رنگ آبنوس ۱۰- س: برنمائی ۱۱- ل، س، ق، س: (نیز)؛ گرز و رای؛ ل: (نیز)؛ ل، ل، و، آ: کوزه‌نای؛ متن = ف (نیز)؛ ل، ب، ل) ۱۲- درل پس از این بیت، بیت ۲۲ آمده است ۱۳- ل: تاج و افسر؛ س: طوس همسر؛ متن = ف، س، ق، ل ۱۴- ق: جهانجو ۱۵- ل، س: وز؛ متن = ف ۱۶- ل: چو کوهی سیاه (= ۲۴)؛ ل، س: نه پیش سپاه؛ متن = ف، س، ق ۱۷- ق: شادان؛ ل: نازان ۱۸- س: نتابید خورشید روشن نه ماه (= ۲۴)؛ ل، س: نیازان؛ س: این بیت را ندارد؛ درل این بیت پس از بیت ۱۹ آمده است ۲۰- ل، س: این بیت را ندارند ۲۱- ل: بنزدیک شاه؛ ل، س این بیت را ندارند؛ س ۲۱- ب: ۲۱- آرا انداخته و از ۲۱ و ۲۴ ب یک بست ساخته است ۲۲- درل این بیت با بیت سیمین پس و پیش شده‌اند ۲۳- س: بریشان ۲۴- س، ق، ل، س: نه پشت؛ متن = ف، ل ۲۵- س: بیاراست؛ ل پس از این بیت افزوده است:

بدو داد مهتری به پیش سپاه  
 که سارار اویست و جوینده راه  
 به فرمان او بود باید همه  
 کجا بندها زو گشاید همه  
 بدو گفت: مگذر ز پیمان من  
 نگهدار آیین فرمان من

۲۶- ل، س: که اینست ۲۷- ف، س، ق، ل، س: با (در س نقطه ندارد)؛ متن = ل ۲۸- ق: نبندد به لشکر ۲۹- ل: که  
 یابد بد از س (نیز)؛ ل، ب، ل)؛ که بروی وزد (س: بز)؛ ق: که آید بدو؛ ل، س: (نیز)؛ و، آ)؛ که یابد ز کس؛ (ل)؛ که یابد همان؛ ب: که  
 یابد دم از)؛ متن = ف (حرف یکم نازد نقطه ندارد) ۳۰- ل: مکوش ایچ؛ متن = ف، س، ق، ل، س



نباید نمودن به بی‌رنج<sup>۱</sup> رنج  
گذر بر<sup>۲</sup> کلات ایچ گونه مکن  
روان سیاوش چو خورشید باد!  
۳۵ پسر بودش<sup>۶</sup> از دُخت پیران<sup>۷</sup> یکی  
برادر به من نیز مانده بود  
کنون در کلات‌ست و با مادرست<sup>۱۰</sup>  
نداند از<sup>۱۳</sup> ایران کسی را<sup>۱۴</sup> به نام  
سپه دارد و نامداران جنگ  
هم او<sup>۱۹</sup> مرد جنگست و گرد و سوار  
۴۰ به راه بیابان بیاید شدن  
چنین گفت پس طوس با<sup>۲۱</sup> شهریار  
به راهی روم کهم تو فرمان دهی

سوی گاه<sup>۲۳</sup> با رستم و با سپاه  
رد و موبد و خسرو رای‌زن<sup>۲۵</sup>  
ز رنج تن خویش و از<sup>۲۸</sup> درد باب

سپه‌د بشد تیز و برگشت شاه  
یکی<sup>۲۴</sup> مجلس آراست با پیلتن  
فراوان سخن رفت<sup>۲۶</sup> از<sup>۲۷</sup> افراسیاب

۱- س: به کس هیچ ۲- ل: زی؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۳- ق: شوی؛ ل: روی ره (→ ره روی)؛ س، س: پس از این بیت افزوده‌اند:

کز آن ره فرودست و با مادرست  
یکی لشکری گشن (س: کی نژادست و) کنداورست

۴- س: بدین ۵- ل- س: امید؛ متن = ف ۶- ل، ق: هشت؛ (ل: دارد)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ- ب) ۷- ف، ل (نیزو): از تخم و به؛ متن = ل- س (نیز هفت دستویس دیگر)؛ بنداری؛ اینه کان لسیاوخش ابن من بعض بات بیران یشیه آباه ۸- ف: هم راد (→ هم زاد)؛ ل- س (نیز لن، ق، ل، پ): هم سال؛ (ل، آ: هم شاد)؛ متن تصحیح قیاسی است (→ ف) ۹- ل، ل، س: خواننده (؟)؛ متن = ف، س، ق (نیز نه دستویس دیگر)؛ بنداری؛ و هوشاب یشینی فی السن والمنظر ۱۰- ل: [و] با مادرش؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۱۱- س، ق، س: ل، ل: جهانبجوی؛ متن = ف ۱۲- ل: لشکرش؛ ق، ل: افرست؛ متن = ف، س، س: بنداری؛ و هو صاحب شوکه و قوه. و هو یکن مع أمه هذه القلعة و معه عکر عظیم ۱۳- ق: ز ۱۴- ل، ل: کسی را از (ل: ز) ایران ۱۵- ل: نباید کشیدن از آنسو ۱۶- ل، ق: بر؛ س، س: (نیز لن، ل، پ، ل، آ): در؛ ق: بی؛ متن = ف، ل (نیزو، ب) ۱۷- ل- س (نیز لن- ب): دشوار؛ متن = ف ۱۸- س، ق، ل: [و] ۱۹- س، ل، س: همه؛ متن = ف، ل، ق ۲۰- ف، س، ق، ل (نیز ق، ل، و): جنگ (و: جنگ) شیر آزدن (ق: آزدن)؛ س: نه ننگی بودتان نه جنگ و زدن؛ (ل، آ، ب: جنگ شیران زدن؛ پ، لن: گرفتار در جنگ شیران بدن)؛ متن = ل ۲۱- ف: با طوس پس؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۲۲- ق: نباشد؛ ل: نیاید ۲۳- ل: کاخ ۲۴- ق: می ۲۵- س، س: پاک تن؛ ق: و انجمن؛ متن = ف، ل، ل ۲۶- س: گفت ۲۷- ل، ق: ز؛ متن = ف، س، ل، س ۲۸- ف- ل: وز؛ متن = س؛ ل پس از این بیت افزوده است:

از آزدن مادر پارسا  
مرازی شبانان بی‌مایه داد  
فرستادم این بار طوس و سپاه  
جهان بر بداندیش تنگ آوریم  
۵ ورا پیل تن گفت کین غم مدار  
که با ما چه کرد آن بد پُرجفا  
زمن کس ندانست نام و نژاد  
ازین پس من و تو گذاریم راه  
سردشمنان زیر سنگ آوریم  
که کام تو گردد مه روزگار

همی رفت<sup>۱</sup>، پیش اندر آمد دو راه: کلات از دگر سوی<sup>۲</sup> و راه جرّم<sup>۳</sup> بدان تا بیاید سپهدار طوس به فرمان رود، گر<sup>۴</sup> به رای<sup>۵</sup> سپاه سخن رفت<sup>۱۱</sup> از آن راه بی آب و گرم<sup>۱۲</sup> اگر گرد<sup>۱۳</sup> عنبر دهد، خاک<sup>۱۴</sup> مُشک، به آب و به آسایش آید نیاز برانیم و منزل کنیم از مَمیم<sup>۱۹</sup> بیابان چه کوبیم<sup>۲۰</sup> و رنج<sup>۲۱</sup> روان؟ چو گرد<sup>۲۳</sup> پیش سپه<sup>۲۴</sup> راهبر مگر<sup>۲۷</sup> بود لختی نشیب و فراز بیابان و فرسنگ‌ها نشمریم<sup>۲۹</sup>

وَزَان روی منزل به منزل سپاه ز یکسو بیابان بی آب و نم<sup>۲</sup> بماندند<sup>۵</sup> بر جای پیلان و کوس<sup>۶</sup> کدامین پسند آیدش زین<sup>۷</sup> دو راه ۵۰ چُن<sup>۱۰</sup> آمد بر سرکشان طوس نرم به گودرز گفت: این بیابان خشک چو رانیم روزی به تندی<sup>۱۵</sup> دراز<sup>۱۶</sup> همان به که سوی کلات و<sup>۱۷</sup> جرّم<sup>۱۸</sup> ۵۵ چپ و راست آباد و آب روان مرا بود روزی برین ره<sup>۲۲</sup> گذر ندیدیم ازین<sup>۲۵</sup> راه رنجی<sup>۲۶</sup> دراز همان به که لشکر بدین سو<sup>۲۸</sup> بریم

۱- ل، ل: رفت و؛ س: بشدتا که؛ متن = ف، ق، س: ۲- ق: و گرم ۳- ف، س، ق: سو؛ متن = ل، س: ۴- ل، ق (نیز پ، و، ل، ن): حرم؛ (ل: چرم)؛ متن = ف، س، س: (نیز ل، ن، ق، ل، آ، ب، لغت شهنامه، شماره ۷۲۲)؛ ل: این بیت را ندارد ۵- ق: فروماند ۶- س: پیلان ابرجای و کوس ۷- ق: زان ۸- ف، س، ق، س: با؛ متن = ل ۹- ل: پیلان و ۱۰- ل- ل- س: چو؛ متن = ف ۱۱- ل، ل، س: گفت؛ س: راند؛ متن = ف، ق، ل ۱۲- ل: نم؛ ق: بی راه گرم ۱۳- ق: باد ۱۴- ل: باد ۱۵- ق: سختی؛ ل: بره؛ س: از ایدر ۱۶- س: فراز ۱۷- ل: [و] ۱۸- ل، ل، ل: (نیز پ، و، ل، ن): حرم؛ متن = ف، س، ق، س: (نیز ل، ن، ق، ل، آ، ب، بنداری، لغت شهنامه، شماره ۲۳۶۷) ۱۹- ل، ل، س: برانیم و در دل نداریم غم ۲۰- س: جوییم ۲۱- ف، ق (نیز ل، آ): ریگ؛ متن = ل، س، س: (نیز ل، ن، ل، پ، ل، ن، ب): ل بیت‌های ۵۵ و ۵۶ را ندارد ۲۲- ل، ق، س: بدین ره؛ س: از این راه روزی؛ متن = ف ۲۳- ف، س، ق، س: کزدهم؛ ل: کزدهم ۲۴- س: بُد پیش من ۲۵- س: ندیدیم درین ۲۶- ل: رنج؛ س: رنج راه ۲۷- س: به ما؛ ل (نیز ل، ب، و، آ، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدو گفت گودرز: پرمایه شاه  
بر آن ره که گفت اوسپه را بران  
نباید که گردد دل آزاده شاه  
بدو گفت طوس: ای گونامدار  
کزین شاه را دل نگردهم ۵

۲۸- س، س: بران ره؛ ق: بدان سو؛ ل: بدان ره؛ متن = ف، ل ۲۹- ف: نسیم؛ س: بشمرم (!)؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیز ل- ب)؛ ف پس از بیت ۵۸ افزوده است: به سوی کلات اندر آمد به راه گرفته همه راه و بی ره سپاه ل پس از بیت ۵۸ دو بیت و ق تنها بیت یکم را افزوده‌اند (لی، پ، و، آنیز هر دو بیت را، ق: بیت یکم را و ب بیت دوم را دارند): بدین گفته بودند (ق: گشتند) همدستان برانندند از آن راه پیلان کوس س پس از بیت ۵۸ افزوده است: برانندند لشکر بران بر ز راه نکردند فرمان شه را نگاه س: پس از بیت ۵۸ افزوده است (لی، ل، آ، آنیز بیت‌های یکم و دوم را دارند):

بگفت و بدان راه لشکر برانند  
چو فرمان خسرو نیاورد یاد  
خردمند از آن در شگفتی بماند  
نگر تا سرانجام چون جمت باد

### گفتار اندر آگاهی یافتن فرود از آمدن لشکر ایرانیان<sup>۱</sup>

چو<sup>۲</sup> آگاهی آمد بنزد فرود  
 ز باد هیونان و از نعل پیل<sup>۳</sup> ۶۰  
 سپاه برآزرت<sup>۴</sup> از ایران زمین  
 چو بشنید نا کار دیده جوان  
 فرود از در<sup>۵</sup> دز فروهشت بند  
 بفرمود تا هرچه<sup>۶</sup> بودش گله<sup>۷</sup> ۶۵  
 فسيله به بند اندر آورد نیز<sup>۸</sup>  
 همه سوی تیغ<sup>۹</sup> سپد کوه<sup>۱۰</sup> بُرد  
 وُزآنپس بیامد در دز بیست  
 چو برخاست آواز<sup>۱۱</sup> کوس از جرم  
 جَریره زنی بود مام فرود

که شد روی خورشید تابان کبود،  
 زمین<sup>۱</sup> شد بکردار دریای نیل  
 همی سوی توران<sup>۲</sup> گراید به کین  
 دلش گشت پُر درد و تیره روان  
 بیامد نگه کرد کوهی بلند  
 هیونان و از<sup>۳</sup> گوسپندان<sup>۴</sup> یله<sup>۵</sup>،  
 نماند ایچ<sup>۶</sup> بر دشت و بر کوه چیز<sup>۷</sup>  
 به بند اندرون سوی انبوه بُرد<sup>۸</sup>  
 یکی باره ی تیزتگ<sup>۹</sup> برنشست  
 جهان گشت<sup>۱۰</sup> چون آبنوس از مَیم،  
 ز بهر<sup>۱۱</sup> سیاوش دلش<sup>۱۲</sup> پُر ز دود<sup>۱۳</sup>،

۱- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن فرود از آمدن لشکر ایرانیان و آمدن به تماشا ایشان و داستان او با طوس؛ س، س: آگاهی یافتن فرود از آمدن لشکر (س: ایران به قلعه)؛ ق: آغاز داستان فرود سیاوش با طوس نوز؛ متن = آغاز ف ۲- ل، س: پس؛ متن = ف، ق، س: ل: بیتهای ۵۹ و ۶۰ را ندارد ۳- (و: پای پیل)؛ ل (نیزلی، آ): ز نعل ستوران (لی، آ: هیونان) و ز پای پیل؛ س (نیزلی، پ، ل: آ): ز پای هیونان و از گرد پیل؛ ق (نیز ل: آ): ز بانگ هیونان و ز نعل پیل؛ متن = ف، س: آ (نیز ق: آ، ب) ۴- س: آ: جهان؛ س: آ پس از این بیت چهار بیت وق (نیز پ) تنهایی های دوم تا چهارم را افزوده اند:

نوگفتی که دریا به جوش آمدست  
 همه موج پیولاد پوش آمدست  
 سوی (س: آ) مادر آمد فرود جوان  
 پیر از درد دل تیره گشته (س: آ: گشته تیره) روان  
 چنین گفت کای مادر (س: آ: کامد یکی) نامدار  
 یکی لشکر آمد سوی کوهسار  
 چنین (س: آ: بدو) گفت مادر که مندیش ازین  
 که آن (س: آ: این) لشکر از تو ندارند کین

۵- س: برادر ۶- ف: ترکان؛ س: دریا؛ ق: ایران (!)؛ متن = ل، س: آ (نیزلی، ل، ب)؛ ل این بیت را ندارد؛ س: آ: پس از این بیت افزوده است:

به کین سیاوش سپاهی بزرگ  
 فرستاد با کینه خواهی سترگ  
 به راه کلات آهنگشان  
 ندانم کجا اوفتد جنگشان

۷- س: آ: پیر از درد دل گشته ۸- س، ق، فرود آمد از؛ متن = ف، ل، س: آ؛ در ل بیت های ۶۳-۱۰۸ در هم ریخته اند

۹- ل، س: هرچ ۱۰- ل، س، س: آ: بله؛ متن = ف، ق، ل ۱۱- ق، ل: آ: وز؛ س: آ: از اسبان وز؛ متن = ف، ل، س ۱۲- ف، ل، ق، س: آ: گوسپندان؛ متن = س، ل ۱۳- ل، س، س: آ: گله؛ متن = ف، ق ۱۴- ق: شست؛ ل: اندر آرند نیز؛ ل: بجمله بکوه اندر آرند نیز؛ متن = ف، س، س: آ ۱۵- ل: نماند؛ متن = ۱۶- ل: بر کوه و بر دشت چیز؛ س: در دشت و در کوه چیز؛ ق: یکی باره تیرتک برنشست (= ۶۷ ب)؛ متن = ف، س، س: آ ۱۷- ل، س: آ (نیزلی، آ): کوه؛ س: همه راه سوی؛ ل: آ: همه جمله نژد؛ (لن، و، ب: همه جمله سوی؛ ق، ل: آ: همه پاک سوی؛ پ: همه سوی راه)؛ متن = ف ۱۸- ف، ل، س، س: آ (نیز ق: آ، و، آ): سید کوه (با یک نقطه)؛ ل: آ: سید کوه؛ (لن، آ: ب: سید کوه) ۱۹- س: آ: به بند اندر از بیم اندوه برود؛ ق این بیت را ندارد ۲۰- ل: تیزرو؛ ق ۶۵ ب- ۶۷ آ را انداخته و از ۶۵ آ و ۶۷ ب یک بیت ساخته است ۲۱- ق، س: آ: آوای؛ متن = ف، ل، س، ل ۲۲- ل، س: جهان کرد؛ ق، ل، س: آ: همان گرد؛ متن = ف ۲۳- س: ز درد ۲۴- س: آ: دلی ۲۵- ف (نیز ق: آ، و، ب): پر درود؛ متن = ل، س: آ (نیزلی، ل، ل، آ، پ، لن، آ)

← به سوی کلات اندر آمد سپاه  
 همی رفت لشکر به بی راه و راه

لن، لن، ل: آ: هیچیک از بیت های بالا را ندارند، ولی در ترجمه بندازی آمده است: فوافقه جوذر ز علی ذلک، و سار و افیه

- ۷۰ بر مادر آمد فرود جوان  
از<sup>۳</sup> ایران سپاه آمد و پیل<sup>۴</sup> و کوس  
چه گویی<sup>۶</sup>؟ چه باید کنون ساختن؟  
جریره بدو گفت کای<sup>۷</sup> رزمساز  
به<sup>۹</sup> ایران برادرت شاه نوشت  
ترا نیک داند به نام و گهر  
۷۵ بدو داد پیران مرا از نخست  
نژاد تو از مادر و از<sup>۱۲</sup> پدر  
برادرت اگر<sup>۱۴</sup> کینه جویده‌هی  
ترا پیش<sup>۱۵</sup> باید به کین<sup>۱۶</sup> ساختن<sup>۱۷</sup>  
۸۰ گر او کینه جویده‌هی از<sup>۱۹</sup> نیا  
برت را به خفتان رومی بپوش  
ز<sup>۲۲</sup> پیش سپاه برادر برو<sup>۲۳</sup>  
که زبید<sup>۲۵</sup> کزین غم<sup>۲۶</sup> بنالد پلنگ  
وگر<sup>۲۸</sup> مرغ با ماهیان اندر آب  
۸۵ که اندر جهان چون سیاوخش نیز<sup>۳۰</sup>  
به گردی و مردی و فرّ و نژاد<sup>۳۲</sup>  
تو پور چنان نامورمهرتری  
کمر بست باید<sup>۳۵</sup> به کین<sup>۳۶</sup> پدر  
به لشکرنگه کن که سالار<sup>۳۸</sup> کیست
- چنین<sup>۱</sup> گفت کای مام روشن‌روان<sup>۲</sup>  
به پیش سپه در سرافراز<sup>۵</sup> طوس  
نباید که آرد یکی تاختن  
بدین<sup>۸</sup> روز هرگز مبادت نیاز  
جهاندار و<sup>۱۰</sup> بیدار کیخسروست  
ز همخون و از مهره‌ی یک پدر<sup>۱۱</sup>  
وگرنه ز ترکان همی زن نجست  
همه تاجدار و همه نامور<sup>۱۳</sup>  
روان سیاوش بشویده‌هی،  
کمر بر میان بستن و ساختن<sup>۱۸</sup>  
ترا کینه زیباتر<sup>۲۰</sup> و کیمیا  
برودل پُر از جوش و سرپُرخروش<sup>۲۱</sup>  
تو کین خواه نو باش و<sup>۲۴</sup> او شاه نو  
ز دریا خروشان برآید هنگ<sup>۲۷</sup>  
بخوانند نفرین بر<sup>۲۹</sup> افراسیاب  
نبندد کمر یک جهان بخش نیز<sup>۳۱</sup>  
به اورنگ و فرهنگ و سنگ و به داد<sup>۳۳</sup>  
ز تخم کیانی و کی منظری<sup>۳۴</sup>  
به جای<sup>۳۷</sup> آوریدن نژاد و گهر  
و زآن مهتران نامبردار کیست

۱- ل: بدو ۲- ل: نوشین‌روان؛ س: دلش گشت پردرد و تیره‌روان ۳- س: کز ۴- ل: س: بوق ۵- ل: سپاه اندرون  
میر ۶- ل: س: چوآید ۷- ق: ای ۸- ل: برین ۹- س: در ۱۰- س: ق: [و] ۱۱- ف: و از مهره و یک پدر؛ ل:  
ل: وز مهره یک پدر؛ س: و هم مهره یکدگر؛ ق: و یک چهره و یک پدر؛ س: ز هم پشت و ز مهره یکدگر؛ متن = ل، ل، آ، بنداری: و أنت و هو  
من اب واحد ۱۲- ل، ق، س: وز؛ متن = ف، س ۱۳- ل: تاجور ۱۴- ل، ق، ل: گر؛ متن = ف، س، س: درس بیت‌های  
۷۸- ۸۰ درهم ریخته‌اند: ۷۸، ۷۹، ۸۰ ۱۵- ف- س: بیش ۱۶- س: یکی ۱۷- ل، س: ساختن؛ ق، ل: آختن؛ متن = ف،  
س ۱۸- ل، س، ق، س: تاختن (س پساوند ندارد)؛ متن = ف، ل ۱۹- س: با ۲۰- ق: ترا درد افزون‌تر ۲۱- س، ل: برو  
سر (ل: دل) پر از خون و دل (ل: س) پر ز جوش؛ متن = ف، ل، ق، س ۲۲- ل: س: به؛ متن = ف ۲۳- س، ل: برادرت رو؛ ق:  
برادرت شو؛ متن = ف، ل، س ۲۴- ق: [و] ۲۵- س: که شاید ۲۶- ل: کین ۲۷- س: بچنگ ۲۸- ق: و  
یا ۲۹- ل: به ۳۰- ل، ق: سیاوش سوار؛ س (نیز ل): سیاوش نیز (پساوند ندارند)؛ متن = ف، ل، س ۳۱- ل، ق: نیز یک نامدار؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل- ب) ۳۲- ل: چنگ و نژاد؛ ق: بخش و بداد؛ ل: بخش و نژاد؛  
س: بفر و بگردی و بخش و نژاد؛ متن = ف، س ۳۳- ف: عدل و به داد (!)؛ ق: فرّ و نژاد؛ ق: با سنگ و داد؛ ل: سنگ و نژاد؛ و: دیهم  
و داد؛ س: جهاندار چون او ندارد بیاد؛ س (نیز ل، ل): به اورنگ و سنگ و به فرهنگ (س: فرسنگ - فرهنگ) و داد؛ متن = ل، ل (نیز  
ل، آ، ب) ۳۴- متن = ف- س (نیز ل- ب) ۳۵- س: بیایدت رفتن ۳۶- ق: به خون ۳۷- ل: بجا؛ ق: بکار ۳۸- س:  
بین تاز لشکر سپه‌دار؛ ل این بیت را ندارد

۹۰ خِرام آرا و گردنکشان را بخوان  
 ز شمشیر و از<sup>۳</sup> ترگ<sup>۴</sup> و برگستوان  
 به<sup>۵</sup> گیتی برادر ترا گنج بس  
 سپه را تو باش این زمان پیشرو  
 چنین گفت از آن<sup>۸</sup> پس به مادر فرود  
 ۹۵ که باید که باشد مرا پامرد  
 کزیشان کسی را ندانم<sup>۱۲</sup> به نام  
 جریبه چنین گفت کای<sup>۱۴</sup> شاهپور  
 نگه کن سواری ز گنداوران<sup>۱۷</sup>  
 نشان خواه ازین دو گو<sup>۱۸</sup> سرفراز  
 ۱۰۰ همیشه سر و نام<sup>۱۹</sup> تو زنده باد!  
 ازین هر دو هرگز نگشتی<sup>۲۰</sup> جدا<sup>۲۱</sup>  
 تو زاید بر بی سپه<sup>۲۳</sup> با تُخوار<sup>۲۴</sup>  
 چو<sup>۲۵</sup> پرسی ز گردان و گردنکشان  
 بدو گفت: رای تو ای شیرزن<sup>۲۸</sup>  
 ۱۰۵ یکی دیدبان<sup>۲۹</sup> آمد از دیدگاه<sup>۳۰</sup>

می و خلعت آرای و بالای<sup>۲</sup> و خوان  
 ز خفتان و از<sup>۳</sup> خنجر هندوان  
 ممان کین و آیین به<sup>۶</sup> بیگانه کس  
 تو کین خواه نو باش و او شاه نو<sup>۷</sup>  
 کز ایران<sup>۹</sup> سَخُن با که باید سرود؟  
 ازین<sup>۱۰</sup> سرفرازان<sup>۱۱</sup> روز نبرد؟  
 نیامد ازیشان بر من پیام<sup>۱۳</sup>  
 تو<sup>۱۵</sup> چون گرد لشکر<sup>۱۶</sup> بینی زدور،  
 ز بهرام و از<sup>۱۸</sup> زنگه‌ی شاوران  
 کزیشان مرا و ترا نیست راز  
 روان سیاوش فروزنده باد!  
 گنارنگ بودند و او<sup>۲۲</sup> پادشا  
 مدار این سَخُن بر دل خویش خوار  
 تُخوار<sup>۲۶</sup> دلاور<sup>۲۷</sup> بگوید نشان  
 درفشان کند دوده و انجمن  
 سَخُن<sup>۳۱</sup> گفت با او<sup>۳۲</sup> از<sup>۳۳</sup> ایران سپاه

۱- ل: سران را؛ س: بزرگان؛ ل: تو بخرام؛ متن = ف، س، ق ۲- ل، ل: و بالا و؛ س: [و] بالای؛ متن = ف، ق، س ۳- ق، ل:، س: وز؛ متن = ف، س ۴- س: گرز؛ ل این بیت را ندارد ۵- ل- س: ز؛ متن = ف ۶- س: به فرمان او کین ز ۷- ل، س، ق: تویی (ل: توی) کینه خواه جهاندار نو؛ متن = ف، س (= ۸۲ ب)؛ ل این بیت را ندارد ۸- ل: زان ۹- س: کز اول ۱۰- س: از آن ۱۱- ق: نامداران ۱۲- ل، س: ندانم کسی را؛ ق: یکی را ندانم؛ س: کسی را ندانم ازیشان؛ متن = ف، ل ۱۳- ل- س: (نیز ق، و، ب): نیامد بر من درود و پیام (س: خرام؛ ق: سلام)؛ (لن، پ، لن: چگونه فرستم درود و پیام (لن: خرام))؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۴- س، ق: با؛ متن = ف، ل، س ۱۵- س، ق، س: که؛ متن = ف، ل ۱۶- ل: چون لشکرش را؛ ل این بیت را ندارد ۱۷- س: سواران و جنگاوران ۱۸- س: [و] گر؛ س: وز؛ ق: کجا نام او؛ ل: چو بهرام و چون؛ متن = ف، ل این بیت را ندارد؛ ق پس از این بیت دو بیت و ل تنها بیت دوم را افزوده اند:

دلیر سرفراز خود کام را      ز گودرزیسان پرس بهرام را  
 سزد گر بجویی بدیشان (ل: بریشان) گذر      که اینند (ل: آنند) همشیرگان پدر

۱۹- ل، س، س: سر نام؛ متن = ف، ق، ل ۲۰- ق: نبود ۲۱- ل: جدای ۲۲- س: وهم ۲۳- ق: با سپه؛ ل: بدو  
 گفت زاید بر بی سپه؛ متن = ف، س، ل، س ۲۴- ل، ل: (نیز آ): نخوار؛ س: (نیز لن): نخار؛ (ق: تخار)؛ متن = ف، س، ق (نیز ل، ل، پ، لن، ب، بنداری): نخوار- نخوار؛ ل پس از این بیت دو بیت و س تنها بیت یکم را افزوده اند:

کز ایران که و مه شناسد هم      بگوید نشان شبان و رمه  
 ز بهرام و ز زنگه شاوران      نشان جوز گردان جنگاوران

۲۵- ف: چه؛ ل: که؛ متن = س، ق، س ۲۶- ق (نیز ق): نخار؛ س: (نیز لن): نخار؛ (و: نخوار)؛ متن = ف، س (نیز ل، ل، پ، لن، آ، ب) ۲۷- ل: ترا خود نخاور؛ ل این بیت را ندارد ۲۸- س: نیک زن ۲۹- ق، ل، س: دیده بان ۳۰- ل، ق، ل: دیده گاه؛  
 س: کوه گاه (!) ۳۱- ق: چنین ۳۲- ق، ل: وی ۳۳- ل، ق، ل: س: ز

- که دشت و در و کوه پُر لشکرست  
ز دربند دز تا درازای سنگ<sup>۲</sup>  
برفتند پویان تُخواره و فرود  
از افراز چون کَر گُردد سپهر  
جوان با تُخوار<sup>۸</sup> سراینده گفت  
کنارنگ و ز هر که<sup>۱۰</sup> دارد درفش  
چو بینی به من نام ایشان بگوی<sup>۱۲</sup> ۱۱۰
- سواران رسیدند نزدیک<sup>۱۶</sup> کوه  
ز بس ترگی زرین و زرین سپهر<sup>۱۷</sup>  
تو گفתי به کان اندرون زر نماند  
سوار و پیاده به زرین کمر  
ز بانگ تبیره میان دو کوه  
سپردار و شمشیرزن سی هزار  
بماندند خیره فرود و تخوار  
چنین گفت کاکنون درفش میهان  
چنین<sup>۲۳</sup> گفت کان پیل پیکر درفش ۱۱۵
- تو خورشید گویی به بند<sup>۱</sup> اندرست  
درفش ست<sup>۳</sup> و پیلان و مردان جنگ<sup>۴</sup>  
جوان را سر بخت پُرگردد<sup>۵</sup> بود  
نه تندی به کار آید از بُن نه مهر<sup>۶</sup>  
که<sup>۹</sup> هرچت پرسم نباید نهفت  
خداوند گوپال<sup>۱۱</sup> و زرینه کفش،  
کسی را که دانی<sup>۱۳</sup> از ایران<sup>۱۴</sup> به روی<sup>۱۵</sup>
- سپاه اندرآمد گروه‌ها گروه  
ز گوپال زرین و زرین کمر<sup>۱۸</sup>،  
برآمد یکی ابر و گوهر فشاند  
همه تیغ دار و همه نیزه ور<sup>۱۹</sup>  
دل کرگس اندر هوا شد ستوه  
همی رفت گرد<sup>۲۰</sup> از در کارزار  
از آن لشکر و آلت کارزار<sup>۲۱</sup>  
بگوی<sup>۲۲</sup> و مدار ایچ گونه نهان  
سواران و آن تیغ‌های بنفش،

۱- ق: گفתי به گرد ۲- ف، س: تا در آرز جنگ (!)؛ ل: تا بیابان جنگ؛ ق (نیز ق): تا در (ق: بس) کوه کنگ؛ ل: تا در آرای ننگ (!)؛ (ل، آ: تا درازای کنگ؛ ل: تا در آب کنگ؛ و: ز درگاه در تا در آرزنگ)؛ متن = س (نیز، ل: س) ۳- ل: سپاهست ۴- ق: درفش و سپاهست و پیلان جنگ؛ ف، ل، س: پساوند ندارند ۵- ل، س: نخوار؛ (ق: نخوار؛ ل: نخار)؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز هفت دستویس دیگر و بنداری) ۶- س، ل، س: برگشته؛ پایی بیت‌های ۶۲-۱۰۸ در ل: ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۹، ۷۰-۷۵، ۷۸، ۸۰-۸۶، ۷۶، ۷۷، ۸۷، ۸۸، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۲، ۱۰۰، ۱۰۱، ۹۹، ۹۲، ۹۳، ۷۹، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۶۳، ۶۷، ۱۰۸ (بیت‌های ۸۹، ۹۱، ۹۷، ۹۸، ۱۰۳ را ندارد) ۷- ق این بیت را ندارد؛ ل پس از این بیت افزوده است:

گزیدند تیغ یکی بر زرکوه که دیدار بُد یکسر ایران گروه

۸- ل، س: (نیز و): نخوار؛ (ق: نخار؛ ل: نخار)؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز ل، پ، ل: ب، بنداری) ۹- س: ز ۱۰- ل: هرک؛ س: [و] با آنک؛ س: و از هر که؛ متن = ف، ق، ل: ۱۱- ف، س: کوبال ۱۲- ق: بگو ۱۳- س: بینی ۱۴- ل: ازیشان ۱۵- ق: برو ۱۶- ل: بر تیغ؛ ل: رسیدند میان دو؛ متن = ف، س، ق، س: ل پس از این بیت افزوده است:

سپردار با نیزه ور سی هزار همه رزمجوی از در کارزار (ه ۱۱۸)

۱۷- ل: درفش؛ ل: کمر؛ ق: زرینه کفش؛ متن = ف، س، س: ۱۸- ل: سپر؛ ل: زرینه کفش؛ س: سیمین کمر؛ ق: سیمین و زرین درفش؛ متن = ف، س: ۱۹- در ل این بیت پس از بیت ۱۱۳ پ آمده است ۲۰- در ف به پیش یکم؛ ل، ل این بیت را ندارند؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند، س: پرسیدن فرود نشان پهلوانان ایران از نخوار؛ ق: پرسیدن فرود سیاوخش نشان ایرانیان از نخوار ۲۱- ل، ق این بیت را ندارند و درس (نیز ل، ق، ل، پ، ل: آ) این بیت چنین آمده است (درس ل: ها پس و پیش شده اند):

بماندند خیره تخوار و فرود از آن لشکر گشن و سازی که بود

متن = ف، ل، س: (نیز و ب) ۲۲- ل: بگو؛ س: این بیت را ندارد ۲۳- ق: بدو؛ ف، ل پس از این بیت افزوده اند:

<p>که در کینه پرخاش<sup>۱</sup> او بد بود که خورشید تابان برو پیکرست<sup>۲</sup> سپهبد فریبرز کاوس نام دلیران بسیار و گردی<sup>۵</sup> سترگ که لرزان برد<sup>۸</sup> پیل ازو استخوان<sup>۹</sup> به گرد اندرش لشکری<sup>۱۱</sup> رزمساز دلیران و گردان و گنداوران<sup>۱۳</sup> تنش لعل و جعد از حریر سیاه<sup>۱۵</sup> که خون باآسمان برچکاند<sup>۱۶</sup> همی همی بشکند زو میان هیزبر چو کوهی<sup>۱۸</sup> همی اندرآید ز جای سپاه از پس و نیزه داران به<sup>۲۰</sup> پیش که گویی مگر با سپهرست راست که هزمان سپهر اندرآرد به گاز<sup>۲۳</sup></p>	<p>پس پشتِ طوسِ سپهبد بود درفشی پس پشتِ او دیگرست برادر پدرت<sup>۳</sup> با فر و کام پش<sup>۴</sup> ماه پیکردرفشی بزرگ ۱۲۵ وُرا نام گُستهم گزدهم<sup>۶</sup> خوان<sup>۷</sup> پش گورپیکر<sup>۱۰</sup> درفشی دراز به پیش<sup>۱۲</sup> اندرش زنگه‌ی شاوران درفشی پرستاریکر<sup>۱۴</sup> چو ماه ۱۳۰ وُرا بیژن گِیو راندهمی درفشی کجا پیکرش تیره<sup>۱۷</sup> بر وُرا گرد شیدوش دارد به پای درفشی پش پیکر از<sup>۱۹</sup> گاومیش گزین ابرشهر<sup>۲۱</sup> فرهاد راست ۱۳۵ درفش گرازست<sup>۲۲</sup> پیکر گراز</p>
--	---

۱- ل: پیکار؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup> ۲- ل: س<sup>۲</sup> (نیزلن- ب) چو (ل: آ: که) خورشید تابان بدو (و، آ: برو) پیکرست؛ متن = ف؛ ف پس از این بیت افزوده است:

پش شیرپیکر درفش مهین ورا گرد گودرز با آفرین

ل: س<sup>۲</sup> (نیزلن- ب) این بیت را ندارند ۳- و نیز میتوان خواند: برادر پدرت<sup>۳</sup> ۴- ف: دگر؛ س: پس؛ متن = ل، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup> ۵- س: بسیار گردو؛ ل، آ، س<sup>۲</sup>: بسیار گردش؛ متن = ف، ل، ق ۶- درف، س، ق با یک نقطه ۷- ل: دان ۸- ل (نیزب): بود؛ متن = ۹- س: که ترسد ز زوبین او استخوان؛ ق: که ترسان بود پیل ازو از کوان (!)؛ ل، آ، س<sup>۲</sup>: که ترسان از ویست (س: ازو پشت) پیل زیان؛ متن = ف (نیزو) ۱۰- ل، ق (نیزلن، پ، لن): کرک پیکر؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۲</sup> (نیزق، آ، ل، و، آ، ب) ۱۱- ل: به گردش بسی مردم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup> (نیزلن- ب) ۱۲- ل: س<sup>۲</sup> (نیزلن، ل، آ): بزیر؛ متن = ف (نیزب) ۱۳- ف: جنگاوران؛ متن = ل: س<sup>۲</sup> (نیزلن- ب)؛ در ل، آ، س<sup>۲</sup> پس از این بیت، بیت ۱۳۶ آمده است ۱۴- ف: بدو شاخ پیکر؛ س (نیزلن): پس اوست پیکر؛ (ل، آ: بر استاره پیکر؛ ل: سرافراز پیکر؛ لن: پس او به پیکر)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup> (نیزو، ب) ۱۵- ف: و سباز حریر و سیاه؛ س: و جعدش چو مشک سیاه؛ متن = ل، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup> (نیزو) ۱۶- ل: س<sup>۲</sup> (نیزق، آ، ل، پ، لن، آ، ب): برفشان؛ متن = ف (نیزل، و، آ) ۱۷- ل، س: هست؛ متن = ف، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup> ۱۸- ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup> (نیزلن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب): که گویی (برخی را که کوهی هم میتوان خواند)؛ (ل: آ: که گوید؛ و: که هزمان)؛ متن = ل؛ در ل، آ، س<sup>۲</sup> پس از این بیت، بیت ۱۳۵ آمده است ۱۹- ل: پیکر [از]؛ ل: کجا پیکرش؛ س، س<sup>۲</sup>: پش پیکر؛ متن = ف ۲۰- ل: ز؛ س، ل، آ، س<sup>۲</sup>: نیزه دارانش؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- ف (نیزل، آ، و، آ، ب): گزین همه (و، ب: گوان؛ آ: یلان) شهره (ل: شهر)؛ ل: چنان دان که آن شهره؛ ل، آ، س<sup>۲</sup>: ازین انجمن دان که؛ (لن: گزین سپه گرد؛ ق: گزین آوران شهره؛ پ: گزین از بهر شهر؛ لن: گزین ابر سه مرد (!))؛ متن = س (نیزل: به) داستان عرض کردن کیخسرو، بیت ۱۵۳، (۳۱۴)؛ ق این بیت را ندارد ۲۲- ل: گرازست و؛ س: درفشش گرازست و؛ س: درفشی گرازست؛ متن = ف، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup> ۲۳- س: اندرآید بگاز؛ ل: سپاهی کمند افکن و رزمساز؛ متن = ف، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup>؛ در ل، آ، س<sup>۲</sup> این بیت پس از بیت ۱۳۲ آمده و درس با بیت سپین پس و پیش شده است

چنین آلت و دست (ل: ساز) و این دستگاه  
چنین داد پاسخ که ای شهریار

→ که را باشد اندر میان سپاه  
چو بشنید گفتار او را نخوار (ل: نخوار)  
س، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup> (نیزلن- ب) این بیت ها را ندارند

درفشی کجا پیکرش دیزه<sup>۱</sup> گرگ نشان سپهدار گیو سترگ

### گفتار اندر دیدن طوس فرود و نخوار را بر کوه<sup>۲</sup>

چو ایرانیان از بر<sup>۳</sup> کوهسار  
برآشفت ازیشان سپهدار طوس  
چنین گفت کز<sup>۷</sup> لشکر نامدار  
که جوشان<sup>۱۰</sup> شود زین میان گروه  
۱۴۰ ببیند که آن<sup>۱۳</sup> دو دلاور که اند<sup>۱۴</sup>  
گر ایدونک<sup>۱۷</sup> از لشکر ما یکیست  
وگر ترک باشند و<sup>۱۸</sup> پرخاشجوی  
وگر گشته آرد کشانش<sup>۲۰</sup> به خاک

بدیدند جای فرود و نخوار<sup>۴</sup>،  
فرومانده<sup>۵</sup> بر جای پیلان و<sup>۶</sup> کوس  
سواری بیایدھی<sup>۸</sup> بی کیار<sup>۹</sup>  
برد اسپ را بر<sup>۱۱</sup> سر تیغ<sup>۱۲</sup> کوه  
بر آن تیغ که بر<sup>۱۵</sup> ز بهر چه اند<sup>۱۶</sup>  
زند بر سرش تازیانه دویست  
بیند کشانش بیارد به روی<sup>۱۹</sup>  
سزد گر ندارد بدین ترس<sup>۲۱</sup> و باک

۱- س، ق: هست؛ متن = ف، ل، ل، ل، س؛ در ل، س؛ این بیت پس از بیت ۱۲۸ آمده است؛ بنداری (۱۱۳ - ۱۳۶): فأخذ يسأل نخوار عن علامة كل واحد من الايرانيين، وهو يجبره ويصف له؛ ق (نیز پ) پس از بیت ۱۳۶ دوازده بیت و ل تنها هفت بیت نخستین را افزوده اند:

درفشی کجا شیریکر بزر  
درفشی پلنگت پیکر گراز  
درفشی کجا آهوش پیکرست (ق: پیکرش هست اسب)  
درفشی کجا غرم دارد نشان  
5 همه شیر مردند گرد و سوار (ق: درفش که چون باز پیکر بود)  
چو یک یک بگفت از (ق: بگفتش) نشان گوان  
مهان و کههان را همه بنگرید  
چنین گفت شاه جهان با نخوار  
اگر یار باشد خداوند هور  
10 به چین و به ماچین نمائیم سوار  
از افراسیاب آن گوشور بخت  
به کین پسر من بپر سرش

که گودرز کشواد دارد به سر  
پس ریسونیزست با کام و ناز  
که نستوه گودرز با لشکرست (ق: بزیرش همی در براند ز اسب)  
ز بهرام گودرز کشوادگان (ق: چو بهرام گودرز آنرا کشان)  
یکایک بگویم درازست کار (ق: به گرگین میلاد درخور بود)  
به پیش فرود آن شه خسروان  
ز شادی رخس همچو گل (ق: دلش شادمان گشت ورخ) بشکفید  
که کین پسر بازخواهم خوار  
که آن کینه را بازخواهم بزور  
ز کین آوری از در کسار زار  
بسر دازم آن گساره و دیهم و تخت  
به ویرانی آرم همه کشورش

۲- ف: گفتار اندر دیدن طوس فرود و نخوار را بر کوه و فرستادن بهرام گودرز را به کشتن ایشان و مناظره فرود؛ س: رفتن بهرام گودرز بنزد فرود سیاوش و مناظره ایشان؛ ق: رفتن بهرام گودرز نزد فرود و سخن گفتن با همدیگر؛ متن = آغاز ف ۳- ل، س؛ از پس ۴- ل، ل؛ (نیز آ): نخوار؛ (ق: نخار؛ ل، ل، ل، نخار)؛ متن = ف، س، ق، س؛ (نیز ل، ل، پ، و، ب) ۵- ل، ل، ل، س؛ فرود داشت؛ متن = ف، س، ق، ل؛ [و] ۷- ل، ل، س؛ ازین ۸- ل: کنون؛ س: بیاید سواری مرا؛ متن = ف، ق، س؛ ۹- ف: برگذار؛ ل (نیز ب): سک یار (= نیک یار) - بیکیار؛ س (نیز ل، ل): کامکار؛ ق: ترگ دار؛ ل: زین کنار؛ س: بی کنار (بی کیار)؛ (ق: پایدار؛ ل: هوشیار؛ پ: بی گزار؛ و: نامدار؛ ل، آ: که آید بکار)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- ل: بیوشان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، س، ق، س؛ (نیز ل - ب) ۱۱- ل، ل، ق، ل، ل، س؛ (نیز و، ب): تا بر؛ س: راتا؛ متن = ف (نیز ل، پ، آ) ۱۲- ق، س؛ برز؛ متن = ف، ل، س، ل؛ ۱۳- س، ل؛ این ۱۴- ف، ل، ق: کی اند ۱۵- ل: کوه سر بر؛ س (نیز ل، ل): تند بالا؛ ق: تیغ بردر؛ ل، ل، س؛ تیغ دزبر؛ متن = ف (نیز ل، پ، و، آ، ب) ۱۶- ف، ل: چی اند (ق: پساوند ندارد) ۱۷- س؛ ایدونکه ۱۸- ف: [و] ۱۹- س؛ بکوی ۲۰- ل: آید سپارد؛ س: آید کشانش؛ متن = ف، ل، س؛ ۲۱- ل: از آن بیم؛ ل: بدین ترس؛ س: بیارد ندارد ازین ترس؛ متن = ف، س؛ ق: این بیت را ندارد



۱۴۵ وَر ایدونک<sup>۱</sup> باشد ز کار آگهان  
 همانجا<sup>۲</sup> به دو نیم باید زد  
 به سالار بهرام گودرز گفت  
 شوم<sup>۴</sup> هر چه<sup>۵</sup> گفتی به جای<sup>۶</sup> آورم  
 بزد اسپ و آمد ز پیش<sup>۸</sup> گروه  
 چُنین گفت پس نامور با تُخوار<sup>۱۱</sup> ۱۵۰  
 همانا نیندیشد<sup>۱۲</sup> از ما همی  
 یکی بارهیی برنشته سمند  
 چُنین گفت پس رای زن<sup>۱۳</sup> با فرود  
 به نام و نشان ندانه همی ۱۵۵  
 چو خسرو ز توران به ایران<sup>۱۶</sup> رسید  
 گمانی همی آن<sup>۱۸</sup> برم بر سرش  
 ز گودرز دارد همانا نژاد  
 چو بهرام نزدیکتر شد به تیغ<sup>۲۰</sup>  
 چه مردی - بدو گفت - بر<sup>۲۱</sup> کوهسار؟  
 همی نشنوی ناله‌ی بوق و<sup>۲۲</sup> کوس؟ ۱۶۰  
 فرودش چُنین پاسخ آورد باز  
 سَخُن گوی نرم<sup>۲۴</sup> ای جوانمرد<sup>۲۵</sup> مرد  
 نه توشیر جنگی و<sup>۲۷</sup> من<sup>۲۸</sup> گور دشت

۱- س: ایدونکه ۲- ل: هرازا؛ ق پس از این بیت افزوده است:  
 وگردر کمیندی مر سپاه  
 سبک بازگردد دهد آگهی  
 ۳- ل: بر من نشاید؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ل پس از این بیت افزوده است:  
 از آنجا برو تا سرتیغ کوه  
 بین تا کیانند این هم گروه  
 ۴- س: روم؛ ل: دوه ۵- ل، س: هرچ ۶- ل، ق: جا ۷- ل، ق: پا ۸- ل: به پیش؛ ل: ورائد از میان؛ متن = ف، س، ق،  
 س: ۹- س: باندیشه ۱۰- ل، ل: (نیز و)؛ نخوار؛ س: (نیز و، لن)؛ نخار؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، ل، ل، ب، آ، ب،  
 بنداری) ۱۱- ق: خواستار؛ متن = ف، ل، س، ل، س: (نیز لن-ب) ۱۲- ق، ل: نه اندیشد ۱۳- ل:  
 نامور ۱۴- در ل، س حرف بکه نقطه ندارد؛ ق: نشاید؛ متن = ف، ل، س: ۱۵- ق: سرود ۱۶- س: ز ایران به توران ۱۷-  
 س: ماه ۱۸- ل: زان ۱۹- ل، ل: (نیز ب، و، لن)؛ تا؛ س: تا (نقطه ندارد)؛ ق: در؛ متن = س: (نیز لن، ل، ل، آ، ب)؛ ف این بیت  
 را ندارد ۲۰- ل: بر شد به بالای تیغ؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ۲۱- ل: در ۲۲- س: بانک و آواز ۲۳- ل، ق: ز سالار  
 بیدار؛ س: همی از سپه دار؛ متن = ف، ل، س: ۲۴- ل، س، س: (نیز ل، ب، و، آ، ب)؛ نرم گوی (ل: گو)؛ متن = ف، ق، ل: (نیز لن، ق،  
 ل، لن) ۲۵- ل- س: (نیز لن-ب، لن، آ، ب)؛ جهاننیده؛ (و: سرافران)؛ متن = ف، ل، ل: ۲۶- ق: (نیز ل)؛ میالای؛ (ب: میازان)؛  
 متن = ف، ل، س، ل، س: (نیز لن، ق، ل، و، آ، ب) ۲۷- س، س، س: نه؛ متن = ف، ل، ق، ل، ل: ۲۸- ق: ما ۲۹- س:  
 بدین ۳۰- ل، س، ق، ل: ما؛ متن = ف، س: ۳۱- ل، س: نیاید

به <sup>۲</sup> گردی و مردی و نیروی تن زبان <sup>۵</sup> سراینده و چشم <sup>۶</sup> و گوش، اگر هست، بیوده <sup>۹</sup> منمای دست! شوم شاد اگر رای فرخ نهی <sup>۱۰</sup> تو بر آسمانی و من بر زمین به جنگ <sup>۱۱</sup> اندرون نامبردار <sup>۱۲</sup> کیست؟ که با اختر کاویانست و کوس <sup>۱۳</sup> چو شیدوش و فرهاد و گرگین <sup>۱۴</sup> نیو گرازه سر مرز <sup>۱۶</sup> گنداوران <sup>۱۷</sup> نبردی و بگذاشتی کار خام <sup>۱۸</sup> ؟ مرو را <sup>۱۹</sup> نکردی به لب هیچ یاد چنین <sup>۲۰</sup> یاد بهرام با تو که کرد؟ که این داستان من ز مادر شنود پذیره شو و نام <sup>۲۲</sup> بهرام خواه کجا نام او زنگهی شاوران سزد گر نجویی بریشان گذرت <sup>۲۶</sup> توی <sup>۲۷</sup> بار آن خسروانی درخت؟	فرونی نداری تو چیزی ز من سرودست و پای <sup>۳</sup> و دل و مغز <sup>۴</sup> و هوش نگه کن به من <sup>۷</sup> تا مرا <sup>۸</sup> نیز هست سخن پرسمت، گر تو پاسخ دهی بدو گفت بهرام: برگوی هین! فرود آن زمان گفت: سالار کیست؟ بدو گفت بهرام: سالار طوس ز گردان چو گودرز و چون گرد گیو چو گُستهم و چون زنگهی شاوران <sup>۱۵</sup> بدو گفت کز چه ز بهرام نام ز گودرزبان ما بدویم شاد بدو گفت بهرام کای شیرمرد چنین داد پاسخ مرو را فرود. مرا گفت: چون زی تو <sup>۲۱</sup> آید سپاه دگر نامداری ز گنداوران <sup>۲۳</sup> که اینند <sup>۲۴</sup> همشیرگان پدرت <sup>۲۵</sup> بدو گفت بهرام کای نیک بخت	۱۶۵ ۱۷۰ ۱۷۵ ۱۸۰
--	---	--------------------------

۱- ل: به ۲- س: ز ۳- ق: پا و دست؛ ل: پای و مغز؛ س: پای و دست؛ متن = ف، ل، س ۴- ل: دست ۵- ل: (نیز)  
ب: روان (— زوان) ۶- ف: مغز (!)؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۷- س: ق: مرا؛ متن = ف، ل، ل، س ۸- ق: بمن ۹-  
ل: سموده (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن- ب) ۱۰- ل: پس از این بیت افزوده است:  
چو خواهی که بینی نژاد مرا  
بپرستی بدانی نمای ترا  
زدو تن چه ترسند چندین سوار  
هم ساخته آلت کارزار  
۱۱- ل، ق: رزم؛ متن = ف، س، ل، س ۱۲- س، ل، س (نیز ل، ب- ب): از در کار؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، ل، س) ۱۳- س  
بیت های ۱۷۰-۱۷۲ را ندارد و بجای آنها افزوده است:

چو بشنید بهرام یکسر گفت ز نام گوان پاک یک یک بگفت (!)

۱۴- س: گرگین و فرهاد؛ ل: چو گرگین و شیدوش و فرهاد؛ متن = ف، ل؛ ق: بیت های ۱۷۱ و ۱۷۲ را ندارد ۱۵- ف: و برته ز  
کنداوران؛ ل، س (نیز لن، ق، ل، و، لن، ب): گزدهم و جنگاوران؛ متن = ل (نیز ل، ب، آ)؛ ل: ۱۷۲ ب- ۱۷۸ آ را انداخته و از ۱۷۲ آ و  
۱۷۸ ب یک بیت ساخته است ۱۶- س (نیز ل): مرد؛ (لن، ب، لن: تخم)؛ متن = ف، ل (نیز ل، و، آ) ۱۷- ف: جنگاوران؛ متن =  
ل، س (نیز لن، ل- آ) ۱۸- س: نام و کام ۱۹- ل، س: مرز؛ ق: چراز؛ متن = ف، س ۲۰- ق: همی ۲۱- ل: پیشت؛  
س: بر تو؛ ق: برتر؛ متن = ف، س ۲۲- س: یاد؛ ق: روی؛ س: از راه؛ متن = ف، ل ۲۳- س: و گر نامداری ز جنگاوران ۲۴-  
ل: همانند؛ س: هینست؛ س: همویند؛ متن = ف، ق، ل ۲۵- ل- س (نیز لن- ب): پدر؛ متن = ف ۲۶- س (نیز ل، و، آ، ب):  
گذر؛ (لن، ب، لن: خبر؛ ق: هن)؛ س، ل: ازیشان گذر؛ ق: بدیشان گذر؛ ل: بریشان نجویی گذر (حرف یکم واژه دوم نقطه ندارد)؛ متن =  
ف ۲۷- س، ق، ل، س: تویی؛ متن = ف، ل؛ بنداری؛ فقال بهرام: أنت فروذ ثمره ذلک الشجر الخسروانی؟ س پس از بیت ۱۸۰ افزوده  
است:

سیاوش که شد کشته بری گناه وزان داغ دل گشت ایسران سپاه

فرودی تو ای شهریار جوان<sup>۱</sup>؟  
 بدو گفت کاری<sup>۱</sup> فرودم درست  
 بدو گفت بهرام: بنمای تن  
 به بهرام بنمود بازوی<sup>۵</sup> فرود  
 کزان گونه پیکر<sup>۶</sup> به پرگار<sup>۷</sup> چین<sup>۸</sup> ۱۸۵  
 بدانست کو از تژاد قباد  
 برو آفرین کرد و بردش نماز  
 فرود آمد از اسپ شاه جوان  
 به بهرام گفت: ای سرافرازمرد  
 دو چشم من ار<sup>۱۶</sup> زنده دیدی پدر ۱۹۰  
 که دیدم ترا شاد و روشنروان  
 بدان<sup>۱۹</sup> آمدم من<sup>۲۰</sup> بدین<sup>۲۱</sup> تیغ کوه  
 پیرسم ز گردی<sup>۲۲</sup> که سالار کیست؟  
 یکی سور سازم چنان چون توان  
 از<sup>۲۴</sup> اسپ وز شمشیر و گرز و کمر ۱۹۵  
 و زآن<sup>۲۶</sup> پس گرازان<sup>۲۷</sup> به پیش سپاه  
 سزاوار این جشن کین منم  
 سزد گر بگویی تو با پهلوان  
 که جاوید بادی<sup>۲</sup> و<sup>۳</sup> روشنروان!  
 از آن سرو افکنده شاخی برست  
 برهنه نشان سیاوش به من  
 ز عنبر به گل بر یکی خال بود،  
 نداند نگارید کس بر زمین<sup>۹</sup>  
 ز تخم<sup>۱۰</sup> سیاوخش<sup>۱۱</sup> دارد تژاد  
 به بالا برآمد به تندی فراز<sup>۱۲</sup>  
 نشست از بر سنگ روشنروان  
 جهاندار<sup>۱۳</sup> و<sup>۱۴</sup> بیدار<sup>۱۵</sup> شیر نبرد  
 همانا نگشتی ازین شادتر<sup>۱۷</sup>،  
 هنرمند و بینادل<sup>۱۸</sup> پهلوان  
 که از نامداران ایران گروه،  
 به رزم اندرون نامبردار کیست؟  
 بینم به شادی<sup>۲۳</sup> رخ پهلوان  
 ببخشم ز هر گونه<sup>۲۵</sup> بسیار مر  
 به توران شوم داغدل کینه‌خواه  
 به جنگ آتش تیز برزین منم  
 که آید<sup>۲۸</sup> بدین<sup>۲۹</sup> کوه<sup>۳۰</sup> روشنروان<sup>۳۱</sup>

۱- ل: جهان ۲- ل: باشی ۳- ل: به؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۴- ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، لن): آری؛  
 متن = ل (نیزلی، ب) ۵- ف، س، ق، ل، س: بازو؛ متن = ل ۶- ل، ق، س (نیز ل): بستگر؛ متن = ف، س، ل (نیزلی، پ، آ،  
 ب) ۷- ف، ق: بترکان و (پرگار؟): متن = ل، س، ل، س (نیزلی، ل، پ، و، آ، ب) ۸- (ق: ننگاشت نقاش چین) ۹-  
 (ل، و: برنگین)؛ س: نگاریدنش برنگین؛ (ب: نگاریدن اندر زمین)؛ ل: نگارنده نگارد آن برنگین؛ متن = ف- ق (نیز ق، ل، پ، لن،  
 آ) ۱۰- س، ق (نیز لن، ل، لن، ب): زراه: متن = ف، ل، ل، س (نیزلی، آ) ۱۱- ف، ل، ق، ل (نیز لن، ل، ب): سیاوش (= سیاوش)  
 و (متن = س، س، س (نیز ق)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بجست از بر باره بهرام شیر نماز آوران سزد شاه دلبر

۱۲- ل- س (نیز لن، ب- ب): برآمد (ب: درآمد) به بالای تند و دراز (س: از فراز؛ لن، پ، لن: بیود از فراز)؛ (ق: برآمد به پیش گوسرفراز؛  
 ل: همی گفت با او زمانی دراز)؛ متن = ف: بنداری (۱۸۷-۱۸۲)؛ فقال: نعم! أنا فروذ بن سیاوخش. فقال: أرقی العلامة الکیاتیة. فکشف له  
 عن عضده فرأی شامة كأنها نقط عنبر تلوح علی الورد الأحمر. فعلم أنه من الجرثومة الکرمة. فأثنی علیه وسجد له ثم صعد الیه ۱۳- س:  
 جهانگیر ۱۴- ق: [و] ۱۵- ل: [و] ۱۶- س: دو چشمم اگر ۱۷- ق: ندیدی ازین خوبتر ۱۸- س، س: بیداردل؛  
 متن = ف، ل، ق، ل، ل ۱۹- ل، ل، س: بران ۲۰- ل: آمدستم؛ متن = ف، ق، ل، س ۲۱- ل: برین؛ س این بیت را ندارد و پس از  
 بیت ۱۹۱ بیت ۱۹۵ را آورده است ۲۲- ل: زمردی؛ س: ندانم؛ س: ز گردان؛ متن = ف، ق، ل، ل ۲۳- س: نشان ۲۴- ف- ل:  
 ز؛ متن = س ۲۵- ل، ل، س (نیز لن، ل- ب): چیز؛ س، ق: ببخشم هر چیز؛ متن = ف (نیز ق)؛ درس این بیت پس از بیت ۱۹۱ آمده  
 است ۲۶- ف، ل: از آن؛ متن = ل، س، ق، س ۲۷- ل: گرایم؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۲۸- ل، ل، س: که ایدر ۲۹-  
 ل، ل، س: برین؛ متن = ف، س، ق ۳۰- ل: سنگ؛ ق: جشن؛ متن = ف، س، ل، س ۳۱- ل: نوشینروان

بیاشیم یک هفته ایدرا<sup>۱</sup> بهم  
 ۲۰۰ به هشتم چو برخیزد آوای<sup>۲</sup> کوس  
 میان را بیندم به کین پدر  
 که<sup>۳</sup> با شیر جنگ آشنایی دهد  
 که اندر جهان کینه را<sup>۴</sup> زین نشان  
 بدو گفت بهرام کای شهریار  
 ۲۰۵ بگویم من این هر چه<sup>۵</sup> گفتمی به طوس  
 ولیکن سپهبد خردمند نیست  
 هنر دارد و خواسته، هم نژاد  
 بشورید با<sup>۶</sup> گیو و<sup>۷</sup> گودرز و شاه  
 همی گوید از تخمهی نودرم  
 ۲۱۰ سزد گر بیچد ز گفتار من؛  
 جز از من هر آنکس که آید برت  
 که خود کامه مردی ست بی تاروپود  
 و دیگر که با ما دلش نیست راست  
 مرا گفت: بنگر که بر کوه<sup>۸</sup> کیست  
 ۲۱۵ به گرز و به خنجر سخن گوی و<sup>۹</sup> بس  
 به مرده من آیم چنو<sup>۱۰</sup> گشت رام  
 و گر جز ز من دیگر آید<sup>۱۱</sup> کسی  
 نباید<sup>۱۲</sup> بر تو جز از<sup>۱۳</sup> یک سوار  
 چو آید بین<sup>۱۴</sup> تا چه آیدت رای

سگالیم هر گونه از<sup>۱۵</sup> بیش و کم  
 به زین اندر آید سپهدار طوس،  
 یکی رزم<sup>۱۶</sup> سازم به درد<sup>۱۷</sup> جگر،  
 ز بر پر کرگس گویای دهد،  
 نبندد میان<sup>۱۸</sup> کس ز گردنکشان  
 جوان و هنرمند<sup>۱۹</sup> و گرد و سوار  
 به خواهش دهم نیز بر دست بوس  
 سر و<sup>۲۰</sup> مغز او از در پند نیست  
 نیاردهمی بر دل از شاه یاد<sup>۲۱</sup>  
 ز بهر فریرز<sup>۲۲</sup> و تخت و کلاه  
 جهان را به شاهی خود<sup>۲۳</sup> اندر خوره  
 گر آید به<sup>۲۴</sup> تندی و پیگار<sup>۲۵</sup> من،  
 نباید که بیند سر و میغفرت<sup>۲۶</sup>  
 کسی دیگر آید نباشد<sup>۲۷</sup> درود  
 که شاهی همی با<sup>۲۸</sup> فریرز خواست<sup>۲۹</sup>  
 چو رفتی پرسش که از بهر چیست  
 چرا باشد<sup>۳۰</sup> این روز بر کوه کس؟  
 ترا پیش لشکر برم شادکام  
 نباید برو بودن ایمن<sup>۳۱</sup> بسی  
 چنین ست آیین این نامدار  
 در دز بگی<sup>۳۲</sup> و پرداز<sup>۳۳</sup> جای

۱- ل: اینجا ۲- ق: از هر گونه (وزن ندارد) ۳- س: آواز ۴- ل: جنگ ۵- ق: خون ۶- س: چو ۷- س:  
 کینه ۸- س، ق: کمر؛ متن = ف، ل، ل، ل، س ۹- ل، ل، س: خردمند ۱۰- ل، س: هرچ ۱۱- ل: سر ۱۲- س: ندارد  
 بدل بر ز کس هیچ یاد؛ بنداری: و هو، علی ذلك، صاحب آید و قوه و أموال كثيرة؛ ولا يلتفت الى الملك كيخسرو ذلك الالتفات ۱۳- س:  
 بر ۱۴- ف، ل، س: (نیز ل، پ، ل، ن، ب): طوس؛ متن = س، ق، ل: (نیز ق، ل، ل، ل، و، آ)؛ بنداری: و لمريض بخدمته حتى نابذه جودرز و  
 عزم علی قتاله ۱۵- س: ز پیروزی بخت ۱۶- ق: من ۱۷- ق، س: ز؛ متن = ف، ل، س، ل ۱۸- ل: ز کردار؛ ق، ل، س:  
 (نیز ل، ل- ب): به پیکار؛ متن = ف، س (نیز ق) ۱۹- س، ق: افسرت؛ متن = ف، ل، ل، ل، س؛ در ق این بیت تا بیت ۲۱۷ پس و پیش  
 شده است ۲۰- ل: یارد (حرف یکم نقطه ندارد) ۲۱- س: بر ۲۲- س: به شاهی فریرز گوید سزاست ۲۳- س، ق، ل،  
 س: تیغ؛ متن = ف، ل ۲۴- ل: [و] ۲۵- س: باید ۲۶- ف، س، ق، س: چو او؛ ل: گر او؛ متن = ل ۲۷- ق: جز از من  
 گر آید بنزدت ۲۸- ف، س، س: (نیز ل، و، آ): بود ایمن؛ ل: ترا بودن ایدر؛ متن = ق، ل: (نیز ل، ق، ل، ل، پ، ل، ن، ب)؛ در ق این بیت با  
 بیت ۲۱۱ پس و پیش شده است ۲۹- ل: بسایید؛ س، ل: نیاید؛ متن = ف، ق، س ۳۰- ل، ق، ل: بجز؛ متن = ف، س،  
 س ۳۱- س: کنون یک بیک؛ ل: چو آید برت ۳۲- ل: بیند؛ متن = ف، س، ق، س ۳۳- س، ق: پرداز؛ متن = ف، ل، س؛  
 ل: درنگی ساز و میارای

- ۲۲۰ یکی گرز پیروزه دسته به زر  
بدو گفت: گیر این<sup>۲</sup> ز من یادگار  
چو طوس سپهد پذیرد خرام<sup>۳</sup>  
جز<sup>۵</sup> این هدیه‌ها باشد<sup>۶</sup> واسپ وزین<sup>۷</sup>
- فرود آن زمان<sup>۱</sup> برکشید از کمر  
همی دارتا خود کی آید به کار  
بباشیم روشن دل<sup>۴</sup> و شاد کام،  
به زر افسر و خسروانی ننگین
- ۲۲۵ چو برگشت بهرام<sup>۸</sup> با طوس گفت  
بدان کان<sup>۹</sup> فرودست، فرزند شاه  
نمود آن نشانی که اندر نژاد  
چنین داد پاسخ ستمگاره طوس  
ترا گفتم: او را بنزد من آر  
گر او شهریارست، پس من که ام<sup>۱۴</sup>؟
- ۲۳۰ نینم ز خود کامه گودرزیان  
بترسیدی از بی هنر<sup>۱۹</sup> یک سوار  
سپه دید برگشت سوی<sup>۲۱</sup> فریب
- که با جان پاکت خرد باد جفت!  
سیاوش، کجا کشته شد<sup>۱۰</sup> بی گناه  
ز کاوس دارند و از<sup>۱۱</sup> کیقباد  
که من دارم این لشکر و بوق<sup>۱۲</sup> و کوس  
سخن هیچ گونه مکن خواستار<sup>۱۳</sup>  
بر آن<sup>۱۵</sup> دزچه گوید ز بهر<sup>۱۶</sup> چه ام<sup>۱۷</sup>؟  
مگر آنک دارد سپه را<sup>۱۸</sup> زیان  
نه شیر زیان بود بر کوهسار<sup>۲۰</sup>  
به خیره سپردی فراز و نشیب

### گفتار اندر شدن ریونیز به جنگ فرود<sup>۲۲</sup>

همانجایگه گفت با<sup>۲۳</sup> سرکشان که ای نامداران<sup>۲۴</sup> دشمن گشایان<sup>۲۵</sup>،

۱- ل، ل، س: از میان؛ متن = ف، س، ق ۲- س: دار این؛ ل، ل، س: (نیزل، و، آ، ب): کین را؛ ل، ق (نیزلن، ل، پ، لن): بدو داد و گفت این؛ متن = ف ۳- ل: پذیره خرام؛ ل: شود بازوام ۴- س: شادان دل ۵- ل: چو ۶- س: از؛ ق: هدیه باشد ز ۷- ل: ترا هدیه‌ها باشد از من جز این؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند؛ س: خشم گرفتن طوس نوذر بر بهرام گودرز از بهر فرود سیاوش؛ ق: بازگشتن بهرام از نزد فرود و سخن گفتن او با طوس ۸- ل، س: بهرام برگشت ۹- س، ق: کوه؛ متن = ف، ل، ل، ل، س: ۱۰- ل: که شد کشته بر؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س: (نیزلن-ب) ۱۱- ل، س، ق، ل، ل: وز؛ متن = ف، س، ل (نیزل) پس از بیت ۲۲۶ و ق پس از بیت ۲۳۷ افزوده‌اند:

ترا شاه کی خسرو اندرز کرد که گرد فرود سیاوش مگرد

بنداری (۲۲۴-۲۲۷): و جاء الی طوس و أخیره بانه فروذین سیاوخش، و أنه أراه العلامة الکیانیة. فأغلظ له طوس و جاوبه بالعنف ۱۲- س: لشکر کین ۱۳- س: سخن را مکن هیچ از او خواستار؛ ل: نه شیر زیان بود بر کوهسار (= ۲۳۱ ب) ۱۴- ف- ل: کی ام؛ متن = س ۱۵- ل: بریز؛ س، ق: بدان؛ س: بدین؛ متن = ف، ل ۱۶- س: که من بر؛ ل: کوه گوید ز بهر؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۷- ف- ل: چی ام؛ متن = س؛ ل (نیزل) پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی ترک زاده چوزاغ سیاه برین (ل: بدین) گونه بگرفت راه سپاه

۱۸- ل: مرزوی؛ ق این بیت را ندارد ۱۹- ل: نامور؛ س: پرهنر ۲۰- ل: نه او ازدها بود در کارزار ۲۱- ل، ل، س: از و بازگشتی مکر؛ س این بیت را ندارد؛ در ل بیت‌های ۲۲۹-۲۳۲ درهم ریخته‌اند: ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۲۹، ۲۳۰- ف: گفتار اندر شدن ریونیز به جنگ فرود و کشته آمدن او بزخم تیر فرود و زاری کردن طوس بروی؛ ل (چند بیت پایین‌تر): رزم فرود با ریونیز؛ متن = آغاز ف ۲۳- ق: ابا ۲۴- س، ق، ل، س: نامداران و ۲۵- ل، س، ق، س: (نیزلن): گردنکشان (پساوند ندارند)؛ ل (نیزل، آ): مردم کشان؛ ق: خسرو نشان؛ متن = ف (نیزلن، ل، پ، و، ب)

یکی نامور خواهم و نامجوی <sup>۱</sup>	
سرش را به خنجر ببرد <sup>۴</sup> ز تن	۲۳۵
میان را بیست اندر آن ریویز	
بدو گفت بهرام کای پهلوان	
بترس از خداوند خورشید و ماه	
که گر یک سوار از میان سپاه <sup>۱۰</sup>	
ز چنگش <sup>۱۲</sup> رهایی نیابد به جان	۲۴۰
سپهد شد آشفته از گفتِ اوی <sup>۱۴</sup>	
بفرمود تا نامبردار چند	
ز گردان فراوان برون تاختند	
بدیشان چنین گفت بهرام گرد	
بر آن <sup>۲۰</sup> کوه سر <sup>۲۱</sup> خویش کیخسروست	۲۴۵
هر آنکس که روی سیاوش ندید <sup>۲۳</sup>	
چو بهرام داد از فرود این نشان	
بیامد دگر باره داماد طوس	
ز راه جرم بر سپد <sup>۲۶</sup> کوه شد	
چُن <sup>۲۸</sup> از تیغ بالا فرودش بدید	۲۵۰
چنین گفت با رزم‌دیده تُوخوار <sup>۳۱</sup>	
کز ایدر نهد سوی <sup>۲</sup> آن ترک روی <sup>۳</sup>	
به پیش من آرد بدین <sup>۵</sup> انجمن	
همی <sup>۶</sup> ز آن نبردش سرآمد قفیز <sup>۷</sup>	
مکن هیچ بر خیره تیره روان <sup>۸</sup>	
دلت را به شرم آور از روی شاه <sup>۹</sup>	
شود نزد آن پُره‌نریور شاه <sup>۱۱</sup> ،	
غم آری همی در <sup>۱۳</sup> دل شادمان	
نبد پند <sup>۱۵</sup> بهرام یل <sup>۱۶</sup> جفت اوی <sup>۱۴</sup>	
بتازند سر سوی <sup>۱۷</sup> کوه بلند <sup>۱۸</sup>	
نبرد وُرا گردن افراختند	
که این کار یکسر مدارید خرد <sup>۱۹</sup>	
که یک موی او بهتر از <sup>۲۲</sup> پهلَوست	
بباید به دیدار <sup>۲۴</sup> او آرمید	
ز ره بازگشتند گردنکشان	
همی کرد گردون برو <sup>۲۵</sup> بر فسوس	
دلش پُرجفا بود، نستوه <sup>۲۷</sup> شد	
ز ترکش <sup>۲۹</sup> کمانِ کیان <sup>۳۰</sup> برکشید	
که طوس آن سَخُن‌ها گرفته ست <sup>۳۲</sup> خوار	

۱- ق: نامجو ۲- س: که آرد سوی کوه ۳- ق: رو ۴- ل: ببرد به خنجر ۵- ل: آرنده بر؛ س: بیت‌های ۲۳۵-۲۴۳ را انداخته است ۶- س: همان ۷- ل: خرامند بشیر (!)؛ س: (نیز پ، و) پیرآمد قفیز؛ (لن، ل، ب: برآمد قفیز)؛ متن = ف- ق (نیز ل، آ) ۸- ۲۲۶ پ ۹- ل: پس از این بیت افزوده است:

که پیوند لویست و همزاد اوی

۱۰- س: گروه ۱۱- س: شود پیش او تا سر تیغ کوه ۱۲- ل: چنگش (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، ل، آ، س: چنگش؛ متن = ف ۱۳- ل: بر؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۱۴- ل، ق: او ۱۵- ف: نیز؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز لن- ب) ۱۶- ق (نیز لن، پ، لن): خود؛ س: را؛ متن = ف، ل، ل، آ (نیز شش دستویس دیگر) ۱۷- ل: نزدیک ۱۸- س: آن فرزند؛ (لن، ل، آ، ب، لن): آن ارچند؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ (نیز ل، و، آ، ب) ۱۹- ق: را خرد نتوان شمرد ۲۰- ل، س، ل، آ: بدان؛ متن = ف، ق، س ۲۱- ق، س: بر؛ متن = ف، ل، س، ل، آ ۲۲- ل: به ز صد؛ (ب: تاره مویش به از؛ ق: ل: یکی موی او (ل: ازو) بهتر از)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز شش دستویس دیگر) ۲۳- ل، س، ل، آ، س (نیز لن): مدید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، آ، لن): بدید؛ متن = ف (نیز ق، ل، ب، آ، ب) ۲۴- ل، ل، آ، س (نیز ل): نیارد ز دیدار؛ س (نیز لن، پ، لن): نخواهد ز دیدار؛ (ق، و: نباید ز دیدار)؛ متن = ف (نیز ل، آ، ب)؛ ق این بیت و بیت سپین را ندارد ۲۵- ق: بدو؛ در ل این بیت را در کناره افزوده اند ۲۶- ف، ل، س: سید؛ ل: زره باز یابید و بر؛ متن = س، ق ۲۷- س: نستوه؛ ل: در اینجا سرنویس دارد: نبرد فرود با ریو و پهلوانان دیگر ۲۸- ل، س، ل، آ، س: چو؛ متن = ف ۲۹- ل (نیز لن، ل، آ، پ، لن): قربان؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، ل، و، آ، ب)؛ بنداری؛ فأخرج من ترکشه نشابة ورماء بها ۳۰- س، ل، آ، س: کیسی؛ متن = ف، ل؛ ق این بیت را ندارد ۳۱- ل (نیز و، ل): تُوخوار؛ س (نیز ق): تُوخار؛ متن = ف، س، ق (نیز هفت دستویس دیگر) ۳۲- ل: سخنهاي ما داشت

که آمد<sup>۱</sup> سُواری و بهرام نیست  
 بین تا مگر یادت آید که کیست؟  
 چُنین داد پاسخ مرو را تُخوار<sup>۲</sup>  
 چهل خواهرستش چو خرم بهار ۲۵۵  
 فرینده و رین و جابلوس<sup>۳</sup>  
 چُنین گفت با مرد بینا<sup>۴</sup> فرود<sup>۵</sup>  
 چُن<sup>۶</sup> آید<sup>۷</sup> به پیگار گنداوران  
 برو<sup>۸</sup> گر کند بادِ کلکم گذار  
 به تیر اسپ بی جان کنم گر<sup>۹</sup> سوار؟ ۲۶۰  
 بدو گفت: بر مرد بگشای<sup>۱۰</sup> بر  
 بداند که تو دل بیاراستی  
 چُنین<sup>۱۱</sup> با تو بر خیره جنگ آورد  
 چو با تیر<sup>۱۲</sup> نزدیک شد ریوتیز  
 ز بالا خدنگی بزد بر برش<sup>۱۳</sup> ۲۶۵  
 بیفتاد و برگشت از او<sup>۱۴</sup> اسپ نیز  
 به<sup>۱۵</sup> بالا چو طوس از میم<sup>۱۶</sup> بنگرید  
 چُنین داستان زد یکی پُرخرود

۱- ق: بیامد ۲- ف-س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، پ-ب): درستست؛ متن = (ل، ل<sup>۲</sup>) — بیت ۱۱۴۳ ۳- ق: سروپای؛ س این بیت را ندارد ۴- ل، ل، ل (نیز و): نخوار؛ (ق: نخار؛ ل: نخار؛ متن = ف، ق، س<sup>۱</sup> (نیزش دستنویس دیگر) ۵- ل، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، و، آ): گرد و سوار؛ (ل، پ، لن: گرد سوار؛ متن = ف (نیز ب)؛ س این بیت را ندارد ۶- ق: همینست؛ ل: جز او نیست؛ ل، س این بیت را ندارند ۷- ل: چابلوس؛ ب: چابلوس؛ و: چابلوس؛ ب: چابلوس؛ متن = ف-س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، لن، آ) ۸- ق، س: [و]؛ ل: دلیر و جوانست و؛ متن = ف، س، ل ۹- س، ل، س، ل، س: دانا ۱۰- ق: بارزم دیده نخوار ۱۱- ل، س، ق: جنگ؛ متن = ف، ل، س ۱۲- ل: شنود؛ ق: نیاید بکار ۱۳- س، ق، ل، س: چو؛ متن = ف ۱۴- ل: آیند؛ س: آمد ۱۵- س: نشامش؛ ل: بخوانمش؛ متن = ف، ق، س: ل این بیت را ندارد ۱۶- س، ق: بدو؛ متن = ف، ل، س: ل این بیت را ندارد ۱۷- ق: ار؛ ل: از؛ س: یا؛ متن = ف، ل، س ۱۸- ل (نیز ب): نخوار؛ س<sup>۱</sup> (نیز ق): نخار؛ (ل: نخار؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزش دستنویس دیگر) ۱۹- س، ق، س: بگشای بر مرد؛ متن = ف، ل، ل ۲۰- ق: خود ۲۱- س: بجوشد ۲۲- س، ل: چنو؛ ق: همی؛ س: چو او؛ متن = ف، ل ۲۳- س: جهان بر برادرت تنگ ۲۴- ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، پ، لن، ب): تیغ؛ (و: کوه)؛ ل: از دور؛ متن = ف، س (نیز ق، ل) ۲۵- س: از جفا تند (ج آن خوانیده) ۲۶- ل، ق: سرش؛ س: براند از برش؛ متن = ف، ل، س ۲۷- ل: برش؛ ق: سرش (پس او نداند)؛ متن = ف، س، ل، س ۲۸- ل: زو؛ س: پس از این بیت افزوده است:

چنین است کردار گردان فلک یکی بر مه آرد یکی بر سمک

۲۹- ق: ز ۳۰- س: جرم ۳۱- ق: از؛ ل این بیت را ندارد؛ در س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است

گفتار اندر رفتن زرسپ پسر طوس به جنگ فرود<sup>۱</sup>

- چنین گفت پس پهلوان با زرسپ  
 سیلیج<sup>۲</sup> سواران جنگی بیوش  
 تو خواهی مگر کین آن نامدار  
 زرسپ آمد و ترگ بر سر نهاد  
 چنین گفت شیر ژیان با تُخوار<sup>۳</sup>  
 بین تا شناسی که این مرد کیست؟  
 چنین گفت با شاه<sup>۴</sup> جنگی تُخوار<sup>۵</sup>  
 که این پور طوس ست، نامش زرسپ  
 که جفت ست با خواهر ریوتیز  
 چو ببند بر و بازوی<sup>۶</sup> و میغفرت  
 بداند سپهدار دیوانه<sup>۷</sup> طوس  
 فرود سپهد<sup>۸</sup> برانگیخت اسپ  
 که با جوشن از بر<sup>۹</sup> تنش<sup>۱۰</sup> را بدوخت  
 بيفتاد و برگشت از و<sup>۱۱</sup> بادپای<sup>۱۲</sup>  
 خروشی برآمد از<sup>۱۳</sup> ایران سپاه  
 دل طوس پُرخون و<sup>۱۴</sup> دیده پُراب  
 ۲۷۰  
 ۲۷۵  
 ۲۸۰
- که بفروز دل را چو آذر گشسپ  
 به جان و تن خوبستن دار گوش  
 و گرنه نبینم کسی خواستار  
 دلی پُر ز کینه، سری<sup>۱۵</sup> پُر ز باد  
 که آمد دگرگون یکی نامدار<sup>۱۶</sup>  
 یکی شهریار ست، گره<sup>۱۷</sup> لشکریست؟  
 که آمد گه گردش و کارزار<sup>۱۸</sup>  
 که از پیل جنگی نگرداند اسپ  
 به کین آمده ست این<sup>۱۹</sup> جهانجوی نیز  
 خدنگی نباید گشاد از برت  
 که ایدر نبودیم ما بر فسوس  
 یکی تیر زد بر<sup>۲۰</sup> میان زرسپ  
 روانش ز<sup>۲۱</sup> پیکان خون<sup>۲۲</sup> برفروخت  
 همی شد دمان و دنان<sup>۲۳</sup> باز جای  
 همه<sup>۲۴</sup> برگرفتند گردان کلاه  
 بیوشید جوشن هم اندر شتاب

۱- ف: گفتار اندر رفتن زراسب پسر طوس به جنگ فرود و کشته شدن؛ ل: رزم فرود با زراسب؛ ق: رفتن زراسب پسر طوس نزد فرود سیاوخش به کین خواستن ربو و کشته شدن زرسب؛ س: کشتن فرود زرسب را؛ متن = آغاز ف ۲- س: ق: سلاح ۳- ل: ز کین و لپی؛ ق: دلیری پر از کین و سر؛ متن = ف، س، ل، س، ل، س، پس از بیت ۲۷۲ افزوده اند:

ل: خروشان به اسپ اندر آورد پای  
 س: خروشان و جوشان و دل پر شکیب

۴- ل (نیزآ): نخوار؛ (ل: نخار) ۵- س، ل، س، س: خواستار؛ متن = ف، ل، ق ۶- س، ل، س: اگر؛ س: یا؛ متن = ف، ل، ق ۷- س: شیر ۸- ل (نیزآ): نخوار؛ س: نخار ۹- ل، س: گردش روزگار؛ ق: گردش کارزار؛ س: که این گرد را خوار مایه مدار؛ متن = ف، ل، ل، س، س: آن ۱۰- س، ق، ل: بازو؛ متن = ف، ل، س، س، پس از این بیت افزوده اند:

ل: بدان تا بخاک اندر آید سرش  
 س: دلم بی گمانست کایدش مرگ

۱۲- س: وارونه ۱۳- ل: دلاور ۱۴- س: در ۱۵- ل: کوه زین؛ س: ق (نیزلن، ق، ل، پ، ل): جوشن وزین؛ س: جوشن ازین؛ (و: زین و جوشن): متن = ف (نیزل، آ، ب) ۱۶- ل: که با جوشن ازین سرش (!) ۱۷- س: به ۱۸- ل، س (نیزلن، ل، پ، ل، س، آ، ب): او؛ ق: همی؛ متن = ف، س (نیزق، و): ل: روانش زییکان جوان (!)؛ در ل<sup>۲</sup> لست های این بیت پس و پیش شده اند ۱۹- ل: زو ۲۰- ق، ل: چاریای ۲۱- ل: دوان و دنان؛ س: دوان و دمان ۲۲- ل، ق، ل، ز ۲۳- ل: زسر؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۲۴- ل: ابر طوس خون دو دیده (!)؛ در س این بیت پس از بیت ۲۸۷ آمده است



۲۸۵ ز گردان جنگی بنالید سخت  
 نشست از برزین چو کوهی<sup>۲</sup> بزرگ  
 بلرزید برسان برگ<sup>۱</sup> درخت  
 که بنهند بر پشت پیل سترگ  
 دلش پُر ز کین بود، سر<sup>۳</sup> پُر ز دود<sup>۴</sup>  
 عنان را بیچید سوی فرود

### گفتار اندر رفتن طوسِ نودربه جنگ فرود<sup>۵</sup>

تُخوار<sup>۶</sup> سراینده گفت آن زمان  
 سپهدار طوس ست کامد به جنگ  
 برو تا درِ دز بندیم سخت  
 چو فرزند و داماد او را به رزم  
 فرود جوان تیز شد با تُخوار<sup>۱۱</sup>  
 چه طوس و چه پیل و چه شیر<sup>۱۳</sup> زیان  
 به جنگ اندرون مرد را دل دهند<sup>۱۶</sup>  
 چُنین گفت کارآموده<sup>۱۸</sup> تُخوار<sup>۱۹</sup>  
 تو هم یک سُواری، اگر ز آهنی<sup>۲۲</sup>  
 از ایرانیان نامور سی هزار  
 نه دز ماند ایدر<sup>۲۵</sup>، نه سنگ و نه خاک  
 به کین پدَرَت اندر آید شکست  
 که آمد بر کوه، کوهی<sup>۷</sup> دمان<sup>۸</sup>  
 نتابی تو با کار دیده ننگ<sup>۹</sup>  
 بینیم تا چیست فرمان<sup>۱۱</sup> بخت  
 تبه کردی، اکنون میندیش بزم  
 که چون رزم پیش آمد و کارزار<sup>۱۲</sup>،  
 چه جنگی ننگ<sup>۱۴</sup> و چه ببر بیان<sup>۱۵</sup>  
 نه بر آتش تیز بر گِل نهند<sup>۱۷</sup>  
 که شاهان سَخُن را<sup>۲۰</sup> ندارند خوار<sup>۲۱</sup>  
 همی کوه خارا ز بُن بر کنی<sup>۲۳</sup>،  
 به جنگ<sup>۲۴</sup> تو آیند بر کوهسار،  
 سراسر به پای<sup>۲۶</sup> اندر آرند پاک<sup>۲۷</sup>  
 شکستی که هرگز نشایدش<sup>۲۸</sup> بست

۱- س: شاخ؛ ق این بیت را ندارد؛ س<sup>۱</sup> پس از این بیت افزوده است:

ز لشکر مرا گفت کس نیست ۱۰

منم کینه خواه ز رسب سوار

۲- س: کوه ۳- ل: بود و سر؛ ل، س، س: کین و سرش؛ متن = ف ۴- ل: پر درود؛ ق این بیت را ندارد؛ درس<sup>۱</sup> پس از این بیت، بیت ۲۸۴ آمده است ۵- ل: رزم فرود با طوس؛ س: رفتن طوس به جنگ فرود و هزیمت شدن طوس از فرود؛ متن = ف ۶- ل، ل: نُخوار؛ س: نُخار؛ (ق: نُخار)؛ متن = ف، س، ق (نیز ل، ل، آ، ب، بنداری) ۷- ق: ابر کوه پیل ۸- ل: روان ۹- س: درنگ (!) ۱۰- ل، ل، س، ل، س: (نیز ل، ل، ل، آ، ب): فرجام؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، پ، و) ۱۱- ل: نُخوار؛ (ق: نُخار)؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز ل، ل، ب) ۱۲- ل: آید و کارزار؛ س: که شاهان سخن را ندارند خوار (= ۲۹۵ ب)؛ درس<sup>۱</sup> پس از این بیت، بیت ۲۹۶ آمده است ۱۳- ل: شیر و چه پیل ۱۴- ق: پلنگ ۱۵- س: دمان؛ س این بیت را ندارد؛ بنداری: بعد آن اضطرت الی المناذرة فلا أبالی بطوس ولا بغیره ۱۶- س: دهید ۱۷- س: نهید ۱۸- ل: با شاهزاده؛ س: با رزم دیده؛ متن = ف، ق، ل، س: ۱۹- ل: نُخوار؛ (ق: نُخار؛ ل: نُخار)؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۰- س: ها ۲۱- س: که چون رزم پیش آمد و کارزار (= ۲۹۲ ب) ۲۲- س، ل، س: و گر ز آهنی؛ ق: گر از آهنی؛ متن = ف، ل ۲۳- س: بکنی؛ در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است و درس<sup>۱</sup> پس از بیت ۲۹۲ آمده است ۲۴- ل: رزم؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ۲۵- ل: اینجا؛ س: اکنون؛ متن = ف، ق، ل، س: ۲۶- ل: ز جا؛ س: زیبای؛ متن = ف، ق، ل، س: ۲۷- ق: بلندی بروم گردد مفاک؛ ل (نیز پ) پس از این بیت افزوده اند:

ز خسرو به (پ: به خسروز) دردش نژندی رسد

و گر طوس را زین گزندی رسد

۲۸- ل: نشایدت؛ ل، س: (نیز پ) پس از این بیت افزوده اند:

به دز شو مبر رنج (س: مده جان تو) بر خیره خیر

بگردان عنان (س: لجام) و مینداز تیر

نگفت و همی داشت اندر <sup>۲</sup> نهفت وُرا جنگ سود آمد و جان <sup>۳</sup> زیان	سَخُن هر چه <sup>۱</sup> از پیش بایست گفت ز بی مایه دستور ناکاردان	۳۰۰
به دز بر <sup>۴</sup> پرستنده هشتاده <sup>۵</sup> بود ز <sup>۶</sup> دیبای چینی <sup>۷</sup> یکی باره بود <sup>۸</sup> ازیشان همی بود تیره روان خدنگی نهاده به دست و کمان <sup>۹</sup> که گر جست خواهی همی کارزار، ترا آن به <sup>۱۰</sup> آید که اسپ افگنی <sup>۱۱</sup> اگر <sup>۱۲</sup> چه بود کار دشخوار <sup>۱۳</sup> و تنگ نیاید <sup>۱۴</sup> به یک چوبه تیر از کمان بیاید پش بی گمانی گروه <sup>۱۵</sup> ندیدی بروهای پُرتاب <sup>۱۶</sup> اوی <sup>۱۷</sup> کمان را به زه کرد و اندر کشید <sup>۱۸</sup> چُنان کز کمان سواران سزد	فرود جوان را دز آباد بود همه <sup>۱۹</sup> باره بر <sup>۲۰</sup> ماه نظاره بود <sup>۲۱</sup> از آن بازگشتن فرود جوان عِنان <sup>۲۲</sup> برگرایید و بفشارد <sup>۲۳</sup> ران چُنین گفت با شاه جنگی <sup>۲۴</sup> تُخوار <sup>۲۵</sup> نگر نامورطوس را نشکنی <sup>۲۶</sup> کز ایران <sup>۲۷</sup> پیاده نسازند <sup>۲۸</sup> جنگ و دیگر که باشد که او را زمان <sup>۲۹</sup> چو آید <sup>۳۰</sup> سپهد برین <sup>۳۱</sup> تیغ کوه ترا نیست در جنگ پایاب <sup>۳۲</sup> اوی <sup>۳۳</sup> فرود از تُخوار <sup>۳۴</sup> آن <sup>۳۵</sup> سَخُن ها شنید <sup>۳۶</sup> خدنگی بر اسپ سپهد بزد	۳۰۵ ۳۱۰

۱- ل: هرچ ۲- ل: از وی؛ س: بیتهای ۳۰۰ و ۳۰۱ را ندارد ۳- ق، ل: سر ۴- ل: س: (نیز ق: ب): در: متن = ف (نیز لن) ۵- ل، ل: س: هفتاد؛ س: پس از این بیت افزوده است:

به دز بر پرستنده رویان اوی ستاره ندیدی (→ ستاده بدندی) پراز گفت و گوی

۶- ق: همی؛ متن ← ۷- ل: با؛ متن ← ۸- ل: همه ماه رویان بیاره بدند؛ س: (نیز لن، پ، و، لن): همه (لن: یکی؛ لن: همی) بر سر باره نظاره بود؛ (ل: همه باره دز بنظاره بود؛ آ: همه باره بر باره نظاره بود؛ ب: همه باره بر مایه نظاره بود)؛ متن = ف، س: (نیز ق: ل) ۹- ل، ق: چو؛ متن ← ۱۰- (ب: جنگی)؛ متن ← ۱۱- ل: نظاره بدندی؛ (لن: یکی تاره بود)؛ متن = ف، س، ل: س: (نیز هفت دستویس دیگر)؛ در ق، ل: س: (نیز لن، ل، آ) لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۲- ق: کمان ۱۳- ف، ل، س، س: بفشرد؛ متن = ق، ل: ۱۴- س: (نیز پ): بدش در کمان؛ ق: بشت کمان؛ (لن، ل: بد اندر کمان؛ ق: آ، ل، ی، آ: بزه بر کمان؛ ب: بدشت کمان)؛ ل: نهاده بدست از کمان؛ متن = ف، س: (نیز و)؛ ل این بیت را ندارد ۱۵- ف: با شاه توران (!)؛ ل، س، ل: س: (نیز ل: با شاه زاده؛ ق: (نیز ل، آ، ب): شاه جهان را؛ (ق: و شاه جوان را؛ لن: با شاه خیلی → جنگی)؛ متن = (لن، پ) ۱۶- ل: (نیز لن، و): نخوار؛ س: (نیز ل: نخار؛ (ق: نخار)؛ متن = ف، ق: (نیز ل، پ، لن، آ، ب) ۱۷- ل: بشکنی (!) ۱۸- ق: ترا بهتر ۱۹- ل: ترا آن بهست کاسب او افگنی ۲۰- س، ق، س: (نیز لن، پ، لن): که شاهان؛ (ل، آ: که ایشان)؛ متن = ف، ل: (نیز ق: ب) ۲۱- ف: نجویند؛ متن = س، ق، ل: س: (نیز لن: ب) ۲۲- ق: وگر ۲۳- ف، س، ق، ل: (نیز لن: ب): دشوار؛ متن = س: ل این بیت را ندارد ۲۴- ل: مر او را زمان؛ س، ل: که وی را زمان؛ ق: نباید که او را زیان؛ س: که او را نباید زمان؛ متن = ف ۲۵- ق: نیاید؛ س: بیاید؛ س: پس از این بیت افزوده است:

چو آید برین کوه سالارنج بیاید پش گرد رهام و گبوه

۲۶- ل، س: آمد؛ متن = ف، ق، ل: س: ۲۷- س: بر ۲۸- ق: بی گمان هر گروه؛ ل: بیاید کنون لشکرش همگروه؛ متن = ف، س، ل: س: ۲۹- ق: پایاب در جنگ ۳۰- ل، س، ق، ل: او ۳۱- ق: پرزنگ ۳۲- ل، ل: (نیز لن، و): نخوار؛ س: (نیز ل): نخار؛ (ق: نخار)؛ متن = ف، س، ق: (نیز ل، پ، لن، آ، ب) ۳۳- ل، س، س: این؛ متن = ف، ق، ل ۳۴- ل: شند ۳۵- ل: اندر بود

<p>دل طوس پُرکین و سر پُر ز باد، پیاده پُر از گرد<sup>۳</sup> و آسیمه سر که این نامورپهلوان را<sup>۴</sup> چه بود، چگونه چمد<sup>۵</sup> در صف کارزار؟ همی از جَرَم نعره بگذاشتند<sup>۱۱</sup> از<sup>۱۳</sup> افراز غلتان شد از بیم تیر برفتند گردان به انبوه بر<sup>۱۴</sup> به آب مژه رخ نبایست<sup>۱۶</sup> شست که آمد پیاده سپهدار<sup>۱۸</sup> نیو رخ نامداران بدین<sup>۱۹</sup> تازه نیست چه گیرد چُنین لشکر گشن خوار؟ ز هر گونه‌یی کوزند داستان<sup>۲۲</sup> زمانه پُرآزار<sup>۲۵</sup> گشت از فرود نباید<sup>۲۷</sup> که این کین<sup>۲۸</sup> فراموش کنیم<sup>۲۹</sup> سُواری<sup>۳۰</sup> سرافراز نوذرنژاد ازین بیش خواری چه جویم نیز؟<sup>۳۱</sup> یکی در<sup>۳۳</sup> به نادانی اندرگشاد<sup>۳۴</sup></p>	<p>نگون شد سر بارگی<sup>۱</sup>، جان بداد؛ به لشکرگه آمد به گردن<sup>۲</sup> سپر گوازه همی زد پس او فرود که<sup>۵</sup> ایدون به پای<sup>۶</sup> آمد از<sup>۷</sup> یک سوار پرستندگان<sup>۹</sup> خنده<sup>۱۰</sup> برداشتند که<sup>۱۲</sup> پیش جوانی یکی مرد پیر سپهد فرود آمد از کوه سر که ایدر تو<sup>۱۵</sup> بازآمدی تندرست بیچید از آن<sup>۱۷</sup> کار پُرماه‌گیو چُنین گفت کین را خود اندازه نیست اگر شهریارست با گوشوار<sup>۲۰</sup> نشاید<sup>۲۱</sup> که باشیم همداستان اگر طوس یکبار<sup>۲۳</sup> تیزی<sup>۲۴</sup> نمود همی<sup>۲۶</sup> جان فدای سیاوش کنیم زرسپ گرانمایه زو شد به باد به خونست غرقه تن ریونیز گر او<sup>۳۲</sup> پور جمست و مغز قباد ۳۱۵ ۳۲۰ ۳۲۵ ۳۳۰</p>
---	--

۱- ل: تازی و ۲- س: بریر ۳- س: درد؛ ل: شرم ۴- س: که ای نامداران پهلوان ۵- ل: گر؛ متن ← ۶- ل: ستوه؛ متن ← ۷- س: نباید ازین؛ متن = ف، ق ۸- ل: جهد؛ س: این بیت را ندارد ۹- ل: پرستنده گان ۱۰- س: نیزه؛ ق: نعره؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۱- ل: برداشتند (پساوند ندارد)؛ س، ق، ل، س: همی نعره از چرخ (ق، س: ابر؛ ل: اسب) بگذاشتند؛ متن = ف ۱۲- س: ز ۱۳- ل، ل، ل: ز ۱۴- ل، س، ق، س: (نیز و، ب): پرانده سر (ق، ب: بر)؛ ل: بر انبوه سر؛ (لن): بر انبوه بر؛ ل: به انبوه در؛ ل: به اندوه در؛ پ، آ: به انبوه سر؛ متن = ف (نیز لن)؛ س، ق (نیز لن، ق، پ، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

بگفتند یکسر که ای پهلوان سرفرازان روشن روان

۱۵- ل: که اکنون تو؛ س، ق (نیز لن، پ، لن): چه به زانکه (س: زانکه)؛ (ق): که ایدون تو؛ متن = ف، ل (نیز لن، ل، و، آ، ب) ۱۶- ل، س: نبایست ۱۷- ل: زان ۱۸- س: سرافراز ۱۹- ل: برین ۲۰- ف (نیز لن، آ، ب): بر کوهسار؛ س: اگر یک سوار؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز لن، ل، پ، و، لن) ۲۱- ل: نباید؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۲۲- س: برآسان که دارند این داستان؛ ق، س: بدینسان (س: برینسان) که او آورد داستان؛ (لن، پ، لن): بدینسان که آورد او داستان؛ ق: ز هر گونه‌یی کوزدم داستان؛ آ: ز هر گونه‌یی تا زند داستان؛ متن = ف، ل، ل (نیز لن، ل، و، ب؛ ل، و: به هر گونه‌یی) ۲۳- ل: یکباره ۲۴- ل، س: تندی؛ متن = ف، ق، ل، س ۲۵- س، ق: پر آشوب؛ متن = ف، ل، ل، س؛ س: پس از این بیت افزوده است:

ز گردان ایران دو آزاده کشت ز تیرش سپهدار بنمود پشت

۲۶- ل، س، ق: همه؛ متن = ف، ل، س ۲۷- ق: مبادا؛ ل، س: نشاید ۲۸- ل: بد ۲۹- س: این را بدل خوش کنیم ۳۰- س، ق: سوار ۳۱- س: چیر؛ ل، ل (نیز ق): چه بنیم نیز؛ ق: چه باشد بنیر؛ (ل): نجویم نیز؛ آ: نجوانم نیز؛ ب: چه بایم نیز)؛ س: چیزی چه باید بنیز؛ متن = ف (نیز ل، پ) ۳۲- س، ل: اگر ۳۳- ل: کین؛ متن ← ۳۴- ل: به نادانی این جنگ را برگشاد؛ متن = ف، س، ق، س

گفتار اندر رفتن گیو بنزد فرود<sup>۱</sup>

همی گفت و<sup>۲</sup> جوشن همی بست گرم  
 نشست از بر آژدهای<sup>۳</sup> دژم  
 فرود سیاوش چُن<sup>۴</sup> او را بدید  
 همی گفت کین لشکر رزمساز  
 همه یک ز دیگر دلاورترند  
 ۳۳۵ ولیکن خرد نیست با پهلوان  
 نباشند پیروز ترسم به کین<sup>۵</sup>  
 به کین پدر پشت<sup>۱۱</sup> پشت آورم  
 بگو<sup>۱۲</sup> کین سوار<sup>۱۳</sup> سرافراز کیست؟  
 نگه کرد از<sup>۱۷</sup> افراز بالا<sup>۱۸</sup> تُوخوار  
 ۳۴۰ بدو گفت کین آژدهای دژم  
 که<sup>۲۰</sup> دست نیای تو پیران بیست  
 بسی بی پدر کرد فرزندی خرد  
 پدر نیز ازو شد<sup>۲۷</sup> بسی بی پسر  
 ۳۴۵ به ایران برادرَت را او کشید  
 ورا گیو خوانند، پیلست و بس<sup>۲۹</sup>  
 چو بر زه به شست اندر آری گره  
 سیلج<sup>۳۱</sup> سیاوخش پوشد<sup>۳۲</sup> به جنگ

همی بر تنش بر بدزید چرم  
 خرامان بیامد به راه جرم  
 یکی بادِ سرد از جگر برکشید  
 ندانند راه نشیب از<sup>۷</sup> فراز  
 چو<sup>۶</sup> خورشید روشن به دوپیکرند<sup>۷</sup>  
 سر<sup>۸</sup> بی خرد چون تن بی روان  
 مگر خسرو<sup>۱۰</sup> آید به توران زمین  
 مگر دشمنان را به مِشت آورم  
 که بر<sup>۱۱</sup> دست و تیغش<sup>۱۵</sup> بیاید<sup>۱۶</sup> گریست  
 به بی دانشی بر چمن کِشت خار<sup>۱۹</sup>  
 که مرغ از هوا اندر آرد به دم،  
 سه<sup>۲۱</sup> لشکر ز<sup>۲۲</sup> توران<sup>۲۳</sup> بهم<sup>۲۴</sup> بر شکست  
 بسی کوه و رود<sup>۲۵</sup> و بیابان سپرد<sup>۲۶</sup>،  
 به پی<sup>۲۸</sup> بسپرد گردنِ شیرِ نر،  
 به جیحون گذر کرد و کشتی ندید،  
 گه<sup>۳۰</sup> رزم دریای نیلست و بس<sup>۲۹</sup>  
 خدنگت نیابد گذر بر زره  
 نترسد ز ژوپین و<sup>۳۳</sup> تیرِ خدنگ

۱- ل: رزم فرود با گیو: س: نبرد گیو با فرود سیاوش و کشته شدن اسب گیو: ق: گفتار در رفتن گیو به جنگ فرود و پیاده بازگشتن: متن =  
 ف ۲- ل: [و] ۳- ق: آژدهایی: ل: این بیت را ندارد ۴- ل، س، ق، س: چو: ل: مر: متن = ف ۵- ل، س، س: او: و:  
 متن = ف، ق، ل: ۶- ف: که: متن = ۷- ل: تابان بدو بنگرند: س، س: که بر (س: ابر): تازک افران (س: لشکران) افرند:  
 متن = ل، ق (نیز ق، و، ب) ۸- ل: دن ۹- س: بر رزم و کین ۱۰- ف: خسته: متن = ل، س (نیز ل- ب) ۱۱- ل:  
 جمله: متن = ف، س، ق، ل، ل، س: (نیز ل- ب) ۱۲- ل: بین: س: نگر ۱۳- ف: دلاور: متن = ل، س (نیز ل- ب) ۱۴-  
 ف: ابر: ل: که در: متن = ل، س، ق، س: (نیز ل- ب) ۱۵- س: دست و پیلش: ل: دست تیغش ۱۶- ف: که خواهد: ل:  
 بخواهد: متن = ل، س، ق، س: (نیز ل- ب) ۱۷- ل: ز ۱۸- ل، ل، ل: (نیز آ): نخوار: (ق: نخار: ل: نخار): متن = ف، س، ق، س:  
 (نیز ل، ل، پ، و، ل، ب، بنداری) ۱۹- ف، ل: (نیز و، ب): گشت خوار: ل (نیز ق): رست خار: (و، آ: بر سخن گشت خوار): س،  
 س: (نیز ل، ل، پ، ل، س): بسوی نشیب اندرون خوار خوار: متن = ق ۲۰- س: دو ۲۱- ل: دو ۲۲- ق: به ۲۳- ل:  
 ترکان ۲۴- ف: همه: متن = ل، س: (نیز ل- ب) ۲۵- س، ق: رود و کوه: س: کوی و رود: متن = ف، ل، ل ۲۶- ل:  
 شمر ۲۷- س، س: پدر کرد نیز او: متن = ف، ل، ق، ل ۲۸- ل: همی ۲۹- ق، ل: اوست بس ۳۰- ل: که در: متن =  
 ف، س، ق، ل، س: ۳۱- س: سلاح ۳۲- ف، ل: (نیز ل، ق، ل، ب، ل، ب، ل، آ، ب): سیاوش پوشد: ل، س، ق (نیز ل، و): سیاوش  
 (= سیاوش) پوشد: متن = س: بنداری: و علیه الآن سلاح سیاوخش فلا پیوتر فیه شیء ۳۳- ل، س، ل، س: (نیز ل، ق، ب، و، ل، س):  
 پیکان: ق (نیز ل، ب): پیکان و: متن = ف (نیز ل، آ): ژوپین

بکش غرق و پیکان<sup>۱</sup> سوی اسپ ران  
 پیاده شود، بازگردد مگر  
 ۳۵۰ مگر خسته گردد هیون گران  
 گشان چون سپهد به گردن سپر

کمان را به زه کرد جنگی فرود  
 بزد تیر بر سینه‌ی اسپ گیو  
 ز بام سپدکوه<sup>۵</sup> خنده<sup>۶</sup> بخاست  
 برفتند گردان همه پیش<sup>۹</sup> گیو  
 ۳۵۵ که اسپست خسته<sup>۱۱</sup>، تو خسته نه‌یی  
 بر گیو شد بیژن تیزمرد<sup>۱۴</sup>

که ای<sup>۱۵</sup> باب شیراوزن<sup>۱۶</sup> تیزچنگ  
 چرا دید پشت ترا<sup>۱۸</sup> یک سوار؟  
 ز ترکی کنون<sup>۲۰</sup> اسپ<sup>۲۱</sup> خسته بدست  
 بدو گفت: چون خسته<sup>۲۲</sup> شد بارگی  
 ۳۶۰

همی‌گفت گفتارهای درشت  
 برآشفت گیو، از گشادِ برش  
 بدو گفت: نشیدی از رهنمای  
 ترا نیست مغز و<sup>۲۵</sup> نه رای و خرد<sup>۲۶</sup>  
 چو بیژن چنان دید بنمود پشت  
 یکی تازیانه بزد بر سرش  
 که با جنگت<sup>۲۳</sup> اندیشه باید به جای<sup>۲۴</sup>؟  
 می‌رورد هر کو ترا پرورد<sup>۲۷</sup>

۱- ق: غرق تیرت؛ ل: غرقه پیکان ۲- ل: پس آن قبضه؛ ل: (نیزب): برین خانه؛ س: بزین خانه؛ (لن، ق، آ، پ، لن، س): سوی خانه؛ ل: سرخامه؛ متن = ف، س، ق (نیزل، آ، و) ۳- س، ق: بر کوه سود؛ ل: که بر بسود؛ س: (نیزو): بر که بسود؛ (لن، پ، لن، آ: بر کوه بود)؛ متن = ف، ل (نیزق، ل، آ، ب): بسود ۴- ل: باره؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۵- ف، ل، ق، ل، آ، س: (نیزلی، ل، آ، پ، و، آ، ل، آ): سبدکوه؛ (ب: بسدکوه) ۶- ق، س: نعره؛ متن = ف، ل، ل ۷- ل (نیزلی، پ، و، آ): گیو؛ ق (نیزق، آ، ل، آ، ب): مرد؛ ل: سر؛ متن = ف ۸- ل: بخاست؛ س: همی مغز مردم گوازه بخاست (!)؛ س این بیت را ندارد؛ س: پس از این بیت افزوده است:  
 بیامد به گردن سپر سوی دشت از آن زخم آن تیر او تیره گشت

۹- س: بنزدیک ۱۰- س، ق، ل، آ، س: سرافراز؛ متن = ف، ل ۱۱- س: که اسبت بخت و ۱۲- ل، س، ق، س، آ: باره؛ متن = ف، ل ۱۳- ل: رسته (!) ۱۴- ل، س، ق، ل، آ، س: (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب): شبر مرد؛ متن = ف، ل (نیزق، ل، آ، ل، آ، آ)؛ س: پس از این بیت وق پس از بیت ۳۵۳ افزوده اند:  
 چو آن دید بیژن بیامد چو باد سخن‌های ناخوش همی‌کرد یاد  
 ۱۵- ف: [ای] (وزن ندارد)؛ متن = ل، س ۱۶- ل، س، ل، آ، س: شیراوزن؛ متن = ف، ق ۱۷- س، ل، آ، س: نیاید؛ ق: نتابد؛ متن = ف، ل ۱۸- ق: تو این ۱۹- ل: بهره؛ س: دره؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن-ب) ۲۰- ل، س، ق، س، آ: چنین؛ متن = ف، ل (نیزلن-ب) ۲۱- س: گشته ۲۲- ل: کشته؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۲۳- ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزلن-ب، لن، آ، ب): جنگ؛ ل (نیزو): رزمت؛ متن = (ل) ۲۴- ل: بکار (پساوند ندارد) ۲۵- ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ): نه تو مغز داری؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی، و، آ، ب) ۲۶- ل: نداری خرد ۲۷- ل: چنین گفت را کس به کیفر برد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب)

<p>به دادار<sup>۲</sup> دارنده سوگند خورد، مگر گشته آیم به کین زرسپ<sup>۱</sup> سری پُر ز کینه بر گشته<sup>۳</sup>، کجا برخرامد<sup>۴</sup> بر<sup>۵</sup> افراز خوش، یکی<sup>۶</sup> تا پدید آید از مرد مرد بدینسان<sup>۷</sup> نظاره بروبر گروه، جهان پُر فراز و نشیبست و دشت<sup>۸</sup> دو دانه است، ازین دو<sup>۹</sup> یکی را<sup>۱۰</sup> گشد، به زهره، نگ و<sup>۱۱</sup> زور و<sup>۱۲</sup> بالای او تو بر خیره برگ بلا را موی<sup>۱۳</sup> سپهد که گیتی ندارد به چیز، به گردنده گردون همی ننگرد، کس آورد با کوه خارا نکرد و گرنه بر آن<sup>۱۴</sup> دز که پوید به پای<sup>۱۵</sup> کنون یال و بازوی<sup>۱۶</sup> ز هم<sup>۱۷</sup> بگسند به دارای<sup>۱۸</sup> گیان و دیپه شاه،</p>	<p>دل بیژن آمد ز تندی<sup>۱</sup> به درد که زین را<sup>۲</sup> نگردانم از پشت اسپ و ز آنجا بیامد دل پُر ز غم<sup>۳</sup> کز اسپان تو باره یی<sup>۴</sup> دستکش بده<sup>۵</sup> تا پوشم سلیح<sup>۶</sup> نبرد یکی تُرک رفته ست بر تیغ کوه گر ایدونک<sup>۷</sup> از ایدر<sup>۸</sup> باید گذشت مرا بارگی آنک<sup>۹</sup> جوشن گشد نیام یکی<sup>۱۰</sup> نیز هتای او بدو گفت گشته<sup>۱۱</sup> کین<sup>۱۲</sup> نیست روی<sup>۱۳</sup> زرسپ سپهدار و<sup>۱۴</sup> چون<sup>۱۵</sup> ریونیز، پدژت آنک شیر<sup>۱۶</sup> ژیان بشکرد ازو بازگشتند<sup>۱۷</sup> دل پُر ز درد مگر پَر کرگس بود<sup>۱۸</sup> یا همای<sup>۱۹</sup> بدو گفت بیژن که مشکن دم یکی سخت<sup>۲۰</sup> سوگند خوردم به ماه<sup>۲۱</sup></p>
--	--

۱- س، ق: تیزی؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۲- س: دارای ۳- ل: که من زین ۴- ف: زمانم سرآید مگر چون زرسب (= ۳۸۱ ب): متن = ل-س (نیز ل-ب) ۵- ل: برگسهم ۶- ل: دلی پر زغم ۷- ل: بارگی ۸- س، ق: بر فرازد؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۹- ل: به؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۱</sup> ۱۰- ف: برو؛ متن = ل-س (نیز ل-ب) ۱۱- س: سلاح ۱۲- ف (نیز ل): بین: ل، س<sup>۱</sup> ۱۳- (نیز ق، ب): بکین: (ل، آ: بدان): متن = ل، س، ق (نیز ل، ب، ل، س<sup>۱</sup>) ۱۴- س، ق، ل: س: برینسان؛ متن = ف، ل ۱۵- س: ایدونکه ۱۶- ف، ق، س: زایدرد: ل: زینجا؛ ل: کز ایدر؛ متن = س ۱۷- ل: س: نشیب است پست؛ متن = ف، س، ق: در لست های این بیت پس و پیش شده اند: در ل، ل (نیز ق، و) بیت های ۳۷۳-۳۷۱ پس از بیت ۳۸۲ آمده اند و در س بیت های ۳۷۱ و ۳۷۳ یکبار هم پس از بیت ۳۸۲ آمده اند و ق بیت های ۳۷۱-۳۷۳ را ندارد: پیایی بیت های متن = ف، س (نیز ل، ل، ل، پ، ل، آ، ب) ۱۷- ل: اینک؛ س: آنکه؛ متن = ف، س، ق، ل ۱۸- ل (نیز ل، آ): اگر زین: س (نیز ل، پ، و، ل): اگر او: س: این گر: (ق: ازین گر: ل: و گرزین: ب: زین گر): متن = ف، ل ۱۹- ل: تن ۲۰- س: دگر ۲۱- ل: برنگ و تنک و: س (نیز ل، ب، ل، س): برفتار و: ل: بزهره و یک: س (نیز ق، ب): بزهر و تنک و (در س با ضبط برفتار و پس از بیت ۳۸۲ آمده است): (ل، ل، آ: برفت و تنک و: و: بشکل و تنک و): متن = ف ۲۲- ف: [و] ۲۳- ف: بدو گشته گفت کین: ل: چنین داد پاسخ که این: متن = س، ق، ل، س (نیز ل-ب) ۲۴- (ل، ب، ل، س): روی نیست ۲۵- (ل، آ: مجوی: ل: مپوی): س: راه بلا را مجوی: س: ترگ بلا را مجوی: (ل، ب، ل، س): پیش بلا در مه ایست: و: گرد بلا را مپوی): ل، ق (نیز ب): ابر خیره (ق، ب: بخیره نو) گرد بلاها مپوی: متن = ف، ل (نیز ق) ۲۶- ل، س: [و] ۲۷- س، ق: هم ۲۸- ل، س، ق: پیل؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۲۹- ف: باز گردید؛ متن = ل-س (نیز ل-ب) ۳۰- س، ق، س: شود؛ متن = ف، ل، ل ۳۱- ل: رهنمای؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز ل-ب) ۳۲- س: بدان: ق: بدین: ل: چنین ۳۳- ل: که بیندیشای: س: نیبید پیای ۳۴- ف، س، ق، ل، س: بازو: متن = ل ۳۵- ل: همه ۳۶- ل: گفت ۳۷- س: گاه ۳۸- ل-س (نیز ل-آ، ب): دادار: متن = ف، ل

کزین کوه من<sup>۱</sup> برنگردانم اسپ  
بدو گفت گُستهم کین<sup>۲</sup> راه<sup>۳</sup> نیست  
بدو<sup>۷</sup> گفت بیژن به کین زرسپ<sup>۸</sup>  
چنین داد پاسخ بدو<sup>۱۰</sup> گستم  
و زان پس بود<sup>۱۲</sup> بارگی صد هزار<sup>۱۳</sup> ۳۸۵  
بفرمای تا زین بر آنکت هواست

کشیده زهار و بلند و سترگ  
برو برفگنندن برگستوان  
چو اندیشه کرد از گشاد<sup>۱۸</sup> فرود  
بسی<sup>۲۱</sup> داستان جوانی<sup>۲۲</sup> براند  
همان خسروانی یکی مغفرش  
بپوشید بیژن<sup>۲۳</sup> بکردار گرد  
چنان چون بود مردم جنگ جوی<sup>۲۵</sup> ۳۹۰  
یکی رخش<sup>۱۶</sup> بودش بکردار گرگ  
ز بهر جهان جوی مرد جوان  
دل گیو شد زان<sup>۱۷</sup> سخن پُر ز دود  
فرستاد و مر<sup>۱۹</sup> گُستهم را بخواند<sup>۲۰</sup>  
فرستاد درع سیاوش برش  
بیاورد گُستهم درع نبرد  
به سوی سپدکوه<sup>۲۴</sup> بنهاد روی

### گفتار اندر جنگ بیژن با فرود<sup>۲۶</sup>

۱- ل: ترک من؛ س: کوه سر؛ متن = ف، ق، ل، ا، س<sup>۱</sup> ۲- ل: مگر کشته آیم بکین ۳- ف: بدو گستم گفت کین؛ ل: بدو گفت پس گستم؛ متن = س، ق، ل، ا، س<sup>۱</sup> (نیز ل- ب) ۴- ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز ل- ب): رای (ل، س، س، س<sup>۱</sup>، ل- ب) پس او نداشتند؛ متن = ف، ل<sup>۱</sup> (نیز هفت دستویس دیگر) ۵- ف: زین؛ ل: (نیز و ب): خود ازین؛ متن = س، ق، ل، ا، س<sup>۱</sup> ۶- ق: تیزیش پای؛ ل: تند آگاه؛ در ل، ل<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>، و) پس از این بیت، بیت های ۳۷۱-۳۷۳ آمده اند (۳۷۱ ب) ۷- ل: چنین ۸- ف، ل: (نیز ق<sup>۱</sup>، ب): که من چون زرسب؛ (و: چو آذرگشپ)؛ متن = س، ق، ل، ا، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، پ، ل- ب) ۹- س: نجوم ۱۰- ق، ل: ورا ۱۱- ل: ز تو بیش و کم؛ س، ق (نیز ل، پ، ل- ب، آ): ز فرق (آ: جان) تو کمر (ق<sup>۱</sup>، ل): من از تنت کم؛ ل: من از تو بکم؛ متن = ف، ل، ا، س<sup>۱</sup> (نیز و، ب) ۱۲- ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، ا، ب): مرا گر بود؛ ل: و گر خود بود؛ (ل، آ: و گر زان بدی؛ ل- ب): و زان پس مرا؛ متن = ف (نیز ل، پ، و) ۱۳- ل: ده هزار؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س<sup>۱</sup> (نیز ل- ب) ۱۴- ل: موی؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س<sup>۱</sup> (نیز ل- ب)؛ ل، س<sup>۱</sup> (نیز پ) پس از این بیت دو بیت وق (نیز ب) تنها بیت یکم را افزوده اند: ندارم بدین (پ، ب: بنیز؛ ق: ندارم نیز) از تو آنرا دریغ

نه گنج و نه جان و نه اسب و نه تیغ

برویک بیک بارگی ها بین کدامت به آید یکی برگزین

ف، س (نیز ل، ق، ل، ل، و، ل- ب، آ، ل<sup>۱</sup>) هیچیک از این بیت ها را ندارند ۱۵- س: وگر ۱۶- ق: اسب ۱۷- ق: زین ۱۸- س، ق: او ز کار؛ متن = ف، ل، ا، س<sup>۱</sup> ۱۹- ف: فرستاده؛ ل: فرستاده شد؛ (ل، ل- ب): فرستاد (کس)؛ متن = ۲۰- س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، ل، و، آ، ب): فرستاد و گستم را پیش خواند؛ متن = ل ۲۱- س: همه ۲۲- ل: داستان های نیکو؛ س<sup>۱</sup> (نیز ل، پ، ل- ب): داستان از جوانی؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، و، ب) ۲۳- ل: جشن ۲۴- ف- ل<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، پ، و، آ): سپدکوه؛ (ل، ل- ب): بسدکوه؛ متن = س<sup>۱</sup> (نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۵- س، ق، ل: کینه جوی؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۲۶- ف: گفتار اندر جنگ بیژن با فرود و گر بختن فرود از بیژن؛ ل: رزم فرود با بیژن؛ ق: گفتار در نبرد بیژن گیو و فرود سیاوخش؛ ل: رفتن بیژن دیو (گیو) بجنگ فرود؛ متن = آغاز ف

<p>۳۹۵</p> <p>چنین گفت شاه جوان<sup>۱</sup> با تُخوار<sup>۲</sup> نگه کن بین تا وُرا نام چیست به خسرو تُخوار<sup>۳</sup> سراینده گفت که فرزند گیوست، مردی دلیر ندارد جز او گیو فرزند نیز<sup>۴</sup> تو اکنون سوی بارگی دار دست وُدیگر که دارد هم او آن<sup>۵</sup> زره برو تیر و ژوپین<sup>۶</sup> نیاید به کار<sup>۷</sup> تو با او<sup>۸</sup> بسنده نباشی به جنگ بزد تیر بر اسپ بیژن فرود<sup>۹</sup> بیفتاد و<sup>۱۰</sup> بیژن جدا گشت از وی<sup>۱۱</sup> یکی نعره زد کای سوار دلیر بدانی<sup>۱۲</sup> که بی<sup>۱۳</sup> اسپ مردان<sup>۱۴</sup> جنگ بینی مرا، گر بمانی بجای چو بیژن همی برنگشت<sup>۱۵</sup> از فرود یکی تیر دیگر بینداخت شیر</p>	<p>که آمد به نوی<sup>۱</sup> یکی نامدار<sup>۲</sup> برین<sup>۳</sup> مرد جنگی که خواهد گریست که این را از<sup>۴</sup> ایران کسی نیست جفت به هر جنگ<sup>۵</sup> پیروز باشد چو شیر گرامی ترست او ز جان و ز چیز<sup>۶</sup> دل شاه ایران نشاید<sup>۷</sup> شکست کجا گیو زد بر میانش<sup>۸</sup> گره سزد گر پیاده کند کارزار نگه کن که الماس دارد به چنگ تو گفتی به اسپ اندرون<sup>۹</sup> جان نبود سوی تیغ<sup>۱۰</sup> با تیغ بنهاد روی<sup>۱۱</sup> بمان تا بینی کنون<sup>۱۲</sup> رزم شیر بیایند با تیغ هندی به چنگ<sup>۱۳</sup> به پیگار از آن<sup>۱۴</sup> پس نیایدت رای فرود اندر آن<sup>۱۵</sup> نیز<sup>۱۶</sup> تندی<sup>۱۷</sup> نمود سپر بر سر آورد مرد دلیر</p>
---	--

۱-س، ل: جهان؛ ق: زمان ۲-ل (نیز آ): نخوار؛ س: (نیز ل): تخار؛ (ق: نخار)؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز شش دستنویس دیگر) ۳-ل-س: نوی؛ متن = ف ۴-ل: کینه دار ۵-ل: بدین ۶-ل، ل: نخوار؛ س: (نیز ل): نخار؛ (ق: نخار)؛ متن = ف، س، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۷-ل، ق: ز؛ ل، س: به؛ متن = ف، س ۸-ل، س: رزم؛ ل: کار؛ متن = ف، ق، س ۹-س، ل: نیز فرزند نیز (!)؛ ق: نیز فرزند چیز (!)؛ س: (نیز ب): نیز فرزند گیو؛ متن = ف، ل (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۰-ف، ل: (نیز ق، ل، پ، ل، ن): ز جان عزیز؛ ل: گرامی ترست ز گنج و ز چیز؛ س، ق (نیز و): گرامی تر است ز جان عزیز؛ س: یکی سرفرازست هشیار و نیو؛ (لن): گرامی تر او را ز جان عزیز؛ ل، آ: گرامیش دارد چو جان عزیز؛ ب: که چون وی نبیند کسی نیز نیو؛ متن تصحیح قیاسی است (ع ۹۹۳) ۱۱-س: نیاید ۱۲-ل، ق (نیز ل، آ): همی آن؛ س: به بر آن؛ س: به تن بر؛ ل: که وی دارد آن هم؛ متن = ف (نیز لن، ل، پ، ل، ن) ۱۳-ل: میان بر؛ س، ق، ل، آ، س: (نیز لن-پ، ل-ب): گریبان؛ متن = ف (نیز و) ۱۴-همه دستنویس ها: زوپین ۱۵-ل (نیز ل، آ): نیاید گذار؛ متن = ف، س، ق، س: (نیز لن، ق، ل، ن، ب)؛ ل: این بیت را ندارد ۱۶-ل: وی ۱۷-ل: چودود ۱۸-س: اندرش ۱۹-ف، ق، س: [و]؛ متن = ل، س، ل ۲۰-ق: ازو ۲۱-ق: کوه ۲۲-ق: رو؛ س: بنهاد با تیغ روی ۲۳-ل، آ، س: (نیز و): یکی؛ متن = ف-ق (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: اصر ساعة حتی تری قتال الأسود ۲۴-ل: ندانی؛ س: بینی؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۲۵-س: بر ۲۶-س، ق: شیران به؛ متن = ف، ل، ل، س ۲۷-ل: چگونه جنگ اندر آرد جنگ؛ س: نیاید زدن نیز تیر خدنگ؛ متن = ف، ل، س، ق، ف، ل: (نیز با دگرگونی هایی ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

ف: ندانی که نیز اسب مردان جنگ  
ل: کسی کوفکنده شود ز اسب جنگ  
۲۸-ل: ازین ۲۹-س: همان بازگشت ۳۰-س، ق: از برش؛ متن = ف، ل، ل، س ۳۱-ل (نیز ب): کار؛ (لن، ل: نیز)؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۳۲-س: تیزی



- ۴۱۰ سپر بردرید و زره را نیافت<sup>۱</sup>  
از آن تندبالا چو بر سر کشید<sup>۲</sup>  
فرود گرانمایه زو بازگشت  
دوان<sup>۵</sup> بیژن آمد پس پشت او<sup>۶</sup>  
به برگشتوان برزد و کرد<sup>۸</sup> چاک  
به در بند حصن اندرآمد فرود  
۴۱۵ ز باره فراوان بیارید سنگ  
خورشید بیژن که ای نامدار  
چنین بازگشتی و شرمت نبود؟
- بیامد بر طوس<sup>۱۱</sup> از آن<sup>۱۲</sup> رزمگاه  
۴۲۰ سزد گر به رزم چنین یک سوار<sup>۱۳</sup>  
اگر کوه خارا ز پیکان<sup>۱۵</sup> او<sup>۱۶</sup>  
سپهد نباید که دارد<sup>۲۰</sup> شگفت  
سپهد به دارنده سوگند خورد  
به کین زرسپ گرامی سپاه<sup>۲۲</sup>  
۴۲۵ تن ترک بدخواه بیجان کنم
- چنین گفت کای پهلوان سپاه  
شود نامبردار یک دشت خوار<sup>۱۴</sup>  
شود آب و<sup>۱۷</sup>، دریا شود<sup>۱۸</sup> کان<sup>۱۹</sup> او<sup>۱۶</sup>،  
ازین<sup>۲۱</sup> برتر اندازه نتوان گرفت  
کزین دز برآرم به خورشید گرد  
برآرم، بسازم یکی رزمگاه<sup>۲۳</sup>  
ز خونش دل<sup>۲۴</sup> سنگ مرجان کنم

### گفتار اندر خواب دیدن جریره مادر فرود<sup>۲۵</sup>

چو خورشید تابنده شد ناپدید  
دلیران دزدار<sup>۲۸</sup> مردی هزار  
شب تیره بر<sup>۲۶</sup> چرخ لشکر<sup>۲۷</sup> کشید،  
ز<sup>۲۹</sup> سوی کلات اندرآمد سوار

۱- ل: بتافت ۲- ل، س (نیز ل): پستی؛ ق (نیز لن، پ، و، لن، ب): سستی؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، آ) ۳- ف، س، س (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ، ب): سر بر کشید (پساوند ندارند)، ل (نیز پ، لن، ل: بر سر رسید)؛ متن = ل (نیز لن)؛ ق این بیت را ندارد ۴- س: همان ۵- س: دمان ۶- ل، س، ق، ل: او ۷- س: برنده؛ ق: یکی کابلی تیغ؛ متن = ف، ل، ل، س ۸- ق: گشت ۹- ل- س (نیز ل، ل، پ، آ، ب): در دز؛ متن = ف (نیز ق) ۱۰- ل، س: دلیر؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۱- ق: پیاده بیامد ۱۲- ل: زان ۱۳- ل- س (نیز لن- ب): دلیر؛ متن = ف ۱۴- ل- س (نیز لن- ب): شیر؛ متن = ف ۱۵- س: به پیکار ۱۶- ل، س، ق، ل: او ۱۷- ف، س، ل، س (و): متن = ل، ق ۱۸- ل، س، ل، س: بود؛ متن = ف، ق ۱۹- س: کار ۲۰- ل: ماند ۲۱- س، س: کزین؛ ق: کزان؛ متن = ف، ل، ل ۲۲- س، ق: سوار؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز لن- ب) ۲۳- س، ق: کارزار؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز لن- ب) ۲۴- ل: ز خون دلش؛ ف این بیت را ندارد ۲۵- ف: گفتار اندر خواب دیدن جریره مادر فرود و جنگ فرود با ایرانیان و کشته شدن بردست رهام؛ س: کشته شدن فرود سیاوش بر دست بیژن گیو؛ س: گفتار در کشته شدن فرود؛ متن = آغاز ف ۲۶- ل: از ۲۷- س: دامن ۲۸- ل: دلیران و دزدار؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۲۹- س، ق، س: به؛ متن = ف، ل، ل

در دز بیستند ازین<sup>۱</sup> روی تنگ<sup>۲</sup>  
جریره<sup>۴</sup> به پای<sup>۵</sup> گرامی بخت  
به خواب آتشی دید کز دز<sup>۶</sup> بلند ۴۳۰  
سراسر سپدکوه<sup>۷</sup> بفروختی  
دلش گشت پُر درد و بیدار<sup>۸</sup> شد<sup>۱</sup>  
به باره برآمد جهان<sup>۱۱</sup> بنگرید  
دلش<sup>۱۲</sup> گشت پُر خون و سر<sup>۱۳</sup> پُر زدود  
بدو گفت: بیدار گرد ای پسر!  
سراسر همه<sup>۱۷</sup> کوه پُر دشمن ست<sup>۱۸</sup>  
به مادر چُنین گفت مرد جوان<sup>۲۱</sup>  
مرا گر زمانه شده ست اسپری  
به روز جوانی پدر گشته شد  
به دست گروهی<sup>۲۵</sup> آمد او را زمان ۴۴۰  
بکوشم، نمیرم مگر غم وار<sup>۲۶</sup>  
سپه را همه ترگ<sup>۲۸</sup> و جوشن بداد  
میان زیر<sup>۳۰</sup> خفتان رومی بیست

خروش جرس خاست و آوای<sup>۳</sup> زنگ  
شب تیره با درد و غم بود جفت  
برافروختی پیش آن ارجند،  
پرستنده و دز<sup>۸</sup> همی سوختی  
روانش پُر از درد و تیمار شد<sup>۱۰</sup>  
همه کوه پُر جوشن و نیزه دید  
بیامد دمان<sup>۱۴</sup> تا بنزد<sup>۱۵</sup> فرود  
که ما را بد آمد از<sup>۱۶</sup> اختر به سر  
در دز پُر از<sup>۱۹</sup> نیزه و جوشن ست<sup>۲۰</sup>  
که از غم چُنین چند باشی نوان<sup>۲۲</sup>  
زمانه ز بخشش فزون نشمری<sup>۲۳</sup>  
مرا روز چون روز او گشته شد<sup>۲۴</sup>  
سوی جان من بیژن آمد دمان  
نخواهم از<sup>۲۷</sup> ایرانیان زینهار  
یکی ترگ پُرماه<sup>۲۹</sup> بر سر نهاد  
بیامد کمائی<sup>۳۱</sup> کیانی به دست

### گفتار اندر رزم فرود با ایرانیان و کشته شدن فرود<sup>۳۲</sup>

چو خورشید تابنده بنمود چهر خرامان برآمد به خم سپهر،

۱- ل: وزین؛ س، ق: از آن؛ س: زین؛ متن = ف، ل، ۲- س: روچوسنگ ۳- س: آواز؛ س، ق، س: (نیزلن، ق، ب، لن) پس از این بیت افزوده اند:

همان دخت پیران که مام فرود روان پرز تیمار و دل پرزدود

۴- س، ق: بیامد ۵- ل: به تخت؛ س، ق، ل: (نیزلن، پ، لن)؛ کتزد؛ (ق: به یاد؛ و، ب: به پیش)؛ متن = ف، س: (نیزل، ل، آ، آ) ۶- س: کرده (→ کزدز) ۷- ف، ل، س، ل: (نیزق، ل، ل، پ، و، آ): سبدکوه؛ (ق: نیزلن، لن، ب): سبدکوه؛ متن = س: ۸- ل، س: پرستندگانرا ۹- ل: بیمار ۱۰- ل، ل، س: گشت؛ متن = ف، س، ق ۱۱- ل: همی ۱۲- ل، ق: رخس؛ متن = ف، س، س: ۱۳- ل، ق، دل: س: پردرد و جان؛ ل: پردرد و سر؛ متن = ف، س: ۱۴- ق، ل: دوان؛ متن ← ۱۵- ل: به بالین فرخ؛ متن = ف، س، س: ۱۶- ل، ق، س: ز؛ ل: این بیت را ندارد ۱۷- ل: سبد ۱۸- ق: جوشنت ۱۹- س: همه ۲۰- ق: [و] دشمنت ۲۱- ل: جنگی فرود؛ متن ← ۲۲- ل: چه داری دلت پرزدود؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیزلن- ب) ۲۳- ل: نسیری (پساوند ندارد)؛ س: (نیزلن)؛ س: (نیزلن، پ، لن)؛ مرا همچو او روز برگشته شد؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیزشش دستنویس دیگر) ۲۵- ف: گروه؛ س: پس از این بیت افزوده است:

میان مان کنون ریخته گشت خون به خون اندرون آشتی نیست نون

۲۶- ف، س، ق: (نیزل، ب): غمروار (→ غم وار؟)؛ ل: بمیرم مگر غم وار (!)؛ س: (نیزق، و، آ): بمیرم مگر مردوار؛ (لن، پ، لن): بمیرم به غم زاروار؛ متن = ل: (نیزل)؛ غمروار (→ غمروار؟) ۲۷- ل: ز ۲۸- س، ق، ل، س: گرز؛ متن = ف، ل ۲۹- ل: رومی؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ۳۰- ل: را به؛ ل، س: بسند؛ متن = ف، س، ق ۳۱- ل، س: کمان؛ متن = ف، ل، س ۳۲- ق: کشته شدن فرود بر دست رهام گودرز؛ ل: لشکر بردن طوس بدزو کشته شدن فرود؛ متن = ل

<p>گراییدن<sup>۱</sup> گرزهای گران  دمِ نای سرغین<sup>۴</sup> و هندی درای<sup>۵</sup>  دلیران ترکان هر آنکس که بود  سر کوه شد همچو دریای قیر  همی<sup>۸</sup> کوه و سنگ اسپ<sup>۱</sup> را خیره<sup>۱۰</sup> کرد  سپاه فرود دلاور بکاست  سر<sup>۱۳</sup> بختِ مرد جوان گشته بود<sup>۱۲</sup>  که چون او ندیدند شیر ژبان  ندید ایچ تنها رخ کارزار<sup>۱۵</sup>  ز بالا سوی دز شتاید تفت<sup>۱۶</sup>  فراز و نشیب<sup>۱۷</sup> همی تاختند  - سبک شد عنان و گران شد رکیب<sup>۱۸</sup> -  بزد دست و گرز<sup>۱۹</sup> از میان برکشید  خروشان یکی تیغ هندی به مشت،  فروماند<sup>۲۳</sup> از کار مردِ دلیر<sup>۲۴</sup>  همی تاخت اسپ و همی زد خروش  شد آن نامور شیر<sup>۲۸</sup> جنگی فرود</p>	<p>۴۴۵ ز هر سو برآمد خروش سران  عو<sup>۲</sup> کوس با ناله‌ی گره‌نای<sup>۳</sup>  برون<sup>۶</sup> آمد از باره‌ی دز فرود  ز گرد سواران و از<sup>۷</sup> گرز و تیر  نُبد هیچ هامون و جای نبرد  ازین گونه تا گشت خورشید راست  ۴۵۰ فراز و نشیب هم<sup>۱۱</sup> گشته بود<sup>۱۲</sup>  بدو خیره ماندند<sup>۱۴</sup> ایرانیان  ز ترکان نماند ایچ با او سوار  عنان را بیچید و تنها برفت  ۴۵۵ چو رُهام و بیژن کمین ساختند  چو بیژن پدید آمد اندر نشیب  فرود جوان ترگِ بیژن بدید  چو رُهام گرد<sup>۲۰</sup> اندر آمد به پشت  بزد بر سر سفت<sup>۲۱</sup> آن مرد شیر<sup>۲۲</sup>  ۴۶۰ چنان که ش<sup>۲۵</sup> جدا گشت بازو زدوش<sup>۲۶</sup>  به دز درشد و در<sup>۲۷</sup> بیستند زود</p>
---	---

۱-س، ق: گراینده شد؛ ل، آ، س: گراینده؛ متن = ف، ل ۲-ف، س: همه؛ ل (نیز ق، ل، ب): عو؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، پ، ل، آ) ۳-ف، ل، س، س: کز نای ۴-ل: سرعین؛ ق، س: روین؛ متن = ف، س ۵-ل: دم نای هندی و روین درای ۶-س، ق: فرود؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۷-ل، ق، ل، آ، س: وز؛ متن = ف، س ۸-س: همه ۹-ل، آ، س: آب (!) ۱۰-ل: خرد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۱۱-س: همی ۱۲-ل، س: شد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۱۳-س: سرو ۱۴-س: گشتند ۱۵-ق: نبد هیچ پیدا همی یک سوار (پساوند ندارد) ۱۶-ل: خرامید و تفت؛ ق: شتایده رفت؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۷-ف (نیز ق، ل، آ): نشیب (?); متن = ل، س (نیز ل، پ، ب) ۱۸-س این بیت را ندارد ۱۹-ف، ل، ل (نیز ق، ل): تیغ؛ متن = ق، س (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب)؛ بنداری: فرغ الجزر علی بیژن؛ س این بیت را ندارد ۲۰-ق: تیز؛ س: چو بیژن بدید؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۲۱-ل، ق: کتف؛ ل، آ، س: دوش؛ متن = ف، س ۲۲-ل: مرد دلیر؛ ل، آ، س: آن نره تیره؛ متن = ف، س، ق ۲۳-ل، س، ل، آ، س: فرود آمد؛ متن = ف، ق ۲۴-ق، ل، آ، س: دست دلیر؛ ل: از دوش دستش بزیر؛ متن = ف، س ۲۵-ل: هم؛ متن = ۲۶-ل: چو از وی جدا گشت بازوی و هوش؛ س، ق (نیز ل، پ، ل، آ): جوان همچنان خسته بازو و دوش (س: هوش؛ ق: با زور و جوش)؛ س (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ، ب): جوان هم جدا گشته بازو زدوش؛ متن = ف؛ بنداری: ضرب رُهام کتفه ضربه اُبانست اُحدی بدید. و بقی کذلک علی ظهر الفرس یقاتل و یدفع عن نفسه بید واحدة؛ ل (نیز ل، آ) پس از بیت ۴۶۰ افزوده اند:

به زخمی پی باره او برید  
تبه گشته از جنگ کنداوران

بنزدیک دز بیژن اندر رسید  
پیاده خود و چند زان چاکران

۲۷-ق: به دز رفت و در را ۲۸-ل، آ، س: مرد

گرفتند پوشیدگان در برش  
 بُد شاه را نوزا هنگام تاج  
 پرستنده و مادر از سر بکند<sup>۲</sup>  
 همه تخت موی و<sup>۴</sup> همه حصن<sup>۳</sup> دود  
 که این موی کنند<sup>۶</sup> نباشد شگفت  
 به تاراج دز پاک<sup>۷</sup> بسته میان  
 دز و باره و<sup>۹</sup> کوه بیران<sup>۸</sup> کنند  
 ز جام رخس<sup>۱۲</sup> بفروردهمی،  
 تن خویش<sup>۱۳</sup> بر زمین برزدن  
 نمانم من ایدر مگر اندکی<sup>۱۷</sup>  
 به روز جوانی زمان من اوست<sup>۲۰</sup>  
 برآمد روانش به تیمار و درد

بشد با پرستندگان مادرش  
 به زاری فگندند بر تخت عاج  
 همه غایبه جعد<sup>۲</sup> و مُشکین کمند  
 ۴۶۵ همی کند جان آن گرامی فرود  
 چُنین گفت - چون لب زهم برگرفت -  
 کنون اندر آیند ایرانیان  
 پرستندگان<sup>۸</sup> را اسیران کنند  
 دل هر که<sup>۱۱</sup> بر من بسوزدهمی  
 همه پاک بر باره باید شدن  
 ۴۷۰ که تا بهر<sup>۱۴</sup> بیژن نیاید<sup>۱۵</sup> یکی<sup>۱۶</sup>  
 که گیرنده<sup>۱۸</sup> پاک جان من اوست<sup>۱۹</sup>  
 بگفت این و رخسارگان کرد زرد

به بازیگری ماند این چرخ مست  
 ۴۷۵ زمانی به خنجر<sup>۲۲</sup>، زمانی به تیغ  
 زمانی به دست یکی ناسزا  
 زمانی دهد گنج و تخت<sup>۲۴</sup> و کلاه  
 همی خورد باید کسی را که هست  
 اگر خود نزادی خردمند مرد  
 ۴۸۰ بزاد و<sup>۲۶</sup> به کوری و ناکام زیست

۱- ل (نیز لن-آ، ب): روز؛ س، ق: روز و؛ متن = ف، ل، س، ۲- ل: موی ۳- ل، س، س، ۴ (نیز لن، ق، ل، ب، ل): ازین بکند؛  
 ل: از درد کند؛ ق: مادرش را بکشد (!): متن = ف (نیز لی، و، آ، ب) ۴- ل (نیز ق): مویه؛ متن = ف، س، ق، ل، س، ۵ (نیز هشت  
 دستویس دیگر) ۵- ل، س، س، ۶: کاخ ۶- (ق: مویه کردن) ۷- ق: تنگ ۸- ل: پرستنده گان ۹- ل: باره ۱۰-  
 ف، ل، س، ق، س، ۱۱ (نیز لن-ب): ویران؛ متن = ل ۱۱- ل: هرک ۱۲- ل، س، س، ۱۳: دلش؛ س: رخسانم ز غم؛ متن = ف، ل،  
 ق ۱۳- ل، س، س، ۱۴: خویش را؛ متن = ف، ق، ل، س، ۱۴- ل: کجا بهر؛ ق (نیز ب): مگر بهر؛ (ق: که تا بهره): متن = ف، س، ل، س،  
 (نیز هفت دستویس دیگر) ۱۵- ل (نیز لی، و): نماند؛ ل (نیز ب): نیاید؛ (لن، ل، ب، ل): نیاشد؛ ق: نیاید؛ آ: بماند؛ متن = ف، س،  
 ق، س، ۱۶- ل: همی ۱۷- ل: یک دمی ۱۸- س، ق (نیز لن، ق، ل، ب، آ، ب): که برنده؛ متن = ف، ل، س، ۱۹ (نیز  
 ل) ۱۹- ل: کشنده تن و جان من درد اوست ۲۰- ل: پرستار و گنجم چه در خورد اوست ۲۱- س: ز ۲۲- ق: گرز؛ در س، ق  
 لت های این بیت پس و پیش شده است ۲۳- ل (نیز ق، ل): زمانی خود از درد و سختی رها؛ س: زمانی ز سختی خود آید رها؛ ل:  
 گرفتار او کی تواند رها؛ (لن، ب، ل): زمانی بدارد (ندارد، چو دارد) ز سختی رها؛ و: زمانی ز سختی ده آردها؛ متن = ف، ق (نیز ب): س این  
 بیت را ندارد ۲۴- ل، ق، ل، س، ۲۵: تخت و گنج؛ متن = ف، س ۲۵- ل: غم و رنج و خواری؛ متن = ف، س، ق، ل، س، ۲ (نیز لن-  
 ب) ۲۶- ل: بیاید؛ متن = ف، س، ق، ل، س، ۲ (نیز لن-ب) ۲۷- ل: برین؛ س: بدان؛ متن = ف، س، ق، ل، ۲۸- ل (نیز ق،  
 ل، آ): زندگانی بیاید؛ س (نیز لن، ب، ل، ب): زیستن بر بیاید؛ (و: زندگی بر بیاید): متن = ف، ق، ل، س، ۲ (نیز ق)

دریغ آن دل و رای و آیین اوی<sup>۱</sup>

همه خویش<sup>۳</sup> بر زمین برزدند  
همه گنج‌ها را به آتش بسوخت  
در خانه‌ی تازی اسپان بیست  
همی ریخت از روی<sup>۸</sup> او خون و خوی<sup>۹</sup>  
بر جامه‌ی او یکی دشنه بود<sup>۱۱</sup>  
شکم بردرید از<sup>۱۳</sup> برش جان بداد

به غارت بیستند یکسر<sup>۱۵</sup> میان  
از اندوه یکسر دلش پاره<sup>۱۶</sup> شد  
رخش پُر ز آب<sup>۱۷</sup> و دلش پُر ز دود  
همان<sup>۱۹</sup> خوارتر مرد و هم<sup>۲۰</sup> زارتر

سراجم خاکست بالین اوی<sup>۱</sup>

پرستندگان<sup>۲</sup> بر سر دز شدند  
جریره یکی<sup>۴</sup> آتشی برفروخت<sup>۵</sup>  
یکی تیغ بگرفت<sup>۶</sup> از آن<sup>۷</sup> پس به دست  
شکشان بدرید و بیرید پی  
بیامد به بالین فرخ‌فرود<sup>۱۰</sup>  
دو رخ را به روی پسر<sup>۱۲</sup> بر نهاد

در دز بکنند<sup>۱۴</sup> ایرانیان  
چو بهرام نزدیک آن باره شد  
بیامد بنزدیک فرخ‌فرود  
به ایرانیان گفت کین<sup>۱۸</sup> از پدر

۱- ل، ق، ل، س، او؛ درس این بیت چنین آمده است:

خنک آنک جز تخم نیکی نکشت

سراجم خاکست و بالین زخشت

ق پس از بیت ۴۸۱ افزوده است:

به گاه جوانی بسان پدر

که شد کشته و آمد زمانش بسر

۲- ل: پرستندگان ۳- س: خویش را ۴- (و: سبک) ۵- ل: یکی آتشی خود جریره فروخت؛ متن = ف، س، ق، ل، س، ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۶- ق: الماس ۷- ل: زان ۸- ل: چشم؛ متن = ۹- ل: از دیده خوناب خوی؛ س: بر بال و بر خون و خوی؛ متن = ف، ق، س، ۲ ۱۰- ل: پسر ۱۱- ل: یکی دشنه با او چو آب کیود؛ ل: بیاورد او دشنه تیزسر؛ س: به بالین او دشنه تیز بود؛ (ل، ل، پ، ل، ن، ب: رخس پر ز آب و دلش پر زدود؛ ق: بر او یکی آبگون دشنه بود)؛ متن = ف، س، ق (نیز ل، و، آ، ب): بر جامه (= پیر جامه؟)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ابر جان فرزند و آن کشته تن

بیستاد و بگریست بر خویشتن

۱۲- ل: ابر روی او؛ س: بسوی پسر؛ بنداری: وضعت خدّها علی خدّ ولدها ۱۳- س، ق: و؛ متن = ف، ل، ل، س، ۲؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بیفتاد کشته بر آن جوان

برآمد ازو نیز رخشان روان

گاهی چون شبان است و گاهی رمه

چنین است گیتی سراسر همه

۱۴- س، ق: گشادند؛ متن = ف، ل، ل، س، ۲ ۱۵- س: همه پاک بسته؛ ف پس از این بیت چهار بیت (و تنها بیت چهارم را) افزوده اند:

ابا زنگه شاوران همه نبرد

بیامد همانگاه بهرام گرد

به دیدار آن برگزیده جوان

در دز گشادند و شد در زمان

بماندند هر دو چنان سوگوار

بدیدند او را چنان کشته زار

خود (و: که) از بهر او دلش بدرام بود

نخستین که در رفت بهرام بود

۱۶- س: پیش دلش چاره (!) ۱۷- ل، ل، س، ۲: لیش پر ز باد (س: تاب)؛ ل (نیز ل، پ، ل، ن) این بیت را ندارند؛ ف پس از بیت ۴۹۰ افزوده است: همانگاه بهرام با درد و تاب دو رخساره زرد و دو چشمش پر آب

۱۸- ق: این ۱۹- ل، س، ق (نیز ل، پ، ل، ن، ب): بسی؛ (ل: همی)؛ متن = ف، ل، س، ۲ (نیز ق، ل، و، آ) ۲۰- ل، ل، س، ۲: خوارتر کشته شد

گشنده سیاوخش<sup>۱</sup> چاکر نبود  
 به کردار نی دز برافروخته<sup>۲</sup>  
 به ایرانیان گفت کز کردگار  
 به بد بس درازست دست<sup>۳</sup> سپهر  
 ۴۹۵ ز کیخسرو اکنون ندارید شرم؟  
 به کین سیاوش فرستادنتان  
 ز خون برادر چو آگه شود  
 ز رهام و از<sup>۴</sup> بیژن تیزمغز

همانگه بیامد<sup>۱</sup> سپهدارطوس  
 ۵۰۰ چو گودرز و چون گیو و<sup>۱۰</sup> گنداوران  
 سپهبد به سوی سپدکوه<sup>۱۱</sup> شد  
 چو آمد<sup>۱۳</sup> به بالین آن گشته زار،  
 به یک دست بهرام پُر<sup>۱۴</sup> آب چشم،  
 ۵۰۵ به دست دگر زنگه‌ی شاوران،  
 گوی چون درختی بر آن تختِ عاج،  
 سیاوخش<sup>۱۶</sup> بُد خفته بر تختِ زر،  
 برو زار بگریست گودرز و گیو،  
 رخ طوس شد پُر ز خون جگر

۱- ف، ل، ل، س (نیز ل، ل، ن): سیاوش (= سیاوش)؛ (لن، لی، پ: سیاوش)؛ متن = س (نیز ق، و، آ، ب) ۲- ل: همه دز سراسر برافروخته؛ س، ق (نیز لن، پ، ن): بگردش همه کاخ افروخته؛ (ق: بگرد اندرش آتش افروخته)؛ متن = ف، ل، س (نیز لی، آ، ب) ۳- ف، س، ق، ل (نیز لن، ل، پ-ب): همه؛ س: همی؛ متن = ف (نیز ق، ل) ۴- ل-س: وز؛ متن = ف ۵- ل، س: چنگ؛ متن = ف، س، ق، ل ۶- س: گرم ۷- ل، س: خلعت و پندها ۸- ل-س: وز؛ متن = ف ۹- ف: بیامد همانگه؛ متن = ل-س (نیز لن-ب) ۱۰- ل (نیز لی، ل، پ، و): [و] ۱۱- ف، ل، ق، ل، س (نیز ق، لی، ل، پ، آ): سبدکوه؛ (لن، ل، ب: سبدکوه)؛ متن = س (نیز و) ۱۲- س، ق (نیز لن، پ، و، ل، ن، ب): بی اندوه؛ ل، س (نیز ق): بانوه؛ (لی، آ: دز انبوه)؛ ل: وزانجا بنزدیک انبوه؛ متن = ف (نیز ل) ۱۳- س: بیامد ۱۴- س، ق: بیا؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۵- ق: بپاکی؛ س این بیت را ندارد ۱۶- ف، ل، س، ل (نیز ل، و، ل، ن): سیاوش (= سیاوش)؛ س (نیز لن، پ، آ): سیاوش؛ متن = ق (نیز ق، لی، ب) ۱۷- ل: تیغ و گرز و کمر؛ ل، س: ترگ و گرز و کمر؛ س، ق: به دیبای زربفت و زربین کمر؛ متن = ف؛ س در اینجا سرنویس دارد: آمدن ایرانیان به بالین فرود ۱۸- س: جز آن؛ ق: جز او؛ ل، س: همان؛ متن = ف ۱۹- ل: بزرگان چو گرگین و بهرام نیو؛ در برخی از دستنویس‌ها بیت‌های ۵۰۸-۵۱۵ درهم ریخته‌اند؛ ف پس از بیت ۵۰۸ افزوده است:

بگفتند یک با دگر پهلوان      هز آنکس که بُد نامدار از گوان

۵۱۰ زا تندی پشیمانی آیدت<sup>۲</sup> بار  
چنین گفت با طوس گودرز<sup>۳</sup> و گیو  
که تیزی<sup>۴</sup> نه کار سپهبد بود  
جوانی برینسان<sup>۵</sup> ز تخم کیان  
بدادی به تندی و تیزی<sup>۶</sup> به باد  
۵۱۵ ز تیزی گرفتار شد ریونیز  
هر بی<sup>۱۳</sup> خرد در دل مرد تند<sup>۱۴</sup>

بفرمود تا دخه‌ی شاهوار  
نهادند زیر اندرش تخت زر  
تن شاهوارش بیاراستند  
۵۲۰ سرش را به کافور کردند خشک  
نهادند بر تخت و گشتند باز

چنین ست هر چند مانیم دیر      نه پیل سرافراز ماند، نه شیر

۱- س، ق؛ که؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۲- ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، پ، ل، آ): آردت؛ س<sup>۱</sup> (نیز ل): آرد به؛ متن = ف (نیز و، ب) ۳- ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، ل، س): گودرز با طوس؛ س، ق: خروشان پس آنگاه گودرز؛ متن = ف (نیز ق) ۴- ق: جزا؛ متن ← ۵- ف: بزرگان چو گرگین و بهرام نیو؛ متن = ل، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، آ، ب)؛ س، ق (نیز لن، پ، ل، س): پس از این بیت افزوده‌اند:

همه چشم پر آب و دل پر زهوی      به طوس سپهبد نهادند روی  
۶- ل: تندی؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۱</sup> ۷- س، ق: تیزی؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۸- ل، ق، ل، س<sup>۱</sup>: بدینسان؛ متن = ف، س ۹- س: فر و بالای برز؛ ق: فر و بالا و زور؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۱۰- ل، س، ق: به تیزی و تندی؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۱۱- س: نماند؛ متن ← ۱۲- ل: از بد بخت ما مانده چیز؛ متن = ف، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، و، ل، آ)؛ پایی بیت‌های ۵۰۸-۵۱۵ در دستنویس‌ها، ف: ۵۰۸، ۵۰۸، پ، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۵؛ س، ق (نیز لن، پ): ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۱، پ، ۵۱۰، ۵۱۲-۵۱۵؛ پایی بیت‌های متن = ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، و، آ، ب) ۱۳- ف، س، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب): با (؟)؛ متن = ل ۱۴- س: کند (پاوند ندارد) ۱۵- ف: ژنگار (؟)؛ ل (نیز و) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو چندین بگفتند آب از دو چشم      ببارید و آمد ز تندی به خشم  
چنین پاسخ آورد کز بخت بد      بسی رنج و سختی به مردم رسد  
۱۶- ف: زرین (؟)؛ متن ← ۱۷- س، ق (نیز لن، پ، ل، س): ابا جوشن و تیغ و گرز و کمر؛ متن = ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، و، آ، ب) ۱۸- ل: رخس ۱۹- ف (نیز ق، ل، ل، س<sup>۱</sup>): دیق (!)؛ ل: عطر؛ س، ل (نیز لن): دق (حرف دوم نقطه ندارد)؛ (پ: ربق (!))؛ متن = ق، س<sup>۱</sup> (نیز ل، و، آ) ۲۰- س: بدق و بعنبر و بقیر (حرف سوم واژه یکم نقطه ندارد و وزن هم نادرست است)؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۱- ل (نیز لن، ق، ل، پ، و، ل، س): شاه گردن‌فراز؛ ق: با کام و ناز؛ (ل: با نام و ساز)؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز آ، ب)؛ ل (نیز پ، و) پس از این بیت افزوده‌اند:

زرسپ سرافراز با ریونیز      نهادند در پهلو‌ی شاه نیز  
سپهبد بر آن ریش کافورگون      ببارید از دیدمگان جوی خون

دل سنگ و سندان بترسد ز مرگ      رهایی نیابد ازو باراً و برگ

### گفتار اندر رزم کاس رود و نبرد بیژن با بلاشان ترک<sup>۲</sup>

<p>چهارم برآمد ز شیپور دم زمین کوه تا کوه شد<sup>۲</sup> آبنوس بگشتی، تنش را فگندی به راه<sup>۴</sup> همی رفت ازین گونه<sup>۵</sup> تا کاسرود<sup>۶</sup> زمین گشت از<sup>۸</sup> خیمه‌ها ناپدید سوی کاسرود<sup>۱۱</sup> اندرآمد به راه<sup>۱۲</sup> بلاشان<sup>۱۴</sup> بیداردل پهلوان<sup>۱۵</sup> درفش و سراپرده‌ها<sup>۱۷</sup> بشمرد بلند و بیکسو از<sup>۱۸</sup> انبوه بود همی رفت هر گونه از بیش و کم به دیدار ایشان برآمد ز<sup>۲۰</sup> راه بزد دست و گرز<sup>۲۳</sup> از میان برکشید یکی نامداری سوار<sup>۲۵</sup> دلیر گوش بسته آرم بدین انجمن مرا داد خلعت بدین کارزار، به رزم بلاشان<sup>۲۹</sup> پرخاشخر که مشتاب در جنگ آن<sup>۳۰</sup> نزه شیر</p>	<p>سه روزش درنگ آمد اندر جرم سپه برگرفت و بزد نای و کوس هر آنکس که دیدی ز توران سپاه همه مرزها کرد بی تاروپود برآن<sup>۷</sup> مرز لشکر فرود آورد خبر شد به توران<sup>۹</sup> کز ایران سپاه<sup>۱۰</sup> ز ترکان بیامد دلیری جوان<sup>۱۳</sup> بیامد که لشکر همه<sup>۱۶</sup> بنگرد به لشکرگه اندر یکی کوه بود نشسته برو گیو و بیژن هم درفش بلاشان<sup>۱۹</sup> ز توران سپاه چُن<sup>۲۱</sup> از دور گیو دلاور<sup>۲۲</sup> بدید چنین گفت کامد بلاشان<sup>۲۴</sup> شیر شوم گر<sup>۲۶</sup> سرش را ببرم<sup>۲۷</sup> ز تن بدو<sup>۲۸</sup> گفت بیژن که گر شهریار به فرمان مرا بست باید کمر به بیژن چنین گفت گیو دلیر</p>	<p>۵۲۵ ۵۳۰ ۵۳۵ ۵۴۰</p>
--	---	------------------------------------

۱- س، ق: بیخ؛ متن = ف، ل، ل، ل، س؛ در س<sup>۲</sup> لت‌های این بیت پس و پیش شده است؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز مرگ ارچه بیسوده کاریست بیم      دل از یساد او می شود بدونیم

- ۲- ف: گفتار اندر رزم کاسرود و نبرد بیژن با بلاشان ترک و کشته شدن بلاشان بردست بیژن گیو؛ ل، س، ق، س؛ رزم (س): نگ؛ س؛ نبرد) بیژن با بلاشان (س، ق، س؛ و کشته شدن بلاشان)؛ ل؛ نبرد بیژن با بلاشان و کشتن بلاشان بدست او؛ متن = آغاز ف ۳- ل، س: گشت؛ متن = ف، ق، ل، س؛ ۴- ق، س؛ ۵- چاه؛ متن = ف، ل، س؛ ل؛ ۶- ل: پیروز؛ ق: سپه را همی راند؛ متن = ف، س، ل، س؛ ۷- ل: کاسه رود؛ ب: کاسه رود؛ ب: کاسرود؛ متن = ف ۷- ل، س، ق: بدان؛ س؛ در آن؛ متن = ف ۸- ل: زان؛ س، ل، س؛ از آن؛ متن = ف، ق ۹- ل: ترکان؛ س: ایران ۱۰- ق: براه؛ س: که توران سپاه ۱۱- ل، س، ق، س؛ (نیز ل: ب): کاسه رود؛ متن = ف، ل ۱۲- ق: سپاه؛ ل، س؛ ز راه ۱۳- ل، س؛ ز توران بیامد سواری دلیر ۱۴- ل: بلاشان و؛ (ق: بلاشان؛ پ، ب: بلاشان) ۱۵- ل، س؛ بلاشان بنام و چو غزنده شیر ۱۶- ل، س؛ همی؛ متن = ف، س، ق، ل ۱۷- ل: درفش سران را همی؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ ۱۸- ل، س، ل؛ ز ۱۹- ل، س، ق: بلاشان) ۲۰- س: به ۲۱- ل، س، ق، ل؛ چو؛ متن = ف، س؛ ۲۲- س: دلیرش ۲۳- س، ق: نیغ؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۲۴- (ق: بلاشان؛ ب: بلاشان) ۲۵- ل، ق، ل، س؛ (نیز ل): سواری؛ س (نیز ق، ل، و، ب): سوار؛ متن = ف (نیز آ) ۲۶- ل، س؛ تا ۲۷- س، ل؛ برم سرش را ۲۸- ل، س؛ چنین ۲۹- (ق: بلاشان؛ ب: بلاشان) ۳۰- ل، س؛ این؛ متن = ف، ق، ل، س؛



نباید که با او نتایی به جنگ  
 چو شیرست و هامون ورا<sup>۱</sup> مرغزار  
 بدو گفت بیژن: مرا زین سخن  
 سلیح<sup>۲</sup> سیاوش مرا ده به جنگ  
 بدو داد گوی دلیر آن<sup>۳</sup> زره  
 یکی<sup>۴</sup> باره‌ی تیزنگ<sup>۵</sup> برنشست  
 بلاشان<sup>۶</sup> یکی آهو افکنده بود  
 همی خورد و اسپش چران و چمان<sup>۷</sup>  
 چن<sup>۸</sup> اسپش ز دور اسپ بیژن بدید  
 بلاشان<sup>۹</sup> بدانست کآمد سوار  
 یکی بانگ برزد به بیژن بلند  
 بگوی<sup>۱۰</sup> آشکارا که نام تو چیست  
 دلاور بدو گفت: من بیژنم  
 نیا شیر جنگی، پدر گوی گرد  
 به روز بلا در دم کارزار<sup>۱۱</sup>  
 همی دود و<sup>۱۲</sup> خاکستر و خون خوری  
 بلاشان<sup>۱۳</sup> به پاسخ نکرد ایچ رای<sup>۱۴</sup>

کنی روز بر من بدین<sup>۱۵</sup> جنگ تنگ<sup>۱۶</sup>  
 جز از مرد جنگی نجوید شکار  
 به پیش جهاندار ننگی مکن  
 پس آنکه نگه کن<sup>۱۷</sup> شکار پلنگ  
 همی بست بیژن زره را گره  
 به هامون خرامید<sup>۱۸</sup> نیزه به دست  
 کبابش بر آتش پراکنده بود  
 بلاشان<sup>۱۹</sup> نشسته به بازوی<sup>۲۰</sup> کمان  
 خروشی برآورد و اندررمید<sup>۲۱</sup>  
 بیامد بسیچیده‌ی کارزار<sup>۲۲</sup>  
 منم - گفت - شیروازن<sup>۲۳</sup> دیوبند  
 که<sup>۲۴</sup> اختر همی<sup>۲۵</sup> بر تو خواهد گریست  
 به جنگ<sup>۲۶</sup> اندرون گرد<sup>۲۷</sup> روین تم  
 هم اکنون بینی ز من دستبرد  
 تو بر کوه چون<sup>۲۸</sup> گرگ مردارخوار،  
 که آمد که جان<sup>۲۹</sup> به هامون بری  
 برانگیخت آن دیو جنگی ز جای<sup>۳۰</sup>

۱- ل، س، وی ۲- ل، س، برین؛ ق: درین؛ متن = ف، ل ۳- ل، ل، س، س: کار تنگ؛ س: پس آنکه ز من جوشکار پلنگ (س ۵۴۱ ب- ۵۴۴ آرا انداخته و از ۵۴۱ آ و ۵۴۴ ب یک بیت ساخته است) ۴- ل: بلاشان چو شیرست در؛ ق: که شیرست هامون ورا؛ متن = ف، ل، س ۵- س: سلاح ۶- س، ق: ز من جو (۵۴۱ ب)؛ متن = ف، ل، ل، س ۷- ف، ل، ق: (نیز، ل): دلیران (= دلیر آن؟)؛ س: (نیز ب): دلاور؛ ل: بدو گفت دادم برو آن (!)؛ متن = س (نیز، ل، ق، پ، و، ل، آ) ۸- ل: همی ۹- ل: تیزرو؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۱۰- ل، س، ل، س: خرامید و ۱۱- (ق: بلاشان؛ ب: بلاشان) ۱۲- س: چمان و چران؛ ق: همی گشت اسپش چمان و چران؛ متن = ف، ل، س، ل ۱۳- (ق: بلاشان؛ ب: بلاشان) ۱۴- ف، س، ق، ل، س: بازو؛ متن = ل ۱۵- ف- ل: چو؛ متن = س ۱۶- ل، س، ل: اندررمید؛ ق: اندرشمید؛ متن = ف، س ۱۷- (ق: بلاشان؛ ب: بلاشان) ۱۸- ل، ل، س: بسجده آمد سوی کارزار (ل: مرغزار) ۱۹- ل، ل، س: شیروازن و؛ س، ل، س: (نیز، ل- ب) شیروازن؛ متن = ف، ق؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بلاشانه اندر جهان نامور نبینی به مردی چو من کس دگر

۲۰- ف، ل، س، ل، س، س: بگو؛ متن = ق ۲۱- ف: از؛ متن = ل- س: (نیز، ل- ب) ۲۲- س: همان ۲۳- ل: رزم؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۲۴- ل: پیل؛ س، ق: شیر؛ ل: کرک؛ متن = ف، س ۲۵- ل، ل، س: مرا پیشه گشتت این کارزار ۲۶- ل، س: ترا پیشه ۲۷- ف: [و] ۲۸- ل- س: (نیز، ل- ب، ل- س): لشکر؛ متن = ف (نیز و) ۲۹- (ق: بلاشان؛ ب: بلاشان) ۳۰- ل، ل، ل، س: (نیز، ل، آ، ب): یاد؛ متن = ف، س، ق: (نیز، ل، ل، پ، و، ل) ۳۱- ل، ل، س: (نیز، ل، آ): چوباد؛ ل: پیل تن را چوباد؛ س (نیز، ل، ق، آ، ب): پیل (ق: شیر) جنگی ز جای؛ ق: برانگیختند آن دو جنگی ز جای؛ متن = ف (نیز، ل، و، ل)؛ ق: پس از این بیت افزوده است: وزین روی بیژن درآمد به پیش بکف نیزه و دل نهاده ز خویش

یکی گرد تیره برانگیختند یلان سوی شمشیر بردند دست بیودند لرزان چو شاخ درخت سرانشان غمی شد به <sup>۱</sup> یکبارگی دوشیر سرافراز <sup>۲</sup> ، دو رزمساز <sup>۳</sup> عمود گران بر نهاده به دوش همه مهری پشت بشکست خرد نگون شد بر <sup>۴</sup> و جوشن و مغفرش <sup>۵</sup> سر مرد جنگی ز تن دور <sup>۶</sup> کرد بیاورد و <sup>۷</sup> سوی پدر کرد روی که چون گردد آن <sup>۸</sup> باد روز نبرد که تا گرد بیژن کی آید ز <sup>۹</sup> راه سر و جوشن و اسپ آن پهلوان، بدو گفت: پیروز باش ای پسر! نهادند سر سوی پرده سرای همان اسپ و هم <sup>۱۰</sup> جوشن و مغفرش که گفתי برافشانده خواهد روان سر نامداران و دیهیم شاه <sup>۱۱</sup>	سواران به نیزه <sup>۱</sup> برآویختند سنان‌های نیزه بهم بر شکست به زخم <sup>۲</sup> اندرون تیغ شد لخت لخت به آب <sup>۳</sup> اندرون غرقه شد بارگی عمود گران برکشیدند باز برآورد بیژن همانگه <sup>۴</sup> خروش بزد بر میان بلاشان <sup>۵</sup> گرد ز بالای اسپ اندرآمد سرش <sup>۶</sup> فرود آمد از اسپ <sup>۷</sup> بیژن چو گرد سلیح <sup>۸</sup> و سر و <sup>۹</sup> اسپ آن نامجوی دل گیو بد ز آن سخن پُر ز درد خروشان و جوشان بدان دیدگاه <sup>۱۰</sup> همی آمد از راه <sup>۱۱</sup> پور جوان بیاورد و بنهاد پیش پدر برفتند با شادمانی ز جای بیاورد پیش سپهبد سرش چنان شاد شد ز آن سخن پهلوان بدو گفت کین بود <sup>۱۲</sup> پشت سپاه	۵۶۰ ۵۶۵ ۵۷۰ ۵۷۵
--	---	--------------------------

### گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از آمدن لشکر ایران<sup>۱۳</sup>

۱- ق: شرزه؛ س این بیت را ندارد ۲- س، ل، آ، س: رزم؛ متن = ف، ل، ق ۳- س: به خوی ۴- ل: گشت ۵- س: سرافراز و ۶- ل: جنگ ساز ۷- ل، آ، س: بدانگه؛ ل، س، ق (نیزلن-ب): چنین تا برآورد بیژن؛ متن = ف ۸- (ق: بلاشان؛ ب: بلاشان) ۹- ل، ل، آ، س: تنش؛ متن = ف، س، ق ۱۰- س، ق، ل (نیزلن، ق، آ، ل، پ، ل، آ): سر؛ متن = ف، ل، س (نیزل، آ، و، ب) ۱۱- ل، ل، آ، س: مغفر و جوشنش؛ متن = ف، س، ق ۱۲- ل: باره؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۱۳- ل: باز؛ ق پس از این بیت افزوده است:

به اسب اندرآمد چو شیر ژبان به بازو کمند و کمر بر میان

۱۴- س، س: سلاح ۱۵- س: [و] ۱۶- ل: [و] ۱۷- ل، آ، س: خبیزد آن (س: از) ۱۸- ل، ق، ل، آ، س: دیده گاه ۱۹- ق، ل، آ: به ۲۰- ل: دور ۲۱- ل، س: [و] با؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۲۲- س: کای پورو؛ ق: ای پورو؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۲۳- س: زمین شد ز پور سیاوش سیاه (س ۵۷۵ ب- ۵۷۷ آ را انداخته و از ۵۷۵ آ و ۵۷۷ ب یک بیت ساخته است)؛ ق پس از بیت ۵۷۵ افزوده است:

همیشه بزی شاد و برتر منش ز تو دور بادا بد بد کنش

۳۴- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از آمدن طوس و لشکر ایران به کین خواستن و کشته شدن بلاشان؛ س، ل، آ، س: آگاهی (س: خبر) یافتن افراسیاب از آمدن لشکر (ل: آمدن ایرانیان؛ س: لشکر ایران به جنگ)؛ متن = آغاز ف

۵۸۰ وُزآن<sup>۱</sup> پس خبر شد به افراسیاب  
سوی کاسرود<sup>۲</sup> اندرآمد سپاه  
سپهبد به پیران سالار گفت  
مگر کین<sup>۳</sup> سَخُن را پذیره شوم  
وُگرنه از ایران<sup>۴</sup> بیاید سپاه  
برو لشکر آور ز هر سو فراز  
که شد مرز توران چو دریای آب  
زَمین شد ز کین سیاوش سپاه<sup>۳</sup>  
که خسرو سَخُن برگشاد از نَهفت  
همه با درفش و تبیره شوم  
نه خورشید بینیم<sup>۴</sup> روشن، نه ماه<sup>۵</sup>  
سَخُن‌ها نباید که گردد دراز

۵۸۵ وُزآن سو<sup>۶</sup> برآمد یکی تندباد  
یکی ابر تند اندرآمد<sup>۷</sup> چو گرد  
سراپرده و خیمه‌ها گشت<sup>۸</sup> یخ  
همه کشور از برف شد ناپدید  
خور و خواب و آرامگه تنگ شد  
کسی را نَبُد یادِ روزِ نبرد  
تبه شد بسی مردم و چارپای  
به هشتم<sup>۹</sup> برآمد بلندآفتاب  
سپهبد سپه را همه<sup>۱۰</sup> گِرد کرد  
که ایدر سپه شد ز تنگی تبا<sup>۱۱</sup>  
مبادا برین بوم و برها درود  
ز ۲۹ گردان سرافراز بهرام گفت  
تو ما را به گفتار خاموش کنی  
که کس را از<sup>۱۲</sup> ایران نَبُد جنگ<sup>۱۰</sup> یاد  
ز سرما<sup>۱۳</sup> همی لب بهم برفرد<sup>۱۳</sup>  
کشید از بر کوه و در<sup>۱۴</sup> برف نخ<sup>۱۶</sup>  
به یک هفته کس روی هامون<sup>۱۷</sup> ندید  
تو گفتی که روی زمین سنگ شد  
همی اسپ جنگی بگشت و بخورد  
یکی را نَبُد خِنگِ جنگی به پای<sup>۱۸</sup>  
جهان شد سراسر<sup>۱۹</sup> چو دریای آب  
سَخُن<sup>۲۰</sup> رفت چندی ز روز نبرد  
سزد گر برانیم ازین رزمگاه<sup>۲۱</sup>  
کلات و<sup>۲۲</sup> سپدکوه<sup>۲۳</sup> گُرد<sup>۲۴</sup> کاسرود<sup>۲۵</sup>  
که این بر سپهبد نماند<sup>۲۶</sup> نَهفت  
همی رزمِ پورِ سیاوش کنی

۱- ل، ق: از آن؛ متن = ف، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۲- ل، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup> (نیز لن-ب): کاسه رود؛ بندازی: کاسرود؛ متن = ف ۳- س: نه خورشید  
بینیم روشن نه ماه (= ۵۸۰ ب) ۴- ق: این ۵- ل، ق: ز ایران؛ س، ل، آ: کز ایران؛ س: گریزان؛ متن = ف ۶- س: بینند  
۷- س: زمین شد بکین سیاوش سپاه (= ۵۷۷ ب) ۸- ل: وزین روی؛ ل، آ، س: وزانپس؛ متن = ف، س، ق ۹- ل: ز؛ س: به؛ متن = ف، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۱۰- ل، س: رزم؛ متن = ف، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۱۱- س: تند ابر اندرآمد؛ ل، آ، س: تند ابری برآمد؛ متن =  
ف، ل ۱۲- س، ل، آ، س: سردی؛ متن = ف، ل ۱۳- ل: بدندان فسرده؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، پ-ب)؛ ق این بیت را  
قدارد ۱۴- ق: بست ۱۵- ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، پ، ل، آ، س): کوه بر؛ (ق، ب: کوه در)؛ متن = ف (نیز و) ۱۶- ق، س: یخ  
(پساوند ندارند) ۱۷- ف: گیتی؛ متن = ف-س<sup>۲</sup> (نیز لن-ب)؛ در ل لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۸- ل: چنگ و  
بازوی بجای؛ س، ق (نیز لن-آ، ب): چنگ (ق، ق: اسب؛ پ: خنگ) جنگی بجای (آ: بیای)؛ متن = ف، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۱۹- ل: بهفتم  
۲۰- س: بکردار ۲۱- ل: همی ۲۲- س، ق: همی ۲۳- س: تبه شد ز تنگی سپاه ۲۴- ق: از ایدر  
سپاه ۲۵- ل: [و]؛ ق: کلا و؛ ل: کلاب و ۲۶- ف، ل، س، ق، ل، آ: (نیز ق، ل، پ، آ): سبدکوه؛ (لن، ل، آ: ب: سبدکوه)؛ متن =  
س<sup>۱</sup> (نیز ل، و) ۲۷- ف: یا؛ س، ق (نیز لن، ق، ل، آ، س، ل، آ، ب): تا؛ ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز پ، و): با؛ متن = ل ۲۸- ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-آ، ب):  
کاسه رود؛ متن = ف، ل، آ ۲۹- ق: به ۳۰- ق: نباشد؛ (لن، پ، لن: نشاید)؛ ل: از سپهبد نشاید؛ س: کار بر ما نشاید؛ ل، س:  
که کین سپهبد نشاید؛ متن = ف (نیز ل، و آ)

- ۵۹۵ مکن کژ تو بر خیره پرگار راست<sup>۱</sup>  
هنوز<sup>۲</sup> از بدی تا چه آیدت<sup>۳</sup> پیش  
سپهد چُنین گفت کاذرگشپ  
نه بر بی گنه گشته آمد فرود  
به لشکر نگه کن که چون ریویز  
۶۰۰ مرا جام ازو پر می و شیر بود  
کنون از گذشته نیارم یاد  
چو خلعت سِتد گیو و بیژن<sup>۱۲</sup> ز شاه  
کنونست هنگام آن سوختن  
گشاده شود راه<sup>۱۵</sup> لشکر مگر  
بدو گفت گیو: این سَخُن رنج نیست  
۶۰۵ غمی<sup>۱۱</sup> گشت بیژن بدین داستان  
مرا با جوانی بیاید<sup>۲۱</sup> نشست  
به رنج و به سختی پیوردم  
مرا بر باید بدین<sup>۲۴</sup> رنج<sup>۲۵</sup> دست  
بدو گفت: آنکه که<sup>۲۶</sup> من ساختم  
۶۱۰ هنوز<sup>۲۹</sup> ای پر گاه آرایشست  
ازین<sup>۳۱</sup> رفتن من مدار ایچ غم
- به بک جان نگه کن که چندی بکاست<sup>۲</sup>  
به چرم اندرست این زمان گاومیش  
نبد نامورتر ز جنگی زرسپ<sup>۴</sup>  
نبنشته<sup>۶</sup> چُنین بود<sup>۷</sup>، بود آنچ<sup>۸</sup> بود  
که بینی<sup>۹</sup> به مردی و دیدار نیز؟  
جوان را ز<sup>۱۱</sup> بالا سَخُن تیر بود  
به بیداد شد گشته او گرا<sup>۱۱</sup> به داد  
که آن کوه هیزم بسوزد به<sup>۱۳</sup> راه،  
به<sup>۱۴</sup> آتش سپهری برافروختن  
بیاشد<sup>۱۶</sup> سپه را بروبر گذر<sup>۱۷</sup>  
اگر<sup>۱۸</sup> هست، هم رنج بی گنج نیست  
نباشم بدین<sup>۲۰</sup> - گفت - همدستان  
به پیری<sup>۲۲</sup> کمر<sup>۲۳</sup> بر میان تو بست  
به گفتار هرگز نیازردم  
نشاید تو با رنج و من با نشست  
بدین<sup>۲۷</sup> کار گردن برافراختم<sup>۲۸</sup>  
نه هنگام پیری و بخشایش<sup>۳۰</sup> است  
که من کوه خارا بوزم به دم

۱- ل (نیزق): مکن کژ ابر خیره بر رزمگاه (ق: بر کار راست)؛ ل، س (نیزل، آ): مکن هیچ بر خیره بر کار (آ: پرگار) راست؛ (ن، ب، ل): مکن گفتمت کین چنین نیست راست؛ ب: مگرد ایچ خیره تو از راه راست؛ متن = ف، س (پرگار)، ق (نیزل، و) ۲- ل: بیکجا تبه گشت چندین سپاه؛ س، ق (نیزل، ب، ل، آ): نگه کن کزین کار چندی (س، ل، ن: چندین) بکاست؛ ل، س (نیزق، ل، و، آ): بیکجا نگه کن که چندین (آ: چندی) بکاست (س، ل، آ: بلاست)؛ متن = ف (نیزل، ب) ۳- ل، س: کنون ۴- ق: آید به ۵- در ل، س آیت های ۵۹۷- ۶۰۰ درهم ریخته اند: ۵۹۹، ۶۰۰، ۵۹۸، ۶- ل، س: نوشته: متن = ف، ق، ل، س ۷- س، ق، ل، س: بود و: متن = ف، ل ۸- ق، ل: آنچه: درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۹- س: نبینی ۱۰- ل: براد (راز؟ زاد؟) ۱۱- ف: گراو: ق: او یا: متن = ل، س، ل، س ۱۲- س: گیو جنگی ۱۳- س، ق: ز ۱۴- س: بر: درل، س آیت بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵- س: کاه ۱۶- س، س: نباشد: درل حرف های یکم و دوم نقطه ندارند و در ف، ق تنها یک نقطه در زیر دارد ۱۷- س، ق: برورده گذر: ل، س: بره بر گذر: متن = ف، ل ۱۸- ل، ق، ل، س: وگر: متن = ف، س ۱۹- س: غمین ۲۰- ل: بدو: ق: برین: متن = ف، س، ل، س ۲۱- درل حرف های یکم و دوم نقطه ندارند ۲۲- س: برما: ل، س: سختی: متن = ف، ل، ق ۲۳- ل: کمان ۲۴- ل: برین ۲۵- ل، ل، س: کار: متن = ف، س، ق ۲۶- ل (نیزو): گیو آنک: س (نیزل، ق): گیو آنچ: ق، ل، س: گیو اینک: (ل، ب: گیو آنچه): متن = ف ۲۷- س: برین ۲۸- ل: من افراختم ۲۹- ل، ل، س: کنون: متن = ف، س، ق ۳۰- (ب، و: آسایش): متن = ف- س (نیز هفت دستوبس دیگر) ۳۱- س: برین: ق، ل، س: بدین: متن = ف، ل

به سختی گذشت<sup>۱</sup> از بر<sup>۲</sup> کاس رود<sup>۳</sup> ۶۱۵  
 چُن آمد بدان<sup>۷</sup> کوه هیزم فراز  
 ز پیکان تیر<sup>۹</sup> آتشی برفروخت  
 سه هفته بر آتش<sup>۱۱</sup> گذرشان نبود  
 چهارم سپه برگذشتن<sup>۱۴</sup> گرفت  
 سپهبد چو لشکر برو<sup>۱۷</sup> گرد شد  
 سپاه اندر آمد<sup>۲۰</sup> چنان چون سزد  
 چنان چون بیایست بر ساختند  
 ۶۲۰  
 گروگرد<sup>۲۲</sup> بودی نشست تراو  
 قسیله<sup>۲۳</sup> بدان جایگه داشتی  
 خبر شد که آمد از<sup>۲۵</sup> ایران سپاه  
 فرستاد گردی هم اندر شتاب  
 کبوده<sup>۲۸</sup> بدش نام و شایسته بود  
 ۶۲۵  
 بدو گفت: چون تیره گردد سپهر  
 نگه کن که چندست از<sup>۳۰</sup> ایران سپاه  
 از<sup>۳۳</sup> ایدر بریشان شبیخون کنیم

جهان را یخ و<sup>۴</sup> برف بُد تاروپود<sup>۵</sup>  
 ندانست پهنا و بالاش باز<sup>۸</sup>  
 به کوه اندرافکند و<sup>۱۰</sup> هیزم بسوخت  
 ز تقی<sup>۱۲</sup> زبانه، هم از باد و دود<sup>۱۳</sup>  
 همان آب و<sup>۱۵</sup> آتش بگشتن<sup>۱۶</sup> گرفت  
 از آتش<sup>۱۸</sup> به راه گروگرد<sup>۱۹</sup> شد  
 همه کوه<sup>۲۱</sup> و هامون سراپرده زد  
 ز هر سو طلایه برون تاختند  
 سواری که بودیش با شیر تاو  
 جهان<sup>۲۴</sup> کوه تا کوه بگذاشتی  
 گله برد باید به یکسو ز<sup>۲۶</sup> راه  
 بنزدیک چوبان<sup>۲۷</sup> افراسیاب  
 به شایستگی نیز بایسته بود  
 تو زاید بر و تیز و<sup>۲۹</sup> منمای چهر  
 ز گردان<sup>۳۱</sup> که دارد درفش و کلاه<sup>۳۲</sup>  
 همه کوه در جنگ<sup>۳۴</sup> هامون کنیم

۱- ل، س؛ برف: برفت ۲- ل، س؛ (نیز لن، لی، پ-ب): از در؛ متن = ف (نیز ق، ل، آ) ۳- ل، س، ق (نیز لن-ب): کاسه رود؛ متن = ف، ل، س؛ ۴- س، ل؛ راه؛ متن = ۵- ل: جهان را همه رنج برف آب بود؛ متن = ف، ق، س؛ ۶- ل؛ (نیز نه دستنویس دیگر) ۷- ف-ل؛ چو؛ متن = س؛ ۸- ل: بالا و پهنانش باز؛ ق: بالا و پیش باز؛ س: بدانست بالا و شیب و فراز؛ ل، س؛ ۹- ل؛ ندانست بالای پهن و دراز؛ متن = ف ۱۰- ل؛ س، ق؛ یکی؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۱۱- ل؛ بنداری؛ فرمی فیه النار ۱۲- ل؛ س، ق؛ ز تقی و؛ متن = ۱۳- ل، ق، ل، س؛ ز باد و زدود؛ [و] ۱۴- ل؛ س؛ آتش سه هفته؛ متن = ف ۱۵- ق: چنان کوه؛ ل: همان اسب و ۱۶- ل (نیز ل): نشستن؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ (نیز ق، لی، و، آ، ب) ۱۷- ق: بدو ۱۸- ل (نیز پ، ب): ز آتش؛ س (نیز ق): ز لشکر؛ ل، س؛ ۱۹- ل؛ س، ل، س؛ و روگرد؛ ل: بروگرد؛ بنداری؛ جیوگرد؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، لی، پ، و، لن، ب) ۲۰- ق: سپاه سپهبد ۲۱- س، ل، س؛ غار ۲۲- س، ل، س؛ (نیز لن، پ، و): و روگرد؛ ل: بروگرد؛ لن؛ و روگرد؛ بنداری؛ جیو گرد؛ متن = ف، ل، ق (نیز ق، لی، آ)؛ در ل این بیت و بیت سپسین در کناره آمده اند ۲۳- ل، س؛ گله را ۲۴- ق: چنان؛ در ف (نیز و) بیت های ۶۱۱-۶۲۲ درهم ریخته اند: ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۱۹، ۶۲۰؛ پیاپی بیت های متن = س، ق، ل، س؛ (نیز ق، لی، ل، پ، لن، ب) که با ترجمه بنداری نیز میخواند: فعبطوس بالعساكر اخذوا في طريق جيو كرد. ولما انتهى اليها نزل عليها، وخيم في صحرائها، وفرق الطلائع حوالها. و كان صاحب جيو كرد اميرا من الأتراك يسمي ثراو. فلما بلغه الخبر بإقبال عساكر إيران... ۲۵- ل، ق، ل، س؛ ز؛ متن = ف، س ۲۶- س، ل، س؛ (نیز ل، و): زیکسوبه (؟)؛ متن = ل، ق، ل؛ (نیز ق، ل، پ، لن، ب) ۲۷- ف-س؛ (نیز لن-ل، و-ب): چوبان؛ متن = (پ)؛ در س پس از این بیت، بیت های ۶۲۲ و ۶۲۳ دوباره آمده اند ۲۸- ل؛ که ویژه ۲۹- ل-س؛ (نیز لن-ل، لن، ب): هیچ؛ متن = ف (نیز و) ۳۰- ل: ز ۳۱- ق: بین تا ۳۲- ف: سپاه (پساوند ندارد)؛ متن = ل، ق، ل، س؛ (نیز لن، لی، ب)؛ س این بیت را ندارد ۳۳- س، ق؛ کز؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۳۴- ل، س؛ چو غار و؛ س: همه جنگ در غار و؛ متن = ف، ل، ق

- کبوده<sup>۱</sup> بیامد چو گردی<sup>۲</sup> سیاه  
 ۶۳۰ طلایه شب تیره بهرام بود  
 برآورد اسپ کبوده<sup>۴</sup> خروش  
 کمان را به زه کرد و بفشارد ران  
 یکی تیر بگشاد و نگشاد لب  
 بزد بر کمر بند چوبان<sup>۱۰</sup> شاه  
 از<sup>۱۲</sup> اسپ اندرافتاد و زنهار خواست  
 ۶۳۵ که ایدر فرستنده‌ی تو که بود؟  
 به بهرام گفت: ار دهی زینهار  
 تراوست شاها<sup>۱۷</sup> فرستنده‌ام  
 مگش مرا تا غایت راه  
 بدو گفت بهرام: با من تراو  
 ۶۴۰ به خنجر سرش را<sup>۲۱</sup> برید پست  
 به لشکرگه آورد و بفگند خوار  
 برآمد خروش خروس و<sup>۲۳</sup> چکاو<sup>۲۴</sup>  
 غمی شد سر<sup>۲۸</sup> مرد پرخاشجوی  
 سپاهی که بودند با او<sup>۳۰</sup> بخواند  
 ۶۴۵
- شب تیره نزدیک<sup>۳</sup> ایرانسپاه  
 کمنش سر پیل را دام بود  
 ز لشکر برافروخت بهرام گوش  
 برآمد<sup>۶</sup> ز جای<sup>۷</sup> آن هیون گران  
 کبوده<sup>۸</sup> نبود ایچ<sup>۹</sup> بیدار شب  
 همی گشت رنگ کبوده<sup>۱۱</sup> سیاه  
 بدو گفت بهرام: برگوی راست،  
 که را خواستی زین<sup>۱۳</sup> دلیران<sup>۱۴</sup> بسود<sup>۱۵</sup>؟  
 بگوء ترا هر چه<sup>۱۶</sup> پرسی ز کار  
 بنزدیک او من پرستنده‌ام<sup>۱۸</sup>  
 به جایی که او دارد آرامگاه<sup>۱۹</sup>  
 چو با شیر درنده<sup>۲۰</sup> پیگار گاو  
 به فتراک زین کیانی بیست  
 نه نام‌آوری بُد<sup>۲۲</sup>، نه گردی سوار  
 کبوده<sup>۲۵</sup> نیامد همی با<sup>۲۶</sup> تراو<sup>۲۷</sup>  
 بدانست کو را بد آمد<sup>۲۹</sup> به روی  
 و ز آنجایگه تیز لشکر براند

۱- ل: کبوده ۲- ل (نیزق، و، ب): گرد؛ س، ق، ل، س (نیزلن): دیوی: (ب: دیو): متن = ف (نیزل، آ)  
 ۳- س: به کار آگهی شده ۴- ل: کویژه ۵- س: بفشرد ۶- ل: در آمد ۷- ل، ل، ق: جا؛ متن = ف، س، س، س ۸- ل: کویژه ۹- س، ف: نبدهیچ: متن = ف، ل، ل، ل، س ۱۰- ف- س (نیزلن- ل، ل، ل، ل، ب): چوبان: متن = (ب، و) ۱۱- ل: کبودش: ل: کویژه ۱۲- ف، ل، ل، ل، س: زه: متن = س، ق ۱۳- ق: از ۱۴- ل: بزرگان ۱۵- س: ریبود ۱۶- ل، س: هیچ: س: تاچه: متن = ف، ل، ل ۱۷- س، ق (نیزلن، ب، ل، ل): شاه و: متن = ف، ل، ل، ل، س (نیزش دستنویس دیگر) ۱۸- ق: یکی بننده‌ام ۱۹- ل، ل، س: که وی دارد آیین و گاه ۲۰- ل، ل، س: چوشیر درنده به ۲۱- ل- س (نیزلن، ق، ل، ل، ب، ل، ل، ب): سرش را به خنجر: متن = ف (نیزق، آ) ۲۲- ل، ل، س: و ۲۳- س: [و]: ل: از خروس و ۲۴- ف- س (نیزلن- ب): چکاو ۲۵- ل: کویژه ۲۶- ل- س (نیزلن- ل، ل، ب): بنزد: متن = ف ۲۷- بنداری: تراو: در ف برخی جاها و در ل، ل بیشتر جاها این نام چنانکه در بنداری آمده است تراو نوشته شده است که میتوان آنرا تراو، تراویا تراو خوانند؛ در ل بیت های ۶۴۳- ۶۴۶ در همه نسخه‌ها: ۶۴۴، ۶۴۳، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۸- ل، ق: دل: متن = ف، ل، ل، س ۲۹- ل، ل، س: کامد و را بد: س این بیت را ندارد ۳۰- ل: وی

گفتار اندر آمدن تژاو به جنگ ایرانیان<sup>۱</sup>

چو خورشید برزد ز گردون درفش  
تژاو سپهبد بشد با سپاه  
که آمد ز توران سپاهی<sup>۲</sup> به جنگ  
ز گردنکشان پیش او رفت گیو  
برآشفت و نامش پرسید ازوی<sup>۳</sup>  
بدین مایه مردم به جنگ آمدی؟  
چنین داد پاسخ تژاو دلیر<sup>۴</sup>  
تژادم به گوهر از<sup>۱۱</sup> ایران بدهست  
کنون مرزبانم بدین جایگاه<sup>۱۴</sup>  
بدو گفت کین راز با کس<sup>۱۵</sup> مگوی  
از ایران به توران که جوید<sup>۱۶</sup> نشست؟  
اگر<sup>۱۸</sup> مرزبانی و داماد شاه  
بدین مایه لشکر تو تندی مجوی  
کزین<sup>۲۱</sup> پُره‌رنامدار<sup>۲۲</sup> دلیر  
گر ایدونک فرمان کنی با سپاه  
کنون پیش طوس سپهبد شوی

۶۵۰  
۶۵۵  
۶۶۰

دم شب شد از خنجر او بنفش،  
به ایران خروش آمد از دیدگاه<sup>۲</sup>  
سپهبد نهنگی درفشی به جنگ<sup>۴</sup>  
تنی چند با او ز گردان نیو  
چنین گفت کای مرد<sup>۶</sup> پرخاشجوی<sup>۷</sup>،  
همانا به کام<sup>۸</sup> نهنگ آمدی  
که من زور دل دارم و چنگ شیر<sup>۱۰</sup>  
ز گردان و از<sup>۱۲</sup> تخم<sup>۱۳</sup> شیران بدهست  
نگین بزرگان و داماد شاه  
که تیره شود زین سخن آب روی  
مگر خوردنش خون بود<sup>۱۷</sup> گر کبست  
چرا بیشتر زین نداری سپاه؟  
به تیزی<sup>۱۹</sup> به<sup>۲۰</sup> پیش دلیران مپوی  
سر مرزبان اندرآید<sup>۲۳</sup> به زیر  
به ایران خرامی بنزدیک شاه<sup>۲۴</sup>،  
بگویی و گفتار او بشنوی<sup>۲۵</sup>

۱- ف: گفتار اندر آمدن تژاو به جنگ ایرانیان و پسند دادن گیو او را و جنگ کردن با او و آوردن تاج با کبیزک: ل: رزم گویا تژاو: ق: (جند بست بالا تر):  
گفتار در احوال تژاو با ایرانیان: متن = آغاز ف ۲- ل. ق. ل. ه. س: دیده گاه: س: این بیت را ندارد ۳- ل: سپاهی ز ترکان: ق: که ایدر سپاهی  
بیامده: متن = ف. س. ل. ه. س ۴- ل: (نیزو): درفشی پلنگ: ف: سپهبد درفشی نهنگی پلنگ (!): ل. ه. س: سپهبد پلنگی درفشی به جنگ (ل):  
نهنگ): متن = س. ق: (نیز ل. ب. ل. ه. ب) ۵- ل: زوی: ق: ازو ۶- س: گرد ۷- ق: پرخاشجو ۸- ل: (نیز ل. و. آ. ب): زهانمون  
بکام: س: (نیز ق): زهانمون بچنگ: ق. ل. ه. س: خرامان بچنگ: (ل. ب. ل. ه. س): گران بچنگ (ل. ب. چنگ): متن = ف ۹- ل: پاسخ چنین گفت  
کای زامدار: متن ← ۱۰- ل: بیستی کنون رزم شیرموز: متن = ف. س. ق. ل. ه. س: پس از این بیت افزوده است:  
بگویی نژاوست نام مرا  
بمردم برآرند کام مرا  
۱۱- ق: ز ل. ه. س: بز گوهریه: متن = ف. ل. ه. س ۱۲- ف. ل. ق. ل. ه. س: وز: متن = س ۱۳- ل: پشت: متن = ف. س. ق. ل. ه.  
س ۱۴- ل. ه. س: (نیز ل. آ): تخت و گاه: ق. ل. ه. س: (نیز ق. ب. و. ل. ه): تختگاه: (ق: مرزو گاه: ل: مرزگاه): متن = ف: (نیز ب): بنداری: و آن  
اصلی کان من ایران غیر آنی الیوم مرزبان هذا الإقليم ۱۵- ل. ق: (نیز ل. ب. و. ل. ه): گیو این که گفتی: (ق: این را که گفتی): متن = ف. ل. ه. س: (نیز  
ل. ل. و. آ): بنداری: فقال له جیو: لا تبیح پیدا: س: بیست های ۶۵۵-۶۵۷ را ندارد ۱۶- ل: (نیز ل): دارد: متن = ف. ق. ل. ه. س: (نیز هشت  
دستوبیس دیگر) ۱۷- ف. ل. ه. س: (نیز ل. ب): بیای: ق: بیای: متن = ل ۱۸- ل. ه. س: بوگر ۱۹- ل: تندای: متن = ف. س. ق. ل. ه.  
س ۲۰- ف: تو: متن = ل- س ۲۱- ل. س. ق: که این: متن = ف. ل. ه. س ۲۲- س: نامور بیلوان ۲۳- ل: (نیز ل): اندر آرد: ل. ه.  
س: (نیز ق): اندر آری: س: (نیز ل. ب. و. ل. ه): مرزبانان در آرد: ق: مرزبانان اندر آرد (وزن ندارد): (و. ب: مرزبانی در آری): متن = ف: (نیز ل.  
آ) ۲۴- س: بیست های ۶۶۰-۶۶۲ را ندارد ۲۵- ق: بگویی بگفتار او بگویی: در ق: این بیت بابیت سپین پس ویش شده است

ستانت ازوا خِلمت و خواسته  
 ندیده‌ست کس ترک آزادمرد  
 تژاو فریبنده گفت: ای دلیر  
 مرا نیز ایدر؟ نگین‌ست و گاه  
 همان مرز و شاه‌ی چُن<sup>۷</sup> افراسیاب  
 پرستار با مادیان و<sup>۹</sup> گله  
 تو این اندکی لشکر من مبین  
 من امروز با این<sup>۱۲</sup> سپاه<sup>۱۳</sup> آن کم

۶۶۵  
 چُنین گفت بیژن به فترخ‌پدر  
 سرافراز و<sup>۱۶</sup> بیداردل پهلوان  
 ترا با تژاو این همه پند چیست؟  
 همی<sup>۲۰</sup> گرز و خنجر بیاید کشید  
 برانگیخت اسپ و برآمد خروش  
 یکی گرد تیره<sup>۲۳</sup> از میان بردمید  
 جهان شد چو از باد<sup>۲۵</sup> بهمن سیاه  
 به قلب سپاه اندرون گیو گرد  
 به پیش اندرون بیژن تیزچنگ

پرستنده و اسپ آراسته  
 چه گویی بدین<sup>۲</sup> روز ننگ و نبرد<sup>۳</sup>  
 درفش مرا کس نیارد به زیر  
 هم اسپ‌ست و هم گوسپند<sup>۵</sup> و سپاه  
 به ایران کس این را<sup>۸</sup> نبیند به خواب  
 به دشت گروگرد<sup>۱۰</sup> کرده یله  
 مرا جوی<sup>۱۱</sup> با گرز بر پشت زین  
 کزین<sup>۱۴</sup> آمدنتان<sup>۱۵</sup> پشیمان کم

که ای نامورگرد پرخاشخر،  
 به پیری نه آتی<sup>۱۷</sup> که بودی جوان  
 به ترکی بر<sup>۱۸</sup> این مهر<sup>۱۹</sup> و پیوند چیست؟  
 دل و مغز ایشان بیاید درید<sup>۲۱</sup>  
 نهادند گوپال<sup>۲۲</sup> و خنجر به دوش  
 برآسان<sup>۲۴</sup> که خورشید شد ناپدید  
 ستاره ندیدند روشن، نه ماه  
 همی از هوا<sup>۲۶</sup> روشنایی ببرد  
 که هرگز نکردی به کاری درنگ<sup>۲۷</sup>

۱- ف، ل، ق، زو؛ متن = ل، س، ۲- س، ل، س، ۳ (نیزو)؛ چه گویی کم؛ ق (نیزب)؛ گراینده؛ (لن، ل، آ، ب، ل، ن)؛ چه گویم کنون؛ ل؛  
 چه گویم کم؛ آ؛ نگویی کم)؛ متن = ف؛ ل این بیت را ندارد ۳- ل؛ روزگار نبرد ۴- ل، س، ۵ (نیزلن- لن، آ، ب)؛ مرا ایدر کنون؛  
 (و؛ مرا اندر ایدر)؛ متن = ف ۵- ل؛ پرستنده و گنج و تاج؛ س، ق، ل، س، ۶ (نیزلن، ل- ب)؛ همان اسپ و هم گوسفند (س، ق، ل، ل، لن،  
 ب؛ گوسپند)؛ (ق؛ هم از اسپ و هم گوسفند)؛ متن = ف پس از تصحیح گوسفند به گوسپند ۶- ل، س، ۷ [و]؛ س، ق؛ همان نیز؛ متن =  
 ف، ل ۷- ف- ق؛ چو؛ متن = ل، س، ۸- س، ق (نیزلن، ب)؛ کسی این؛ ل، ل، س، ۹ (نیزلی، و، آ، ب)؛ کس این (ل؛ کسی) را  
 به (ل؛ ز) ایران؛ متن = ف ۹- ل، ل، ل، س، ۱۰ (س؛ از) مادیان؛ س، ق (نیزلن، ب، ل، ن)؛ وز باد پاییان؛ (ل، آ؛ وز چار پاییان؛ ل، و،  
 ب؛ و از مادیان و)؛ متن = ف (نیزق) ۱۰- ف؛ کسو کرد؛ س، ل، س، ۱۱ (نیزلن، ب)؛ ورو کرد؛ (ل؛ بروجرد؛ لن؛ ورو کرد)؛ متن = ل،  
 ق (نیزق، ل، و، آ، ب) ۱۱- س، ق، ل، س، ۱۲ (نیزلن، ق، آ، ب، ل، ن)؛ بین تو؛ (ل، آ؛ بین ابا)؛ متن = ف، ل (نیزو، ب)؛ بنداری؛ لا تنظر  
 الی قلة هذا العسکر، وانظر الی فتکات جرزی اذا استویت علی ظهر فرسی ۱۲- ل؛ آن ۱۳- س، ق، س؛ سپه؛ متن = ف، ل،  
 ل ۱۴- ق؛ که از ۱۵- ل؛ آمدنتان ۱۶- ق؛ [و]؛ ل، س، ۱۷- س؛ توتیزی نمودی ۱۸- س؛ بدوبر؛ ق؛  
 بروبر؛ متن = ف، ل، ل، س، ۱۹- ل، س، ق؛ چنین مهر؛ ل، س، ۲۰- س، ق؛ یکی؛ متن = ف، ل، ل، ل،  
 س ۲۱- س؛ برید؛ ق در اینجا سرنویس دارد؛ محاربت تژاو با ایرانیان و گریختن او از بیژن گیو ۲۲- ف- س، ۲۳ (نیزلن، ق، آ، ل، ل، ل،  
 ب)؛ کوبال؛ (پ، و، لن، آ؛ کوبال) ۲۳- ل- س، ۲۴ (نیزلن- ب)؛ تیره گرد؛ متن = ف (ه- هتکاک، بیت ۱۰) ۲۴- ل، ل، ق؛  
 بدانسان؛ متن = ف، س، ل، س، ۲۵- ل؛ چوانار (حرف دوم واژه دوم نقطه ندارد)؛ ل، س، ۲۶ (نیزلی، و، آ)؛ چوآبان و؛ (ب؛ چوانان و)؛  
 س، ق (نیزلن، ق، آ، ب، ل، ن)؛ جهان گشت چون ابر؛ متن = ف ۲۶- ل؛ جهان ۲۷- ل؛ همی بزمگاه آمدش جای جنگ؛ متن = ف،  
 س، ق، ل، س



<p>که بودیش با شیر درنده تاو          که هرگز نبدشان دل<sup>۳</sup> از جنگ<sup>۴</sup> سیر<sup>۵</sup>          که ارتنگ<sup>۶</sup> سیر آمد از کارزار          سر<sup>۷</sup> بخت آن کینه ور گشته<sup>۸</sup> شد          پش بیژن نامبردار<sup>۹</sup> شیر          تو<sup>۱۰</sup> گفتی که غرنده شیری ست<sup>۱۱</sup> مست          نماند آن زمان با<sup>۱۲</sup> تراو ایچ تاو          پیچید و نگشاد بند گره<sup>۱۳</sup>          چو بر کوه بر غم<sup>۱۴</sup> یازد پلنگ          ربود آن گرانمایه تاج تراو،          نبودی جدا زو<sup>۱۵</sup> به خواب و به یاد<sup>۱۶</sup>          پس اندزش بیژن چو آذرگشپ          بیامد خروشان پُر از<sup>۱۷</sup> آب روی          بدین<sup>۱۸</sup> دز مرا خوار بگذاشتی</p>	<p>وژان روی بُدا تاج بر سر تراو          ۶۸۰ یلانش چو ارتنگ و مردوی<sup>۱</sup> شیر          بسی برنیامد برین<sup>۲</sup> روزگار          دو<sup>۳</sup> بهره ز توران سپه کشته شد          همی شد گریزان تراو<sup>۴</sup> دلیر          خروشان و جوشان و نیزه به دست          ۶۸۵ یکی نیزه زد بر میان تراو          گراینده بُد بند رومی زره<sup>۵</sup>          بیفگند نیزه<sup>۶</sup> بیازید چنگ          برآسان<sup>۷</sup> که شاهین<sup>۸</sup> رباید چکاو<sup>۹</sup>          که افراسیابش به سر بر نهاد          ۶۹۰ چُنین تا در دز همی تاخت اسپ          چو نزدیکی دز رسید، اسپنوی<sup>۱۰</sup>          که بس خود چُنین روی<sup>۱۱</sup> برگاشتی</p>
---	---

۱- ق: [بد] (وزن ندارد)؛ ل: وزان سوی با؛ س: بیامد ابا؛ ل، ا، س: بران روی با؛ متن = ف ۲- ل: همه نیک مردان و؛ س، ق: (نیز لن-آ، ب): چو ارژنگ و مردوی (س: شیروی؛ ق: مردان؛ ق: گردوی؛ ل، آ، ا، س: مردی چو)؛ متن = ف، ل، ا، س ۳- ل: نشدشان دل؛ س: نبودندی؛ ق: نبودند؛ متن = ف، ل، ا، س: (نیز ق، و) ۴- ل: رزم ۵- س: پش بیژن نامبردار شیر (= ۶۸۳ ب) ۶- س: بدین ۷- ل: که آن ترک؛ س، ق: (نیز لن-آ، ب): که ارژنگ؛ متن = ف، ل، ا، س: در س: بیت های ۶۸۱-۶۸۳ پس از بیت ۶۸۶ آمده اند ۸- ف، ل، ق، ل، ا، س: (نیز ل، و، آ): سه (؟)؛ متن = س: (نیز لن، ق، ل، ب، ل، ا، ب): بنداری؛ قتل فیہ اکثر أصحاب تراو ۹- ل: سرو ۱۰- ل: ترک برگشته؛ ل، ا، س: نامور گشته؛ ق: کینه جو گشته؛ متن = ف، س: (نیز ق، ل، ب، و، آ) ۱۱- ل، ا، سوار ۱۲- ل: بیژن گیو برسان؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س: ۱۳- س، س، ا، س: که؛ متن = ف، ل، ق، ل، ا، س: ۱۱- ف: شد شیر؛ ل، ل، ا، س: (نیز ل، و، آ): شیرست؛ (ق: ییلست)؛ متن = س، ق: (نیز لن، ل، ب، ل، ا، ب) ۱۵- س: (نیز لن، ل، ا، ب): نماند از تنش با (در س، لن حرف یکم واژه سوم نقطه ندارد)؛ ل، ا، س: نماند آنچه توش؛ متن = ف، ل، ق: (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ل، ا، س: در اینجا سرنویس دارد: نبرد بیژن با تراو و آوردن اسپنوی و تاج تراو ۱۶- س، ق: تنگ (س: تنگ و) بر بر گره؛ ل، ا، س: مرد و سنگی (س: تنگی) زره؛ (ق، و، ب: مرد رومی زره)؛ ف: گرازیده شد مرد رومی زره؛ متن = ل (نیز ل، ب، آ) ۱۷- ف، س، ق، ل، ا، س: (نیز ق، ل، ب، و، آ، ب): بجنید (ف: بجنید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ق، ل، ب، ل، ا، بجنید؛ س، و، ب: بجنید؛ ل، آ: بجنید) و بگشاد (س: نگشاد) بند گره (س، ق: رومی زره)؛ متن = ل (حرف یکم واژه سوم نقطه ندارد)؛ ق پس از این بیت افزوده است:

تراو دلاور برانگیخت اسپ پش تاخت بیژن چو آذرگشپ

۱۸- س: شکفتید بیژن ۱۹- ف: بر غم بر کوه؛ س: در کوه بر غم؛ متن = ل، ق، ل، ا، س: ۲۰- ل، س: بدانسان؛ متن = ف، س، ق، ل ۲۱- ف: گندم (؟)؛ س، ق: (نیز لن، ق، ل، ا، ل، ب): کرکس (؟)؛ متن = ل، ل، ا، س: (نیز ل، آ) ۲۲- ف: س: (نیز لن-ب): چکاو ۲۳- ل، ا، س: جز از وی ۲۴- ل، س، ق: بخورد و بداد؛ متن = ف، ل، ا، س: ۲۵- ف: س: (نیز لن-آ): اسپنوی؛ متن = (ب) ۲۶- ل، ل، ا، س: خروشان (ل: خرامان) و پر ۲۷- س: پشت؛ ل: که از کین چنین پشت؛ س: (نیز ق، ل): که از من چنین روی؛ ق: (نیز لن، ل، ب، ل، ا، آ): که بر من چنین پشت؛ (ل: که تو خود چنین اسب؛ ب: بگفتش که خود روی)؛ متن = ف، ل، ا، س: (نیز و) ۲۸- ل، ا، س: برین

سَزْد گر ز پس برنشانی <sup>۱</sup> مرا	بدین <sup>۲</sup> ره <sup>۳</sup> به دشمن نمائی مرا
تژاو سرافراز را دل بسوخت	بکردار آتش رخس <sup>۴</sup> برفروخت
۶۹۵ فرافز اسپنوی <sup>۵</sup> و تژاو از نشیب	بدو داد در تاختن یک رکیب <sup>۶</sup>
همی تاخت چون باد <sup>۷</sup> با اسپنوی <sup>۸</sup>	سوی راه توران نهادند روی
زمانی دوید اسپ جنگی تژاو	نماند ایچ با مرد و با اسپ <sup>۹</sup> تاو
تژاو آن زمان با پرستنده <sup>۱۰</sup> گفت	که دشخوار <sup>۱۱</sup> کار آمد ای نیک جفت <sup>۱۲</sup>
فروماند <sup>۱۳</sup> این اسپ جنگی ز کار	پَسَم <sup>۱۴</sup> بدسیگال آمد و پیش غار
۷۰۰ اگر دور از ایدر به بیژن <sup>۱۵</sup> رسم	به کام بداندیش دشمن <sup>۱۶</sup> رسم
ترا نیست <sup>۱۷</sup> دشمن بیکبارگی	بمان تا برانم من این بارگی
فرود آمد از پشت اسپ <sup>۱۸</sup> اسپنوی <sup>۱۹</sup>	تژاو از غم او پُر از آب روی <sup>۲۰</sup>
براند اسپ و شد نزد افراسیاب	پسش بیژن اندر <sup>۲۱</sup> گرفته شتاب
چو دید آن رخ <sup>۲۲</sup> ماهروی <sup>۲۳</sup> اسپنوی <sup>۲۴</sup>	فروهشته از مُشک تا پای موی <sup>۲۵</sup> ،
۷۰۵ پس پشتِ خودش <sup>۲۶</sup> اندرش جای کرد	سوی لشکر پهلوان رای کرد

۱- س، ق: گر پس اندر نشانی؛ متن = ف، ل، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۲- ل، ل، س<sup>۲</sup>: برین ۳- ق، ل، ل، س<sup>۳</sup>: دز؛ متن = ف، ل، س ۴- ل، ل: دلش؛ ف (نیز ق<sup>۴</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

هانگه مر اورا پس اندر نشاند

وز انجایگه اسپ را نیز (ق<sup>۲</sup>: هم) براند

۵- ف-س<sup>۲</sup> (نیز لن-ل): اسپنوی؛ متن = (ب) ۶- س، س، س<sup>۶</sup>: رکاب (بساوند نداشتند)؛ ل، ل، ل، س<sup>۶</sup>: پس از این بیت افزوده اند:

ل: پس اندر نشاندش چو ماه دمان برآمد ز جا باره زبش دنان

ل، س<sup>۲</sup>: چو باد (س: پاک) اسپنوی از پیش برنشست بگرد میانش بر آورد دست (س: بر آورد در گرد گاهش دو دست)

۷- ل، ق، ل، ل، س<sup>۷</sup>: گرد؛ متن = ف، س ۸- ف-س<sup>۸</sup> (نیز لن-آ): اسپنوی؛ متن = (ب) ۹- ل: با اسپ و با مرد ۱۰- س، ق: پرستار؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۱۰</sup>

۱۱- ل-س<sup>۱۱</sup> (نیز لن، ق، ل، ل، پ-آ): دشوار؛ متن = ف (نیز ل، ب) ۱۲- ل: خوب جفت ۱۳-

س، س<sup>۱۳</sup>: فرود آمد ۱۴- ل، س، ق: ز پس؛ متن = ف، ل، س<sup>۱۴</sup>: در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵- ف:

رستم (!)؛ س: دشمن؛ متن = ل، ق، ل، ل، س<sup>۱۵</sup> ۱۶- س: بیژن ۱۷- س: بر اینست (ترا نیست) ۱۸- ف: پشت او؛ ل، س (نیز ق):

اسب او؛ متن = ق، ل، ل، س<sup>۱۶</sup> (نیز هشت دستویس دیگر) ۱۹- ف-س<sup>۱۹</sup> (نیز لن-آ): اسپنوی؛ متن = (ب) ۲۰- س، ل: فروهشته از

مشک تا پای موی (= ۷۰۴ ب)؛ ل، ق، ل، ل، س<sup>۱۷</sup> (نیز ق، پ، و، ب) پس از بیت ۷۰۲ افزوده اند:

سبک یار شد اسب و تندت گرفت

پش (ل: همان) بیژن گیو کندی گرفت

س پس از بیت ۷۰۲، س<sup>۱۸</sup> پس از بیت ۷۰۳، ق (نیز ل، ل، پ، لن، آ) پس از بیت ۷۰۴ افزوده اند:

رسید اندر آن جای (س: حال) بیژن فرافز (س: اندر و بیژن سرفراز)

گرفشش مر آن خوب رخ را به ناز

۲۱- س: پس اندر بیژن؛ ل، ل، این بیت را ندارند ۲۲- س: بمانده بر او ۲۳- س: ماخر ۲۴- ف-س<sup>۲۱</sup> (نیز لن-ب):

اسبنوی ۲۵- ف: تابان دو موی؛ (ل: تانار موی؛ ل: تابنده موی؛ آ: تا پاش موی)؛ ل (نیز پ): ز گلبرگ روی و پر از (پ: بد روی وز)

مشک موی؛ س: بیالا چو سرو و چو خورشید روی؛ متن = ق، ل، ل، س<sup>۲۲</sup> (نیز لن، ق، ل، لن، ب)؛ ل ۷۰۲ ب- ۷۰۴ آ را انداخته و از ۷۰۲ آ و

۷۰۴ ب یک بیت ساخته است ۲۶- س، ق، ل، ل، س<sup>۲۳</sup>: خویش؛ متن = ف، ل؛ س پس از این بیت افزوده است:

بمانده بر آن ماهروی اسپنوی فروهشته از مشک تا پای موی (= ۷۰۲ ب، ۷۰۴ پ)

به شادی بیامد<sup>۱</sup> به درگاه طوس  
 که بیداردل شیر و<sup>۲</sup> جنگی سوار  
 سپهدار و گردان<sup>۳</sup> پرخاشجوی  
 وزان پس<sup>۴</sup> برفتند سوی گله  
 گرفتند هر یک<sup>۵</sup> کمندی به چنگ  
 به خم اندرآمد سر بارگی  
 ۷۱۰

تزاو غمی با دو دیده پُرآب  
 چُنین گفت کامد سپهدارطوس  
 بلاشان<sup>۶</sup> و آن نامداران مرد  
 همه مرز و بوم آتش اندرزند  
 ۷۱۵  
 چو بشنید افراسیاب این<sup>۷</sup> سخن  
 به پیران ویسه چُنین گفت شاه  
 درنگ آمدت کار با<sup>۸</sup> کاهلی  
 نه دز ماند اکنون، نه اسپ<sup>۹</sup> و نه مرد<sup>۱۰</sup>  
 بسی خویش و پیوند ما برده گشت<sup>۱۱</sup>  
 ۷۲۰  
 کون نیست امروز روز<sup>۱۲</sup> درنگ

سپهدار<sup>۱۳</sup> پیران هم اندر شتاب  
 برون آمد از پیش افراسیاب

۱- س. ق: بیامد بشادی: متن = ف. ل. ل. س. ۱ - ۲- س: آواز: س: یکی لشکر آورد با پیل و: متن = ف. ل. ق. ل. ۳- ل. ل. س. ۴- س: [و]: س. ق: مرد: متن = ف. ل. ل. س. ۵- س: آشکار: س. ق: کارزار: متن = ف. ل. ل. س. ۶- س: سپهدار ترکان: س: سواران و گردان: متن = ف. ل. ق. ل. ۷- ل: از انیس: ق: وزان [پس] (وزن ندارد): ل. س: وزان دزه: متن = ف. س. ۸- ل: که بودند ۹- س. ق: س: دزه: متن = ف. ل. ل. ۱۰- س. ق: ل: توران: متن = ف. ل. س. ۱۱- ل. ل. س: هر کس ۱۲- ل: این بست را ندارد: ل پس از این بست افزوده است:

نشستند بر جایگاه تزاو سواران ایران پسر از خشم و تاو

۱۳- س: همی رفت تا نزد: ل. س: چو آمد بنزدیک: متن = ف. ل. ق. ۱۴- ل: ابا ۱۵- ل: و پیلان کوس: ق: با بوق و کوس: س. ل. س: لشکر آورد با بوق (ل. س: پیل) و کوس: متن = ف. ۱۶- ق: یلاشان: ب: پلاشان) ۱۷- ل: یکایک همه ۱۸- ل: آن ۱۹- س: [و] ۲۰- ل: بر چاره افکند: ق: اندیشه افکند: ل: افکند یک چاره: متن = ف. س. س. ۲۱- ل: رای از: ل. س: رای با: س. ق: آوردی تو از: متن = ف (نیز ق) ۲۲- ل: گران گشته و: س. ق: سبب پیری آمد اگر: متن = ف. ل. س: (نیز آ) ۲۳- ل: مرد ۲۴- س. ق. ل. س: (نیز ب): مرز: متن = ف. ل. (نیز و) ۲۵- ل: نشاید بدین مرز کرد: س. ق. ل. س: (نیز ب): ندارد (س: ندارد) بدین مرز (ق: بوم) ارز: متن = ف (نیز و) ۲۶- س. ق: شد: متن = ف. ل. ل. س. ۲۷- س: جای: ق: این جای جای: متن = ف. ل. ل. س. ۲۸- ل. س. ق. س: (نیز ل- ب): بیدار: ل: بر من بیکاره: متن = ف (نیز ل) ۲۹- ل: جهاندار

ز هر مرز مردان جنگی بخواند  
سوی میمنه بارمان و تراو  
چو نستیهن گرد بر میسره  
جهان شد پر<sup>۳</sup> از ناله‌ی گزّه‌نای<sup>۱</sup>  
هوا سربسر زرد و سرخ<sup>۶</sup> و بنفش  
سپاهی و جنگی تنی صد هزار<sup>۸</sup>  
ز دریا به دریا نبود ایچ<sup>۱</sup> راه  
همی کرد پیران به رفتن شتاب  
سپه را یکایک همه<sup>۱۱</sup> برشمرد  
چنان شادمان گشت و روشن روان  
که پیروز رفتی و شاد آمدی<sup>۱۳</sup>  
همی رفت لشکر گروه‌ها گروه  
بفرمود پیران که بی‌ره<sup>۱۶</sup> شوید<sup>۱۷</sup>  
نباید که یابند خود<sup>۱۹</sup> آگهی  
مگر ناگهان بر سر آن گروه  
برون کرد<sup>۲۲</sup> کارآگهان ناگهان  
به تندی به راه اندرآورد روی

۷۲۵  
۷۳۰  
۷۳۵

سلیح<sup>۱</sup> و درم داد و لشکر براند  
سواران که دارند با شیر تاو  
کجا شیر بودی<sup>۲</sup> به جنگش بره  
ز آواز کوس و ز زخم<sup>۵</sup> درای  
ز بس نیزه و گونه‌گونه<sup>۷</sup> درفش  
نهاده همه سر سوی کارزار  
ز اسپ و ز پیل و هیون و سپاه  
از<sup>۱۰</sup> ایوان به دشت آمد افراسیاب  
که چندست از ایشان<sup>۱۲</sup> سرافرازگرد  
کجا آفرین خواند بر پهلوان  
مبیناد چشم تو هرگز بدی<sup>۱۴</sup>!  
نبد دشت پیدا ز دریا و<sup>۱۵</sup> کوه  
از ایدر سوی راه کوتاه<sup>۱۸</sup> شوید<sup>۱۷</sup>  
ازین نامداران با فرهی  
فرود آرم<sup>۲۰</sup> این گشن لشکر چو کوه<sup>۲۱</sup>  
همی جست بیدار کار جهان<sup>۲۳</sup>  
به سوی گروگرد<sup>۲۴</sup> و جای<sup>۲۵</sup> گروی

۱- س: سلاح: ل پس از این بیت افزوده است:

چو آمد ز پهلوی برون پهلوان همی نام زد کرد جانی گوان

- ۲- ل: گشتی ۳- ل، س، ق، ل: پر شد: متن = ف، س<sup>۱</sup> ۴- ف، ل، س، س: کز تازی ۵- ل، ل، ل، س: ز غریبیدن (ل، س: توفیدن) کوس (ل: بوق) و هندی: س، ق: ز توفیدن کوه و زخم: متن = ف (نیز، و، آ) ۶- ل، س، ق، ل: سرخ و زرد: متن = ف ۷- س: ز بس گونه‌گون تیره‌ها و: ق: ز بس گونه‌گونه درفشان: متن = ف، ل، ل (نیز، آ): س: این بیت را ندارد ۸- ف، ل، س: هزاره: ل، س: سپاهی ز جنگاوران صد هزاره: متن = ق، س (نیز، ل، آ): بیت‌های ۷۲۸-۷۳۳ در دستنویس‌ها درهم ریخته‌اند ۹- ف (نیز و): ندید ایچ: ق (نیز، ل، ب، ل، ن، آ): نبد هیچ: متن = ل، س، ل (نیز، ب): س: این بیت را ندارد ۱۰- ف، ل، ل، س: ز: متن = س، ق، س: ل بیت‌های ۷۳۰-۷۳۳ را ندارد ۱۱- ق: همه یک بیک ۱۲- ف: ایران (!): متن = ق، ل، ل، س (نیز، ل، ل، و، آ، ب): س بیت‌های ۷۳۱ و ۷۳۲ را ندارد ۱۳- س، ق: که رفتی به پیروزی و شادمان: متن = ف، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۱۴- س، ق: چشمت بلای زمان: ل: هرگز دو چشمت بدی: متن = ف، س: پیایی بیت‌های ۷۲۸-۷۳۳ در دستنویس‌ها، ف، و: ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۳۳: ل ۷۲۸، ۷۲۹ (بیت‌های ۷۳۰-۷۳۳ را ندارد): س: ۷۲۹، ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۳ (بیت‌های ۷۳۱ و ۷۳۲ را ندارد): ق، ل، ل، س: ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۳-۷۳۰، ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۳ (بیت ۷۲۹ را ندارد): پیایی بیت‌های متن = ل (نیز، ل، ل، ب، آ، ب) ۱۵- ل، س: (نیز، ل، ب، ل، ن): نه دریا نه: متن = ف (نیز، و) ۱۶- س: که چون ره ۱۷- ل، س، ل: روید: متن = ف، ق، س<sup>۱</sup> ۱۸- ل: بیره (!) ۱۹- س: یابد ز خود ۲۰- س: آری ۲۱- ف، ق، ل: این لشکر همچو کوه (ل: هم گروه): ق، ل، ل: آورده لشکری همچو کوه): متن = ل، س، س: (نیز، ل، ل، ب، و، آ، ب) ۲۲- س: فرستاد ۲۳- ل: به پیران بگفتند یک یک نهان: ل ۷۳۸ ب- ۷۴۱ آ را انداخته و از ۷۳۸ آ و ۷۴۱ ب یک بیت ساخته است ۲۴- (ل، ب، ل، ن): و رو کرد: بنداری: جیو کرد: متن = ف، ق، س (نیز ق، و، آ، ب، لغت شهنامه، شماره ۱۹۳۶) ۲۵- س، س: [و] جای: ق: [و] شهر: متن = ف، ل

۷۴۰ میان سرخسست و باورد و<sup>۱</sup> طوس  
 پیوست گفتار<sup>۲</sup> کارآگهان  
 که ایشان همه می‌گسارند و مست  
 طلایه سوار<sup>۳</sup> ندیده به راه<sup>۴</sup>  
 چو بشنید پیران یلان<sup>۵</sup> را بخواند  
 که در رزم<sup>۶</sup> ما را چنین دستگاه  
 ۷۴۵

ز باورد برخاست آوای کوس  
 به پیران بگفتند یک‌یک ز نهان<sup>۳</sup>  
 شب و روز با جام پُر می<sup>۴</sup> به دست  
 نه اندیشه‌ی رزم<sup>۵</sup> توران سپاه  
 ز لشکر فراوان سخن‌ها براند<sup>۶</sup>  
 نبوده‌ست هرگز بر<sup>۷</sup> ایران سپاه

### گفتار اندر شیخون آوردن پیران و یسه بر سر طوس<sup>۱۲</sup>

گزین کرد از آن<sup>۱۳</sup> لشکر نامدار  
 برفتند نیمی گذشته ز شب  
 چو سالار بیدار<sup>۱۴</sup> لشکر براند  
 نخستین رسیدند پیش گله  
 گرفتند بسیار و کشتند<sup>۱۵</sup> نیز  
 گله‌دار و چوبان بسی کشته شد  
 و ز آنجایکه سوی ایران سپاه  
 همه مست بودند ایرانیان  
 به خیمه نُدرون<sup>۱۶</sup> گیو بیدار بود  
 خروش آمد و بانگ زخم<sup>۱۷</sup> تبر  
 سپه بود بر<sup>۱۸</sup> پیش پرده‌سرای  
 ز خیمه بیامد سوی کارزار  
 ۷۵۰

سواران شمشیرزن سی هزار  
 نه بانگ تیره، نه بوق و جَلَب  
 میان یلان هفت فرسنگ ماند  
 کجا بود بر<sup>۱۹</sup> دشت ایشان<sup>۲۰</sup> یله  
 نبود<sup>۲۱</sup> از بد بخت مانند چیز  
 سر<sup>۲۲</sup> بخت ایرانیان گشته شد  
 برفتند برسان گرد<sup>۲۳</sup> سیاه  
 گروهی نشسته، گشاده میان  
 سپهدار گودرز هشیار بود  
 سراسیمه شد گیو پَرخاشخ  
 یکی اسپ بَرگشتوان ور به پای  
 به ره بر ندیدند یک کس سوار<sup>۲۴</sup>

۱-س: [و]؛ ل: سرخست نزدیک؛ متن = ف، س، ق ۲-س: رسیدند آنگاه؛ ق: خبر شد به پیران ز؛ متن = ف، ل، س ۳-ف (نیز ب): مهان؛ س: کار جهان؛ ق: یکسر مهان؛ متن = ل، ل، ل، س ۴-نیز ل، ل، آ) ۵-س: ق: باشند بامی؛ ل: با جام و بامی؛ س: با جام و می بر؛ متن = ف، ل ۵-ل-س: (نیز ق): سوار<sup>۱</sup> طلایه؛ (لن، ب، ل: سوار طلایه)؛ متن = ف (نیز ل، آ، ب) ۶-س: ق: ندارند راه؛ ل: س: ندارد براه؛ متن = ف، ل ۷-س: از رزم؛ س: ق: بی (ق: نه) اندیشه از کار ۸-س: سران ۹-س: مهان را بخواند ۱۰-س: ق، ل، س: جنگ؛ متن = ف، ل ۱۱-ل، س، ق، ل: به؛ متن = ف، س ۱۲-ف: گفتار اندر شیخون آوردن پیران و یسه بر سر طوس و گودرز و کشته شدن گودرز (!) با پهلوانان؛ س: شیخون آوردن و یسه بر سر طوس نود و ایرانیان؛ ق: شیخون کردن پیران بر ایرانیان و تباهی ایرانیان؛ ل: شیخون کردن پیران و بی‌رحمت شدن؛ متن = آغاز ف ۱۳-ل: زان ۱۴-ل: چو پیران سالار؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۱۵-س: ل: در ۱۶-ل، س، ق (نیز لن، ب، ل: توران؛ ل: توران؛ آ): از ایشان؛ (ل، ب: از ایران)؛ متن = ف، س (نیز و) ۱۷-س: ق: بردند؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۸-ق: نمائند ۱۹-س: س: بنداری؛ وقتلوا کل من کان علیها من الجویاتیة و المستحقین ۲۰-ل: ابری؛ س: گردی ۲۱-ل، س، ق، س: (نیز لن-ب): به خیمه درون؛ متن = ف، ل: به خیمه اندرون (ضحاک، بیت ۴۰) ۲۲-ل: زخم و؛ س: ق: س: زخم؛ متن = ف، ل ۲۳-س: ق: در؛ متن = ف، ل، س: ل این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و کان علی باب خیمه فرس مجفف ۲۴-س: ق، ل، س: (نیز ق، ل، ب، ل، آ، ب): بره (س، ل، ب، ل: برو) بر شایب (س: ستانیده؛ ل: آ: نشانیده؛ ل: ستانیده؛ ب: نشانند) جنگی (س، ل، ل، ل، آ: جندی) سواره؛ (ل: رسید اندر و مرد جنگی سواره؛ ق: برهنه بیفتاد جنگی سواره)؛ متن = ف؛ ل این بیت را ندارد

- ۷۶۰ برآشت با خویشتن چون<sup>۱</sup> پلنگ  
مرا<sup>۲</sup> - گفت - بر خیره امشب چه بود  
بیامد به اسپ اندرآورد پای  
به پرده سرای سپهبد رسید  
بدو گفت<sup>۵</sup>: برخیز کامد سپاه  
و ز آنجایکه شد بنزد<sup>۷</sup> پدر  
همی گشت بر گِرد لشکر چو دود  
یکی جنگ با بیژن افگند پی  
سپاه اندرآمد به گِرد سپاه  
سراسیمه شد<sup>۱۴</sup> خفته از داروگیر  
به زیر سر مست بالین نرم  
سپیده چو برزد سر از برج شیر  
همه دشت از ایرانیان گشته دید  
همی کرد گودرز هر سو نگاه  
بدان<sup>۲۱</sup> اندکی برکشیدند نخ  
سپهبد نگه کرد گردان ندید<sup>۲۳</sup>  
همه رزمگه سربسر گشته بود<sup>۲۵</sup>
- ۷۶۵ ز شافیدن پای آمدش ننگ<sup>۲</sup>  
که مغزم ز پیگار شد پُر ز دود  
بکردار باد اندرآمد ز جای  
ز گرد و ز شب<sup>۴</sup> آسمان تیره دید  
به خواب اندرند این دلیران شاه<sup>۶</sup>  
به چنگ اندرون گرزهی گاوسر  
برانگیخت آنرا<sup>۸</sup> که هشیار بود  
که این دشت ز زمست<sup>۹</sup> اگر<sup>۱۱</sup> باغ<sup>۱۱</sup> سی  
یکی<sup>۱۲</sup> بانگ<sup>۱۳</sup> برخاست از رزمگاه  
برآمد یکی ابر و<sup>۱۵</sup> بارانش تیز  
ز بر تیغ و شمشیر و گویال<sup>۱۶</sup> گرم  
به لشکر نگه کرد گیو دلیر<sup>۱۷</sup>  
سر بخت بیدار<sup>۱۸</sup> برگشته دید<sup>۱۹</sup>  
ز دشمن بیفزود هزمان<sup>۲۰</sup> سپاه  
سپاهی ز ترکان چو<sup>۲۲</sup> مور و ملخ  
ز لشکر دلیران و مردان<sup>۲۴</sup> ندید  
زمین سربسر چون گل آغشته بود<sup>۲۶</sup>

۱- س: با طوس همچون ۲- ف: بسودش بشندی بهم بر دو چنگ: س. ق: ز کار خود و غفلت آمدش ننگ: ل: ز بازو ز آشامدن آمدش ننگ (!): س: ز پای و ز شافیدنش آمد ننگ (!): (ق: ز بهر بیفتادن آمدش ننگ: ل. و. آ: که مغزم ز پیگار شد پُر ز ننگ (= ۷۵۹ ب): ل: پای اندرآمد سوی نام و ننگ: ب. ل: ز کار خود پیش آمدش ننگ: ب: که این جای خوابست یا دشت جنگ): متن = ل (نیز لغت شهنامه، شماره ۱۶۲۰: ل: ز شافیدن...) ۳- ق: ورا: ل این بیت را ندارد و در ق پس از بیت ۷۶۱ آمده است ۴- ف: ز گردون ز شب: ل (نیز ق: ل. آ): ز گرد سپه: متن = س. ق. ل. س: (نیز ل. ب. و. ل. ب): در ق پس از این بیت. بیت ۷۵۹ آمده است ۵- ق: بگفتا که: ل: برو گفت ۶- س: اندرید ای دلیران شاه: ل: یکی گرد برخاست ز آوردگاه: متن = ف. س. ق. ل. ۷- ل: رفت نزد: متن = ف. س. ق. ل. س: ۸- ل: س: آنکس ۹- س. ق. ل. س: جنگست: متن = ف. ل. ۱۰- ف. س. ق. ل. س: (نیز ل. ق. ل. ب. ل. آ. ب): یا: ل: گر: ل: یا: (ل: نه): متن = (و) ۱۱- س. ق: جای: (ل. ب. ل. آ: جام: ق: سورو: ل: باغ و): متن = ف. ل. س: (نیز و ب) ۱۲- ق: همی ۱۳- س: گرد: ل بجای این بیت افزوده است:

وزان پس بیامد سوی کارزار

بره برشتا بید چندی سوار (= ۷۵۷ پ)

۱۴- س. ق: مست: متن = ف. ل. ل. س: ۱۵- ل. س. ق: [و]: متن = ف. ل. س: در ل بیت های ۷۶۷-۷۷۵ درهم ریخته اند: ۷۷۲، ۷۷۱، ۷۶۷، ۷۷۰، ۷۷۳، ۷۷۴ ۱۶- ف- س: کویال: ل: گرز و کویال و شمشیر ۱۷- ف این بیت را ندارد ۱۸- س: بدخواه ۱۹- ق: زمین سربسر چون گل آغشته دید (= ۷۷۴ ب): در ق بیت های ۷۷۰-۷۷۵ درهم ریخته اند: ۷۷۰ + ۷۷۴ ب، ۷۷۳، ۷۷۱، ۷۷۲ (۷۷۳ را ندارد) ۲۰- ق: هر دم ۲۱- ل. س: بران ۲۲- س: سپاهی بکردار ۲۳- س: سپه رانگه کرد و هر سو بیدید ۲۴- س: گردان: ق. ل. س: این بیت را ندارند ۲۵- ل. س: سپاهش نگه کرد و کشته بدید ۲۶- ل. س: دید (پساوند ندارند): ل: تئانشان به خون اندر آغشته بود: متن = ف. س. ق

<p>رخ زندگان<sup>۲</sup> تیره<sup>۳</sup> چون آب‌نوس همه لشکر گشن زیر و زبر</p> <p>گهی شادمانی دهد، گاه درد سراپرده و خیمه بگذاشتند همه میسر خسته<sup>۸</sup> و میمنه برفتند بی مایه و تاروپود روان پُر ز کین و زبان پُرفسوس<sup>۱۲</sup> پس پشت پُر<sup>۱۵</sup> جوشن و خود و گبر<sup>۱۶</sup> همه کوه کردند گردان حصار یکی را بُد هوش و توش و درنگ<sup>۲۰</sup> شده مانده از رزم و راه<sup>۲۲</sup> دراز ز پیگار ترکان بی‌اندوه شد برآمد خروشی به درد از میان شد آن گشته، بر خسته باید گریست نه اسپ و نه مردان جنگی<sup>۲۹</sup> به جای نه آن خستگان<sup>۳۱</sup> را کسی خواستار و زآن خستگان چند<sup>۳۳</sup> بریان<sup>۳۴</sup> شده</p>	<p>۷۷۵ دریده دِرَفش و نگون کرده<sup>۱</sup> کوس پسر بی‌پدر بُد<sup>۴</sup> پدر بی‌پسر<sup>۵</sup></p> <p>چُنین آمد<sup>۶</sup> این گنبد تیزگرد به بیچارگی پشت برگاشتند نه کوس و نه لشکر<sup>۷</sup> نه بار و بُنه ازین<sup>۹</sup> گونه لشکر سوی کاس رود<sup>۱۰</sup></p> <p>سواران ترکان<sup>۱۱</sup> پس پشتِ طوس همی گرز بارید گفتی<sup>۱۳</sup> از<sup>۱۴</sup> ابر بُد کس به جنگ<sup>۱۷</sup> اندرون پایدار فرماند<sup>۱۸</sup> اسپان و مردان جنگ<sup>۱۹</sup></p> <p>۷۸۵ سپاه از بُن کوه<sup>۲۱</sup> گشتند باز ز هامون سپهبد چو بر<sup>۲۳</sup> کوه شد فراوان کم آمد از<sup>۲۴</sup> ایرانیان<sup>۲۵</sup> همه خسته و بسته<sup>۲۶</sup> بود<sup>۲۷</sup> آنک<sup>۲۸</sup> زیست نه تاج و نه تخت و نه پرده‌سرای نه آباد بوم و نه پروردگار<sup>۳۰</sup></p> <p>۷۹۰ پدر بر پسر<sup>۳۲</sup> چند گریان شده</p>
---	---

۱- ل. س: نگونسار: متن = ف. ق. ل. س. ۲- ل: زنده گان ۳- س. ق. س. ل: گشته: ل: کرده: متن = ف. ل. ۴- ل. س: شد: متن = ۵- ق. ل. س: پدربی پسرید (ق: شد) پسر بی پدر: متن = ف ۶- ل. ل. س: است: درل این بیت پس از بیت ۷۸۰ آمده است ۷- س: نه لشکر نه خیمه: ق: بلشکر نه کوس و: متن = ف. ل. ل. س. ۸- ل. ل. س: گشته ۹- س: کزین ۱۰- ل. س. ق (نیز ل. ب): کاسه رود: بنداری: کاسرود: متن = ف. ل. ل. س. ۱۱- ل. ق: توران: متن = ف. س. ل. ل. س. ۱۲- دلان پرز کین و سران پرفسوس: ق: رخ زندگان گشته چون آب‌نوس (= ۷۷۵ ب): متن = ف. س. ل. ل. س. ۱۳- ل: گویی: متن = ف. س. ق. ل. ل. س. ۱۴- ل. ق. س: ز: متن = ف. س. ل. ل. ۱۵- ل: نشسته برو: س: سر بسته بر ۱۶- س: پیر ۱۷- ل: رزم ۱۸- ل: مانده: س: فرود آمد ۱۹- ف (نیز و): ز کار: ل. س. ۲۰- (نیز ل. ل. ب. ل. ن. ب): مردان و اسپان ز (ل: نه) جنگ: (ق: یکی را بُد صبر و جای درنگ): متن = ل. س. ق (نیز ل. آ) ۲۰- ل: توش نهنگ (!): ل. ل. س: هوش و با توش رنگ: (ل. ب. ل. ن: هوش و نه توش و رنگ: ل. آ: هوش و بوی و نه رنگ: ل: هوش و رای و درنگ: ب: توش با هوش و رنگ): ف (نیز و): بُد خستگان را کسی خواستار (= ۷۹۰ ب): (ق: یکی را بُد در بند تاب جنگ): متن = س. ق ۲۱- س. ق (نیز ل. ق. ل. ب. ل. ن): بر کوه: ل. ل. س. ۲ (نیز ل. ل. آ): سپاهی ازین گونه: متن = ف (نیز و ب) ۲۲- ق: راه و رزم ۲۳- ل: سوی: متن = ف. س. ق. ل. س. ۲۴- ل. ق: ز: متن = ف. س. ل. س. ۲۵- ل: گودر زیان: متن = ف. س. ق. ل. س. ۲ (نیز ل. ب): بنداری: فعدم اکثر الا ایرانیین ۲۶- ل: گشته (= گشته؟) ۲۷- ل- س: بُد: متن = ف ۲۸- ل. س: هرک: متن = ف. س. ق. ل. ۲۹- ل: نه اسپ و نه زین و نه مردان: متن = ف. س. ق. ل. س. ۳۰- ل: مردان کار: متن = ف. س. ق. ل. س. ۳ (نیز ل. ق. ل. ل. ن. ب) ۳۱- ف (نیز و): بستگان: س (نیز ل. ب. ل. ن): گشتگان (= گشتگان؟): متن = ل. ق. ل. ل. س. ۳ (نیز ل. ل. ب) ۳۲- س: پسر بر پدر ۳۳- س: نیز ۳۴- ل. س: بیجان

چنین ست رسم سرای<sup>۱</sup> جهان  
 همه<sup>۲</sup> با تو در پرده بازی کند  
 به رنج<sup>۴</sup> درازم در چنگ آز  
 ز باد آمدی<sup>۷</sup> رفت خواهی به گرد<sup>۸</sup> ۷۹۵

دو بهره از<sup>۹</sup> ایرانیان گشته بود<sup>۱۰</sup>  
 سپهد ز پیگار<sup>۱۲</sup> دیوانه گشت  
 به لشکرگه اندر می و خواب<sup>۱۳</sup> و بزم  
 جهاندیده گودرز با پیرسر  
 نه آن خستگان را خورش یا<sup>۱۷</sup> بزشک ۸۰۰  
 جهاندیدگان پیش او<sup>۱۸</sup> آمدند  
 یکی دیدبان<sup>۲۰</sup> بر سر کوه کرد  
 طلایه همی گشت<sup>۲۲</sup> بر هر سوی<sup>۲۳</sup>  
 یکی نامداری از<sup>۲۶</sup> ایرانیان  
 دهد شاه را آگهی زین<sup>۲۷</sup> سخن ۸۰۵  
 چه روز بد آمد به ایرانیان  
 رونده<sup>۲۹</sup> بر شاه بُرد<sup>۳۰</sup> آگهی  
 چو شاه دلیر آن<sup>۳۲</sup> سخن ها شنید

۱- ل، س: جهان؛ متن = ف، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup> ۲- ل- س<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۲</sup>، و، آ، ب): همی؛ (لن، لن؛ کجا)؛ متن = ف ۳- ل: زیرون ترا؛ ق: زتندی وز؛ (لن، ق، ل، آ، ب: زتیزی و از؛ و: زیری و از؛ لن؛ وزانپس ترا)؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۴</sup> ۴- ل: بند؛ س، ق: بشغل؛ متن = ف، ل، آ، س<sup>۵</sup> ۵- ل: ندانیم؛ س: چه دارم؛ متن = ف، ق، ل، آ، س<sup>۶</sup> ۶- س: او؛ ل: آشکارش ز؛ س: با آشکارش؛ متن = ف، ق: درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۷- س، ل، آ، س: آمده ۸- ل، آ، س: درد؛ درل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۹- ل: ز ۱۰- ل: شد ۱۱- ل: رزم ۱۲- ف: ریگانه (؟)؛ ق: یکبار؛ متن = ل- س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل- ب): زیبکار (م- بیکبار؟ یکبار؟) ۱۳- ل (نیز ق<sup>۲</sup>): خوان؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل- ب) ۱۴- ف: آرزو؛ متن = ل ۱۵- س: سپاه آورد کرد با خواب رزم (!)؛ ل، آ، س: سپاه این دو کی کرد با خواب رزم (!)؛ ق این بیت را ندارد؛ ف (نیز ق، ل، ب، و، لن، آ، ب) پس از این بیت و س پس از بیت سپین افزوده اند:

چه خوابی که چندین زمان برگذشت  
 نخبید (ف: نه جتید؛ ق: نخبید و؛ لن: نخبید) یک تن نه بیدار گشت  
 ل، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل) این بیت را ندارند ۱۶- س: نه پای و نه پر؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز لن- ب) ۱۷- ل، ل، آ، س: نه؛ متن = ف، ق؛ س: بیست های ۸۰۰-۸۰۲ را ندارد ۱۸- ل، ل، آ، س: او ۱۹- ل، س: جو ۲۰- ل، ل، آ، س: دیده بان ۲۱- ل: دیده گان؛ ل، آ، س: دیده را ۲۲- ل: فرستاد ۲۳- س: سویی؛ ل، آ، س: بر گرد دشت؛ متن = ف، ل، ق ۲۴- ف: از درد او؛ متن = ل- س<sup>۱</sup> ۲۵- س: دارویی؛ ل، آ، س: جای پست (!)؛ متن = ف، ل، ق ۲۶- ل: ز ۲۷- ق: دهد آگهی شاه را زان ۲۸- ل: ایران ۲۹- ف (نیز و): دونده؛ ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، آ، ب): چمنده؛ متن = س، ق (نیز لن، ل، ب، لن) ۳۰- ل: چو آمد بر شاه این؛ بنداری: فلما وصل الرسول الی الملک ۳۱- ل: مهی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۳۲- ل: این ۳۳- ل، س، ق، ل: وز؛ متن = ف، س<sup>۱</sup>



ز کار برادر پُر از درد بود      بر آن دردبر درد لشکر فرود<sup>۱</sup>  
 زبان کرد گویا به نفرین طوس      شب تیره تا گاه بانگ خروس      ۸۱۰

گفتار اندر نامه نبشتن شاه کیخسرو به فریبرز کاوس<sup>۲</sup>

دیر خردمند<sup>۳</sup> را پیش خواند      دل آکنده بودش همه<sup>۵</sup> برفشاند  
 یکی نامه بنبشت<sup>۶</sup> پُر آب چشم<sup>۷</sup>      ز سوگ<sup>۸</sup> برادر پُر از درد و خشم<sup>۹</sup>  
 به سوی فریبرز کاوس شاه      یکی نزد<sup>۱۰</sup> پُرمایگان سپاه  
 سر نامه بود از نخست آفرین      چنان چون بود ساز و آیین<sup>۱۱</sup> دین  
 به نام خداوند خورشید و ماه      که او داد بر نیک و بد<sup>۱۲</sup> دستگاه  
 هم او کرد پیروز و هم زو<sup>۱۳</sup> شکست      به نیک و به بد زورسد کام دست<sup>۱۴</sup>  
 جهان و مکان و زمان آفرید      پی مور و کوه<sup>۱۵</sup> گران آفرید  
 خرد داد و جان و تن زورمند      بزرگی و دیهم و بخت<sup>۱۶</sup> بلند  
 رهایی نیابد سر<sup>۱۷</sup> از بند او<sup>۱۸</sup>      یکی را بود<sup>۱۹</sup> فر و اورند<sup>۲۰</sup> او<sup>۱۸</sup>،  
 یکی را دگر شوربختی دهد<sup>۲۱</sup>      نیاز و غم و درد<sup>۲۲</sup> و سختی دهد<sup>۲۱</sup>  
 ز رخسند خورشید تا تیره خاک      همه داد بینم ز یزدان پاک  
 بشد طوس با کاویانی درفش      ز لشکر چهل مرد زرینه کفش  
 به توران فرستادمش با سپاه      برادر شد از کین نخستین تباه  
 به ایران<sup>۲۳</sup> چنو<sup>۲۴</sup> نیز<sup>۲۵</sup> مهر مباد      و زین<sup>۲۶</sup> گونه سالار لشکر مباد

۱- س: غم و درد لشکر بر آن بر فرود      ۲- ف: گفتار اندر نامه نبشتن شاه کیخسرو به فریبرز کاوس و گودرز و گیو و خواندن طوس را بنزدیک خویش؛ ل، س: نامه نوشتن شاه کیخسرو بنزد فریبرز (س: فریبرز کاوس شاه)؛ ق: نامه کیخسرو بایرانیان و خشم گرفتن او بر طوس؛ ل: نامه کیخسرو نزد فریبرز و لشکریان؛ س: نامه کیخسرو بنزدیک فریبرز؛ متن = آغاز ف      ۳- س، ق: جهان دیده؛ متن = ف، ل، ل، ل، س: ۴- س: در      ۵- ل: زغم؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س؛ درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است      ۶- ل- س: بنوشت؛ متن = ف      ۷- س، ق: دل پر ز خشم؛ متن = ف، ل، ل، س      ۸- ل: زبهر؛ متن = ف، س، ق، ل، س      ۹- س: درد چشم (!)؛ ق: آب چشم؛ درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است      ۱۰- ل، س: سوی؛ متن = ف، ق، ل، س      ۱۱- ل: رسم آیین و؛ س: رسم و آیین؛ س: راه و آیین و؛ متن = ف، ق، ل      ۱۲- ل: کجا داد بر نیکویی؛ (ق: که او راست بر بهتری؛ و: که او راست بر نیک و بد)؛ متن = ف، س، ق، ل، س      ۱۳- ل: او؛ متن = ف، س، ل، س      ۱۴- ل: شدم کام دست؛ س، ل، س      ۱۵- ل (نیز ل): پیل؛ ف: چه مور و چه کوه؛ متن = س، ل، س      ۱۶- ل: (نیز ل): پیل؛ ف: چه مور و چه کوه؛ متن = س، ل، س      ۱۷- ل: (نیز هفت دستویس دیگر)      ۱۸- ل: (نیز هشت دستویس دیگر)؛ ل پس از این بیت افزوده است؛

ازویست پیروزی و زوشکیب      به نیک و به بد زورسد کام و زیب

۱۶- ل، س، ل، س: تخت؛ متن = ف، ق      ۱۷- ق: یکی را رهایی نه      ۱۸- ل، س، ق، س: او؛ متن = ف، ل      ۱۹- ل: همه؛ متن = ف، س، ق، ل، س      ۲۰- س، ق: اروند؛ ل، س: شاهسی از بسند؛ متن = ف، ل      ۲۱- س، ل، س: بود؛ متن = ف، ل      ۲۲- س: رنج؛ ق: این بیت را ندارد      ۲۳- ل: ایوان (ایران)؛ متن = ف، س، ق، ل، س      ۲۴- ل: (نیز ل، ق، ل، پ، و، ل، س، ب)      ۲۵- ل: چنان      ۲۶- ق: وزان

- ۸۲۵ دریغ آن<sup>۱</sup> برادر فرود جوان  
 ز کین<sup>۲</sup> پدر زار و گریان بدم  
 کنون بر برادر بیاید گریست  
 مشو<sup>۴</sup> - گفتم او را - به<sup>۵</sup> راه جرم  
 کران<sup>۹</sup> ره فردوست و<sup>۱۰</sup> بالشکرست<sup>۱۱</sup>  
 ندانبد که این لشکر از بُن<sup>۱۴</sup> که اند<sup>۱۵</sup> ۸۳۰  
 دریغ آن چنان گرد خسرو نژاد  
 اگر پیش ازین او سپهبد بدهست  
 به رزم اندرون نیز خواب آیدش  
 هنرها همه هست نزدیک اوی<sup>۲۱</sup>  
 چو این نامه برخوانی<sup>۲۲</sup> اندر شتاب ۸۳۵  
 سبک طوس را بازگردان به<sup>۲۳</sup> جای  
 سپهدار و سالار و<sup>۲۴</sup> زرینه کفش  
 سرافراز<sup>۲۷</sup> گودرز زان<sup>۲۸</sup> انجمن  
 مکن هیچ بر<sup>۲۹</sup> جنگ جستن شتاب  
 به تندی مجوی ایچ<sup>۳۱</sup> رزم از نخست ۸۴۰  
 ترا پیشرو گیو باید به جنگ<sup>۳۲</sup>
- سر نامداران و پشت گوان  
 پُر از<sup>۳</sup> درد یکچند بریان بدم  
 ندانم مرا دشمن و دوست کیست  
 مزن بر کلات<sup>۶</sup> و<sup>۷</sup> سپدکوه<sup>۸</sup> دم  
 یکی<sup>۱۲</sup> کی نژادست و گنداورست<sup>۱۳</sup>  
 از ایران سپاهند اگر خود<sup>۱۶</sup> چه اند<sup>۱۷</sup>  
 که طوس فرومایه دادش به باد  
 ز<sup>۱۸</sup> کاوس شاه اختری<sup>۱۹</sup> بد بدهست  
 چو بی می نشیند شتاب آیدش<sup>۲۰</sup>  
 مبادا چنان جان تاریک اوی<sup>۲۱</sup>!  
 ز دل دور کن خورد و آرام و خواب  
 ز فرمان مگرد و مزن هیچ رای  
 تو باشی و بر<sup>۲۵</sup> کاویانی درفش<sup>۲۶</sup>  
 به هر کار باشد تو را رای زن  
 ز می دور باش و میماید خواب<sup>۳۰</sup>  
 همی باش تا خسته گردد درست  
 که با فرو برزست<sup>۳۳</sup> و چنگ<sup>۳۴</sup> پلنگ

۱- ل: دریغا؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ ق پس از این بیت افزوده است:

دریغ آن فرود سیاوش دریغ  
 ۲- س، ق: ز کار؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۳- ل: بران؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ ۴- ل، ق، ل، س؛ مرو؛ متن = ف، س، ۵- س، ق: ز ق: کلاة ۷- ل: [و] ۸- ف- ل (نیزق- و، آ): سپدکوه؛ (لن، ل، ب: بسدکوه)؛ متن = س؛ ۹- ل: بران ۱۰- ل: [و] ۱۱- س، ل، س؛ با مادرست؛ متن = ف، ل، ق ۱۲- ل: همان؛ س، ق: کیسی؛ متن = ف، ل، س؛ ۱۳- ق: پرنژادست و با گوهرست ۱۴- س، ق: لشکران ۱۵- ف- ق، س؛ کی اند؛ متن = ل ۱۶- ل، س؛ یا خود؛ س: بدین ره برای؛ ق: برین ره زهر؛ متن = ف، ل؛ پس از این بیت افزوده است:

از آن کوه جنگ آورد بی گمان  
 فراوان سران را سرآرد زمان

۱۷- ف- ق، س؛ چی اند؛ متن = ل ۱۸- ق، ل؛ به ۱۹- س، ق: اختر؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۲۰- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۲۱- ل، س، ق: او؛ ل، س؛ تو؛ متن = ف ۲۲- ل: نامه خوانی هم؛ س، ق: چونامه بخوانی هم؛ متن = ف، ل، س؛ ۲۳- س، ق: ز؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۲۴- س: [و] ۲۵- س: ابا؛ ق: ابر؛ ل، س (نیز پ): بر آن؛ ل (نیز ل، آ): تو می باش با؛ متن = ف ۲۶- بنداری: الدرفش الجاویسانی (= گاویانی درفش - کاویانی درفش) ۲۷- ل، س؛ سپهدار ۲۸- ل، س: وان؛ ق: با؛ ل؛ از آن؛ س؛ راز؛ متن = ف ۲۹- ل: در ۳۰- ل: ز دل دور کن خورد و آرام و خواب (= ۸۳۵ ب)؛ در س؛ پس از این بیت، بیت ۸۳۴ دوباره آمده است ۳۱- ف، س؛ مجو هیچ؛ ل: مجو ایچ؛ متن = س، ق، ل ۳۲- س: ترا بیادت بیشتر کرد جنگ؛ بنداری: واجعل علی مقدمتک جیوبن جوذرز ۳۳- س: برزی ۳۴- ف (نیز و): زور؛ ل- س (نیز لن، ق، ل، ل، ل، آ، ب): جنگ؛ (ل: جنگی)؛ متن = (پ)؛ س در اینجا سرنویس دارد: رسیدن نامه کیخسرو بنزدیک کاوس شاه

<p>سر نامداران و پشت گوان پُر از<sup>۳</sup> درد یکچند بریان بُدم ندانم مرا دشمن و دوست کیست مزن بر کلات<sup>۶</sup> و<sup>۷</sup> سپدکوه<sup>۸</sup> دم یکی<sup>۱۲</sup> کی نژادست و گنداورست<sup>۱۳</sup> از ایران سپاهند اگر خود<sup>۱۶</sup> چه اند<sup>۱۷</sup> که طوس فرومایه دادش به باد ز<sup>۱۸</sup> کاوس شاه اختری<sup>۱۹</sup> بد بدهست چو بی می نشیند شتاب آیدش<sup>۲۰</sup> مبادا چنان جان تاریک اوی<sup>۲۱</sup>! زدل دور کن خورد و آرام و خواب ز فرمان مگرد و مزن هیچ رای تو باشی و بر<sup>۲۵</sup> کاویانی درفش<sup>۲۶</sup> به هر کار باشد تو را رای زن ز می دور باش و میماید خواب<sup>۳۰</sup> همی باش تا خسته گردد درست که با فرو بُرزست<sup>۳۳</sup> و چنگ<sup>۳۴</sup> پلنگ</p>	<p>دریغ آن<sup>۱</sup> برادر فرود جوان ز کین<sup>۲</sup> پدر زار و گریان بُدم کنون بر برادر نباید گریست مشو<sup>۴</sup> - گفتم او را - به<sup>۵</sup> راه جرم کزان<sup>۹</sup> ره فردوست و<sup>۱۰</sup> با لشکرست<sup>۱۱</sup> نداند که این لشکر از بُن<sup>۱۴</sup> که اند<sup>۱۵</sup> دریغ آن چنان گرد خسرو نژاد اگر پیش ازین او سپهد بدهست به رزم اندرون نیز خواب آیدش هنرها همه هست نزدیک اوی<sup>۲۱</sup> چو این نامه برخوانی<sup>۲۲</sup> اندر شتاب سبک طوس را بازگردان به<sup>۲۳</sup> جای سپهدار و سالار و<sup>۲۴</sup> زرینه کفش سرافراز<sup>۲۷</sup> گودرز ز آن<sup>۲۸</sup> انجمن مکن هیچ بر<sup>۲۹</sup> جنگ جستن شتاب به تندی بجوی ایچ<sup>۳۱</sup> رزم از نخست ترا پیشرو گیو باید به جنگ<sup>۳۲</sup></p>	<p>۸۲۵ ۸۳۰ ۸۳۵ ۸۴۰</p>
---	--	------------------------------------

۱- ل: دریغا؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ ق پس از این بیت افزوده است:

دریغ آن فرود سیاوش دریغ که شد آفتابش همی زیر میغ

۲- س، ق: ز کار؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۳- ل: بران؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ ۴- ل، ق، ل، س؛ مرو؛ متن = ف، س؛ ۵- س، ق: ز ق: کلاته ۷- ل: [و] ۸- ف- ل (نیز ق- و، آ): سپدکوه؛ (لن، لن، ب: سپدکوه)؛ متن = س؛ ۹- ل: بران ۱۰- ل: [و] ۱۱- س، ل، س؛ با مادرست؛ متن = ف، ل، ق ۱۲- ل: همان؛ س، ق: کیسی؛ متن = ف، ل، س؛ ۱۳- ق: پرنژادست و با گوهرست ۱۴- س، ق: لشکران ۱۵- ف- ق، س؛ کی اند؛ متن = ل؛ ۱۶- ل، س؛ یا خود؛ س: بدین ره برای؛ ق: برین ره زهر؛ متن = ف، ل؛ ل پس از این بیت افزوده است:

از آن کوه جنگ آورد بی گمان فراوان سران را سرآرد زمان

۱۷- ف- ق، س؛ چی اند؛ متن = ل؛ ۱۸- ق، ل؛ به ۱۹- س، ق: اختر؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۲۰- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۲۱- ل، س، ق: او؛ ل، س؛ تو؛ متن = ف ۲۲- ل: نامه خوانی هم؛ س، ق: چونامه بخوانی هم؛ متن = ف، ل، س؛ ۲۳- س، ق: ز؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۲۴- س: [و] ۲۵- س: ابا؛ ق: ابر؛ ل، س؛ (نیز ب): بر آن؛ ل (نیز ل، آ): تومی باش با؛ متن = ف ۲۶- بنداری: الدرفش الجاویانی (= گاوایانی درفش - کاویانی درفش) ۲۷- ل، س؛ سپهدار ۲۸- ل، س: وان؛ ق: با؛ ل: از آن؛ س: راز؛ متن = ف ۲۹- ل: در ۳۰- ل: زدل دور کن خورد و آرام و خواب (= ۸۳۵ ب)؛ درس پس از این بیت، بیت ۸۳۴ دوباره آمده است ۳۱- ف، س؛ مجو هیچ؛ ل: مجو ایچ؛ متن = س، ق، ل؛ ۳۲- س: ترا بایدت بیشتر کرد جنگ؛ بنداری: واجعل علی مقدمتک جیوبن جودرز ۳۳- س: برزی ۳۴- ف (نیز و): زور؛ ل- س؛ (نیز لن، ق، ل، لن، آ، ب): جنگ؛ (ل: جنگی)؛ متن = (پ)؛ س در اینجا سرنویس دارد: رسیدن نامه کیخسرو بنزدیک کاوس شاه

فرازآور<sup>۱</sup> از هر سُوی ساز رزم  
مبادا که آید ترا رای<sup>۲</sup> بزم  
نهادند<sup>۳</sup> بر نامه‌بر مُهر شاه  
فرستاده را گفت: برگیر راه<sup>۴</sup>  
ز رفتن شب و روز ماسای هیچ  
به هر منزلی اسپ دیگر بسیج  
بیامد فرستاده هم زین نشان  
بنزد فریرز شد نامه‌دار<sup>۵</sup>  
فریرز طوس و یلان<sup>۶</sup> را بخواند  
همان نامورگیو و<sup>۷</sup> گودرز را  
بخواند آن زمان<sup>۸</sup> نامه‌ی شهریار  
بزرگان و شیران ایران‌زمین  
بیاورد طوس آن گرامی‌درفش  
بنزد فریرز بُرد و بگفت<sup>۹</sup>  
همه ساله بخت تو پیروز باد!  
برفت و ببرد<sup>۱۰</sup> آنک بُد نودری  
بنزدیک شاه آمد از دشت جنگ  
زمین را ببوسید در پیش شاه  
به دشنام بگشاد لب شهریار  
و زانپس<sup>۱۱</sup> بدو گفت کای<sup>۱۲</sup> بدنشان  
نترسی همی از جهاندارِ پاک؟

۸۴۵

۸۵۰

۸۵۵

۱- ل: آ: ۲- ل: یاد؛ س این بیت را ندارد ۳- ل، ل، ل، س: نهاد از؛ متن = ف، س، ق ۴- ل- س: (نیز، ل، ل- ب): برکش  
براه؛ (ق: بردار راه)؛ متن = ف ۵- ق: پهلوان؛ س: بنزد فریرز و گردنکشان؛ متن = ف، ل، ل، س: ۶- ف (نیز، ل، آ، ب): نامدار؛  
متن = ل- س: (نیز، ل، ق، پ، و، ل، ن) ۷- ل: بدو داد پس؛ ل، ل، س: بدادش بدو؛ متن = ف، س، ق ۸- س: گوان ۹- س:  
سخن‌ها ۱۰- ف (نیز، ل، آ، ب): [و]؛ متن = ل، س، ل، س: (نیز، ق، ل، پ، و) ۱۱- س: مردان؛ ق این بیت را ندارد ۱۲-  
ل، ل، س: (نیز، ل، پ، آ، ب): بداد آن زمان؛ س، ق (نیز، ل، ق، ل، ن): چویرخواند آن؛ متن = ف (نیز، ل، و)؛ بنداری: وقرأ الكتاب  
عليهم ۱۳- درس این بیت با بیت سیمین پس و پیش شده است ۱۴- ل (نیز، ل): بردند گفت؛ س: رفتند و گفت؛ ق (نیز، ل، آ، ب):  
بردند و گفت؛ (و: آورد و گفت؛ ل، ن، پ، ل، ن: بدست فریرز سپرد و گفت)؛ متن = ف (نیز، ق)؛ بنداری: فتلقت طوس الأمر بالسمع والطاعة، و  
سلمتلك المراتب الی فری برز ۱۵- ل- س: (نیز، ل، ق، پ، ل، ن، ب): را؛ متن = ف (نیز، ل، و، آ) ۱۶- ل: سرافراز ۱۷- ف  
پس از این بیت افزوده است:

همانگه سپاه گزیده براه بسیجید و پس کرد آهنگ شاه

۱۸- ل: بشد طوس و برد ۱۹- س، ق، ل: [و]؛ متن = ف، ل، س: ق در اینجا سرنویس دارد: بازگشتن طوس از لشکر و رفتن به بارگاه  
کیخسرو ۲۰- س: نکردی زمانی؛ ق: که برره نکرد او فراوان؛ متن = ف، ل، ل، س: ۲۱- ل: درو ۲۲-  
س، ل، ل، س: در؛ متن = ف، ل، ق ۲۳- ل: ازانپس ۲۴- ق: ای ۲۵- ل: بیم؛ ل، ل، س: تـرس؛ متن = ف، ل،  
ق

<p>برفتی و دادی مرا دل<sup>۲</sup> به غم نژاد<sup>۳</sup> سیاوخش<sup>۱</sup> را کاستی<sup>۴</sup> که چون او کس اندر<sup>۵</sup> زمانه نبود چو تو لشکری خواستی<sup>۶</sup> روز کار<sup>۷</sup> نبودت بجز رامش و بزم<sup>۸</sup> راه<sup>۹</sup> رزه باید و بند<sup>۱۰</sup> و بیمارستان<sup>۱۱</sup> ترا داد بر زندگانی امید بداندیش کردی به دور<sup>۱۲</sup> از برت همان گوهر بد نگهبان<sup>۱۳</sup> تُست به بند از دلش بیخ<sup>۱۴</sup> شادی بکند</p>	<p>۸۶۰ بگفتم<sup>۱</sup> مرو سوی راه جرم نخستین به کین من آراستی برادر<sup>۲</sup> سرافراز جنگی فرود بگشتی کسی را که در کارزار و زانپس که رفتی بدان<sup>۳</sup> رزمگاه ۸۶۵ ترا جایگه نیست در شارستان<sup>۴</sup> نژاد منوچهر و ریش سپید<sup>۵</sup> و گرنه بفرمودمی تا سرت برو جاودان خانه زندان<sup>۶</sup> تُست ز پیشش براند و بفرمود بند</p>
--	---

### گفتار اندر نشستن فریبرز کاوس بجای طوس نوذر<sup>۱۸</sup>

<p>که هم پهلوان بود و هم پور شاه که پیدا کند با گهر نام را بگوید فراوان و هم بشنود<sup>۲۳</sup> یکی خوب نزدیک او<sup>۲۴</sup> بر پیام همیشه چنین بود پُر<sup>۲۵</sup> درد و مهر یکی را کند خوار و زار<sup>۲۶</sup> و نژند</p>	<p>۸۷۰ فریبرز بنهاد بر سر کلاه و زانپس<sup>۱</sup> بفرمود<sup>۲</sup> رهام را از آن<sup>۳</sup> کوه نزدیک پیران شود<sup>۴</sup> بدو گفت: رو پیش<sup>۵</sup> پیران خرام بگوش که کردار گردان سپهر ۸۷۵ یکی را برآرد به چرخ بلند</p>
---	--

۱- ل. ق: بگفتم (حرف یکم نقطه ندارد); س. س: 'نگفتم: متن = ف. ل. ۲- ل. س: (نیز ل. ق. ل. ب. ب): دل من: (ل. د. د. را): متن = ف. ل. ۳- ل. س: 'فرود ۴- ف. ل. (نیز ل. ل. و. ب): سیاوش (= سیاوش): س: (نیز ل. ب): سیاوش: متن = (ق) ۵- ل. ل. س: 'خواستی ۶- س: دریغ ۷- س: کسی در: ل. کجا هم چنودر: متن = ف. ق. ل. س: ۸- س: خواستی لشکری ۹- س: بی شماره: ق: صد هزار: متن = ف. ل. ل. س: ۱۰- ل: پیران ۱۱- س. ق: (نیز ل. ل.): رزمگاه: ل. س: (نیز ل. ل. آ): جز آرامش (س: آرایش) و رزمگاه: متن = ف. ل. (نیز ب. و. ب) ۱۲- ق: شارستان ۱۳- ل: بزید ترا بند و: س. ق: (نیز ل. ب. ل. آ): ترا بند بهتر به: ل. س: (نیز ل. آ): ترا بند و زنجیر و: متن = ف: (نیز ق. ل. و. ب: در ق. ل. و. زره ...) ۱۴- ق: بیمارستان: ل (نیز ل. ب. آ) پس از این بیت افزوده اند:

کجا مرترا رای هشیار نیست

نه درخویر (ل. آ. نه اندر خویر) تاج و دیبه و مل

۱۷- ل. س: 'ز بیداردن شاه: ف پس از این بیت افزوده است:

گهی کارزار و گهی کارزار

ترا پیش آزادگان کار نیست

مزاوار ممانری و بند و غل

۱۵- س: 'سفید ۱۶- ل. س. ق: جدا: متن = ف. ل. س:

چنین باشد آیین این روزگار

۱۸- ف: گفتار اندر نشستن فریبرز کاوس بجای طوس نوذر و فرستادن رهام را گوذر ز رابرسوی: س: پیغام فریبرز بنزد پیران و رفتن رهام برسوی:

ق: فرستادن فریبرز کاوس رهام را برسوی نزد پیران: متن = آفرزف ۱۹- ل: زانپس ۲۰- ف: فرستاد: متن = ل. س: (نیز ل. ب)

۲۱- س: وزان: ق: کزان: س: ازین: متن = ف. ل. ۲۲- ل. س: 'شوی: متن = ف. س. ق. ۲۳- (ق. ل. و. آ: وزو

بشنود): س. ق: (نیز ب. ل. آ): فراوان بگوید وزو بشنود: ل. س: 'بگویی و گفتار او بشنوی: متن = ف: (نیز ل. ب): ل این بیت را

ندارد ۲۴- ق: نژد ۲۵- ل. س: ' (نیز ق. ل. آ): ز من نژد آن پهلوان: متن = ف. س. ق: (نیز ل. ل. ب. و. ل. ب) ۲۶- س:

باد با: ق: است با: متن = ف. ل. ل. س: ۲۷- ل: زار و خوار

شیخون نه از کار<sup>۲</sup> مردان<sup>۳</sup> بود  
کسی کو گراید به گرز گران  
گرت<sup>۴</sup> رای جنگست، جنگ آوریم

برون رفت و پیغام او را<sup>۵</sup> ببرد  
پرسیدش از نام و از جایگاه<sup>۶</sup>  
هنرمند و<sup>۷</sup> بیدار و سنگی منم  
به پیران رسانم بدین رزمگاه<sup>۸</sup>

بیامد سخن‌ها همه یاد کرد  
بیامد سوی<sup>۱۱</sup> پهلوان سپاه  
گشاده دل<sup>۱۳</sup> و تازه روی<sup>۱۴</sup> آوردند  
به ترس از نیهان بداندیش او<sup>۱۵</sup>  
پرسید و بر تخت بنشاختش  
پیام فریبرز با او بگفت  
که این جنگ را خرد<sup>۱۶</sup> نتوان شمرد  
ندیدیم با طوس<sup>۱۷</sup> رای و<sup>۱۸</sup> درنگ  
همی گشت ناباک<sup>۲۰</sup> خرد و بزرگ  
بد و نیک این مرز یکسان<sup>۲۱</sup> شمرد

کسی کو بلا جست گرد<sup>۱</sup> آن بود  
شیخون نبینند<sup>۲</sup> گنداوران  
تو گر با درنگی، درنگ آوریم

ز پیش فریبرز رهام<sup>۳</sup> گرد  
بیامد طلایه بدیدش به راه  
بدو گفت: رهام جنگی منم  
پیام فریبرز کاوس شاه

ز پیش طلایه سواری چو گرد  
که رهام<sup>۴</sup> گودرز از آن<sup>۵</sup> رزمگاه  
بفرمود تا پیش او<sup>۱۲</sup> آوردند  
سراینده رهام شد پیش او<sup>۱۵</sup>  
چو پیران ورا دید بنواختش  
برآورد رهام راز از نهفت  
چنین گفت پیران به رهام<sup>۶</sup> گرد  
شما را بد این پیش دستی به جنگ  
به مرز اندرآمد چو گرگ<sup>۱۹</sup> سترگ  
چه مایه بگشت و چه مایه ببرد

۸۸۰

۸۸۵

۸۹۰

۱- س: مرد ۲- ل، ل، ل، س (نیز ل، ب، ل، ن)؛ نه کردار: س، ق (نیز ل، ل، و، آ، ب)؛ نه بیکار: (ق)؛ نه آیین: متن = ف ۳- س: گردان ۴- ل، ل، ق، س (نیز ب)؛ نساژند: (ق)؛ ندیدند: ب؛ نجویند: متن = ف، س، ل (نیز ل، آ) ۵- ل، ل، س؛ ورت: ف (نیز ق) پس از این بیت افزوده اند:

یکی ماه باید زمان و درنگ که تا خستگان باز یابند رنگ (ق)؛ جنگیان را بود رای جنگ

۶- ل، س، ق، س (نیز ل، ل، ب، ل، ن، آ، ب)؛ پیغام و نامه: متن = ف (نیز ق، ل)؛ ل این بیت را ندارد ۷- ل: وز جایگاه؛ ل: نامور (نام وز) جایگاه؛ س: پرسید از آن نامور نیکخواه: ق: پرسید از و نام وز جایگاه: متن = ف، س؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۸- ق: [و]؛ س: هشیوار و ۹- س: بارگاه ۱۰- ل، ل، ل: زان ۱۱- س، ق: بر: متن = ف، ل، ل، ل، س ۱۲- ل، ل، ل: او ۱۳- ل: رخ ۱۴- ل: رو ۱۵- ل، ل، ل: او ۱۶- س: خوار ۱۷- ف: طوس و ۱۸- ق: جای؛ س: رای ۱۹- ق: گرگی ۲۰- ل، س: بی باک: متن = ف، ق، ل، ل، س؛ در ل، ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۱- س: آسان؛ در ل، ل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است: ق پس از بیت ۸۹۲ افزوده است:

بیامد که خون سیاوش شاه  
پس را بگشت از پسر زارتر  
برانده من از غم چنین دل بدود  
بخواهد ز سالار توران سپاه  
که نه کام بادا مرو را نه فر  
دریغاً فرود و دریغاً فرود

مکافات این بد <sup>۱</sup> کنون یافتید <sup>۲</sup>	اگر چند ناگاه <sup>۳</sup> بشتافتید <sup>۴</sup>
کنون گره <sup>۵</sup> توی <sup>۶</sup> پهلوان سپاه	چنان چون ترا باید از من بخواه
گر ایدونک یک ماه خواهی درنگ	ز لشکر نیاید سواری <sup>۷</sup> به جنگ
۸۹۵	بیارای و برکش صف کارزار <sup>۹</sup>
و گر جنگ جویی منم بی‌کیار <sup>۸</sup>	گر از <sup>۱۲</sup> مرز <sup>۱۳</sup> توران زمین بگذرید <sup>۱۱</sup>
چو یک ماه بر <sup>۱۰</sup> آرزو بشمرد <sup>۱۱</sup>	بدانید یکسر همه <sup>۱۶</sup> ارز خویش
برانید <sup>۱۵</sup> لشکر سوی مرز خویش	برانیم از خون لشکر دو جوی <sup>۱۸</sup>
و گرنه به جنگ اندرآرم روی <sup>۱۷</sup>	چنان چون بود درخور نام را
۹۰۰	یکی خلعت آراست رهام را
بنزد فربرز رهام گرد	بیاورد نامه چنان چون ببرد <sup>۱۹</sup>
فربرز چون یافت روز درنگ	ز <sup>۲۰</sup> هر سو بیازید چون شیر جنگ
سر بدره‌ها را گشادند بند <sup>۲۱</sup>	ز هر سو سنان و کمان و کمند <sup>۲۲</sup>
چو این ساز <sup>۲۳</sup> لشکر بیاراستند	ز هر جای مردم همی خواستند <sup>۲۴</sup>

گفتار اندر جنگ پشن و لاون<sup>۲۵</sup>

۹۰۵ چو آمد سر ماه و<sup>۲۶</sup> هنگام جنگ ز پیمان بگشتند و<sup>۲۷</sup> از<sup>۲۸</sup> نام و ننگ

۱- ل، ل، س؛ کین ۲- ل، ل، س؛ بیافتی ۳- ل؛ با کینه؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س؛ ۴- ل، ل، س؛ بشتافتی ۵- ق؛ چون ۶- س، ق، س؛ تویی؛ ل؛ توای؛ متن = ف، ل ۷- س، س؛ سواری نیاید؛ ق؛ نیارم سواران؛ ل؛ سواری نیارم؛ متن = ف، ل ۸- ل؛ برکنار (بی کیار)؛ س (نیز ل، پ، ل، ن)؛ جنگخواه؛ ق (نیز ب)؛ پایدار؛ ل؛ بقرار؛ س؛ بی گذار (بی کیار)؛ (ل، آ)؛ جنگ ساز؛ ل؛ خواستار)؛ ف (نیز ق، و)؛ جنگ جویی و پیگار کار؛ متن تصحیح قیاسی است ۹- س؛ رزمگاه ۱۰- ل؛ مه بدین؛ ل، ل، س؛ مه برین؛ متن = ف، س ۱۱- س؛ بشمرد؛ ل؛ برین کینه گه بشمرد ۱۲- ل؛ که از؛ س؛ کزین؛ س؛ که بر؛ متن = ف (نیز ق، و، ب) ۱۳- س؛ بوم ۱۴- س؛ نگذرد؛ س؛ توران کسی نبرد؛ ل؛ که زی من توران زمین بگذرند؛ ق بیت های ۸۹۷-۸۹۹ را ندارد ۱۵- س؛ دوانید؛ ل؛ برآیند ۱۶- ل، ل؛ بدانید (ل؛ ببینید) بیادل و؛ س، س؛ (نیز ل، ل، ب، ل، آ، ب)؛ ببینید (س، ب؛ بدانید) بیداردل؛ (ق؛ ببینید یکسر همه)؛ متن = ف (نیز و) ۱۷- ل (نیز ب)؛ اندرآید جنگ؛ س؛ پلنگ اندرآید به جنگ؛ س؛ همیدون درآیی به جنگ؛ ل؛ خود هم اکنون درآیی بجنگ؛ (ل، ن، ب، ل، ن)؛ دگر اندرآیم به جنگ؛ ل، آ؛ هم اکنون برآیی جنگ؛ ل؛ من اکنون درآیم به جنگ)؛ متن = ف (نیز ق، و) ۱۸- ل، ل، س، ل، ل، س؛ (نیز ل، ل، آ، ب)؛ نخواهد ازین (ل؛ زین؛ س؛ نخواهد ازین) پس زمانی (ل، س، ل؛ زمان و) درنگ؛ (ل، ن، پ، ل، ن)؛ نخواهد بدستان زمانی درنگ)؛ متن = ف (نیز ق، و) ۱۹- س، ق؛ چنان چون بیاورد نامه ببرد؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۲۰- ل، ل، س، ق، ل؛ به؛ متن = ف، س؛ ۲۱- ل؛ گشادن گرفت؛ ل؛ سر بندها را کشیدند بند؛ متن = ف، س، ق، س؛ ۲۲- ل؛ نهاده همه رای دادن گرفت؛ س، ق؛ ز هر سو کشان شد کمان و کمند؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۲۳- ل؛ س؛ (نیز ق، ل، آ، ب)؛ کشیدند و؛ (ل، ن، ب، ل، ن)؛ بگشتند و؛ ل؛ بدین گونه؛ و؛ چنین ساز)؛ متن = ف ۲۴- (و؛ بسی خواستند؛ ق؛ مردان بسی خواستند؛ ل؛ مردان همی خواستند)؛ ل، س، ق، ل؛ (نیز ل، ل، ب، ل، آ، ب)؛ ز هر چیز (ل، ن، ب، ل، ن)؛ سختی بیاراستند؛ متن = ف، س؛ ۲۵- ف؛ گفتار اندر رزم بشن و لادن جنگ فربرز کاوس با پیران و سه و شکت شدن فربرز و لشکر ایرانیان؛ ل؛ رزم لشکر ایران و توران بانیه؛ س؛ جنگ ایرانیان با تورانیان و هزمت شدن ایرانیان؛ ق؛ رزم فربرز با پیران و هزمت فربرز کاوس؛ ل؛ جنگ پیران با فربرز و گودرزیدان؛ س؛ رزم ایرانیان با تورانیان بانیه؛ متن = آغاز ف (پس از تصحیح لادن به لاون) ۲۶- ل، ل، س، ق؛ [و]؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۲۷- ف؛ کشیدند و؛ ل؛ بگشتند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، ل، س؛ (نیز ل، و، ل، ن)؛ بگشتند و (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق؛ نگشتند؛ (ق، ل، ب، آ؛ نگشتند و)؛ متن = س؛ (نیز ل، ب) ۲۸- س، ل، ل، س؛ ز؛ متن = ف، ل، ق

<p>برفتند یکسر سوی رزمگاه<sup>۱</sup>  همی آسمان اندرآمد ز جای  ز گویال<sup>۴</sup> و تیغ و کمان و سینان  و گر آسمان با<sup>۷</sup> زمین گشت راست<sup>۸</sup>  ز بس زخم گرز و سینان و تبر<sup>۹</sup>  رد و موبد و مهتر<sup>۱۰</sup> مرز بود  که دریای خون بود<sup>۱۲</sup> هنگام جنگ<sup>۱۳</sup>  درفش از پس پشت بر<sup>۱۴</sup> قلبگاه  که از ما<sup>۱۵</sup> هنرها شد<sup>۱۶</sup> اندر نهفت  جهان بر بداندیش تنگ آورید<sup>۱۷</sup>  بخنددهمی گرز و رومی کلاه  چو باد خزان بگذرد بر<sup>۱۹</sup> درخت  زمین از پی پیل<sup>۲۱</sup> پامس<sup>۲۲</sup> شده ست  ز تیر و ز گرز و ز گرد سپاه  بکردار آتش به گرد اندرون  ستاره دل پیل<sup>۲۵</sup> جنگی شده ست  برآمدهمی از جهان رستخیز  خروشان و بر لب برآورده کف<sup>۲۷</sup>  کزیشان بُدی راه سود و زیان</p>	<p>خروشی برآمد ز هر دو سپاه  ز بس ناله‌ی بوق و کوس و درای<sup>۲</sup>  هم از<sup>۳</sup> یال اسپان و دست و عنان  تو گفתי جهان چون دم<sup>۵</sup> آژدهاست<sup>۶</sup>  نُبد پشه را روزگار گذر  سوی میمنه گیو گودرز بود  سوی میسره اشکش<sup>۱۱</sup> تیزچنگ  یلان با فریبرز کاوس شاه  فریبرز با لشکر خویش گفت  یک امروز چون شیر جنگ آورید<sup>۱۷</sup>  کزین<sup>۱۸</sup> ننگ تا جاودان بر سپاه  یکی تیرباران بکردند سخت  تو گفתי هوا پر<sup>۲۰</sup> کرگس شده ست  نُبد مرغ پرنده را<sup>۲۳</sup> جایگاه  درخشیدن<sup>۲۴</sup> تیغ الماس گون  تو گفתי زمین روی زنگی شده ست  ز بس نیزه و گرز و<sup>۲۶</sup> شمیر تیز  ز قلب سپه گیو شد پیش صف  ابا نامدارانِ گودرزبان</p>
--	--

۱- در ق بیت های ۹۰۶-۹۰۸ در هم ریخته اند: ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸ ۲- ل، س، ل، س: هندی داری: متن = ف، ق ۳- ل، س، ق (نیز ل، ب، ل، س): همه: ل، س: (نیز ل، و، ب): همان: متن = ف (نیز ق) ۴- ف، س: کویال ۵- ل: دادنر: س، ق (نیز ل، ب، ل، س): دردم: س: (نیز ق، ب): کاهنر: متن = ف ۶- ل: یکسر از آهن است ۷- ل: بر: متن = ف، س، ق، ل، س: ۸- ل: دشمن است ۹- ل، ل: (نیز ل، آ): گرز و تیغ و سینان و سپر: س: (نیز ل، ب، ل، س): گرد و گرز و کمان (س: کمان) و تبر: متن = ف (نیز و): س، ق این بیت را ندارند ۱۰- س: مهتر و موبد: در س: این بیت با بست سپین پس و پیش شده است ۱۱- ف (نیز ل): اشکش: ل، ق (نیز و، ل، آ، بندازی): اشکش: متن = ل، س: (نیز ل، ق، ل، ب، ب) ۱۲- ق (نیز ل، ب، ل، س): راند: س: بد به: متن = ل، ل: (نیز ل، آ، ب) ۱۳- ف (نیز ق): که در جنگ بودی بدان پلنگ: س بیت های ۹۱۲-۹۱۴ را ندارد ۱۴- ل، ق، ل، س: (نیز ل، و، آ، ب): در: متن = ف (نیز ل، س) ۱۵- ل: که ما را: متن = ف، ق، س: ۱۶- ل: که ما از (ب از ما) هنرهاست ۱۷- ل، ل، ل، س: آوریم: متن = ف، س، ق ۱۸- ق: کزان ۱۹- ل: خزانی که ریزد: ل: بریزد بر: متن = ف، س، ق، س: ۲۰- ق: برز ۲۱- س: ستاره همی رنگ ۲۲- ف: جامس: ل: جامس (حرف یکم نقظه ندارد): س (نیز و): اطلس: ق (نیز ل، ب، ل، س): اطلس: ل: (نیز ل، آ): چون خس: س: برخس: (ب: بابس (حرف یکم نقظه ندارد)): متن تصحیح قیاسی است ۲۳- ل، ق: نبد بر هوا مرغ را: ل: نبد بر پرنده همی: متن = ف (نیز ب): س: این بست را ندارد: س بیت های ۹۱۹-۹۲۱ را ندارد ۲۴- ل: درخشیدن: ق: درخشان همی: ل، س: درخش سر: متن = ف: در س: بیت های ۹۲۰-۹۲۲ در هم ریخته اند: ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲: ل: ۲۵- س: سواران ۲۶- ق: تیر و گرز و ۲۷- س: خروشان شد و بر لب آورد کف



<p>همی ز آهن آتش فرورختند  چو نهصد تن از تخم پیران بکشت،  که از لشکر گشن برخاست گرد<sup>۲</sup>،  بر آن گرزداران و شیران نیو  بر آن نامداران<sup>۱</sup> جوشن و ران  به گرز و به شمشیر در یک زمان<sup>۵</sup>  ز بس کشتگان، شد زمین<sup>۷</sup> ناپدید  بنگداشت<sup>۹</sup> آن جایگه را<sup>۱۰</sup> که داشت  که با<sup>۱۲</sup> قلبگه جُست باید نبرد  گریزان بیاید<sup>۱۵</sup> ز پشت<sup>۱۶</sup> سپاه  به چنگ آید آن رزمگاه و<sup>۱۸</sup> بُنه  به چنگ فریرز کاوس شاه  شکست اندر آمد به رزم گوان  نبودند<sup>۲۰</sup> گستاخ با رای<sup>۲۱</sup> خویش  ز گردان ایران بُند کس به پای  ز پیگار شد دیده هاشان<sup>۲۴</sup> بنفش  از آن کارزار انده آمد<sup>۲۵</sup> به مشت  نبود ایچ<sup>۲۶</sup> پیدا رکیب از عنان  ز خون دشت و کوه و در<sup>۲۸</sup> آغشته بود  فریرز بر<sup>۳۰</sup> دامن کوه شد</p>	<p>به تیغ و به نیزه برآویختند  چو شد<sup>۱</sup> رزم گودرز و پیران درشت  چو دیدند لَهاک و فرشیدورد  یکی حمله بردند<sup>۳</sup> بر سوی گیو  بیارید تیر از کمان سران  فگنند از آن پس به بازو کمان  چنان شد که کس روی کشور<sup>۶</sup> ندید  یکی پشت بر<sup>۸</sup> دیگری برنگاشت  چنین گفت هومان به<sup>۱۱</sup> فرشیدورد  فریرز باید کز آن<sup>۱۳</sup> قلبگاه<sup>۱۴</sup>  پس آسان بود<sup>۱۷</sup> جنگ با میمنه  برفتند پس تا به قلب سپاه  ز هومان<sup>۱۹</sup> گریزان بشد پهلوان  بدادند گردنکشان جای خویش  یکایک به دشمن سپردند جای  ندیدند<sup>۲۲</sup> بر جای کوس<sup>۲۳</sup> و درفش  دلیران به دشمن نمودند پشت  نگون گشت کوس و درفش و سنان  گذرشان به<sup>۲۷</sup> پیگار برگشته بود  چو دشمن ز هر سو پُر<sup>۲۹</sup> انبوه شد</p>
---	--

۱- س، ق: بید؛ متن = ف، ل، ل، ل، س؛ بنداری: قتل فیها تسعمائة نفس من اقارب هومان ۲- ق: چنان پایداری از آن شبرمرد ۳- ق: همه حمله کردند ۴- ف، س، ل، س؛ (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن)؛ نامداران و: متن = ل، ق (نیزل، آ، ب) ۵- س، ق: به شمشیر بردند دست آن زمان؛ متن = ف، ل، س؛ (نیزق، ل، آ)؛ ل این بیت را ندارد ۶- ل: هامون؛ س: لشکر ۷- س: جهان ۸- ل: روی از آن؛ س: روی از ۹- ل، س؛ (نیزل، و، آ، ب): نه بگذاشت؛ متن = ف، س، ق، ل؛ (نیزلن، ب، لن) ۱۰- ل: از آن جایگاهی ۱۱- س: و ۱۲- ل: بر؛ س: در ۱۳- س: که از ۱۴- ل: رزمگاه ۱۵- ق: بسپوید؛ ل: براند ۱۶- س: ز قلب؛ ق: ز پیش؛ س: به پیش؛ (ل، و، ب: به پشت)؛ متن = ف، ل، ل؛ (نیزلن، ل، ب، لن، آ) ۱۷- س: شود ۱۸- س، س: بجنگ اندرون رزمگاه و؛ ل: بجنگ اندرآرم سپه با ۱۹- ق: ترکان ۲۰- ف: ق: بودند (حرف یکه نقطه ندارد)؛ متن = س ۲۱- س: با رای گستاخ؛ ق: گستاخ بر پای؛ متن = ف، ل، س؛ ل این بیت را ندارد ۲۲- ل: بنانند؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س؛ (نیزلن- ب) ۲۳- ل: بیل ۲۴- ل: ز پیکارشان دیده هاشان؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ ۲۵- س، ق: کار (ق: رزم) بیاد اندر آمد؛ متن = ف، ل، ل، ل، س؛ ۲۶- س، س: نیند هیچ؛ متن = ف، ل، ق، ل؛ ۲۷- س، ق، ل، ل؛ (نیزق، ل، آ، ب): که دلشان (ل: دها) ز؛ س؛ (نیزو): که سرشان ز؛ متن = ف (نیزلن، ب، لن) ۲۸- س: ز خوششان در و دشت؛ ل؛ (نیزو): ز خون سران (و: گوان) دشت؛ س؛ (نیزق)؛ ز خون دشت همچون گل؛ (لن، ب، ل): ز خون دشت و کوه اندر؛ متن = ف، ق (نیزل، آ، ب): ل این بیت را ندارد ۲۹- ل: به ۳۰- ق: تا

- ۹۴۵ برفتند از ایرانیان هر که زیست  
همی بود بر جای گودرز و گیو  
چو گودرز کشواد بر<sup>۵</sup> قلبگاه  
ندید و یلان سپه<sup>۶</sup> را ندید  
عنان کرد پیچان به راه گریز  
بدو گفت گیو: ای سپهدار پیر  
اگر تو ز پیران بخواهی گریخت  
نماند کسی زنده اندر جهان  
ز مردن مرا و ترا چاره نیست  
چو پیش آمد این روزگار درشت  
نیچیم ازین<sup>۱۳</sup> جایگه سرز<sup>۱۴</sup> جنگ  
۹۵۰ ز دانا تو نشیدی این<sup>۱۶</sup> داستان  
که گر دو برادر نهد<sup>۱۷</sup> پشت پشت<sup>۱۸</sup>  
تو باشی و هفتاد جنگی پسر  
به خنجر دل دشمنان بشکنیم
- ۹۶۰ چو گودرز بشنید گفتار<sup>۲۳</sup> گیو  
پشیمان شد از دانش و رای خویش  
گرازه برون آمد و گشته<sup>۲۴</sup>  
بخوردند سوگندهای گران
- بر آن<sup>۲</sup> زندگانی بیاید<sup>۳</sup> گریست  
ز لشکر بسی نامداران<sup>۴</sup> نیو  
درفش فریرز کاوس شاه،  
بکردار آتش دلش بردمید  
برآمد ز گودرزبان رستخیز  
بسی دیده<sup>۷</sup> یی گرز و گوپال<sup>۸</sup> و تیر  
بیاید به سربر<sup>۹</sup> مرا خاک ریخت<sup>۱۰</sup>  
دلیران و از کار دیده<sup>۱۱</sup> میهان  
درنگی تر از مرگ پتیاره نیست  
ترا روی بینند بهتر که پشت<sup>۱۲</sup>  
نیارم بر خاک<sup>۱۵</sup> کشواد ننگ  
که برگوید از گفته ی باستان،  
تن کوه را خاک<sup>۱۹</sup> ماند به مشت  
ز دوده<sup>۲۰</sup> بسی نیز شیران نر<sup>۲۱</sup>،  
و گر کوه باشد ز بن<sup>۲۲</sup> برکنیم
- بدید آن سر و ترگ خویشان<sup>۲۴</sup> نیو،  
بفشارد<sup>۲۵</sup> بر جایگه پای خویش  
ابا برنه و زنگه ی یل بهم<sup>۲۶</sup>  
که پیمان شکستن نبود اندر آن<sup>۲۷</sup>

۱- ل: ز؛ ل: [از]؛ س: برهنه از ۲- ق: بدان ۳- ف: زندگی زار باید؛ (ب: زندگان بر بیاید)؛ متن = ل- س: (نیز ل- ب، ل: آ) ۴- ل: نامبردار ۵- س: در ۶- ل: درفش یلان؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز ل- ب) ۷- ل: دیده از ۸- ف- س: کوبال ۹- ق: بر سر بر بیاید ۱۰- س، س: (نیز ل: ق، ل، ب، ل: ب)؛ بیخت (؟)؛ متن = ف، ل، ق، ل: (نیز ل، و، آ) ۱۱- ل: و کار آزموده؛ ق، ل، س: وز کار دیده؛ متن = ف، س؛ در ل: الت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۲- ف، ل: ز پشت؛ س، س: ننگه کن که چون بهتر آید به مشت؛ ق (نیز ل: ب، ل: ب)؛ بریزند خون بهتر آید ز پشت؛ متن = ل (نیز ق، ل، و، آ) ۱۳- س: از آن؛ متن = ۱۴- ل: نیچیم زین جایگه سوی؛ متن = ف، ق، ل، س: ۱۵- ل: تخم ۱۶- ف، ل: آن؛ متن = س، ق، ل، س: ۱۷- ق: دهد؛ ل، س: نهد؛ متن = ف، ل، س: ۱۸- ل: پشت به پشت (!) ۱۹- ل: (نیز ب، راوندی، ص ۱۰۲، س ۱۵)؛ سنگ؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز ل: ب، آ) ۲۰- ل: ستوده؛ متن = ۲۱- ل: ستوده بسی نامور؛ س: بسی زنده یلان نر؛ ق: بسی یل و شیران نر؛ متن = ف، س: ۲۲- ق: باشندین ۲۳- س: آواز ۲۴- ل: (نیز ل: ب)؛ بیدار؛ س، ل، س: (نیز ق، ل، آ)؛ گردان؛ ق (نیز ب)؛ جوشان؛ متن = ف (نیز ل: ب، ل: ب) ۲۵- س، ل، س: بفشرد؛ متن = ف، ل، و، ۲۶- ف: همان اشکش و برنه و کزدهم؛ س: ابا زنگه و برنه هر دو به؛ ل، س: (نیز ق، ل، آ)؛ ابا برنه (س: بوته) و زنگه آمد بهم؛ (ل: ب، ل: ب)؛ ابا برنه و گرد زنگه بهم؛ ل: ابا زنگه و برنه و ابرهم؛ و: ابا و برنگان زنگه آمد بهم؛ متن = ل، ق (نیز ب) پس از نصیح برنه به برنه؛ بنداری: فانضم الیهم زنگه بن شاوران و گشتهم و جماعه من مقمسی الایرانیین ۲۷- س: نباید در آن

گر از تیغ <sup>۱</sup> خون اندرآید به جوی	کزین رزمگه برنتابیم روی	
به رزم اندرون گرز بگزارند <sup>۴</sup>	از آن <sup>۲</sup> جایگه ران بیفشاردند <sup>۳</sup>	۹۶۵
زمانه همی <sup>۵</sup> بر بدی گشته شد	ز دشمن بسی ناموره <sup>۵</sup> گشته شد	
کز ایدر برو تیز <sup>۷</sup> با گرز و <sup>۸</sup> تیر <sup>۹</sup>	به بیژن چُنین گفت گودرز پیر	
به پیش من آر اختر کاویان	به سوی فریبرز برکش میان	
بیاید کند روی دشمن بنفش	مگر <sup>۱۰</sup> خود فریبرز با آن درفش	
بیامد بکردار آذرگُشپ،	چو بشنید بیژن برانگیخت اسپ	۹۷۰
که ایدر چه داری سپه در <sup>۱۲</sup> نَهت؟	بنزد فریبرز با او <sup>۱۱</sup> بگفت	
سواران و این <sup>۱۴</sup> تیغ‌های بنفش	اگر <sup>۱۳</sup> تو نیایی به من ده درفش	
تو در کار تندی و در جنگ <sup>۱۵</sup> نو	یکی بانگ برزد به بیژن که رو	
همین <sup>۱۷</sup> پهلوانی و تخت و کلاه <sup>۱۸</sup>	مرا شاه داد <sup>۱۶</sup> این درفش و سپاه	
نه اندر جهان سربسر نیو نیست	درفش از در بیژن گویو نیست	۹۷۵
بزد ناگهان بر میان درفش <sup>۱۹</sup>	یکی تیغ بگرفت بیژن بنفش	
یکی نیمه برداشت گرد <sup>۲۱</sup> از میان	به دو نیم <sup>۲۰</sup> کرد اختر کاویان	
چو ترکان بدیدند اختر به راه <sup>۲۳</sup> ،	بیامد که آرد <sup>۲۲</sup> بنزد سپاه	
همه سوی بیژن <sup>۲۵</sup> نهادند روی	یکی شیردل لشکری <sup>۲۴</sup> جنگ جوی	
به پیگار آن کاویانی درفش	کشیدند گوپال <sup>۲۶</sup> و تیغ بنفش	۹۸۰
که نیروی ایران بدان <sup>۲۸</sup> اندرست	چُنین گفت هومان که آن <sup>۲۷</sup> اخترست	
جهان پیش کاوس <sup>۲۹</sup> تنگ آوریم	درفش بنفش ار به چنگ آوریم	

۱- ل. ق. ل. س. : گرز؛ متن = ف. س. س. ق. ل. س. : (نیز ل. ب. ل. آ) پس از این بیت افزوده اند:

همه یکسره پشت پشت آوریم مگر نام رفته (ل. آ: دشمنان را) به مشت آوریم

ف. ل. (نیز و ب) این بیت را ندارند ۲- ل. ل. : وزان؛ س. س. : بدان؛ ق. بران؛ متن = ف ۳- س. ق. ل. س. : پای (ق: پشت) بفشارند؛ متن = ف. ل. ۴- ل. س. : بگذارند؛ متن = ف. س. ق. ل. ۵- ل. زهر سو سپه بی کران؛ س. ز ایران بسی ناموره؛ متن = ف. ق. ل. س. ۶- ق: همه ۷- ف. ل. رود؛ متن = س. ق. ل. س. (نیز ل. ب) ۸- ل. برسان؛ متن = ف. س. ق. ل. س. (نیز ل. ب) ۹- (ق: که بشتاب از ایدر بکردار تیر) ۱۰- ق: همه ۱۱- ل: رفت و ۱۲- ل: سراندر؛ س این بیت و بیت سپین را ندارد؛ ل. ق. (نیز ل. آ. ب) پس از بیت ۹۷۱ افزوده اند:

عنان را چو گردان یکی برگرای برین کوه سربسرفزون زین (ف. ل. آ: فزونی) میبای

۱۳- ق: وگر ۱۴- ل. س. : آن ۱۵- س: کنار (!) ۱۶- س: دادشاه ۱۷- ل: همان ۱۸- س: و همه تخت و گاه ۱۹- ف. س: به پیکار آن کاویانی درفش (= ۹۸۰ ب): متن = ل. ق. ل. س. (نیز ل. ب): بنداری (۹۷۶-۹۷۸): فغضب بیژن و استشاط و مسل سیغه و ضرب الدرفش فقطعه بنصفین. و أخذ أحد النصفین وأقبل به الی المعترک ۲۰- ل: نیمه ۲۱- س. ق. (نیز ل. ب. ل. ن): زیر نیمه برداشتش؛ ل. س. (نیز ل. آ): برین نیمه برداشت گرد؛ متن = ف. ل. (نیز ق) ۲۲- س. ل. : آید ۲۳- ق: چو دیدند ترکان بنفش سپاه؛ ل این بیت را ندارد ۲۴- ف. س: لشکر؛ متن = ل. ق. ل. س. ۲۵- س: پیشه (ب: بیژن) ۲۶- ف- س: کوبال ۲۷- س: این ۲۸- س: بدو؛ ل این بیت را ندارد ۲۹- س. ل. س. (نیز ل. آ): ابر دشمنان کار؛ ق. (نیز ل. ب. ل. ن): جهان جمله بر شاه: (ق: جهان پیش خسرو به): متن = ف. (نیز و ب): ل این بیت را ندارد

<p>بریشان یکی تیرباران بکرد همی گرگ درنده را سور کرد<sup>۲</sup> سواران که بودند با او هم ربودن ازیشان همه<sup>۵</sup> تاج و گاه برفتند بسیار نيزه‌وران<sup>۶</sup> بیامد به ره<sup>۹</sup> بیژن نامدار<sup>۱۰</sup> گرامیگان<sup>۱۱</sup> برگرفتند راه<sup>۱۱</sup> به دست اندرون اختر کاویان هوا شد ز گرد سواران بنفش برآن دشت رزمی نو آراستند<sup>۱۲</sup> که کاوس را بود فرزند نیز<sup>۱۳</sup> نیاز فریبرز و جان پدر بسی نامور جامه کردند چاک که ای نامداران و گردان نیو، به پیش فریبرز<sup>۱۷</sup> کاوس شاه<sup>۱۸</sup> سه تن کشته شد زار بر خیرخیز<sup>۲۱</sup> ز<sup>۲۳</sup> گیتی فزون زین شگفتی چه چیز؟ به دشمن رسد شرم دارد روان<sup>۲۴</sup> شکست اندرآید به ایران سپاه<sup>۲۸</sup> به ترکان رسد در صف کارزار</p>	<p>کمان را به زه کرد بیژن چو گرد سپه را به تیر از برش دور کرد<sup>۱</sup> بگفتند با گیو و با گشته<sup>۳</sup> [که مان<sup>۳</sup> رفت باید به<sup>۴</sup> توران سپاه ز گردان ایران دلاورسران [بگشتند ازیشان<sup>۷</sup> فراوان سوار<sup>۸</sup> ] و ز آنجایگه تا بنزد سپاه [همی رفت بیژن چو شیر زیان سپاه اندرآمد به گرد درفش دگر باره از جای برخاستند به پیش سپه گشته شد ریوتیز یکی تاجور شاه<sup>۱۴</sup> کهر پسر سر و تاج او اندرآمد به خاک از آن<sup>۱۵</sup> پس خروشی برآورد گیو چُن اویی<sup>۱۶</sup> نبود اندرین رزمگاه نبیره پسر پیش<sup>۱۹</sup> کاوس پیر<sup>۲۰</sup> فرود و سیاوخش و<sup>۲۲</sup> چون ریوتیز اگر تاج آن<sup>۲۴</sup> نورسیده<sup>۲۵</sup> جوان اگر من بجنم ازین رزمگاه<sup>۲۷</sup> نباید که آن<sup>۲۹</sup> افسر شاهوار<sup>۳۰</sup></p>	<p>۹۸۵ ۹۹۰ ۹۹۵ ۱۰۰۰</p>
--	--	-------------------------------------

۱- ل: سپه یکر از تیر او دور شد؛ متن = ف، س، ق، س، ۲- ل: شد؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ س در اینجا سرنویس دارد: جنگ بیژن با ترکان از بهر اختر کاویان و آوردن آن بنزد گیو ۳- س: کنون؛ س: که ما؛ متن = ف، ل ۴- ق: که از ما برفتند ۵- ل: همی؛ ق: ربودن کنند آرزو؛ ل<sup>۱</sup> (نیز و ب) این بیت را ندارند ۶- ق: با گرگ‌های گران ۷- ل: زیشان ۸- س: سران ۹- ل: زره؛ س: بر؛ متن = ف، س، ق ۱۰- س: ایدرمان؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۱۱- ل، ل: بیتهای ۹۸۹ و ۹۹۰ را ندارند ۱۲- ف، س، س: (نیز ل<sup>۲</sup>، پ، و، ل، ن، ب): بیاراستند؛ متن = ل، ل، ق (نیز ل، ق، آ، ل، آ) ۱۳- ف- س: (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ): بد چو جان عزیز؛ (ل، ل، ن، آ: بود فرزند و چیز؛ ب: به گیتی شگفتی فزون زان چه چیز (= ۹۹۹ ب))؛ متن = (ب) ۳۹۸؛ بنداری (۹۹۳-۹۹۵): فقتل ریوتیز کیکاوس. و هو أصفربنیه، فهوی الی الأرض صریحا و تعفر تاجه ۱۴- ل: شاه و؛ ق: بود؛ متن = ف، ل، س، ۱۵- س، ل: وزان ۱۶- ل: چنوی؛ س: چنوکس؛ ق، س: چنویی؛ ل: جز او خود؛ متن = ف ۱۷- ق: فریبرزو؛ متن = س، ل ۱۸- ل، س: جوان و سرافراز و (س: [و]) فرزند شاه ۱۹- ل: نبیره جهاندار ۲۰- س: کاوس شاه ۲۱- ل: خیره خیر؛ س: اندرین رزمگاه؛ ق: کشته گشتند بر خیرخیز؛ متن = ف، ل، س، ۲۲- ف: فرود سیاوش (= سیاوش) و؛ ل: فرود سیاوش (= سیاوش)؛ س: فرود سیاوخش و؛ متن = ق ۲۳- ل، س: به؛ متن = ف، ق، س، ل این بیت را ندارند ۲۴- س: این ۲۵- ل (نیز ل): نارسیده؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز ق، آ، و، آ، ب) ۲۶- ق: از آن ۲۷- ق: وگر من بیچم ز ایران سپاه ۲۸- ف: بابر سیاه (!)؛ ق: بدین رزمگاه؛ س: به پیش فریبرز کاوس شاه (= ۹۹۷ ب)؛ متن = ل، ل، س: (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ، ب) ۲۹- ف، س، ل، آ، س: این؛ متن = ل، ق ۳۰- ل- س: (نیز ل- ب، آ): شهریار؛ متن = ف (نیز و ب)

فزاید برین<sup>۱</sup> ننگ‌ها ننگ نیز ازین<sup>۲</sup> افسر و گشتن ریویز<sup>۳</sup>

چنان بُد که بشنید آوای<sup>۴</sup> گیو  
 ۱۰۰۵ برآمد به نوی<sup>۵</sup> یکی کارزار  
 فراوان ز هر دو سپه کشته شد  
 برآوخت چون شیر بهرام<sup>۶</sup> گرد  
 به نوک سینان تاج را برگرفت  
 همی بود از آن<sup>۱۱</sup> گونه تا تیره گشت<sup>۱۲</sup>  
 ۱۰۱۰ چُنین<sup>۱۵</sup> هر زمان نو<sup>۱۶</sup> برآشوفتند<sup>۱۷</sup>  
 ز گودرزبان هشت<sup>۱۹</sup> تن<sup>۲۰</sup> زنده بود  
 هم از تخمهی گیو چون<sup>۲۲</sup> بیست و پنج<sup>۲۳</sup>  
 هم از تخم کاوس هشتاد<sup>۲۴</sup> مرد  
 جز از<sup>۲۵</sup> ریویز آن گو نامدار<sup>۲۶</sup>  
 ۱۰۱۵ ز خویشان<sup>۲۸</sup> پیران چو نصد سوار<sup>۲۹</sup>  
 چو سیصد تن از تخم افراسیاب  
 همان<sup>۳۲</sup> دست پیران بُد و روز<sup>۳۳</sup> اوی<sup>۳۴</sup>  
 بُد روز پیگار ایرانیان  
 از آوردگه روی برگاشتند

۱- ق: بدین؛ س: ازین؛ متن = ف، ل، س، ل. ۲- ق: از آن ۳- س: سه تن کشته شد زار بر رستخیز ۴- ل، س: آواز؛ س: چو لشکر شتوند آواز؛ ق: چو این گفته بشنید از آواز؛ متن = ف، ل ۵- س: سپهد سرافراخت ز آواز نیو ۶- ف- س: نوی؛ متن تصحیح قیاسی است ۷- س: سرو ۸- س: ایرانیان؛ ق: بسیار کس؛ متن = ف، ل، ل، س: درق لت های این بیت پس و پیش شده اند ۹- س: رهام؛ بنداری؛ فباده بهرام ۱۰- س، س: بدو در بمانده؛ ل: بمانده ازو در؛ متن = ف، ل، ق ۱۱- ل: زان؛ س: ازین؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۲- س: شد ۱۳- س: همه ۱۴- ل: تیره گی؛ درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵- س، س: چنان؛ متن = ف، ل، ق، ل ۱۶- ل، ل، س، ل: زمانی؛ متن = ف، ق، س ۱۷- ل: برآوختند ۱۸- ل: ریختند ۱۹- ل (نیز ل، ق، پ، ل، ن): هفت؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز ل، ل، و، آ، ب)؛ بنداری: حتی لم یبق من ثمانیه و سبعین اصبهذما من اولاد جوذر ز غیر ثمانیه افسس ۲۰- ف: کس؛ متن = ل- س (نیز ل- ب) ۲۱- ق: بدان ۲۲- (و: گیوگان) ۲۳- س، س: (نیز و)؛ شصت و پنج؛ (ق، ل، س: شصت و پنج)؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- ل: هفتاد؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز ق، ل، ب) ۲۵- ف (نیز و)؛ بجز؛ متن = ل- س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۶- ل: سر تاجدار؛ س، س: شه نامدار؛ (ل، ل، پ، ل، ن): گو تاجدار؛ متن = ف، ق، ل (نیز ق، ل، و، آ، ب) ۲۷- ل، س: کسی در؛ ل، س: (نیز ل، آ): یکی در؛ متن = ف، ق (نیز ل، ل، پ، و، ل، ن، ب) ۲۸- ل: پیوند ۲۹- در ف به زبریکه ۳۰- س، ل: درین؛ ق: در آن؛ س: ازین؛ متن = ف، ل ۳۱- س: رزم و آن روز گار؛ درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳۲- س: همه ۳۳- س: روی (پساوند ندارد) ۳۴- ل، س، ق، ل: او؛ متن = ف، س ۳۵- ل: از آن؛ ق (نیز ل، پ، ل، ن): همان؛ س: بی؛ متن = ف، س، ل (نیز ل، ل، و، آ) ۳۶- ل: جنگ جستن؛ س (نیز ب): سود جستن؛ ق، ل، س (نیز ل، ل، پ، ل، ن، آ): رزم جستن؛ متن = ف (نیز ق، و)؛ س در اینجا سرنویس دارد: هزمت شدن ایرانیان ز لشکر تورانیان ۳۷- ل: همی؛ ق: همان؛ متن = ف، س، ل؛ س: این بیت را ندارد

۱۰۲۰ بدانگه کجا<sup>۱</sup> بخت برگشته شد  
 پیاده همی رفت<sup>۳</sup> نیزه به دست  
 چو بیژن به گُستَهَم نزدیک شد  
 بدو گفت: هین برنشین از پسم  
 نشستند هر دو بر آن<sup>۵</sup> بارگی  
 همه سوی آن دامن کوهسار  
 ۱۰۲۵ سواران ترکان همه شاددل  
 به لشکرگه خویش بازآمدند  
 ز گردان ایران برآمد خروش  
 دمان بارهی گُستَهَم<sup>۲</sup> گشته شد،  
 ابا جوشن و خود برسان مست  
 - شب آمد رخ<sup>۴</sup> روز تاریک شد-  
 گرمی تر از تو نباشد کم  
 چو<sup>۶</sup> خورشید شد<sup>۷</sup> تیره یکبارگی،  
 گریزان برفتند برگشته<sup>۸</sup> کار  
 ز تندی و<sup>۹</sup> غم گشته آزاد دل  
 گرازنده<sup>۱۰</sup> و بزمساز<sup>۱۱</sup> آمدند  
 همی کر شد از ناله ی کوس<sup>۱۲</sup> گوش

### گفتار اندر داستان بهرام گودرز<sup>۱۳</sup>

۱۰۳۰ دوان رفت بهرام پیش پدر  
 بدانگه که آن تاج برداشتم  
 یکی تازیانه ز من گم شده است  
 به بهرام بر چند باشد فوس  
 نبشته بر آن<sup>۱۷</sup> چرم نام من است  
 شوم تیر<sup>۱۹</sup> تازانه بازآورم  
 ۱۰۳۵ مرا این بد از اختراید<sup>۲۲</sup> همی  
 بدو گفت گودرز و گیو<sup>۲۳</sup>: ای پسر  
 که ای پهلوان کیان<sup>۱۴</sup> سربسر  
 به نیزه به ابر اندر افراشتم<sup>۱۵</sup>،  
 چو گیرند بی مایه ترکان به دست،  
 جهان پیش چشم شود آبوس<sup>۱۶</sup>  
 سپهدار پیران بگیرد به دست<sup>۱۸</sup>  
 اگر<sup>۲۰</sup> چند رنج<sup>۲۱</sup> دراز آورم  
 که نامم به خاک اندرآید همی  
 همی<sup>۲۴</sup> بخت خویش اندر آری به سر

۱- ق: وز آنجایگه؛ ل: بدانجایگه ۲- ق: که گستم را بارگی  
 ۳- ف: رفت و؛ متن = ل- س<sup>۱</sup> ۴- ل، ق، ل، آ، س<sup>۲</sup> (نیزلن، ل،  
 ل، پ، لن، آ، ب): همی؛ س: همان؛ (ق: همه)؛ متن = ف (نیزو)  
 ۵- ق، س: بدن؛ متن = ف، ل، س، ل<sup>۱</sup> ۶- ل: که ۷-  
 ق: شد روز ۸- س، ق، ل، آ، س: و برگشت؛ متن = ف، ل  
 ۹- ل: ز رنج وز؛ ق: ز بند وز؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۱۰- ف:  
 فرازنده؛ (ق: گرازیده)؛ متن = ل- س<sup>۱</sup> (نیزهشت دستنویس دیگر)  
 (نیز ل، آ، ب)؛ بنداری؛ وانصرف ببران مع أصحابه الی مضاربهم بالظفر و السرور ۱۲- ق: ناله و آه؛ ل، آ، س: ناله زار؛ متن = ف، ل،  
 س ۱۳- ف: گفتار اندر داستان بهرام گودرز و رفتن او بطلب تازیانه و کشته شدن بر دست تراو؛ ل: داستان بهرام با تراو و کشته شدن بهرام؛  
 س (چند بیت پایین تر)، ق، س: رفتن بهرام گودرز بطلب تازیانه و کشته شدن او (س: کشته شدنش بر دست تراو)؛ ل: رفتن بهرام بطلب  
 تازیانه؛ متن = آغاز ف ۱۴- ل، ل، آ، ق (نیز ل، آ، ب): یلان؛ س، س<sup>۱</sup> (نیزلن، ق، آ، ل، آ، ب، و، لن، آ): جهان؛ متن = ف ۱۵- س: به  
 بالا برافراشتم؛ در ف این بیت با بیت سیمین پس و پیش شده است ۱۶- س این بیت را ندارد؛ ق پس از این بیت افزوده است:  
 درآید مرا نام مردی به خاک  
 ازین غم کنم جامه بر خویش چاک  
 ۱۷- ف: از (و- آن)؛ متن = ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۱۸- ق: بگیرد سپهدار ترکان بدست؛ متن = ف، ل، آ، س: ل، س این بیت را ندارند؛ بنداری:  
 حتی یقع فی ید بیران او غیره من أصحابه ۱۹- ق: زود و؛ ل: تیر و؛ س: زود؛ س: روم پیش و؛ متن = ف، ل ۲۰- س، س: آ:  
 وگر ۲۱- ف، س، س<sup>۱</sup> (نیز ق، آ، و، ب): رزم (؟)؛ متن = ل، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، ل، آ، ب، لن، آ) ۲۲- ف، ل، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز ق، آ،  
 ل، ل، آ، ب): این به (ل، ل، آ، ز؛ س، س، آ، از؛ ل، آ، ب) اختر بد آید (پساوند ندارند)؛ متن = ق (نیزلن، پ، و، لن، آ) ۲۳- س: بدو پیر گودرز  
 گفت؛ ق: بدو گفت گودرز پیر؛ متن = ف، ل، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۲۴- س: همه

ز بهر یکی چوب بسته دَوال  
 چُنین گفت بهرامِ جنگی که من  
 به جایی<sup>۳</sup> توان مُرد کاید زمان<sup>۴</sup>  
 بدو گفت گیو: ای برادر مشو  
 یکی شوشه‌ی<sup>۷</sup> زر به سیم<sup>۸</sup> اندرست<sup>۹</sup>  
 فریگیس<sup>۱۱</sup> چون گنج بگشاد سر  
 من این<sup>۱۴</sup> درع و تازانه<sup>۱۵</sup> برداشتم  
 یکی نیز بخشید کاوس شاه  
 دگر پنج دارم همه زرنگار  
 ترا بخشم این هفت<sup>۲۰</sup> از<sup>۲۱</sup> ایدر مرو  
 چُنین گفت با گیو بهرامِ گرد  
 شما را ز رنگ<sup>۲۳</sup> و نگارست گفت  
 گر ایدونک<sup>۲۵</sup> تازانه بازآورم  
 برو<sup>۲۹</sup> رای یزدان دگرگونه بود  
 هر آنکه که بخت اندرآید به خواب

بزد<sup>۳۲</sup> اسپ و آمد بدان<sup>۳۳</sup> رزمگاه  
 درخشان شده روی گیتی ز ماه

۱- س: شوم ۲- س: بد به فال: ق: بدنهال: س: نیک فال: متن = ف، ل، ل ۳- ل: بد انجا: متن ← ۴- ف، س: (نیزق)؛  
 (و اگر آمدستم (و: ماندستم) زمان این (ق: بد انجا) زمان: متن = ل، س، ق (نیزق، ل، ب، آ، ب) ۵- ل: چنان ۶- ف، س: (نیزق،  
 آ): راند: متن = ل، س، ق، ل (نیزق، ب) ۷- ف (نیزق): شمشه (→ شفته): ق، س: (نیزق): شفته: (ل، ب، ل: دسته را):  
 متن = ل، س، ل (نیزق، ل، آ، و، آ، لغت شهنامه، شماره ۷۷۹) ۸- س: زرو سیم: ل: سیم و زر ۹- ف، س، ل (نیزق، ل):  
 ایدرست: متن = ل، ق، س (نیزق، ق، ل، آ، لغت شهنامه) ۱۰- ف: دوشیش (→ شیش): س (نیزق، آ): دو شوشه: ل: دوشیش  
 (→ شیش): س: دو دستش: (ل، ب، ل: دو دسته: ق: دوالتش: و: دو شفته): متن = ل، ق (نیزق، ب، لغت شهنامه) ۱۱- ف، ل،  
 س، س (نیزق، ل، و): فریگیس (حرف سوم نقطه ندارد): ق، ل (نیزق، ل، ب، ل، آ، ب): فریگیس: متن تصحیح قیاسی  
 است ۱۲- س: چندین ۱۳- س: سلاح: ف، س: (نیزق) پس از این بیت افزوده‌اند:  
 فریگیس بگشید آن مرمر را که آن سیوش بُد (س: بد آن) مهنرا  
 یکی درع دیگر بخشید نیز سیاوش (ف: سیاوش) را بُد چونان (ق: بشه داشتن آن) عزیز  
 ۱۴- ل: من آن: س، ل: یکی: متن = ف، ق، س ۱۵- س: هر دو زان جای ۱۶- س: ترکان ۱۷- س، ل: در ۱۸-  
 ق: ز گوهر بمان فروزنده ماه ۱۹- س: این بیت و بیت سپین را ندارد ۲۰- ل: پنج ۲۱- ل: ز ۲۲- ل، ل، ل، س: خورد:  
 متن = ف، س، ق ۲۳- س: نقش ۲۴- س: شدننگ با نام: ق: با ننگ شدن نام: متن = ف، ل، ق، ل ۲۵- س:  
 ایدونکه ۲۶- س: وگرنه ۲۷- س، ق: به ۲۸- س: کوشش فراز ۲۹- ف، س: بر آن: (ق: بدان: ب: بدو): متن = ل،  
 س، ق، ل (نیز هفت دستویس دیگر) ۳۰- ف، س: (نیزق): همان بخت بهرام: ل: همان بخشش و بخت: (ل، ب، ل، آ، همه (آ:  
 همان) گردش چرخ): متن = ل، س، ق (نیزق، و، ب) ۳۱- ف، ق: باب: س، س، ل (نیزق، ل): بر آب: (آ: پر آب: ب: صواب): ل:  
 ترا گفت دانا نیاید صواب: (ل، ل، آ، ب، و، ل): بکوشش سخنها نیاید صواب (ل: بر آب: و: جواب): راوندی، ص ۳۴۲، س ۱۳: بگوشش  
 نباشد سخنها بداب): متن = ف، ق پس از تصحیح باب به بداب ۳۲- ق: براند ۳۳- ل، س: بر آن: متن = ف، ق، ل، س

<p>همی زار بگریست بر گشتگان تن ریونیز اندر آن خون و خاک همی<sup>۲</sup> زار بگریست بهرام شیر چه تو کشته اکنون چه یک مشت خاک به گیرد برادر<sup>۶</sup> یکایک بگشت از آن<sup>۸</sup> نامداران یکی خسته بود همی<sup>۱۰</sup> باز دانست بهرام را بدو گفت کای<sup>۱۲</sup> شیر من زنده ام سه روزست تا نان و آب آرزوست بشد تیز بهرام تا پیش<sup>۱۶</sup> اوی<sup>۱۷</sup> برو گشت گریان<sup>۲۰</sup> و رخ را بخت بدو گفت: مندیش کین<sup>۲۲</sup> خستگی ست چو بستم کنون سوی لشکر<sup>۲۴</sup> شوی یکی تازیانه بدین<sup>۲۷</sup> رزمگاه چو آن بازیام<sup>۳۰</sup> بیایم برت و زانجا سوی قلب لشکر شتافت میان تا<sup>۳۵</sup> گشتگان<sup>۳۶</sup> اندرون</p>	<p>بر آن داغ دل بخت برگشتگان شده غرق و خفتان بروا چاک چاک که زار ای سوار جوان<sup>۳</sup> دلیر بزرگان به ایوان<sup>۴</sup> و تو درد مفاک که بودند افکنده بر پهن<sup>۷</sup> دشت به شمشیر و زیشان<sup>۹</sup> به جان رسته بود بنالید و پرسید ازو<sup>۱۱</sup> نام را بر گشتگان ایدر<sup>۱۳</sup> افکنده ام مرا بر<sup>۱۴</sup> یکی جامه<sup>۱۵</sup> خواب آرزوست به دل<sup>۱۸</sup> مهربان و به جان<sup>۱۹</sup> خویش اوی<sup>۱۷</sup> همه گزته بدرید<sup>۲۱</sup> او را بیست تبه بودن این<sup>۲۳</sup> ز نابستگی ست و زین<sup>۲۵</sup> خستگی زود بهتر<sup>۲۶</sup> شوی ز من گم شده ست از پی<sup>۲۸</sup> تاج شاه<sup>۲۹</sup> رسانم بزودی<sup>۳۱</sup> بر<sup>۳۲</sup> لشکرت همی گشت<sup>۳۳</sup> تا تازیانه بیافت<sup>۳۴</sup> برو ریخته<sup>۳۷</sup> خاک و بسیار<sup>۳۸</sup> خون</p>
--	---

۱-س: خفتان و بره: ق: خفتان بره: ل: غرقه خفتان و بره: متن = ف. ل. س: ۲-ق: برو ۳-ل: جوان سوار: ق: سوار و جوان: ل: که زار سوار جوان: س: بزاری سوار جوان: متن = ف. س ۴-ق: ایران (ایوان) ۵-ل: ق: تو اندر: متن = ف. ل. س: ۶-س: این بیت را ندارد ۶-ل: بر آن گشتگان بره: متن = ف. س. ق. ل. س: ۷-س: (نیز لن-ب) ۷-س: بر روی ۸-س: از زین ۹-ل: ازیشان ۱۰-س: بجو او ۱۱-ل: ل: زو ۱۲-ق: ل. س: ای ۱۳-ف. س. ق. ل. س: (نیز ق: و آ. ب): اندر: ل: خوار: (لن: هم بر): متن تصحیح قاسمی است ۱۴-ق: خود: متن = ۱۵-س: (نیز و): به گیتی یکی جای: متن = ل. ل. س: (نیز هشت دستنویس دیگر): ف این بیت را ندارد ۱۶-س: نزد ۱۷-ل: او ۱۸-ق: جان ۱۹-ل. س. ق: (نیز لن. ل. ل. پ. لن): متن = ف. ل. س: (نیز ق: و ب) ۲۰-ق: ازو گشت بریان ۲۱-ف: (نیز آ): همه قرطه بدرید و: ل: بدرید پیراهن: س. ل: (نیز ق: ل. ل.): همه قرطه بدرید و: ق: (نیز ل: ب): همه فوطه (قرطه) بدرید و: متن = (و: رزم بازده رخ: بیت ۲۳۵۱) ۲۲-ل: کز: (و: ازین): متن = ف. س. ق. ل. س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۳-ل: این را ۲۴-ف: (نیز و ب): زود بهتر: ل: سوی بهتر: س: پیش لشکر: (ق: نزد بهتر): متن = س. ق. ل. ل: (نیز لن. ل. ل. پ. لن. آ) ۲۵-ق: ازین ۲۶-ف: (نیز و): رزمگه پیش (و: نزد) لشکر: متن = ل. س: (نیز لن-ب. لن. آ) ۲۷-ق: درین ۲۸-س: از در ۲۹-ف. س: (نیز لن. ق. ل. ل. آ. ب. تاج و گاه (?)) ۳۰-س: ۳۱-ل: تازیانه ۳۲-ق: بزودی رسانم ۳۳-ل. س: (نیز ق: ل. ل. ل. آ): جت: (و: بود): متن = ف: (نیز لن. ب. لن. ب) ۳۴-ق. ل. س: تازانه (ل: تازیانه) ناباز یافت: (ق: تازانه و باز یافت: ل: وان تازیانه نیافت): متن = ف. ل. س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳۵-س. ل. س: یکی: ق: تن: متن = ف. ل ۳۶-س: خستگان ۳۷-ل: برآمیخته ۳۸-ل. س. ق: خاک بسیار و: متن = ف. ل. س



۱۰۷۰	فرود آمد از اسپ <sup>۱</sup> و آن برگرفت <sup>۲</sup>	۱- ل: باره
	خروش <sup>۴</sup> دم مادیان یافت اسپ	۲- س: او را گرفت
	سوی مادیان روی بنهاد <sup>۶</sup> تفت	۳- ل: وزانجا
	همی <sup>۸</sup> شد دمان تا رسید اندروی	۴- ق، ل، آ، س: خروش و؛ متن = ف، ل (نیز ل، ق، آ، ل، پ-ب) ۵- س:
	چو بگرفت هم در <sup>۱۱</sup> زمان برنشست <sup>۱۲</sup>	۶- ل (نیز ل، ل، آ، پ): بنهاد و ۷- س: وز؛ ق: [و] از؛ در ل ت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ف بجای این بیت افزوده است:
۱۰۷۵	چو بفشارد <sup>۱۴</sup> ران هیچ نگزارد <sup>۱۵</sup> پی	۸- ف: غمی (ب-همی)؛ متن = ل-س (نیز ل-ب)
	چنان <sup>۱۷</sup> تنگ دل شد به یکبارگی	۹- ل، ق: خفتان؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۰- ل، آ، س: تش همچو
	و زانجا یگه تا بدین <sup>۱۹</sup> رزمگاه	۱۱- ق: اندر ۱۲- س: زمانش بدست ۱۳- س: خروشید و هم در زمانش بیست ۱۴- س، س: بفشرد ۱۵- س
	سراسر همه دشت پُر گشته دید	(نیز ل): نهاد؛ (ب: نگشاد)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، پ-آ) ۱۶- س: تن و باره پر خون ۱۷- ل: جوان ۱۸-
	همی گفت کاکنون چه سازم روی	س، ق: سر ۱۹- ق: بدان ۲۰- ل، ق (نیز ق، آ، ل، و، ب): پیاده پیمود؛ متن = ف، س، س، آ (نیز ل، پ، ل، آ)؛ ل این بیت را
۱۰۸۰	ازو سرکشان آگهی یافتند	ندارد ۲۱- س: پر؛ ق، ل: بیتهای ۱۰۷۸ و ۱۰۷۹ را ندارند ۲۲- س: کزین ۲۳- ل: بی بارگی؛ س: بی باره؛ متن = ف،
	که او را بگیرند از آن <sup>۲۴</sup> رزمگاه	س ۲۴- ل: زان ۲۵- ل: کمانش؛ س: کمان آن ۲۶- ف (نیز و): چویل (و: یک) تیر را در؛ ل: چوتیری یکی در؛ (لن،
	کمان را به زه کرد بهرام شیر	پ، لن: چویک تیر اندر؛ ق: چو او تیرش اندر)؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ل، آ، ب) ۲۷- س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، پ-ب):
	چو تیر یلی در <sup>۲۶</sup> کمان راندی	بکشت و بخت؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، ل) ۲۸- ف: بیازید (؟)؛ ل: بیچید؛ (ق: باستاد)؛ متن = (ل) ۲۹- س، ق، ل، آ، س (نیز
	ازیشان فراوان بخت و بگشت <sup>۲۷</sup>	لن، پ، لن، آ): چو شیر ژبان پیش (پ: بدز) دشمن نجست (بجست؛ ق: بیست)؛ (و: چنان لشکری را بهم بر شکست؛ ب: ز تیر و ز پیکان او
۱۰۸۵	سواران همه بازگشتند ازوی	کس نرست) ۳۰- ق: سوی ۳۱- ل، آ، س: جمله گوان؛ (لن، پ، لن: ز کار جوان)؛ س (نیز ق، آ، ل، و، آ، ب): او را (ق: رزمش)
	چو لشکر ز بهرام شد ناپدید	بجمله (و: سراسر) گوان؛ (نیز ل): ازوی (ل: او را) یکایک گوان؛ ف: جمله بگفتند او را گوان؛ متن = ل ۳۲- ل: زان ۳۳-
	چو لشکر بیامد بر <sup>۳۰</sup> پهلوان	س: پهلوان ۳۴- س: آشکار و نهان
	فراوان سخن رفت از آن <sup>۳۲</sup> رزمساز <sup>۳۳</sup>	

۱- ل: باره ۲- س: او را گرفت ۳- ل: وزانجا ۴- ق، ل، آ، س: خروش و؛ متن = ف، ل (نیز ل، ق، آ، ل، پ-ب) ۵- س: خروشید؛ ل: بخروشید ۶- ل (نیز ل، ل، آ، پ): بنهاد و ۷- س: وز؛ ق: [و] از؛ در ل ت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ف بجای این بیت افزوده است:

۸- ف: غمی (ب-همی)؛ متن = ل-س (نیز ل-ب) ۹- ل، ق: خفتان؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۱۰- ل، آ، س: تش همچو جوی ۱۱- ق: اندر ۱۲- س: زمانش بدست ۱۳- س: خروشید و هم در زمانش بیست ۱۴- س، س: بفشرد ۱۵- س (نیز ل): نهاد؛ (ب: نگشاد)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، پ-آ) ۱۶- س: تن و باره پر خون ۱۷- ل: جوان ۱۸- س، ق: سر ۱۹- ق: بدان ۲۰- ل، ق (نیز ق، آ، ل، و، ب): پیاده پیمود؛ متن = ف، س، س، آ (نیز ل، پ، ل، آ)؛ ل این بیت را ندارد ۲۱- س: پر؛ ق، ل: بیتهای ۱۰۷۸ و ۱۰۷۹ را ندارند ۲۲- س: کزین ۲۳- ل: بی بارگی؛ س: بی باره؛ متن = ف، س ۲۴- ل: زان ۲۵- ل: کمانش؛ س: کمان آن ۲۶- ف (نیز و): چویل (و: یک) تیر را در؛ ل: چوتیری یکی در؛ (لن، پ، لن: چویک تیر اندر؛ ق: چو او تیرش اندر)؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ل، آ، ب) ۲۷- س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ل، پ-ب): بکشت و بخت؛ متن = ف، ل (نیز ق، آ، ل) ۲۸- ف: بیازید (؟)؛ ل: بیچید؛ (ق: باستاد)؛ متن = (ل) ۲۹- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، پ، لن، آ): چو شیر ژبان پیش (پ: بدز) دشمن نجست (بجست؛ ق: بیست)؛ (و: چنان لشکری را بهم بر شکست؛ ب: ز تیر و ز پیکان او کس نرست) ۳۰- ق: سوی ۳۱- ل، آ، س: جمله گوان؛ (لن، پ، لن: ز کار جوان)؛ س (نیز ق، آ، ل، و، آ، ب): او را (ق: رزمش) ۳۲- ل: زان ۳۳- ل: زان ۳۴- س: آشکار و نهان

بگفتند کاین<sup>۱</sup> هزبر<sup>۲</sup> دلیر  
 ۱۰۹۰ پرسید پیران که این مرد کیست؟  
 یکی<sup>۵</sup> گفت: بهرام شیروازن<sup>۶</sup> است  
 به روین چنین گفت پیران که خیز!  
 مگر زنده او را به چنگ آوری  
 ز لشکر<sup>۱۰</sup> کسی را که باید بر  
 ۱۰۹۵ چو بشنید روین بیامد دمان  
 بر تیر<sup>۱۴</sup> بنشست بهرام شیر  
 یکی تیرباران بریشان<sup>۱۶</sup> بکرد  
 چو روین یکایک ز تیرش بخت<sup>۱۸</sup>  
 به مُستی<sup>۲۰</sup> بر پهلوان آمدند  
 ۱۱۰۰ که هرگز چنین یک پیاده<sup>۲۱</sup> به جنگ  
 چو بشنید پیران<sup>۲۲</sup> غمی گشت سخت  
 نشست از بر باره‌ی تندباز<sup>۲۴</sup>  
 بیامد بدو گفت کای نامدار  
 تو تا<sup>۲۸</sup> با سیاوش به توران بُدی  
 ۱۱۰۵ مرا با تو نان و نمک خوردن است  
 نباید که با این نژاد و گهر  
 ز بالا به خاک اندرآید سرت

۱- ل، س، آ: کانک ۲- س: هزبری ۳- س: رزم ۴- س، س، آ: از این؛ ق: وزان؛ متن = ف، ل، ل، ۵- س، آ: بدو ۶- ل، س، ق، ل، آ (نیز ق، ب): شیروازن؛ متن = ف، س، آ (نیز ل) ۷- س: راه ۸- ل، ق (نیز ل، پ، ل، ن): زمانه؛ (ق، آ: دو کشور)؛ متن = ف، س، ل، س، آ (نیز ل، آ، و، آ، ب) ۹- ل، آ، س، آ: بیاساید ۱۰- ف: زگردان؛ متن = ل، س، آ (نیز ل- ب) ۱۱- ف، س، ق (نیز ل، ل، پ، ل، ن): که او؛ ل، آ، س، آ: گوی؛ (آ: که وی)؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ، و، ب) ۱۲- ل، س، آ (نیز ل، ل، پ، ل، ن، آ): بس؛ (ب: پس؛ ق، آ، و: بدل بود)؛ متن = ف ۱۳- ل، ق (نیز ل، ق، آ، پ، ل، ن): اندیشه؛ متن = ف، س، ل، آ، س، آ (نیز ل، و، آ، ب) ۱۴- س: چو بر تیر؛ ل، آ: بزانی ۱۵- ق: ترگ ۱۶- ل: بروین؛ ق (نیز ل): برور؛ متن = ف، س، ل، آ، س، آ (نیز ق، ل، آ، و، ب) ۱۷- ف، ق، ل، آ، س، آ (نیز ق، ل، ل، آ، ب): لاجورد؛ متن = ل، س (نیز و) ۱۸- ل، آ: چو آن دید روین بیازید دشت ۱۹- ل، آ: پا ۲۰- ل، س، ق (نیز ل، ق، آ، ل، آ، پ، و، ل، ن، ب): بستنی؛ (آ: زپیش)؛ متن = ف، ل، آ، س، آ (نیز ل) ۲۱- س: ندیدم پیاده؛ ق: چنین کس نیامد؛ متن = ف، ل، آ، س، آ ۲۲- ق: چو پیران شنید آن ۲۳- س: شاخ ۲۴- س، ق، س، آ (نیز ل- پ): تندتاز (در ق حرف چهارم هم در بالا نقطه دارد و هم در زیر)؛ ل، آ (نیز ب): تندساز؛ (ل، ن): تندباز؛ متن = ف، ل (نیز و، آ، لغت شهنامه، شماره ۶۲۹) ۲۵- ف: تاخت؛ متن = ل، س، آ (نیز ل- ب) ۲۶- ق، ل، آ، س، آ: وی ۲۷- س: پسر؛ ل، آ: کسی ۲۸- ل، ل، آ (نیز ل، آ): نه تو؛ (ق، آ: تو خود؛ و، تو هم)؛ متن = ف، س، ق، س، آ (نیز ل، ل، آ، ب) ۲۹- س، ق، ل، آ (نیز ب): پیرخاش سوران؛ س، آ (نیز ق، ل، آ، و، آ): پیرخاش شیران؛ متن = ف، ل ۳۰- ل: برین؛ متن = س، ق، ل، آ، س، آ: ف این بیت را ندارد ۳۱- ل، آ: دیده و کشورت؛ ل: بسوزد دل مهربان مادرت؛ متن = س، ق، س، آ (نیز ل- ب)؛ ف این بیت را ندارد

۱۱۱۰. بیا تا بسازم سوگند و بند  
 و زان پس یکی با تو خویشی کنیم<sup>۵</sup>  
 پیاده تو با لشکری<sup>۷</sup> نامدار  
 بدو گفت بهرام کای پهلوان  
 سه روزست تا ناچریده لبان  
 مرا حاجت<sup>۱۱</sup> از تو یکی بارگی ست  
 برد مر مرا سوی آزادگان  
 بدو گفت پیران که ای نامجوی<sup>۱۵</sup>  
 ۱۱۱۵. ترا آن<sup>۱۶</sup> به آید که گفتم سخن  
 بین تا سواران این<sup>۱۷</sup> انجمن  
 که چندین تن<sup>۱۸</sup> از تخمه‌ی مهتران  
 ز پیکان<sup>۲۰</sup> تو خسته و گشته<sup>۲۱</sup> شد  
 ۱۱۲۰. که جوید گذر سوی ایران کنون؟  
 بگفت این و برگشت و شد باز جای  
 برفت او و آمد<sup>۲۶</sup> ز لشکر<sup>۲۷</sup> ترا<sup>۲۸</sup>  
 ز پیران پیرسید و پیران<sup>۳۰</sup> بگفت

به راهی<sup>۱</sup> که آید دلت را پسند<sup>۲</sup>  
 چو خویشی بود رای بیشی کنیم<sup>۶</sup>  
 نتابی، غور بر تنت<sup>۸</sup> زینهار  
 خردمند و بینا<sup>۹</sup> و روشن‌روان  
 همی رزم سازم<sup>۱۰</sup> به روز و شبان  
 و گزنه<sup>۱۲</sup> مرا جنگ<sup>۱۳</sup> یکبارگی ست  
 بنزدیک<sup>۱۴</sup> گودرز گشوادگان  
 ندانی که این رای را نیست روی؟  
 دلیری و بر خیره تندی مکن  
 نهند این چنین ننگ بر خویشتن؟  
 ز دیهم داران و گنداوران<sup>۱۹</sup>،  
 بدان رزم تا کارمان گشته<sup>۲۲</sup> شد  
 مگر آنک جوشد<sup>۲۴</sup> ورا مغز و خون  
 دلش پُر ز مهر<sup>۲۵</sup> و سرش پُر ز رای  
 به پیش وی اندر یکی نیک‌زاو<sup>۲۹</sup>  
 که بهرام را از یلان نیست جفت

۱- ف: بر آن ره؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، ل، پ-ب) ۲- ل، س، ق: چن آیی که ایدر ترا (ل): که آیی باید روی سودمند ۳- ل: از آن ۴- س: نیز ۵- ق: کم ۶- ق: چو خویشی کم عهد را نشکنم؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند، س: گفتار پیران با بهرام و پاسخ دادن بهرام او را؛ ق: سخن گفتن با بهرام و جواب بهرام و آمدن تراو ۷- ق: لشکر ۸- ل، ل، ل (نیز لن، ق، و، لن، آ): با تنت؛ س: نیابی بخون یافتن؛ متن = ف، س، ق (نیز ل، پ، ب) ۹- س، ق: بیدار؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۰- س: جوم؛ ل این بیت را ندارد ۱۱- (پ: آرزو) ۱۲- ل: اگر نه ۱۳- ق: کار ۱۴- س، ق، ل، س (نیز لن، ل، پ-آ): بر پیر؛ متن = ف (نیز ق، ل، ب)؛ ل این بیت را ندارد ۱۵- س: رزجوی ۱۶- ل، ق، س: این؛ متن = ف، س، ل، ل ۱۷- ل، س: آن؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۸- ل، ل، س: گو ۱۹- ق: جنگاوران ۲۰- ل، س، ق (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، آ): پیکار؛ متن = ف، ل، س (نیز ل، ب) ۲۱- ل: کشته و خسته ۲۲- س: کارشان گشته؛ س: کارنان گشته؛ ل (نیز ق، ل، ب): چنین رزم ناگاه (ل، ب: ناکام) پیوسته؛ ق (نیز لن، پ، لن): بدان حال (لن: خاک؛ پ: گونه) از رزم برگشته؛ ل: بدین رزم تا کار تو گشته؛ (ل، و، آ: بدان رزم با خاک آغشته)؛ متن = ف ۲۳- س: پیش ۲۴- س: جوید؛ ل، ق (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند:

اگر نیستی رنج (ق: بیم؛ ب: ترس) افراسیاب

که گردد سرش زین سخن پرشتاب (ق: پرزتاب)

ترا با رگی دادمی ای جوان

بدان تات بردی بر (ق: سوی) پهلوان

۲۵- ل: کین؛ (ق: باد)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن-ب) ۲۶- ف: بر او د[ر] آمد؛ (ق: به پیش اندرآمد؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل، و، آ، ب) ۲۷- ق: برفت او ز لشکر به پیش ۲۸- بنداری: تراو ۲۹- س: یکی شیرو گاو؛ ل (نیز ب): سواری که بودیش با شیر تاو؛ ق (نیز لن، لن): که در پیش (لن: تنش) بودی گه جنگ و تاو (لن: جنگ تاو)؛ ل، س: به پیش وی آمد بسان جکاو (س: تکاو)؛ (ق: که در تنش بودی همی بیچ و تاو؛ ل، آ: بزیر وی اندر یکی تیرتاو؛ ل: به پیش اندرآمد پر از کین و تاو؛ و: ورا پیش بود از یکی پیل تاو)؛ متن = ف ۳۰- ق: پیرسید وی را

<p>نمودم بدو راه وا پیوند خوب همی راه جوید بدایران<sup>۲</sup> سپاه که با مهر جان ترا نیست تاو سر<sup>۳</sup> اندر زمان زیر سنگ آرمش</p>	<p>به مهرش بدادم بسی پند خوب سَخُن را نَبُد بر دلش هیچ راه به پیران چُنین گفت جنگی تراو شوم، گر پیاده به چنگ آرمش</p>
<p>یکی برخروشید چون پیلِ مست پیاده یکی مرد و چندین سوار<sup>۴</sup>، سرت برفرزید خواهی<sup>۷</sup> همی؟ گه آمد که بر تو سرآید<sup>۹</sup> زمان به تیر و به ژوپین<sup>۱۱</sup> و خنجر<sup>۱۲</sup> دهید! هر آنکس که بود<sup>۱۴</sup> از دلیران سری به تیر از جهان<sup>۱۵</sup> روشنایی ببرد چو دریای خون شد همه<sup>۱۶</sup> خاک و<sup>۱۷</sup> دشت همی خون چکانید بر<sup>۱۸</sup> تیره میغ به تیر<sup>۲۰</sup> دلاور بسی خسته شد پس پشت او اندرآمد تراو<sup>۲۱</sup> که شیر اندرآمد ز بالا به روی<sup>۲۵</sup></p>	<p>چو بهرام را دید نیزه به دست بدو گفت: ازین لشکر نامدار بدایران<sup>۵</sup> گرازید<sup>۶</sup> خواهی<sup>۷</sup> همی؟ سران را سپردی سر، ایدر بمان<sup>۸</sup>! به یارانش فرمود<sup>۱۰</sup> کاندرنهید! برو انجمن شد گشن<sup>۱۳</sup> لشکری کمان را به زه کرد بهرام گُرد چو تیر اسپری شد سُوی نیزه گشت چو نیزه قلم شد به گرز و به تیغ چو رزمش بدین<sup>۱۱</sup> گونه پیوسته شد چو بهرام یل گشت بی توش و تاو یکی تیغ زد بر سر<sup>۲۲</sup> کتف<sup>۲۳</sup> اوی<sup>۲۴</sup></p>

۱- ق: [و]: ل در اینجا سرنویس دارد: جنگ تراو یا بهرام و کشته شدن بهرام ۲- س، ق، ل، ل، س (نیزلن-ب): بایران: متن = ف: ل این بیت را ندارد ۳- ق: هم: ف (نیزلن، ب، لن): پس از بیت ۱۱۲۷ افزوده اند: بیامد خروشان (لن، ب، لن: شتابان) بدان رزمگاه  
دل پر ز کینه سری کینه خواه (لن، ب، لن: کجا بود بهرام یل بی سپاه)

ق پس از بیت ۱۱۲۷ افزوده است:

پس از پیش پیران بیامد دمان  
بشد سوی بهرام آن بدگمان  
۴- س: و جنگی سوار: ق: [و] در کارزار: متن = ف، ل، ل، س: ف پس از این بیت افزوده است:

فراوان بکشتی و انداختی  
بسی چاره از هر دری ساختی

۵- ل-س (نیزق، لی، و، آ، ب): بایران: (ل: بر ایران): متن = ف ۶- س، ل، ل، س: گذارید: ق (نیزلی، ل، و، آ، ب): گرایید: متن = ف، ل (نیزق) ۷- ل، س: خواهد: متن = ف، س، ق، ل ۸- ل (نیزل): اندر زمان: ق (نیزب): اندر زیان: (لی، و، آ: اندر عمان: لن، ب، لن: بریدی سر ایدر بمان): متن = ف، س، ل، س ۹- ف، ل: آرد: متن = ل، س، ق، س (نیزلن، ق، لی، ب-ب) ۱۰- ل: پس آنگه بفرمود: متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن-ب) ۱۱- ف-س (نیزلن-آ): ژوپین ۱۲- ق: گرزش: ل، ل، س: به گرز و به ژوپین: متن = ف، س ۱۳- ل، ق (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن، آ، ب): یکی: ل: گشت گشن: س: گشن شد: متن = ف (نیزلی، آ): س این بیت را ندارد ۱۴- ق: بد ۱۵- ل، ق، ل، س (نیزق، لی، آ): هوا: متن = ف (نیزلن، ل، ب، و، لن): س این بیت را ندارد ۱۶- ل، ل، ل، س: همی: متن = ف، س، ق ۱۷- ل-س (نیزلن، ق، ب، لن): کوه: (ل): غار: و خاک: ب: روی: متن = ف (نیزلی، آ) ۱۸- ل، ل، س: چون ۱۹- ل، ق، ل، س: برین: متن = ف، س ۲۰- س، ل، س: تیغ: ق: تیغش: متن = ف، ل ۲۱- س: جکاو (!): بنداری: تراو ۲۲- س: برود: س: سرو: متن = ف، ل، ق، ل ۲۳- ف، س: کتف: متن = ل، ق، ل، س ۲۴- ق: او ۲۵- ق: برو

۱۱۴۰ جدا شد ز تن<sup>۱</sup> دست خنجرگزار<sup>۲</sup> فروماند<sup>۳</sup> از رزم و برگشت کار<sup>۴</sup>  
تزاو ستمگاره را دل بسوخت بیچید<sup>۵</sup> ازو روی پُر درد و شرم  
بکردار آتش دلش<sup>۶</sup> برفروخت به جوش آمدش در جگر خون گرم

### گفتار اندر رفتن گیو و بیژن پس بهرام گودرز<sup>۷</sup>

۱۱۴۵ چو خورشید تابنده بنمود پشت  
به بیژن چنین گفت کای رهنمای<sup>۸</sup>  
بباید شدن تا ورا کار چیست  
دل گیو گشت از برادر<sup>۹</sup> درشت  
برادر نیاید<sup>۱۰</sup> هسی باز جای  
نباید که بر رفته باید گریست

۱۱۵۰ دلیران برفتند هر دو چو گرد  
[همه<sup>۱۲</sup> خسته و گشته جستند باز<sup>۱۳</sup>  
همه دشت پُر خسته و گشته بود  
دلیران چو بهرام را یافتند  
به خاک و به خون اندرافکنده خوار  
همی ریخت آب از بر چهر او<sup>۱۴</sup>  
چو باز آمدش هوش<sup>۱۸</sup> و بگشاد<sup>۱۹</sup> چشم  
چنین<sup>۲۱</sup> گفت با گیو کای نامجوی  
تو کین برادر بخواه<sup>۲۲</sup> از ترا<sup>۲۳</sup>  
۱۱۵۵ مرا دید پیران و یسه نخست<sup>۲۵</sup>  
همه<sup>۲۷</sup> نامداران و گردان<sup>۲۸</sup> چین  
بدان جای پرخاش و جای<sup>۱۱</sup> نبرد  
به دیدار بهرامشان بُد نیاز]  
جهانی به خون اندر<sup>۱۴</sup> آغشته بود  
پُر از آب و خون دیده<sup>۱۵</sup> بشتافتند  
فتاده ازو دست و برگشته کار  
پُر از خون دو تن دیده از مهر<sup>۱۷</sup> او<sup>۱۶</sup>  
تنش پُر ز خون و دلش<sup>۲۰</sup> پُر ز خشم،  
مرا چون بیوشی به تابوت روی،  
ندارد مگر گاو با شیر<sup>۲۴</sup> تاو  
که با من بُدش روزگاری نشست<sup>۲۶</sup>  
نُجستند با من از آغاز<sup>۲۹</sup> کین

۱- ق: گشت ازو ۲- ل: خنجرگزار ۳- ل، س: فرود آمد ۴- ل، س: د از (ل: وز) که رزازه متن = ف، ق، ل، س  
س ۵- ل، س (نیز ل، ب، و، آ، ب): رخس: متن = ف، ق، ل، س (نیز ل) ۶- ل، س: بیوشد ۷- ف: گفتار اندر رفتن  
گیو و بیژن پس بهرام گودرز و بافتن او را و کین خواستن او از تزاو: ل- س: سرنویس ندارند: متن = آخرف ۸- س: دلیران برفتند هر دو  
(= ۱۱۴۶ آ) ۹- ق (نیز ل، ب، ل، س): دلگشای: متن = ف، ل، س، ل، س (نیز شش دستویس دیگر) ۱۰- ل، س: (نیز ل، و):  
نیامد: متن = ف، س، ف، ل (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۱- ل (نیز و): ننگ و: متن = ف، س، ق، ل، س (نیز هشت دستویس  
دیگر) ۱۲- ل (نیز و): همی: (ب: هم از): متن = ۱۳- ل: گشتند باز: آ: دیدند باز: ل، س: همه رزمگه را نخستند باز: (ل،  
ب، ل، س: هر سو بگشتند دو رزمساز): متن = ق (نیز ق، ل، آ): در ل لمت های این بیت پس و پیش شده اند: ف، س این بیت را ندارند ۱۴-  
ل، س: دل ۱۵- س: آب دو دیده: ق: آب رخ هر دو: متن = ف، ل، ل، س ۱۶- ل، س، س: او: متن = ف، ق، ل، س ۱۷-  
(ل: دید از مهر: ب: دید در مهر: ل: دید وز مهر: ق: خون تن و دل پر از مهر: ل: خون دل و دیده از مهر): متن = ف- س (نیز ل، و، آ،  
ب) ۱۸- ل، س، ق: او: متن = ف، ل، س ۱۹- ل: بگزارد ۲۰- ل، ق: بود و دل: متن = ف، س، ل، س ۲۱-  
ل: چنان ۲۲- ق: تو کین همی بازخواه ۲۳- نظاری: تراو ۲۴- س: شیر با گاو: ق: نیارد همی شیر با گاو ۲۵- ف، ق  
(نیز ق، و): نخست: (ل: نُجست: ب، ل: پیران و کینه نُجست): متن = ل، س، ل، س (نیز ل، آ، ب) ۲۶-  
ف (نیز ل، ب، و، ل، آ): درست: ق: جور و یه که ترسد ز من کین نُجست: (ق: نکرد ایچ یاد از تر و بود و رست): متن = ل، س، ل، س (نیز  
ل، ل، آ، ب) ۲۷- س: بست ۱۱۵۷ ب ۲۸- ل: ترکان ۲۹- ل: باخززه: ق: از آغاز با من نُجستند: متن = ف، س، ل، س

نکرد ایچ یاد از نژاد و نشست  
 بیارید گیو از مژه آب زرد  
 به خورشید روز<sup>۲</sup> و شب لاژورد<sup>۳</sup>  
 مگر کین بهرام بازآورم

یکی تیغ بگرفت هندی<sup>۵</sup> به دست  
 تژاو طلایه بیامد<sup>۶</sup> به<sup>۷</sup> راه  
 عنان را پیچید و دم درکشید  
 ز گردان و گردنکشان دور گشت<sup>۸</sup>،  
 میان تژاو اندرآمد<sup>۱۱</sup> به بند  
 بر آسانش<sup>۱۴</sup> از پشت زین برگرفت<sup>۱۵</sup>  
 فرود آمد و دست کردش<sup>۱۶</sup> به بند  
 پس اندر همی برد چون بیهشان  
 که با من نماند ای دلیر ایچ تاو  
 شب تیره دو رخ نمودی به من؟  
 بدو گفت کین<sup>۱۹</sup> جای گفتار نیست  
 که درباغ کین<sup>۲۰</sup> تازه کشتی<sup>۲۱</sup> درخت،  
 تنش خون خورد، بار او سر شود<sup>۲۲</sup>؟  
 بینی کنون زنده کام<sup>۲۳</sup> هنگ

تن من تژاو جفایشه نخست  
 چو بهرام گردد این سخن یاد کرد  
 به دارای<sup>۱</sup> دارنده سوگند خورد  
 که جز ترگی رومی نبیند سرم ۱۱۶۰

پُر از درد بر زین کین<sup>۴</sup> برنشست  
 بدانگه که شد روی گیتی سیاه  
 چُن<sup>۸</sup> از دور گیو دلیرش بدید  
 چو دانست کز لشکر اندرگذشت  
 ز فتراک بگشاد<sup>۱۰</sup> پیچان کمند ۱۱۶۵  
 به ران اندرآورد<sup>۱۲</sup> و بنمود کفت<sup>۱۳</sup>  
 به خاک اندرافکند خوار و نژند  
 نشست از بر اسپ و او را گشان  
 چُنین گفت با او<sup>۱۷</sup> به خواهش تژاو  
 چه کردم کزین بی شمار<sup>۱۸</sup> انجمن ۱۱۷۰  
 بزد بر سرش تازیانه دویست  
 ندانی همی ای بد شوربخت  
 که بالاش با چرخ همبر شود<sup>۲۲</sup>،  
 شکار تو بهرام باید به جنگ؟

۱- ل، س، ق (نیزلن، لی-ب): دادار: متن = ف، ل، س (نیزق) ۲- ل، س (نیزلی، ل، آ): بروز سپید (و: سفید): ق، س (نیزلن، لی-ب): به خورشید و روز: ل (نیزق): به خورشید و ماه: متن = ف (نیزب، لن) ۳- ف، س، ق، ل، س (نیزلن-ل، ل، ب): لاجورد: متن = ل (نیزب، و) ۴- ل: و بر کین بزین: ق (نیزلن، ب، لن): و بر (پ، لن): کین سبک: متن = ف، س، ل، س (نیز شش دستنویس دیگر) ۵- ل، س (نیزق، لی، ل، آ، ب): یکی تیغ هندی گرفته: (لن، ب، لن): گرفته یکی تیغ هندی: متن = ف ۶- ل، ق، ل، س (نیزلن): برآمد: متن = ف، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۷- ل، س، آ: ز: بندگان: فجاء تژاو علی الیزک ۸- ل، س، ق، ل (نیزلن-ب): چو: متن = ف، س ۹- ق: برگذشت: ل در اینجا سرنویس دارد: درآمدن گیو و گرفتن تژاو و خون بهرام خواستن ۱۰- ل (نیزو): سوی او بیفکند: متن = ف، س، ق، ل، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۱- ل، س، آ: بیفکند و آمد میانش ۱۲- ل، س، آ: اندرافکند: متن = ف، ق (نیزلن، ق، آ، ب، لن، ل، آ، ب) ۱۳- لن: و برگشت زود: ق، آ، ب: و بنمود و کفت: ب: و بنمود زود: لن: و بنمود زود: متن = ف، ق، ل، س ۱۴- ق (نیزب): باسانی: ق: بدان سانش: متن = ف، ل، س ۱۵- لن، ب، لن: بس آسانش از پشت زین درر بود: ل، س (نیزلی، و، آ) این بیت را ندارند: بندگان: واجتره الیه، و آسره و کتفه ۱۶- ل، س، آ: کرد دستش: متن = ف، ق (نیزلن-ب) ل، س این بیت را ندارند ۱۷- ل، س، آ: وی ۱۸- ق: بی کران ۱۹- ق: گیو (وزن ندارد): س: بگفتا که این: متن = ف، ل، ل، س، آ: درس پس از این بیت، بیت ۱۱۷۴ آمده است: درق این بیت یا بیت سپین پس و پیش شده است ۲۰- ل: دین ۲۱- س: نوبکشتی ۲۲- ل، س، ق (نیزلن، ل، آ، ب، و، لن، ب): بود: متن = ف، س (نیزق، ل) ۲۳- ل: زخم کام: س: کام و کین: ق (نیزب): رنگ کام: (لن، ب، لن): ننگ و کام: و: زن بکام: متن = ف، ل، س (نیزلی، ل، آ): درس این بیت پس از بیت ۱۱۷۱ آمده است

- ۱۱۷۵ چُنین گفت با گیو جنگی تژاو  
ز<sup>۲</sup> بهرام بر بد نبردم گمان  
که من چون<sup>۳</sup> رسیدم سواران چین  
بر آن بُد که بهرام بی‌جان شده‌ست  
گشانش بیاورد گیو دلیر  
۱۱۸۰ بدو گفت کاینت سر<sup>۴</sup> بی‌وفا  
سپاس از جهان‌آفرین‌کردگار  
که پشت<sup>۵</sup> روان بدانیش تو<sup>۶</sup>  
همی‌کرد خواهش بدیشان<sup>۱۱</sup> تژاو  
همی‌گفت: ار ایدونک کار تو<sup>۱۳</sup> بود  
۱۱۸۵ یکی بنده باشم روان ترا  
به گیو آنگهی گفت بهرام گرد<sup>۱۶</sup>  
گر ایدونک زو بر تنم<sup>۱۸</sup> بد رسید  
سر پُر<sup>۲۱</sup> گناهش روان داد من  
برادر چو بهرام را<sup>۲۲</sup> خسته دید  
۱۱۹۰ خروشید و<sup>۲۳</sup> بگرفت ریش تژاو  
خروشی برآورد کاندر جهان
- که تو چون عقابی و من چون چکاو<sup>۱</sup>  
نه او را به دست من آمد زمان  
وُرا گُشته بودند بر دشت کین  
ز دردش دلِ گیو پیچان شده‌ست  
به پیش جگرخسته بهرام شیر  
مکافات سازم جفا راه جفا  
که چندان<sup>۶</sup> زمان دیدم<sup>۷</sup> از روزگار  
پیرانم اکنون ز تن پیش تو<sup>۱۰</sup>  
همی خواست از گُشتن خویش داو<sup>۱۲</sup>  
سر من به خنجر درودن چه سود<sup>۱۴</sup>؟  
پرستش کنم گوربان<sup>۱۵</sup> ترا  
که هر کو بزاید ببايدش مُرد<sup>۱۷</sup>  
همان روز<sup>۱۹</sup> مرگش نباید<sup>۲۰</sup> چشید  
بمان تا کند در جهان یاد من  
تژاو جفایشه را بسته دید،  
سر از تن بریدش<sup>۲۴</sup> بسان چکاو<sup>۲۵</sup>  
که دید این<sup>۲۶</sup> شِگفت آشکار و نهان

۱- ف-س<sup>۱</sup> (نیزلن-آ): جکاو ۲- ق: به؛ متن = ف، ل، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیزلن-ب) ۳- س، ق، ل: که چون من؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۴- ل، ل، ل<sup>۱</sup> (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): کاینک سر؛ س: کای بدرگ؛ ق، س<sup>۱</sup> (نیزق، ل): اینک سر؛ (و: بهرام کای)؛ متن = ف ۵- س: مکافات بد را ندانم؛ ق مکافات را ساختم من؛ متن = ف، ل، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۶- س: چندین ۷- ق: بودم؛ ل: دادت؛ س: دادم؛ متن = ف، ل، س ۸- ل، ق (نیزو، ب): تیره؛ متن ← ۹- ل، ل، س: که پیش از (ل: پیش) روانت کنون پیش تو؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، ل، لی، ل، پ، لن، آ) ۱۰- ل: پیرازم اکنون من از پیش تو؛ س، ق (نیزب): پیرانم از تن کنون پیش تو؛ ل، س: بیزم سر آن (ل: این) بدانیش تو؛ (لن: برآرم از تنش پیش تو؛ ق: بی‌الایم از خون او ریش تو؛ لی، آ: بیزم از تن کنون پیش تو؛ ل: پیرازم این لحظه در پیش تو؛ پ، لن: برآرم کنون از پس و پیش تو؛ و: بیزم ز تن هم کنون پیش تو)؛ متن = ف ۱۱- ل: بریشان ۱۲- ل، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیزلن، ق، ل، پ، لن، آ، ب): تاو؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> (نیزلی، و) ۱۳- س: این کار ۱۴- ل، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیزب، لن): بریدن چه سود؛ س: نباید درود؛ متن = ف (نیزق، ل، لی، و، آ، ب) ۱۵- ق (نیزب): گوروان؛ (ق، و: دودمان؛ ل: گورسان)؛ متن = ف، ل، س، ل<sup>۱</sup> (نیزلن، پ، لن)؛ س<sup>۱</sup> این بیت را ندارد ۱۶- ل: چنن گفت با گیو بهرام شیر؛ متن = ف، ق، س، ل<sup>۱</sup> (نیزلن-ب) ۱۷- ل: که ای نامور نامدار دلیر؛ متن = ف، ق، س، ل<sup>۱</sup> (نیزلن-ب)؛ س<sup>۱</sup> این بیت را ندارد ۱۸- ل: ازوی به من؛ س: گر ایدون کزو برتم؛ متن = ف، س، ق، ل<sup>۱</sup> ۱۹- ق: درد ۲۰- ف-س: بیاید (برای هر دو حرف نخستین تنها یک نقطه در زیر) ۲۱- ل، ق، لی؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> ۲۲- ق: برادر برادر چنان ۲۳- ق: [و] ۲۴- ل، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیزلی، آ): بریدش سر از تن؛ متن = ف، ق (نیزق، ل، پ، و، لن، آ، ب) ۲۵- ف-س<sup>۱</sup> (نیزلن-ب): جکاو؛ ل پس از این بیت افزوده است:

دل گیوزان پس بریشان بسوخت روانش زغم آتشی برفروخت

۲۶- ف (نیزلی): آن؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیزق، ل، ب)

که گر من گشتم یا کسی پیش<sup>۱</sup> من  
 بگفت این و بهرام یل جان بداد  
 عنان بزرگی هر آنکس که جست<sup>۴</sup>  
 اگر خود کشد گر گشندش به درد ۱۱۹۵

خروشان بر<sup>۷</sup> اسپ تراوش<sup>۸</sup> بست  
 بیاوردش<sup>۹</sup> از جایگاه نبرد  
 بیاگند<sup>۱۱</sup> مغزش به مشک و غیر  
 بر آیین شاهانش بر<sup>۱۳</sup> تخت عاج  
 در<sup>۱۵</sup> دخمه را کرد<sup>۱۶</sup> سرخ<sup>۱۷</sup> و کبود ۱۲۰۰  
 شد آن لشکر<sup>۱۸</sup> نامور سوگوار  
 به بیژن سپرد، آنگهی برنشست  
 بکردار ایوان یکی<sup>۱۱</sup> دخمه کرد  
 تنش را بپوشید چینی<sup>۱۲</sup> حریر  
 بخواید و آویخت<sup>۱۴</sup> بر سرش تاج  
 تو گفتی که بهرام هرگز نبود  
 ز بهرام و از<sup>۱۹</sup> گردش روزگار

### گفتار اندر گریختن لشکر ایرانیان از پیش پیران و یسه<sup>۲۰</sup>

چو برزد سر از کوه تابنده<sup>۲۱</sup> شید  
 سپاه پراکنده گردد آمدند  
 که چندین از<sup>۲۴</sup> ایرانیان<sup>۲۵</sup> گشته شد  
 برآمد سر<sup>۲۲</sup> تاج روز سپید<sup>۲۳</sup>،  
 همی هر کسی داستانها زدند  
 سر بخت سالار ما گشته<sup>۲۶</sup> شد

۱- ل (نیزب): (ور: ب) گر کسی خوبش: س: گر کسی خوبش: (و: یا کسی پیش: ق: که گرم کشته یا کسی پیش): متن = ف. ف.  
 ل. س: (نیزاشش دستنویس دیگر) ۲- ل: گر کسی خوبش: س: کشته در پیش: (ق: خسته یا خوبش: ل: آ: یا بود خوبش: ل: ن: کشته خوبش): متن = ف. ف. ل. س: (نیزاشش دستنویس دیگر) ۳- ل. ل. س: رسم: ۴- ل: بخت: متن = ف. س. ف. ل. س: (نیز  
 (نیزلن-ب) ۵- ل- ل. س: (نیزلن-ب): بخون (و- زخود؟): متن = ف: زخود (و- بخون؟) ۶- ف. ق. ل. س: (نیز  
 ل- ب): یا: متن = ل. س ۷- ل. ل. ل: به ۸- ق: اسپش هم بر: ل پس از این بیت افزوده است:

بیاوردش از جایگاه تراوش بنزدیک ایران دلش پیرزتاو

۹- ل: چو شد دور ۱۰- س. ل. س: ایران یکی: ق: ایرانیان: متن = ف. ل ۱۱- س: پراکند ۱۲- ف (نیزو): خرو: متن  
 = ل- س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۳- س: شاهان ایر ۱۴- ف. س. ل: (نیز ق. ل. آ): نشاند و برآویخت: س: کشاند و  
 برآویخت: (ل. ب. ل: بخواهند و آویخت: ل: نهاده برآویخت: و: نشاند و برآویخت: ب: نهاد و برآویخت): متن = ل. ق ۱۵- ل (نیز ق):  
 سر: (ل: همه): متن = ف. س. ق. ل. س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- ل. ق (نیز ل. ب. ل. ب): دخمه کردند: متن = ف.  
 س. ل. س: (نیز ق. ل. ل. و. آ) ۱۷- ق: برزد: ف (نیزو) پس از این بیت افزوده اند:

برادر که بهرام را دیده (و: خسته) بود همه خستگی هاش را (و: های او) بسته بود  
 بیاوردش او را از آن رزمگاه به لشکرگه آمد از آن جایگاه

۱۸- ل: شد از لشکر آن: متن = ف. س. ق. ل. س: ۱۹- ل- ل. س: وز: متن = ف ۲۰- ف: گفتار اندر گریختن لشکر ایرانیان از  
 پیش پیران و یسه و رفتن بنزدیک شاه کخسرو و شادی کردن: س (چند بیت پایین تر): هزمت شدن لشکر ایرانیان از پیران و یسه: ق (چند بیت  
 پایین تر): گفتار در مراجعت ایرانیان از توران: متن = آغاز ف ۲۱- س: رخننده ۲۲- ف. س. ل: سرو: متن = ل. ق.  
 س: ۲۳- س: سفید ۲۴- ل: ز ۲۵- ق: ایران سپه ۲۶- ل (نیزلن، پ، و، ل: س): سالار برگشته:  
 ل (نیز ق) سالارمان گشته: (ب: بیدار ما گشته): ق: سر تخت (و- بخت) ایرانیان گشته: متن = ف، س، س: (نیز ل، آ، آ)



- ۱۲۰۵ چُنین اچیره<sup>۱</sup> شد دست ترکان به جنگ  
بر شاه باید شدن بی‌گمان  
اگر شاه را دل پر از جنگ نیست  
پسر بی‌پدر شد، پدر بی‌پسر<sup>۵</sup>  
اگر جنگ فرمان دهد شهریار  
بیایم و<sup>۹</sup> دل‌ها پر از کین و جنگ<sup>۱۰</sup>
- ۱۲۱۰ برین<sup>۱۲</sup> رای از آن<sup>۱۳</sup> مرز گشتند باز  
برادر ز خون برادر به درد  
برفتند یکسر سوی کاس رود<sup>۱۷</sup>
- طلایه بیامد<sup>۲۰</sup> به پیش سپاه  
به پیران فرستاد از آن<sup>۲۲</sup> آگهی  
چو بشنید پیران سبک در نهان<sup>۲۳</sup>  
چو برگشتن سرکشان<sup>۲۵</sup> شد درست  
بیامد به شبگیر خود با سپاه  
همه کوه و در، دشت و هامون و غار<sup>۲۶</sup>
- کسی را ندید اندر آوردگاه<sup>۲۱</sup>  
کز ایرانیان گشت گیتی تهی  
به هر سو پراگند<sup>۲۴</sup> کارآگهان  
سپهد روان را از انده بشت  
همی‌گشت بر گرد آن رزمگاه  
سرآورده و خیمه بُد<sup>۲۷</sup> بی‌شمار<sup>۲۸</sup>

۱-س: همی ۲-ل، ل: ل؛ خیره (!) ۳-س: نید هیچ ۴-س: نیز ۵-ق: پدری پسر شد پسر بی پدر ۶-ل: بشد ۷-س: خسته مانده؛ در س این بیت پس از بیت ۱۲۱۱ آمده است ۸-ل: لشکری ۹-س، ق، س: [و]؛ متن = ف، ل، ل: ۱۰-ف (نیز ل، آ): کین کنیم؛ متن = ۱۱-ف (نیز ل، آ): جهان بر بدان (لی، آ: همه بوم و بر) پسر ز نفرین کنیم؛ متن = ل-س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۲-س، ق: بدین؛ متن = ف، ل، ل: س ۱۳-ل، س: زان ۱۴-ق: در؛ ل: همه دل پر از؛ متن = ۱۵-س، ق (نیز ل، پ): در گزار، ل: جان برگداز؛ (لی: تن برگداز؛ آ: تن پرگداز)؛ متن = ف، ل، س: (نیز ق، ل، و، ل، آ، ب؛ ف، س، آ، ق، و: بر)؛ س پس از این بیت افزوده است:

ز شومی قتل فرودست این که بر طوس نوذر مباد آفرین

۱۶-س: زبانها ز خونش پر از باد سرد ۱۷-ل، س، ق، ل: (نیز ل-ب): کاسه رود؛ متن = ف، س: بنداری: کاسرود ۱۸-ف، ق، ل، س: (نیز ل-پ، ل-ب): زبانشان؛ ل، س (نیز ل، و): روانشان؛ (ب: زوانشان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹-س: خستگان ۲۰-ل، آ، س: برآمد؛ ق: بیامد طلایه؛ متن = ف، ل، س ۲۱-ل: اندر آن جایگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز ل، ق، ل، و، ل، آ، آ) ۲۲-ل-س: (نیز ل، آ، ب): زود؛ (و: از این؛ ل، پ، ل: رسید آنگهی)؛ متن = ف ۲۳-ف (نیز ب): سخن در نهان؛ ل (نیز ق، آ): هم اندر زمان؛ متن = س، ق، ل، آ، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴-ل (نیز ل، آ): فرستاد؛ س، ل: (نیز ق، ل، و، ب): برافکنند؛ س: برفتند؛ (پ: درافکنند)؛ متن = ف، ق (نیز ل) ۲۵-ل: مهتران؛ س: چو برگشت کارآگهان؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیز ل-ب) ۲۶-ف: همه کوه و در دشت هامون و غار؛ ل: همه کوه و هم دشت و هامون و راغ؛ س: که و دشت و صحرا و هامون و غار؛ ق (نیز ل، پ، ل-ن): همه کوه و هامون همه دشت و غار؛ ل: همه دشت و کوه و بیابان و غار؛ س: (نیز ل، آ): همه کوه و دشت و بیابان و غار؛ (ق: همه کوه و هامون و صحرا و غار؛ ل: همه کوه برگشت و هامون و غار؛ و: بکوه و دشت و هامون و غار؛ ب: همه کوه و صحرا و هامون و غار)؛ متن = ف با افزون یک و ۲۷-س: شد ۲۸-ل: همچو

باغ

<p>ز کار جهان مانده اندر شگفت گهی شاد دارد، گهی با نهیب<sup>۲</sup> همی بگذرانیم<sup>۱</sup> روزی به روز<sup>۳</sup></p> <p>هیونی برافکند هنگام<sup>۴</sup> خواب ز تیمار و دردش دل<sup>۵</sup> آزاد گشت<sup>۶</sup> بستند آذین<sup>۷</sup> ره<sup>۸</sup> پهلوان درم بر سر او<sup>۹</sup> همی ریختند سپهد پذیره شدش با سپاه که از پهلوانان ترا نیست جفت همی برشد آوای<sup>۱۰</sup> چنگ و رباب که با شادکامی<sup>۱۱</sup> شود باز جای که گر بر شمارمت گیرد<sup>۱۲</sup> شتاب ز زرین<sup>۱۳</sup> کمرهای گوهرنگار ز شمشیر هندی به زرین نیام ز پیروزه مهد و ز بیجاده تاج، پُر از مُشک و عنبر ز پیروزه جام<sup>۱۴</sup> و زآن<sup>۱۵</sup> پس بسی پندها<sup>۱۶</sup> داد نیز</p>	<p>۱۲۲۰ به لشکر ببخشید و خود برگرفت که روزی<sup>۱</sup> فرازست و روزی نشیب همان به که با خام یابیم سوز<sup>۲</sup></p> <p>بدان آگهی نزد افراسیاب سپهد بدان آگهی شاد گشت<sup>۳</sup> همه لشکرش گشت روشن روان همه بام و در جامه<sup>۴</sup> آویختند چُن<sup>۵</sup> آمد به نزدیکی شهر شاه برو آفرین کرد بسیار و<sup>۶</sup> گفت دو هفته از<sup>۷</sup> ایوان افراسیاب سیم<sup>۸</sup> هفته پیران چنان کرد رای ۱۲۳۰ یکی خلعت آراست افراسیاب ز دینار و ز گوهر شاهوار از<sup>۹</sup> اسپان تازی به زرین ستام یکی تخت پُرماه<sup>۱۰</sup> از عاج و ساج<sup>۱۱</sup> پرستار چینی و رومی<sup>۱۲</sup> غلام بنزدیک پیران فرستاد چیز</p>
--	--

۱- ل: روز ۲- ل، ل، س: گهی شادمانیست و گاهی نهیب ۳- ل: که با جام ما نیم روز (پساوند ندارد): س: که یابیم با سوز و جنگ: ق: که جامی بنوشم روز (پساوند ندارد): (ق، و): که با جام گیتی فروز: ل، آ: که با جام باشم و رود (پساوند ندارند): ل، آ: که ما جام ما نیم و سوز: ب: که با جام باشم و روز (پساوند ندارد): متن = ف، ل، س: (نیز لن، ب، لن، آ) ۴- ف: ننگذرانیم: ل، س (نیز و): نگذرانیم (حرف یکم نقطه ندارد): متن = ق، ل، س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۵- س: بتنگ: (ل، آ: برود): متن = ف، ل، ق، ل، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶- ق: نزدیک ۷- ل- س: (نیز لن- ب): شد: متن = ف ۸- ل: و درد دل: (نیز لن): و زرنج: ل، س: (نیز و): و زرد: (لن: و ازرنج: ل، ب: و از درد): متن = ف، س (نیز ق، ل، آ) ۹- ل: آیین: ل (نیز ل، ل، لن، ب): آذین: متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن، ق، ب، و) ۱۰- س: بر ۱۱- ل: همه جامه زینت: متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن، ل- ب) ۱۲- ق، ل، س: دره از بر (ل: پس) سر: متن = ف، ل، س ۱۳- ل، س، ق، ل: چو: متن = ف، س: ۱۴- ف، ل، س: کرد و بسیار: متن = ف، ل، ق ۱۵- ل: ز ۱۶- ل، س، ق: آواز: متن = ف، س: ۱۷- ف، س، ق (نیز ق، ب، لن، آ): سوم: ل (نیز ل، و، ب): سیوم: متن = ل، س ۱۸- ل- س: (نیز ق، ل، ب، ب): شادمانی: متن = ف ۱۹- ل (نیز و): بر شماری بگیرد: س: بر شمارم بگیرد: ق: بر شمارند گیرد: ل، س: بر شمادت گیری: (ل، آ: بر شماریت گیری: ل: بر شماریت گیرد): متن = (نیز ق، ب) ۲۰- ف: بر زرین: س: بر زرین و: متن = ل، ق، ل، س: ۲۱- ف، ق، ل، س: ز: متن = ل، س ۲۲- ل: پیروزه: متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن- ب) ۲۳- ل، س: ساج و عاج ۲۴- س، ق: پرستار رومی و چندی: متن = ف، ل، ل، س: ۲۵- ف: به پیروزه جام: ل (نیز ب): پر از عود خام: (لن، لن، آ: دو پیروزه جام): متن = س، ق، ل، س: (نیز ق، ل، و، آ، ب): در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است و پس از آن افزوده است:

سپهد چو برگشت از پیش شاه بدو گفت شاه: ای گونیکخواه

۲۶- ل، ل، س: از آن: متن = ف، س، ق ۲۷- س، ق: هدیه ها: متن = ف، ل، ل، س

که<sup>۱</sup> با موبدان باش و بیدار<sup>۲</sup> باش!  
 نگه کن<sup>۳</sup> خردمند<sup>۴</sup> کار آگهان  
 که کیخسرو امروز با خواسته ست  
 نژاد<sup>۵</sup> و بزرگی و تخت و کلاه  
 ۱۲۴۰ ز برگشته دشمن بس ایمن<sup>۶</sup> مشو  
 به جایی که رستم بود پهلوان  
 پذیرفت<sup>۷</sup> پیران همه پند اوی<sup>۸</sup>  
 سپهدار پیران<sup>۹</sup> و آن انجمن  
 به پای آمد<sup>۱۰</sup> این داستان فرود  
 ۱۲۴۵ کنون رزم کاموس باید سرود<sup>۱۱</sup>

۱- ق: تو ۲- ق: هتیار ۳- ق: بهر سو ۴- س، ل، ا، س: خردمند و ۵- ل: بهر جای: متن = ف، س، ق، ل، ا، س: (نیز  
 لن-ب) ۶- ل، س، ق (نیز ق، ب): گرد جهان: (ل: هر سونوان: ب: چندی نهان: و: جای نهان): متن = ف، ل، ا، س: (نیز لن، ل، ا،  
 لن، آ) ۷- س، ق، ل، ا، س: (نیز لن، ل، ب-ب): کشور: متن = ف، ل (نیز ق، ل، ا، س) ۸- ل، ا، س: نهاد ۹- (لن، ق، ا، ب،  
 لن: تو ایمن): ل (نیز ل، ا، س): ز برگشته دشمن ایمن: ل، ا، س: ز برگشته دشمن: متن = ف، س، ق، (نیز ل، و، ب) ۱۰- ق:  
 باب ۱۱- ل-س: (نیز لن-ب): پذیرفت: متن = ف ۱۲- ل-س: او: متن = ف ۱۳- ق: توران ۱۴- ق: بود: ل (نیز  
 ب) پس از این بیت افزوده اند:

ز هر سو برون کرد کار آگهان که هزمان بداند ز رستم نهان (ب: نشان)

۱۵- ل: پیا آمد: س: (نیز و): پیدان شده: متن = ف، س، ق، ل: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۶- ق (نیز ل، ب، لن): شتود: متن =  
 ف، ل، س، ل، ا، س: (نیز شش دستنویس دیگر)





## داستان کاموس گشانی<sup>۱</sup>

به نام خداوند خورشید و ماه  
 خداوند هستی و هم راستی  
 خداوند کیوان و بهرام و شید<sup>۲</sup>  
 ستودن مرو را ندانم<sup>۵</sup> همی  
 ۵ ازو گشت<sup>۷</sup> پیدا مکان و زمان<sup>۸</sup>  
 ز گردنده خورشید تا تیره خاک<sup>۹</sup>  
 به هستی یزدان گویی<sup>۱۱</sup> دهند  
 سویی آفریننده<sup>۱۲</sup> بی نیاز  
 ز دستور و گنجور<sup>۱۴</sup> و ز تاج و تخت  
 ۱۰ خود او<sup>۱۶</sup> بی نیازست و ما بنده ایم  
 که<sup>۱۷</sup> جان و خرد بی گمان کرده اند  
 که دل را به نامش خرد داد راه  
 نخواهد ز تو<sup>۲</sup> کژی و کاستی  
 ازومان نوید و بدومان امید<sup>۴</sup>  
 از اندیشه جان برفشام<sup>۶</sup> همی  
 پی مور بر هستی او نشان  
 سر گوهرا<sup>۱</sup>ن آتش و آب پاک<sup>۱</sup>،  
 روان ترا آشنایی دهند  
 تو در پادشاهیش ناز و گراز<sup>۱۳</sup>  
 ز کمی و بیشی و از کام و بخت<sup>۱۵</sup>،  
 به فرمان و رایش سر افکنده ایم  
 سپهر و ستاره برآورده اند

۱- ف: گفتار اندر رزم کاموس گشانی و ستایش ایزد جل و علا و فرستادن طوس را بچنگ توران و گریختن بکوه؛ ل: داستان کاموس با رستم و ایرانیان؛ س، ق: داستان کاموس گشانی با رستم زال؛ ل: گفتار اندر آمدن رستم بخواهش ایرانیان؛ بنداری: ذکر وقعه کاموس الکشانی؛ متن = س: ۲- س: همی ۳- ل، ل، ل، ل، س: بهرام و کیوان و شید؛ س: بهرام و کیوان و هور؛ متن = ف، ق ۴- ل، ق (نیز ل، پ، و، ل، ب): ازوم نوید و بدوم امید؛ س: خداوند پیل و خداوند هور؛ متن = ف، ل، ل، س: ۵- س: ندانم مر او را؛ ل: من او را ندانم ۶- س: جان رافشام ۷- ل: گشته؛ ق: ازو بست ۸- س، ق، ل، ل، س: زمان و مکان؛ متن = ف، ل ۹- ق: ونیره مغاک ۱۰- ل: دگر باد و آتش همان آب پاک؛ س، ق، ل، ل، س: (نیز لن): همه گوهرا<sup>۱</sup>ن (س: گوهرا<sup>۱</sup>ن) آتش و باد پاک (ق: آب و خاک)؛ (ق، ل، پ، آ، ب: همه گوهرا<sup>۱</sup>ن (ق: سر گوهرا<sup>۱</sup>ن) آتش و آب پاک؛ ل: همان آب و هم آتش تابناک)؛ متن = ف (نیز و، ب) ۱۱- س، س، س: گواهی (بساوند نادرست است) ۱۲- ل: زهرج آفریدست او؛ ق (نیز ب): جهان آفریننده؛ متن = ف، س، ل، ل، س: (نیز لن، ق، ل، ل، پ، و) ۱۳- ل: گردن فراز؛ ق، ل: ناز و گداز؛ س: یار و گراز؛ (ل: گرم و گداز؛ ق: همی ره نیایی تو ایدر ممتاز)؛ متن = ف، س (نیز لن، ب) ۱۴- ل: ز خواب و آرام؛ متن = س، ق، ل، ل، س: (نیز لن، ق، ل، ل، پ- ب) ۱۵- ل: و ز ناز و بخت؛ ق (نیز ل، آ، ب): و نا کام و بخت؛ ل، ل، س: ز کم بیش نام و ز کام و زیخت؛ متن = س (نیز لن، پ، ل، ل)؛ ف (نیز ل) این بیت را ندارند ۱۶- ل، ق (نیز لن، پ، ل، ل، ب): همه؛ (ل، آ: همان)؛ متن = ف، س، ل، ل، س: (نیز و) ۱۷- س، ق: چو؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ل این بیت را ندارد؛ درق پس از این بیت، بیت ۱۵ آمده است

جز او را مدان کردگار بلند  
خوره و خواب و تندی و مهر آفرید  
به خشکی چوپیل و به دریا ننگ  
چنین آمد این گنبد تیزگرد  
شگفتی به گیتی ز رستم بس است<sup>۱۵</sup>  
سر مایه‌ی مردی و جنگ ازوست  
کنون رزم کاموس پیش آورم<sup>۱۱</sup>

کزو شادمانی و زو مستمند<sup>۱</sup>  
شب و روز و گردان سپهر آفرید<sup>۲</sup>  
خردمند<sup>۳</sup> بینادل و مرد سنگ  
گاهی شادمانی دهد، گاه درد<sup>۴</sup>  
کزو<sup>۵</sup> داستان در<sup>۶</sup> دل هر کس است<sup>۷</sup>  
خردمندی و سنگ و فرهنگ<sup>۱۰</sup> ازوست  
ز دفتر به<sup>۱۲</sup> گفتار خویش آورم<sup>۱۱</sup>

آغاز داستان<sup>۱۳</sup>

چو لشکر بیامد به<sup>۱۴</sup> راه جرم  
همی یاد کردند رزم فرود  
همه دل پُر از درد از بیم<sup>۱۷</sup> شاه  
چنان<sup>۱۹</sup> شرمگن نزد شاه آمدند  
برادرش را گشته بر بی‌گناه  
همه داغ‌دل<sup>۲۲</sup> دست کرده به کش  
بدیشان نگه کرد خسرو به خشم<sup>۲۳</sup>  
به یزدان چنین گفت کای کردگار<sup>۲۵</sup>

کلات<sup>۱۵</sup> از بر و زیر آب میب،  
پشیمانی و درد و تیمار بود<sup>۱۶</sup>  
دو دیده پُر از خون و تن<sup>۱۸</sup> پُر گناه،  
جگرخسته و پُر<sup>۲۰</sup> گناه آمدند  
به دشمن سپرده نگین و کلاه<sup>۲۱</sup>،  
برفتند پیشش پرستارفش  
دلش پُر ز درد و پُر از خون دو چشم<sup>۲۴</sup>  
تو دادی مرا دانش و بخت یار<sup>۲۶</sup>

۱- ل: 'ازو شادمانی و زو دردمند: س: 'گاهی شادمانی دهد گاه درد (= ۱۵ ب): درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲- در ل، ق (نیز ل- ب) است های این بیت پس و پیش شده اند: پیایی است های این بیت در متن = ف، س، ل، س، ' ۳- ل، س، ق، ل: 'خردمند و: متن = ف، س، ' در ل، س، ' این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است: ق پس از این بیت افزوده است: ز حکمی که او کرد برنگذری وگر گردن ازدها بسپری

۴- س: 'ازو شادمانی و زو دردمند: ل این بیت را ندارد: درق این بیت پس از بیت ۱۱ آمده است ۵- س: 'چو: متن ← ۶- ل: 'بیست: س: شگفتی تر از پهلوان رستم است: متن = ف، ل، ق ۷- ل: 'ازو: متن ← ۸- ل: 'بر: متن ← ۹- ل: 'کیست: س: 'که چون او نبرده به گیتی که است: ق: ازو شادمانی و زو غم بس است: متن = ف، س، ' ۱۰- ل، ق: دانش و سنگ: ل: 'مردی و سنگ: س: 'گردی و سنگ: متن = ف، س: پیایی بیت های ۱۰- ۱۷ در ل: ۱۰، ۱۳، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۴ (۱۱ و ۱۵ را ندارد) ۱۱- ل: 'آورم ۱۲- ل: بدقتوز: متن = ف، س، ل، س، ' بنداری بیت های ۱- ۱۸ را ندارد: ق بجای بیت ۱۸ افزوده است: همی باد کردیم جنگ فرود (= ۲۰)

کنون رزم کاموس باید سرود (= فرود ۱۲۴۵ ب)

۱۳- ق: گفتار در آغاز داستان: متن = ف، ل، س، س، ۱۴- س: ز ۱۵- ق: کلاه ۱۶- ف: سود: ل، س، ' (نیز ب): زبشان (ب: از آپس: ل: ازبشان) چه سود: متن = ل، س، ق (نیز ق، ل، و، آ، ب) ۱۷- ق: پراز بیم فرخنده ۱۸- س، ق، ل، س، ' (نیز ل، و): دل: (ب: سر): متن = ف، ل ۱۹- ق: رخشان ۲۰- ل، س، ' بیا ۲۱- در ل است های این بیت پس و پیش شده اند ۲۲- ل: بکسره: متن = ف، س، ق، ل، س، ' ۲۳- ل: چشم ۲۴- س: پراز آب چشم: ل: دو دیده پراز آب و دل پرز خشم: متن = ف، ق، ل، س، ' ۲۵- ل (نیز ق، '): دادگر: متن = ف، س، ق، ل، س، ' (نیز ل- ب) ۲۶- ل (نیز ق، '): هوش و رای (ق: 'بخت) و هنر: س: دشمن و بخت یار: متن = ف، ق، ل، س، ' (نیز ل، ل، ب- ب)

۳۰. همی شرم دارد من از تو کنون  
 و گرنه بفرمودی تا هزار  
 تن طوس را دار بودی نشست  
 ز کین پدر بودم اندر خروش  
 کنون کینه نو شد به کین<sup>۵</sup> فرود  
 بگفتم<sup>۶</sup> که سوی کلات و<sup>۷</sup> جرّه  
 کرآن ره فرودست و<sup>۹</sup> با مادرت  
 نداند که طوس فرودایه کیست  
 ۳۵. از آن کوه جنگ آورد بی گمان  
 دمان طوس نامرد ناهوشیار  
 کنون لاجرم کردگار سپهر  
 بد آمد به گودرزیان بر ز<sup>۱۵</sup> طوس  
 همی<sup>۱۷</sup> خلعت و پندها دادمش  
 ۴۰. جهانگیر چون پور<sup>۱۸</sup> نوزر مباد!  
 دریغ آن<sup>۲۱</sup> فرود سیاوش<sup>۲۲</sup> دریغ<sup>۲۳</sup>  
 بدان پدر گشته شد بی گناه  
 به گیتی نباشد که<sup>۲۶</sup> از طوس کس  
 نه در سرش مغز و نه در تنش رگ  
 تو آگه تری بر چه و چند و چون<sup>۱</sup>  
 زدندی به میدان پیگار دار<sup>۲</sup>  
 هر آنکس<sup>۳</sup> که با او میان را بست  
 دل داشته با<sup>۴</sup> غم و درد و جوش  
 سر طوس نوزر بیاید درود  
 مرو گر فشانند بر سر<sup>۸</sup> درم  
 سپهدنژادست و<sup>۱۰</sup> گنداورست  
 چنان<sup>۱۱</sup> ساخته لشکر از پهر چیست  
 فراوان سران را سرآید<sup>۱۳</sup> زمان  
 چرا برد لشکر به سوی<sup>۱۴</sup> حصار؟  
 ز طوس و ز لشکر بترید مهر  
 که نفرین بر باد و<sup>۱۶</sup> بر پیل و کوس  
 به جنگ برادر فرستادمش  
 چنو<sup>۱۹</sup> پهلوان پیش لشکر مباد!<sup>۲۰</sup>  
 که با زور دل بود و با گرز و تیغ<sup>۲۴</sup>  
 به دست سپهدار من با سپاه<sup>۲۵</sup>  
 درست از در پائی وندست<sup>۲۷</sup> و بس  
 چه طوس فرودایه پیشم<sup>۲۸</sup> چه سگ

۱- ف. ل. ق. (نیز ب)؛ بی شک از چند و چون؛ ل. ل. س. (نیز ل. ل. ل. و. ب)؛ بی شک از چه و چون؛ (ق.؛ ای ای رهمنون)؛ متن =  
 س. ۲- س. (نیز ل. ب. ل. ب. ل. ب.)؛ زدندی بر آن (ل. ب. ب. بدین؛ ل. ب. برین) مرد ناهوشیار؛ ق. زدندی بر آن دار ناهوشیار (!)؛ (ق. ل. ل. و.؛  
 زدندی بدان مرز (ل. ب. بدین دشت) بکار داره آه زدندی برین مرز نالرز دار)؛ متن = ف. ل. ل. س.؛ ونداری؛ لولا اخاء من الله لأمرت بصف  
 ألف ملك مع طوس خالف امری و اقلدی انهی ۳- س. و بیژن ۴- ل. ل. س. ل. ل. س.؛ (نیز ل. و.)؛ بره؛ (ب. ل. ب. ل. ب.)؛ متن = ف. ق.  
 (نیز ق. ل. ل. آ.) ۵- ل. س.؛ ز کین؛ ل.؛ ز درد؛ س.؛ دوشد بچنگ؛ متن = ف. ق. ۶- ف. نه گفته؛ ل. س.؛ بگفته (حرف بکه نقطه  
 ندارد)؛ ق.؛ نگفته؛ متن = ل. ل. س.؛ (نیز ل. ب.) ۷- ل.؛ ادا ۸- ل.؛ درفشانی بسریب ۹- ل.؛ ق.؛ ادا ۱۰- س.؛ بسکی  
 لشکری گشن؛ ق.؛ ل.؛ س.؛ یکی کی نژادست و؛ متن = ف. ل. ۱۱- ل.؛ جین؛ ل. (نیز ق.) این بست را ندانند ۱۲- ل.؛ س.؛  
 بر ۱۳- س.؛ آمد؛ ل. این بست را ندانند ۱۴- س.؛ جو آورد لشکر بنزد ۱۵- س.؛ هم به؛ ونداری؛ حتی سری شده فعله ای  
 الجودر زمین ۱۶- ل.؛ بد داد؛ ل.؛ بد و باد و ۱۷- س.؛ ق. (نیز ل. ق. ب. ل. ب.)؛ هم؛ متن = ل. ل. س.؛ (نیز ق. ل. و. آ.)؛ ف. این  
 بست را ندارد ۱۸- ل.؛ س. (نیز ل.)؛ طوس؛ متن = ف. ق. ل. س.؛ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۹- ف. (نیز ل. ب. ل. ب.)؛ جو او؛  
 س.؛ جو آن؛ (ق.؛ حین)؛ متن = ل.؛ ف. ل.؛ س.؛ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۰- س.؛ هر دو ان را سر و تن مباد ۲۱- ل.؛  
 دریغ ۲۲- س.؛ دلاور ۲۳- ق.؛ نژاد ۲۴- ق.؛ که طوس فرودایه دانش بیاد ۲۵- س.؛ بر تباد ۲۶- س.؛ نیند جزه؛ ل.؛  
 س.؛ نیند که؛ متن = ف. ل. ق. ۲۷- ق.؛ ل.؛ س.؛ (نیز ل. ب. ب.)؛ پائی بندست؛ ل. (نیز ق. ل. ل.)؛ که او (ق.؛ همی)؛ از در بند و جاست؛  
 س.؛ دو دست از در پائی بندست؛ (ن.؛ آ.؛ درست از در پائی بندست → از در پائی بندست؛ ل.؛ درست او ز دریای بندست → از در  
 پائی بندست)؛ متن = ف. ۲۸- ل.؛ نژاده؛ ق. (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند؛  
 گریش از من او سپهدنژادست بکار آور شده اختاری به بندست (= فرود ۱۳۲) ←



۴۵ ز خون برادر، به کین پدر  
سپه را همه خوار کرد و<sup>۳</sup> براند  
در بار دادن بریشان بیست  
بزرگان<sup>۷</sup> ایران به ماتم شدند  
به پوزش که این بودنی<sup>۸</sup> کار بود  
بدانگه<sup>۱۱</sup> کجا کشته شد پور طوس  
همان نیز<sup>۱۲</sup> داماد او ریوتیز  
که دانست نام و نشان<sup>۱۴</sup> فرود  
تو خواهشگری کن که برناست شاه  
نه فرزند کاوس کی ریوتیز  
۵۵ که کهتر پسر بود و پرخاشجوی  
چنینست<sup>۱۹</sup> فرجام و انجام<sup>۲۰</sup> جنگ

همی بود<sup>۱</sup> پیچان<sup>۲</sup> و خسته جگر  
ز<sup>۴</sup> مژگان همی خون به رخ<sup>۵</sup> برفشاند  
روانش ز درد<sup>۶</sup> برادر بخت  
دلیران به درگاه رستم شدند  
که را<sup>۹</sup> بود آهنگ جنگ<sup>۱۰</sup> فرود؟  
سر سرکشان خیره گشت از فسوس  
نبود از بد بخت مانند چیز<sup>۱۳</sup>  
کجا<sup>۱۵</sup> شاه را دل بخواهد شخود؟  
مگر سر بیچد ز کین سپاه  
به جنگ اندرون کشته شد زار نیز<sup>۱۶</sup>،  
نیاز پدر<sup>۱۷</sup> خسرو ماه روی<sup>۱۸</sup>؟  
یکی تاج یابد، یکی گور تنگ

چو شد روی کشور ز<sup>۲۱</sup> خوشید زرد  
تهمن بیامد بنزدیک<sup>۲۳</sup> شاه  
به خم اندر آمد شب لاژورد<sup>۲۲</sup>،  
برآمد خروش از در بارگاه<sup>۲۴</sup>

۱- ل: غمی گشت ۲- س: گریان ۳- ل: زدر خوار کرده ۴- ق: په ۵- ق، ل، س: خون دل؛ س: همان خون دل؛  
متن = ف، ل ۶- ل: بمرگ ۷- س: دلیران ۸- س: (نیز ق، پ، و، لن، ب): ایزدی؛ متن = ف- ل (نیز لن، لی، ل، آ)؛ بنداری:  
هذا الأمر كان شيئاً قد كتب الله علينا و جرى به سابق القضاء ۹- ف، ل، س: (نیز پ): کزو؛ متن = ل، س، ق (نیز هشت دستنویس  
دیگر): کرا ۱۰- ل (نیز ق): رزم؛ (ل: جان)؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ل، س: (نیز و) پس از این بیت  
افزوده اند: درین کار مارانید خود (ل: نبوده؛ و: چوما را درین کار نبود) گناه چرا دارد از مسادل آورده شاه  
۱۱- ف (نیز و): بدانجا؛ متن = ل- س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۲- ل: مرد ۱۳- بنداری: وانه لما قتل ابن طوس و خسته احترق  
قلبه فکان منه ما کان. والآن فقد وقع المحذور، و مضی المقدور ۱۴- ل، ل، س: نژاد؛ متن = ف، ق (نیز لن- ب) ۱۵- ف، ق، ل،  
س: (نیز لن، لی، پ- ب): کزو؛ متن = ل (نیز ق، ل)؛ س: بیت های ۵۲- ۵۴ را ندارد ۱۶- ل، س: از ستیز ۱۷- ل: دریغ آن؛  
ق: (دریغ)؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۸- ف، ل، س: ناجوی (پساوند ندارند)؛ متن = ل، س، ق (نیز نه  
دستنویس دیگر) ۱۹- ق: چنین باشد ۲۰- ل، س، ق: انجام و فرجام؛ ق، ل: در اینجا سرنویس دارند، ق: خواهش کردن رستم طوس  
را و گناه پهلوانان از شاه؛ ل: آمدن رستم نزد کیخسرو و خواهشگری ۲۱- ل: گیتی ز؛ س، ق (نیز لی، آ، ب): چو برزد سر از برج؛ ل، س: (نیز  
نیز لن، پ، و، لن): چو برزد سر از کوه؛ متن = ف (نیز ق) ۲۲- ف، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، ب): لاجورد؛ متن = ل، س: (نیز  
پ، و) ۲۳- ل: بدرگاه ۲۴- ل (نیز ل): بیوسید خاک از در (ل: اندر آن) پیشگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز هشت دستنویس  
دیگر)؛ ف پس از بیت ۵۸ افزوده است: خبر شد بنزدیک شاه جوان که آمد ز ره رستم پهلوان  
ز در پرده برداشت سالار بار تهمتن در آمد بر شهریار  
چنین گفت مرشاه را پیلتن که بادا سرت برتر از انجمن  
ل پس از بیت ۵۸ افزوده است: همان از پی طوس و بهر سپاه بخواشگری آمدم نزد شاه

گرفت آنچه آن کار دشوار (ب: دشوار) خوار  
تن طوس ختی بیکیبارگی  
که نفرین برو باد آن برفسوس (ب: و بر پیل و کوس)

→ چه سود آنک آن ناهنر و نخوان  
وگرنه بجای تن بارگی  
زمانه برستی ز آسیب طوس

بدو گفت کای مهتر بافرین<sup>۱</sup> ۶۰  
 ز طوس و ز لشکر بیازرد شاه  
 ز تو شادمان تاج و تخت<sup>۲</sup> و نگین  
 به من بخش هر چند بودش<sup>۳</sup> گناه  
 ز مغز و<sup>۵</sup> دلش<sup>۶</sup> رای برگشته دید<sup>۷</sup>  
 و دیگر که جان پسر خوار نیست  
 زرسپ آن سوار سرافراز نیز<sup>۸</sup>،  
 ازو شاه<sup>۱۱</sup> را کین نباید گرفت  
 که فرخ برادر بُد نزد<sup>۱۳</sup> شاه  
 دلت مهتر از غم نباید سترد<sup>۱۵</sup>  
 نماند، اگر<sup>۱۶</sup> سیصد افزون<sup>۱۷</sup> کنند  
 دلم پُر ز تیمار شد زان جوان  
 و گر چه دل از درد پیچان بود  
 به پیش شه اندر شده جابلوس<sup>۱۹</sup>  
 گرانمایگان برگرفتند راه<sup>۲۰</sup>

۶۵  
 چنان دان که او بی زمانه<sup>۱۴</sup> نمود  
 چه بیرون شود جان، چه بیرون کنند،  
 بدو گفت خسرو که ای پهلوان  
 کنون پند تو چاره<sup>۱۸</sup>ی جان بود  
 به پوزش بیامد سپهدارطوس  
 بیخشید خسرو گناه سپاه  
 ۷۰  
 چو خورشید برزد سِنان از نشیب  
 بدریید پیروزه پیراهنش  
 سپهد بیامد بنزدیک شاه  
 همی آفرین خواند<sup>۲۴</sup> بر شهریار  
 ۷۵

شتاب آمد از رفتن اندر و ریب<sup>۲۱</sup>،  
 پدید آمد آن<sup>۲۲</sup> لعل رخشان تنش،  
 ابا گیو<sup>۲۳</sup> و گردان ایران سپاه  
 کانشه<sup>۲۵</sup> بزی<sup>۲۶</sup> تا بود روزگار

۱- ق: ای شاه ایران زمین ۲- س، ق: تخت و تاج؛ ل، س: بتو (س: بدو) شادمان باد تاج؛ متن= ف؛ ل این بیت را ندارد ۳- (لن، پ، لن: بدشان؛ و، ب: هشت؛ ق: هر چندشان بد) متن= ف، س، س: (نیز، ل، آ)؛ ل، ق، ل: این بیت را ندارند ۴- ل: سپهد چو فرزند ۵- ل: ز مغزش ۶- ل، س: دل و ۷- س: پژمرده دید (بساوند ندارد)؛ ق، ل، س: (نیز، ل، ب): شد ناپدید؛ متن= ف (نیرق)؛ ل این بیت را ندارد ۸- س: تیزست؛ س، ق: تندست و؛ ل: همان طوس تندست و؛ متن= ف، ل: درل بیت های ۶۲- ۶۴ پس از بیت ۶۶ آمده اند ۹- س: سرافراز با رای و داماد نیز ۱۰- ق: اگر ۱۱- ل: جهانجوی ۱۲- ل: بد؛ ل: کزان بدگمان بد؛ متن= ف، س، ق، س: پیش ۱۳- س: پیش ۱۴- ل (نیز، ل، و): که کس بی بهانه؛ ق (نیز، ل، پ، ب): که کس بی زمانه؛ س: که بی او زمانه (که او بی زمانه)؛ متن= ف، س، ل: (نیز، ل، ل، ل، آ) ۱۵- ل: ازین در سخنها بیاید شمرد؛ س (نیز، ل، ل، ب، لن، آ): دلت راه غم را نباید سپرد؛ (ق: دلت را زهر غم بیاید سترد)؛ متن= ف، ق، ل، س: (نیز، و، ب؛ ق: دل ای؛ ل، س، و، ب: دل) ۱۶- س، ل، س: و گسر ۱۷- ل، س: (نیز، لن- لن، ل، ب): افسون؛ متن= ف، س (نیز، آ)؛ ق: نیاید بتن گرسد افسون؛ ل این بیت را ندارد ۱۸- ل، ق، ل، س: (نیز، لن، ق، ل، ب): داروی؛ متن= ف، س ۱۹- ق (نیز، ب): خاک بوس: (ل: جابلوس؛ ب: جابلوس)؛ ل (نیز، و): به پیش سپهد زمین (و: زمی) داد بوس؛ متن= ف، س، ل، س: (نیز، لن، ق، ل، ل، ل، آ) ۲۰- ل این بیت را ندارد ۲۱- ف، س، ق، ل، س: (نیز، لن، ق، ل، ب، و، لن، آ، ب): رفتن اندر (لن: ایدر) فریب (ق: نییب)؛ ل (نیز، ل): رفتن (رفتنش) با نییب؛ متن تصحیح قیاسی است (رفتن گویبه ترکستان، بیت ۹۹۹: نیز- رواندگی، س ۱۴۹، س ۲)؛ ل این بیت پس از بیت ۱۱۰ پ آمده است ۲۲- ل، س: از؛ ل این بیت را ندارد ۲۳- ق (نیز، ل، آ): طوس؛ متن= ف، ل، س، ل، س: (نیز، لن، ق، ل، ب، و، لن) است ۲۴- ل این بیت را ندارد ۲۵- ل (نیز، ل، آ): که نوشته؛ (لن: که نوشته)؛ متن= ف، ق (نیز، ب) ۲۶- ل، ق: بدی؛ متن= ف، س، ل، س: (نیز، لن- ب): بزی- بدی= بادی؟

فلک مایه‌ی زور و بخت<sup>۳</sup> تو باد!  
 جگرخسته از درد و<sup>۴</sup> تیمار خویش  
 زبان پُر ز پوزش، تنم<sup>۵</sup> پُر گناه  
 همی بر فروزم چو آذرگشپ  
 همی پیچم از کرده‌ی خویشتن  
 همی جان خویشم نیاید به چیز<sup>۶</sup>  
 و زین نامور پُر گناه<sup>۱۱</sup> انجمن،  
 سرانشان به پست از<sup>۱۲</sup> فراز آورم  
 اگر جان ستانم، و گگر<sup>۱۳</sup> جان دهم  
 جز از ترگِ رومی نبیند سرم

دلش تازه شد چون گل اندر بهار  
 چه با نامداران و گنگداوران<sup>۱۷</sup>  
 سپیده ز خَم کمان<sup>۱۹</sup> بردمید،  
 بهم با<sup>۲۱</sup> بزرگان ایران سپاه  
 که هرگز بی کین نگردد<sup>۲۳</sup> نهان  
 از آن کین پیشین و روز<sup>۲۵</sup> گهن  
 زمین پُر ز خونِ دلیران نبود

زمین بنده‌ی<sup>۱</sup> تاج و تخت<sup>۲</sup> تو باد!  
 منم دل پر از غم ز کردار خویش  
 همان<sup>۵</sup> نیر<sup>۶</sup> جانم پُر از شرم<sup>۷</sup> شاه  
 ز پاکیزه‌جان فرود و زرسپ  
 اگر من گنه‌کارم از انجمن  
 بویزه ز بهرام و از<sup>۹</sup> ریویز  
 اگر شاه خشنود گردد ز من  
 شوم کینِ این ننگِ بازآورم  
 همه رنج لشکر به تن برنهم  
 ازین<sup>۱۴</sup> پس به تخت و کله<sup>۱۵</sup> ننگرم

ز گفتار او شاد شد شهریار  
 بسی رای زد با تهمتن بر آن<sup>۱۶</sup>  
 چو تاج خورِ روشن<sup>۱۸</sup> آمد پدید  
 سپهبد بیامد بنزدیک<sup>۲۰</sup> شاه  
 بدیشان<sup>۲۲</sup> چُنین گفت شاه جهان  
 ز تور و ز سلم اندر آید<sup>۲۴</sup> سخن  
 چُنین ننگ بر شاه ایران نبود

۸۰

۸۵

۹۰

۱- (ل: پایه؛ لن: مایه) ۲- س: تخت عاج ۳- ف: پایه روزبخت؛ ل، ق: (نیز و، ب): مایه فروبخت؛ س: پایه بخت و تاج؛ ل: مایه روز و بخت؛ س: پایه و روزبخت؛ (لن، آ: پایه زور و بخت؛ ق: مایه پرور زبخت؛ ل، لن: پایه روز و بخت؛ پ: پایه دور و بخت)؛ متن = (ل) ۴- ل: به غم بسته جان را ز؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن- ب) ۵- ف: همین؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۶- ف: بر (نقطه ندارد)؛ ل، ل: ل: بیز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: تیره؛ متن = س، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۷- ف، ق: درد (ق در بالا افزوده است: شرم)؛ متن = ل، س، ل، س (نیز لن- ب) ۸- ل: روان؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ل، پ- ب) ۹- ف- ل: وز؛ متن = س ۱۰- س، ق (نیز و، ب): نیرزد بچیز؛ س: نیرزد پیشیز؛ (پ، لن: نباشد بچیز)؛ متن = ف، ل، ل (نیز لن، ق، ل، ل، آ) ۱۱- ل، س، ق، ل (نیز ل، آ): بی گناه؛ س: بی گنه نامور؛ متن = ف (نیز لن، ق، پ، و، لن، ب) ۱۲- ل: سرو پشت را بر؛ س، ق (نیز لن، ل، پ، لن، آ): سرشیب را بر؛ ل، س (نیز ق، ل، و): سر پست را بر؛ (ب: سر از پست سوی)؛ متن = ف ۱۳- ل، س، ق، س (نیز ل، پ، لن، آ، ب): آگر؛ متن = ف، ل (نیز لن، ق، ل، و) ۱۴- س: از آن؛ ل، س: وزین ۱۵- ف: بگه؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۱۶- س، ق، ل، س (نیز لن، ل- ب): در آن؛ (ق: بر از- بران)؛ متن = ف ۱۷- (ق: گردنفر از)؛ ل این بیت را ندارد (۱۱۰ پ) ۱۸- س، ق (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب): چو خورشید تابنده؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ق، ل، و) ۱۹- ف: زمان (؟)؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۲۰- س: ز نزدیک ۲۱- ل، ق (نیز ب): ابا او؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن- آ) ۲۲- ف: بلاشکر؛ س: بریشان؛ (ق: بایشان؛ ب: بگردان)؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۳- ق: نماند ۲۴- ل، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، لن، آ، ب) آمد؛ متن = ف، ق (نیز ل، پ، و) ۲۵- ل (نیز لن، ق، ل، آ): رزم؛ ل، س: روز پیشین و کین؛ متن = ف، س، ق (نیز ل، پ، و، لن، آ، ب)

<p>همه کوه ازین پس چو ایرانیان<sup>۱</sup> همان<sup>۲</sup> مرغ و ماهی بریشان بزار از ایران همه<sup>۳</sup> دشت تورانیان شما را همه شادمانیست رای</p> <p>دلیران همه دست کرده به گش همه همگنان خاک دادند بوس چو خرد با<sup>۴</sup> زنگه‌ی شاوران که ای شاه نیک‌اختر<sup>۵</sup> شیردل</p> <p>همه یک‌بیک پیش تو بنده‌یم اگر جنگ فرمان دهد شهریار نبیند ز ما هیچ مانند<sup>۶</sup> شاه سپهدار پس<sup>۷</sup> گیو را پیش خواند</p> <p>فراوانش بستود و بنواختش بدو گفت کاندز جهان رنج<sup>۸</sup> من نباید که بی‌رای تو پیل و کوس ندیدی مگر سهمگین کارگرد<sup>۹</sup></p> <p>ز گفتار بدگوی و ز نام‌ونگ</p>	<p>۹۵</p> <p>۱۰۰</p> <p>۱۰۵</p>	<p>به زَنار خونین ببندد<sup>۱</sup> میان بگرید به دریا و بر<sup>۲</sup> جویبار<sup>۳</sup> سرودست و پایست و پشت و میان به کینه نجبنده‌می دل ز جای</p> <p>به پیش جهاندار<sup>۴</sup> خورشیدفش، چورُهام و گرگین و گودرز<sup>۵</sup> و طوس، دگر بیژن گیو و<sup>۶</sup> گنداوران، به دل برده از شیر و<sup>۷</sup> شمیر دل ز تشویر خسرو سرافکنده‌یم همه سرفشانیم در کارزار مگر<sup>۸</sup> تیره گردد رخ هور و ماه به تخت گرانمایگی<sup>۹</sup> برنشاند</p> <p>بسی خلعت و نیکوی<sup>۱۰</sup> ساختش تو جویی<sup>۱۱</sup> و بی‌بهره<sup>۱۲</sup> از گنج<sup>۱۳</sup> من سوی جنگ<sup>۱۴</sup> راند سپهدارطوس که روشن‌روان رادبهرام مرد<sup>۱۵</sup>، جهان کرد بر خویشتن تار و تنگ</p>
---	---------------------------------	--

۱- ل، ق (نیز ق، ل، و، آ، ب): همه (ق، ب: همی) کوه بر (ق، ق، ل، آ، از: و، پر) خون گودرزبان؛ س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، پ، ل، ن): همی کوه از این (ل، ل، پ، ل، ن: از) خون (س، ل، آ: کین) ایرانیان؛ متن = ف ۲- ل (نیز ق، و): بیسته؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳- س: همی ۴- س<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، پ، و، آ): در؛ متن = ل، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، ل، ن، ب) ۵- ل: کوهسار؛ (ق، و: مرغزار)؛ متن = س، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ف این بیت را ندارد ۶- ق (نیز و): از ایرانیان؛ متن = ل، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ ف این بیت را ندارد ۷- ل: خداوند ۸- ف: و فرهاد؛ ل: چو گودرز؛ ل، س: چو گودرز و چون گیو و گرگین؛ (و: و گنهم)؛ متن = س، ق (نیز هشت دستنویس دیگر) ۹- ف: خرداد و چون؛ (ق: فرهاد با؛ آ: خرداد و چون)؛ متن = ل- س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۰- ل: [و] ۱۱- ل: اختر و ۱۲- س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، آ، ب): از تیغ و؛ (ق: از تیر و)؛ ل: پیرده ز شیران به؛ ق: ر بوده ز دشمن به؛ متن = ف (نیز ل، پ، و، ل، ن)؛ ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر پوزش نمودن طوس و گودرز و پهلوانان ایران پیش شاه کیخسرو و سخن گفتن رستم ۱۳- س: مانند (نقطه ندارد)؛ ل<sup>۱</sup> (نیز ل، پ، ل، ن): مانده؛ س: مانده (نقطه ندارد)؛ (ل، آ: تاخیر؛ ل، ب: مانند؛ و: داننده)؛ متن = ف، ق ۱۴- ق: و گره؛ ل این بیت را ندارد ۱۵- ل: شه؛ س: مر ۱۶- ل، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، و، آ): گرانمایگان؛ متن = ف، ق (نیز ل، پ، ل، ن، ب) ۱۷- ف، ل، س: نیکویی؛ ل، س: پندها؛ متن = ق ۱۸- س: گنج ۱۹- ل (نیز ل، و، ب): بر دی؛ ق: دیدی؛ (ق: جتی؛ ل، آ: بیخی)؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، پ، ل، ن) ۲۰- ل- س<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، پ، و، ل، ن، ب): بی‌مهری؛ متن = ف (نیز ق، ل، ل، آ) ۲۱- س: رنج ۲۲- س: رزم ۲۳- (ل، پ، ل، ن): دست برد؛ ل، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب): بستندی مکن سهمگین (ل: سهمگین) کار خرد؛ متن = ف، س ۲۴- ل- س<sup>۱</sup> (نیز ل، ن، ب): باد بهرام گردد (س: مرد)؛ متن = ف

گفتار اندر رفتن طوس و گودرز به جنگ پیران<sup>۱</sup>

۱۱۰	درم داد و روزی دهان را بخواند	بسی با سپهدار چری <sup>۲</sup> براند
	از <sup>۳</sup> اختر یکی روز فرخ بجست	که بیرون شدن را کی آید درست
	همی بود با کوس و پیلان به <sup>۴</sup> دشت	چنین تا سپهد برو برگذشت <sup>۵</sup>
	بدو داد شاه اختر کاویان	بدانسان <sup>۶</sup> که بودی به رسم <sup>۷</sup> کیان
	برو آفرین کرد و برشد خروش	جهان آمد از بانگ <sup>۸</sup> اسپان به جوش
۱۱۵	یکی ابر بست از پی <sup>۹</sup> گرد سُم	برآمد خروشیدن گاوو دم
	ز بس جوشن و کاویانی درفش	شده روی گیتی سراسر بنفش
	تو خورشید گفتی به آب <sup>۱۰</sup> اندرست	سپهر و ستاره به خواب <sup>۱۱</sup> اندرست
	نهاد از بر پیل <sup>۱۲</sup> پیروزه <sup>۱۳</sup> مهد	همی رفت ازین <sup>۱۴</sup> گونه تا رود شهد
	هیونی بکردار باد دمان	بشد نزد پیران هم اندر زمان،
۱۲۰	که من جنگ را گردن افراخته	سوی رود شهد آمدم ساخته
	چو بشنید پیران غمی گشت سخت	که بر بست بایست ناکام <sup>۱۴</sup> رخت
	برون رفت با نامداران خویش	گزیده دلاورسواران خویش
	که ایران سپه را ببیند که چیست	سرافراز چندست و <sup>۱۵</sup> با طوس کیست
	رده برکشیدند از آن <sup>۱۶</sup> سوی <sup>۱۷</sup> رود	فرستاد نزد سپهد درود

۱- ف (چند بیت پایین تر): گفتار اندر رفتن طوس و گودرز بجنگ پیران و پیام فرستادن به پیران و جنگ ساختن سران؛ ق: فرستادن کیخسرو دوم نوبت لشکر را به توران؛ ل<sup>۲</sup> (چند بیت پایین تر): در آمدن طوس بجنگ پیران و پیام دادن؛ متن = آغاز ف ۲- ق، ل، س، س<sup>۳</sup> (نیز ق، و، لن<sup>۴</sup>): خولی؛ ل (نیز ل<sup>۲</sup>): با سپهد سخنها؛ متن = ف، س (نیز لن، ل، پ، آ، ب)؛ ل پس از این بیت، بیت زیر را و پس از آن بیت های ۷۲ و ۷۴ و ۱۱۳ را آورده است:

همان رای زد با تهمتن بران (= ۸۷ آ)

بنداری: فأطلق للمکر أرزاقهم و خلع عليهم وأعطاهم، واختار لخروجهم يوما مباركا. فبرز طوس وخیم بالصحراء، واجتمعت اليه الإصبهنية في جموع ضاق بهم الفضاء، ولم يأت عليهم الإحصاء ۳- ل، ق: ز؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۴</sup> ۴- ف: با پیل و لشکر به؛ (ق: با پیل برپهن؛ ل، آ: با پیل و کوسان به)؛ ل: همی رفت با کوس خسرو به؛ متن = س، ق، ل، س<sup>۲</sup> (نیز لن، پ، و، لن، ب) ۵- ل: چنان تا سپهد بدو برگذشت؛ ق (نیز و، ب): چنین تا سپه جله بروی گذشت؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۲</sup> (نیزش دستنویس دیگر)؛ ل پس از این بیت، دو بیت وق (نیز ل، و، آ) تنها بیت دوم را افزوده اند:

یکی لشکری همچو کوه سیاه

گذشتند بریش بیدار شاه

پس لشکر اندر سپهدار طوس

بیامد برشه زمین داد بسوس

۶- ل، ل، س<sup>۲</sup>: برانسان؛ متن = ف، س، ق ۷- س: که بدرسم وراه ۸- ل<sup>۲</sup>: بیم (سم)؛ س: سم؛ پایانی بیت های ۱۱۰-۱۱۴ درل: ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۷۴، ۷۲، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۴ ۹- ل، ل، س<sup>۲</sup>: از بر؛ متن = ف، س، ق ۱۰- س: خواب ۱۱- س: آب ۱۲- س، ل: نهاده ابر پیل رویینه (ل: پیروزه) ۱۳- ل: زمین ۱۴- ق: ناگاه؛ (لن، ل، پ، لن<sup>۲</sup>: باید بنا کام)؛ ل: فرو بست بر پیل ناکام؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۲</sup> (نیز ل، آ) ۱۵- ل، ق: [و] ۱۶- ل: زان ۱۷- ق: روی؛ س<sup>۲</sup> در اینجا سرنویس دارد: پیام ایرانیان نزد پیران

- ۱۲۵      و زین<sup>۱</sup> روی لشکر بیاورد طوس  
سپهدار پیران<sup>۲</sup> یکی چرب گوی  
بگفت آنک<sup>۳</sup> من با فریگیس<sup>۴</sup> و شاه<sup>۵</sup>  
ز درد سیاوش خروشان بدم<sup>۶</sup>  
کنون<sup>۷</sup> بار تریاک زهر آمده است  
دل طوس غمگین شد از کار اوی<sup>۸</sup> ۱۳۰  
چنین داد پاسخ که از مهر تو  
سر آزاد کن دور شو زین<sup>۹</sup> میان  
بر شاه ایران شوی با سپاه  
به<sup>۱۰</sup> ایران ترا پهلوانی دهد  
چو یاد آیدش خوب کردار<sup>۱۱</sup> تو ۱۳۵  
همین<sup>۱۲</sup> گفت گودرز و گیو و سران  
سراینده‌ی پاسخ آمد<sup>۱۳</sup> چو باد  
بگفت آنک<sup>۱۴</sup> بشنید با پهلوان  
چنین داد پاسخ که من روز و شب  
شوم هر که<sup>۱۵</sup> هستند پیوند من، ۱۴۰
- درفش همایون و پیلان و<sup>۱</sup> کوس  
ز ترکان فرستاد نزدیک اوی  
چه کردم ز<sup>۲</sup> خون به هر جایگاه  
چو بر آتش تیز جوشان بدم<sup>۳</sup>  
مرا زو<sup>۴</sup> همه درد<sup>۵</sup> بهر آمده است  
پیچید از<sup>۶</sup> درد گفتار<sup>۷</sup> اوی<sup>۸</sup>  
فراوان نشانست بر چهر تو  
ببند این در<sup>۹</sup> به<sup>۱۰</sup> و راه زیان  
مکافات یابی به نیکی<sup>۱۱</sup> ز شاه  
همان افسر<sup>۱۲</sup> خسروانی دهد  
دلش رنجه گردد ز تیمار<sup>۱۳</sup> تو  
بزرگان و<sup>۱۴</sup> تیمارگش مهتران  
بنزدیک پیران<sup>۱۵</sup> و یسه نژاد  
ز طوس و ز گودرز روشن روان  
به یاد سپهد گشای<sup>۱۶</sup> دو لب،  
خردمند کو<sup>۱۷</sup> بشنود پند من،

۱-س:وزان ۲-ل:ا[و]:ق این بیت را ندارد:س<sup>۱</sup> پس از این بیت افزوده است (← ۱۶۷ پ):

بدو گفت نیکو نکردی تو جنگ      دگر بآره بآز آمدی چون پلنگ  
ازین ننگ بر تنت تا جاودان      بگریده همه مرده و دودمان  
ترا خود هنر نیست و نه زور دست      چندان چون بود درخور شه برست

۳-س:ترکان:ق این بیت را ندارد ۴-س:آنکه ۵-ف.ل.ل.س:(نیز.ل.و):فریگیس (حرف سه نقطه ندارد):ق (نیز  
ق.ب.ل.آ.ب):فرنگیس:متن تصحیح قیاسی است ۶-س:چنین داد پاسخ که از مهر شاه ۷-س:به ۸-ل.ل.س:  
شده ۹-س:یکی ۱۰-ق:زان ۱۱-ل:رنج:س:زهر:متن=ف.ق.ل.س ۱۲-ل.ل.س:او ۱۳-ل:زان:  
س:ق:از آن:متن=ف.ل.ل.س ۱۴-ل:درد و پیکار:س:سرد گفتار:ق:خوب گفتار:س:(نیز آ):درد و گفتار:(ق):گرد گفتار:  
متن=ف.ل:(نیز ل.و.ب):ل.س<sup>۱</sup> پس از این بیت افزوده اند:

ل:وزین روی گودان ایران سپاه

بیاورد طوس

س:یکی پاسخ داد تازه وار

چندان چون بود درخور کارزار

۱۵-س:از ۱۶-ل:کین ۱۷-س:بخوی:ق:بکیتی:س:نیکی بیانی:متن=ف.ل.ل.ل ۱۸-ل:بر ۱۹-س:اختر:  
در س<sup>۱</sup> با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۰-ل:گفتار ۲۱-ل:کردار ۲۲-ل:(نیز ل.و.ل.آ):چنین:س (نیز  
ق):همی:متن=ف.ق.ل.س:(نیز ل.ب) [و] ۲۳-ل:ا[و] ۲۴-ف:سراینده پاسخ بیامد:متن=ل.س:(نیز ل.ب) ۲۵-  
ل.س:(نیز ل.):آنچه:ق.ل:(نیز ق.ل.ب):آنچه:(آ:آنکه):متن=ف.س:(س:سیاوخش.بیت ۱۵۲۲ پ:رزم بازده رخ.بیت ۱۴۴.  
۱۱۱۶، ۱۲۴۴) ۲۶-ل:گشاده ۲۷-ل.س:هر چه:ل:هر چه:متن=ف.ق.س ۲۸-س:گر:ل:اگر

به ایران گذارم برویوم و رخت؟  
 و زین گفت‌ها بود مغزش تهی  
 هیونی برافگند هنگام<sup>۲</sup> خواب  
 کز ایران سپاه آمد و پیل<sup>۴</sup> و کوس  
 ۱۴۵ فراوان فریبش فرستاده‌ام  
 سپاهی ز جنگاوران برگزین  
 مگر تخمشان<sup>۱</sup> از بُنه<sup>۱۰</sup> برکنیم  
 و گرنه ز کین سیاوش سپاه  
 چو بشنید افراسیاب این<sup>۱۴</sup> سخُن  
 ۱۵۰ بدیشان<sup>۱۷</sup> بگفت آن<sup>۱۸</sup> سخُن‌ها که رفت  
 یکی لشکری ساخت افراسیاب  
 دهم روز لشکر به پیران رسید  
 چو لشکر برآسود و<sup>۲۱</sup> روزی بداد  
 ز پیمان نکرد ایچ یاد و ز عهد<sup>۲۳</sup>

سر نامور بهتر از تاج و تخت!  
 همی گفت نو<sup>۱</sup> روزگار بهی  
 سراینده نزدیک<sup>۲</sup> افراسیاب  
 همان گیو و<sup>۵</sup> گودرز و برزین<sup>۶</sup> و طوس  
 ز هر گونه‌یی پند<sup>۷</sup>‌ها داده‌ام  
 که از زین ربایند گردان به کین<sup>۸</sup>  
 به بار و بُنه<sup>۱۱</sup> آتش اندرزیم  
 نیاساید از جنگ<sup>۱۲</sup> هرگز، نه<sup>۱۳</sup> شاه  
 سران<sup>۱۵</sup> را بخواند او سراسر ز بُن<sup>۱۶</sup>  
 که بر کین بیاید همی رفت تفت<sup>۱۱</sup>  
 که تاریک شد چشمه‌ی آفتاب  
 سپاهی کزو شد زمین ناپدید<sup>۲۰</sup>  
 سپه<sup>۲۲</sup> برگرفت و بُنه بر نهاد  
 بیامد دمان تا لب رود شهد

۱- ل، ق، س<sup>۱</sup> (نیز و): جست نو؛ ل: جست خود؛ (ب: جست از آن)؛ متن = ف، س (نیز ل، ل، پ، لن، آ)؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند، س: پیغام پیران بنزد افراسیاب و آگاهی دادن از آمدن طوس؛ ق: آگاهی دادن پیران افراسیاب را از آمدن لشکر ایران ۲- ل، ق (نیز ل، لن)؛ نزدیک؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳- ل: فرستاد نزدیک؛ س، ق (نیز ل، و): سراینده نزد؛ س<sup>۱</sup> (نیز ب): سراینده سوی؛ (لن، پ: سراینده شد پیش؛ لن: سراینده شد نزد)؛ متن = ف، ل، ل (نیز ق، ل، آ) ۴- ل: بوق ۵- س: [و] ۶- ل: رهام؛ ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، و): گرگین؛ (لن، پ، لن: شیدوش)؛ متن = ف، س (نیز ل، آ) ۷- ل: س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق): بندها؛ متن = ف (نیز هفت دستنویس دیگر) ۸- ل: گردان کین؛ ل، س، ق (نیز و): که برزین شتابش نباید (س، ق: نگیرد) به (ل: ز) کین؛ س: که تا من کم رزم ایران زمین؛ (لن، پ، لن، ب: که برزین نگیرد (ب: بگیرد) شتابش (لن: سانش) بکین؛ ق: که برزین نشانش نماند ز کین؛ ل، آ: که برزین سانش بگیرد نگین)؛ متن = ف ۹- ل، س، ل (نیز ل، ق، ل، پ، آ): بومشان؛ ق (نیز ل، ب): بیخشان؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> ۱۰- س: از زمین ۱۱- ل: بتخت و بگنج؛ س (نیز ل، آ): بیار و بگنج؛ ق: بیار و بیخ؛ ل: بیار و بین؛ س<sup>۱</sup> (نیز ل): بیوم و ببر؛ (لن، پ، لن: و یا سربسر؛ ق: بکاخ و بگنج؛ و: بیار و ببرگ؛ ب: بگنج و بیار)؛ متن = ف ۱۲- س، ل: رنج ۱۳- س: دو ۱۴- س: آن ۱۵- س: مهان؛ متن ← ۱۶- ل: از همه انجمن؛ (لن، پ، لن: آنزمان زانجمن؛ ق، ب: و سراسر زین)؛ س: بخواندش همه زانجمن؛ ق: سراسر بخواند او سپه را ز بن؛ (و: سراسر بخود خواند و کرد انجمن)؛ متن = ف، ل (نیز ل، آ)؛ س، ق، ب (ب ۱۷- ل: بایشان ۱۸- س: این ۱۹- ق: تفت رفت (پساوند ندارد)؛ س: باید هم اکنون برفت؛ متن = ف، س، ل؛ ل این بیت را ندارد ۲۰- ل (نیز ل): شد جهان ناپدید؛ س: کوه شد ناپدید؛ (ب: بوم شد ناپدید)؛ س: که شد زوزمی ناپدید؛ ف: سر او زشادی به کیوان رسید؛ متن = ق، ل (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ س: سندی؛ فانفذ الیه بعد عشرة أيام عسکرا عظیما. فقوی به قلب بیران، واشتد آزره ۲۱- ل: بیاسود؛ س، ل، س: بیاسود؛ متن = ف، ق ۲۲- س، ل، ل: درم؛ ل، س: در اینجا سرنویس دارند، ل: رزم گودرز و پیران و این را جنگ بشن گویند؛ س: رزم طوس با ارزنگ ۲۳- س: نه عهد؛ ل: ز پیمان بگردید و زیاد عهد؛ متن = ف، ق، ل، س

<p>که برنند بر کوهی پیل کوس<sup>۱</sup>          چو داند<sup>۲</sup> که تنگ اندر آمد نشیب<sup>۳</sup>          سپه بر لب رود صف برکشید          به هامون کشیدند پیلان<sup>۴</sup> و کوس          سواران ترکان و ایران گروه<sup>۵</sup>          که آتش برآمد ز دریای آب<sup>۶</sup>          تو گفتی شب اندر<sup>۷</sup> هوا لاله کشت          ز جوش سواران زرین کمر          همی بوسه داد از بر آبنوس<sup>۸</sup>          چو سندان بُد و پُتک آهنگران<sup>۹</sup>          ز نیزه هوا چون نیستان شده ست          بسی خوار گشته تن ارجمند<sup>۱۰</sup>          تن نازدیده<sup>۱۱</sup> به شمشیر چاک          سپهر و ستاره پُر آوای<sup>۱۲</sup> کوس</p>	<p>۱۵۵ طلایه پیامد بنزدیک طوس          که پیران نداند سخن جز فریب<sup>۱</sup>          درفش جفایشه آمد پدید          بیاراست<sup>۲</sup> لشکر سپهدار طوس          دو رویه سپاه اندر آمد چو کوه<sup>۳</sup>          چنان شد ز گرد سپاه<sup>۴</sup> آفتاب          درفشیدن<sup>۵</sup> تیغ و زوین<sup>۶</sup> و خشت          ز بس ترگ زرین<sup>۷</sup> و زرین سپر          برآمد یکی ابر چون سندروس<sup>۸</sup>          سر سروران زیر گرز گران          ز خون رود<sup>۹</sup> گفتی میستان شده ست          ۱۶۵ بسی سر گرفتار دام کمند          کفن جوشن و بستر از خون و خاک          زمین ارغوان و هوا آبنوس<sup>۱۰</sup></p>
---	--

۱- س بجای بیت ۱۵۵ افزوده است:

که کردار هر کس نشاید نهفت

چو آگاهی آمد بگودرز گفت

ق (نیزلن، ل، ل، ل، آ) بجای بیت ۱۵۵ (وب پس از آن) افزوده اند:

که ای پهلوان این سخن یادگیر

چنین گفت با طوس گودرز پیر

متن = ف، ل، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیزق، ل، ل، و، ب) ۲- س: دروغ ۳- ق: بیند ۴- ل، ق، ل، ل، س: نیب: س: فروغ: متن = ف (نیزلن- ب) ۵- ل: برآراست ۶- ل: [و]: س: که برنند بر کوه پیل (= ۱۵۵ ب) ۷- س: گرد ۸- س: سواران و شیران روز نبرد؛ ق، ل، ل، س: سواران ایران و توران گروه؛ متن = ف، ل ۹- ل: نهان شد ز گرد سوار ۱۰- ف، ل: تو گفتی که آتش برآمد از آب؛ متن = ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیزلن، ق، ل، و، ل، آ) ۱۱- ل، ل، س، ل، ل، س: (نیزق، ل، ل، و، آ): درخشیدن؛ (لن): درفشنده شد؛ لن: درخشنده شد؛ متن = ف، ق (نیزل، ب) ۱۲- ف- س: زوین ۱۳- س، ق (نیزلن، ل، ل، آ، ب): که شب در؛ ل: که روی؛ س: که اندر؛ متن = ف، ل (نیزق، و) ۱۴- س: رویین؛ درس، ق، ل: لتهای این بیت پس و پیش شده اند ۱۵- ل: آبنوس؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۱۶- ل: سندروس؛ س: همی بوس داد از زمین آبنوس؛ ق: سپهر و ستاره پر آوای کوس (= ۱۶۸ ب): (لن، ل، ب: زمین گشت از ابر (لن: گرد) چون آبنوس؛ ق: ستاره همی از سرش داد بوس)؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیزل، و)؛ درل این بیت پس از بیت ۱۶۱ آمده است ۱۷- ل: پس از این بیت افزوده است (= ۱۲۵ پ):

ز ترکان فرستاد نزدیک اوی  
 دگر باره باز آمدی چون نهنگ  
 تن خود بکام نهنگ آوری  
 چنان چون بود درخور سینه شست (!)  
 بگرید همی مردم دوده تان  
 مگردان سرآسیمه تن خویشتن (!)

سپهدار ایران یکی چرب گوی  
 بدو گفت هر گه که کردی نوجنگ  
 از ایران که با من نوجنگ آوری  
 ترا خود هنر نیست نه زوردست  
 و ازین ننگ بر تننت نجاودان  
 که دیدی یکی دست بردی ز من

۱۸- ق: دشت ۱۹- س: مستمند ۲۰- ل: بازه کرده (!) ۲۱- ل، س (نیزلن، ل، و، ل، آ، ب): زمان سندروس؛ ق (نیز

ل): رخان سندروس؛ ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیزق): هوا سندروس؛ متن = ف ۲۲- س: آواز



اگر تاج یابد<sup>۱</sup> جهانجوی<sup>۲</sup> مرد  
گر ابدون کجا رفت باید<sup>۳</sup> ز دهر  
ندانم<sup>۴</sup> سرانجام و<sup>۵</sup> فرجام<sup>۱۰</sup> چیست

یکی نامداری بُد ارژنگ نام  
برانگیخت<sup>۱۳</sup> از دشت آورد گرد  
چو از دور طوس سپهد بدید  
به پور زره گفت: نام<sup>۱۵</sup> تو چیست؟  
بدو<sup>۱۸</sup> گفت: ارژنگ جنگی منم  
کنون خاک را از تو جوشان<sup>۲۱</sup> کنم  
چو گفتار پور زره شد به بُن  
به پاسخ ندید ایچ رای و<sup>۲۵</sup> درنگ  
بزد بر سر و<sup>۲۶</sup> ترگ آن نامدار  
برآمد از<sup>۲۷</sup> ایران سپه بوق و کوس  
غمی گشت پیران و<sup>۲۹</sup> توران سپاه  
دلیران توران و گنداوران  
که یکسر بکوشیم و جنگ آوریم  
چنین گفت هومان که امروز جنگ

وگر خاک آورد و خون نبرد<sup>۳</sup>،  
چه زو<sup>۵</sup> بهره<sup>۶</sup> تریاک یاب<sup>۷</sup> چه زهر  
برین<sup>۱۱</sup> رفتن اکنون بیاید گریست

به ابر اندرآورده از جنگ نام<sup>۱۲</sup>  
از ایرانیان جُست جنگ و<sup>۱۴</sup> نبرد  
بغزید و تیغ از میان برکشید  
ز مردان<sup>۱۶</sup> جنگی ترا یار<sup>۱۷</sup> کیست؟  
سرافراز<sup>۱۹</sup> شیر<sup>۲۰</sup> درنگی منم  
به<sup>۲۲</sup> آورد گه بر سرافشان کمه  
سپهدار ایران شنید<sup>۲۳</sup> آن<sup>۲۴</sup> سخن،  
همان آبداری که بودش به چنگ،  
تو گفتی تنش سر نیورد بار  
که پیروز باز آمد از رزم<sup>۲۸</sup> طوس  
ز گردان<sup>۳۰</sup> تپی ماند آرامگاه<sup>۳۱</sup>  
کشیدند شمشیر و گرز گران  
جهان بر دل طوس تنگ آوریم  
بسازیم<sup>۳۲</sup> و دلها نداریم<sup>۳۳</sup> تنگ

۱- ل (نیز ب): جویید: متن = ف، ق، ل، س (نیز ل، ق، ل، و، ل، و، ل) ۲- ق: جهان دیده ۳- (ق، ب: ودشت نبرد): ل، وگر خاک گردد بر روز نبرد: ق: وگر خاک و خون آورد هم نبرد: س: وگر خون آورد و دشت نبرد: (و: وگر خاک یابد ز خون نبرد): متن = ف، ل (نیز ل، ی، ل، آ): س بجای این بیت افزوده است:

دو رویه سپاه اندر آمد چه گردد  
سواران ایران و توران نبرد (← ۱۵۴)

۴- ف: رفتی ام: ل، س: بنا کلام مبرفت باید: س (نیز ق): از ابدون کجا رفت باید (ق: رفتی ای): (ل، ب، ل، ل: از این کجا رفت باید (ل: خواهی): و: گر ابدونک من رفتی ام): متن = ق، ل (نیز ل، ل، آ، ب) ۵- س: گز ۶- ل: پیر ۷- ل، ل: (نیز ق، ل): یانی: س: دارم: (آ: بیاید): متن = ف، ق، س (نیز ل، ی، ب، و، ل، ب) ۸- ف: نسیم: متن = ل، س (نیز ل، ب) ۹- ل، س: او | ۱۰- ل: انجام ۱۱- س: بنین ۱۲- ل: کلام ۱۳- ل، ل: بر آورد ۱۴- ل، ل، س (نیز ق، ب): چندی: س، ل (نیز ل، و، ل): تنگ و: ق: تنگ: (ل: جنگی): متن = ف (نیز ب، آ) ۱۵- ل: کام: ق: بدو گفت پشو که نام: متن = ف، س، ل، س ۱۶- ل، ل، س (نیز ق، ی، ب، ب): ترکان: (ل: گردان): متن = ف ۱۷- ل: کنون نام: س: کام: متن = ف، ق، ل، س ۱۸- ق: چنین ۱۹- ف، س، ل، س (نیز ل، و): سرافراز: متن = ل، ق (نیز ل، ق، ی، ب، ل، آ، ب) ۲۰- ف: شیوه: متن = ل، س (نیز ل، ب) ۲۱- ل: رخشان ۲۲- س: دره: ل، س: بهره: متن = ف، ل، ق ۲۳- س: شنید ۲۴- ل، ق، ل، س: ایسن: متن = ف، س ۲۵- ل، س: رای: ق، س: گاه: ل: جای: متن = ف ۲۶- ل، س: او | ۲۷- ل، ق، ل: ز ۲۸- ق: جنگ: ل: که پیروز یازد سرافراز: متن = ف، س، ل، س ۲۹- ل: ز ۳۰- ل، ل، س: ترکان: متن = ف، س، ق ۳۱- ل، ل، س، ل، س (نیز ق، ل، و): آورد گاه: ق: آن جایگاه: متن = ف (نیز ل، ی، ب، ل، آ) ۳۲- ق، ل (نیز ل، ب): نسازیم: س: بسازیم (حرف بکم نقطه ندارد): متن = ف، س (نیز ل، ق، ب، و، آ) ۳۳- ل (نیز ل): بسازید و دل را (ل: ها) مدارید

گر ایدونک ازیشان<sup>۱</sup> یکی نامور پذیره فرستم گردی دمان  
 وُزیشان به تیزی بجویم<sup>۲</sup> جنگ بدانگه که لشکر بجنبد ز جای  
 همه یکسره گرزها برکشیم ۱۹۰  
 به انبوه رزمی بسازم سخت  
 ز لشکر برآرد به پیگار سر،  
 بینم تا بر چه<sup>۳</sup> گردد زمان  
 بیاید یک امروز کردن درنگ  
 تیره برآید ز پرده سرای<sup>۴</sup>،  
 یکی از لب رود برتر کشیم  
 اگر یار باشد جهاندار و<sup>۵</sup> بخت

گفتار اندر نبرد طوس با هومان وِسه<sup>۶</sup>

به اسپ عقاب اندر آورد<sup>۷</sup> پای تو گفתי یکی باره<sup>۸</sup>ی آهنست  
 به پیش سپاه اندر آمد به جنگ بجنبید طوس سپهد ز جای ۱۹۵  
 چُنین گفت کز وِسه<sup>۹</sup> شور بخت نمودم به ارزنگ<sup>۱۰</sup> یک دستبرد  
 تو اکنون همانا به کین آمدی به جان و سر شاه ایران سپاه  
 به جنگ تو آیم بسان پلنگ ۲۰۰  
 بینی تو پیگار<sup>۱۱</sup> مردانِ مرد چُنین پاسخ آورد هومان بدوی  
 گر ایدونک<sup>۱۲</sup> بیچاره‌یی را زمان  
 برانگیخت آن بارکش<sup>۱۳</sup> را ز جای  
 وُگر کوه البرز در جوشنست  
 یکی خشت رخشان<sup>۱۴</sup> گرفته به چنگ  
 جهان شد پُر<sup>۱۵</sup> از ناله‌ی گَزه‌نای<sup>۱۶</sup>  
 ز پالیز<sup>۱۷</sup> کین کی برآید<sup>۱۸</sup> درخت  
 که بود از شاها نامبردار<sup>۱۹</sup> گرد  
 که با خشت بر پشت زین آمدی  
 که بی جوشن و گرز و رومی کلاه،  
 که از کوه یازد به نخچیر<sup>۲۰</sup> چنگ<sup>۲۱</sup>  
 چُن<sup>۲۲</sup> آورد گیرم به دشت<sup>۲۳</sup> نبرد  
 که بیشی نه خوبست، بیشی مجوی<sup>۲۴</sup>!  
 به دست تو آمد، مشو در گمان<sup>۲۵</sup>

۱- ف، ل: زیشان؛ ق، س: گر ایدون کزیشان؛ متن = س، ل: ۲- ل، ق: که؛ متن = ف، س، ل، آ، س: ۳- ف: بجویم؛ س: بجویند؛  
 ق: بنوی بجویم؛ ل: بتندی بجویم؛ ل: وراشان بتندی بجویند؛ متن = س: ۴- ل: ز هر دو سرای ۵- ل، س، س: جهاندار؛ ل:  
 خداوند؛ متن = ف، ق: در ل پس از این بیت، بیت ۱۶۳ آمده است ۶- ف: گفتار اندر نبرد طوس با هومان وِسه و مناظره کردن با یکدیگر  
 اندر میان مصاف‌گاه و تیز شدن گیو گودرز؛ ل: رزم طوس با هومان وِسه؛ ق: گفتار در رزم طوس با هومان وِسه؛ س: نبرد طوس نوذر با هومان  
 وِسه و گریختن هومان از طوس؛ متن = آغاز ف ۷- ق: بگفت و با سب اندر آورد؛ س: به اسب اندر آورد آنگاه؛ متن = ف، ل، س،  
 ل: ۸- ل، س، ل: (نیز ق، ل، آ): بارگی؛ متن = ف، ق، س: (نیز ل، ل، آ، پ، و، ل، آ، ب) ۹- ق: باره از؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س:  
 (نیز ل، ب) ۱۰- س: زرین ۱۱- ل، س، ق، ل: (نیز ل، ل، آ، پ، ل، آ، ب): پر شد؛ متن = ف، س: (نیز ق، و، آ) ۱۲- ف، ل،  
 س: کَرَسای؛ متن = ق، ل، س: ۱۳- ل، س: به هومان چنین گفت کای؛ متن = ف، س، ق، ل: ۱۴- س: بالین (ب) ۱۵- ل: کین بر نیامد؛ ق: کین مان بر آمد؛ متن = ف، س، س: ۱۶- ف: ارزنگ ۱۷- س، س: نامبردار و؛ ل: کون  
 پای دار ای سرافراز؛ متن = ف، ق، ل: ۱۸- ف: ل: نخچیر ۱۹- ل: رنگ؛ س: گراز ابر بار دهمی تیر و سنگ ۲۰- ف، س،  
 (نیز ل، پ، ل، آ): این کار (؟)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب) ۲۱- ل، س، ل، آ، س، ل: چو؛ ق: که؛ متن = ف، س: ۲۲-  
 ل: روز ۲۳- ف، ق، ل: (نیز ل، ل، آ): مگوی (؟)؛ متن = ل، س، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- س: ایدونکه ۲۵-  
 ف، ق، ل: (نیز ق، ل، ل، آ، ب، ل، آ، ب): بد گمان (؟)؛ متن = ل، س، س: (نیز ل، و)

به جنگ من<sup>۱</sup> ارژنگ<sup>۲</sup> روز نبرد  
 ۲۰۵ دلیران لشکر ندارند شرم؟  
 که پیگارگرشان سپهبد شده‌ست؟<sup>۴</sup>  
 کجا بیژن گیو<sup>۷</sup> و آزادگان؟  
 تو گر پهلوانی ز قلب سپاه  
 خردمند بیگانه خواند<sup>۹</sup> ترا  
 ۲۱۰ تو شو<sup>۱۱</sup> اختر کاویان را<sup>۱۲</sup> بدار  
 نگه کن که خلعت که را داد شاه  
 بفرمای تا جنگ شیر<sup>۱۵</sup> آورند  
 اگر تو شوی گشته بر دست من  
 سپاه تو بی یار و بی جان<sup>۱۸</sup> شوند  
 ۲۱۵ و دیگر بگویم یکی<sup>۲۱</sup> گفت<sup>۲۲</sup> راست  
 که پُر درد<sup>۲۳</sup> باشم ز<sup>۲۴</sup> مردانِ مرد  
 پس از رستم زالِ سامِ سوار  
 پدر بر پدر نامبردار<sup>۲۶</sup> شاه  
 تو شو تا ز<sup>۲۸</sup> لشکر یکی نامجوی  
 ۲۲۰ بدو گفت طوس: ای سرافراز<sup>۲۹</sup> مرد  
 تو هم نامداری ز توران سپاه  
 دلت گر پذیرد یکی پند من

کجا داشتی خویشتن را به مرد  
 نجوشد یکی را به رگ<sup>۳</sup> خونِ گرم؟  
 به رزم اندرون دستشان<sup>۴</sup> بد شده‌ست؟<sup>۶</sup>  
 جهان گیر<sup>۷</sup> گودرز<sup>۸</sup> کشاورگان؟  
 چرا آمده‌ستی بدین رزمگاه؟  
 هُشیوار دیوانه خواند<sup>۹</sup> ترا  
 سپهبد نیاید سوی<sup>۱۳</sup> کارزار  
 ز گردان که جوید<sup>۱۴</sup> نگین و کلاه،  
 زبردست را دست زیر<sup>۱۶</sup> آورند  
 بد آید بدین<sup>۱۷</sup> نامدارانجمن  
 اگر<sup>۱۹</sup> زنده مانند پیمان شوند<sup>۲۰</sup>  
 روان و دم بر زبانم گواست  
 که پیش من آیند<sup>۲۵</sup> روز نبرد  
 ندیدم چو تو نیز یک نامدار  
 چو تو جنگجویی چه باید<sup>۲۷</sup> سپاه؟  
 بیاید، به روی اندرآریم روی  
 سپهبد منم، هم سوار نبرد  
 چرا رای کردی به آوردگاه<sup>۳۰</sup>؟  
 بجویی برین<sup>۳۱</sup> پند<sup>۳۲</sup> پیوند من،

۱-س: نخستین از ۲-ف: ارژنگ ۳-ق: بیژن؛ ل: رگ و؛ س: برگ برنجوشد یکی؛ متن = ف، ل، س ۴-س: بدست؛ ل:  
 که پیگار ایشان سپهبد کند؛ متن = ف، ق، ل، س ۵-س: روزشان؛ متن ← ۶-ل: کند؛ متن = ف، ق، ل، س ۷-ل: از؛  
 ل: بیژن و گیو ۸-ل: جیوتندار ۹-ق: داند؛ س: دانا بخواند؛ متن = ف، ل، ل ۱۰-س: داند؛ س: بیت های ۲۰۹-۲۱۱ را  
 ندارد ۱۱-س: زرو ۱۲-ل: کاویانی؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۳-ق: نیاید سوی؛ س: نیاید ورا؛ متن = ف، ل،  
 ل ۱۴-ق: که جست از دلیران؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۵-س: پیش ۱۶-س: یک امروزیان درنگ (بساوند ندارد)؛  
 در ل: پس از این بیت، بیت های ۲۲۲ و ۲۲۳ آمده اند ۱۷-ل، س، ل: بدان؛ ق: بران؛ متن = ف، س ۱۸-ل: بیجان و بی تن؛ ل:  
 یکباره بیجان؛ س: بی نام و بیجان؛ متن = ف، س، ق ۱۹-س: وگر ۲۰-ل: بوند؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۲۱-ل، س:  
 (نیز ق، و)؛ و دیگر که گر (س: اگر) بشنوی؛ (لن، ب، لن: دیگر با تو گویم یکی؛ ل: وگر زانک تو نشنوی)؛ متن = ف، س، ق (نیز ق، آ،  
 ب) ۲۲-ف: لفظ؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ل-ب)؛ ل: بیت های ۲۱۵-۲۱۷ را ندارد ۲۳-س: مبر ۲۴-ل (نیز ل):  
 باشند؛ متن = ف، س، ق، س (نیز ل، ق، ل، ب-ب) ۲۵-ق: که آید پیشم به ۲۶-ل، ق، ل: نامدار و؛ متن = ف، س،  
 س ۲۷-ل، ل: نیاید؛ متن = ف، س، ق، س (نیز ل، ق، ل، ب-ب) ۲۸-ل: بیژن ۲۹-ق: سپهبدار ۳۰-ل، س:  
 خرامان بیابی بنزدیک شاه (از ۲۲۱ و ۲۲۳ ب یک بیت ساخته اند؛ در ل: بیتهای ۲۲۲ و ۲۲۳ پس از بیت ۲۱۲ آمده اند و در آنجا از ۲۲۳ و  
 ۲۲۱ ب یک بیت ساخته است)؛ س: چرا آمدستی چنین کینه خواه؛ متن = ف، ل، ق ۳۱-ل، ق، ل، س: بدین؛ متن = ف ۳۲-ل:  
 کار؛ متن = ف، ق، ل، س؛ س: بیت های ۲۲۲-۲۲۵ را ندارد

- تو با نامورپهلوان سپاه  
 کزین کینه تا زنده ماند یکی  
 تو با خویش و پیوند و چندین سوار ۲۲۵  
 به خیره مده خویشتن را به باد  
 سزاوار کشتن هر آنکس که هست  
 کزین کینه<sup>۵</sup> مرد گنه کار هیچ  
 مرا شاه ایران چنین<sup>۸</sup> داد پند  
 که او ویژه پروردگار منست ۲۳۰  
 به بیداد بر خیره با او<sup>۹</sup> مکوش  
 چنین گفت هومان<sup>۱۱</sup> که بیداد و داد  
 برآن<sup>۱۴</sup> رفت باید به<sup>۱۵</sup> بیچارگی  
 همه<sup>۱۷</sup> جنگ<sup>۱۸</sup> پیران نه بر آرزوست
- خیرامان بیایی<sup>۱</sup> بنزدیک شاه  
 نیاسود خواهد سپاه اندکی  
 همه پهلوان و همه نامدار،  
 نباید<sup>۲</sup> که پند من آیدت یاد  
 مان<sup>۳</sup> تا بیازند بر<sup>۴</sup> کینه دست  
 رهایی نیابد<sup>۶</sup>، خرد را بسیج<sup>۷</sup>!  
 که پیران نباید که یابد گزند  
 جهاندیده و دوستدار منست  
 نگه کن که دارد به پند<sup>۱۰</sup> تو گوش  
 که<sup>۱۲</sup> فرمان<sup>۱۳</sup> دهد شاه فرخ نژاد،  
 سپردن بدو<sup>۱۶</sup> دل به یکبارگی  
 که او راد و آزاده و نیک خوست
- بدین گفت و گوی<sup>۱۹</sup> اندرون بود طوس  
 ز لشکر بیامد بکردار باد  
 فرینده<sup>۲۲</sup> ترکی<sup>۲۳</sup> میان دو صف  
 کنون<sup>۲۵</sup> با تو چندین چه گوید<sup>۲۶</sup> به راز  
 سخن جز به شمشیر با او<sup>۲۸</sup> مگوی
- که شد گیو را روی چون سندروس  
 چنین<sup>۲۰</sup> گفت کای طوس فرخ نژاد<sup>۲۱</sup>،  
 بیامد دمان<sup>۲۴</sup> بر لب آورده کف،  
 میان دو صف گفت و گوی<sup>۲۷</sup> دراز  
 مجوی<sup>۲۹</sup> از در آشتی هیچ روی<sup>۳۰</sup>
- چو بشنید هومان برآشت سخت ۲۴۰  
 چنین گفت با<sup>۳۱</sup> گیو بیدار بخت

۱- ق: بیاید خیرامان ۲- س: میادا ۳- ف: هومان (!): س: هومان: متن = ل، ق، ل، ل، س (نیز لن-ب) ۴- س، ق، س: تا بیازد  
 بدین: متن = ف، ل، ل ۵- ف: وزین روی: س، ل، ل، س (نیز ل، آ): وزین گونه: متن = ل، ق (نیز لن، ق، ل، ب، لن، ب) ۶- ل:  
 نباید ۷- ف، س: میچ (یا: بیچ): ل: میچ: متن = ق، ل، ل، س (نیز لن-ب) ۸- ف: چنان: متن = ل-س ۹- س: با او  
 بخیره ۱۰- س: بیگفت ۱۱- ف: پیران (!): متن = ل-س ۱۲- س، ق، ل، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب-ب): چو: متن = ف،  
 ل ۱۳- ل: پیمان: متن = ف، س، ق، ل، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب-ب) ۱۴- س، ق: بدان: ل: ترا: متن = ف، ل، س ۱۵-  
 ق: ز ۱۶- ل: مگردان بدان: در ل بیت های ۲۳۳-۲۳۶ را در کناره افزوده است ۱۷- س، ق، ل، ل، س (نیز لن-ب): هومان: متن =  
 ف، ل ۱۸- ل: رزه: متن = ف، س، ق، ل، ل، س: ق پس از این بیت افزوده است:

ولکن ز فرمان شاه جهان نیارد گذشت آشکار و نهان

۱۹- ف: گفت و گوی: ق، ل: گفتگوی: متن = ل، س، س ۲۰- ل: بدو ۲۱- ل: نوذر نژاد ۲۲- س، ق، ل، ل، س (نیز لن، ل،  
 ب، لن، آ، ب): فرساده: متن = ف، ل (نیز ق، ل، و) ۲۳- ل: هومان: متن = ف، س، ق، ل، ل، س (نیز لن-ب) ۲۴- ق:  
 چنین ۲۵- ل: چنین ۲۶- ف: بگوید: متن = ل-س (نیز لن-ب) ۲۷- ل، ق: گفت گوی: متن = ف، س، ل، ل، س: در ق  
 لتهای این بیت پس و پیش شده اند ۲۸- ل: روی ۲۹- ل: مجو ۳۰- س: بجز جنگ مر هیچ منندای روی ۳۱- س:

کای

که ای<sup>۱</sup> گم شده بخت آزادگان  
 به لاون<sup>۲</sup> مرا دیده‌ی روز جنگ  
 کس از تخم گشواد جنگی نماند  
 ترا بخت چون روی آهرمن است  
 ۲۴۵ اگرمن شوم گشته بر دست طوس  
 به جایست<sup>۶</sup> پیران و افراسیاب  
 تو اکنون به درد<sup>۸</sup> برادر گیری  
 بدو گفت طوس<sup>۱۱</sup>: این چه آشفتن است  
 بیا تا بگردیم و کین آوریم  
 ۲۵۰ بدو گفت هومان که دادست مرگ  
 اگر مرگ باشد همه<sup>۱۵</sup> بی گمان  
 به دست سواری که دارد هنر

گرفتند هر دو عمود گران  
 زمین<sup>۱۹</sup> گشت گردان<sup>۲۰</sup> و شد روزتار  
 ۲۵۵ تو گفتی شب آمد بریشان<sup>۲۲</sup> به روز  
 از آن چاک چاک عمود گران

همی حمله برد آن برین، این برآن<sup>۱۸</sup>  
 یکی ابر بست از بر<sup>۲۱</sup> کارزار  
 نهان گشت خورشید گیتی فروز  
 سرانشان چو سندان آهنگران<sup>۲۳</sup>

۱- ل (نیز ل): ایبا؛ (لی: آ؛ که این - که ای): متن = ف، س، ق، ل، س (نیز شش دستنویس دیگر) ۲- ق: نبرد ۳- ل: باوردگه؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۴- ف، ل، س، ق، س (نیز ق: و ب): کوبان؛ (لن: آ؛ کویال) ۵- ل: نه برخیزد آواز کوس از فوس ۶- س: جویایست ۷- ل: بخواهد شدن خون من رود آب؛ س، ق، ل، س (نیز ل، و، آ، ب): همی (ق: همان) خون بخواهد شدن رود (س، ل، س، ب: روی) آب: متن = ف (نیز ق): ل، س پس از این بیت، دو بیت، ل، و تنها بیت یکم و ق، ب تنها بیت دوه را افزوده اند:

نه گیتی شود پاک و پیران ز (ل: به) من سخن راند باید بدین (ل: ازین) انجمن  
 و گس طوس گردد بدست (ق: در این کن) تباه یکی ره نماند (س: بیاید) ز ایران سپاه (ق یکی سوی ایران نیاید راه)  
 ۸- ل: برگ؛ (لن: جنگ؛ ق: خون): متن = ف، س، ق، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۹- ل، ق (نیز ق، ب، آ): چه: ل: که؛ متن = ف، س، س (نیز لن، لی، ل، لن، ب) ۱۰- ل، س، ق (نیز لی، ل، ب، لن، آ): نودر: متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، ب)  
 ۱۱- س: بدو طوس گفت ۱۲- ل، س، ق: بدین: متن = ف، ل، س ۱۳- س: بکن ۱۴- ق: ابروان را به ۱۵- ل: مرا؛ ق، ل، س (نیز لن، ب): همی؛ س: خواهد بدن؛ متن = ف ۱۶- ف: برگزاید؛ س: بر نه آرد؛ س: بر که آید؛ (لن، ب، لن: بر سر آید؛ و: به که باشد: آ: خود به آید)؛ متن = ل، ق، ل (نیز ق، لی، ل، ب) ۱۷- س: گرد و؛ ل، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ب، لن، ب): سپید سر و گرد و؛ س: سپید بکی گرد؛ (لی: آ؛ سپید سر و گرد؛ ل: سپید سزد گرد و؛ و: سپید سری گرد): متن = ف (س): ل: در اینجا سرنویس دارد: نبرد طوس نودر با هومان و بس ۱۸- ق، ل: آن بدین این بدان ۱۹- ل: زمی ۲۰- س، س: لرزان؛ ق، ل: جنیان؛ متن = ف، ل ۲۱- س، ل: از در؛ ق پس از این بیت افزوده است:

یکی نیز خورشید روشن ندید  
 بشد آفتاب از جهان ناپدید

۲۲- س: از آسان ۲۳- ل، ل، س: شد آهن بگردار جاحی کمان (= ۲۵۸ ب)

به ابر اندرون بانگ پولاد خاست  
 خم آورد رویین<sup>۱</sup> عمود گران<sup>۲</sup>  
 تو گفتی که سنگست سر<sup>۵</sup> زیر ترگ  
 گرفتند شمشیر هندی به چنگ  
 ۲۹۰  
 ز نیروی گردنکشان تیغ نیز  
 چو شد کام پُر خاک و پُر آب<sup>۱</sup> سر  
 ز نیروی گردان بدان بُد<sup>۱۱</sup> رکیب<sup>۱۲</sup>  
 کمر بند بگست و<sup>۱۴</sup> هومان بجست<sup>۱۵</sup>  
 ۲۹۵  
 سپهبد سُوی ترکش آورد چنگ  
 بر آن نامور تیرباران گرفت  
 ز پیکان پولاد<sup>۱۷</sup> و پَر عقاب  
 جهان چون ز شب رفته<sup>۱۹</sup> دو<sup>۲۰</sup> پاس گشت  
 ز تیر خدنگ اسپ هومان بخت

به دریای<sup>۱</sup> شهد اندرون باد خاست  
 شد آهن بکردار چاچی<sup>۲</sup> کمان  
 سیه شد ز چشم<sup>۶</sup> یلان روی<sup>۷</sup> مرگ  
 فروریخت آتش ز پولاد<sup>۸</sup> سنگ  
 خم آورد و از<sup>۹</sup> زخم شد ریزریز  
 گرفتند هر دو دوال کمر  
 که آید یکی را<sup>۱۳</sup> سر اندر نشیب  
 یکی اسپ آسوده تر برنشست<sup>۱۶</sup>  
 کمان را به زه کرد و تیر خدنگ،  
 چپ و راست جنگ سواران گرفت  
 سپر کرد بر پیشش از<sup>۱۸</sup> آفتاب  
 تو گفتی که کشور پُر<sup>۲۱</sup> الماس گشت  
 تن بارگی گشت با<sup>۲۲</sup> خاک پست

۱- ف، ق؛ دریا؛ متن = ل، س؛ س<sup>۱</sup> این بیت را ندارد؛ ل پس از این بیت افزوده است:

ز خون بر کف شیر کفشیر بود همه دشت پر بانگ شمشیر بود

۲- ل (نیزو)؛ رومی؛ متن = ف، ق (نیزلن، ل، پ-ب) ۳- ف؛ رمان (؟)؛ متن = ل، ق (نیزلن، ل، پ-ب) ۴- ف، ل، ق (نیزلن، ل، پ، لن، آ، ب)؛ چاچی؛ متن = (و)؛ ل، س<sup>۲</sup> ۲۵۶، ب، ۲۵۸ آرا انداخته و از ۲۵۶ آ و ۲۵۸ ب یک بیت ساخته اند ۵- ق، ل؛ در ۶- ق، س؛ جنگ؛ متن ← ۷- ل؛ روز؛ س؛ سیه گشت روی یلان روز؛ متن = ف، ل؛ در ل<sup>۱</sup> این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۸- ق؛ پولاد و؛ ق پس از این بیت افزوده است:

دو پهلوی بر آسان بر آویختند همی خاک با خون بر آمیختند

۹- ل؛ و در؛ متن = ف، س، ق؛ س<sup>۱</sup>؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ ق پس از این بیت افزوده است:

همان تیغ از دست بنداختند با آورد گه بر همی تاختند

۱۰- س، ق (نیزلن، ل، پ، لن، آ، ب)؛ بی آب و پر خاک؛ (ل)؛ پر خاک و پر خاک؛ و؛ پر خاک و پرتاب؛ ل، س؛ همه کام پر خاک و پر خاک (س؛ آ، ب)؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>)؛ ق پس از این بیت افزوده است:

همی زور کردند بر یکدگر همان طوس و هومان پر خاشاخر

۱۱- ل، ل<sup>۱</sup> (نیزب)؛ گران شد؛ س؛ و ران و؛ س؛ بران دو؛ (لن، لن)؛ گران بد؛ ق؛ به ران و؛ ل<sup>۲</sup>؛ بر دو؛ متن = ف (نیزل، آ) ۱۲- س؛ رکاب (پسوند ندارد) ۱۳- ل (نیز ق<sup>۱</sup>)؛ یکی را نیامد؛ (ب)؛ که آرد یکی را؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیزلن، ل، پ-آ)؛ ق این بیت را ندارد؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت افزوده است:

ز نیروی طوس سپهبد دوال گست و جدا کرد ازو مرد یال

۱۴- ف؛ [و]؛ متن ← ۱۵- ل؛ و بند قبا؛ س<sup>۲</sup>؛ بگرفت هومان نجست؛ متن = س، ل<sup>۱</sup> (نیزلن، ق، آ، ل، پ-ب) ۱۶- س<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>)، پ، لن، آ، ب)؛ آسوده را برنشست؛ ل؛ شدند آن یک زدیگر ز پای (!)؛ متن = ف، س، ل<sup>۱</sup> (نیزلن، ل، و، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- ل، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیزلن، ق، آ، ل، پ، لن، آ)؛ ز پولاد پیکان؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> (نیزل، و، ب) ۱۸- ل، ل<sup>۱</sup>؛ بر پیش روی؛ س؛ پیش از بر؛ ق (نیز ب)؛ بر پیش ابر؛ س<sup>۲</sup>؛ برنش بر؛ (ق، آ)؛ بر پیش او؛ ل، آ؛ در پیش از؛ و؛ بر پیش چشم؛ لن، پ، لن؛ حجابی شدند از بر؛ متن = ف ۱۹- ل (نیزب)؛ چون شب تیره؛ س<sup>۱</sup>؛ چون شب رفته؛ متن = ف، س، ل<sup>۱</sup> (نیزلن، ق، آ، پ، و، لن) ۲۰- ل؛ سه ۲۱- ل، س<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>)، و، ب)؛ همه روی کشور (ب؛ گیتی) پر؛ س؛ تو گفتی همه کشور؛ متن = ف، ل<sup>۱</sup> (نیزلن، پ، لن)؛ ق این بیت را ندارد ۲۲- س<sup>۲</sup>؛ بر

۲۷۰ سپر بر سر آورد و بنمود روی  
 چُن<sup>۲</sup> او را پیاده بدان<sup>۳</sup> رزمگاه  
 که پردخت ماندهمی<sup>۴</sup> جای اوی<sup>۵</sup>  
 چو هومان برآن<sup>۶</sup> زین توری نشست<sup>۷</sup>  
 همه<sup>۸</sup> نامداران پَرخاشجوی  
 که<sup>۹</sup> شد روز تاریک و بیگاه گشت  
 ۲۷۵ ز تو چشم گردنکشان دور باد!  
 بیچید هومان جنگی عنان  
 بنزدیک پیران شد از رزمگاه  
 که چون بود کار تو ای رزجوی<sup>۱۰</sup>  
 همه پاک با<sup>۱۱</sup> دل پُر از خون بُدیم  
 ۲۸۰ به لشکر چُنین گفت هومان شیر  
 چوروشن شود تیره شب<sup>۱۲</sup>، روز ماست  
 شما را همه شادکامی<sup>۱۳</sup> بود  
 ز لشکر همی برخروشید طوس  
 نگهداشت جنگی سر از گرز<sup>۱۴</sup> اوی  
 بدیدند گردان<sup>۱۵</sup> توران سپاه،  
 ببردند پُرمایه بالای اوی<sup>۱۶</sup>  
 یکی تیغ هندی گرفته<sup>۱۷</sup> به دست<sup>۱۸</sup>،  
 یکایک بدو<sup>۱۹</sup> درنهادند روی،  
 ز جنگ یلان دست کوتاه گشت  
 و زین<sup>۲۰</sup> رزم فرجام تو<sup>۲۱</sup> سور باد!  
 سپهبد بدو<sup>۲۲</sup> راست کرده سینان  
 خروشی برآمد ز توران سپاه<sup>۲۳</sup>  
 چو<sup>۲۴</sup> با طوس روی اندرآمد<sup>۲۵</sup> به روی؟  
 جز ایزد نداند<sup>۲۶</sup> که ما چون بُدیم  
 که ای رزم دیده<sup>۲۷</sup> سران دیر،  
 که اختر به نیکی دل افروز<sup>۲۸</sup> ماست  
 مرا اختر و نیک نامی<sup>۲۹</sup> بود  
 شب تیره تا گاه<sup>۳۰</sup> بانگ خروس

۱- س، س، س، س، س، س؛ متن = ف، ل، ق، ق؛ پس از این بیت افزوده است:

چنین گفت ما نانا که برگشت بخت

بلسر زید بر خود چو برگ درخت

۲- ل، س، س، س؛ چو؛ متن = ف ۳- ل، بران؛ س؛ دران؛ متن = ف، ق، ل، س، س ۴- ل؛ گفتند؛ متن = ف، س، ق، ل، س، س ۵- س؛ ایران (در بالا به توران تصحیح کرده است) ۶- ل؛ کنون؛ متن = ف، س، ق، ل، س، س ۷- ف؛ ل؛ او؛ متن = س، س ۸- س؛ بدان ۹- ق؛ چو نشست هومان بزین خدنگ ۱۰- ل، ل، ل، ل؛ (نیز ق، و)؛ بگرفت (ق)؛ بگرفته) هندی؛ س؛ گرفته  
 یکی تیغ هندی؛ متن = ف، س، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱- ق؛ بجنگ؛ ل، ق (نیز ل، آ، ب) پس از این بیت  
 افزوده اند:

که آید دگر باره بر جنگ (ق، ب)؛ دگر ره پیرخاش؛ ل، آ؛ دگر ره باورد) طوس

شد از شب جهان تیره (ل)؛ گشته؛ ق، ب؛ اگر چه جهان بود) چون آبنوس

۱۲- ق؛ همان ۱۳- س؛ برو ۱۴- ل، س؛ چو؛ متن = ف، ق، ل، س، س؛ پس از این بیت افزوده است:

سپه نعره برداشت و آوای کوس

برفتند گردان همه پیش طوس

۱۵- ل، س؛ درین؛ متن = ف، ق، ل، س، س ۱۶- ل؛ فرجام جنگ ما؛ متن = ف، س، ق، ل، س، س؛ در ل این بیت پس از بیت ۲۷۸ آمده  
 است: ق پس از این بیت افزوده است:

بدیدار روی تو هستم شاد

که امروز دادی تو در جنگ داد

۱۷- ق؛ برو ۱۸- در ل پس از این بیت، بیت ۲۷۶ آمده است ۱۹- ل، س؛ نامجوی؛ ق؛ جنگجوی؛ متن = ف، ل، س، س ۲۰- ف (نیز ل)؛ که؛ متن = ل، س ۲۱- ل؛ رویت درآمد ۲۲- ل، س، ل، س، س؛ (نیز ل، آ)؛ ما؛ متن =  
 ف، ق (نیز ل، ل، ب، و، ل) ۲۳- ل؛ که داند ۲۴- ل؛ نام دیده ۲۵- س؛ شود روز آن ۲۶- س، ل، س، س؛ (نیز ل، ل، ب، و، ل، آ)؛ به گتی دلفروز؛ ل (نیز ل، آ)؛ که این (ب) کجا) اختر گیتی افروز؛ متن = ف، ق (نیز ق) ۲۷- س، ق، ل، س؛ (نیز ل-  
 ب)؛ شادمانی؛ متن = ف، ل ۲۸- ل؛ خوبی و نیک نامی؛ س، ق، ل، س؛ (نیز ل- ب)؛ اختر آسمانی؛ متن = ف ۲۹- ل؛

زخم

<p>که پیل ژبان همنبرد منست<sup>۱</sup></p> <p>شَمامه پراگند بر لاژورد<sup>۲</sup>، به هر پرده‌یی پاسبان ساختند جهان گشت چون روی رومی سپید، جهان شد بر<sup>۳</sup> از ناله‌ی گَره‌نای<sup>۴</sup> طبرخون به شَنگرف برزد بنفش<sup>۵</sup> همه جنگ را گِرد کرده عِنان<sup>۶</sup> بپوشد همی<sup>۷</sup> چادر آهنین ز جوش سواران و از<sup>۸</sup> گرد و خاک همی آسمان بر زمین داد بوس یکی خشت رخشان گرفته به کف، برانگیزم اسپ و برآرم خروش، سپ‌های چینی به سر درکشید نخواهم کمان و نخواهم سینان<sup>۹</sup> چُنان چون بود رزم<sup>۱۰</sup> گنداوران، برآسان<sup>۱۱</sup> که آید<sup>۱۲</sup> خورید و دهید</p>	<p>همی‌گفت: هومان چه مرد منست ۲۸۵</p> <p>چو چرخ بلند از شبه تاج کرد طلایه ز هر سو برون تاختند چو برزد سر از چنگِ خرچنگ<sup>۱</sup> شید تیره برآمد ز هر دو سرای هوا تیره<sup>۲</sup> گشت از فروغ درفش ۲۹۰ کشیده همه تیغ و گرز و سینان<sup>۳</sup> تو گفتی سپهر و زمان و زمین به پرده درون شد<sup>۴</sup> خور تابناک ز هرای اسپان و آوای<sup>۵</sup> کوس سپهدار هومان<sup>۶</sup> دمان<sup>۷</sup> پیش صف ۲۹۵ همی‌گفت: چون من برآیم به جوش شما یک‌بیک تیغ‌ها برکشید مبیند جز یال اسپ و عِنان به تیغ و عمود و به گرز گران عِنان پاک بر یال اسپان نهدید ۳۰۰</p>
---	---

۱- ق پس از این بیت افزوده است:

سَرام را ببرزم برین کینه سر  
نمائم به سواران زمین نیز مرد  
نمائم بیلان را من اکنون هنر  
مگر خسته و جسته و روی زرد

۲- ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز لن- ل، ل، ل، ب): لاجورد؛ متن = ل (نیز پ، و) ۳- ف: جنگ خورشید؛ ل، ق، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ب): برج  
خرچنگ؛ س: برج خورشید؛ (ل، ب، ل، ن): ل: چرخ خورشید؛ متن = ل (نیز ق، و) ۴- س: پر شد ۵- ف، ل، س: کزتای؛ متن = ق،  
ل، س<sup>۱</sup> ۶- ل: جهان تازه ۷- ل- س<sup>۱</sup> (نیز لن- ب): طبرخون و شگون (ل: شنگرف؛ ل: زرخون) و زرد و (ق: درفش) بنفش؛  
متن = ف ۸- س: گرز گران؛ ق، ل، آ، س<sup>۱</sup>: گرز و تیغ و سنان؛ متن = ف، ل ۹- س: میان ۱۰- ل، آ، س: همه ۱۱- س،  
ق: بد؛ متن = ف، ل، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۱۲- ف، ل، ق، ل، آ، س: و؛ متن = س؛ درس لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۳- س، ل:  
آواز ۱۴- ف، ل: پیران؛ ق (نیز لن، ل، ب، ل، ن، آ): ایران؛ متن = ل، س، س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، آ، و، ب) ۱۵- ف: دنان؛ متن = ل- س<sup>۱</sup>  
(نیز لن، ل، ب) ۱۶- ق: نجوم سنان؛ (ق، ل، ب، ل، ن، آ، ب: نباید سنان)؛ ل، س: نشاید کمان و نباید سنان؛ ل: نخواهم کمان و نباید  
سنان؛ س (نیز لن): نخواهم کمند و کمان و (لن: نباید) سنان؛ متن = ف (نیز ل، و) ۱۷- ق، س: رسم؛ متن = ف، س، ل؛ ل این بیت را  
ندارد ۱۸- ل، س: بدانسان؛ متن = ف، س، ق، ل ۱۹- س: باید؛ ف، ل (نیز ق) پس از بیت ۳۰۰ افزوده‌اند:

چوبشید هومان ازو این (ق: پیران ز هومان) سخن

مر آن گفته را پاسخ افکند بن (ل: برو تازه شد گفت‌های کهن؛ ق: بدو گفت هر چی که دانی بکن)

ق (نیز لن، ل، ب، ل، آ، ب) پس از بیت ۳۰۰ افزوده‌اند:

وزان روی (لن، ب، ل، ن): چو این گفت (هومان سوار دلیر  
ل، س، س<sup>۱</sup> (نیز ل، و) هیچک از این بیت‌ها را ندارند



تو بگشای بند از سلیح گوان<sup>۲</sup>  
ز بهر سلیح<sup>۱</sup> ایچ زفتی مکن  
بیابد دل از اختر نیک بر

به پیران چنین گفت کای پهلوان  
تو با<sup>۳</sup> گنج دینار جفتی مکن  
که امروز گردیم پیروزگر

بیاراست برسان<sup>۲</sup> چشم خروس  
ورا پهلوان زمین خواندند  
به مردی ز هومان<sup>۷</sup> برآورد گرد  
که این راز بر کس نشاید<sup>۸</sup> نهدت:  
سواران بدخواه چیره<sup>۹</sup> شوند،  
منی از تن خویش بفرگیم<sup>۱۱</sup>،  
و گرنه بدست اختر<sup>۱۳</sup> کار ما<sup>۱۲</sup>  
بباشند با کاوایی درفش  
نه روز نبردست و جای<sup>۱۴</sup> بسیج  
فزونست بدخواه، اگر بیش نیست  
بگرداند از ما بد روزگار

وزین روی لشکر سپهدارطوس  
بروبر یلان آفرین خواندند  
که پیروزگر بود روز نبرد  
سپهد به گودرز گشواد گفت  
اگر لشکر ما پذیره شوند  
همه دست یکسر به یزدان زنی<sup>۱۰</sup>  
مگر دست گیرد جهاندار ما<sup>۱۲</sup>  
کنون نامداران زرینه کفش  
ازین<sup>۱۴</sup> کوه باره<sup>۱۵</sup> مجنید هیچ  
همانا که از ما به هر یک دویت  
بدو گفت گودرز: اگر<sup>۱۷</sup> کردگار

۳۰۵

۳۱۰

۱- ل: [از] ۲- ل، س: گران: س: سلاح و میان ۳- ل، ق: ایبا: متن = ف، س، س: ۴- س: سلاح: ل: این بیت را ندارد ۵- ل: بیاید ۶- ل، س: لشکر چو ۷- ل: ز هومان و به: متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز: ب) ۸- ل، ق: نیاید: متن = ف، س، ل، س: ۹- ل: حیره (حرف یک نقطه ندارد): ل، س: (نیز: ل، ب، و، آ، ب): حیره: متن = ف، س، ق (نیز: ل، س: زنید ۱۰- س: ل: بکنید: ق: همی از تن خویش غم بکنیم: متن = ف، ل، س: ۱۱- ق، س: مان ۱۲- ق، س: مان ۱۳- ل، ل: [و]: [و]: ق (نیز: ل، ب، ل، ن، آ، ب) پس از این بیت و س: پس از بیت ۳۱۸ افزوده اند:

چرا تبیره کردی تورووشن روان  
بگردان زبان زین ابریش و کم  
ز گفتار تو نیز خسته شوند  
که گوید (س: چه دانی) که پیروز دشمن بود  
دل و تیغ و اخترش س ازار ماست  
مگوی ایچ با مهتران این سخن  
نبینی همی روز گرد نبرد  
سخن گفت از آن باره بدنهان (س: بد گمان)  
چو بر غره پیروز گردد پلنگ  
نیابد ز ما کس به جان (س: به جان کس ز ما) زینهار

۱۴- س: وزین ۱۵- ل، س، ق، س: (نیز: ل، ق، ل، ب، و، آ، ب) ۱۶- ل، س، س: (نیز: ل، و): گاه: متن = ف، ق، ل: (نیز: شش)

نه هرمنز نه ناهید و به راه و تیر  
نبینی نویکروز تاریک چهر

بدو گفت گودرز کای پهلوان  
زدشمن نگردد دل نداری دژم  
که گردان ما دلشکنه شوند  
اگر اختر شاه روشن بود  
۵ که دادار نیکی دهش بار ماست  
توای پهلوان هیچ دل بد مکن  
بدو گفت طوس: ای جهاندیده مرد  
و دیگر که هومان به توری زبان  
که پیروز گردیم فردا به جنگ  
۱۰ برآیم از ایشان سر سردمار

ف، ل، س، ل: (نیز: ل، و) هیچیک از این بیت ها را ندارند  
(ب): کوه پایه: (ل: کوه باید: ل: گونه پایه): متن = ف، ل:  
دستویس دیگر) ۱۷- ل: گر: ق: پس از این بیت افزوده است:

نیارد چخیدن به ما چرخ پیر  
جهان راه گردد به ما برز مهر

۳۱۵ به بیشی و کمتی نباشد سخن  
 اگر<sup>۲</sup> بد بود گردش<sup>۳</sup> آسمان  
 دل و روزا<sup>۱</sup> ایرانیان بد مکن  
 به پرهیز بیشی نگردد<sup>۴</sup> زمان  
 روان را مکن هیچ بشخودنی<sup>۵</sup>

### گفتار اندر نبرد دوم طوس با پیران<sup>۶</sup>

بیاراست لشکر سپهدار طوس  
 پیاده سوی کوه شد با بُنه  
 ۳۲۰ رده برکشیدند<sup>۱</sup> همه یکسره  
 ز نالیدن کوس با گره نای<sup>۱۱</sup>  
 دل چرخ گردان همی<sup>۱۲</sup> چاک شد  
 چنان شد که کس روی هامون ندید  
 بیارید الماس از آن<sup>۱۳</sup> تیره میغ  
 ۳۲۵ سنان های رخشان<sup>۱۵</sup> و تیغ سران  
 هوا گفתי از گرد<sup>۱۷</sup> و از آهن ست  
 چو دریای خون شد همه دشت و راغ  
 ز بس ناله ای کوس و ز<sup>۲۱</sup> گره نای<sup>۲۲</sup>  
 سپهد به گودرز گفتم آن زمان  
 ۳۳۰ مرا گفته بود این ستاره شناس  
 ز<sup>۲۴</sup> شمیر گردان چو ابر سیاه<sup>۲۵</sup>  
 سرانجام ترسم که پیروزگر  
 به<sup>۷</sup> پیلان جنگی و مردان<sup>۸</sup> کوس  
 سپهدار گودرز بر<sup>۹</sup> میمنه  
 چو زهام<sup>۱۰</sup> گودرز بر میسره  
 همی آسمان اندر آمد ز جای  
 همه کام خورشید پُر خاک شد  
 ز بس گرد کز رزمگه بردمید  
 همی آتش افروخت از ترگ<sup>۱۴</sup> و تیغ  
 درفش از بر و زیر<sup>۱۶</sup> گرز گران  
 زمین یکسر<sup>۱۹</sup> از نعل و از<sup>۲۱</sup> جوشن ست  
 جهان چون شب و تیغها چون چراغ  
 همی سر ندانست گیتی<sup>۲۳</sup> ز پای  
 که تاریک شد گردش آسمان-:  
 که امروز تا شب گذشته سه پاس،  
 همی خون فشانند بر<sup>۲۶</sup> آوردگاه  
 نباشد جز از<sup>۲۷</sup> دشمن کینه ور

۱- ف، س (نیز لن، لی، ب، لن، آ): زور: ل، ق، س (نیز ق، ل، و): مغز: متن = ل ۲- س: وگر ۳- ل، س (نیز ق، ل): بخشش: متن = ف، ق، ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۴- ل (نیز لی، ب): نگردد: ل، س (نیز ق، ل): و بیشی نگردد: ق: و دانش نگردد: متن = ف (نیز لن، ب، و، لن، آ): س این بیت را ندارد ۵- ف، ل، س، س (نیز ق، ل): بشخودنی (بشخودنی): ق، ل (نیز ب): فرسودنی: متن = (لن) ۶- ف: گفتار اندر نبرد دوه طوس با پیران و نامزد کردن پهلوانان با یکدیگر و داستان بازور جادوی آوردن برف و سرما: ق: لشکر آراستن طوس به جنگ تورانیان: متن = آغاز ف ۷- ف: که: متن = ل- س (نیز لن- ب) ۸- س، س (نیز لن، لی- آ): مردان و: ق (نیز ق، ب): مردان جنگی و پیلان و: متن = ف، ل، ل: درس پس از این بیت، بیت های ۳۱۰ پ آمده است ۹- س: با ۱۰- ل- س (نیز لن- ب): برکشیده: متن = ف: در ق لت های این بیت بس و پیش شده اند ۱۱- ف، ل، س: کرتای: متن = ق، ل، س ۱۲- ل: بدو: س: همه: متن = ف، ق، ل، س ۱۳- ل، ل: از آن] ۱۴- ل، س، س (نیز ق، ل): گرز: ق: تیر: متن = ف، ل (لن، لی، ل، و، لن، ب) ۱۵- س: سپرهای چینی ۱۶- س: از بر تیغ و ۱۷- ل، س، ق (نیز ب): گرز: متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، لی، و، ب) ۱۸- س، ق، ل، ل: وزه: متن = ف، ل، س ۱۹- س: گفتم ۲۰- ف، ق، ل، س (نیز ب، لن): وزه: ل: از تیغ در: س: از ترگ وزه: متن = (ق، لی، ل، و، آ، ب) ۲۱- ل، س: [و] با: متن = ف، س، ق، ل ۲۲- ف، ل، س: کرتای: متن = ق، ل، س ۲۳- س (نیز ب، آ): کس را: (ل): گفتم (گیتی): ل، ق، س (نیز لن، ب، لن، آ): همی کس ندانست سر را: متن = ف، ل (نیز ق، و) ۲۴- س: که ۲۵- ل: توران سیاه ۲۶- ل، ق، س (نیز لن، ل، ب، لن، آ): به: ل: زه: (لی، آ، در): متن = ف (نیز و): س این بیت را ندارد ۲۷- ل: مگر: متن = ف، ق، ل، س: س این بیت را ندارد

<p>زره‌دار<sup>۲</sup> برزین و خَرَادِ نیو<sup>۳</sup>،          جگرخسته و کینه‌خواه آمدند          بسان شب تار و انبوه<sup>۴</sup> دیو          بیاورد<sup>۵</sup> لشکر همه همگروه<sup>۶</sup>          بُد هیچ پیدا رکیب<sup>۷</sup> از عینان]          بکردند گردان همه همگروه<sup>۸</sup>]          که بر دشت سازند<sup>۹</sup> جای نبرد          دو گرد<sup>۱۰</sup> گرانمایه‌ی شیردل<sup>۱۱</sup>          چو شیدوش و لَهاک شد همنبرد<sup>۱۲</sup>          که بر هم زنند<sup>۱۳</sup> آتش و باد را          دو گرد<sup>۱۴</sup> گرانمایه‌ی نیو را          بُد هیچ<sup>۱۵</sup> بیداد و رنگ و فسوس<sup>۱۶</sup>          نباید که چون دی بود کارزار<sup>۱۷</sup>          نباید که یازند<sup>۱۸</sup> ازین<sup>۱۹</sup> پس به کین          پیاده بیاورد پیلان<sup>۲۰</sup> و کوس</p>	<p>چو شیدوش و رُهام و گُستهم و گیوا<sup>۱</sup>          ز صف در میان سپاه آمدند          به ابر اندرآمد ز هر سو غریو          ۳۳۵ و زان روی هومان بکردار کوه<sup>۲</sup>          [زبس گرز و گوپال<sup>۳</sup> و تیغ و سینان          ] به انبوه رزمی بکردار کوه          از آن<sup>۴</sup> پس گزیدند مردانِ مرد          ۳۴۰ گرازه سر<sup>۵</sup> گیوگان با نَهَل<sup>۶</sup>          چو رُهام گودرز و فرشیدورد          ابا بیژن گیو گلباد را          ابا شیطرج<sup>۷</sup> نامورگیو را          چو گودرز و هومان و پیران<sup>۸</sup> و طوس          ۳۴۵ چُنین گفت هومان که امروز کار          تیی کرد باید ازیشان زمین          به پیش اندرآمد سپهدارطوس</p>
---	--

- ۱- ل: گستهم گیو؛ س، س: گستهم و رهام نیو (س: گیو)؛ ل: شیدوی رهام و گودرز و گیو؛ متن = ف، ق ۲- ف: چو گودرز و ۳- س: خراد و گیو؛ ل: خراد برزین نیو؛ متن = ف، ق، ل، س:؛ ق پس از این بیت افزوده است:
- قفاشان ندیده کس اندر نبرد      دل شیرمردان ازیشان بدرد  
 که بودند هریک یکی ازدها      که دشمن ندیده ازیشان رها
- ۴- ل: آندوه؛ س: برفتند لشکر بکردار؛ متن = ف، ل، ق، س: ۵- س: دیو ۶- ل: بکردند؛ متن ← ۷- س: برآورد چون شیر  
 غزان غریو؛ متن = ف، ل، ق، س: ۸- ف، س، ق، س: (نیز ل، ق): کوبال؛ (ب، و، ل، ن: کوبال) ۹- س: رکاب؛ ل، ل: (نیز ل، ل، آ، ب) این بیت را ندارند؛ درس این بیت و بیت سپین پس از بیت ۳۳۹ آمده‌اند ۱۰- س، ق (نیز ل، ب، ل، ن:؛ بکردند لشکر گروهها  
 گروه؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیز ق، ل، و، آ، ب) این بیت را ندارند ۱۱- ل، س: وزان؛ متن = ف، ق، ل، س: ۱۲- ق: که سازند  
 بر دشت ۱۳- ف، س (نیز ل، ب، ل، ن:؛ سوی (!)؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۴- ل (نیز ل، ن:؛ تهل؛ س، س: (نیز و:؛ تهل (نقطه ندارد)؛ ق: تهل (یک نقطه هم در بالا و هم در پایین)؛ ل: تهنک؛ (ق: غل؛ ل، ل، ب، ل، ن، آ، ب: تهل)؛ متن =  
 ف ۱۵- س: مرد ۱۶- ل: گرانمایه دو شیر جنگ ۱۷- س: لهاک و شیر نبرد ۱۸- ل: زدی؛ س، س: آ: زند؛ متن = ف، ق، ل:؛ درس این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۹- ل، س: (نیز ل:؛ شطرخ؛ س، ق (نیز ل، ل، ن، آ، ب: شیرکج؛ ل: شیرکج؛  
 (ل، ب: شیرکج؛ ق: شطرج؛ و: سبطر)؛ متن = ف ۲۰- س: مرد ۲۱- ل، ل: پیران و هومان؛ س: هومان و گودرز و پیران؛ متن =  
 ف، ق، س: ۲۲- س: ایچ ۲۳- ل، ق، س: (نیز ب، ل، ن:؛ ب: پیدا درنگ و فسوس (یا: بیداد رنگ...))؛ (ل، و: پیدا ز رنگ و  
 فسوس)؛ متن = ف، ل: (نیز ل، ق، ل، آ): بیداد و رنگ و فسوس - پیدا ز رنگ...؟؛ س: پیاده بیاورد پیلان و کوس (= ۳۴۷ ب) ۲۴- ل پس از این بیت افزوده است:

همه جان شیرین به کف برنهد      چو من بر خروشم دمید و دهد

- ۲۵- ل، س: (نیز ق، ل، ل، آ، و): آید؛ ق: تازند؛ ل: (نیز ل، ن:؛ یازند؛ متن = ف، س (نیز ل، ب، ب) ۲۶- ل: زین ۲۷- ل: [و]؛  
 س در اینجا ۳۴۴- ۳۴۷ آ را انداخته و از ۳۴۴ و ۳۴۷ ب یک بیت ساخته و سپس پس از بیت ۳۴۹ از ۳۴۷ و ۳۴۴ ب یک بیت ساخته و به  
 دنبال آن بیت‌های ۳۴۵ و ۳۴۶ را آورده است

صفی برکشیدند پیش سوار  
 مجنبد - گفت - ایج بر جای خویش<sup>۳</sup>  
 سپردار و ژوپین و<sup>۱</sup> و نیزه دار<sup>۲</sup>  
 سپر با سنان اندرآرید پیش<sup>۴</sup>  
 چگونه گزارند<sup>۵</sup> گرز گران ۳۵۰

گفتار اندر داستان بازور جادوی<sup>۷</sup>

ز ترکان یکی بود بازور<sup>۸</sup> نام  
 پیاموخته کز<sup>۹</sup> و جادوی<sup>۱۱</sup>  
 به افسون<sup>۱</sup> به هر جای گسترده کام<sup>۱۰</sup>  
 بدانسته چینی و هم<sup>۱۲</sup> پهلوی<sup>۱۳</sup>  
 کز ایدر برو تا سر تیغ کوه  
 یکی برف و سرما و بادی<sup>۱۴</sup> دمان  
 بریشان برآورد<sup>۱۵</sup> هم اندر زمان<sup>۱۶</sup>  
 هوا تیره گون بود<sup>۱۷</sup> از تیرماه ۳۵۵  
 همی گشت بر کوه ابر<sup>۱۸</sup> سیاه  
 چو بازور بر<sup>۱۹</sup> کوه شد در زمان  
 برآمد یکی برف و باد دمان  
 همه دست نیزه گزاران<sup>۲۰</sup> ز کار  
 فروماند از برف و از<sup>۲۱</sup> کارزار  
 از آن<sup>۲۲</sup> رستخیز و دم ز مهریر  
 خروش یلان خاست<sup>۲۳</sup> و باران تیر  
 بفرمود پیران که یکسر سپاه  
 یکی<sup>۲۴</sup> حمله سازند ازین<sup>۲۵</sup> رزمگاه  
 چو بر نیزه بر<sup>۲۶</sup> دست هاشان فسرد<sup>۲۷</sup> ۳۶۰  
 ز هر سو سپاه اندرآرند<sup>۲۸</sup> گرد

۱- ف (نیزی): ژوپین زن: ل، س، ل، س<sup>۲</sup> (نیزلن، ق، و، ب): ژوپین وره: ق: نیزه وره: (پ: ژوپین ور) ۲- ق: خست داره: س: کینه دار ۳- ل، س<sup>۴</sup> (نیزلن، ق، و، ل، ب، لن): از جای خویش: س: کس را از جای: متن = ف، ق، ل (نیز ل، و، آ، ب) ۴- س: سنان با سپر اندرآرید پای: س پس از این بیت، بیت زیر را افزوده و پس از آن بیت های ۳۴۵ و ۳۴۶ را آورده است:

به پیش اندرآمد بهدارضوس (= ۳۴۷آ)

نبد هج بداز رنگ آبنوس (= ۳۴۴ب)

۵- س: نبرد ۶- ف، ل، س<sup>۷</sup>: سرآرند: س (نیزلن، ق، ل، و، ب): سرآید به: ق: گرآید به: (ل، ب: گرآیند): متن = ل: گذارند ۷- س: رفتن بازور جادو بر کوه و برف باریدن بر ایرانیان: ق: جادویی بازور بر ایرانیان و کشتن رهام در کوه او را: متن = ف (ب: سرنویس پیشین) ۸- س: بازور و ۹- ل: ز ترکان ۱۰- س (نیزب): دام ۱۱- ل: کاستی ۱۲- ق، س: بدانسته هم چینی و: متن = ف، ل، س، ل، ل، ل ۱۳- ل: بستی ۱۴- ل، س، ق، س (نیزق، ل، و، لن، آ): باد: متن = ف، ل (نیزلن، ل، ب) ۱۵- ل (نیزو): بیابور: (ق: بیابان درآورده: ل: بیابور بدیشان: ل: بدیشان بیابور: آ: بیابور بریشان): متن = ۱۶- ف: برآور یکی برف و بادی ژبان: س: برآور یکی تندبادی ژبان: ق (نیزب): به (ب: ز) افسون بیابور با ایرانیان: متن = ل، س (نیزلن، ب، لن) ۱۷- ل (نیزلن، ب): بد خود: متن = ل، س ۱۸- ل (نیزلن، ب، لن): ابیری: ف، س، ق این بیت را ندارند ۱۹- ل، س: در: متن = ل (نیزی، ل، و، آ، ب): ف، س، ق این بیت را ندارند: در لن، ب، لن این بیت به گونه ای دیگر آمده و پس از آن بیت های دیگری هم افزوده اند: در ل پس از این بیت، بیت ۳۶۰ آمده است ۲۰- ف: نیزه گزاران: ل: دست آن نیزه داران: متن = س، ق، ل، س (نیز ل، ب) ۲۱- ل، س، ق، س (نیزلن، ق، ل، ب، لن، ب): [و] دره: متن = ف، ل ۲۲- س، ل، س: بدان: ق: بران: متن = ف، ل ۲۳- ل، س، ق، س (نیزلن، ب): بود: متن = ف، ل ۲۴- ق: همی ۲۵- ف، ل: زمین: س: آرد بدین: متن = ق، ل، س ۲۶- س: نیزه ها ۲۷- ل: فشرد: متن = ف، س، ق، ل، س (نیزق، ل، ب، لن، ب) ۲۸- ل (نیزل): اندرآمد چو گرد: س: اندرآورد گرد: ق: اندرآرید گرد: س (نیزق، ب): اندرآمد بگرد: (لن، ب، لن: نیارست بنمود کس دستبرد): متن = ف، ل: در ل این بیت پس از بیت ۳۵۶ آمده و در س<sup>۲۹</sup> با بیت پسین پس و پیش شده است

<p>یکی حمله آورد برسان دیو که دریای خون شده‌می در میان<sup>۴</sup> سواران ایران فگنده<sup>۶</sup> نگون ز برف و ز افگنده شد جای<sup>۸</sup> تنگ به روی اندرافتاده<sup>۱۰</sup> برسان مست<sup>۱۱</sup> شده دست لشکر<sup>۱۳</sup> ز سرما تباه گرفتند زاری سوی آسمان نه برجای و در<sup>۱۵</sup> جای ونه زیر جای<sup>۱۶</sup> به بیچارگی دادخواه تویم<sup>۱۸</sup> جهاندار و بر داوران داوری توانا تر از آتش و زمهریر<sup>۲۲</sup> ندارم جز تو کسی را به کس<sup>۲۶</sup></p> <p>به رهام بنمود بانگشت<sup>۲۷</sup> کوه به<sup>۲۹</sup> افسون و تنبل بر آن<sup>۳۰</sup> کوه بود برون تاخت اسپ از میان سپاه پیاده<sup>۳۲</sup> بیامد<sup>۳۳</sup> بر آن<sup>۳۴</sup> کوه سر<sup>۳۵</sup></p>	<p>و زان<sup>۱</sup> پس برآورد هومان غریو بگشتند چندان از<sup>۲</sup> ایرانیان<sup>۳</sup> در و دشت یکسر<sup>۵</sup> پر از برف و خون ز گشته بُد جای گشتن<sup>۷</sup> به جنگ سیه گشته بر دست شمشیر دست<sup>۹</sup> نُبد جای گردش بدان<sup>۱۲</sup> رزمگاه سپهدار و<sup>۱۴</sup> گردنکشان آن زمان که ای برتر از دانش و هوش و رای همه بنده‌ی<sup>۱۷</sup> پُرگناه تویم<sup>۱۸</sup> از<sup>۱۹</sup> افسون و از<sup>۲۰</sup> جادوی<sup>۲۱</sup> برتری تو باشی به بیچارگی دستگیر ازین<sup>۲۳</sup> سخت سرما<sup>۲۴</sup> تو<sup>۲۵</sup> فریاد رس!</p> <p>بیامد یکی مرد دانش پزوه کجا جای بازور<sup>۲۸</sup> نسته بود بچنید رهام از آن<sup>۳۱</sup> رزمگاه زره دامنش را بزد بر کمر</p>
--	---

۱- ل: از آن ۲- ل: ز ۳- ل، س: (نیز ق، و، ب): ایران سپاه؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز لن، ل، پ، ل، ن، آ) ۴- س: همه در میان؛ س: (نیز ق، و، ب): همه (ب: همی) رزمگاه؛ ل: گشت آوردگاه؛ متن = ف، ق، ل: (نیز لن، ل، پ، ل، ن، آ) ۵- ل-س: (نیز لن، ق، ل، پ، و، ل، ن): گشته؛ متن = ف (نیز ل، آ، ب) ۶- ل: فتاده ۷- ف: جا گذشتن (جای گشتن)؛ ل: ل: جای رفتن؛ متن = س، ق، س: (نیز لن-ب) ۸- ل: راه ۹- س: نیز؛ ل، آ، س: و دست؛ ل: سیه گشت در دشت و شمشیر و دست؛ متن = ف ۱۰- ل: برو اندرافتاد ۱۱- س: چون رستخیز؛ ق این بیت را ندارد ۱۲- ل: در آن؛ ل: بر آن؛ متن = ف، س، ق، س: ۱۳- ل، س: یکسر؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: ۱۴- ف: [و]؛ ق پس از این بیت افزوده است:

بنالید هریک ز بیش وز کم      چنین گفت هریک ز درد وز غم  
به یزدان دادار داد آفرین      که اوراست هفت آسمان وزمین

۱۵- ل، س، س: نه در جای و بر؛ متن = ۱۶- س: و در زیر جای؛ ق (نیز ب): و در جمله جای؛ س: ونه...؟ جای؛ (ل، و): و برتر ز جای؛ متن = ف، ل: ۱۷- ف، ل: بنده و؛ متن = ل، س، ق، س: ۱۸- ف، ل، س، ل، آ، س: توایم؛ متن = ق ۱۹- ف، ل، س، ق، س: ز؛ متن = ل: ۲۰- ل: وز ۲۱- ل، ل، ل، آ، س: جادویی؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، ل، پ، ل، ن، آ، ب) این بیت را ندارند ۲۲- ف، ل (نیز آ): آتش زمهریر؛ س: آتش و مهر و تیر؛ ق (نیز و): توانا ابر آتش و زمهریر؛ متن = س، ل: (نیز ل، ل، آ، ب) ۲۳- س: درین ۲۴- ف: ... سردی (واژه یکم ناخواناست)؛ ل: برف و سرما؛ ل: سخت سردی؛ س: برف و سردی؛ متن = س، ق (نیز لن-ب) ۲۵- س: به ۲۶- ل: ندارم فریاد رس جز تو کس؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن-ب) ۲۷- ل، س: آن تیغ؛ (ل، آ): کانت ج بانگشت؛ و، ب: بانگشت بنمود؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز لن، ق، ل، آ، پ، ل، ن، آ)؛ ف، ل: در اینجا سرنویس دارند؛ کشته شدن بازور جادو بر (ل: به) دست رهام گودرز ۲۸- س: کجا نام آن مرد ۲۹- ل، س: بر؛ متن = ف، س، ق، ل ۳۰- ق: بدان ۳۱- ل: زان ۳۲- ل، س: خرامان؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز لن-ب) ۳۳- س، ق، س: (نیز لن، ق، ل، ل، ن، آ، ب): برآمد؛ متن = ف، ل، ل: (نیز ل، و، آ) ۳۴- س: (نیز ل، ل، ن، آ)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س: (نیز لن-ب)

۳۸۰ چو جادو بدیدش بیامد<sup>۱</sup> به جنگ  
 چو رهام نزدیک جادو رسید  
 بیفگند دستش به شمشیر تیز  
 ز روی هوا ابر تیره برد<sup>۲</sup>  
 یکی دست بازور<sup>۳</sup> جادو به دست  
 هوا گشت از آنسان<sup>۴</sup> که از پیش بود  
 پدر را بگفت آنک<sup>۵</sup> جادو چه کرد<sup>۶</sup>  
 عمودی ز پولاد چینی به چنگ  
 سبک تیغ تیز از میان برکشید<sup>۷</sup>  
 یکی باد برخاست چون رستخیز،  
 فرود آمد از کوه رهام گرد<sup>۸</sup>  
 به هامون شد و بارگی برنشست  
 فروزنده خورشید و گردون کبود<sup>۹</sup>  
 چه آورد بر ما به روز نبرد

۳۸۵ بدیدند از آن سر<sup>۱۰</sup> دلیران شاه  
 همه دشت یکسر<sup>۱۲</sup> از<sup>۱۳</sup> ایرانیان  
 چنین گفت گودرز از آنپس<sup>۱۵</sup> به طوس  
 همه تیغها یکسر<sup>۱۸</sup> برکشیم  
 همانا که ما را سرآمد زمان  
 بدو گفت طوس: ای جهاننیده پیر<sup>۲۰</sup>  
 چرا سر همی داد باید به باد  
 مکن پیشدستی بو در<sup>۲۳</sup> جنگ ما  
 به پیش<sup>۲۵</sup> زمانه پذیره مشو  
 چو دریای خون گشته<sup>۱۱</sup> آوردگاه  
 تن بی سران بود و سر بی میان<sup>۱۴</sup>  
 که نه پیل باید<sup>۱۶</sup> نه آوای کوس<sup>۱۷</sup>  
 برآرم جوش، ار گشند، ار کشیم  
 نه روز نبردست و<sup>۱۹</sup> تیر و کمان  
 هوا گشت پاک از دم زمهریر<sup>۲۱</sup>  
 چو فریادرس قره و<sup>۲۲</sup> زور داد؟  
 کنند آن<sup>۲۴</sup> دلیران خود آهنگ ما  
 بنزدیک بدخواه خیره مشو

۱-س: درآمد؛ س: بیامد بدیدش ۲-ف، ل: پس از این بیت افزوده اند:

بزد تیغ بر دست جادو برآ  
 به بک تیغ (ل: زخم) برید دست و سرا  
 ۳-س: شد ناپدید ۴-س: رهام و دید ۵-س: آن مرد ۶-ف: شد بدان: ل، ق (نیز ل): گشت زانسان: س، ل: شد  
 برانسان: متن = س (نیز ق: ل، ب) ۷-س: که بود: ل: خورشید را رخ نموده: متن = ف، س، ق، ل (نیز ل، ل، و،  
 ب) ۸-ل: آنچه: ق، ل: آنچه: متن = ف، س، س، ۹-ق: یکسر ۱۰-ل، ق، س (نیز ل-ب): بس: س: سو: متن = ف،  
 ل ۱۱-س: گشت ۱۲-س: گشته ۱۳-ل: ز ۱۴-س (نیز ل، ق، ل، آ، ب): وی سرندان: ق: وی سرندان: س (نیز  
 ب، ل، ن): و سر بی تنان: ل: تن بی سران و سر بی تنان: (و: سر بی تنان و تن بی میان): متن = ف، ل، س پس از این بیت افزوده است:  
 چنین گفت گودرز کشوادگان  
 که نه پیل مانند نه آوای کوس  
 بدان نامداران و آزادگان  
 نوده ایدر همان سرفیس  
 ۱۵-ل، س: گودرز آنگه: متن = ف، س، ق، ل (نیز ل-ب) ۱۶-ل، ل، س (نیز ب): مانند: متن = ف، ق (نیز هشت دستنویس  
 دیگر) ۱۷-ق: ازین پس نه کوس: س این بیت را ندارد (۳۸۵ ب) ۱۸-ل، ق، س: یکسر تیغها: متن = ف، ل، س این بیت  
 را ندارد ۱۹-ف، س، ل (نیز ل، ب): نه زور (ل: زور) و نه بر (ب: در) دست: (ل: نه زور نبردست و: آ: نه روز کمندست و): متن =  
 ل، ق، س (نیز ق، ل، ب، و، ل، ن) ۲۰-ل: مرد ۲۱-ل: پاک و بشد یاد سرد ۲۲-س: فر و هم ۲۳-س، س: س: س  
 ۲۴-ل، س، ل: این: ق بجای این بیت افزوده است:

خرد را درین رزم بردل گمرا  
 زمانی درین کار باید درنگ  
 تم مسر به خیره کنون دم مار  
 خرد باید آنجا و مردی و سنگ

۲۵-س، ق، ل (نیز ل-ل، ب): زهر: س: زپش: متن = ل (نیز آ): ف این بیت را ندارد

تو در قلب با کاویانی درفش  
سوی میمنه گوی و بیژن بهم  
چو رهام و شیدوش بر<sup>۳</sup> پیش صف  
اگر من شوم گشته زین<sup>۴</sup> رزمگاه  
۳۹۵  
ما مرگ نامی تر از<sup>۷</sup> سرزنش  
چنین ست گیتی پُر از آزا<sup>۹</sup> و درد  
فزونیش یک روز بگزایدت

دگر باره برشد دم گره‌نای<sup>۱۱</sup>  
ز بانگ سواران پرخاشخبر  
ز پیکان<sup>۱۲</sup> و از<sup>۱۳</sup> گرز و روپین و<sup>۱۴</sup> تیر  
همه دشت بی‌تن سر و یال بود  
[چو شد رزم ترکان<sup>۱۶</sup> برین<sup>۱۷</sup> گونه سخت  
۴۰۰  
همی<sup>۱۸</sup> تیره شد روز و<sup>۱۹</sup> اختر درشت<sup>۲۰</sup>  
چو طوس و چو گودرز و گیو<sup>۲۱</sup> دلیر  
همه بر نهادند جان‌ها<sup>۲۲</sup> به کف

خروشیدن زنگ و هندی درای  
درخشیدن تیغ و زخم تبر  
زمین شد بگردار دریای قیر  
همه گوش بر زخم گوپال<sup>۱۵</sup> بود  
ندیدند ایرانیان روی بخت  
دلیران به دشمن نمودند پشت  
چو شیدوش و بیژن، چو رهام شیر  
همی رزم جستند بر<sup>۲۳</sup> پیش صف

۱- (لن، ب، لن؛ تیغ بنفش)؛ ل، س (نیز آ)؛ همی باش و (ل: دار) در جنگ تیغ بنفش؛ (ق: همی باش با ییل و زربینه کنش؛ و: همی باش تا روز گردد بنفش)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ل، ل، ب) ۲- س (نیز لن، ق، ل، ب، لن، آ، ب)؛ ایبر؛ ق: آن؛ س (نیز ل)؛ بر؛ (و: و بر)؛ ل: نگه باش بر؛ متن = ف، ل؛ ل، س آیس از این بیت افزوده اند:

شوم بر کشم گرز کین از میان (س: شوم گرز کین بر کشم از نیام)

کم تن فدی (س: جان فدا) پیش ایرانیان

ازین رزم گه بر ننگ بردانم اسب

مگر (س: و گمر) خاک جایم بود (س: شود) چون زرسب

۳- س، ق، ل، س؛ در؛ متن = ف، ل ۴- ل؛ ز ۵- ق: در ۶- س: شهر؛ در س؛ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۷- ل: مرا مرگ باشد ترا؛ س: مرا ننگ نامی به از؛ س: مگر مرگ باشد به از؛ متن = ف، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ب، لن، ب) ۸- س، س؛ بیغاره و ۹- ل؛ س (نیز ق؛ لن، ب)؛ آزار؛ متن = ف (نیز لن، آ) ۱۰- ل؛ کینه؛ س: بیروتا توانی بگردش ۱۱- ف، ل، س؛ کز نای؛ متن = ق، ل، س ۱۲- ف (نیز لن، ب، لن، ب)؛ پیکار؛ ل؛ کوبال؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ق، ل، ل، آ) و (آ) ۱۳- ف، ل، ق، ل، س؛ وز؛ متن = س ۱۴- ل: وز پسر؛ س؛ وز زخم؛ متن = ف، س، ق، ل؛ زوبین؛ در س لت‌های این بیت پس و پیش شده اند ۱۵- در پ، و؛ با سه نقطه ۱۶- ق: جنگ توران ۱۷- ق، ل (نیز ق، ل، و)؛ ازین؛ (آ: از آن)؛ متن = ل، س؛ ف، س (نیز لن، ل، ب، لن)؛ این بیت را ندارند ۱۸- س: مه ۱۹- ف، ل، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، و لن، ب)؛ روی (روز و؟)؛ متن = ق ۲۰- (لن، ب)؛ درست؛ ل؛ بدانگه که شد رزم ایشان درشت؛ آ: شده تیره گون بخت و اختر درشت) ۲۱- ل؛ چو گودرز و چون گیو و طوس ۲۲- ل، ق، ل، س؛ جان را؛ متن = ف، س ۲۳- س، ق، ل، س (نیز لن-آ)؛ در؛ متن = ف، ل (نیز ب)

- هر آنکس که با طوس در جنگ بود  
 به پیش اندرون خون همی ریختند  
 یکی موبدی طوس یل را بخواند  
 نباید که ت اندر میان آورند  
 به گیو دلیر آن زمان طوس گفت  
 که ما را بدین گونه بگذاشتند  
 تو رو<sup>۷</sup> بازگردان سپه را ز راه  
 بشد گیو و لشکر همه بازگشت  
 سپهد چنین گفت با مهتران  
 کنون چون رخ روز شد تیره گون  
 یکی جای آرام باید گزید  
 مگر گشته یابد<sup>۱۲</sup> به جای<sup>۱۳</sup> قعاک
- همه بازگشتند یکسر ز جنگ  
 سر از کوه برزد همانگاه ماه  
 سپهدار پیران سپه را بخواند  
 بدانگه که دریای یاقوت زرد  
 کسی را که زنده ست بی جان کنیم  
 برفتند با شادمانی ز جای  
 همه شب از<sup>۲۰</sup> آوای<sup>۲۱</sup> چنگ و زباب
- همه نامدار و گنارنگ<sup>۱</sup> بود،  
 یلان<sup>۲</sup> از پس پشت بگریختند  
 پس پشت تو - گفت - جنگی نماند  
 سپه را سپهد<sup>۳</sup> زیان آورند  
 که با مغز آشکر خرد نیست<sup>۴</sup> جفت  
 به سیری چنین روی<sup>۵</sup> برگاشتند  
 ز<sup>۶</sup> پیغاره‌ی دشمن و شره شاه  
 پُر از<sup>۹</sup> گشته دیدند هامون و دشت  
 که اینت نبردی و جنگی سران<sup>۱۱</sup>!  
 همه روی کشور چو دریای خون،  
 اگر<sup>۱۱</sup> تیره شب خود توان آرמיד  
 یکی بستر از ریگ و چادر ز خاک<sup>۱۴</sup>
- ز خونشان<sup>۱۵</sup> روان خسته و سر ز ننگ<sup>۱۶</sup>  
 چو بر تخت پیروزه، پیروز شاه  
 همی گفت: دشمن<sup>۱۷</sup> فراوان نماند  
 زند موج بر کشور لاژورد<sup>۱۸</sup>،  
 بریشان<sup>۱۹</sup> دل شاه پیچان کنیم  
 نشستند بر پیش پرده سرای  
 سپه را نیامد بر آن<sup>۲۲</sup> دشت خواب

۱-س: تاجدار و نکورنگ (!): ق در اینجا سرنویس دارد: گفتار در هزمت ایرانیان از لشکر توران ۲-س: دگر؛ ق پس از این بیت افزوده است:

همی رفت چون رود در دشت خون  
 چوپیلان فکنده گوان سرنگون  
 از آن بیم شد روی خورشید زرد  
 هراسان فروماند در زیر گرد

۳-ل: به جان سپهد؛ (لن: سپه بر سپهد؛ ل: سپهد سپه را)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز ق، ل، پ، و، لن، ب) ۴-س: باد ۵-ق: کینه ۶-ل، س: چنین روی از جنگ؛ (لن، ق، ل، و، لن: بتیزی (لن، لن: بروزی: و بخیره) چنین روی)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز آ) ۷-ل: برو ۸-س، ق، س (نیز لن، ل، پ، لن، ب): به: متن = ف، ل (نیز ق، ل، و، آ) ۹-ق: همه ۱۰-س: گران؛ ل: که اینست پیکار جنگاوران؛ ل: که ای شیرمردان و کنداوران؛ متن = ف، س، ق ۱۱-س: مگر ۱۲-س: آید ۱۳-س، ق: بجایی؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۴-س: یکی بستری باید از تیره خاک ۱۵-ل، س: خوشان (حرف سوه نقطه ندارد)؛ ق، ل (نیز ق، ل، پ، لن، آ، ب): خوشان؛ متن = ف، س (نیز لن، ل) ۱۶-س: بسی کشته در زیر سنگ؛ ق: روان خسته از شره و ننگ؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ل، و، آ، ب) ۱۷-ل: زیشان؛ س (نیز ق، ل، و): ازیشان؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ل، آ، ب) ۱۸-ف، س، ل، س (نیز لن، پ، آ، ب): لاجورد؛ متن = ل، ق (نیز و، لن) ۱۹-س: بدیشان ۲۰-ف، ل، ل، ز؛ متن = س، ق، س ۲۱-ف، س، ق، ل، س: آواز؛ متن = ل ۲۲-ق: بدان



۴۳۰  
 ۴۳۵  
 ۴۴۰

۱. ف: بدین؛ (۲. پ: وزان)؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲-س: ایران ۳-س: پدر ۴-ف: زمان شسته بود؛ (ق: زمین بسته بود)؛ س، ق: بسی خسته (ق: کشته) بود و بسی بسته بود (= ۴۳۲ ب)؛ متن = ل، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۵-س، س: بیت های ۴۲۹-۴۳۲ را ندارند ۶-ل: کشته ۷-ل: کشته ۸- (ق: بستند)؛ متن = ل، ق، ل (نیز ل، ل-ب)؛ ف: بیت های ۴۳۱ و ۴۳۲ را ندارد ۹-ل: رسته؛ (ل: و نیز بس بسته؛ ل، آ: و نیز ناسته)؛ متن = ل، ق (نیز ل، ق، آ، پ، و، ل، ب) ۱۰-س: چو گودرز بشنید ۱۱-ل، س: (نیز ق، ل، ل، آ: برزد؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز و، آ، ب) ۱۲-ل، س، ق (نیز ق، ل، ل، آ، ب): اسبان (ه-ایشان)؛ (و: ناله او؛ آ: بانگ و غلغل)؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۱۳-س: به یبری چنین ۱۴-س: بایدت؛ ق: مانده ام؛ متن = ف، ل، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۱۵-س: بران ۱۶-ل: روزگاری کجا؛ س، ق (نیز ل، ل، ل، ب، ل، آ، ب): روزیاری که من؛ ل: روزگاری که من؛ (ق: روزگاری که من)؛ متن = ف (نیز و) ۱۷-ل، س: (نیز ق، ل، ل، و، آ): یسر زانجمن؛ س (نیز ل، پ، ل، ب): سرانجمن؛ ق: یسرزان من؛ متن = ف، ل ۱۸-ل (نیز ل): چنین؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۹-ق: سرانجمن؛ س: (نیز ق) یس از این بیت چهار بیت، ل تنها بیت سوم، ل: سه بیت نخستین و دو بیت نخستین را افزوده اند:

ازین رزم ها هست بر من شکست (ل: بر شکر من)

چه باید مرا اندرین جا نشست (ل: نباید مرا زنده این جان و تن)

بسه زیر زمین در سواران من

ببیره پسر نیز و (ل: هم ز) خوبشان من

جدا گشته از من چو بهرام بود (ل، س: پور)

چنان نامور شیر خود کام بود (ل، س: مگر کشته شد مان بیکبار هور)

کنون اندرین رزم یکپاره بود (ق: کار با جنگ و هور)

که ماندست ما را ز خویشان که بود (ق: ماندست ما را ز خویشان و پور)

۲۰-ل: خروشی بر آورد آنگه بزار؛ س: خروش و فغانی (ه- خروش و فغانی) بر آورد زار؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ل-ب) ۲۱-ل: در؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل-ب)

همی گفت: اگر<sup>۱</sup> نوذر<sup>۲</sup> پاک تن  
 نبودى مرا رنج و تیمار و درد  
 که تا من کمر بر میان بسته ام  
 هم اکنون تن گشتگان<sup>۳</sup> را به خاک  
 ۴۴۵ سران بریده سوي تن برید  
 برانیم<sup>۴</sup> لشکر همه همگروه  
 هیونی فرستیم نزدیک شاه  
 بدین من سواری فرستاده ام  
 مگر رستم زال را با سپاه  
 نکشتی پی<sup>۳</sup> و بیخ من بر<sup>۴</sup> چمن،  
 غم گشته و گرم دشت<sup>۵</sup> نبرد  
 به دل خسته ام، گر<sup>۶</sup> به جان رسته ام  
 بپوشید جایی که باشد مفاک  
 بُنه سوي<sup>۸</sup> کوه هماون برید  
 سراپرده و خیمه بر سوي کوه  
 دلش بر فروزد، فرستد سپاه<sup>۱۰</sup>  
 ورا پیش ازین آگهی داده ام  
 سوي ما فرستد بدین رزمگاه<sup>۱۱</sup>

### گفتار اندر گریختن طوس به کوه هماون<sup>۱۲</sup>

سپه برنشت<sup>۱۳</sup> و بُنه بر نهاد  
 چو خورشید تابنده بنمود تاج  
 همانا که فرسنگ ده رفته بود  
 بدینسان<sup>۱۷</sup> همی رفت روز و شبان  
 همه دیده پُر خون و دل پُر ز داغ  
 چو نزدیک کوه هماون رسید  
 ۴۵۵ چُنین گفت طوس سپهبد به گیو  
 و زان<sup>۱۴</sup> کشتگان کرد بسیار یاد  
 بگسترد کافور بر تختِ ساج<sup>۱۵</sup>،  
 بداندیش از ماندگی<sup>۱۶</sup> خفته بود  
 پُر از غم دل و ناچریده لبان  
 ز رنج زمان<sup>۱۸</sup> گشته چون پَر زاغ  
 بر آن دامن کوه لشکر کشید،  
 که ای پُرخرَد نامبردار<sup>۱۹</sup> نیو،

۱-س: گر ۲-ف: تودرین (نوذر)؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب) ۳-ل: سن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل<sup>۲</sup>: تن؛ و: بر؛ آ: بن)؛  
 متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۲</sup> (نیز شش دستنویس دیگر) ۴-س، ق (نیز ل، ل، ب): در؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۲</sup> (نیز شش دستنویس  
 دیگر) ۵-س<sup>۲</sup>: رنج درد ۶-ق: ار ۷-ف، س (نیز ل<sup>۲</sup>، و): خستگان (!)؛ متن = ل، ق، ل، س<sup>۲</sup> (نیز هفت دستنویس  
 دیگر) ۸-ل: سپه با به ۹-ف: چه رانیم؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب) ۱۰-ق: پس از این بیت افزوده است:  
 بدانند که ما را چه آمد بسر  
 چنن بود بر ما نبشته قدر  
 که گشتیم بردشت ما بی هنر  
 قدر مرد را زود آرد بسر  
 ۱۱-ل: پس از این بیت افزوده است:

وگرنه زمان نامداری دلبر  
 نماند به آورد گه بر چو شیر

بنداری (۱۵۳ - ۴۴۹): فجرت بینهم وقائع کثیرة عظيمة فی أيام متوالية. و کانت آثار الدبيرة تظهر فی کل یوم علی ایرانیان. فنفذ طوس فارسا الی  
 الملک کیخسرو، و أنهى الیه الحال، و سأله أن یمده برستم و من یقدر علیه من الجنود ۱۲-ف (چند بیت بالاتر): گفتار اندر نوحه کردن  
 گودرز بر کشتگان ایرانیان و گریختن طوس بکوه هماون و آمدن پیران از پس ایشان؛ ل (چند بیت پایین تر): خبر یافتن پیران از هزیمت شدن  
 ایرانیان؛ س: هزیمت شدن ایرانیان از تورانیان و رفتن بکوه هماون؛ ق: رفتن ایرانیان بهزیمت بکوه هماون و رای زدن پیران با لشکر؛ س<sup>۱</sup>: گریختن  
 ایرانیان و رفتن بکوه هماون؛ متن = ف ۱۳-ل، س، س<sup>۲</sup> (نیز ل، ب، و): برنشاند؛ (آ: برگرفت)؛ متن = ف، ق، ل<sup>۲</sup> (نیز لن، ق، ل، ل،  
 ب) ۱۴-ل: از آن ۱۵-س، ق، ل، س<sup>۲</sup> (نیز لن-ب): عاج؛ متن = ف؛ ل این بیت را ندارد ۱۶-ف، ق، ل<sup>۲</sup> (نیز لن، ل، ب، و،  
 لن، ب): خستگی (؟)؛ (ق: کار او)؛ س: ازین جنگیان؛ متن = س<sup>۱</sup> (نیز آ)؛ ل این بیت را ندارد ۱۷-ق، ل<sup>۲</sup>: بریشان؛ س<sup>۱</sup>: ازیشان؛  
 متن = ف، س؛ ل این بیت را ندارد ۱۸-ل، س، ق، س<sup>۲</sup> (نیز لن-آ): روان؛ (ب: زمانه بر او)؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> ۱۹-ل: نامبردار و

سه روزست تا<sup>۱</sup> زین نشان رفته‌یم<sup>۲</sup>      به خواب و به خوردن نپردخته‌یم<sup>۳</sup>  
بناز و بیاسای<sup>۴</sup> و چیزی بخور  
که من<sup>۵</sup> بی‌گمانم که پیران به جنگ  
کسی را که آسوده‌تر زین گروه      ۴۶۰

همه خستگان را سُوی دز کشید  
چنین گفت کین کوه‌سرخان<sup>۸</sup> ماست  
طلایه ز کوه اندرآمد به دشت  
[خروش نگهبان و<sup>۱۳</sup> آوای زنگ  
همانگه برآمد ز چرخ آفتاب      ۴۶۵  
ز درگاه پیران برآمد خروش  
چو آتش سپهدار ترکان<sup>۱۶</sup> سپاه<sup>۱۷</sup>  
به هومان چنین گفت کاکنون<sup>۱۸</sup> به جنگ  
سواران ایران<sup>۲۰</sup> همه گشته‌اند  
بزد کوس و از<sup>۲۱</sup> دشت برخاست غو<sup>۲۲</sup>      ۴۷۰  
رسیدند گردان<sup>۲۳</sup> بدان رزمگاه

از<sup>۷</sup> آسودگان لشکری برگزید  
بباید کنون خویشتن<sup>۹</sup> کرد راست  
بدان<sup>۱۱</sup> تا بریشان<sup>۱۱</sup> نشاید گذشت<sup>۱۲</sup>  
تو گفتی به جوش آمد از کوه سنگ  
جهان گشت برسان دریای آب<sup>۱۴</sup>  
چنان شد که برخیزد از خاک<sup>۱۵</sup> جوش  
بیاورد لشکر سُوی رزمگاه  
همانا نباشد<sup>۱۹</sup> فراوان درنگ  
وگر خسته از جنگ برگشته‌اند  
همی رفت پیش سپه پیشرو<sup>۲۰</sup>  
همه رزمگه خیمه بُد بی‌سپاه

۱- ل: سه روز و سه شب      ۲- ف، ل: (نیزلی): رفته‌ام؛ ل: تاختی؛ س: (نیزلن، لن): رنج‌ام؛ س: (نیزو): خسته؛ ل: خسته‌ایم؛ پ: نخته‌ایم؛ جفته‌ایم؛ آ: خسته‌ام؛ متن = ق: (نیزق، ب)      ۳- ف، س، ل: (نیزلن، لی): نپردخته‌ام؛ ل: نپرداختی؛ س: نپردخته؛ (و): نپیوسته؛ آ: نپیوسته‌ام؛ ق: نخورده بنیز ایچ نخته‌ایم؛ متن = (ق، ل، ب، لن، ب)      ۴- ل: (نیزل، و): بیا و بیاسای؛ س: (نیزل، آ): بیا و بیاسای؛ ق: س: زمانی بیاسای؛ ل: (نیزب): بیار و بیاسای؛ (ق): بجایی بیاسای؛ لن: بیاز و بیاسا؛ متن = ف: (نیزلن، ب)      ۵- ف، ل، ق: آرامش جامه؛ س، ل: (نیزلی، لن): آرامش جامه؛ س: (نیزلن، آ، ب): آسایش و جامه؛ (ل): آسایش و خواب؛ ب: آرامش و جامه؛ متن = (ق، و): بنداری: استرح ساعة و تناول شینا      ۶- س: کزین      ۷- ف، ل، ق، ل: ز؛ متن = س، س      ۸- ل، س: (نیزو، لن، آ): جای؛ (لی): خوان؛ ل: کوه سرخ آن (ج کوه سرخان)؛ متن = ف، س، ق: (نیزلن، ق، ل، ب، ب)      ۹- ل: کارها      ۱۰- س، ل، س: بران      ۱۱- ف، س: (نیزب): بدیشان؛ (ل): ازیشان؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیزهفت دستنویس دیگر)      ۱۲- ل: نیاید شکست؛ س: (نیزلی، ل): نیاید گذشت؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیزهفت دستنویس دیگر)      ۱۳- س: بر؛ (ق): غودیده برخاست و؛ و: غودیده بان خاست و؛ متن = ل، ق، ل: (نیزآ، ب): ف، س: (نیزلن، لی، ل، ب، لن، ب): این بیت را ندارند      ۱۴- س، ق: (نیزلن، ق، ل، ب، لن، ب): سپهد (ب: طلایه) بیامد سوی رود آب؛ (و، آ): سرپهلوان اندرآمد بخواب؛ متن = ف، ل، ل، س: جنگ؛ س: (نیزق): آب؛ (آ): کوه؛ ق: (نیزب): که هامون برآمد به؛ متن = ل، ل، ل، س: (نیزلن، لی، ب، و، لن): ق: پس از این بیت افزوده است:

یلان سپه را یک‌یک بخواند      فراوان سخنها بریشان براند  
بدیشان چنین گفت ای سرکشان      نیاید که مانند ز لشکر نشان

۱۶- ق: توران؛ س: پیران      ۱۷- س: براد؛ ل: این بیت را ندارد؛ س: پس از این بیت افزوده است:

همه رزمگه خیمه بد بی‌سپاه      نبودند گردان ایران بگه (۱۷۱)

۱۸- ف: اکنون؛ متن = ل-س      ۱۹- ل: نیاید همانا؛ ل: س: (نیزق، آ): نباشد همانا؛ متن = ف، س، ق: (نیزلن، لی، ب، لن، ب)      ۲۰- ل: دشمن      ۲۱- ف، ل، س، ق، س: ووز؛ متن = ل      ۲۲- (ق، ب: غو)      ۲۳- ل، س: ترکان؛ متن = ف، س، ق، ل

۴۷۵ بشد پیش<sup>۱</sup> پیران یکی مژده خواه  
 به شادی برآمد ز لشکر<sup>۴</sup> خروش  
 سپهد چنین گفت با بخردان  
 چه سازم<sup>۷</sup> و این را چه آرم رای<sup>۸</sup>  
 ۴۸۰ سواران لشکر ز پیر و جوان  
 که لشکر گریزان شد از پیش ما  
 یکی رزمگاهست پُر خون و خاک  
 بیاید بی دشمن اندر گرفت  
 گریزان<sup>۱۶</sup> چو باد اندر آید<sup>۱۷</sup> به آب<sup>۱۸</sup>  
 ۴۸۵ چنین گفت پیران که در گاه<sup>۲۰</sup> جنگ  
 سپاهی بکردار دریای آب  
 بمولیم<sup>۲۲</sup> تا آن سپاه گران  
 و زان<sup>۲۴</sup> پس به ایران نمائیم کس  
 بدو گفت هومان که ای پهلوان<sup>۲۷</sup>  
 سپاهی بدان جوش و آن زور<sup>۲۹</sup> و دم  
 کنون خیمه و گاه و پرده سرای  
 چنان دان که رفتن ز بیچارگیست

که کس نیست ایدر<sup>۲</sup> از<sup>۳</sup> ایران سپاه  
 به فرمان پیران نهادند گوش<sup>۵</sup>  
 که ای پُرهنر نامور<sup>۶</sup> موبدان،  
 که اکنون ز دشمن تهی ماند جای<sup>۹</sup>  
 همه<sup>۱۰</sup> تیز گشتند<sup>۱۱</sup> با پهلوان،  
 شکست آمد اندر<sup>۱۲</sup> بداندیش ما  
 ازیشان نه هنگام ترسست<sup>۱۳</sup> و باک  
 ز مولش<sup>۱۴</sup> سزد گر بمانی<sup>۱۵</sup> شیگفت  
 به آید ز مولیدن اندر شتاب<sup>۱۹</sup>  
 شود سست پای شتاب از درنگ  
 شدهست انجمن نزد<sup>۲۱</sup> افراسیاب  
 بیایند گردان و گنگداوران<sup>۲۳</sup>  
 چنینست<sup>۲۵</sup> رای خردمند و<sup>۲۶</sup> بس  
 مرنجان بدین کار چندین<sup>۲۸</sup> روان  
 شدی<sup>۳۰</sup> روی دریا ازیشان دژم،  
 همه مانده بر جای و رفته ز جای،  
 نمودن به ما پشت یکبارگیست

۱- ل، س، س: نزد؛ متن = ف، ق، ل<sup>۱</sup> ۲- س: که ایدر کسی نیست ۳- ل، س، ل: از؛ متن = ف، ق، س<sup>۱</sup> ۴- ل: ز لشکر  
 بشادی برآمد؛ س: بشادی ز ترکان برآمد؛ متن = ف، س، ق، ل<sup>۱</sup> ۵- س: چنان شد که برخیزد از خاک جوش (= ۴۶۶ ب) ۶- ل،  
 ل: نامور پُرهنر؛ س: با گهر نامور؛ ق: نامور با گهر؛ متن = ف، س، س<sup>۱</sup> ۷- س: بینید ۸- ل: دانید رای؛ س: رای آورم؛ ق (نیز): بینید  
 رای؛ ل: دارم رای؛ س: سازید رای؛ (ق، ل، آ، ل: آ: دارید رای)؛ متن = ف (نیز: ل، ل، پ، ل، آ، ب) ۹- ق: گشت جای؛ س: که گیتی ز  
 دشمن بیای آورم؛ متن = ف، ل، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۱۰- س: همی ۱۱- ل (نیز: ل): تیز گفتند (در ل حرف یکم واژه یکم نقطه ندارد)؛ س: آ  
 (نیز: پ): تیره گشتند؛ متن = ف، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز: ل، ل، و، ب) ۱۲- س، ل: اندر آمد ۱۳- ل: بیم است ۱۴- (ل، و، ل، آ):  
 هولش) ۱۵- ف (نیز: پ): نمائی؛ ل، س: نمائی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز: ل، ل، آ، ب) ۱۶- ف، ل، ل،  
 س<sup>۱</sup> (نیز: ل، و): کز ایران؛ ل: کز ایران (گز گریزان؟ کز ایران؟)؛ متن = س، ق، ل (نیز: ل، ل، پ، ل، آ، ب) ۱۷- س:  
 آمد ۱۸- س: ز آب؛ (لغت شهنامه، شماره ۲۳۷۸: گریزان ز خاک اندر آیی به آب) ۱۹- (لغت شهنامه: بسی به ز مولیدن ایدر  
 شتاب) ۲۰- ل (نیز: و): هنگام؛ س<sup>۱</sup> (نیز: ق): در کار؛ متن = ف، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز: ل، ل، ل، پ، ل، آ، ب) ۲۱- ل، س، ق: پیش؛  
 متن = ف، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۲۲- ل (نیز: ل، ل، ل): بمائیم؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز: ل، پ، ب) ۲۳- س: جنگاوران؛ ل: گردان  
 جنگاوران؛ متن = ف، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۲۴- ل: از آن ۲۵- س: چنین باد ۲۶- ل: [و] ۲۷- س: کای پهلوان  
 جهان ۲۸- ل: خسته؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

همه خسته رفتند از آنجا سپاه  
 نبودش یکی را به بودن توان

۲۹- س: ایمن زور؛ ل، س: زور و آن جوش؛ متن = ف، ق  
 ۳۰- ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز: ل، ل، و، ب): شده؛  
 متن = ل

۴۹۰ بمولیم<sup>۱</sup> تا نزد خسرو شوند،  
 ز زاوستان<sup>۲</sup> رستم<sup>۳</sup> آید به جنگ  
 کنون ساختن<sup>۴</sup> باید و تاختن<sup>۵</sup>  
 چو گودرز را با سپهدارطوس  
 همه بی‌گمانی به چنگ آورم  
 چنین داد پاسخ بدو پهلوان  
 چنان کن که نیک اختر و رای تُست ۴۹۵

پس لشکر اندر گرفتند راه  
 به لَهاک فرمود کاکنون<sup>۱۲</sup> مه‌ایست!  
 بدو گفت: مگشای بند از میان  
 همی رفت لَهاک برسان باد  
 چو نیمی ز تیره‌شب اندرگذشت ۵۰۰  
 خروش آمد از کوه و آوای<sup>۱۶</sup> زنگ  
 بنزدیک پیران بیامد ز<sup>۱۷</sup> راه  
 که ایشان به کوه هماون برند<sup>۱۹</sup>  
 به هومان بفرمود پیران که زود  
 بر چند باید<sup>۲۱</sup> ز لشکر سوار ۵۰۵  
 گر<sup>۲۲</sup> ایرانیان با درفش و سپاه<sup>۲۳</sup>

سپهدارپیران و<sup>۱۱</sup> توران‌سپاه  
 برون کرد با او<sup>۱۳</sup> سواری دویت  
 بسین تا کجایند<sup>۱۴</sup> ایرانیان  
 ز خواب و ز خوردن نکرد ایچ یاد  
 ظلایه بدیدش به<sup>۱۵</sup> تاریک‌دشت  
 ندید ایچ لَهاک جای درنگ  
 بدو آگهی داد از<sup>۱۸</sup> ایران‌سپاه  
 همه بسته بر پیش راه گزند  
 عنان و رکیت بیاید بسود<sup>۲۰</sup>  
 ز گردانِ گردنکش نامدار  
 گرفتند کوه هماون پناه،

۱- ل، ق، س، <sup>۱</sup>(نیزق، آ، ل): غنائیم؛ (ل، و: بمانیم)؛ متن = ف، س، ل، <sup>۲</sup>(نیزلن، پ، ل، ن، آ، ب)؛ لغت‌داری، ص ۱۷۵؛ لغت‌شهنامه، شماره ۲۳۷۹) ۲- س، <sup>۱</sup>(لشکر ۳- ل، س، <sup>۱</sup>(نیزق، آ، ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب): زاوستان؛ متن = ف، ل، <sup>۲</sup>(نیزلن، و) ۴- ف، ل، <sup>۱</sup>(لشکر؛ متن = ل، س، ق، س، <sup>۲</sup>(نیزلن-ب) ۵- س، <sup>۱</sup>(بی ۶- ف، ل، <sup>۱</sup>(نیزآ): تافتن (درف حرفهای یکم و سوم نقطه ندارند)؛ س، ق، س، <sup>۲</sup>(نیزلن، ل، پ، ل، ن، آ، ب): تاختن؛ متن = ل (نیزق، آ، ل، و) ۷- س، <sup>۱</sup>(آختن؛ س (نیزلن، ل، پ، ل، ن، آ، ب): بایدم ساختن؛ ق: بایدت ساختن؛ متن = ف، ل (نیزق، آ، ل، و، آ، ل) ۸- ف، ل، س، ل، آ، س، <sup>۲</sup>(نیزلن، ق، آ، ل، و، آ، ب): ساختن (س، ل، ن، پساوند ندارند)؛ متن = ق (نیزل، پ، ل، ن، آ) ۹- ل: [و] ۱۰- ل: بد آید چو؛ س، س، <sup>۱</sup>(نیزق، آ، و): به آید که؛ (آ، ل): نیاید که؛ متن = ف، ق، ل، <sup>۲</sup>(نیزلن، ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۱- ل: [و] ۱۲- س: کابدر ۱۳- س، ق (نیزلن، ل، پ، ب): با وی؛ (لن: نیاید)؛ ل: بگردان عنان با؛ س، <sup>۱</sup>(برون رو کنون با؛ ل، آ، ب): هم اکنون بروبا؛ متن = ف، ل، <sup>۱</sup>(نیزق، آ، و) ۱۴- ف، س، ق، ل، آ، س، <sup>۱</sup>(کجانند؛ متن = ل ۱۵- س، <sup>۱</sup>(ز ۱۶- س: آواز ۱۷- س، ق: به؛ متن = ف، ل، ل، آ، س، <sup>۱</sup>(۱۸- ف، ل، ز؛ ل: [از]؛ متن = س، ق، س، <sup>۱</sup>(۱۹- ل، س (نیزل، آ، پ، ل، ن، آ): درند؛ (ل: بوند)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س، <sup>۲</sup>(نیزلن، ق، آ، و، آ، ب) ۲۰- س، <sup>۱</sup>(رکابت بیاید بسود؛ س: عنان تکاور بیاید ستود احد بسود)؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ؛ ق پس از این بیت افزوده است:

هم اکنون بیایدت رفتن بچنگ  
 نیاید که بر ما شبیخون کنند  
 نیاید که سازی برین بردرنگ  
 ز خون بلان دست گلگون کنند

۲۱- ل، س، <sup>۲</sup>(با خود؛ متن = ف، س، ق، ل، <sup>۲</sup>(نیزلن-ب) ۲۲- ف (نیزلن): کز؛ ل، س، ل، آ، س، <sup>۲</sup>(نیزلن، ل، آ، و): که؛ (ب: از)؛ متن = ق (نیزق، آ، ل، پ، آ) ۲۳- ل: درفش سپاه

ازین رزم رنج آید اکنون به روی  
گر آن مُردری<sup>۲</sup> کاویانی درفش  
اگر دست یابی به شمشیر تیز  
من اینک پس اندر چو باد دمان ۵۱۰

خرد تیز<sup>۱</sup> کن، چاره‌ی این بجوی<sup>۲</sup>!  
بیابی<sup>۳</sup>، شود روزد ایشان بنفش  
درفش و همه نیزه کن ریزریز  
بیایم، نسازم درنگ و<sup>۴</sup> زمان

گزین کرد هومان ز توران<sup>۷</sup> سوار  
چو خورشید تابنده بنمود تاج  
پدید آمد از دور<sup>۱۰</sup> گرد سپاه<sup>۱۱</sup>  
که آمد ز ترکان سپاهی پدید  
به ناورد<sup>۱۷</sup> جوشن بپوشید طوس ۵۱۵

سپردار و شمشیرزن سی هزار<sup>۸</sup>  
بگسترد کافور بر تخت ساج<sup>۹</sup>،  
عو دیدبان<sup>۱۲</sup> آمد<sup>۱۳</sup> از دیدگاه<sup>۱۴</sup>  
به ابر سیه<sup>۱۵</sup> گردشان بررسید<sup>۱۶</sup>  
برآمد دم بوق و آوای کوس  
رده برکشیدند بر<sup>۱۸</sup> پیش کوه  
گراییدن گرز و تیغ سران<sup>۱۹</sup>،  
میان سپاه اختر کاویان<sup>۲۰</sup>،  
کز ایران<sup>۲۱</sup> برفتید با پیل و کوس،  
بدان<sup>۲۳</sup> زور<sup>۲۴</sup> لشکر برون تاختن،  
شده‌ستی ز گردان توران ستوه  
خور و جنگ<sup>۲۹</sup> و آرام بر کوه و سنگ<sup>۳۰</sup>؟

سواران ایران همه همگروه  
چو هومان بدید آن سپاه گران  
خروشان و جوشان چو شیر زیان  
چنین گفت هومان به گودرز و طوس  
سوی شهر توران<sup>۲۲</sup> به کین آختن ۵۲۰  
کنون برگزیدی چو نخچیر<sup>۲۵</sup> کوه  
نیایدت<sup>۲۶</sup> ازین<sup>۲۷</sup> کارگه شرم<sup>۲۸</sup> و ننگ

۱- ف: تیره (!)؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیزلن-لن، ب) ۲- ل، س: کارجوی؛ متن = ف، س، ق، ل<sup>۲</sup> (نیزق-لن، ب) ۳- ل (نیزل<sup>۲</sup>):  
مرد با؛ ل: مرددی (مردری)؛ (لن: نوذری → مردری؛ لی: مژده → مردری)؛ متن = ف، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیزلن، ق، ب-پ) ۴- ل، س:  
بیاری؛ متن = ف، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیزلن-ب) ۵- ل (نیزق<sup>۱</sup>)؛ روی؛ متن = ف، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیزهفت دستنویس دیگر) ۶- س:  
بره بر ۷- ل، س<sup>۱</sup> (نیزل<sup>۲</sup>): لشکر؛ س، ق (نیزق<sup>۱</sup>): ترکان؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> (نیزلن، لی، پ، و لن، ب) ۸- ل، س (نیزپ): ز گردان  
(پ: دلیران) گردنکش نامدار؛ متن = ف، ق، ل<sup>۱</sup>، س<sup>۱</sup> (نیزلن، ق، ل، لی، و لن، ب)؛ س پس از این بیت افزوده است:  
ز گردان توران قتی سی هزار همه جنگجوی و همه نامدار

۹- ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیزلن-ب): عاج؛ متن = ف، ل<sup>۱</sup>، س<sup>۱</sup> در اینجا سرنویس دارد: آمدن تورانیان از پی ایرانیان بکوه هومان ۱۰- ل:  
کوه ۱۱- ل: سپاه ۱۲- ل، ل، ل، س<sup>۱</sup>: دیده‌بان ۱۳- ل: دیده برخاست ۱۴- ل، ل، ل، س<sup>۱</sup>: دیدگاه ۱۵- س:  
بایران سپه ۱۶- ل (نیزق<sup>۲</sup>): برکشید؛ س، ق، س<sup>۱</sup> (نیزل): بردمید؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۷- ل، ق (نیزلن، لی،  
پ، لن، ب): چوبشنید؛ س: بفرمود و؛ ل<sup>۱</sup>، س<sup>۱</sup> (نیزق<sup>۲</sup>): بیاورد (بناورد؟)؛ (ل<sup>۲</sup>: بغزید و؛ و آ: همانگاه)؛ متن = ف: بناورد (بناورد؟)  
۱۸- س: در؛ ل<sup>۱</sup> این بیت را ندارد ۱۹- (لن: و سنان؛ ل: بران)؛ ف (نیزآ): تیغ و گرز گران (پساوند ندارد)؛ (ق<sup>۱</sup>:  
گرزهای گران (پساوند ندارد))؛ ل<sup>۱</sup>: تیغ و گرز سران؛ متن = ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیزل، پ، لن، ب) ۲۰- ل این بیت را ندارد ۲۱- ف  
(نیزلن<sup>۱</sup>): گریزان؛ (ق<sup>۱</sup>، و از ایران)؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیزشش دستنویس دیگر) ۲۲- ل: ترکان ۲۳- س، س<sup>۱</sup>: بران؛ متن = ف، ل،  
ق، ل<sup>۱</sup> ۲۴- ف، س (نیزل، پ، لن، ب): روز؛ ل، س<sup>۱</sup> (نیزق<sup>۲</sup>): روی؛ (و آ: گونه)؛ متن = ق، ل<sup>۱</sup> (نیزلن، ل، ب) ۲۵- ف-س<sup>۱</sup> (نیز  
لن-ب): نخچیر ۲۶- ق: نباشد ۲۷- ل: زین؛ ل<sup>۱</sup>: از ۲۸- ل، س<sup>۱</sup> (نیزو، آ): کار خود شرم؛ س: شرم و نه نام؛ ق (نیزلن-پ،  
لن، ب): کارتان شرم؛ متن = ف، ل ۲۹- ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیزق<sup>۱</sup>، و لن، آ): خواب؛ (ل<sup>۲</sup>: خورد)؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> (نیزلن، لی، ب،  
ب) ۳۰- ل: کوه سنگ؛ س: در کوه و آرام و جنگ

۵۲۵ چو فردا برآید ز کوه آفتاب،  
بدانی<sup>۲</sup> که این چاره<sup>۳</sup> بیچارگیست  
هیونی به پیران فرستاد زود  
دگرگونه بُد ز آنک<sup>۷</sup> انداختیم  
همه کوه یکسر سپاهست و کوس  
چنان کز که چون بردمد چاک روز  
تو ایدر بوی ساخته با سپاه  
کنم زین حصار تو دریای آب<sup>۱</sup>،  
برین<sup>۴</sup> کوه خاراه بیاید گریست  
کز اندیشه پیگار جزگونه بود<sup>۶</sup>  
بریشان همی تاختن<sup>۸</sup> ساختیم  
درفش از پس پشت گودرز و طوس  
پدید آید از چرخ گیتی فروز،  
شده روی هامون ز لشکر سپاه

### گفتار اندر آمدن پیران و یسه بنزدیک هومان<sup>۱۰</sup>

۵۳۰ فرستاده نزدیک<sup>۱۱</sup> پیران رسید  
بیامد شب تیره هنگام خواب  
چو خورشید از آن<sup>۱۲</sup> چادر نیلگون<sup>۱۳</sup>  
سپهبد به کوه هماون رسید  
به هومان چنین گفت کز رزمگاه  
شوم تا<sup>۱۷</sup> سپهدار ایرانیان  
به کوه هماون که دادش نُوید؟  
بیامد بنزدیک ایران سپاه  
خروشید کای نامبردار طوس  
کنون ماهیان اندر آمد به پنج

۵۳۵ بجوشید چون گفتِ هومان شنید  
همی راند لشکر بکردار آب  
غمی شد<sup>۱۴</sup>، بدزید و آمد برون،  
ز گرد سپه شد زمین<sup>۱۵</sup> ناپدید  
مجنب و مجنبان زمانی<sup>۱۶</sup> سپاه،  
چه دارد به پای<sup>۱۸</sup> اختر کاویان؟  
بدین بودن<sup>۱۹</sup> چه دارد امید؟  
سری پُر ز کینه، دلی پُر گناه<sup>۲۰</sup>  
خداوند پیلان و گوپال<sup>۲۱</sup> و کوس،  
که تا تو همی رزم جویی به رنج

۱-ق (نیزلی، پ، لن، ب) پس از این بیت افزوده اند:

فرورد آرمت من ز کوه بلند  
فرستم بنزدیک افراسیاب

۲-س: ندانی ۳-ف: کار؛ ل (نیز ق، ل، آ): جای؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیزشش دستنویس دیگر) ۴-س: بران ۵-ق: به بیچارگان بر ۶-ف: پیکار چه گونه بود؛ س (نیز لن، لی، پ، لن): پیکار ما را (پ: ما بر) چه بود (س: سود)؛ ل: پیکار برباد بود؛ ل، س (نیز ل، و، ب): که اندیشه ما دگرگونه بود؛ متن = ق (نیز ق، آ) ۷-ل، س، س: بود آنچه؛ ق، ل (نیز ل، آ): بد آنک؛ (ق: آ: بد آنکه؛ ب: بد زآنکه)؛ متن = ف (نیز لن، لی، و، ب) ۸-س: انجمن ۹-ف: آن حاز ۱۰-ف: گفتار اندر آمدن پیران و یسه بنزدیک هومان بکوه هماون پس گودرز و طوس و مناظره کردن او با طوس و گودرز؛ س: آمدن پیران و یسه بکوه هماون از پی ایرانیان؛ س: آمدن پیران بنزدیک هماون بایران (!)؛ متن = آغاز ف ۱۱-س: چون پیش ۱۲-ل، ل، ل: زان ۱۳-ل: قیرگون؛ ل: آبگون؛ متن = ف، س، ق، س، آ ۱۴-س: همی شب ۱۵-ل: کوه شد؛ (ق: شد هوا؛ ل، آ: شد جهان)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزشش دستنویس دیگر) ۱۶-ل (نیز ل، آ): از ایدر؛ ق: زمانی مجنب و مجنبان؛ متن = ف، س، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۷-ق: با ۱۸-ل، س، س: پیا؛ ق: سخن گویم از ۱۹-ف، ل، آ: برین بود؛ متن = ل، س، ق، س، ق، س (نیز لن-ب) ۲۰-ق: کینه خواه ۲۱-ل-ب: کوبال؛ ق، ل، آ، س: کوبال و پیلان

۵۴۰ ز گودرز یان آنکجا مهترند  
تو چون غرم رفتهستی اندر کمر  
گریزان و لشکر پس اندر ددان  
چنین داد پاسخ سرافرازطوس  
پی کین تو افگندی اندر جهان  
بدین ساز و<sup>۶</sup> چندین فریب و دروغ<sup>۷</sup>  
۵۴۵ علف تنگ بود اندر آن<sup>۹</sup> رزمگاه  
کنون آگهی شد به شاه جهان  
بزرگان لشکر شدند<sup>۱۰</sup> انجمن  
چو جنبیدن شاه گردد<sup>۱۱</sup> درست  
۵۵۰ کنون کامدی کار مردان بین  
چو بشنید پیران، ز هر سو<sup>۱۲</sup> سپاه  
بریشان چو راه علف تنگ شد  
چنین گفت هومان به پیران<sup>۱۳</sup> گرد  
یکی رزم<sup>۱۴</sup> سازم کایرانیان<sup>۱۵</sup>  
۵۵۵ بدو گفت پیران<sup>۱۶</sup> که بر ماست باد

۱- ل، س (نیزق، ل، آ): رزمگهت همه؛ ق: بدین رزمگه بشته؛ (ب: دو بره بدان رزمگه)؛ متن = ف، س (نیزق، ل، ب، و، ل، آ): ل این بیت را ندارد ۲- ل، ق، س (نیزق، آ): همی؛ متن = ف، س، ل (نیزق، ب) ۳- ق: ناگهان ۴- س، ل: آرم؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

ز گفستار یاره نداری تو شرم  
بمادا بگیتی چو تو یهنوان  
بدامت نیامه بگفتار نرم  
نزیبید ترا افر خروان

۵- ق: پس از این بیت افزوده است:

به سوگند او را ببنداختی  
ز بهر تو ماند او به توان زمین  
جهانی به کینش برافراختی  
از آن مانند اکنون جهان پر ز کین

۶- ق: سان و؛ س: سالت؛ (و: رای)؛ متن = ف، ل (نیزق، ق، ل، ل، ل، آ، ب) ۷- ل: برین گونه تا چند گویی دروغ ۸- س: (نیزق، ل، ل، آ): نگردد؛ ل: دروغت بر ما نگیرد؛ متن = ف، ق، ل (نیزق، ل، ب)؛ س: بیت های ۵۴۵-۵۴۷ را ندارد ۹- ف: اندرین؛ متن = ل، ق، ل، س ۱۰- س: شوند ۱۱- ل: کردم ۱۲- س: بنامه (!) ۱۳- س: کار ۱۴- س: گاه ۱۵- س: دو ۱۶- ل، س، س: بگرفت بر کوه؛ متن = ف، ق، ل، ل، س، ل، س (نیزق، ل، و، ب) پس از این بیت و ق: پس از بیت سپین افزوده اند (در سلت ها پس و پیش شده اند):

به (س، ق، ل، ق، ل، ل، ب: ز) هر سوز توران (س، ل، ل، س: سواران) بیامد گروه

سپاه انجمن گشت (ل، س، ق، س: کرد) برگرد کوه

ف این بیت را ندارد (و: در اینجا چند بیت افتادگی دارد) ۱۷- ق، س: پیران به هومان ۱۵۵۵ (آ) ۱۸- ل، س: جنگ؛ ق: کازره؛ متن = ف، س، ل ۱۹- س، ق، ل: سازد که ایرانیان؛ متن = ف، ل، س ۲۰- ل: کمر بر ۲۱- س، ق: هومان (← ۵۵۳)؛ متن = ف، ل، ل، ل، س ۲۲- ق: نیوزد



به دست<sup>۱</sup> پیاده بپیچند سر<sup>۲</sup>  
 چو راه علف تنگ شد بر سپاه  
 همه صدصد آید<sup>۳</sup> به زهار ما  
 بریشان کنون جای بخشایش است

شود تیره<sup>۴</sup> دیدار<sup>۵</sup> پرخاشخبر  
 کسی سنگ<sup>۶</sup> خارا ندارد نگاه  
 از آن<sup>۷</sup> پس نجویند<sup>۸</sup> پیگار ما  
 نه هنگام پیگار و آرایش است<sup>۹</sup>

۵۶۰ رسید این<sup>۱۰</sup> سیگالش به گودرز و طوس  
 چنین گفت با طوس گودرز پیر  
 سه روز از بود خوردنی، بیش نیست  
 نه خیمه، نه خرگه<sup>۱۱</sup>، نه بار و بُنه  
 کنون چون شود روی خورشید زرد  
 ۵۶۵ بیاید گزیدن سوارانِ مرد  
 بسان شیخون یکی رزم سخت  
 اگر یک‌بیک تن به کشتن دهیم<sup>۱۲</sup>  
 چنین است فرجام آوردگاه  
 ز گودرز بشنید طوس این سخن  
 ۵۷۰ ز یکسوی لشکر به بیژن سپرد  
 درفشِ خجسته به گشته<sup>۱۳</sup> داد

سر سرکشان خیره<sup>۱۴</sup> گشت<sup>۱۵</sup> از فسوس  
 که ما را کنون جنگ شد ناگزیر  
 به<sup>۱۶</sup> یکسو گشاده رهی بیش نیست  
 چنین چند باشد سپه گرسنه؟  
 پدید آید آن چادر لاژورد<sup>۱۷</sup>،  
 ز بالا شدن سوی دشت نبرد  
 بسازم تا چون بود یار<sup>۱۸</sup> بخت  
 و گَر تاج گزندنکشان<sup>۱۹</sup> برنهم  
 یکی خاک یابد، یکی تاج و گاه<sup>۲۰</sup>  
 سرش بود<sup>۲۱</sup> بُر درد و کین<sup>۲۲</sup> کهن  
 دگر سو<sup>۲۳</sup> به شیدوش و خراد<sup>۲۴</sup> گرد  
 بسی پند و اندرزها کرد یاد

۱- ل: ز جنگ؛ س: (نیز ل، و): زدست؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز ل، ق، ی، ب، ل، ن، آ) ۲- ف بیچنده سر: ل، س: بیچند سر: ق (نیز ل): چوپچند سپر: ل، س: (نیز ل، ق، ی، ب، ل، ن، آ): بیچند سپر؛ متن = (ل، ب، و) ۳- ف، ق، س: (نیز ل، و): خیره: ل: دیده؛ متن = ل، س: (نیز ل، ق، ی، ب، ل، ن، آ) ۴- س: در جنگ؛ در ق پس از این بیت، بست ۵۵۶ آمده است ۵- ل: (نیز ل): کوه؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶- ل، ق: (نیز ل، ی، ل، ب، ل، ن، آ): همه لشکر آید؛ ق: بیایند یک یک؛ و: بیایند یکسر؛ متن = ف، ل، ل، س: ۷- ل، ق، س: ازین؛ متن = ف ۸- ل: بیایند و جویند؛ س: این بیت را ندارد؛ ق: (نیز ل، ی، ب، ل، ن، ب) پس از این بیت افزوده اند:

برآید این کشور از داوری  
 به توران نیارد گذر کرد کس  
 نکوبند ازین پس در مهتری  
 به ایران نمائیم کس شاد بس

۹- س: آرایش است؛ در ق این بیت پس از بیت ۵۵۶ آمده است ۱۰- ل: آن ۱۱- ل: تیره ۱۲- ف: شد؛ متن = ل، س: ۱۳- ل: ز؛ متن = ف، س، ق، ل، س: ۱۴- ل: (نیز ق): نه خورد و نه چیز؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز ل، ل، ب): در س: این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵- ف، س، ق، ل، س: (نیز ل، ب، ب): لاجورد؛ متن = ل: (نیز و، ل، ن، آ) ۱۶- ق: رای؛ س: (نیز آ): کاز؛ ق: روز؛ متن = ف، ل، س، ل: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۷- س: نیم (پاوند ندارد) ۱۸- س: گردنکشی ۱۹- س، ق: چرخ و ماه؛ س: تخت و گاه؛ متن = ف، ل، ل، ل: ۲۰- ل: سرش گشت؛ س: دلش بود؛ ق: دلش گشت؛ متن = ف، س: ۲۱- س: پسر کین و درد؛ ق: پسر خون ز کین؛ س: پردرد کین؛ متن = ف، ل، ل، ل: سرش بُر بُد او خود ز کین ۲۲- ف، ل: زیکسو؛ متن = ل، س، ق، س: (نیز ل، ب) ۲۳- ف: خراد؛ س: رهام؛ ق: (نیز ب): فرهاد؛ متن = ل، ل، ل، س: (نیز ل، ن، آ)؛ س: خراد و شیدوش

## گفتار اندر تاختن طوس و گیو و رهام بر سر ترکان<sup>۱</sup>

خود و گیو و رهام<sup>۲</sup> و چندی سران  
 به سوی سپه‌ارپیران شدند  
 چو دریای خون شد همه رزمگاه  
 ۵۷۵ درفش سپهد به دو نیم شد  
 چو بشنید هومان خروش سپاه  
 بیامد ز لشکر<sup>۳</sup> بسی کشته دید  
 فروریخت از دیده خون بر برش  
 چنین گفت کاید رطلایه نبود؟  
 ۵۸۰ به هر یک ازیشان ز ما سیصدست  
 بجوشید و<sup>۴</sup> گویال‌ها<sup>۵</sup> برکشید  
 نهادند بر یال<sup>۶</sup> گرز گران  
 چو آتش به قلب سپه برزدند<sup>۷</sup>  
 خروشی برآمد بلند از سپاه  
 دل رزمجویان پر از بیم شد  
 نشست از بر تازی‌اسپی سیاه<sup>۸</sup>  
 بسی بی‌هش از رزم برگشته دید  
 یکی بانگ زد تند بر لشکرش  
 شها را ز کین هیچ<sup>۹</sup> مایه نبود؟  
 به آوردگه جای رفتن<sup>۱۰</sup> بدست  
 سپرهای چینی به سر درکشید<sup>۱۱</sup>

۱- ف: گفتار اندر تاختن آوردن طوس و گیو و رهام و پهلوانان ایران بر سر ترکان و گرفتن ترکان ایشان را؛ س: رزم ایرانیان و تورانیان در کوه  
 هماون؛ ق: س: شیبخون کردن ایرانیان بر تورانیان؛ ل: شیبخون کردن گودرز و طوس بر پیران؛ متن = ف ۲- ل: ق (نیز ل، آ، ب):  
 گودرز؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز شش دستویس دیگر) ۳- ف: س: بال؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیز لن، ل، ب) ۴- ق  
 (نیز لن، ل، ب، لن، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

ز هم بردیدند آن قلبگاه  
 چو برق درفشان بدی عکس تیغ  
 بلرزید بر کوه و دشت اهرمن  
 هزیمت شد از بیم آن رزمگاه  
 5 بنفرید بر گردش روزگار  
 ز بس تیغ گردان و تیر سران

۵- درس این بیت پس از بیت ۵۷۳ آمده است ۶- س: چو هومان ز لشکر؛ ل: که از لشکر خود؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و  
 پیش شده است؛ ق (نیز ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

فروماند و گفتم برفش روان  
 که گشتی بر آن خون یکی آسیا  
 ز بس خون که بردشت دید او روان  
 ندارد چنین کار یزدان روا

۷- ل: ایچ ۸- ل (نیز و): خواب و خفتن؛ ق: رفتن اکنون؛ ل، س: بود غافل؛ (ق، ل، آ، خواب و  
 خوردن)؛ متن = ف (نیز لن، ل، ب، لن، ب)؛ س: این بیست را ندارد؛ ق (نیز لن، ل، ب، لن، ب) پس از این بیست  
 افزوده‌اند:

نباید که گیرند ما را زبون  
 چنین رزم هرگز که دارد بیاد  
 کنون نیزه و گرز باید زدن  
 ندانی چه گفتت مرد دیر  
 5 ز جان خیزد اندر جهان ترس و بیم  
 مدارا نگر تا نداری بکار  
 نیاید که خوانند بر ما فون  
 که دشمن ز ما گشت یک رویه شاد  
 همه چشم دشمن به تیر آردن  
 که جان را نگر تا نداری تو بیز (بیز، بویز)  
 دل از بیم وز غم شود بر دو نیم  
 مدارا نه نیکو بود کارزار

۹- ل، ق، ل، س: (نیز لن، ل، ب)؛ هلا تیغ و؛ متن = ف ۱۰- (و، ب، لن، آ، ب: گویال‌ها؛ ق: همه تیغ پیلا؛ را) ۱۱- ق:  
 برکشید

کنون کزا بره برکشد تیغ ماه<sup>۲</sup>،  
بدیشان چه باید<sup>۳</sup> درنگی<sup>۴</sup> بسیج

ز هر سو بریشان بگیرد راه  
رهایی نباید که یابند هیچ

ز<sup>۵</sup> هر سو برفتند گردان ز جای  
سواران ایران چو شیر ژریان  
که گفتی همی<sup>۶</sup> گرز بارد ز میغ  
ستاره نه پیدا، نه تابنده ماه،  
ز تاری به دریای قار اندرند  
ازین مهتران مفگنید ایچ کس<sup>۷</sup>  
نباید که خسته به تیر آورید  
که اکنون به بیچارگی دست بند<sup>۸</sup>،  
سران را ز خون تاج بر سر<sup>۹</sup> نهم<sup>۱۰</sup>  
که شد جان ما بی گمان بر فسوس  
رهاند تن و جان ما بی<sup>۱۱</sup> گزند  
وگر زیر دریای آب<sup>۱۲</sup> اندرم  
چو برخیزد از جای شیر دژم  
خروشیدن زنگ و هندی درای

برآمد خروشیدن گره نای<sup>۵</sup>  
گرفتندشان یکسر<sup>۶</sup> اندر میان  
چنان آتش افروخت از ترگ<sup>۷</sup> و تیغ  
شب تار و<sup>۸</sup> شمشیر و گرد سپاه<sup>۹</sup>  
ز جوشن تو گفتی به بار<sup>۱۰</sup> اندرند  
به لشکر چنیز گفت هومان که بس!  
همه پیش من دستگیر آورید  
چنین گفت لشکر به بانگ بلند  
دهیم<sup>۱۱</sup>، اربه گرز و به ژوپین<sup>۱۲</sup> دهیم<sup>۱۳</sup>،  
چنین گفت با گیو و رهام<sup>۱۴</sup> طوس  
مگر کردگار سپهر بلند  
وگر نه<sup>۱۵</sup> به پر<sup>۱۶</sup> عقاب اندرم  
یکی حمله کردند<sup>۱۷</sup> هر سه بهم  
برآمد ز توران<sup>۱۸</sup> سپه کوس و نای

۵۸۵

۵۹۰

۵۹۵

۱- ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، لی، لن، آ، ب): از، متن = ل (نیز ل، ب) ۲- ق: رهایی نباید که یابد سپاه (= ۵۸۳ آ)؛ ق پس از این بیت افزوده است:

شب تار و شمشیر و گرد سپاه (= ۵۸۷ آ) کنون از بره برکشد تیغ ماه (= ۵۸۲ ب)

۳- ل: بدیشان چه باید؛ س (نیز لن، لی، ب، لن): ازیشان که یابد؛ ق: برایشان چه باید؛ ل: برایشان که یابد؛ س: بدیشان که ماند؛ (ق، ل: برایشان نباید؛ ب: ازیشان که یابد)؛ متن = ف (نیز و آ) ۴- ل-س: (نیز لن-ب): درنگ و؛ متن = ف ۵- ف، ل، س: کرتای؛ متن = ق، ل، س ۶- س، ق (نیز ق، لی، ب، لن، آ، ب): به؛ متن = ف، ل، س (نیز آ) ۷- ف، ل، س: جمله؛ متن = ل، س، ق (نیز لن-ب) ۸- س: گرز ۹- س، ق، ل، س: ه-وا؛ متن = ف، ل ۱۰- ف: [و]؛ متن = ل، س، ل، س (نیز لن-ب) ۱۱- س (نیز ل): سپاه؛ ق این بیت را ندارد ۱۲- ل: خواب؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ل-ب) ۱۳- ل: بیت های ۵۸۹ و ۵۹۰ را ندارد ۱۴- ف، س، ل (نیز لن، ب): چیست بند؛ س: چیست پند؛ (ل: کیست بند)؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، ب، و آ) ۱۵- ل، س، ق (نیز لن، لی، ل، ب، و آ): دهید؛ متن = ف، ل، س (نیز ب) ۱۶- س: خنجر؛ متن = ف، ل، ق، ل، س: زوبین ۱۷- ل، س (نیز لن، ق، لی، ل، ب): دهید؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز و آ، ب) ۱۸- س: بر سرافسر ۱۹- ل، س (نیز لن، ق، لی، ل، ب): نهد؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز و آ، ب) ۲۰- ف، ل، ل، س (نیز و آ، ب): با گیو رهام و؛ ق: با گیو گودرز و؛ (لن: رهام با گیو)؛ متن = س (نیز لن، ل، ب، ب) ۲۱- ل، ق (نیز ق، ب، آ، ب): زین؛ س (نیز لن، لی، ل): از؛ متن = ف، ل، س (نیز و لن) ۲۲- ل: اگر نه ۲۳- ل، ل، ل (نیز و): چنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (آ: جرم)؛ متن = ف، س، ق، س (نیز ق، لی، ل، ب، لن، آ، ب) ۲۴- س: وگر نه بدریای قار (پساوند ندارد) ۲۵- ل، ق (نیز ق، ل، و آ): بردند؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، لی، ب، لن، آ، ب) ۲۶- س (نیز لن، لن، ب): ز بانگ؛ ق: ز قلب؛ (ق، لی، ل، ب، و آ: ز هر دو)؛ متن = ف، ل، س؛ ل این بیت را ندارد

ز تنگی به چشم اندرآمد سینان  
 که نه جای جنگست و راه<sup>۱</sup> گریز  
 که تا بر تن بدگنش<sup>۲</sup> بد رسد

۶۰۰

سَه جنگاور و خوارمایه سپاه<sup>۴</sup>  
 فراوان ز رستم گرفتند<sup>۷</sup> یاد  
 ز شیدوش و از<sup>۱۰</sup> بیژن و گُستهم  
 که باری کسی را از<sup>۱۱</sup> ایران سپاه  
 نه ایدر به پیگار و جنگ آمدیم

۶۰۵

دریغ آن در و گاه شاه جهان  
 همتن به زاولستان<sup>۱۵</sup> است و زال  
 همی آمد آوای<sup>۱۷</sup> گوپال<sup>۱۸</sup> و کوس  
 چنین شیدوش و گُستهم شیر  
 [به بیژن گرازه همی<sup>۲۱</sup> گفت باز  
 هوا قیرگون و زمین<sup>۲۳</sup> آنوس  
 برفتند گردان بر آوای<sup>۲۶</sup> اوی  
 ز گردان نبد نیزه ور یک سوار<sup>۲۸</sup>

۶۱۰

بماندند بمیان آن<sup>۵</sup> رزمگاه<sup>۶</sup>  
 کجا<sup>۸</sup> داد هر جای در جنگ<sup>۱</sup> داد  
 بسی یاد کردند بر بیش و کم  
 بُدی یار ما<sup>۱۲</sup> اندرین رزمگاه  
 که خیره<sup>۱۳</sup> به کام نهنگ آمدیم  
 که گیرند ما را مگر<sup>۱۴</sup> ناگهان  
 شود کار ایران کنون تال و مال<sup>۱۶</sup>  
 به لشکر همی دیر شد گیو و طوس  
 که شد کار<sup>۱۹</sup> پیگار سالار<sup>۲۰</sup> دیر  
 که شد کار سالار لشکر<sup>۲۲</sup> دراز  
 همی آمد از دشت آوای<sup>۲۴</sup> طوس<sup>۲۵</sup>  
 ز خون بود هر جای بر دشت<sup>۲۷</sup> جوی  
 همه<sup>۲۹</sup> گرزور بود و شمشیردار

۱- ف، ق، ل، آ، س (نیزلن، ل، لن، آ): جای (؟)؛ متن = ل، س (نیزق، آ، ل، پ، و، ب) ۲- ف: بینگیخت؛ متن = ل، س (نیزلن-  
 ب) ۳- س: بدگمان ۴- س: سوار ۵- ل: یکسر بدین؛ س: خیره در آن؛ ق: در پیش آن؛ (و، آ): در قلب آن؛ س: بماند چنین  
 اندرین؛ (لن، ل، ب، لن، آ: بمانده میان چنان؛ ق: بماند از بزرگان آن)؛ متن = ف، ل (نیزب) ۶- س: کارزار ۷- س: ز رستم گرفتند  
 بسیار ۸- ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب): که او؛ متن = ل ۹- ل، س، ق (نیزلن، ق، آ، ل، ب): در جنگ هر جای؛ متن = ف،  
 ل، س (نیزلی) ۱۰- ل، س: وز؛ متن = ف ۱۱- ف، ل، آ، س: ز؛ متن = س، ق ۱۲- ل: یارمان؛ ق: یاد ما؛ متن = ف،  
 س، ل، آ، س ۱۳- س: تازان ۱۴- س، ق (نیزل، ق، آ، پ، لن، آ، ب): کنون؛ ل، آ، س (نیزو): بی ماکنون؛ (ل): بر ما همی؛  
 متن = ف ۱۵- س، ق (نیزلن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب): زابلستان؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزلی، و) ۱۶- ق (نیزو): پایمال؛ س: در  
 زوال؛ (ل): بی همال؛ (ق): ایشان کنون پایمال؛ س (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب): شهر ایران کنون بر (پ، لن، آ، ب): پر) و بال؛ ف، ل: کنند این  
 برو بوم بر ما و بال (ل): ما همچو مال؛ متن = ل (نیزآ) ۱۷- ف، س، ق، ل، آ، س: آواز؛ متن = ل ۱۸- (پ-ب):  
 کوپال) ۱۹- س، ل، آ، س: کارو؛ متن = ف، ل ۲۰- ق: که گردان ایران بماندند ۲۱- ق: همین ۲۲- ق: گیتی؛ ف (نیز  
 و) این بیت را ندارند ۲۳- ق: زمین قیرگون و هوا ۲۴- ق: آواز ۲۵- ل، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی-ب): کوس؛ متن = ف (نیز  
 ق)؛ س این بیت را ندارد ۲۶- س، ل، آ، س: به آواز؛ ق: بر آواز؛ متن = ف، ل ۲۷- س: در دشت؛ ل، ق، ل: بر دشت هر جای؛  
 متن = ف، س؛ ل (نیزلن، ق، آ، ل، پ، لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

ز گردان نیوز نیروی جنگ (ق: آوای زنگ؛ لن، ل، پ، لن، آ: همه همگروه ناخستنی به جنگ)

تو گفتی برآمد ز دریا (لن، ق: ز دریا برآمد) نهنگ

ف، س، ق، ل، آ، س (نیزو، ب) این بیت را ندارند ۲۸- ل (نیزق): بدانست هومان که آمد سوار؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن-  
 ب) ۲۹- ل: هوا؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب)

۶۱۵ چو دانست کامد وُرا یار طوس  
سبک شد عینان و گران شد رکیب<sup>۲</sup>  
همی<sup>۳</sup> رزم<sup>۴</sup> جستند تا پاک<sup>۵</sup> روز  
سپه بازخواندند گردان<sup>۶</sup> ز جنگ  
به گردان چُنین گفت سالارطوس  
سُواری چُنین کز شما دیده‌ام  
۶۲۰ چو نامه بنزدیک خسرو رسد  
به یاری بیاید گو پیلتن  
به پیروزی و کام<sup>۱۱</sup> گردیم باز  
سَخُن هر چه<sup>۱۳</sup> رفت آشکار و نهان  
به خوبی و خشنودی شهریار

۶۲۵ چو<sup>۱۶</sup> لشکر به خیمه فرود آمدند  
ظلایه برون آمد از هر دو روی  
چو هومان رسید اندز آوردگاه<sup>۱۹</sup>  
ز پیگار بی‌کام<sup>۱۷</sup> دم برزدند،  
به دشت<sup>۱۸</sup> دلیران پَرخاشجوی  
ز گشته ندید ایچ<sup>۲۰</sup> بر دشت راه

۱- س: مانند ۲- س: رکاب (پساوند ندارد) ۳- ل: بکی ۴- س: جنگ ۵- ل (نیز ق، ل، آ): چاک؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز شش دستویس دیگر) ۶- ل: بازگشتند یکسر؛ (ق): بازگشتند و گردان؛ ل: بازگردید یکسر؛ آ: باز راندند یکسر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز شش دستویس دیگر) ۷- ل (نیز ل، آ): کوه تنگ؛ س، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب): کوه سنگ؛ متن = ف (نیز ق، آ، پ) ۸- ل: مهر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز لن، پ-ب) ۹- ق: ز گردنکشان نیز؛ ل: پس از بیت ۶۱۹ چهار بیت و ف، س<sup>۱</sup> تنها بیت چهارم را افزوده‌اند:

که چشم بدان دور دارد درست  
شما را برون آمدن زان میان  
پس ما بیایند لشکر چودود  
که تا گویدش آشکار و نهان

ز یزدان پاکیزه خواهم نخست  
پناهام بدویست نا جاودان  
امیدم بدویست هر چند زود  
فرستاده‌ام نزد شاه جهان

ل (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) پس از بیت ۶۱۹ افزوده‌اند:

یکی نامه بناید که زی شه کنیم

ز کارش همه جمله (لن، پ، لن، آ): بگویم و از کارش آنگه کنیم

س، ق (نیز لی، ل، آ، و، ب) هیچیک از این بیت‌ها را ندارند ۱۰- س: نامور ۱۱- ل: از رزم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز لن، لی، پ-ب) ۱۲- س: بدیدار گردان گردن فراز ۱۳- ل، س: هرچ ۱۴- ق: یکایک بگویم به ۱۵- ف: برو؛ ل (نیز ق، آ): بیاید بکام شما؛ ق: بیایید یکسر برآز؛ س<sup>۱</sup> (نیز و، آ): گذاریم یکچندگه؛ متن = س، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، ب)؛ ق (نیز پ، لن، آ، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

بگفتند و رفتند برسوی کوه  
بنزد سواران ایران گروه

۱۶- ل، ق (نیز ق، ل، آ، و، آ): دو؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۱۷- ل (نیز ل، آ): یک بار؛ ق: ناکام؛ (ق، آ، لی، و؛ بک باره)؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۱۸- ل: بدشت از؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۱۹- ل: اندر آن رزمگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۲۰- ق: نبد هیچ

به پیران چُنین گفت کامروز گرد      نه بر آرزو<sup>۱</sup> رفت گاه<sup>۲</sup> نبرد  
چو آسوده گردند گردان ما      ستوده<sup>۳</sup> سواران و مردان ما،  
یکی رزم سازم که خورشید و ماه      ندیده‌ست<sup>۴</sup> هرگز چُنان رزمگاه

گفتار اندر آگاهی یافتن شاه کیخسرو از شکستن لشکر<sup>۵</sup>

و زان<sup>۶</sup> پس که آمد به خسرو خبر  
- سپهبد به کوه هماون کشید  
در کاخ گودرز گشوادگان  
ستاره بریشان<sup>۸</sup> بنالدهمی  
ازیشان جهان پُر ز خاکست و خون      ۶۳۵  
بفرمود تا رستم پیل تن  
برفتند از<sup>۱۲</sup> ایران همه بخردان  
سر نامداران زبان برگشاد  
به رستم چُنین گفت کای سرفراز  
همی سر گراید<sup>۱۴</sup> به سوی نشیب      ۶۴۰  
توی<sup>۱۶</sup> پروراندهی تاج و تخت  
دل چرخ در نوک شمشیر تُست  
بکندی<sup>۱۹</sup> دل و مغز دیو سپید  
زَمین گرد رخس ترا چاگرست<sup>۲۰</sup>

که پیران شد از رزم پیروزگر،  
ز لشکر بسی گرد شد ناپدید،  
تهی شد ز گردان و آزادگان،  
به پالیز گلبن بنالدهمی،  
بلند اختر طوس گشته نگون-  
خرامد به درگاه و آن<sup>۱۱</sup> انجمن  
جهان‌نیده و نامور موبدان  
ز پیگار لشکر بسی<sup>۱۳</sup> کرد یاد  
بترسم که این دولت دیر یاز،  
دلم شد ز کردار<sup>۱۵</sup> او پُر نهب  
فروع از تو گیرد جهاندار<sup>۱۷</sup> بخت  
سپهر و زمین و زمان<sup>۱۸</sup> زیر تُست  
زمانه به مهر تو دارد امید  
زمان بر تو بر<sup>۲۱</sup> مهربان مادرست

۱- ل: آرزوی      ۲- ل: گشت کار؛ س: گشت کرد؛ ق (نیز لن، ق، پ، ل، آ): گشت گاه؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز و)      ۳- ق: نبرده  
۴- ق: نبینند؛ بنداری (۵۳۲-۶۳۰): فوصل بیران فی جمع عا کره عند غروب الشمس فنزلوا امام الجبل حتی أصبحوا. ففرق بیران العا کره، و کلهم بحفظ الطرق علیهم، و سد السالک الیهیم. فأحدقوا بذلك الجبل، و قطعوا عنهم المادّة و المیرة. و كانوا یزلون و یقاتلون العدو، و الحرب بینهم سجال      ۵- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن شاه کیخسرو از طوس و گودرز و گودرز (!) و لشکر ایران و گریختن ایشان به کوه هماون؛ ل: خبر یافتن شاه کیخسرو از شکستن لشکر؛ س: خبر یافتن کیخسرو از حال ایرانیان و فرستادن رستم بید ایشان؛ ق: آگاهی یافتن کیخسرو از شکسته شدن طوس و لشکر؛ س: خبر یافتن کیخسرو از حال ایرانیان و فرستادن رستم بید ایشان؛ متن = ف، ل      ۶- ل: از آن      ۷- ل، س، آ، (نیز ل، و، آ، ل): چو؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، لی، پ، لن، ب)      ۸- ل: بدیشان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س      ۹- ل: بنالد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: سالد (نقطه ندارد)؛ متن = ف، ق، ل، آ، س      ۱۰- ف (نیز لن، آ، ب): بنالد؛ س: بنالده (نقطه ندارد)؛ ل: بنالد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (لی، ل: بیالده)؛ ق: کینه بیالده؛ (ق: بلبل بنالده)؛ ل: بیالیشان خون سالد (واژه پسین نقطه ندارد)؛ متن = س (نیز پ، لن)      ۱۱- ف: [و] آن؛ ل- س (نیز لن، ق، لی، ل، و، آ، ب): [و] با؛ متن = ل (نیز پ، لن)      ۱۲- ل: ز      ۱۳- س، ق، س: همی؛ متن = ف، ل، ل      ۱۴- ل (نیز ق، آ): برگراید؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر)      ۱۵- ف: کردان؛ (ب: پیکار)؛ متن = ل- س (نیز لن- آ)      ۱۶- س، ق، س: تویی؛ ل: توای؛ متن = ف، ل      ۱۷- ل: جهاندار و      ۱۸- ل، س: زمان و زمین؛ متن = ف، ق، ل، آ، س      ۱۹- ل: تو کندی؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س      ۲۰- ل: یاورست      ۲۱- ل- س (نیز لن- پ، ل، آ، ب: چون) (آنخت برداشته و آنرا به چون تصحیح کرده است)؛ متن = ف

<p>ز گرز تو ناهید گریان<sup>۲</sup> شود          به روز بلا گردد از جنگ سیر          به ایران نکرد ایچ دشمن<sup>۵</sup> نگاه          فراوان ازین مرز گنداوران،          گریزان ز گردان<sup>۶</sup> افراسیاب          شده خاک، بستر ز<sup>۸</sup> دشت نبرد          به کوه هماون همه<sup>۹</sup> خسته‌اند          سوی کردگار مکان و زمان،          به نیروی یزدان و فرمان من          بسی از جگر خون برافشاندم<sup>۱۲</sup>          مگر<sup>۱۳</sup> پیش یزدان<sup>۱۴</sup> فریادرس          دلم زین سخن پُر ز تیمار<sup>۱۶</sup> گشت          که روشن‌روان بادی و تندرست!          تن زال دور از بد بدگمان!          ز اسپ و سیلیح<sup>۱۸</sup> و ز گنج و سپاه          نشاید گرفتن چنین<sup>۲۱</sup> کار سست</p> <p>که بی تو مبادا نگین<sup>۲۲</sup> و کلاه          ندارد چو تو شاه گردون به یاد          کلاه بزرگی به سر برنهاد<sup>۲۳</sup>،          به آرام یک روز ننشسته‌ام</p>	<p>۶۴۵ ز تیغ تو خورشید بریان<sup>۱</sup> شود          ز پَر و ز<sup>۳</sup> پیکان<sup>۴</sup> کَلِکِ تو شیر          تو تا برنهادی به مردی کلاه          کنون طوس و گودرز و گیو<sup>۷</sup> و سران          همه دل پُر از خون و دیده پُر آب          ۶۵۰ فراوان ز گودرزبان کُشته مرد          هر آنکس کز ایشان به جان رسته‌اند          همه سر نهاده سوی آسمان          که ایدر بیاید مگر<sup>۱۱</sup> پیلتن          شب تیره کین نامه برخواندم<sup>۱۱</sup>          ۶۵۵ نگفتم سه روز این سخن را به کس          کنون کار از<sup>۱۵</sup> اندازه اندرگذشت          امید سپاه و سپهد به تُست          سرت سبز باد و دلت شادمان!          ز من هر چه<sup>۱۷</sup> باید فزونی بخواه          ۶۶۰ برو با دلی<sup>۱۹</sup> شاد و رای<sup>۲۰</sup> درست</p> <p>به پاسخ چنین گفت رستم به شاه          که با قر و برزی و با رای و داد          شنیده‌ست خسرو که تا کیقباد          به ایران به کین من کمر بسته‌ام</p>
--	---

۱-س: گریان ۲-س: بریان ۳-ل، س: ز نیروی؛ ل: ز برزوز؛ (لی: ز تیروز؛ پ: ز گرزوز)؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، ل، آ، ب)  
 ۴-س: پیکان و ۵-ل: نکرد ایچ دشمن به ایران؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۶-ل: گیو و گودرز و طوس؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۷-ل: ترکان؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۸-ل، س، ق، ل: (نیز ق، لی، و، ب): بدشت؛ س: (نیز لن، ل، پ، لن، آ):  
 بروز؛ متن = ف ۹-س، ق: جگر؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۰-ل، س، ق، ل: (نیز ق، لی، و، گ): گو؛ متن = ف، ل، س: (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۱۱-س (نیز ق، ل، ل): برخوانده‌ام؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب) ۱۲-س: جوش بنشانده‌ام؛ ل، س: (نیز ق): خون دل راندم؛ (لن، پ، ب: جوش بنشاندم؛ ل: خون برافشانده‌ام)؛ متن = ل، ق (نیزی، و، آ)؛ ف (نیز لن) این بیت را  
 ندارند ۱۳-س: بجز ۱۴-ل: دادار؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز لن-و، آ، ب)؛ ف (نیز لن) این بیت را ندارند ۱۵-ل:  
 ز ۱۶-ق: اندوه ۱۷-ل، س: هرچ ۱۸-س: سلاح ۱۹-ف: دل؛ متن = ل-س: (نیز لن-لن، ب) ۲۰-ف، ل:  
 رای؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز لن-لن، ب) ۲۱-ل، ل، س: (نیزی، ل، و، آ): گرفت این چنین؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ، ب)؛ ق در اینجا سرنویس دارد: پاسخ دادن رستم شاه را و خلعت دادن کیخسرو او را ۲۲-ف (نیز لن، پ، لن، آ، ب): سپهر (؟)؛ (آ):  
 سریر)؛ متن = ل-س: (نیز ق، لی، و، ل، و) ۲۳-ف پس از این بیت افزوده است:

ز جان آفرین بر تو باد آفرین که از تُست نازنده تاج و نگین

<p>چه جادو و چه<sup>۲</sup> آژدهای دلیر، شب تیره و گرزهای گران، گزیدن در رنج بر جای ناز، که روزی ز<sup>۸</sup> شادی نپرسیده‌ام میان بسته‌ام چون تو<sup>۱۰</sup> فرمان دهی رخ بدسیگلان او<sup>۱۱</sup> زرد باد! ببندم برین کین ایرانیان<sup>۱۳</sup> کمر بر میان سوگ را بسته‌ام به رخ برنهاد از دو دیده دو جوی نه اورنگ و<sup>۱۸</sup> تاج و نه گرز گران<sup>۱۹</sup> سر تاجداران به بند تو باد!<sup>۲۱</sup></p>	<p>بیابان و تاریکی و پیل<sup>۱</sup> و شیر بزرگان<sup>۳</sup> توران و مازندران همان<sup>۴</sup> تشنگی‌ها و<sup>۵</sup> راه دراز چنین<sup>۶</sup> رنج<sup>۷</sup> و سختی بسی دیده‌ام تو شاه جهان هستی و من<sup>۹</sup> رهی از آن گشتگان شاه بی‌درد باد! شوم با سپاهی<sup>۱۲</sup>، کمر بر میان به<sup>۱۴</sup> گودزیان<sup>۱۵</sup> خود جگرخسته‌ام چو بشنید کیخسرو آواز<sup>۱۶</sup> اوی بدو گفت: بی تو نخواهم جهان<sup>۱۷</sup> فلک زیر ختم<sup>۲۰</sup> کمند تو باد!</p>
<p>کلاه و کمند و کمان و کمر<sup>۲۳</sup> سر بدره‌های درم بدرید<sup>۲۴</sup> چنین گفت کای نامبردار<sup>۲۵</sup> گرد</p>	<p>ز دینار و ز گنج و تاج و گهر<sup>۲۲</sup> بیاورد گنجور خسرو کلید همه شاه ایران به رستم سپرد</p>

۱- ل (نیزلی): دیو؛ (و: پیر)؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲- ل: جادو چه از؛ س، ق (نیز ب): جادوزن و؛ متن = ف، ل، ا، س (نیز لن-آ) ۳- ل: همان رزم؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، س (نیز لن-ب) ۴- ل (نیز ل): هم از؛ س: همه؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز هشت دستنویس دیگر) ۵- ف، س، ق، س (نیز لن، ل، پ، ل، ا، آ): بستگی‌ها و (؟)؛ ل (نیز ل): تشنگی هم ز؛ ل: مشکها و (!)؛ متن = (ق، ا، و ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بسی بودن از رزم بی خواب و خورد به گردون برآورده گرد نبرد

۶- س: جز این ۷- ل: درد ۸- ف (نیز آ): به؛ متن = ل-س (نیز لن، ل-ل، لن، ب) ۹- ل (نیز ق): نوآیین و من چون؛ ل، س: جهانی و من چون؛ (لی: جهاننداری و من؛ ل، آ، نوآیینی و من)؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، پ، لن، ب) ۱۰- س، ق، ل (نیز لن، ل، و ب): تاج؛ س: بر آن دل نهاده که؛ (ق: میان بسته دارم چو؛ پ: میان بسته تا خود چه)؛ متن = ف، ل ۱۱- ق: تو؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲- س، ق: سپید؛ ل: سپهری (!)؛ متن = ف، ل، س ۱۳- ل: بگردانم این بد ز ایرانیان؛ ق (نیز لی): ببندم بر کین تورانیان؛ متن = ف، س، ل، ا، س (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ در ل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۴- ل، ق، س (نیز لن-آ): ز؛ متن = ف، ل (نیز ب) ۱۵- س: از این درد من ۱۶- س: چو بشنید آواز و آن ۱۷- ف-س (نیز لن، ق، ل، پ، و لن، ب): زمان؛ متن = (ل، آ، لغت‌داری، ص ۱۶۰) ۱۸- ف، ل، ل: [و] (!)؛ متن = س، ق، س (نیز لن-ب) ۱۹- ل (نیز ب): گرز و کمان؛ س (نیز ل، آ): تخت مهان؛ (ق: تخت گوان؛ لی: گرز سران؛ و: تیر و کمان)؛ متن = ف، ق، ل، ا، س (نیز لن، ل، ب)؛ (لغت‌فرس، ص ۱۰۶)؛ نه اورنگ و نه تاج و گرز گران؛ لغت‌داری: نه اورنگ نه گنج و تاج شهان) ۲۰- ف: زخم؛ متن = ل-س (نیز لن-ب) ۲۱- در ف بجای این لت، ۶۷۱ ب و پس از آن بیت ۶۷۲ دوباره آمده است، ولی ضبط درست ۶۷۵ ب را نیز در میان ستون‌ها افزوده است؛ در ق پس از بیت ۶۷۵، بیت ۶۷۹ آمده است ۲۲- س (نیز ل، و): کمر؛ ل: گنج سیم و گهر؛ س: ز دینار گنج و ز زر؛ ق (نیز لن، ل، ا، س): ز دینار و (ق: [و]) گنج و ز تاج و گهر؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، پ) ۲۳- ل، ا، س (نیز ق): سپر؛ (و: سنان و سپر)؛ ل (نیز لن، ل، ا، س): کمان و کمند و کمر (ل: سپر)؛ ق: کمند و کمان و کلاه و کمر؛ (پ: کمان و کمند و کلاه و کمر)؛ متن = ف، س (نیز لی، ل، ا، س) ۲۴- ق این بیت را ندارد ۲۵- ل: نامبردار و



جهان گنج و ، گنجور شمشیر تُست  
 ۶۸۰ تو با گرزداران زاولستان<sup>۱</sup>  
 همی رو بکردار باد دمان  
 ز گردان شمشیرزن صد هزار<sup>۲</sup>  
 فریبرز کاوس را ده سپاه<sup>۳</sup>  
 تهمتن زمین را بیوسید و گفت  
 ۶۸۵ سران را<sup>۴</sup> سر اندر شتاب آورم<sup>۵</sup>  
 سر سروران جهان زیر تُست  
 دلیران و گردان<sup>۶</sup> کاولستان<sup>۷</sup>،  
 مجوی و مفرمای جستن زمان  
 ز لشکر بره<sup>۸</sup> ازدر کارزار  
 که او پیشرو باشد<sup>۹</sup> و کینه خواه  
 که با من عنان و رکیب است<sup>۱۰</sup> جفت  
 مبادا که آرام و خواب آورم<sup>۱۱</sup>

سپه را درم دادن آغاز کرد  
 فریبرز را گفت: برکش پگاه<sup>۱۱</sup>  
 نباید<sup>۱۳</sup> که روز و شبان بغنوی<sup>۱۴</sup>  
 بگویی<sup>۱۵</sup> که در جنگ تندی مکن  
 ۶۹۰ من اینک بکردار باد دمان  
 چو گرگین میلاد کارآزمای  
 چو خورشید تابنده بنمود چهر  
 برآمد خروشیدن گره نای<sup>۲۰</sup>  
 پُر اندیشه جان جهاندار<sup>۲۲</sup> شاه  
 ۶۹۵ دو منزل همی کرد رستم<sup>۲۳</sup> یکی  
 به دشت آمد و رزم را ساز کرد  
 سپاه اندر آور به پیش<sup>۱۲</sup> سپاه  
 مگر نزد طوس سپهبد شوی  
 فریب و زمان جوی<sup>۱۶</sup> و گندی مکن  
 بیایم، نجوم به ره بر<sup>۱۷</sup> زمان  
 سپه را زند بر بدونیک رای<sup>۱۸</sup>  
 بسان تنی با دلی<sup>۱۹</sup> پُر ز مهر،  
 تهمتن بیاورد<sup>۲۱</sup> لشکر ز جای  
 دو فرسنگ با او بیامد به راه  
 نیاسود روز و شبان اندکی

### گفتار اندر خواب دیدن طوس نوذر سیاوخش را<sup>۲۴</sup>

۱- ق (نیزلن، ق، ل، آ، پ، لن، آ، ب): زابلستان؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیزو) ۲- ل: شیران ۳- ف، ل، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، آ، پ، و، آ، ب): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است: س این بیت را ندارد ۴- ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، ل، آ، پ، و، ب): سی هزار؛ متن = ف، س (نیزق، آ)؛ بنداری: مائة ألف ۵- ف (نیزل، آ): ببرد؛ ل: بیار؛ س، ق (نیزلن، ل، پ، لن، آ، ب): گزین؛ ل: برد؛ (آ): گزین کن همه؛ متن = س (نیزق، آ، و) ۶- ف: با سپاه؛ ل، آ، س: گفت شاه؛ متن = ل، س، ق (نیزلن-ب) ۷- ف، ل، آ: باید؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۸- س: رکابست؛ س: رکاب و عنانست؛ ق، ق: رکیب و عنانست؛ متن = ف، ل ۹- س: سراسر؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س (نیزلن-ب) ۱۰- ل، ل، ل، آ، س (نیزل، آ، و، آ): آورم؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، ق، ل، ل، ب، لن، آ، ب) ۱۱- ق: بره؛ ل: سپاه ۱۲- ق: پشت ۱۳- ل: بیاید ۱۴- ل: بغنوی (= بغنوی) ۱۵- ق: بگوش ۱۶- ف-ق (نیزلن، ل، پ، لن، آ، ب): فریب زمان جوی (؟)؛ ل: فریب و زمانست؛ متن = س (نیزق، آ، و، آ) ۱۷- ل، آ، س: بره بر نجوم ۱۸- ق این بیت را ندارد ۱۹- س: دلی با تنی ۲۰- ل، ل، س: کرتنای؛ متن = ق، ل، آ، س ۲۱- ق: در آورد؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیزلن-ب)؛ ف این بیت را ندارد ۲۲- س: سپهبد ز؛ ق: سپهدار؛ متن = ف، ل، ل، آ، س ۲۳- س: رخشم ۲۴- ف: گفتار اندر خواب دیدن طوس نوذر سیاوش را و دلخوشی دادن او را و مژده دادن بآمدن رستم و فریبرز و لشکر؛ س: خواب دیدن طوس و مژده دادن بفیروزی؛ ق: گفتار در خواب دیدن طوس سیاوخش را؛ ل: اندر خواب دیدن طوس و آمدن رستم بحد ایرانیان؛ س: بخواب دیدن طوس سیاوش؛ متن = آغاز ف

شبی داغ‌دل پُر ز تیمارِ طوس  
چُنان<sup>۱</sup> دید روشن‌روانش به خواب  
بر شمع رخشان یکی تختِ عاج  
لبان پُر ز خنده، زبان چرب‌گوی  
که ایرانیان را هم ایدر بدار  
به<sup>۴</sup> گودرزیان هیچ غمگین مشو  
به زیر گل اندر همی می خورم  
۷۰۰

ز خواب اندرآمد، شده شاددل  
به گودرز گفت: ای جهان‌پهلوان  
نگه کن که رستم چو باد دمان  
بفرمود تا برکشیدند<sup>۹</sup> نای  
ببستند گردان ایران میان  
بیاورد از آن<sup>۱۱</sup> روی پیران<sup>۱۲</sup> سپاه  
از آوای<sup>۱۳</sup> گردان و باران تیر  
دو لشکر به روی اندرآورده<sup>۱۵</sup> روی  
چنین گفت هومان به پیران که جنگ  
نه<sup>۱۸</sup> لشکر به دشت شکار اندرست<sup>۱۹</sup>  
بدو گفت پیران که تیزی<sup>۲۱</sup> مکن  
۷۰۵

ز درد و غمان گشته آزاد دل  
یکی خواب دیدم به روشن‌روان  
بیاید به یاری<sup>۷</sup> زمان تا زمان<sup>۸</sup>  
بجینید بر کوه لشکر ز جای  
برافراختند اختر کاویان<sup>۱۰</sup>  
شد از گرد خورشید تابان سیاه  
همی چشم خورشید شد خیرخبر<sup>۱۴</sup>  
ز گردان نشد پیش کس جنگ‌جوی<sup>۱۶</sup>  
همی جست باید، چه داری<sup>۱۷</sup> درنگ؟  
تن اسپ یا<sup>۲۰</sup> زیر بار اندرست<sup>۱۹</sup>  
نه گاه<sup>۲۲</sup> شتابست و روز<sup>۲۳</sup> سخن

۱-س: چنین ۲-ف، س، ل: (نیزی): کرد آن؛ (پ: کردش)؛ متن = ل، ق، س: (نیزهفت دستنویس دیگر) ۳- (ق:، و: باشی تو در)؛ ل: که پیروزگر باشی از: متن = ف، س، ق، ل، آ: س: (نیزهفت دستنویس دیگر) ۴- (لن-آ: ز)؛ متن = ف-س: (نیز ب) ۵- ل، آ: س: گلستانیم؛ متن = ف-ق (نیز لن-ب)؛ بنداری: ولا تهم بمقتل الجودرزین فان هاهنا حقیقة ورد ۶- ل: چه دانیم کین؛ (لن، پ، ل: ن: ندانیم کین؛ ل: ندانم که این)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ: س: (نیزق، ل، و، آ، ب) ۷- ل، س: (نیز لن-پ، لن، آ، ب): بیاید بر ما؛ س: بیاری بیاید؛ (و: بر ما بیاید)؛ متن = ف، ل، آ: ق: بیاید نجوید بره بر زمان؛ بنداری: لا أشک أن رستم یلحقنا ۹- س: بر میدند؛ (لن، پ، ل: ن: در میدند)؛ متن = ف-ل: (نیزشش دستنویس دیگر) ۱۰- ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فرکب الفرسان وتأهبوا للحرب ورفعوا علم الدرفش المیمون ۱۱- ل: زان ۱۲- س: ایران ۱۳- ل-س: آواز؛ متن = ف ۱۴- ل، ق: خیره خیر؛ متن = ف، س، ل، آ: س: ۱۵- ق، ل، آ: س: آورد؛ متن = ف، ل، س ۱۶- ل: کس جنگجوی؛ ل (نیز ق، آ، پ): هیچ کس جنگجوی: (لن، ل، آ، و، لن، آ: پیش یک جنگجوی (آ: رزجوی))؛ ف: ز گردان تنی چند شد کینه جوی؛ متن = س، ق، س: (نیزی، ب)؛ بنداری: ولم یتقدم أحد من الطائفتین لمبارزة ولا محاربة ۱۷- ل (نیز لن، ل، پ، و، لن): جویی؛ س (نیزق، ل، آ، آ): سازی؛ متن = ف، ق، ل، آ: س: (نیز ب) ۱۸- س: که ۱۹- ل: اندرند ۲۰- ل: که اسبان ما؛ س (نیزی، ل، و، آ): تن واسب ما؛ ق، س: تن اسب و ما؛ ل: (نیز ب): تن اسب ما؛ (لن: تن بارگی؛ ق: تن اسبها؛ پ، لن: تن ما همی)؛ متن = ف: یا → گر ۲۱- ل، ل، آ: س: تندی؛ متن = ف، س، ق ۲۲- ل، س، ق: روز؛ ل: کار؛ متن = ف، س: ۲۳- ل، س، ق: گاه؛ متن = ف، ل، آ: س:

سہ تن دوش با خوارمایہ سپاہ ۷۱۵ چو شیران ناهار <sup>۲</sup> و ما چون رمہ همہ دشت چون <sup>۵</sup> جوی خون یافتم <sup>۶</sup> یکی کوه دارند خارا و خشک مان تا بر آن سنگ بریان <sup>۱۱</sup> شوند گشاده نباید کہ دارید <sup>۱۲</sup> راہ چو بی رنج دشمن بہ چنگ آیدت چرا جست بایدہمی کارزار؟ بیاشیم تا دشمن از آب و نان مگر خاک <sup>۱۶</sup> گر <sup>۱۷</sup> سنگ خارا خوردند	برفتند بیگاہ ازین <sup>۱</sup> رزمگاہ کہ <sup>۳</sup> از کوهسار اندرآرد <sup>۴</sup> دمہ سر نامداران نگون <sup>۷</sup> یافتم <sup>۶</sup> ہمی خار <sup>۸</sup> بویند ایشان چو <sup>۹</sup> مُشک چو بیچارہ کردند گریان <sup>۱۱</sup> شوند دو رویہ پس و پیش این <sup>۱۳</sup> رزمگاہ بہ روزی کجا خود درنگ <sup>۱۴</sup> آیدت، طلایہ برین دشت بس دہ <sup>۱۵</sup> سوار شود تنگ و زہار خواهد بہ جان چو روزی برآید <sup>۱۸</sup> خوردند و مَرند
سوی خیمہ رفتند از آن <sup>۱۹</sup> رزمگاہ ۷۲۵ گشادند گردان سراسر کمر بہ لشکرگہ آمد سپہدارطوس بہ گودرز گفت: این سَخُن تیرہ <sup>۲۱</sup> گشت ہمہ گیرد بر گیرد ما لشکرست سپہ را خورش بس <sup>۲۵</sup> فراوان نماند	طلایہ بیامد بہ پیش سپاہ بہ خواب <sup>۲۰</sup> و بہ خوردن نہادند سر پُر از خون دل و روی چون سندروس سر بختِ ایرانیان <sup>۲۲</sup> خیرہ <sup>۲۳</sup> گشت خور بارگی خار گر خاورست <sup>۲۴</sup> جزاز گرز و شمشیرِ درمان <sup>۲۶</sup> نماند

۱- ل: زین؛ در س پس از این بیت، بیت ۷۱۸ آمده است؛ ل: بیت‌های ۷۱۴-۷۱۶ را ندارد ۲- ل (نیز ق، و): جنگی؛ (ل: آھا ھا ناهار؛ ل: تاھاد-ناھار)؛ متن = ف، س، ق، س، آ (ب) ۳- ق: گر ۴- ل: س، ق، س، آ (ب): اندرآید؛ (ق: اندرآمد)؛ متن = ف (نیز لن) ۵- ل: س، ق (نیز ق، ل، و، آ): پر: متن = ف، س، آ (نیز لن، ب، ل: ب) ۶- ل: یافتم ۷- ق: زیون ۸- ق (نیز لن، ق، ل، و): خاک؛ متن = ف، ل، س، آ (ب) ۹- لن، ق (نیز لن، ق، ل، و، ل: ب): اسپان چو (جوشان چو)؛ س: بر جای؛ (آ: آسان چو؛ ب: برسان)؛ متن = ف، ل، س، آ (ب) ۱۰- ل (نیز ق): بیجان؛ س: گریان (پساوند ندارد)؛ متن = ف، ق، ل، س، آ (نیز لن، ل، ب: ب) ۱۱- ل (نیز ق): بیجان؛ متن = ف، س، ق، ل، س، آ (نیز لن، ل، ب: ب)؛ در س این بیت پس از بیت ۷۱۴ آمده است ۱۲- ف: دارند (نقطہ ندارد)؛ س: (نیز لن، ق، ب، ل: آ): دارند؛ متن = س، ق، ل (نیز ل، ب) ۱۳- ل: ازین؛ بنداری (۷۱۸-۷۱۹): فإنا قد سدنا علیہم الطرق، و منعنا عنہم المیرة. و عن قليل یضطرون الی النزول الینا، ویتأسرون لنا ۱۴- ل: چوبشتابیش کار تنگ؛ س، ل، س، آ (نیز ل، و، ب): بروزی کہ (س: بہ) جای (و، ب: جای) درنگ؛ ق: بجایی کہ روزی درنگ؛ (ق، ل، آ: بروزی (ل: بزودی) کجایی درنگ)؛ متن = ف، س، ل، س، آ (نیز ل، ب، ل، س، آ، ب): خار؛ متن = ف، ل، س، ل، س، آ (نیز ل، و) ۱۷- ف، س، ق، س، آ: یسا؛ ل: بسا؛ متن = ل ۱۸- ل (نیز ل، ب، ل: س): سرآید؛ (ل: برآمد)؛ متن = ف، س، ق، ل، س، آ (نیز ل، و، آ) ۱۹- ل: زان ۲۰- ل: خوان؛ متن = ف، س، ق، ل، س، آ (نیز لن-ب) ۲۱- ل، س، آ: خیرہ ۲۲- ل: سر و مغز ایرانیان؛ س: سر نامداران همہ؛ متن = ف، ق، ل، س، آ (نیز لن-ب) ۲۳- ل، ل، س، آ: تیرہ (ل: پساوند ندارد) ۲۴- ف، س، ق، ل، س، آ (نیز لن، ق، ل، ب، ل: آ، ب): خور بارکش مان (ل: بارگی شان؛ ق: بارگیران؛ ب: بارگی مان) همہ خاورست؛ (ل: کون گاو ما زیر جرم اندرست؛ و: خور و بارکش زیر ما خاورست)؛ متن = ل ۲۵- ل: بر؛ ق: ہم؛ متن = ف، س، ل، س، آ (نیز لن-ب) ۲۶- ف: داران (حرف یکم نقطہ ندارد)؛ (ل، ب، ل: ب: خورمان)؛ متن = ل-س، آ (نیز ق، ل، و، آ)

- ۷۳۰ به شبگیر شمشیرها برکشیم  
اگر اختر نیک یاری دهد  
ور ایدون کجا داور آسمان  
ز بخش جهان آفرین بیش و کم  
مرا مرگ خوشتر به نام بلند
- همه دامن کوه لشکر کشیم  
بریشان مرا کامگاری دهد  
به شمشیر بر ما سرآرد زمان،  
نباشد، میماید بر خیره دم!<sup>۱</sup>  
ازین زیستن با هراس و گزند
- ۷۳۵ برین برنهادند یکسر سخن  
چو خورشید برزد ز خرچنگ چنگ  
به پیران فرستاده آمد ز شاه  
سپاهی که دریای چین را ز گرد  
نخستین سپهدار خاقان چین  
۷۴۰ یکی مهتر از ماورالنهر<sup>۲</sup> در<sup>۳</sup>  
تنش زور دارد به<sup>۴</sup> صد نره شیر  
به بالا چو<sup>۵</sup> سرو و به دیدار ماه  
سر سرفرازان و<sup>۶</sup> کاموس نام  
ز مرز سیجانب<sup>۷</sup> تا دشت<sup>۸</sup> روم
- که سالار نیک اختر افگند بُن  
بدرید پیراهن مُشک رنگ،  
که آمد ز هر جای بی مر سپاه  
کند چون بیابان به روز نبرد<sup>۹</sup>  
که تاجش سپهرست و تختش<sup>۱۰</sup> زمین  
که بگذارد از چرخ گردنده سر  
سر زنده پیل اندرآرد به زیر  
جهان گیر و نازان<sup>۱۱</sup> بدو تاج<sup>۱۲</sup> و گاه  
برآرد ز گودرز و از<sup>۱۳</sup> طوس<sup>۱۴</sup> کام<sup>۱۵</sup>  
سپاهی که بردارد<sup>۱۶</sup> آبادبوم

۱-س: سزد گر نباشی دژم؛ ق در اینجا سرنویس دارد: آگهی فرستادن افراسیاب به پیران به رسیدن لشکرها ۲-ل، س؛ س این بیت را ندولوند ۳-ل، ق، س؛ س (نیزق، ل، و، آ): که تختش (ل: بختش) همی برنسابد؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، لی، لن، ب)؛ بنداری: منم خاقان ملک الصین فی عاکر لا تقلهم الأرض ۴-س؛ س (نیزل، آ): ماورالنهر ۵-ل (نیزل، ل، آ): بر؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ (نیزق، لی، ب)؛ و: ماوراء النهر؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۶-ل: چو؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ (نیزلن-ب)؛ در ل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۷-ل، س؛ س: بیالای ۸-ف: تازان (!)؛ ل: یاران (!) ۹-ق: تخت (حرف یکم نقطه ندارد) ۱۰-ل: [و] ۱۱-ف-ل: وز؛ متن = س؛ ۱۲-ق: زطوس وز گودرز ۱۳-ل: نام؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ س (نیزلن-ب)؛ بنداری (۷۴۰-۷۴۳): و منم بهلوان من اهل ماوراءالنهریسی کاموس الکشانی. و هو فارس ماتمخضت أم الشجاعة بئله ۱۴-ف: سنجاب (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل: سنجاب (حرف دوم نقطه ندارد)؛ س: سجاب (حرف های دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ق، ل؛ (نیزلن، ق، ل، لی، ل)؛ سنجاب؛ س؛ (نیزب-ب): سنجاب؛ متن = بنداری: اسفنجاب ۱۵-س، ل، س؛ س (نیزق، ل، و، ب): مرز؛ (آ: حد)؛ متن = ف، ل، ق (نیزلن، لی، ل، ب، لن)؛ بنداری: و حکمی أن افراسیاب ما ترک من باب اسفنجاب الی حدودالروم فارسا إلا أتى به ۱۶-ل، ق، ل، س؛ س (نیزلن-ب): که بود اندر؛ س: که بودند از؛ متن = ف؛ ل پس از بیت ۷۴۴ افزوده است:

فرسنادم اینک سوی کارزار

برآرند از طوس و خسرو دمار

س، ل، س؛ س (نیزلن-ب) پس از بیت ۷۴۴ و ل پس از بیت ۷۵۷ افزوده اند (۷۳۹):

نخست اندرآیم (لن: آمد؛ پ، لن: آید) ز خاقان چین

که تختش همی برنسابد (ل، س، ق، ل، آ، و، آ: که تاجش سپهرست و تختش) زمین

ف، ق هیچک از این بیت ها را ندارند

۷۴۵ چو منشور<sup>۱</sup> جنگی که با تیغ اوی<sup>۲</sup> به خاک اندرآید سرِ جنگجوی<sup>۳</sup>

گشانی<sup>۴</sup> چو کاموس شمشیرزن همه کارهای شِگرف آورد  
چو خشود گردده<sup>۵</sup> بهار آورد<sup>۶</sup> گل و سنبلِ جویبار آورد<sup>۶</sup>

۷۵۰ چُنین گفت<sup>۷</sup> پیران به توران سپاه بدین مژده‌ی شاه پیر و جوان  
بیاید کنون دل ز تیمار سُست پس از رنج و از درد<sup>۸</sup> کین خواستن  
به ایران و توران و بر خشک و آب

۷۵۵ ز لشکرگه<sup>۱۱</sup> پهلوان پیشرو بگفتند کای نامور پهلوان  
به دیدار شاهان دلت شاد باد<sup>۱۲</sup>! ز کشمیر تا برتر از<sup>۱۴</sup> رود شَهد  
ز سَقلاب چون<sup>۱۷</sup> گُئذُر شیرمرد چوسگسار<sup>۱۹</sup> غرچه<sup>۲۰</sup>، چوشنگل زهند  
چغانی<sup>۲۱</sup> چو قَوطوس لشکرفروز ۷۶۰

که ای سرفرازان و گردان شاه<sup>۸</sup> همه شاد باشید و روشن روان  
به ایران غنم بر و بوم و رُست برآسودن از<sup>۹</sup> لشکر آراستن  
نینند جز کام افراسیاب  
به مژده بیامده‌می نو به نو، همیشه بزی شاد و روشن روان!  
روانت از<sup>۱۳</sup> اندیشه آزاد باد<sup>۱۲</sup>! درفش و سپاهست<sup>۱۵</sup> و پیلان<sup>۱۶</sup> و مه‌د  
چو بیورد<sup>۱۸</sup> کاتی<sup>۱۸</sup> سپهر نبرد هوا پُر درفش و زمین پُر پَرتد  
گهار<sup>۲۲</sup> گهانی<sup>۲۳</sup> گو گردسوز<sup>۲۴</sup>

۱-ل (نیز، و، آ): منشور؛ متن = ف-س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲-ق، س: او ۳-ق: جنگجو؛ درل بیت های ۷۴۵-۷۴۸ پس از بیت ۷۵۷ آمده‌اند ۴-ل: دلاور ۵-ل (نیز ق، ل، و، ب): باشد؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، لی، پ، لن، آ) ۶-ل (نیز ق، آ، و): آردت؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۷-ل: چوبشید؛ متن ← ۸-ل: چنین گفت کای سرفرازان شاه؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن-ب) ۹-ف: وز درد؛ ل، س: وز درد؛ ل: سر از رزم و زرنج و؛ س (نیز لن، لی، آ): پس از درد و از رنج و؛ ق: سر از رنج و زدرد؛ (ق، ل، ب: سر از رنج و از درد و؛ ل، آ، پ: سر از درد و زرنج و؛ و: سر از درد و از رنج)؛ متن = ف پس از تصحیح زبه از ۱۰-ل، ق (نیز ل): برآسود وز؛ س (نیز لن، لی، پ، لن، آ): برآسودن و؛ (ق، آ، ب: برآسود و از؛ و: بیاسود و از)؛ متن = ف، ل، آ، س ۱۱-ف، س: گو؛ ل، س، ق (نیز لی-ب): بر؛ متن = ل ۱۲-ل: دار ۱۳-ل، س: ز ۱۴-ق: تا برابر و ۱۵-س: سپاه است ۱۶-ل، س: [و]؛ درل پس از این بیت نخست بیت ۷۴۴ پ و سپس بیت های ۷۴۵-۷۴۸ آمده‌اند ۱۷-ل: تا ۱۸-ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): بیورد کانی؛ ل: پیروز کانی؛ (ل: کاموس جنگی؛ و: منشور کانی)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹-ق (شکنی و؛ پ، لن: سکار و) ۲۰-ف-س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): غرچه؛ متن = (و) ۲۱-ف-س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): چغانی؛ متن = (و) ۲۲-ل (لن: کهال) ۲۳-ف، ل، آ، س (نیز پ، لن): کمانی؛ س (نیز لن، و): کشانی؛ متن = ل، ق (نیز ق، لی، ل، آ، ب) ۲۴-ق: و گرد اسبوز

<p>پراگنده بر نیزه و تیغ زهر کزین مژده برنا شود مرد پیر<sup>۴</sup> دل مرگ را مرده بده زنده گشت پذیره شوم پیش آن<sup>۵</sup> انجمن پُراندیشه و رزمساز آمدند خداوند تاج‌اند و زیبای<sup>۸</sup> تخت که با گنج و تخت‌اند<sup>۱۰</sup> و با جاه و آب سپهد کداند<sup>۱۲</sup> و گردان که‌اند<sup>۱۳</sup> و گر پیش تختش بیوسم زمین برابر کم شنگل و طوس را برآرم دم و دود از<sup>۱۵</sup> ایرانیان بریشان کم روز تاریک<sup>۱۶</sup> و تنگ کم پای و گردن به بند گران<sup>۱۸</sup> نه آرام جوم برین<sup>۱۹</sup> بر، نه خواب سران‌شان بیرم به شمیر پست نگیرم از آن<sup>۲۳</sup> بوم‌وبر نیز یاد</p>	<p>شمیران<sup>۱</sup> شکنی<sup>۲</sup> و گرگویی<sup>۳</sup> وهر<sup>۳</sup> تو اکنون سر افراز و رامش پذیر دل و جان پیران پُر از خنده گشت به هومان چنین گفت پیران که من که ایشان ز راه<sup>۷</sup> دراز آمدند ازین آمدن بی‌نیازند سخت ندارند سر کم از<sup>۹</sup> افراسیاب شوم تا بینم که چند و چه‌اند<sup>۱۱</sup> کم آفرین پیش خاقان چین<sup>۱۴</sup> ببینم سرافراز کاموس را چو بازآیم ایدر بیندم میان اگر خود ندارند پایاب جنگ کسی را که هستند از ایران<sup>۱۷</sup> سران فرستم بنزدیک افراسیاب زلشکر هر آنکس که آید<sup>۲۰</sup> به دست<sup>۲۱</sup> بسوزم دهم<sup>۲۲</sup> خاک ایشان به باد</p>
--	---

۱- س، ل، آ، س (نیزلن، پ، ب): شویران (در س، س، آ) (حرف سوم نقطه ندارد)؛ (و: سمیران؛ لن: سویران)؛ متن = ل، ق (نیزلی، آ) ۲- س: سنکی؛ ق، ل: شنکی؛ (لن: سکنی؛ آ، ب: جنگی)؛ متن = ل، س (نیزلن، ل، پ، و) ۳- ل: و کردوی وهر؛ س (نیزلن): و کرکور وهر؛ ق (نیز، آ، ب): و کرکور وهر؛ ل: و کرکور وهر؛ س: و کوکور وهر؛ (لن: و کرکور وهر؛ و: و کوهور وهر)؛ متن تصحیح قیاسی؛ (ق: سواران سنگین دل کوه‌زهر)؛ ف (نیزل) این بیت را ندارند ۴- ل پس از این بیت افزوده است:

ز لشکرتوی پهلوی پیشرو همیشه بزی شاد و فرمانت نو

۵- ل: تو گفتی مگر مرده بد؛ س: دل مرد را زان سخن؛ ق (نیز): دل مرده اش زان (پ: زین) سخن؛ ل: دل مرد را مرده بد؛ (لن، ل، لن، ب: دل مرده را زین (ل: زان) سخن؛ ق، و: دلش مرگ را مرده (و: بنده) بد؛ آ: دل مرده‌ها زان سخن)؛ متن = ف، س (؟) ۶- ل، ق، س: این؛ متن = ف، س، ل ۷- ل: راهی؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، لن، آ، ب) ۸- ل: دیهم و؛ در س، ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۹- ف، ل، ل، س: ز؛ متن = س، ق ۱۰- س: تاج‌اند؛ ل، ق: تخت و گنج‌اند؛ متن = ف، ل، آ، س؛ در س، ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۱- ل، ق: چند؛ متن = ف، س، ل، س ۱۲- س: کدامت ۱۳- ل، ق: کیند؛ متن = ف، س، ل، س ۱۴- ل: کم بر سر و تاج‌شان آفرین ۱۵- ل: ز ۱۶- ف: [و] ۱۷- ق: از ایشان؛ ل: هر آنکس که هستند زیشان؛ متن = ف، س، ل، س ۱۸- ف: کم پای گردن بگور گران؛ متن = ل، س (نیزلن، ل، ب) ۱۹- ل، س: بدین؛ متن = ف، ق، ل، س ۲۰- ق: آرم ۲۱- ل، س (نیزلی، لن، آ، ب): بدشت (بیاوند نادرست است)؛ متن = ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، آ، ب، و)؛ ف این بیت را ندارد ۲۲- س، ل، س: همه؛ متن = ف، ل، ق ۲۳- ل: نگیرم زان؛ ق: نگیرم از آن؛ ل، س: نگیرم ازین؛ متن = س؛ ف این بیت را ندارد

سه بهره از آن سو<sup>۱</sup> برانم<sup>۲</sup> سپاه  
یکی بهره زیشان<sup>۵</sup> برانم<sup>۶</sup> به بلخ  
دگر<sup>۸</sup> بهره بر سوی کاولستان<sup>۹</sup>  
سیم<sup>۱۲</sup> بهره بر<sup>۱۳</sup> سوی ایران برم ۷۸۰  
زن و کودک خرد و<sup>۱۵</sup> پیر و جوان  
بروبوم ایران غانم به جای

بگفت این و دل پُر ز کینه برفت  
به لشکر چُنین گفت هومان گرد  
دو روز این یکی رنج برتن نیم<sup>۲۰</sup> ۷۸۵  
نباید که ایشان شبی بی درنگ  
کنون<sup>۲۴</sup> کوه ورود و درودشت و راه  
چو پیران بنزدیک ایشان رسید  
جهان پُر سراپرده و خیمه بود  
ز دیبای چینی و از<sup>۲۹</sup> پرنیای ۷۹۰

۱- ل: از آن پس؛ ق: برایشان؛ (ل، آ: از آن رو)؛ س: بسه بهر از آن سو؛ ل، س<sup>۲</sup> (نیز و ب): بسه بهره زان سو؛ متن = ف؛ بنداری؛ ثم اقسام  
المسکر ثلاثة اقسام ۲- ل: فرستم ۳- ل: دوده؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۴</sup> (نیز لن- ب) ۴- ق: روشن بر ایشان ۵- س،  
ق: بهر از ایشان (بهره از ایشان)؛ متن = ف، ل، ل، ل، س<sup>۶</sup> ۶- ل، س، ق (نیز لن- آ، ب): فرستم؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۷</sup> ۷- س، ق: بر؛  
متن = ف، ل، ل، س<sup>۸</sup> ۸- ق: سوم ۹- ف- س: کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- ف، ل، س، س<sup>۱۱</sup> (نیز و ب):  
بکابل؛ ق: بخلع؛ ل<sup>۱۲</sup> (نیز لن، ل، لن): بکایک (بکابل)؛ (ل، آ، ب: به توران)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱- ل- س: زابلستان؛  
متن = ف؛ در ق این بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲- ف: دگر؛ س، س<sup>۱۳</sup> (نیز لن، ق، ل، ل، پ، لن، آ، ب): سوم؛ ق: دو؛  
ل: شوم؛ (ل، و: سوم)؛ متن = ل؛ بنداری؛ و أنهض فی القسم الثالث الی بلاد ایران ۱۳- ق: همی ۱۴- ل، ق: بزرگان و شیران؛ س:  
بنزدیک شهر دلیران؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۱۵</sup> ۱۵- س: از ایران سران نیز؛ متن = ف، ل، ق، ل، س<sup>۱۶</sup>؛ بنداری؛ فأخرها و أمّلك تاجها و تختها  
وأقتل رجالها وأسبی ذرارها ونساءها ۱۶- ل: باشد؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱۷</sup> (ل، آ: سوی ایران میای)؛ ل، ق، س<sup>۱۸</sup> (نیز ق، ل،  
ل، و): که مه دست بادا از ایشان (ق: از ایران) مه پای؛ متن = ف، س، ل<sup>۱۹</sup> (نیز لن، پ، لن، آ، ب)؛ ف، س، ل<sup>۲۰</sup> در اینجا سرنویس دارند، ف:  
گفتار اندر آگاهی یافتن پیران و بسه از آمدن خاقان چین و کاموس و دیگر پهلوانان ترکان بیاری او رفتن پیش ایشان؛ س: رسیدن کاموس  
کشانی و خاقان چین بیاری پیران؛ ل<sup>۲۱</sup>: برقتن پیران نزد خاقان چین و پوزش نمودن؛ ل (نیز لن، پ، لن): پس از بیت ۷۸۲ افزوده اند:

کنون تا کم کارها را بسیج شها جنگ ایشان مجوبید هیچ

۱۸- ل، ل، ل، س<sup>۱۹</sup>: دل را؛ متن = ف، س، ق (نیز لن، ق، ل، پ- ب) ۱۹- ف، ق، ل: بیاید (تنها یک نقطه در زیر)؛ ل، س<sup>۲۰</sup> (نیز ل، ل،  
پ، آ، ب): بیاید؛ س: نباید (حرف یکم و دوم نقطه ندارند)؛ (ق: از اندیشه باید)؛ متن = (و، لن) ۲۰- ل، ق (نیز ل، ل، ب): نباید؛ متن =  
ف، س، ل، س<sup>۲۱</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۱- ل (نیز ق، ل، ل): دو؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۲۲</sup> (نیز هفت دستنویس  
دیگر) ۲۲- س: برآیند ۲۳- ل: جای تنگ ۲۴- س: از آن ۲۵- س، ق، ل، ل، س<sup>۲۶</sup>: و سپاه؛ متن = ف، ل ۲۶- ف،  
س، ل، س<sup>۲۷</sup> (نیز ل، و، آ، ب): برسم اسبان بدید (ل: ندید)؛ (ق: جز سم اسبان ندید)؛ متن = ل، ق (نیز لن، ل، پ، لن) ۲۷- ق، س: زرد  
و سرخ ۲۸- س: سپاه ۲۹- ق، ل، ل، س<sup>۳۰</sup>: وز ۳۰- ل (نیز ل): ز هر گونه اندر؛ ق: بهره اندر؛ (ب: ز هر گونه در)؛ متن =  
ف، س، ل، س<sup>۳۱</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر)

فرماند و زان<sup>۱</sup> کارش آمد شِگفت  
 که تا این بهشت‌ست یا<sup>۲</sup> رزمگاه؟  
 بیامد بنزدیک خاقانِ چین  
 چو خاقان<sup>۵</sup> بدیدش به بر درگرفت  
 ۷۹۵ پرسید بسیار و بنواختش  
 بدو گفت یَخ یَخ<sup>۷</sup> که با پهلوان  
 پرسید از آن پس کز<sup>۸</sup> ایران‌سپاه  
 کدامست جنگی و گردان که اند<sup>۱۰</sup>؟  
 چُنین داد پاسخ بدو پهلوان  
 ۸۰۰ درود جهان‌آفرین بر تو باد  
 به بخت تو شادانم و تندرست  
 از ایرانیان پس پرسید<sup>۱۵</sup> شاه  
 بی‌اندازه پیگار جُستند و جنگ  
 چو بی‌نام و بی‌کام<sup>۲۰</sup> و بی‌تن شدند  
 ۸۰۵ سپهدار طوس‌ست، مردی دلیر  
 بزرگان چو گودرزِ کشوادگان  
 به بخت سرافرازخاقانِ چین  
 به هامون نیاند<sup>۲۴</sup> هنگام صف  
 بدو گفت: امشب بنزدیک<sup>۲۶</sup> من  
 بسی با دل اندیشه اندرگرفت  
 سپهر برین‌ست گر<sup>۳</sup> چرخ ماه<sup>۴</sup>؟  
 پیاده ببوسید روی زمین  
 بماند از بر و یال پیران شِگفت  
 بر خویش نزدیک بنشاختش<sup>۶</sup>  
 نشستم چُنین شاد و روشن‌روان  
 که دارد نگین و که دارد<sup>۹</sup> کلاه؟  
 نشسته برین<sup>۱۱</sup> کوه‌سربر<sup>۱۲</sup> چه اند<sup>۱۳</sup>؟  
 که بیداردل باش و روشن‌روان  
 که کردی به پرسش دل بنده شاد  
 روانم همه<sup>۱۴</sup> خاک پای تو جُست  
 نه تخت و کلاه‌ست<sup>۱۶</sup> و نه مهر و گاه<sup>۱۷</sup>  
 ندیدند از آن<sup>۱۸</sup> جنگ جز خاره‌سنگ<sup>۱۹</sup>  
 گریزان به کوه هامون شدند  
 به هامون نترسد ز پیگار شیر  
 چو گیو و چو رُهام<sup>۲۱</sup> از آزادگان  
 سپهد نیاند سپه را<sup>۲۳</sup> جزین  
 که جز سنگِ خارا ندارند به<sup>۲۵</sup> کف  
 بیاش و بیارای یک<sup>۲۷</sup> انجمن

۱- ف، ل؛ وز؛ ق (نیزلی، ل، و ب)؛ و آن؛ س؛ و از؛ (آ: آن)؛ متن = ل، س (نیزپ، لن) ۲- ل؛ با ۳- ف، س، ق، س؛ (نیز لن-ب)؛ یا؛ ل؛ با؛ متن = ل ۴- ل (نیزق)؛ تاج و گاه؛ س، ل، س؛ (نیزلی، ل، لن، آ)؛ چرخ و ماه؛ متن = ف، ق (نیزلن، پ، و ب) ۵- س؛ پیران (!) ۶- ق این بیت را ندارد؛ س پس از این بیت افزوده است:

بدو گفت بخ بخ که شاد آمدی ابا جشن و سور و خرام آمدی

۷- (آ: یخ یخ)؛ ق این بیت را ندارد ۸- ف، ل، س؛ (نیزق)؛ که؛ متن = ل، س، ق (نیزلن، ل، پ، و لن، ب) ۹- ل؛ نگین و درفش و؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ (نیزلن، ق، ل، پ، و لن، ب) ۱۰- ف، ل، ق؛ کینه؛ متن = س، ل، س؛ ۱۱- س؛ بدین؛ ق؛ بران؛ متن = ف، ل، ل، س؛ ۱۲- س؛ بر سر ۱۳- ف، ل، ق؛ چینه؛ متن = س، ل، س؛ ۱۴- ل، س، ق؛ همی؛ متن = ف، ل، س؛ ۱۵- ل؛ هرچ پرسید؛ ل؛ آنکه پرسید؛ س؛ آنک پرسید؛ متن = ف، س، ق؛ ۱۶- ق؛ [و]؛ متن ← ۱۷- ل، ل، س؛ کلاه و نه مهر و نه گاه؛ ل؛ نه گنج و سپاهست و نه تاج و گاه؛ متن = ف، س ۱۸- ل؛ از؛ ل؛ ندارند از؛ متن ← ۱۹- س؛ خار و سنگ؛ ق؛ ندارند جز جنگ و کینه بچنگ؛ متن = ف، س؛ ۲۰- ل؛ بی کام و بی نام ۲۱- ق؛ گرگین ۲۲- ل؛ ز؛ س؛ و؛ ل؛ [از]؛ متن = ف، ق، س؛ ۲۳- ق؛ سپه را نبیند سپهد؛ در ل، س؛ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۴- س؛ نیاند (حرف های یکم و دوم و چهارم نقطه ندارند)؛ ق؛ نیاید به؛ س؛ نیاند به؛ متن = ف، ل؛ (نیزلن-و) ۲۵- س؛ مانند به (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ (آ: ندارند؛ ب: ندارد به)؛ ق، ل، س؛ (نیزلن، ق، ل، پ، و لن)؛ ندارند جز سنگ (ق: کوه) خارا به؛ متن = ف (نیزلی)؛ ل این بیت را ندارد ۲۶- ل؛ خاقان که نزدیک ۲۷- ل، س، ق (نیزلن-ب)؛ بیاور یکی؛ س؛ بیارای یکی؛ متن = ف، ل



۸۱۰	یک امروز با کام دل می خورم بیاراست خیمه چو باغ بهار	پی <sup>۱</sup> روز ناآمده نشمرم بهشتست گفتمی به رنگ و نگار
۸۱۵	چو بر گنبد چرخ رفت آفتاب که امروز ترکان چرا خائش اند؟ اگر مستمندند اگر <sup>۲</sup> شادمان اگرشان به پیگار یار آمدهست	دل طوس و گودرز شد پُرشتاب، به رای بدانند، ارز می <sup>۲</sup> بیهش اند؟ شدم بدگمان <sup>۴</sup> از بد <sup>۵</sup> بدگمان چنان دان که <sup>۶</sup> بد روزگار آمدهست
۸۲۰	تو ایران سپه <sup>۷</sup> را همه گشته گیر مگر رستم آید به یاری سپاه <sup>۸</sup> ستودان نیابیم یکسر <sup>۱۱</sup> ، نه گور بدو گفت گیو: ای سپهدار شاه	و گر زنده، از جنگ <sup>۸</sup> برگشته گیر و گر نه بد آمد به ما بر ز شاه <sup>۱۰</sup> بکوبندمان سر به <sup>۱۲</sup> نعلِ ستور چه بودت که اندیشه کردی تبا <sup>۱۳</sup> ؟
۸۲۵	از <sup>۱۴</sup> اندیشه‌ی ما <sup>۱۵</sup> سخن دیگرست بسی تخم نیکی پراکنده‌یم و <sup>۱۷</sup> دیگر به بخت جهاندارشاه ندارد جهان‌آفرین دست باز	ترا کردگار جهان یاورست <sup>۱۶</sup> جهان‌آفرین را پرستنده‌یم خداوند شمیر و تخت و کلاه، که آید به بدخواه ما را <sup>۱۸</sup> نیاز
	چو رستم بیاید بدین رزمگاه نباشد ز یزدان کسی ناامید به یک روز کز ما نجستند جنگ نبتند بر ما در آسمان	بدی‌ها سرآید همه بر <sup>۱۹</sup> سپاه اگر شب شود <sup>۲۰</sup> روی روز سپید <sup>۲۱</sup> مکن دل از <sup>۲۲</sup> اندیشه <sup>۲۳</sup> بر خیره تنگ مشو بدگمان از <sup>۲۴</sup> بد بدگمان!

۱- ل، ق (نیز ق، ل، و): غم؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۲</sup> (نیز شش دستنویس دیگر)؛ ق در اینجا سرنویس دارد: آگاهی یافتن ایرانیان از آمدن خاقان و کاموس و لشکر ۲- ل، ق (نیز ل<sup>۲</sup>): برای درند ارز می؛ س: برای بداندیشگان؛ ل، س<sup>۳</sup> (نیز ل، آ): برای بد اندرزمی؛ ق، و: برای اندراند یا زمی؛ متن = ف (نیز ل، پ، ل، ب) ۳- ل: گر؛ ق: یا؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۴</sup> ۴- ل، س (نیز ل، ق، ل، پ، ل، آ، ب): در گمان؛ ل، س<sup>۵</sup>: بی گمان؛ متن = ف (نیز و) ۵- ق (نیز ل<sup>۲</sup>): شد اندرگمان این دل ۶- س: دانک ۷- ل، ق (نیز ل، ل، آ، ب): ایرانیان؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۸</sup> (نیز ل، ق، پ، و، ل، آ) ۸- ل- س<sup>۹</sup> (نیز ل<sup>۲</sup>): رزم؛ متن = ف (نیز هشت دستنویس دیگر) ۹- ل (نیز ق، ب): بدین رزمگاه؛ س: بنزدیک شاه؛ ق: بیاری ز شاه؛ متن = ف، ل، س<sup>۱۰</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۰- س، ق: بر سپاه؛ ل: بد آید با زمین سپاه؛ متن = ف، ل، س<sup>۱۱</sup> (نیز ل- ب) ۱۱- ل: یک تن؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۱۲</sup> ۱۲- ق، ل: زیر؛ س: ما را به؛ متن = ف، ل، س<sup>۱۳</sup> ۱۳- ف: کز اندیشه گشتی تبا؛ س (نیز ل، پ، ل، آ): خداوند شمیر و تخت و کلاه (= ۸۲۰ ب)؛ ل: مبادا که بدخواه آید تبا؛ متن = ل، ق، س<sup>۱۴</sup> (نیز ق، ل، و، آ، ب)؛ در ف پس از این بیت، بیت های ۸۲۳ و ۸۲۴ آمده‌اند ۱۴- س: ز ۱۵- ف، س، ق، ل، س<sup>۱۶</sup> (نیز ل، ق، ل، پ، و، ل، آ، ب): بد (؟)؛ متن = ل (نیز ل، آ) ۱۶- س: داورست؛ درس بیت های ۸۲۰ و ۸۲۱ پس از بیت ۸۳۴ آمده‌اند ۱۷- ل، س: س؛ س: این بیت را ندارد ۱۸- ف، ل، س: که ما را به (ف: ز) بدخواه آید؛ متن = ل، س، ق (نیز ل- ب)؛ در ف بیت های ۸۲۳ و ۸۲۴ پس از بیت ۸۱۹ آمده‌اند؛ پیایی بیت های متن = ل، ق، ل، س<sup>۱۹</sup> (نیز ل- ب) ۱۹- س: بی ۲۰- ل: بود ۲۱- س: سفید ۲۲- ل، س، ق، س: ز؛ ل: بسر؛ متن = ف ۲۳- ل: از ۲۴- ل: پایان رسد هر؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۲۵</sup>

- اگر بخشش کردگار بلند  
زا پرهیز و اندیشه‌ی نابکار  
یکی کنده سازم پیش سپاه ۸۳۰  
همه تیغ‌ها جنگ را<sup>۲</sup> برگشیم  
ببینیم تا چیست آغازشان  
از ایران بیاید<sup>۶</sup> همان<sup>۷</sup> آگهی
- چنان‌ست کاید به ما بر گزند،  
نه برگردد از ما بد روزگار  
چنان‌چون بود رسم و آیین و راه<sup>۲</sup>  
به سه روز دیگر گشند<sup>۴</sup> ار کشیم  
برهنه شود بی‌گمان رازشان<sup>۵</sup>  
درخشان<sup>۸</sup> شود شاخ سرو سهی<sup>۱</sup>
- سپهدارگودرز بر تیغ کوه  
چو خورشید تابان ز گنبد بگشت ۸۳۵  
به زاری خروش آمد از دیدگاه<sup>۱۲</sup>  
سوی باختر گشت گیتی ز گرد  
شد از خاک خورشید تابان بنفش  
غوا<sup>۱۶</sup> دیده بشنید گودرز<sup>۱۷</sup> گفت  
رخش گشت از<sup>۱۹</sup> اندوه<sup>۲۰</sup> برسان قیر ۸۴۰  
چنین گفت کز اختر روزگار  
ز گیتی مرا شوربختی ست بهر  
نبیره پسر داشتم لشکری  
به کین سیاوش همه کشته شد  
ازین زندگانی<sup>۲۲</sup> شدم ناامید ۸۴۵  
نژادی مرا کاجکی<sup>۲۵</sup> مادرم  
چنین گفت با دیدبان<sup>۲۶</sup> پهلوان
- برآمد<sup>۱۰</sup>، برفت از میان گروه،  
ز<sup>۱۱</sup> بالا همی سوی خاور گذشت،  
که شد کار گردان ایران تباه  
سراسر بسان شب لاژورد<sup>۱۳</sup>  
ز بس پیل و<sup>۱۴</sup> بر پشت پیلان درفش<sup>۱۵</sup>  
که جز خاک تیره ندارم جفت<sup>۱۸</sup>  
چنان شد کجا خسته گردد به تیر  
مرا بهره کین آمد و کارزار  
پراکنده بر جای تریاگ زهر  
شده نامبردار هر کشوری  
ز من<sup>۲۱</sup> بخت بیدار برگشته شد  
سیه شد<sup>۲۳</sup> مرا بخت روز<sup>۲۴</sup> سپید  
نگشتی سپهر بلند از برم  
که ای مرد بینای<sup>۲۷</sup> روشن روان،

۱- ل، ق: به؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> ۲- ف، ل (نیز پ، ل): آیین راه؛ ل: رسم آیین و راه؛ س: راه و رسم سپاه؛ متن = ق، س (نیز ل، ق، ل، ل، و ب) ۳- ل: همه جنگ را تیغ‌ها؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۱</sup> ۴- ل، ق (نیز و): سه (ل: دو) روز دگر ار کشند؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز ل، ق، ل، پ، ل، ل، آ، ب) ۵- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل- س (نیز ل- ب) ۶- ف: بیاید (!)؛ ل: بیاید؛ س: بیاید (حرف‌های یکم و چهارم نقطه ندارند)؛ س: بیاید؛ متن = ق، ل (نیز ل، ل، پ، ل، آ، آ) ۷- ق: همی ۸- (ق): درفشان) ۹- س: تاج و تخت مهی؛ (ب: تاج سرو سهی)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز ل- آ) ۱۰- ق: بیامد؛ درس پس از این بیت، بیت‌های ۸۲۰ و ۸۲۱ آمده‌اند ۱۱- ق: به ۱۲- ل، ق، ل: دیده‌گاه ۱۳- ف، س، ق، ل، س (نیز ل- پ، آ، ب): لاچورد؛ متن = ل (نیز و، ل، ل) [و] ۱۴- ل: [و] ۱۵- ق: زیلیبان و درفش ۱۶- ل، ل، س (نیز ق، ل، ل، ب): غو ۱۷- ل، س، ق، ل: گودرز و؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> ۱۸- س: مبادت نَهفت ۱۹- ل: ز ۲۰- س: اندیشه ۲۱- ق: زبس ۲۲- ف: زتن زندگانی (!)؛ ل، س: ازین زندگان هم؛ متن = ل، س، ق (نیز ل- ب) ۲۳- ف: سه بهره (!)؛ متن = ل- س (نیز ل- ب) ۲۴- ل (نیز پ): بخت و روز؛ س (نیز ق، ل، ل، آ، ب): روی روز؛ س: روز بخت (ل: نیز نخست این ضبط را داشته است)؛ متن = ف، ق، ل (نیز ل، و، ل) ۲۵- ف- ل (نیز ق- آ): کاشکی؛ متن = س (نیز ل، ب) ۲۶- ل، ق، ل، س: دیده‌بان؛ متن = ف، س ۲۷- ف، ق: بینا؛ ل: بینا و؛ متن = س، ل، س<sup>۱</sup>

نگه کن به توران و ایران<sup>۱</sup> سپاه  
 درفش سپهدار ایران<sup>۲</sup> کجاست؟  
 ۸۵۰ بدو دیدبان<sup>۳</sup> گفت کز هر دو روی  
 ز فرزند<sup>۴</sup> شد پهلوان پُر ز<sup>۵</sup> درد  
 بنالید و<sup>۶</sup> گفت: اسپ را زین کنید  
 شوم پُر کم چشم و<sup>۷</sup> آغوش را  
 همان بیژن گوی و رهام را  
 ۸۵۵ به پدروود کردن رخ هر کسی

نهادند زین بر سمند چمان  
 که ای پهلوان جهان شاد باش  
 که از راه ایران یکی تیره گرد  
 فراوان درفش از میان سپاه  
 ۸۶۰ به پیش اندرون گرگ<sup>۸</sup> پیکر یکی  
 درفش دگر<sup>۹</sup> آژدها بیکرش  
 بدو گفت گودرز: انوشه<sup>۱۰</sup> بدی!  
 چو گفتارهای تو آید به جای  
 ببخشم چندان گرانمایه چیز  
 ۸۶۵ و زان پس چو روزی به ایران شوم<sup>۱۱</sup>  
 ترا پیش تختش برم ناگهان

۱-ق. ل: بایران و توران ۲-ل: ز ۳-ق: توران ۴-ل. ل. ل. س: دیده بان: متن = ف. س. ق ۵-ل (نیزو): گفت و گوی:  
 ق (نیزل): گفت گوی: متن = ف. س. ل. س. ل. س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۶-ل: از آن کاره: ق (نیزل): از آن گفته: متن = ف. س. ل. س. ل. س (نیز  
 ق. ل. ب. ب) ۷-ق: دل به ۸-ل: دیده گان ۹-ف: او: متن = ل. س ۱۰-س: ازین ۱۱-ف: او: متن = ل. س  
 ۱۲-ل: جنگی و ۱۳-ق: این بیت را ندانید ۱۴-نداری: دیدبان ۱۵-ق: بجای این بیت و بیت سپین افزوده است:

خروش آمد از دیده هم در زمان (= ۸۵۶ ب) ز تیمار و درد و غم آزادگان (= ۸۵۷ ب)

۱۶-ف. س. ق. ل. س (نیزلن. ق. ل. ل. ل. آ. ب): لاجورد: متن = ل (نیز ب. و): ل در اینجا سرنویس دارد: آمدن رستم بعد ایرانیان  
 جنگ افراسیاب ۱۷-ق: بیامد ۱۸-یا: گرگ ۱۹-ل (نیز ق): بدید: ق (نیزو): ز دوره: (ل: از آن): متن = ف. س. ل. س. ل. س  
 (نیزش دستنویس دیگر) ۲۰-ق. ل. ل. آ. نوشته: متن = ف. س. ل. ب. و. ل. ب) ۲۱-ل. ق (نیز ق. ل. و): چشم:  
 متن = ف. س. ل. س (نیزش دستنویس دیگر) ۲۲-ل. ق (نیز ل. ب. و): بدینسان: (ل. ل. ب. برینسان): متن = ف. س. ل. ل.  
 س (نیز ق. ل. آ) ۲۳-ل. س. ق. ل. ل. ل. آ. ب): نیازت نیاید (س. آ: نیاید: ل: نیاید): س (نیز ب. ل. ن): نیازت نباشد:  
 متن = ف (نیزلن) ۲۴-ق. ل. ل. س: بیجیز (پس او نندارند) ۲۵-ل. س (نیزلن. ق. ل. ب. و): شوم: متن = ف (نیز  
 ل) ۲۶-ل. س. ق (نیزلن. ل. آ): برفرازم: متن = ف. ل. ل. س (نیز ب) ۲۷-ف. س. ق. ل. ل. س (نیزلن. ل. و. ب): قدر:  
 متن = ل (نیز ب)

<p>برو سوی سالار ایران سپاه سبک باش و از هر کسی پاره جوی نشاید شدن پیش ایران سپاه بدین<sup>۱۰</sup> دیدگه<sup>۱۱</sup> دیده بیکار<sup>۱۲</sup> گشت، برم آگهی سوی ایران سپاه که بیدار دل باش و<sup>۱۵</sup> روشن روان که ایشان بنزدیک ما کی رسند به کوه هراون رسد<sup>۱۶</sup> آن سپاه که<sup>۱۷</sup> بی جان شده باز یابد روان همی راند لشکر به دشت نبرد بگفت آن کجا رفته بد کم و بیش که شد بی گمان بخت بیدار جفت به ابر اندر آمد از آن رزمگاه<sup>۲۱</sup> رخان زرد و لبها شده لاژورد<sup>۲۲</sup>، پراکنده گشتند بر گرد کوه<sup>۲۶</sup> همی مویه کردند بر خویشتن کزیشان به<sup>۲۸</sup> ایران نگیرند یاد زمین پُر ز خون دلیران بود که برخیز و بگشای راز از نهفت،</p>	<p>ز بهر من اکنون ازین دیدگاه<sup>۱</sup> سَخُن<sup>۲</sup> هر چه<sup>۳</sup> دیدی بدیشان<sup>۴</sup> بگوی بدو دیدبان<sup>۷</sup> گفت کز دیدگاه<sup>۸</sup> چو بینم که روی زمین تار<sup>۹</sup> گشت، بکردار سیمرخ ازین دیدگاه<sup>۱۳</sup>، چنین گفت با دیدبان<sup>۱۴</sup> پهلوان دگر باره بنگر ز کوه بلند چنین داد پاسخ که فردا بگاه چنان شاد شد زان سَخُن پهلوان و زان روی پیران بکردار گرد سواری<sup>۱۸</sup> جریده<sup>۱۹</sup> بیامد ز پیش چو بشنید هومان/بخندید و گفت خروشی به شادی ز توران سپاه<sup>۲۰</sup> بزرگان<sup>۲۲</sup> ایران پُر اندوه<sup>۲۳</sup> و درد به اندرز کردن همه همگروه<sup>۲۵</sup> به هر جای کرده یکی انجمن که زار این<sup>۲۷</sup> دلیران خسرو نژاد کفن شان کنون<sup>۲۹</sup> کام شیران بود سپهدار با بیژن<sup>۳۰</sup> گویو گفت</p>	<p>۸۷۰ ۸۷۵ ۸۸۰ ۸۸۵</p>
---	--	------------------------------------

۱-ق، ل، ل، س: دیده گاه؛ ل: چو باد دمنده از آن جایگاه؛ متن = ف، س - ۲-ل: همه؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> - ۳-ل، س: هرچ  
 ۴-ف: بایشان؛ ل: برایشان - ۵-ف، س، ق، ل، ل، س: وز؛ متن = ل - ۶-ف: یاره؛ ل، ق (نیز ق<sup>۱</sup>): مژده؛ س، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز  
 لن، ب، لن<sup>۱</sup>): چاره؛ (و: یاره (نقطه ندارد)): متن تصحیح قیاسی است (۹۱۰، ۱۷۹۱) - ۷-ل، ل، ل، س: دیده بان - ۸-ل، ق، ل، ل،  
 س: دیده گاه - ۹-س: تازه - ۱۰-ل: برین - ۱۱-ق، ل: دیده گه - ۱۲-ل: بیدار؛ س: گراف زمانه بی اندازه؛ س<sup>۱</sup> این بیت را  
 ندارد - ۱۳-ل: رزمگاه؛ ق، ل: دیده گاه؛ س<sup>۱</sup> این بیت را ندارد - ۱۴-ل، ق، ل، ل، س: دیده بان - ۱۵-ل، ق: که اکنون نگه کن  
 به؛ متن = ف، س، ل، ل، س<sup>۱</sup> - ۱۶-ل، ل، س: بود؛ در ق این بیت در کتبه آمده است - ۱۷-ل: چو ق این بیت را ندارد - ۱۸-ق: (ن:  
 نوندی) - ۱۹-ف: حریده؛ ل، ق (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، ل، و): بمژده؛ س: حمده (نقطه ندارد)؛ ل: جرنده؛ س: جریده (حرف سوم نقطه ندارد)؛ (لن:  
 مبارزه؛ ب، لن<sup>۱</sup>: نبرده)؛ متن = (ل، آ، ب)؛ س در اینجا سرنویس دارد: خبر یافتن ایرانیان از آمدن خاقان چین و کاموس کشانی بیاری  
 پیران - ۲۰-ل: از آن رزمگاه؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> - ۲۱-ل: ز توران سپاه؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> - ۲۲-ق: وزان  
 روی - ۲۳-ل: پیر از داغ؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> - ۲۴-ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، ل، آ، ب): لاجورد؛ متن = ل (نیز  
 ب، و، لن<sup>۱</sup>) - ۲۵-ق: گرد کوه - ۲۶-ق: گروهها - ۲۷-ف، س: کز ایران؛ ل: کزین پس؛ (ق: که زار؛ ل، آ: دریغ این؛ ل، آ،  
 ب: که زارانی)؛ متن = ل، ق، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ب، و، لن<sup>۱</sup>) - ۲۸-س: بر؛ ق: در؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> - ۲۹-ف: کفن تان کنون؛ ل، ق (نیز  
 ق، و): کفن ها کنون؛ س (نیز ل، ب، ل، آ، ب): کنون گورها؛ (لن: کنون گورمان؛ ل: کفنشان همه)؛ متن = ل، ل، س<sup>۱</sup> - ۳۰-ل:  
 بیژن و

برو تا سر تیغ کوه بلند  
 همی بر<sup>۲</sup> کدامین ره آید سپاه؟  
 بشد بیژن گیو تا تیغ کوه  
 همی کرد از آن کوه<sup>۵</sup> هر سو نگاه  
 بیامد به سوی سپهبد دوان<sup>۷</sup> ۸۹۰  
 بدو گفت: چندان سپاهست و پیل  
 درفش و سنان را<sup>۹</sup> خود اندازه نیست  
 اگر بشمری نیست انداز و مر<sup>۱۱</sup>  
 سپهبد چو بشنید گفتار اوی<sup>۱۲</sup>  
 سران سپه را<sup>۱۵</sup> همه گیرد کرد ۸۹۵  
 چنین گفت کز گردش روزگار  
 بسی گشتم اندر<sup>۱۸</sup> فراز و نشیب  
 کنون چاره‌ی کارم ایدر<sup>۲۰</sup> یکیست  
 بسازم و امشب شبیخون کنیم  
 اگر گشته آیم در کارزار ۹۰۰  
 نگویند: بی‌نام گردی بمرد  
 برین<sup>۲۶</sup> رام شد پهلوان و<sup>۲۷</sup> سپاه

بین تا که اند و چه و چون<sup>۱</sup> و چند  
 که دارد سراپرده و تخت<sup>۳</sup> و گاه  
 برآمد از<sup>۴</sup> انبوه دور از گروه  
 درفش سواران<sup>۶</sup> و پیل و سپاه  
 دل از غم پُر از درد و خسته<sup>۸</sup> روان  
 که روی زمین گشت برسان نیل  
 خور از گرد بر آسمان<sup>۱۰</sup> تازه نیست  
 همی از تیره شود گوش کر<sup>۱۲</sup>  
 دلش گشت پُر درد و پُر آب روی<sup>۱۴</sup>  
 بسی گرم و<sup>۱۶</sup> تیمار لشکر بخورد  
 نبینم همی جز غم کارزار<sup>۱۷</sup>  
 نیامد به روم ازینسان<sup>۱۹</sup> نهیب  
 اگر چه سلیح<sup>۲۱</sup> و سپاه اندکیست:  
 زمین را ز خون همچو<sup>۲۲</sup> جیحون کنیم  
 سپهبد بود، چون بود شهریار<sup>۲۳</sup>  
 مگر زیر خاکم نباید<sup>۲۴</sup> سپرد<sup>۲۵</sup>  
 هر آنکس که بود اندر آن رزمگاه

۱- ف، س: تا که و چه و چونند و چند؛ ل: تا که و چون و چند و چه اند؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ل، پ، ل، آ، ب: در ل، ق، لن، ل، ل، ل، آ، ب: کینند و... س، پ: که اند و...) ۲- ق: نگر تا ۳- س: تاج؛ (ق: پیل) ۴- ل: بی؛ س (نیز لن، ل، پ، و لن): ز؛ (ب: به)؛ ق: بیدار؛ متن = ف، ل، آ، س ۵- (لن، پ، ل، ل، گه به)؛ ل: از آن کوه سر کرد؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، و آ، ب) ۶- ل: سران دید ۷- ق: دمان ۸- س، ق: تیره ۹- ق: ها ۱۰- ق: از گنبد چرخ بس ۱۱- ق: اندازه مر ۱۲- ق: ز بس نامداران با زور و فر؛ ل: این بیت را ندارد ۱۳- س: او ۱۴- س: و تیمار او؛ ل، آ، س: و پرچین بروی؛ ق: بشد خیره چون دید دیدار اوی؛ متن = ف، ل؛ ف (نیز لن، ق، ل، ل، لن) پس از این بیت افزوده اند:

ز فرزند (ل: از آن گفته) شد پهلوان پر زرد

فرو ریخت از دیدگان آب زرد (= ۸۵۱)

۱۵- ق: سپه را سراسر ۱۶- ل: [و] ۱۷- ف (نیز لن، پ، و لن، آ، ب): غم و کارزار؛ س: بد روزگار؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، ل، آ، ب) ۱۸- ل: گشته ام بر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۱۹- س: بدینسان؛ ل: بروم نیامد ازینسان؛ ق: نیامد بدینسان بروم؛ متن = ف، ل، آ، س ۲۰- ل: کار ایدر؛ ق: چاره و کار ما خود؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۲۱- س، س: سلاح ۲۲- ل، س: ازینسان چو؛ متن = ف، ق، ل، آ، س ۲۳- (لن، ل، پ، ل، آ، ب: روزگار)؛ ل: نکوهش نیابیم از شهریار؛ ق: سپه‌دار باشد در آید بکار؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ، و) ۲۴- ل، س: نباید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل (نیز ل، ل، آ، ب): بیاید؛ متن = ف، ق، س (نیز لن، ق، آ، ب، و) ۲۵- س، ق (نیز لن، ق، ل، پ، ب): شمرد؛ متن = ف، ل، ل، آ، س (نیز ل) ۲۶- ل، س، ق (نیز لن، ق، ل، پ، و): بدین؛ (ل: بدان)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لن، آ) ۲۷- ف (نیز پ، و لن، آ، ب): [و]؛ ل: رام گشتند یکسر؛ س: رزم کم شد ز توران؛ متن = ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، ل، ل، آ)

گفتار اندر آگاه شدن گودرز و طوس از آمدن لشکر ایرانیان<sup>۱</sup>

چو شد روی گیتی بکردار<sup>۲</sup> قیر  
سر از بخش<sup>۳</sup> ماهی برآورد ماه  
بیامد دمان دیدبان<sup>۴</sup> پیش طوس  
چنین گفت کای پهلوان سپاه  
۹۰۵  
سپهد بخندید با مهتران  
چو یار آمد اکنون نجویم<sup>۵</sup> جنگ  
به نیروی یزدان گو پیلتن  
از آن دیدبان<sup>۶</sup> گشت روشن روان  
۹۱۰  
طلایه فرستاد بر دشت جنگ

چو خورشید بر چرخ لشکر<sup>۷</sup> کشید  
یکی انجمن کرد خاقان چین  
به پیران چنین گفت کامروز جنگ  
یکی با سرافراز گردنکشان<sup>۸</sup>  
۹۱۵  
شب تاز تازنده شد<sup>۹</sup> ناپدید،  
به دیا بیاراست روی زمین<sup>۱۰</sup>  
نساژیم<sup>۱۱</sup> و<sup>۱۲</sup> روزی بیاید<sup>۱۳</sup> درنگ  
که با این<sup>۱۴</sup> سواران دشمن کشان<sup>۱۵</sup>،

۱- ف: گفتار اندر آگاه شدن گودرز و طوس از آمدن ایرانیان بیاری ایشان و آمدن ترکان بتماشا ایران سپاه؛ س: آمدن دیدبان پیش طوس و مرده دادن از لشکر ایران؛ ق: آمدن خاقان چین با احتیاط لشکر ایران؛ متن = آغاز ف ۲- ل، ق (نیز ق، ل، و)؛ چو دریای؛ س: همانند؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، ب، ل، آ) ۳- ف: بهرام (!)؛ متن = ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ب) ۴- ف: بخش (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: بحس (نقطه ندارد)؛ ق، ل<sup>۱</sup> (نیز ل، و، آ، ب)؛ برج: (ل: موج → ج)؛ متن = س<sup>۱</sup> (س، ف، س) ۵- ق: تا قلب آورد گاه؛ ل این بیت را ندارد ۶- ل، ق، ل، س<sup>۱</sup>؛ دیده بان ۷- ل، ق: دوان؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> ۸- ف، س<sup>۱</sup>؛ کز؛ (ل: پ: ز)؛ متن = ل، س، ق، ل<sup>۲</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۹- گویا بیت های ۹۰۵ و ۹۰۶ در لغت دری (ص ۸۰)، لغت فرس (ص ۴۷)، معجم شاهنامه (ص ۲۶) و لغت شاهنامه (شماره ۷۳۸) بدین گونه آمده است:

بیامد دوان (لغت شاهنامه: همی) دیدبان از چکاد  
بنداری: فیما هم کذلک إذ جاء هم الیدیبان یشرهم بطلوع الرابات والأعلام وظهورها من ناحية ایران ۱۰- س، ق، ل، س<sup>۱</sup>؛ نامداران و؛ متن = ف، ل ۱۱- ل: نساژ؛ س: بساژیم؛ ل: نجویم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ق، س<sup>۱</sup> ۱۲- ف: [و] ۱۳- ل، ق، ل، س<sup>۱</sup>؛ دیده بان ۱۴- ل، ق (نیز ل، ق، ل، پ، ل، آ)؛ مرده دادند؛ ل، س<sup>۱</sup>؛ تازه دیدند؛ (و: شاد گشتند؛ آ، ب: هدیه دادند)؛ متن = ف: باره (ص ۸۶۸، ۱۷۹۱)؛ س: بیت های ۹۱۰-۹۱۲ را ندارد؛ بنداری (۹۱۰-۹۱۱)؛ فأفاضوا علی الیدیبان الخلع، ونثروا علیه الذهب والفضة، و أمر طوس برکوب الیزک لحفظ الطرق ۱۵- ل، ل، ل<sup>۱</sup> (نیز ل<sup>۲</sup>)؛ گنبد؛ متن = ف، ق، س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- ل (نیز ل)؛ تارش از (ل: در) جهان؛ ق: نیره از چشم شد؛ (پ: تاره تازنده شد)؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ق: سارنده ۱۷- س: بسزرگان و گردان توران زمین ۱۸- ل، ل، ل<sup>۱</sup>؛ بساژیم؛ متن = ف، س، ق، س<sup>۱</sup> ۱۹- ق: [و] ۲۰- ل: بیاید (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ل: نیاید؛ بنداری: وقال لیران: نستعد للحرب ونجرب الایرانیین ونبصر طرائقهم ۲۱- ق: سواری رود تا بیارد نشان ۲۲- ل (نیز ق)؛ خنیده؛ س (نیز ل، ل، پ، ب)؛ ابا این؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۲۳- س: مردم کشان؛ ق: از آن سرافرازان و گردنکشان؛ س پس از این بیت افزوده است: برآساید از رنج راه دراز هم از تاختن در نشب و سراز

برین <sup>۳</sup> رزمگاه <sup>۱</sup> اندرون باد <sup>۴</sup> که اند <sup>۵</sup> خردمندشاهی ست <sup>۷</sup> با آفرین که او بر سپه سربر <sup>۹</sup> پادشاست	ببینیم کایرانیان <sup>۱</sup> بر چه اند <sup>۲</sup> چنین گفت پیران که خاقان چین بر آن راند امروز دل که ش <sup>۸</sup> هوست
همان ناله‌ی <sup>۱۱</sup> کوس با گره‌نای <sup>۱۲</sup> بیاراست ده را <sup>۱۴</sup> به دیبای چین ز دیبای <sup>۱۵</sup> زربخت پیروزه گون به زرین درای و جرس‌ها و زنگ <sup>۱۹</sup> همه پاک با طوق و با گوشوار چوبازار <sup>۲۱</sup> چین زرد و سرخ <sup>۲۲</sup> و بنفش کزیشان همی بازو <sup>۲۳</sup> خواست بز <sup>۲۴</sup> ز بس رنگ <sup>۲۵</sup> و آرایش نای و کوس <sup>۲۶</sup> هوا پُر شد <sup>۲۸</sup> از ناله‌ی گره‌نای <sup>۲۹</sup> شده روی کشور ز لشکر سیاه	خروشیدن آمد <sup>۱۰</sup> ز پرده‌سرای ۹۲۰ ز <sup>۱۳</sup> پیلان نهادند بر پنج زین ز برجد نشانده به زین اندرون به زرین ستام <sup>۱۶</sup> و جنای <sup>۱۷</sup> پلنگ <sup>۱۸</sup> از <sup>۲۰</sup> افسر سر پیلان پُرنگار هوا شد ز بس پرنیانی درفش ۹۲۵ سپاهی برفت اندر آن دشت رزم زمین شد بگردار چشم خروس برفتند شاهان و <sup>۲۷</sup> لشکر ز جای سنان‌ها درخشان <sup>۳۰</sup> و جوشان سپاه

- ۱- س: ببینم که ایرانیان ۲- ل، ق: چینند؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> ۳- ل، ل، س، ل: بدین؛ متن = ف، ق، س<sup>۱</sup> ۴- س، ل: رزمگاه؛ متن = ف، ل، ق، س<sup>۱</sup> ۵- ق: خود ۶- ل، ق: کیند؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> ۷- ف، س، ل، س: (نیز ق، ل، پ، ب): شاهست (در برخی شاهبست هم میتوان خواند)؛ ق: بزرگ و سپهدار؛ متن = ل (نیز ل، آ، و)؛ ق: پس از این بیت افزوده است:
- خردمند شاهست و گردن‌فرار  
نیاید به رای کس او را نیاز
- ۸- ف: دل کت؛ ق، ل: (نیز ل): کش دل؛ ل (نیز ل): بران (ل: بدان) رفت باید که او را؛ (ق: بدان ره رود کش مراد و)؛ متن = س<sup>۱</sup> (نیز ل، پ، و، ل، آ) ۹- ل: که رای تو بر ما همه؛ متن = ف، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل-ب)؛ س: بیت‌های ۹۱۸-۹۲۰ را ندارد ۱۰- ل: وزان پس برآمد؛ متن = ف، ق، ل، س<sup>۱</sup> ۱۱- ل: خروشیدن؛ ق: ز نالیدن؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۱۲- ف، ل: کرنای؛ متن = ق، ل، س<sup>۱</sup>؛ در ل پس از این بیت، بیت ۹۲۸ آمده است ۱۳- ق: به ۱۴- ل، ق، س: (نیز ل، ب): دیگر؛ (ق: لشکر-دیگر؛ ل: آ: بیاراسته ده)؛ متن = ف، ل: (نیز ل، و، ل، آ، ب) ۱۵- ف: زدینار و (ه: زدیبای)؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز ل-ب)؛ بنداری (۹۱۸-۹۲۱)؛ فقال پیران؛ نحن کلنا تبع للملک متقادون لأمره، فلیفعل ما یرید. فأمر بدق انکوسات، وجاءوا بخمسة من الفيلة وأسر جوها بسروج علی أقدارها، مرصعة بالزبرجد، وغشوها بالدياج المذهب ۱۶- ل: رکب؛ ق: رکاب؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> ۱۷- ف، ق: (نیز ل): جناح؛ ل: جناح؛ س: حناق؛ ل: (نیز ل، پ، و، ب): جناح؛ س: (نیز ل، آ): جناح؛ (ق: حنای)؛ متن = (ل) ۱۸- (ق، ل، آ: خدنگ) ۱۹- ل: جرسهای زنگ؛ س: جرسها ز زنگ؛ ف: به زین اندرون بُد جرس‌ها و زنگ؛ ل: بزین و سیمین جرسهای زنگ؛ س: بزین اندر آویخت ز زینه زنگ؛ (ق: به سیمین دوال و جرسهای زنگ؛ ل: آ: بر آن بر بسته جرسها و زنگ؛ ل: بزین جرسهای و آوای زنگ)؛ متن = ق (نیز ل، و، ل، ب) ۲۰- ف، ل، ق، ل، س: آ: ز؛ متن = س ۲۱- ف: باران (ه: بازار)؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز ل-ب) ۲۲- ل، س، ق، ل: سرخ و زرد؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> ۲۳- ل، ق، س: (نیز ل، ق، ل، آ، ب، و، ل، ن، ب): آرزو؛ ل: یارزد (ه: بارزو)؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۲۴- ق: خاست بزم؛ ل: جست بزم؛ س: از آنسان همی یار برخواست نرم (!) ۲۵- ل، س: زنگ (یا: رنگ)؛ متن = ف، س، ق، ل ۲۶- ل: پیل و کوس؛ س: رنگ و کوس؛ ق: آرایش و بانگ کوس؛ ل، س: آرایش و نای و کوس؛ متن = ف ۲۷- ل، ق: [و] ۲۸- س، ل، س: شدیر؛ متن = ف، ل، ق ۲۹- ف، ل، س: کسرتنای؛ متن = ق، ل، س<sup>۱</sup> ۳۰- س، ق، ل: (نیز پ، ب): درفشان؛ ل (نیز ق، ل): سنان‌های رخشان؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، و، ل، آ)؛ در ل این بیت پس از بیت ۹۱۹ آمده است

<p>سپاه<sup>۲</sup> آنچه<sup>۳</sup> بودش رده برکشید          بی‌آورد گیو اختر کاویان          از ایران سپه<sup>۴</sup> گروه‌ها گروه          چو بیورد و چون شنگل<sup>۵</sup> پیش‌بین<sup>۶</sup>          نه<sup>۷</sup> بر آرزو<sup>۸</sup> پیش دشمن شدند          خروش سواران ایران شنید<sup>۹</sup>،          سواران اسپ‌افکن<sup>۱۰</sup> رزمخواه<sup>۱۱</sup>!          هنرهای<sup>۱۲</sup> مردان<sup>۱۳</sup> نشاید نرفت:          برو اسپ تازد به روز شکار،          هنرهای دشمن کند زیر گرد<sup>۱۴</sup>          به گردی و مردانگی<sup>۱۵</sup> زین نشان          نگیرند یاد اندرین کارگاه<sup>۱۶</sup>          که اکنون چه سازیم ازین<sup>۱۷</sup> دشت کین؟          سپردی و دیدی نشیب و فراز          بباشیم و آسوده گردد سپاه          سرآمد کنون روزگار<sup>۱۸</sup> بیم          نبرده<sup>۱۹</sup> سواران گیتی فروز</p>	<p>چُن<sup>۱</sup> از دور ضوس سپهد بدید          بیستند گردان ایران میان          از آوردگه تا سر تیغ کوه          چو کاموس و منشور<sup>۲</sup> و خاقان چین          نظاره به کوه هم‌اون شدند          چُن<sup>۳</sup> از دور خاقان چین بنگرید          پسند آمدش گفت کاین<sup>۴</sup> سپاه!          سپهدار پیران<sup>۵</sup> دگرگونه گفت:          سپهد سر<sup>۶</sup> چاه پوشد به خار          از آن به که بر خیره روز نبرد          ندیدم سواران<sup>۷</sup> گردنکشان          ورا<sup>۸</sup> گفت پیران کز ایران<sup>۹</sup> سپاه          به پیران چنین گفت خاقان چین          بدو گفت پیران که راهی<sup>۱۰</sup> دراز          بدان تا سه روز اندرین رزمگاه          سپه را کنم<sup>۱۱</sup> زآن سپس به دو<sup>۱۲</sup> نیم          بباشیم<sup>۱۳</sup> شبگیر تا نیم‌روز</p>
--	--

۱- ل. س. ق. ل. : چو: متن = ف. س. ۲- ف. س. ل. ل. (نیز لن. ب. لن. آ): سپه: متن = ل. ق. (نیز ق. ل. ل. ب. و. ب) ۳- ل. ل. آنچه ۴- ل. ق. س. : سپه بود از (ل. ز): ایران: متن = ف. س. ل. ل. ۵- (و: منشور): ق. : چنین گفت کاموس ۶- ل. : بافرین: س. : چو بیورد مکان و ایران زمین (!): ق. : که اکنون چه سازیم بردشت کین (= ۹۴۱ ب): متن = ف. ل. ل. س. (نیز لن. ل. ب. ب) ۷- ف. : چو: متن = ل. س. (نیز لن. ق. ل. ب. ب) ۸- ل. : آرزوی ۹- ف. ل. ل. : چو: متن = س. ۱۰- س. : بدید ۱۱- ف. س. ق. ل. ل. س. (نیز لن. ب): اینست: متن = ل. ۱۲- ل. : رزم‌آور و کینه‌خواه: ق. : شیراوزن کینه‌خواه: ل. : اسپ افکن و رزمخواه: س. : سواران و اسپ افکن و رزمخواه: متن = ف. س. ل. ل. در اینجا سرنویس دارد: آمدن خاقان چین و کاموس بکوه هم‌اون ۱۳- ق. : توران ۱۴- ف. س. : هنرها: متن = ل. ق. ل. ل. س. ۱۵- ل. : دشمن ۱۶- ل. (نیز ل.): سپهدار کوه: متن = ف. س. ق. ل. ل. س. (نیز هشت دستویس دیگر) ۱۷- ق. این بیت را ندارد ۱۸- ل. س. ق. س. : سواران و: متن = ف. ل. (درف به زیر یکم) ۱۹- ق. : مردی یکی ۲۰- س. ق. (نیز لن. ق. ل. ب. و. لن.): مرا: (ب: بدو (در بالا افزوده است: مرا)): متن = ف. ل. ل. ل. س. (نیز ل. آ) ۲۱- ل. س. (نیز لن. ب): اندک: متن = ف. ۲۲- ل. س. (نیز لن. ب): رزمگاه: متن = ف. در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است: بنداری (۹۳۰-۹۴۰): وجاءوا حتی صافوا ضوسا فی جموعه و صفوه ۲۳- ل. بر: س. : زین: ق. : از: متن = ف. ل. ل. س. : بنداری: ثم قال الخاقان لیران: ماتری الآن؟ ۲۴- س. : راه: ل. : کشیدی چنین رنج و راه: متن = ف. ق. س. ل. ل. بیت‌های ۹۴۲-۹۴۴ را ندارد: بنداری (۹۴۲-۹۴۳): فقال: أیها الملک! قد طویت مراحل بعیده. و تحملت تعباً و مشاق کثیرة. وقد أبصرت العدو. و الرأی أن یصرف الملک و یستریح هو و عسکره ثلاثة أيام ۲۵- ق. : کئی ۲۶- ق. (نیز لن. ل. ب): بردو: س. : به: متن = ف. ل. س. (نیز ق.): بنداری: ثم یجعل العسکر قسین ۲۷- ل. س. (نیز لن. ق. ل. ب. و. لن.): روز بیکارو: ق. : روز ناکام و: (ل. : جای تیمار و): متن = ف. س. (نیز ل. آ، ب) ۲۸- ق. : بیایند: س. : بنائیم: (لن. ب: بشازند: ل. : بیایند: و: بیاییم: لن. : بیازند: آ، ب: بتاییم): متن = ل. ل. س. ل. (نیز ق. ل) ۲۹- ل. ل. ل. س. (نیز ق. ل. ل.): نبرد (در ل نقطه ندارد): (ل. ل. آ، ب: بنزد): متن = س. ق. (نیز لن. ب. و): ف این بیت را ندارد



به ژوپین <sup>۱</sup> و خنجر، به گرز و کمان <sup>۲</sup>	همی رزم جوییم <sup>۳</sup> با بدگمان
دگر نیمه‌ی روز <sup>۴</sup> دیگر گروه	بکوشیم <sup>۵</sup> تا شب برآید <sup>۶</sup> ز کوه
شب تیره آسودگان را <sup>۷</sup> به جنگ	بره تا بریشان شود کار <sup>۸</sup> تنگ
نمانم که آزاد گیرند هیچ	سواران ما با سپاه و بسیج <sup>۹</sup>
چنین <sup>۱۰</sup> گفت کاموس کین رای نیست	بدین مولش <sup>۱۱</sup> اندر مرا پای <sup>۱۲</sup> نیست
بدین <sup>۱۳</sup> مایه <sup>۱۴</sup> مرده، بدین <sup>۱۵</sup> گونه جنگ <sup>۱۶</sup>	چرا باید و چیست <sup>۱۷</sup> چندین درنگ؟
بسازم و یکباره <sup>۱۸</sup> جنگ آورم	بریشان <sup>۱۹</sup> در و کوه <sup>۲۰</sup> تنگ آورم
به ایران گذارم از ایدر <sup>۲۱</sup> سپاه	نمانم <sup>۲۲</sup> تخت و نه تاج <sup>۲۳</sup> و نه شاه
بروبوه یکباره <sup>۲۴</sup> بیران <sup>۲۵</sup> کنم	نه جنگ یلان <sup>۲۶</sup> ، جنگ شیران کنم
زن و کودک خرد و <sup>۲۷</sup> پیر و جوان	نه شاه <sup>۲۸</sup> و گنارنگ و نه پهلوان
به ایران نمانم بروبوه و جای	نه کاخ و نه ایوان و نه چارپای
به بد روز چندین چه مایه <sup>۲۹</sup> گذاشت؟	غم و درد بیهوده تیمار <sup>۳۰</sup> داشت؟
یک امشب گشاده مدارید راه	که ایشان برانند ازین <sup>۳۱</sup> رزمگاه
چو باد سپیده‌دمان بردمد <sup>۳۲</sup>	سپه جمله باید که اندرمد <sup>۳۳</sup>
تلی <sup>۳۴</sup> کشته بینی به بالای کوه	تو فردا ز گردان ایران گروه
برآنسان <sup>۳۵</sup> که ایرانیان سربسر	نبینند ازین پس مگر <sup>۳۶</sup> مویه‌گر

۱- ف. ل. س. ق. س. (نیز لن-ب): ژوپین ۲- ل: تیرو کمان؛ ق: گرز گران؛ متن = ف. س. س. ۳- ل. ق: (نیز لن، ق. آ. پ. و. لن): جوییند؛ متن = ف. س. س. س. (نیز لی، آ. ب): ل این بیت را ندارد ۴- ل: دگر نیم روزان؛ ق: بنسیمی دگر روز؛ ل: دگر نیمه راروز؛ س: دگر نیمه از روز؛ (ق: دگر نیمه تا روز)؛ متن = ف. س. (نیز لن، لی، پ-ب) ۵- ل. س. ق: (نیز لن، پ. و. لن، آ): بکوشند؛ (ق: لی: بکوشید)؛ متن = ف. ل. س. (نیز ب) ۶- ق: درآید ۷- ل: آسوده گان را؛ س: شب آسودگان را بیاره ۸- ق: تا شود کار بر خصم ۹- ف: سپاه بسیج؛ س: سوار و بسیج؛ ل: (نیز ل): سواران من با سواران بسیج؛ ق: سواران همی کرد باید بسیج؛ متن = س. ل. (نیز لن، ق. ل. ب. لن، آ. ب): بنداری (۹۴۵-۹۴۹): فیحارب العدو من أول النهار الى وقت الزوال أحد القسمین، و یقاتلهم القسم الآخر بعد الزوال. فانه عند ذلك یضیق علیه الأمر فنهجم علیه فقتل البعض و نساثر البعض ۱۰- ل: بدو ۱۱- س: دانش؛ (ق: گفتن؛ ل: رزه؛ لن: موکش)؛ متن = ف. ل. (نیز لن، ب. ب) ۱۲- ل. ل. (نیز ل): جای؛ متن = ف. س. ق. س. (نیز لن، ق. آ. ب. لن، ب) ۱۳- س: برین ۱۴- ل: گونه ۱۵- ق: بران؛ ل. س: برین ۱۶- ق: کوه سنگ ۱۷- ل: چه باید بدین گونه؛ ق: چرا بایدت جست؛ متن = ف. س. ل. س. ۱۸- ل: بسازم یکبار و ۱۹- ف: وزیشان؛ متن = ل. س. ۲۰- س: دشت ۲۱- ل: زاید؛ س. ق: از آنپس؛ متن = ف. ل. س. (س: نخست داشته است: ازین پس) ۲۲- س: نمانم نه ۲۳- ق: تاج و نه تخت ۲۴- ل: بروبوشان پاک؛ متن = ف. س. ق. ل. س. (نیز لن-ب) ۲۵- ف. ل. س. ق. س. (نیز لن-ب): ویران؛ متن = ل. ۲۶- ق: یلی ۲۷- ق: نه خرد و نه کودک نه ۲۸- ف: [و] ۲۹- ل. ق: (نیز لن، ق. ل. و. لن، ب): باید؛ س: هرگز نباید؛ (لی: چند روزی بیاید؛ آ: چند روزی چه باید؛ ل: بیکروز چندین چه باید)؛ متن = ف. ل. س. (نیز ق. ل. آ. و. ب): درد (ب: رنج) و تیمار بیهوده؛ متن = ف. س. ل. س. (نیز لن، لی، ب. لن، آ) ۳۱- ل: زین؛ در ل بیت های ۹۵۸-۹۶۲ درهم ریخته اند: ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۰، ۹۵۸، ۹۵۹ ۳۲- س: بردمید ۳۳- ل. ق. ل. (نیز لن، ق. ل. ب. آ): اندر چمد؛ س: آید بدید؛ (ل. و. لن: ایدر چمد)؛ متن = ف. س. (نیز ب) ۳۴- س: بسی ۳۵- ل: بدانسان ۳۶- ف: زین پس مگر؛ ل: ازین پس نه بینند جز: س: نشینند ازین پس همه؛ متن = ق. ل. س.

بدو گفت خاقان: جزین<sup>۱</sup> راه نیست  
 همه نامداران برین<sup>۲</sup> هم سخن<sup>۳</sup>  
 برفتند و از<sup>۴</sup> جای برخاستند  
 به گیتی به از جنگ کوتاه نیست  
 که کاموس شیروژن<sup>۵</sup> افگند بن  
 همه شب همی لشکر آراستند

### گفتار اندر رسیدن فربرز کاوس به کوه هماون<sup>۶</sup>

۹۶۵ چو خورشید بر کشور<sup>۷</sup> لاژورد<sup>۸</sup>  
 خروشی<sup>۹</sup> بلند آمد از دیدگاه<sup>۱۰</sup>  
 سپاه<sup>۱۱</sup> آمد و راه نزدیک شد  
 بچنید گودرز از<sup>۱۲</sup> جای خویش  
 سُوی گرد تاریک بنیاد روی  
 پیامد چو نزدیک ایشان رسید  
 که او بود از ایرانیان<sup>۱۳</sup> پیشرو  
 پیاده شد از اسپ گودرز پیر  
 گرفتند مر یکدگر را کنار  
 فربرز گفت: ای سپهبد<sup>۱۴</sup> پیر  
 ز کین سیاوش تو داری زیان  
 ازیشان ترا مزد بسیار باد!

سر پرده‌یی زد ز دیای زرد،  
 به گودرز کای پهلوان سپاه.  
 ز گرد سپه روز تاریک شد  
 بیاورد پوینده<sup>۱۵</sup> بالای خویش  
 همی شد خلیده دل و راهجوی  
 درفش سپهبد فربرز<sup>۱۶</sup> دید  
 پسندیده و خویش<sup>۱۷</sup> سالار نو  
 همان<sup>۱۸</sup> لشکر افروز دانش پذیر  
 بیارید گودرز خون بر کنار<sup>۱۹</sup>  
 همیشه به جنگ اندری ناگزیر  
 دریغ آن<sup>۲۰</sup> سواران گودرز یان  
 سر بخت دشمن نگوسار<sup>۲۱</sup> باد!

۱- س: خاقان چین؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فقال خاقان: الرأی ما راه کاموس ۲- ل: بدین ۳- ل: س: یک سخن: متن = ف. ل. س. ق (نیز ل-ب) ۴- ل. س. س: شیروژن؛ ق: ل: شیرافکن؛ متن = ف ۵- ف- ل: روز؛ متن = س: ۶- ف: گفتار اندر رسیدن فربرز کاموس (!) بکوه هماون نزدیک گودرز و طوس و مزده دادن با آمدن رستم از پس او؛ س: رسیدن فربرز بکوه هماون بنزد ایرانیان؛ ق: رسیدن فربرز بیاری لشکر ایران؛ ل: س: آمدن فربرز و رستم بمدد ایرانیان (ل: بکوه)؛ متن = آغاز ف ۷- ل. س (نیز ق! و): گنبد؛ متن = ف. ق. ل: س: (نیز ل. ل. ل. ب. ل. آ. ب) ۸- ف. س. ق. ل: س: (نیز ل. ق. ل. ل. ل. آ. ب): لاجورد؛ متن = ل (نیز ب. و) ۹- ل: خروش ۱۰- ل. ق. س: دیده گاه ۱۱- ف: سباس (!)؛ متن = ل- س: (نیز ل-ب): بنداری: فجاء الیدیبان صیحة الغدالی جودرز، و بشره بقرب العکر الواصل من ناحية ایران ۱۲- س. ل: س: بر: متن = ف. ل. ق ۱۳- ف: پیوند و (پوینده)؛ متن = ل- س: (نیز ل-ب)؛ س: پس از این بیت افزوده است:

از ایران سپه بیکری مهر چهر  
 همی باز دانیش از بر و مهر (!)  
 چو بشنید گودرز دلشاد گشت  
 همان چنبری سروش آزاد گشت

۱۴- ل (نیز ق!، ل. آ): فربرز کاوس؛ متن = ف. س. ق. ل: س: (نیز ل. ل. ب. و. ل. آ. ب): بنداری: فلما خالطه رأی فرسان أهل ایران مقبلین، و رأی فری برز بن کیکاوس فداد العکر ۱۵- ل. ق (نیز ق!): بُد به (ق: ز) ایران سپه؛ ل: س: (نیز ل. ب. و. ل. آ): بود از ایران سپه؛ س: که بود او از ایران سپه؛ متن = ف (نیز ل. ل. آ. ب) ۱۶- ف (نیز ق!، آ): پسندیده خویش و؛ متن = ل- س: (نیز هفت دستویس دیگر) ۱۷- ل: همه ۱۸- (ل: در کنار): ل: خروشی برآمد ز هر دو بزار؛ ق: جهاننیده گودرز شد اشکبار؛ متن = ف. س. ل: س: (نیز هشت دستویس دیگر)؛ ف: پس از این بیت افزوده است:

ز هفتاد خون گرامی پسر  
 فکنده بر آن رزمگه سر بر

بنداری: فترجل له و تعانقا فعزاه فری برز عن اولاده و سابه ۱۹- ق: سرافراز ۲۰- ل: دریغا ۲۱- ل- س: (نیز ل-ب): نگوسار؛ متن = ف

- ۹۸۰ سپاس از خداوند خورشید و ماه  
ازیشان ببارید گودرز خون  
بدو گفت: بنگر که از بخت بد  
ازین<sup>۲</sup> جنگ پور و نبیره نماند
- ۹۸۵ فرامشت شد<sup>۴</sup> کار آن کارزار  
سپاهست چندان<sup>۵</sup> برین دشت و راغ  
همه لشکر طوس با این<sup>۶</sup> سپاه  
ز چین و ز سقلاب و هند و ز روم<sup>۱</sup>  
همانا نماندهست یک جانور  
کنون تا نگوئی که رستم کجاست  
فریرز گفت: او پس از من<sup>۱۲</sup> ز جای  
شب تیره را تا سپیده دمان  
کنون من کجا گیرم آرامگاه؟  
بدو گفت گودرز: رستم چه گفت؟  
فریرز گفت: ای گرانمایه<sup>۱۵</sup> مرد  
بباشید - گفت - اندران<sup>۱۶</sup> رزمگاه  
بباید بر آن<sup>۱۷</sup> رزمگاه آرمید  
برفت او<sup>۱۹</sup> و گودرز با او برفت  
چو لشکر پدید آمد از دیدگاه<sup>۲۱</sup>
- که دیدم ترا زنده بر جایگاه  
که بودند خفته به خاک اندرون  
همی هر زمان بر سرم<sup>۱</sup> بد رسد  
سپاه و درفش و<sup>۲</sup> تیره نماند  
کنونست رزم و کنونست کار  
که روی<sup>۶</sup> زمین گشت چون پر زاغ  
چو ابری سپاهست بر چرخ ماه<sup>۸</sup>  
ز ویران گیتی و آبادبوم،  
مگر<sup>۱</sup> بسته بر جنگ ما بر<sup>۱۱</sup> کمر  
ز غمها نگرده مرا پشت راست  
بیامد، نبودش جز از رزم رای  
بباید، نجوید به رهبر<sup>۱۳</sup> زمان  
کجا رانم این خوارمایه سپاه؟  
که گفتار او را نشاید نهفت<sup>۱۴</sup>  
تهمن نفرمود ما را نبرد  
نباید شدن پیش روی سپاه  
یکی<sup>۱۸</sup> تا درفش من آید پدید  
به راه هماون خرامید<sup>۲۰</sup> تفت  
بشد دیدبان<sup>۲۲</sup> پیش توران سپاه

۱- ل، ق: بر سرم هر زمان؛ س: بر سرم بی گمان؛ متن = ف، ل، س<sup>۲</sup> ۲- ل: درین ۳- ل: [و] ۴- ل، ق: (نیز ل، ب): فراموش شد؛ س (نیز ل، ل، پ، لن، آ): فراموش شدم؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ق، آ، و) ۵- س: چندین ۶- س: روشن؛ ل، س<sup>۲</sup> این بیت را ندارند ۷- ق: آن ۸- س<sup>۲</sup> (نیز ل، آ): چرخ و ماه؛ (و: در برج ماه)؛ ل: چوتیره شبانست با نور ماه؛ ق: چوپریست از مرغ در چرخ ماه؛ (ل: چو گاوی سپاهست و موی سپاه)؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ق، پ، لن، آ، ب)؛ بنداری: إن جمیع عساكر طوس بالنسبة اليهم كشمرة بیضاء فی جلد بقرة سواده (س ل ۳) ۹- ل، س، ق: وز هند و روم؛ ل، س<sup>۱</sup>: ز چین و ز هند و ز سقلاب و روم؛ متن = ف ۱۰- ف، ل، س<sup>۲</sup>: همه؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ق، ل، پ-ب)؛ بنداری: و كأنهم ما خلوا من بلاد الصين و سقلاب و الهند و الروم ذا روح إلا وقد أتوا به إلینا ۱۱- ق: ایران ۱۲- ل (نیز ل<sup>۲</sup>): از پس من؛ س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، پ، لن، آ، ب): او پس من؛ (ق: گفتا پس من)؛ متن = ف، س<sup>۲</sup> (نیز و) ۱۳- ل، س: بره بر نجوید؛ متن = ف، ق، ل، س<sup>۲</sup> ۱۴- درس<sup>۱</sup> بیت های ۹۹۰-۹۹۳ درهم ریخته اند: ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳ ۱۵- ل، ق، س<sup>۲</sup>: جهان دیده؛ متن = ف، س، ل<sup>۲</sup> ۱۶- س: اندرین ۱۷- ل، س، ق، ل: بدان؛ متن = ف، س<sup>۲</sup> ۱۸- س<sup>۲</sup>: همی رفت ۱۹- س: همی رفت ۲۰- ل، س<sup>۲</sup>: خرامید و ۲۱- ل، ل، س<sup>۲</sup>: دیده گاه؛ ق: رزمگاه؛ متن = ف، س ۲۲- ل، ق، ل، س<sup>۲</sup>: دیده بان؛ متن = ف، س، ف، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، پ، لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

که بر جنگ بندید یکسر میان

ل، س، ق (نیز ق، ل، و، ب) این بیت را ندارند؛ بنداری (۹۹۵-۹۹۶): فلما رأى دیدبان التورانية ورباياهم العسكر الذى جاء من صوب ایران، وانضوى الى أصحاب طوس أخيراً ویران بوصول المدد من صوب ایران

کز ایران یکی لشکر آمد به دشت<sup>۱</sup> سپهد بشد<sup>۲</sup> پیش خاقان چین بینم که چندست و<sup>۳</sup> سالار کیست بدو گفت کاموس جنگ آزمای<sup>۴</sup>: بزرگان درگاه افراسیاب، ۱۰۰۰ تو دانی<sup>۵</sup> چه کردی بدین<sup>۶</sup> پنج ماه کون چون زمین سربسر لشکرست، بمان تا هنرها کنیم آشکار گراز کاو<sup>۷</sup> و زاو<sup>۸</sup> و مای<sup>۹</sup> و هند ۱۰۰۵ همانا به تنها تن من نه اند<sup>۱۰</sup> تو ترسانی از رستم نامدار گرش یک زمان<sup>۱۱</sup> اندرآرم به دام تو از لشکر سیستان خسته می یکی بار<sup>۱۲</sup> دست من اندر نبرد بدانی که اندر جهان مرد کیست بدو گفت پیران کانشه<sup>۱۳</sup> بدی! به پیران چنین گفت خاقان چین به کردار پیش آورد هرچه<sup>۱۴</sup> گفت

و زآن روی<sup>۱۵</sup> سوی هماون گذشت<sup>۱۶</sup> که آمد سپاهی از<sup>۱۷</sup> ایران زمین چه سازم و درمان این کار چیست به<sup>۱۸</sup> جایی که مهر تو باشی به جای<sup>۱۹</sup>، سپاهی بکردار دریای آب، برین<sup>۲۰</sup> دشت با خوارمایه سپاه، چو خاقان<sup>۲۱</sup> و منشور<sup>۲۲</sup> و چون من سرست<sup>۲۳</sup>، برین<sup>۲۴</sup> دشت با لشکر نامدار<sup>۲۵</sup> شود روی گیتی چو چینی<sup>۲۶</sup> پرنده، نگویی که ایرانیان خود چه اند<sup>۲۷</sup> نخستین ازو من<sup>۲۸</sup> برآرم دمار غنم که ماند به گیتیش نام دژ خویش در خستگان<sup>۲۹</sup> بسته می نگه کن که برخیزد از دشت گرد دلیران کدامند و پیگار چیست همیشه ز تو دور دست بدی! که کاموس را راه دادی به کین که با کوه یارست و با پیل جفت

۱-س: پدید ۲-ل: از آن روی؛ ق: وزانپس ۳-س: شد از گرد لشکر زمین ناپدید ۴-س: از ایدر شوم ۵-ل، ل: ۶-ل: ندانیم چندست و؛ ق: شوم تا بینم که؛ ل، ل: س: چو بینم که چندست و؛ (ق، ل، و، ب: ندانم که چندست و)؛ متن = ف، س (نیز ل، ب، ل، ن، آ)؛ بنداری (۹۹۷-۹۹۸): و رکب مذعورا الی الخاقان، وأعلمه بأن طوسا قد جاءه مدد من عساكر ایران، وأنه بعد لا يعرف مقدار عددهم ولا من المقدم عليهم ۷-ل: رزم آزمای ۸-ق، س: که ۹-ل، ق: بیای؛ متن = ف، س، ل، س: ۱۰-ق: باری ۱۱-س، ق: درین ۱۲-س، ق: بدین؛ ل: درین؛ بنداری (۹۹۹-۱۰۰۱): فقال له کاموس: قلدك افراسیاب سالاریه جیشه، و سیر تحت رایتك جمیع عسکره، فا الذی كان بك حتى أقت فی هذه الناحیه خمه أشهر تدور من جانب الی جانب لا تناجز عدوك. ولا تجد فی قتاله؟ ۱۳-س: کاموس (!) ۱۴- (و: منشور) ۱۵-ل: كنداورست ۱۶-ق: بدین ۱۷-ق: بی شمار؛ متن = ف، ل، س: س: بیت های ۱۰۰۳-۱۰۰۵ را ندارد؛ ل (نیز ل-ب) بجای بیت ۱۰۰۳ و ق، ل، س: پس از آن افزوده اند: بمان تا (ق، ل، ل، س: بمردی) هنرها پدید آورم  
ف این بیت را ندارد؛ بنداری (۱۰۰۲-۱۰۰۳): والآن حين امتلأت الأرض بالعساكر وأنجحك الخاقان والمنثور وغيرها من ملوك الأطراف ووجه الأجداد والأجداد فاصبر ولا تفلق حتى يفتح ما أغلقته من الأمر ۱۸-ف، ل، ق، ل، س: (نیز ل-ب، بنداری): كابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹-ل، ق، ل، س: (نیز ل-ب، بنداری): زابل؛ متن = ف ۲۰-ل، ل، ل: ما ۲۱-ل، ل، رومی؛ ق: روی؛ متن = ف، س: ۲۲-ل، ل، س: نیند؛ متن = ف، ق ۲۳-ل، س: کیند؛ ق، ل: که اند؛ متن = ف ۲۴-ق: من از روی ۲۵-ق: بیینی که سرش ۲۶-ل، ق (نیز ل، ل، پ، ل، ن): جنگشان؛ (ل، آ، ب: خستگی)؛ متن = ف، ل، س: (نیز ق، و)؛ س: بیت های ۱۰۰۸-۱۰۱۰ را ندارد ۲۷-ق: بدین بار؛ (ق، ل: یک انبار) ۲۸-س، ق، ل: که نوشه؛ متن = ف، ل، س: در اینجا سرنویس دارد: آگاهی یافتن تورانیان از مدد رسیدن ایرانیان ۲۹-ل، س (نیز ل): هرچ؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیز ق-ب)

<p>دل جنگ‌جویان چُنین بد مکن! برآرمِ گرد از نشیب و فراز فرستمِ نزدیک<sup>۲</sup> افراسیاب و زیشان فراوان بریده<sup>۳</sup> سران نه شاه و نه گاه<sup>۴</sup> و نه تاج و نه تخت بر آن نامداران و خاقانِ چین برفتند گردان هم اندر زمان بزرگان و شیران روز نبرد<sup>۵</sup> یکی پیشرو با درفشی سیاه برفت و بیامد هم اندر زمان سُواری<sup>۶</sup> سرافراز<sup>۱</sup> خسروپرست دم او برین زهر تریاک نیست همی پیلتن را ندارد به مرد، و گر چند<sup>۱۲</sup> کاموس گردد<sup>۱۳</sup> نهنگ فریبرز را خاک و خون<sup>۱۵</sup> ایدرست شدم دور<sup>۱۷</sup> و بیزارم از هور و ماه<sup>۱۸</sup> خرامید و آمد بدین<sup>۲۰</sup> رزمگاه، برآمد یکی از دلم<sup>۲۳</sup> بادِ سرد چرا باید از طوس و رستم گریست؟ میان اندرون باد را نیست راه<sup>۲۴</sup> ز کیخسرو و طوس و رستم چه باک سوی خیمه‌ی خویش جستند<sup>۲۶</sup> راه</p>	<p>از ایرانیان نیست چندین سَخُن به ایران نمانیم یک<sup>۱</sup> سرفراز هر آنکس که هستند با جاه و آب همه پای کرده به بند گران به ایران نمانیم برگِ درخت بخندید پیران و کرد آفرین به لشکرگه آمد شده<sup>۵</sup> شادمان چو هومان و لَهاک و فرشیدورد بگفتند کامد از<sup>۷</sup> ایران سپاه ز کارآگهان نامداری دمان فریبرزِ کاوس گویند<sup>۸</sup> هست چو رستم نباشد ازو باک نیست ابا آنک کاموس روز نبرد مبادا که او ایدر آید<sup>۱۱</sup> به جنگ نه رستم، نه از سیستان لشکرست<sup>۱۴</sup> چُنین گفت پیران که از تختگاه<sup>۱۶</sup> که چون<sup>۱۹</sup> من شنیدم کز ایران سپاه بشد<sup>۲۱</sup> جان و مغز و سرم<sup>۲۲</sup> پُر ز درد بدو گفت گلباد کین درد چیست؟ ز بس گرز و شمشیر و پیل و سپاه چه ایرانیان پیش ما در، چه خاک پراگنده گشتند از آن<sup>۲۵</sup> جایگاه</p>
--	--

۱- ق، س: نمانم یکی ۲- س: بیندم فرستم به ۳- ل: فکنده فراوان؛ ق، ل: بریده فراوان؛ متن = ف، س، س، س<sup>۱</sup> ۴- ل: نه گاه و نه شاه؛ س: نه شاخ و نه کاخ؛ متن = ف، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۵- ل: دلی؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل-ب) ۶- درس بیت ۱۰۲۱ با بیت ۱۰۲۴ پس و پیش شده است ۷- ل، ق، س: ز ۸- س، ق: گوید که ۹- ل، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، ب-ب): سپاهی؛ (ل: سپاه)؛ متن = ف، س (نیز ق<sup>۱</sup>) ۱۰- ل: سرافرازو؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل-ب) ۱۱- ل: آید ایدر ۱۲- ل: جنگ؛ (ق، ل، ل، ب: جنگ)؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، ب، و ل، ل، آ) ۱۳- ق: باشد ۱۴- ق: چو او نیست اگر چه بسی لشکرست ۱۵- ف: خاک خود؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز ل-ب) ۱۶- ل-س<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>-ب): تخت و گاه؛ متن = ف (نیز ل): تخت گاه ۱۷- ل (نیز ل، و): سیر؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۸- ل: تاج و گاه ۱۹- ل: چو ۲۰- س: برین ۲۱- ف، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>): که شد (؟)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، و ل، ل، آ، ب) ۲۲- ل، ق، ل (نیز ل، ق، ل، ب): مغز سرم؛ س (نیز ل، آ): مغز و دلم؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> (نیز و) ۲۳- س: برآوردم از دل یکی ۲۴- درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۵- ل: زان ۲۶- ل، س: کردند؛ متن = ف، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup>

۱۰۴۰ وُزآن<sup>۱</sup> پس چو آگاهی آمد به<sup>۲</sup> طوس  
 از ایران بیامد گو پیلتن  
 بفرمود تا برکشیدند کوس  
 ز کوه هماون برآمد خروش  
 سپهبد بریشان زبان برگشاد  
 که با دیو در جنگ رستم چه کرد  
 سپاه آفرین خواند بر پهلوان  
 بدین مژده گر دیده خواهی رواست<sup>۹</sup>  
 کنون چون تهمتن بیاید به جنگ  
 یکایک برین<sup>۱۱</sup> کوه رزمی کنیم  
 ۱۰۴۵ درفش سرافرازخاقان و تاج  
 همان افسر پیل بانان به زر  
 همان زنگ زرین و زرین جرس  
 همان چتر کز<sup>۱۶</sup> دُم<sup>۱۷</sup> طاوس نر  
 ۱۰۵۰ جزین نیز چندی<sup>۱۹</sup> به چنگ آورم  
 به لشکر چنین گفت بیدارطوس  
 همه دامن کوه پُر لشکرست  
 چو رستم بیاید نکوهش کند  
 که شد روی کشور پرآوای<sup>۳</sup> کوس<sup>۴</sup>،  
 فربرز کاوس و آن<sup>۵</sup> انجمن،  
 ز گرد سپه کوه گشت<sup>۶</sup> آبنوس  
 زمین آمد از بانگ<sup>۷</sup> اسپان به جوش  
 ز مازندران کرد بسیار یاد  
 بریشان چه آورد روز نبرد<sup>۸</sup>  
 که بیداردل باش و روشن روان  
 که این مژده آرایش جان ماست  
 ندارند با این سپه پا ننگ<sup>۱۰</sup>  
 که این ننگ از ایرانیان بفرگیم  
 سپرهای<sup>۱۲</sup> زرین و آن<sup>۱۳</sup> تخت عاج،  
 سینانهای<sup>۱۴</sup> زرین و زرین کمر<sup>۱۵</sup>،  
 که اندر جهان آن ندیده است کس،  
 برو بافته ستند چندان<sup>۱۸</sup> گهر،  
 چو جان را بکوشیم و<sup>۲۰</sup> جنگ آورم  
 که هم پُر<sup>۲۱</sup> هراسیم و هم پُر<sup>۲۲</sup> فسوس  
 سر نامداران به بند<sup>۲۳</sup> اندرست  
 مگر<sup>۲۴</sup> کین سخن را پژوهش کند،

۱- ل: از آن ۲- ل: ز ۳- س: آواز ۴- ق: که گرد سپه کوه کرد آبنوس (= ۱۰۳۸ ب)؛ ف، ل: در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر شدن رستم بنزدیک گودرز و طوس و لشکر ایرانیان و شادی کردن ایشان و احوال گفتن به رستم زال؛ ل: آگاهی یافتن طوس از آمدن رستم ۵- ف، س: از آن؛ س (نیز ق، و): [و] با؛ متن = ل (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ ق، ل: این بیت را ندارند ۶- ق: کرد؛ س: شد؛ ل: این بیت را ندارد؛ ق ۱۰۳۶- ۱۰۳۸ آرا انداخته و از ۱۰۳۶ و ۱۰۳۸ ب یک بیت ساخته است ۷- ف: پای؛ ق (نیز ل): نعل؛ متن = ل، س، ل، س؛ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۸- ق: پس از این بیت افزوده است:

ز اخبار خسرو بخواند او خبر

که مژده شما را همه سربر

۹- ف: تراست؛ متن = ل- س (نیز ل- ب) ۱۰- ل: با ننگ؛ ل، س، ق، س (نیز ل- ب): پای (ل: با (نقطه ندارد)؛ ل: پا؛ و: یا) این سپه با ننگ (س، ق: بی درنگ؛ و: با پلنگ)؛ متن = ف ۱۱- ل: بران؛ س: از آن ۱۲- ف: سپرها ۱۳- س: این ۱۴- ق: همان خود ۱۵- س: سپر؛ ف این بیت را ندارد ۱۶- س: از؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز ل- ب) ۱۷- (ق: پر؛ ل، آ: دنب) ۱۸- ق: چندین؛ س: بافته چند گونه ۱۹- ل: چیزی؛ س: چندان؛ متن = ف، ل، س، ق ۲۰- ف (نیز ل): [و]؛ ق: ز جانرا بشوریم؛ متن = ل، س، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۱- ل، ل، ق، ل (نیز ق، ل، ل، و، ل، ل، آ، ب): با؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل- ب) ۲۲- ل، ق (نیز ق، ل، ل، و، ل، ل، آ، ب): با؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ل- ب) ۲۳- س، ق (نیز ل- ب، ل، ل، آ، ب): دام؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز و) ۲۴- ق: وگر

۱۰۵۵ که چون مرغ پی‌خسته<sup>۱</sup> بودم<sup>۲</sup> به دام؟ سپهبد همان بود و لشکر همان  
[یکی حمله آرام چون شیر نر  
سپه گفت کین برتری خود مجوی  
ازین<sup>۶</sup> کوه کس پیشتر نگذرد  
بیاشیم بر<sup>۷</sup> پیش رستم<sup>۸</sup> به پای  
۱۰۶۰ به فرمان دارنده‌ی هور و ماه  
چه داری به بد<sup>۱۱</sup> اختر خویش را  
به شادی ز گردان ایران‌گروه

همه کار ناکام و هم مانده خام<sup>۳</sup>؟  
کسی را ندیدم ز گردان دمان<sup>۴</sup>  
شوند از بُن کُهِ مگر زاستر<sup>۵</sup>]  
سَخُن زین نشان هیچ‌گونه مگوی  
مگر رستم این رزمگه بنگرد  
که اویست<sup>۹</sup> بر نیک‌وبد<sup>۱۰</sup> رهنمای  
تهمن بیاید بدین رزمگاه  
درم بخش و دینار درویش را  
خروشیدن آمد<sup>۱۲</sup> ز بالای کوه

### گفتار اندر رزم کاموس با ایرانیان<sup>۱۳</sup>

۱۰۶۵ چو خورشید زد پنجه بر پشت گاو  
ز درگاه کاموس برخاست عَو  
سپاه انجمن کرد و جوشن بداد  
زره<sup>۱۷</sup> بود بر تَش<sup>۱۸</sup> پیراهنش  
ز گردنکشان لشکری برگزید  
ز دیده به دیده<sup>۲۰</sup> ز گرد سپاه  
به ایران خروش آمد از دیدگاه<sup>۲۱</sup>  
درفش سپهبد گو پیلتن ۱۰۷۰

ز هامون برآمد خروش چکاوا<sup>۱۴</sup>،  
که او بود اسپ‌افکن و<sup>۱۵</sup> پیشرو  
دلش پر ز رزم و سرش<sup>۱۶</sup> پُر ز باد  
کله ترگ بود و قبا جوشنش  
ز<sup>۱۹</sup> دیا و آهن شده ناپدید  
ز شمشر و جوشن ندیدند راه  
کزین روی تنگ اندر آمد سپاه  
پدید آمد اندر سر<sup>۲۲</sup> انجمن

۱- ل (نیزو): پیچیده؛ ق (نیزل<sup>۲</sup>): پرکنده؛ (ق<sup>۱</sup>): که چون بی پروبال؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۲</sup> (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب) ۲- س (نیز  
ق<sup>۱</sup>، لی، پ، آ): مانده؛ ق (نیزل<sup>۳</sup>، ب): بودی؛ (لن، پ: مانده؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۲</sup> (نیزو) ۳- ل، ق (نیزلن، ق<sup>۱</sup>، ل، پ، و لن<sup>۴</sup>): و  
پیکار خام؛ ل<sup>۱</sup>: و هم کارخام؛ س: همه کارها خام و هم ناتمام؛ متن = ف، س<sup>۲</sup> (نیزلی، آ، ب) ۴- ل: زمان ۵- (لی، آ): از آنسو مگر؛  
پ، لن<sup>۱</sup>: زان سر مگر؛ لن: کنند از بن کوه زانسو گذر؛ و: شوم از بن که مگر زیرتر؛ متن = ل؛ ف، س، ق، ل، س<sup>۲</sup> (نیزق<sup>۱</sup>، ل، آ، ب) این بیت  
را ندارند ۶- ل: کزین ۷- ق: در ۸- س: رستم ۹- ف: او هست؛ متن = ل- س<sup>۲</sup> (نیزلن- ب) ۱۰- ل، س: بر  
نیکویی؛ متن = ف، ق، ل، س<sup>۲</sup> (نیزلن- ب) ۱۱- ل (نیزل<sup>۳</sup>): دژم؛ (لن، پ، لن، ب: بلند؛ ق<sup>۱</sup>: نژند؛ ق: چو دیدی بلند؛ متن = ف،  
س، ل، س<sup>۲</sup> (نیزلی، و آ)؛ درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲- ل: خروشی برآمد؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۲</sup>؛  
بنداری ۱۰۱۱-۱۰۶۲ را ندارد ۱۳- ل: رزم کاموس با ایرانیان؛ ق: رزم جستن کاموس کشانی از ایرانیان؛ ل: آمدن کاموس کشانی به  
جنگ ایرانیان؛ س<sup>۲</sup>: رزم کردن کاموس با ایرانیان؛ متن = ل ۱۴- ف، ل، س، ق، س<sup>۲</sup> (نیزلن، ق<sup>۱</sup>، لی، ل، و لن، آ، ب): جکاوا؛ متن =  
ل<sup>۲</sup> (نیزپ) ۱۵- ل: [و] ۱۶- ق: دلی پر ز رزم و سری ۱۷- ف، س: رزه (د داستان فرود، بیت ۸۶۵) ۱۸- ل، س، ق  
(نیزق<sup>۱</sup>، و): در زیر؛ ل<sup>۲</sup> (نیزل<sup>۳</sup>، لن<sup>۴</sup>): برپیش (بر تَش)؛ متن = ف، س<sup>۲</sup> (نیزلن، لی، پ، آ، ب) ۱۹- ق: به؛  
ل این بیت را ندارد ۲۰- ق: ز دریا بدریا؛ ل این بیت را ندارد ۲۱- ل، ق، ل، س<sup>۲</sup>: دیده‌گاه ۲۲-  
ل: آمد از دور با؛ ق: آمدست از پس؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۲</sup>؛ در س<sup>۲</sup> این بیت با بیت سپین پس و پیش شده  
است

و زان روی گیتی<sup>۲</sup> ز توران سپاه  
 سپهد سوارى چو یک لخت کوه  
 یکی گرز همچون سر گاو میش  
 همی جوشده آن گرز از آن یال و کفت  
 ۱۰۷۵ و زین<sup>۸</sup> روی ایران سپهدار طوس  
 خروشیدن دیدبان<sup>۱۱</sup> پهلوان  
 بنزدیک<sup>۱۲</sup> گودرز گشواد<sup>۱۳</sup> تفت  
 که توران سپه سوی جنگ آمدند  
 تو آن کن که از گوهر تو سزاست  
 ۱۰۸۰ که گرد تهمتن برآمد ز راه  
 فریبرز با اشکری<sup>۱۵</sup> گرد نیو  
 بر<sup>۱۶</sup> کوه اشکر بیاراستند  
 چو با میسره راست شد میمه  
 برآمد خروشیدن گره نای<sup>۱۸</sup>  
 ۱۰۸۵ چو کاموس تنگ اندر آمد به جنگ  
 سپه را بکردار دریای آب  
 بیاورد و پیش هماون<sup>۲۱</sup> رسید  
 چو نزدیک شد سر سوی کوه کرد  
 که ایرانیان را گه کارزار  
 ۱۰۹۰ کنون لشکری تیغ<sup>۲۳</sup> گنداورست

هوا گشت برسان ابر سیاه  
 زمین گشته از نعل اسپش<sup>۳</sup> ستوه  
 سپاه از پس و نیزه داران ز<sup>۴</sup> پیش  
 سزد گر بانی بدو<sup>۶</sup> در شگفت  
 به ابر اندر آورده<sup>۹</sup> آوای<sup>۱۰</sup> کوس  
 چو بشنید شد شاد و روشن روان  
 سوارى به نژد فریبرز رفت  
 رده برکشیدند و تنگ آمدند  
 که تو مهتری و پدر پادشاست  
 هم اکنون بیاید بدین<sup>۱۱</sup> رزمگاه  
 بیاید پیوست با طوس و گیو  
 درفش خجسته پیراستند  
 همان ساقه و قلب و جای<sup>۱۷</sup> بته،  
 سپه چون سپهر اندر آمد ز جای  
 به هامون نبودش فراوان<sup>۱۹</sup> درنگ  
 که کشتی بدو اندر آید به خواب<sup>۲۰</sup>،  
 هوا نیلگون شد، زمین زاپدید  
 پُر از خنده رخ سوی انبوه کرد  
 هماورد زامرد<sup>۲۲</sup> بودی به کار  
 نه پیران و هومان و آن اشکرست

۱- ل. ق. س.؛ وزین؛ متن = ف. س. ل. ۲- ل. (نیزو)؛ دیگر؛ (ل. هامون)؛ متن = ف. س. ق. ل. س. (نیزلن. ق. ب. ل. ن.)؛ درس  
 لت های این بیت پس و پیش شده اند ۳- س. گرد پیلان؛ ق. سه اسپش؛ متن = ف. ل. ل. ل. س. ۴- ل. نامدارانش؛ س. ق. (نیزلن.  
 ل. ب. ل. ن. آ.)؛ نیزه دارانش؛ متن = ف. ل. ل. س. (نیزق. و. ب) ۵- س.؛ کوشد ۶- ل. از گرز آن؛ ق. از گرز او؛ متن = ف. س.  
 ل. س. ۷- ل. ازو ۸- ق. وزابین ۹- ل. س. (نیزلن. ق. ل. و. ل. ن. ب.)؛ آورد؛ متن = ف. (نیزلی. ب. آ) ۱۰- ق.  
 آواز ۱۱- ل. ل. س.؛ دیده بان؛ ق. این بیت را ندارد؛ س. در اینجا سرنویس دارد؛ آمدن دیدبان بنزد طوس و مؤذنه دادن از آمدن  
 رسته ۱۲- ل. ل. (نیزو)؛ ز نزدیک؛ (ل. همرنگاه)؛ متن = ف. س. س. (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۳- ق. بنزدیکی گیو و  
 گودرز ۱۴- س.؛ برین ۱۵- س. ل. س.؛ لشکر؛ متن = ف. ل. ق. ۱۶- س. بر آن ۱۷- ل. ل. س.؛ ساقه و جایگاه؛ متن =  
 ف. ل. ق.؛ س. این بیت را ندارد ۱۸- ف. ل. س.؛ کزنای؛ متن = ق. ل. ل. س. ۱۹- س. ق. (نیزلن. و. آ. ب.)؛ زمانی؛ ل. زمانی  
 نبودش؛ متن = ف. ل. ل. س. ۲۰- ف. س. ل. (نیزق. ل. و. آ. ب.)؛ که از که برود اندر آید بخواب (س. ل. آ. ب. ق. و. شتاب)؛ ل.  
 که از کوه سیل اندر آید شتاب؛ ق. که کشتی در آید بدو در شتاب؛ (ل.؛ که کشتی برود اندر آید شتاب)؛ متن = س. (نیزلن. ب.  
 ل. ن.) ۲۱- س.؛ تهمتن (!) ۲۲- س. ق.؛ سامرد (نقظه ندارد)؛ ل. (نیزو)؛ ناورد؛ (ل. ل. ب. ل. ن. آ. ب. بامرد؛ ق.؛ لرمرد)؛ متن =  
 ف. س.؛ ل. این بیت را ندارد ۲۳- س. ق. (نیزلن. ل. ن.)؛ گش؛ س. (نیزق. ن.)؛ نیزو؛ ل. که این لشکری گش و؛ متن = ف. ل. (نیزلی. ب.  
 و. ل. ن. آ. ب.)



که دارید<sup>۱</sup> از ایران سپه<sup>۲</sup> جنگجوی<sup>۳</sup>؟  
 بینند<sup>۴</sup> بالای<sup>۵</sup> و بُرز مرا  
 چو بشنید گیو این<sup>۶</sup> سَخُن بردمید  
 چو نزدیک تر شد به کاموس، گفت  
 کمان برکشید و به زه بر نهاد  
 ۱۰۹۵ به کاموس بر تیرباران گرفت  
 چو کاموس دست و<sup>۱۳</sup> گشادش بدید  
 به نیزه درآمد بکردارِ گرگ<sup>۱۴</sup>  
 [چو آمد بنزدیک بدخواه او  
 چو شد گیو جنبان به زین اندرون  
 ۱۱۰۰ سبک تیغ را برکشید از نیام  
 به پیش سوار اندرآمد دژم  
 ز قلب سپه طوس چون بنگرید  
 بدانست کو مرد کاموس نیست  
 خروشان بیامد ز قلب سپاه  
 ۱۱۰۵ عَناَن را بیچید کاموس تنگ  
 بخت اسب طوس وزتگ بازماند<sup>۲۳</sup>  
 به نیزه پیاده<sup>۲۴</sup> به<sup>۲۵</sup> آوردگاه  
 دو گرد گرانمایه و یک سوار

که با من<sup>۴</sup> به روی اندرآرند<sup>۵</sup> روی<sup>۶</sup>،  
 بر و بازوی<sup>۱</sup> و تیغ و گرز مرا  
 برآشت و تیغ از میان برکشید  
 که این را مگر زنده پیلست جفت  
 ز یزدان<sup>۱۱</sup> نیکی دهش کرد باد  
 کمان را چُن<sup>۱۲</sup> ابر بهاران گرفت  
 به زیر سپر کرد سر ناپدید  
 - زمین پُرز گرد<sup>۱۵</sup> و هوا پُرز مرگ<sup>۱۶</sup> -  
 یکی نیزه زد بر کمرگاه<sup>۱۷</sup> او  
 از آن آهنین<sup>۱۸</sup> نیزه‌ی آبگون،  
 خروشید و جوشید و برگفت نام  
 بزد تیغ و شد نیزه‌ی او قلم  
 غمی<sup>۱۹</sup> شد چو<sup>۲۰</sup> جنگ دلیران بدید  
 چنو نیزه‌ور نیز جز<sup>۲۱</sup> طوس نیست  
 به یاری بر گیو شد کینه‌خواه<sup>۲۲</sup>  
 میان دو گرد اندرآمد به جنگ  
 سپهبد برو نام یزدان بخواند  
 همی‌گشت با او به پیش سپاه  
 گشانی<sup>۲۶</sup> نشد سیر از آن<sup>۲۷</sup> کارزار

۱- ل: دارند (نقطه ندارد)؛ س، ل، آ، س (نیزق، ل، آ)؛ دارند؛ متن = ف، ق (نیزب، لن، ب) ۲- ل (نیزل)؛ زایرانیان؛ (آ، ب)؛ از ایرانیان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، ق، پ، و، لن) ۳- ق: جنگجو ۴- ف: او؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۵- ف: اندرآرد؛ ل: اندرآید به؛ (ق، ل، ن: اندرآرد به؛ ب: اندرآید)؛ متن = ل-س (نیزلن، لی، پ، و، آ) ۶- ق: رو ۷- ل، س، ق، ل، آ (نیز پ، و، ب)؛ بینید؛ متن = ف، س (نیزلی، لن، آ) ۸- ل، ل، ل: بالا و؛ س، ق: بالای؛ متن = ف، س ۹- ف، س، ق، ل، آ: بازو؛ متن = ف، س ۱۰- ف، ل، آ، س: آن؛ متن = ل، س، ق ۱۱- ل: دادار ۱۲- ل-س: چو؛ متن = ف ۱۳- ل: [و] ۱۴- ل: گرگ؛ ق (نیزق)؛ گرد؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، لی-ب) ۱۵- س (نیزلن، لی، پ، لن، ب)؛ کرگ؛ متن = ل-س: چو شیری برافراز پیلی سترگ؛ ق: هوا پرز گرد و زمین لاجورد؛ (ق: زمین پرز مرد و هوا پرز گرد)؛ متن = ف، ل، آ، س (نیزل، آ، و، آ)؛ ف، س در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر نبرد کردن کاموس کشانی با گیو و رفتن طوس بیاری او و کشته شدن اسب طوس و پیاده جنگ کردن؛ س: نبرد کاموس کشانی با گیو و طوس ۱۶- ف، س، ل، آ، س (نیزل، آ، و) این بیت را ندارند؛ متن = ل، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۸- ل: از دور؛ ق: هم آورد او نیز هم؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیزلن، لی، پ-ب) ۱۹- س: غمین ۲۰- ل: نگه کرد و جنگ ۲۱- ل: از در؛ ق: هم آورد او نیز هم؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیزلن، لی، پ-ب) ۲۲- ل: لشکریناه ۲۳- ل (نیزل)؛ زتک اسب طوس دلاور بماند؛ (لن، لی، پ، لن، آ، نخت (لی: بخت؛ آ: بخت) اسب طوس سپهبد بماند (لی: بماند))؛ متن = ف، ق، ل، آ، س (نیزق، آ، و، ب)؛ س این بیت را ندارد ۲۴- ق: پیاده بنیزه ۲۵- ف، س: بر؛ متن = ل، ق، ل، آ، س این بیت را ندارد ۲۶- ف، ل، آ، س: سپهبد؛ متن = ل، ق (نیزلن، لی، ل، آ، پ، لن، آ) ۲۷- ل: زان؛ ق: از؛ س: دو لشکر نظاره بر آن

<p>همی بود بر دشت هر گونه<sup>۲</sup> شور پراکنده گشتند کاموس و طوس یکی سوی دشت و دگر<sup>۳</sup> سوی کوه</p> <p>ظلیه بیامد<sup>۴</sup> ز هر دو سپاه، که دشتی پُر از<sup>۵</sup> خاک و تاریک شب، میان یلان نیز چندی<sup>۶</sup> چراغ، دمان و ز زاول<sup>۷</sup> یکی انجمن شب تیره از کوه خارا برفت شب تیره و روی<sup>۸</sup> گیتی بنفش شد از آب دیده رخس ناپدید پیاده بیامد چو باد دمان خروشی برآمد ز هر دو<sup>۹</sup> بزار که زآن سود<sup>۱۰</sup> جستن سرآمد زبان هشیوار و جنگی و روشن روان، سخن هر چه<sup>۱۱</sup> گویی نباشد دروغ بهی، هم ز گنج و ز تخت و کمر<sup>۱۲</sup></p>	<p>برین گونه تا تیره شد جای<sup>۱</sup> هور چو شد دشت بر گونه‌ی آبنوس سوی خیمه رفتند هر دو گروه</p> <p>چو گردون تپی شد ز خورشید و ماه از آن<sup>۱۳</sup> دیده‌گه<sup>۱۴</sup> دیده بگشاد لب پُر از گفت و گو<sup>۱۵</sup> است<sup>۱۶</sup> هامون و راغ همانا که آمد<sup>۱۷</sup> گو پیلتن چو بشنید گودرز گشواد، تفت پدید آمد آن آژدها<sup>۱۸</sup> فاش درفش چو گودرز روی تهمتن بدید پیاده شد از اسپ و<sup>۱۹</sup> رستم همان گرفتند مر یکدگر را کنار از آن نامداران گودرز یان بدو گفت گودرز کای پهلوان همی تاج و تخت<sup>۲۰</sup> از تو گیرد فروغ تو ایرانیان را ز دام و پدر<sup>۲۱</sup></p>
---	--

۱-س: روی ۲-ق: در دشت از آن گونه ۳-س: ق: یکی: متن = ف. ل. ل. س: بنداری (۱۰۶۳-۱۱۱۲): و لما كان من الغد ركب كاموس في عسكره ان فضاء المعترك، و ركب طوس من الجانب الآخر فتناوشوا الحرب من أول النهار الى آخره. و لما جنت الشمس للغروب رجع كلا الفريقين الى مضاربهم ۴-ل: برون شد: (ل: برآمد): متن = ف. س. ق. ل. س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۵-ف. ل. س: و بان: متن = ل. س. ق. ۶-س: دیندگه ۷-ل. ق: (نیز ل. ق. ب. ل. ن): که شد دشت پر: متن = ف. س. ل. س: (نیز ل. آ. ب) ۸-ف: گفت و گو است: متن = ل. س: (نیز ل. ب) ۹-ل: چندین: س: چندان: متن = ف. ق. ل. س: ۱۰-ف: آید: (ق: همه کنون بیاید): متن = ل. س: (نیز ل. ق. ل. ب. ل. ن. آ. ب) ۱۱-ل. س: (نیز ل. ب. ل. ن. آ. ب): زابال: ق: دمان و دنان با: متن = ف. ل. س: (نیز و): بنداری (۱۱۱۳-۱۱۱۶): و كان جودرز فوق الجبل فجاءه اللدبان في ناشة الليل، وأعلمه بظهور جمع عظيم بين ألدبهم الشموع المتقدة و المشاعل المشتعلة، و ذكر أنه لا يشك في أنه موكب رستم قد وصل ۱۲-ل: شب تیره گون کرد: ق: شب تیره شد روی: متن = ف. س. ل. س: (نیز ل. ق. ل. ب. و. ل. ن. آ): س. ق. ل: در اینجا سرنویس دارند: رسیدن (ل: آمدن) رستم بکوه هامون (ق: رستم زال) بیاری (ل: بند) ایرانیان ۱۳-ف. س. س: (نیز ل. ل. ن): [و]: متن = ل. ق. ل: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۴-ل: ز هر دو برآمد خروشی: متن = ف. س. ق. ل. س: (نیز ل. ب) ۱۵-ل: (نیز ق): که از کینه: ق. ل. س: (نیز ل. ب. و. ب): کزان سود: (ل: وزان سود: ل. ل. آ: از آن سود): متن = ف. س: این بیت را ندارد ۱۶-ل: نگاه: متن = ف. س. ق. ل. س: (نیز ل. ب) ۱۷-ل. س: هر چه ۱۸-ف. س. ل. س: (نیز ل. ل. ب. و. ل. ن. آ): ز تاج و ز تخت و ز گنج (ل. ل. ب. ل. ن. آ: گنج و) گهر: (ق: بهی و ز تخت و ز گنج و گهر: ب: بهی و ز تخت و کلاه و کمر): متن = ل. ب: این بیت را ندارد: ف. س. ل. س: (نیز ل. ل. ب. ب) پس از این بیت افزوده اند:

وزینها (س: وزایشان: ل. و: ازینها) همه برتر و بهتری (و: بهتری: ل: بهتر برتری: ل. ب. ل. ن: مهتر و بهتری)

که بی تو مبادا سر و سروری (ف. ل: سر مهتری)

ل. ق: (نیز ق. ل. ل) این بیت را ندارد و در ترجمه بنداری هم نیست: إنك أنفع للإيرانيين من التاج والتخت، و خيرهم من الأمام والأب (= ۱۱۲۵)



خرامش <sup>۲</sup> کمانست و شمشیر بزم <sup>۲</sup>	چنینست آغاز و فرجام رزم <sup>۱</sup>
پس پشت او لشکر نیمروز درفش سپهبد برافراختند همه نامداران <sup>۵</sup> شدند انجمن به دست دگر طوس و گردان نیو سخن راند هر گونه از <sup>۷</sup> کم و بیش ز رخشنده <sup>۸</sup> خورشید و گردنده <sup>۹</sup> ماه بگفتند با <sup>۱۰</sup> مهتر <sup>۱۱</sup> نامدار ز منشور <sup>۱۲</sup> جنگی و گردان <sup>۱۳</sup> کین <sup>۱۴</sup> که ما را بدو راه دیدار نیست نترسد اگر سنگ بارد ز میغ <sup>۱۵</sup> سرش پُر ز کین و دلش <sup>۱۷</sup> پُر ستیز چو گرگوی <sup>۱۹</sup> یک <sup>۲۰</sup> لشکر آرای نیست درفش و سپاهست و پیلان و مهد <sup>۲۲</sup> برین <sup>۲۴</sup> دشت <sup>۲۵</sup> یک مرد را کازه <sup>۲۶</sup> نیست ز دیبای چینست کرده به پای <sup>۲۷</sup>	سراپرده زد گرد گیتی فروز به کوه اندرون خیمه‌ها ساختند نشست از بر تخت بر <sup>۱</sup> پیلان ز یک دست بنشست گودرز و گیو فروزان یکی شمع بنهاد پیش ز کار بزرگان و جنگ سپاه فراوان از آن لشکر بی‌شمار ز کاموس و شنگل، ز خاقان چین ز کاموس خود جای گفتار نیست درختیست بارش همه گرز و تیغ ز پیلان جنگی ندارد <sup>۱۶</sup> گریز ز منشور <sup>۱۸</sup> خود بر زمین جای نیست ازین کوه <sup>۲۱</sup> تا پیش دریای شهد ز ترگ و ز جوشن خود اندازه <sup>۲۳</sup> نیست همه دشت خرگاه و پرده‌سرای

۱- ل، س (نیزق<sup>۱</sup>): رزم؛ متن = ف، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیزلن، لی-ب) ۲- ف، س، س<sup>۲</sup> (نیزو): جواش (حرف چهارم نقطه ندارد → خرامش)؛ ل: جواش (→ خرامش)؛ (ل: چو آتش → خرامش)؛ متن = ق (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب) ۳- س: حگ (نقطه ندارد)؛ ق: سنانست و شمشیر بزم؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> (نیزلن، لی-ب)؛ ل (نیزق<sup>۲</sup>): یکی تاج یابد یکی گورتنگ ۴- س: زره؛ (ل: س)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیزهشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: وقعد علی التخت ۵- ل (نیزق<sup>۱</sup>): بزرگان لشکر؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیزلن، لی-ب) ۶- س: شده ۷- ل: رفت هر گونه بر؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیزلن-ب) ۸- ق: گردنده؛ س<sup>۱</sup>: بخشنده؛ متن = ف، ل، س، ل، س، ق: ناسبند؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۹- س: ق: کای؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیزلن-ب) ۱۱- س: رسم ۱۲- (و: منشور) ۱۳- ل: مردان ۱۴- ل: همین؛ س<sup>۱</sup>: گیو (→ کین) ۱۵- ف: که بر سرش سنگست و بارانش میغ (!)؛ ل، س<sup>۱</sup> (نیزلن، ق، ل، پ، لن، آ): که گریز سرش سنگ بارد ز میغ؛ (و: زیلان جنگی ندارد گریغ؛ ب: کند سبز برگش بکردار میغ)؛ متن = ل، ق (نیزل)؛ س این بیت را ندارد ۱۶- ق: نداند؛ متن = ل، ل، س<sup>۱</sup> ۱۷- ل: سرش (!)؛ ل: کینست و دل؛ متن = ق، س<sup>۱</sup>: ف، س (نیزو) این بیت را ندارند ۱۸- (و: منشور) ۱۹- ق: چو گرد ۲۰- ل: خود؛ ل، س این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۱۵۴-۱۱۵۸): وأخذوا طول ليلتهم يجمعونهم عن عساكر توران، وعن الذين أنجدوهم مثل خاقان الصين و كاموس الكشاني و منشور وغيرهما من ملوك تلك الأقاليم ۲۱- ف، ل، س<sup>۱</sup> (نیزلن، پ، لن): گونه؛ متن = ل، س، ق (نیزق<sup>۱</sup>، لی، ل، آ، ب) ۲۲- ق: سراپرده و پیل بینی و مهد ۲۳- (و: انداز) ۲۴- س: ق: بدین ۲۵- ق: مرز ۲۶- س: ق: خود تازه؛ ل: بی باره (نقطه ندارد)؛ س<sup>۱</sup>: با کازه؛ (لی: آ، رو تازه؛ بی: لن: رخ تازه؛ و: بی ساز؛ ب: بیکازه؛ ل: بکتن برخ تازه)؛ متن = ف: ل (نیزلن، ق<sup>۱</sup>) این بیت را ندارند؛ در معجم شاهنامه، ص ۸۳ و لغت شاهنامه، شماره ۲۰۷۰ این بیت چنین آمده است:

سپه را ز بسیاری اندازه نیست بدین دشت یک مرد را کازه نیست

۲۷- ل این بیت را ندارد

اگر سوی ما پهلوان سپاه  
سپاس از خداوند پیروزگر  
تن ما به تو زنده شد بی‌گمان  
۱۱۶۰

نکردی گذر، کار گشتی تباہ  
که آورده‌ان<sup>۲</sup> رنج و سختی به سر  
نبود ایچ کس را از این پس زمان<sup>۳</sup>

از آن گشتگان یک زمان پهلوان  
و زان<sup>۴</sup> پس چنین گفت کز چرخ<sup>۵</sup> ماه  
نیی<sup>۶</sup> مگر گرم و تیمار و رنج  
گزافست<sup>۷</sup> کردار گردان سپهر  
اگر گشته گر<sup>۱۱</sup> مرده هم بگذرم<sup>۱۲</sup>  
۱۱۶۵

غمی گشت<sup>۴</sup> و گریان و تیره‌روان  
برو تا سر تیره‌خاک سیاه،  
برینست رسم سرای سینج  
که گه<sup>۱</sup> جنگ و زهرست<sup>۱۱</sup> و گه نوش و مهر  
سزد گر به چون و چرا ننگرم<sup>۱۳</sup>  
مشو تیز<sup>۱۵</sup> با گردش آسمان  
سر بخت دشمن نگوسار<sup>۱۶</sup> باد!

چنان رفت شاید<sup>۱۴</sup> که آید زمان  
جهاندار پیروزگر یار باد!  
ازین<sup>۱۷</sup> پس همه کینه بازآورم  
بزرگان برو<sup>۱۸</sup> خواندند آفرین  
همیشه بز<sup>۲۰</sup> نامبردار و شاد  
۱۱۷۰

جهان را به ایران نیاز آورم  
که ای افرتیغ و تخت و نگین<sup>۱۹</sup>،  
در شاه پیروز<sup>۲۱</sup> بی تو میاد

چو از کوه بفروخت گیتی فروز  
از آن<sup>۲۲</sup> چادر قیر<sup>۲۳</sup> بیرون کشید  
تیره برآمد ز هر دو سرای<sup>۲۵</sup>  
سپهدار هومان به پیش سپاه  
که ایرانیان را که یار آمده‌ست  
۱۱۷۵

دو زلف شب تیره بگرفت روز،  
به دندان لب ماه در خون کشید<sup>۲۴</sup>،  
برفتند گردان لشکر ز جای<sup>۲۶</sup>  
بیامد همی کرد هر سو نگاه<sup>۲۷</sup>  
که خرگاه و خیمه به کار آمده‌ست

۱-س: بودی ۲-ل، ق (نیز ق، ل، و): که او آورد: متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، لی، ب، لن، آ، ب): س این بیت را ندارد ۳-(ق، و): امید زمان؛ ب: بیودن زمان؛ ق: چو تو آمدی نیست ما از زمان؛ ل، س<sup>۲</sup>: نید هیچکس را امید یوان؛ (لن، ل، ب، لن): نید هیچکس را امید زمان؛ لی، آ: نید هیچکس را از آن بد امان؛ متن = ف، ل، س این بیت را ندارند ۴-ل: بود؛ س این بیت را ندارد ۵-ل: از آن ۶-س: چرخ و ۷-س: نیم ۸-س: چنین است؛ س<sup>۳</sup>: کرانست؛ متن = ف، ل، ل ۹-ل، س (نیز لن، لی، ق، ب): گهی؛ متن = ف، ل، س<sup>۴</sup> ۱۰-ل: زهر و جنگست؛ (ق: جنگ بهرست): متن = ف، س، ل، س<sup>۵</sup> (نیز لن، ب-ب): ق این بیت را ندارد ۱۱-ق: یا ۱۲-ق: بگذرد ۱۳-ق: ننگرد ۱۴-ل، س، ق (نیز لن، ب، لن، آ): باید؛ متن = ف، ل، س<sup>۶</sup> (نیز و، ب) ۱۵-ل، س، ل<sup>۷</sup> (نیز لن، ب): تیره؛ متن = ف، ق، س<sup>۷</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶-ل، س<sup>۸</sup> (نیز لن، ب): نگوینار؛ متن = ف ۱۷-س<sup>۹</sup>: وزان ۱۸-ل: همه ۱۹-س: مهر و نگین؛ ق: تاج و تخت و نگین؛ ل، س<sup>۹</sup>: تخت و تیغ و نگین؛ ل: که بی تو میادا زمان و زمین؛ متن = ف ۲۰-ل: بدی؛ س<sup>۱۰</sup>: تویی؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز لن، ب) ۲۱-ل: فیروز ۲۲-س: وزان ۲۳-ق: روز ۲۴-ق: چون خون مزید ۲۵-س: سپاه ۲۶-س: راه ۲۷-س: برفتند بکسر ز لشکر برآه؛ س پس از این بیت افزوده است:

سپهدار هومان بیامد ز راه بیامد همی کرد هر سو نگاه (= ۱۱۷۵ ب)

ز پیروزه دیبا<sup>۱</sup> سراپرده دید  
 درفش و سنان سپهد<sup>۲</sup> به پیش  
 سراپرده‌یی دید دیگر سیاه  
 فریرز کاوس با پیل و کوس  
 ۱۱۸۰ بیامد پُر از غم به پیران بگفت  
 از ایران دم و<sup>۱</sup> داروبانگ و خروش<sup>۱۱</sup>  
 به تنها برفتم ز خیمه به گاه  
 از ایران فراوان سپاه آمده‌ست  
 ۱۱۸۵ ز دیبا یکی سبزپرده‌سرای  
 سپاهی به گِرد اندرش زاولی<sup>۱۷</sup>  
 گمانم که رستم ز نزدیک شاه  
 بدو گفت پیران که بد روزگار!  
 نه کاموس ماند، نه خاقان چین

همانگه ز لشکرگه اندرکشید  
 ۱۱۹۰ و ز آنجا دمان پیش<sup>۲۱</sup> کاموس شد  
 که شبگیر از<sup>۲۳</sup> ایدر برفتم پگاه  
 به یاری<sup>۲۵</sup> فراوان سپاه آمده‌ست  
 گمانم که آن رستم پیل‌تن  
 ۱۱۹۵ برفت از در شاه<sup>۲۸</sup> ایران‌سپاه

بیامد سپه را همه<sup>۲۰</sup> بنگرید  
 بنزدیک منشور<sup>۲۲</sup> و قرطوس شد  
 بگشتم همه گِرد ایران‌سپاه<sup>۲۴</sup>  
 بسی نامور کینه‌خواه<sup>۲۶</sup> آمده‌ست  
 که گفتم همی پیش این انجمن<sup>۲۷</sup>،  
 به یاری بیامد بدین رزمگاه

۱- ل: دبه ۲- ل: س (نیزقی، ل، آ، ب): اندرش؛ (پ: اندرا)؛ متن = ف (نیزلن، ل، و، آ) ۳- ف، ل، س (نیزلن، پ، و، ل، ن):  
 ز؛ متن = ل، س (نیزی، ل، آ) ۴- س: گردش و ۵- ل، س (نیزو): ز؛ (لن، ی، ل، ن، آ: آمد به؛ پ: آمد ز)؛ ف، ل، ن، ل: پاوند  
 ندارند؛ ق این بیت را ندارد ۶- ف: درخشان؛ متن = ل-س (نیزلن-ب) ۷- ق: برگرد ۸- درل پس از این بیت، بیت ۱۱۸۴  
 آمده است ۹- ل: کز؛ ق: ز؛ متن = ف، س، ل، س ۱۰- ف (نیزو): دم؛ ق (نیزقی، ل، آ، آ): ده؛ متن = ل-س (نیزلن، پ،  
 ل، ب) ۱۱- ل: بانگ خروش؛ س: بانگ خروس ۱۲- س: همانا ۱۳- ف: بکردم هر جا؛ ل، س: بکردم زهر سو؛ س: هر  
 جای کردم بلشکر؛ متن = ل (نیزلن، ق، ی، پ-ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۴- ف، ل، س (نیزلن، پ): بدان؛ ل: برین؛ متن = (لن،  
 ق، ی، و، آ، ب) ۱۵- س: بسی کینه‌ور رزخواه (= ۱۱۹۳ ب)؛ درل این بیت پس از بیت ۱۱۸۱ آمده است؛ ق بیت ۱۱۸۴ را ندارد؛ س  
 ۱۱۸۴ ب-۱۱۹۳ آ را انداخته و از ۱۱۸۴ آ و ۱۱۹۳ ب یک بیت ساخته است ۱۶- س: درفش ۱۷- ل، ق، ل، س (نیزلن-ب،  
 ل، آ، ب): زابلی؛ متن = ف (نیزو) ۱۸- ل: سیردارو ۱۹- ف، ل، ق، ل، س (نیزلن-ب): کابلی؛ متن تصحیح قیاسی  
 است ۲۰- ف، ل: سپهدار را؛ متن = ق، ل، س (نیزلن-ب) ۲۱- ل، ق: سوی؛ متن = ف، ل، س ۲۲- (و:  
 منشور) ۲۳- ل: ز ۲۴- ق: ز لشکر بهر جای کردم نگاه ۲۵- ق: ز ایران ۲۶- ل، س: رزخواه؛ ف، ل: کینه‌ور ناخواه؛  
 متن = ق، س (نیزقی، ی، پ-ب) ۲۷- ل، س: بیاری بیامد بدین انجمن؛ متن = ف، ل، س، ق ۲۸- ف: گاه (؟)؛ س: شهر؛ متن  
 = ل، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، پ-ب)

- بدو گفت کاموس کای پُرخرد<sup>۱</sup>  
چنان دان که کیخسرو آمد<sup>۲</sup> به جنگ  
ز رستم چه رانی تو چندین سخن  
درفش مرا گر ببیند به جنگ  
۱۲۰۰ برو لشکر آرای و برکش سپاه  
که<sup>۳</sup> من با سپاه اندرآیم به جنگ  
بینی تو پیگار مردان کنون
- دلت یکسر اندیشه‌ی بد برد  
مکن خیره دل را بدین کار تنگ<sup>۴</sup>  
ز زاوولستان<sup>۵</sup> یاد هرگز<sup>۶</sup> مکن  
به دریا درون خون خروشد<sup>۷</sup> نهنگ<sup>۸</sup>  
درفش اندرآور به آوردگاه<sup>۹</sup>  
نباید که باشد شما را درنگ  
شده دشت یکسر چو دریای خون
- از<sup>۱۱</sup> اندیشه‌ی رستم آزاد گشت<sup>۱۰</sup>  
روان را به آب دلیری بشت<sup>۱۲</sup>  
همی کرد گفتار کاموس<sup>۱۳</sup> یاد  
بیامد ببوسید روی زمین  
خرد را به اندیشه<sup>۱۴</sup> توشه بدی!  
خریدی چنین رنج ما را به سور  
گذشتی به کشتی به<sup>۱۸</sup> دریای آب  
تو آن<sup>۲۰</sup> کن که از گوهر تو سزاست  
جهان پُر کن از ناله‌ی گره‌نای<sup>۲۱</sup>  
تو با کوس و با پیل<sup>۲۲</sup> در قلبگاه،  
به ابر اندرآور کلاه مرا  
که تو پیشرو باش ازین<sup>۲۳</sup> انجمن  
بخورد و برآهیخت گرز از میان<sup>۲۵</sup>
- دل پهلوان زان سخن شاد گشت<sup>۱۰</sup>  
بیامد دلی شاد و رایی درست  
۱۲۰۵ سپه را همه ترگ و جوشن بداد  
و ز آنجایگه پیش خاقان چین  
بدو گفت: شاها آنوشه بدی!  
بریدی<sup>۱۵</sup> یکی راه دشخوار و<sup>۱۶</sup> دور  
برینسان<sup>۱۷</sup> به آزره افراسیاب  
۱۲۱۰ سپاه از تو دارد همی<sup>۱۹</sup> پشت راست  
بیارای پیلان به زنگ و ذرای  
من امروز جنگ آورم با سپاه  
نگهدار پشت سپاه مرا  
چنین گفت کاموس جنگی به من  
۱۲۱۵ بسی سخت سوگندهای گران<sup>۲۴</sup>

۱- ف، ل، س، آ: بی خرد (?); متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، ل، ب، پ) ۲- س: که لشکر ز خسرو ۳- س: بیامد بدل در مکن هیچ تنگ ۴- س (نیز لن، ق، ل، ب، پ، لن، آ، ب): زاوولستان: متن = ف، ل، ل، س، آ (نیز و) ۵- ل: چندین؛ ق بیت‌های ۱۱۹۸-۱۲۰۱ را ندارد ۶- ل، ل، س، آ: چون خروشد؛ ل: بدریای چین بر خروشد؛ (لن، ب، لن، آ: باب اندرون خون خروشد؛ ق: بدریای چین چون خروشد؛ ل: باب اندرون در خروشد); متن = ف (نیز ب) ۷- س: دلش ماتم آرد بهنگام جنگ ۸- س بیت‌های ۱۲۰۰ و ۱۲۰۱ را ندارد ۹- ل، ل، س، آ (نیز لن، ق، ل، ب، پ، لن، آ، ب): چو: متن = ف ۱۰- بیت ۲۱۶۸؛ رزم بازده رخ، بیت ۵۰۴) ۱۰- ق: شد ۱۱- ل: ز ۱۲- ل این بیت را ندارد ۱۳- س: ناخوب ۱۴- ق (ل، ق): بدیدار؛ ل (نیز ل): روان را بدیدار؛ متن = ف، س، ل، س، آ (نیز لن، ل، ب، پ) ۱۵- ف، س (نیز ل، آ، ب): برفقی؛ ل، س، آ (نیز و): براندی؛ (لن، ب، لن، آ: بکردی); متن = ل، ق (نیز ق، ل، ل) ۱۶- ل، س، آ (نیز ل، آ): دشوار و؛ س، ق، ل، آ (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، آ): دشوار؛ (ب: دشخوار); متن = ف ۱۷- ل، س، ق، س، آ: بدینسان: متن = ف، ل، ل، س، آ (نیز لن، ل، ب، پ، لن، آ): ز: متن = ف، س، ق، ل، آ (نیز ق، ل، و، آ، ب) ۱۹- ق: همه؛ س: همی از تو دارد سپه: متن = ف، ل، ل، س، آ ۲۰- ل: چنان ۲۱- ف، ل، س: کز نای؛ متن = ق، ل، س، آ ۲۲- ل، س، ق: پیل و با کوس؛ متن = ف، ل، س، آ ۲۳- ل: زین؛ س: با؛ متن = ف، ق، ل، س، آ ۲۴- (لن، ب، لن، آ: دراز) ۲۵- ل، س، ق (نیز ل، ل، و، آ، ب): گرز گران؛ (لن، ب، لن، آ: گرز از فراز؛ ق: نیغ از میان); متن = ف، ل، س، آ

که امروز من جز بدین گرز جنگ  
 نجوم<sup>۱</sup>، و گر بارد از ابر سنگ

چو بشنید خاقان بزد گره‌نای<sup>۲</sup>  
 ز بانگ تیره زمین و سپهر

بفرمود تا مهره<sup>۳</sup> بر پشت پیل  
 بیامد گرازان به قلب سپاه  
 ۱۲۲۰ خروشیدن زنگ و هندی‌درای

ز بس تحت پیروزه بر پشت پیل  
 به چشم اندرون روشنایی نماند  
 پر از خاک<sup>۴</sup> شد چشم و کاه<sup>۵</sup> سپهر

۱۲۲۵ چو خاقان بیامد به قلب سپاه  
 ز کاموس چون کوه شد میمنه

سوی میسره نیز<sup>۶</sup> پیران برفت  
 چورسته بدید آنک<sup>۷</sup> خاقان چه کرد

بفرمود تا طوس بر بست کوس  
 چنین گفت رستم که گردان‌سپهر

۱۲۳۰ چگونگی بود بخشش<sup>۸</sup> آسمان  
 درنگی نبوده به راه اندکی

تو گفתי که دارد تن خاک پای<sup>۹</sup>  
 بپوشید جنگ<sup>۱۰</sup> و بیفگند مهر

بستند و شد روی گیتی چو نیل  
 شد از گرد گردون چو ابری سیاه<sup>۱۱</sup>

همی دل برآورد گفתי ز جای  
 درفشان بکردار دریای نیل،

همی با روان آشنایی نماند  
 تو گفתי به قیرش براندود<sup>۱۲</sup> چهر

به چرخ اندرون ماه گم کرد راه  
 کشیدند بر سوی<sup>۱۳</sup> هامون بئنه

برادرش هومان و گلباد تفت  
 بیاراست در قلب جای نبرد

بیاراست لشکر چو چشم خروس<sup>۱۴</sup>  
 بینیم تا بر که گردد به مهر

که را زین بزرگان سرآید زمان  
 سه<sup>۱۵</sup> منزل همی کرد رخشم یکی

۱- ل. ق (نیز ل): نه از به متن = ف. س. ل. س. (نیز ل. ق. ل. ب. ب) ۲- ف. ل. س. ک: ک: ت: ای: متن = ق. ل. س. ۳- (ل. ق): که و بی: بی: آ: تن از خاک بانی: ل: که کوه اندر آمد ز جای: س: همی دل برآورد گفתי ز جای: متن = ف. ق. ل. س. (نیز ل. ق. ل. و. ب) ۴- ل: بسوسد کوه (حرف های یکم و دوه نقطه ندارند): ف: ب: ب: کوه: (ل. ل. ب: بپوشید گوش: ق. ل. ب: بپوشید کوه: ل. آ: بپوشید جنگ: و بپوشید روی): متن = ف. ل. س. (نیز ب) ۵- ل: بیورد مهر: (و بپوشید مهر): س: بیت های ۱۲۱۸-۱۲۲۱ را ندارد ۶- ل. ق (نیز ل. و آ): میهد: متن = ف. ل. س. (نیز ل. ق. ل. ب. ل. ب) ۷- (ل. ب. و. ل. ب. ب: ابر سیاه): ل: خورشید تابان سده: ق: جنگ اندرون ماه گم کرد راه (= ۱۲۲۵ ب): (ل. آ: بخوشد گردون جدایی سده: متن = ف. ل. س. ب: ق ۱۲۲۰-۱۲۲۵ را نداشته و از ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱-۱۲۲۵ یک بیت ساخته است: برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند. ف: گفتار اندر راست کردن خاقان حین و پیران و کاموس لشکر توران را جنگ ایرانشان و ترتیب دادن رستم: ل: رزمه اشکبوس با رستم زال: س: لشکر آراستن خاقان حین و رستم و ایرانشان و رزمه رستم: گودرز زب اشکبوس ۸- ل: گردد: متن = ف. س. ل. س. (نیز ل. و آ. ب) ۹- س: کاه و چشم ۱۰- ل. س. (نیز ل. و): بفرمود: متن = ف. ل. س. (نیز ل. و آ): ندارد ۱۱- ف: بر کوه و: متن = ل. س. (نیز ل. ب) ۱۲- ل (نیز ل. و آ): نیز (حرف یکم نقطه ندارد): س. (نیز ل. ق): نیز: (ب: گردد): متن = ف. ق. ل. س. (نیز ل. ل. ب. ب. ل. ب) ۱۳- ق: آنکه ۱۴- در ل این بیت پس از بیت ۱۲۳۵ آمده است ۱۵- ل. س. (نیز ل. ل. ب. ل. ب): ب: (نیز ل. ل. ب. ب): متن = ل. س. ق (نیز ل. و آ) ۱۶- ل. س. ق (نیز ل. و آ): دوه متن = ف. ل. س. (نیز ل. ل. ب. ب): ب: (نیز ل. ل. ب. ب): (۱۲۳۳-۱۲۳۲): ب: آن بخش قد تعجب فی هذا الخبر. فی قد كنت ابر علبه فی کس بود مسرة بومین من غیر آن ابرمه و ابر.



کنون سَم آن<sup>۱</sup> بارکش<sup>۲</sup> کوفته‌ست  
نیاره برو کرد نیرو بسی  
یک امروز در جنگ یاری کنید  
۱۲۳۵

سپهد بزد نای و رویننم  
بیاراست گودرز بر میمنه  
فریبرز کاوس بر میسره  
به قلب اندرون طوس نوذر نژاد<sup>۸</sup>  
جهان شد به گرد اندرون ناپدید  
۱۲۴۰  
بشد پهلوان<sup>۱۰</sup> تا سر تیغ کوه  
سپه دید چندانک<sup>۱۱</sup> دریای روم  
گشانی و چینی و از هر سپاه<sup>۱۴</sup>  
چغانی<sup>۱۵</sup> و شکنی<sup>۱۶</sup> و سقلاب و هند  
زبانی دگرگون به<sup>۱۸</sup> هر گوشه‌یی  
۱۲۴۵  
ز پیلان و آرایش<sup>۱۹</sup> تحتِ عاج  
جهان بود یکسر چو باغ بهشت

ز راه و ز رنج<sup>۳</sup> اندر آشوفته‌ست  
شدن جنگ جستن<sup>۴</sup> به پیش کسی  
برین<sup>۵</sup> دشمنان کامگاری کنید

خروش آمد و ناله‌ی گاودم  
فرستاد بر کوه خارا<sup>۶</sup> بُنه  
جهان چون نیستان شده<sup>۷</sup> یکسره  
زمین پُر ز خاک و هوا پُر ز باد<sup>۹</sup>  
کسی از پیلان خویشان را ندید  
به دیدار خاقان و توران‌گروه  
ازیشان نمودی<sup>۱۲</sup> چویک<sup>۱۳</sup> مهره موم  
دگرگونه جوشن، دگرگون کلاه  
گشانی و رومی و وهری و سبند<sup>۱۷</sup>  
درفشی نوآیین و نوتوشه‌یی  
همان یاره و<sup>۲۰</sup> افسر و طوق و تاج  
پدیدار ازیشان<sup>۲۱</sup> چه خوب و چه زشت<sup>۲۲</sup>

۱- ل: این ۲- ل، س، س (نیزلی، ل، و، آ): بارگی؛ متن = ف، ق، ل (نیزلن، ق، ل، ب، ل، ن، ب) ۳- ل، س (نیزق، ل، ن، آ، ب): ز راه دراز؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزلی، ل، پ، و، ل، ن) ۴- ل، ق (نیزل): جنگ جویان؛ (ق: رزج جستن): متن = ف، س، ل، س (نیز ل، ل، ب، ب) ۵- ق: بدین؛ درل پس از این بیت، بیت ۱۲۲۹ آمده است و پس از آن افزوده است:

که گردان سپهر جهان یار ماست مه و مهر گردون نگهدار ماست

بنداری (۱۲۳۴-۱۲۳۵): و أنا أختی علیه بسبب ذلك. فصابروا العدو هذا اليوم ودافعوهم ۶- ل: یکسر ۷- س: شب تار شد ۸- ل (نیزل): پای؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، ب) ۹- (ق: آسمان پر زباد؛ ل: هوا پر زبانی): ل: زمین شد پر از ناله کزنای؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، ل، ب، ب) ۱۰- ل: پیلان؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز ل، ن، ب) ۱۱- ل: چندانکه ۱۲- س: نمودی ازیشان ۱۳- ل، س: یکی؛ متن = ف، ل، س، ق ۱۴- ف، س، ل، س: گشانی و رومی و از هر (س: زهر سو؛ ل: وزهر) سپاه؛ ل: جهانی شده سرخ و زرد و سپاه؛ ق (نیزلن، ق، ل، ن): گشانی (ق: چغانی) و چینی (ل، ن: شکنی) و وهری سپاه؛ (ل، و، آ، ب: گشانی و شکنی (و، ب: چینی) زهر سو سپاه؛ ل: گشانی و رومی و وهری و چینی سپاه؛ ب: گشانی و شکنی و از هر سپاه)؛ متن = ف، س، پس از تصحیح رومی به چینی؛ درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵- ل (نیزق): (و): گشانی؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز هفت دستویس دیگر): چغانی ۱۶- ف، ق، ل: شکنی؛ س (نیزلن، ل، ن، آ): چینی؛ (ل، ب: سنکی)؛ متن = ل، س (نیزق، و) ۱۷- ف، ل، س: گشانی و رومی و بهری زسند؛ ل: چغانی و رومی و وهری و سبند؛ س: از رومی و وهری و بهری زسند؛ ق (نیزق، ل): کمانی (ق: جهانی؛ ل: کمانی) و بهری و رومی و سبند؛ (ل: کمان رومی و بهری زسند؛ ل، آ، ب: ز رومی و دهری و بهری زسند؛ ب، ل، ن: کمانی و رومی و بهری (ل: بهری) زسند؛ و: نهانی و دهری و رومی و سبند)؛ متن = ل، پس از تصحیح چغانی به گشانی ۱۸- ل: ز؛ درق پس از این بیت، بیت ۱۲۵۰ آمده است ۱۹- ل (نیزل، ب، آ): آرایش؛ متن = ف، س، ل، س (نیزو، ل، ن، ب) ۲۰- ل: جهانان یان ابا؛ س: ز سردان و از؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ب): ق این بیت را ندارد ۲۱- ل، س، ق، ل (نیزلن، ب): پدیدار ایشان؛ متن = ف، س: پدیدار ازیشان ۲۲- ل: شده خوب و زشت؛ (ق: شده خوب زشت)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، ل، ب)

<p>به برگشتن اندیشه اندرگرفت چه بازی کند پیرگشته سپهر؟ گذر بر سپاه و سپهد نکرد به یک جای یک سال نشسته ام ندام<sup>۲</sup> که لشکر بُدی بیش ازین</p>	<p>بر آن<sup>۱</sup> کوه سر ماند رستم شِگفت که تا چون نماید به ما چرخ مهر<sup>۲</sup>؟ فرود آمد از کوه و دل بد نکرد همی گفت: تا من کمر بسته ام فراوان سپه دیده ام پیش ازین</p>
<p>به جنگ اندرآمد<sup>۴</sup> سپهدارطوس همی نیزه<sup>۵</sup> از کینه در خون کشید کشیدند صف بر دو فرسنگ دشت<sup>۷</sup> ز خورشید شب را جدایی نماند همی آفتاب اندرو<sup>۱۰</sup> خیره گشت<sup>۱۱</sup> ز بهرام و کیوان همی<sup>۱۲</sup> برگزشت همی سنگ خارا برآورد پر خروشان شده<sup>۱۷</sup> خاک در زیر نعل دلیران ز خفتان<sup>۱۸</sup> بریده کفن عقاب دلاور بیفگند<sup>۲۱</sup> پر به جوش آمده خاک و بر کوه سنگ<sup>۲۲</sup> که گر<sup>۲۳</sup> آسمان را بیاید سپرد<sup>۲۴</sup>، بدین رزمگاه بلند<sup>۲۵</sup> آورید</p>	<p>بفرمود تا برکشیدند کوس از آن کوه سر سوی هامون کشید همی نیمی<sup>۶</sup> از روز لشکر گذشت ز گرد سپه روشنایی نماند ز پز<sup>۸</sup> و ز پیکان هوا<sup>۹</sup> تیره گشت خروش<sup>۱۲</sup> سواران و اسپان ز دشت ز جوش<sup>۱۴</sup> سواران و زخم تبر همه تیغ و ساعد ز<sup>۱۵</sup> خون گشته<sup>۱۶</sup> لعل دلِ مرد بددل گریزان ز تن برفتند از آن<sup>۱۹</sup> خاک<sup>۲۰</sup> شیرانِ نر نماید ایچ با روی خورشید رنگ به لشکر چُنین گفت کاموس گرد همه تیغ و گرز و کمند آورید</p>

۱-س. ق: بدان ۲-س (نیز ق، ب): چهر؛ ل: چرخ و مهر؛ متن = ف. ل. س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل-آ)؛ ق: این بیت را ندارد ۳-ف. س. ق، ل. س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، ب-ب): ندیدم؛ متن = ل (نیز ل<sup>۲</sup>) ۴-ف: اندرآید؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب) ۵-س: تیر؛ ق: دامن؛ متن = ف. ل. ل. س<sup>۱</sup> ۶-ل: بیک نیمه؛ ق: یکی نیمه؛ متن = ف. س. ل. س<sup>۱</sup> ۷-ق: همی آفتاب اندر آن خیره گشت (= ۱۲۵۷ ب) ۸-ل، ل. ل. ل: تیر؛ متن = ف. س. ق، س<sup>۱</sup> ۹-س: همی ۱۰-ل، ق (نیز لن، ق، ل، ب، ل-ل): اندر آن؛ متن = ف. س. ل. س<sup>۱</sup> (نیز ل، و، آ، ب) ۱۱-ق: کشیدند صف بر دو فرسنگ دشت (= ۱۲۵۵ ب) ۱۲-ق: ز جوش ۱۳-ق: همی نعره از شنید و مه ۱۴-ق، ل. ل. س: خروش؛ متن = ف. ل. س ۱۵-ق: به ۱۶-ل: بود؛ متن = ف. س. ق، ل. س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب) ۱۷-ل، ق (نیز ق، ل، و): دل؛ متن = ف. س. ل. س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، ب، ل-ل، آ، ب) ۱۸-ف: رخشان (حز خفتان)؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب) ۱۹-ل: زان ۲۰-ل، س. ق (نیز ل<sup>۲</sup>): جای؛ (و: گونه؛ ق: هر جای)؛ متن = ل. س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، ب، آ، ب) ۲۱-ل، ق (نیز و): برآورد؛ (لن، ب: بگسترده)؛ متن = س. ل. س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، ل، آ، ب)؛ ف (نیز لن<sup>۱</sup>) این بیت را ندارند ۲۲-ف، ل، ق (نیز لن<sup>۱</sup>): خاک بر کوه سنگ؛ س (نیز لن، ل، ب، آ): خاک بر کوه و سنگ؛ ق: خاک بر روی سنگ؛ ل: خاک در زیر سنگ؛ متن = ل. س<sup>۱</sup> (نیز و، ب) ۲۳-ل: گرد ۲۴-ل (نیز لن): سترده؛ متن = ف. س. ق، ل. ل. س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل-ب) ۲۵-س (نیز ب): بارگاه بلند؛ (ل، آ: رزم دشمن ببیند)؛ ل: بایرانیان تنگ و بند؛ ق (نیز ل<sup>۲</sup>): بایرانیان روز تنند (ل: تنگ)؛ متن = ف. ل. س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، آ، ب، و لن<sup>۱</sup>)

جهانجوی را نان<sup>۱</sup> به جنگ اندرست      و گرنه سرش زیر سنگ اندرست

### گفتار اندر رزم رستم با اشکیوس<sup>۲</sup>

دلیری کجا <sup>۳</sup> نام او اشکیوس <sup>۴</sup>	همی بر خروشید برسان کوس <sup>۵</sup>
بیامد که جوید از <sup>۶</sup> ایران نبرد	سر همنبرد اندر آرد به گرد
بشد تیز رهام با خود و گبر	همی گرد رزم اندر آمد به ابر
برآویخت <sup>۷</sup> رهام با اشکیوس <sup>۸</sup>	برآمد ز هر دو سپه بوق و کوس <sup>۹</sup>
بر آن نامور تیرباران گرفت	کمانش کمین سواران گرفت
جهانجوی در زیر پولاد بود	به خفتانش بر <sup>۱۰</sup> تیر چون باد بود
نبد کارگر تیر بر گبر اوی <sup>۱۱</sup>	از آن تیزتر شد سر <sup>۱۲</sup> جنگجوی <sup>۱۳</sup>
به گرز گران دست برد اشکیوس <sup>۱۴</sup>	زمین آهنین شد، هوا آبنوس <sup>۱۵</sup>
برآویخت رهام گرز گران <sup>۱۶</sup>	غمی <sup>۱۷</sup> شد ز پیگار دست سران <sup>۱۸</sup>
چو رهام گشت از گشانی <sup>۱۹</sup> ستوه	پیچید از <sup>۲۰</sup> روی و شد سوی کوه <sup>۲۱</sup>
ز قلب سپاه اندر آشفست طوس	بزد اسپ کاید به جنگ <sup>۲۲</sup> اشکیوس <sup>۲۳</sup>
تهمتن بر آشفست و <sup>۲۴</sup> با طوس گفت	که رهام را <sup>۲۵</sup> جام باده ست <sup>۲۶</sup> جفت

۱- ل (نیز و): را دل؛ س: رستم؛ ل: س<sup>۱</sup> (نیز ل<sup>۲</sup>): نامش؛ (ل: ل، ب، ل: آ: را جان؛ ق: آ: تازان)؛ متن = ف (نیز ب)؛ بسنداری (۱۲۶۶-۱۲۶۶)؛ وکان کاموس یخترض أصحابه و بأمرهم یبدل الوسع فی القتال ۲- ف: گفتار اندر آمدن اشکیوس میدان و مبارز خواستن و نبرد او با رهام گودرز و رقتن رستم بچنگ او و کشتن او؛ س: رزم رستم با اشکیوس و کشته شدن او؛ ق: نبرد رستم پیاده با اشکیوس و کشته شدن او؛ ل: س<sup>۱</sup>: نبرد رستم با اشکیوس (ل: و بتیر افکندن)؛ متن = س، س<sup>۱</sup> ۳- ف، س، ل: س<sup>۱</sup> (نیز ل، ق: ل، ب، ل: آ، ب): که بد؛ متن = ل، ق (نیز ل<sup>۲</sup>) و ۴- ل: اشکیوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س<sup>۱</sup> (نیز ل<sup>۲</sup>): اشکنوس؛ (ق: ب: اشکیوس؛ بنفاری: اشکیوس)؛ متن = ف، س، ق، ل: ل (نیز ل، ل، ب، و ل: آ) ۵- س: برآمد ز هر دو سپه بوق و کوس (= ۱۲۷۰ ب)؛ درس لت های این بیت پس و پیش شده اند ۶- ل، ق: ز ۷- ف، س: برون تاخت؛ ل: همی تاخت؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، ب-ب) ۸- ف، ل: اشکیوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س<sup>۱</sup>: اشکنوس؛ (ب: اشکیوس)؛ متن = س، ق، ل: ل (نیز ل، ل، ب، و ل: آ) ۹- س: بابر اندر آمد دم بوق و کوس؛ ق: زمین آهنین شد هوا آبنوس (= ۱۲۷۰ ب)؛ ل: دگر بر خروشید برسان کوس؛ متن = ف، ل، س: ق ۱۰- آرا انداخته و از ۱۲۷۰ و ۱۲۷۴ ب یک بیت ساخته است ۱۰- س (نیز ب): بختان برش ۱۱- ل: او ۱۲- ل: دل ۱۳- ل: جنگجو ۱۴- ل: اشکیوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س<sup>۱</sup> (نیز ل<sup>۲</sup>): اشکنوس؛ (ب: اشکیوس)؛ متن = ف، س، ل: ل (نیز ل، ل، ب، و ل: آ) ۱۵- س: یکی بر خروشید چون زخم کوس (= ۱۲۶۷ ب)؛ ل: برآمد ز هر دو سپه بوق و کوس (= ۱۲۷۰ ب)؛ متن = ف، ل، ق، س<sup>۱</sup> ۱۶- ل: گرز از میان ۱۷- س: غمین ۱۸- ف، ل: س<sup>۱</sup>: کند اوران؛ متن = ل، س، ق (نیز ل-ب)؛ س پس از این بیت افزوده است: چو بیلان جنگی بر آشوفتند همی بر سر یکدگر کوفتند

۱۹- ل: همه جا: کسانی ۲۰- ف: از آن؛ ل: زو؛ متن = س، ل: س<sup>۱</sup> (نیز ل، ق: ل، ب-ب) ۲۱- ق (نیز ل<sup>۲</sup>): عنان را پیچید بر سوی کوه ۲۲- ل، س، ق (نیز ل، ق: ل، ب، ل: س<sup>۱</sup>): بر؛ (ل: و سوی)؛ متن = ف، ل: س<sup>۱</sup> (نیز ل، آ) ۲۳- ف، ل: اشکیوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س<sup>۱</sup> (نیز ل<sup>۲</sup>): اشکنوس؛ (ق: ب: اشکیوس)؛ متن = س، ق، ل: ل (نیز ل، ل، ب، و ل: آ)؛ س پس از این بیت افزوده است: بدو گفت رستم تو باید ربه پای مجنب و مجنبان سپه راز جای ۲۴- ل: [و] ۲۵- س، ق (نیز ل<sup>۲</sup>، و ب): با؛ متن = ف، ل، ل: س<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، ق: ل، ب، ل: آ) ۲۶- ل، ق، ل: ل (نیز ل، ل، ل: آ)؛ (ل: با دست؛ ل: کوه قافت)

<p>۱۲۸۰</p> <p>به می‌درا همی تیغ بازی کند کجا<sup>۲</sup> شد کنون<sup>۳</sup> روی چون سَنَدروس؟ تو قلب سپه را به آیین بدار<sup>۴</sup></p>	<p>میان یلان سرفرازی کند سواری بود کمتر از آشکیوس<sup>۴</sup>؟ من اکنون پیاده کم کارزار</p>
<p>۱۲۸۵</p> <p>کمان را به زهبر<sup>۶</sup> به بازو<sup>۷</sup> فگند خروشید کای مرد جنگ آزمای<sup>۹</sup> کشانی بخندید و خیره بماند بدو گفت خندان که نام تو چیست؟ تهمن چنین داد پاسخ که نام<sup>۱۳</sup> مرا مام من<sup>۱۵</sup> نام «مرگ تو» کرد کشانی بدو گفت: بی بارگی تهمن چنین داد پاسخ بدوی پیاده ندیدی که جنگ آورد؟ به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ<sup>۲۱</sup> هم اکنون ترا ای نبرده سوار پیاده مرا زآن فرستاد طوس کشانی پیاده شود همچو من پیاده به ار چون تو باشد سوار<sup>۲۶</sup></p>	<p>به بند کمربر بزد<sup>۸</sup> تیر چند هماوردت آمد مرو<sup>۱۰</sup> باز جای عنان را گران کرد و او را بخواند<sup>۱۱</sup> به بی‌تسرت بر<sup>۱۲</sup> که خواهد گریست؟ چه پرسی؟ که هرگز<sup>۱۴</sup> نبینی تو کام زمانه مرا پُتک<sup>۱۶</sup> ترگی<sup>۱۷</sup> تو کرد به کشتن دهی سر<sup>۱۸</sup> به یکبارگی که ای بی‌هده مرد پرخاشجوی، سر سرکشان<sup>۱۹</sup> زیر سنگ<sup>۲۰</sup> آورد؟ سوار اندرآیند<sup>۲۲</sup> هر سه به جنگ؟ پیاده بیاموزمت کارزار که تا اسپ بستام از آشکیوس<sup>۲۳</sup> به<sup>۲۴</sup> دو روی خندان شوند<sup>۲۵</sup> انجمن بدین دست و این زور و این کارزار<sup>۲۷</sup></p>

۱-ق: بر ۲-ل، ق (نیز ل): چرا؛ متن = ف، س، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۳-ق: ورا؛ ل: چنان ۴-ف، ل: اشکوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س (نیز ل): اشکوس؛ (ق، ب: اشکیوس)؛ متن = س، ق، ل (نیز لن، لی، پ، و لن، آ) ۵-ل: بدین جا بدار؛ س: بدین جای دار ۶-ل (نیز ل): کمان بزه را؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۷-ل: بازوی ۸-ق: زد او ۹-ل، س، ق (نیز لی، لی، ب، لن، آ، ب) ۱۰-ل، ق (نیز لن، لی، ب، و لن) ۱۱-ل: و تیره بماند؛ ل: این بیت را ندارد ۱۲-ل، لن، ل: (را)؛ ق، ل، و: مشو؛ متن = ف، س، ل، س (نیز لن، لی، ب، لن، آ، ب) ۱۳-س: تهمن چنین پاسخ آورد ۱۴-ل: کزین پس؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ب) ۱۵-ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، و، ب): مادرم؛ متن = ف، س (نیز لن، لی، ب، لن، آ) ۱۶-ف، ل، س (نیز لن، ق، ل): ننگ (ننگ)؛ (ل: ننگ-ننگ؛ ب: ننگ-ننگ)؛ متن = ل، س (نیز ب، و لن، آ) ۱۷-ق: نام ننگ ۱۸-س: تن ۱۹-ف، ق (نیز ب): دشمنان؛ متن = ل، س، ل، س (نیز لن، آ) ۲۰-ق، س (نیز لی، ل، لن، آ): چنگ؛ متن = ف، ل، س، ل (نیز لن، ق، ب، و ب) ۲۱-ق، ل، س: پلنگ و نهنگ ۲۲-س: پیاده نیاید؛ درس آ بیت‌های ۱۲۹۱-۱۲۹۴ درهم ریخته‌اند؛ ۲۳-ل: اشکوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س (نیز ل): اشکوس؛ (ق، ب: اشکیوس)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز لن، لی، ب، و لن، آ) ۲۴-ل: ز ۲۵-ف: کند؛ ق (نیز ق): شود؛ (ب: کنند)؛ متن = ل، س، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۶-ل (نیز لی، ق، ل، و، آ): از چون تو پانصد (لی، و آ: سیصد) سوار؛ ق (نیز لن، ب): از چون تو باشد سوار؛ ل: از تو چو پانصد سوار؛ متن = ف، س ۲۷-ل: بدین روز و این گردش کارزار؛ س (نیز و، ب): بدین زور و این دست و این کارزار؛ (لن، لن): برین (لن: بدین) دشت و این زور (لن: روز) و این کارزار؛ متن = ف، ق، ل (نیز لی، ب، لن، آ)؛ س: این بیت را ندارد



بزد بر بر و سینه‌ی آشکیوس<sup>۱</sup> کشانی هم اندر زمان جان بداد نظاره بریشان دو رویه سپاه نگه کرد کاموس و خاقان چین چو برگشت رستم هم اندر زمان کزان نامور تیر بیرون کشید همه لشکر آن تیر بگذاشتند<sup>۷</sup> چو خاقان چین<sup>۸</sup> پر و پیکان تیر به پیران چنین گفت کین مرد کیست؟ تو گفتی که لختی فرومایه اند، کون نیزه با تیر ایشان یکیست، همی<sup>۱۳</sup> خوار کردی سراسر سخُن بدو گفت پیران کز ایران سپاه کجا<sup>۱۴</sup> تیر او بگذرد بر درخت از<sup>۱۷</sup> ایرانیان گوی و طوس اند<sup>۱۸</sup> مرد<sup>۱۹</sup> برادر<sup>۲۱</sup> هومان بسی پیش طوس به ایران ندانم که این مرد کیست<sup>۲۲</sup> شوم تا بینم<sup>۲۵</sup> به<sup>۲۶</sup> پرده سرای

سپهر<sup>۲</sup> آن زمان دست او داد بوس چنان شد که گفتی<sup>۳</sup> ز مادر نژاد که دارند پیگار گردان نگاه بدان<sup>۴</sup> بُرُزبالا و آن زور و کین<sup>۵</sup> سواری فرستاد خاقان دمان، همه تیر تا پر در<sup>۶</sup> خون کشید سراسر همه نیزه پنداشتند نگه کرد، برنادلش گشت پیر ز گردان ایران وُرا نام چیست<sup>۹</sup>؟ ز<sup>۱۰</sup> گردنکشان کمترین<sup>۱۱</sup> پایه اند، دل کوه<sup>۱۲</sup> در جنگشان اندکیست جز آن<sup>۱۴</sup> بُد که گفتی، زسرتا به بُن کسی را ندانم<sup>۱۵</sup> بدین پایگاه، ندانم چه دارد به دل شوربخت که با فر و بُرزان روز نبرد<sup>۲۰</sup> جهان کرد بر گونه‌ی آبنوس درین<sup>۲۳</sup> لشکر او را همورد کیست<sup>۲۴</sup> بیارند ناکام نامش به جای

۱- ل. س. (نیزل<sup>۲</sup>): اشکنوس؛ (ق، ب: اشکیوس)؛ متن = ف، س، ق (نیزلن، ل، ب، و، لن، آ) ۲- س: فلک؛ ل: این بیت را ندارد؛ س، ق، س<sup>۱</sup> (نیزلن-ب) پس از این بیت افزوده اند:

قضا گفت: گیر و قدر گفت: ده ملک (فلک) گفت: احسنت و مه گفت: زه

ب: ملک بر فلک گفت: احسنت و زه

ف، ل، ل: این بیت را ندارند، ولی در ل آنرا به خطی نزدیک به خط اصلی در میان ستون‌ها افزوده اند ۳- ل: هرگز؛ ق: تو گفتی همانا؛ س: تو گفتی که هرگز؛ متن = ف، ل، س ۴- ل، س: بران؛ متن = ف، ق، ل، س ۵- ل: وزور و کین ۶- ل: تا پُر پُر از؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن)؛ ق این بیت را ندارد ۷- ل، س (نیزل، ب، و): برداشتند؛ (لن، ل، ب، لن، آ: میان سپه تیر بگذاشتند)؛ متن = ف، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیزق<sup>۱</sup>) ۸- ل (نیزب): بدان؛ س، ق (نیزق، ل، آ): بران؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> (نیزلن، ب، و، لن)؛ متن = ف: به؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> ۱۰- ف: بهترین؛ (ب، لن، آ: کهنترین)؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن، آ) ۱۲- ل، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیزق، ل، آ): شیر؛ متن = ف، س (نیزلن، ل، ب، و، لن، آ) ۱۳- ق: هم ۱۴- س: این ۱۵- ل: ندانم کسی را؛ ق بیت‌های ۱۳۱۸-۱۳۲۱ را ندارد ۱۶- ف، ل، س: که تا؛ متن = ل، س (نیزلن-ب) ۱۷- س: ز ۱۸- ف (نیزلن، و): طوس است؛ متن = ل، س، س<sup>۱</sup> (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۹- ف (نیزلن، ل، ب، لن، آ): گرد (درف پساوند نادرست است)؛ س: لمرد (= گرد+مرد)؛ متن = ل، س<sup>۱</sup> (نیزق، ل، ب، و) ۲۰- س: و با دار و برد؛ (لن، ل، ب، لن، آ: و با دستبرد)؛ س (نیزب): که با گیر (ب: فر) و دارند روز نبرد؛ متن = ف، ل (نیزق، ل، ب، و)؛ ل: این بیت را ندارد ۲۱- س، ل، س: درآورد؛ متن = ف، ل ۲۲- ق: چنین گفت من می ندانم که کیست ۲۳- ل، ق: بدین؛ متن = ف، ل ۲۴- س، س: ز گردان ایران ورا نام چیست ۲۵- ل (نیزل<sup>۲</sup>): باز پرسه؛ س، ق (نیزلن، ق، ل، ب، و): تا پرسه؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۲۶- ق: ز

۱۳۲۵ بیامد پُراندیشه و روی زرد  
 به پیران چُنین گفت هومانِ گرد  
 بزرگان ایران گشاده دل‌اند  
 کنون تا بیامد از ایران سپاه  
 بدو گفت پیران<sup>۶</sup> که هر چند بار<sup>۷</sup>  
 چو رستم نباشد مرا باک نیست  
 چنان دان که جنگی جز از طوس<sup>۱۲</sup> نیست  
 سپه را دو رزم گرانست پیش

۱۳۳۰ و ز آنجایکه نزد کاموس رفت  
 چُنین گفت کامروز رزمی<sup>۱۷</sup> بزرگ  
 بینید تا چاره‌ی کار چیست  
 چُنین گفت کاموس کامروز جنگ  
 به رزم اندرون کشته شد آشکبوس<sup>۲۰</sup>  
 دلم زین<sup>۲۲</sup> پیاده به دو نیم شد  
 به بالای او بر زمین مرد نیست  
 کمانش تو دیدی و تیر ایدرست  
 همانا که آن سگزی جنگجوی  
 ۱۳۴۰

بیرسید از آن<sup>۱</sup> نامدارانِ مرد  
 که دشمن ندارد خردمند خرد  
 تو گفتی<sup>۲</sup> که آهن همی<sup>۳</sup> بگیل‌اند  
 همی بر خروشید از آن<sup>۵</sup> رزمگاه  
 بیاید بر طوس از<sup>۸</sup> ایران<sup>۹</sup> سوار،  
 به<sup>۱۰</sup> گرگین مراد دل به دو چاک<sup>۱۱</sup> نیست  
 فریبرز و گرگین چو کاموس نیست  
 بجویند<sup>۱۳</sup> هر کس برین<sup>۱۴</sup> نام خویش<sup>۱۵</sup>  
 بنزدیک مَشور<sup>۱۶</sup> و فرطوس رفت  
 برفت و پدید آمد از میش گرگ  
 برین خستگی‌ها تن آزار چیست<sup>۱۸</sup>  
 چنان بُد که نام اندر آمد<sup>۱۹</sup> به ننگ  
 و ز آن<sup>۲۱</sup> شادمان شد دل گیو و طوس  
 کزو لشکر ما پُر از بیم شد  
 درین لشکر<sup>۲۳</sup> او را هم‌آورد نیست  
 به نیرو<sup>۲۴</sup> ز پیل ژیان برترست  
 که چندان<sup>۲۵</sup> همی بر شمردی تو زوی<sup>۲۶</sup>،

۱-ل: زان ۲-ل، ق، ل، ش: گویی؛ متن = ف، س ۳-س: زهم ۴-ل، س، ق: ز؛ س: به؛ متن = ف، ل ۵-ل: زان ۶-س: هومان ۷-ل، س، ل، س: (نیز لن-پ): یاره؛ متن = ف، ق (نیز لن، آ) ۸-ل: ز ۹-ف: ایشان؛ متن = ل-س: (نیز لن-ب) ۱۰-ل، ق، ل: (نیز لن، ق، ل، پ، و لن): ز؛ متن = ف، س، س: (نیز ل، آ، ب) ۱۱-ل: (نیز بروجاک)؛ س (نیز ب): دل پر از خاک؛ (و: دل من بدو چاک)؛ ل، ق (نیز ل، آ): گرگین و بیژن دلم چاک؛ (ق: گستم و گرگین دلم چاک)؛ متن = ف، ل، س: (نیز پ، لن) ۱۲-س: چو فرطوس؛ ل این بیت را ندارد ۱۳-ف: بگویند؛ (ل: که جویند؛ لن: نجویند)؛ متن = ل-س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۴-ل، ل: بدین؛ س: بدان؛ ق: ازین؛ متن = ف، س ۱۵-ق: مایه بیش ۱۶-ل: (و: مشور)؛ ق بیت‌های ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ را ندارد ۱۷-ف: زرمی (!) ۱۸-ل، ل، س: (نیز لن، ل، پ، و لن، آ): برین (ل: بران؛ ل، آ: بدین) خستگیها بر (آ: پر) آزار کیست (ل، پ: چیست)؛ س (نیز ب): ازین دو سپه بر که باید گریست؛ ق: بدین خستگیها مرا یار کیست؛ (ق: کز ایرانیان را هم آورد کیست؛ ل: برین جنگها بر که باید گریست)؛ متن = ف ۱۹-ف (نیز و): اندر آید؛ متن = ل-س: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ در ل پس از این بیت، بیت ۱۳۳۹ آمده است ۲۰-ل: اشکبوس (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س: (نیز ل): اشکبوس؛ (ق: ب: اشکبوس)؛ متن = ف، س، ق، ل: (نیز لن، ل، و لن، آ) ۲۱-ل: وزو ۲۲-ل، ق: زان ۲۳-ل، ق (نیز ل): بدین لشکر؛ س (نیز ب): بگیتی کس؛ (ق: وزین لشکر)؛ متن = ف، ل، س: (نیز لن، ل، پ، و لن، آ) ۲۴-ف، ل، س: براو؛ ل، ق (نیز ق، ل): بزور او؛ (و: برزم او)؛ متن = س (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب)؛ در ل این بیت پس از بیت ۱۳۳۵ آمده است ۲۵-ل، س، س: (نیز ل، آ): چندی؛ ل: (نیز ق، آ، ب): چندی؛ متن = ف، ق (نیز لن، پ، و لن) ۲۶-ل، ق، ل، س: (نیز لن، ق، ل، آ): ازوی؛ متن = ف، س (نیز پ، و لن، ب)

پیاده بدین رزمگاه آمده‌ست  
 بدو گفت پیران<sup>۲</sup> که او دیگرست  
 بپرسید پس<sup>۴</sup> مرد بیداردل<sup>۵</sup>  
 ز پیران بپرسید کین<sup>۶</sup> شیرمرد  
 ز بازوی<sup>۷</sup> و زورش<sup>۸</sup> چه داری نشان؟  
 چگونه‌ست مردی و دیدار اوی<sup>۱۱</sup>؟  
 گر ایدونک آید به توران‌سپاه<sup>۱۳</sup>  
 بدو گفت پیران که این<sup>۱۴</sup> خود مباد  
 یکی مرد بینی چو سرو سهی  
 بسا رزمگاهها که افراسیاب  
 یکی رزمسازست<sup>۱۶</sup> خسروپرست  
 به کین سیاوش کند کارزار  
 سیلیح<sup>۱۸</sup> ورا برنتابد کسی<sup>۱۹</sup>  
 به رزم اندرون چون ببندد میان  
 نه برگیرد از جای گرزش نهنگ  
 زهی بر کمان‌ستش<sup>۲۴</sup> از چرم شیر  
 اگر سنگ خارا<sup>۲۶</sup> به چنگ آیدش  
 به رزم اندرآید بپوشد زره  
 یکی جامه دارد<sup>۲۹</sup> ز چرم پلنگ

۱۳۴۵  
 ۱۳۵۰  
 ۱۳۵۵

به یاری ایران‌سپاه<sup>۱</sup> آمده‌ست  
 سواری سرافراز<sup>۳</sup> گنداورست  
 کجا بسته بود اندر آن کار دل،  
 چگونه خرامد به دشت نبرد؟  
 چه گوید<sup>۹</sup> به آورد با<sup>۱۰</sup> سرکشان؟  
 چگونه شوم<sup>۱۲</sup> من به پیگار اوی<sup>۱۱</sup>؟  
 مرا رفت باید به آوردگاه  
 که او ایدر آید<sup>۱۵</sup> کند رزم یاد  
 به دیدار با زیب و با فرهی  
 ازو گشت پیچان و دیده پُر آب  
 نخست او<sup>۱۷</sup> برد سوی شمشیر دست  
 کجا او پروردش اندر کنار  
 ز مردان<sup>۲۰</sup> کنند آزمایش بسی<sup>۲۱</sup>  
 تنش زور دارد به پیل<sup>۲۲</sup> ژبان  
 اگر بفگند بر زمین<sup>۲۳</sup> روز جنگ  
 یکی تیر<sup>۲۵</sup>، پیکان او ده سِتر  
 شود موم و از<sup>۲۷</sup> موم ننگ آیدش  
 یکی جوشن از برِ ببندد گره<sup>۲۸</sup>  
 بپوشد ز برِ وَاَندرآید<sup>۳۰</sup> به جنگ

۱- ل: بایران سپاه؛ س: ز نزدیک شاه؛ متن = ف، ل، ق، س<sup>۲</sup> - ۲- س: هومان - ۳- ل: سرافراز و؛ متن = ف، س، ق؛ ل، س<sup>۲</sup> بیتهای ۱۳۴۲-۱۳۴۴ را ندارند و بیت‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ را پس از بیت ۱۳۵۰ آورده‌اند - ۴- س: از او - ۵- ق: بسیار دل؛ ق در اینجا سرنویس دارد: یاد کردن پیران هنرهای رستم نزد کاموس کشانی - ۶- ل، ق (نیز ق، ل، ب): کان؛ متن = ف، س (نیز ل، ل، پ، و، ل، آ) - ۷- ف، ل (نیز ل، ل، پ، و، ل، آ): بازو؛ س (نیز ق، ب): بالا؛ متن = ل، س<sup>۲</sup> - ۸- ل: برزش؛ (ق: رویش)؛ متن = ف، ل (نیز ل، ل، پ-ب) - ۹- ف، ل، س: جوید؛ (آ: دارد)؛ متن = ل، س (نیز ل، ق، ل، پ، و، ل، آ): از؛ ق این بیت را ندارد - ۱۱- ل، س: او - ۱۲- ق: روم - ۱۳- س: ز پیش سپاه؛ (ل، پ، و، ل، آ): بیاری سپاه؛ ق: بدین رزمگاه؛ ل: بایران سپاه؛ آ: ز ایران‌سپاه؛ ب: پشت سپاه)؛ ل: اویست کامد ز راه؛ متن = ف، س، ق؛ ل این بیت را ندارند - ۱۴- ل، س: آن - ۱۵- ف، ل (نیز ل): اندرآید؛ ل: آید ایدر؛ (ق: با سواری)؛ متن = س، ق، س (نیز ل، ل-ب) - ۱۶- ل: رزمسازست و - ۱۷- س: نخستین - ۱۸- س، س: سلاح - ۱۹- س: زمین - ۲۰- ق: گردان - ۲۱- س: چو او کس ندید اندر آورد کین؛ در ل لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند - ۲۲- ق: چوپیل؛ ل این بیت را ندارد - ۲۳- ق: بر زمین بفگند - ۲۴- ل، س (نیز ل-ب): بر کمانش بر (ل، پ)؛ متن = ف، ل، س<sup>۲</sup> - ۲۵- ل: تیر و؛ ق این بیت را ندارد - ۲۶- ف: سنگ و سندان؛ متن = س، ل، س (نیز ل، ل، ل، پ-ب) - ۲۷- ف، ل: وز؛ متن = س، س، ل؛ ق این بیت را ندارند - ۲۸- ق این بیت را ندارد - ۲۹- ق: یکی جوشن اشش - ۳۰- ل: برو اندرآید؛ ق: وزانپس درآید؛ (ل، پ، ل): بزیر اندرآید؛ ق، آ: زبر اندرآید؛ ل: بر اندرآید؛ ل: پس او ایدر آید؛ و: بزیر و درآید)؛ متن = ف، س، ل، س (نیز ب)



- ۱۳۶۰ همی زام بیریان خواندش  
نسوزد در آتش. نه در<sup>۲</sup> آب تر  
یکی رخس<sup>۴</sup> دارد به زیر اندرون  
همی آتش افروزد از خاک<sup>۶</sup> و سنگ  
ابا این شگفتی به روز نبرد  
بدین شاخ و این<sup>۷</sup> یال و بازوی<sup>۸</sup> و کفیت
- ۱۳۶۵
- ۱۳۷۰ چو بشنید کاموس بسیار هوش  
همانا خوش آمدش گفتار اوی<sup>۱۱</sup>  
به پیران چنین گفت کای پهلوان  
بین تا چه خواهی ز سوگند سخت  
خورم من فزون ز آن<sup>۱۳</sup> کنون پیش تو  
که زین را نگردانم<sup>۱۵</sup> از پشت بور  
مگر بخت تو شاد و<sup>۱۸</sup> روشن کنم  
بسی<sup>۲۰</sup> آفرین خواند<sup>۲۱</sup> پیران براوی<sup>۲۲</sup>  
به کام تو گردد همه کار ما
- ۱۳۷۵ و ز آنجایگه گرد لشکر بگشت  
بگفت این سخن پیش خاقان چین
- ز خفتان و جوشن فزون داندش  
شود، چون بپوشد برآیدش پیر<sup>۳</sup>  
که گویی<sup>۵</sup> روان شد که بیستون  
نیارامد از بانگ هنگام جنگ  
سزد گر نداری تو او را به مرد  
هنرمند باشی نباشد<sup>۹</sup> شگفت
- به پیران سپرد آن زمان گوش و هوش<sup>۱۰</sup>  
برافروخت ز آن کار رخسار<sup>۱۲</sup> اوی<sup>۱۱</sup>  
تو بیدار دل باش و روشن روان  
که خوردند شاهان، بیدار بخت،  
که روشن شود ز آن دل و کیش<sup>۱۴</sup> تو،  
به<sup>۱۶</sup> نیروی بازو و فرمان هور<sup>۱۷</sup>،  
بریشان<sup>۱۹</sup> جهان چشم سوزن کنم  
که ای شاه بینادل<sup>۲۳</sup> راست گوی،  
نمانده ست بسیار پیگار ما
- به هر<sup>۲۴</sup> پرده و خیمه بی<sup>۲۵</sup> برگذشت  
همی گفت با هر کسی همچنین

۱-ق: به ۲-ل: از ۳-ل، ق، ل، س: (نیز، ل، ق): بر: (لن: براندیش بر: پ: بدانندیش بر: لن: پیراندیش تر):  
متن = ف، س (نیز آ) ۴-ق: اسب ۵-ل: توگفتی: متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز، ل، ب) ۶-ق، س: کوه:  
متن = ف، ل، س، ل: ۷-ف: آن: متن = ل، ق، ل، س: ۸-ف، ل، س: بازو: متن = ل، ق، س: شاخ و بازوی و  
این یال ۹-ل: ندارم: ل: ندارد: (لن: نباشی): متن = ف، س، ق، س: (نیز، ل، ل، ل، پ، لن، آ، ب): در  
ل این بیت پس از بیت ۱۳۷۳ آمده است ۱۰-ل (نیز، ق): چشم و گوش: س: هردو گوش: ق: جان و گوش: ل:  
(نیز، پ، و، لن، ب): هوش و گوش: (ق: دل و جان و هوش): متن = ف، س: (نیز، ل، آ) ۱۱-ل، س، ق: او ۱۲-  
ل، س، ق (نیز، ل، و): بازار: ل: پیکار: (لن، لن: از (لن: زی) کار و پیکار: ق: از گفت بازار: ب: از آن کار بازار):  
متن = ف، س: ۱۳-ق: فزون زان خورم من ۱۴-س، ق (نیز، ل، ب): دل ریش: متن = ف، ل، ل، س: (نیز، ل، ل، پ،  
لن، و، آ) ۱۵-ف، ل، س، س: (نیز، ل، ل، و، آ، ب): نبردارم: ل: نپردازم: متن = ق (نیز، ل) ۱۶-ف: نه (!) ۱۷-  
ل (نیز، ق): نیروی یزدان (ق: یزدان و) کیوان و هور: ق (نیز، ل): نیروی یزدان و فرمان هور: (لن، ل، آ: نیرو و زور خداوند  
هور: پ، لن: نیروی زور خداوند هور): متن = ف، س، ل، س: (نیز، ب: ف: نیرو) ۱۸-ل: بخت و رای تو: متن = ف، س، ق، ل،  
س: ۱۹-ق: بدیشان ۲۰-س: همی ۲۱-س، ق: کرد: متن = ف، ل، ل، س: ۲۲-ل، ل: بدوی: متن = ف، س،  
ق، س: ۲۳-ل: بیضا دل و: س: روشن دل: متن = ف، ق، ل، س: در ل پس از این بیت، بیت ۱۳۶۵ آمده است ۲۴-  
ل: مه ۲۵-ل: خیمه پرده

ز خورشید چون<sup>۱</sup> شد هوا<sup>۲</sup> لعل فام  
 دلیران لشکر شدند انجمن  
 به خرگاه خاقان چین آمدند  
 شمیران<sup>۴</sup> شکنی<sup>۵</sup> و شنگل ز هند<sup>۶</sup> ۱۳۸۰  
 چو کاموس اسپ افکن<sup>۷</sup> شیرمرد  
 همی<sup>۸</sup> رای زد رزم را هر کسی  
 و زان<sup>۹</sup> پس بر آن<sup>۱۰</sup> رایشان شد درست  
 برفتند هر کس<sup>۱۱</sup> به آرام خویشی

چو باریک<sup>۱۸</sup> و خمیده شد پشت<sup>۱۹</sup> ماه<sup>۲۰</sup> ۱۳۸۵  
 بنزدیک خورشید چون شد درست  
 سیاه دو کشور برآمد به جوش  
 چنین گفت خاقان که امروز جنگ<sup>۲۳</sup>  
 گمان برد باید که پیران نبود  
 همه همگنان رزمساز آمدیم ۱۳۹۰  
 گر امروز رسم<sup>۲۶</sup> درنگ آورم  
 و دیگر که فردا از<sup>۲۸</sup> افراسیاب  
 یکی رزم باید همه همگروه

ز تاریک زلف<sup>۱</sup> شبان<sup>۲</sup> سیاه،  
 برآمد<sup>۳</sup> به زرآب<sup>۴</sup> رخ را بشت،  
 به چرخ بلند اندرآمد خروش  
 نباید که چون دی<sup>۲۴</sup> بود با درنگ<sup>۲۵</sup>  
 نه بی او نشاید نبرد آزمود  
 به یاری ز راه دراز آمدیم  
 همه نام جستن<sup>۲۷</sup> به ننگ آورم  
 سپاس اندرآرم و گیرم خواب<sup>۲۹</sup>  
 شدن پیش لشکر بگردار کوه<sup>۳۰</sup>

۱-س: تا ۲-ل (نیزق): حیدان: س. ل. س. زمین: متن = ف. ق. (نیزلن. ی. ب) ۳-ف. س. ق. ل. س. (نیزلن. و. آ. ب): بگذارد: ل: بگذاشت: متن = (لن) ۴-ف. ق. ل. س. (نیزق. ل. و): سواران: ل. س. (نیزب): شوران (در ل حرف سوم نقطه ندارد): متن = (لن. ی. ب. لن. آ) ۵-ف. ل. س. (نیزلی. لن): شکنی: س. بز کشمیر: ق. (نیزل): رومی: (آ. ب: جنگی): متن = ل (نیزلن. و. آ. ب. و) ۶-ق: شکنی و هند: در ل. س. ق. (نیزق. ل. و. ب) این بیت بایست سپسین پس و پیش شده اند: بیایی بیت های متن = ف. ل. س. (نیزلن. ی. ب. لن. آ) ۷-س: پیل اوژن ۸-(و: منشور) ۹-ل (نیزق) و فرضوس مرد (ق: روز): نبرد: متن = ف. س. ق. ل. س. (نیزلن. ی. ب) ۱۰-ق: بسی ۱۱-ل. ق: ز ۱۲-ل. س: گفت: ق: کرد: متن = ف. ل. س. ۱۳-ل: از آن ۱۴-ق: بدان ۱۵-ق: خواهیم ۱۶-س. ق: یک: متن = ف. ل. ل. س. ۱۷-ل: بختند در خیمه: بنداری (۱۳۲۴-۱۳۸۹): و ما یزالو فی سبب اسباب الحرب حتی أصبحوا ۱۸-ف. ل: تاریک (تاریک): ل: تاریک (حرف یک نقطه ندارد): متن = س. ق. س. (نیزلن. ق. ی. ب. لن. ب) ۱۹-ق: روی: ل: قد: متن = ف. ل. س. س. ۲۰-ل: شاه (!) ۲۱-ق: بآمد ۲۲-ف: بزرآب و (!): (لن. ق. ل. آ. ب. لن: بزرآب: ی: بدان آ. ب: آ: بران آ. ب): متن = ل. س. (نیز و) ۲۳-س: ک: سرد: خاقان جنگ ۲۴-ق: [دی] (وزن ندارد) ۲۵-س: چندان بد که نام اندرآمد بستنگ (= ۱۳۳۵ ب) ۲۶-ل. ق. ل. (نیزلن. آ): چون دی: س: راه: متن = ف. س. (نیزب) ۲۷-ل (نیزل): نام و ازیر: ق: نام جستم: متن = ف. س. ل. س. (نیزل. ق. ی. ب. ب) ۲۸-ل. س: ز ۲۹-ل: گیرد شتاب: ل. س. (نیزلن. ق. ل. ب. ب): اندر آراه گیرم (لن. ی. ب. لن. آ: جوییم: و: بایم) و خواب: متن = ف. س: ق: این بیت را ندارد ۳۰-در ل این بیت پس از بیت ۱۴۰۶ آمده است

<p>۱۳۹۵ ز ده کشور ایدرا سرافراز هست<sup>۲</sup> بزرگان ز<sup>۳</sup> هر جای برخاستند که بر لشکر امروز فرمان تراست یک امروز بنگر بدین رزمگاه</p>	<p>به خواب و به خوردن نشاید<sup>۳</sup> نشست<sup>۴</sup> به خاقان چین خواهش آراستند<sup>۶</sup> همه کشور چین و ترکان<sup>۷</sup> تراست که شمشیر بارد ز ابر سیاه</p>
<p>۱۴۰۰ و زین<sup>۸</sup> روی رستم به ایرانیان اگر کشته شد زین<sup>۱۰</sup> سپاه اندکی چنین یکسره دل مدارید تنگ همه لشکر ترک از آن<sup>۱۳</sup> آشکبوس<sup>۱۴</sup> همه<sup>۱۶</sup> یکسره دل پُر از کین کنید که من رخس را بستم امروز نعل بسازید کامروز روزی<sup>۲۰</sup> نوست ۱۴۰۵ میان را ببندید کز کارزار<sup>۲۲</sup> ز من برده و هدیه<sup>۲۳</sup> زاوی<sup>۲۴</sup> بزرگان برو<sup>۲۷</sup> خواندند آفرین</p>	<p>چنین گفت کاکنون سرآمد زیان<sup>۹</sup> نشد بیش که از دو<sup>۱۱</sup> سیصد یکی نخواه تن<sup>۱۲</sup> زنده بی نام و ننگ برفتند رخساره<sup>۱۵</sup> چون سندروس سواران بروها<sup>۱۷</sup> پُر از چین کنید برو<sup>۱۸</sup> کرد خواهم بر و تیغ<sup>۱۹</sup> لعل زمین<sup>۲۱</sup> سربس گنج کیخسروست همه تاج یابید با گوشوار بیابید و هم شاره<sup>۲۵</sup> کاوی<sup>۲۶</sup> که از تو فرازد<sup>۲۸</sup> کلاه و نگین</p>

۱- ف. س. آمد: ل. ل. (نیزب): اندر (جنددر): (لن، ق. ل. آید): متن = ق. س. (نیزب، و. لن.) ۲- ف. س.: هشت (ف. پساوند ندارد): متن = ل. ق. ل. س. (نیزلن، ق. ل. ب. و. لن. ب) ۳- ل. نباید ۴- س. گذشت ۵- ل. [از] ۶- س. پاسخ آراستند: ق. همه پاسخش را بیاراستند: متن = ف. ل. ل. س. ۷- ل. (نیزق. ل. آ): توان: س. (نیزب): مکران: متن = ف. ق. ل. س. (نیزلن، ب. و. لن. آ) ۸- س. وزان ۹- س. ل. س. (زمان جندران): متن = ف. ل. ق. ۱۰- ق. زان ۱۱- ف. ازیشان مانند ز. ل. ق. (نیزلن، ل. و. لن. آ): نشد (لن: بشد) بیش و کم از دو: س. (نیزب): نشد هیچ که از دو: ل. س. (نشد بیشتر از دو: متن = ق. ب) ۱۲- س. بتم ۱۳- ل. از ۱۴- ل. اشکوس (حرف چهارم نقطه ندارد): س. (نیزل. آ): اشکوس: (ق. ب: اشکوس): متن = ف. س. ق. ل. (نیزلن، ب. و. لن. آ) ۱۵- ف. س. ل. س. (رخشنده): متن = ل. ق. (نیزلن-ب) ۱۶- ل. کنون ۱۷- ل. بروهانی جنگی: متن = ف. س. ق. س. (نیزلن-ب: درل: بروها): ل. است های ۱۴۰۲-۱۴۰۴ را ندارد ۱۸- ل. (نیزق. ل. ب: بخون: ل. از خون): متن = ف. س. ق. س. (نیزلن، ل. ب-ب) ۱۹- ل. سرتیغ: ق. از خون دست: (ل. آ: از خون تیغ: ل. بدو دشت: و. ب: بخون تیغ): متن = ف. س. س. (نیزلن، ق. ل. ب. لن.): بنداری: (ل. ب. لن. ق. ل. ب. لن.): و آب اش القاتال بنفسی فی هذا اليوم ۲۰- ف. ل. س. (نیزلن، ق. ل. ب. لن.): روز: متن = س. ق. (نیزلن، ل. و. آ. ب) ۲۱- ق. جهان ۲۲- ق. شهریار: (ل. کرد گز: لن. ب. لن. در کارزار): متن = ف. ل. س. ل. س. (نیزق. ل. و. آ. ب) ۲۳- ل. هدیه و برده: س. ق. برده و هدیه: متن = ف. ل. س. (نیزلن، ب. لن. آ): زابلی: س. (نیزب): کابلی: متن = (و) ۲۴- ف. ل. ق. ل. س. (نیزلن، ب. لن. آ): زابلی: س. (نیزب): کابلی: متن = (و) ۲۵- ل. ساره: س. ل. یاره: (ل. هدیه): متن = ف. ق. س. (نیزلن، ق. ل. ب. و. آ. ب) ۲۶- ف. ل. ق. ل. س. (نیزلن-ب. لن. آ): کابلی: س. (نیزب): زابلی: متن = (و): درل این بیت پس از بیت ۱۳۹۳ آمده است ۲۷- ق. همه ۲۸- ل. فروزد: (ق. فرازد: لن. ب. لن. آ: که بی تو مبادا): متن = ف. س. ق. ل. س. (نیزو، ب): س. پس از این بیت افزوده است:

نویسی پهلوان زمان وزمین

بکاه تو گردد سیه بر برین

گفتار اندر رزم رستم زال با کاموس<sup>۱</sup>

بپوشید رستم سلیح <sup>۲</sup> نبرد	به <sup>۳</sup> آوردگه رفت با داروبرد <sup>۴</sup>
زره <sup>۵</sup> زیر بُد جوشن <sup>۶</sup> اندر میان	و زآن <sup>۷</sup> پس بپوشید ببریان
گرا نمایه مغفر به سر بر نهاد	همی کرد بدخواه از مرگ <sup>۸</sup> یاد
به فرمان <sup>۹</sup> یزدان میان را بست	نشست از بر رخس چون پیل مست <sup>۱۰</sup>
ز بالای او آسمان خیره گشت	زمین از پی رخس او تیره گشت
برآمد ز هر دو سپه بوق و کوس	نماند ایچ راه فسون و فوس <sup>۱۱</sup>
همه لرز لرزان شده دشت <sup>۱۲</sup> و کوه	زمین شد ز نعل ستوران <sup>۱۳</sup> ستوه
و زآن <sup>۱۴</sup> روی کاموس بر میمنه	پس پشت او زنده پیل و بُنه
ابر میسر <sup>۱۵</sup> لشکر آرای هند	زره دار <sup>۱۶</sup> و در چنگ رومی پزند <sup>۱۷</sup>
به قلب اندرون جای خاقان چین	شده آسمان تار و جنبان زمین <sup>۱۸</sup>
و زین سو <sup>۱۹</sup> فریبرز بر میسر	چو خورشید تابان ز <sup>۲۰</sup> برج بره
سوی <sup>۲۱</sup> میمنه پور گشواد بود	که گفتی <sup>۲۲</sup> همه زیر <sup>۲۳</sup> پولاد بود
به قلب اندرون طوس نوذر به پای	به پیش سپه کوس با گره نای <sup>۲۴</sup>
همی دود آتش برآمد ز آب	نبیند چنان جنگ <sup>۲۵</sup> جنگی به خواب
برآمد ز لشکر ز هر سو <sup>۲۶</sup> خروش	همی پیل را زآن بدزدید گوش
نخستین که اندر <sup>۲۷</sup> میان دو صف	ز خون جگر بر لب آورد کف،
سپهبد سرافراز کاموس بود	که با لشکر و پیل و با <sup>۲۸</sup> کوس بود
همی بر خروشید چون پیل مست	- یکی گرزهی گاو پیکر به دست - ،

۱- ف: گفتار اندر جنگ دوم طوس و گودرز و رستم و نبرد رستم با کاموس کشانی و گرفتن او را و کشته شدن کاموس؛ ل: رزم رستم زال با کاموس؛ س (چند بیت پایین تر): جنگ کاموس کشانی با الوای زابلی و کشته شدن الوای؛ ق (چند بیت پایین تر): رزم رستم با کاموس و گرفتار شدن او در کمند؛ س: جنگ رستم با کاموس کشانی؛ متن- ل ۲- س: سلاح ۳- س: ز ۴- ق: کرد ۵- ف، س، س: زره ۶- س: زیر و جوشن بُد ۷- ل: از آن؛ بنداری: ثم ظاهر بین درع و جوشن، و لبس فوقها عده آخری من جلد البیر ۸- ل، س (نیز ل، ق، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب): بدخواهش از مرگ؛ ق: بدخواه اورزم؛ ل، آ، س: از مرگ بدخواه؛ (ل، آ: بدخواه را مرگ)؛ متن = ف ۹- ل: نیروی ۱۰- س: و نیزه بدست ۱۱- ل: زمین آهنین شد سپهر آبنوس؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل- ب) ۱۲- ل (نیز ق، آ، ل، و): جهان (ل: هوا) لرز لرزان شد و دشت؛ س: جهان کر شد و دشت لرزان؛ ل، آ، س: شده لرز لرزان در و دشت؛ متن = ف (نیز ل، ل، ب، ل، آ، ب) ۱۳- س: سواران؛ ق (نیز ل، آ، ل، ن): گشته (ل: گشت؛ ل، ن: آمد) از نعل اسبان؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز ل، ق، آ، ل، ب، و، آ) ۱۴- ل: از آن؛ س پس از این بیت افزوده است:

ابر میسر لشکر آرای جنگ رزه دار و شمشیر هندی بچنگ (۱۴۱۶)

۱۵- س: میمنه ۱۶- ف، س، س: رزه دار ۱۷- ل: با تیغ و هندی پرند؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س ۱۸- س: بیت های ۱۴۱۷-۱۴۲۲ را نندارند ۱۹- ل: روی؛ س: رو؛ متن = ف، ق، ل ۲۰- ل: به ۲۱- ل: ابر ۲۲- ل (نیز ق): کفتش ۲۳- س: مغز ۲۴- ف، ل، س: کز نای؛ متن = ق، ل، آ ۲۵- ل: رزم ۲۶- ل، ق: زهر سوی لشکر؛ متن = ف، س، ل ۲۷- ل، ل، آ: آمد؛ ق: شد در؛ متن = ف، س، س ۲۸- ف، ل، آ، س: که با پیل و با لشکر؛ متن = ل، س، ق (نیز ل- ب)

که آن جنگجوی پیاده کجاست  
 بگو تا بیاید ببندد میان  
 ورا دیده بودند گردان نیو  
 کسی را نیامده‌می رزم رای<sup>۴</sup>  
 که<sup>۵</sup> با او<sup>۶</sup> کسی را بُد پای<sup>۷</sup> جنگ  
 یکی زاوی<sup>۱۰</sup> بود الوای<sup>۱۱</sup> نام  
 بسی رنج برده به کار عنان  
 به رنج و به سختی جگر سوخته  
 بدو گفت رستم که هشیار<sup>۱۴</sup> باش  
 ۱۴۳۵ مشو غره<sup>۱۷</sup> زآب هنرهای خویش  
 چو چشمه<sup>۱۸</sup> بر ژرف دریا بری  
 چو<sup>۲۰</sup> الوای<sup>۲۱</sup> آهنگ کاموس کرد  
 نهادند آوردگاهی بزرگ  
 بزد نیزه و برگرفتش ز زین  
 ۱۴۴۰ عنان را گران<sup>۲۴</sup> کرد و او را به نعل

که از نامداران همی<sup>۱</sup> رزم خواست؟  
 به تیر و کمان بر سرآرد زمان<sup>۲</sup>  
 چو طوس سرافراز و رهام<sup>۳</sup> و گیو  
 ز گردان ایران تهی ماند جای،  
 سواران<sup>۸</sup> چو آهو و او چون<sup>۹</sup> پلنگ  
 سبک تیغ کین برکشید از نیام  
 بیاموخته تیر و گرز<sup>۱۲</sup> و سینان  
 هنرها ز رستم<sup>۱۳</sup> بیاموخته  
 به آورد ازین<sup>۱۵</sup> ترک بیدار<sup>۱۶</sup> باش  
 نگهدار بر جایگه پای خویش  
 به دیوانگی ماند آن<sup>۱۹</sup> داوری  
 که جوید به آورد با او نبرد<sup>۲۲</sup>،  
 کشانی بیامد بکردار گرگ  
 بینداخت آسان ورا بر<sup>۲۳</sup> زمین  
 همی کوفت تا خاک ازو گشت<sup>۲۵</sup> لعل

۱- ل: چنین ۲- س: بیت‌های ۱۴۲۷-۱۴۳۰ را ندارد؛ ل، ق (نیز ل<sup>۳</sup>) بجای بیت ۱۴۲۷ افزوده‌اند:

کنون گریباید باوردگاه کنون گریباید باوردگاه  
 تهی ماند از تیر (ق: نام) او جایگاه

۳- س، ل: گودرز؛ متن = ف، ل، ق؛ بنداری: فعله طوس و جیو و أصحابها أنهم لا طاقة لهم بمقاومته ۴- ل: یاد (پساوند ندارد) ۵- ق: چو ۶- ف (نیز لن، پ، لن): وی؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ق<sup>۲</sup>، ل، آ، ب) ۷- ف (نیز لن، پ): جای (؟)؛ ل، س: تاو؛ ق (نیز ق<sup>۲</sup>، ل، و، ب): تاب؛ متن = ل (نیز ل، لن، آ) ۸- ل، ق (نیز ل<sup>۳</sup>): دلبران؛ (ق: که ایشان)؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ل، پ-ب) ۹- س: آهو بُد و او ۱۰- ف-ل (نیز لن-پ، لن، آ، ب): زابلی؛ متن = س (نیز و) ۱۱- ل، س: الواد؛ بنداری: الواد؛ (لن، پ: کیوان به)؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز هفت دستویس دیگر)؛ س، ق (نیز لن، ق<sup>۲</sup>، ل، پ، لن، آ، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

کجا (ق: همان) نیزه رستم او داشتی پس پشت او هیچ نگذاشتی

ف، ل، ل، س (نیز ل<sup>۲</sup>) و این بیت را ندارند ۱۲- ل: گرز و تیر؛ س: بیت‌های ۱۴۳۲-۱۴۳۶ را ندارد ۱۳- ل، س: ز رستم هنرها؛ بنداری (۱۴۳۱-۱۴۳۳): و کان ق أصحاب رستم الزابلیین فارس یسمى الواد قد أفنی عمره فی معالجة الحروب، وتعلم من رستم الفروسية وطرائق القتال ۱۴- ل: بیدار ۱۵- ل، ق: این ۱۶- ل: هشیار؛ س بجای این بیت افزوده است:

چه گفت آن سخنگوی دانای پیر سخن چون از او بشنوی یاد گیر

۱۷- ل: غرق؛ س، ق (نیز لن، ل، پ-ب): غرقه؛ متن = ف، ل (نیز ق<sup>۲</sup>، ل)؛ درق بیت‌های ۱۴۳۵ و ۱۴۳۶ پس از بیت ۱۴۴۰ آمده‌اند ۱۸- ل، ق (نیز ق<sup>۲</sup>، ل، و): قطره؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب) ۱۹- س، ق، ل: این؛ متن = ف، ل ۲۰- ل: شد ۲۱- ل، س: الواد؛ (لن، پ، لن): کیوان شد؛ ل: الواد؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز ق<sup>۲</sup>، ل، و، آ، ب) ۲۲- س: که با او بجوید عیدان نبرد ۲۳- ل، ل، ل: بروی؛ ق: نگوئسار کرد و بزد بر ۲۴- ق: سبک ۲۵- ل: او کرد؛ ق: او گشت؛ متن = ف، س، ل؛ س: این بیت را ندارد؛ درق پس از این بیت، بیت‌های ۱۴۳۵ و ۱۴۳۶ آمده‌اند و پس از آن افزوده است:

بالموا چنین گفت کاموس شیر که ای مرد برزنا و گرد دلیر

تَهْمَن ز الوای شد<sup>۱</sup> دردمند  
 چو آهنگ مازندران<sup>۲</sup> داشتی  
 بیامد بغزید چون پیل مست  
 بدو گفت کاموس: چندین مده  
 ۱۴۴۵ چُنین پاسخ آورد رستم که شیر  
 نَحسَتین بدین کین تو بست<sup>۳</sup> کمر  
 همی<sup>۴</sup> رشته خوانی کمند مرا<sup>۵</sup>  
 زمانه ترا از کشانی براند  
 برانگیخت کاموس گرد<sup>۶</sup> نبرد  
 ۱۴۵۰ بینداخت<sup>۷</sup> تیغ پرندآورش  
 سر تیغ بر گردن رخس خورد  
 نیامد تن رخس را زآن<sup>۸</sup> گزند  
 بینداخت و افگندش اندر میان  
 به ران اندرآورد و<sup>۹</sup> کردش دوال  
 ۱۴۵۵ سوار از دلیری بیفشارد<sup>۱۰</sup> ران  
 همی خواست کزان<sup>۱۱</sup> خَم خام<sup>۱۲</sup> کمند  
 شد از هوش کاموس و نگسست خام  
 عنان را بیچید و او را ز زین

ز فتراک بگشاد پیچان کمند  
 کمندی و گزری گران داشتی  
 کمندی به بازو و گزری<sup>۳</sup> به دست  
 به نیروی این رشته ی شست<sup>۴</sup> خَم  
 چو نَخچیر بیند بغرد دلیر  
 از ایران تو گشتی یکی<sup>۵</sup> نامور  
 بینی کنون<sup>۶</sup> تنگ و<sup>۷</sup> بند مرا  
 چو ایدر بُدت<sup>۸</sup> خاک جایی<sup>۹</sup> نماند  
 همآورد را دید با دارو ببرد  
 همی خواست از تن گسستن<sup>۱۰</sup> سرش  
 که ببرد<sup>۱۱</sup> برگسَوان نبرد  
 گو پیلتن حلقه کرد آن کمند  
 برانگیخت از جای<sup>۱۲</sup> پیل ژیان  
 عقابی شده<sup>۱۳</sup> رخس با پر و بال  
 گران شد رکیب و سبک شد عنان<sup>۱۴</sup>  
 به نیرو ز هم<sup>۱۵</sup> بگسلاند ز بند  
 گو پیلتن رخس را کرد<sup>۱۶</sup> رام  
 نگون اندرآورد و زد بر زمین

۱- ل. س. الواد شده (لن: کیوان بشد؛ ب. لن: کیوان بید؛ ل. الواد بشد)؛ متن = ف. ل. س. ق. (نیزق<sup>۱</sup>، لی. و. آ. ب) ۲- ل. جنگ سران؛ (لی. آ. جنگ بلان)؛ متن = ف. س. ق. ل. <sup>۲</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ مازندران (؟)؛ س. این بیت را ندارد و در ترجمه بنداری هم نیست ۳- ق: کمندی؛ ل: بیازوی کمانی؛ س: پیآورد و گزیش؛ (ق: بفتراک و گزری)؛ متن = ف. ل. س. <sup>۳</sup> (نیز لن. لی. ب)؛ بنداری: ثم تقدّه الیه و فی إحدى یدیہ الخرز و فی الأخری الوهق ۴- ف. ل. س. <sup>۴</sup>؛ شصت؛ متن = ل. س. ق. برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند؛ س: کشته شدن کاموس کشانی بر دست رستم زال؛ ق: رزم رستم با کاموس و گرفتار شدن او در کمند؛ ل: گرفتار رستم کاموس را بکند و بشمشیر چاک کردن ۵- ل: برین کسبه بست؛ ق: توستی بدین کین؛ متن = ف. س. ل. س. <sup>۵</sup> ۶- ل: بکشتی یکی؛ ق: بکشتی از ایران یا؛ متن = ف. س. ل. س. <sup>۶</sup>؛ در ق این بیت بنا ببت سبک پس و پیش شده است ۷- ل: کنون ۸- س: ورا ۹- ل: همی ۱۰- ق: [و:] س: بینی نکاپوی و ۱۱- ل: بود ۱۲- ل: جایب ۱۳- ل. ل. س. <sup>۱۳</sup> (نیزق<sup>۱</sup>، ل)؛ اسب؛ س. ق. (نیز لی. و. آ. ب)؛ خنگ؛ متن = ف. (نیز لن. ب. لن)؛ بنداری: فتور کاموس فرسه ۱۴- ق: درانداخت ۱۵- ل. ق. ل. <sup>۱۵</sup> (نیزق<sup>۱</sup>)؛ بریدن؛ متن = ف. س. س. <sup>۱۵</sup> (نیز لن. لی. ب) ۱۶- ل. س. (نیز لن. لی. ب)؛ بیزید؛ ق: بیزید؛ (ل: بندزید)؛ متن = ف. ل. س. <sup>۱۶</sup> (نیز ق) ۱۷- ل: تن رخس را زان نیامد ۱۸- ل: جا جو ۱۹- ل: بزین اندرآورد ۲۰- س: شد آن؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- س: بیفشرد ۲۲- ف. س. <sup>۲۲</sup>؛ سبک شد ركب و گران شد عنان؛ (ق، لی. آ. سبک شد عنان و ركبش گران)؛ متن = ل. س. ق. ل. <sup>۲۲</sup> (نیز لن. ل. آ. ب. و. لن)؛ س: رکاب؛ بنداری: و شور رخس ۲۳- ف. (نیزق<sup>۱</sup>)؛ کز؛ متن = ل. س. <sup>۲۳</sup> (نیز لن. لی. ب) ۲۴- س. ق. (نیزق<sup>۱</sup>، ل. ل. ل.)؛ خام خَم؛ متن = ف. ل. ل. س. <sup>۲۴</sup> (نیز لن. لی. ب. و. آ. ب) ۲۵- ق. (نیز ل)؛ همی؛ (لن. لی. ب. لن. آ. بنوی تن)؛ متن = ف. ل. س. ل. س. <sup>۲۵</sup> (نیز و. ب) ۲۶- ف: کرد (!)

بیامد بیستش به خَم کمند  
 ۱۴۶۰ ز تو تنبل و جادوی<sup>۱</sup> دور گشت  
 دودست از پس پشت بستش چوسنگ  
 پیاده بیامد<sup>۲</sup> به ایران سپاه  
 به گردان چُنین گفت کین رزجوی  
 چُنین ست رسم سرای فریب  
 ۱۴۶۵ ازو شادمانی و زو مستمند  
 کنون این سرافرازمرد دلیر  
 به ایران همی شد که ویران کند  
 به زاولستان<sup>۱۰</sup> و به کاولستان<sup>۱۱</sup>  
 بیندازد از دست گوپال<sup>۱۲</sup> را  
 ۱۴۷۰ کفن شد کنون مغفر و جوشنش  
 شها را به گشتن چگونه ست رای؟  
 بیفگند بر خاک پیش سران<sup>۱۶</sup>  
 تش را به شمشیر کردند چاک  
 به مردی نباید شدن در<sup>۱۷</sup> گمان

بدو گفت کاکنون شدی بی گزند  
 روانت بر دیو مزدور<sup>۲</sup> گشت  
 به خَم کمند اندر آورد چنگ<sup>۳</sup>  
 به زیر گش اندر تن<sup>۴</sup> کینه خواه  
 ز بس گیر و زور<sup>۶</sup> اندر آمد به روی  
 گهی با فرازست و گه با<sup>۷</sup> نشیب  
 گهی بر زمین، گه بر ابر بلند<sup>۸</sup>  
 که بودی همیشه همورد شیر،  
 برویوم ما جای<sup>۹</sup> شیران کند،  
 نه ایوان بود نیز و نه گلستان،  
 مگر کم کند<sup>۱۳</sup> رستم زال راه،  
 ز خاک افسر و گور<sup>۱۴</sup> پیراهنش  
 که شد کار کاموس جنگی به<sup>۱۵</sup> پای  
 ز لشکر برفتند گنداوران،  
 به خون غرقه شد زیر او سنگ و خاک  
 که بر تو درازست دست زمان

۱- ل، س: جادویی ۲- س: رنجور؛ ل پس از این بیت سه بیت و س (نیز ل، آ، ب) تنها بیت یکم را افزوده اند:

سرآمد بنوبر همه روز (س: رزم و) کین  
 نبینی دگر ره (ل: زمین) کشانی و چین  
 گمان تو آن بُد که هنگام جنگ  
 کسی چون تو نگر گرفت خنجر به چنگ  
 مبادا که کین آورد سرفراز  
 که بس زود ببیند نشیب و فراز

۳- س: بند کمر اندر آویخت چنگ؛ ق: نهادش بگردن یکی پانگ؛ متن = ف. ل. ق. ل. س<sup>۱</sup> ۴- ل. ق (نیز ل): بیامد خرامان؛ متن = ف. س. ل. س<sup>۲</sup> (نیز هشت دستنویس دیگر) ۵- ف: سر؛ متن = ل. س<sup>۲</sup> (نیز ل-ب) ۶- ل: زورگیر؛ س (نیز ل. ل. ب-ب): کین و زور؛ ق<sup>۱</sup> (نیز ل): زور و کین؛ (ق: زور و گیر)؛ متن = ف. ل. س<sup>۲</sup> ۷- ل: در فراز و گهی در؛ ق: بر فراز و گهی بر؛ متن = ف. س. ل. س<sup>۲</sup> ۸- ل بیت های ۱۴۶۵ و ۱۴۶۶ را ندارد ۹- ل: کتام پلنگان و؛ متن = ف. س. ق. ل. س<sup>۲</sup> (نیز ل-ب) ۱۰- ف-س<sup>۲</sup> (نیز ل. ق. ل. ب. ل. ب. ل. ب): زابلستان؛ متن = (ل. و. آ) ۱۱- ف-س<sup>۲</sup> (نیز ل-ل. ب): کابلستان؛ متن = (آ) ۱۲- ف-س<sup>۲</sup> (نیز ل. ق. ل. ل. و): کویال؛ (پ. ل. آ. ب: کویال) ۱۳- س: ببند کمر ۱۴- ل (نیز ق): گرد؛ متن = ف. س. ق. ل. س<sup>۲</sup> (نیز ل. ل. ب) ۱۵- ل: ز ۱۶- ل: هر آنکس که بودند جنگی سران؛ متن = ف. س. ل. س<sup>۲</sup> (نیز ل-ب)؛ در لمت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ق بیت های ۱۴۷۲ و ۱۴۷۳ را ندارد ۱۷- ل: شد اندر؛ متن = ف. س. ق. ل. س<sup>۲</sup>؛ س. ل. س<sup>۲</sup> (نیز ل. ق. ل. ب. ل. ب. ل. آ. ب) پس از بیت ۱۴۷۴ بیت های با پایایی های گونه گونه افزوده اند؛ ل بیت ۶، س<sup>۲</sup> بیت ۲، ل بیت های ۶ و ۱۰، ق بیت های ۶-۹، ل. آ بیت های ۶، ۷، ۱۰ و ب. ل. بیت ۱۰ را ندارند؛ پایایی و متن =

س ←

۱۴۷۵ کشانی و شِکنی<sup>۱</sup> و<sup>۲</sup> گردان بلخ  
 همه یک به دیگر نهادند روی  
 چه مردست و این مرد را نام چیست؟  
 چُنین گفت پیران به هومان<sup>۴</sup> شیر  
 دلیران ما چون فرازند چنگ<sup>۷</sup>؟  
 ۱۴۸۰ به گیتی چنو نامداری نبود  
 سزد گر سر پیل را روز کین  
 چو کاموس را<sup>۱۱</sup> به خَم کمند  
 سپه سربر پیش خاقان شدند  
 برو<sup>۱۳</sup> آفرین کرد پیران به درد  
 ز کاموس با درد و بریان<sup>۱۲</sup> شدند  
 که ای برتر از گنبد لاژورد<sup>۱۴</sup>،

۱- ف، ل، س: (نیزلی، ب): شنکی؛ س: سنکی؛ متن = ل (نیزلن، ق، پ، و، لن، آ) ۲- ق: همی چون بدیدند ۳- ل، ل، س: روز تلخ؛ س: شد همه روز تلخ؛ ق: روز شد تار و تلخ؛ متن = ف ۴- ل: هومان به پیران ۵- س، ل: شد جام ۶- ل، ق: رزم ۷- ف، س، ل، س: (نیزلن، ل، پ، لن، آ، ب): گزینند جنگ (ف پساوند ندارد)؛ ق: بسازند جنگ؛ متن = ل (نیزق، ل، و) ۸- ق، ل، س: جنگی نهنگ؛ (لن، پ، لن، آ: امروز جنگی نهنگ)؛ س (نیزب): که امروز شد کشته جنگی نهنگ؛ (ل، آ: کزین گونه شد کشته جنگی نهنگ؛ و: که کشته شد امروز جنگی نهنگ)؛ متن = ف، ل (نیزق، ل، آ) ۹- ف: ازو؛ متن = ل- س: س پس از این بیت افزوده است:

که دانست کان ازدهای دلیر به خم کمندش درآزند زیر

۱۰- ل، ق: برارد زند؛ متن = ف، س، ل، س: در ل، ق (نیزلن، ق، ل، ل، لن، آ) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۱- س (نیزلن، پ، لن، ب): گورا؛ س: کس را؛ (ق، ل، آ، و: یل را؛ ل، آ: جنگی)؛ متن = ف، ل، ق: ل این بیت را ندارد ۱۲- ف: درد بریان؛ ل، س، ق (نیزلی، و، آ): درد و گریان؛ ل، س: درد و افغان؛ (لن، ق، پ: پردرد و گریان؛ لن: پردرد و بریان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۳- س: بدو ۱۴- ف، س، ق، ل، س: (نیزق، ل، ل، آ، لن، آ): لاچورد؛ متن = (لن، پ، و)؛ ل این بیت را ندارد

→ پای آمد (ل، س: پایان شد) این رزم کاموس گرد  
 کنون رزم خاقان چین آورم  
 همی شد که جان آورد جان نبرد  
 روان را برین بریقین آورم

#### داستان رستم با خاقان چین

کنون ای خردمند روشن روان  
 که اویت (س: او هست) بر نیک و بد رهنمای  
 5 همی بگذرد بر تو ایام تو  
 چنین است رستم جهان و زمان  
 همه درد و رنج است و تیمار و غم  
 تنت زیر بار گناه (س: گران) اندرست  
 همی نتوانی به نیکی گرای  
 که او (ل، س: هو) آفرید این روان و خرد  
 10 چوباشی برین گفته همدستان

#### آغاز داستان

وزان پس خبر شد به خاقان چین  
 که شد کشته کاموس بر دشت کین (ل، س: با آفرین)  
 ف، ل، ق (نیزل، و) هیچیک از این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست



۱۴۸۵	توا آغاز و انجام <sup>۲</sup> این رزمگاه کنون چاره‌ی کار <sup>۳</sup> ما بازجوی به لشکر نگه‌کن ز کارآگاهان بیند که این <sup>۵</sup> شیردل مرد کیست و زان <sup>۶</sup> پس همه تن به گشتن دهیم
۱۴۹۰	به پیران چُنین گفت خاقان چین که تا کیست از لشکر این پُرگزند ابا آنک <sup>۱۱</sup> از مرگ خود چاره نیست ز مادر همه مرگ را زاده‌یم کس <sup>۱۵</sup> از گردش آسمان نگذرد <sup>۱۶</sup>
۱۴۹۵	شما دل مدارید ازو <sup>۱۷</sup> مستمند من آن <sup>۱۹</sup> را که کاموس ازو <sup>۲۰</sup> شد هلاک همه شهر ایران کنم رود آب ز لشکر بسی نامور گرد کرد چُنین گفت کین مرد جنگی به تیر نگه کرد باید که جایش کجاست هم از شهر پرسید و هم <sup>۲۷</sup> نام <sup>۲۸</sup> اوی <sup>۲۹</sup>
۱۵۰۰	ز خنجرگزاران <sup>۲۲</sup> و <sup>۲۳</sup> مردانِ مرد <sup>۲۴</sup> سوار کمندافکن <sup>۲۵</sup> گردگیر، به گرد <sup>۲۶</sup> چپ لشکر و دست راست و زان <sup>۳۰</sup> پس بسازم فرجام <sup>۳۱</sup> اوی <sup>۲۹</sup>
	بیامد به بر زد برین <sup>۳۲</sup> کار دست، دلیر و به هر جای <sup>۳۴</sup> پوینده بود سوارِ سرافراز خسروپرست که چنگش <sup>۳۳</sup> بدش نام و جوینده بود

۱- ل: که ۲- ل، ق (نیز، ل، آ): فرجام؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۲</sup> (نیز، ل، ق، پ، و، ل، ب) ۳- س: درد ۴- ق، س: و با کس ۵- س: پرسید کین ۶- س: ز لشکر مراو ۷- ل: از آن ۸- ل، س: درنیم؛ ل، ق: باورد که بر سر و تن نیم؛ متن = ف، س ۹- س: اینست و تیمار این؛ ل، س: آن نیست تیمار این؛ متن = ف، ل، ق (نیز، ب)؛ در ل: بیت‌های ۱۴۹۰ و ۱۴۹۲ پس از بیت ۱۴۹۴ آمده‌اند و بیت ۱۴۹۱ را ندارد؛ درس<sup>۱</sup> بیت ۱۴۹۰ با ۱۴۹۱ پس و پیش شده است ۱۰- ل: بیل ۱۱- س: آنکه ۱۲- ف (نیز، ل، و): ماره (نقطه ندارد)؛ ل (نیز، ل، ی، ل، پ، ل، آ، ب): یاره؛ ق، س: یاره؛ ل: ترس و پتیاره؛ متن = س ۱۳- ل، س، ل: (نیز، ب): بنا کام؛ (ل، آ): بدین کار؛ ب: بسیکار؛ متن = ف، ق، س<sup>۲</sup> (نیز، ل، ق، ل، و، ل، آ) ۱۴- س: ورا ۱۵- ق: گر ۱۶- ق، ل: بگذرد؛ در ل: پس از این بیت، بیت‌های ۱۴۹۰ و ۱۴۹۲ آمده‌اند ۱۷- س: ازین؛ ق: زو ۱۸- ل: زخم ۱۹- س، ل، آ: او؛ ق: این؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۲۰- ق: زو ۲۱- ق: کمرش ۲۲- ف، ل: خنجرگزاران؛ متن = س، ق، ل، س<sup>۱</sup> ۲۳- ل، ق: [و] ۲۴- ق: روز نبرد ۲۵- ل، س: کمندافکن و ۲۶- ل، س: بدست؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز، ب) ۲۷- ل: پرسده از؛ س: پرسند و هه؛ ق: پرسند و از؛ ل، س: پرسید و ز؛ متن = ف ۲۸- س: مام ۲۹- ل، س: او؛ متن = ف ۳۰- ل، س: از آن؛ ق: بدان؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۳۱- ق: بسازم سرانجام ۳۲- ق: بدان ۳۳- همه جا حرف یکم با یک نقطه یا بی نقطه مگر یکجا در بیت ۱۵۲۹ با سه نقطه ۳۴- ل، ق: کار؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup>

به خاقان چُنین گفت کای سرفراز  
 ۱۵۰۵ گر او شیر نرست<sup>۲</sup> بی جان کنم  
 به تنها تن خویش جنگ آورم<sup>۴</sup>  
 ازو کین کاموس جوم نخست  
 برو آفرین کرد خاقان چین  
 بدو گفت: ار این<sup>۸</sup> کینه بازآوری  
 بیخشم چندان گهرها ز گنج ۱۵۱۰

جهان را به مهر تو آمد<sup>۱</sup> نیاز  
 بدانگه که سر سوی میدان<sup>۳</sup> کنم  
 همه نام او زیر<sup>۵</sup> ننگ آورم<sup>۴</sup>  
 پس از مرگ نامش بیارم<sup>۶</sup> درست  
 به پیشش ببوسید چنگش<sup>۷</sup> زمین  
 سوی من سر بی نیاز آوری  
 کر آن پس نباید<sup>۹</sup> کشیدنت رنج

### گفتار اندر رزم چنگش با رستم زال<sup>۱۰</sup>

از آن دشت چنگش برانگیخت اسپ  
 چو نزدیک ایرانیان شد به جنگ  
 چُنین گفت کین جای جنگ مزست  
 همی گشت هر سو<sup>۱۲</sup> ز چپ و ز راست  
 ۱۵۱۵ کمندافکن<sup>۱۴</sup> آن مرد<sup>۱۵</sup> کاموس گیر،  
 کنون گر بیاید به آوردگاه  
 بجنبید با گرز رستم ز جای  
 منم<sup>۱۷</sup> - گفت - شیراوزن<sup>۱۸</sup> گردگیر  
 هم اکنون ترا همچو کاموس گرد

همی رفت برسان آذرگشپ  
 ز ترکش برآورد تیری<sup>۱۱</sup> خدنگ،  
 سر نامداران به چنگ مزست  
 همی گفت کان<sup>۱۳</sup> شیر جنگی کجاست،  
 که گاهی کمند افکند گاه تیر،  
 تهی ماند از تیر او جایگاه<sup>۱۶</sup>  
 همانگه به رخس اندرآورد پای  
 کمند و کمان دارم و گرز و تیر<sup>۱۹</sup>  
 به دیده همی نعل باید سپرد<sup>۲۰</sup>

۱- ل، س، ق: باد؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل-ب) ۲- ل، ق: جنگست؛ س<sup>۱</sup>: ویژه شیرست؛ متن = ف، س، ل<sup>۲</sup> ۳- ف، ق، ل، س<sup>۲</sup> (نیز لن، پ، لن<sup>۲</sup>): ایران(؟)؛ ل: بیجان(!)؛ متن = س (نیز ق، ل، و ب) ۴- س<sup>۱</sup>: آورم ۵- ف، ل، س<sup>۲</sup>: این کین به(!)؛ (لن، پ، لن<sup>۲</sup>): ایران به؛ ل، آ: او را به؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، ل، و ب) ۶- س (نیز ب): بجوم؛ ل، س<sup>۱</sup>: نیارم؛ متن = ف، ل، ق (نیز لن-لن<sup>۲</sup>) ۷- ف: جنگی؛ ق (نیز لن، ل، ل، آ): ببوسید جنگش به پیشش؛ متن = ل، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز پ، و لن، ب) ۸- ف: آن؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> ۹- ل: نباشد؛ ق پس از این بیت افزوده است:

چو بشنید گفتار خاقان چین برافکند از خشم چین بر جین

۱۰- ف: گفتار اندر آمدن جنگش ترک به مصافگاه و خواستن مبارزان و رفتن رستم بچنگ او و کشته شدن جنگش بردست رستم؛ ل: رزم جنگش با رستم زال؛ س، ق: جنگ (ق: نبرد) رستم با جنگش و کشته شدن جنگش؛ ل، س<sup>۱</sup>: نبرد رستم با جنگش (ل: وقعه او)؛ متن = ل ۱۱- ل، س، ق: تیر؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۱۲- س: همی رفت جنگش؛ (ق: همی رفت هر سو)؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۱۳- س: کین؛ ل، ق (نیز لن، ل-ب) این بیت را ندارند؛ درس این بیت پس از بیت ۱۵۱۶ آمده و در ق<sup>۱</sup> با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۴- ل، ق (نیز ل<sup>۲</sup>): کجا رفت؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۵- س، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، ب-ب): گرد؛ متن = ف، ل، ق، ل<sup>۲</sup> (نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۶- ل: غم نام که ماند بنزد سپاه؛ درس پس از این بیت، بیت ۱۵۱۴ آمده است ۱۷- ف، ل، س<sup>۱</sup>: همی؛ متن = ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب) ۱۸- ل، س (نیز ق، آ): شیراوزن و؛ ل: شیرافزن؛ س<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، و ب): شیراوزن؛ (لن، ب، لن<sup>۲</sup>): گردافکن؛ متن = ف، ق ۱۹- ل: که گاهی کمند افکنم گاه تیر (۱۵۱۵ ب) ۲۰- ل<sup>۲</sup> (نیز لن): سترد؛ (لن: شمرد)؛ ل، ق (نیز ق، ل، آ): خاک باید سپرد (ق: سترد)؛ (ب: لعل باید شمرد؛ ل، آ: بدو دیدگان نعل باید شمرد)؛ متن = ف، س، س<sup>۱</sup> (نیز و، ب)

- ۱۵۲۰ بدو گفت چنگش که نام تو چیست؟  
بدان تا بدانم که روز نبرد  
بدو گفت رستم که ای شوربخت  
کجا چون تو در باغ بار آورد  
سر نیزه و نام من مرگ تُست  
۱۵۲۵ بیامد همانگاه چنگش چو باد  
کمان جفایشه چون ابر بود  
سپر بر سر آورد رستم چو دید  
بدو گفت: باش ای سوار دلیر  
نگه کرد چنگش<sup>۱۰</sup> بدان<sup>۱۱</sup> پیلتن  
۱۵۳۰ بدان اسپ چون کوه در زیر کوه<sup>۱۴</sup>  
به دل گفت چنگش که اکنون گریز  
برانگیخت آن بارکش<sup>۱۵</sup> را ز جای  
بگردار آتش ز دریای قار<sup>۱۶</sup>  
همانگاه رستم رسید اندروی  
۱۵۳۵ دُم اسپ ناباک<sup>۲۱</sup> چنگش گرفت  
زمانی همی داشت تا شد غمی  
بیفتاد از<sup>۲۵</sup> ترک و زنهار خواست  
همانگاه کردش سر<sup>۲۶</sup> از تن جدا  
همه نامداران<sup>۲۸</sup> ایران زمین  
۱۵۴۰ وُزان روی<sup>۲۹</sup> خاقان غمی گشت سخت
- نژادت کدامست و کام تو چیست<sup>۱</sup>؟  
که را ریخته خون، چو برخاست گرد  
- که هرگز مبادا گلت بر درخت<sup>۲</sup>،  
چنین<sup>۳</sup> میوه اندر شمار آورد - ،  
تنت را نباید ز سر<sup>۴</sup> دست شست!  
دو زاغ کمان را به زه بر نهاد  
هماورد با جوشن و گبر<sup>۵</sup> بود  
که تیرش زره<sup>۶</sup> را بخواهد بُرید<sup>۷</sup>  
که<sup>۸</sup> اکنون سرت گردد از جنگ<sup>۹</sup> سیر  
به بالای<sup>۱۲</sup> سرو سهی بر<sup>۱۳</sup> چمن  
نیامدهمی از کشیدن ستوه  
به از با تن خویش کردن ستیز  
سوی لشکر خویشتن کرد رای  
برانگیخت اسپ<sup>۱۷</sup> از پس<sup>۱۸</sup> نامدار  
همه دشت ازیشان<sup>۱۹</sup> پرازگفت و گوی<sup>۲۰</sup>  
دو لشکر بدو مانده اندر<sup>۲۲</sup> شگفت  
ز تنگی<sup>۲۳</sup> بزد خویشتن بر زمی<sup>۲۴</sup>  
تهمتن وُرا کرد با خاک راست  
همه کام و اندیشه شد بی نوا<sup>۲۷</sup>  
گرفتند بر پهلوان آفرین  
برآشفت با گردش روز و بخت<sup>۳۰</sup>

۱- ل. ا. س. : باب تو کیست؛ ق. تن بی سرت را که خواهد گریست (۱۲۸۵ ب)؛ متن = ف. ل. س. ۲- ل. ق. (نیز ق. ا. ل.)؛ گل آن درخت؛ س. (نیز ل. آ. ب)؛ گلی زان درخت؛ (ل. ب. ل. ن)؛ ترا گاه و بخت؛ متن = ف. ل. س. (نیز و) ۳- ل. ق. (نیز ل. ا.)؛ جوتو؛ متن = ف. س. ل. س. (نیز هشت دستنویس دیگر) ۴- ل. سرت را نباید زتن ۵- س. ل. س. (نیز ق. ل. و. آ. ب)؛ بیره؛ متن = ف. ل. ق. (نیز ل. پ. ل. ن)؛ در ل. پس از این بیت، بیت ۱۵۳۰ آمده است ۶- ف. رزه ۷- س. ق. درید؛ متن = ف. ل. ل. س. ؛ درس این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۸- س. هم ۹- ل. س. رزه ۱۰- در و در اینجا حرف یکم سه نقطه دارد و جز این همه جا با یک نقطه یا بی نقطه است ۱۱- ل. بران ۱۲- س. ق. بیالا چو؛ متن = ف. ل. ل. س. ؛ ۱۳- س. ل. ؛ در ۱۴- ل. در زیر یک لخت کوه؛ متن = ف. س. ق. ل. س. (نیز ل. ب)؛ در ل. این بیت پس از بیت ۱۵۲۶ آمده است ۱۵- س. بازگی ۱۶- ل. (نیز ق. ا. و)؛ دلاور سوار؛ ل. س. (نیز ب)؛ زدریا سوار؛ متن = ف. س. ق. (نیز ل. آ. ا.) ۱۷- ل. رخس ۱۸- ق. آن گو ۱۹- ل. زیشان ۲۰- ل. ق. ل. ؛ گفت گوی ۲۱- (ل. آ. ب. ناباک) ۲۲- س. نظاره بدو در ۲۳- ل. زبالا؛ (ق. زتندی؛ ل. پس آنگه)؛ متن = ف. ق. ل. س. (نیز ل. آ) ۲۴- ق. زمین (پساوند ندارد)؛ س. بیروی اسب اندر آمد کمی ۲۵- ل. زو ۲۶- ق. سر کردش ۲۷- س. ناروا ۲۸- س. گرزداران؛ بنداری بیت های ۱۵۰۲-۱۵۳۹ را ندارد ۲۹- س. ؛ جای ۳۰- ل. تیره بخت؛ س. ق. شوربخت؛ ل. ؛ روز بخت؛ س. ؛ و روز و بخت؛ متن = ف.

همی گشت<sup>۱</sup> رستم میان دو صف  
 به هومان چنین گفت خاقان چین  
 مگر نام این نامور پهلوان  
 بدو گفت هومان که سندان نیام  
 به گیتی چو کاموس جنگی نبود  
 به ختم کمندش گرفت این<sup>۶</sup> سوار  
 شوم<sup>۸</sup> تا چه خواهد جهان آفرین  
 یکی خشت رخشان گرفته<sup>۲</sup> به کف  
 که تنگست بر ما زمان و زمین  
 شوی<sup>۳</sup> بازجویی چنان چون توان<sup>۴</sup>  
 به رزم اندرون<sup>۵</sup> پیل دندان نیام  
 چنو رزغخواه و درنگی نبود  
 تو این گرد<sup>۷</sup> را خوارمایه مدار!  
 که پیروز گردد برین<sup>۹</sup> دشت کین

### گفتار اندر رفتن هومان و یسه به ناشناخت بنزدیک رستم<sup>۱۰</sup>

به خیمه<sup>۱۱</sup> درآمد بکردار باد  
 درفش دگر جُست و اسپ دگر  
 بیامد بنزدیک<sup>۱۳</sup> رستم رسید  
 به رستم چنین گفت کای نامدار  
 به یزدان و<sup>۱۵</sup> بیزارم از تخت شاه<sup>۱۶</sup>  
 که چون تو دگر<sup>۱۹</sup> زین سپاه بزرگ<sup>۲۰</sup>  
 دلیری که چندین بجوید نبرد  
 ز شهر و تژاد و از<sup>۲۳</sup> آرام خویش  
 یکی ترگ دیگر<sup>۱۲</sup> به سر بر نهاد  
 دگرگونه جوشن، دگرگون سپر  
 همی بود تا شاخ و بالش<sup>۱۴</sup> بدید  
 کمندا فکن و گرد و جنگی سوار،  
 اگر چون تو دیدم<sup>۱۷</sup> یکی رزغخواه<sup>۱۸</sup>  
 نیم همی نامدار و سترگ<sup>۲۱</sup>،  
 برآرده می از دل<sup>۲۲</sup> شیر گرد  
 سخن گوی<sup>۲۴</sup> و از<sup>۲۵</sup> تخمه و نام خویش

۱- ل: بود ۲- ل: گرفته یکی خشت رخشان ۳- س: روی  
 مر آن نامور پهلوان را توناه  
 ۴- س: پلنگ افکن و ۵- ف، ق، ل: آن؛ متن = ل، س، س<sup>۱</sup>  
 متن = ف، س، س؛ س پس از این بیت افزوده است:

مگر ناه این پهلوی پرهز  
 شوه بازجو و کلاه و کمر  
 ۱۰- ف: گفتار اندر رفتن هومان و یسه ناشناخت بنزدیک رستم و مناظره کردن او با رستم و پاسخ شنیدن از رستم؛ ق: رفتن هومان بنزدیک رستم  
 بدانتن ناه او؛ متن = آغاز ف ۱۱- س: بخرگه ۱۲- ل: ز زمین؛ (لن، آ: رومی)؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستنویس  
 دیگر)؛ بنداری (۱۵۴۸-۱۵۴۹): فخاف فقیر لباسه، و رکب فرسا غیر الذی کان علیه ۱۳- ل، ق: چون نزدیک؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup>  
 س<sup>۱</sup> ۱۴- ل، س: بیال و شاخش ۱۵- ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ق، ب): که؛ متن = ف، س (نیز لن، ل، و لن، آ، ب) ۱۶- ل: تاج و  
 گاه؛ (ق: تخت و گاه؛ ل: تخت و شاه)؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ب-ب): ق (نیز ل): بیزدان و پیروزگر پادشاه ۱۷- ل، ق (نیز  
 ل): که چون تو ندیدم؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۸- س: دگر کینه خواه ۱۹- ل، س، ق (نیز ل، و): ز  
 تو بگذرد؛ (لن، ب، ل: چو تو سروری؛ ل: بخیمه دگر؛ آ: بخیره دگر؛ ب: بجز تو دگر)؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>) ۲۰- ق: نامداری  
 سترگ ۲۱- ل، س: نامداری سترگ؛ ق: زان سپاه بزرگ؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۲۲- ف: سر؛ س (نیز ب): تو گفتی برآر (ب: گویی  
 همی) از دل؛ متن = ل، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن-آ) ۲۳- ف، س، ق، ل، س<sup>۱</sup>؛ وزه؛ متن = ل ۲۴- ق: سخن گوید ۲۵- ف، ل، س،  
 ق: [و] از ل؛ وزه؛ متن = س<sup>۱</sup> ل-س<sup>۱</sup> (نیز ل، ب) پس از این بیت افزوده اند:

تو گویی همی ننگ داری ز جنگ بدین تیز جنگی و چندین درنگ  
 ف (نیز هفت دستنویس دیگر) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست

جز از تو کسی را از ایران سپاه  
 مرا مهربانیست بر مرد جنگ  
 کنون گر بگویی مرا نام خویش  
 سپاسی برین<sup>۳</sup> کار بر من نهی  
 ۱۵۶۰ تهمن چو بشنید گفتار اوی  
 چه مردی و برگوی<sup>۴</sup> نام تو چیست؟  
 چرا تو نگویی همی<sup>۵</sup> نام خویش؟  
 چرا آمدهستی بنزدیک من  
 اگر آشتی جست خواهی همی  
 ۱۵۶۵ نگه کن که خون سیاوش که ریخت؟  
 همان خون پُرمایه گودزریان  
 بزرگان کجا با سیاوش بُدند  
 گنهکار خونِ سر بی گناه  
 از اسپان و مردان<sup>۱۴</sup> آراسته  
 ۱۵۷۰ چو یکسر<sup>۱۵</sup> سوی ما فرستید باز  
 و زآن پس بگو<sup>۱۶</sup> به کیخسرو این  
 فرستم گنهکار را نزد شاه  
 از آن<sup>۱۸</sup> پس همه نیک خواه منید<sup>۱۹</sup>

ندیدم که دارد دل رزمگاه  
 بویژه که دارد نهاد پلنگ  
 برویو و پیوند و آرام خویش<sup>۲</sup>  
 کز اندیشه گردد دل من تهی  
 بدو گفت کای مرد پیگارجوی<sup>۱</sup>  
 برین<sup>۶</sup> پرسش خاد گاه تو چیست؟  
 بر و کشور و جای<sup>۸</sup> و آرام خویش؟  
 به چری و نرمی<sup>۹</sup> و چندین سخن؟  
 بکوشی و زین کین بگاهی<sup>۱۱</sup> همی،  
 چنین آتش کین به ما بر که بیخت<sup>۱۱</sup>؟  
 بیفزود<sup>۱۲</sup> چندین زبان بر زبان  
 نکردند<sup>۱۳</sup> پیگار و خامش بُدند  
 نگر تا که یابی ز توران سپاه  
 کز ایران بیاورد با خواسته،  
 من از جنگ ترکان شدم<sup>۱۶</sup> بی نیاز  
 بشو<sup>۱۷</sup> دل و مغزش از درد و کین  
 مگر مهرش آید، بیخشد گناه  
 سراسر بر<sup>۲۰</sup> آیین و راه منید<sup>۱۹</sup>

۱- ل-س: زه متن = ف ۲- ل این بیت را ندارد ۳- ق، ل: س: ازین متن = ف، ل، س ۴- ل، ق: (نیز ل، ل-ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، س: ل: س: (نیز ق) ۵- ف: چه مردی بدو گفت و ل: س: چه مردی تو و جای و متن = س: (نیز ق) ۶- س: وزین: ل، ق: (نیز ل، ل-ب) بجای این بیت و س: (نیز ق) پس از این بیت افزوده اند: بدو گفت رستم که (س، ق: که جستی و گفتی تو) چندین سخن که گفتی و (س، ق: زهر گونه) افکندی از مهر برین ف، ل: س: این بیت را ندارند؛ بنداری: فقال له: ما الذي دعاك الى هذا السؤال وما مرادك منه؟ ولماذا دونت مني تلايتي في الكلام وتلاطفتي في الخطاب؟ ۷- ل، ق: مرا: متن = ف، ل، س: ل: س: (نیز ل-ب) ۸- ل، ق: (نیز ل: آ): بود: ل: (نیز ل: آ): برویو و پیوند؛ (ق: همه از کشور و بوم): متن = ف، س: س: (نیز ل، ب، و، ل: ب) ۹- ل: نرمی و چری: متن = ف، س، ق، ل: س: (نیز ل-ب) ۱۰- ل: بکوشی که این کینه گاهی: س: بگویی کزین کین بگاهی: متن = ف، ق، ل: س: ۱۱- ق: مرین مرز باران آتش که بیخت: ل این بیت را ندارد ۱۲- ل، س: ق: (نیز ق: ل، ل: و، آ، ب): که بیفزود: متن = ف، ل: س: (نیز ل، ب، ل: آ): در ل بیت های ۱۵۶۶-۱۵۸۵ درهم ریخته اند ۱۳- س: (نیز ل، ب): نخواستند: متن = ق، ل: س: (نیز ق: آ): ف، ل این بیت را ندارند ۱۴- س: از مرد: ل این بیت را ندارد ۱۵- س: یک یک ۱۶- ل، ق، ل: س: (نیز ل-آ): شوم: متن = ف، س: (نیز ب): بنداری (۱۵۶۴-۱۵۷۰): فان كان الغرض طلب الصلح و إطفاء نائرة الفتنة فلموا البناء قاتل سیاوش و من سعی في دمه، وقتله اجود زرين مع الخزان و الخيل التي جاء بها سیاوش الى بلادكم. فان فعلتم ذلك صالحنا كم و أمسكنا عن محاربتكم ۱۷- ل: فرستم بگو: س: ازین پس نویسم: متن = ف، ق، ل: س: بیت های ۱۵۷۱-۱۵۷۴ در دستویس ها درهم ریخته اند: س: (نیز ق): ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹: ق: (نیز ل، ل-ب): ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹: ق: (نیز ل، ل-ب) بیت ۱۵۷۲ را ندارند؛ بنداری بیت های ۱۵۷۱-۱۵۷۴ را ندارد؛ پایسی بیت های ۱۵۷۱-۱۵۷۴ در متن = ف، ل، ل: س: ۱۸- ق: وزان ۱۹- س: منتد ۲۰- ل، ق: به: متن = ف، س، ل: س:

<p>نیارم سر سرکشان زیر گرد<sup>۱</sup>          که مه<sup>۲</sup> نامشان باد و مه<sup>۲</sup> کامشان!          که درد دل و رنج<sup>۳</sup> ایران بجست          که بر خیره کردند این آب<sup>۴</sup> شور،          نژادی که هرگز مباد آن<sup>۵</sup> نژاد!          گروهی آمد<sup>۶</sup> این بند کین<sup>۷</sup> را کلید          تبه کرد و خون خواست در<sup>۸</sup> جوی آب          بُد کین و، بست اندرین کین میان          دورویند و با هر کسی پیسه‌اند،          چو گلباد و نستیهن اندر نبرد<sup>۹</sup>          سر کینه جستن به پای آورید<sup>۱۰</sup>          به جوشن نپوشید باید برت<sup>۱۱</sup>          کنی<sup>۱۲</sup> تازه پیگار و<sup>۱۳</sup> کین گهن          بسوزم همه مرز و بوم و برت<sup>۱۴</sup>          نه هندی نه وهری نه<sup>۱۵</sup> خاقان چین          یکی نامداری از ایران<sup>۱۶</sup> منم          که جز خاک تیره<sup>۱۷</sup> نبودش<sup>۱۸</sup> کفن</p>	<p>نساژم کین و نجوه نبرد          به تو برشمارم کنون نامشان          سر کین ز گرسوز<sup>۱</sup> آمد نخست          کسی را که دانی تو از تخم کور<sup>۲</sup>          گروهی زره و آنک آن کام داد<sup>۳</sup>          ستم بر سیاوش ازیشان رسید          کسی کو دل و مغز افراسیاب          و دیگر کسی را کز<sup>۴</sup> ایرانیان<sup>۵</sup>          بزرگان که از تخمی ویسه‌اند          چو هومان و آهاک و فرشیدورد          اگر اینک گفتم<sup>۶</sup> به جای آورید<sup>۷</sup>:          بندم در کینه بر کشورت          و رایدونک جزگونه<sup>۸</sup> باشد سخن          برانگیزم آتش ازین کشورت<sup>۹</sup>          نمانم یکی زنده بر دشت کین          که<sup>۱۰</sup> خو کرده‌ی جنگ توران<sup>۱۱</sup> منم          بسی سر جدا کرده دارم ز تن</p>
--	---

۱- ل این بیت را ندارد ۲- ل: نه؛ در ف این بیت دو بار آمده است ۳- (و، ل: کرسوز) ۴- س: درد دل شاه؛ ق: درد دل و داغ؛ متن = ف، ل، ل، ل، س ۵- (ل: تور)؛ متن = ف- س (نیزق، ل، پ- ب) ۶- ل، ل، س: این آب کردند؛ ل، ل، س: که کردند بر خیره این آب؛ متن = ف، ق ۷- ل، ق (نیزق، ل، آ): و آنک (ل، آ: آنکه) از وی بزاد؛ س (نیزق، پ، ل): آنک (ل: دانک؛ پ، ل: وانکه) از کام و داد؛ ل، ل، س: آنک (س: وانک) این راه داد؛ (ق: وانچ از کورزاد؛ ب: وانکه از کام زاد؛ و: گروهی و دمور آنک از کام و داد)؛ متن = ف ۸- ل: مبادش؛ ف، س (نیزق، ل، پ، و، ل، ب): نژادند و (ف: نژادند؛ ل، پ، ل: نژادست و) هرگز مباد آن؛ متن = ق، ل، س (نیزق، ل، آ) ۹- ل: کرو آمد؛ (ل، پ، ل): کرو آمد؛ ل، آ: دمور آمد؛ ل، و: کریشان بد؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزق، ل، ب) ۱۰- ل، س، ق، ل (نیزق، ل، و- ب): بد؛ متن = ف، س (نیزق) ۱۱- ل: ل: بر ۱۲- س: از؛ ل، س: ز؛ متن = ف، ل ۱۳- ل: تورانیان؛ ق این بیت را ندارد ۱۴- ل، ق (نیزق): آن شوخ مرد؛ س (نیزق، آ، ب): شیرمرد؛ متن = ف، ل، س (نیزق، ب، و، ل) ۱۵- ل، ل، س: این که گفتم؛ س: گرین هرچ گفتم؛ ق: گرین گفتم؛ متن = ف ۱۶- س: آوری؛ ل این بیت را ندارد ۱۷- ق: سرت؛ پیاپی بیت‌های ۱۵۶۶-۱۵۸۵ در ل: ۱۵۶۸، ۱۵۸۰، ۱۵۹۶، ۱۵۷۵-۱۵۷۹، ۱۵۸۱-۱۵۸۳، ۱۵۷۰، ۱۵۷۳، ۱۵۷۱، ۱۵۸۵ (بیت‌های ۱۵۶۷، ۱۵۶۹، ۱۵۷۲، ۱۵۷۴، ۱۵۸۴، را ندارد) ۱۸- (ل، ل): جز کینه- جز گونه؛ آ: خود کینه- جز گونه؛ (ف، ل، ل، س) (نیزق، ل، پ، ل): وگر جز برین (ل، ل: بدین) گونه؛ متن = ل، س، ق (نیزق، و، ب) ۱۹- ل، ق: کتم ۲۰- ل: [و] ۲۱- س: کارزار؛ متن = ف، ل، س (نیزق) ۲۲- س: بسوزم بر بوم و مرزو دیار؛ متن = ف، ل، س (نیزق)؛ ل، ق (نیزق، ل، ب) بیت‌های ۱۵۸۷ و ۱۵۸۸ را ندارند و در ترجمه بنداری ه- نیست ۲۳- ف: [نه]؛ س: نه هندی و وهری و؛ ل: نه هندی و وهری نه؛ س: نه هندی و شکی نه؛ (ق: نه سقلاب و شکی نه)؛ متن تصحیح قیاسی است (ل) ۲۴- س: چو ۲۵- ل: ترکان؛ ل: شیران؛ متن = ف، س، ق، س ۲۶- ل: ز گردان؛ ق: ز ایران؛ س: سر نامداران ایران؛ متن = ف، ل، س (نیزق)؛ ل، س (نیزق، ل، آ) ۲۷- ل، س (نیزق): کام شیران؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزق، ل، آ) ۲۸- ق (نیزق، ل، آ): نبدشان

مرا آزمودی<sup>۱</sup> بدین رزمگاه  
ازین<sup>۲</sup> گونه هرگز نگنتم سخن  
کنون هرچه<sup>۳</sup> گفتم ترا، گوش دار!

همین است رسم و همین است راه  
جز از<sup>۴</sup> کین نجسته ز سر تا به بن  
سخن های خوب اندر آغوش دار!

۱۵۹۵ چو بشنید هودان بترسید سخت  
کز آن<sup>۵</sup> گونه گفتار رستم شنید  
چنین پاسخ آورد هودان بدوی  
بدین زور و این بُرُزبَلائی<sup>۶</sup> تو  
نباشی جز از پهلوانی سترگ<sup>۷</sup>  
پیرسیدی از گوهر و ناز من  
۱۶۰۰ مرا کوس گوش است<sup>۸</sup> ناز ای دلیر  
من از وهر با<sup>۹</sup> این سپاه آمده  
از آن<sup>۱۰</sup> بازجویه<sup>۱۱</sup> همی ناز تو  
کنون گر<sup>۱۲</sup> بگویی مرا نام خویش  
همه هرچ<sup>۱۳</sup> گفتم بدین<sup>۱۴</sup> رزمگاه  
۱۶۰۵ همان پیش منشور<sup>۱۵</sup> و خاقان چین  
بدو گفت رستم که نام مجوی  
ز پیران مرا دل<sup>۱۶</sup> بسوزدهمی

بلرزید بر سان برگ<sup>۱۷</sup> درخت،  
همه کینه از دودهی<sup>۱۸</sup> خویش دید  
که ای شیردل مرد<sup>۱۹</sup> پرخاشجوی.  
سر<sup>۲۰</sup> تخت ایران سزد<sup>۲۱</sup> جای تو  
و گر نامداری<sup>۲۲</sup> از<sup>۲۳</sup> ایران بزرگ<sup>۲۴</sup>  
به دل دیگر آمد ترا کام من  
پدر یوسپاس<sup>۲۵</sup> است پیری<sup>۲۶</sup> چو شیر  
سپاسی<sup>۲۷</sup> بدین رزمگاه آمده  
که پیدا کنم در جهان کام تو  
شده شاددل سوی آراد خویش  
یکایک بگویم به پیش<sup>۲۸</sup> سپاه  
بزرگان و گردان<sup>۲۹</sup> توران زمین  
ز من هر چه دیدی<sup>۳۰</sup> بدیشان<sup>۳۱</sup> بگویی  
دل از مهر او<sup>۳۲</sup> برفروزد همی

۱- ق: مرا گر بدیدی ۲- ل: برین ۳- ل: بجز: ل: جز این ۴- ل، س: هرچ: منداری (۱۵۹۳-۱۵۹۶): و ان ایتم ان تغفنا  
أعدت علیکم الداء القذیه، و أنتجت الحرب العقیم، و قد جربتمونی فی هذا المعركة، و شاهدتم آثار سطوق و بأسی، فعذ ان أصحابک، و احفظ ما  
ذکرت لک ۵- س، ف، ل: شایخ: متن = ف، ل، س ۶- ق: چو زبان ۷- ف، س، ل: (نیز): کبرده (۹): س: کوش (۹):  
متن = ل، ق: (نیز: ل- آ) ۸- ق: پستان شیر ۹- ل، س: ۱۰- س: مگر ۱۱- ل: شود ۱۲- ل، ق، س: ۱۳- ل، س: بجز شهریار  
بزرگ: س: بجز شهریار بزرگ: متن = ف، ل ۱۴- ق: ویا کامکاری ۱۵- ل، س، ق: نیز: متن = ف، ل، س ۱۶- ل، س، ق:  
س: سترگ: متن = ف، ل ۱۷- ل، س، ف، س: (نیز: ل، آ، و): کوه کوش است: ل: (نیز: ل، س): کور کوهست: (ل): کوز کوهست:  
ق: کوه کوهست: ب: کوه کوس است: متن = ف ۱۸- ل، ق: (نیز: ل، آ): مردی: س: (نیز: ل، س): گردی: متن = ف، ل، س: (نیز: ل، س، ب):  
نقطه ندارد: (ب: پورسپاس): متن = (آ) ۱۹- ل، ق: (نیز: ل، آ): س: (نیز: ل، س): (نیز: ل، س): (نیز: ل، س):  
۲۰- ل، ق: (نیز: ل، آ): س: (نیز: ل، س): (نیز: ل، س): (نیز: ل، س): (نیز: ل، س): (نیز: ل، س): (نیز: ل، س):  
۲۱- س: ازین: ل: اگر ۲۲- ق: بازنخواهم ۲۳- ق: اگر تو ۲۴- ل، س: هرچ ۲۵- ق، ل، س: بدان: متن =  
ف، ل، س ۲۶- ق: بگویم یکایک بنزد ۲۷- (و: منشور) ۲۸- ف: تورکان: س: (نیز: و): شیران: س: بزرگان مکران: (ب):  
بزرگان پروان: (و): متن = ل، ق، ل: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۹- ل: هرچ دیدی: س: سخن چون شنیدی: ق: سخن  
هر چه گفتم: متن = ف، ل، س ۳۰- ف: بدیشان: منداری بیست های ۱۵۹۴-۱۶۰۶ و استاندارد ۳۱- س، ق: جان:  
ل: دل من: متن = ف، ل، س ۳۲- ل: ز مهرش روان: (ل، آ: روان از غمش): متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز هفت دستنویس  
دیگر)

<p>ز خون سیاوش جگرخسته اوست سوی من فرستش هم اکنون دمان<sup>۲</sup> بدو گفت هومان که ای سرفراز چه دانی تو پیران و گلباد را؟ بدو گفت: چندین چه پیچی<sup>۳</sup> سخن نبینی که<sup>۴</sup> پیگار چندین سپاه</p>	<p>۱۶۱۰</p>
<p>ز ترکان یکی مردا آهسته اوست بینیم تا بر چه گردد زمان به دیدار پیرانت آمد نیاز، گروی زره را و پولاد را؟ سر آب را سوی بالا مکن ز بهر تواند اندرین رزمگاه<sup>۶</sup></p>	<p>۱۶۱۵</p>
<p>بشد تیز هومان هم اندر زمان به پیران چنین گفت کای نیک بخت که این<sup>۸</sup> شیردل رستم زاو<sup>۷</sup> است که ابلیس با او نتابد به جنگ<sup>۱۲</sup> سخن گفت و بشنید پاسخ بسی نخست ای برادر مرا نام برد<sup>۱۵</sup></p>	<p>۱۶۲۰</p>
<p>شده گونه از روی و آمد دهان بد افتاد ما را بدین<sup>۷</sup> کار سخت برین<sup>۱۱</sup> لشکر اکنون<sup>۱۱</sup> بیاید گریست به خشکی پلنگ و به دریا نینگ<sup>۱۳</sup> همی کرد یاد<sup>۱۴</sup> از بد هر کسی ز کین سیاوش همی برشمرد<sup>۱۶</sup></p>	<p>۱۶۲۰</p>
<p>ز پیران و آباد و از کام و داد<sup>۱۸</sup> ز هر کس که آمد بریشان<sup>۲۰</sup> زیان فراوان سخن گفت<sup>۲۲</sup> و نگشاد چهر ندانم که بر دل چه آراسته ست تو گویی ابر<sup>۲۳</sup> کوه دارد نشست</p>	<p>۱۶۲۰</p>
<p>ز کار گذشته بسی کرد یاد<sup>۱۷</sup> ز بهرام و از<sup>۱۹</sup> تخم گودرز یان بجز بر تو<sup>۲۱</sup> بر کس ندیدمش مهر ازین لشکر اکنون ترا خواسته ست برو تا بینیش نیزه به دست</p>	<p>۱۶۲۰</p>

۱- ل: کنون راد و: س (نیز ل، آ، ب): خردمند و: ق (نیز ل): ز توران زمین راد و: (ق: بتوران چوتوراد و): متن = ف، ل، س: (نیز ل، ب، لن): بنداری: من حیث انه لم یخزن علی سیاوش منکه سواه، و لیس فی اهل توران صاحب رأی و تودة مثله ۲- ق: هم اندر زمان (پسوند ندارد) ۳- ل (نیز ق): گویی: (لن، ب، لن: پرسی): متن = ف، ل، س، ق، س: (نیز ل، ل، و، آ، ب) ۴- ف، س: تو: متن = ل، س، ل (نیز لن-ب) ۵- س: وی است: (لن، ب، و، لن، ب: تو است) (?): (ل، آ: که است): متن = ف، ل، س: (نیز ق): تواند (?): ۶- ل: بدویست و زو آمد این: ق این بیت را ندارد: بنداری بیت های ۱۶۱۰-۱۶۱۳ را ندارد ۷- ل: ازین ۸- ق: آن ۹- ل، س، ق، ل (نیز لن-ب، لن، آ، ب، بنداری): زابلی: متن = ف، س: (نیز و) ۱۰- ق، ل: بینین ۱۱- ق: رزمگاه بر ۱۲- (لن: نیاید بچنگ): ل، ق (نیز ل): که هرگز نتابند با او (ق: وی) بچنگ: متن = ف، س، ل، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۳- ل: باریا نینگ و بختکی پلنگ ۱۴- ل، س، ق، ل: یاد کرده: متن = ف، س: ۱۵- س (نیز ب): برد نام ۱۶- ل (نیز لن-ب، لن، آ): بسی برشمرد: س (نیز ب): نیچند لگام: ق: ز کاز گذشته بسی برشمرد (۱۶۲۰ آ): متن = ف، ل، س: (نیز و) ۱۷- (ل، ل، آ: یاد کرد): ق: ز کین سیاوش بسی یاد کرد (۱۶۱۹ ب) ۱۸- ف، س: ز پیران و هومان (س: کوهان) و ز کام و داد: ل: ز پیران و گردان و بیه نژاد: س: ز پیران و گردان و آن کار کرده: ق (نیز ل، ل، آ): روان (ل: ز کان: آ: ز کار) و سرما پیر از یاد کرده: (ق: ز توران و کرسیوز کام داد: و ز پیران و از کار بیداد و داد: ب: ز پیران و کوران و از کام زاد): متن = ل (نیز لن، ب، لن: ز پیران...) ۱۹- ف، ل، س، ق، س: وزه متن = ل ۲۰- س: بدیشان: ق: بدیشان: متن = ف، ل، ل، س: ۲۱- ل: بجز تو ۲۲- س: سخن گفت بسیار ۲۳- ل، س، ل، س: (نیز لن، ق، ل، ب، ب): که بر: متن = ف: ق بیت های ۱۶۲۴-۱۶۲۶ را ندارد



<p>به زین<sup>۱</sup> اندرون زنده پیل<sup>۲</sup> ژیان همی گیرد آتش ز تیغش فروغ ز بهر تو مانده ست زآسان<sup>۳</sup> به پای برهنه مکن تیغ و منمای روی زمانه بترسه که آمد فراز<sup>۴</sup> برین<sup>۵</sup> دشت ما را گه ماتمست<sup>۶</sup> نداء چه کرد اختر شوم ما جگرخسته و دل پُر از داغ و خشم<sup>۷</sup> که اکنون دگر گشت ما را سخن<sup>۸</sup>، همانگه دل من ببرد این گمان<sup>۹</sup> که خاد کمندش خم اندر خمست کسی پشت او را نبیند به خواب<sup>۱۰</sup> چه یک مرد پیشش<sup>۱۱</sup>، چه یک دشت مرد سیاوخش<sup>۱۲</sup> را آن زمان دایه بود جهان بر جهاندار<sup>۱۳</sup> تنگ آورد نداء چه خواهد ز من پیلتن که از غم روانم بکاهدهمی</p>	<p>ابا جوشن و گرز و بیر بیان بینی<sup>۱</sup> که من زین نجمه دروغ ترا تا نبیند نجبد ز جای چوینیش با وی<sup>۲</sup> سخن نرم گوی چنین<sup>۳</sup> گفت پیران که ای رزمساز گر ایدونک این تیغزن<sup>۴</sup> رستمست بر آتش برآمد<sup>۵</sup> بروبوم ما بشد پیش خاقان پر از آب چشم بدو گفت کای شاه تیزی<sup>۶</sup> مکن که<sup>۷</sup> کاموس کی<sup>۸</sup> را سرآمد زمان؛ که این باره ی آهنین رستمست گر<sup>۹</sup> افراسیاب آید ایدر به آب<sup>۱۰</sup> ازو دیو سیر آید اندر نبرد به زاولستان<sup>۱۱</sup> چند پُر مایه بود پدروار با درد جنگ آورد [مرا خواست زین<sup>۱۲</sup> بی کران انجمن روم<sup>۱۳</sup> بنگرم تا چه خواهدهمی</p>
---	---

۱- ل. س. ل. (نیز ق.، ل.، و. آ. ب.): بزیر؛ متن = ف. س. (نیز ل.، ب.، ل. ن. ۲) ۲- ل. پیل ۳- ل. نه بینی؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۴- س. آنجا؛ ل. از آسان؛ س. زینسان؛ متن = ف. ل. ق. ۵- ل. س. ل. او؛ متن = ف. ق. س. ۶- ل. س. ق. بدو؛ متن = ف. ل. س. ۷- ل. بترسم که روز بد آید فراز؛ ل. بترسه که آمد زمانه فراز؛ متن = ف. س. ق. س. ۸- س. ق. شبرد؛ متن = ف. ل. ل. س. ۹- ف. بران؛ ل. بدین؛ متن = س. س. ۱۰- ق. که خاد کمندش خم اندر خمست (= ۱۶۳۵ ب)؛ ق. ۱۶۳۰ ب- ۱۶۳۵ آ را انداخته و از ۱۶۳۰ آ و ۱۶۳۵ ب یک بیت ساخته است؛ ل. س. از بیت ۱۶۳۰ افزوده است؛  
چه افراسیاب ایدر اکنون چه آب نه بیند جز سهم او را بخواب (← ۱۶۳۶)  
۱۱- ل. بسوزد ۱۲- ل. درد و خشم؛ س. آب چشم (بساوند ندارد)؛ ل. دل آکنده از کین و سر پرز خشم؛ متن = ف. س. ۱۳- ل. تندی؛ ل. بخاقان چنین گفت تیزی؛ متن = ف. س. س. ۱۴- ل. دگرگونه گشت این سخن؛ متن = ف. س. ل. س. ۱۵- ل. س. ل. س. (نیز ل. س. ل. س. ق. ب. و. ل. ن. ب.): چو؛ متن = ف. ۱۶- س. ل. (نیز ل. ب. ل. ن. ب.): گو؛ (و. بیل)؛ متن = ف. ل. س. (نیز ق. ۱۷- ل. هم آنگاه برد این دل من گمان؛ ل. دل من همانگه ببرد این گمان؛ متن = ف. س. س. ۱۸- س. آ؛ که؛ متن = ۱۹- ل. (نیز ق. ۲۰- ل. آید اکنون جو آب؛ ل. (نیز ل. ب.): اندر آید آب؛ ل. (نیز ل. ب.): ایدر آید بخواب)؛ س. (نیز ل.، و. آ. ب.): چه افراسیاب ایدر (ب. آید) اکنون چه آب؛ متن = ف. ل. س. ل. ب. ۲۰- ل. (نیز ق. ل. ۲۱- ل. ق. با او؛ متن = ف. س. ل. س. ۲۲- س. ق. ل. بخواب؛ متن = ف. س. ل. س. ل. ب. ب. ب.): ق. این بیت را ندارد ۲۱- ل. ق. با او؛ متن = ف. س. ل. س. ۲۲- س. ق. ل. (نیز ل. ق. ل. ب. ل. ن. ب.): زابلیستان؛ متن = ف. ل. س. (نیز ل.، و. آ.) ۲۳- ل. س. ق. (نیز ل. ل.، و. ل. ن. آ. ب.): سیاوش؛ (ل. ب. سیاوش)؛ متن = ف. ل. س. (نیز ق. ۲۴- س. ل. آ. جهانجوی؛ متن = ف. ل. ق. س. ۲۵- ق. آ. جست ازین)؛ متن = ف. ل. س. ل. س. (نیز ق. ۲۶- س. ق. (نیز ل. ل. ب. این بیت را ندارند، ولی گویا بنداری آنرا داشته است؛ و قد أرسل یظلی ۲۶- ل. شوم؛ ق. این بیت را ندارد

بدو گفت کاکون<sup>۱</sup> برو پیش اوی<sup>۲</sup> اگر آشتی خواهد و دستگاہ بسی هدیه پذیر و پس<sup>۳</sup> بازگرد  
 ۱۶۴۵ چو تن<sup>۴</sup> زیر چرخ پلنگ اندرست همه یکسره تیزچنگ آورده همه پشت را سوی بزدان کنیم  
 هم او را تن از آهن و<sup>۵</sup> روی نیست نه اندر هوا باشد او را نبرد<sup>۶</sup>  
 ۱۶۵۰ چنان دان که او<sup>۷</sup> سنگ و آهن خورد به یک<sup>۸</sup> مرد ازیشان ز ما سیصدست همین<sup>۹</sup> زاوی<sup>۱۰</sup> نامبردارمرد یکی پیل بازی<sup>۱۱</sup> نماید بدوی

سَخُن چون بپرسد همه چرب گوی<sup>۱۲</sup> چه باید برین<sup>۱۳</sup> دشت رنج سپاه سزد گر نجویم چندین نبرد  
 همانا که رایش به جنگ اندرست برو<sup>۱۴</sup> دشت پیگار تنگ آورده به نیروی او<sup>۱۵</sup> رزد چندان<sup>۱۶</sup> کنیم  
 جز از خون<sup>۱۷</sup> و از<sup>۱۸</sup> گوشت<sup>۱۹</sup> و از<sup>۲۰</sup> موی نیست چه داری<sup>۲۱</sup> دلت را<sup>۲۲</sup> به تیمار و درد  
 همان تیر و ژوین برو نگذرد<sup>۲۳</sup> برین<sup>۲۴</sup> رزمگه غمکشیدن<sup>۲۵</sup> بدست ز پیل فزون نیست اندر<sup>۲۶</sup> نبرد  
 که زآن<sup>۲۷</sup> پس نیارد سوی جنگ<sup>۲۸</sup> روی<sup>۲۹</sup>

### گفتار اندر آمدن پیران و بسه بنزدیک رستم<sup>۳۰</sup>

همی رفت پیران پُر آزار<sup>۳۱</sup> و بیم<sup>۳۲</sup> دل از کار رستم شده به دو نیم<sup>۳۳</sup>  
 ۱۶۵۵ بیامد بنزدیک ایران سپاه خروشید کای مهتر رنخواه<sup>۳۴</sup> ز شنیدم کزین لشکر بی شمار  
 ز ترکان مرا کرده بی خواستار<sup>۳۵</sup>

۱- ف. ل. س. (نیزل. ب. ل. ن.): اکون؛ ل. ق. (نیزق. ل. ل. و. آ.): خاقان؛ متن = س. (نیزب) ۲- ل. او ۳- س. : جنگجوی (جرب گوی)؛ س. ل. (نیزل. ب. و. ب.): بیاید همه (لن. ب. همی) چرب گوی؛ ل. ق. (نیزق. ل. ل. و. آ.): چنان چون بیاید سخن نرد گوی (ل. ق. : همه خوب گو)؛ متن = ف. بنداری؛ فقال له الخاقان: امض الیه، وجامله فی الخطاب، ولایته فی المقال ۴- ق. ل. بدین؛ متن = ف. ل. س. س. ۵- س. ووزو ۶- ل. (نیزل. آ.)؛ وگر؛ ق. چو او؛ متن = ف. س. ل. س. (نیزهشت دستنویس دیگر) ۷- س. بدو ۸- ف. س. (نیزل. ل. ن.): بنبرو برو؛ ل. بنبرو همی؛ متن = ل. س. ق. (نیزل. ب. و. آ. ب) ۹- ل. ق. شران؛ س. ل. : چندان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س. : مردان؛ (لن. ل. ب. و. ب. : خندان)؛ متن = ف. (نیزل. آ.) ۱۰- س. : ازسنگ وز ۱۱- ل. : گوشت ۱۲- ل. ق. ل. : وز؛ متن = ف. س. س. ۱۳- ل. : پوست ۱۴- س. : اندر نبرد؛ ل. : ز پیل فزون نیست اندر نبرد (= ۱۴۵۲ ب)؛ ل. : ۱۴۴۹-آ-۱۴۵۲ آرا انداخته و از ۱۴۵۲ ب و ۱۴۴۹ ب یک بیست ساخته است ۱۵- س. ق. ل. : سوزی؛ متن ← ۱۶- ل. دلت را چه سوزی؛ متن = ف. س. ۱۷- ل. ق. : گر؛ متن = ف. س. س. ۱۸- ل. س. : بگذرد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق. : بگذرد؛ متن = ف. س. ۱۹- ل. ق. : ببرد؛ متن = ف. س. س. ۲۰- ل. : درین؛ س. ق. : بدین؛ متن = ف. س. ۲۱- ق. : جشدن ۲۲- ل. : همان ۲۳- ل. س. ق. (نیزل. ق. ل. ل. ب. ل. ن. آ. ب)؛ زانی؛ متن = ف. س. (نیزو) ۲۴- ل. (نیزو)؛ گاه؛ ق. (نیز ق. ل. ن. آ.)؛ ووزو؛ متن = ف. س. ل. س. (نیزل. ل. ب. ل. ن. آ. ب) ۲۵- ل. : نسک بازی → س. بازی) ۲۶- ل. س. : کران؛ متن = ف. ۲۷- ق. : رزم ۲۸- ل. : نیاید برو جنگجوی ۲۹- ف. : گفتار اندر آمدن پیران و بسه بصف گاه بنزدیک رستم و مناظره گرگین با و بازداشتن نام رستم؛ س. : آمدن پیران بنزد رستم و مناظره ایشان؛ ق. : رسیدن پیران و رستم بهمدیگر و محادثه ایشان؛ ل. : آمدن پیران نزد رستم زان؛ س. : آمدن پیران بنزدیک رستم ۳۰- ل. : بسر از درد؛ س. : پیر از ترس؛ متن ← ۳۱- ق. : و درد؛ ل. : بر او به بیم؛ متن = ف. س. ۳۲- ل. : شد از کار رستم دلش به دو نیم؛ ق. : تنی نوزلوزان و رخساره زرد؛ متن = ف. س. ل. س. ۳۳- س. ق. : نیکخواه؛ متن = ف. ل. ل. س. ۳۴- ل. : مراراد کردی بهنگام کار؛ متن = ف. س. ق. ل. س.

خرامیدم از پیش آن انجمن  
 چو آگاه شد رستم رزمساز<sup>۲</sup>  
 بنزدیک او شد ز<sup>۳</sup> پیش سپاه  
 بدو گفت کای ترک<sup>۴</sup> نام تو چیست؟  
 ۱۶۶۰ چنین داد پاسخ که پیران منم  
 ز هومان<sup>۵</sup> ویسه مرا خواستی  
 دلم تیز شد تا تو از مهتران<sup>۶</sup>  
 بدو گفت: من رستم زاوی<sup>۷</sup>  
 ۱۶۶۵ چو بشنید پیران از آن سرفراز<sup>۸</sup>  
 بدو گفت رستم که ای پهلوان<sup>۹</sup>  
 هم از مادرش دخت افراسیاب  
 بدو گفت پیران که ای پیلتن  
 ز نیکی دهش آفرین<sup>۱۰</sup> تو باد!  
 ۱۶۷۰ ز یزدان سپاس و بدوم پناه  
 زواره فرامرز و زال سوار

بدین انجمن تا پرسی<sup>۱</sup> ز من  
 که آمد ز ترکان یکی سرفراز<sup>۲</sup>،  
 به سر بر نهاده از<sup>۳</sup> آهن کلاه  
 بدین آمدن رای و کام تو چیست؟  
 سپهدار آن<sup>۴</sup> نامداران<sup>۵</sup> منم  
 به خوی زبان بر من آراستی<sup>۶</sup>  
 کدامی نگویی ز گنداوران<sup>۷</sup>  
 زره پوش با<sup>۸</sup> خنجر کاوی<sup>۹</sup>  
 فرود آمد از اسپ و بردش نماز<sup>۱۰</sup>  
 درودت ز خورشید روشن روان<sup>۱۱</sup>  
 که مهر<sup>۱۲</sup> تو بیند همیشه<sup>۱۳</sup> به خواب  
 درودی ز یزدان بر آن انجمن<sup>۱۴</sup>!  
 فلک را گذر بر نگین تو باد!  
 که دیدم ترا زنده بر جایگاه  
 که او ماند از خسروان یادگار

۱- ل، ل (نیز لن، پ، لن): چه خواهی؛ س: پرسی (ج: پرسی)؛ ق، س (نیز ل، آ): چه پرسی؛ متن = ف (نیز ب) ۲- س: سرفراز؛  
 متن = ۳- س: رزمساز؛ متن = ف، ل، س (ل، ق این بیت را ندارند ۴- س: رفت ۵- س، ل: ز؛ متن = ف، س (ل، ق این  
 بیت را ندارند ۶- ل: رستم که؛ ق، س: ای ترک؛ متن = ف، س ۷- ل، ق: این؛ متن = ف، س، ل، س ۸- ل (نیز ل، آ):  
 شیرگیران؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ل، پ، و لن، ب)؛ (ق: سپهدار و از گزرگیران)؛ ف، س: پس از این بیت و س پس از بیت  
 سپین افزوده اند:

گزین سپاه رد افراسیاب سرپهلوانان با جاه و آب

این بیت در هیچیک از دوازده دستنویس دیگر نیست ۹- ل: بخوی زبان را بیارستی؛ ق: زبان را بخوی بیارستی؛ متن = ف، س، ل، س (ف: زخوی) ۱۰- ف: از پهلوان؛ (ق: ای پهلوان)؛ متن = ل-س (نیز لن، ل-ب) ۱۱- (ب: و گنداوران)؛ ل، ق (نیز ق، ل، آ):  
 کدامی ز گردان جنگاوران؛ ل (نیز لن، ل، پ، لن، آ): نگویی (آ: ندانم) کدامی (لن: کدامین) ز گنداوران؛ (و: کدامی و گردان و  
 گنداوران)؛ متن = ف، س، س (ج: ب)؛ ف، س، س: پس از این بیت افزوده اند:  
 مرا خواستی تا چه خواهی ز من

چه پرسی و رایت بران (س: بدین) سوفکن (س: چه افکنند بن)

این بیت در دوازده دستنویس دیگر نیست ۱۲- ل، س، ق، ل (نیز لن-پ، لن، آ، ب): زابلی؛ متن = ف، س (نیز و) ۱۳- ل: زره دار  
 با؛ س: زره دارم؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۴- ف-س (نیز لن-پ، لن، آ، ب): کابلی؛ متن = (و) ۱۵- ل: رزمساز؛ ل: زپش  
 سپاه؛ متن = ف، س، ق، س ۱۶- ل: بیامد بر رستم کینه خواه؛ (ل، آ: درودی ز خورشید خسرو بنام)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز  
 هفت دستنویس دیگر)؛ بنداری: فترجل بیران و قبل الأرض ۱۷- ق: خوش نهاد ۱۸- ق: خسرو نژاد ۱۹- ق (نیز ل، آ):  
 چهر؛ (ق، لن: مینا-بهر)؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیز لن، پ، و ب) ۲۰- س، ل (نیز لن، ق، آ، ب، و لن، ب): همه شب؛ متن =  
 ف، ل، ق، س (نیز ل، آ) ۲۱- ل (نیز لن): بدان انجمن؛ ل، ق (نیز ق، ل، پ، و لن): درودت ز یزدان وز (ق، ل، آ، ب، لن، و ان؛  
 و: واز) انجمن؛ س (نیز ب): درود جهان بیان بدان (ب: بران) انجمن؛ (ل، آ: درود فراوانست بر جان و تن)؛ متن = ف، س (ج: ل،  
 لن) ۲۲- ل-س (نیز لن، ق، ل، ل، لن، آ): آفرین بر؛ متن = ف (نیز ب، و ب)

درستند و شادان دل و سرفراز  
 بگویم ترا گر نداری گران  
 بکشم درختی به باغ اندرون  
 به دیده<sup>۵</sup> همی آب دادم به رنج  
 ۱۶۷۵ مرا<sup>۶</sup> زو<sup>۷</sup> همه رنج<sup>۸</sup> بهر آمده‌ست  
 سیاوش مرا چون پدر داشتی  
 بسا رنج و سختی و درد<sup>۱۱</sup> که من  
 گواه<sup>۱۴</sup> من اندر جهان ایزدست  
 ۱۶۸۰ که اکنون برآمد بسی روزگار  
 که شیون نبرخاست از خان<sup>۱۶</sup> من  
 همی خون خروشم به جای سرشک  
 ازین کار بهر من آمد گزند  
 ز تیره شب و دیده‌ام نیست شرم  
 ۱۶۸۵ ز کار سیاوش چو آگه شدم  
 میان دو کشور دو شاه بلند  
 فریگیس<sup>۲۰</sup> را من خریدم به جان  
 کزیشان<sup>۲</sup> مبادا جهان بی‌نیاز  
 گله کردن کهر از مهتران<sup>۳</sup>:  
 که برگش کبست آمد و بار<sup>۴</sup> خون  
 بدو بُد مرا زندگانی و گنج  
 همه<sup>۹</sup> بار تریاک زهر آمده‌ست  
 به پیش بدی‌ها سپر داشتی<sup>۱۰</sup>  
 کشیدم از آن<sup>۱۲</sup> شاه و زان<sup>۱۳</sup> انجمن  
 — گوا خواستن دادگر را بدست —  
 شنیدم بسی پند آموزگار<sup>۱۵</sup>  
 همی آتش افروزد از جان من  
 همیشه گرفتارم اندر بزشک  
 نه بر آرزو رفت چرخ بلند  
 که چندین خروشیده‌ام<sup>۱۷</sup> خون گرم  
 ز نیک و ز بد دست کوتاه شدم  
 چنین<sup>۱۸</sup> خوارم و زار و دل مستمند<sup>۱۹</sup>  
 پدر بر سر آورده بودش زمان<sup>۲۱</sup>

۱-ق. ل. [و] ۲-ق. ل. ازیشان: (ل. وزیشان); متن = ل. س. ق. ل. (نیز ق. ل. پ. ب) ۳-ف: گله کردن از کهر و مهتران (!); متن = ل. س. (نیز ل. ب) ۴-ل: که بارش کبست آمد و برگ: متن = ف. س. ق. ل. س. ۵-ل: بویژه: س. ز دیده: متن = ف. ق. ل. س. ۶-س: کنون ۷-س: ق. زان ۸-ق: درد ۹-ل: کزو: س. گل و: ق. کنون: ل. برو: متن = ف. س. در ق. لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۰-ق (نیز ل. آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

گرامی بی‌بوستمش دختره  
 که رخشنده گردد ازو گوهره (کشورم)  
 کنون آن گهر کم ازو بُد فرود  
 ز جان و ز دل دادم او را درود  
 بزاری بکشتند با دختره  
 چنین بود گویی مگر درخورم

۱۱-ل: درد و سختی و رنج: س. رنج و درد و سختی: ق. درد و رنجی و سختی: متن = ف. ل. س. ۱۲-ل: ازین: (ق: شنیدم از) ۱۳-ف: شاه زان: س. ق. س. (نیز ل. ب): شاه و آن: متن = ل. ل. ۱۴-ل. س. ق. (نیز ل. ق. ل. ب. و. ل. ن): گوا: متن = ف. ل. س. (نیز ل. آ. ب) ۱۵-س: ز مرگ چنان نامور شهریار ۱۶-ق. ل. خوان ۱۷-و: بیاریده‌ام: ل. که من چند خروشیده‌ام (حرف یکم واژه پین نقطه ندارد): س. که چندان خروشیده‌ام: متن = ف. ق. ل. س. (نیز ل. ل. پ. ل. آ. ب) ۱۸-ق: همی ۱۹-س. ل. (نیز ل. ب. ل. ن. آ): خوار و زار و چنین (آ. و دل) مستمند: س. خوار و زارند و دل مستمند: ق. (نیز ق): خوار و زارم همی (ق: بدل) مستمند: متن = ف. ل. (نیز ل. و. ب) ۲۰-ف. ل. س. (نیز ق. ل. ن): فریگیس (حرف سوم نقطه ندارد): ق. ل. س. (نیز ل. ل. پ. و. آ. ب): فریگیس: متن = بنداری: فریگیس ۲۱-ق: وگر نه پدر... (وزن ندارد): س. (نیز ل. آ. ب) پس از این بیت افزوده‌اند: ←



جزو نیز چندان<sup>۱</sup> دلیر و جوان<sup>۲</sup> و زانپس<sup>۳</sup> مرا بیم جانست نیز  
 به پیروزگر بر تو ای پهلوان ۱۷۰۰  
 ز خویشان من بد نداری نهان  
 به روشن روان سیاوش که مرگ  
 گر<sup>۴</sup> ایدونک جنگی بود همگروه  
 کشانی و شکنی<sup>۵</sup> و سقلاب<sup>۶</sup> و هند  
 ز خون سیاوش همه بی گناه ۱۷۰۵  
 مرا<sup>۷</sup> آشتی بهتر آید ز<sup>۸</sup> جنگ  
 نگر تا چه بینی تو داناتری

ز پیران چو بشنید رستم سخُن  
 بدو گفت: تا من بدین کینه گاه<sup>۹</sup>  
 ندیده‌ستم از تو جز از<sup>۱۰</sup> راستی ۱۷۱۰  
 پلنگ این<sup>۱۱</sup> شناسد که پیگار و جنگ<sup>۱۲</sup>  
 چو کینِ سر شهریاران بود  
 کنون آشتی را دو راه<sup>۱۳</sup> ایدرست<sup>۱۴</sup>  
 یکی آنک هر کس که از<sup>۱۵</sup> خون شاه  
 ببندی<sup>۱۶</sup> فرستی بر شهریار<sup>۱۷</sup> ۱۷۱۵

۱- ل، ق (نیزق، و): چندی؛ متن = ف، س، ۲- س: سوار و دلیر؛ س، ل (نیزلن، لی، ب، لن، آ، ب): فرود (ل: هم او؛ ب، لن: برو) و جزو (لن: جزا بیلسم) نیز چندان دلیر ۳- س، ل، س (نیزلن، لی، ب، لن، آ، ب): که هرگز نبودند (س: لی، آ: نبودندی) از جنگ سیر: متن = ف، ل، ق (نیزق، و) ۴- ل: ازین پس؛ س: وزین پس ۵- س: همان بیم گنج است و ۶- ل: بر؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۷- ل: این بیت را ندارد ۸- ق، س: خود؛ متن = ف، ل، س، ل ۹- س، ق: ار ۱۰- ف، ل (نیزلی): شکنی؛ س (نیز ل): شکنی؛ ق: چینی؛ س: سندی؛ متن = ل (نیزلن، ب-ب) ۱۱- ل: سقلاب و شکنی ۱۲- ل: ازین پیش تا مرز ۱۳- ل، س، ل، س (نیزلن-ب): سپاهی؛ متن = ف، ق ۱۴- ل (نیزل): نرا؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۵- ل، ق (نیزلی، ل، آ): که؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ب، و، لن، ب) ۱۶- س: چه باید ۱۷- س، ق، ل (نیزلن، ب، لن، آ، ب): برزم و بمردی؛ (لی، آ: بچنگ دلیران)؛ متن = ف، ل، س (نیزق، ل، و) ۱۸- ل: آرزوی ۱۹- س: رزمگاه: ق: بهر رزمگاه؛ متن = ف، ل، ل، س، ۲۰- ل، س، ق (نیزلی، ل، لن، آ، ب): بجز؛ (ق: مگر)؛ ف، س: ندیده ز تو جز همه؛ متن = ل (نیزلن، ب، و) ۲۱- ق، س: آن ۲۲- س: که هنگام جنگ ۲۳- ل، ق، ل (نیزلن-ب، لن، آ): همی؛ س: چنین؛ (ب: همه)؛ س: و همه داند این؛ متن = ف (نیزو) ۲۴- ل: کوه سنگ ۲۵- س: تیغ داران ۲۶- ق: کار ۲۷- س، ل، س: اندرست؛ متن = ف، ل، ق ۲۸- ل، س، ق (نیزب، لن): او؛ (لی، ل: بره: آ، با)؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ق، و، ب) ۲۹- س: هر گونه ۳۰- (لی، آ: نوندی = بوندی = ببندی؟) ۳۱- ف، س: بندریک شاه؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن-ب) ۳۲- س: رزمگاه؛ ف: سزد کر تو آید چنین دستگاه؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن-ب)



هیونی فرستم به افراسیاب	بگوه، سرش را برآرم <sup>۱</sup> ز خواب
۱۷۳۰	کسی را که بودند ویسه نژاد، چنین گفت کامد نشیب از فراز <sup>۲</sup> مرین <sup>۳</sup> رزمگاه <sup>۴</sup> از در ماتمست <sup>۵</sup> همان <sup>۶</sup> نامداران کاولستان <sup>۷</sup> سواران گیتی ندارند پای به ناکام رزمی بود با فوس <sup>۸</sup> دل از بی‌گناهان بشوید <sup>۹</sup> همی دل شاه ازو <sup>۱۰</sup> پر ز تیمار نیست؟ به کام دلیران ایران شود نه گنج و سپاه و نه تخت و کلاه که چندین <sup>۱۱</sup> مدار <sup>۱۲</sup> آتش و باد را خرد سوخته <sup>۱۳</sup> ، چشم دل <sup>۱۴</sup> دوخته نه فرمان این نامدارانجمن <sup>۱۵</sup> نزد با دلیری <sup>۱۶</sup> خردمند رای نه پیلان جنگی، نه این تخت <sup>۱۷</sup> عاج <sup>۱۸</sup> غم و درد بهر دلیران بود که با قر و برزند و <sup>۱۹</sup> با تاج و گاه
۱۷۳۵	و ز آنجا پیامد به آشکر چو باد <sup>۲۰</sup> یکی انجمن کرد و بگشاد راز بدانید کین <sup>۲۱</sup> شیردل رستمست بزرگان و شیران زاولستان <sup>۲۲</sup> چنو <sup>۲۳</sup> کینه گش <sup>۲۴</sup> باشد و رهنمای چو گودرز کشواد و چون گیو و طوس ز ترکان گنهار جوید <sup>۲۵</sup> همی که دانی <sup>۲۶</sup> کز <sup>۲۷</sup> ایدر گنهار نیست؟ نگه کن <sup>۲۸</sup> که این بوم ویران شود نه پیر و جوان مانند ایدر نه شاه همی گفتم این شوم بیداد را که روزی شوی <sup>۲۹</sup> ناگهان <sup>۳۰</sup> سوخته نکرد این <sup>۳۱</sup> جغاپیشه فرمان من بکند این گرانمایگان را ز جای ببینی که نه شاه ماند، نه تاج <sup>۳۲</sup> بدین شاددل شاه ایران بود دریغ این دلیران و چندین سپاه

۱-ق: برآرم سرش را ۲-ل: بکردار باد ۳-ل، س، ق، ل: (نیزق: ل، ل، ل، آ): نشیب و فراز؛ متن = ف، س: (نیزلن، ب، و، ب) ۴-ق: کان ۵-س (نیزلی، آ، ب): چنین؛ ق: همین؛ ل: برین؛ (ق: کنون؛ ل: بدین؛ و: همه)؛ متن = ف، س: (نیزلن، ب، ل، ل، ف، ل: (نیزلن، ق، ب، ل، ل، آ): رزمگه؛ متن = س، ق، س: (نیزلی، ل، آ، ب) ۷-ل: جهانگیر و از نخمه نیرمت ۸-ل-س: (نیزلن، ق، ل، ب، ل، آ، ب): زابستان؛ متن = ف (نیزو) ۹-ل، س، ق: همه؛ متن = ف، ل، ل، س: ۱۰-ف-س: (نیزلن، ق، ل، ب، ب): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱-ف، ل، س: چواو؛ متن = ل، س، ق ۱۲-ل: کینه ور ۱۳-ق این بست را ندارد ۱۴-ل: خواهد ۱۵-ل: بکاهد؛ ل: نشوید؛ متن = ف، س، ق، س: ۱۶-س (نیزق: ل، آ، ب): داند؛ متن = ف، ل، ق، ل، س: (نیزلن، ب، و، ل، ل، س، ق، ل: (نیزق: ل، آ، ب): که؛ متن = ف، س: (نیزلن، ب، و، ل، ل، آ، ب): ۱۸-ق: زو ۱۹-ل: ببینی ۲۰-س: که با همه ۲۱-ق: مدم ۲۲-ف (نیزل): شود؛ متن = ل-س: (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۳-ف، س: بی‌گمان؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیزلن-ب) ۲۴-ل: بوخته (۹) ۲۵-ف، ق، س: چشم و دل: (ب: چشم بد)؛ متن = ل، س، ل: (نیزلن-آ): ل پس از این بیت افزوده است:

مکش گفتمش پور کاموس را

که دشمن کنی رستم و طوس را

۲۶-ل، س، ق: آن؛ متن = ف، ل، س: ۲۷-س: نامداران من ۲۸-ف: دلیر؛ ل: دلیر؛ متن = س، ق، ل، س: ۲۹-ق: بخت؛ س، ل: نه تاج مانند نه شاه؛ متن = ف، ل، س: ۳۰-ق: تاج و تخت؛ س، ل: نه تخت و کلاه؛ متن = ف، ل، س: ۳۱-ل: [و]



<p>نبرگردد از<sup>۱</sup> رزمگه شاد کس شود آب این بختِ بیدار شور ز روین روان<sup>۲</sup> بر فروزدهمی بروهای<sup>۳</sup> یکسر پُر از چینِ اوست بگوم که بر من<sup>۴</sup> چه آمد ز کین</p>	<p>به تاراج بینی همه زین سپس بکوبند ما را به نعل ستور ز هومان دل من بسوزدهمی دل رستم آگنده از<sup>۲</sup> کینِ اوست پُر از غمِ شومِ پیش خاقان چین</p>	<p>۱۷۵۰</p>
<p>پُر از خون دل و میژه پُر آب زرد<sup>۷</sup> ز خون کشته بر زعفران<sup>۸</sup> لاله<sup>۹</sup> دید بنزدیک<sup>۱۱</sup> خاقان شده دادخواه ازین پس نبیند بزرگی<sup>۱۲</sup> به خواب<sup>۱۳</sup> که آورد سازند<sup>۱۴</sup> روز نبرد؟ همه دیده پُر آب و با<sup>۱۶</sup> کین شوم<sup>۱۵</sup> که کاموس را کینه‌خواه آورم کس آرم با گرزهای گران نه آواز یارد شدن زو به گوش<sup>۱۹</sup> نه آرام باید که جوید<sup>۲۰</sup> نه خواب خروشیدنی بود چون زخم<sup>۲۲</sup> کوس بیارید بر زعفران<sup>۲۳</sup> آب زرد<sup>۲۴</sup></p>	<p>بیامد بنزدیک خاقان چو گرد<sup>۶</sup> سراپردهی او پُر از ناله دید ز خویشان کاموس چندی<sup>۱۰</sup> سوار همی گفت هر کس که افراسیاب چرا کین پی افگند که ش نیست مرد سپاه کشانی سوی چین شوم<sup>۱۵</sup> ز چین و ز بربر<sup>۱۷</sup> سپاه آورم ز برگوش<sup>۱۸</sup> و سگسار و مازندران که ایدر ز رستم برآرند هوش اگر کین همی جوید افراسیاب هم از دودهی<sup>۲۱</sup> چنگش و آشکبوس همی از پی دوده هر کس به درد</p>	<p>۱۷۵۵ ۱۷۶۰</p>

۱-س: نگردد ازین ۲-ق: ز دردش رخم؛ ل: رخ از بهر او؛ متن = ف، ل، س، س، ۳-س: آکنده ۴-درف به پس یکم ۵-ل: ما را؛ ق: بر ما؛ متن = س، ل، ل، س، ۶-س: بنزدیک خاقان شد او همچو گرد ۷-ل: رخ و دیده پر آب زرد؛ س (نیز ل): دل و لب پر از باد سرد؛ ق، ل، س: دل و روی پر آب زرد؛ (لن، پ، لن: دل و رخ پر از آب زرد (لن: سرد)؛ ق، و: دل و چشم پر آب زرد؛ ل، ل، آ: دل و دیده پر آب زرد)؛ متن = ف ۸-ق: ارغوان ۹-ل: زاله ۱۰-ف: جنگی؛ س (نیز ل، ل، و، آ، ب): چندان؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، پ، لن): بنداری: فلما دخل سرادقه رأی اکابر أصحاب کاموس قد اجتمعوا عنده ۱۱-ل: بدرگاه ۱۲-ل: بزرگی نبیند ۱۳-ل: نه آرام باید که یابد نه خواب (= ۱۷۶۱ ب)؛ در ل بیت های ۱۷۵۵-۱۷۶۶ در هم ریخته اند: ۱۷۶۲، ۱۷۵۵-۱۷۵۹، ۱۷۶۴-۱۷۶۶، ۱۷۶۱، ۱۷۶۳ (بیت ۱۷۶۰ را ندارد) ۱۴-ل، س: سازد به؛ متن = ف، ل، س، آ: ق این بیت را ندارد ۱۵-ق: کشیم ۱۶-س، ق: بر؛ ل: پر؛ متن = ف، ل، س، آ ۱۷-س (نیز ل، آ، ب): و کشانی؛ متن = ف، ل، ق، ل، س، آ (نیز لن، ق، ل، س): بنداری: نستجد الیربر والمند و غیرهما ۱۸- (و: بزگوش)؛ ل این بیت را ندارد ۱۹-ق (نیز ق، ل، ل، آ، ب): یارد شنیدن بگوش؛ س: یارد شدنشان بگوش؛ س (به خطی دیگر): بنفرین ز ایران برآید خروش؛ (لن، پ، لن: نه آواز (لن: آوای) او کس نیوشد بگوش)؛ متن = ف، ل، آ (نیز و): ل این بیت را ندارد؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۰-ل، ق (نیز لن، ق، ل، ب): یابد؛ س: ماند (و یابد)؛ متن = ف، ل، ل، س، آ (نیز ل، و، آ) ۲۱-ق: همان از پی ۲۲-ق: برسان؛ ل این بیت را ندارد ۲۳-ل: ارغوان ۲۴-ل: بیارید خون بر رخ لاچورد؛ ف، س پس از این بیت افزوده اند:

همی گفست ازین پس نجویم خواب

نه آرام خواهی و نه نان و آب

این بیت در هیچیک از سیزده دستنویس دیگر نیست

<p>بریشان شب و روز ناخوش کنیم برآرم بر سوگ آن نامدار همه<sup>۱</sup> برفشانیم پیش سرش<sup>۲</sup></p>	<p>که ما<sup>۱</sup> سیستان را پر آتش کنیم سر رستم زاول<sup>۲</sup> را به دار تتش را بسوزم و خاکسترش</p>	<p>۱۷۶۵</p>
<p>از<sup>۳</sup> آواز ایشان رخس تیره<sup>۴</sup> گشت پر از درد و تیمار غمخوارگان<sup>۵</sup> که ایدر شما را سرآید<sup>۶</sup> زمان که جوشش چرم پلنگ آمده است که این<sup>۷</sup> رزم کوتاه ما شد دراز ز هر سو که بُد نامورمهتری<sup>۸</sup>، کجا خیزد از کار بیداد داد سیاوخش<sup>۹</sup> بر دست او گشته شد سر<sup>۱۰</sup> آژدها را کسی<sup>۱۱</sup> بسپرد<sup>۱۲</sup>؟ و<sup>۱۳</sup> را رستم زاول<sup>۱۴</sup> دایه بود همی<sup>۱۵</sup> آسمان بر زمین آورد نه کوه بلند و نه دریای نیل، چو آورد گیرد به پیش سپاه که گشتی نخواهد به دریای خون<sup>۱۶</sup></p>	<p>چو بشنید پیران دلش خیره<sup>۱۷</sup> گشت به دل گفت کای<sup>۱۸</sup> زار و بیچارگان<sup>۱۹</sup> ندارید<sup>۲۰</sup> ازین<sup>۲۱</sup> آگهی بی گمان ز دریا ننگی به جنگ آمده است بدین<sup>۲۲</sup> سوگواران<sup>۲۳</sup> چنین گفت باز ازین نامداران<sup>۲۴</sup> هر کشوری بیاورد و این<sup>۲۵</sup> رنجها شد به باد سر شاه کشور چنین<sup>۲۶</sup> گشته شد به فرمان گرسیوز<sup>۲۷</sup> که خرد سیاوش جهاندار<sup>۲۸</sup> و پرمایه بود کنون هر گه او<sup>۲۹</sup> جنگ و کین آورد نه جنگ پلنگ و نه خرطوم پیل بسنده است با او به آوردگاه یکی رخس دارد به زیر اندرون</p>	<p>۱۷۷۰ ۱۷۷۵ ۱۷۸۰</p>

۱- ل: مگر: س: هه: مین = ف، س، ق، ل ۲- ل، س، ق، ل (نیز: ق، ل، آ، ب): زایی: مین = ف، س (نیزو) ۳- س، س: این ۴- ق، ل: همی ۵- ل (نیزب): درش: (و: برش: لن: تش): ل (نیزو، آ): گرد سرش: (لن: بر کشورش): مین = ف، س، ق، س (نیز: ق، ل، آ، ب) ۶- ق، س: تنه ۷- ق: وز ۸- س: خرد: ق: سرش خیره ۹- س: این: ق، ل، آ، س: ای: مین = ف، ل ۱۰- ل: بیدارگان (!) ۱۱- ل: غمخوار بیچارگان: ق: همه زار و ناجیز غمخوارگان: مین = ف، ل، س، س ۱۲- ف: ندیدند: ل، س، س: ندارند (حرف پنجم نقطه ندارد): ل: مدارید: مین = ق ۱۳- ف، ل: از آن: س: زمین: مین = ل، ق، س ۱۴- ف: سرآید: ق: درآید: س: سرآمد شما: مین = ل، ل، آ، س ۱۵- ل، س، ق: بدان: مین = ف، ل، س ۱۶- س: دردهندان: ل: بامد بخدا: مین = ف، ل، ق، س ۱۷- س، ل: آن ۱۸- س: سپید سرافراز ۱۹- ق: زهر سو بلندی و کنداوری ۲۰- ف: آن: مین = ل، س (نیزل: ب) ۲۱- ق: همان ۲۲- ل، ق (نیزل:): سوش (= سوش): (لن، ل، ب: سوش: لن: سوشن): مین = ف، س، ل، س (نیز ب) ۲۳- (ولن: کرسیوز) ۲۴- ف: بیز: ق: پی: (ل: دم): مین = ل، س (نیزو، و، آ) ۲۵- ل، س: کسی گردن آژده ۲۶- ل: بسپرد (حرف یکم نقطه ندارد): س، ق، س (نیزو، ل، و، آ): بسپرد: مین = ف، ل، آ، س ۲۷- س: سپیدار ۲۸- ل، س، ل (نیزلن، ق، ل، ب، ل، آ، ب): زایی: مین = ف، س (نیزو): ق این بیت را ندارد ۲۹- ل: هر آنگه که او: ل: کنون چون که او: (و: کنون هر زو: ن): مین = ف، س، س (نیزلن، ق، ل، ب، ل، آ، ب) ۳۰- س: جنگ: ق این بیت را ندارد ۳۱- ل، ق: که گویس روان شد گه بستون: مین = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، و، ل، آ، ب): در س: پس از این بیت، بیت ۱۷۸۳ آمده است

کنون روز<sup>۱</sup> خیره نباید شمرد  
یکی آتش آمد ز چرخ کبود  
کنون سربسری تیزهش بخردان<sup>۷</sup>  
بینید تا چاره‌ی کار چیست؟  
همه<sup>۱۱</sup> رای باید که گردد<sup>۱۲</sup> درست  
مگر زین بلا سوی کشور شوه

ز پیران غمی گشت خاقان چین  
بدو<sup>۱۳</sup> گفت: ما را کنون<sup>۱۴</sup> چیست روی<sup>۱۵</sup>  
چنین<sup>۱۷</sup> گفت شنگل که ای سرفراز  
به یاری افراسیاب آمدم  
بسی پاره<sup>۱۹</sup> و هدیه‌ها<sup>۲۰</sup> یافتیم  
به یک مرد سگری<sup>۲۱</sup> که آمد به جنگ  
برفتیم<sup>۲۲</sup> چون شیر جنگی دمان<sup>۲۳</sup>  
ز یک مرد ننگست گفتن سخن  
چنان دان که او زنده پیل ست مست  
اگر گردد<sup>۳۰</sup> کاموس را زو زمان

چو<sup>۲</sup> دیدید<sup>۳</sup> ازو هر کسی<sup>۴</sup> دستبرد  
دل ما شد از درد او<sup>۶</sup> پُر ز دود  
بخوانید<sup>۸</sup> با موبدان و ردان<sup>۹</sup>  
برین<sup>۱۱</sup> رزمگه مرد پیگار کیست؟  
از آغاز کینه نبایست جُست  
اگر چند با بخت لاغر شوه

بسی یاد کرد از جهان‌آفرین  
چو آمد سپاهی چنین جنگجوی<sup>۱۶</sup>؟  
چه باید<sup>۱۸</sup> کشیدن سخن‌ها دراز؟  
ز دشت و ز دریای آب آمدم  
ز هر کشوری تیز بشتافتیم  
چرا شد چنین<sup>۲۲</sup> بر شما<sup>۲۳</sup> کار تنگ؟  
به رهبر نجسته<sup>۲۶</sup> جایی<sup>۲۷</sup> زمان<sup>۲۸</sup>  
دگرگونه‌تر باید<sup>۲۸</sup> افکند بُن  
به آوردگه شیر گیرد به دست<sup>۲۹</sup>،  
بیامد، نباید شدن بدگمان

۱-ق: رزم ۲-ل: که ۳-ف: دیدیت: ل، ل: دیدند: س: دیدد (جرف چهاره نقطه ندارد): متن = س، ق، ه، ف ۴-ل، ل: ق: هر کس ازو: متن = ف، س، ل، ل: س ۵-ل (نیز ق): تف: متن = ف، س، ق، ل، ل: س (نیز ل، ل: ب) ۶-ق: آن ۷-ق: س: موبدان: متن = ف، ل، س: ل ۸-س: بخوانند: ل: بگویند: متن = ف، ل، ق، س ۹-س: با نامور موبدان: ق: با نامور بخردان: س: با بخردان و ردان: متن = ف، ل، ل: در س: این بیت پس از بیت ۱۷۸۰ آمده است ۱۰-ل، ل: بدین: ق: درین: متن = ف، س، س ۱۱-ل، ق: همی: متن = ف، س، ل، ل: س ۱۲-س: کار باید که باشد: ل: کارها کرد باید: متن = ف، ل، ق، س ۱۳-ف: چنین: متن = ل، س (نیز ل، ب) ۱۴-ل: چنین ۱۵-ف، س: راه: متن = ل، س، ق، ل (نیز ل، ب) ۱۶-ف، س: جنگ خواه: ل: کینه جوی: ق (نیز ل): که آمد سواری بدین گفتگوی: متن = ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۷-س: بدو ۱۸-ق: نباید ۱۹-ف، ل (نیز ل، ل): باره: ل (نیز و): باره (نقطه ندارد): س (نیز ب): بدره: س (نیز ق): باره: متن تصحیح قباسی است (ص ۸۶۸، ۹۱۰) ۲۰-ق (نیز ل): باره‌ها و گهر: (ل، آ: بدره‌ها و دره: ب: باره‌ها هدیا): در س: لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۱-بنداری: سیجری ۲۲-ق: کنون ۲۳-س، س: چرا بر شما شد چنین: در س، ل: این بیت پس از بیت ۱۷۹۳ آمده است ۲۴-س: براندیم ۲۵-ق: ز جای ۲۶-س: روزی ۲۷-ق: جز از جنگ جستن نبود ایچ رای: ل این بیت را ندارد: س، ل، س (نیز ق، ل، آ، ب) پس از این بیت و (ل، ب، ل، ن) پیش از آن افزوده‌اند: بدین جایی پیکار (ل، ب، ل، ن): جو شیر آمدم و چو رویه شد:

ز پیکار گسر (س، ق، ل، ب: اگر) دست کوتاه شدیم

ف، ل، ق (نیز ل، و) این بیت را ندارند ۲۸-ف، س: دگرگونه باید تر (س: بر): س (نیز ب): دگرگون تو باید: ل (نیز ل، ل): دگرگونه بایدت: (ل: دگرگونه زین باید): متن = ل، ق (نیز ق، ل، ب، آ) ۲۹-در ل این بیت پس از بیت ۱۸۰۶ آمده است ۳۰-ل، ق: زانک: (و، ل، ن: بود): متن = ف، س، ل، ل: س (نیز ل، ق، ل، آ، ب)

کسی چونک<sup>۲</sup> از ما پرسد<sup>۳</sup> همی (؟)  
کنون<sup>۴</sup> دست یازم<sup>۵</sup> به فریادرس (؟)  
هنر نیست چندانک<sup>۷</sup> پیران بگفت  
نباید دل از کین و آورد شست<sup>۹</sup>  
و زین<sup>۱۱</sup> دشت یکسر سر اندرکشیم<sup>۱۲</sup>  
بریشان<sup>۱۵</sup> یکی تیرباران کنیم<sup>۱۴</sup>  
نباید که داند کس<sup>۱۷</sup> از پای سر  
چو بخروشم اندردمید<sup>۱۸</sup> و دهید  
فزونست<sup>۲۰</sup> از ما دلیر و سوار  
همه پاک ناگشته بی جان شدیم<sup>۲۱</sup>  
شما زآسمان<sup>۲۳</sup> اندرآرید گرد<sup>۲۴</sup>  
که بددل گه جنگ نارد بها<sup>۲۵</sup>

چو بشنید لشکر ز شنگل سخُن  
بدو گفت پیران کانوشه بدی<sup>۲۶</sup>  
همه نامداران و خاقان چین

۱- س: که ۲- س (نیز، ل، ب، و، ل، ن): چون که: (ق: کو جز): متن = ف، س، (نیز) ۳- س (نیز): پرسد: س، (نیز) ۴- س (ب، ل، ن): پرسد: (ل: نترسد): متن = ف (نیز و): ق: چرا رایت از وی هراسد: ل (نیز، آ): شب تیره زین غم نخبده: ل س: ۱۷۹۷-۱۸۰۰ را ندارد ۵- (ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۶- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۷- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۸- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۹- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۱۰- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۱۱- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۱۲- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۱۳- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۱۴- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۱۵- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۱۶- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۱۷- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۱۸- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۱۹- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۲۰- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۲۱- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۲۲- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۲۳- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۲۴- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۲۵- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۲۶- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۲۷- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۲۸- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب) ۲۹- (ل، ن، ق، ل، آ: که او): متن = ف، س، ق، ل، س، (نیز، ل، ب، و، ل، ن، ب)

<p>برفتند پُرمايه ترکان<sup>۲</sup> ز جای که گه تیره بودند و گه شادمان<sup>۳</sup> که گفتارتان<sup>۴</sup> بر چه آمد به بُن؟ و گر جنگ<sup>۵</sup> جوید سپاه از سپاه؟ سپه گشت با او به گفتار<sup>۶</sup> جفت برآشفت با شَنگُل شوربخت گذر نیست، تا بر چه گردد زمان که شَنگُل مگر با خرد نیست جفت ز گردنکشان نیز بشنیده‌ام<sup>۱۲</sup>، نه گُنْدُر<sup>۱۴</sup> نه مَنشور و خاقان چین نه این تخت و این تاج و این خواسته<sup>۱۵</sup> نگه کرد باید به سود و زیان جهان گیر و با گرزهای گران<sup>۱۸</sup>، کفن جوشن و ترگ شسته به خون چنین تا توان فال بد را مزین<sup>۲۰</sup> مگر کز گمان<sup>۲۱</sup> دیگر آید سَخُن سَزَد گر نداری، نباشی دُرْد<sup>۲۵</sup></p>	<p>چو پیران بیامد به<sup>۱</sup> پرده سرای چو هومان و نَسْتِهَن و بارمان بپرسید هومان ز پیران سَخُن همی آشتی را کند پایگاه<sup>۵</sup>؟ به هومان بگفت آنک<sup>۷</sup> شَنگُل چه گفت<sup>۸</sup> غمی گشت هومان، به گفتار<sup>۱۰</sup> سخت به پیران چُنین گفت کز آسمان بیامد به ره پیش گَلباد<sup>۱۱</sup> گفت گر آن رستم است او که<sup>۱۲</sup> من دیده‌ام [نه شَنگُل بماند برین دشت کین [نه این زنده پیلان آراسته نباید شدن یک زمان زین میان<sup>۱۶</sup> ببینی کزین لشکر بی‌کران<sup>۱۷</sup> دو بهره بود زیر خاک اندرون بدو گفت گَلباد کای پاک تن<sup>۱۹</sup> تن<sup>۲۱</sup> خویش یکباره<sup>۲۲</sup> ننگی<sup>۲۳</sup> مکن ز ناآمده کار دل را به غم</p>	<p>۱۸۱۵ ۱۸۲۰ ۱۸۲۵</p>
--	--	-------------------------------

۱- ق: برآمد تیره ز ۲- ق: لشکر؛ س: ترکان چینی ۳- ل: که با تیغ بودند گر با سنان؛ س: ل: (نیزق، ل، ب): که یا (تا، با) تیره (تیره) باشند اگر شادمان؛ (لن، پ، لن): اگر غمگنان اند اگر شادمان؛ و: که بی او نبودند دل شادمان؛ متن = ف، س: (نیزلی، آ): ق: این بیت را ندارد ۴- ف، س: س: (نیزلن، و، لن، ب): پکارتان (؟)؛ ل: گفتارشان؛ ل: گفتارها؛ متن = ق (نیزق، ل، ب، آ) ۵- د: س: جایگاه ۶- ل: کینه ۷- ل، س: ق: س: (نیزلی، آ): از این کار؛ س: بدان کار؛ س: (نیزلی، آ): از این کار؛ (لن: بگفتا که: لن: ز گفتار): متن = ف، ل: ۱۱- ل، ق: (نیزق، ل، ب، و، ب): از آن کار؛ س: بدان کار؛ س: (نیزلی، آ): از این کار؛ (لن: بگفتا که: لن: ز گفتار): متن = ف، ل: ۱۱- س: کلباد و ۱۲- س: آنک ۱۳- ف، س: (نیزلی، و): شبیده‌ام (حرف یکم نقطه ندارد): ل: (نیزق، آ، ب): نشیده‌ام؛ متن = س: (نیزلی، ب، لن): ل، ق: (نیزل) این بیت را ندارند ۱۴- ق: (کردوی): متن = ف، ل، ل، س: ل، س: ق: (نیزلن، ل، ب) این بیت را ندارند ۱۵- ل، س، ق، ل: (نیزلن، ب) این بیت را ندارند؛ متن = ف، س: ۱۶- س: بیاید شدن زین میان بی‌گمان؛ ل: بیاید شدن بی‌گمان زین میان؛ متن = ف، ل، ق، س: ل: پس از این بیت افزوده است:

ببینی کزین لشکر بی‌شمار

نباشد کسی نَزَد او بی‌ایدار

۱۷- ف: بی‌شمار؛ متن = ل- س: (نیزلن- ب) ۱۸- ف: جهان گیر و زیبای هر کارزار؛ متن = ل- س: (نیزلن- ب) ۱۹- ل، ق: (نیزلن، ل، ل، ب، لن، آ): پیل تن؛ س: (نیزو، ب): رای زن؛ ل: نیک تن؛ ق: تیغ زن؛ متن = ف، س: ۲۰- ق، ل: چنین فال بد تا توانی مزین؛ متن = ف، ل، س: س: ۲۱- ق: دل ۲۲- ف: یک روز؛ (ل، و، آ: خود بیک مرد): متن = ل- س: (نیزلن، ق، ل، ب، لن، ب) ۲۳- ل، ق: (نیزلن، ل، ب، لن): غمگین؛ (ب: تنگی - نگی): متن = ف، س، ل، س: (نیزق، ل، و، آ) ۲۴- س: ز آسمان ۲۵- ل این بیت را ندارد؛ س، ق، س: در اینجا سرنویس دارند: سخن گفتن رستم با ایرانیان (س: و رفتن بچنگ: ق: و جواب گودرز)

۱۸۳۰ وُزین<sup>۱</sup> روی رسته یلان را بخواند  
 چو طوس و چو گودرز و رهام و گیو  
 چو گرگین کارآزموده سوار  
 تهنن چنین گفت با بخردان  
 کسی راه<sup>۵</sup> که یزدان کند نیک بخت  
 جهان گیر و پیروز باشد به جنگ،  
 ۱۸۳۵ ز یزدان بود زور<sup>۸</sup> و ما خود که بیم<sup>۹</sup>  
 نباید کشیدن کمان بدی<sup>۱۲</sup>  
 که گیتی نماند همی بر کسی  
 هنر<sup>۱۴</sup> مردمی باشد و راستی  
 چو پیران بیامد بر من دمان<sup>۱۸</sup>  
 ۱۸۴۰ که از نیکوی<sup>۲۰</sup> با سیاوش چه کرد  
 فریگیس<sup>۲۱</sup> و کیخسرو از<sup>۲۲</sup> آژدها  
 ابا آنک<sup>۲۵</sup> نزد<sup>۲۶</sup> دلم شد درست  
 برادرش و<sup>۲۸</sup> فرزند بر پیش<sup>۲۹</sup> اوی<sup>۳۰</sup>  
 ابر دست کیخسرو افراسیاب  
 ۱۸۴۵ چنان دان که یک تن نماند<sup>۳۳</sup> بجای  
 ولیکن<sup>۳۵</sup> نخواهم که بر دست من

سَخُن های بایسته<sup>۲</sup> چندی براند  
 فریبرز و گسهم و خَراد<sup>۳</sup> نیو  
 چو بیژن فروزنده ی کارزار  
 هُشیوار و بیداردل موبدان<sup>۴</sup>؛  
 سزاوار<sup>۵</sup> باشد وُرا تاج و تخت،  
 نباید که یازد به بیداد چنگ<sup>۷</sup>  
 برین<sup>۱۰</sup> تیره خاک اندرون بر چه بیم<sup>۱۱</sup>  
 ره ایزدی باید و بخردی<sup>۱۳</sup>  
 نباید بدو<sup>۱۴</sup> شاد بودن<sup>۱۵</sup> بسی  
 ز کتری بود کمی و<sup>۱۷</sup> کاستی  
 سَخُن گفت با دای<sup>۱۹</sup> دل یک زدان،  
 چه آمد به رویش ز تیمار و درد،  
 به گفتار او<sup>۲۳</sup> بُد که آمد<sup>۲۴</sup> رها،  
 که پیران به کین<sup>۲۷</sup> گشته آید نخست،  
 بسی با گهر نامور خویش<sup>۳۱</sup> اوی<sup>۳۰</sup>،  
 شود گشته، این دیده ام من<sup>۳۲</sup> به خواب،  
 مگر گشته افکنده<sup>۳۴</sup> در زیر پای،  
 شود گشته این پیر با<sup>۳۶</sup> انجمن

۱-ق:وزان ۲-ق:شایسته ۳-ف:خرداد؛(ق:گردان):متن=ل-س<sup>۱</sup>(نیز:ل،لی-ب) ۴-ف:مهربان؛(و:سروران):  
 متن=ل-س<sup>۲</sup>(نیز:هشت دستویس دیگر) ۵-س،ق،س:که آنرا:متن=ف،ل،ل ۶-س:سرافراز ۷-ف:یازدی و روی  
 جنگ(!):ل:یازد سوی جنگ جنگ:ل،ق(نیز:ل):نبايد که بسند ز خود زور(ل:روز)جنگ:(ل،ل):نترسد ز پیل و بنگ و پلنگ:  
 ق:باید کشیدن به نیروی جنگ:لی:آ:نسنند همان روز تاریک و تنگ:ب،و:نبايد کشدن به نیروی جنگ):متن=س،س<sup>۱</sup>(نیز:  
 ب) ۸-س:روز ۹-ف،س،س:که ای:ل،ق،ل:کیب ۱۰-ل،ل،س،ق،ل:بدین:متن=ف،س<sup>۱</sup> ۱۱-ف،س،س:  
 چه ای:ل،ق،ل:چیم ۱۲-ل،ق(نیز:ق،لی،ل،ب،و،آ):نبايد(ل:ببايد:ق،ق،ل:ببايد)کشیدن کمان(گمان)از بدی:متن=  
 ف،س،ل،س<sup>۱</sup>(نیز:ل،ل،ب) ۱۳-س:بخردی باید و ایزدی ۱۴-ف،س<sup>۱</sup>(نیز:ل،ب،ل،ل):همی:متن=ل،س،ق،ل(نیز:  
 ق،ل،ل،ل،و،آ،ب) ۱۵-ق:بودن این ۱۶-ل:بدو:ق:همه:متن=ف،س،ل،س<sup>۱</sup> ۱۷-ل:بود مرد را ۱۸-ف:بر  
 مردمان(!):متن=ل-س<sup>۱</sup>(نیز:ل-ب) ۱۹-ل،ق:درد:متن=ف،س،ل،س<sup>۱</sup> ۲۰-ل،ل،س<sup>۱</sup>:نیکویی ۲۱-ف،ل،س،س:  
 (نیز:ق،ل،ل،ل،آ):فرنگیس(حرف سوه نقطه ندارد):ق،ل(نیز:ل،لی،ب،و،ب):فرنگیس:متن تصحیح قاسمی است ۲۲-ل:  
 فرنگیس را از دم ۲۳-س:وی:متن= ۲۴-ل:بگفتار و کردار او شد:ق:بفرمان و گفتار او شد:متن=ف،ل،س<sup>۱</sup> ۲۵-ل:  
 آنکه ۲۶-ل-س<sup>۱</sup>(نیز:ل،ل،ب،و،ل،ل،ب):اندر:(ق:این بر):متن=ف ۲۷-ق:پیران یل ۲۸-ل:او ۲۹-ل،  
 س،ق:در پیش:ل:برادرش را نیز و فرزند:متن=ف،س<sup>۱</sup> ۳۰-ل،س،س:او:متن=ف،ق،ل ۳۱-س،ق:نامور با گهر  
 خویش:ل:نامور خویش و پیوند:متن=ف،ل،س<sup>۱</sup> ۳۲-ق:من دیده ام این ۳۳-ل(نیز:ق،لی،ب،آ):گنهاریک تن نماند:س  
 (نیز:ب):ز ترک آن نماند یکی تن:متن=ف،ق،ل،س<sup>۱</sup>(نیز:ل،و،ل،ل) ۳۴-ل:گشته و خسته:متن=ف،س،ق،ل،س<sup>۱</sup> ۳۵-ل:  
 ل-ب) ۳۵-ل:ولیکن ۳۶-ل(نیز:ب):دیده:متن=ف،س،ق،ل،س<sup>۱</sup>(نیز:ل،ق،و،ل،ب)

که این را<sup>۱</sup> جز از<sup>۲</sup> راستی پیشه<sup>۳</sup> نیست  
گر<sup>۴</sup> ایدونک بازآید<sup>۵</sup> این را که گفت  
گنہکار<sup>۶</sup> با خواسته هرچه<sup>۷</sup> بود  
از آن<sup>۱۲</sup> پس مرا جای پیگار نیست  
۱۸۵۰  
ورین<sup>۱۳</sup> نامداران که بر پشت<sup>۱۴</sup> پیل  
فرستند<sup>۱۵</sup> نزدیک ما تاج<sup>۱۷</sup> و گنج  
پذیرند یک یک به<sup>۱۹</sup> ما باژ و ساو  
نداریم کس را به گشتن نگاه<sup>۲۱</sup>  
۱۸۵۵  
جهان پُر ز گنجست و پُر تاج و تخت<sup>۲۳</sup>

چو بشنید گودرز بر پای خاست  
ستون سپاهی و زیبای گاه  
سر مایه‌ی تست روشن خرد  
ز جنگ آشتی بی گمان بهترست  
۱۸۶۰  
بگویم یکی پیش تو<sup>۲۹</sup> داستان  
که از راستی جان بدگوه‌هران  
وَر<sup>۳۲</sup> ایدونک بیچاره پیمان کند

ز بد در دلش هیچ<sup>۴</sup> اندیشه<sup>۵</sup> نیست  
گناه گذشته بیاید<sup>۸</sup> نهنفت  
سپارد به ما، کین نباید<sup>۱۱</sup> فرود  
به از راستی در جهان کار نیست  
سپاهی چُنین همچو<sup>۱۵</sup> دریای نیل،  
ازیشان نباشیم از آن پس<sup>۱۸</sup> به رنج  
ندارند با ما به پیگار تاو<sup>۲۰</sup>  
که نیکی دهش را جز نیست راه<sup>۲۲</sup>  
نیاید همه بهر یک نیک بخت<sup>۲۴</sup>

بدو گفت کای مهر داد و<sup>۲۵</sup> راست  
فروزان به تو تخت و تاج و کلاه<sup>۲۶</sup>  
روانت همی از خرد برخوردار<sup>۲۷</sup>  
نگه کن که گاو ت به چره<sup>۲۸</sup> اندرست  
کنون بشنو از گفته‌ی باستان  
گریزد چو گردن<sup>۳۰</sup> ز سنگ<sup>۳۱</sup> گران  
بکوشد که آن راستی نشکند<sup>۳۳</sup>

۱- ل. ق. ل. (نیز ق. ل. ل. آ.)؛ او را؛ س (نیز ب)؛ پیران؛ متن = ف. س. (نیز ل. ب. و. ل. ن.) ۲- ل. بجز ۳- س.؛ چاره ۴- ل. ق.؛ راه؛ س.؛ به از راستی هیچ؛ متن = ف. ل. س. ۵- س.؛ پیژاره ۶- س.؛ دور ۷- ل. س. ق. (نیز ل. آ. ب.)؛ بازآرد (؟)؛ (ب)؛ یاد آرد؛ متن = ف. ل. س. (نیز ل. ب. و. ل. ن.)؛ بازآید (؟) ۸- ل.؛ نیاید ۹- ل.؛ گنہکار و ۱۰- ل. س.؛ هرچ ۱۱- ق.؛ نخواهد ۱۲- ل.؛ از این ۱۳- ف. ق. س. (نیز ل. و. آ.)؛ وزین؛ س.؛ دوزان؛ (ق.؛ کزین؛ ب.؛ از آن)؛ متن = ل. (نیز ب) ۱۴- ل. س. (نیز ب. و.)؛ که با تخت و؛ ق. (نیز ق. ل. آ. ب.)؛ با تخت و؛ (ل.؛ آ.؛ با تخت و)؛ متن = ف. س. ۱۵- ل. س. ق. (نیز ق. ل. ل. ب. و. آ. ب.)؛ بدینسان (ق.؛ و.؛ برینسان)؛ چو؛ متن = ف. س.؛ ل.؛ این بست را ندارد ۱۶- ل.؛ فرستاد ۱۷- ق.؛ باژ ۱۸- ل.؛ زین پس؛ س.؛ چندین؛ ق.؛ از آن پس؛ متن = ف. ل. س. ۱۹- س.؛ ق.؛ ز؛ متن = ف. ل. س. ۲۰- س.؛ چو در جنگ با ما ندارند تاو؛ ل.؛ این بست را ندارد؛ س.؛ پس از این بست افزوده است؛

وزین نامداران با آب و جاه که ب تاج و گنج اند و با تخت و گاه

۲۱- ف.؛ راه (پس او ندارد) ۲۲- ل. س. ق. (نیز ق. و. آ. ب.)؛ گیتی بکشتن نگه؛ متن = ل. س. (نیز ل. ل. ن.) ۲۳- س. ل.؛ که نیکی دهش مان خرد داد و راه؛ ق.؛ که نیکی دهش چنست راه (!)؛ متن = ف. ل. س. ۲۴- ل. ق.؛ نیاید...؛ س.؛ نیاید...؛ س. (نیز ل. ل. ب.)؛ نیاید (ل.؛ نیاید) همه بهره یک ز بخت؛ ل. (نیز ل. آ. ب. و.)؛ نیاید (ل. آ. ب.)؛ نیاید؛ و؛ (ل.؛ آ.؛ با تخت و)؛ متن = ف. ل. س. ۲۵- ل.؛ زاده؛ ق.؛ داده؛ متن = ف. س. ل. س. ۲۶- ل.؛ سپاه؛ ل.؛ شاه و تخت و کلاه؛ س.؛ ق.؛ تاج و تخت و کلاه؛ س.؛ تخت و شادان کلاه؛ متن = ف. ل. س.؛ فرورد ۲۷- ل.؛ س.؛ فرورد ۲۸- ق.؛ گاو ش جنگ ۲۹- س.؛ ق.؛ به پشت یکی ۳۰- ل. س. ق. ل. (نیز ل. ل. ب. و. آ. ب.)؛ گردون؛ متن = ف. س. (نیز آ. ب.)؛ ل. ق. (نیز ل. ل. آ.)؛ س.؛ ل.؛ س.؛ متن = ف. س. ل. س. (نیز ل. ب. و. آ. ب.)؛ (ق.؛ گردون و سنگ؛ ل.؛ ز گردون حوسنگ) ۳۲- ل. ق.؛ گر ۳۳- ل. س.؛ بشکند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق.؛ بشکند؛ متن = ف. ل. س.

تومشنو سَخُن زو و<sup>۱</sup> کتری بین<sup>۲</sup>  
 سَخُن رفت زین کار و<sup>۳</sup> پرداختیم  
 که بزارم از جنگ و ز دشت کین<sup>۴</sup>  
 نخواهم بروبوم و خرگاه را  
 کزین پس نباشد مرا جنگ جفت  
 به خویشان بگوم که ما را<sup>۵</sup> چه رفت  
 بریشان بنام<sup>۶</sup> سزاوار جای<sup>۷</sup>  
 به توران<sup>۸</sup> ترا تخت و گنج و<sup>۹</sup> نواست  
 ز تو آشکارا نگرود گناه  
 شب تیره با دیو<sup>۱۰</sup> انباز<sup>۱۱</sup> گشت  
 که لشکر بیارای کامد سپاه  
 نه سر بود از آن<sup>۱۲</sup> کار پیدا<sup>۱۳</sup> نه بُن  
 جهانی سراسر سپه گسترید<sup>۱۴</sup>  
 یکی دیگر افگند بازی<sup>۱۵</sup> به راه  
 ز دانش سَخُن برفشاند<sup>۱۶</sup> همی  
 روا بُد که ترسیده از دیده شد  
 سپهد چو مَشور<sup>۱۷</sup> و فرطوس بود

چو کز آفریدش جهان آفرین  
 نخستین که ما رزمگه ساختیم  
 ۱۸۶۵ ز پیران فرستاده آمد برین  
 میان بستهام بندگی شاه را  
 بسی پند و اندرز بشنید و گفت  
 شوم - گفت - بیسیچم این کار تفت<sup>۱۸</sup>  
 مرا تخت و گنج است<sup>۱۹</sup> و هم چارپای  
 ۱۸۷۰ بگفتم: ایدر بیایی رواست<sup>۲۰</sup>  
 یکی گوشه‌یی گیر تا نزد شاه  
 بگفتم و پیران بدین<sup>۲۱</sup> بازگشت  
 هیونی فرستاد نزدیک شاه  
 تو گفتی که با او نرفت<sup>۲۲</sup> این سَخُن  
 ۱۸۷۵ دهم روز لشکر به هامون کشید  
 کنون با تو ای پهلوان سپاه  
 جز از رنگ و<sup>۲۳</sup> چاره ندانده‌می  
 کنون از کمند تو ترسیده شد  
 همه پشت ایشان به کاموس بود

۱- ل: [و] ۲- ف. ل. س. ل. س. (نیز لن. ق. و. لن. ب): مین (!): ق (نیز ل. ل. آ): همیشه دل از درد دارد بکین: متن = (ب): ق  
 پس از این بیت افزوده است:

چو کهر بییاورد از آن سر شپاه

جهان گشت بر چشم او بر سیاه

۳- س. ل: زین کاره: ق: و آن کاره: س: وزین کاره: متن = ف. ل: ق: پس از این بیت دو بیت و ل پس از بیت سپین تنها بیت دوم را  
 افزوده اند:

بیامی فرستاده نزدیک من  
 که من دیده دارم همیشه پر آب  
 که از گفتنش خیره گشت انجمن  
 ز گفتار و کردار افراساب

۴- ل: از دشت و زرنج و کین: متن = ف. س. ق. ل. س: ۵- ق: بیچم همه کارها گفت و تفت ۶- ق: بر ما ۷- ق: گنج و  
 تخت است ۸- ل. س. ق. ل: بدیشان بنام: متن = ف. س: ۹- ق: بزارم ز جای ۱۰- ل: چو گفت این بگفتم کاری رواست:  
 س. ق. ل: س (نیز لن. ق. ب. لن. ب): بگفتم (ب: بگفتم) از (ل: ب: ل. ب: ل): ایدر نیایی (ق: بخواهی: س. ق. ل. ب: بیایی: ب:  
 نباشی) رواست: (و: بدو گفتم ایدر نباشی رواست): متن = ف (واژه سوم تنها دو نقطه در زیر دارد: بیای) ۱۱- س: ایران ۱۲- ل:  
 [و]: س: ق: گنج و تخت و: متن = ف. ل. س: ۱۳- ل. س. ق: برین: متن = ف. ل. س: ۱۴- س. ق: باد: متن = ف. ل. ل. ل:  
 س: ۱۵- س: همباز ۱۶- ل: با ما نگفت: س: یا وی نرفت: متن = ف. ل. ل. س: ۱۷- ل: از این: متن ← ۱۸- ل. ل.  
 س: هرگز: ق: بود پدا از آن و: متن = ف. س: ۱۹- س: برگزید ۲۰- س. ق: یکی بازی افگند دیگر: متن = ف. ل. ل. ل. س: در ق  
 بیت ۱۸۷۶ با ۱۸۷۸ پس و پیش شده است ۲۱- ل: [و]: ق: جنگ ۲۲- ق: بر بر آید (!): ل: این بیت را ندارد ۲۳- ل- س:  
 (نیز لن. ق. ل. ب- ب): سکساره: متن = ف (نیز ل)



۱۸۸۰	سر بخت کاموس برگشته دید در آشتی کوبد اکنون همی چو داند که تنگ اندرآمد نشیب <sup>۲</sup> گنهار با گنج و با خواسته <sup>۴</sup> تو بینی <sup>۶</sup> که چون بردمد زخم کوس سپهدار پیران بود پیشرو دروغست یکسر <sup>۹</sup> همه گفت اوی <sup>۱۰</sup> اگر بشنوی سربسر پند <sup>۱۲</sup> من سپه <sup>۱۳</sup> را بدان چاره اندرخواست <sup>۱۴</sup> که تا زنده‌ام خون سرشک من ست	به ختم کمند اندرون <sup>۱</sup> گشته دید نیارد نشستن به هامون همی به کار آورد بند و رنگ <sup>۳</sup> و فریب که گفته‌ست <sup>۵</sup> پیش آرم آراسته، به جنگ اندرآید فریبرز و طوس <sup>۷</sup> ، که جنگ <sup>۸</sup> آورد هر زمان نو به نو نشاید جز از <sup>۱۱</sup> آهرمن جفت اوی <sup>۱۰</sup> نگه کن به بهرام فرزند من ز گودرزبان گورستانی <sup>۱۵</sup> بساخت یکی تیغ هندی بزشک من ست
۱۸۹۰	چو بشنید رستم به گودرز گفت چنین‌ست <sup>۱۶</sup> پیران و این راز نیست ولیکن من از <sup>۲۰</sup> خوب گفتار <sup>۲۱</sup> اوی <sup>۲۲</sup> نگه کن که با شاه ایران چه کرد گر از گفته‌ی خویش بازآید او <sup>۲۶</sup> به فتراک بر بسته دارم کمند ز نیکوگمان اندرآیم نخست چنو <sup>۳۰</sup> بازگردد ز پیگار <sup>۳۱</sup> خویش برو <sup>۳۳</sup> آفرین کرد گودرز و طوس	که گفتار تو با خرد باد جفت! که آن <sup>۱۷</sup> پیر <sup>۱۸</sup> با ما <sup>۱۹</sup> هم‌آواز نیست نجوم <sup>۲۳</sup> همی نیز <sup>۲۴</sup> پیگار <sup>۲۵</sup> اوی <sup>۲۲</sup> ز کار سیاوش چه تیمار خورد چنین نزد <sup>۲۷</sup> ما رزمساز آید او <sup>۲۸</sup> ، کجا زنده‌پیل اندرآرم به بند نباید مگر جنگ <sup>۲۹</sup> و پیگار جُست نبیند <sup>۳۲</sup> ز ما درد و تیمار خویش که خورشید بر تو ندارد فسوس

۱- ل، ق: اندرش؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۲- ل، ق (نیز ل، آ، ب): نهیب؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز هفت دست‌نویس دیگر) ۳- س، ق: رنگ و بند ۴- ق: ز ترکان و آن خواسته ۵- س: که گفتا ۶- ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، آ، و، آ، ب): بینی؛ (لن، لن: تودانی)؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> (نیز ب) ۷- ل، ق (نیز ل، ل، ب، و، آ): سپهدار طوس؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، لن، آ، ب) ۸- ق: رزم ۹- س: گفتن ۱۰- ف- ل: او؛ متن = س<sup>۱</sup> ۱۱- ف: بجز؛ ل: جز؛ متن = ل، س، ق ۱۲- ق: پند و اندرز ۱۳- ق: که او ۱۴- س: اندر بساخت ۱۵- ق: گورستانی ۱۶- س: چنین گفت (!) ۱۷- س، ق، ل: این؛ س<sup>۱</sup>: او؛ متن = ف، ل ۱۸- ف، س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، ل، لن، آ): نیز (پیر)؛ ل، س، ق: نیز (تنها دو نقطه در زیر دارد)؛ متن = ل (نیز ب، و، ب) ۱۹- س: من ۲۰- س: مرا ۲۱- ل، ق: کردار؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۲۲- ف، ل، س، ق، س<sup>۱</sup>: او؛ متن = ل<sup>۱</sup> ۲۳- ق: نخواه ۲۴- ل (نیز ب، و): کین و؛ ق: جنگ و؛ ل: ژرف؛ س<sup>۱</sup> (نیز ب): نیز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ق: نیز؛ ل: خوب؛ آ: زود)؛ متن = ف، س (نیز لن، لن): نیز (بازار) ۲۵- ق: بازار) ۲۶- ق: بازآمدی ۲۷- ل: بنزدیک ۲۸- ق: بدیشان نبردم فراز آمدی ۲۹- ق: کین ۳۰- ف، س، س<sup>۱</sup>: چو او؛ متن = ل، ق، ل ۳۱- ل، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز ق، و، آ): گفتار؛ (ب: پیمان؛ پیگار)؛ متن = ف، س (نیز لن، لن) ۳۲- ف، ق: ببیند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: ببند (!)؛ ل، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز ق، و، آ، ب): ببیند؛ متن = (لن، لن): بنداری؛ فان عدل هو عن مقاله آریناه جزاء فعاله ۳۳- ق: بدو



فریبرز بر میسره جای جُست  
 به قلب اندرون طوسِ نوذر به پای  
 تهمتن بیامد به پیش سپاه  
 و زان روی خاقان به قلب اندرون  
 ۱۹۲۰ ابر میمنه کُنْدَر شیرگیر<sup>۴</sup>  
 سوی میسره جنگ دیده<sup>۶</sup> گهار  
 همی گشت پیران به پیش<sup>۸</sup> سپاه  
 بدو گفت کای نامبردار هند  
 مرا گفته بودی که فردا پگاه  
 ۱۹۲۵ و زانپس<sup>۱۳</sup> جویم ز رستم<sup>۱۴</sup> نبرد  
 بدو گفت شنگل: من از گفت خویش  
 هم اکنون شوم پیش این<sup>۱۶</sup> گردگیر  
 ازو کین کاموس جویم به جنگ<sup>۱۸</sup>

همانگه سپه را به سه بهر<sup>۲۲</sup> کرد  
 ۱۹۳۰ برفتند یک بهره با زنده پیل<sup>۲۴</sup>  
 سر پیل پُر نقش و رنگ و نگار<sup>۲۵</sup>  
 بیاراسته گردن از<sup>۲۶</sup> طوقِ زر

دل نامداران ز کینه بشت<sup>۲</sup>  
 نماند آن زمان بر زمین نیز جای  
 که دارد یلان را ز دشمن نگاه  
 ز یلان زمین<sup>۳</sup> چون گه بیستون  
 سواری دلاور به شمشیر و تیر<sup>۵</sup>  
 زمین خفته در زیر نعلِ سوار<sup>۷</sup>  
 بیامد بر شنگل رزمخواه<sup>۹</sup>  
 ز توران به<sup>۱۱</sup> فرمان ترا<sup>۱۱</sup> تا به سِند،  
 ز هر سو به جنگ اندرآرم<sup>۱۲</sup> سپاه  
 سرش را ز ابر اندرآرم به گرد<sup>۱۵</sup>  
 نگردم، نبینی ز من کم و بیش  
 تنش را کنم من مُغلبتر به تیر<sup>۱۷</sup>  
 به<sup>۱۹</sup> ایرانیان بر کم کار<sup>۲۰</sup> تنگ<sup>۲۱</sup>

بزد کوس و از<sup>۲۳</sup> دشت برخاست گرد  
 سپه بود صف برکشیده دو میل  
 همه پاک با افسر و گوشوار  
 میان بند کرده به زرین کمر

۱-س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز، لن، ق، و، ب): به؛ متن = ف، ل (نیز، ل، پ، لن، آ) ۲-ل: زمین را بخون دلیران بشت ۳-ل: از  
 زمی ۴-ل: شیرمرد ۵-ل: بگناه نبرد ۶-س: رزم دیده ۷-ل: استوار؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز  
 لن-ب) ۸-ق: بقلب ۹-س، ل: ناخواه؛ س<sup>۱</sup>: نیکخواه؛ متن = ف، ل، ق ۱۰-ل، ق (نیز، ل، آ): ز بربر به؛ س، س<sup>۱</sup>: ز  
 قنوج؛ (لن، لن: ز پروان به؛ ب: ز پروان به)؛ متن = ف، ل<sup>۱</sup> (نیز، و) ۱۱-ل، ق، ل: تو؛ متن = ف، س، س<sup>۱</sup>: ل (نیز) پس از این  
 بیت افزوده اند:

به ایران و توران ترا نیست (پ: نداری تو) یار زمانه نبیند چو تو یک سوار

۱۲-ق: اندرآور؛ ف: ز جنگ اندرآرم بهر سو (!)؛ س، ل: چو هر سو بچنگ اندرآید؛ متن = ل، س<sup>۱</sup> (نیز، ق، آ، پ) ۱۳-ل: از  
 آپس ۱۴-ل: ز رستم بجویم؛ ق: ز رستم بجویی؛ متن = ف، ل، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۱۵-س: سر همنبرد اندرآرم بگرد؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup>؛  
 درف بیت های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ دوبار آمده اند و یکبار در لت دوم بیت ۱۹۲۵ دارد: به ابر اندرآرم ز گرد (!) ۱۶-س، س<sup>۱</sup>: آن؛ ق: شوم من  
 کون پیش؛ ل: شوم هم کنون پیش آن؛ متن = ف، ل ۱۷-ل: کم پاره پاره تیر؛ س: مغلبتر کم من تیر؛ ق: کم رخنه برسان شیر؛ ل، آ، س<sup>۱</sup>  
 (نیز، لن، ل، پ، ب): کم من مغربل تیر؛ (ق: کم خسته از زخم تیر؛ ل، آ: کم من بغربال تیر؛ و: بدوزم به پیکان تیر)؛ متن = ف (نیز لن)؛  
 بنداری: فأغربل جسده بنوافذ السهام ۱۸-ف: نخست؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب) ۱۹-س، ق، ل: بر؛ متن = ف، ل،  
 س<sup>۱</sup> ۲۰-س، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، و، لن، ب): جای؛ متن = ف، ل، ق، س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، ل، آ) ۲۱-ف: سست؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز  
 لن-ب): بنداری: فأنقمه لکاموس منه، وأفجع الإیرانيين به ۲۲-س، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup>: بهره؛ متن = ف، ل ۲۳-ف، ل، ق: وز؛ متن = س،  
 ل، آ، س<sup>۱</sup> ۲۴-ف، س: زند پیل؛ متن = ل، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> ۲۵-ف، ق، س<sup>۱</sup> (نیز ل): بر نقش کرد و (ق، ل: کرده) نگار؛ (لن، لن: پر  
 رنگ (لن: زنگ) و نقش و نگار)؛ ل (نیز ق، آ، پ، و): سر پیلان پر (ق، و: پیلانان) ز (ق: به) رنگ و نگار؛ متن = س، ل<sup>۱</sup> (نیز  
 ب) ۲۶-ف: بیاراست بر گردنش؛ س<sup>۱</sup>: بیاراسته گردنش؛ متن = ل، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، ب-ب)

نهاده برو تخت و مهد زرین <sup>۱</sup>	فروشته از پیل دیبای چین
برفتند پیلان جنگی ز جای <sup>۳</sup>	برآمد دم و ناله‌ی گره‌نای <sup>۲</sup>
سواران گردنکش <sup>۶</sup> نیزه‌دار <sup>۷</sup>	بیامد سوی میمنه <sup>۴</sup> سی هزار <sup>۵</sup>
کمان برگرفتند <sup>۱۰</sup> و چینی سپر	سوی میسره <sup>۸</sup> سی هزار <sup>۹</sup> دگر
همی برنوشتند روی زمین <sup>۱۲</sup>	به قلب اندرون پیل و <sup>۱۱</sup> خاقان چین
یکی تیغ هندی گرفته به کف	همی رفت <sup>۱۳</sup> شنگل میان دو صف
بسی مردم از دُنبَر <sup>۱۴</sup> و مرغ و مای <sup>۱۵</sup>	یکی چتر هندی به سربر به پای
ابا او به جنگ اندرآورده روی <sup>۱۷</sup>	پس پشت و دست چپ و راست اوی <sup>۱۶</sup>
ز رزم تهمتن تن <sup>۲۰</sup> آزاد کرد <sup>۱۹</sup>	چوپیران چنان <sup>۱۸</sup> دید دل شاد کرد <sup>۱۹</sup>
به کام دل ما بود <sup>۲۱</sup> روزگار <sup>۲۲</sup>	به هومان چنین گفت کامروز کار
سرافراز هر یک بکردار شیر	بدین ساز و چندین <sup>۲۳</sup> سوار دلیر
یک امروز و فردا مکن رزم رای <sup>۲۴</sup>	تو امروز پیش صف اندر <sup>۲۴</sup> مپای <sup>۲۵</sup>
که داند ترا، با <sup>۲۸</sup> سواری دویست	پس پشت خاقان چینی بایست <sup>۲۷</sup>
بیند ترا، کار گردد تباه	اگر زاوی <sup>۲۹</sup> با درفش سیاه
چه بازی کند بخت بیدار ما <sup>۳۰</sup>	بینیم تا چون بود کار ما <sup>۳۰</sup>

۱- ف: برین؛ ل، س، ل: مهدی زرین؛ س: مهدی بزین؛ (پ، ب: بهری بزین؛ و: شاه زمین)؛ ق: همی برنوشتند روی زمین (= ۱۹۳۷ ب)؛  
 (ل: نهاد از برپیل تخت زرین)؛ متن = (لن، ل، لن، آ) ۲- ف، ل، س: کرتای؛ متن = ل، س: ۳- ل: سپه چون سپهر اندرآمد ز  
 جای؛ ق این بیت را ندارد ۴- ف، ل، ل: (نیزپ، و، ب): میسره؛ متن = س، ق، س: (نیزلن، ق، ل، ل، ل، آ) ۵- ف، س: (نیز  
 ق): صد هزار؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: فجعل فی المیمنة ثلاثین ألفا ۶- ل: گردنکش و ۷- ل: نامدار  
 ۸- ف، ل: (نیزپ، ب): میمنه؛ متن = س، ل، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۹- ف، س: (نیز ق): صد هزار؛ متن = ل، س،  
 ل: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: و فی المیسرة ثلاثین ألفا ۱۰- س: کمان بر سر و دست؛ ق این بیت را ندارد ۱۱- س: [و]؛  
 ل: اندرون بود ۱۲- ق: نهاده ابرپیل تخت زرین (۱۹۳۳ ب)؛ ل: (نیزپ) پس از این بیت افزوده اند:

جهان سربر آهنین گشته بود	بهر جایگه بر تلی کشته بود
زبس ناله نای و بانگ درای	زمین و زمان اندرآمد ز جای
ز جوش سواران و ز داروگیر	هوادام کرکس بُد از پرتیر
کسی را نماند اندر آن دشت هوش	ز بانک تیره شده کتر گوش

۱۳- ل: (نیزپ): گشت؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: جعل ۱۴- (ل: دیول؛ ق: ابا اوبسی مردم)؛  
 متن ← ۱۵- ف، س: نگاریده بروی نگارهای؛ (و: بسی لشکر و مردم و چار پای)؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیزلن، ل، ل، پ، لن، آ،  
 ب) ۱۶- ل: او؛ ل، س: دست راست؛ ق: پس پشت او و چپ و دست راست؛ متن = ف، س ۱۷- ل: رو؛ س: راست (پساوند  
 ندارد)؛ ل: بجنگ اندرآورده زانو که خواست؛ ق: همی رفت با او از آنان که خواست؛ متن = ف، س: درس پس از این بیت، بیت ۱۹۴۳  
 آمده است ۱۸- ق: ورا؛ س: چین؛ متن = ف، ل، س، ل: ۱۹- س: ق: گشت؛ متن = ف، ل، ل، س: ۲۰- ل: (نیزق)،  
 (پ: دل؛ س: ق: (نیزل، ل، و، آ، ب): سر؛ متن = ف، س: (نیزلن، لن) ۲۱- ل: کند ۲۲- س، ق: کارزار؛ متن = ف، ل، ل:،  
 س: ۲۳- ل: چندان؛ درس این بیت پس از بیت ۱۹۴۰ آمده است ۲۴- ق: در پیش صف در ۲۵- ف: (نیزق، ل، پ، ب):  
 مای؛ س: (نیزلن، و): مای (حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیزل، لن، آ) ۲۶- ق: یاد (پساوند ندارد) ۲۷- س:؛  
 درایست ۲۸- ق: چون ۲۹- ل، س، ق، ل: (نیزلن-پ، لن، آ، ب): که گرزایی؛ متن = ف، س: (نیزو) ۳۰- ق: مان

گفتار اندر باز آمدن پیران و یسه بار دوم<sup>۱</sup>

<p>به جایی<sup>۱</sup> که بُد سایه‌ی پیلتن، که زور از تو گیرد سپهر بلند مبادا که آید به رویت نهیب پیامت بدادم به پیر و جوان ز<sup>۸</sup> گیتی ترا خود که یارد<sup>۹</sup> ستود سَخُن<sup>۱۲</sup> گفتم از هر یکی رنگ رنگ<sup>۱۳</sup> که از رای او کینه بیرون کنیم؟ ز ما<sup>۱۶</sup> هر چه<sup>۱۷</sup> او خواهد آراسته، براندیش و این رازها<sup>۱۸</sup> بازجوی! که دانی؟ سَخُن را مزن در شتاب<sup>۱۹</sup>! بزرگند و<sup>۲۲</sup> با تخت و با افسرند<sup>۲۳</sup> ز سَقلاب و خُتلان و<sup>۲۶</sup> توران زمین، که چندین سپاه آرد<sup>۲۹</sup> از خشک و آب؟ ازیرا<sup>۳۰</sup> سُوی پهلوان تافتم</p>	<p>و ز آنجایگه شد<sup>۲</sup> بدان<sup>۳</sup> انجمن فرود آمد و آفرین کرد چند مبادا که روز تو<sup>۴</sup> گیرد نشیب برفتم ز نزد تو ای پهلوان بگفتم هنرها همه<sup>۶</sup> هر چه<sup>۷</sup> بود هم از آشتی<sup>۱۰</sup> راندم<sup>۱۱</sup> هم ز جنگ به فرجام<sup>۱۴</sup> گفتند کین چون کنیم توان داد گنج و زر<sup>۱۵</sup> و خواسته نشاید گنهار دادن بدوی گنهار جز خویش افراسیاب ز ما هر که<sup>۲۰</sup> خواهی<sup>۲۱</sup> همه مهترند سپاهی بیامد<sup>۲۴</sup> ازینسان<sup>۲۵</sup> ز چین همی<sup>۲۷</sup> آشتی خواست<sup>۲۸</sup> افراسیاب به پاسخ نکوهش بسی یافتم</p>
---	--

۱- ف: گفتار اندر باز آمدن پیران و یسه بار دوم بمصافگاه نزدیک رستم و گزاردن پیغام ترکان بدو؛ ق: آمدن پیران دوم نوبت نزد رستم زال؛ متن = آغاز ف ۲- ل: وزانجا بیامد؛ س: در آن جایگه شد؛ متن = ف، ل، س، ق ۳- س: از آن ۴- ق: بدانجا ۵- ف، ل: (نیز لن): روز از تو (؟)؛ (ل، آ: زور تو؛ و، لن: زور از تو)؛ متن = ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، پ، ب): ل (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند:  
دل شاه ایران بتوشاد باد همه کار تو سر بر داد باد

۶- ل، ق (نیز لن، ق، ل، ل، ل، ل، آ): هنرهای تو؛ ل: سخنها بگفتم همه؛ متن = ف، س، س<sup>۱</sup> (نیز پ، و، ب) ۷- ل، س: هرچ ۸- ل، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز ل، آ): به؛ متن = ف، س، س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستویس دیگر) ۹- ق، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، آ، ب): داند؛ س: که داند ترا خود؛ متن = ف، ل، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، پ، و، لن<sup>۱</sup>) ۱۰- ف: راستی؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب) ۱۱- ق (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، پ، لن<sup>۱</sup>): رانده و؛ متن = ف، ل، س، ل<sup>۱</sup>، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، و، آ، ب) ۱۲- ق: بسی ۱۳- ل، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، ل، آ): هر دری بی درنگ؛ س، س<sup>۱</sup> (نیز پ، و، ب): هر دری رنگ رنگ؛ متن = ف (نیز لن، لن<sup>۱</sup>) ۱۴- ل: سرانجام ۱۵- ل، ق (نیز ب): دل؛ (و: تن)؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستویس دیگر) ۱۶- ق: من ۱۷- ل، س: هرچ ۱۸- ل: کار را ۱۹- ل: که چندین سپاه آرد از خشک و آب (= ۱۹۶۰ ب)؛ ل: ۱۹۵۷ ب- ۱۹۶۰ آ را انداخته و از ۱۹۵۷ آ و ۱۹۶۰ ب یک بیت ساخته است ۲۰- ل: هرک؛ س: هر چه ۲۱- ل، س، ق (نیز لن-ب): خواهد؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> ۲۲- س: بزرگان ۲۳- س: با زیورند؛ درس پس از این بیت، بیت ۱۹۶۰ پ آمده است ۲۴- س: برآمد؛ ق: بدینسان ۲۵- ل: بدینسان؛ س: برینسان؛ ق: نیامد ۲۶- ف: حنلان و؛ ل (نیز و): حنلان و (حرف دوم نقطه ندارد)؛ س (نیز ق<sup>۱</sup>): هند وز؛ ق: زممرز؛ (ل، آ: کیلان؛ ل: جیلان؛ لن: خندان)؛ متن = س<sup>۱</sup> (نیز لن، ب، پ) ۲۷- ل، ق (نیز ل، ل، آ): کجا؛ متن = ف، س، س<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، و، لن<sup>۱</sup>، ب) ۲۸- ل (نیز ل، ل، آ): خواهد؛ ق: جوید؛ متن = ف، س، س<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، و، لن<sup>۱</sup>) ۲۹- ل، ق (نیز ل<sup>۱</sup>): آمد؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، ب، و، لن<sup>۱</sup>، آ)؛ ف، س<sup>۱</sup> پس از این بیت و س پس از بیت ۱۹۵۸ افزوده اند:

چگونه سپاره و این کی توان ازین آرزو پیر گردد جوان

این بیت در هیچیک از دوازده دستویس دیگر نیست ۳۰- ل: بدینسان؛ س، س<sup>۱</sup>: عنان را؛ ل: وزانجا؛ (پ، ب): از ایوان-ازیرا)؛ متن = ف، ق (نیز لن، ق، ل، ل، آ)

ز ما پند چیزی نمائندی<sup>۱</sup>      ترا جز که<sup>۲</sup> سگزی نخوانندی<sup>۳</sup>  
 و زیشان<sup>۴</sup> سپاهی چو دریای آب      گرفتند بر جنگ<sup>۵</sup> جستن شتاب  
 نبرد تو خواهد همی شاه هند      به تیر و کمان و به هندی<sup>۶</sup> پزند  
 مرا این درستست کز پیلتن      به فرجام گریان شوند انجمن      ۱۹۶۵

چو بشنید رستم برآشت سخت      به پیران چنین گفت کای شوربخت،  
 چه دانی جز از<sup>۷</sup> بند و چندین فریب      کجا پای داری تو اندر<sup>۸</sup> نشیب<sup>۹</sup>  
 مرا از دروغ تو شاه جهان      بسی یاد کرد آشکار و نهان<sup>۱۰</sup>  
 بدیدم کنون دانش و رای تو      دروغست یکسر سراپای تو<sup>۱۱</sup>  
 بغلتی<sup>۱۲</sup> همی خیره در خون خویش      بدست این و زین بتر آیدت<sup>۱۳</sup> پیش  
 اگر دوزخستی بهستیت<sup>۱۴</sup> جای      ز بومی<sup>۱۵</sup> که داری همی زیر پای  
 مگر گفتم این خاک بیداد<sup>۱۶</sup> شوم      گذاری بیایی<sup>۱۷</sup> به آبادبوم  
 چنین زندگانی نیارد<sup>۱۸</sup> بها      که باشد<sup>۱۹</sup> سر اندر دم آژدها  
 بینی مگر<sup>۲۰</sup> شاه با داد و مهر      جوان و نوازنده و خوب چهر  
 ترا خوردن مار و<sup>۲۱</sup> چرم پلنگ      همی خوشتر آید ز دیبای رنگ<sup>۲۲</sup>      ۱۹۷۵  
 ندارد کسی با تو زین<sup>۲۳</sup> داوری      ز تخم پراکنده<sup>۲۴</sup> خود<sup>۲۵</sup> برخوردار

۱- ف (نیز و): ز ما نیز چیزی نمائندی (و: نمائند همی): س. ل (نیز ب): ز مانند چیزی نمائند (نمائند) همی؛ ق: ز من بند و عشو ندانند هیچ؛ س:<sup>۲</sup> ازین بند ما می نمائند همی؛ (ل: ز شکل سخن خود نراند همی؛ ق: پسند توره جو نمائندی؛ ل: ز ما پند چیزی نخواهد همی)؛ درس به خطی دیگر در کناره افزوده اند: مرا پیر و ترسند خوانند نیز: متن تصحیح قیاسی است      ۲- س. ل. س (نیز لن، و. لن. ب): که؛ متن = ف، ق (نیز ق. ل. آ)      ۳- ق: نخوانند هیچ؛ ل. س (نیز لن، ل. و): نخواند همی؛ متن = ف، س (نیز ق. ل. ب): س در کناره: ندانند نیز؛ ل (نیز ل. پ. آ) این بیت را ندارند      ۴- ل. آ: ازیشان      ۵- س: کینه؛ ف این بیت را ندارد؛ در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است      ۶- س: چنین؛ ق. ل: رومی؛ متن = ف، ل، س      ۷- س: تو این؛ ل. س (نیز لن، ل. آ): چنین؛ (ب: جز این)؛ ل. ق (نیز ل. آ): تو با این چنین؛ (ق: چه رانی چنین؛ و: چه داری چنین؛ ل: چودانی چنین)؛ متن = ف (نیز ب)      ۸- ل: بروز      ۹- ل. ق. ل. س (نیز لن، ق. ل. پ. ل. آ): نهیب؛ متن = ف، س (نیز ل، و)      ۱۰- ل (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند:

وزان پس کجا پیر گودرز گفت      همه پند و نبرنگت اندر نهفت

۱۱- ل بیت های ۱۹۶۹ - ۱۹۷۱ را ندارد      ۱۲- س. ق. س: بغلظی؛ متن = ف، ل      ۱۳- س: این و از بد بد آیدت؛ ق: این و این بد بینی تو؛ متن = ف، ل، س      ۱۴- ف: دوزخی را بهشتت؛ (لن، ل: دوزخستی بهشتت؛ ق. ل. ب: دوزخست ار (ب) از) بهشتت؛ ل، و. آ: دوزخ و گر بهشتت؛ ب: دوزخستی بهشتت)؛ متن = س      ۱۵- س (نیز ب): نختی؛ (ق: تخمی)؛ متن = ف (نیز هفت دستویس دیگر)؛ ل. ق. ل. س (این بیت را ندارند      ۱۶- س: بیداد و      ۱۷- ف: بیای و (!)؛ متن = ل- س (نیز لن- ب)      ۱۸- ق: ندارد      ۱۹- ق. ل: دارد؛ س: آرد؛ متن = ف، ل، س؛ درس این بیت پس از بیت ۱۹۷۵ آمده است      ۲۰- س: رخ؛ ل: که باشد ترا؛ متن = ف، ل، ق. س (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند:

بنارد ترا چون پدری گمان      برآرد سرت برتر از آسمان

۲۱- ل. ق (نیز ل): ترا پوشش از خود (ل: خوک) و؛ متن = ف، س. ل. س (نیز لن، ق. ل، و. لن. آ، ب)      ۲۲- س. س (نیز ق. ل، ل. لن. آ، ب): دیبا برنگ؛ (ب: دیبا و رنگ)؛ ل: بسی خوشتر از دیبه رنگ رنگ؛ متن = ف، ل. ق (نیز لن، ل. ب)      ۲۳- ل. ق (نیز ق. ل، ب. و): این؛ متن = ف، س. ل. س (نیز لن، ل، و. لن. آ، ب)      ۲۴- ل: پراکند      ۲۵- س: هم

بدو گفت پیران که ای نیک‌بخت  
سخن‌ها که داند جز از تو چُنین؟  
مرا جان و دل زیر فرمان تُست  
یک امشب زَمِ رای با خویشتن  
۱۹۸۰

و زانجا بیامد به قلب سپاه<sup>۶</sup>  
چو برگشت پیران، ز هر دو گروه  
چُنین گفت رستم به ایرانیان  
شما<sup>۱۲</sup> یک بیک سر<sup>۱۳</sup> پُر از کین کنید  
که امروز رزمی<sup>۱۵</sup> بزرگست پیش  
مرا گفته بود این ستاره‌شناس  
که رزمی بود<sup>۱۷</sup> در میان دو کوه  
شود<sup>۱۹</sup> انجمن کاردیده مهان  
پی کین نهان گردد از روی بوم  
هر آنکس که آید بر من<sup>۲۳</sup> به جنگ  
۱۹۸۵  
دو دستش بیندم به ختم کمند  
شما سربسر، یک بیک، همگروه<sup>۲۵</sup>  
مرا گر به رزم اندر آید زمان  
ترا<sup>۲۸</sup> نام باید که ماند دراز<sup>۲۹</sup>  
۱۹۹۰

برومند و<sup>۱</sup> شادان<sup>۲</sup> و زیبادرخت<sup>۳</sup>،  
که از مهتران بر تو باد آفرین!  
همیشه روانم گروگان تُست  
بگویم<sup>۵</sup> سخن نیز با انجمن

دلش<sup>۷</sup> پُر دروغ و سرش<sup>۸</sup> کینه‌خواه<sup>۹</sup>  
زمین شد بکردار جوشنده<sup>۱۰</sup> کوه  
که من جنگ را بسته دارم میان<sup>۱۱</sup>  
بروهای<sup>۱۴</sup> جنگی پُر از چین کنید  
پدید آید اندازه‌ی گرگ و میش  
- ازین روز<sup>۱۶</sup> بودم دل اندر هراس -،  
جهان را بشوید به خون همگروه<sup>۱۸</sup>  
بدان<sup>۲۰</sup> جنگ<sup>۲۱</sup> بی‌مرد گردد جهان  
شود گرزِ پولاد برسان موم<sup>۲۲</sup>  
شما دل مدارید ازین کار تنگ<sup>۲۴</sup>  
اگر بار باشد سپهر بلند  
مباشید از آن<sup>۲۶</sup> نامداران ستوه  
نمیرم به بزم<sup>۲۷</sup> اندرون بی‌گمان  
نمانی همی، کار چندین مساز<sup>۳۰</sup>

۱- ف، ل؛ [و] ۲- ل، ق، ل؛ س (نیز لن، ل، پ، ل، آ، ب): شاداب؛ متن = ف، س (نیز ق، ل، و) ۳- س، ق (نیز ب، ب):  
زیبای تخت؛ متن = ف، ل، ل؛ س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۴- ق: بجز ۵- ف: نگویم؛ س، ق: بگویم (حرف یکم نقطه ندارد):  
متن = ل، ل، ل؛ س (نیز ل، ب) ۶- ل؛ پرده‌سرای ۷- ل (نیز ب): زبان؛ س (نیز ب): سرش؛ (ق؛ لبش)؛ متن = ف، ق، ل؛ س (نیز  
لن، ل، و، ل، آ) ۸- ل: روان؛ س (نیز ب): دلش؛ متن = ف، ق، ل؛ س (نیز لن، آ) ۹- س، ق (نیز لن، ل، ب): پرگناه؛ ل؛  
پرزرای؛ متن = ف، ل، س (نیز ق، و، آ) ۱۰- س، ل؛ رخشنده؛ متن = ف، ل، س؛ ق این بیت را ندارد؛ س در اینجا سرنویس دارد:  
اندرز کردن رستم ایرانیان را و رفتن بجنگ ۱۱- س پس از این بیت افزوده است:

شما سربسریک بیک همگروه یکی رزم سازید برسان کوه

۱۲- س: همه ۱۳- ق: دل ۱۴- ف، ق، س؛ بروها؛ متن = ل، س، ل؛ جنگی ۱۵- س؛ جنگی ۱۶- ل؛ رزم؛ س: ز امروز؛ ق:  
وزین رزم؛ متن = ف، ل، س؛ ۱۷- ق: که جنگی شود ۱۸- ق: خون گروه؛ ل، س (نیز ق، ب، و، ب): جهانی شوند (س، و: شود)  
اندر آن همگروه؛ متن = ف، ل، س (نیز لن، ل، ل، آ) ۱۹- ل، ق، ل؛ س (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، ب): شوند؛ متن = ف، س  
(نیز آ) ۲۰- س: بدین ۲۱- س، ل: رزم ۲۲- ق این بیت را ندارد ۲۳- ل: ما ۲۴- ل، ق: از آن کار تنگ؛ س: شما  
یک بیک دل مدارید تنگ؛ ل؛ شما هیچ دل را مدارید تنگ؛ متن = ف، س؛ ۲۵- س: شما یک بیک نیز با همگروه؛ ق: شما یک بیک  
سربسر همگروه؛ متن = ف، ل، ل؛ س؛ ۲۶- س: ازین ۲۷- س: رزم (!) ۲۸- ل: همی؛ ق: مرا؛ متن = ف، س، ل؛  
س؛ ۲۹- ق: بجای ۳۰- ق: دیر چندین مپای

<p>۱۹۹۵ دل اندر سرای سپنجی مبند          وُ گر<sup>۳</sup> یار باشد روان و<sup>۴</sup> خرد          خداوند تاج و خداوند گنج          چُنین داد پاسخ به رستم سپاه          چُنان رزم سازیم با تیغ تیز</p>	<p>که پُر خون شود<sup>۱</sup> از عَنا و گزند<sup>۲</sup>          به نیک و به بد روز را بشمرد          نبندد دل اندر سرای سپنج          که فرمان تو برتر از چرخ ماه<sup>۵</sup>          که مانند ز ما نام تا رستخیز</p>
<p>۲۰۰۰ ز دو رویه<sup>۶</sup> تنگ اندرآمد سپاه          که باران او بود<sup>۷</sup> شمشیر و تیر          ز پیکانِ پولاد و پر عقاب          سنان‌های<sup>۸</sup> نیزه به گرد اندرون          از آوردن<sup>۹</sup> گرزهای گاوچهر          ۲۰۰۵ درفشیدن تیغ الماسگون          به خون<sup>۱۰</sup> و به مغز اندرون خار<sup>۱۱</sup> و خاک          چُنین گفت گودرز با پیرسر          ندیدم که رزمی بود زین نشان          که از کُشته گیتی بدینسان<sup>۱۲</sup> بود</p>	<p>یکی ابر گفتی برآمد سیاه،          جهان شد بکردار دریای قیر          سیه گشت رخشان رخ آفتاب          ستاره بیالود گفتی به خون          تو گفتی همی سنگ بارد سپهر<sup>۱۳</sup>          شده ابر و باران آن<sup>۱۴</sup> پُر ز خون<sup>۱۵</sup>          شده غرقه ترگ از سرش<sup>۱۶</sup> چاک چاک          که تا من<sup>۱۷</sup> به مردی بیستم<sup>۱۸</sup> کمر،          نه هرگز شنیدم ز<sup>۱۹</sup> گردنکشان،          یکی خوار و دیگر تن‌آسان بود</p>

### گفتار اندر رزم با شنگل<sup>۲۰</sup>

- ۱-س، ق: شوی ۲-ل (نیزو): چون بیادیت کند؛ س (نیزب): چون نیاید بیند؛ (ق، ب: زویایی گزند)؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیزلن، ل، ل، ل، ل، آ) ۳-ل، س، ق، ل: (نیزلن-لن، ب): اگر؛ متن = ف، س: (نیزآ) ۴-ل، ق: روان با؛ س: روانت؛ ل: (نیزلن، ب، ل، ب): روان را؛ متن = ف، س: (نیزق، ل، ل، و، آ) ۵-ق، ل، س: چرخ و ماه؛ متن = ف، ل، س ۶-ل: دورویه به ۷-ق: گرزو ۸-ق، ل، س: سنان‌ها؛ متن = ف، ل، س ۹-ف: کرآ [و] ردن (→ کر آوردن؟)؛ ل، س، ل: (نیزق، ب، و، ل، ب): جرنگدن؛ ق (نیزل، م): زافکندن؛ متن = س: (نیزل، آ) ۱۰-ق: زمهر ۱۱-ق: او ۱۲-س، ل، س: (نیزلن، ل، ب، ل، ب): ابرخون؛ متن = ف، ق: ل این بیت را ندارد؛ س، ل: (نیزلن، ل، ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:
- گرائیدن گرزهای گران چنان چون بود پتک آهنگران
- ۱۳-ق: بکام ۱۴-س: گرد ۱۵-ل (نیزو): غرق و برکستان؛ س (نیزب): خود و سرها همه؛ ق: غرق و ترگ از برش؛ ل: (نیزق، ل، ل): غرق و ترگ سران؛ س: (نیزل، م): غرق ترگ از سرش؛ (لن: غرق ترگ سران؛ ل، آ: غرق و ترگ از سرش؛ ب: خود و ترگ سران)؛ متن = ف: ل (نیزب) پس از این بیت افزوده‌اند:
- همه دشت یکسر پیر از جوی خون بهر جای چندی (ب: جنگی) فکنده نگون  
 چوپیلان فکنده همه میل میل برخ چون زیر و بلب همچونیل
- ۱۶-س: که من تا ۱۷-ل، ق: بیستم مردی ۱۸-س: میان دلیران و ۱۹-ل: برینسان ۲۰-ف: گفتار اندر آمدن شنگل بمصافگاه و رزم رستم خواست و رفتن رستم بچنگ او و بگریختن او از دست رستم؛ س، ل، س: رزم رستم با شنگل هند (س: هندو؛ ل: و گریختن شنگل؛ س: و گریختن شنگل از پیش رستم)؛ ق: نبرد شنگل شاه هند با رستم زال



- ۲۰۱۰ بفرید شنگل به<sup>۱</sup> پیش سپاه  
بینم<sup>۲</sup> که آن مرد<sup>۳</sup> سگزی کجاست  
چو آواز شنگل به رستم رسید  
چنین گفت کز کردگار جهان<sup>۴</sup>  
که بیگانه‌یی زان بزرگ انجمن  
نه سقلاب مانم بدیشان<sup>۵</sup> نه هند  
بر شنگل آمد به آواز گفت  
ما نام رستم کند زال زر  
نگه کن که سگزی کنون مرگ تست
- منم - گفت - گرداوزن<sup>۲</sup> رزخواه<sup>۳</sup>  
یکی کرد خواهم بدو<sup>۴</sup> دست<sup>۵</sup> راست<sup>۶</sup>  
ز لشکر نگه کرد و او را بدید<sup>۷</sup>  
نجستم جزین<sup>۸</sup> آشکار و نهان<sup>۹</sup>  
دلیری کند، رزم جوید<sup>۱۰</sup> ز من،  
نه شمشیر چینی<sup>۱۱</sup> نه خفتان<sup>۱۲</sup> پزند  
که ای بدنژاد فرومایه جفت،  
تو سگزی چرا خوانی ای بدهنر<sup>۱۳</sup>؟  
کفن بی گمان جوشن و ترگ تست
- ۲۰۱۵
- ۲۰۲۰ همی گشت با او به آوردگاه  
یکی نیزه زد برگرفتش ز زین  
بروبر گذر کرد<sup>۱</sup> و او را نخست<sup>۲</sup>  
برفتند از آن روی<sup>۳</sup> گنداوران<sup>۴</sup>
- میان دو صف برکشیده سپاه  
نگوسار<sup>۱۸</sup> کرد و زدش بر<sup>۱۹</sup> زمین  
به شمشیر برد آن زمان<sup>۲۰</sup> شیر دست<sup>۲۱</sup>  
به زهر آب داده پزند آوران

۱- ل، ق، زه، متن = ف، س، ل، س، ۲- ل (نیزلی، آ): گرداوزن؛ س، ل (نیزلن، ب، و، لن): گرد افکن؛ ق (نیزل، ب): شیراوزن؛  
(ق: شیراوزن)؛ متن = ف، س، ۳- ق: کینه خواه ۴- ل: بگوید؛ ق: ندانم؛ متن = ف، س، ل، س، ۵- ل: کان مرد؛ س، ل، آ:  
که این مرد؛ س: که امروزه متن = ف، ق: بنداری؛ این ذلک الرجل السجزی؟ ۶- ل، س، ل: برو؛ متن = ف، ق ۷- ل، ق (نیزل):  
نیزه؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ق، ل، ب، و، آ، ب) ۸- س: یکی گرز خواهم برآورد راست؛ (لن): همانا بچنگم گرآید  
رواست) ۹- ل (نیزب) پس از این بیت افزوده اند:

بدو گفت هان آمدم رزخواه مگر تا نگیری به لشکر پناه

۱۰- ل: گفت رستم که از کردگارا؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن-ب) ۱۱- ف: بجسته بجز (!)؛ (ل، آ: بجستم همی)؛ متن = ل-س  
(نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۲- ل: آرزوی آشکارا؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن-ب) ۱۳- ل: خواهد ۱۴- ف:  
بایشان؛ ل: از ایشان؛ متن = ف، ق، ل، س، ۱۵- ل، س (نیزق، ل، ل، آ، و، آ، ب): هندی؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزب) ۱۶- ل،  
ق، س (نیزق، ل، ل، آ، و، آ): چینی؛ س: رومی؛ (ب: هندی)؛ متن = ف، ل (نیزب)؛ ل (نیزب) پس از این بیت افزوده اند:

پی و بیخ ایشان نمائ بجای نمانم بترکان (ب: برایشان) سرو دست و پای

۱۷- س، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب): بدگهر (س نخست بدهنر داشته است)؛ (ب: بی هنر)؛ متن = ف، ل (نیزلی) ۱۸- ل،  
س، ق، ل: نگوسار؛ متن = ف، ل ۱۹- ل، ق، ل، آ: کرد و بزد بر؛ س: برزد بروی؛ متن = ف، س ۲۰- ق: بجوشن نگه  
کرد ۲۱- ف، ل، س: نخست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: بخت؛ س: نخست؛ متن = ق ۲۲- ل: آنگهی ۲۳- س: زره بود  
و جوشن تنش را نخست (= ۲۰۲۳ ب)؛ س ۲۰۲۱ - ۲۰۲۳ آ را انداخته و از ۲۰۲۱ آ و ۲۰۲۳ ب یک بیت ساخته است ۲۴- ل: زان  
روی؛ ف: یکی حمله بردند؛ متن = س، ق، ل (نیزلن-ب)؛ ل (نیزب) پس از بیت ۲۰۲۲ افزوده اند:

چوشنگل گریزان شد از پیلتن پراکنده گشتند زان انجمن

دو بهره ازیشان به شمشیر کشت دلیران توران نمودند پشت

س، ل (نیزلن، ق، و، لن، آ، ب) پس از بیت ۲۰۲۲ دو بیت و (ل، آ) تنها بیت دوم را افزوده اند:

یکی حمله بردند بر پهلوان ز ترکان سقلاب و از هندوان

گرفتند چون گورش اندر میان ربودندش از پیش شیرزیان

ف، ق، س (نیزل) هیچیک از این بیت ها را ندارند

<p>زره بود و جوشن تنش را نَخست!<sup>۱</sup>          به گیتی کس او را<sup>۳</sup> همآورد نیست          مگر رزم سازند جمله<sup>۴</sup> گروه          نجوید، چو جوید<sup>۷</sup> نیابد<sup>۸</sup> رها          دگر بود رای و دگر بود یاد<sup>۱۰</sup>          برانند<sup>۱۱</sup> یکسر بکردار کوه          تنومند را سر<sup>۱۳</sup> زیان آورند<sup>۱۲</sup>          چپ لشکر چینیان برشکست          همه ره تن بی سر<sup>۱۷</sup> انداختی          نه با خشم او پیل را جای<sup>۲۰</sup> بود          که خورشید تاریک<sup>۲۲</sup> شد بر سرش<sup>۲۳</sup>          که شد ساخته بر دل<sup>۲۶</sup> شیرگیر،          ز خون روی کشور میستان شده است          خروشان و جوشان و دشمن دُرُم          به کینه دل آگنده و جنگجوی          تو گفתי همی ژاله بارد ز میغ          تن و دست<sup>۲۸</sup> و سربود و ترگ و کلاه<sup>۲۹</sup>          فتاده به مغز اندرون<sup>۳۰</sup> چاک چاک</p>	<p>به جان شَنگُل از دست رستم بَجست          چُنین گفت شَنگُل که این مرد نیست<sup>۱</sup>          یکی زنده پیل است بر پشت کوه          ۲۰۲۵ به تنها کسی جنگ<sup>۵</sup> این<sup>۶</sup> آژدها          بدو گفت خاقان: ترا<sup>۹</sup> بامداد          سپه را بفرمود تا همگروه          سرافراز را در میان آورند<sup>۱۲</sup>          به شمشیر برد آن زمان شیر دست<sup>۱۴</sup>          هر آنگه<sup>۱۵</sup> که خنجر برانداختی<sup>۱۶</sup>          نه با جنگ او کوه<sup>۱۸</sup> را پای<sup>۱۹</sup> بود          بدانسان<sup>۲۱</sup> گرفتند گرد اندرش          ز بس<sup>۲۴</sup> نیزه و خنجر و گرز<sup>۲۵</sup> و تیر          گمان برد کاندنر نیستان شده است          ۲۰۳۵ به یک زخم ده نیزه کردی قلم          دلیران ایران پس پشت اوی          ز بس نیزه و گرز و گوپال<sup>۲۷</sup> و تیغ          ز گشته همه دشت آوردگاه          ۲۰۴۰ بلندآسمان چون زمین شد ز خاک</p>
---	--

۱- ف: بخت؛ ل: س. ل. س.؛ س:؛ بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ مَن: = ق: س (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ، ب) پس از این بیت و ل: پس از بیت ۲۰۲۶ افزوده اند؛ گریزان و رخسارگان پر ز چین همی رفت تا پیش خاقان چین  
 ۲- ف (نیز ق، ل، ب): کیت؛ مَن: = ل: س (نیز لن، ل، آ)؛ بنداری: این هذا الرجل لیس بانسان، وماله فی الرجولیه ثان ۳- ل: کس او را بگیتی ۴- ل: یکسر ۵- ل، س، ل: رزه؛ مَن: = ف، ق، س ۶- ف: آن؛ ل، ق: با؛ س، ل: نر؛ مَن: = س ۷- ق: نجوید ۸- ف، ق: نیاید؛ ل: نیابد (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ مَن: = س، ل، س ۹- ق: که از ۱۰- ل، س، ل: داد (نقطه ندارد)؛ (ف:؛ باد؛ آ: داد)؛ ف: دگرگونه بودی و دیگر نهاد؛ س:؛ دگر بود و از او دگر بود باد؛ مَن: = ف (نیز ل، ب، و، لن، آ، ب) ۱۱- ل: برآورد ۱۲- ف: آوردید؛ مَن: = ل- س (نیز لن، ق، ل، ب- ب) ۱۳- ل (نیز ب): جان؛ مَن: = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ، ب) ۱۴- س: یکی حنه آورد چون شیر مست ۱۵- ق: بدانگه ۱۶- ف، ل (نیز لن): برافراختی؛ مَن: = ل، س، ق، س (نیز ق، ل، ب) ۱۷- س، ل (نیز لن، لن، آ، ب): همه دشت بی تن سر؛ مَن: = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، و، لن، آ، ب) ۱۸- ق: نه با او گه و دشت ۱۹- س: جای ۲۰- س: پای؛ ل: رای ۲۱- س: برانسان؛ ل: برینسان ۲۲- ل: یاریک ۲۳- ل، ق: از برش؛ ق: پس از این بیت افزوده است؛

درفش تهمتن میان گروه بدان درفش از بر تیره کوه  
 ۲۴- ل: چنان ۲۵- ق: خنجر و نیزه و تیغ ۲۶- ل (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، آ): یل؛ ق (نیز ل، آ): تن؛ س:؛ گو؛ مَن: = ف، س، ل (نیز ب) ۲۷- ل: در پ، لن: با سه نقطه ۲۸- ل: پشت ۲۹- س: وی سر کلاه ۳۰- س (نیز لن، ل، لن، آ، ب): بسی گردن و بر شده؛ ف، ل (نیز ق، ل، آ): زهر سو همی تن (ل: بر؛ ق:؛ بخنجر) شده؛ مَن: = ف، س؛ ل این بیت را ندارد؛ ق: پس از این بیت افزوده است؛  
 چنن گفت لشکر همه همگروه که از کشتگان گشته هامون چو کوه

ز چینی و شِکنی<sup>۱</sup> و از<sup>۲</sup> هندوی<sup>۳</sup>      ز سقلاب و<sup>۴</sup> وهری<sup>۵</sup> و از<sup>۶</sup> پهلوی<sup>۷</sup>،  
 سپه بود بر خاک و دریای و کوه<sup>۸</sup>      ز یک مرد خسته شده همگروه<sup>۹</sup>  
 که با او به جنگ<sup>۱۰</sup> اندرون پای نیست      به گیتی چُن او<sup>۱۱</sup> لشکرآرای نیست  
 کسی کو زند<sup>۱۲</sup> زین سَخُن داستان      نباشد خردمند همداستان:  
 که پَرخاشخر<sup>۱۳</sup> نامور صد هزار      بسنده نبودند با یک سوار  
 نه بازارگانی ست آن<sup>۱۴</sup> جنگجوی      ز هر کشوری آمده<sup>۱۵</sup> نزد او<sup>۱۶</sup>  
 یکی آنک ما را نکوهش<sup>۱۷</sup> کنند      چُن<sup>۱۸</sup> از رزم جایی پژوهش<sup>۱۹</sup> کنند  
 و دیگر که او را به خشم آوری      رهایی نیابد<sup>۲۰</sup> سر از<sup>۲۱</sup> داوری  
 ازین کین بد آمد به<sup>۲۲</sup> افراسیاب      ز رستم کجا یابد آرام و خواب  
 چُنین گفت رستم به ایرانیان      کزین جنگ ایشان سرآمد<sup>۲۳</sup> زبان  
 هم اکنون به پیلان<sup>۲۴</sup> و آن<sup>۲۵</sup> خواسته      چنان<sup>۲۶</sup> تخت و آن<sup>۲۷</sup> تاج آراسته<sup>۲۸</sup>،  
 نباشد جز ایرانیان شاد<sup>۲۹</sup> کس      پی رخس و ایزد مرا یار بس  
 یکی را ز سقلاب و شِکنان<sup>۳۰</sup> و چین      غنم که پی برنهد بر زمین  
 که امروز پیروزی روز<sup>۳۱</sup> ماست      بلندآسمان لشکرافروز ماست

۱- ف. س. ل. (نیزلی، ب): شنکی؛ (ل: سنکی)؛ متن = ل. ق. س. (نیزلن، ق. ب. ل. ن. آ) ۲- ل. س. ا. وز: ۳- ق. پهلوی ۴- ل. ل. س. ا. [و] ۵- ق. سندی ۶- ل. ق. س. ا. وز: ۷- ق. پهلوی (در بالا افزوده است: هندوی) ۸- ل. سپه بود چون خاک دریای کوه: ق. سپاهت چندانک دریا و کوه: متن = ف. س. ل. س. ا. ۹- ل. سکرزی شده همگروه؛ س. بسته شد همگروه؛ ق. همی آمد از جنبش او ستوه؛ متن = ف. ل. س. ا. س. س. پس از بیت ۲۰۴۲ افزوده است:

بیم بازگفتند پیر و جوان      که اهرمن است این ببردم بخوان  
 وزان پس چنین گفت خاقان چین      که بر ما بد آمد ز ایران زمین

س. پس از بیت ۲۰۴۲ افزوده است:

همی گفت هر کس که یکبارگی      رسند این دلبران به بیچارگی

۱۰- س. رزم ۱۱- ل. س. س. ا. چنودر جهان؛ متن = ف. ل. ق. این بیت را ندارد ۱۲- ل. (نیزق. ب): کند؛ متن = ف. س. ق. ل. س. ا. (نیزهفت دستویس دیگر) ۱۳- ف. پرخاش با (!)؛ س. (نیزلن، ق. ب. ل. ن.): پرخاشجو؛ متن = ل. ق. ل. س. ا. (نیزلی، و. آ)؛ ف. (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده اند: بگفتند با یکدگر این و آن که اینت یکی هول و کاری (ل. آ: هول جای و) عیان ۱۴- (ق. ل. ن. ا. این؛ ل. آ: خود) ۱۵- ل. (نیزلی، آ. ب): آمدن ۱۶- س. تنگ روی: ف. ل. (نیزل. و) این بیت را ندارند ۱۷- ل. پژوهش ۱۸- س. س. ل. جز: ق. ل. جو؛ متن = ف. ۱۹- ل. نکوهش؛ در ل. این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است: ل. (نیزو) بیت های ۲۰۴۷ و ۲۰۴۸ را ندارند ۲۰- س. نیارد ۲۱- ق. ازین ۲۲- س. بر؛ در ل. بجای این بیت، بیت ۱۷۹۱ آمده است ۲۳- ل. دشمن کند جان: س. (نیزل. و. ب): ما را سر آمد؛ ق. (نیزلن، ق. ب. ل. ن.): ما را نیامد؛ متن = ف. ل. س. ا. (نیزلی، آ) ۲۴- ل. س. س. ا. (نیزق. ل. ب. و. آ. ب): ز پیلان؛ ق. همه پیل؛ ل. بر این پیل؛ (لن: ازین پیل؛ ل. من آن پیل؛ لن: من این پیل)؛ متن = ف. ۲۵- س. س. ا. (نیزلن، ل. و. آ. ب): از؛ ل. (نیزلن): این؛ متن = ف. ل. ق. (نیزق. ل. ب.) ۲۶- ف. چو این؛ ل. ق. (نیزل. ب): همان؛ س. (نیزلن، و. ل. ن. ب.): چنین؛ (ق. همین؛ ل. همه از؛ آ: زچین)؛ متن = س. ۲۷- ف. س. (نیزلن، ق. ل. و. ل. ن. ب.): این؛ (ل. آ: از)؛ متن = ل. ق. س. ا. (نیزل. ب.) ۲۸- ل. برین لشکر و گنج آراسته ۲۹- ف. س. ا. شاه (شاد)؛ متن = ل. س. ق. ل. (نیزلن- ب.) ۳۰- ف. س. (نیزلی، آ): شنکن؛ ل. ز ترک؛ س. سکن؛ (ل. سکار؛ لن. ل. شکل؛ ب. سکنان)؛ ل. (نیزو، ب): ز شکنان (و: سکنان) و سقلاب؛ متن = (ق. ق. این بیت را ندارد ۳۱- س. وزور؛ (لن. ل. ب. و روز)؛ متن = ف. ل. (نیزق. ل. و. ل. ن. آ. ب)



چو گفتار ساوه به رستم رسید  
برآورد و زد بر سر و مغزش  
بیفگند و رخس<sup>۳</sup> از بر او براند  
درفش کشانی<sup>۴</sup> نگوساره کرد  
نُبد نیز کس پیش او پایدار  
و زان میمنه<sup>۵</sup> شد سوی<sup>۶</sup> میسره  
۲۰۷۵

بزد دست و گرز از میان<sup>۱</sup> برکشید  
ندیده‌ست گفتی تنش را سرش<sup>۲</sup>  
ز ساوه به گیتی نشانی نماند  
و زو جان لشکر پُرآزار کرد  
همی<sup>۶</sup> خار مغز سر آورد بار<sup>۷</sup>  
غمی گشت لشکر همه یکسره

### گفتار اندر گشته شدن گهار گهانی بر دست رستم<sup>۱</sup>

گهار گهانی<sup>۱۱</sup> بدان<sup>۱۲</sup> جایگاه  
برآشت چون ترگ رستم بدید  
بدو<sup>۱۵</sup> گفت: من کین توران و چین<sup>۱۶</sup>  
نبرد تو<sup>۱۹</sup> از مهتران با مزست  
برانگیخت اسپ از میان سپاه  
ز نزدیک چون ترگ رستم بدید<sup>۲۰</sup>  
به دل گفت: پیگار با زنده پیل<sup>۲۲</sup>  
تو گویی<sup>۲۳</sup>: برآید<sup>۲۴</sup>، دگر گنت<sup>۲۵</sup>: نی<sup>۲۶</sup>  
گریزی<sup>۲۷</sup> بهنگام با سر به جای<sup>۲۸</sup>  
۲۰۸۰

گو<sup>۱۳</sup> شیردل با درفش<sup>۱۴</sup> سیاه،  
خروشی چو شیر ژبان برکشید  
ز سگری<sup>۱۷</sup> بخواه<sup>۱۸</sup> برین دشت کین  
دش شیر و گرز گران با مزست  
بیامد بر پیلتن کینه‌خواه  
روانش تو گفتی ز تن بر پرید<sup>۲۱</sup>  
چو غوطه‌ست خوردن به دریای نیل:  
دو گفتار کان با خرد جفت نی<sup>۲۶</sup>  
به از رزم جستن به نام و به رای<sup>۲۹</sup>

۱- ل. س. ق. (نیز لن. ل. ب. ل. ب. ل. ب.) : گرز گران: متن = ف. ل. س. (نیز ق. ل. ب. و آ.) : ل. (نیز ب) پس از این بیت افزوده‌اند:  
بزد بر سرش گرز را پیلتن

ک- جانش بیرون شد بسزای ز تن

۲- ق: جدا شد تنش را سر... (واژه پیلن پاک شده است) ۳- س: اسپ: در اولت هادی این بیت پس و پیش شده‌اند ۴- س:  
درفشان: ل: کبانی ۵- ل. ل. س. ق. س. (نیز لن. ل. ب. ب.) : نگوساره: متن = ف. ل. (نیز ل) ۶- ل. ق: همه ۷- ف: خار و  
مغزش برآورد خار (!): ل. (نیز ب): خار مغزش (ب: مغز) سر آورد باز: متن = س. ق. ل. س. (نیز ل. و آ. ب.): (لن. ل. ب.): همه فعل رخس بر  
آورد باز: ق: ز خار و ز خاور برآورد باز: ل: همه رزمگه مغز آورد باز) ۸- ل: پس از میمنه: ل. س. : و از آنجا که: متن = ف. س.  
ق ۹- ق: ابر ۱۰- س: نبرد رستم با کهار کشانی و کشته شدن کهار کشانی: ل: نبرد رستم با کهار کشانی و گریختن او: ل. ق. س.  
سرنویس ندارند: متن = ف. پس از تصحیح کشانی به گهانی ۱۱- ف. س. ل. س. (نیز لن. ب. و آ. ب.): کشانی: (لن: کشانی):  
متن = ل. ق. (نیز ق. ل. ب. ب.) : سبت ۷۶۰ ۱۲- ق: از آن ۱۳- ق. ل. س.: گوی ۱۴- ل: شرفش یا درفش ۱۵- ق:  
چین ۱۶- ل. ق: ترکان چین ۱۷- ل: شنگل ۱۸- س: بخواه ز سگری ۱۹- س. ل. (نیز لن. ل. ب.): وی: متن = ف.  
س. (نیز ق. ل. ب. آ.) : ل. ق. (نیز ل. ب. و آ.) : این بیت را ندارند: در س. این بیت با بیت سبیل پس و پیش شده است ۲۰- س: نزدیک رستم  
چو آمد رسید ۲۱- ل. س. (نیز ب): یکی یاد سرد از جگر برکشید: (ل: غمی گشت و از جنگ دامن کشد: لن: برخاسته شد چون گل  
شبلید): متن = ف. ق. ل. س. (نیز لن. ق. ل. و آ.) ۲۲- س: زنده پیل ۲۳- س. س. (نیز لن. ل. ب. آ. ب.): گفتی: متن = ف.  
ل ۲۴- س: برآمد ۲۵- س: [گفت] (وزن ندارد) ۲۶- س. (نیز ل. ب. آ. ب.): نده: متن = ف. س. ل. (نیز لن. ل. ب.): ل. ق. (نیز  
ق. ل. ب. و آ.) : این بیت را ندارند ۲۷- س: گریزه: ل: گریزش: مر ۲۸- ق: بهنگام زنده شدن باز جای: متن = ف. ل.  
س ۲۹- ق: به از رزم کزوی غمناک بجای (پساوند ندارد): ل: به از نام جستن برزد و برای: متن = ف. ل. س. س.

گریزان بیامد سوی قلبگاه  
 درفش تهمتن میان گروه  
 ۲۰۹۰ همی تاخت رستم پس<sup>۳</sup> او چو گرد  
 یکی نیزه زد بر کمر بند او<sup>۴</sup>  
 بینداخت برسان برگ از درخت<sup>۵</sup>  
 نگوسار<sup>۶</sup> کرد آن درفش کبود  
 بدیدند<sup>۱۱</sup> گردان که رستم چه کرد  
 ۲۰۹۵ درفش همایون ببردند و کوس  
 خروش آمد از بوق<sup>۱۴</sup> ایران سپاه  
 بفرمود رستم کز ایران سوار  
 هم اکنون من آن پیل و آن<sup>۱۶</sup> تخت عاج  
 ستانم ز چین و<sup>۱۹</sup> به ایران دهم  
 ۲۱۰۰ از<sup>۲۰</sup> ایران برآمد<sup>۲۱</sup> دلاور هزار<sup>۲۲</sup>  
 چنین گفت رستم به ایرانیان  
 به جان و<sup>۲۳</sup> سر شاه و خورشید و ماه  
 که گر نامداری<sup>۲۴</sup> از<sup>۲۵</sup> ایران زمین<sup>۲۶</sup>

بروبر نظاره ز هر سو سپاه  
 بسان درخت از بر تیره<sup>۲</sup> کوه  
 زمین لعل گشت<sup>۴</sup> و هوا لاژورد<sup>۵</sup>  
 بدرید خفتان و پیوند او<sup>۶</sup>  
 که بر شاخ او برزند<sup>۸</sup> باد سخت  
 تو گفتی گهار گهانی<sup>۱۱</sup> نبود  
 چپ و<sup>۱۲</sup> راست برخاست گرد نبرد  
 بیامد سرافراز<sup>۱۳</sup> گودرز و طوس  
 چو پیروز شد گرد لشکر پناه<sup>۱۵</sup>  
 برمن فرستید صد نامدار  
 همان یاره<sup>۱۷</sup> زر<sup>۱۸</sup> و آن<sup>۱۸</sup> طوق و تاج،  
 به پیروز شاه دلیران دهم  
 زره دار با گزره<sup>۲۰</sup> ی گاوسار  
 که یکسر ببندید کین را میان  
 به خاک سیاوش به توران سپاه،  
 هزیمت پذیرد ز سالار<sup>۲۷</sup> چین<sup>۲۷</sup>،

۱-ف: دو ۲-ل (نیزلن، ق، آ، پ، لن): تیغ: متن = ف، س، ل، س (نیزلی، آ، ب): ق این بیت را ندارد ۳-ل: بر ۴-س: گشت: ق: گشت لعل ۵-ف، س، ق، س (نیزلن، ق، ل، ل، لن، آ، ب): لاژورد: متن = ل (نیزب، و): ل: درفش سپه را نگوسار کرد: ل (نیزب) پس از این بیت افزوده اند:

کهار (پ: چو دیدش) کهدانی بشرمید سخت  
 کزو بود برگشتن تاج و تخت  
 برآورد یک بانک برسان کوس  
 که بشنید آواز (پ: از دور) گودرز و طوس  
 همی خواست تا کارزاری کند  
 ندانست کین بارزاری کند  
 چه نیکو بود هرک خود را شناخت  
 چرا تا ز دشمن بیایدش (پ: نیایدش) تاخت  
 پس او گرفتند گو پیل  
 که هان چاره گور کین گر (ب: یا) کفن

۶-ل، س، ق: او ۷-س، س (نیزلن، ب): برگ درخت: ل: بینداختش هم چو برگ درخت: متن = ف، ق، ل ۸-س: پروزد ۹-ل-س (نیزلن، ب): نگوسار: متن = ف ۱۰-ف، س، ق، ل، س (نیزلن، ل، و، آ، ب): کشانی: (لن: کمائی): متن = ل (نیزق، ل، ب) ۱۱-س، ق: چو دیدند: متن = ف، ل، ل، س ۱۲-ل: [و] ۱۳-ق: سپهدار ۱۴-ق: قلب: (لن: بوق و): س (نیزب): آمد و بانک: ل (نیزب): خروشی برآمد ز: متن = ف، ل، س (نیزلن، ل، و، آ) ۱۵-س: بماه ۱۶-ل: این پیل و هم ۱۷-ل: یاره و تیغ: ق: سپرهای چینی: متن = ف، س، ل، س ۱۸-ل: هم ۱۹-ق: ز چینی ستانم ۲۰-ق: ز ۲۱-ل، س، ق (نیزلن، ق، ل، ب): بیامد: متن = ف، ل، س ۲۲-ل (نیزب): همی صد سوار: ل: سواری هزار: متن = ف، س، ق، س (نیزلن، ق، ل، و، ب) ۲۳-ل: [و]: ل (نیزب) پس از این بیت افزوده اند:  
 به یزدان دادار جان آفرین

که پیروزی آورد بر دشت (پ: او آورد روز) کین

۲۴-ل: نامداران ۲۵-ل، س، ق: ز ۲۶-ل: ایران سپاه ۲۷-ل: توران سپاه: ق: شود بددل از رزم ترکان و چین: متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، ب)

<p>به سربر نهاده<sup>۲</sup> ز کاغذ کلاه به چنگش سرین گوزن<sup>۳</sup> آرزوست سپه داغ دل، شاه دیهم جوی<sup>۴</sup> عنان را به رخس تگاور سپرد ستاره نظاره برآن<sup>۵</sup> رزمگاه چنان شد که کس روی هامون ندید نبُد هیچ<sup>۶</sup> پیدا رکیب<sup>۷</sup> از عنان زمین زیر نعل اندر آزرده<sup>۸</sup> شد ز گشته ندیدند بر دشت راه<sup>۹</sup> تنان را<sup>۱۰</sup> همی داد سرها<sup>۱۱</sup> درود زمین پر ز آواز پولاد شد بدادند بر خیره<sup>۱۲</sup> سرها به<sup>۱۳</sup> جنگ که<sup>۱۴</sup> گفתי زمانه برآمد<sup>۱۵</sup> به جوش هم از<sup>۱۶</sup> یاره و افسر و طوق<sup>۱۷</sup> و تاج، که او در جهان شهریار نوست<sup>۱۸</sup> بدین زور و این کوشش و این هنر<sup>۱۹</sup> میان را به ختم کمند آورید</p>	<p>نبیند مگر دار یا بند و چاه<sup>۱</sup> بدانست لشکر که او شیرخوست همه<sup>۲</sup> سوی خاقان نهادند روی تهمن به پیش اندرون حمله برد همی خون چکانید<sup>۳</sup> بر<sup>۴</sup> چرخ ماه ز بس گرد کز رزمگه بردمید ز بانگ سواران و زخم سنان تو گفתי که خورشید در پرده شد هوا<sup>۵</sup> گشت<sup>۶</sup> چون روی زنگی سیاه همه دشت<sup>۷</sup> تن بود و خفتان و خود ز گرد سوار ابر پُر<sup>۸</sup> باد شد بسی نامدار از پی<sup>۹</sup> نام و ننگ برآورد رستم از انسان<sup>۱۰</sup> خروش چنین گفت کین پیل و این تخت عاج به ایران سزاوار کیخسروست شما را چه کارست با تاج و فر<sup>۱۱</sup> همه دستها سوی بند آورید</p>
---	---

۱-س: بند شاه ۲-ق، ل: نهاده سربر؛ ل (نیزب) بجای این بیت افزوده اند:

سرخ را ز تن برکنم در زمان زخوش کم جویای روان

۳-س (نیزب): سروی گوزن؛ ل: بچنگ گویش همی؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن، آ) ۴-ق: همی ۵-ق: شیر دیهم جوی؛ ل: بنیزه شده هر یکی جنگجوی؛ ل: سواران و گردان پرخاشجوی؛ متن = ف، س، س (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب) ۶-ق: برافشانند ۷-س: با ۸-ل: بدان؛ ق: نظاره ستاره بدان ۹-ل، س: نبود ایچ؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۰-س، س: رکاب ۱۱-ف: آورده (آزرده)؛ متن = س، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب)؛ ل (نیزب) این بیت را ندارند ۱۲-س: جهان ۱۳-ف، س: گشته؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن، ق، ل، ب) ۱۴-ق: آوردگاه ۱۵-ل، س، ق (نیزب، ب): مرز؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ق، ل، لن، آ) ۱۶-ق، س: سرانرا؛ ل: تان نشان؛ متن = ف، ل، س ۱۷-س: سر را؛ ق، س: تنها؛ متن = ف، ل، ل ۱۸-درف به پیش یکم و درب آبا سه نقطه ۱۹-ق: نامداران بی (نامدار از پی) ۲۰-ل: بخیره بدادند ۲۱-ف: ز(?)؛ متن = ل، س (نیزلن، ق، ل، ب) ۲۲-ل، س: برانسان ۲۳-ق: تو ۲۴-ل، ل: برآمد زمانه ۲۵-ل: و باد؛ ل، ق (نیزب): کان پیل و آن؛ س (نیزلن، آ): کین تاج و این؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، ل، لن، ب) ۲۶-ل، س، ق، س (نیزلن، ل، و، لن، آ): همان؛ ل (نیزق): همین؛ (ب: همی)؛ متن = ف ۲۷-ق: گرز؛ ل (نیزب) پس از این بیت افزوده اند:

سپرهای چینی و پرده سرای همان افسر و آلت و چار پای

۲۸-ل (نیزب) پس از این بیت افزوده اند:

که چون او بگیتی سرافراز شاه نبود و ندیدست خورشید و ماه

۲۹-ل (نیزب): تاج زر؛ متر ← ۳۰-ل (نیزب): روز و این کوشش و زور و فر؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزهشت دستویس دیگر)

فرستم بنزدیک<sup>۱</sup> شاه زمین  
شما را ز من زندگانی بس است  
و گرنه من این خاک آوردگاه  
به دشنام بگشاد خاقان زبان  
۲۱۲۵ بدایران و آن<sup>۲</sup> شاه و آن انجمن  
تو سگری که از هر کسی بتری<sup>۳</sup>

نه منشور باید، نه<sup>۴</sup> خاقان چین  
بدین<sup>۵</sup> رزمگاه این گمانی بس است<sup>۶</sup>  
به نعل ستوران<sup>۷</sup> برآرم به ماه  
بدو گفت کای بدتن بدروان<sup>۸</sup>  
همی زینهاریت باید چو من  
همی شاه چین بایدت لشکری

یکی تیرباران بکردند<sup>۹</sup> سخت  
هوا را بپوشید پر عقاب  
چو گودرز باران الماس دید  
۲۱۳۰ به رهام گفت: هین<sup>۱۱</sup> درنگی مه ایست!  
کمان‌های چاچی<sup>۱۶</sup> و تیر خدنگ  
به گویو آنگهی<sup>۱۷</sup> گفت: برکش سپاه<sup>۱۸</sup>!  
نه هنگام آرام و آسایش<sup>۲۰</sup> است  
بشو<sup>۲۳</sup> با دلیران سوی دست راست  
۲۱۳۵ تهمتن نگر پیش خاقان چین  
بر آن<sup>۲۵</sup> دیده<sup>۲۶</sup> هرگز مباد آفرین  
برآشت رهام همچون پلنگ

چو باد خزان برجهد<sup>۱۰</sup> بر درخت  
نبیند چنان جنگ<sup>۱۱</sup> جنگی<sup>۱۲</sup> به خواب  
ز تیمار<sup>۱۳</sup> رستم دلش بردمید  
برو با کمانور<sup>۱۵</sup> سواری دویست!  
نگهدار پشت تهمتن به جنگ  
برین دشت ازین<sup>۱۹</sup> بیش دشمن نخواه!  
نه نیز<sup>۲۱</sup> ازدر رای و آرایش<sup>۲۲</sup> است  
نگه کن که پیران و هومان کجاست  
همی آسمان برزند<sup>۲۴</sup> بر زمین  
که نفرین سگالد برو روز کین  
بیامد به پشت<sup>۲۷</sup> تهمتن به جنگ

۱- ف: فرستم نزدیک: ق (نیز ل: ۳). فرستم بر: متن = ل. س. ل. س. ۲ (نیز لن: ق. ۲. ل. ب. لن. آ. ب) ۲- س. ق (نیز ق: ۱. ل. ۳). مایم نه: س ۲ (نیز لن: آ. ب): مانند نه: ل (نیز ب): چه منشور و شکل چه: متن = ف. ل (نیز ل): در ل. ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳- س: برین ۴- ل. ق (نیز ل: ۳): که تاج و نگین ببرد دیگر کست: متن = ف. س. ل. س. ۲ (نیز لن: ل. ب. ب) ۵- ف: ستوران (!) ۶- ق. ل: بدگمان: متن = ف. ل. س. س. ۱ ۷- ف: بایران و ار (!): ل: مه ایران مه آن: س. ل. س. ۲ (نیز لن: و. ب): بایران و آن: ق (نیز ل: ۳): مه ایران و مه: ق: بایران بر آن: ب. لن: مه ایران و آن: متن = (ل. آ): در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۸- ق: بدتری ۹- س: گرفتند ۱۰- س. ل: برزند: متن = ف. ل. ق. س. ۱ ۱۱- ل: رزم ۱۲- س: شب کس ۱۳- ق: اندوه ۱۴- ل. س. ق (نیز ق: ۲. ل. ب. لن. آ): گفت ای: س: گفتش: (لن: ل. آ: و گفتش): متن = ف. ل (نیز ب) ۱۵- ف (نیز ق: ۱. ل. آ): کمان و: (لن: و): ق (نیز ل: ۳): بخنجان عنان با: متن = ل. س. ل. س. ۱ (نیز ب. و) ۱۶- س: چاچی: در دیگر دستویها: چاچی: در ق پس از این بیت. بیت ۲۱۳۶ آمده است: س پس از این بیت افزوده است:

برو با ستوران گودزیان  
بگبوی آنگهی گفت برکش میدان

۱۷- ل (نیز ل: ب. و. آ): آن زمان: متن = ف. ق. ل. س. ۲ (نیز لن: ق. ۲. لن. آ. ب) ۱۸- س: پس پشت رستم در آور سپاه ۱۹- ل: زین ۲۰- ل (نیز ق: ۱. و. لن): آرایش (ل: پس او نند ندارد) ۲۱- ق (نیز ل: ۳): روز ۲۲- ف: آرامش: (لن: بخشایش: ق: و. لن): آسایش: ق: راه و آرامش: متن = ل. س. ل. س. ۲ (نیز ل: ل. ب. آ. ب) ۲۳- ل. س. ق. ل (نیز ل: ب. لن. آ. ب): برو: متن = ف. س. ۲ (نیز لن: و) ۲۴- ف (نیز و): برآزند: متن = ل. س. ۲ (نیز لن: ق. ۲. ل. ب. لن. آ. ب) ۲۵- ل: بدان ۲۶- س (نیز ب): مرده: ق (نیز ل: ۳): دوده: متن = ف. ل. س. ۲ (نیز لن: ق. ۲. ل. ب. لن. آ): ل (نیز و) این بیت را نندارند: در ق این بیت پس از بیت ۲۱۳۶ آمده است ۲۷- س: پیش: ق پس از این بیت افزوده است:

سربرهشان تیر گردون سپرد (!)  
کمان و ربه آورد صد مرد گرد



- چنین گفت رستم به رهام شیر  
چُنوا<sup>۲</sup> سست گردد پیاده شوم  
یکی لشکرست این چو مور و ملخ  
۲۱۴۰ همه پاک راه پیش خسرو بریم  
و ز آنجایگه برخوردارشید و گفت  
ایا گم‌شده‌بخت بیچارگان!  
شما را ز رستم نبود آگهی؟  
۲۱۴۵ کجا<sup>۱</sup> آژدها را ندارد به مرد  
شما را سر از رزم من سیر نیست  
ز فتراک بگشاد آنکه<sup>۱۳</sup> کمند  
برانگیخت رخس<sup>۱۶</sup> و برآمد خروش  
به هر سو که خام اندر انداختی  
۲۱۵۰ نبودش جز از رزم چین<sup>۱۷</sup> آرزوی  
هر آنکه که او مهتری را ز زین  
بدین<sup>۲۰</sup> رزمگه بر<sup>۲۱</sup> سپهدار<sup>۲۲</sup> طوس  
بستی از ایران کسی دست اوی
- که ترسم که شد رخشم<sup>۱</sup> از کار سیر<sup>۲</sup>  
به خون و خوی آهار داده شوم  
ابا<sup>۴</sup> پیل و با پیل بانان مچخ!  
ز شکنان<sup>۶</sup> و چین هدیه‌ی نو بریم  
که با روم<sup>۷</sup> و چین آهرمن باد جفت!  
همه زار و بیجان<sup>۸</sup> و غمخوارگان!  
و گر مغزتان از خرد بُدا<sup>۹</sup> تهی؟  
همی<sup>۱۱</sup> پیل جوید به روز<sup>۱۲</sup> نبرد  
مرا هدیه جز گرز و شمشیر نیست  
خم<sup>۱۴</sup> خاه در<sup>۱۵</sup> کوهی زین فگند  
همی آژدها را بدرید گوش  
زمین از دلیران پرداختی  
به بازو خم<sup>۱۸</sup> خام و چین در بروی<sup>۱۸</sup>  
ربودی به خم<sup>۱۹</sup> کمند گرین<sup>۱۹</sup>،  
به ابر اندر افراختی<sup>۲۳</sup> بوق<sup>۲۴</sup> و کوس،  
ز هامون نهادی سوی کوه روی<sup>۲۵</sup>

گفتار اندر پیغام فرستادن خاقان چین به رستم<sup>۲۶</sup>

- نگه کرد خاقان از آن پشت<sup>۲۷</sup> پیل  
یکی پیل بر پشت کوهی<sup>۲۹</sup> بلند  
۲۱۵۵ زمین دید لرزان چو<sup>۲۸</sup> دریای نیل  
به چنگ اندر از چرم شیران کمند<sup>۳۰</sup>

۱- ل: که رخشم شد؛ س. ل: شود رخشم؛ متن = ف. س. ۲- ق: که از تک شود رختن سیر ۳- ف. س. ل. س: چو او؛ متن = ل. ق ۴- ل-س: (نیز لن-آ): تو؛ (ب: چه-سوی): متن = ف ۵- ل (نیز ل. آ. ب. و): پاک دره؛ س. ل. س: (نیز لن. ل. ب): بی‌کشان؛ (ق: تازه در): متن = ف (نیز ل. آ) ۶- ف (نیز لن. ل. ل. آ): شکنان؛ س: شکنان؛ (ل. و): سکنان؛ ب: سکنان؛ متن = ل (نیز ق. ب)؛ ق این بیت را ندارد ۷- س. ل: ترک ۸- ل: وید دره؛ ق: و ک جزه؛ س: و بیچاره؛ متن = ف. س. ل. ۹- ل. ق: فنگر مغزتان از خرد شد؛ متن = ف. س. ل. س. ۱۰- ف. س. ق. ل. س: (نیز لن. ب): که او؛ متن = ل ۱۱- س: همه ۱۲- ل: دشت ۱۳- ل. س. ق. ل. (نیز ق. ل. ل. ب): بیجان؛ (ی. آ: زود آن): متن = ف. س. (نیز لن) ۱۴- س: زمین ۱۵- ق: بر ۱۶- ق. ل: اسب ۱۷- ل: جزه؛ ق: رزم و کین؛ س: ز رود و چین؛ متن = ف. س. ۱۸- ل. س: بر حن بروی؛ متن = ف. س. ق: ل این بیت را ندارد ۱۹- ل: از کمین ۲۰- س: بدان؛ ق: س: برین؛ متن = ف. ل. ل. ۲۱- ل: در ۲۲- ل. ق: سرفراز؛ متن = ف. س. ل. س ۲۳- س: اندر افراشتی؛ ل. س: اندر انداختی؛ متن = ف. ل. ق ۲۴- س: پیل ۲۵- ق این بیت را ندارد ۲۶- ف: گفتار اندر پیغام فرستادن خاقان چین بر رستم در مصاف گاه؛ س: پیغام خاقان بر رستم و در سطح دادن رستم خاقان را؛ ل. ق. ل. س: سرنویس ندارند؛ متن = آغاز ف ۲۷- ق: زنده ۲۸- ل. س. ق. (نیز ق. ل. آ. ب. و. آ. ب): بوسان؛ ل: (نیز لن. ل. ب): جیبان جو؛ متن = ف. س. ۲۹- ل (نیز ب. لن): کوه؛ ف: بیشت کوهه؛ (و: کوه بر ریش پیل)؛ متن = س. ق. ل. س: (نیز لن. ق. ل. آ. ب) ۳۰- ل (نیز ب): و ز ناله بد (ب: بانگ زد) رستم دیوبند

<p>نظاره ستاره بر آن جنگ و ماه<sup>۲</sup> که گفتار ایران بداند درست بگویش که تندی مکن در نبرد ازین<sup>۷</sup> کینه هرگز<sup>۸</sup> ندارند بهر ز بیگانه مردم ترا نیست<sup>۱۱</sup> کین که آتش همان<sup>۱۲</sup> بد شناسد<sup>۱۳</sup> از آب<sup>۱۴</sup> بد آورد ازین رزم بر خویشان<sup>۱۶</sup> همان<sup>۱۸</sup> آشتی بهتر آید ز جنگ</p>	<p>همی کرگس آورد از ابر سیاه یکی نامداری ز لشکر بجست بدو گفت: رو پیش این<sup>۳</sup> شیرمرد چغانی<sup>۴</sup> و شکنی<sup>۵</sup> و چینی<sup>۶</sup> و وهر یکی شاه ختلان<sup>۱</sup>، یکی<sup>۱۰</sup> شاه چین یکی شهریارست افراسیاب جهانی برین<sup>۱۵</sup> گونه کرد انجمن کسی نیست بی آزو<sup>۱۷</sup> بی نام و ننگ</p>
<p>زبان پر ز گفتار و دل<sup>۱۹</sup> پُرشکن<sup>۲۰</sup> چو رزمت سرآمد کنون بزم جوی! ز کار گذشته به دل هیچ کین که اکنون سپه را سرآمد نبرد<sup>۲۴</sup> سر رزمجویان همه گشته شد بنزدیک ما<sup>۲۶</sup> باید و تحت عاج چه باید کنون لابه و گفت و گوی<sup>۲۸</sup>؟ شتاب سپاه<sup>۳۲</sup> از درنگ منست<sup>۳۲</sup> همان پیل با تحت عاجش مراست<sup>۳۷</sup></p>	<p>فرستاده آمد بر پیلتن بدو گفت کای مهتر رزمجوی نداری همانا<sup>۲۱</sup> ز خاقان چین چنو<sup>۲۲</sup> بازگردد تو زو<sup>۲۳</sup> بازگرد که<sup>۲۵</sup> کاموس بر دست تو گشته شد چنین داد پاسخ که پیلان و تاج به تاراج ایران نهادهست<sup>۲۷</sup> روی چه<sup>۲۹</sup> داند<sup>۳۰</sup> که لشکر به چنگ<sup>۳۱</sup> منست<sup>۳۲</sup> بیخشم<sup>۳۴</sup> سرش، گنج<sup>۳۵</sup> و تاجش<sup>۳۶</sup> مراست</p>

۱- ل: ز ۲- ل: نظاره بر آن اختر و چرخ ماه: ق: ستاره نظاره بر آن رزمگاه: متن = ف. س. ل. س. س. ل. س. ل. (نیز ل. ل. ل. آ. ب) پس از این بیت افزوده اند:

چو خاقان از آن پشت پیل سفید ورا دید (ل: نگه کرد) ببرد از جان امید

۳- س. ق. ل. س. آ: متن = ف. ل. ۴- ف. س. ق. ل. س. (نیز ل. ب. آ. ل. ب): جغانی: ل: جغانی: متن = (و) ۵- ف. ل. (نیز ل. ل. ب. آ): شکنی: س: شکنی: ق: جینی: متن = ل. س. (نیز ق. ب. و. ل. ب) ۶- ق: شکنی: ق: ل: جندی: و: جندی: آ: هندی: متن = ف. ل. س. ل. س. (نیز ل. ل. ب. ل. ب) ۷- ل. ق: کزین ۸- س: اندک: ق: جستن: ل: کین جز اندک: متن = ف. ل. س. ۹- ل: ختلان: س: ختلان (حرف دوم نقطه ندارد): س: جیلان: (ق: رود: و. ل. ل: جیلان): متن = ف. ق. ل. (نیز ل. ل. ب. آ. ب) ۱۰- ق: دگر ۱۱- ق: مدارایج ۱۲- ل. س. ق: همی: متن = ف. ل. س. ۱۳- ق: برفشاند ۱۴- ف. ل. ز آب: متن = س. ۱۵- ل. ق: بدین ۱۶- س: انجمن ۱۷- ف: رازو (حرف بکه نقطه ندارد): ل. (نیز ل. آ): باز از: (ق: و. ز. آب و. ل): کسی در جهان نسبت: متن = ل. س. ق. س. (نیز ل. ب. ل. ب) ۱۸- ق: همی ۱۹- س: لب ۲۰- ق (نیز و): پرسخن: متن = ف. ل. س. ل. س. (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۱- ق: همانا نداری ۲۲- ف. س: چو او: متن = ل. س. ق. ل. ۲۳- ل. ل. ل: رو: ق: شو: متن = ف. س. س. س. ۲۴- س: سرآمد سپه را نبرد: س: که آمد سپه را سراندر نبرد: متن = ف. ل. ق. ل. ۲۵- ل. س. (نیز ل. ب): چو: متن = ف. ۲۶- ق: من ۲۷- ق: بداند ۲۸- ل: گفت گوی: ق: گفتگوی ۲۹- ل. س. (نیز ل. ق. ل. ب. ب): چو: متن = ف. ۳۰- ق: دانی: متن = ف. ل. س. ل. س. (نیز ل. ق. ل. ب. ب) ۳۱- حرف یکم در ف. س. (نیز ل. ق. ل. و. ل. آ. ب) با یک نقطه یا بی نقطه: متن = (ب) ۳۲- ل: آمدست (!) ۳۳- س. ل: زمان: متن = ف. ل. ق. س. ل: درق بیت های ۲۱۷۱ و ۲۱۷۲ پس از بیت ۲۱۷۶ آمده اند ۳۴- ق: بید ۳۵- س: تخت: ق: تاج ۳۶- ق: تختش ۳۷- ق: بزرگی و اورنگ و بخت مراست: ل این بیت را ندارد

فرستاده گفت: ای خداوند رخس  
 همه دشت مردست و پیل و سپاه  
 که داند که خود چون بود روزگار؟  
 چو بشنید رستم برانگیخت رخس  
 تنی زورمند و به بازو کمند  
 چه خاقان چینی کمند مرا  
 به دشت آهوی ناگرفته مبخش!<sup>۱</sup>  
 چو خاقان که با تاج و گنجست و گاه<sup>۲</sup>  
 که پیروز برگردد از کارزار؟<sup>۳</sup>  
 منم - گفت - شیراوزن<sup>۴</sup> تاج بخش  
 چه روز فسوست<sup>۵</sup> و هنگام پند<sup>۶</sup>  
 چه شیر ژیان دست بند مرا

گفتار اندر گرفتن رستم خاقان چین را به کمند<sup>۸</sup>

بینداخت آن تاب داده کمند  
 بیامد<sup>۱۱</sup> بنزدیک پیل سپید  
 چو از دست رستم رها شد کمند  
 ز پیل اندر آورد و زد بر زمین  
 پیاده همی راند تا کوه<sup>۱۴</sup> شهد  
 میان<sup>۹</sup> سواران همی کرد بند<sup>۱۰</sup>  
 شد آن شاه چین از روان ناامید<sup>۱۲</sup>  
 سر نامدار<sup>۱۳</sup> اندر آمد به بند  
 بیستند بازوی خاقان چین  
 نه پیل و نه تخت و نه تاج<sup>۱۵</sup> و نه مهد

چنین ست رسم سرای فریب  
 چنین بود تا بود گردان سپهر  
 گهی بر فراز و گهی بر<sup>۱۶</sup> نشیب  
 گهی جنگ<sup>۱۷</sup> و کین<sup>۱۸</sup> و گهی شهد<sup>۱۹</sup> و مهر

۱- ل: منم گفت رو بین تن تاج بخش (= ۲۱۷۶ ب): ل نخست ۲۱۷۳ ب - ۲۱۷۶ آ را انداخته و از ۲۱۷۳ آ و ۲۱۷۶ ب یک بیت ساخته و پس  
 ۲۱۷۳ ب را در کتاره برابر ضبط متن تصحیح کرده و در همانجا بیت های ۲۱۷۵ و ۲۱۷۶ را افزوده است ۲- ل: و با تخت و گاه: س: گنج  
 و تاجست و گاه: ق: چو خاقان با تاج و تخت و کلاه: متن = ف: س: ل این بیت را ندارد ۳- ف: س: (نیز ق): گردد درین (ق: بدین)  
 کارزار: ق: (نیز ل): کرا تاج بر سر بند کرد گاه: متن = ل: س: ل (نیز هفت دستویس دیگر) ۴- ل: ل: ل: س: (نیز ق: ب): شیراوزن: س:  
 شیراوزن و: متن = ف: ق ۵- ل: بازوی ۶- ل: (نیز ق): فریبست: (ب: و آ: فسوست): متن = ف: س: ل: س: (نیز ل: ل: ل:  
 ب) ۷- ل: س: (نیز و آ): بند (حرف یکم نقطه ندارد): س: ل: (نیز ل: ق: ل: ب: ب): بند: متن = ف: (نیز ل: ل: ل: ق: این بیت را  
 ندارد ۸- ف: گفتار اندر گرفتن رستم خاقان چین را بکند از پشت پیل و فرستادن با لشکرگاه خویش و هزیمت شدن: س: ل: گرفتار شدن  
 خاقان چین و تورانیان (ل: گردان) بر دست رستم: ق: گرفتار شدن خاقان چین در نبرد رستم و هزیمت تورانیان: ل: س: س: نویس ندارد: متن =  
 آغاز ف ۹- ل: ل: س: (نیز ل: ل: ب: ل: آ: ب): سران: متن = ف: س: ۱۰- ق: سر شاه چین اندر آمد به بند: ۲۱۸۱ ب: ل: این بیت  
 را ندارد ۱۱- ل: س: ق: (نیز ق: ل: ل: و ب): چو آمد: متن = ف: ل: ل: س: (نیز ل: ل: ب: ل: آ) ۱۲- ق: بید شاه چین از روان  
 ناامید ۱۳- ل: (نیز ل): شاه چین: س: ل: (نیز ل: ل: ب: ب): شهریار: متن = ف: س: (نیز ق): ق: این بیت را ندارد ۱۴- ل: ل: س: ق:  
 (نیز ل: و): رود: متن = ف: ل: ل: س: (نیز هفت دستویس دیگر) ۱۵- ل: ق: تاج و نه تخت: س: گنج و نه تاج: متن = ف: ل: ل:  
 س: ۱۶- ق: ل: ل: س: در: متن = ف: ل: س ۱۷- ق: زهر ۱۸- ل: زهرست ۱۹- ل: نوش: س: ل: (نیز ق: ل: ب: و آ:  
 ب) پس از این بیت افزوده اند:

همو را کند سوگوار (ل: خوار و زار) و نژند  
 پسر نیک و بد گاه نایافته  
 تنی سرز سرزان و دل پسر ز کین  
 و زانجا بگه شد (ل: از آنجا بیامد) سوی رزمگاه

یکی را برآرد بچرخ (ل: با بر) بلند  
 ازو شادمانی و زوتنافته  
 همه آنکه بی آورد خاقان چین  
 سپردش بدان روز بانان شاه

ف: ل: ق: س: (نیز ل: ل: ل: ل: ل: این بیت ها را ندارند

از آن <sup>۱</sup> پس به گرز گران دست برد چنان شد در و دشت آوردگاه ز بس کشته و خسته <sup>۲</sup> شد جوی خون چنان بخت <sup>۳</sup> تابنده تاریک شد برآمد یکی باد و ابری <sup>۴</sup> سیاه سر از پای دشمن ندانست باز <sup>۵</sup> نگه کرد پیران بدان کارزار به <sup>۶</sup> منشور و قَرطوس و خاقان چین درفش بزرگان نگوَسار <sup>۷</sup> دید به نَسْتِهَن گُرد و <sup>۸</sup> گُلِبَاد گفت نگوسار <sup>۹</sup> کرد آن <sup>۱۰</sup> درفش سیاه همه میمنه گیو تاراج کرد بجست از چپ لشکر و دست راست چو او را ندیدند، گشتند باز ته گشته اسپان جنگی <sup>۱۱</sup> ز کار برفتند با کام دل سوی کوه همه ترگ و جوشن به خون و به خاک <sup>۱۲</sup> تن از جنگ خسته، دل از رزم <sup>۱۳</sup> شاد	۲۱۹۰
بزرگش همان و همان بود <sup>۱۴</sup> خرد که شد تنگ بر مور و بر پشه راه <sup>۱۵</sup> یکی بی سر و دیگری سرنگون همانا <sup>۱۶</sup> به شب روز نزدیک شد بشد <sup>۱۷</sup> روشنایی ز خورشید و ماه بیابان گرفتند و راه دراز <sup>۱۸</sup> چنان تیره بُد گردش <sup>۱۹</sup> روزگار بدان <sup>۲۰</sup> نامداران و مردان <sup>۲۱</sup> کین به خاک اندرون خستگان <sup>۲۲</sup> خوار دید که ژوپین <sup>۲۳</sup> و خنجر <sup>۲۴</sup> بیاید نهفت برفتند پویان <sup>۲۵</sup> به بیراه و راه <sup>۲۶</sup> در و دشت چون پر دُراج کرد بدان تا بدانند که پیران کجاست دلیران سویی <sup>۲۷</sup> رستم کینه ساز <sup>۲۸</sup> همه رنجه <sup>۲۹</sup> و خسته در <sup>۳۰</sup> کارزار تهمتن به پیش اندرون با گروه <sup>۳۱</sup> شده غرق <sup>۳۲</sup> و بَرگُستوان چاک چاک جهان را چنینه ست ساز و نهاد	۲۱۹۵
	۲۲۰۰

۱- س. ق. وزان ۲- ف. س. ا. نیز؛ س. همان بود با مرد؛ متن = ل. ق. ل. (نیزل-ب) ۳- ل. ۴- که از کشته جایی ندیدند راه؛ درف این بیت دوبار آمده است ۵- ق. خسته و کشته؛ ف. ل. این بیت را ندارند، ولی در سیزده دستنویس دیگر هست ۶- (ل. ق. ل. لن. ا. جوان بخت؛ ب. چنان نخت) ۷- ل. ۸- که گفتی؛ ف. این بیت را ندارد، ولی در چهارده دستنویس دیگر هست ۹- ل. ق. ابر و بادی ۱۰- ف. که شد؛ متن = ل. س. (نیزل-ب. لن. آ. ب) ۱۱- ف. راست (۹)؛ متن = ل. س. (نیز ل-ب) ۱۲- ف. گزیدند بر دست راست (۹)؛ (ل. آ. گزیدند و راه دراز)؛ متن = ل. س. (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۳- س. شد گردش؛ ل. نیز برگشتن؛ ق. (نیز ل. ۳)؛ تیره برگشتن؛ متن = ل. ا. س. (نیزل. ل. ب. لن. آ. ب) ۱۴- ل. ق. ل. (نیز ل. ۲)؛ نه؛ س. نه (نقطه ندارد)؛ متن = ف. س. (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۵- ل. نه آن؛ (ل. ۲)؛ نه از؛ متن = ف. س. ق. ل. س. (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۶- س. گردان ۱۷- ل. س. ق. س. (نیزل-ب)؛ نگوَسار؛ متن = ف. ل. ۱۸- ق. کشتگان ۱۹- ل. [و]؛ ف. به نستین و گُرد؛ متن = س. ق. ل. س. ۲۰- در همه دستنویسها؛ ژوپین ۲۱- ل. که شمشیر و نزه ۲۲- ل. س. ق. س. نگوَسار؛ متن = ف. ل. ۲۱- ف. این؛ متن = ل. س. ۲۲- ق. تازان ۲۳- س. بدان شاه راه؛ ف. پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر هزمت شدن لشکر ترکان از پیش رستم و ایرانیان و گریختن پیران و هومان و هاک و فرشدورد ۲۴- س. بر ۲۵- ل. سرفراز؛ ق. همه خسته و رنجه رزمناز (= ۲۲۰۰)؛ درس پس از این بیت، بیت ۲۲۰۵ آمده است ۲۶- ق. اسب بزرگان ۲۷- ل. رخنه (→ رخته)؛ س. مانده؛ ق. س. خسته؛ متن = ف. ل. ۲۸- ل. س. خسته؛ ق. رنجه؛ ل. خسته از؛ س. رنجه در؛ متن = ف. ۲۹- ل. این بیت را ندارد ۳۰- ل. پراز خون و خاک؛ متن = ف. س. ق. ل. س. (نیزل-ب) ۳۱- ف. س. ترگ؛ متن = ل. س. ق. ل. (نیز ل-ب) ۳۲- ق. کینه

<p>ز گشته نه پیدا فراز از نشیب یکی از دگر<sup>۴</sup> بازشناختند که دشمن به بند گران بسته بود<sup>۵</sup> که اکنون<sup>۶</sup> بیاید گشادن میان نه گوپال<sup>۸</sup> باید، نه بند کمر از آن پس کجا<sup>۱۰</sup> خاک<sup>۱۱</sup> برسر نهید<sup>۱۲</sup> که اکنون شده ستی دل ما دژم به من بازگفت این سخن در نهان<sup>۱۴</sup>، ز پیران و هومان<sup>۱۶</sup> ستوه آمده ست، برآمد ز پیگار مغزم به جوش دل تیره تر گشت برسان شیز زمانی به جایی نکردم<sup>۲۰</sup> درنگ بدان<sup>۲۲</sup> نامداران و مردان کین<sup>۲۳</sup>، چنان<sup>۲۴</sup> یال و آن شاخ<sup>۲۷</sup> و آن دست و گرز<sup>۲۸</sup>، که تا من بیستم به مردی کمر، ندیدم به جایی به سال<sup>۲۹</sup> دراز شب تیره و گرزهای گران</p>	<p>پُر از خون پر و پای و تیغ<sup>۱</sup> و رکیب<sup>۲</sup> چنین تا ز شستن<sup>۳</sup> پرداختند سر و تن بستند و دل شسته بود چنین گفت رستم به ایرانیان به پیش خداوند<sup>۷</sup> پیروزگر همه سر به خاک سیه بر نهید<sup>۹</sup> کزین نامداران یکی<sup>۱۳</sup> نیست کم چو آگاهی آمد به شاه جهان که طوس<sup>۱۵</sup> سپهد به کوه آمده ست از<sup>۱۷</sup> ایران برفتم ابی<sup>۱۸</sup> رای و هوش ز بهراه گودرز و ز ریونیز از<sup>۱۹</sup> ایران همی تاختم تیزچنگ چو چشم برآمد<sup>۲۱</sup> به خاقان چین بویره<sup>۲۴</sup> به کاموس و آن فر و برز<sup>۲۵</sup> به دل گفتم: آمد زمانم به سر ازین بیش مردان و زین بیش ساز رسیدم به دیوان مازندران</p>	<p>۲۲۰۵ ۲۲۱۰ ۲۲۱۵ ۲۲۲۰</p>
--	---	--

۱-س: چنگ؛ ل. ق (نیز ق، ل): بر و تیغ (ق: دست) و پای: متن = س (نیز لن، ل، پ-ب) ۲-س: رکاب؛ ف. ل: این بیت را ندارند ۳-ل، ل: ل (نیز لن، ل، ب، و، آ): بشتن: (ق: ل، ن: نشستن): س: چو از بازگشتن؛ متن = س ۴-ل، ل، س (نیز ق، ل، آ): یک از دیگری؛ (و: یک از دیگران): متن = ل، ل، س (نیز لن، پ، لن): ف. ق (نیز ب) این بیت را ندارند؛ در س این بیت پس از بیت ۲۱۹۹ آمده است ۵-در ق این بیت پس از بیت ۲۲۰۷ آمده است ۶-ل: کزین پس ۷-ل: جهاندار ۸-در پ-ب با سه نقطه ۹-ق: بر نهاد ۱۰-ل: کزین پس همه: (و: از آن به کجا): متن = ف، س، ق، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۱-ل، ل، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ب، لن): تاج؛ متن = ف، س، س (نیز ل، و، آ، ب) ۱۲-ق: نهاد ۱۳-ل: کسی؛ ل، س پس از این بیت افزوده اند:

ل: چنین گفت رستم بگودرز و گبو  
س: چو خاقان چینی ببند منست  
بدان نامداران و گردان نیو  
سپاهش سراسر نژند منست

۱۴-س: ناگهان ۱۵-س: که اکنون ۱۶-ف: وزان ترک خاقان؛ ق (نیز ل): وزان مرز خاقان؛ (و: وزانیه دشمن): متن = ل، س، ل، س (نیز لن، ل، ب، لن، آ، ب) ۱۷-ل: ز ۱۸-ف: برفتمی بی دل (نیز ل، آ): برفتمی با؛ س (نیز ب): برانده ابی؛ ق: از آن آگهی شد مرا؛ س: برفتم از ایران ابی؛ متن = ل (نیز لن، ب، و، لن) ۱۹-س: ز ۲۰-ق، س: نکرده بجایی ۲۱-ق: بیامد ۲۲-ل، ل، ل: بران ۲۳-ل: س: برزبالا و آن زور کین؛ متن = ف، ل، ق، س ۲۴-ف (نیز لن، ب، و، لن): بخاصه؛ متن = ل، س (نیز ق، ل، ب، و، آ، ب) ۲۵-ل: آن دست و گرز ۲۶-ل، ل، س: بران؛ ق: بدان؛ متن = ف، ل، س ۲۷-س: شاخ و آن یال ۲۸-ل: آن فر و برز؛ ل پس از این بیت افزوده است:

که بودند هر یک چو کوهی بلند  
به زیر اندرون زنده پیل نژند

۲۹-ف، س (نیز لن، ق، ل، ب، آ، ب): عمر؛ ق، ل: روزه؛ س (نیز و، لن): عمری؛ (ل: رزم): متن = ل

- ز مردی نیچید<sup>۱</sup> هرگز دلم بدین رزم<sup>۵</sup> تاریک شد روز من کنون<sup>۶</sup> گر همه پیش یزدان پاک سزاوار باشد، که او داد زور مبادا که این کار گیرد<sup>۹</sup> نشیب ننگه کن که کارآگهان ناگهان بیاراید آن نامور بزمگاه<sup>۱۱</sup> بیخشد به درویش بسیار<sup>۱۲</sup> چیز کنون<sup>۱۳</sup> جامه‌ی رزم بیرون کنید<sup>۱۴</sup> غم و کام دل بی گمان بگذرد همان به که ما<sup>۱۷</sup> جام می بشکریم<sup>۱۸</sup> سپاس از جهاندار<sup>۲۰</sup> پیروزگر کنون می گساریم تا نیم شب سزد گر دل اندر سرای سینج
- ۲۲۲۵
- ۲۲۳۰
- ۲۲۳۵
- بزرگان برو خواندند آفرین<sup>۲۳</sup> پسندیده باد آن<sup>۲۵</sup> نژاد و گهر<sup>۲۶</sup> کسی را که چون پیلتن کهرتست<sup>۲۸</sup>
- که بی تو مبادا کلاه و نگین<sup>۲۴</sup> همان بوم کو چون تو آرد به بر<sup>۲۷</sup> ز گردون گردان سرش برترست

۱-س: نرسید ۲-(پ.آ: بگفتم) ۳-ف: کزاز(؟)؛ س: کراز(؟)؛ (ل: آ: اگرز(؟))؛ متن = ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، پ، و، لن، ب) ۴-ل: آرزوی ۵-س: مرز؛ ل بجای این بیت افزوده است: جز آن دم که دیده ز کاموس جنگ

دلم گشت یکباره زین کینه تنگ

۶-ق: سزد ۷-س: (نیزل، آ): بظلم ۸-ف: [و] ۹-س: گردد ۱۰-ل: نزد ۱۱-ل: ق: (نیزل، و): بارگاه؛ ل: (نیزلن، ب، لن، پ، لن): پیشگاه؛ متن = ف، س، س: (نیزق، ل، آ، ب) ۱۲-ل، س: فراوان بدرویش؛ متن = ف، ق، ل، س: ۱۳-ق: همه ۱۴-ل: کنیم ۱۵-ل: باسایش آرایش؛ (ق: بارامش ورامش؛ ل: بارام و آسایش)؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیزلن، ل، ب، لن، آ، ب) ۱۶-درس با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۷-ل، س: (نیزلن، ق، آ): با؛ متن = ف، س، ق، س: (نیزل، ل، ب، لن، ب) ۱۸-ل، ل: (نیزلن، ق، آ، ب، لن، ب) ۱۹-ل، س، ق، ل: بدین؛ متن = ف، س: درل بیت ۲۲۳۱ با ۲۲۳۳ پس و پیش شده است ۲۰-ق، ل: خدادند ۲۱-ق: گنج؛ درس این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۲-س: نبندد ۲۳-ق: آفرین خواندند ۲۴-ق: ورا پهلوان زمین خواندند؛ ق پس از این بیت افزوده است:

که بی تو مبادا کلاه و نگین (= ۲۲۳۵ ب)

ز نیکی دهش بر تو باد آفرین

۲۵-ل، س، ق: این ۲۶-ق: هنر ۲۷-ف، س: (نیزلن، ب، لن، آ): پسر؛ ق: گهر؛ (ل: آ: آورد بر)؛ متن = ل، ل، س: (نیزق، ل، و، ب)؛ درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۸-س: مهترست

تو دانی که با ما بگردد<sup>۱</sup> به<sup>۲</sup> مهر  
 همه کشته<sup>۳</sup> بودیم و برگشته روز  
 که از جان تو شاد بادا سپهر  
 به تو زنده<sup>۴</sup> گشتیم و گیتی فروز

۲۲۴۰ بفرمود تا پیل با تختِ عاج  
 می خسروانی بیاورد و جام  
 بزد گره‌نای<sup>۶</sup> از بر پشت<sup>۷</sup> پیل  
 چو خرم شد از می جهان<sup>۱</sup> پهلوان  
 بیارند با طوق و زرینه<sup>۵</sup> تاج  
 نخستین ز شاه جهان برد نام  
 همی رفت آواز او بر دو<sup>۸</sup> میل  
 برفتند شادان و روشن‌روان

۲۲۴۵ چو پیراهن شب بدرید ماه  
 طلایه پراگند<sup>۱۱</sup> بر گرد دشت؛  
 پدید آمد آن خنجر تابناک  
 تبیره برآمد ز پرده‌سرای  
 چنین گفت رستم به گردنکشان  
 نباید شدن<sup>۱۵</sup> سوی آن رزمگاه  
 ۲۲۵۰ بشد پیشرو<sup>۱۸</sup> بیژن شیرمرد  
 جهان دید پُر کُشته و خواسته  
 پراگنده کشور پُر از خسته<sup>۲۱</sup> دید  
 ندیدند<sup>۲۳</sup> زنده کسی را به جای  
 بنزدیک رستم رسید آگهی  
 نهاد از بر چرخ<sup>۱۰</sup> پیروزه‌گاه،  
 چو زنگِ درنگی<sup>۱۲</sup> شب اندرگذشت،  
 بگردار یاقوت شد روی<sup>۱۳</sup> خاک،  
 برفتند گردان لشکر ز جای  
 که جایی نیامد ز پیران نشان<sup>۱۴</sup>  
 ز<sup>۱۶</sup> هر سو فرستاد بی‌مر<sup>۱۷</sup> سپاه  
 به جایی کجا بود دشت نبرد،  
 به<sup>۱۹</sup> هر سو نشستی بیاراسته<sup>۲۰</sup>  
 به خاک اندر افکنده نابسته دید<sup>۲۲</sup>  
 زمی بود و<sup>۲۴</sup> خرگاه و پرده‌سرای  
 که شد روی کشور ز ترکان تهی

۱- ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن<sup>۱</sup>): چه کردی؛ ل<sup>۱</sup> (نیز ل، آ، ب): نگرودد؛ (ل<sup>۱</sup>: چه دارد)؛ متن = ف ۲- ق (نیز لن، ل، پ، و، لن<sup>۱</sup>): ز؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، آ، ب) ۳- ل، س (نیز و، ب): مرده؛ متن = ف، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستویس دیگر): کشته = گشته؟ گشته؟ ۴- ق: شاد؛ س پس از این بیت افزوده است:

بر آن مهتران پهلوان زمین بسی آفرین خواند ازداد و دین

۵- ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، ل، آ، پ، لن، آ، ب): طوق زرین و؛ متن = ف (نیز ق، و) ۶- ف، س: کرتنای؛ ل: کرتنا؛ متن = ق، ل، س<sup>۱</sup> ۷- ل: زنده؛ (ق: از پس پشت)؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، ب) ۸- ل، س، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، ب): آوازشان بر دوه؛ ق: آواز آن بر دوه؛ ل<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>): آواز بر چند؛ متن = ف ۹- ل: رخ؛ ق: دل؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> ۱۰- ق: تخت ۱۱- ف: پراکنده؛ س: برافکنند؛ متن = ل، ق، ل، س<sup>۱</sup> ۱۲- ل: زنگی دورنگ؛ ق (نیز لن، ق، ل، ن<sup>۱</sup>): رنگ درنگی؛ (ل، آ: زنگی و زنگ؛ ل<sup>۱</sup>: رنگ دورنگ؛ ب: رنگ درنگ)؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> (درس، س<sup>۱</sup> حرف دوه واژه یک- نقطه ندارد): زنگ درنگی- زنگی درنگی؟ ۱۳- ف، س: تیره؛ متن = ل، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز لن-آ) ۱۴- ل این بیت را ندارد ۱۵- ق: رونده رود ۱۶- ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، ب): به؛ متن = ف (نیز ق<sup>۱</sup>) ۱۷- ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، لن، آ، ب): باید؛ متن = ف (نیز و) ۱۸- س، ق (نیز ل، آ، ب): پیش او؛ (ق: در زمان)؛ ل، ل<sup>۱</sup> (نیز ل<sup>۱</sup>): شد از پیش او؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، لن<sup>۱</sup>) ۱۹- ل: ز ۲۰- ق: یکی گنج آراسته ۲۱- ق: کشته ۲۲- ل: پیوسته دید؛ س<sup>۱</sup>: بایسته دید؛ ق: بخون و بخاک اندر آغشته دید؛ متن = ف، ل، س ۲۳- ق: ندید ایچ ۲۴- ل: زمین بود و؛ ق (نیز ل، لن<sup>۱</sup>): زمین بود؛ س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، ب، آ، ب): زمین پر ز؛ متن = ف

<p>برآشفت برسان<sup>۲</sup> شیر ژیان          که کس<sup>۳</sup> را خرد نیست با مغز جفت<sup>۴</sup>          سپه چون گریزد ز ما همگروه<sup>۵</sup>؟          در و راغ<sup>۶</sup> چون دشت و<sup>۷</sup> هامون کنید          سپردید و دشمن به رنج و به راه<sup>۸</sup>          چو رنج آوری<sup>۹</sup>، گنج بار آورد          ز تیمار<sup>۱۰</sup> ایران هراسان شو<sup>۱۱</sup>،          چو هومان و رویین و<sup>۱۲</sup> پولاد را،          تو در لشکر و<sup>۱۳</sup> رستم از<sup>۱۴</sup> کشوری،          مرا زین سپس کی<sup>۱۵</sup> به چنگ آورید؟          تبه شد همه کرده فرجام<sup>۱۶</sup> کار          که این جای خوابست گر<sup>۱۷</sup> دشت جنگ؟          سراهنگ آن دوده را نام چیست؟          هم اندر زمان دست و پایش بکوب<sup>۱۸</sup>          نگه کن یکی پشت پیل<sup>۱۹</sup> بلند          مگر بخته<sup>۲۰</sup> گردد بدان بارگاه          ز دیبا<sup>۲۱</sup> و از<sup>۲۲</sup> افسر و گنج و تاج،</p>	<p>ز ناباکی و<sup>۱</sup> خواب ایرانیان          زبان را به دشنام بگشاد و گفت          برین<sup>۲</sup> گونه دشمن<sup>۳</sup> میان دو کوه          ظلایه بگفتم که بیرون کنید          شما سر به آسایش و خوابگاه          تن آسان غم و رنج بار آورد          چو گویی<sup>۴</sup> که روزی تن آسان شو<sup>۵</sup>          ازین پس تو پیران و گلباد را          نگه کن برین<sup>۶</sup> دشت با لشکری؛          اگر تاو<sup>۷</sup> دارید جنگ آورید          چو<sup>۸</sup> پیروز برگشتم از کارزار          برآشفت و با طوس<sup>۹</sup> شد چون پلنگ          ظلایه نگه کن که از خیل کیست؟          چو مرد ظلایه بیابی به چوب          ازو چیز بستان<sup>۱۰</sup> و پایش ببند          برینسان<sup>۱۱</sup> فرستش بنزدیک شاه          ز دینار<sup>۱۲</sup> و از<sup>۱۳</sup> گوهر و تخت عاج</p>
---	--

۱- ل: [و] ۲- ل (نیز لن، ل، ب، لن): رستم چو؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز ق، ل، و، آ، ب): ق در اینجا سرنویس دارد: عتاب کردن رستم با ایرانیان جهت پیران ۳- ل: این ۴- ق: که مغز کسی با خرد نیست جفت ۵- ل، ق: بدین؛ س: بران؛ متن = ف، ل، ل ۶- س، ل: لشکر؛ متن = ف، ل، ق، س ۷- ق: سپه خواب جوید همه همگروه ۸- س: راه ۹- ل، س: (نیز ق، ل، و، ب): دشت؛ ق: پشت؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ل، ب، لن، آ) ۱۰- ل (نیز ل): بسیجید راه؛ س (نیز ب): برفته براه؛ ق (نیز ل): نپدید و دشمن بسیجید راه؛ متن = ف، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱- ل: آورد ۱۲- ق، ل: گویم ۱۳- ل: شوند؛ س: شویم ۱۴- ق: اندوه ۱۵- ل، ل، [و]: س: نستین گردد و؛ ق: رویین و هومان و؛ متن = ف، س ۱۶- ل، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ل، آ): بدین؛ س (نیز ب): درین؛ متن = ف، س (نیز ب، و، لن) ۱۷- ل، س، ل (نیز لن، ب): کشوری؛ ق: جنگ و؛ ل، آ: لشکری؛ س (نیز ب، لن): تو این (ب، لن، آ) از کشوری؛ متن = ف، ق (نیز و) ۱۸- ق: رستم و؛ س: رستم آن؛ ق: رستم دگر؛ متن = ف، ل، س، ل (نیز لن، ل، ب، ب) ۱۹- ق (نیز ق، ل، آ): تباب؛ (لن: پائی)؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیز ل، ب، لن، آ، ب) ۲۰- ف: گره؛ متن = ل، س (نیز لن، ب، لن، آ، ب) ۲۱- ل، س، س، ل (نیز ل، آ، ب): که؛ متن = ف (نیز لن، ق، آ، ب، لن) ۲۲- ل (نیز ق): نکو (ق: همه) کشته فرجام؛ س (نیز ل، آ، ب): همه کشته بر جای؛ س: گشت همه کرده فرجام؛ متن = ف (نیز لن، ب): ق، ل این بیت را ندارند ۲۳- ل، ل، س (نیز و، ب): برآشفت با طوس و؛ ق: برآشفت با طوس؛ متن = ف، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ب): یا؛ متن = ل ۲۵- س: این بیت را ندارد ۲۶- ف: مستان (!)؛ متن = ل، س (نیز لن، ب) ۲۷- ق، ل، س، ل، س: پیل ۲۸- ل، ل، س (نیز لن، ل، آ): بدینسان؛ متن = ف، س، ق (نیز ق، ب) ۲۹- ف، ل، س (نیز ل، و): بخته (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، س (نیز لن، ل، آ): راه؛ ق (سخت)؛ متن = ق (نیز ل، ب، ب): بخته = بخته؟ بخته؟ ۳۰- ل: یاقوت؛ س: دیبا؛ متن = ف، س، ق، ل ۳۱- ف، ل، س، ق، س: وزه؛ متن = ل ۳۲- ل، س: دینار؛ متن = ف، س، ق، ل ۳۳- ل، ق: وزه؛ متن = ف، س، ل، س



نگر تا که دارد از <sup>۱</sup> ایران سپاه	همه خواسته یکسره <sup>۲</sup> پیش خواه
برین <sup>۳</sup> دشت بسیار شاهان بُدند	همه نامداران گیهان <sup>۴</sup> بُدند
ز چین و ز سقلاب و ز هند و <sup>۵</sup> وهر	همه گنج داران <sup>۶</sup> گیرنده شهر
ازین <sup>۷</sup> هدیه <sup>۸</sup> شاه باید نخست	پس آنگه مرا و ترا <sup>۹</sup> بهره <sup>۱۰</sup> جُست
سپهد بیامد همه گرد کرد <sup>۱۱</sup>	برفتند گردان به دشت نبرد <sup>۱۲</sup>
کمرهای زرین و بیجاده تاج	ز دیبای رومی و از <sup>۱۳</sup> تخت عاج،
ز تیر و کمان و ز برگشتوان	ز گویال <sup>۱۴</sup> و از <sup>۱۵</sup> خنجر هندوان،
یکی کوه شد <sup>۱۶</sup> در میان دو کوه	نظاره شده گردش اندر گروه <sup>۱۷</sup>
کمان کش <sup>۱۸</sup> سواری، گشاده بری <sup>۱۹</sup>	به تن زورمندی و گنداوری <sup>۲۰</sup>
خدنگی بینداختی چار پر	ازین سر <sup>۲۱</sup> بدان <sup>۲۲</sup> سر <sup>۲۱</sup> نکردی گذر
چو رستم نگه کرد <sup>۲۳</sup> خیره بماند	جهان آفرین را فراوان بخواند
چنین گفت کین روز ناپایدار	گهی بزیم سازد <sup>۲۴</sup> ، گهی کارزار
همی گردد <sup>۲۵</sup> این خواسته زآن بدین <sup>۲۶</sup>	به نفرین دهد <sup>۲۷</sup> گه، گهی بافرین <sup>۲۸</sup>
یکی گنج ازینسان همی پرورد	کسی <sup>۲۹</sup> دیگر آید کزو برخورد
بر آن <sup>۳۰</sup> بود کاموس و خاقان چین	که آتش برآرند از <sup>۳۱</sup> ایران زمین
بدین زنده پیلان <sup>۳۲</sup> و این خواسته	بدین <sup>۳۳</sup> لشکر و گنج آراسته
به گنج و به انبوه بودند شاد	زمانی ز یزدان نکردند <sup>۳۴</sup> یاد

۱- ل، ق: زه متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> ۲- ل، س: یکسره خواسته؛ در ل پس از این بیت، بیت ۲۲۷۵ آمده است ۳- ل: بدان؛ س، ق: ل (نیز لن-ب، ل، ن، ب): بدین؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> (نیز و، آ) ۴- ق: و پاکان ۵- ق: و هندوز ۶- ف، ق: نامداران؛ (ل: تاجداران)؛ متن = ل، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، ل، ن، ب) ۷- ق: از آن ۸- س: هدیه ها ۹- ق: ترا و مرا ۱۰- ل، ل، ل: بهره؛ ق: هدیه؛ متن = ف، س، س: در ل این بیت پس از بیت ۲۲۷۲ آمده است ۱۱- ق: کرد یاد ۱۲- ق: از روزم شاد ۱۳- ف، ل، ق: س: وزه متن = ل ۱۴- در ب، و، ل، ب با سه نقطه ۱۵- ف، ل، س، ق: س: وزه متن = ل ۱۶- س، س، ل، ل: بد: متن = ف، ل، ق ۱۷- ق: بر آن ها نظاره گروه ها گروه ۱۸- س: کمان و ۱۹- ق: بینداختی ۲۰- ق: گشاده بری ۲۱- ل، ل، س، ق: ل (نیز ق، ل، و، ب): سو: (لن: رد): متن = ف، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، ب، آ) ۲۲- س: بران ۲۳- ل: کرد و ۲۴- ق: دارد؛ س (نیز ل، آ، ب) پس از این بیت دو بیت و ل پس از بیت سیم تنها بیت دوم را افزوده اند:

گهی شادمانه گهی نندرت  
زمانه نماند بیارم خویش  
گهی خشک و گهی مرگ جت  
چنین بود تا بود آیین کسی

۲۵- س: داد ۲۶- ل: برین ۲۷- ل، ق: بود؛ متن = ف، س، ل ۲۸- س: دهد گاه نفرین و گاه آفرین؛ در ل بیت های ۲۲۸۳-۲۲۸۶ دو بار آمده اند و ۲۲۸۴ ب در بار نخست برابر ف و در بار دوم برابر س است ۲۹- ل، س: یکی؛ متن = ف، ل، س: ق این بیت را ندارد ۳۰- س: برین؛ ق: بدان؛ متن = ف، ل، ل، ل، س<sup>۱</sup> ۳۱- ف: برآید از: ل: برآرد زه متن = س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب) ۳۲- ف، س: زند پیلان ۳۳- ف: برین؛ متن = ل، س<sup>۱</sup> ۳۴- ل: بکردند (!)

- ۲۲۹۰ که چرخ و سپهر و زمان<sup>۱</sup> آفرید  
سپه بود و هم<sup>۳</sup> گنج آباد بود  
کنون این<sup>۴</sup> بزرگان هر کشوری  
اباه زنده پیلان<sup>۶</sup> فرستم به شاه  
همان<sup>۷</sup> خواسته بر هیونان مست  
و زایدرا<sup>۸</sup> شوم تازنان<sup>۹</sup> تا به گنگ<sup>۱۰</sup>  
۲۲۹۵ کسی کو گنهکار و خونی بود  
جهان را به خنجر بشویم پست<sup>۱۲</sup>  
بدو گفت گودرز کای نیک‌رای
- تہمتن فرستده بی<sup>۱۵</sup> را بیجست<sup>۱۶</sup>  
فریرز کاوس را برگزید  
چنین گفت کای نیک‌پی<sup>۱۸</sup> نامدار  
هنرمند<sup>۲۱</sup> با دانش و با نژاد  
یکی رنج برگیر و زایدر برو
- بسی آشکار و نهان<sup>۲</sup> آفرید  
سیگالش همه کار بیداد بود  
گزیده ز هر کشوری مهتری،  
همان تخت زرین و زرین‌کلاه،  
فرستم سزاوار چیزی که هست،  
درنگی نه والا بود مرد سنگ  
به کشور بماند<sup>۱۱</sup> زبونی بود  
بدان را نمانم که باشد نشست<sup>۱۳</sup>  
تو تا جای ماند<sup>۱۴</sup> بمانی به جای
- که با شاه گستاخ باشد نخست<sup>۱۷</sup>  
که با شاه نزدیکی او را سزید  
هم از تخم<sup>۱۹</sup> شاهی و هم<sup>۲۰</sup> شهریار  
توشادان و این گوهران<sup>۲۲</sup> از توشاد  
بر نامه‌ی من بر شاه نو

۱- ف. س. زمان و سپهر (س. بساوند ندارد): س. (نیز ل. آ): زمان و زمین (س. بساوند ندارند): ل. زمین و سپهر (س. بساوند ندارد): (ل. ل. ب. و. زمین و زمان): متن = ل. ق. (نیز ق. ل. ب. آ. ب) ۲- ف. چو کیوان و ناهید و مهر: ل. بسی آشکارا نهان: س. هسی آشکار و نهان: (و. پس از آشکارا نهان): متن = ق. ل. س. (نیز ل. ب. ل. آ. ب): ل. س. (نیز ق. ل. آ. ب) پس از این بیت افزوده‌اند:  
زیزدان شناس و بسزدان سپاس بدو بگرود مرد نیکی شناس  
کز بودمان زور و فر (س. فر و زور) و هنر  
ازو دردمندی و هم زو گهر (س. سودمندی و زو برگذر)

۳- ف. بنه بودش و: متن = ل. س. (نیز ل. ب) ۴- ل. ل. س. ل. س. (نیز ل. ب. آ. ب): از: متن = ف. ق. (نیز ل. ق. ل. ل. و. ل. ل. س. ق. (نیز ق. ل. ل. ب. آ. ب): بدین: ل. مرین: س. (نیز ل. ل. ن): برین: (و. تن): متن = ف. ۶- ف. زند پیلان ۷- ل. ل. س. ل. س. همه: متن = ف. ل. ق. ۸- ق. و زانپس ۹- ل. س. س. (نیز ل. و): تازنان (حرف چهارده نقطه ندارد): ل. (نیز ل. ن): تازنان: متن = ف. ق. (نیز ق. ل. ل. ب. آ. ب) ۱۰- ل. ق. (نیز ل. ب. ل. آ): چون پلنگ: متن = ف. س. ل. ل. س. (نیز و ب) ۱۱- ل. ق. (نیز ل. ل. ب. ل. ن): برنی: متن = ف. س. ل. س. (نیز ق. ل. ل. و. آ. ب) ۱۲- ق. (نیز ل. ن): بشوه بدست: (ق. بشوه تخت: ل. آ. بشوه نشست: و. بشویم دست): ف. بدان را بخنجر بشوه ز کشت (!): ل. زمین را بخنجر بشوه ز کین: (ل. ب. ل. ن): بخون یکیک بشویم دست: متن = س. ل. س. (نیز ب) ۱۳- ف. که یابند پشت: ل. همی بر زمین: ق. که یابند نشست: (ق. که مانند درست: ب. که مانند نشست: و. نماند حدی نشست): متن = س. ل. س. (نیز ل. ل. ب. ل. آ) ۱۴- ف. (نیز ل. آ): باشد: متن = ل. س. ل. س. (نیز ل. ل. ب. ل. آ. ب): ق. این بیت را ندارد: ل. (نیز ب) پس از این بیت افزوده‌اند:  
یکه دل شاد بادی و راد (ب. شاه بادی و شاد)

بدین رزه دادی چو بایست داد

۱۵- ل. س. ق. س. (نیز ل. ق. ل. ل. ب. و. ل. ن. آ): فرستاده: متن = ف. (نیز ل. آ) ۱۶- ل. فرستم فرستاده را نخست ۱۷- س. ل. س. ل. س. ل. درست: متن = ف. ل. ق. ۱۸- س. ق. ل. س. (نیز ل. ل. ب. ل. ن. آ. ب): مهتر: متن = ف. ل. (نیز ق. ل. ل. ن): تخت ۲۰- ق. و خود ۲۱- ل. س. ق. ل. هنرمند و: متن = ف. س. ۲۲- ل. و کاوس شاه: س. ل. (نیز ل. آ. ب): شادی و این گوهران: ق. (نیز ل. ن): شادانی و کهنران: س. شاهی و آن گوهران: (ل. ب. ل. ن): شادی و این دیگران: متن = ف. (نیز ق. ل. و.)

۲۳۰۵      ابا خویشتن بستگان را ببر  
همان افسر و یاره<sup>۲</sup> و طوق<sup>۳</sup> و تاج  
فریبرز گفت: ای هیزبر ژبان<sup>۴</sup>  
هیونان و این<sup>۱</sup> خواسته سربسر  
همان زنده پیلان<sup>۵</sup> و آن<sup>۶</sup> تختِ عاج  
منم راه را تنگ بسته میان

### گفتار اندر نامه نبشتن رستم بنزدیک شاه کیخسرو<sup>۷</sup>

دبیر جهان‌دیده را پیش خواند  
به فرمانش بر نامه‌ی خسروان<sup>۸</sup>  
سر نامه کرد آفرین خدای  
برآرنده‌ی ماه و کیوان و هور  
سپهر و ستاده‌زمین آن اوست<sup>۹</sup>      ۲۳۱۰  
و زو<sup>۱۰</sup> آفرین باد بر شهریار!  
رسیدم به فرمان میان دو کوه  
همانا که شمشیرزن صد هزار  
گشانی<sup>۱۱</sup> و شکنی<sup>۱۲</sup> و چینی<sup>۱۳</sup> و هند  
ز گشمیر تا دامن کوه<sup>۱۴</sup> شهد      ۲۳۱۵  
بترسیدم<sup>۱۵</sup> از دولت شهریار  
سَخُن هر چه<sup>۱۶</sup> بایست با او براند  
ز عنبر نبشتند بر پرنیان<sup>۱۷</sup>  
کجا هست و باشد همیشه به جای  
نگارنده‌ی فر و دیهم و زور  
روان و خرد زیر فرمان اوست<sup>۱۸</sup>  
زمانه مماناد<sup>۱۹</sup> ازو<sup>۲۰</sup> یادگار!  
سپاه سه<sup>۲۱</sup> کشور شده<sup>۲۲</sup> همگروه  
ز دشمن فزون بود در کارزار  
سپاهی ز چین تا به دریای سِند  
سراپرده و پیل دیدیم و مهد  
کزین<sup>۲۳</sup> رزمگاه اندرآرد نهار<sup>۲۴</sup>

۱-ل: آن    ۲-س، ل، س: یاره و افسر    ۳-ل، س، ق (نیز ق، و، ب): گرز؛ ل، س: زره؛ متن = ف (نیز ل، س، ب، لن)    ۴-ف: زنده پیلان    ۵-ل، ل، ل، س: (نیز ل، آ): وهه؛ ق (نیز ق، ب): و این؛ متن = ف، س (نیز ل، ل، و، لن، ب)    ۶-ق: دمان    ۷-ف: گفتار اندر نامه نبشتن رستم بنزدیک شاه کیخسرو و خاقان چین و ترکان؛ ل: نامه رستم زال بشاه کیخسرو؛ س: نامه رستم بنزد شاه کیخسرو با ایران و خواست؛ ق: نامه رستم بکیخسرو و رفتن فریبرز با اسیران؛ ل: اندر نامه رستم نزد کیخسرو به پیروزی؛ س: رفتن فریبرز نزد کیخسرو با اسیران؛ متن = آغاز ف    ۸-ل، س: هرچ    ۹-س (نیز ل، آ، ب): خسروی؛ ل: بفرمود تا نامه خسروی؛ ق، ل، س: (نیز ق، ل): بقرطاس بر نامه خسروی (ق، ل، س: پهلوی)؛ (و: بفرمان او نامه خسروی)؛ متن = ف (نیز ل، ب، لن)    ۱۰-ل: بر پهلوی؛ ل، س: (نیز ل، و، آ): نوشتند بر پهلوی؛ س (نیز ب): نوشته خط پهلوی؛ ق (نیز ل): نوشتند بر خسروی؛ ق: نوشته ابر پهلوی)؛ متن = ف (نیز ل، ب، لن)    ۱۱-ف (نیز و): سپهر و ستاره زمین آن تست (و: آفرید)؛ ل (نیز ق، ل، و، آ، ب): سپهر و زمان و زمین آفرید؛ س: سپهر و زمین و زمان آفرید؛ ق (نیز ل، ب، لن): سپهر و زمان و زمین آن اوست؛ ل، س: سپهر و ستاره زمان آن اوست؛ متن تصحیح قیاسی است    ۱۲-ف: تست (!)؛ ل (نیز ق، ل، و، آ، ب): روان و خرد داد (ل، ل، ب: را) و دین آفرید؛ س: خرد داد و توش و توان آفرید؛ متن = ق، ل، س: (نیز ل، ب، لن)    ۱۳-س، ق، ل، س: ازو؛ متن = ف، ل    ۱۴-ل، ق: مبادا؛ متن = ف، س، ل، س    ۱۵-ف: زو؛ متن = ل، س    ۱۶-ل (نیز ل، ب، لن، ب): دو؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز ق، ل، و، آ)    ۱۷-س، ل، س: همه؛ متن = ف، ل، ق، س    ۱۸-ق: کهانی    ۱۹-ف، ل، س: (نیز ل، ب): شنکی؛ س، ق: چینی؛ متن = ل (نیز ل، ق، ب، و، آ)    ۲۰-س (نیز ل، ل، ب): شنکی؛ ق: شنکی؛ ل، س: سقلاب؛ متن = ف، ل (نیز ل، ق، ب، ب)    ۲۱-ل، ق: رود؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز ل، ق، ل، ب، ب)    ۲۲-ل: نترسیدم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ق، ل، س: (نیز ل، ب): نترسیدم؛ متن = ف    ۲۳-س: کزان؛ ق: که آن    ۲۴-ف: بهار (!)؛ ل: اندرآید نهار؛ ل (نیز ل، آ، ب): اندرآید بهار؛ س: اندرآید دمار؛ س، ق (نیز ل): رزمگاهست یا نوبهار؛ (ل، ب، لن): برآورده از رزمگهشان دمار؛ متن تصحیح قیاسی است (ف + ل)

چهل روز بر هم<sup>۱</sup> همی جنگ بود  
 همه شهریاران<sup>۲</sup> کشور بُدند  
 میان دو کوه از بر راغ<sup>۳</sup> و دشت<sup>۴</sup>  
 همانا که فرسنگ باشد چهل  
 ۲۳۲۰ سرانجام ازین<sup>۵</sup> دولت دیر یاز  
 همه شهریاران<sup>۶</sup> که دارند بند  
 سوی گنگ<sup>۷</sup> دارد کنون رای و روی<sup>۸</sup>  
 زبانها پُر از آفرین تو باد!

تو گفتی بریشان جهان تنگ بود  
 نه بر باد، با بختِ لاغر بُدند<sup>۹</sup>  
 ز خون و ز گشته نشاید<sup>۱۰</sup> گذشت  
 پراکنده از خون زمین زیره<sup>۱۱</sup> گِل  
 سَخُن گوم این نامه گردد دراز  
 ز پیلان گرفتم<sup>۱۲</sup> به خَم کمند  
 مگر پیش گرز من آید گروی  
 سر<sup>۱۳</sup> چرخ گردان زمین<sup>۱۴</sup> تو باد!

چو نامه به مهر اندر آمد بداد  
 ۲۳۲۵ ابا شاه و پیل و هیونی هزار<sup>۱۳</sup>  
 فربرز کاوس شادان برفت  
 همی رفت با او گو پیلتن  
 به پدروود کردن گرفتش کنار  
 ۲۳۳۰ و ز آنجایگه<sup>۱۵</sup> سوی لشکر کشید  
 نشستند با رامش و رود و می<sup>۱۷</sup>

بردش<sup>۱۲</sup> فربرز خسرو نژاد  
 از آن رزمگه بر نهادند بار  
 بنزدیک خسرو بسیچید<sup>۱۴</sup> تفت  
 بزرگان و گردان آن انجمن  
 بیارید آب از غم شهریار  
 چو جعد<sup>۱۶</sup> دو زلف شب آمد پدید،  
 به یک دست رود و به یک دست نی<sup>۱۸</sup>

۱- ل: با هم: ق. ل: در هم: متن = ف. س. س. س. (نیزلی، ل. آ. ب) ۲- ف: نه بر باد با تخت و افسر بدند: س (نیزب): ز بیداد با بخت  
 لاغر بدند: ق. ل. س. س. (نیزلن-آ): ابا (که با) تخت (زاج، گنج) و با تاج (تخت، تیغ) و افسر بدند: متن = ل (چهار واژه نخستین و حرف یکم  
 واژه پنجم نقطه ندارند) ۳- ق: بیابان و راغ و بر کوه و دشت ۴- ف: نشایست: س (نیزب): ز بس کشتگان بر نشاید: ق: ز کشته پر از  
 خون نشاید: ل. س. (نیزلی، آ): ز خون سپه (لی، آ: کسان) بر نشاید: متن = ل (نیزلن، ق. ب. و. ل. ن) ۵- ل: بود: س (نیزلن، ل. ل. آ. ب.  
 ل. آ. ب): پر زه: ل. س. (نیزلی، آ): همچو: متن = ف. ق (نیزو) ۶- ل: زین: ق: از آن ۷- ل. س. س. : مران شهریاری: س. ق. ل. س. س.  
 (نیزق) پس از این بیت افزوده اند:

فرستاده اینک بر شهریار (ق. ل. آ. ب. س. : بنزدیک شاه)

ابا هدیه و گوهرنی شمار (ق. ل. آ. ب. س. : ابا افسر و تخت و گرز و کلاه)

۸- ف- س. (نیزلن، ل. ل. آ. ب. ل. آ. ب): جنگ: متن = (ق. ل. و) بست ۲۳۹۴ ۹- س: من ای شاه روی ۱۰- س:  
 خه ۱۱- س. س. س. : نگیز: ل. بکن: متن = ف. ل. ق ۱۲- ل: بهتر: س: بدست: ق: بگرد: متن = ف. ل. س. س. ۱۳- ل: هیونی  
 دو هزار: (ل: هیونان هزار): ف: و پیلان و اشتر هزار: س. س. (نیزب): پیل و هیون بد هزار: (ق. ل. و پیلان هیونی هزار): متن = ل. ق (نیزلن،  
 ل. ب. ل. آ. ب): درس پس از این بیت، بیت های ۲۳۴۷ و ۲۳۴۸ آمده اند ۱۴- ل: بسیچید و: س. ق: خرامید: س. : خرامید و: متن = ف.  
 ل. ۱۵- ف (نیزب): از آنجایگه: متن = ل- س. (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۶- ف: جعدو: متن = ل- س. (نیزق، ل. ل. آ. ب. ل. آ.  
 آ. ب): در ف لت های این بیت پس و پیش شده اند: پیلانی لت های این بیت در متن = ل- س. (نیزلن-ب) ۱۷- ل: رود می: س. ل. آ.  
 س. : دست می: (لی: دست و می): متن = ف. ق (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۸- ف. ل. (نیزب، ل. ن): می: ل. س. (نیزو): دگر دست  
 نی (س. : می): (ق (نیزلن): جاء و به یک دست می: س (نیزلی، آ. ب): یکی دست رود و دگر دست می (لی: نی): (ق):  
 همه نامداران فرخنده پی: متن = ف. ل. (نیزب، ل. ن) پس از تصحیح می سه نی: ف. ق. ل. آ. ب. ل. آ. ب. ل. ن: پساوند  
 ندارند

برفتند از آن پس<sup>۱</sup> به آرام خویش گرفته به بر هر یکی<sup>۲</sup> کام خویش

چو خورشید با زیب<sup>۳</sup> و دیبای زرد همانگه ز دهلیز پرده سرای  
 ۲۳۳۵ تهمتن میان تاختن را بیست بفرمود تا توشه برداشتند  
 بیابان گرفتند و راه دراز چُنین گفت با طوس و<sup>۱۰</sup> گودرز و گیو  
 من<sup>۱۲</sup> این بار<sup>۱۳</sup> تنگ<sup>۱۴</sup> اندر آیم<sup>۱۵</sup> به جنگ که دانست کین چاره گر<sup>۱۷</sup> مرد سِند  
 ۲۳۴۰ من او را چُنان مُست<sup>۱۹</sup> و بیهش کنم که از هند و سقلاب و شکنان<sup>۲۰</sup> و چین

بزد کوس و ز دشت برخاست گرد از آن نامداران پرخاشجوی  
 ۲۳۴۵ دو منزل رفتند از آن<sup>۲۳</sup> رزمگاه یکی بیشه دیدند و آمد فرود  
 هر<sup>۲۵</sup> آن چیز کان از در شاه بود هوا پُر ز گرد و زمین پُر ز مرد  
 به ابر اندر آمد همی<sup>۲۱</sup> گفت و گوی<sup>۲۲</sup> که از گشته بُد روی گیتی سیاه  
 سیه شد ز لشکر همه دشت و رود<sup>۲۴</sup> فویبرز را<sup>۲۶</sup> دست کوتاه بود،

۱- ل: هر کس؛ م: ف. س. ق. ل. س. (نیز ل. ب) ۲- ل. ل. س. (نیز ل. ب. ب): کسی؛ م: ف. (نیز ق.) ۳- ل. ل. س. (نیز ل. ق. ل. ب. و. آب): زیبا رنگ؛ م: ف. ق. (نیز ل.) ۴- ف: دوده؛ (ق): س. ل. س. (نیز ل. ق. ل. ب. ب. ل. ب. ب): پرده؛ (و): کشور؛ آ: مته؛ م: ل. ق. (نیز ل.) ۵- ف. س. ق. ل. س. (نیز ق. ل. ب. ل. آب): لاجورد؛ م: ل. (نیز ل. و. ل. ب.) ۶- ف. ل. س. کَرَنای؛ م: ق. ل. س. ۷- ف. ل. س. ق. س. (نیز ل. آ): دشواره؛ م: ل. (نیز ب) ۸- ل. ل. دمان؛ س. مینا ۹- ل. س. ق. لشکری؛ م: ف. ل. س. ۱۰- ل. ل. س. [و] ۱۱- ق: مردان ۱۲- ف: گر؛ م: ل. س. (نیز ل. ب. ل. آب) ۱۳- (ق: ل. ل. نیاز) ۱۴- ل: جنگ؛ س: نیز؛ ق: جنگ؛ م: ف. ل. س. ۱۵- ف: اندر آید؛ ل: ق. (نیز ق.): اندر آید؛ م: س. ل. س. (نیز ل. ب. ل. آب) ۱۶- ف. (نیز ل. ب. ل. ب. ل. ب. ب): جانی؛ (ق): مین = ل. س. (نیز ل. ب. ل. آب) ۱۷- ل: خروید؛ ۱۸- ق: سکنر ۱۹- ف. ل. س. (نیز ل. ب. و. ل. آب): سست. (ق: بست)؛ م: ل. س. ق. (نیز ل. ب.) ۲۰- ل: تیران؛ ل. س. شکنان و سقلاب؛ ف: شکنان و زمست؛ م: ف. ۲۱- ل: یکی ۲۲- ل: گفت گوی؛ ق: گفتگوی ۲۳- ل: زن ۲۴- س. ق. پس از این بست افزوده اند:

س: بدان بشه بودند یک چند گد

بَر تَرَدِ شَکَر هَم اَز رَنجِ رَاه

ق: و زان رو فَر بَر ز و خَ قَ اَن چَ اَن

هَمی رَفَت بَر زان بَر بَر اَن زَمین

۲۵- س: همه ۲۶- س. ل.: فویبرز از آن؛ م: ف. ق. س. ل. ب. همی ۲۳۴۷ و ۲۳۴۸ را ندرد؛ درس بیست همی ۲۳۴۷ و ۲۳۴۸ پس

از بیست ۲۳۲۶ آمده اند

<p>نجنید یک تن<sup>۲</sup> از آن جایگاه<sup>۳</sup> یکی<sup>۴</sup> شاد و خرم، یکی<sup>۴</sup> خفته مست<sup>۵</sup> ز هر نامداری و هر کشوری<sup>۶</sup> ببردند نزدیک آن نامدار</p>	<p>ببخشید یکسر همه<sup>۱</sup> بر سپاه همی بود با رامش و می به دست فرستاده آمد ز هر مهتری<sup>۶</sup> بسی<sup>۸</sup> هدیه و ساز<sup>۹</sup> و چندی<sup>۱۰</sup> نثار</p>
<p>ز گردش نیاسود چرخ بلند که آمد فریرز کاوس شاه ابا بوق و کوس و سپاهی گران<sup>۱۴</sup> زمین را ببوسید کو را بدید<sup>۱۵</sup> هیونان و پیلان و آن خستگان<sup>۱۸</sup> ز سر برگرفت آن گیانی کلاه بغلتید<sup>۲۰</sup> و گفت: ای<sup>۲۱</sup> جهاندار پاک مرا بی پدر کرد و با درد و غم<sup>۲۲</sup> همی تاج را پروراندیم<sup>۲۳</sup> جهانی به<sup>۲۴</sup> گنج من آکنده شد یکی جان رستم تو مستان ز من</p>	<p>چوبگذشت از آن<sup>۱۱</sup> داستان روز چند کس آمد بر شاه ایران سپاه پذیره شد آن<sup>۱۲</sup> شاه گنداوران<sup>۱۳</sup> فریرز نزدیک خسرو رسید نگه کرد خسرو بدان<sup>۱۶</sup> بستگان<sup>۱۷</sup> عنان را بیچید و آمد ز<sup>۱۹</sup> راه فرود آمد و پیش یزدان به خاک ستمگاره می کرد بر من ستم تو از درد و سختی رهانیدیم زمین و زمان پیش من بنده شد سپاس از تو دارم، نه ز آن<sup>۲۵</sup> انجمن</p>

۱-س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، لن، ب): دیگر همه: ق: آن خواسته؛ (ل: پس خواسته): متن = ف (نیز لی، آ): بنداری: فأمر رستم بقسمة بقا با  
الغنیمة علی العسکر ۲-ق: یکچند ۳-س (نیز لن، پ، لن، آ): رزمگاه: ل، س: از آرامگاه: متن = ف، ق (نیز لی، ل، آ، ب)  
۴-ق: گهی ۵-س: می پرست ۶-ل، ل، ل: کشوری ۷-ل، ل، ل: مهتری ۸-س: ابا ۹-ق:  
ساو ۱۰-س: چندان؛ ق، ل: چندین؛ متن = ف، ل، س، آ: س پس از این بیت افزوده است:

وزین سو فریرز کاوس شاه

سوی شاه ایران پیامود راه

۱۱-ل-س<sup>۱</sup> (نیز ق، و، ب): ازین؛ متن = ف (نیز لن، لی، ل، پ، لن، آ): درق بیت های ۲۳۵۲-۲۳۹۲ پس از بیت ۲۴۲۸  
آمده اند ۱۲-ل-س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، ب): شدش؛ متن = ف (نیز لن، لی، پ، و لن، آ) ۱۳-ق: با سپاهی گران ۱۴-ق: همه  
نامداران و کنداوران ۱۵-س: ق پس از این بیت، بیت هایی افزوده اند که برخی درق، لی، و آ، ب نیز آمده اند:  
س: بسی آفرین کرد بر شهریار  
سپهر بلند از تو خالی مباد  
بدو داد پس نامه پهلوان  
ق: بسی آفرین کرد بر شهریار  
بکام تو بادا سپهر روان  
که شادان بدی تا بود روزگار  
جهانی بداد تو آباد باد  
فروخواند خسرو بروشن روان  
که از تو مبادا جهان یادگار  
همیشه بماناد تختت جوان

۱۶-ل: بران ۱۷-ل: خستگان ۱۸-ل: بستگان ۱۹-ف، ل (نیز لن، ق، لی، پ، لن، آ): به (؟): متن = س، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز  
ل، و، آ، ب) ۲۰-ل، ل، ل، آ: بغلطید ۲۱-ق: پیش ۲۲-س: و دل پر زغم؛ ق: [و] بردرد و غم ۲۳-ل: این بیت را  
ندارد ۲۴-ل: ز؛ ل، س: جهان زیر؛ متن = ف، س، ق ۲۵-ل، ل، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، و لن، آ): نه از؛ س: نه آن؛ (ق: پیر):  
متن = ف (نیز لی، آ)

بزد اسپ و زآجایگه<sup>۱</sup> بازگشت  
بدان<sup>۲</sup> پیل و آن بستگان<sup>۳</sup> برگذشت  
بسی آفرین کرد بر پهلوان  
که او شاد بادا و روشن روان<sup>۴</sup>

### گفتار اندر پاسخ نامه‌ی رستم از شاه کیخسروه

۲۳۶۵ به ایوان شد و نامه پاسخ نبشت<sup>۶</sup>  
نخست آفرین کرد بر کردگار  
خداوند کیوان<sup>۸</sup> و گردان سپهر  
سپهری ازین<sup>۱۰</sup> گونه بر پای کرد  
یکی را چُنین<sup>۱۱</sup> تیره بخت آفرید  
غم و شادمانی<sup>۱۲</sup> ز یزدان پاک<sup>۱۳</sup>  
رسید آنچه<sup>۱۵</sup> گفتی<sup>۱۶</sup> بدین<sup>۱۷</sup> بارگاه  
ز دیبای چینی و از<sup>۱۸</sup> تخت عاج  
هیونان بسیار و افگندنی  
همه آلت و ساز<sup>۲۱</sup> سورست و بزم<sup>۲۲</sup>  
مگر آن کسی که ش سر آید ز<sup>۲۴</sup> پیش  
و زآن رنج بردن به<sup>۲۷</sup> توران سپاه<sup>۲۸</sup>

به باغ بزرگی درختی بکشت  
کزو دید نیک و بد روزگار<sup>۷</sup>  
کزویست پرخاش و پیوند<sup>۹</sup> و مهر  
شب و روز را گیتی آرای کرد  
یکی را سزاوار تخت آفرید  
کزویست مردی و ناباک و باک<sup>۱۴</sup>  
اسیران و پیلان و تخت و کلاه  
از اسپان تازی و از<sup>۱۹</sup> طوق و تاج  
ز پوشیدنی، هم پراگندنی<sup>۲۰</sup>  
به<sup>۲۳</sup> پیش تو زنسان که آید به رزم؟  
برین<sup>۲۵</sup> گونه سیر آمد<sup>۲۶</sup> از جان خویش  
شب و روز بودن به آوردگاه،

- ۱- ق: پس آنگاه از آجایگه ۲- ل، س، ق، ل: بران: متن = ف، س<sup>۱</sup> ۳- ل: خستگان؛ س (نیزلی، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند: بفرمودشان تا بزنندان برند بره بر همی ناه یزدان بخواند
- ۴- ل، س، ق (نیزلی، آ، ب): که او باد شادان و روشن (ب: نوشته) روان؛ ل: س: که او باد شاد و انوشه روان؛ (لن، پ، لن): که بی او مبادا زمین و زمان؛ ق: و: کزو بود شادان و روشن روان؛ متن = ف ۵- ف: گفتار اندر پاسخ نامه شاه کیخسرو از آن رستم و فرستادن فریرز کاوس را باز پس و ستایش کردن شاه؛ ل- س: پاسخ نامه رستم از (س: از نزدیک؛ ل: از نزد) شاه کیخسرو (ق: و باز آمدن فریرز)؛ متن = ل، س<sup>۱</sup> ۶- ل، س، ل: س: (نیزق<sup>۱</sup>- ب): نوشت: متن = ف، ق (نیزلن) ۷- ل: کزو بود روشن دل و بخت یار؛ متن = ف، س، ق، ل: س: (نیزلن- ب) ۸- ل: ناهید؛ س، ل: س: (نیزلن، لی، پ، آ، ب): فرمان؛ ق (نیزل<sup>۲</sup>): خورشید؛ متن = ف (نیزق<sup>۱</sup>) و ۹- ل، ق (نیز و): آرام؛ متن = ف، س، ل: س: (نیزهشت دستویس دیگر) ۱۰- ل، س، ق: برین؛ ل: بدین؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> ۱۱- س: چنان؛ ق: همی ۱۲- ل: شادکامی ۱۳- ل- س: (نیزق<sup>۱</sup>، آ، ب، و): شناس؛ متن = ف (نیزلن، لی، پ، لن، آ) ۱۴- ل- س: (نیزق<sup>۱</sup>، ل، و، ب): کزویست هر گونه بر ما سپاس؛ (لن، پ، لن): کزویست مردی و همه ترس و باک؛ متن = ف (نیزلی، آ): پس از این بیت افزوده اند: وزان پس چنین گفت کای پهلوان که پاکیزه بادی (ق: تو پاکیزه تن باش) و روشن روان ۱۵- ق، ل: آنچه ۱۶- ل: دادی؛ متن = ف، س، ق، ل: س: (نیزلن- ب) ۱۷- ل: برین ۱۸- ق، ل: س: و: متن = ف، س ۱۹- ق، ل: و: متن = ف، س، س: ل (نیزلن<sup>۱</sup>) این بیت را ندارند ۲۰- ل، س، ق (نیزق<sup>۱</sup>، آ، ب، و): ز گستردنی؛ ل: س: (نیز لن، لی، پ، آ): ز آکندنی؛ متن = ف (نیزلن<sup>۲</sup>) ۲۱- ل: آلت ناز ۲۲- ق، ل: بزمست و رزم؛ ل: رزمست و بزم؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۲۳- ف (نیزلی، آ): ز (?): متن = ل- س: (نیزهفت دستویس دیگر) ۲۴- ل (نیزل<sup>۲</sup>): به؛ متن = ف، س، ق، ل: س: (نیز هفت دستویس دیگر) ۲۵- ل، ق، ل: بدین؛ متن = ف، س، س<sup>۱</sup> ۲۶- ل، ق، ل: س: (نیزلن- ب): آید؛ متن = ف، س ۲۷- ل، ل: س: (نیزو): ز؛ متن = ف، س (نیزلن، لی، پ، لن، آ، ب) ۲۸- ق: از آن رنج دیدن ز چندان سپاه

ز کارت چه بردم به روز و به شب<sup>۱</sup>  
شب و روز بر<sup>۲</sup> پیش یزدان پاک  
کسی را که<sup>۳</sup> رستم بود پهلوان  
پرستنده چون تو نیارد<sup>۴</sup> سپهر ۲۳۸۰

گشاده نکردم به بیگانه لب  
نوان بودم و دل شده چاک چاک  
سزد گر بماند همیشه<sup>۵</sup> جوان  
ز تو بخت هرگز میراد مهر<sup>۶</sup>!

نیسنده<sup>۷</sup> پردخته<sup>۸</sup> شد زآفرین  
بفرمود تا خلعت آراستند  
صد از جعدمویان زرین کمر  
ده<sup>۹</sup> استرا<sup>۱۱</sup> همه بار دیای چین  
ز یاقوت رخشان ده<sup>۱۳</sup> انگشتی ۲۳۸۵

ز پوشیدن<sup>۱۶</sup> شاه دستی به زر  
سران را همه هدیه ها ساختند  
فریرز را<sup>۱۸</sup> تاج و تخت<sup>۱۹</sup> و درفش  
فرستاد و فرمود تا بازگشت  
چنین گفت کز جنگ افراسیاب ۲۳۹۰

مگر کان سر شهریار اندکی<sup>۲۴</sup>  
نهاد از بر نامه خسرو نگین  
ستام و کمرها پیراستند  
ده<sup>۹</sup> اسپ گرانمایه با زین زر  
صد اشتر<sup>۱۲</sup> ز افگندنی همچین  
ز خوشاب و زر<sup>۱۴</sup> افسری بر سری<sup>۱۵</sup>  
همان یاره و طوق و زرین کمر  
یکی گنج ازینسان پرداختند<sup>۱۷</sup>  
یکی<sup>۲۰</sup> طوق<sup>۲۱</sup> زرین و زرینه کفش،  
از ایران<sup>۲۲</sup> به سوی سپهد گذشت  
نه آرام باید<sup>۲۳</sup>، نه خورد و نه خواب  
به ختم کمند تو آید یکی<sup>۲۵</sup>

فریرز برگشت از آن جایگاه<sup>۲۶</sup> به کام دل شاه ایران سپاه

۱- ل. س. ق (نیز لن. ل. ب. و. لن. ب.) : خبر بُدِ مرار روز و شب : س. : همیشه بروز و شب : (ق. : غمی بوده ام روز و شب) : متن = ف. ل. (نیز لن. آ.) ۲- س. : در ۳- س. : کتخ چو ۴- ق. : که همیشه بماند ۵- ل. س. (نیز لن. ل. ب.) : ندارد : (ق. : نداند) : متن = ف. ۶- ق. : جهر ۷- ل. س. (نیز لن. ل. و. ب.) : نویسنده : متن = ف. (نیز ب.) ۸- ف. (نیز ق. ل.) : پردخت : متن = ل. س. (نیز لن. ل. ب.) ۹- ل. س. (نیز لن. ل. ب. ل. ب.) : ب. : صد : متن = ف. (نیز ق. ل. و.) ۱۰- ل. س. (نیز ل. ب. ل. ب.) : ب. : صد : متن = ف. (نیز ق. ل. و.) ۱۱- ل. ل. (نیز ق. ل. ب. ل. ب.) : ب. : صد : متن = ف. (نیز ق. ل. و.) ۱۲- س. ل. (نیز ل. ب. ل. ب.) : ب. : استر : متن = ف. ل. ق. س. (نیز ق. ل. ب.) ۱۳- ل. س. ق. س. (نیز لن. ق. ل. ب. ل. ب.) : ب. ل. ب. ل. ب. (آ.) : دوه : متن = ف. ل. (نیز ل. و. ب.) ۱۴- ل. (نیز ب.) : و در : س. : [و] در : ل. س. : نیز : متن = ۱۵- ل. (نیز ب. ب. ل. ب. ل. ب. ل. ب.) : افسری برتری : ب. : افسر سروری : ل. : ز خوشاب یک افسر خسروی : ق. : ز خوشاب دو افسر برتری : ل. : ز خوشاب و ز افسر برتری : ل. : ز خوشاب و ز خسروی افسری : متن = ف. ق. (نیز ب. و. آ.) ۱۶- س. (نیز لن. ب.) : پوشیدنی : متن = ل. ق. ل. ب. ل. ب. : ف. این بیت را ندارد ۱۷- ل. : زینسان پرداختند : ل. س. : پرمایه پرداختند : متن = ف. س. ۱۸- ل. : با ۱۹- ل. س. : گرز : ق. : تیغ و گرز : ل. س. : گرز و تاج : متن = ف. ۲۰- ق. : همان ۲۱- ل. ل. : تخت : س. ق. : تاج : س. : زمین : متن = ف. ۲۲- ف. (نیز ل. آ.) : از آنجا : متن = ل. س. (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۳- ل. : یابد ۲۴- ل. (نیز ل.) : گزند : متن = ۲۵- ل. (نیز ل.) : ببندد : متن = ف. س. ل. س. (نیز هشت دستنویس دیگر) : ق. این بیت را ندارد ۲۶- ق. ل. (نیز ل. و.) : بازگاه : ل. : زان بازگاه : س. (نیز لن. ب. ل. ب.) : از پیش شاه : ل. : تار زمگاه : متن = ف. (نیز ق. آ)



## گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از شکستن لشکر

پس<sup>۲</sup> آگاهی آمد به افراسیاب  
 ز کاموس و منشور<sup>۳</sup> و خاقان چین  
 از ایران یکی لشکر آمد به جنگ  
 چهل روز یکسان همی جنگ بود  
 ز گرد سواران نبود<sup>۴</sup> آفتاب  
 سرانجام از آن<sup>۵</sup> لشکر بی شمار<sup>۶</sup>  
 بزرگان و آن نامور مهتران  
 به خواری فگندند بر پشت پیل  
 و زمین<sup>۱۲</sup> روی پیران<sup>۱۳</sup> ز راه ختن  
 کشانی و چینی<sup>۱۵</sup> و وهری<sup>۱۶</sup> مانند  
 و زان<sup>۱۷</sup> روی تنگ اندر آمد سپاه  
 گر آیند زی ما به جنگ<sup>۱۹</sup> آن گروه

۲۴۹۵ چن<sup>۲۱</sup> افراسیاب آن<sup>۲۲</sup> سخن<sup>۲۳</sup> شنود دلش گشت پردرد و سر پُر ز دود

۱- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از شکستن لشکر و گرفتن خاقان چین و کشته شدن کاموس کشانی؛ س. ق. ل. س. آ: آگاهی یافتن افراسیاب از حال خاقان چین و کاموس کشانی (ق: از حال شاهان و لشکر؛ ل: از شکست لشکر؛ س: از شکست توران)؛ متن = آغاز ف ۲- ل: چو ۳- (پ، و: منشور) ۴- ل، ق، س: (نیز ل، و): نو آمد؛ س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب): که آمد؛ (آ: درآمد)؛ متن = ف، ل ۵- ل، س: از ۶- ق: کار ۷- س: یکی زنگ ۸- ف: نید؛ س. ل، س: بشد؛ متن = ل، ق ۹- ف: ازین؛ ل: زان؛ متن = س، ق، ل، س ۱۰- س، ق: نامدار؛ متن = ف، ل، ل، س ۱۱- س، ق: (نیز ل، آ، ب) پس از این بیت، دو بیت و ل، س: (نیز و) تنها بیت دوم را افزوده اند:

بگردند از ایـدر بـایـران زمین

بزرگان و گردان (ق: دلیران جنگی) و خاقان چین

ز کشته چنان بد (س: شد) که در (س، س: بر) رزمگاه

کمی رانـبـد جـای رقتن بـراه

ف، ل: (نیز لن، ق، ل، پ، لن) هیچک از این بیت ها را ندارند ۱۲- ق، ل، س: وزان؛ متن = ف، ل، س ۱۳- ل، س: (نیز لن، ق، ل، پ، و لن، ب): به؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۴- ف: نشد تا (!)؛ متن = ل، س: (نیز لن، ب)؛ س پس از این بیت افزوده است:

بیامد بسنزد یک افراسیاب سخنها بر او خواند یک یک چو آب

۱۵- ل: شکنی؛ ل: هندی ۱۶- ل: چینی؛ س: هندی؛ س، ق، ل، س: (نیز لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بر از خون همه مرز (س، ق: و مغزست) بیش از دو میل تهی شد زمین از بزرگان و میل

ف، ل (نیز ب) این بیت را ندارند ۱۷- ل، س، ق، س: وزین؛ متن = ف، ل ۱۸- ل، س: تهمتن به پیش اندرون؛ متن = ف، ل، س، ق: درق بیست های ۲۴۰۳ و ۲۴۰۴ پس از بیست ۲۴۱۲ آمده اند ۱۹- ل: رزه؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز لن، ب) ۲۰- س، ق، ل، س: (نیز لن، ل، پ، ب): تو هامون شمر کوه و چون دشت (ق: هامون چو؛ ل، س: کوه رازان؛ لن، پ، لن، ب: کوه بر گرد؛ ل، آ: کوه و

هم گرد) کوه؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ): ف این بیت را ندارد ۲۱- ل، س: (نیز لن، ب): چو؛ متن = ف ۲۲- ل، س: این ۲۳- ف (نیز ل، آ): خبرها؛ متن = ل، س: (نیز هفت دستنویس دیگر)

همه موبدان و ردان را بخواند  
 کز ایران یکی لشکری<sup>۲</sup> جنگجوی<sup>۳</sup>  
 شکسته شده‌ست<sup>۴</sup> آن سپاه گران  
 ز اندوه<sup>۵</sup> کاموس و خاقان چین  
 سپاهی چنان گشته<sup>۶</sup> و خسته شد  
 ۲۴۱۰ به ایران کشیدند بر پشت پیل  
 چه سازه و این را چه درمان کنیم؟  
 گر ایدونک رستم بود پیشرو  
 که<sup>۱۳</sup> من دستبرد ورا دیده‌ام  
 ۲۴۱۵ که او با بزرگان ایران زمین<sup>۱۴</sup>  
 چه کرده‌ست با شاه مازندران

گرانمایگان پاسخ آراستند  
 که گر نامداران<sup>۱۸</sup> سقلاب و چین  
 میهان<sup>۱۹</sup> را به یاری چرا خواندند<sup>۲۰</sup>؟  
 نه از لشکر ما کسی<sup>۲۳</sup> کم شده‌ست  
 ۲۴۲۰ ز رستم چرا بیم داری همی؟  
 ز مادر همه جنگ<sup>۲۷</sup> را زاده‌بیم

همه یکسر از جای برخاستند  
 به ایران همه رزم جستند و کین،  
 همه<sup>۲۱</sup> گنج خیره برافشاندند<sup>۲۲</sup>؟  
 نه این<sup>۲۱</sup> کشور از خون<sup>۲۵</sup> دما دم<sup>۲۶</sup> شده‌ست  
 چنین کام دشمن بخاری همی؟  
 میان تا بیستم<sup>۲۸</sup> نگشاده‌بیم

۱-ق: که ز ۲-س: لشکر ۳-ق: جنگجو ۴-ل.س.س: نهادست: متن = ف.ق.ل ۵-ق: رو ۶-ل.س: شدند: متن = ف.ل.س.ق ۷-ف.ل.ل.نیزق.ل.ل.نیروی (?): متن = س.ق.ل.س.ل.س.نیزهفت دستنویس دیگر ۸-ق: گویی ۹-ل.ل.همه ۱۰-ل: بسته ۱۱-ل.س.س: بر: متن = ف.ل.س.ق ۱۲-ق: (نیزلی.آ.س) پس نراین بست افزوده‌اند (۲۵۳۷-۲۵۴۰):

گر آنست رستم که من دیده‌ام  
 یکی کودکی بود برسان نی  
 بیامد تن من ز زمین برگرفت  
 کمر بند بگست و بند قبای  
 بسی از نبردش بی‌بچیده‌ام  
 که من لشکر آرای بوده به ری  
 دو لشکر بدو مانده اندر شگفت  
 بیفتاده از چنگ او زیر پای

۱۳-ق: چو ۱۴-ق: مازندران (= ۲۴۱۵ + ۲۴۱۶ آ) ۱۵-ل.س.ل.س: نیکویی: متن = ف ۱۶-ق: چه کرد و چه آمد  
 بآن مهتران (= ۲۴۱۵ ب + ۲۴۱۶ ب) ۱۷-س: بدان: ق.ل این بیت را ندارند ۱۸-ق: نامداری ز ۱۹-ق: جهانی ۲۰-ق.ل.س: (نیزلن.ب.و.لن): خواندی: (ق: خوانده): متن = ف.س (نیزلی.آ.ب) ۲۱-س: همی ۲۲-ل.س: برافشاندی:  
 س: بر خیره افشاندی: ق (نیز و): بر خیره افشاندی: (لن.ب.لن): بر خیره افشاندی: ق: بر خیره افشاندی: متن = ف (نیزلی.آ.ب): ل این بیت را ندارد ۲۳-س: یکی: ق: نه از ما یکی لشکری ۲۴-ل: آن ۲۵-ل: خود (خون): ق: ما (!) ۲۶-ل:  
 آدم ۲۷-ل.ق: (نیزلن.ق.ل.ل.ب.و.لن): مرگ: متن = ف.س.ل.س.ل.س: (نیزلی.آ.ب) ۲۸-ل: میان را بیستم و: متن = ف.ل.ق.س:

اگر خاکی ما را به پی بسپرد<sup>۱</sup>      از آن کرده‌ی<sup>۲</sup> خویش کیفر برند<sup>۳</sup>  
به کین گرا<sup>۴</sup> ببندیم<sup>۵</sup> ازین پس<sup>۶</sup> میان

۲۴۲۵      ز پُرمایگان شاه پاسخ شنید  
دلیران<sup>۱</sup> و گردنکشان را بخواند  
در گنج بگشاد و دینار داد  
چنان شد ز گردان جنگی<sup>۱۳</sup> زمین

۲۴۳۰      چو این بند بد را سر آمد<sup>۱۴</sup> پدید<sup>۱۵</sup>  
به دل شاد با خلعت شهریار  
از آن<sup>۱۸</sup> شادمان شد گو پیلتن  
گرفتند بر پهلوان آفرین  
بدو<sup>۲۰</sup> جان شاه جهان شاد باد<sup>۲۱</sup>!

۲۴۳۵      و ز آجایگه تیز<sup>۲۳</sup> لشکر براند  
به نخچیر و گوی<sup>۲۴</sup> و به می دست برد

فریبرز نزدیک رستم رسید

بدو<sup>۱۶</sup> اندرون تاج با گوشوار<sup>۱۷</sup>  
بزرگان لشکر شدند انجمن  
که آباد بادا به رستم زمین<sup>۱۹</sup>!  
برو بوچ ایران بس<sup>۲۲</sup> آباد بادا<sup>۲۱</sup>!

بیامد به سغد و دو هفته بماند

از آن<sup>۲۵</sup> گونه یکچند خورد<sup>۲۶</sup> و شمرد

۱-س: بسپرد    ۲-ل، س: ازین کرده؛ ق: زبد کردن؛ ل، س: ز کرد بد؛ متن = ف    ۳-س: برد    ۴-ق: ار    ۵-ق: آ،  
لی، ل، پ، لن: ببندیم؛ در دستویس های دیگر حرف یکم نقطه ندارد    ۶-ل: زین پس؛ ل، س: بکر    ۷-ف، س: نیز لی، آ،  
ب: تا جاودان؛ متن = ل، ق، ل، س: (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن)    ۸-ل، س: (نیز ق، ل، آ): زبان آوری؛ متن = ف (نیز لن، لی، پ،  
لن، ب)    ۹-س: فرستاد    ۱۰-س: بخوان و بارام و خوردن نشاند    ۱۱-س: بخوردن دل (→ بخون دل)    ۱۲-ل:  
اندر نهاد    ۱۳-ق: لشکر؛ ل، س: پس از این بیت افزوده اند:

فریبرز چون ساز رفتن گرفت      زمین سم (س: زیر) اسان هفتن گرفت

۱۴-س: چنین بند بد را بد آمد    ۱۵-ل، ق، ل، س: (نیز ق، ل، ب): کلید؛ متن = ف، س: (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، آ): س پس از  
این بیت افزوده است:

همتن جو روی فریبرز دید      فریبرز را آفرین گترید

۱۶-ل: بگنج    ۱۷-ل، س، ق: (نیز ب): تاج گوهرنگار؛ متن = ف، ل، س: (نیز لن - آ)    ۱۸-س، س: ازو    ۱۹-س پس از  
این بیت افزوده است:

مران خلعت شاه برداشتند      همی نعره از ابر بگذاشتند

۲۰-ل: ازو؛ س: کزو    ۲۱-س: شد    ۲۲-ل، س: (نیز لن، ل، ب، لن، آ، ب): ایرانش؛ ق، ل، س: (نیز ق، و): آن کشور؛  
متن = ف (نیز لی)؛ ل، س: (نیز ق، و، ب) پس از بیت ۲۴۳۳ افزوده اند:

همه مرترا چاکر و بنده ای      بفرمان و رایب (رستم، و رایش) سرافکنده ای

ق (نیز لی، ل، آ) پس از بیت ۲۴۳۳ افزوده اند:

کجا چون تو خیزد از آن پهلوان      هنرمند و بسنا و روشن روان

۲۳-ل، س: شاد؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیز لن - ب)    ۲۴-ل، س، ل، س: (نیز لن، ق، ل، و، لن، ب): به نخچیر گور؛ متن =  
ف    ۲۵-ل، س، ل، س: ازین؛ متن = ف    ۲۶-ل: یک یک بخورد؛ ق این بیت را ندارد

### گفتار اندر رسیدن رستم بدان دز که مردم خوردندی<sup>۱</sup>

<p>به یک منزلی بر یکی شهر دید<sup>۲</sup> دزی بود کز مردم<sup>۳</sup> آباد بود پریچهره‌یی هر زمان گم بدی نبودی جز از<sup>۴</sup> کودک نارسید به دیدار و بالا بی‌آهو<sup>۵</sup> بدی<sup>۶</sup>، بدین<sup>۱۱</sup> گونه بُد شاه را پرورش زره‌دار و<sup>۱۳</sup> برگستوانور سوار، دو گرد خردمند با او بهم که او را بدان<sup>۱۸</sup> شهر منشور بود همه شهر با او<sup>۱۹</sup> بسان نهنگ<sup>۲۰</sup> به رزم اندرون سنگ و سندان<sup>۲۱</sup> بُدند جهان<sup>۲۳</sup> در کف دیو وارونه دید بریشان کمین سواران کنند که سندان<sup>۲۴</sup> نگیرد ز پیکان نشان</p>	<p>و ز آنجایگه لشکر اندر کشید کجا نام آن شهر بیداد بود همه خوردنی‌ها<sup>۴</sup> ز مردم بُدی به خوان چنان شهریار پلید پرستندگانی که<sup>۶</sup> نیکو بدی<sup>۷</sup> ازو<sup>۹</sup> ساختندی به خوان بر<sup>۱۰</sup> خورش تهمن بفرمود تا سه هزار<sup>۱۲</sup> بدان<sup>۱۴</sup> دز فرستاد<sup>۱۵</sup> با گسته<sup>۱۶</sup> مه شهر<sup>۱۶</sup> را نام<sup>۱۷</sup> کافور بود پوشید کافور خفتان جنگ کمندافکن و زورمندان بُدند چو گسته<sup>۲۲</sup> گیتی بر آن<sup>۲۲</sup> گونه دید بفرمود تا تیر باران کنند چنین گفت کافور با سرکشان</p>
--	---

۱- ف: گفتار اندر رسیدن رستم بدان دز که مردم خوردندی و پادشاه ایشان را نام کافور بود و کشته شدن بر دست رستم؛ ل: رزم رسته زال با کافور مهر شهر بیداد؛ س: س: رزم رسته با کافور مردم خوار (س: و کشته شدن کافور مردم خوار)؛ ق: رزم رسته در قلعه کافور مردم خوار و گرفتن قلعه و کشتن او؛ ل: کشتن رستم کافور مردم خوار را و گرفتن دز؛ متن = آغاز ف ۲- ف: در یکی دز بیدید؛ متن = ل: س: (نیز لن، ق: ل، ب، و لن، ب)؛ ل: آ این بیت را ندارند ۳- ف (نیز لن، آ): آنجا و؛ ل، ق، ل، س: (نیز لن، و لن، و): و از مردم؛ متن = س: (نیز ق، ل، ب)؛ در ف، س، ل، س: (نیز لن، آ، ب) لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ پیایی لت های این بیت = ل، ق (نیز لن، ق، ل، ب، و لن) ۴- ل، ق، ل، س: (نیز لن، ق، ل، ب، و لن، آ): خوردنشان؛ متن = ف، س (نیز لن، آ، ب)؛ در ق پس از این بیت، بیت ۱۴۴۴ آمده است ۵- س، ق: بجز؛ ل، س: مگر؛ متن = ف، ل ۶- س: پرستندگانش چو؛ ل: پرستنده آنرا که؛ س: پرستنده را؛ متن = ف، ل، ق ۷- ق: بدند ۸- س، ل: بالای آهو (!) ۹- ل، س: از آن ۱۰- ق: در ۱۱- س: برین؛ ل، س: ازین؛ متن = ف، ل، ق ۱۲- ق: ده هزار؛ بنداری: ثلاثة آلاف ۱۳- ل: [و] ۱۴- ق: سوی ۱۵- ل، س: (نیز آ): فرستند؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز لن، ل، ب) ۱۶- ف، ل (نیز لن): مرین مردم؛ س (نیز ب): مران شاه؛ ل (نیز ب): همه (همه) شهر؛ (ل، آ، ب): مران مردم؛ لن: مران شهر؛ متن = س: (نیز لن، و) ۱۷- ق: بدان ذریلی گرد ۱۸- ل: بران؛ س: که او خود در آن؛ در ق این بیت پس از بیت ۲۴۳۸ آمده است؛ س پس از این بیت افزوده است:

چو بشنید کامد ز ایران سپاه سپهبد یکی نامور کینه خواه

۱۹- س، ل، س: وی؛ متن = ف، ل، ق ۲۰- ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، ب، ل، آ، ب): پلنگ؛ متن = ف، س: (نیز لن، ل، و) ۲۱- ل، س، ق (نیز ب): پیل دندان؛ س: سنگ سندان؛ (ل: سنگ دندان)؛ متن = ف، ل (نیز هفت دستویس دیگر)؛ س: (نیز ق، و) پس از این بیت افزوده اند:

برآویخت کافور با گسته برآویختند آن دو لشکر بهم  
یکی رزم کردند برسان شیر که پیش گوزن اندر آید دلیر  
ز گردان ایران بسی کشته شد سر ز مجویان همه گشته شد

۲۲- ق: بدان ۲۳- ق: هوا ۲۴- ق: آهن

<p>سر سرکشان را به بند آورید که آتش ز دریا برانگیختند به سربر سپهر بلا گشته شد که لختی عنانت<sup>۲</sup> بیاید بسود بجنبان عنان با سواری دویت سخن بر تهمتن<sup>۳</sup> همه کرد یاد<sup>۴</sup> ندانست لشکر فراز از<sup>۵</sup> نشیب که باد اندرآید به<sup>۶</sup> کوه سیاه بسی سرکش از جنگ برگشته دید کنون رزم و بزم تو آرم<sup>۷</sup> بسر برآن بارور<sup>۸</sup> خسروانی درخت که آید مگر بر<sup>۹</sup> یل شیرگیر فروماند کافور پرخاشخبر برو کرد رستم فراوان فسوس<sup>۱۰</sup> ابر<sup>۱۱</sup> هم شکستش سرو<sup>۱۲</sup> ترگ و ویال بزرگان نبودند پیدا ز خرد<sup>۱۳</sup> برآمد خروشیدن رستخیز<sup>۱۴</sup> برین<sup>۱۵</sup> گونه پیل پلنگینه پوش<sup>۱۶</sup>،</p>	<p>همه تیغ و گرز و کمند آورید زمانی برآنسان برآویختند فراوان از ایرانیان گشته شد به بیژن چنین گفت گشته زود به رستم بگویی که<sup>۱</sup> چندین مه ایست بشد بیژن گیو برسان باد<sup>۲</sup> گران کرد رستم زمانی رکیب<sup>۳</sup> بدانسان<sup>۴</sup> بیامد<sup>۵</sup> بدان<sup>۶</sup> رزمگاه فراوان از<sup>۷</sup> ایرانیان گشته دید به کافور گفت: ای بد بدهنر<sup>۸</sup> یکی حمله آورد کافور سخت بینداخت تیغی بکردار تیر به پیش اندرآورد رستم سپر کمندی بینداخت بر سوی طوس<sup>۹</sup> عمودی بزد بر سرش پور زال چنین تا در دز یکی حمله برد در دز بیستند و ز باره تیز<sup>۱۰</sup> بگفتند کای<sup>۱۱</sup> مرد با زور<sup>۱۲</sup> و هوش</p>
---	--

۱-ل.س.ق.ز.م.ت.ن.ف.ل.س. ۲-ق.عنان تگاور ۳-ل.س.ب.گویی برسته تو: م.ت.ن.ف.ل.س.ق. ۴-س.دود ۵-س.ف.ح.می ۶-س.برگشود ۷-س.س.ر.کاب (بیاوند ندراند) ۸-س.ق.فراز و: م.ت.ن.ف.ل.س.ل.س. ۹-س.برآنسان ۱۰-ل.س.د.آمد: (ل.ن.ق.ب.ل.ن.برآمد): م.ت.ن.ف.ل.س.ق. (نیز.ل.و.آ.ب) ۱۱-س.ل.س.بران ۱۲-ل.س.نیز.ل.ن.ق.ل.ب.و.ل.ن.ب.ن.م.ت.ن.ف. (نیز.ل.ب.ل.س.ق.ز.م.ت.ن.ف.ل.س.ق. ۱۳-ل.س.ق.ز.م.ت.ن.ف.ل.س.ق. ۱۴-ل.نیز.ب.س.گ.ب.د.گ.ب.س.ل.س.نیز.ل.ن.ل.ن.ب.ب.گ.ب.ی.ه.ن.ق.س.گ.ی.ه.ن.ل.و.ب.ب.د.ب.د.گ.ب.ب.م.ت.ن.ف. (نیز.ل.آ) ۱۵-ل.ق.نیز.ل.س.ر.ز.و. (ل.ا.و.) رنج تو آمد: س.ل.س.نیز.ق.ب.ر.ز.د.ت.و.ب.ر.ت.و.آ.ر.م. (ل.ن.ب.ل.ن.ر.ز.د.ر.ا.ب.ر.ت.و.آ.ر.م.ل.آ.ب.ز.د.و.ر.ز.د.و.رنج تو آمد): م.ت.ن.ف. ۱۶-ق.بدان نامور ۱۷-ف.نیز.ب.د.ر.م.ت.ن.ف.ل.س.نیز.ل.ن.آ) ۱۸-ف.گ.ب.و.م.ت.ن.ف.ل.س.نیز.ل.ن.ب. ۱۹-ف.همی گشت در جنگ آن مرد نبود. ل.س.نیز.ل.ن.ل.ن.آ.ب.ب.سی کرد رستم (ل.ب.ژن) برو بر فسوس: (ب.ت.م.ت.ن.برو کرد چندی فسوس): م.ت.ن.ف.ل.س.نیز.ق.و. ۲۰-ل.س.نیز.ل.ن.ق.ل.ن.ب.ب.که بر: م.ت.ن.ف. (نیز.ل.آ) ۲۱-ق.همه ۲۲-س.پس از این بیت افزوده است:

چو دیدند ایشان چنین دستبرد از این نامور شر با دارو برد

۲۳-ف.نیز.ق.آ.ت.م.ت.ن.ف.ل.س.نیز.ب. ۲۴-ف.نیز.ق.ل.ل.و.آ.داروگیر: س.ل.س.و.ر.س.ت.خ.یز.ب.ل.ن.ف.ر.و.ر.ن.خ.ت.ن.د.از پی داروگیر: م.ت.ن.ف.ل.ق.نیز.ب. ۲۵-ف.ک.ان. (!): م.ت.ن.ف.ل.س.نیز.ل.ن.ب. ۲۶-س.ق.ز.ای ۲۷-ق.بدن ۲۸-ف.نیز.ل.ب.ب.ب.ی.ل.پ.ل.پ.ل.ن.گ.ی.ن.ه.پ.وش. (!): ل.ب.ا.م.ا.ب.ک.ی.ن.ه.م.ک.وش.س.نیز.ب.ه.س.ت.ی.پ.ل.ن.گ.ی.ن.ه.پ.وش.ق.ش.یر.و.پ.ل.ن.گ.ی.ن.ه.پ.وش.ق.پ.یل.پ.ل.ن.گ.ی.ن.ه.پ.وش.و.ک.وه.ی.پ.ل.ن.گ.ی.ن.ه.پ.وش.آ.ب.و.ده.پ.ل.ن.گ.ی.ن.ه.پ.وش.م.ت.ن.ف.ل.س.نیز.ل.ن.ب.ل. (ل)

۲۴۷۰ پدر نام تو چون بزادی چه کرد؟  
دریغست رنج اندرین شارستان<sup>۲</sup>  
چو تور فریدون از<sup>۳</sup> ایران برانده  
یکی باره افگند ازین<sup>۴</sup> گونه پی  
برآورد ازینسان به افسون<sup>۵</sup> و رنج  
بسی رنج بردند مردانِ مرد  
نبد<sup>۶</sup> کس برین شارستان<sup>۱۱</sup> پادشا  
۲۴۷۵ سلیحست بسیار و هم<sup>۱۳</sup> خوردنی  
اگر سالیان رنج و رزم<sup>۱۵</sup> آوری  
نیاید<sup>۱۷</sup> برین<sup>۱۸</sup> باره بر<sup>۱۹</sup> مَنجَنیق

کمندافگنی گرا<sup>۱</sup> سپهر نبرد؟  
که داننده خواندش بیکارستان<sup>۳</sup>  
ز هر گونه داندگان را بخواند  
ز سنگ وزخشت وزچوب<sup>۷</sup> وزنی  
پالود رنج<sup>۹</sup> و تهی کرد گنج  
کزین باره ی دز برآزند گرد  
برین<sup>۱۲</sup> رنج بردن نیارد بها  
به زیر اندرون راه آوردنی<sup>۱۴</sup>  
نباشد به دستت جز از<sup>۱۶</sup> داوری  
از<sup>۲۱</sup> افسون تور<sup>۲۱</sup> و دم<sup>۲۲</sup> جاثلیق

۲۴۸۰ چو بشنید رستم پُراندیشه شد  
یکی رزم بود آن<sup>۲۴</sup> نه بر آرزوی  
به یک روی گودرز و یک روی طوس  
به یک روی بر<sup>۲۶</sup> لشکر زاولی<sup>۲۷</sup>  
چو آن دید<sup>۲۹</sup> رستم کمان برگرفت  
هر آنکس که از باره سر برزدی

دل رزم جویش چو یک بیشه<sup>۲۳</sup> شد  
سپاه اندرآورد بر چارسوی  
پس پشت او پیل<sup>۲۵</sup> با بوق و کوس  
زره دار با خنجر کاوی<sup>۲۸</sup>  
همه دز بدو مانده اندر شگفت  
زمانه سرش را همی سر<sup>۳۰</sup> زد

۱- ف، س، ق، ل، س<sup>۲</sup> (نیز ل- ب): یا؛ متن = ل ۲- ق: شارسان ۳- ق: بیکارسان؛ (ق: پیکرستان)؛ ل: خواند ورا کارستان؛  
متن = ف، س، ل، س<sup>۲</sup> (نیز ل، ل، پ، و، آ، ب): ل، س<sup>۲</sup> پس از این بیت افزوده اند:

چو تور فریدون از ایران بدند

دلاور مهان و دلیران بدند

۴- ل، س: زه متن = ف، ق ۵- ل، س: بدین مرز چون تور لشکر براند ۶- ل، س، ق: زین؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۷- ق: زچوب  
وزخشت ۸- ل، س: افسوس (!) ۹- ل، ل: چیز ۱۰- ق: نشد ۱۱- س، ل، س: باره بر؛ ق: شارسان؛ متن = ف،  
ل ۱۲- ل، س<sup>۲</sup> (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب): بدین؛ متن = ف (نیز ل، پ، ل، ن) ۱۳- ل (نیز ل، پ، ل، ن): سلیحست و ایدر بسی؛ س:  
سلاح اندرون هست و هم؛ ل: سلیحست اندرو هم (وزن ندارد)؛ (ق: سلیح اندرو هست و بس؛ ب: سلیح اندرو هست و هم)؛ متن = ف، ق،  
س<sup>۲</sup> (نیز ل، و، آ، ف، ل، سلاح) ۱۴- س: هم از چار پا هم زگسردنی ۱۵- ل: راه ۱۶- ق، ل، س: بدست توجز؛ متن = ف،  
ل، س ۱۷- ف: نباید؛ ل: بیاید؛ س، ل (نیز ب): نکوبد؛ (ل: نیازد؛ پ، ل، ن: نیارد)؛ متن = ق، س (نیز ل، و، آ) ۱۸- ق:  
بدین ۱۹- ل: جز ۲۰- ف، س، ق: زه متن = ل، ل، س<sup>۱</sup> ۲۱- ل، س، ق: سلمه؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup> ۲۲- ل:  
دل ۲۳- ف، ق: جفاپیشه؛ ل، س (نیز ب): پراز بیشه؛ (ل: آ: زغم بیشه)؛ ل: دلش از غم و درد چون بیشه؛ متن = س (نیز ل، ل،  
و) ۲۴- ل: کرد آن؛ ل، س: بودش؛ متن = ف، س، ق؛ درق این بیت پس از بیت ۲۴۸۱ آمده است ۲۵- ق، ل، س (نیز ق، ل،  
ل): گیو؛ متن = ف، ل (نیز ل، پ، و، ل، ب): س بیت های ۲۴۸۰-۲۴۸۲ را ندارد ۲۶- س: بدربر خود و ۲۷- ل، ق، ل (نیز  
ق، ل، پ، ل، س، آ، ب): زابل؛ متن = ف، س (نیز ل، و) ۲۸- ف، ل، ق، ل، س (نیز ل، ق، ل، پ، ل، ن، آ، ب): کابل؛ متن =  
(و) ۲۹- ق: کرد ۳۰- ل: به در؛ س، ل، س (نیز ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب): همی در؛ ق: همی بر؛ متن = ف (نیز ق)



بزرگان به پیش جهان آفرین  
چُن<sup>۱</sup> از پاک یزدان پرداختند  
که هر کس<sup>۳</sup> که چون تو نباشد به جنگ  
تن پیل و این زهره و چنگ شیر<sup>۵</sup>  
تَهْمَن چُنین گفت کین زور و فر  
شما سربسر بهره دارید ازین<sup>۷</sup>  
بفرمود تا گيو با ده هزار<sup>۱۰</sup>  
شود تازنان تا به مرز ختن

از اندیشه خمیده شد پست<sup>۱۳</sup> ماه،  
سه روز اندر آن تاختن شد<sup>۱۴</sup> درنگ  
برآمد<sup>۱۸</sup> نشست از بر تختِ عاج،  
گرفته بسی نامداران<sup>۱۹</sup> نیو  
گرامنایه اسپان و هرگونه ساز  
ببخشید دیگر همه بر سپاه  
چو<sup>۲۲</sup> گُستَهَم و رُهَام و شیدوش نیو<sup>۲۳</sup>  
یکی آفرین از نو<sup>۲۴</sup> آراستند  
جهان را به مهر تو آمد نیاز  
گشاییم ازین پس<sup>۲۵</sup> به روز و به شب<sup>۲۶</sup>  
جهان دید و آرام و پرخاش<sup>۲۷</sup> و کین،

چو بنمود شب جعد<sup>۱۲</sup> زلف سیاه  
بشد گيو با آن<sup>۱۴</sup> سواران جنگ<sup>۱۵</sup>  
بدانگه که<sup>۱۷</sup> خورشید بنمود تاج  
ز توران بیامد سرفراز گيو  
بسی خوب چهره بتان طراز  
فرستاد یک بهره<sup>۲۰</sup> نزدیک شاه  
و زان پس چو گودرز و چون طوس و گيو<sup>۲۱</sup>  
ابا بیژن گيو برخاستند  
چُنین گفت گودرز کای سرفراز  
نشاید که بی آفرین تو لب  
کسی کو بپیمود روی زمین

۱- ل، ل، س: نهادند یک رویه سر (س: رخ)؛ متن = ف، ل، س، ق ۲- ل-س: (نیز لن-ب): چو؛ متن = ف ۳- ف: هر آنکس؛  
متن = ل، س، ل، س: (نیز لن، ل-ب) ۴- ل: با نام و ننگ؛ ل، س، س: (نیز ل، ل، و، آ، ب): به آید بنام و ننگ؛ (لن، پ، لن: بردن  
به آید ز نام و ز ننگ)؛ متن = ف: ق این بیت را ندارد ۵- س: چهره و چنگ شیر؛ ل، ق (نیز ل): تن پیل داری و چنگال شیر؛ ل: برین  
چنگ و بازو و این یال شیر؛ (ل، آ: تن پیل و این چنگ درنده شیر)؛ متن = ف، س (نیز لن، پ، و، لن، ب) ۶- ل، ق، ل، ل، س: (نیز لن-آ):  
نیشانی؛ متن = ف، س (نیز ب) ۷- ل: زین ۸- ل: چه ۹- ق: سپاس و ستایش؛ س: بیت های ۲۵۰۶-۲۵۰۸ را  
ندارد ۱۰- ل: سه هزار؛ بنداری: عشرة آلاف ۱۱- ل: زره دار ۱۲- ل: جعد و ۱۳- ق: خیده [شد] پست؛ ل، س:؛  
باریک شد خیم؛ س: شد از جعد خمیده بر پشت؛ متن = ف، ل ۱۴- ل: این ۱۵- ف، ل: (نیز ق: ب): بجنگ؛ س: با سرفرازان  
جنگ؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ل-آ) ۱۶- س: بد ۱۷- ل: چهارم چو ۱۸- ق، س: بیامد؛ ل: خرامان؛ متن = ف، ل،  
س ۱۹- ق: نامبردار؛ س: چو گسته و شیدوش و رهام (= ۲۵۱۵) ۲۰- ل، س: یک نیمه؛ ل، س: بهری به؛ متن = ف،  
ق ۲۱- ق: گيو و طوس؛ ل: چو طوس و چو گودرز و گيو؛ س: چو گودرز با طوس و گيو؛ متن = ف، ل، س ۲۲- ل:؛  
کجا ۲۳- ل، س: شیدوش و فرهاد نیو؛ ق: شیدوش و گردان کوس؛ ل: فریبرز کاوس و گرگین نیو؛ متن = ف، ل ۲۴- ل، س، ل، ل،  
س: (نیز لن، ل-ب): آفرین نو؛ ق (نیز ق): آفرینی نو؛ متن = ف ۲۵- ل: زین پس ۲۶- ف: بشادی دول؛ متن = ل، س، ق، س: (نیز  
ل-ب)؛ ل: این بیت را ندارد ۲۷- س، ق، س: پرخاش و آرام؛ ل: جهان دیده و رام و پرخاش؛ متن = ف، ل



- ۲۵۲۰ به یک جای<sup>۱</sup> ازین<sup>۲</sup> بیش لشکر<sup>۳</sup> ندید  
 ز شاهان و از پیل<sup>۴</sup> و از تخت<sup>۵</sup> عاج  
 ستاره بر آن<sup>۶</sup> دشت<sup>۷</sup> نظاره بود  
 بگشتم<sup>۸</sup> گردِ دز اندر<sup>۹</sup> بسی  
 خروشان<sup>۱۰</sup> بدیم از دم آژدها  
 توی<sup>۱۱</sup> پشت ایران و تاج سران<sup>۱۲</sup> ۲۵۲۵  
 مکافات این کار<sup>۱۳</sup> یزدان کند  
 به پاداش تو<sup>۱۴</sup> نیستمان دسترس  
 بزرگیت هر روز<sup>۱۵</sup> بفزون<sup>۱۶</sup> ترست  
 تهمتن بریشان گرفت آفرین  
 مرا پشت از<sup>۱۷</sup> آزادگانست راست ۲۵۳۰  
 و زآن<sup>۱۸</sup> پس چنین گفت کاید رسه روز  
 چهارم سوی جنگ افراسیاب  
 همه نامداران به<sup>۱۹</sup> گفتار اوی  
 که بود بر زادش<sup>۲۰</sup> شد خراب  
 همه پرنیان بر تنش خار گشت<sup>۲۱</sup> ۲۵۳۵  
 پس آگاهی آمد به افراسیاب  
 دلش ز آن سخن پُر ز تیمار گشت<sup>۲۲</sup>

۱-ق:جا؛س:؛ یکی جای ۲-ل:زین ۳-ل:ازین بیش لشکر بیکجا ۴-ل،ل:؛ و پیلان:ق:وز پیل؛ متن=ف،س:س:  
 ۵-ل،ق،ل:؛ وز؛ متن=ف،س،س: ۶-ل:ز اسپان و مردان ۷-ق:ز مردان و ز گنج و هر گونه تاج ۸-ل:بدان  
 ۹-ق:جنگ ۱۰-س:بر آن ۱۱-ق:بادرد ایدر ۱۲-ل:کیسه: (ل:آ:راه):ق:جز از تو ندیدیم: متن=ف،س،ل:  
 ۱۳-س:(نیز لن،پ،و،لن):در این بیت بنا بیت سپین پس و پیش شده است ۱۴-ل:که جوشان: متن=ف،س،ق،ل،س:(نیز لن-ب)  
 ۱۵-س،س:؛ کمند؛ متن=ف،ل،ق،ل: ۱۶-س،ق،س:؛ تویی؛ ل:توای؛ متن=ف،ل ۱۷-س:پشت کیان؛  
 س:شیریا تاج و پشت کیان؛ متن=ف،ل،ق،ل: ۱۸-ل(نیز ل):س:آژده: (ل:آ:راه):ق:جز از تو ندیدیم: متن=ف،س،ق،ل،س:(نیز لن،پ،و،لن):  
 ۱۹-س،س:؛ پاداش تو؛ متن=ف ۲۰-ق:توپاک ۲۱-ل:پاداش: (ل:آ:راه):ق:جز از تو ندیدیم: متن=ف،س،ل،س:(نیز لن،پ،و،لن):  
 ۲۲-س،س:؛ پاداش تو؛ متن=ف ۲۳-ل:پاداش: (ل:آ:راه):ق:جز از تو ندیدیم: متن=ف،س،ل،س:(نیز لن،پ،و،لن):  
 ۲۴-س،س:؛ پاداش تو؛ متن=ف ۲۵-ل:س:آژده: (ل:آ:راه):ق:جز از تو ندیدیم: متن=ف،س،ل،س:(نیز لن،پ،و،لن):  
 ۲۶-ل:س:آژده: (ل:آ:راه):ق:جز از تو ندیدیم: متن=ف،س،ل،س:(نیز لن،پ،و،لن):  
 ۲۷-ل:س:آژده: (ل:آ:راه):ق:جز از تو ندیدیم: متن=ف،س،ل،س:(نیز لن،پ،و،لن):  
 ۲۸-ل:س:آژده: (ل:آ:راه):ق:جز از تو ندیدیم: متن=ف،س،ل،س:(نیز لن،پ،و،لن):  
 ۲۹-ق:ز؛ س:این بیت را ندارد؛ برخی از دستویسها در اینجا سرنویس دارند، س:خبر یافتن افراسیاب از کشته شدن  
 سران لشکر؛ ق،ل،س:؛ آگاهی یافتن (س:آگاه شدن) افراسیاب از آمدن رستم (ق:از وصول رستم و توجه او بحرب) ۳۰-ل،ق،ل:؛ (نیز ل،و):از دشمنان؛ س،س:(نیز):زادشان؛ متن=ف (نیز لن،ق،ل،پ،لن):س:پس از این بیت افزوده است:

سراسر همه لشکرش کشته شد

وز بخت بیدار برگشته شد

۳۱-ل-س:(نیز لن،ق،ل،ل،پ،لن،ب):شد؛ متن=ف (نیز لن،و،آ)

به دل<sup>۱</sup> گفت: پیگار او کار کیست؟<sup>۲</sup>  
 گر آن<sup>۳</sup> رستم است، آنک<sup>۴</sup> من دیده‌ام  
 پیچید و زان<sup>۵</sup> پس به آواز گفت  
 یکی کودکی بود برسان نی  
 بیامد تن من ز زین برگرفت  
 چنین گفت لشکر به افراسیاب  
 تو آتی که از خاک آوردگاه  
 سیلجست<sup>۱۲</sup> بسیار و مردان و گنج<sup>۱۳</sup>  
 ز<sup>۱۷</sup> جنگ سواری<sup>۱۸</sup> تو غمگین مشو  
 چنان دان که او یکسر<sup>۲۰</sup> از آهنست  
 سخن‌های کوتاه ازو شد<sup>۲۱</sup> دراز  
 مرو را ز زین<sup>۲۳</sup> اندر آور<sup>۲۴</sup> به خاک  
 نه کیخسرو آباد ماند، نه تخت<sup>۲۷</sup>  
 نگه کن بدین لشکر نامدار  
 ز بهر برو بود و فرزند<sup>۳۰</sup> خویش

۱-س.س.همی ۲-ق.خوار نیست: ل.کین کار پیگار نیست: متن = ف.ل.س.س. ۳-ل.س.س. (نیزل.ل.آ.ب): بیارو؛  
 متن = ف. (نیزب) ۴-ق.ل.آ. نیست ۵-س.س.س. این: متن ← ۶-ل.آ. آنکه: ل. (نیزو): گر آنست رستم که؛ (ل.آ.ب): اگر رستم  
 آنست که؛ متن = ف.ق. (نیزل.ق.آ) ۷-ق.ل.آ. از آن: س.ق. پس از این بیت افزوده‌اند:  
 س.ز ترک آن نداده هستی او  
 ق. که یارد شدن پیش او رزمخواه  
 که در رزمگه گیری جای او  
 که از تن تیغش نگرده تباه  
 ۸-س.ل.س. (نیزل.ق.آ.ب.و.ل.آ.ب): لشکر افروز: ق. لشکر آری: متن = ف.ل. (نیزل.آ.آ): درق (نیزل.ل.آ.ب) بیت‌های ۲۵۳۹ و  
 ۲۵۴۰ پس از بیت ۲۴۹۳ و بیت ۲۵۳۸ در هر دو جا آمده‌اند ۹-ل.س.س. (نیزل.و.ل.آ.ب): آن لشکر: ل. فروماند زان لشکر؛ ق. (نیزق.آ.  
 ل.آ.ب): دو لشکر بدو داند: متن = ف. بنداری (۲۵۳۹-۲۵۴۰): و عهدی به علی باب الری و هو بعد طفل غریب قد أخذ بمعاهد منطقتی واختطفنی عن  
 ظهر الخرس: س.ست ۲۵۴۰ را ندارد و از بیت ۲۵۴۱-۲۵۶۷ پس از بیت ۲۶۸۵ آمده است ۱۰-س.س. موج: متن ← ۱۱-س.آ. دریا  
 در آری: ل.ق. (نیزل.آ.ب) همی خوشتر را بر آری: متن = ف.ل. (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۲-س.س. سلاحست ۱۳-ل.ق. مردان  
 جنگ: س. مردان گنج: متن = ف.ل.س. (نیزل.ب): بنداری: وعندک الأموال والعدة والرجال ۱۴-س.س. (نیزق.آ.و): جنگ رستم؛  
 (ل.ب.ل.آ.ب): جنگ جستن: نی.آ. کار دشمن: متن = ف.ل.ق.ل.س. (نیزل.آ) ۱۵-س.س. چه آری ۱۶-ل.ق. بستگ:  
 متن = ف.س.ل.س. (نیزل.ب) ۱۷-س.س.س. به ۱۸-ل.ق.ل.س. (نیزل.آ.و): سواران: متن = ف.س. (نیزل.ق.آ.ب.ل.س.آ.  
 ب) ۱۹-س.س.س. بدین کار در نوبت: متن = ف.ل.ق.ل.س. ۲۰-ق. که آن مرد خود ۲۱-ل. (نیزو): او شد: ل.آ. شدزو؛ (ق.آ.  
 زو شد): ق. سخن‌ها ز هر گونه زو شد: متن = ف.س.س. (نیزل.ل.ب.آ.ب) ۲۲-ل.س. (نیزل.ق.آ.ل.آ.ب.و.ل.آ.ب):  
 جازه او: متن = ف. (نیزل.آ) ۲۳-س.س. زابره: ل. سرش را ز زین: ق.ل.س. (نیزل.ق.آ.ل.آ.ب.ل.س.آ.ب): سسراو زابره: متن = ف.  
 (نیزل.و.آ) ۲۴-ل.آ. آری ۲۵-ل. از آنپس ۲۶-س.س. گردان: ل. خود از شاه ایران: ق. (نیزب): ز گردان ایران: متن = ف.ل.س.  
 س. (نیزل.ق.آ.ل.آ) ۲۷-ل. گنج: متن = ف.س.ق.ل.س. (نیزل.ب) ۲۸-ل. نداده این رزم کردن برنج: س.س. (نیزب،  
 و.ب): نه آن بود ایران نه شاخ (س.و.برگ) درخت: ق. نه ایران نه شاخ و نه برگ درخت: متن = ف.ل. (نیزل.ل.ل.ل.ل.آ.ل.س.آ.  
 آ) ۲۹-س.ق.ل. [و] ۳۰-ل.ق.ل. پیوند: متن = ف.س.س. ۳۱-ل.آ. اورند: ل.ق. خرد فرزند: متن = ف.س.س. ۳۱

همه سربسرتن<sup>۱</sup> به کشتن دهیم  
 چو بشید افراسیاب این سخن  
 بفرمود تا لشکر آراستند  
 ز بوم نیاگان و از شهر<sup>۴</sup> خویش  
 چنین داد پاسخ که من ساز جنگ  
 ۲۵۵۵ نمائ که کیخسرو از بخت خویش  
 سر زاول<sup>۹</sup> را به روز نبرد  
 برو سرکشان آفرین خواندند  
 سپهد بسی جنگ‌ها دیده بود  
 ۲۵۶۰ یکی شیردل بود فرغار<sup>۱۴</sup> نام  
 ز بیگانگان جای پردخته کرد  
 هم اکنون برو سوی ایران سپاه  
 سوارش<sup>۲۱</sup> نگه کن که چندست<sup>۲۲</sup> و چون  
 از آن به<sup>۲</sup> که گیتی به دشمن دهیم  
 فرامشت کرد<sup>۳</sup> آن نبرد گهن  
 به کین نو از جای برخاستند  
 یکی تازه‌اندیشه بنهاد<sup>۵</sup> پیش<sup>۶</sup>  
 به پیش آورم چون شود کار تنگ  
 بود<sup>۷</sup> شاد و پدرا<sup>۸</sup> بر<sup>۸</sup> تحت خویش  
 به چنگ<sup>۱۰</sup> دراز اندرآرم به گرد  
 سرافراز را<sup>۱۱</sup> سوی کین خواندند<sup>۱۲</sup>  
 ز هر کار بهری<sup>۱۳</sup> پسندیده بود  
 قفس<sup>۱۵</sup> دیده و جسته چندی<sup>۱۶</sup> ز دام  
 به فرغار<sup>۱۷</sup> گفت: ای گرانمایه مرد<sup>۱۸</sup>،  
 نگه کن بدان<sup>۱۹</sup> رسم رزمخواه<sup>۲۰</sup>  
 که دارند<sup>۲۳</sup> ازین بوم ما رهنمون<sup>۲۴</sup>

۱- ل: همه تن بتن سر ۲- ل: به آید؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س (نیز لن-ب) ۳- ل-س (نیز لن، ق، ل، ل، ل، ب): فراموش کرد؛ (ل، آ: فراموش شدش)؛ متن = ف ۴- س: بهر؛ ل: وز شهر؛ ل: وز جای؛ ق، س: ز بهر نیاگان و ز شهر؛ متن = ف ۵- س، ل، ل، س: افکند؛ متن = ف، ل ۶- ق: بود شاد و بداره از بخت خویش (= ۲۵۵۶ ب) ۷- س، ل، س: شود؛ متن = ف، ل ۸- ل، ل، ل، ل: از؛ س: شاد کام از بر؛ متن = ف، س: ق بیت‌های ۲۵۵۵ و ۲۵۵۶ را ندارد؛ در ف بیت‌های ۲۵۵۳-۲۵۵۶ در هه ریخته‌اند: ۲۵۵۵، ۲۵۵۳، ۲۵۵۴؛ بیانی بیت‌های متن = ل، س، ل، ل، س (نیز ق، ل، ل، پ، و، لن، ل، ب) ۹- ل، س، ق (نیز ق، ل، ل، ل، پ، و، لن، ل، آ، ب): زابلی؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز لن، و) ۱۰- در ب، و، لن با سه نقطه؛ س، ق، ل، ل، س (نیز لن، ق، ل، ل، پ، و، لن، ل، ب) پس از این بیت دو بیت و ف (نیز و) تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

نییره ز اندیشه چون کم شود (ق، ل، ل، ل، ل، س: همی چنگ در خون زند (ق: کند؛ ل: زبید)

به مرز نیا هدیه رسته شود (ق: افزون کند؛ ل: کمر آن نه با هدیه او را سزید)

نییره نمائ (ف: نه تیزی نمائ) نه پرخاشجوی

بشمیر بنشام (ق: برداره؛ ل: بستام) این گفت و گوی (ق، ل، ل: گفتگوی)

ف، ل، ل، و، آ بیت یکم را و ل، ل، آ بیت دوم را ندارند ۱۱- س: سرافرازان ۱۲- ق: ورا خسرو پاک دین خواندند؛ ل پس از این بیت افزوده است:

که جاوید و شادان و پیروز باش

بکاه دلت گیتی افروز باش

۱۳- ق: بهر کار کردی؛ (ل: بهر کار شیرو)؛ متن = ف، ل، س، ل، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۴- ل (نیز ق): فرغاد؛ (لن، لن: فرخار)؛ متن = ف، ل، س، ق، س (نیز ل، ل، ل، پ، و، آ، ب، بنداری) ۱۵- ف، ل (نیز ل، ل، ب، آ): قفس ۱۶- ل: چند جسته ۱۷- ل (نیز ق): فرغاد؛ (لن، لن: فرخار)؛ متن = ف، ل، س، ق، س (نیز ل، ل، پ، و، آ، ب) ۱۸- ق: سوار نبرد ۱۹- ل، ل، س، ق، ل: بدین؛ متن = ف، س، ل، ل، س: کینه‌خواه؛ متن = ف، ل، ل، ل، ل، س: سواران ۲۰- ل، ل، س: ازین بوم و بر رهنمون؛ ق: این بوم ما از بوم؛ متن = ف، ل، ل، س: ل: دارد؛ متن = ف، س، ق، س، ل، ل، س: ازین بوم و بر رهنمون؛ ق: این بوم ما از بوم؛ متن = ف، ل، ل، س: ل پس از این بیت دو بیت افزوده است که در (ق، ل، و، آ) نیز به گونه دیگری آمده‌اند:

وزان نامداران پرخاشجوی  
 بزگردان پهلومش چند مرد  
 بجنی که چندند بر چند روی  
 که آورد سازند روز نبرد

<p>۲۵۶۵ غمی شد دلِ مرد پرخاشجوی<sup>۳</sup> فرستاد و فرزند را پیش خواند<sup>۵</sup> به شیده چُنین گفت کای پُرخرَد چُنین دان که<sup>۷</sup> این لشکر بی شمار سپهدارشان رستم شیردل چو کاموس و گرگوی<sup>۱۲</sup> و خاقانِ چین دگر کُنڈر و شنگل آن<sup>۱۵</sup> شاه هند به نیروی این<sup>۱۷</sup> رستم شیرگیر چهل روز با لشکر آویز بود سراجم رستم به خَم کمند سواران و گردان هر کشوری ۲۵۷۰ سیلیح<sup>۲۳</sup> و هیونان و اسپان و تاج بدین کشور آمد کنون زین نشان من ایدر غنم بسی گنج و تخت<sup>۲۶</sup> کنون هر چه<sup>۳۰</sup> گنجست و تاج و کمر فرستم همه سوی الماس رود ۲۵۸۰ هراسانم از رستم تیزچنگ</p>	<p>به کار آگهی شد به ایران سپاه، به بیگانگان نیز<sup>۴</sup> نمود روی بسی راز بایسته با او براند<sup>۶</sup> سپاه تو تیمار تو کی خورد که آمد برین<sup>۸</sup> مرز<sup>۹</sup> چندین سوار<sup>۱۰</sup>، که از خاک<sup>۱۱</sup> سازد به شمشیر گل گهار و چو مَنثور<sup>۱۳</sup> با آفرین<sup>۱۴</sup>، سپاهی ز کشمیر تا رود<sup>۱۶</sup> سَند، بگشتند<sup>۱۸</sup> و بردند چندی اسپر گهی رزم و گه روی<sup>۱۹</sup> پرهیز بود ز پیل اندر آورد و کردش به<sup>۲۰</sup> بند ز هر سو که بود<sup>۲۱</sup> از بزرگان سری<sup>۲۲</sup>، به ایران فرستاد با تختِ عاج همان<sup>۲۴</sup> نامداران و<sup>۲۵</sup> گردنکشان که گردان<sup>۲۷</sup> شدهست اندرین کار<sup>۲۸</sup> بخت<sup>۲۹</sup> همان<sup>۳۱</sup> طوق زرین و زرین سپر، نه هنگام بارست و تاج و درود<sup>۳۲</sup> تن آسان که باشد<sup>۳۳</sup> به کام نهنگ</p>
--	---

۱- ل (نیزق): فرغاد؛ (لن، لن: فرخار)؛ متن = ف، ل، س، ق، س (نیزلی، ب، و، آ، ب) ۲- ف (نیزل، و): بشید؛ ل: برگشت؛ (آ: بشید و)؛ متن = ل، س، ق، س (نیزق: لن، ب، لن، ب) ۳- س، ق، ل: دیبجوی: س: پیکارجوی؛ متن = ف، ل ۴- ل، س، ق، س (نیزلن، ب، و، لن، ب): هیچ؛ متن = ف، ل (نیزق: ل، آ) ۵- ق: پس افراسیاب آنچه پیش راند ۶- ق: که فرزند شایسته را پیش خواند ۷- س: دانک ۸- س، ق، ل، س: بدین؛ متن = ف، ل ۹- س، ل: مرزو: س: آرو (!) ۱۰- ل: هزار؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۱۱- ل: جنگ؛ ل پس از این بیت افزوده است:

گو بیستن رستم زابلیست  
بیز تا مرا و راه آورد کیت

۱۲- ل، س، س: مشور؛ ق: جنگی؛ متن = ف، ل ۱۳- ل: کرکوی؛ س، س: فرطوس؛ متن = ف، ل ۱۴- ق: کهار کهانی گو پیش بین ۱۵- س، س: شکل و؛ متن = ف، ل، ق، ل ۱۶- ل، ق، ل: (نیزل): پیش؛ (ق: مرز)؛ متن = ف، س، س (نیزهفت دستوبس دیگر) ۱۷- س، س: پیروزی؛ متن = ف، ل، ق، ل ۱۸- س: بگفتند ۱۹- ف: گهی تیر و گه رزم؛ ل: گهی رزم و گه بزه و؛ ق: گهی بزه و گه رزم و؛ ل (نیزل): گهی رزم و گه جرم و؛ (ق: گهی گرز و گه رزم و)؛ متن = س، س (نیزلن، ب، و، لن، ب) ۲۰- ل: و نهاد؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزق: ل، و، آ، ب) ۲۱- ق، س: بد ۲۲- ق: از سران مهتری؛ ل: از سواران سری؛ متن = ف، ل، س، س ۲۳- س: سلاح؛ ل این بیت را ندارد ۲۴- س: ابا؛ ل، س: همه؛ متن = ف، ل، ق ۲۵- ل: تاجداران؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن-ب) ۲۶- ل: رخت ۲۷- ق: لشکر ۲۸- ف: چند؛ متن = ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، لن، ب) ۲۹- ق: سخت ۳۰- ل، س: هرچ ۳۱- س، س: همه از ۳۲- ل: جامست و بزه و سرود؛ س، س (نیزق: ل، ب، آ، ب): کاخست و نای (ق: باد؛ ب: ناز) و سرود؛ ق: بازبست و باد و درود؛ (لن: نازست و فر و سرود؛ و: بادهست و رود و سرود؛ لن: نازست و رود و سرود)؛ متن = ف، ل (درف بارست نقطه ندارد) ۳۳- ف: نباشد؛ متن = ل، س (نیز ل-ب)

به مردم نماند به<sup>۱</sup> روز نبرد  
 ز نیزه نترسد، نه از تیر و تیغ<sup>۲</sup>  
 تو گویی<sup>۳</sup> که از روی و از<sup>۴</sup> آهن ست  
 ۲۵۸۵ سیلیح ست<sup>۵</sup> چندان برو<sup>۶</sup> روز کین  
 زره<sup>۷</sup> دارد و جوشن و خود و ببر<sup>۸</sup>  
 نه برتابد آهنگ او زنده پیل  
 یکی کوه زیرش بکردار باد  
 تگ آهوان دارد و هول شیر  
 ۲۵۹۰ مرا با سوارش<sup>۹</sup> بسی بود جنگ  
 سیلیح<sup>۱۰</sup> نیامد<sup>۱۱</sup> برو<sup>۱۲</sup> کارگر  
 کنون آزمون را یکی<sup>۱۳</sup> کارزار  
 گر ایدونک<sup>۱۴</sup> یزدان بود یارمند<sup>۱۵</sup>  
 نه ایران بود نیز و نه شهریار<sup>۱۶</sup>

نیچد ز بیم<sup>۱</sup> و ننالذ ز درد  
 اگر<sup>۲</sup> گرز بارد بروبر ز میغ<sup>۳</sup>  
 نه مردم نژادست، کاهرمزست<sup>۴</sup>  
 که سیر آید از بار پشت<sup>۵</sup> زمین  
 بغرد بکردار غرنده<sup>۶</sup> ابر  
 نه گشتی سیلیحش<sup>۷</sup> به دریای نیل  
 تو گویی<sup>۸</sup> که از ابر<sup>۹</sup> دارد نژاد  
 به دریا چو دیو و به خشکی دلیر<sup>۱۰</sup>  
 یکی جوشن ستش<sup>۱۱</sup> ز چرم پلنگ  
 بسی آزمودم به گرز<sup>۱۲</sup> و تبر  
 بسازیم<sup>۱۳</sup> تا چون بود روزگار  
 بگردد<sup>۱۴</sup> به بایست<sup>۱۵</sup> چرخ بلند،  
 سرآید<sup>۱۶</sup> مگر بر من این روزگار<sup>۱۷</sup>

۱- س، س: که؛ متن = ف، ل، ق، ل ۲- س، ق، س: (نیز لن، پ، لن، ب): زخم؛ متن = ف، ل، ل: (نیز لی، ل، و آ) ۳- ل: تیغ  
 تیر؛ س، س: تیغ و تیر؛ ل: تیز تیغ؛ متن = ف، ق ۴- س: دگر؛ ل، ل، س: وگر ۵- س، س: بدو (س: برو) چرخ پیر؛ ل: برآرد ز  
 دشمن همی رستخیز؛ متن = ف، ق، ل ۶- ل، س: گشتی؛ متن = ف، ق، ل، ل، ق، ل، ل، س: وز؛ متن = ف،  
 س ۸- ف، س، س: (نیز لی، آ، ب): آهرمنت؛ ل: (نیز لی، و): آهرمنت؛ متن = ل، ق (نیز لن، ل، پ، لن) ۹- ف، س: سلاحست؛  
 متن = ل، ق، ل، ل، س: ۱۰- س: بربرش بر (هیچیک از حرفها نقطه ندارند)؛ ل: بسیار بر؛ س: چندان برش؛ متن = ف، ل،  
 ق ۱۱- س: اسبش؛ س: روی؛ متن = ف، ل، ق، ل ۱۲- ف، س، س: (نیز لی، پ): رزه (؟) ۱۳- ل، ق (نیز ل): گبر؛ متن =  
 ف، س، ل، س: (نیز هشت دستویس دیگر) ۱۴- ف: تابنده (؟)؛ ق، ل: (نیز لی، ل، و آ): بارنده (؟)؛ متن = ل، س، س: (نیز لن، ق،  
 ب، لن، ب) ۱۵- ف، س، ق: سلاحش؛ متن = ل، ل، ل، س: این بیت را ندارد ۱۶- س: گشتی؛ متن = ف، ل، ق، ل، ل، س: (نیز  
 لن، ب) ۱۷- ل، ل، ل: (نیز ب): باد؛ متن = ف، س، ق، س: (نیز هشت دستویس دیگر) ۱۸- ل: بناورد با شیر گردد دلیر؛ س، ق، س: (نیز  
 لن، ق، ل، و لن، ب): بدریا ورود و بخشکی (س، ب: و بهرجا؛ ق، ل: اندرآید؛ س: او بمردی؛ و: بیابان) دلیر؛ ل: بدریا رود او بکردار  
 تیر؛ متن = ف (نیز لی، آ، ب)؛ ل، س: (نیز لن، ق، ل، ل، پ، و لن، ب) پس از این بیت افزوده اند:

سخن گوید (س، ب: دانسد) ارزو کنی خواستار

بدریا چو کشتی بود برگذار (ل، ل، ق، ل: روز کار؛ ق: درگذار)

ف (نیز لی، آ) این بیت را ندارند ۱۹- ل: دلاور ۲۰- ل: جوشنش بد؛ درس این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۱-  
 س: سلاح ۲۲- ف: نیاید؛ متن = ل، س ۲۳- س: بدو؛ س: برش ۲۴- س، س: تیغ؛ ق: تیر؛ متن = ف، ل، ل ۲۵-  
 س: یکی آزمون را کنون ۲۶- ق: بسینیم ۲۷- س: ایدونکه ۲۸- ف: زورمند؛ ق: نیرو دهد زورمند؛ متن = ل، س، س: (نیز  
 لن، ب) ۲۹- ف (نیز لی، آ): نگرود (!)؛ متن = ل، س، س: (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب) ۳۰- ق: همان هور و گردنده؛ ل: این بیت  
 را ندارد؛ ف، س، ل، س: (نیز لن، ق، ل، پ، و لن، ب: لغت شهنامه، شماره ۱۸۸۷) پس از این بیت افزوده اند:

همانا که یزدان به ما بر قفیز (ف: بنیز؛ ق: برو بر به نیز)

تمامی نکرده است این (از این) وعده نیز (ف: چیز)

ل، ق (نیز لی، ل، آ) این بیت را ندارند ۳۱- ل: نه آن شهر مانند نه آن شهریار؛ متن = ف، س، س ۳۲- ف: سرآرد (!)؛ متن = ل،  
 س، س: (نیز لن، ق، ل، ل، پ، و لن، ب) ۳۳- ل: کارزار؛ ق، ل: این بیت را ندارند

۲۵۹۵ وُ گرا دست<sup>۲</sup> رستم بود روز<sup>۳</sup> جنگ  
شوم تا بدان روی<sup>۴</sup> دریای چین  
نساژه من ایدر<sup>۵</sup> فراوان درنگ  
بدو مانم این مرز توران زمین  
بدو شیده گفت: ای خردمندشاه  
ترا فر و برزست و مردانگی<sup>۸</sup>  
نبايد ترا پند آموزگار  
چو پیران و هومان و فرشیدورد  
شکسته سلیح<sup>۱۱</sup> و شکسته<sup>۱۲</sup> دلند  
تو بر باد این<sup>۱۴</sup> جنگ<sup>۱۵</sup> کشتی مران  
ز شاهان گیتی گزیده<sup>۱۶</sup> توی<sup>۱۷</sup>  
به جان و سر شاه توران سپاه  
که از کار کاموس و خاقان چین  
شب تیره بگشاد چشم دُره  
ز غم پشت ماه اندر آمد به خم<sup>۲۲</sup>

۱- ل: اگر ۲- ل: چیره ۳- س: تیز ۴- س: اینجا؛ س: من ایدر نساژه ۵- س: سوی؛ س: پس از این بیت افزوده اند:

بترسم من ای پور و جان پدر  
ازین بی وفا چرخ بیدادگر  
۶- س (نیز لن، ل: ب): بزی؛ (ق: بوی)؛ متن = ف، ل، ق، ل، س<sup>۷</sup> س (نیز ب): چرخ و گاه؛ ق: پیشگاه؛ متن = ف، ل، ل، س<sup>۸</sup> س (نیز لن، ق: ل، ب، و، لن، آ): ۸- ل: فرزانیگی ۹- ل: مردانگی ۱۰- س: اندر نبرد ۱۱- س: سلاح ۱۲- ل، ق، س<sup>۱۳</sup> س (نیز لن، ب، لن): گسته؛ متن = ف، س، ل: (نیز ق: ل، ل، و، آ، ب) ۱۳- س: تو گفتی (س: گویی) که از غم همی؛ ق: ز تیمار و ز غم همی؛ متن = ف، ل، ل، ل ۱۴- ل: آن ۱۵- ل: (نیز ب): خیل؛ متن = ل، س، ق، س<sup>۱۶</sup> س (نیز لن، ق: ل، ب، و، لن): ف این بیت را ندارد ۱۶- س، ق، س: نبرده؛ متن = ف، ل، ل، ل ۱۷- س، ق، ل، س: تویی؛ متن = ف، ل، ل ۱۸- ل: جهانجوی و هم؛ س: نشان دیده و؛ متن = ف، س، ق، ل ۱۹- ل (نیز لن، ل: ب، لن، آ): و ماه و به؛ متن = س، ق، ل، س<sup>۲۰</sup> س (نیز ق: ل، و، ب): ف این بیت را ندارد؛ س (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند:

ز توبه ندانم کس از مهتران  
نه زین گرزداران و والاسران  
ترا این چنین گفتم روی نیست  
که ما را به بخت تو این خوی نیست  
۲۰- س: پردرد؛ متن ← ۲۱- ق: جان پرز کین؛ س: دلش گشت پردرد و اندوهگین؛ متن = ف، ل، ل، س، س<sup>۲۲</sup> س (نیز لن، ل، ب): پس از این بیت افزوده اند:

سوی کنک نباید کشیدن سپاه  
وزان پس سوی جنگ برخاستن  
چو این گفته شد رفت تا جای خواب  
دل پرز کین و سری پرشتاب (س: زتاب)  
ف، ل، ق، ل (نیز ق: ل، ل) این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست  
۲۲- س، س: (نیز ب) پس از این بیت و (لن، پ، لن) پس از  
بیت سپین افزوده اند:

فرستاده فرغار (لن، لن: فرخار) از آن روزگه

بررفت و بیامد به توران سپاه

جهان گشت برسان مُشک سیاه  
بیامد بنزدیک افراسیاب  
چنین گفت کز بارگاه بلند  
سرپرده‌یی سبز دیدم بزرگ  
۲۶۱۰ یکی آژدها‌فَش درفش‌ی به پای  
به خیمه درون زنده 'اپلی' ژیان  
یکی بور ابرش به پیشش به پای  
فروشته از ۱۵ کوهه‌ی زین لگام  
۲۶۱۵ سپهدار چون طوس و گودرز و گیو  
گرازه طلایه‌ست ۱۸ با گُستَهَم

چو فرغارِ ترکان<sup>۲</sup> از<sup>۳</sup> ایران سپاه<sup>۴</sup>،  
شب تیره هنگام آرام و خواب  
برفتم بر<sup>۵</sup> رستم دیوبند<sup>۶</sup>  
سپاهی بکردارِ آرغنده<sup>۸</sup> گرگ  
زده خیمه بر پیش پرده‌سرای<sup>۹</sup>  
میان تنگ بسته به بیر بیان  
نه آرام دارد<sup>۱۲</sup> تو گفتی<sup>۱۳</sup> نه جای<sup>۱۴</sup>  
به فتراک بر حلقه‌ی خیمه<sup>۱۶</sup> خام  
فریرز و شیدوش و گرگین<sup>۱۷</sup> نیو  
که با بیژن گیو باشد بهم

غمی شد ز گفتار فرغار<sup>۱۹</sup> شاه  
بیامد سپهدار پیران چو گرد  
ز گفتار فرغار<sup>۲۱</sup> چندی بگفت  
بدو گفت پیران که ما را ز<sup>۲۲</sup> جنگ  
۲۶۲۰ ز بهر برو بوم و فرزند<sup>۲۴</sup> خویش  
چو پاسخ چنین یافت افراسیاب

کس آمد بر<sup>۲۰</sup> پهلوان سپاه  
بزرگان و مردانِ روزِ نبرد  
که تا کیست با او به پیگار جفت  
چه چاره‌ست و از<sup>۲۳</sup> جستن نام و ننگ  
بکوشیم و از بهر پیوندِ خویش<sup>۲۵</sup>  
گرفت اندر آن جنگ<sup>۲۶</sup> جستن شتاب

۱- ل (نیزق<sup>۲</sup>): فرغاد؛ (لن، لن: فرخار)؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزل، ل، ب، و، آ، ب، بنداری) ۲- ل، س، ق، ل (نیزلن-ب): برگشت؛ متن = ف ۳- ل: ز ۴- ل: آن رزمگاه؛ س: این بیت را ندارد ۵- ل: پلنگ (جاند) ۶- ل: سوی ۷- ل: تیزچنگ ۸- ف، ل، ق (نیزلن، ل-آ): درنده؛ س (نیزق<sup>۲</sup>): غرنده؛ متن = ل، س (نیزب) ۹- ف، ل (نیزلن، ل): نه آرام دارد تو گفتی (لن: داند تو گویی) نه جای (= ۲۶۱۳ ب)؛ ق (نیز آ): تو گویی (آ: گفتی) همی اندر آید ز (آ: به) جای؛ ق: تو گویی که دارد مگر باد پای؛ ل: نه آرام گفتی که دارد بجای؛ و: تو گفتی نه آرام دارد نه جای؛ متن = س، س (نیزب، لن، ب): ل: این بیت را ندارد؛ درل (نیزو) پس از این بیت، بیت ۲۶۱۴ آمده است ۱۰- ل: زنده ۱۱- ق، ل: پیل؛ ف، س (نیزل، ل): این بیت را ندارند ۱۲- س: داند؛ متن ← ۱۳- ق (نیزلن): گویی؛ متن ← ۱۴- (پ: ز جای)؛ ل: تو گفتی همی اندر آید ز جای؛ (لن: زده خیمه در پیش پرده سرای؛ ق: یکی زنده پیلست گویی بجای؛ و: تو گفتی نه آرام دارد نه جای؛ آ: نه آرام گفتی که دارد بجای)؛ متن = ل، س (نیزب): ف (نیزل، ل) این بیت را ندارند؛ ف ۲۶۱۱- ۲۶۱۳ را انداخته و از ۲۶۱۱ و ۲۶۱۳ ب یک بیت ساخته است ۱۵- ل: بر؛ متن = س، ق، ل، س (نیزلن-ب) ۱۶- ق: بسته خیمه؛ ف این بیت را ندارد؛ درل (نیزو) این بیت پس از بیت ۲۶۱۱ آمده است ۱۷- ق: گردان؛ س: گرگین و شیدوش و ۱۸- ل، س، ق (نیزل، و، ب): طلایه گرازست؛ متن = ف، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، لن، آ) ۱۹- ف: فرغانه؛ ل (نیزق<sup>۲</sup>): فرغاد؛ (لن، لن: فرخار)؛ متن = ل، س، ق، س (نیزل، ل، ب، و، آ، ب) ۲۰- س: که آمد برش ۲۱- ل (نیزق<sup>۲</sup>): فرغاد؛ (لن، لن: فرخار)؛ متن = ف، ل، س، س (نیزل، ب، و، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد؛ در س بیت های ۲۶۱۹-۲۶۵۸ پس از بیت ۲۵۶۷ آمده است ۲۲- س: به ۲۳- ف (نیزل، آ): چاره‌ست در؛ ن (نیزل): چاره‌ست جز؛ ق: چاره‌ست و این؛ ل (نیزلن، ق، ب، و، لن): چاره‌ست وز؛ متن = س، س (نیزب) ۲۴- س: پیوند ۲۵- ق: پیوند و خویش؛ س: بکوشیم چندی ز پیوند خویش؛ متن = ف، س، ل؛ ل این بیت را ندارد ۲۶- ل: کینه

۲۶۲۵ به پیران بفرمود تا با سپاه  
 ز پیش<sup>۲</sup> سپهدار<sup>۳</sup> بیرون شدند<sup>۴</sup>  
 خروش آمد از دشت و آوای<sup>۵</sup> کوس  
 سپه بود چندانک<sup>۶</sup> گفتی جهان  
 تیره زنان نعره برداشتند  
 از<sup>۷</sup> ایوان به دشت آمد افراسیاب  
 به پیران بگفت آنچه<sup>۸</sup> بایست گفت  
 ز بیگانه خانه<sup>۹</sup> پرداختند  
 دیر جهان دیده را خواند و گفت  
 یکی نامه نزدیک<sup>۱۰</sup> پولادوند  
 بگوش که ما را چه آمد به پیش<sup>۱۱</sup>

۲۶۳۰ بیامد<sup>۱</sup> بر رستم کینه خواه  
 همه رزم را سوی هامون شدند<sup>۲</sup>  
 جهان شد ز گرد سپاه<sup>۳</sup> آبنوس  
 همی گردد از گرد اسپان<sup>۴</sup> نهان  
 همی<sup>۵</sup> پیل بر پیل<sup>۶</sup> بگذاشتند  
 همی کرد بر جنگ<sup>۷</sup> جستن شتاب  
 ز دشت اندر آمد به سوی نفت<sup>۸</sup>  
 پسندیده<sup>۹</sup> را پیش بنشاختند  
 که راز بزرگان باید<sup>۱۰</sup> نفت  
 بیارای و از رای بگشای<sup>۱۱</sup> بند  
 ازین نامور مرد بسیار کیش<sup>۱۲</sup>

۱- ل. ق (نیزق، ل، ب، و ب): بیاید: متن = ف. س. ل. س<sup>۱</sup> (نیزلن. ل. لن. آ) ۲- ق: شهر ۳- ل: سپهده ۴- ل: کشید ۵- ل: همی ۶- س: آواز ۷- س. ل. س: سپه: س<sup>۲</sup>: بنه ۸- ل: چندانکه ۹- س. س: لشکر ۱۰- س. س: همه ۱۱- ق (نیزل): میل بر میل: متن = ف. ل. س. ل. س<sup>۲</sup> (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۲- س: ز ۱۳- س: کینه ۱۴- ق: آنچه ۱۵- ل (نیزل): که راز بزرگان باید نفت (= ۲۶۳۱ ب): ل این بیت را ندارد: متن = ف. س. ق. س<sup>۱</sup> (نیزهشت دستنویس دیگر): بنداری: فشیعه افراسیاب و جهره ثم عادانی ایوانه ۱۶- س. س: س<sup>۱</sup> (نیزلن. ق. ب. و ب): خیمه: متن = ف. ق. ل<sup>۱</sup> (نیزل. لن. آ) ۱۷- س. ق. س: س<sup>۲</sup> (نیزلن. ق. ل. و. لن. آ. ب): نویسنده: ل<sup>۱</sup> (نیزب): نویسنده: متن = ف: ل (نیزل) این بیت را ندارند: بنداری: و خلا باصحاب رایه و خلصانه: در ل<sup>۱</sup> این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است: برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س: نامه فرستادن افراسیاب بنزد پولادوند: ق: بردن شیده نامه پدرش افراسیاب نزد پولادوند و بعد طلبیدن او را جهت مبارزت با رستم: س<sup>۱</sup>: نامه افراسیاب به پولادوند ۱۸- ل: که راز از بزرگان نباید: متن = ف. ل. س. ق. س: ل (نیزل) ۲۶۲۹ ب - ۲۶۳۱ آ را انداخته و از ۲۶۲۹ آ و ۲۶۳۱ ب یک بیت ساخته اند ۱۹- ف: کن سوی: (لی: کن نزد): متن = ل- س<sup>۱</sup> (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۰- ف: وزین راز سرشته بگشای: ل. ق. ل<sup>۱</sup> (نیزل، و): بیارای و از رای بگشای (ق: مگشای): س (نیزلن. لی. ب. لن. آ. ب): بیارای و از رای (س: پای) بگشای: س<sup>۱</sup> (نیزق): بیارای و بگشای از رای (ق: دلرا): متن = ل. س. س<sup>۲</sup> (نیزلن. لی. ب- ب) پس از این بیت افزوده اند:

نخت آفرین کن بدادار پاک  
 خدایند کیوان و گردان سپهر  
 کزویست نیرو و هم زو هلاک  
 خدایند ناهید و رخشنده مهر  
 وز او آفرین کن بر آن نسوچند  
 سپهدار فرخنده پولادوند

ف. ل. ق. ل<sup>۱</sup> (نیزق، ل، ب، و ب) این بیت ها را ندارند ۲۱- ل. ق (نیزل): بسره: (ق: و بروی): متن = ف. س. ل. س<sup>۱</sup> (نیزلن. لی. ب. لن. آ. ب) ۲۲- ل. ق: گرد پر خاشخو: س (نیزل. آ. ب): رستم تیره کیش: (ق: و مرد پر خاشجوی: ل: نامدار گوشیرنر): متن = ف. ل. س<sup>۱</sup> (نیزلن. ب. لن. س. س<sup>۲</sup>) (نیزلن. لی. ب. لن. آ. ب) پس از این بیت افزوده اند:

وزان (س: وزین) نامور پرهز مهتران  
 ز طوس و ز گودرز و کندی اوران  
 ز کار نپیره بگوش همه  
 خدایند مرزست (س: آن مرز) و شاه رمه  
 بپروردم او را چو جان ارجمند  
 که از باد نامد بر و بر گزند

ف. ل. ق. ل<sup>۱</sup> (نیزق، ل، ب، و) این بیت ها را ندارند





کنارنگ و جنگاوران<sup>۱</sup> را بخواند  
 بدیشان<sup>۲</sup> بگفت آنچه<sup>۳</sup> در نامه بود  
 بفرمود تا کوس بیرون برند  
 سپاه انجمن کرد گردان<sup>۴</sup> دیو ۲۶۵۰  
 درفش از پس پشت<sup>۵</sup> بولادوند  
 فرود آمد از کوه و بگذاشت آب  
 تبیره برآمد ز درگاه شاه  
 به بر درگرفتش جهاننیده‌مرد  
 بگفتش که<sup>۱۲</sup> تیمار ترکان ز کیست ۲۶۵۵  
 خرامان به ایوان خسرو شدند  
 سخن راند هر گونه افراسیاب  
 ز خون سیاوش که بر دست اوی<sup>۱۵</sup>  
 ز خاقان و کاموس و منشور<sup>۱۶</sup> گرد  
 بگفت آنک این رنج<sup>۱۹</sup> از یک تن ست ۲۶۶۰  
 ز هر گونه‌یی داستان‌ها براند  
 جهانگیر و<sup>۴</sup> برنا و خودکامه بود  
 سرآورده‌ی او به هامون برند  
 برآمد ز گردان لشکر غریو  
 سپردار<sup>۱</sup> با ترکش و با کمند  
 بیامد<sup>۴</sup> بنزدیک افراسیاب  
 پذیره شدنش سراسر<sup>۱۱</sup> سپاه  
 ز کار گذشته بسی یاد کرد<sup>۱۱</sup>  
 سرانجام<sup>۱۳</sup> درمان این کار چیست  
 به رای و به اندیشه‌ی نو شدند  
 ز کار درنگ و ز بهر شتاب<sup>۱۱</sup>  
 چه آمد ز پرخاش و ز گفت و گوی<sup>۱۶</sup>  
 گذشته سخن‌ها همه<sup>۱۸</sup> برشمرد  
 که او را پلنگینه پیراهن ست

۱-س، س: ناماوران ۲-ل: بایشان ۳-ق، ل: آنچه ۴-ل، ق، ل: [و] ۵-ل: پر کبر: س: بیت‌های ۲۶۴۸ و ۲۶۴۹ را ندارند ۶-ل، س، ق، ل: (نیزق، ل: شد بکردار: س: کرد مردان: متن = ف (نیزل، ل، ب، لن) ۷-ف، ل (نیزل، ل، ب، آ): پس و پیش: متن = س، ق، ل: س: (نیزق، ل، و، لن، ب) ۸-ف (نیزل، آ): سپهدار: متن = ل-س: (نیزهفت دستنویس دیگر) ۹-ق: خرامان بیامد (وزن ندارد) ۱۰-ل، س، ل: س: (نیزل، ق، ب، و، لن، ب): یکایک: ق (نیزل، آ): ز توران: متن = ف (نیزل، آ): در ل-س: (نیزل، ل، ب، و، لن، ب) لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند: پایی لت‌های این بیت در متن = ف (نیزق، ل، آ): س: پس از این بیت افزوده است:

رسیدند پس شاه و بیله و فرار همان لشکر گرد گردنفرار

۱۱-در ل پس از این بیت، بیت ۲۶۵۹ و درس پس از این بیت، بیت ۲۶۵۸ آمده است: س: پس از این بیت افزوده است:

بگفتش که تیمار ترکان ز کیست (= ۲۶۵۵) بسی گفت و با درد چندی گریست

۱۲-ل: بگفت آنک: ق: بگفت: که ۱۳-س، ق، ل: س: (نیزل، ق، ل، ب، و، لن، آ): سرانجام و: متن = ف، ل (نیزل، آ، ب) ۱۴-ل: بیت‌های ۲۶۵۷-۲۶۵۹ را ندارند ۱۵-ق: او ۱۶-ل: گفت گوی: ق: گفت گوی: س: برفت و چه آمد مرا و را بروی: متن = ف، س، ل: (نیزل، ب: در برخی: واز): درس این بیت پس از بیت ۲۶۵۴ آمده است ۱۷- (و: منشور): ل، س، ق: منشور و کاموس: ل: ز کاموس و منشور و خاقان ۱۸-س: بسی: در ل این بیت پس از بیت ۲۶۵۴ آمده است ۱۹-ل: رنج: س: بگفتا که این رنج: ق: همی گفت رنج من: متن = ف، ل، س، س:

→ 5 سرانجام و بیله (س: همه)

فرستاد یکسر ببران همه (س: همه)

کنون کرد آهنگ آن زادش هم کرد آن کس را بخم

تبه کرد آن کار پیور دیز در آمد زیر آن کجا بود زیر

یکی پادشاه بود پیور دوند رسیده مثل تابه جرخ بسند

بدان کوه چین اندرون جای او نبود تندر آن روز (س: مرز) همی او

ابا لشکر گشن و مردان جنگ سپاهش پلنگ و سپهبد هنگ 10

نیاید<sup>۱</sup> سلیحه<sup>۲</sup> برو<sup>۳</sup> کارگر  
بیابان سپردی و راه دراز

پُراندیشه شد جان پولادوند  
چُنین داد پاسخ بدافراسیاب<sup>۸</sup>  
گر آنست رستم<sup>۱۰</sup> که مازندران  
بدرید پهلوی دیو سپید<sup>۱۲</sup>  
مرا نیست پایاب با<sup>۱۵</sup> جنگ اوی<sup>۱۶</sup>  
تن و جان من پیش رای تو<sup>۱۸</sup> باد  
من او را بر اندیشه دارم<sup>۱۹</sup> به جنگ  
تو لشکر برآغال<sup>۲۱</sup> با<sup>۲۲</sup> لشکرش  
مگر چاره سازی<sup>۲۴</sup>، و گرنه<sup>۲۵</sup> به دست

۲۶۶۵

۲۶۷۰

ازو شاد شد جان افراسیاب  
بدانگه که شد مست پولادوند  
که من بر فریدون و ضحاک و جم  
برهنم بترسید از<sup>۳۱</sup> آواز من

۲۶۷۵

می روشن آورد و چنگ و رباب<sup>۲۷</sup>  
چُنین گفت با او<sup>۲۸</sup> به بانگ<sup>۲۹</sup> بلند،  
خور و خواب و آرام کردم دژم<sup>۳۰</sup>  
و زین لشکر گردن افراز من

۱-ل، س، س: نیامد؛ متن = ف، ق، ل: ۲-ف، س: سلاحه؛ متن = ل، ق، ل، س: ق: سلیحه نیاید ۳-ل، ل: بدو؛ س: همی؛ متن = ف، س، ق ۴-ل: بدان ۵-ق: خود و آن گبر ۶-ل: رستم؛ س: توبیا لشکری چاره او؛ در س: پس از این بیت، بیت های ۲۶۶۱ و ۲۶۶۲ آمده اند ۷-ل: گفت ۸-ل، ق، ل، س: (نیز لن-ب): به افراسیاب؛ س: که افراسیاب؛ متن = ف ۹-ل: نباشد ۱۰-ف، س، س: (نیز لن، پ، لن، ب): همانست رستم؛ ق (نیز ل): اگر رستم آنست؛ (آ): که آنست رستم؛ متن = ل، ل: (نیز ق، ل، و): بنداری (۲۶۶۵-۲۶۶۷): فإِنَّ هَذَا الرَّجُلَ إِنْ كَانَ ذَلِكَ الرَّجُلَ الَّذِي فَتَحَ مَازَنْدَرَانَ، وَشَقَّ خَاصِرَةَ سَيْدِ دِيُو وَ قَتَلَ كَوْلَادَ فَكَيْفَ أَطِيقُ مَقَاوِمَهُ أَوْ أُسْتَطِيعُ عَجَابَتَهُ؟ ۱۱-ل، س، ل، س: شب تیره؛ متن = ف، ل، ق ۱۲-س، س: سفید ۱۳-ف، س، ق، س: (نیز ل، و، آ، ب): اولاد؛ ل: غولاد و؛ (ل: پولاد)؛ متن = ل، بنداری ۱۴-ل، س، ق، ل: (نیز ل، ب): عندی؛ متن = ف، س: (نیز ل، و، آ) ۱۵-س، ق: در ۱۶-ل، س، س: اوی ۱۷-س: کرد ۱۸-ق: پیش تو بنده (پساوند ندارد) ۱۹-ف، س، س: (نیز ب، و، لن، ب): یکی حيله (و: حمله) سازم؛ ق (نیز ل): یکی چاره سازم؛ (آ): پراندیشه دارم؛ متن = ل، ل: (نیز ق، ل): براندیشه دارم (؟) ۲۰-ل: نگردم (!)؛ س، ق، س: بگردم بگردش؛ متن = ف، ل: بنداری (۲۶۶۹-۲۶۷۱): وَلَكِنْ أَحْتَالُ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِتَالِ فَأُحِبُّهُ فِي وَسْطِ الْعَجَاجِ، فَتَحَرَّشْ بِه رَجَالِكْ فَلَعَلْنَا نَغْلِبُهُ بِالْحَيْلَةِ ۲۱-ل (نیز لن): برآغاز؛ ق: برآویز؛ (و: برآرای)؛ متن = ف، س، س: (نیز لن، ق، ل، پ، آ، ب) ۲۲-ل، س، س: (نیز لن، ل، پ، و، لن، ب): بره؛ متن = ف، ق (نیز ق، آ) ۲۳-ل، ق (نیز ل، و، آ): به انبوه تا؛ (ق): از انبوه تا؛ پ: ز انبوه تا؛ متن = ف، س، س: (نیز لن، ل، ب، لن، آ): ل این بیت را ندارد ۲۴-ل، س، ل، س: (نیز لن، ل، پ، لن، ب): سازم؛ (ق، آ: سازم)؛ متن = ف، ق (نیز ل) ۲۵-ل: وگرنی ۲۶-ق: ایشان ۲۷-ق: مشک و گلاب ۲۸-ف: وی؛ متن = ل-س: (نیز لن، ق، ل، لن، ب) ۲۹-س: نام؛ ل: یکایک؛ متن = ف، ل، ف، س: ۳۰-ق: این بیت را ندارد ۳۱-ل، س، ل: (نیز لن، ل، پ-ب): بترسد ز (از): (ق): بترشد از: (نیز ل): بترسد برهنم ز؛ متن = ف، س

من این زاوئ<sup>۱</sup> را به شمشیر تیز<sup>۲</sup> آورد گه بر<sup>۳</sup> کتم ریزریر

گفتار اندر رزمِ رستم زال با پولادوند<sup>۴</sup>

<p>۲۶۸۰ چو خورشید بنمود<sup>۴</sup> تابان درفش تیره برآمد ز درگاه شاه ز<sup>۵</sup> پیش سپه بود پولادوند چو صف برکشیدند هر دو سپاه تهمن پوشید ببریان برآشت و بر میمنه حمله برد از آپس غمی گشت<sup>۶</sup> پولادوند برآویخت با طوس چون پیل مست کمر بند بگرفت و او را ز زین به پیگار او گیو<sup>۷</sup> چون بنگرید برانگیخت از جای شبدیز را برآویخت با دیو چون شیر نر کندی بینداخت پولادوند نگه کرد رُهام و بیژن ز<sup>۸</sup> راه برفتند تا دست پولادوند</p>	<p>مُعَصَفَر شد آن پرنیان بنفش<sup>۹</sup>، به ابر اندر آمد خروش سپاه تی<sup>۱۰</sup> زورمند و به بازو کمند<sup>۱۱</sup> هوا شد بنفش و زمین شد سیاه، نشست از بر زنده پیل ژریان ز ترکان بیفگند بسیار گرد<sup>۱۲</sup> ز فتراک بگشاد پیچان کمند کمندی به بازو، عمودی<sup>۱۳</sup> به دست برآورد و آسان بزد بر زمین سر طوس نوذر نگوسار<sup>۱۴</sup> دید تن و جان بیاراست آویز را ز ره دار<sup>۱۵</sup> با گرزهی گاوسر سر گیو گرد اندر آمد به بند<sup>۱۶</sup> بدان<sup>۱۷</sup> زور و آن گرز<sup>۱۸</sup> و آن دستگاه ببندند هر دو به ختم کمند<sup>۱۹</sup></p>
---	--

۱- ل. س. ق. س<sup>۱</sup> (نیز ق. ل. ل. ل. ب. ل. ب. ل. ب. بنداری): زابل: متن = ف. ل<sup>۱</sup> (نیز ل. و. آ) ۲- س. ق. به: س (نیز ل. ل. ب. ل. ب. ل. آ. آ. ب) پس از این بیت یک بیت و س<sup>۱</sup> پس از بیت سبب دو بیت افزوده اند:

چه رستم به پیشم چه یک مشت خاک  
چو خورشید بنمود بالای خویش  
ز کیخسرو و طوس و گیو (س): گیو و طوس) چه باک  
نشست از بر تنند بالای خویش

۳- ف: گفتار اندر نبرد پولادوند با پهلوانان ایران و افکندن چهار گرد را و آمدن رستم بختگ او و گشتی گرفتن: ل. رزم رستم زال با پولادوند: س: داستان رزم رستم زال با پولادوند دیو: ل<sup>۱</sup>: اندر افکندن پولادوند طوس و گسورا بنزد رستم: س<sup>۱</sup>: رزم پولادوند با طوس و گودرز: متن = ل ۴- ل. ق. ل<sup>۱</sup>: بنمود خورشید: متن = ف. س. س<sup>۱</sup> ۵- ف: درفش (!): ل. ل. ل<sup>۱</sup> (نیز ق. ل. ل. ل. آ): پرنیانی بنفش: ق (نیز ب): پرنیانی درفش (!): (لن: پرنیانی درفش (!)): متن = س. س. س<sup>۱</sup> (نیز ل. ب. و) ۶- ل. س<sup>۱</sup> (نیز ل. ب): به: متن = ف: ز (?): ۷- ل. ق. ل<sup>۱</sup> (نیز ل. ب. و. لن): متن = متن = ف. س. س<sup>۱</sup> (نیز ل. ق. ل. آ. ب) ۸- ل<sup>۱</sup>: بیالا بلند ۹- س پس از این بیت افزوده است:

برانگیخت لشکر بیگجا بهم  
مبارزه پیش اندرون پیش و کم  
۱۰- س: چو آن دید: ل<sup>۱</sup>: وزان پس غمین گشت ۱۱- ل: گرز ۱۲- ل<sup>۱</sup>: به پیکارشان دیو ۱۳- ل. ق. ل. ل. س<sup>۱</sup> (نیز ل. ب): نگوسار: متن = ف: س بیت های ۲۶۸۶-۲۶۸۸ را ندارد ۱۴- ف: ز ره دار (!) ۱۵- ل<sup>۱</sup>: ببندند هر دو بختم کمند (= ۲۶۹۱ ب) ۱۶- ل<sup>۱</sup>: به ۱۷- ق: بران ۱۸- س (نیز ب): یال: ق (نیز ق): برز: س: کرد: ل: و بالا: متن = ف (نیز هفت دستویس دیگر): در ل<sup>۱</sup> بیت های ۲۶۹۰ و ۲۶۹۲ پس و پیش شده اند ۱۹- ل<sup>۱</sup>: سر گیو گرد اندر آمد به بند (= ۲۶۸۹ ب): س پس از این بیت افزوده است: بر او حمله کردند هر دو دلیر  
بدان تا جهد گیو زود از کمند  
برآویختند آن دو فرزانه شیر  
رها یابد از بند پولادوند

<p>برانگیخت اسپ و برآمد خروش سرافراز و شیر و<sup>۲</sup> گران‌سایه<sup>۳</sup> را، نظاره برآن دشت چندان سوار به خنجر به دو نیم<sup>۷</sup> کردش میان نماند ایچ گرد اندر آوردگاه<sup>۹</sup> چو دیدند<sup>۱۱</sup> از آن<sup>۱۲</sup> دیوجنگی نشان<sup>۱۳</sup>، که پولادوند اندرین رزمگاه<sup>۱۵</sup>، ز گردان لشکر سواری<sup>۱۷</sup> نماند، به گرز و به خنجر، به تیر و کمند بدین کار فریادرس رستم‌ست ز قلب و<sup>۲۰</sup> چپ لشکر و دست راست بنالید با داور دادگر، همی سر ز خورشید<sup>۲۲</sup> بگذاشته چنین اختر و روز برگشته<sup>۲۴</sup> شد مرا شرم باد از کلاه و کمر</p>	<p>بزد دست پولاد بسیارهوش دو گرد<sup>۱</sup> از دلیران پرمایه را به خاک اندرافکند و گشتند<sup>۴</sup> خوار بیامد<sup>۵</sup> بر اختر کاویان<sup>۶</sup> خروشی برآمد از<sup>۸</sup> ایران‌سپاه فریرز و گودرز<sup>۱۱</sup> و گردنکشان بگفتند با رستم کینه‌خواه<sup>۱۴</sup> به زین بر یکی نامداری<sup>۱۶</sup> نماند که نفکند بر خاک پولادوند همه رزمگه سربسر ماتم‌ست و زان<sup>۱۸</sup> پس خروشیدن و ناله<sup>۱۹</sup> خاست چو کم شد ز گودرز هر دو پسر که چندین نبیره<sup>۲۱</sup> پسر داشتم به رزم اندرون پیش من<sup>۲۳</sup> گشته شد جوانان من گشته، من<sup>۲۵</sup> پیرسر</p>
<p>بلرزید برسان برگ<sup>۲۷</sup> درخت و را دید برسان کوهی<sup>۲۹</sup> بلند</p>	<p>چو بشنید رستم دژم<sup>۲۶</sup> گشت سخت بیامد بنزدیک<sup>۲۸</sup> پولادوند</p>

۱- ق: مرد ۲- (لن: [و]) ل: گرد و: س، ل، س، (نیزلی، ب، لن، آ، ب): سرافرازشیر: ق (نیزق): سرافرازمرد: متن = ف ۳- ل، ق (نیزق): گرانمایه: ل، س، (نیزب، لن): گران‌پایه: متن = ف، س (نیزلن، لی، آ، ب) ۴- ل، ق (نیزق): ل، و: بپرد: ل: بستند: متن = ف، س، س، (نیزلن، لی، ب، لن، آ، ب) ۵- ف: برآمد: متن = ل-س، (نیزلن-ب) ۶- بنداری: عنله الدرفش الجاوریانی ۷- س، س، نیمه ۸- ل، س، ق: ز: متن = ف، ل، س، ۹- ق: اندر آن رزمگاه ۱۰- س: گردان ۱۱- ل، ق، ل (نیزق): ل، و: گرفتند: متن ← ۱۲- ل: زان: متن ← ۱۳- س، س، (نیزلن، ب): چو دیدند آن جنگی بدندان: متن = ف (نیزلی، ب، لن، آ) ۱۴- ق: نامدار ۱۵- ق: اندر آن کارزار: ل: اندر آوردگاه ۱۶- ق: بر آوردگاه بر سواری ۱۷- ق: ز گردنکشان نامداری ۱۸- ل: از آن ۱۹- س: آه: ل، س، ق: خروشیدن ناله: متن = ف، ل، ۲۰- ل، س، [و] ۲۱- ق: نبرده ۲۲- ق: به خورشید: ف: که چندین سر از ماه: متن = ل، س، ل، س، (نیزلن-ب) ۲۳- ف: سربسر: متن = ل-س، (نیزلن-ب) ۲۴- ف، ل (نیزلن، لن): اختر روز برگشته: ل، س، ق (نیزق): لی، ل، و، آ: اختر و روز من گشته: متن = س، (نیزب، ب): ق در اینجا سرنویس دارد: نبرد رستم زال با پولادوند در توران ۲۵- ق: با: ل، ل: جوانان و (ل: [و]) من زنده با: متن = ف، س، س، (نیزلن، ب، ب): ل، ق (نیزلن، لی، ب، لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

کمر برگشاد و کله برگرفت

خروشدن و ناله اندر گرفت

۲۶- ل: غمی ۲۷- ف، س، (نیزلن، لی، ب): شاخ: متن = ل، س، ق، ل (نیزق) ۲۸- س: بنزدیک من (وزن ندارد) ۲۹- ف، ل: کوه: متن = س، ق، ل، س، و: س پس از این بیت افزوده است:

چو دید آن کمند نبرده سوار برسد و بر آمد از کارزار

<p>چو گوران و دشمن بکردار شیر و زان روی پرخاش<sup>۳</sup> پیوسته دید سر نامداران ما<sup>۴</sup> خیره گشت غنوده شد آن بخت بیدار ما برآشفت و آهنگ آویز کرد بینی کنون گردش روزگار سپهد<sup>۵</sup> یلان را پیاده بدید، که ای برتر از<sup>۶</sup> آشکار و نهان، بهستی ز دیدار این روز ننگ<sup>۷</sup>، ز پیران و هومان و آن<sup>۸</sup> نزه دیو، چو بیژن که بر شیر کردی فسوس<sup>۹</sup>، پیاده<sup>۱۰</sup> برآویخته خیرخیر<sup>۱۱</sup> بینداخت آن تاب داده کمند بترسید و سیر آمد از کارزار جهاننیده و نامبردار و<sup>۱۲</sup> شیر، بینی کنون موج دریای نیل کمند و دل و زور<sup>۱۳</sup> و آهنگ من نه از نامداران<sup>۱۴</sup> گردنکشان</p>	<p>غمی گشت از آن کار<sup>۱</sup> گرد دلیر سپه را همه سربر<sup>۲</sup> خسته دید به دل گفت کین روز ما تیره گشت همانا که برگشت پرگار<sup>۳</sup> ما بیفشارد<sup>۴</sup> ران رخس را تیز کرد بدو گفت کای دیو ناسازگار چُن<sup>۵</sup> آواز رسم به گردان رسید چنین گفت با<sup>۶</sup> کردگار جهان مرا چشم اگر<sup>۷</sup> تیره<sup>۸</sup> گشتی به جنگ کزینسان برآمد از<sup>۹</sup> ایران غریو پیاده شده گیو و رهام و طوس ته گشته اسپ بزرگان به تیر برآویخت با دیو پولادوند بدزدید یال آن<sup>۱۰</sup> نبرده سوار بدو گفت پولادوند: ای دلیر که بگریزد از پیش تو زنده پیل<sup>۱۱</sup> نگه کن کنون آتش جنگ من ازین<sup>۱۲</sup> پس نیابی ز شامت نشان</p>
---	---

۱-س (نیز لن، پ، لن، ب): چاره (ل: با چاره): ل، ل: دژم (ل: غمی) گشته زو چاره: ق: همی گشت وزو چاره: س: غمین گشت از آن چاره (لی: آ: غمین گشت زو جان): متن = ف (نیز ق): درل این بیت پس از بیت ۲۷۱۵ آمده است ۲-ل، س، ق، س: (نیز لن، ق، ل، ل، پ-ب): بیشتر: متن = ف، ل (نیز ل) ۳-ق، ل: پیکاره: متن = ف، ل، س، س: ۴-ق، ل: همه: متن = ف، ل، س، س: ۵-ل: بدکاره: ق، ل: برگشته شد کار: متن = ف، س، س: (نیز لن-ب) ۶-ل، ل: س: بیفشارد: متن = ف، ل، س، ق ۷-ل-س: (نیز لن-ب): چو: متن = ف ۸-ل، ق (نیز ق، ل، ل، آ): تهمتن: متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، پ، و، لن، ب): در ل پس از این بیت، بیت ۲۷۰۹ آمده است ۹-س، س: کای ۱۰-س: شناسنده: س: تویی برتر از: ق (نیز لن، ل، لن، آ) پس از این بیت افزوده اند: بمن بازده زور لشکرشکن بمن دیولشکرشکن درشکن  
۱۱-ق: گر ۱۲-ل، س (نیز ل، آ، ب): خیره: متن = ف، ق، س: (نیز لن، ق، ل، ب) ۱۳-ل (نیز ل، ب، لن): تنگ: (لی، آ: نام و ننگ): ق: ز نیمار این روز تنگ: ل: ازین روز دیدار ننگ: متن = ف، س، س: (نیز لن، ق، و، ب) ۱۴-ل، ق، س: ز: متن = ف، س، ل ۱۵-ل: وز: ق، ل، س: و این: متن = ف، س ۱۶-بیت های ۲۷۱۹ و ۲۷۲۰ در ف، ل (نیز ل، آ) پس از بیت ۲۷۲۲ و در ل با ضبطی دیگر پس از بیت ۲۷۳۵ آمده اند: در ق بیت ۲۷۲۱ پس از بیت ۲۷۱۸ آمده است و بیت های ۲۷۱۹، ۲۷۲۰ و ۲۷۲۲ را ندارد: پسبایی بیت های ۲۷۱۹-۲۷۲۲ در متن = س، س: (نیز لن، ق، ب، و، لن، ب) ۱۷-ل: بدینسان ۱۸-ل، س: خیره خیر ۱۹-ل: سرزان: س، س: (نیز لن، ل، لن، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:  
چونامد کمند تهمتن صواب بدزدیدن یال آن زودیاب (نیوتاب)  
۲۰-س، ق، ل، س: [و] ۲۱-س: زندیال: ق این بیت را ندارد ۲۲-ف: کمند دلفروز (!): متن = ل-س: (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، ب) ۲۳-ل، ق: کزین ۲۴-س، ق، ل، س: نامداران و: متن = ف، ل

- نیبی زمین زین سپس جز به خواب  
چنین گفت رستم به پولادوند  
ز جنگاوران نیز؟ گویا مباد  
چو بشنید پولادوند این سخن  
۲۷۳۰ که هر کو به<sup>۶</sup> بیداد جوید نبرد  
گر از دشمنت بد رسد گر<sup>۷</sup> زدوست  
همان رستمست این<sup>۸</sup> که مازندران  
بدو گفت کای مرد جنگ آزمای<sup>۱۰</sup>
- سپارد سپاهت<sup>۱</sup> بدافراسیاب<sup>۲</sup>  
که چندست این بیم و تهدید و بند<sup>۳</sup>  
چو باشد دهد بی گمان سر به باد  
به یاد آمدش گفت های گهن،  
جگرخسته بازآید و روی زرد  
بد و نیک را داد دادن نکوست  
شب تیره<sup>۹</sup> بستد به گرز گران  
چه باشم بر<sup>۱۱</sup> خیره چندین به پای
- دو پیل<sup>۱۳</sup> ژیان با<sup>۱۴</sup> دو مرد<sup>۱۵</sup> نبرد  
که بشنید آواز<sup>۱۶</sup> آن<sup>۱۷</sup> انجمن  
که دستش عنان را بُد کاربند  
چنین گفت کین روز<sup>۲۰</sup> روز بلاست  
به دو گوش بجهد، شود بر برش<sup>۲۲</sup>  
تهمن جهان آفرین را<sup>۲۳</sup> بخواند
- بگشتند و از<sup>۱۲</sup> دشت برخاست گرد  
عمودی بزد بر سرش پیلتن  
چنان تیره<sup>۱۸</sup> شد چشم پولادوند  
بپیچید از آن رفت بر<sup>۱۹</sup> دست راست  
تهمن بدان<sup>۲۱</sup> بُد که مغز سرش  
چو پولادوند از بر زین بماند  
۲۷۴۰

۱- س. س. سپاهت سپاره ۲- ل. ل. س. (نیز لن. ب.): بافراسیاب: متن = ف ۳- ل. که تا چند ازین بیم و تهدید و بند: س. س. (نیز لن. لن. ب.): که چندست این (لن: زاین) و تهدید و بند: ق (نیز ل. آ): که چندست ازین بیم و تهدید چند: ل (نیز ب.): که چندت ازین بیم و تهدید و بند: ق: که چندست ازین بیم و بیکار و بند: ل: که چندست ازین بیم و چندی گزند: و: که چندت ازین گفت بپوده چند: متن = ف: تصحیح قیاسی: که چندست بیم و زلیفنت و بند ۴- س. (نیز لن.): نیز: ق (ل. ل. آ. ب. نیز): در ل. س. ل. حرف یکم نقطه ندارد: متن = ف. ق (نیز پ. و. لن): س. پس از این بیت افزوده است:

چو سیر آمد از جنگ افراسیاب  
نرا نیز پیش آمد آن روزگار

۵- ف: آن: متن = ل. س. ۶- ق: کس که ۷- ف. س. ق. ل. س. (نیز ل. ب.): یا: متن = ل (ن. لن. ق.) ۸- ل. هین رستم آن ۹- س. ل. س. (نیز ل. ب.): تبه کرد: متن = ف. ل. ق (نیز هفت دستنویس دیگر: سبت ۲۶۶۵ ۱۰- ل. رزه آزمای ۱۱- ل. باشی ابر ۱۲- ف. ل. ق. ل. و: متن = س. س. ۱۳- س. نیز ۱۴- ل. س. س. و: ل. آن: متن = ف. ق ۱۵- ل. س. ق. شیر: متن = ف. ل. س. ل. پس از این بیت افزوده است:

برانگیخت آن باره پولادوند  
بزدید یال آن نبرده سوار  
بنداخت پس تاب داده کمند (۲۷۳۱)  
چو زین گونه پیوسته شد کارزار (۲۷۳۲)  
بجا آمد آن بند بدر کسید

۱۶- ل. آوازش ۱۷- ل. او: در ل بیت های ۲۷۳۶ - ۲۷۳۸ درهم ریخته اند: ۲۷۳۷، ۲۷۳۹، ۲۷۳۸ ۱۸- ف. ق. ل. (نیز ق. ل.): خیره (؟): متن = ل. س. س. (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۹- ل. زان پس سوی: س. س. (نیز لن. ل. ب. لن. آ. ب.): از آن درد بر: ق (نیز ق. ل.): ز آورد بر: ل. از رفت بر: (و: از آن دست بر): متن = ف. داستان رستم و سهراب. بیت ۱۷۲ ۲۰- ق. ل. کامروز: ل. بدانت کان روز: متن = ف. س. س. ۲۱- ل. س. ق. س. بران: متن = ف. ل. ۲۲- ل. ببند پیر از (ل. کنون) و ننگ تیره برش: س. ل. س. (نیز لن. ل. لن. آ. ب.): به (س. ب. ز): دو گوش بیرون جهد (س. ل. لن. ب. شود: لن. شدش) بر برش: ق: ببند همان زیر تیره برش: (ق: زبینی برآید همی بر برش: و: برون جشش از گوش و شد بر برش): متن = ف ۲۳- ق. همی نام یزدان

که ای برتر از گردش روزگار  
 گر این گردش<sup>۲</sup> جنگ من<sup>۳</sup> داد نیست  
 روا دارد از دست پولادوند  
 ور<sup>۶</sup> افراسیاب ست بیدادگر  
 که گر<sup>۸</sup> من شوم کشته بردست اوی  
 نه مرد کشاورز و نه پیشه ور<sup>۱۰</sup> ۲۷۴۵

جهاندار و بینا<sup>۱</sup> و پروردگار،  
 روانم بدان<sup>۴</sup> گیتی آباد نیست،  
 روان مرا برگشاید ز بند  
 تو مستان ز من دست و زور<sup>۷</sup> و هنر  
 بدایران<sup>۹</sup> نماند یکی جنگجوی  
 نه خاک و نه کشور<sup>۱۱</sup>، نه بوم و نه بر

به گستی<sup>۱۲</sup> گرفتن نهادند روی  
 به پیمان که از هر دو روی<sup>۱۵</sup> سپاه  
 دو گرد سرافراز<sup>۱۳</sup>، دو کینه جوی<sup>۱۴</sup>،  
 به یاری نیاید کسی کینه خواه

۱- س: دانا؛ ق: بیدار؛ متز = ف، ل، ل، ل، س، ۲- ل: گردش و ۳- ق: ما ۴- ل: برین ۵- س، ل، س، ل، س، (نیزق): آزاد؛  
 متز = ف، ل، ق (نیزلن، ل-ب) ۶- س: گر ۷- س: زور و دست: س، ۸- ل: اگر ۹- ل-س، س، (نیز  
 لن-ب): بایران؛ متز = ف ۱۰- ل: پیشه گر ۱۱- ق: نه کشت: ل: درخت: س، س، (نیزلن، ق، ل، و، لن، آ، ب) پس از بیت  
 ۲۷۴۶ افزوده اند: تصحیح بر اساس س:

برینان همی دو گو جنگجوی  
 یکی خنجر انداخت پولادوند  
 به برینان برنبد کارگر  
 چو تیغش نیامد برستم بکار  
 5 غمین گشت و با رسته زال گفت  
 تو این مردی پیر و خفتان جنگ  
 سلیح دگر پوش تا من همان  
 چنین گفت رستم که این روی نیست  
 نگردانم این آلت کارزار  
 10 بگشتند باز دگر هر دو ان  
 نیامد سلیح گران کارگر  
 بدو گفت پولاد جنگی نبرد  
 بکشتی بگردم با یکدگر  
 بدان تا که را بر دهد روزگار  
 15 برین بر نهادند هر دو سخن  
 که یاری نیاید کس از هر دو روی  
 بگفتند و زان فرود آمدند

ق پس از بیت ۲۷۴۶ افزوده است:

دگر باره هر دو بجنگ آمدند

هم از کینه و نام و ننگ آمدند

چو از هر سلیحی بکوشد سخت

بماندند هر دو از آن تیره سخت

ب نیز پس از بیت ۲۷۴۶ چند بیتی افزوده است: ف، ل، ل، ل، (نیزل) هیچک از این بیت ها را ندارند ۱۲- ف-س، (نیزلن-ب): کشتی؛  
 متز تصحیح قیاسی است ۱۳- س: سرافراز ۱۴- ل، ق، ل، ل، ل، ل، (نیزلن): جنگجوی؛ متز = ف، س، س، ۱۵- س، ق، ل، ل، س، (نیزلن-  
 ب، لن، آ، ب): رویه؛ متز = ف، ل، (نیزو، آ)





- ۲۷۶۵ نکه کرد پیگار دو پیل مست<sup>۱</sup>  
به پولاد گفت: ای سرافرازشیر  
به خنجر جگرگاه او را بکاف
- خروشان چو رعد و بساویده دست<sup>۲</sup>  
به گُستی<sup>۳</sup> گر آری مرو را به زیر،  
هنر باید از کار کردن، نه لاف
- ۲۷۷۰ نکه کرد گیو اندر افراسیاب  
برانگیخت اسپ و بیامد<sup>۴</sup> دمان  
به رستم چُنین گفت کای جنگجوی  
نکه کن که پیمان<sup>۵</sup> افراسیاب  
بیامد<sup>۶</sup> همی دل برافروزدش<sup>۷</sup>  
بدو گفت رستم که جنگی منم  
شما را چرا<sup>۸</sup> بیم باید<sup>۹</sup> همی؟
- ۲۷۷۵ هم اکنون سر و یال<sup>۱۰</sup> پولادوند  
اگر<sup>۱۱</sup> نیست این جنگ را زوردست<sup>۱۲</sup>  
گر ایدونک<sup>۱۳</sup> این جادوی<sup>۱۴</sup> بی خرد  
شما را ز پیمان شکستن چه باک
- بدان خیره گفتار و چندان شتاب  
چو بشکست پیمان همی<sup>۱۵</sup> بدگمان،  
چه<sup>۱۶</sup> فرمان دهی کهتران را؟ بگوی!  
که<sup>۱۷</sup> جای بلا دید و جای شتاب،  
به گُستی<sup>۱۸</sup> همی<sup>۱۹</sup> خنجر آموزدش  
به گُستی<sup>۲۰</sup> گرفتن درنگی منم  
چُنین<sup>۲۱</sup> دل به دو نیم باید<sup>۲۲</sup> همی؟  
به خاک اندرآرم ز چرخ بلند<sup>۲۳</sup>  
دل من به خیره نباید<sup>۲۴</sup> شکست  
ز پیمان بزدان همی بگذرد،  
که<sup>۲۵</sup> اوربخت بر تازک خویش خاک
- ۲۷۸۰ و زآپس بیازید چون شیر چنگ  
به گردن برآورد و زد بر زمین  
خروشی برآمد از<sup>۲۶</sup> ایران سپاه
- گرفت آن بر و یال جنگی نهنگ  
همی خواند بر کردگار آفرین  
تیره زنان برگرفتند راه

۱- س. س. آن (س: دو) پیل و شیر؛ متن = ف، ل، ق، ل، ۲- س، س، س: آن دو مرد دلیر؛ ق (نیزلی، آ): و بساوان دو دست؛ ل: درآورده بر یکدگر هر دو دست؛ متن = ف، ل، ۳- ل- س (نیزلن-ب): کشتی؛ متن = ف ۴- ل: برآمد ۵- س، س، س: آن؛ ق: همان؛ متن = ف، ل، ل، ۶- س: چو ۷- س، س: بگردار؛ ل: که پیکار؛ متن = ف، ل، ق ۸- ل، ق (نیزق، ل، آ): چو؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ب، و، لن) ۹- ق: بیامد ۱۰- ل (نیزآ): بیفروزدش؛ س، س (نیزلن، ل، ب، لن، ب): تا دل افروزدش؛ (و: دل برو سوزدش)؛ متن = ف، ق، ل (نیزق، ل) ۱۱- ل، ق، ل، ل، س (نیزلن-ب): کشتی؛ متن = ف، س ۱۲- ل: درون ۱۳- ل- س (نیزلن-ب): کشتی؛ متن = ف ۱۴- ق: زچه ۱۵- ل (نیزلآ): آید؛ (لن، ب، لن: باشد)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزق، ل، و، آ، ب) ۱۶- ل، س: چرا؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۷- ل: من اکنون سردیو ۱۸- ق، ل، س (نیزلن، ل، آ): زابر بلند؛ س (نیزب): بچنگ دراز اندرآرم بند؛ متن = ف، ل (نیزق، ل، ب، و، لن)؛ در ل، ل پیایی بیت های ۲۷۷۵-۲۷۷۸ دیگر است، ل: ۲۷۷۷، ۲۷۷۸، ۲۷۷۵، ۲۷۷۶، ۲۷۷۷، ۲۷۷۵؛ پیایی بیت های متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹- س، س، س: وگر ۲۰- ل: نیستان جنگ را زور و دست؛ ق (نیزلی، ل، آ): نیستان چنگ و نیروی دست؛ ل: نیست آن جنگ با زور دست؛ متن = ف، س، س (نیزلن، ق، لن، ب) ۲۱- ل: چه باید ۲۲- ل، س: ایدونکه ۲۳- ق: آن جادو ۲۴- ل، س، ق، س (نیزق، ل، ل، و، آ، ب): گر؛ ل: چو؛ متن = ف (نیزلن، ب، لن)؛ ل در اینجا سرنویس دارد: کشتی گرفتن رستم و پولادوند ۲۵- ل- س: ز؛ متن = ف

بدابر<sup>۱</sup> اندرآمد دم گره‌نای<sup>۲</sup>  
گمان برد رستم که پولادوند  
به رخس دلیر اندرآورد پای  
چو پیش صف آمد یل شیرگیر  
گریزان بشد پیش<sup>۷</sup> افراسیاب  
بخفت از بر خاک تیره دراز<sup>۸</sup>  
تهمن چو پولاد را زنده دید  
دلش تنگ‌تر گشت<sup>۱۴</sup> و لشکر براند  
بفرمود تا تیرباران کنند  
زیک دست بیژن، زیک<sup>۱۷</sup> دست گیو  
تو گفתי که آتش برافروختند  
به لشکر چنین گفت پولادوند  
چرا سر<sup>۲۲</sup> همی داد باید به باد؟  
سپه را به پیش اندرافکند و رفت  
چنین گفت پیران بدافراسیاب<sup>۲۳</sup>  
بگفتم<sup>۲۵</sup> که با رستم شوم دست

۲۷۸۵  
۲۷۹۰  
۲۷۹۵

خروشیدن سنج و زخمِ درای<sup>۳</sup>  
ندارد به تن بر<sup>۴</sup> درست ایچ بند<sup>۵</sup>  
بماند آن تن<sup>۶</sup> آژدها را به جای  
نگه گرد پولاد برسان تیر،  
دلش پُر ز خون و رخس پُر ز آب<sup>۸</sup>  
زمانی بشد<sup>۱۰</sup> هوش از آن<sup>۱۱</sup> رزمساز<sup>۱۲</sup>  
همه دشت لشکر<sup>۱۳</sup> پراکنده دید،  
جهان‌دیده‌گودرز را پیش خواند  
هوا<sup>۱۵</sup> را چُن ابر<sup>۱۶</sup> بهاران کنند  
جهانجوی<sup>۱۸</sup> رهام و گرگین<sup>۱۹</sup> نیو  
جهان را به خنجر همی سوختند  
که بی تخت و بی گنج<sup>۲۰</sup> و نام بلند<sup>۲۱</sup>،  
چرا کرد باید همی رزم یاد؟  
ز رستم همی بندِ جانش بگفت  
که شد روی کشور<sup>۲۴</sup> چو دریای آب  
نشاید برین<sup>۲۶</sup> بوم<sup>۲۷</sup> امین نشست

۱- ل-س (نیز لن-ب): بابره: متن = ف ۲- ف، ل، س: کز نای: متن = ق، ل، س ۳- ل: نای و سنج و درای: ق: زنگ و  
هندی درای: ل (نیز ل، ب، و، آ): سنج و هندی درای: متن = ف، س، س (نیز لن، ق، ل، ب) پس از تصحیح صنج به سنج: ل (نیز ق، ب، و) پس از این بیت افزوده‌اند:

که پولادوند است بیجان شده

بر آن خاک خون منز بیجان شده

۴- ل، ق: دره: ل: تنش بر: متن ← ۵- س، س: نماند ایچ (س: نداردش) بردست و دریای بند: متن = ف: س (نیز لن، ب، و، آ) پس از این بیت  
افزوده‌اند:

همه استخوان در تنش بگنند

رخ او شده راست چون شنبلیله

۶- ق: سر: ل: زمان: متن = ف، ل، س، س ۷- ق: نزد ۸- س، س: س (نیز لن، ل): تاب: ق (نیز ب، و): سرش پرشتاب: ل: رخس  
پرز خون و دلش پر ز تاب: متن = ف، ل (نیز بی، ل، آ، ب) ۹- ل: نوره روان ۱۰- س: شده ۱۱- ل: زان: ق: شد از خویش  
آن ۱۲- ل: بدگمان: ف این بیت را ندارد: بنداری: و وقع علی الأرض مغشا غشه، و بقی کذاک زماننا ضویلا ۱۳- س، س: مردم:  
متن = ف، ل، ق، ل: در ف این بیت را به همان خط در میان ستون‌ها افزوده است ۱۴- ل: تنگ برگشت ۱۵- ل (بی، ل، آ):  
کدان ۱۶- ل، ق، ل، س (نیز لن-آ): چو ابر: س (نیز ب): چون تگرگ: متن = ف: س، ل در اینجا سرنویس دارند، س: هزمت شدن  
افراسیاب با پولادوند از پیش رستم: ل: افتادن پولادوند در کشتی از دست رستم ۱۷- ل: دگر ۱۸- ل: جهان گیر ۱۹- س:  
گرگین و رهام ۲۰- ق: بی تاج: متن ← ۲۱- س: که برگنج و تخت و بنام بلند: س: که بر تخت و برگنج و نام و بلند: متن = ف، ل،  
ل ۲۲- س: خرامان (ح: جرامان؟) ۲۳- ل-ل-س (نیز لن-ب): بدافراسیاب: متن = ف ۲۴- ل: گستی: متن = ف، س،  
ق، ل، س (نیز لن-ب) ۲۵- ل، ل، س، ل: نگفتم (حرف یکم نقطه ندارد): ق (نیز لن، بی، ل، ب، ل، آ، ب): نگفتم: متن = ف، س (نیز  
ق، و) ۲۶- ل، ل، س، ل: درین: ق، س: بدین: متن = ف ۲۷- س، ل: کشور: س: مرز: متن = ف، ل، ق

ز خون جوانی که بُد زآن گزیرا<sup>۱</sup> چه باشی که<sup>۴</sup> با توکس ایدر نماند  
 ۲۸۰۰ هماغا کز<sup>۶</sup> ایرانیان صد هزار  
 به پیش اندرون<sup>۸</sup> رستم شیرگیر  
 ز دریا و دشت و ز هامون<sup>۱۰</sup> و کوه  
 چو مردم نماند آزمودیم دیو  
 چو<sup>۱۳</sup> رستم بیاید ترا<sup>۱۴</sup> پای نیست  
 ۲۸۰۵ بیاید شدن تا<sup>۱۶</sup> بدان<sup>۱۷</sup> روی چین  
 سپه را چُنین صف کشیده بمان!

بخستی دل ما<sup>۲</sup> به پیکان تیر<sup>۳</sup>  
 بشد دیو پولاد و لشکر براند  
 فرونست<sup>۵</sup> بَرگَسْتوان و رُسوار  
 زمین پُر ز خون<sup>۹</sup> و هوا پُر ز تیر  
 سپاه اندرآمد همه<sup>۱۱</sup> همگروه  
 چُنین جنگ و پیگار و چندین غریبو<sup>۱۲</sup>  
 جز از رفتن از پیش او<sup>۱۵</sup> رای نیست  
 گر<sup>۱۸</sup> ایدونک گنجی خود اندر<sup>۱۹</sup> زمین  
 تو با<sup>۲۰</sup> ویرگان<sup>۲۱</sup> سوی دریا بران!

### گفتار اندر گریختن افراسیاب از پیش رستم<sup>۲۲</sup>

سپهبد چنان کرد کو راه<sup>۲۳</sup> دید  
 درفشش بماندند و او خود برفت  
 سپاه اندرآمد به پیش<sup>۲۶</sup> سپاه  
 ۲۸۱۰ تهمتن به آواز گفت آن زمان  
 بکوشید و شمشیر و گرز<sup>۲۷</sup> آورد  
 پلنگ آن زمان پیچد از کین<sup>۲۹</sup> خویش

همی<sup>۲۴</sup> دست از آن رزم کوتاه دید  
 سوی چین و ماچین خرامید<sup>۲۵</sup> تفت  
 زمین گشت برسان ابر سپاه  
 که نیزه مدارید و تیر و کمان  
 هنرها ز بالای بُرز<sup>۲۸</sup> آورد  
 که<sup>۳۰</sup> نخچیر بیند به بالین<sup>۳۱</sup> خویش

سپه سربر نعره برداشتند  
 چنان شد در و دشت آوردگاه<sup>۳۴</sup>

همی<sup>۳۲</sup> نیزه بر<sup>۳۳</sup> کوه بگذاشتند  
 که از کُشته جایی ندیدند راه

۱- ل: گریز؛ ل (نیزق)؛ ل (ب)؛ بد ناگزیر؛ متن = ف. س. ق. س. (نیزلن، لن، ب) ۲- ق: همی دل؛ ل: دلت را ۳- ل: تیر  
 ۴- ل: جو ۵- ل: که شد؛ ق بیت های ۲۷۹۹-۲۸۰۱ را ندارد ۶- ل: ل: ز ۷- س: فزون بود؛ س: بیت های ۲۸۰۰ و ۲۸۰۱ را ندارد ۸- س: آمد و ۹- ل: خاک؛ ل: گجر؛ متن = ف. س ۱۰- س: و بیایان؛ ق: و زدشت و هامون؛ متن = ف. ل.  
 ل. س. ۱۱- ل: بیسی ۱۲- درل پس از بیت ۲۸۰۳ بیت های ۲۸۰۶ و ۲۸۰۷ آمده اند؛ س: پس از بیت ۲۸۰۳ افزوده است؛  
 همه کرد رستم بزرگ و زبر سپاه جهان را همه سربر  
 ۱۳- ل: که ۱۴- ل: مرا ۱۵- س: متن ۱۶- ف: شدن مان؛ ل: شدن پس؛ متن = ل. س. ق. س. (نیزلن، ل، آ) ۱۷- ل: بران  
 ۱۸- ف: ق: ابره؛ متن = ل. س. ل. س. ل. س. (نیزلن-ب) ۱۹- ل: گنجید کی دره؛ متن = ف. س. ق. ل. س. (نیزلن-ب)  
 ۲۰- س: س: خود و؛ متن = ف. ل. ق. ل. ۲۱- ف: خواصگان؛ متن = ل. س. (نیزلن-ب)؛ بنداری؛ خواصک؛ درل  
 بیت های ۲۸۰۶ و ۲۸۰۷ پس از بیت ۲۸۰۳ آمده اند ۲۲- ف: گفتار اندر گریختن پولادوند از پیش رستم و هزمت شدن ترکان و گریختن  
 افراسیاب از پیش رستم؛ س: هزمت شدن افراسیاب از نبرد؛ متن = ف ۲۳- س: رای (پس او نندارد)؛ ق: نیز نخست رای داشته  
 است ۲۴- س: همه ۲۵- ل: س: خرامید و؛ س: شاید ۲۶- ل: یشت ۲۷- ل: تیر ۲۸- ل: نهانی هنرها به پیش  
 (پس او نندارد) ۲۹- س: جانی ۳۰- ف: چو ۳۱- س: بالای ۳۲- ل. س. ل. س. ل. س. همه؛ متن = ف. ق ۳۳- ل: ناله از ۳۴- س. ق. ل. س. آن رزمگاه؛ متن = ف. ل.

<p>گریزان برفتند بهری<sup>۱</sup> به راه همه دشت تن<sup>۲</sup> بود بی دست و یال که زهر زمان بهرهی هر<sup>۳</sup> کس است زمانی ز<sup>۴</sup> تیریاک بهر آورد همه خوب کاری<sup>۵</sup> بر<sup>۶</sup> افزون کنید که دانا نداند یکی را ز پنج<sup>۷</sup> زمانی عروسی پر از بوی و رنگ<sup>۸</sup> که گوید که نفرین به از آفرین؟</p>	<p>برفتند یک بهره زهارخواه رمة از بی شبانی شده<sup>۲</sup> تال و مال چنین گفت رستم که گشتن بس است زمینی همه<sup>۴</sup> بار زهر آورد همه جامه‌ی رزم بیرون کنید چه بندی دل اندر سرای سپنج<sup>۷</sup> زمانی چو آهرمن آید به جنگ بی آزاری و خامشی<sup>۱۲</sup> برگزین</p>
<p>ز زرین<sup>۱۳</sup> و از<sup>۱۴</sup> گوهر نابسود غلامان و اسپان و تیغ<sup>۱۵</sup> و کلاه همه افسر و مشک و عنبر گرفت ز چیزی که بود اندر آن رزمگاه ز<sup>۱۷</sup> هر سو بچستند<sup>۱۸</sup> بی راه و راه نه آگاهی آمد از<sup>۲۱</sup> افراسیاب<sup>۲۲</sup></p>	<p>بجست اندر آن دشت چیزی که بود سراسر فرستاد نزدیک شاه و زآن بهرهی خویشتن برگرفت ببخشید دیگر همه بر سپاه نشان خواست از شاه<sup>۱۶</sup> توران سپاه نشانی ندادند<sup>۱۹</sup> بر خشک و آب<sup>۲۰</sup></p>

### گفتار اندر بازگشتن رستم و پهلوانان ایران از ترکستان<sup>۲۳</sup>

۱- س: دگر بهره راشد گریزان ۲- ل. ل. س. ل. س. ۳- (نیز لن. ب. و. لن. ب.) شد از بی شبانی رمة: ق. شده بی شبانی گله: (ق. رمة بی شبانی همه): متن = ف. ضحاک. بیت ۴۰ ۳- س. س. س: سر: متن = ف. ل. ق. ل. ۴- ل. ق. (نیز ل.): بهره دیگر: س. س. (نیز لن. ق. ل. لن. آ. ب.): زمان (لن. ل. زما) هر زمان بهره دیگر: متن = ف. ل. (نیز ب. و) ۵- ل. ق. (نیز ق. ل. و): زمانی همی: س. س. (نیز لن. ب. لن. آ. ب.): زمینی که هر: ل. زمانی جهان: متن = ف. ۶- س. بود هم که ۷- س. (نیز ب.): ترسکاری: متن = ف. ل. ق. ل. س. (نیز ق. آ) ۸- ل. ل. س. ل. س. (نیز ق. ل. ب. لن. آ. ب.): به: متن = ف. ق. (نیز و) ۹- ل. (نیز ق.): سپنجی سرای: س. س. (نیز ب. لن. آ. ب.): چه بندی دل در سرای سپنج: متن = ف. ل. ق. (نیز ل. و آ) ۱۰- س. س. (نیز ب. لن. آ. ب.): بی راز پنج: ق. که گوئی یکی را نداند ز پنج: ل. (نیز ق.): که دانا سرش را نداند (ق. نداند سرش را) زبانی: متن = ف. ل. (نیز و) ۱۱- س. این بیت را ندارد ۱۲- ف. جابگی (خامشی؟): ل. (نیز ل. و آ): جدم می: ق. سرد می: ل. بولستی: متن = س. س. (نیز لن. ق. آ. ب. لن. ب.): ل. پس از این بیت افزوده است:

بخور آنچه داری و نده مخور  
که گیتی سپنج است و ما بر گذر  
مکن تا توانی بکس برستم  
مکن تا ز کس راز بهر دردم

۱۳- ل. زوزینه ۱۴- ف. ل. ق. ل. س. ل. س. ل. س. ۱۵- ل. گرز ۱۶- ف. رستم زه: متن = ل. س. (نیز لن. ب) ۱۷- ل. زبه ۱۸- ف. بیخنده: س. س. همی جست: متن = ل. س. ق. ل. (نیز لن. ب.): بنداری: و بیست اصحابه فی طلب افراسیاب. و امبره و قنطار اثره ۱۹- ق. ل. ندیدند: متن = ف. س. س. ۲۰- ل. نشانی نیامد ز افراسیاب ۲۱- س. ق. س. ل. زه: متن = ف. ل. نه بر کوه و دریا نه بر خشک و آب ۲۳- ف. گفتار اندر بازگشتن رستم و پهلوانان ایران از ترکستان و پذیره شدن شاه کیخسرو و لشکر راه ل. بازگردیدن رستم از ترکستان: س. باز آمدن رستم از ترکستان بایران زمین بفسردزی: ق. خبر یافتن کیخسرو از آمدن رستم و استقبال فرمودن: ل. آگاهی یافتن کیخسرو از حال رستم: س. بازگشتن رستم از توران زمین: متن = آفراف

<p>۲۸۳۰</p> <p>شتر یافت چندان<sup>۱</sup> و چندان گله ز توران سپه بر نهادند<sup>۲</sup> رخت خروش آمد و ناله‌ی گاودم<sup>۳</sup> سوی شهر ایران نهادند روی چُن آگاهی آمد ز رستم به شاه از ایران تیره برآمد ز<sup>۱۲</sup> ابر</p>	<p>که از بارگی شد سپه بی گله<sup>۲</sup> سلیح<sup>۴</sup> گرانمایه و گنج<sup>۵</sup> و تخت جرس برکشیدند و<sup>۶</sup> روینه خُم سپاهی بر آن<sup>۷</sup> گونه با رنگ و بوی<sup>۸</sup> خروش آمد از شهر و از<sup>۱۱</sup> بارگاه<sup>۱۱</sup> که آمد خداوند گوپال و بیر خَنیده میان کیهان و مِهان<sup>۱۳</sup> همی خواند بر کردگار آفرین<sup>۱۴</sup> بجنید کیخسرو از جای خویش<sup>۱۵</sup> می و رود و رامشگران خواسته<sup>۱۸</sup> پُر از مُشک بود و می و<sup>۲۰</sup> زعفران ز گوش اندراویخته گوشوار ز بر مُشک و عنبر همی بیختند جهانی سراسر پُر آواز دید، پرسید خسرو ز راه دراز</p>
<p>۲۸۳۵</p> <p>یکی شادمانی بُد اندر جهان دل شاه شد چون بهشت برین بفرمود تا پیل بردند پیش جهانی به آیین<sup>۱۶</sup> شد آراسته<sup>۱۷</sup> همه یال<sup>۱۹</sup> پیل از کران تا کران از افسر سر<sup>۲۱</sup> پیلان پُرنگار به پی<sup>۲۲</sup> زعفران و درم ریختند تهمن چو تاج سرافراز دید فرود آمد و برد پیشش<sup>۲۳</sup> غماز</p>	<p>۲۸۴۰</p> <p>۲۸۴۵</p>

۱-س: بیار ۲-ق: بریله؛ ل: بد سپه بی یله؛ متن = ف، ل، س، س، س (نیز ل-ب): لغت دری، ص ۲۲۲: بی خله (؟) ۳-ل: بر نهادند و ۴-س: سلاح ۵-ل، ق (نیز ل، و): تاج؛ متن = ف، س، ل، س، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶-س: [و] ۷-ق: بدان؛ ل: از آن؛ س: برین؛ متن = ف، ل، س ۸-ل: با گفت و گوی ۹-ل، س، ق، س (نیز ل، ق، ل، ل، ل، ب): چو ل (نیز ل، آ): پس؛ متن = ف ۱۰-ل، ق، ل: وز؛ متن = ف، س، س، س ۱۱-ق: و بازارگاه ۱۲-ل، س (نیز ل-ب): به؛ متن = ف ۱۳-ف: میان همه مهتران و کیهان؛ س، ل، س (نیز ل، ل، پ، ل، ب): میان کیهان و میان مهان؛ ق (نیز ق، و): میان خنبده کیهان و مهان؛ ل: آ: میان همه کهتران و مهان؛ متن = ل (نیز لغت دری، ص ۲۱۰؛ لغت شهنامه، شماره ۸۸۴) ۱۴-ل: این بست را ندارد ۱۵-س: پس از این بیت و ل، ل (نیز و) پس از بیت سپین افزوده اند:

تیسره برآمد ز هر جای و بوق

براندوده بر روی پیلان (ل: زمین گشته پر تشنای؛ ل: ز مشک و زمی طشهای) خلوک

۱۶-ق: آذین؛ ل (نیز ق، ل، آ): آذین؛ متن = ف، ل، س، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۷-ق، ل: بیاراستند؛ متن = ف، ل، س، س ۱۸-ق، ل: خواستند؛ ل: رامشگر و خواسته؛ متن = ف، س، س، س ۱۹-ل، ق: روی ۲۰-ف: بود و پیراز؛ ق: مشک و می بود و پر؛ س (نیز ب): براندوده مشک و می و؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز ل، ل، پ، و، ل، آ) ۲۱-س: بزر افسر؛ ق: سرافسر؛ متن = ف، ل، ل (ف، ل، ز)؛ س: این بیت را ندارد ۲۲-ل (نیز ل، ل، ب، ل، آ): بسی؛ ق، ل (نیز ق): می و؛ متن = ف، س، س (نیز ل، و، ب): ل پس از این بیت دو بیت (وق، و تنها بیت یکم را) افزوده اند:

همه شهر آوای رامشگران

نشسته ز هر سو کران تا کران

چندان بد جهانرا ز شادی و داد

که گیتی روانرا دوامست و شاد

۲۳-ل: از رخس و بردش؛ بنداری: ترجل و سجده

گرفتش بدآغوش<sup>۱</sup> در شاه تنگ  
 ۲۸۴۵ بفرمود تا پیلتن برنشست  
 همی<sup>۳</sup> گفت: چندین چرا مانده‌یی<sup>۴</sup>؟  
 چو طوس و فریبرز و گودرز و گیو  
 پس شاه ایران همی<sup>۵</sup> رانندند  
 ز ره سوی ایوان شاه آمدند  
 ۲۸۵۰ نشست از بر تخت زره<sup>۶</sup> شهریار  
 فریبرز و گودرز و رهام و گیو<sup>۱۱</sup>

چنین تا برآمد زمانی<sup>۲</sup> درنگ  
 گرفته همه راه دستش به دست  
 که بر ما ز مهر<sup>۳</sup> آتش افشاندی<sup>۴</sup>  
 چو رهام و شیدوش و گرگین<sup>۵</sup> نیو،  
 ز برشان همی گوهر افشاندند  
 بدان نامور بارگاه آمدند  
 بنزدیک او رستم نامدار<sup>۶</sup>  
 نشستند با نامداران<sup>۱۲</sup> نیو

۱- ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق-ل<sup>۱</sup>، ن-ب): باغوش؛ (لی، آ: در آغوش)؛ متن = ف  
 ۲- ل-س<sup>۲</sup>: زمانی برآمد؛ ل (نیز ق<sup>۱</sup>، لی، و، آ) پس از این بیت  
 افزوده‌اند:

همی آفرین خواند شاه جهان

بر آن نامور پهلوان و مهان (ل: موبد و پهلوان)

۳- س: بدو ۶- ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن، لی-ب): مانده‌یی؛ متن = ف (نیز ق<sup>۱</sup>) ۵- ل، ق، ل (نیز لی، ل، و، آ، ب): همی ۶- ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن، لی-ب): افشاندی؛ متن = ف (نیز ق<sup>۱</sup>) ۷- ل، س، ل: گرگین و گردان؛ ق: فرهاد و رهام و گرگین؛ س<sup>۱</sup> (نیز ب): نشستند با نامداران (= ۲۸۵۱ ب)؛ متن = ف ۸- ل: همه؛ ف، ل، ق، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ب، لن، ب) بیت ۲۸۴۸ و ف، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ب، لن، ب) بیت‌های ۲۸۴۹-۲۸۵۱ را ندارند، ولی بنداری آنها را داشته است؛ و کان طوس و گودرز و جیو و غیره من الاکابر بیرون وراء هم، فلما قرب المنک من دار الملک نثرت الجواهر علی مویکبه، ونثر علی العسکر المسک والعنبر والذهب والنفضة، فدخل الملک بهم الی ایوانه فقعدها بین یدیه، وشرع فی الحدیث مع رستم... ۹- ق، ل: بر ۱۰- ل: تاجدار ۱۱- س: گردان نیو؛ ق: رهام و گودرز و گیو ۱۲- س: و گیو؛ س پس از این بیت ۵۰ بیت، لی ۳۷ بیت، آ ۳۸ بیت و ب ۴۲ بیت افزوده‌اند؛ تصحیح بر اساس س:

سوار جهانگیر روشن روان	ز ما آفرین باد بر پهلوان
به پیش نیکان من ارجمند	جهان پهلوان سرور زورمند
فشاننده خون ابر آفتاب	رباینده شاه افراسیاب
جگرگه اولاد غندی و بید	دراننده چرم دیوسپید
که هشتاد کز بُد ز دم تا به دم	کشنده چنان ازدهای دژ
خورنده یکی گور کرده کباب	گزارنده جام ده من شراب
سه ره روه و ده بر توران زمین	گرفته به شمشیرش بار چین
به دستت بشد کشته، هم جان نبرد	خه آرنده پشت کاموس گرد
فک آن زمان دست او داد بوس	به یک تبر کشته همی اشکبوس
گرفتار گشته در آن دشت کین	به خه کمند تو خه قان چین
چه گردان چین و چه جنگ توران	زبون تو گشته همه سروران
به یک گرز تو کشته شد، جان نبرد	کننده سر و ترگ کافور خرد
ز بسمت گریزان شده مستند	فکنده به کشتی چوپولادوند
ز بیم تو هتسه یزدرد و تب	همه پهلوانان افراسیاب
ندیده جهان خون خداوند رخش	تویی پهلوان و تویی تاج بخش
هم آورد تو نیست در کارزار	به گیتی نباشد چو تو نامدار
به بدل و به بدالت نبرد پسر	خنک زال کوچون تو دارد پسر

سَخُنْ گفَتْ<sup>۱</sup> کیخسرو از رزمگاه  
چُنین<sup>۲</sup> گفَتْ گودرز کای شهریار  
می و جام و آرام باید نَخُست  
وُزآن<sup>۳</sup> رنج<sup>۴</sup> و پیگار<sup>۵</sup> توران سپاه  
سَخُنْ ها درازست ازین<sup>۶</sup> کارزار  
پس آنگاه<sup>۷</sup> ازین کار پرسی درست

۱- ق: بیرسد ۲- ل: ل: از آن ۳- ل: لرزه ۴- س: بردن از ۵- ل: بندو ۶- ل: زین ۷- ف (نیزو):  
آنگاه؛ متن = ل- س (نیزو، ق، ل، ل، ب)

→

خوشا شهر ایران و فتح گوان  
وزین هر سه برتر سر بخت من  
20 توننا زادی از مَدَر باقرین  
زهی پهلوان و زهی رستم  
هزار آفرین باد بر پهلوان  
چو بشنید رستم ز شاه این چنین  
هنرهای من جمله از فرست  
25 توشایسته بر چنین نیکویی  
به فر تو روشن جهان شد همی  
به خورشید مانی و هم ماه را  
ز شاهان پیشین تونیکوتری  
فریدون فرخ جو زنده بدی  
30 نباشد چو توشاه پیروز بخت  
که شاه جهان جاودان شاه باد  
فنک تا بود نقش بند زمین  
به بخت تو باد اخترت ساخته  
ترا این کلاه آسمان دوختست  
35 خنک آنک دارد ترا یار و پشت  
زمان تا زمان از سپهر بلند  
جهان پیش خورد جوانیت باد  
به کام تو بادا سپهر بلند  
همیشه به دولت ترا یار باد  
40 ترا شمع دولت فروزنده باد  
به کام تو بادا زمین و زمان  
چو توشاه بادا همیشه بجای  
که شاه نکوکار باهش تویی  
تویی شاه ما و تویی ماه ما  
45 که دولت به توشاه پاینده باد  
تو بادی به ایران همی شهریار  
هزار آفرین از جهان آفرین  
ز رستم چو بشنید شاه این چنین  
که ای مرفراز جهان و گوان  
50 تویی از نبگان ما یادگار  
که دارند چون تویکی پهلوان  
که چون تو پرستد همی تخت من  
پس از آفرین شد سراسر زمین  
ز کار توشا دان دل و بی غم  
همیشه بزنی شاد و روشن روان  
به شه گفت کای شاه با آفرین  
همایی همه سایه پرست  
تو بایسته بر چنین خوش خویی  
دلت باد شادان مبادت غمی  
ندیدیم چون توشه شاه را  
ز خلق جهان هم تو خوش خوتری  
ترا چاکر و نیز بنده بدی  
سزاوار همی تو بر تاج و تخت  
همه بوم ایرانست آباد باد  
به دولت ترا باد شاه گزین  
به پیروزی اقبال آراسته  
ستاره چراغ تو افروختست  
بود ایمن از روزگار درشت  
به فتحی دگر باش پیروزمند  
فزون از همه زندگانیت باد  
ز چشم بدانت مبادا گزند  
شب و روزت ایزد نگهدار باد  
دل دشمنان تو سوزنده باد  
به فرمانت بادا همین و همان  
بدین فر و دولت، بدین هوش و رای  
همان یادگار میاوش تویی  
نکوکار همی، نکوخواه ما  
بخت همچو خورشید تابنده باد  
به کام تو بادا همه روزگار  
به جان تو بادا از جان آفرین  
همی کرد بر پهلوان آفرین  
همیشه بزنی شاد و روشن روان  
همیشه پر کار پر پشت و یار



۲۸۵۵	نهادند خوان و بخندید شاه به خوان <sup>۲</sup> بر می آورد و رامشگران ز افراسیاب و ز پولادوند بدو گفت گودرز کای شهریار اگر دیو پیش آید ار <sup>۷</sup> آژدها هزار آفرین باد بر شهریار
۲۸۶۰	چنان شاد شد زان سخن تاجور چنین داد پاسخ که ای <sup>۱۱</sup> پهلوان کسی که ش خرد باشد آموزگار ازین پهلوان چشم بد دور باد!
۲۸۶۵	همی <sup>۱۵</sup> بود یک هفته با می به دست سخنهای رستم به نای و به رود تهمن به <sup>۱۷</sup> یک ماه <sup>۱۸</sup> نزدیک شاه <sup>۱۹</sup> و زان <sup>۲۱</sup> پس چنین گفت با شهریار جهاندار با <sup>۲۲</sup> دانش و نیک خوست
	که ناهار بودی همانا به راه <sup>۱</sup> به پرش گرفت از کران تا کران ز گستی <sup>۳</sup> و از <sup>۴</sup> تاب داده کمند ز مادر نزاید چو رستم سوار <sup>۶</sup> ز چنگ درازش نیابد رها بویژه برین <sup>۸</sup> شیردل نامدار که گفتی از <sup>۹</sup> ایوان <sup>۱۰</sup> برآورد سر تو بیداری و باش <sup>۱۲</sup> روشن روان نگه دارد این <sup>۱۳</sup> گردش روزگار همه زندگانش در <sup>۱۴</sup> سوز باد! ازو شادمان تاج و تخت نشست <sup>۱۶</sup> بگفتند بر پهلوانی سرود همی بود با جام در پیشگاه <sup>۲۰</sup> که ای پرهیز نامور تاجدار، ولیکن مرا چهر زاک آرزوست

۱- (نیز لغت دری، ص ۸۹؛ معجم شاهنامه، ص ۳۰؛ لغت شاهنامه، شماره ۲۴۹۵) ۲- س: بخان ۳- ل- س: (نیز لن، ق-  
لن، ب): کشتی؛ متن = ف ۴- ل- ل، ق، ل، س: وزه؛ متن = ف، س ۵- ق: چنین ۶- ف: همه آفرین بر چنین نامدار  
(۲۸۶۰ ب): (ق: بویژه برین شیردل نامدار = ۲۸۶۰ ب): متن = ل- س: (نیز لن، ل- ب) ۷- س، ق، س: (نیز لن، ب، لن،  
ب): دیو و شیرآید ار: ل: (نیز و): دیوآید و گره؛ متن = ل (نیز ل، آ): ف (نیز ق): بست های ۲۸۵۹ و ۲۸۶۰ را ندارند (ق: ۲۸۵۸ ب،  
۲۸۵۹، ۲۸۶۰ را انداخته و از ۲۸۵۸ آ و ۲۸۶۰ ب یک بیت ساخته است) ۸- س: بدین؛ ل: پس از این بیت افزوده  
است:

ز کشتی و نیرنگ و زرنگ و بسند همان جنگ و پیکار کین جانش برآمد ز گردان دیوان خروش برآمد بنگاه زویک غریب همی بستد جانش ز رستم بگفت	بگفت آنچه کرد او به پولادوند ز افکندن دیو و ز کشتش چو افتاد بر خاک زورقت هوش چو آمد به هوش آن سرفراز دیو ۵ همه آنکه در آمد به آب و برفت
---	---

بنداری: و شرع فی الحدیث مع رستم بدایله عن لاقاه من العدو و عما کابده من بولاد الجنی فی مقاتله و مصارعته، و سایر ما قاساه و عاناه، فاعترض  
جودرز فی الحدیث فضفق بصف رستم و حسن بلائه و کمال غلته و ما تحمله من أعباء تلك الوقائع ۹- ل، س، ل، س: ل، س: وزه؛ متن = ف،  
ق ۱۰- س، ل، س: (نیز ل، ل، و، آ، ب): کیوان؛ (لن، ب، لن: ایران): متن = ف، ل، ق ۱۱- س (نیز ب): این ۱۲- ل، ل، ق (نیز  
ق، و): توی یزو (ق: شیر) بیدار و؛ س (نیز ب): قوی باد و بیدار و؛ ل (نیز ل، آ): جهانگیر (آ: جهاندار) و بیدار و؛ س (نیز لن، ب،  
لن: ق: قوی باش و بیدار و؛ متن = ف ۱۳- ل، ل، ق (نیز ل، ل، ب، آ): داردش؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، ق، و، ب) ۱۴- س:  
روزگاران او ۱۵- ق: چنین ۱۶- ل: تخت و نشست؛ س: ای پهلوانان خسرو پرست؛ متن = ف، س، ق، ل ۱۷- س،  
س: جیو ۱۸- ق، س: هفته ۱۹- س: در پیشگاه ۲۰- س: نزدیک شاه؛ س در اینجا سرسویس دارد؛ بازگشتن رستم از نزد  
کیخسرو و رفتن بزابلتان ۲۱- ل، س: از آن ۲۲- ق: بر

<p>ز پرمایه چیزی که بودش<sup>۱</sup> نهان،          ز دینار<sup>۲</sup> و از<sup>۳</sup> جامه‌ی بربری<sup>۴</sup>،          صد اسپ و صد استر به زین و به بار<sup>۵</sup>،          دو<sup>۶</sup> نعلین زرین و جفتی<sup>۷</sup> عمود،          چنان چون بود درخور شهریار<sup>۸</sup>،          دو منزل همی رفت با او به راه          فرود آمد و برد رستم نماز<sup>۹</sup>          سوی زاولستان<sup>۱۰</sup> خرامید<sup>۱۱</sup> تفت          همی رفت<sup>۱۲</sup> گیتی برآسان<sup>۱۳</sup> که خواست</p>	<p>در گنج بگشاد شاه جهان          ز یاقوت و از<sup>۲</sup> تاج و انگشتری          پرستار با افسر<sup>۵</sup> و گوشوار          طبق‌های زرین پُر از<sup>۷</sup> مُشک و عود          برو بافته گوهر شاهوار          بنزد تهمتن فرستاد شاه          چو خسرو غمی<sup>۱۱</sup> شد ز راه دراز          ورا کرد پدرود و زایران برفت          سراسر جهان گشت بر شاه راست</p>	<p>۲۸۷۰</p>
<p>درازست و نگشاد<sup>۱۹</sup> ازو<sup>۲۰</sup> یک پشیز          روان مرا جای ماتم بُدی          که بفزود<sup>۲۲</sup> بر بند پولاد بند</p>	<p>سر آوردم این رزم<sup>۱۷</sup> کاموس<sup>۱۸</sup> نیز          گر از داستان یک سخُن کم بُدی          دلم شادمان شد<sup>۲۱</sup> ز پولادوند</p>	<p>۲۸۸۰</p>

۱-ق: بُددر ۲-ف، ل، ق، ل: وز؛ متن = س، س، س ۳-ل، ل، س: دینا ۴-ل (نیز ق، و): ششتری؛ س: برتری؛ (لن، لن: لؤلؤ بربری؛ پ: لؤلؤ برتری)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ل، آ، ب) ۵-س: با اسب و با ۶-ف: چنان چون بود درخور شهریار (= ۲۸۷۴ب)؛ ل، ل (نیز ل، آ، ب): همان (ل: همه؛ ل: هم از) جعدمویان جادوسوار (ل: سیمین عذار؛ ل: خلیج سوار)؛ متن = س، س، س (نیز لن، ق، ب، و، لن، ب، لن، پ: اشتر)؛ ق این بیت را ندارد ۷-ل: همه ۸-ل: چو؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، س (نیز لن-ب) ۹-ل، ق: زرین؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن-ب) ۱۰-ق این بیت را ندارد ۱۱-ف: غمین؛ متن = ل-س ۱۲-س، س: فرود آمد از اسب و بردش نماز؛ متن = ف، ل، ق، ل ۱۳-ل، س، ق، س (نیز ق، ل، ل، پ، لن، آ، ب، بنداری): زاولستان؛ متن = ف، ل (نیز لن، و) ۱۴-ل، س: خرامید و ۱۵-ل، س، ق، س (نیز لن، ل، ب، لن، آ، ب): گشت؛ ل (نیز و): خورد؛ (ق: راند)؛ متن = ف ۱۶-ق: بدانسان ۱۷-ف: نام (ه نامه؟)؛ متن = ل-س (نیز لن-ب) ۱۸-س: پولاد ۱۹-ل: کم نیت؛ ل: بگشاد؛ (لن، ق، ب، لن: نفتاد)؛ متن = ف، س، ق، س (نیز ل، آ، ب) ۲۰-ل، ل: زو؛ بنداری: و هذا منتهی القصة النسوبة الى کاموس الکشانی ۲۱-ق: هم؛ ل: بُد ۲۲-لن: نفزود



## داستان رستم و اکوان دیو<sup>۱</sup>

تو بر<sup>۲</sup> کردگار روان و خرد  
 بین<sup>۳</sup> ای خردمند روشن روان  
 همه دانش من<sup>۴</sup> به بیچارگیست  
 تو خستوشو آنرا که هست و یکیست  
 ایا فلسفه دان<sup>۵</sup> بسیارگوی  
 ستایش گزین تا چه اندر خورد  
 که چون باید او را ستودن توان  
 به بیچارگان بر بیاید گریست  
 روان و خرد را جزین<sup>۶</sup> راه نیست  
 بیوم به راهی که گفتی: مپوی<sup>۷</sup>

۱- ف: گفتار اندر رزم رستم با اکوان دیو و ستایش ایزد سبحانه و تعالی و نمودن اثبات صانع؛ ل: داستان اکوان دیو با رستم؛ س، ق: داستان رستم زال با اکوان دیو؛ ل: گفتار در داستان رستم با اکوان دیو؛ س: داستان اکوان دیو؛ بنداری: ذکر قصه رستم مع اکوان الجئی ۲- ل: با ۳- ق: تونیز ۴- س، س: (نیز لن- ب): ما؛ متن = ف، ل، ق، ل ۵- ل: برین؛ س: جز آن؛ متن = ف، ل، س، ق ۶- ل: فیلسوفان ۷- ف، ل، ل: نیوم (در ل حرف بکم نقطه ندارد) براهی که گویی (ف: گفتی) مپوی؛ س، س: (نیز آ، ب): براهی نیوم (آ: بیوم) که گویی مپوی (آ، ب: مپوی)؛ ق: براهی که هرگز نرفتی مپوی؛ (لن، ق، ل، و، لن: نیوم (لن: بیوم) که گویی مپوی (ل، و: مپوی))؛ متن = ف با نصیح نیوم به بیوم؛ ف پس از این بیت افزوده است:

کنجا فیلسوفیست بسیار دان	هنر پرور و زیرک و کاردان
چو بر اسب گفتار گردد سوار	سخن راند از همتی کردگار
به گفتار اثبات صانع کند	مرا نیز ناچار قانع کند

این بیت ها در هیچیک از چهارده دستویس دیگر نیست

سَخُن هر چه با هست<sup>۱</sup> توحید نیست  
 ترا هر چه<sup>۲</sup> بر چشم بزرگدرد<sup>۳</sup>  
 تو گر سخته بی<sup>۴</sup> راه سنجیده گوی<sup>۵</sup>  
 به یک دم زدن رستی<sup>۶</sup> از جان و تن  
 همی بگذرد بر تو ایام<sup>۷</sup> تو  
 نخست از جهان آفرین یاد کن  
 کز ویست گردون گردان به پای  
 جهان پُرشگفتست چون بنگری  
 که جان شگفتست و<sup>۸</sup> تن هم<sup>۹</sup> شگفت

۱۰

به ناگفتن و گفتن او<sup>۱</sup> یکیست  
 نگنجد همی در<sup>۲</sup> دلت با<sup>۳</sup> خرد  
 نیاید به بُن هرگز این گفت و گوی<sup>۴</sup>  
 همی بس بزرگ آیدت خوشتر  
 سرایی جزین باشد<sup>۵</sup> آرام تو  
 پرستش<sup>۶</sup> برین<sup>۷</sup> یاد<sup>۸</sup> بنیاد کن  
 هموست بر نیک و بد رهنمای<sup>۹</sup>  
 ندارد کسی آلت داوری<sup>۱۰</sup>  
 نخست از خود<sup>۱۱</sup> اندازه باید گرفت

۱- (لن، ب، ل، ن؛ بایست)؛ ف: سخن در جهان هر چه؛ ل: سخن هر چه از باب؛ ل: سخن هر چنان (جه آن) هست و؛ متن = س، س، س؛ نیز (ب) ۲- س؛ او را؛ ق این بیت را ندارد؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳- ل: هر چه ۴- ل: چشم سر نگذرد؛ ق: چشم و سر نگذرد؛ ل: چشم تو نگذرد؛ متن = ف، س، س؛ (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ، ب) ۵- س، ق: بر ۶- ق: جز ۷- (ل، ل، ن؛ شحنه) ۸- ل: شو سخن سخته گوی؛ متن = ف، س، ق، ل، س؛ (نیز لن - ب) ۹- ل: گفت گوی؛ ق: گفتگوی؛ س: نیابدت هرگز خود این گفت و گوی؛ متن = ف، ل، س، س ۱۰- ل: بیکدم برستی تو؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز روی خرد بنا خود اندیشه کن  
 بین کن کجا آمدستی پدید  
 نه از گنده آبی بدت ماده بود  
 جهان بی تو بسیار بدی و دوش  
 5 نه فردا همان بی تو خواهد بدن  
 چو نه دیک بودی نه فردا بوی  
 چه سازی چه افزای این شهر و کاخ

این بیت ها در هیچک از چهارده دستنویس دیگر نیست ۱۱- (ب: این کام - هنگامه؟)؛ متن = ف - س؛ (نیز هشت دستنویس دیگر):  
 ایما - هنگامه؟ ۱۲- س؛ است ۱۳- ل؛ ستایش ۱۴- ق: ازین ۱۵- س: کار ۱۶- ف پس از این بیت افزوده است:

نگارنده گنبد نیلگون  
 پدید آورنده ز ناچیز چیز  
 ازو گشته پیدا مکان و زمان  
 جهان پرشگفتست و این هم شگفت  
 5 نخستین شگفتی نهاد تو است  
 فزاینده دانش رهنمون  
 همان چیز را کرده ناچیز چیز  
 زرو گشته پیدا یقین و گمان  
 نخست از خود اندازه باید گرفت (= ۱۴)  
 عجب از گرفت و گشاد تو است

جز بیت حین زه هیچک از این بیت ها در چهارده دستنویس دیگر نیست ۱۷- س این بیت را ندارد؛ در س<sup>۲</sup> این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۸- ف: جهان پرشگفتست و؛ (ق، و: روان پرشگفتست و؛ پ: که هم جان شگفتست و)؛ متن = ل - س؛ (نیز لن، ل، ل، ل، ل، ل، و، آ، ب) ۱۹- ف، ق، س؛ این هم؛ (لن: هم زو؛ پ، لن؛ هم تن)؛ متن = ل، س، ل؛ (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب) ۲۰- ق: تو؛ س: ز جان و تن؛ در ف این بیت بالاتر آمده است

۱۵ و دیگر که بر سرت<sup>۱</sup> گردان سپهر  
نباشی بدین<sup>۳</sup> گفته همدستان  
همی نو نمایدت هر روز<sup>۲</sup> چهر  
که دهقان همی گوید از باستان  
به دانش گراید، بدین<sup>۴</sup> نگرود  
شوی<sup>۵</sup> رام و کونه شود<sup>۶</sup> داوری  
ولیکن چو معنیش یاد آوری

### آغاز داستان

۲۰ تو بشنو ز<sup>۷</sup> گفتار دهقان پیر  
سخن گوی دهقان چنین کرد یاد  
بیاراست گلشن بدان بهار  
چو گودرز و چون رستم و<sup>۹</sup> گشته  
چو گیو و چو زهام<sup>۱۱</sup> کار آزمای  
چن<sup>۱۳</sup> از روز یک ساعت اندر گذشت  
که گوری پدید آمد اندر گاه  
یکی نزه شیرست<sup>۱۶</sup> گویی دژ  
همان رنگ خورشید دارد درست  
یکی بر کشیده خط از یال اوی<sup>۲۰</sup>

گر ایدونک باشد<sup>۸</sup> سخن دلپذیر  
که یک روز کیخسرو از بامداد،  
بزرگان نشستند با شهریار  
چو برزین و کرشاسپ<sup>۱۰</sup> از تخم جم  
چو گرگین و خراد فرخنده رای<sup>۱۲</sup>  
بیامد به درگاه چوبان<sup>۱۴</sup> ز دشت،  
چو دیوی<sup>۱۵</sup> که از بند گردد یله  
همی بنگند<sup>۱۷</sup> یال اسپان ز هم  
سپهرش به زردآب<sup>۱۸</sup> گویی<sup>۱۹</sup> پشت  
ز مشک سیه تا به دنبال اوی<sup>۲۰</sup>

۱- ل: دگر آنک این گرد: متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن-ب) ۲- ف: هر روز ۳- ل: برین: بنداری بیت های ۱-۱۷ را ندارد ۴- ل: همی ۵- ل، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ب، آ): شود؛ (لن: شوه): متن = ف، س، س (نیز ل، و، ب) ۶- ل، ق (نیز ق، ل، آ): کند؛ (ل، و، کنی): متن = ف، س، ل، س (نیز لن، ب، لن، ب): بنداری: قال صاحب الکتاب: اسمع هذه القصة وإن كنت لا تصدق ناقلها ولا تتلق بالقبول قائلها، ولكن ينبغي للمعاقل أن يفحص بنظر الفکر في معانيها ولا يفسه رأي رايها و حاكها ۷- ق: چوبشنید ۸- س، ق، ل، س (نیز لن-ب): اگر چه نباشد: متن = ف، ل ۹- ل: گیو و چون ۱۰- ق (نیز لن): کرشاسف: س (نیز و، لن): گشتاسب: (ل: لهراسب): ل، ق (نیز ق، ل): برزین کرشاسب: متن = ف، س، ل، س (نیز ب، آ، ب) ۱۱- ف (نیز و): پیراه: ل: چوبهرام و چون ضوس: متن = ل، س، ق، س (نیز لن، ق، ل، ب، لن، ب) ۱۲- ق: و چون بیژن پاک رای: درل است های این بیت پس و پیش شده اند: ف، ق، ل پس از این بیت افزوده اند:

ف: چو شنوش و چون طوس لشکر پناه  
ق: همی خورد می را بباد سران  
ل: یلان پیش شاه اندرون شاد گاه  
جو فرهاد و چون بیژن رزمخواه  
بدان کرده و کار کننداوران  
به یاد شهنشاه خوردند جاه

بنداری: مثل رستم و طوس و جودرز و جیو و غیرهم ۱۳- ل-س (نیز لن-ب): چو: متن = ف ۱۴- بنداری: الجوبانية: ل پس از این بیت افزوده است:

چنین گفت چوبان که ای شهریار  
جهان را نیامد چو تو تاجدار

۱۵- ل، ل (نیز ق): شیری: متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ل، ل، ب، و، آ، ب) ۱۶- س: گورست ۱۷- س، س، آ: بگسند:  
درل، ل این بیت پس از بیت ۲۹ آمده است ۱۸- س: زردآب ۱۹- س: گفقی ۲۰- ف، ل، س، ل، س، آ: او: متن =

سمندی<sup>۱</sup> بلندست<sup>۲</sup> گویی به جای  
 به گردی سرون<sup>۳</sup> و به دست و به پای<sup>۴</sup>

۳۰ بدانست خسرو که آن نیست گور  
 به رستم چنین گفت کین<sup>۵</sup> رنج نیز  
 برو خویشان را نگهدار ازوی  
 چنین گفت رستم که با بخت تو  
 ز<sup>۶</sup> دیو و ز<sup>۷</sup> شیر و ز<sup>۸</sup> نراژدها  
 ۳۵ برون شد به نخچیر چون نره شیر

که برنگذرد گور از<sup>۹</sup> اسپ به زور  
 به پیگار بر خویشان سنج نیز  
 مگر باشد آهرمن<sup>۱۰</sup> کینه جوی  
 نترسد پرستدهی تحت تو  
 ز شمشر تیزم نیابد رها  
 کمندی به دست، آژدهایی به زیر

۱- ق، ل، س؛ سمند ۲- ل، ق: بزرگت ۳- ف: بگردن ستون؛ س: بیان و سرین؛ (ق، آ: بگردن سرون؛ و: بیان و سرون)؛ متن = ق، ل، س؛ س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب) ۴- ل: ورا چار گزینست آن دست و پای؛ در ل، ل این بیت پس از بیت ۲۶ آمده است؛ بندازی (۲۵-۲۹): وشکا أنه قد ظهر في مراعى الخيل يعفور كأنه أسد هصور، ذهبى اللون كأنه خلق من نور الشهاب أو لضح بالمجد المذاب، بتد سائلا من كاهله الى منقطع ذنبه خط أسود كالملك الحقيق، ململم الكفيل كالخصان الأشكال ۵- ل، ق: زه؛ ل (نیز ق، ل، آ) پس از این بیت افزوده اند (در ونیز سه بیت نخستین هست):

و دیگر که خسرو جهان دیده بود  
 که آن چشمه بُد که اکوان دیو  
 به چویان چنین گفت کان گور نیست  
 وزان پس به گردان چنین گفت شاه  
 گوی باید اکنون چو شیر ژبان  
 5 نکه کرد خسرو به گردان بسی  
 نشایست جز رستم زال کس  
 یکی نامه بنوشت پر مهر و داد  
 بدو گفت خسرو به فرخنده فال  
 10 شب و روز بایست رفتن چو دود  
 درودش ده از من فراوان به مهر  
 چو برخواند این نامه من بگویی  
 یکی روی بنمای و خیز ایدر آی  
 چو گرگین به فرمان به زاول رسید  
 15 همتن چو بشنید فرمان شاه  
 بسوسید خاک و سر تخت اوی  
 بدو گفت شاه مرا خوامتی  
 میان بسته ام تا چه فرمان دهی  
 به رستم چنین گفت کای پهلوان  
 20 مرار روز فرسخ به دیدار تست  
 یکی کار پیش آمد ای پیلتن  
 تو فرمان من گزنداری به رنج  
 چنین گفت چویان که گوری یله  
 چنان چون شنیده ز چویان سخن

ز کار آگهان نیز بشنیده بود  
 جهان گشت ازو پرغ و پرغریو  
 بدانتم اکنون تو ایدر مه ایست  
 که ای نامداران با فر و جاه  
 که بندد ز گردان برین بر میان  
 نیامد ز گردان پسندش کسی  
 که باشد بران کار فریادرس  
 ز گردان به گرگین میلاد داد  
 پر نامه من بر پرور زال  
 به زاولستان در نیاید غنود  
 بگوش که بی تو مبادا سپهر  
 که بخت من از دست با رنگ و بوی  
 چون نامه بخوانی به زاول میای  
 بیامد سپید بلان را بیدید  
 گرازان بیامد بران بزرگه  
 همی آفرین خوانند بر بخت اوی  
 بگوت از همی راجه آرایتی  
 که جفت تو بندان پی و مپی  
 انوشه بدی شاد و روشن روان  
 همان بخت از جان و کردار تست  
 ترا خوامت زین بزرگ انجمن  
 بسندی میان از پی نام و گنج  
 پدید آمد اندر میان گنه  
 ترا بزرگت ز سر تا به بن

۶- ل: کنون ای همتن تو این ۷- ف، س، س (نیز لن، ب، ب): اهرمنی؛ (ق، و: اهرمن)؛ متن = ل، ق، ل (نیز ل، ل، لن، آ) ۸- ل، ل، ل، س (نیز ل، و): نه؛ س: چه؛ متن = ف (نیز هفت دستویس دیگر)؛ ق این بیت را ندارد؛ بندازی: فقال رستم: إن عید الملك اذا تحصوا بعبادته لم یفرعوا من جن ولا انس

به دشتی کجا داشت چوبان گله  
سه روزش همی جست از آن<sup>۱</sup> مرغزار  
چهارم بدیدش گرازان<sup>۲</sup> به دشت  
درخنده زرین یکی باره بود  
برانگیخت رخس<sup>۳</sup> دلاور ز جای  
چنین گفت کین را نباید فگند  
نشایدش<sup>۴</sup> کردن به خنجر تباہ  
بینداخت رستم کیانی کمند  
چو گور دلاور کمندش بدید  
بدانست رستم که آن<sup>۵</sup> نیست گور  
جز آکوان<sup>۶</sup> دیو این نشاید بُدن  
ز دانا شنیدم که این جای اوست  
به شمشیر باید کنون چاره کرد  
همانگه پدید آمد از دشت باز  
کمان را به زه کرد و از<sup>۷</sup> باد اسپ<sup>۸</sup>  
چنو آن<sup>۹</sup> کمان کیان<sup>۱۰</sup> درکشید<sup>۱۱</sup>  
همی تاخت<sup>۱۲</sup> اسپ اندر آن پهن دشت  
به آتش<sup>۱۳</sup> گرفت آرزو<sup>۱۴</sup>، هم به نان  
چو بگرفتش از آب روشن شتاب

۴۰  
۴۵  
۵۰

و زان سو گذر داشت گور یله،  
همی کرد بر گرد اسپان شکار  
چو باد شمار<sup>۱۵</sup> برو برگذشت  
به چرم اندرون زشت پتیاره بود<sup>۱۶</sup>  
چو تنگ اندرآمد دگر شد به رای  
بباید گرفتن<sup>۱۷</sup> به خم کمند  
برینسانش<sup>۱۸</sup> زنده برم نزد<sup>۱۹</sup> شاه  
چنان<sup>۲۰</sup> خواست کارد سرش را به بند  
شد از چشم او ناگهان<sup>۲۱</sup> ناپدید  
ابا او<sup>۲۲</sup> کنون چاره باید<sup>۲۳</sup>، نه زور  
ببایستش<sup>۲۴</sup> از باد تیغی زدن  
شگفت این که<sup>۲۵</sup> بستاند از گور پوست  
دوانیدن خون بر آن زر<sup>۲۶</sup> زرد  
سپهد برانگیخت آن تندباز  
بینداخت تیری چو آذرگشپ  
دگر باره شد گور ازو ناپدید  
چو سه روز و سه شب برو برگذشت<sup>۲۷</sup>،  
سر از خواب بر کوهی زین زنان  
به پیش آمدش چشمه‌یی چون گلاب

۱- ل (نیز ق)؛ در؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، لی، پ-ب) ۲- ل؛ ل: گریزان ۳- (ل، آ: بهاری)؛ متن = ف-س (نیز هفت دستوبس دیگر)؛ شمالی (؟)؛ بنداری؛ فلما رأی رستم عبر علیہ مازا فی سرعة الريح ۴- ق این بیت را ندارد ۵- ل، س، ق، س؛ س؛ اسب؛ متن = ف، ل؛ بنداری؛ فتورا رخس ۶- ق: گرفتار ۷- س، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، ل، پ، لن، ب)؛ نبایدش؛ متن = ف، ل (نیز لی، آ) ۸- ل: بدینسانش؛ ق: چیشش ۹- س، ق: برم زنده نزدیک ۱۰- ل، ق: همی؛ متن = ف، س، ل، س؛ س؛ ۱۱- ل: در زمان؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، ل، پ-ب) ۱۲- ل؛ این ۱۳- ف: که با وی؛ س؛ ابا وی؛ (ل، آ: ابا خود)؛ و: که با او؛ متن = ل، ق، ل (نیز لن، ق، ل، پ، لن) ۱۴- س (نیز ب)؛ کنون چاره باید ابا او ۱۵- ف: اکنون-آکوان ۱۶- س: ببایدش؛ س؛ نبایدش ۱۷- س، س (نیز لن، ب)؛ آنکه؛ (پ، لن، آ: آنکه)؛ ل (نیز ق، ل، آ)؛ که گفتند؛ متن = ف (نیز و)؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ ق، ل؛ بیت‌های ۴۷ و ۴۸ را ندارند ۱۸- ل (نیز لی، ل، آ)؛ چرم؛ س (نیز لن)؛ روی؛ (ب: گور)؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، ل، ب، و) ۱۹- ل، ق، ل؛ وز ۲۰- ف: دست؛ متن = ل-س (نیز لن، ق، ل، ل، پ-ب) ۲۱- ل، ق (نیز لی، لن، آ)؛ همان کو؛ س؛ چوباز آن؛ ل، س (نیز ب)؛ چو او آن؛ (لن، ل؛ همان کان؛ ق، و: همان چون؛ پ: همان که)؛ متن = ف ۲۲- ق، س؛ کبی ۲۳- س، س؛ برکشید ۲۴- ل؛ راند ۲۵- س؛ بر آن برگذشت؛ ق: برستم سه روز و سه شب درگذشت؛ متن = ف، ل، س؛ ل؛ ق پس از این بیت افزوده است:

دهان ناچران و سرش پرز خواب  
رمان گور شد ناپدید اندر آب  
۲۶- ق: بخوابش ۲۷- ل: آرزوی؛ بنداری (۵۲-۵۳)؛ وبق یرکض خلفه ثلاثة أيام لباليهن فقلبه النوم واحتاج الى الطعام والشراب



۵۵ فرود آمد و رخس را آب داد  
 ز زین کیانیش بگشاد تنگ  
 چراگاه رخس<sup>۱</sup> آمد و جای خواب  
 چو اکوانش از دور<sup>۷</sup> خفته بدید  
 زمین گرد بیرید و برداشتش  
 غمی گشت رستم<sup>۹</sup> چو بیدار شد  
 چو رستم بجنید بر<sup>۱۱</sup> خویشتن  
 یکی آرزو<sup>۱۳</sup> کن که تا<sup>۱۴</sup> از هوا  
 سوی آبت اندازم ار سوی کوه؟  
 چو رستم به گفتار او بنگرید  
 ۶۰ گر اندازدم - گفت - بر کوهسار  
 به دریا به آید<sup>۱۷</sup> که اندازدم  
 چنین داد پاسخ که دانای چین  
 که در آب هر کو برآورد هوش  
 ۶۵

۱- ل. س. ق. ل. (نیز ق. ل. ل. و آ) پس از این بیت افزوده اند:  
 کندش (ق: کمندی) بسازو (ل: بازوی) و بر بیان  
 ف. س. (نیز ل. ب. ل. ب) این بیت را ندارند ۲- ق: نداشت  
 ل. س. (نیز ل. ب: جناح): متن = ف (نیز ق. ل. ل. ب): س. در اینجا سرنویس دارند. س: انداختن اکوان دیورستم را در دریا: س:  
 بردن اکوان رستم را در هوا ۴- ق: اسب ۵- ل: برافکند  
 ۶- ل. آ: در: ف پس از بیت ۵۷ افزوده است:  
 رسانید بر چرخ گردان غریبو

ل (نیز ل. ل. آ) پس از بیت ۵۷ افزوده اند:  
 بدانجا یگه خفت و خوابش ریود  
 ۷- ق: چو از دور اکوانش ۸- ق: بسا بر اندر افراشتش  
 س. ۱۰- ل. ل. س. آ: تبار ۱۱- ل: در ۱۲- ل: بدو  
 س. اکوان فکندن بجا: ق: اندر فکندن هوا: متن = ف. ل. ل. این بیت را ندارد ۱۶- ل. س: بی: متن = ف. ق. ل. ل. س. (نیز ل. آ): ل.  
 پس از این بیت افزوده است:

چنین گفت با خویشتن پیلتن  
 کزین بدرهایی نیام بجان  
 ۱۷- س (نیز ل. ب): نیاید: درس (نیز ل. ل. ب) بیت ۶۶ پس از بیت ۶۹ آمده است: ل. بیت ۶۶ را ندارد: ل. ق (نیز ل. آ) و پس از بیت ۶۶  
 افزوده اند (ق. ل. ل. و آ در پس و پیش بیت ۶۶ بیت های دیگری هم افزوده اند):

وگر گویم او را (ق: ولیکن چو گویم) بدریا فکن  
 همه واژگونه (ق: باژگونه) بود کار دیو  
 که بد نام بردار هر انجمن  
 مگر یار باشد خدای زمان  
 بکوه افکند بد گهر اهرمن  
 که فریاد رس باد کیهان خدیو  
 ف. س. ل. س. (نیز ل. ب. ل. ب) هیچیک از این بیت ها را ندارند، و در ترجمه بنداری هست: فأفکر رستم، وقال فی نفسه: أن طوحنی فی  
 الجبال والمواقع المعرة تطایرت أوصالی وتقطعت أعضائی. والماء أسلد. لکن إن قلت له اقلدی فی البحر یخالفنی ولا یرمینی إلا علی الجبال و فی المخارم  
 والشعاب. وعلم أنه یعمل بضد ما یختاره فی ذلک. فاحتال علیه ۱۸- ل: روانش نبیند: ل. س. روانش نبیند بینو

۷۰ به زاری بماند روانش<sup>۱</sup> به جای  
 به کوهم برانداز<sup>۲</sup> تا پیر<sup>۳</sup> و شیر  
 ز رستم چو بشنید آکوان دیو  
 به جایی بخواهم فگندنت - گفت -  
 به دریای ژرف اندر انداختش  
 همان کز هوا سوی<sup>۴</sup> دریا رسید  
 ۷۵ نهنگان که<sup>۱</sup> کردند آهنگ اوی<sup>۱۱</sup>  
 به دست چپ و پای کرد آشنای<sup>۱۲</sup>  
 ز<sup>۱۴</sup> کارش نیامد زمانی درنگ  
 اگر ماندی کس<sup>۱۶</sup> به مردی به پای<sup>۱۷</sup>  
 ولیکن چنین ست گردنده دهر

۸۰ ز دریا به مردی به یکسو کشید  
 ستایش گرفت آفریننده را  
 برآسود و بگشاد گردی<sup>۲۱</sup> میان  
 کمند و سلیحش<sup>۲۲</sup> بیفگند<sup>۲۳</sup> نم  
 بدان<sup>۲۵</sup> چشمه<sup>۲۶</sup> آمد کجا خفته بود  
 ۸۵ بُد رخس رخشان در<sup>۲۸</sup> آن مرغزار

۱- ق: هم ایدر؛ ل: ل: بزاری هم ایدر بماند؛ س: س: چنانچه بخواری (س: بزاری) روانش: متن = ف ۲- ف: ل: (نیز ق): نیاید؛ ل: ماند (نقطه ندارد)؛ ق: س: (نیز ل: و آ): نیاید؛ متن = س: (نیز ل: ب: ل: ب): در س: (نیز ل: ل: ب): بست ۶۹ پس از بیت ۶۶ آمده است؛ بنداری بست های ۶۷-۶۹ را ندارد؛ ل: پس از بیت ۶۹ افزوده است:

بدو گفت ای دیو درخیم بد کنون ما ترا ای اینست خود (!)

۳- ل: ق: بینداز؛ ل: س: در انداز؛ متن = ف: س ۴- ف: س: (نیز و): گرگ؛ ل: پستان؛ متن = س: ق: ل: (نیز هشت دستویس دیگر)؛ بنداری: البیر ۵- س: گود ۶- ل: نمائی؛ س: این بیت را ندارد ۷- ق: ل: ز کینه خور؛ متن = ف: ل: س: س: ۸- ل: ل: روی ۹- ل: ل: جنگ ۱۰- ف: (نیز ق): چو؛ متن = ل: س: (نیز ل: ل: ب) ۱۱- ل: ل: س: ق: س: او؛ متن = ف: ل: ۱۲- ق: بیچاره ۱۳- ق: او شنای ۱۴- ل: ق: (نیز ل: ل: ب): به؛ متن = ف: س: ل: س: (نیز ق: ب) ۱۵- س: ل: (نیز ب): سنگ؛ متن = ف: ل: ق: س: (نیز ل: آ) ۱۶- س: کس بماندی ۱۷- ف: س: ق: ل: (نیز ل: ب: ل: آ): بجای (پس او ندارد)؛ متن = ل: س: (نیز و ب) ۱۸- ل: زمانه نبرد؛ س: زمانه نبرد پی او؛ ل: س: زمانه پی او نبرد؛ متن = ف: ق: ۱۹- ل: باشد ازو؛ ل: (نیز و): یابند ازو؛ (ل: آ: بیانی ازو)؛ متن = ف: س: ق: س: (نیز ل: ق: ل: ب: ل: آ): رهاننده؛ متن = ف: س: ل: س: (نیز ل: ل: ب: ل: آ: ب) ۲۱- ل: بسند؛ ق: (نیز ل: ق: ل: ب: ل: و: ل: ب): بسند از؛ (ل: آ: آنگه)؛ متن = ف: س: ل: س: (نیز ب) ۲۲- س: سلاحش ۲۳- ل: س: (نیز ل: ل: ب: ب): چو بکشند؛ متن = ف: (نیز ق: ل) ۲۴- ف: ق: پوشید (حرف یکم نقطه ندارد و حرف دوم یک نقطه دارد)؛ ل: بیوید (بیوید؟)؛ ل: خرامید؛ (ل: آ: بنومید (!): و: بیامد)؛ س: (نیز ل: ب: ل: ب: زره را بیوشید؛ س: بیوشید رستم چو؛ (ق: از آن پس بیوشید)؛ متن = (ل) ۲۵- ق: بران ۲۶- س: جای؛ ق: بیشه؛ بنداری: ثم لبس سلاحه و عاد إلى العين التي كان قد ناه عندها ۲۷- ل: بران؛ س: س: برو؛ ق: کجا؛ متن = ف: ل: ۲۸- ل: بر

برآشفت و برداشت<sup>۱</sup> زین و لگام  
 پیاده همی رفت جویان شکار  
 همه بیشه و آب‌های روان  
 گله‌دار<sup>۲</sup> اسپان افراسیاب  
 ۹۰ دمان رخس با<sup>۴</sup> مادیا نان<sup>۵</sup> چو دیو  
 چو رستم بدیدش گیانی‌کمند  
 بمالیدش از<sup>۷</sup> گرد<sup>۸</sup> و زین بر نهاد  
 لگامش به سر برزد و برنشست  
 گله آن کجا بود<sup>۱۱</sup> یکسر براند  
 ۹۵ گله‌دار چون بانگ اسپان شنید  
 سواران که بودند با او<sup>۱۳</sup> بخواند  
 گرفتند هر کس<sup>۱۴</sup> کمند و کمان  
 که یارد بدین<sup>۱۶</sup> مرغزار آمدن؟  
 پس اندر سواران برفتند<sup>۱۷</sup> گرم  
 ۱۰۰ چو رستم شتابندگان<sup>۱۹</sup> را بدید  
 بغرید چون شیر<sup>۲۰</sup> و برگفت نام  
 به شمشیر ازیشان دو بهره بکشت  
 گریزان و رستم پس اندر دمان  
 چو باد از شگفتی هم اندر شتاب<sup>۲۴</sup>  
 ۱۰۵ ابا باده و رود و گردان بهم

به دیدار اسپ آمد افراسیاب  
 بدان تا کند بر دل اندیشه کم<sup>۲۵</sup>

۱-س: بگشاد ۲-ل، س: (نیز ب. آ): شام؛ ق: (نیز ل): ناکام و کام؛ ل: جویای نام؛ متن = ف، س: (نیز لن، ق، ل، لن، ب)  
 ۳-ق: نگهبان ۴-ل: بر ۵-س: بادپایان ۶-ق: و آمد سراو؛ س: و آمد میانش؛ متن = ف، ل، س، ل: ۷-ق: بیفشاند ازو ۸-ف: خاک؛ متن = ل-س: (نیز لن-ب) ۹-ق: بدان ۱۰-ل: دید؛ ف: زان کجا بود؛ ل: هر کجا دید؛ ق: هر کجا بود؛ (ل، آ: آنچنان دید)؛ متن = س، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱-ل، ق: (نیز ق): شد؛ متن = ف، س، ل: س: (نیز لن، ل-ب) ۱۲-ل: در خواب و سردرکشید ۱۳-ف: وی؛ متن = ل-س: ۱۴-ل: هریک؛ س: هرسو ۱۵-ف: بدلگام (!) ۱۶-ل: بدان ۱۷-س، ق: گرفتند ۱۸-ف: برو پشت شیران بدرید؛ ل: که بر پشت رستم بدرتند؛ س، س: (نیز لن، پ، لن، ب): که بر (لن، ب، لن: از) شیر جنگی بدرید (لن، پ، ب: بدرتند)؛ متن = ق، ل: (نیز ق، ل، ل، و، آ: بدرید) ۱۹-ق: سراسیمگان ۲۰-ق: پیل؛ ل: دیو؛ متن = ف، ل، س، س: ۲۱-بنداری: جویانیه ۲۲-س: چنن ۲۳-ق: فکنده بیازو؛ ل این بیت را ندارد؛ ق: (نیز ل، ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

یکایک برفنند چون بیشان

چو دیدند ازو دستبرد و نشان

۲۴-س: آمد ز آب ۲۵-در ل این بیت پس از بیت ۱۰۶ پ آمده است

به جایی که هر سال چوبان گله  
 چو نزدیک آن مرغزاران رسید  
 یکایک خروشیدن آمد ز دشت  
 ز خاک پی رخش بر سرکشان  
 چو چوبان بر شاه توران رسید ۱۱۰  
 که تنها گله برد رستم ز دشت  
 بر آن دشت بر آب کردی یله  
 از اسپان و چوبان نشانی ندید  
 همی اسپ یک بر دگر برگذشت  
 پدید آمد از دور پیداه نشان  
 بگفت از شکفتی هرآنچش بدید<sup>۶</sup>  
 ز ما گشت بسیار و خود برگذشت<sup>۷</sup>

ز ترکان برآمد<sup>۸</sup> یکی گفت و گوی<sup>۹</sup>  
 پوشید باید<sup>۱۲</sup> یکایک<sup>۱۳</sup> سلیح<sup>۱۴</sup>  
 چنین خوار گشتیم و گشته<sup>۱۶</sup> زبون  
 به تنها ز ما میرباید<sup>۱۷</sup> گله ۱۱۵  
 که تنها به دشت آمد این<sup>۱۱</sup> کینه جوی  
 که این کار ما برگذشت<sup>۱۵</sup> از مزیح  
 که یک تن سوی ما گر آید به خون،  
 نشاید چنین کار کردن یله

### گفتار اندر رفتن افراسیاب از پس رستم<sup>۱۸</sup>

سپهدار با چار پیل و سپاه  
 چو گشتند<sup>۲۰</sup> نزدیک، رستم کمان  
 بریشان بیارید چون ژاله میغ  
 پس رستم اندر<sup>۱۹</sup> گرفتند راه  
 ز بازو<sup>۲۱</sup> برون کرد<sup>۲۲</sup> و آمد دمان  
 چه تیر از کمان و چه پولاد تیغ

۱- ق: بدان ۲- ل: و از: ق: و آن: متن = ف. س. ل. س. ل. س. ل. (نیز ل) پس از این بیت افزوده اند (و در ل پس آن بیت ۱۰۵ آمده است):  
 خود و دو هزار از پیل نامدار

رسیدند تازان بدان مرغزار

۳- ف، ل، س، ق، س: ل: متن = ل ۴- ف: یک یک به: س، ق، س: ل (نیز ل، ق، ل، ب، پ): بر یکدگر: ل: یک یک برو: متن =  
 ل ۵- س: جایی: س بیت های ۱۰۹-۱۱۱ را ندارد ۶- ل: بدو بازگفت آن شکفتی که دید: ق: بگفت آن شکفتی بخسرو که دید:  
 متن = ف، ل، س ۷- ف: درگذشت: ل: بازگشت: ل: و اندرگذشت: متن = ق (نیز ل، ل، ب، ل، آ، ب): س: بیت های ۱۱۱-۱۱۵  
 را ندارد ۸- س: برآمد ز ترکان ۹- ل، ل، ل: گفت گوی ۱۰- ل: جنگ ۱۱- ف: این یل: متن = ل، س، س: ل (نیز ل، ب):  
 ق: آن: ق بجای این بیت (و ل، آ پس از آن) افزوده اند:

چو بوشنید افراسیاب این سخن

برو تاز شد اندهان کهن

۱۲- ل، ق (نیز ق): بیاید کشیدن: (ل: بیاید بستن): متن = ف، س، ل (نیز ل، ب، و، ل، آ، ب) ۱۳- ق: سراسر ۱۴- س: سلاح  
 (پس او ندارد) ۱۵- ل، س، ق، ل (نیز ل، ق، ل، آ): کار بر ما گذشت: متن = ف (نیز ل، آ) ۱۶- ق: زار و: ل، ل: زار گشتم و  
 خوار و: متن = ف، س: ل پس از این بیت افزوده است:

همی بسفکنند ناه مردی ز ما به تیغ او براند ز خون آسیا

۱۷- ل: همی بگذراند یک تن: س، ل (نیز ل، ب، ل، آ، ب): همی ننگ این (س، ب: آن) بگذرد بر: ق: همین ننگ کو بگذراند گله: متن =  
 ف ۱۸- ف: گفتار اندر رفتن افراسیاب از پس رستم بطلب گله اسب و شکستن رستم او را و کشتن اکوان دیو: س: رزم رستم با افراسیاب و  
 کشتن اکوان دیورا: ل: کشتن رستم اکوان دیورا بگزر: متن = آغاز ف ۱۹- س: پس پشت رستم ۲۰- ل: رفتند ۲۱- ل:  
 بازوی ۲۲- ل: درآورد: س: بیت های ۱۱۷-۱۲۰ را ندارد

۱۲۰ چُن<sup>۱</sup> افکنده شد شست<sup>۲</sup> گرد<sup>۳</sup> دلیر  
 چهل دیگر از نامداران<sup>۷</sup> بگشت  
 ازو بستد آن<sup>۹</sup> چار پیل سپید  
 پس پشتشان رستم گرزدار  
 همی گرز بارید همچون تگرگ  
 چو برگشت<sup>۱۳</sup> برگاشت<sup>۱۴</sup> پیل و رمه

۱۲۵ چُن آمد<sup>۱۷</sup> گرازان<sup>۱۸</sup> بدان<sup>۱۹</sup> چشمه باز  
 دگر باره اکوان بدو بازخورد  
 برستی ز دریا و چنگ<sup>۲۲</sup> نهنگ  
 تهمتن چو بشنید گفتار دیو  
 ز فتراک بگشاد جنگی<sup>۲۴</sup> کمند  
 ۱۳۰ بیچید بر زین و گرز گران  
 بزد بر سر دیو چون پیل مست  
 فرود آمد و<sup>۲۹</sup> آبگون خنجرش  
 همی خواند بر کردگار آفرین

کسی کو ندارد ز یزدان سپاس تو مر دیو را مردم بد شناس

۱- ل. س. ف. ل.؛ چو: متن = ف ۲- ف. ق. ل.؛ شست: متن = ل. س ۳- ل: مرد ۴- ل: ز ۵- ل: به ۶- ل: بگرز  
 گران و به شمشیر و تیر: در ل پس از این بیت، بیت ۱۲۳ آمده است ۷- ل: ازیشان چهل مرد دیگر: ق: چهل مرد دیگر ازیشان: متن = ف.  
 س. ل. ۸- ف: [و] ۹- س:؛ ازیشان ستد ۱۰- س: میان: س:؛ گوان: متن = ف. ل. ف. ل. ۱۱- س:؛ بیت های ۱۲۲ و  
 ۱۲۳ را ندارد ۱۲- در ل این بیت پس از بیت ۱۱۹ آمده است ۱۳- ق. ل.؛ (نیز ل. ق.؛ ل.؛ برگشت و ۱۴- ل. س. س.؛ (نیز  
 ب. و ب): برداشت: متن = ف. ق.؛ (نیز ل. ق.؛ ل.؛ ل.؛ آ) ۱۵- ل: هرچ ۱۶- ق:؛ به تیوان برآمد از جنگش دهه ۱۷- ل. س.؛  
 بیامد: ق. ل.؛ س:؛ چو آمد: متن = ف ۱۸- س:؛ تهمتن ۱۹- ل: بران ۲۰- ل- س:؛ (نیز ل. و ب):؛ بچنگ دراز: (ل.؛ ب.؛ ل.؛  
 بچنگ گراز):؛ (ق:؛ گشت جویان براه دراز: ل.؛ آ:؛ دل از جنگجویان چو چنگ گراز):؛ متن = ف ۲۱- ل:؛ بگشتی ۲۲- در همه  
 دستویسها حرف یکم یا یک نقطه: س:؛ این بیت را ندارد: بنداری (۱۳۶-۱۳۷):؛ فظیره و قال:؛ اول تمام من القتل و القتل؟ بعد آن خلصت  
 من التاسیح و شدائد البحر عدت تطلب القتال؟ ۲۳- نیزه لغت دری. ص ۲۰۵ ۲۴- ل- س:؛ (نیز ل.؛ آ):؛ بچان: متن = ف (نیز ب):  
 جنگی (؟) ۲۵- ل:؛ بیسداخت ۲۶- ل- س:؛ (نیز ل- ب):؛ [و]:؛ متن = ف ۲۷- ل:؛ [و] ۲۸- ل. ق.؛ (نیز ل.؛ آ):؛ او  
 گشت پست: س. س.؛ (نیز ب):؛ مغز و بالش همه (س:؛ بال و را) کرد پست: ل:؛ مغز او گشت از آن گرز پست: (ل.؛ ب.؛ و ل.؛ مغز و بالش همه  
 (و: همه) در (ل.؛ و بر) شکست:؛ متن = ف ۲۹- ل:؛ آن:؛ س پس از این بیت افزوده است:

بزد بر سر دیو چون پیل مست (= ۱۳۱ آ)

۳۰- ل (نیز ل.؛ ل.؛ ب.؛ آ):؛ بود: (ق:؛ یافت):؛ متن = ف. س. ق. ل.؛ س:؛ (نیز ل.؛ و ل.؛ ب) ۳۱- ف (نیز ق.؛ ل.؛):؛ پیروزی و روز کین:  
 ل. س (نیز ل.؛ ل.؛ ب):؛ پیروزی و زور کین: متن = ق. ل.؛ س:؛ (نیز و ل.؛)

۱۳۵ هر آن کو گذشت<sup>۱</sup> از ره مردمی<sup>۲</sup> ز دیوان شمر<sup>۳</sup>، مشمرش ز آدمی<sup>۴</sup>  
 خرد گر بدین<sup>۵</sup> گفت ها نگروء<sup>۶</sup> مگر نیک<sup>۷</sup> معنیش می نشنود<sup>۸</sup>؛  
 گو آن پهلوانی بود<sup>۹</sup> زورمند به بازو<sup>۱۰</sup> ستر<sup>۱۱</sup> و<sup>۱۲</sup> به بالا بلند  
 گوان خوان تو<sup>۱۳</sup> اکوان دیوش<sup>۱۴</sup> بخوان! نه بر پهلوانی بگردد زبان<sup>۱۵</sup>؟  
 چه گویی تو ای خواجهی سالخورده چشیده ز گیتی بسی گرم و سرد؟  
 که داند که چندین نشیب و فراز به پیش آرد این<sup>۱۶</sup> روزگار دراز؟  
 تگ<sup>۱۷</sup> روزگار از درازی که هست همی بگذراند سخن<sup>۱۸</sup>ها<sup>۱۹</sup> ز دست

۱۴۰ چو ببری رستم سر دیو<sup>۱۸</sup> پست بر آن باره‌ی پیل پیکر نشست<sup>۱۹</sup>  
 به پیش اندر آورد یکسر گله بُنه هر چه<sup>۲۰</sup> کردند ترکان<sup>۲۱</sup> یله  
 همی رفت رستم ابا<sup>۲۲</sup> خواسته و زو شد جهان یکسر آراسته  
 ز ره چون به شاه آمد این آگهی که برگشت رستم بدین<sup>۲۳</sup> فرهی،  
 از ایدر میان را بدان کرد بند کجا<sup>۲۴</sup> گور گیرد به ختم کمند،  
 کنون دیو و پیل آمده‌ستش به چنگ به خشکی پلنگ<sup>۲۵</sup> و به دریا ننگ<sup>۲۶</sup>،  
 نیابد<sup>۲۷</sup> گذر شیر<sup>۲۸</sup> نیغ اوی همان دیو و هم مردم کینه‌جوی<sup>۲۹</sup>،  
 پذیره شدن را بیاراست شاه به سر بر نهادند گردان کلاه

۱-ق: بگشت؛ متن = ف. ل. س. ل. س. ل. س. (نیز لن-ب) ۲-ف: آدمی (پس او ندارد)؛ متن = ل-س (نیز لن-ب) ۳-ل: ل: تو دیوش ۴-ل. س. (نیز ق): مشمر از آدمی؛ ق. ل. (نیز ل. ب. و. لن): مشمرش آدمی؛ متن = ف. س. (نیز لن. ل. آ. ب) ۵-ل. ل. ل.: برین ۶-س. ق. (نیز ل. آ): بگروء؛ متن = ف. ل. ل. ل. س. (نیز لن. ق. ب. لن. ب) ۷-ل: آنک ۸-ف-س (نیز ق. ل. آ. ب): معنی (ل. ق. مغزش) همی (س: بندو: ل: آن) نشنود (ق. ل. بشنود: ق: نشمرد)؛ (و: معنی نیک می نشنود)؛ متن = (لن. ب. لن) ۹-ل: یک پهلوان بد گو ۱۰-ل: بازوی ۱۱-ف. س. ل. س. ل. س. (نیز لن. ل. ب. و. لن. ب): قوی و: ق: و برزش؛ (ق: سفر و: ل. آ: جوش و)؛ متن = ل ۱۲-ل. ق. (نیز لن-ب. لن. آ): خوان و: متن = ف. س. ل. س. ل. س. (نیز و. ب) ۱۳-ل: او را و اکوان ۱۴-ل: بگردد زبان (حرف یکم واژه یکم و حرف دوم واژه دوم نقطه ندارند)؛ ق: نگردد زبان؛ س (نیز ل. آ): ابر پهلوی چون بگردد زبان (آ: زمان)؛ ل. س. (نیز لن. ب. لن. ب): ابر (ل: تو بر) پهلوانی بگردان زبان؛ (ق: که بر پهلوانی نگردد زبان؛ ل: چو بر پهلوانی بگردد زبان)؛ متن = ف ۱۵-ف: آن: ل: آورد؛ متن = ل. س. ق. س. ۱۶-ق: یکی ۱۷-ل: را: ل: پس از این بت دو بت و ل. س. ق. (نیز لن-ل) تنها بت دوم را افزوده اند:

بنا روزگارا که بر کوه و دشت گذشتت و دیگر بخواهد گذشت  
 که داند کزین گنبد تیزگرد در و (در) سورا (سود) چندست و چندی (چندین) نبرد

ف. س. (نیز آ. ب) این بیت ها را ندارند؛ بندای بیت های ۱۳۳-۱۴۱ را ندارد ۱۸-س: چورستم سردیو ببری ۱۹-س. ل. س. ل. س. (نیز ب): تیز و بر نشست؛ متن = ف. ل. ق. (نیز لن-آ) ۲۰-ل: هرچ ۲۱-ف. ل: گردان؛ متن = ل. س. ق. س. (نیز لن-ب) ۲۲-ل. ق. (نیز لن-آ): با پیل و با؛ متن = ف. س. ل. س. (نیز ب) ۲۳-ل: بدان؛ س: آ: ابا ۲۴-ف. س. ل. (نیز لن. ب. لن. ب): که تا؛ متن = ل. ق. س. (نیز ل. و) ۲۵-س: بخشش پیل؛ متن ← ۲۶-ل. س. ل. س. (س: به) دریا ننگ و ز (س: به) هامون پنگ؛ متن = ف. ل. ق. ۲۷-ل: نیارد ۲۸-ف (نیز ب): از؛ متن = ل-س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۹-ق. س: جنگجوی

<p>ببردند با زنده‌پیل<sup>۳</sup> و درای نگه کرد کامد پذیره به راه<sup>۶</sup>، خروش سپاه آمد و بوق و کوس شهنشاه بر زین بیفشارد<sup>۸</sup> ران<sup>۹</sup> بفرمود تا برنشیند به رخس گشاده‌دل<sup>۱۳</sup> و نیک‌خواه آمدند نشست از در<sup>۱۵</sup> خویش<sup>۱۶</sup> رخس کرد که بر شیر پیلان<sup>۱۷</sup> بگیرند<sup>۱۸</sup> راه می و رود و رامشگران<sup>۲۱</sup> خواستند و زاکوان همی کرد با شاه<sup>۲۳</sup> یاد بدان خوب‌رنگی<sup>۲۴</sup> و آن رنگ و بوی<sup>۲۵</sup> برو<sup>۲۷</sup> بر بیخشود دشمن نه<sup>۲۸</sup> دوست دهان<sup>۳۰</sup> پُر ز دندان‌های گراز<sup>۳۱</sup> نش را نشایست کردن<sup>۳۳</sup> نگاه همه دشت ازو شد چو دریای خون</p>	<p>۱۵۰ درفش شهنشاه<sup>۱</sup> با گزه‌نای<sup>۲</sup> چو رستم درفش سرافراز<sup>۴</sup> شاه<sup>۵</sup> فرود آمد و خاک را داد بوس پیاده شدندش ز لشکر سران<sup>۷</sup> سر سرکشان<sup>۱۰</sup> مهتر<sup>۱۱</sup> تاج‌بخش ۱۵۵ و زانجا به میدان<sup>۱۲</sup> شاه آمدند به<sup>۱۴</sup> ایرانیان بر گله بخش کرد فرستاد پیلان بر پیل شاه به<sup>۱۹</sup> یک هفته ایوان<sup>۲۰</sup> بیاراستند به می رستم آن<sup>۲۲</sup> داستان برگشاد ۱۶۰ که گوری ندیدم به خونی چُن اوی چو شمشیر ببرد<sup>۲۶</sup> بر تنش پوست سرش چون سر پیل<sup>۲۹</sup> و مویش دراز دو چشمش سپید<sup>۳۲</sup> و لبانش سیاه بدان زور و آن تن<sup>۳۴</sup> نباشد هیون</p>
--	--

۱-س (نیز لن، لی، پ، و لن، آ، ب): سپهدار؛ ق: جهاندار؛ متن = ل، ل، س، س، آ (نیز ق، ل، آ) ۲-ل، س: کَرَئای؛ ق: پاکیزه‌رای ۳-س: زنگ و پیل؛ ق: پیل و زنگ؛ متن = ل، ل، س، آ؛ ف این بیت را ندارد؛ س، ق، ل، آ، س (نیز لن-ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

پذیره شدندش دمام (ق، لی، آ: سراسر؛ ل: یک‌یک) سپاه

بدان (س: از آن؛ لی، آ: شده) شادمانی جهاندار (ق: چه از مهران و چه فرخنده) شاه

ف، ل این بیت را ندارند ۴-ل، ق: جهاندار؛ ل: سپهدار؛ متن = ف، س، س، آ ۵-ق: دید ۶-ق: فرود آمد و آفرین گتیرید ۷-س: سران سپاه؛ ق: پیاده شده پیش او در سران؛ متن = ف، س، ل، آ ۸-ف، س، ق (نیز لن، ب، لن، آ، ب): بیفشرد؛ متن = ل (نیز ق، لی، ل، و، آ) ۹-س: شهشه همی رفت مانند ماه؛ ل این بیت را ندارد ۱۰-ق: سروران ۱۱-ل: رستم؛ س: این بیت را ندارد ۱۲-ل (نیز ق، ل، و، ب): ایوان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ب، لن، آ): بنداری؛ واجتماعی البدان ۱۳-ل: لب ۱۴-س، ق، س: بر؛ متن = ف، ل، ل، آ ۱۵-ل، ق (نیز ل، آ): نشست تن؛ (ق، لی، و، آ: نشست گه)؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، ب، لن، آ، ب) ۱۶-ق: خویش را ۱۷-ل: که با پیل و شران؛ س: که بر پیل شران؛ (لن، ب، لن، آ): که با شیر پیلان؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز ق، لی، و، آ، ب) ۱۸-ف، ل، س، ل (نیز لن، آ): نگیرند (حرف بکه نقطه ندارد)؛ ق، س (نیز لن، لی، ب، و، آ): نگیرند؛ متن = (ق، ب) ۱۹-س: چو ۲۰-ف، س، ق، ل، آ، س (نیز ل، آ): ایران (؟)؛ متن = ل (نیز لن، ق، ب، و، لن، آ، ب): بنداری؛ ثم دخلوا الایوان ۲۱-ف (نیز و): میخوارگان (؟)؛ متن = ل-س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۲-ف، س، س: این؛ متن = ل، ق، ل، آ ۲۳-ل، س، ق، س (نیز لن-ب): بر شاه؛ ل: بسبب؛ متن = ف ۲۴-ل، ق (نیز ق، لی، ل، آ): سرافرازی؛ (لن، ب، و، لن، آ: یال و آن کتف)؛ متن = ۲۵-س (نیز ب): بدان یال و آن کتف و آن روی و موی؛ س: بدان یال و یال و بدان رنگ و بوی؛ متن = ف، ل، آ ۲۶-ل: خنجر بزدید ۲۷-ق: بدو ۲۸-س: چو ۲۹-ق: بیر ۳۰-ل: دهن ۳۱-ل: بازو چو شیر و برانها گراز ۳۲-ل: کبود؛ (لی، آ: چو خون)؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳۳-ل: نشایست کردن تنش را ۳۴-ق: زورمندی

- ۱۶۵ سرش چون بکرده<sup>۱</sup> به خنجر جدا  
 چو باران از خون بُد اندر هوا<sup>۲</sup>
- ازو ماند کیخسرو اندر شِگفت  
 برآن کو چنان<sup>۳</sup> پهلوان آفرید  
 که مردم بود خود بکردار اوی<sup>۴</sup>  
 همی گفت اگر<sup>۵</sup> کردگار سپهر  
 نبودى به گیتی<sup>۶</sup> چنين كهترم ۱۷۰
- دو هفته بران<sup>۱۱</sup> گونه خوردند<sup>۱۱</sup> شاد  
 سدبگر<sup>۱۴</sup> تهمن چنين<sup>۱۵</sup> کرد رای  
 مرا بویه<sup>۱۶</sup> زال سامست - گفت -  
 شوم زود و آیم به درگاه باز  
 که کین سیاوش به اسپ<sup>۱۹</sup> و گله ۱۷۵
- ز بگماز<sup>۱۲</sup> و ز پند<sup>۱۳</sup> کردند یاد  
 که پیروز و شادان شود باز جای  
 چنين آرزو را<sup>۱۷</sup> نشاید نهنفت  
 بیايدهمی کینه را کرد<sup>۱۸</sup> ساز  
 نشاید چنين خوار<sup>۲۰</sup> کردن یتله
- در<sup>۲۱</sup> گنج بگشاد شاه جهان  
 بیاورد پُر در جامی<sup>۲۳</sup> ز گنج  
 غلامان رومی به زرین کمر  
 ز گستردنیها و از<sup>۲۵</sup> تخت عاج
- گرانمایه گوهر<sup>۲۲</sup> که بودش نهان،  
 به زر بافته جامه‌ی شاه پنج،  
 پرستندگان نیز با طوق<sup>۲۴</sup> زر،  
 ز دیا و دینار<sup>۲۶</sup> و پیروزه تاج،

۱-ل-س' (نیزلن-ب): کرده از تن: متن = ف ۲-ل (نیزل-و): شد اندر هوا: (لی، آ: شد آورد گاه): ق: بسیارید خون از هوا: (لن، ب، لن': ازو خون همی رفت اندر هوا): متن = ف، س، ل، س' (نیزب) ۳-ق: بدان کوچوتو ۴-ل، ق، ل': این: متن = ف، س ۵-س': بران آفرین کوچندان آفرید ۶-ل، س: او: ق این بیت را ندارد ۷-ل، ق: گر ۸-س، س': بگیتی نبودى ۹-ف (نیزلی، آ): بیل و شیر: ق: نیک (ح-پیل) و دیو: س' (نیزل-م): پیل و دیو: متن = ل، س، ل' (نیزلن، ق، ب، و، لن، ب) ۱۰-س: بدان: ق: از آن: س': برین: متن = ف، ل ۱۱-ل، س، ق (نیزلی، ل، آ، ب): بودند: متن = ف، س' (نیزلن، ق، ب، و، لن، ل): ل': بدو هفته خوردند از آن گونه ۱۲-ل: اکوان: ق (نیزلی، ل، ل، آ، ب): بیکار: متن = ف، س، ل، س' (نیزلن، ق، ب، و، لن، ل، س، ل' (نیزلن، ق، ب، و، لن، ل): بزم: ق (نیزل-م): بزم: متن = ف، ل، س، ل، س' (نیزلی، آ، ب): بزم: متن = ف ۱۴-ل: س: دیگر ۱۵-ق، ل': چنان: س' بیت های ۱۷۲-۱۷۴ را ندارد ۱۶-ل: بویه (حرف یکم نقطه ندارد): س: بویه: ل' (نیزق'): بویه: (ل، و، آ: بویه): متن = ف، ق (نیزلن، لی، ب، لن، م) ۱۷-ل: آرزوی راه: ل': آرزوها ۱۸-س: همی کرد بر کینه ۱۹-ل: پیل: متن = ف، س، ق، ل، س' (نیزلن-ب) ۲۰-ف، ق (نیزل-م): کار: متن = ل، س، ل، س' (نیزهشت دستویس دیگر): بنداری: فانا لا نرضی فی الانتقام له بنهب الخول والخیم وقتل الخول والحشم من مالک افراسیاب: ل پس از بیت ۱۷۵ افزوده است:

کروی زره را ببرم گنوی زبزدان نخواهم جزین آرزوی

۲۱-ل، ل': سر: متن = ف، س، ق، س' (نیزلن-ب) ۲۲-ل، ق: چیری: متن = ف، س (نیزلن، ق، ب، و، لن، ب) ۲۳-ل: ده جام گوهر: ق (نیزل-م): زرینه جامی: (لی، آ: پر کرد جامی): متن = ف، س (نیزق، و): ل، س' این بیت را ندارند ۲۴-ق: ساز: س': تاج: متن = ف، ل، س، ل' ۲۵-ق، ل': وز ۲۶-ق: زدیای زربفت



۱۸۰ بنزدیک رستم فرستاد شاه  
 یک امروز با ما بیاید<sup>۱</sup> بدن  
 بود و پیمود چندی<sup>۲</sup> نید  
 دو فرسنگ با او<sup>۳</sup> بشد شهریار  
 چو با راه رستم هم آواز گشت  
 ۱۸۵ جهان پاک پُر مهر او گشت راست  
 برین<sup>۴</sup> گونه گرددهمی چرخ پیر  
 که این هدیه با خویشان بر به راه  
 وُرانپس همی<sup>۵</sup> رای رفتن زدن  
 به شبگیر جز<sup>۶</sup> رای رفتن ندید<sup>۷</sup>  
 به پدرود کردن گرفتار کنار  
 سپهدار از آنجا<sup>۸</sup> بازگشت  
 همی گشت<sup>۹</sup> گیتی برآسان که خواست  
 گهی چون کمانست و<sup>۱۰</sup> گاهی چو تیر

۱-ق: بشادی ۲-ل: ترا؛ س<sup>۱</sup> این بیت را ندارد ۳-ل: خسرو؛ س: پیمود و بنمود خسرو؛ (لن، ب، لن: بیودند و خوردند یا هم؛ لی، آ: بیودند و پیمود خسرو؛ ل: بیودند و پیمود چندی)؛ متن = ل، ق (نیقی، و) ۴-ل: چون ۵-ل: بدید؛ س: دگر روز رخشنده آمد بدید؛ ف: س<sup>۲</sup> (نیز ب) این بیت را ندارند ۶-ف: وی؛ متن = ل، س، ق، ل؛ س<sup>۱</sup> این بیت را ندارد ۷-ل: ایران ازو؛ متن = ف، س، ق، ل؛ س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب) ۸-ل (نیزی، و، آ): داشت؛ متن = ف، س، ل؛ س<sup>۱</sup> (نیزی، ل، ب، لن، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۹-ل: بدین ۱۰-ل: [و]؛ ف پس از بیت ۱۸۶ افزوده است:

کنون داستان را بود ناگیر ز گفتار داننده دهقان پیر

ل پس از بیت ۱۸۶ افزوده است:

جو این داستان سر بر بشوی از اکوان سوز کین بیژن شوی

س، س، لن، لی، ب، لن، آ، ب پس از بیت ۱۸۶ سه بیت، ل تنها بیت سوم و ق، و تنها بیت های یکم و دوم را افزوده اند (ل، آ بیت های دیگری هم افزوده اند):

برین کار اکوان سخن شد بر ایا رستم بهنوان پرهیز (س: ایا بهنوان رستم زال زور)

کنون رزم بیژن بگوم که چیست کزان (این) رزم یکریباید گریست

همی (کنون) زین پس (ازین پس کنون) رزم (جنگ) بیژن بود بسوی گزرانش رفتن بسود

ل<sup>۲</sup> پس از بیت ۱۸۶ افزوده است:

وزین پس بگرگین و بیژن شود که رستم ز تورانش چون آورد

ق هیچک از این بیت ها را ندارد؛ بنداری: قال صاحب الكتاب: و إذا فرغت من قصة أكوان فاستمع لقصة بیژن بن جبو و ماجری علیه و ما انتهی أمره انیه





## داستان بیژن و منیژه<sup>۱</sup>

شب‌ی چون شبه روی شسته به قیر  
دگرگونه آرایشی کرد<sup>۲</sup> ماه  
شده تیره اندر سرای درنگ  
ز تاجش سه بهره<sup>۳</sup> شده لاژورد<sup>۴</sup>  
سپاه شب تیره بر دشت و<sup>۵</sup> راغ  
نه بهرام پیدا نه کیوان نه<sup>۶</sup> تیر  
بسپج گذر کرد<sup>۷</sup> بر<sup>۸</sup> پیشگاه  
میان کرده<sup>۹</sup> باریک و دل کرده تنگ<sup>۱۰</sup>  
سپرده<sup>۱۱</sup> هوا را<sup>۱۲</sup> به زنگار<sup>۱۳</sup> گرد  
یکی<sup>۱۴</sup> فرش گسترده<sup>۱۵</sup> از<sup>۱۶</sup> پرزاغ

۱- ف، ل: گفتار اندر داستان بیژن و منیژه (ف: داستان بیژن گو و جنگ گراز و خدیعت گرگین با بیژن و چگونگی حال بیژن با منیژه و افراسیاب؛ س: داستان بیژن با منیژه ۲- ل، ق، ل: و؛ متن = ف، س، س: بنداری: لا بیری فیه بهرام ولا کیوان ولا عطارده؛ ف پس از این بیت افزوده است:

شب همچو روز آسمان ساه  
به چاه فلک در حو خورشید و ماه  
ز سعدان فلک یاره وانگشتری  
هم از همه ربوده هم از دشتری

۳- س: کرده ۴- ل: از ۵- ل: شب ۶- ف: کوه (ح کرده) ۷- ل: سنگ ۸- ق (نیزق): دو بهره: ل: از تاج سپهری؛ متن = ف، س، ل: س (نیزلن، لی، پ-ب) ۹- ف، ق، ل: س (نیزلن - ب، لن، آ، ب): لا جورده؛ متن = ل، س (نیز و) ۱۰- (ل، آ: سترده) ۱۱- ق (نیزق): هوا را سپرده (ق: بسته) ۱۲- ل، ف، ل: (نیزق، ب): زنگار و؛ متن = ف، س، س (نیزلن، لی، پ، و لن، آ) ۱۳- ل: [و] ۱۴- س: همی ۱۵- س، س: (نیزلن، ق، ل، ب، لن، ب): خلعت افکند (ب: افکنده)؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیزل، و، آ) ۱۶- ل: چون

چو پولاد زنگار خورده سپهر  
 نموده<sup>۳</sup> ز هر<sup>۴</sup> سو به چهره<sup>۵</sup> آهرمن  
 هر آنکه که برزد یکی باد سرد  
 چنان کرد<sup>۷</sup> باغ و لب جویبار<sup>۸</sup>  
 فرومانده<sup>۹</sup> گردون گردان به جای  
 سپهر<sup>۱۱</sup> اندر آن چادر قیرگون  
 جهان را دل از<sup>۱۳</sup> خوشتن پُهراس  
 نه آوای مرغ<sup>۱۴</sup> و نه هُرّای دد  
 بُد هیچ پیدا نشیب از<sup>۱۵</sup> فراز  
 بدان<sup>۱۷</sup> تنگی اندر بجمتم ز جای  
 خروشیدم و خواستم زو چراغ  
 تو گفתי به قیراندر اندود چهر<sup>۲</sup>  
 چو مار سیه باز کرده دهن  
 چوزنگی برانگیخت ز انگشت گرد<sup>۶</sup>  
 کجا موج خیزد ز دریای قار  
 شده سست خورشید را دست و پای<sup>۱۰</sup>  
 تو گفתי شده ستی به خواب<sup>۱۲</sup> اندرون  
 جرس برکشیده نگهبان پاس  
 زمانه زبان بسته از نیک و بد  
 دلم تنگ شد زآن درنگ دراز<sup>۱۶</sup>  
 یکی مهربان بودم اندر سرای  
 بیاورد شمع و بیامد به باغ<sup>۱۸</sup>

۱- ف: زنگار ۲- ل: برانود از قیر چهر؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳- س، س: (نیز ق، ب، و، ل، ب): نمود؛ متن = ف، ل، ل: (نیز ل، ل، ل، آ): ۴- ل: پیر ۵- ل، س، س: (نیز ل، ب): بچشم؛ متن = ف، ل، ل: ق: زهر سو نموده بدشت؛ در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۶- در س: ل، ت های این بیت پس و پیش شده است؛ لغت فرس، ص ۱۲؛ لغت دری، ص ۴۷ ۷- ل، س، ق، س: (نیز ل، ل، ب، ل، ب): گشت؛ ل: کرده؛ (ل، و: بود)؛ متن = ف (نیز ق): ۸- ق: از درخت نار (!) ۹- ل، ق: فروماند ۱۰- ق: تو گفתי که خورشید شد ست پای؛ بیت های ۱۰-۱۲ در برخی از دستنویس ها درهم ریخته اند، ف: ۱۱، ۱۲، ۱۰، ق، ل، آ: ۱۱، ۱۰، ۱۲؛ پایی بیت های متن = ل، س، ل، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱- س: زمین ۱۲- ق: بخون ۱۳- ف: زمین را دل از؛ ل: جهان از دل؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز ل، ب) ۱۴- ف (نیز ل): مردم؛ متن = ل، س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۵- ل: و ۱۶- ل، ق: شب دیر یاز؛ ل: زمان دراز؛ متن = ف، س، س: (نیز ل، ب) ۱۷- ق: بدل؛ س: از آن ۱۸- ل: برفت آن بت مهربانم ز باغ؛ ق: بگفتا که از شمع و شمرت نباید فراغ (وزن ندارد)؛ ل: بیامد بت مهربان سوی باغ؛ متن = ف، س، س: (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب): بیت های ۱۶-۲۳ در دستنویس ها سخت درهم ریخته اند و بیشتر دستنویس ها شمار بزرگی بست های افزوده دارند و ما در تصحیح این بخش از ضبط س، ل، ل، بیروی کردیم؛ ق پس از بیت ۱۶ افزوده است:

بگفتم نیاید می خواب من  
 چنین گفت بر خیز و دلشاد کن  
 بماندیشه از خوشتن  
 نگر تا نداری دلت را تباه  
 روان را ز درد و غم آزاد کن  
 جهان چون گذاری می بگذرد  
 بماندیشه از داد فریاد خواه  
 سرانجام ما را می بشکرد

ق پس از بیت های بالا و ف، ل، ل: (نیز ل، ق، ل، ب، و، ل، آ) پس از بیت ۱۶ یا بیت ۱۸ افزوده اند:

بدو گفتم ای بت (ف: مه) نیم مرد خواب

بیاور یکی شمع (ل، ق، ل، و، آ: یکی شمع پیش آر) چون آفتاب

بسه پیشه (ف: پیشه نه) و بزه را ساز کن

به چنگ آر چنگ و می آغاز کن

س، س: (نیز ل، ب) این بیت ها را ندارند؛ ل، ق، ل: (نیز ق، ل، ب، و، ل، آ) پس از بیت های بالا یک بیت دیگر هم افزوده اند:

برفت آن بت مهربانم ز باغ (ل: بیاورد شمع و بیامد باغ)

بیاورد (ل: برافروخت) رخشنده شمع و چراغ

ف، س، س: (نیز ل، ب) این بیت را ندارند

می آورد و<sup>۱</sup> نار و تریج<sup>۲</sup> و بهی  
 مرا گفت شمعت چه باید همی؟  
 بیمای می<sup>۳</sup> تا یکی داستان  
 پُر از چاره و مهر و نیرنگ و جنگ<sup>۴</sup>  
 ۲۰ بدان سرو بُن گفتم: ای ماه روی  
 زدوده یکی جام شاهنشهی  
 شب تیره خوابت نیاید همی؟<sup>۵</sup>  
 ز دفترت برخوانم<sup>۶</sup> از باستان  
 همه از در مرد فرهنگ و سنگ  
 مرا امشب این داستان<sup>۷</sup> بازگویی

۱- ل: می سرخ و ۲- ف: نارنج و سبب؛ متن = ل، س، ۲ (نیز لن-ب)؛ ل پس از بیت ۱۷ افزوده است:

مرا گفت برخیز و دل شاد دار  
 ز اندیشه و داد فریادخواه  
 جهان چون گذاری می بگذرد  
 خردمند مردم چرا غم خورد

ل پس از بیت های بالا و ف، ق، ل (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ) پس از بیت ۱۷ افزوده اند:

گاهی می گارید و گه چنگ ساخت  
 تو گفتی که (ل: ز) هاروت نیرنگ ساخت

س، س (نیز ل، و، ب) این بیت ها را ندارند؛ بنداری (۱۵-۱۷): فصحت بالغلام و قلت: قد طال الظلام، و شرد عن عینی المنام. فقم و أشعل الشمعة و هب! المجلس و أحضر الشراب و استنطق الجنک و الریاب. فقام و النعاس یرتق فی عینیه، و الترف یمیل بعطفیه. و جاء بشمعة کالذهب علی رأسها تاج من اللهب. ثم جاء برحیق، و رمان کصر عقیق، و سفرجل کانه سر حیب، و أترج کانه یفوح عن مسک سحیق و عنبر فتیق. فقعده بین یدئق ینقر الجنک و یترنم، و یقینی اللدائم و یزمرم ۳- ف، ق این بیت را ندارند و در برخی از دستنویس ها پس از بیت ۱۶ یا پایین تر آمده است؛ پایایی بیت های متن = س، س (نیز ل، ب)؛ ف، ق بجای بیت ۱۸ و ل، ل (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ) پس از بیت ۱۸ یا پیش از آن افزوده اند:

دل بر همه کار پیروز کرد  
 که تاری شب خوشتر از (ل: ل) شبی چون رخ روز کرد  
 ل، ق: که بر من شب تیره نوروز (ق: چون روز) کرد

س، س (نیز ل، ب) این بیت را ندارند؛ ف پس از بیت بالا افزوده است:

من از بهر آن نامه خروان  
 چو آن ماه رخ دلبر نازنشوش  
 مرا گفت کنز کار بیژن خیر  
 شنیدی چه آمد به بیژن ز زن  
 ۵ بدو گفتم ای مایه نیکوی  
 مرا برر رسان از ره راستی  
 مرا گفت کاکنون مرا گوش کن  
 بدم در تفگر خلیده روان  
 مرا دید بسته درین کار هوش  
 چه داری تو ای خواجه نامور  
 ازین قصه ام داستانی بزن  
 اگر دانی این نامه خسروی  
 چو روی سخن را بیارستی  
 حدیث دگر کس فراموش کن

۴- ق: بگفتا بیمای (وزن ندارد) ۵- ق: زد دفتر بخوانمت؛ ل بیت های ۱۹ و ۲۰ را ندارد ۶- س: رنگ ۷- ل، ل (نیز ل، و، آ): یکی داستان امشب؛ ق: چگونه بدان داستان؛ متن = ف، س، س (نیز لن، ق، ل، ل، ب، لن، ب)؛ دوازده تا از دستنویس ها پس از این بیت، بیت هایی افزوده اند:

ف: منیژه کجا بود و بیژن چه کرد  
 ل: که دل گیرد از مهر او فتر و مهر  
 مرا مهربان یار بشنو چه گفت  
 بیمای می تا یکی داستان  
 پر از چاره و مهر و نیرنگ و جنگ  
 ۷ بگفتم بیار ای بت خوب چهر  
 ز نیک و بد چرخ ناسازگار  
 نگر تا نداری دل خویش تنگ  
 نداند کسی راه و سامان او  
 س: مگر طبع شوریده بگشاید  
 چه آمد به رویش ز تیمار و درد  
 بدو اندرون خیره ماند سپهر  
 از آن پس که با کاه گشتم جفت  
 بگویمت از گفته باستان (= ۱۹)  
 همان از در مرد فرهنگ و سنگ (= ۲۰)  
 بخوان داستان و بیارای مهر  
 که آرد بمرده ز هر گونه کار  
 نیایی ازو چند جویسی درنگ  
 نه پیدا بود درد و درمان او  
 شب تیره ز اندیشه خواب آیدم ←

مرا گفت: گر چون<sup>۱</sup> ز من بشنوی به شعر<sup>۲</sup> آری<sup>۳</sup> از دفتر پهلوی،  
 همت گویم و هم<sup>۴</sup> پذیرم سپاس کنون بشنو ای یار<sup>۵</sup> نیکی شناس:

### آغاز داستان<sup>۶</sup>

۲۵ چو کیخسرو آمد به کین خواستن ز توران زمین کم شد آن تاج<sup>۱</sup> و گاه  
 بیوست با شاه ایران سپهر زمانه چنان شد که بود از نخست  
 به جویی که یک روز بگذشت<sup>۱۳</sup> آب چو بهری ز گیتی بدو<sup>۱۴</sup> گشت راست  
 جهان ساز نو<sup>۷</sup> خواست<sup>۸</sup> آراستن برآمد به<sup>۱۰</sup> خورشید بر تخت<sup>۱۱</sup> شاه  
 بر آزادگان بر بگسترد مهر به آب وفا روی<sup>۱۲</sup> خسرو بشت  
 نازد خردمند ازو جای خواب که کین سیاوش همی بازخواست،

۱- ف: گرتو؛ ق: چون تو؛ ل: پس آنکه بگفت ار: متن = س. س. ب. ۲- س: بنظم ۳- ف: آرم (!): متن = ل- س: س: پس از بیت ۲۲ افزوده است:

بدو گفتم ای سرو پیراسته

زتو گشت طبع من آراسته

ل: پس از بیت ۲۲ افزوده است:

بگو ترا من یکی داستان  
 که چون گوشت از گفتم من یافت برخ  
 بگفتم بیار ای مه خوبچهر  
 مرا مهربان بار دیگر چه گفت  
 که هر چون ز تو بشنوم در بدر 5

۴- ل: بگویم بشعرو ۵- ل، س (نیز لن، ق، ل، ب): جفت؛ (ل: مرد)؛ ل (نیز ل، ب، و آ): ای مهربان یار (ب: جفت)؛ متن = ف، ق، س: ق، ل (نیز ل، ب، و لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بخواند آن بت مهربان داستان  
 به (ل: از) آغاز شعر اندرون گوش دار

بنداری (۱۸ - ۲۳): ثم قال: إن كنت لا تتام فأصغ الي حتى أقرأ عليك من الكتاب الفهلوی قصة لتنظمها. و كان یقرأ وأنا أنظم. ولما نظمت الحكایة قلت أربع سمك التي

واستمع شرح قصة خضت منها  
 رحديث كالدرا ألفت منه  
 في فنون غريبة الألوان  
 بين نظم القوت والرجان

۶- ق: آغاز داستان بیژن ۷- س، س، س (نیز ل، آ، ب): جهانرا ز نو: متن = ف، ل، ق، ل (نیز لن، ق، ل، ب، و لن) ۸- ف (نیز ق، ل، ب): ساخت (؟): متن = ل- س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۹- ل: تخت ۱۰- ف: جو: متن = ل- س (نیز ل- ب) ۱۱- ل، س: تاج: متن = ف، س، ق، ل (نیز لن- ب) ۱۲- س: تاج ۱۳- ق: بگذشت یک روز ۱۴- ل، ل، ل، ل: برو: س، ق، س: چو گیتی دو بهره (س: سراسر) براو (ق: بدو): متن = ف

→ ز تو طبع من گردد آراسته  
 ل: که بیدل ز مهرش شود فرومهر (!)  
 ای مهربان یار پیراسته  
 بدو اندرون خیره مانده سپهر

ل، ق، ل، ب- ب نیز برخی از این بیت ها و بیت های دیگری را دارند؛ ق، س، ل هیچک از این بیت ها را ندارند

۳۰ به بگمار بنشست یک روزا شاد  
 به دیبا<sup>۳</sup> بیاراسته گاه شاه<sup>۴</sup>  
 یکی جام یاقوت پُر<sup>۷</sup> می به چنگ  
 به رامش نشسته بزرگان<sup>۳۳</sup>  
 چو گودرز گشواد و فرهاد و گیو<sup>۹</sup>  
 ۳۵ شه نودران طوس لشکرشکن  
 همه باده‌ی خسروانی به دست  
 می اندر قدح چون عقیق<sup>۱۲</sup> یمن  
 پریچهرگان پیش خسرو به پای  
 همه بزمگه بوی و رنگ و نگار<sup>۱۶</sup>  
 ۴۰ ز<sup>۱۸</sup> پرده نذر آمد<sup>۱۹</sup> یکی پرده دار  
 که بر در به پایند<sup>۲۰</sup> ارمانیان<sup>۲۱</sup>  
 همی راه جویند نزدیک شاه  
 چو سالار هُشیار بشنید رفت  
 بگفت آنچه بشنید<sup>۲۶</sup> و فرمان گزید  
 ۴۵ به گش کرده دست وزمی<sup>۲۸</sup> رابه روی  
 که ای شاه پیروز جاوید زی!  
 ز شهری به داد آمده ستم دور

ز گردان لشکر همی کرد یاد<sup>۲</sup>  
 نهاده به سربر<sup>۵</sup> ز گوهر<sup>۶</sup> کلاه  
 دل و گوش داده به آوای چنگ  
 فریزر کاوس با گُشته<sup>۸</sup>  
 چو گرگین میلاد و شاپور نیو<sup>۱۰</sup>  
 چو زهام<sup>۱۱</sup> و چون بیژن رزم زن  
 همه پهلوانان خسروپرست  
 به پیش<sup>۱۳</sup> اندرون دسته<sup>۱۴</sup> نسترن  
 سر زلفشان بر سمن مُشک سای<sup>۱۵</sup>  
 کمر بسته بر<sup>۱۷</sup> پیش سالار بار  
 بنزدیک سالار شد هوشیار  
 سر مرز توران و ایرانیان<sup>۲۲</sup>  
 ز راه دراز آمده دادخواه<sup>۲۳</sup>  
 بر گاه<sup>۲۴</sup> خسرو خرامید<sup>۲۵</sup> تفت  
 به پیش اندرآوردشان<sup>۲۷</sup> چون سزید  
 سپردند<sup>۲۹</sup> زاری کنان پیش اوی،  
 که خود جاودان زندگی را سزی!  
 که ش<sup>۳۰</sup> ایران ازین سو و زآن سوش<sup>۳۱</sup> تور

۱-س. ق: یک روز بنشست ۲-ف: به گردان گردنکش آواز داد: (ب: ز لشکر همی کرد هر لحظه یاد): متن = ل-س<sup>۲</sup> (نیز لن-آ): در لغت دری، ص ۱۱۲ و لغت شهبانه، شماره ۳۱۳ این بیت چنین آمده است:

بگمار بنشست یک روز شاه  
 همی دون بزرگان ایران سپاه

۳-ل: درفشان ۴-س: تاج و گاه ۵-ق: سر بر نهاده ۶-ل: کبانی: (لی: آ: بزرگان): متن = ف. س. ق. ل. س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستویس دیگر) ۷-ل. ق. ل: نشسته بگاه اندرون: متن = ف. س. س<sup>۱</sup> (نیز لن. ق. ل. ب. ب) ۸-ف: کردهم: متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب) ۹-ق: فرهاد نیو ۱۰-ق: شاپور گیو ۱۱-ف. س. س<sup>۱</sup>: بهرام (?): (لن. لی. ب. لن: خرداد): متن = ل. ق. ل. (نیز ق. ل. و. ب) ۱۲-ف: عقیقین (!) ۱۳-ل: بدست ۱۴-ل (نیز ق<sup>۲</sup>): لاله و: متن = ف. س. ق. ل. س<sup>۱</sup> (نیز لن. ب) ۱۵-ق: سرشکن مشک سای: (لی: برچمن مشک سای): ف: تو گفتی بهشت گرد سزای: متن = ل. س. ل. س<sup>۱</sup> (نیز لن. ق. ل. ب) ۱۶-ف: جویران نگار: ل: بوی رنگ و بهار: (لی: بود بزد و نگار: ل: بوی رنگ و نگار: آ: بوی بزد و نگار): متن = س. ق. ل. س<sup>۱</sup> (نیز لن. ق. ل. ب. و. لن. ب) ۱۷-ق: در ۱۸-س. س<sup>۱</sup>: به ۱۹-ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب) پرده درآمد: متن = ف: پرده اندر آمد (ضخاک. بیت ۴۰) ۲۰-ل: پیانند ۲۱-ل: رزمانیان ۲۲-ل. س<sup>۱</sup>: ایران و تورانیان ۲۳-ف. ل: پس از این بیت افزوده اند:

بدو گفست خسرو که شوشان درآر  
 چو می داد خواهند بر در مدار

۲۴-ل: بنزدیک: س<sup>۱</sup>: بزرگ: ف: متن = ف. س. ل ۲۵-ل. س<sup>۱</sup>: خرامید و: ق این بیت را ندارد ۲۶-ل: بکرد آنچه گفتند ۲۷-س<sup>۱</sup>: پیرده درآوردشان ۲۸-ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب): زمین: متن = ف ۲۹-ل: برفتند: س<sup>۱</sup>: همی رفت ۳۰-ل. س. ق. ل: که: متن ← ۳۱-ق: از آن سوش: ل: سوی زان سوی: س: از آن سو وزین سوی: س<sup>۱</sup>: کزین سوی ایران و زان سوی: متن = ف



- کجا خان<sup>۱</sup> ارمانش خوانند به ناه<sup>۲</sup>  
 کانه<sup>۳</sup> زی ای شاه تا جاودان!  
 ۵۰ به هر هفت کشور توی<sup>۴</sup> شهریار  
 سر مرز توران در<sup>۵</sup> شهر ماست  
 سوی شهر ایران<sup>۶</sup> یکی بیشه بود  
 چه مایه بدو اندرون کشت و کار<sup>۷</sup>  
 چراگاه ما بود و فریاد ما  
 ۵۵ گراز آمد<sup>۸</sup> اکنون فزون از شمار  
 به دندان چوپیلان<sup>۹</sup>، به تن همچو کوه  
 هم از چارپای و هم از<sup>۱۰</sup> کِشتمند  
 درختان که کشتن<sup>۱۱</sup> ندارم یاد  
 نیاید به دندانشان سنگ سخت
- ۶۰ چو بشنید گفتار فریادخواه  
 بریشان ببخشود خسرو به درد<sup>۱۲</sup>  
 کزین<sup>۱۳</sup> نامداران و گردان من  
 شود سوی این<sup>۱۴</sup> بیشه‌ی خوک خورد،  
 ببرد سر این<sup>۱۵</sup> گرازان به تیغ؟
- و زارمانیان نزد خسرو پیام  
 به هر کشوری دسترس بر بدان!  
 ز هر بد تو باشی به هر شهر یار  
 و زیشان به ما بر چه مایه بلاست<sup>۱۶</sup>  
 که ما را از آن بیشه<sup>۱۷</sup> اندیشه بود  
 درخت بر آور همه میوه‌دار<sup>۱۸</sup>  
 ای<sup>۱۹</sup> شاه ایران<sup>۲۰</sup> بده داد ما!  
 گرفت آن همه بیشه و جویبار<sup>۲۱</sup>  
 و زیشان همه شهر ارمان<sup>۲۲</sup> ستوه  
 ازیشان به ما بر چه مایه گزند  
 به دندان به دو نیم<sup>۲۳</sup> کردند ساد<sup>۲۴</sup>  
 مگرمان به یک لخت<sup>۲۵</sup> برگشت بخت
- به درد دل اندر پیچید شاه  
 به گردان گردنکش آواز کرد<sup>۲۶</sup>  
 که جویدهمی نام بر<sup>۲۷</sup> انجمن،  
 به نام بزرگ و به ننگ و نبرد،  
 ندارم<sup>۲۸</sup> ازو گنج<sup>۲۹</sup> گوهر دریغ

۱-س: خوان ۲-ل، س، س: (نیز-لن، ب، لن، آ، ب): خوانند ناه: ق (نیزو): گویند ناه: ل: آن ده بدش: کل بنام: متن =  
 ۳-ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز-ل، ل-آ): که نوشه: (ق: انوشه): متن = ف (نیزق) ۴-س، ق، س، آ: تویی ۵-ف: تورانیان؛  
 س، س: (نیز، ل، ب): توران زمین؛ ل: سرافراز توران بر؛ متن = ل، ق (نیز هفت دستویس دیگر) ۶-س، س، آ: بیک روی از ایشان بمابر  
 بلاست؛ متن = ف، ل، ق، ل: (ل: ازیشان): بنداری: ان بلدنا علی رأس ممالک توران، ونحن قوه ضعفاء ۷-ف: ارمان: متن = ل، س، ق،  
 س: (نیز-ل، ب) ۸-ل (نیز-ل، ل، پ، و، لن، آ): بدان بیشه (= پیشه؟): متن = ف، س، ق، س: (نیزق، ل، آ، ب): ل: این بیت را  
 ندارد ۹-ل، س، ق (نیزق، و، ب): کشت زار؛ س: (نیز-ل، ل، ب، لن، آ): کشته زار؛ متن = ف، ل: (نیز، ل، آ) ۱۰-ف: فراوان همه  
 میوه‌دار؛ ق: برومند و هم میوه‌دار؛ س: برآور همیشه ببار؛ متن = ل، س، ل: (نیز-ل، ب): بنداری: و کانت لنا غیضة شجاء کثیرة التمار و  
 الزروع ۱۱-ل: توای ۱۲-ق: ازین ظله شاهان ۱۳-ق: [آمد] (وزن ندارد) ۱۴-ل، س: (نیز-ل، ل، ب، و، آ، ب):  
 مرغزار؛ متن = ف (نیزق، لن) ۱۵-س: پیل و ۱۶-ل، س: شده شهر ارمان: س: شد ارمانیان را؛ ق: شده خان ارمان: ل: شها  
 هست بر ما؛ متن = ف ۱۷-ل: چار پایان و هم؛ ق (نیزق): همان چار پای و همان؛ متن = ف، س، س: (نیز-ل، ل، ب، ب): ل: این بیت  
 را ندارد ۱۸-ف: درختان کبشه (؟): ل، ق (نیز، ل، و): درختان کشته؛ ل: در آن بوم کشته؛ (ق، معجم شاهنامه، ص ۲۸، لغت شاهنامه،  
 شماره ۱۳۸۹: درختان که کشته): متن = س، س، س: (نیز، ل، آ، ب) ۱۹-س: نیمه ۲۰-ف، ل، ل: (نیزق، ب): شاد؛ متن = س، ق،  
 س: (نیز-ل، ب): معجم شاهنامه، لغت شاهنامه: بیاغ اندرون جمله گشتند ساد؛ درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۱-ل (نیز-ل،  
 ق، ب): بیکباره؛ س، ق (نیز-ل، آ): بیکباره؛ متن = ف، ل، س، آ: داد ۲۲-س، س، آ: داد ۲۳-ل، س: (نیزق، ل، ل، و، آ، ب): که ای؛  
 متن = ف (نیز-ل، ب، لن، آ) ۲۴-ل: زین ۲۵-ل، ل، ل، س: آن؛ س: شوند سوی (!): متن = ف، ق ۲۶-ل، س، س، س: سران؛  
 متن = ف، ق، ل: ۲۷-ل: ندارم ۲۸-ق، ل: گنج و

یکی خوان<sup>۱</sup> زرین بفرمود شاه  
 ز هر گونه گوهر برو ریختند<sup>۴</sup>  
 ده اسپ آوردند زرین لگام  
 به دیبای رومی بیاراستند  
 چنین گفت پس شهریار زمین  
 که خرد به آرم من رنج خویش؟  
 کس از انجمن هیچ پاسخ نداد  
 نهاد از میان گوان پیش پای  
 که خرم بوا مین و مان تو!<sup>۱۲</sup>  
 من آیم به فرمان بدین<sup>۱۳</sup> کار پیش<sup>۱۴</sup>  
 چو بیژن چنین گفت گوی از کران  
 نخست آفرین کرد مر<sup>۱۶</sup> شاه را  
 به فرزند گفت: این جوانی چراست؟  
 جوان گرچه<sup>۱۸</sup> دانا بود با گهر<sup>۱۹</sup>  
 بد و نیک هر گونه باید کشید  
 به راهی که هرگز نرفتی مپوی

۶۵  
 ۷۰  
 ۷۵  
 ۸۰

که بنهاد گنجور<sup>۲</sup> بر<sup>۳</sup> پیشگاه  
 همه یک به دیگر برآمیختند<sup>۴</sup>  
 نهاده برو داغ کاوس نام<sup>۶</sup>  
 پس از<sup>۷</sup> انجمن نامور خواستند  
 که ای<sup>۸</sup> نامداران<sup>۹</sup> با آفرین،  
 و ز آنپس<sup>۱۰</sup> کند گنج من گنج خویش؟  
 مگر بیژن گوی قرح نژاد  
 ابر شاه کرد آفرین خدای<sup>۱۱</sup>  
 به گیتی پراکنده فرمان تو!  
 ز بهر تو دارم تن و جان خویش  
 نگه کرد و آن کارش آمد گران<sup>۱۵</sup>  
 به بیژن نمود آنگهی راه را  
 به نیروی<sup>۱۷</sup> خویش این گمانی چراست؟  
 ابی<sup>۲۰</sup> آزمایش نگیرد هنر  
 ز هر تلخ و شوری<sup>۲۱</sup> ببااید چشید  
 بر شاه خیره مهر آب روی<sup>۲۲</sup>

۱-ق: جام ۲-ل: گنجور بنهاد ۳-ل: س. ق. ل. (نیز لن-لن، ب): در: متن = ف. س. آ (نیز آ) ۴-ق: ریخته ۵-ق: برآمیخته؛ ل: بیامیختند ۶-ف: شاه (!) ۷-ل: ل. ل. بی: ز: متن = ف. س. ق. س. ۸-س: بدان ۹-ق. ل: پهلوانان؛ س پس از این بیت و س: بجای آن افزوده اند:

بدان نامداران چنین گفت شاه

۱۰-ل: از آنپس؛ س: پس آنکه ۱۱-ل: س پس از این بیت افزوده اند:

که حویندادی و (س: بجای تو جاوید) پیروز و شاد

سرت سبز باد و دلت پر ز داد

گرفتنه بدست اندرون جام می

۱۲-ل: که خرم بینو بود جان تو؛ ل: که یادا خوره مین و مان تو؛ س: که خره بزی تا بود جان تو؛ (لن، پ، لن): که جز نو میناد ایوان تو؛ ل: که خرم همیشه دل و جان تو؛ ل: و: منم گمش داده بفرمان تو؛ متن = ف. س: ق بجای این بیت و ل: پیش از آن افزوده اند:

که ای شاه بدهه من این کام تو

نجویم بگیتی (ل: بگیتی نجویم) بجز نام تو

۱۳-ل: این ۱۴-ل: بدین کار و فرمان من آیم به پیش ۱۵-ل: زبان ۱۶-ف: بر: متن = ل-س: (نیز لن-ب) ۱۷-ق. س: بیازوی؛ متن = ف. ل. س. ل. ۱۸-س. ل. س. ل. س: را چو: ق: ارچه؛ متن = ف. ل. ۱۹-ف. س. س. ل. (نیز لن، ق، پ، لن، ب):

نامور؛ متن = ل. ف. ل. (نیز لن، ل، و، آ) ۲۰-ل: آبا ۲۱-ق: شیرین؛ س: شور و تلخی؛ متن = ف. ل. س. ل. ۲۲-ل: س (نیز لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

نباید که گردی بدین روی زرد  
 تو گویی سرانشان بستم بگاز  
 گل زهر خیره چه بویی همی

بتنها که یارد چنین کار کرد  
 یکی بیشه پر خوک گردن فراز  
 تو یاده سخن چند (س: سخنها چه) گویی همی

- ز گفت پدر پس برآشفت<sup>۱</sup> سخت  
چنین گفت کای شاه پیروزگر  
تو این گفت‌های<sup>۴</sup> من اندر پذیر<sup>۵</sup>  
سر خوک را بگسلانم ز تن  
[چو بیژن چنین گفت شد شاه شاد  
۸۵ بدو<sup>۱۰</sup> گفت خسرو که ای پُرهنر  
کسی را کجا<sup>۱۲</sup> چون تو کهنر بود  
به گرگین میلاد گفت آنگهی  
تو با او برو تا سر آب بند
- ۹۰ از آنپس<sup>۱۶</sup> بسیچید بیژن به راه  
بیاورد گرگین میلاد را  
برفت از در شاه با یوز و باز  
همی رفت چون پیل<sup>۱۸</sup> کُفک افگنان<sup>۱۹</sup>  
ز چنگال یوزان همه دشت غرم  
۹۵ همه<sup>۲۲</sup> گردن گور خه<sup>۲۳</sup> کمند  
تذروان به چنگالی باز اندرون<sup>۲۵</sup>  
برینسان<sup>۲۶</sup> همی راه بگذاشتند
- جوانمرد هشیار بیدار بخت<sup>۲</sup>  
تو بر من به سستی گمانی<sup>۳</sup> مبر  
جوانم به کردار و هشیار پیر<sup>۶</sup>  
منم بیژن گوی لشکر شکن<sup>۷</sup>!  
برو<sup>۸</sup> آفرین کرد و فرمانش<sup>۹</sup> داد  
همیشه توی پیش هر بد<sup>۱۱</sup> سپر  
ز دشمن بترسد<sup>۱۳</sup> سبکسر بود  
که بیژن جوان و نداند<sup>۱۴</sup> رهی  
همش راهبر باش و<sup>۱۵</sup> هم یارمند
- کمر بست و بنهاد بر سر کلاه  
هم آواز<sup>۱۷</sup> ره را و فریاد را  
به نخچیر کردن به راه دراز  
سر گور و آهو ز تن برکنان  
دریده<sup>۲۰</sup> برو دل<sup>۲۱</sup>، پُر از داغ و گرم  
چه بیژن، چه طهمورت<sup>۲۴</sup> دیوبند  
چکان از هوا بر سمن برگ خون  
همه دشت<sup>۲۷</sup> را باغ پنداشتند

۱- س: بیژن آشفت ۲- (ل، آ: پیروز بخت): ل: جوان بود و هشیار و پیروز بخت: س، س: (نیز ب): جوان بود آن مرد هشیار بخت: ق: جوانم  
بگفتا و بیدار بخت: (ل، ن: جوانمرد بیدار هشیار بخت): متن = ف، ل: (نیز ق، ل، ب، و) ۳- س، س: گمانی بستی ۴- ل، س: (نیز ل، ق، ل، پ، ل، ن: آ): گفتا از: متر ← ۵- (آ: ایدر پذیر): س، ل: (نیز ب): گفتا را (ل: گفتی ها) زمین در پذیر: متن = ف، ق: (نیز ل، و) ۶- ل، ل: (نیز ل، ق، ل، ب، و، ل، ن: آ): جوانم ولیکن (ل: جوانست لیکن) باندیشه پیر: ق: اگر چه جوانم باندیشه پیر: س: جوانم  
هشیار و کردار پیر: متن = ف، س: (نیز ل، آ): رزم بازده رخ، بیت (۱۳۶۱) ۷- در ل لت های این بیت پس و پیش شده اند ۸- ق:  
بدو ۹- ل: پاسخش: متن = ل، س، ق، س: (نیز ل- ب): ف این بیت را ندارد ۱۰- ف: چنین: متن = ل- ل: س: (نیز ل- ب) ۱۱- ل- س: (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب): همیشه به پیش بدیها: متن = ف (نیز ل، ب، ل، ن) ۱۲- ف: که او: متن = ل- ل: س: (نیز ل- ب) ۱۳- ل: پرسد ۱۴- ل، س، ق: (نیز ل، ل، و، ل، ن: آ): بتوران نداند: ل، س: (نیز ل، پ، ب): نداند (ل: بدانند) بتوران:  
متن = ف (نیز ق): بنداری: و امر جرجین بن میلاد آن سیر فی صبحه، بسبب آن بیژن که یکن قد و طی تلک الدیار، و هو جاهل بخارمها و طرقها  
و شعابها ۱۵- ل: [و] ۱۶- ل، س: از آنجا: ق، ل، س: (نیز ل، ن، و، آ، ب): متن = ف (نیز ل، آ) ۱۷- س:  
هم آورد: س در اینجا سرنویس دارد: رفتن بیژن بتوران زمین جنگ گرازان ۱۸- س، ق، ل: شیر: متن = ف، ل، س: ۱۹- س، ق:  
کف افکنان: متن = ف، ل، ل، س: ۲۰- س، س: بریده: ل: درنده ۲۱- ف: دل و بره: ل: دل و دل: (ل: برویال) متن =  
ل، س، ق، س: (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۲- ق: همی ۲۳- ل، ل، ل: زخمه: س: (نیز ل، ل، ن: آ): و خه: متن = ف، س، ق: (نیز ل، ق، ل، پ، و، ب) ۲۴- ل: (نیز ق- ب): طهمورت: متن = ف، ل، س، س: (نیز ل) ۲۵- ق: بازان درون ۲۶- ل، ق:  
بدینسان ۲۷- ق، ل: راه

۱۰۰ چو بیژن به بیشه برافکند<sup>۱</sup> چشم  
 گرازان گرازان، نه آگاه ازین  
 به گرگین میلاد گفت: اندرآی  
 برو تا بنزدیک آن<sup>۲</sup> آبگیر  
 بدانگاه کر<sup>۳</sup> بیشه خیزد خروش  
 به بیژن چنین گفت گرگین گو  
 تو برداشتی گوهر<sup>۴</sup> و سم و زر  
 ۱۰۵ چو بیژن شنید این سخن خیره شد  
 به بیشه درآمد<sup>۵</sup> بکردار شیر  
 چو ابر<sup>۶</sup> بهاران<sup>۷</sup> بغرید<sup>۸</sup> سخت  
 برفت از پس خوک<sup>۹</sup> چون پیل<sup>۱۰</sup> مست  
 نجوشید جوشن بروبر<sup>۱۱</sup> ز خشم  
 که بیژن نهادهست بر بور<sup>۱۲</sup> زین  
 و گرنه ز یکسو<sup>۱۳</sup> پیرداز<sup>۱۴</sup> جای،  
 چو من با گراز اندرآیم به تیر،  
 تو بردار گرز و به جای آ<sup>۱۵</sup> هوش  
 که پیمان نه این بود با شاه نو<sup>۱۶</sup>  
 تو بستی مرین رزمگه را کمر  
 همه چشمش<sup>۱۷</sup> از روی<sup>۱۸</sup> او تیره شد  
 کمان را به زده کرد گرد<sup>۱۹</sup> دلیر  
 چو باران فروریخت<sup>۲۰</sup> برگ درخت<sup>۲۱</sup>  
 یکی خنجری آب داده به دست

۱-ق. س: درافکند ۲-ل (نیز ل): خوش بتن بره: ق: خوش بدل بره: (ق: خوشش بروبره: ل: جوشن بروبر): متن = ف. س. ل. س: (نیز ل. پ. ب) ۳-ف: تور (بور): س (نیز ق: ل. و. آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

رسیدند آنجا که آن بیشه بود  
 یکی هول آتش برافروختند  
 یکی جاه می داشتند آن زمان  
 بکردند او را با آتش کباب  
 گارنده باد گشت آن زمان  
 چو شد چیره بر هر دو تن مر شراب  
 بدو گفت بیژن که خواب نیست  
 که ما پیشه کار رسته کنیم

۴-ق: دگرگونه یکسو ۵-س: نگهدار ۶-س (نیز ب): هیدون برو تا دره درق، ل، س: (نیز ل، ل. پ. ب. ل. ن) این بیت با بیت  
 سپین پس و پیش شده‌اند؛ ف، ل (نیز ل. و. آ) پس از این بیت با پس از بیت سپین افزوده‌اند:

هر آنچه (ف: آنچه؛ ل، و. آ: آنکو) نباشد (ل، آ: نباشد) ز چنگم (ل: حکم) رها

بیک زخمه سرشان ز تن کن (ل، آ: از تن سرش کن؛ و: کن سرش از تن) جدا

۷-ل. س: (نیز ل. ب): بدانگه که از متن = ف ۸-ق: بزین آرزو و بدل دار ۹-ف پس از این بیت افزوده است:

چو بر گاه زر خسرو سرفراز  
ز شیران می خواست رزم گراز

۱۰-س: (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

کنون از من این یار مندی نخواه  
بجز آنک بنمایمت جایگاه

۱۱-ف: همه چشمه: ل: همی چشمش: س (نیز ل، پ، و، ل، ب): همان چشمش؛ متن = س ۱۲-ق. ل (نیز ق: ل، ل، آ): تو گفتی که  
 گیتی بره: س در اینجا سرنویس دارد: جنگ بیژن با گراز ۱۳-درآمد (اندرا آمد) ۱۴-ل. س، س: مرد؛ متن = ف، ق،  
 ل ۱۵-س: رعده ۱۶-ل: بهاری ۱۷-ل: بیارید؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز ل. ب) ۱۸-ل: فروریخت پیکان چو؛  
 متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز ل. ب) ۱۹-ق، ل، س: (نیز ل، ل، ل، آ): برگ از درخت؛ متن = ف، ل، س (نیز ق: ل، ل، پ، و. ب)؛  
 ف پس از این بیت افزوده است:

گراز اندر آمد زدشت و ز کوه  
نه یک یک که هر جای کرده گروه

۲۰-ف: دمان بیژن گیو؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز ل. ب): ل این بیت را ندارد؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بشد بر پی خوک نعره زنان  
فرو زنده آتش ز نوک سنان



دش را بیچید آهرمنا  
سیگالش چنین بُد، نبشته جزین<sup>۴</sup>  
هرآنکو<sup>۵</sup> به رهبر کند ژرف چاه  
ز بهر فروزی و از<sup>۶</sup> بهر نام  
۱۲۵  
بدا انداختن ساخت<sup>۲</sup> بر بیژنا  
نکرد ایچ یاد از جهان آفرین  
سزد گر نهد در بُن چاه گاه  
به راه جوان گسترانید<sup>۷</sup> دام

۱- ل: ز ۲- ل: کرد؛ ف پس از بیت ۱۲۳ افزوده است:

خجل شد ز نارفتن خود به جنگ  
س (نیزق، ل، و آ) پس از این بیت و ق، ل پس از بیت ۱۲۶ افزوده اند (ق بیت های ۱، ۳، ۵، ۱۴ و ل بیت های ۱۱، ۱۳، ۱۴ را ندارند):

زیفاره ترسید و ز نام و ننگ

نگر تا چه کرد او خود از بینی  
پس آنگاه گفت ای سوار گزین  
بدو گفت بیژن که کامت بجوی  
چرا کندی ای زادمرد جوان  
بگوی این ز بهر چه آید بکار  
که گیره من این را سراسر بزر  
بدان نام جوو بروز مصاف  
بخوی کند شاه زی من نگاه  
رخش زرد گشت و فرو برد ده  
مرو را بیفزاید این پایگاه  
بمردی سرش بر نریا بود  
بنزدیک آن خسرو کامکار  
چو دشمن بدین کار خرم شود  
شوه خوارتر من ز خاک زمین  
که بیژن در آن کشته آید کنون

بدل درگرفت آن زمان دشمنی  
دگر باره کردش برو آفرین  
پرسه ترا یک سخن راست گوی  
بگفتش که دندان این ریمانان  
بدین در چه جتی تو ای نامدار  
بگفتا بدان کندم ای پرهیز  
بدین گردن اسب بنده بلاف  
بدین بود جاه نزدیک شاه  
چو گرگین شنید این سخن شد دژه  
بگفت از بدینسان برد نزد شاه  
بدین کار زی شاه والا بود  
ازین روی باشد مرا زشت کار  
ازین نام من در جهان که شود  
ملامت کنندم همه کس بدین  
مرا چاره ای کرد باید کنون

5  
10  
15

ف، ل، س<sup>۱</sup> (نیزلن، ل، آ، پ، ل، ب) هیچک از این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۳- ل (نیزلن، و، ل، ن): نوشته؛ س<sup>۱</sup>: بود  
پیشه؛ متن = ف، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیزق، ل، ل، آ، ب) ۴- ق، س<sup>۱</sup>: چنین؛ در س، س<sup>۱</sup> این بیت با بیت سپین پس و پیش شده  
است ۵- ل- س<sup>۱</sup> (نیزلن- ل، و- ب): کسی کو؛ متن = ف، ف، س<sup>۱</sup> در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر مکر و حیلت ساختن  
گرگین میلاد با بیژن گوی؛ س<sup>۱</sup>: جنگ کردن گرگین با بیژن ۶- ل، ق، و ۷- ل، ق: جوان بر بگترده؛ متن = ف، س، س<sup>۱</sup>: ل<sup>۱</sup> این  
بیت را ندارد؛ ل، س (نیزق، ل، و آ) پس از بیت ۱۲۶، ل<sup>۱</sup> پس از بیت ۱۲۵ و ق در دنباله بیت های ۱۲۳ پ افزوده اند (ل، ق، ل<sup>۱</sup> بیت های ۳  
و ۴ را ندارند):

مرو را چه پیش آورید از جفا  
بخوی مرو او را فراوان ستود  
بدان شاد کامی به هامون شدند  
از آنپس که خوردند چندی کباب  
نشستنگه رود و می ساختند  
همه راست پنداشت گفتار او  
بگرگین نگه کرد بیژن یکی  
بدین گونه با خوک آهننگ من  
بگیتی ندیده چو تو جنگجوی  
چنین کار پیش تو دشوار نیست  
بسان یکی سرو آزاد گشت

نگر تا چه بد ساخت آن بیوفا  
بدو آن زمان مهربانی نمود  
از آن پیشه هر دو به بیرون شدند  
نشستند با یکدیگر در شراب  
چو از جنگ و کشتن پرداختند  
نبد بیژن آگه ز کردار او  
چو خوردند از آن سرخ می اندکی  
بدو گفت چون دیدی این جنگ من  
چنین داد پاسخ که ای شیرخوی  
بایران و توران ترا یار نیست  
دل بیژن از گفت او شاد گشت

س بجای بیت های ۸- ۱۱ افزوده است: ←

به بیژن چُنین گفت کای<sup>۱</sup> پهلوان  
 برآمد ترا این چُنین کار چند  
 کنون گفتی‌ها بگویم<sup>۲</sup> ترا  
 چه با رستم و گیو<sup>۳</sup> و با گُشته<sup>۴</sup>  
 ۱۳۰ چه مایه هنرها برین<sup>۵</sup> پهن‌دشت  
 کجا نام ما زآن<sup>۶</sup> برآمد بلند  
 یکی جشنگاهست از<sup>۷</sup> ایدر نه دور  
 یکی دشت بینی<sup>۸</sup> همه سبز و زرد  
 ۱۳۵ همه بیشه و باغ و آبِ روان  
 زمین پرنیان و هوا مُشک‌بوی  
 خم آورده<sup>۹</sup> از بار شاخ<sup>۱۰</sup> سمن  
 خرامان به گرد گلان<sup>۱۱</sup> بر<sup>۱۲</sup> تذرو

دلِ کارزار و خرد را روان<sup>۱</sup>،  
 به نیروی یزدان و بخت بلند  
 که من چند گه بوده‌ام ایدرا  
 چه با طوس نودر، چه با گَرْدَه‌م<sup>۲</sup>  
 که کردیم<sup>۳</sup> و گردون بر آن سربگشت<sup>۴</sup>  
 بنزدیک خسرو شدیم ارجمند<sup>۵</sup>  
 به دو روزه<sup>۶</sup> راه اندرآید به تور  
 کزو شاد گردد دل زادمرد<sup>۷</sup>  
 یکی جایگاه<sup>۸</sup> از درِ پهلوان  
 گلابست گویی مگر<sup>۹</sup> آبِ جوی  
 صنم<sup>۱۰</sup> گشته پالیز و گلبن شمن<sup>۱۱</sup>  
 خروشیدن<sup>۱۲</sup> بلبل از شاخِ سرو

۱- ل: پس ۲- ل: که ای نامور گرد روشن روان: (ل: دلیر و بزرگ و خرد راروان): متن = ف. ق. ل. س. (نیز لن. ق. ل. ب. ل. آ. ب)؛ س این بیت را ندارد ۳- ق: گفت‌ها بازگویم ۴- ف. ل. س. (نیز و): رستم نیو: متن = ل. س. ق (نیز هفت دستنویس دیگر): بنداری: وانی وصلت الیها مراراً مع رستم و طوس و کتبه و جیو و غیرهم من الأكابر ۵- ل. ل. س. (نیز ق. و): گزدهم (با سه نقطه): متن = ف. س. ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶- ل. ل. س. (نیز ق. و): گشته: متن = ف. س. ق (نیز هفت دستنویس دیگر): در ف نقطه ندارد، در س. ق. ب. با یک نقطه و در ل. ل. ب. ل. آ. با سه نقطه) ۷- س. ق. ل. س. (نیز ب. دین: متن = ف. ل. ل. ب. کردیم: سر: نمودیم ۹- ل. س. (نیز ق. و. ل. ب. و. ل. ن.): بر آن برگذشت: س. ل. (نیز ب.): بر آنسان گذشت: ق. بدان برگذشت: (ل. ن. بر آن نیز گشت: ل. بدو برگذشت: ل. بسر برگذشت: آ. برو برگذشت): متن = ف ۱۰- س. ل. ما را ۱۱- ل. شده ارجمند: س. بتغ و بنیزه بتیر و کمند ۱۲- ل. ز: ل. [از] ۱۳- ق. س. روز: ۱۴- س. یابی ۱۵- ل. زادمرد ۱۶- ل. جایگه ۱۷- ق. ل. همه: ل. س. ق. ل. (نیز ل. و. آ) پس از این بیت افزوده است:

ز عنبرش خاک و ز یاقوت سنگ هوا مشک‌بوی و زمین رنگ‌رنگ

ف. س. (نیز لن. ق. ل. ب. ل. آ. ب) این بیت را ندارند ۱۸- ق: آورد ۱۹- ف: باغ سرو: س. (نیز لن. ب. ل. ن.): باد شاخ: (ل. ب. باغ شاخ: آ. باد برگ): متن = ل. س. ق. ل. (نیز ق. ل. و) ۲۰- ل. (نیز ل. آ.): سمن ۲۱- ل. ل. (نیز ل. آ.): چمن: ق. و: (ب. و. ل. سمن): متن = ف. س. س. (نیز لن) ۲۲- ل. س. ق. ل. (نیز ق. ل. و. آ. ب.): گل اندر: متن = ف. س. (نیز لن. ل. ب) ۲۳- س. ز نابلدن

→ بدو گفت چون کردی این جنگ تو  
 دل بیژن از گفت او شاد گشت  
 بخوردند باده شادی همی  
 پس آنگاه گرگین به بیژن چه گفت  
 15 دل شاه ایران بتوشاد باد

ل: پس از بیت ۱۱ افزوده است:

بخوردند باده دوسه هر کی  
 و گرگین بدو آفرین در گرفت

ف. س. (نیز لن. ل. ب. ل. آ. ب) هیچک از این بیت‌ها را ندارند: بنداری (۱۲۰-۱۳۲): فوکب جرجین و دخل الغیضة خلفه حتی انتهى الیه. فلما رأى ما أبلاه فی قتل تنک السباع عظیم علیه صنعه، وحده علیه حتی حمله الحمد علی قصد اغتاله. ثم إنه أخذ يستحسن فعه ویندحه ویشی علیه ویصفه بالقوة والشجاعة والجرأة والشهامة. ثم خرجا من الغیضة وقعدا معا یتحدثان ویتذکبان. والحمد فی قلب جرجین بعد عمله

ازین پس کنون تا نه بس روزگار  
 ۱۴۰ پری چهره بینی همی<sup>۲</sup> دشت و کوه  
 منیژه کجا دختِ افراسیاب  
 ستاره سپهداردختِ گزین<sup>۵</sup>  
 همه دختِ ترکان<sup>۷</sup> پوشیده روی<sup>۸</sup>  
 همه رخ پُر از گل، همه چشمِ خواب  
 ۱۴۵ اگر ما بنزدیک آن جشنگاه  
 بگیریم ازیشان<sup>۱۴</sup> پری چهره چند  
 چو گرگین چنین گفت بیژن<sup>۱۷</sup> جوان  
 گهی نامِ جُست اندرین<sup>۱۹</sup>، گاه کام  
 برفتند هر دو به راه دراز  
 ۱۵۰ میان دو بیشه<sup>۲۲</sup> به یک روزه<sup>۲۳</sup> راه  
 بخنیدش آن<sup>۱۸</sup> گوهر پهلوان  
 جوان هم جوان وار برداشت گام<sup>۲۰</sup>  
 یکی آریشه، یکی<sup>۲۱</sup> کینه ساز  
 فرود آمد آن گرد آشکر پناه

۱- ل: [و]؛ س: آن چنان؛ ق: برین؛ س: آن برو؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup>  
 ۲- ل: س، ق، ل، س: پیر (ل: زهر) سوبشادی نشسته؛ متن = ف  
 ۳- ل: س، ق، ل، س: پیر (ل: زهر) سوبشادی نشسته؛ متن = ف، ق، س: ۵- س (نیز ب):  
 ستاده بهم دخت تور گزین؛ ل: (نیز و): ستاره زنج (و: زنده) پاک دخت گزین؛ س: ستاره نه همه تور دخت گزین؛ (ل: ب، ل: ب، ل: ب): ستاره دوده  
 دخت شاه زمین؛ ق: ستاره دهد نور دخت گزین؛ ل: بیاید بدان دشت دخت گزین؛ متن = ف: بنداری: قنطرب خیمه فی ارجائها، و تقو  
 مستمتعة بطیها ۶- س: همی با؛ ل: هوبیا؛ س: فراوان؛ متن = ف: ل: ق (نیز ل: آ) این بیت را ندارند ۷- ل: س، ق، س: (نیز ل: ب، ل: آ، ب): توران؛ متن = ف، ل: (نیز ل: ق، ل: ب، ل: ن) ۸- س، ق، ل: پاکبزه روی؛ متن = ف، ل: س: ۹- ل: سروبالا؛ ل: سرو قامت؛ متن = ف، س، ق، س: (نیز ل: ب) ۱۰- س: بشک و ۱۱- س: بانه (حرف هائی چهاره و پنجم نقطه ندارند) ۱۲- ف، ق: روزه؛ متن = ل، س، س: ۱۳- ل: شوه و بیایم ازو دستگاه؛ ف (نیز ل: آ) پس از این بیت افزوده اند:  
 کجا خیمه اوست در مرغزار بگردش کنیزان همه پیر (ل: آ: چون) نگار  
 ۱۴- ف: ازین سان؛ متن = ل، س، ق، س: (نیز ل: ب) ۱۵- ل: س، ق، س: (نیز ل: ل، ل: ب، ل: ب، ل: آ، ب): شوه؛ متن = ف (نیز ق: و) ۱۶- ق: شوه آنگهی نزد شاه بلند؛ ل: این بیت را ندارد ۱۷- ق: گفت و بیژن؛ ل: چوبشید گفتار گرگین ۱۸- ل: بچویشد آن؛ ق: بچویشد آن؛ ل: بخندید ازو؛ (ل: بچویشد از آن)؛ متن = ف، س، س: (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ س (نیز ل: آ) پس از این بیت افزوده اند:

چوبشید بیژن ز گرگین چنین  
 خورش آمد مرا و را سخنها چنان  
 بگفتا هلا هین بیا تاروه  
 ندانست کورا بدل هست کین  
 که بُدمر و رامبل نزد زندان  
 بدیدار آن جشن خیره شوه

بنداری: فأخذ قوله بقلب بیژن و منعه الترف و غیره الشباب عن التفضن لما أضمره جرجین من الداء الدفین. و كان مع ذلك شاباً مولعاً بالنساء شدید المیل الی مفاکهن ۱۹- ل: ق: اندران ۲۰- ف: جوان همچنان راست برداشت گام؛ ل: س: جوان هم جوان گرچه باشدش (ل: بردست) نام: (ل: ب، ل: ب، ل: ن): جوان بُد جوان وار برداشت گام؛ ق: جوان بود از مهر برداشت گام؛ ل: و، آ: جوان هر زمان نیز برداشت گام؛ ل: جوان اندر آن کار برگشت راه؛ ب: جوان هم جوان نیز میجست کدام؛ متن = ل، س، ق (ل: ب، ل: ن) ۲۱- ف: از جوانی، یکی؛ ل: از نوشته دگر؛ س: از بی بیشه (آ: آریشه؟ از نوشته؟) یک؛ ق، ل: (نیز و): از پیشه دگر؛ (ق: راست پشه یکی؛ ل: آ: از نوشته یکی)؛ متن = س: (نیز ل: ب، ل: ب، ل: ب، ل: ق، ل: و): آریشه از نوشته؟ ۲۲- س: چشمه ۲۳- ق: روز



بدان مرغزارانِ ارمان<sup>۱</sup> دو<sup>۲</sup> روز  
 چو دانست گرگین که آمد عروس  
 به بیژن پس آن<sup>۴</sup> داستان برگشاد  
 به گرگین چنین گفت پس بیژنا  
 ۱۵۵ شوه بزمگه را بینم ز دور  
 و ز آنجا بتام همانگه<sup>۷</sup> عنان  
 زیم آنگهی رای هشیارتر  
 به گنجور گفت: آن کلاه<sup>۱۱</sup> به زر  
 که روشن شدی<sup>۱۲</sup> ز آن<sup>۱۳</sup> همه بزمگاه  
 ۱۶۰ همان طوق کیخسرو و<sup>۱۵</sup> گوشوار  
 بپوشید رخشنده رومی قبای  
 نهادند بر پشت شبرنگ زین  
 همی شاد بودند با<sup>۳</sup> باز و یوز  
 همه دشت ازو شد چو چشم خروس،  
 و ز آن جشن و رامش همی<sup>۵</sup> کرد یاد  
 که من پیشتر سازم این رفتنا  
 که توران همی<sup>۶</sup> چون بسیچند سور  
 به گردن<sup>۸</sup> برآرم ز دوده سنان  
 شود دل<sup>۹</sup> ز دیدار بیدارتر  
 که در بزمگه بر نهادی<sup>۱۱</sup> به سر،  
 بیاور که ما را کنون بزم گاه<sup>۱۴</sup>  
 همان یاره ی گیو گوهرنگار  
 ز تاج اندر آویخت پر<sup>۱۶</sup> های  
 کمر خواست با پهلوانی نگین<sup>۱۷</sup>

۱- ف (به خطی دیگر): دلیران؛ ل: دو تن در؛ (لن: زمان تا)؛ متن = ل، س، ق، س (نیز ق: ب) ۲- ق: سه ۳- س: بودند شادان  
 ابا؛ س (نیز ق: ل، پ، و، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بیامد منبیره بدان گاه نیز	که بد دختر شاه بروی عزیز
بتوران زمین زن نبود همچنوی	ببالا و دیدار و فرهنگ اوی
بدون نازش جان افراسیاب	که افراسیابش و را بود باب
ابا صد کنیزک بدان پری	بیامد بدان جشن چون مشتری
5 چهل تا عماری مفرق بزر	بیاورد آن لعبت سبیمبر
فراوان خورش بد فراوان شراب	بسی جامه آوردش از بهر خواب
نشاند شادان بدان جایگاه	گشادند آن روی های چوماه

۴- ف: سر؛ (لی: مرآن: پ: پس این؛ آ: بر آن)؛ متن = ل-س (نیز لن، ق: ل، و، لن، ب) ۵- ل: بسی؛ س (نیز ب): رامشگهش؛ متن =  
 ف، ق، ل، س (نیز لن-آ) ۶- ل: ترکان همی؛ ل (نیز لن، پ، لن): تورانیان؛ (لی: تا توریان)؛ متن = ف، س، ق، س (نیز ق: ل، و، آ،  
 ب) ۷- ل: وزانجایگه پس بتام؛ س: وزانجایگه باز تا؛ متن = ف، س، ق، ل ۸- س، س (نیز لن، پ، لن، ب): گردون؛ متن = ف،  
 ل، ق، ل (نیز ق: ل، و، آ) ۹- ل: بد ۱۰- ل: گفتا کلاهی ۱۱- ل، ل، س (نیز لی، آ، ب): بر نهادم؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز لن، ق: لن)  
 ۱۲- س، ق: رخشان شود؛ ل، س: رخشان شدی؛ متن = ف، ل ۱۳- ل، ق، س (نیز لن-ب): زو؛  
 متن = ف، س، ل ۱۴- ل، ق (نیز ل، و، آ): کنونست گاه؛ س (نیز ب): که آمد کنون رزمگاه (ب: بزمگاه)؛ متن = ف، ل، س  
 ۱۵- ل: [و]؛ س: بجای این بیت و س (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:  
 بیاورد گنجور چونانک (س: چیزی که) گفت

ببر بیژن پهلوان از نرفت

ف، ل، ق، ل (نیز ق: ل، و) این بیت را ندارند؛ بنداری: ولیس ثیاب الوشی و تمنطق بمنطقه الذهب و وضع علی رأسه تاجا کان یلبه فی مجالس  
 الأئیس، فتوجه نحو المکان کالقمر الأزهیر ۱۶- ل، س، ل، س (نیز ق: ب): فر: متن = ف، ق (نیز لی، پ، و، لن، آ) ۱۷- ق: با  
 خسروانی نگین؛ ل: آن پهلوان گزین؛ متن = ف، ل، س، س؛ س پس از این بیت افزوده است:

به اسب اندر آورد پای و برفت

خرامان و یازان بدانجای تفت

بیامد به<sup>۱</sup> نزدیک آن پیشه شد  
 به زیر یکی سرو ب<sup>۲</sup> شد بلند  
 بنزدیک آن خیمه ی خوب چهر  
 همه دشت آوای<sup>۳</sup> رود و سرود  
 چ<sup>۴</sup> آن خوب چهره زخیمه به راه<sup>۵</sup>  
 به رخسارگان چون<sup>۶</sup> سُهیل یمن  
 کلاه جهان پهلوان<sup>۷</sup> بر سرش  
 به پرده<sup>۸</sup> درون دُخت پوشیده روی  
 فرستاد مر دایه<sup>۹</sup> را چون نوند  
 نگه کن که آن ماه دیدار کیست  
 پیرش<sup>۱۰</sup> که چون آمدی ایدرا؟  
 پری زاده یی گر<sup>۱۱</sup> سیاوخشیا<sup>۱۲</sup>؟  
 د<sup>۱۳</sup> کام جویش پ<sup>۱۴</sup> اندیشه شد  
 که تا ز آفتابش نیاید<sup>۱۵</sup> گزند  
 بیامد به دلش اندر آویخت<sup>۱۶</sup> مهر  
 روان را همی داد گفتی<sup>۱۷</sup> درود  
 بدید آن سهی قد پهلوسپاه<sup>۱۸</sup>،  
 بنفشه گرفته دو برگ<sup>۱۹</sup> سمن،  
 فروزان<sup>۲۰</sup> ز دیای رومی<sup>۲۱</sup> برش،  
 بجنید مهرش، نپوشید ازوی<sup>۲۲</sup>  
 که رو زیر<sup>۲۳</sup> آن شاخ سرو بلند،  
 سیاوش گمان<sup>۲۴</sup> که هست، از<sup>۲۵</sup> پرست  
 نیایی بدین جشنگاه<sup>۲۶</sup> اندرا؟  
 که دل هاد<sup>۲۷</sup> به<sup>۲۸</sup> مهرت همی بخشیا<sup>۲۹</sup>

- ۱- س. ق. س. : چو: متن = ف. ل. ل. ۲- ف. دل و کام خویش پر: س. دل و دیده شان پر ز: ل. ز کاه و دل خود در: (لن. ق. ل. ب. لن. دل از کام خویش پر (ل. به): ل. و. آ. دلش زان شنیده پر: ب. دل و کاه هر دو پر: متن = ل. ق. س. : س. پس از این بیت افزوده است:
- در آن بزمگه نبر یکی جای بود کجا جای دخت دلارای بود
- ۳- س. سرو رفتش ۴- ل. س. ق. (نیز لن. ب. لن. آ. ب): نیاشد: ل. نیابد: (و: نابد (حرف دوم و چهارم نقطه ندارند)): متن = ف. س. بیت های ۱۶۴ و ۱۶۵ را ندارد ۵- ل. اندر آویخت: متن = ف. س. ق. ل. (نیز لن. ب): س. پس از این بیت افزوده است:
- بیت اسب را اندر آن جایگاه همی کرد پنهان بدیشان نگاه  
 زندان دید چون لعبت قندهار بیازاسته همچو خرم بهار
- ۶- ل. ز آوای: س. آواز: ق. س. (نیز لن. ل. ب. لن. آ): از آوای: (ل. ز آواز): متن = ف. ل. (نیز ق. و. ب) ۷- س. ردان را همی داد تن را (!): برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند. ف. گفتار اندر آمدن بیژن برابر خیمه منیژه و دیدن منیژه او [را] و عاشق شدن و رفتن به خیم او و با او خلوت ساختن: ل. در رسیدن بیژن بنیژه دختر افراسیاب: س. آمدن دایه منیژه نزد بیژن و بردن او را... (?). ۸- س. ل. س. (نیز لن. ب): چو: متن = ف. ۹- ل. ق. منیژه جواز خیمه کردش نگاه ۱۰- ل. س. ق. (نیز ق. ل. ب): لشکر پناه: ل. س. (نیز لن. ل. ب. و لن. آ): رخ پهلوان سپاه: متن = ف. ۱۱- ل. درفشان بسان ۱۲- ل. بگرد ۱۳- ل. ق. ل. (نیز ق. ل. ل. آ): تبه پهلوان: س. س. (نیز ب): کیان پهلوان: متن = ف. (نیز لن. ب. و لن) ۱۴- ل. ق. ل. (نیز و): درفشان: متن = ف. س. س. (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۵- س. : چینی: س. پس از این بیت افزوده است:
- چو دیدش منیژه چنان روی او همان قد و بالا و آن موی او
- ۱۶- ف. خیمه: متن = ل. س. (نیز لن. ب) ۱۷- ف. نپوشید مهرش، بجنید ازوی: ل. ق. ل. بجنوشید مهرش دگر شد بخوی (ق. بیبوند اوی: ل. بدان خوب روی): س. (نیز ب): بجنید مهرش نپوشید (بیوشید) موی: س. (نیز لن. آ): بجنوشید مهرش نپوشید (بیوشید) روی (ق. ل. موی: ل. آ. ازوی): متن تصحیح قیاسی است (ه. ف): در س. پس از این بیت، بیت های ۱۶۹ و ۱۶۹ پ دوباره آمده اند و پس از آن افزوده است:
- بدل مهر آن پهلوان برگزید چو آن روی و آن موی او را بدید
- ۱۸- بنداری: و قائلت لدایتها ۱۹- ل. که شونزد ۲۰- ل. مگر یاب: ل. (نیز ق. ل. و): مگر زنده شد یا (ل. گر): ق. شد زنده یا خود: س. زنده شدست ار: (ل. زنده شده یا: آ. خود زنده شد یا): س. (نیز ب): سیاوخش زنده شدست ار: متن = ف. (نیز لن. ب. لن) ۲۱- ل. بگوش ۲۲- ل. بزمگاه ۲۳- ف. س. ق. ل. (نیز لن. ب): یا: متن = ل. س. ۲۴- ف. سیاوخش رد: ل. (نیز ل. م): سیاوشیا: متن = س. ق. ل. س. (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۵- س. (نیز ل. ب. لن. آ. ب): دل را ۲۶- ل. ز ۲۷- ل. (نیز ل. م): جوشیا: متن = س. ق. ل. س. (نیز هشت دستنویس دیگر): ف. که بر چهر تو ماه مهر آورد

- ۱۷۵      و گرا<sup>۱</sup> خاست اندر جهان رستخیز  
 که من سالیان تا بدین<sup>۲</sup> مرغزار  
 برین<sup>۳</sup> جشنگه<sup>۴</sup> بر ندیدیم<sup>۵</sup> کس  
 که بفروختی آتش مهر تیز؟  
 همی جشن سازم به هرنوبهار،  
 ترا دیدم ای سرو آزاد و<sup>۶</sup> بس
- ۱۸۰      چو دایه بر بیژن آمد فراز  
 پیام منیره به بیژن بگفت  
 چنین گفت خود کامه بیژن بدوی<sup>۸</sup>  
 سیاوش نیام، نز<sup>۱۰</sup> پر یزادگان  
 منم بیژن گیو، از<sup>۱۱</sup> ایران به جنگ  
 سرانسان بریدم، فگندم به راه  
 چو زین بزمگاه<sup>۱۵</sup> آگهی یافتم  
 مگر چهره ی دُخت افراسیاب  
 همی بینم این دشت آراسته  
 اگر نیک رایی کنی تاج زر  
 مرا سوی آن خوب چهر آوری<sup>۱۸</sup>
- ۱۸۵      چو بیژن چنین گفت شد دایه باز  
 به گوش منیره سرایید<sup>۲۰</sup> راز  
 برو آفرین کرد و بردش نماز  
 همه روی<sup>۷</sup> بیژن چو گل بر شکفت  
 که من ای فرستاده ی خوب روی<sup>۱</sup>،  
 از ایرانم از شهر آزادگان  
 به زخم<sup>۱۲</sup> گراز آمدم<sup>۱۳</sup> تیزچنگ<sup>۱۴</sup>  
 که دندان هاشان برم نزد شاه  
 سوی گیو<sup>۱۶</sup> گودرز نشتافتم<sup>۱۷</sup>  
 نماید مرا بختِ فتح به خواب  
 چو بتخانه ی چین پُر از خواسته  
 ترا بخشم و گوشوار و کمر  
 دلش با من ایدر<sup>۱۹</sup> به مهر آوری

۱- س: ویا؛ ل: مگر ۲- ل: اندرین ۳- س، ق، ل: بدین؛ متن = ف، ل، س ۴- ل: بزمگه ۵- ل: نبودست ۶- ف: مرد آزاد و؛ ل: سرو آزاده؛ ق، ل: (نیزق، ل، ل، و، آ): ماه دیدار؛ متن = س، س (نیزلن، پ، لن، آ، ب): ف (نیزق، ل، ل، و، لن، آ) پس از این بیت دو بیت و لن تنها بیت یکم را افزوده اند:

بگوش که تو مردمی با پری

برین (ل، ل: بدین) جشنگه بر همی بگذری (نگذری)

ندیدم چو تو هیچ ای (ل: هیچکس؛ و: هیچ گه) ماهروی

تو اکنون کدامی چه نامی (ق، ل، آ، و: چه نامی کدامی) بگویی

ل، س، ق، ل، س (نیز پ، ب) هیچیک از این بیت ها را و لن بیت دوم را ندارند ۷- ق: همان روی؛ س: دورخسار ۸- ف: به پاسخ چنین گفت لزان بدوی؛ ل: چنین پاسخ آورد بیژن بدوی؛ (ل: چنین داد بیژن جوابش بدوی)؛ متن = س، ق، ل، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۹- س: نیکخوی ۱۰- ل: نه ۱۱- ل: ز ۱۲- س: بچنگ؛ ق: بنزد ۱۳- س: آمده ۱۴- ل، ق (نیز ل): بی درنگ؛ متن = ف، س، ل، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۵- ل: جشنگاه؛ ق، ل: (نیزلن، ق، ل، ب، لن، آ): بزمگه؛ متن = ف، س، س (نیزل، و، ب) ۱۶- ق: گیو ۱۷- ل: بشتافتم (!): ل، س، ق (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بدین بزمگاه آمده ام (س، ل، آ: آمده من) فراز

بباده بسبار راه دراز

۱۸- س، ل: خوب چهره بری؛ متن = ف، ل، ق، س ۱۹- ق (نیزق، ل، ل، و، آ): ای بدون؛ ل: با دل من؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، پ، لن، آ، ب) ۲۰- س، ل، س (نیز ل، ل، و، لن، آ، ب): رسانید؛ ق: سراینده؛ متن = ف، ل (نیزلن، ق، ب)

<p>چنین<sup>۲</sup> آفریدش جهان آفرین          که ت<sup>۳</sup> آمد به دست آنج<sup>۴</sup> بردی گمان          بیفروزی<sup>۶</sup> این جان<sup>۷</sup> تاریک من          دل و گوش<sup>۱۰</sup> بیژن به پاسخ سرای<sup>۱۱</sup>          خرامید از آن<sup>۱۴</sup> سایه‌ی سرو بُن          پیاده همی<sup>۱۵</sup> گام زد بآرزوی          میانش به زرین کمر کرده بند          گشاد از میانش کیانی کمر          که با تو که آمد به جنگ از گوان<sup>۱۸</sup>؟          برنجانی<sup>۲۱</sup> ای خوب چهره به گرز؟          گرفتند از آن<sup>۲۴</sup> پس به خوردن شتاب          همی ساختند از گمانی فزون          ز بیگانه خانه<sup>۲۶</sup> پرداختند</p>	<p>۱۹۰ که رویش چنین است و بالا چنین          فرستاد پاسخ هم اندر زمان          گر<sup>۵</sup> آبی خرامان بنزدیک من          فرستاده آمد همین<sup>۸</sup> رهنمای<sup>۹</sup>          نماند آن زمان<sup>۱۲</sup> جایگاه<sup>۱۳</sup> سخن          ۱۹۵ سوی خیمه‌ی دُختِ آزاده خوی          به پرده نذر آمد<sup>۱۶</sup> چو سرو بلند          منیژه بیامد گرفتش به بر          پیرسیدش از راه و ز کاروان<sup>۱۷</sup>          چرا این<sup>۱۹</sup> چنین روی با فر و<sup>۲۰</sup> برز          ۲۰۰ بشتند پایش<sup>۲۲</sup> به مُشک و<sup>۲۳</sup> گلاب          نهادند خوان و خورش گونه گون          نشستگه<sup>۲۵</sup> رود و می ساختند</p>
--	---

۱- ل: [و] ۲- ف: چنان؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب)؛ ل، ق پس از بیت ۱۹۰ افزوده اند:

چو بشنید از دایه او این سخن بفرمود رفتن سوی (ق: بر) سروین

س (نیز ق، ل، و آ) پس از بیت ۱۹۰ افزوده اند:

بدایه بگفتم مرا مادری میاسای تا نزد منش آوری

۳- س: که ۴- ل: آنکه؛ س: آنک؛ ق: بچنگ آنچه؛ متن = ف، ل، س ۵- ف: که؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل-ب) ۶- ف (نیز و): کتی روشن؛ (پ، لن: برافروزی)؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، آ، ب) ۷- س: رای؛ س (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بیدار تو چشم (روی) روشن کنم (کم) برین (بدین) دشت و خرگاه گلشن کنم (کم)

۸- ق: همان؛ ل: همی؛ س: هم این ۹- س (نیز ب): هم اندر زمان ۱۰- ل: هوش ۱۱- س (نیز ب): نوان؛ ل این بیت را ندارد؛ س، س<sup>۱</sup> در اینجا سرنویس دارند، س: رفتن بیژن گیو بنزد منیژه دختر افراسیاب؛ س: گرفتار شدن بیژن ۱۲- ل: آنگهی؛ ل: این زمان ۱۳- ف (نیز ق): هیچ جای؛ (ل، آ: پایگاه)؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، آ، پ، و لن، ب) ۱۴- ل: زان ۱۵- ل: ابا دایه می ۱۶- ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب): پیرده درآمد؛ متن = ف: پیرده اندرآمد ۱۷- ل: ورنج دراز؛ ق (نیز ل، و آ): وز کار و ساز؛ ل: از کار و ز راه و ساز؛ متن = ف، س، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، آ، پ، لن، ب) ۱۸- ل، ق، ل (نیز ل، و آ): بچنگ گراز؛ (ل: ز جنگاوران)؛ متن = ف، س، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، آ، پ، لن، ب)؛ س پس از بیت ۱۹۸ افزوده است:

چرا این چنین روی و این قد و موی برنج آری ای خوب چهره بروی (۱۹۹)

ف پس از بیت ۱۹۸ و ل، س، س<sup>۱</sup> پس از بیت ۱۹۹ افزوده اند:

تو با این چنین روی و قد (ل، س: برز) کیان

چرا در (ل، س: از) کمر رنجه کردی (ل، س، س<sup>۱</sup>: داری) میان

ق، ل (نیز لن-ب) این بیت را ندارند ۱۹- ل: با ۲۰- ل: روی و بالا و؛ س، س<sup>۱</sup> (نیز لن): قد و این روی؛ ل (نیز ب، و): روی و این قد و؛ (لن: قد و این یال و؛ ق، ل، آ: روی و آن (این) فرو؛ ب: روی و بالای)؛ ق: بر و روی و این قد و؛ متن = ف ۲۱- س: برنج آری ۲۲- س: دستش ۲۳- ف: باب و؛ س: بروش؛ متن = ل، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب)؛ بنداری: بالمسک و ماء الورد ۲۴- ل: زان ۲۵- س: چونان خورده شد ۲۶- ل، ق (نیز ق، ل، و ب): خیمه؛ ل: مردم؛ س<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، لن): خرگه؛ (ل، آ: پرده)؛ متن = ف، س

پرستندگان ایستاده به پای  
 به دبا زمی<sup>۲</sup> کرده طاوس رنگ  
 ۲۰۵ چه از مشک و عنبر، چه یاقوت و زر  
 می سالخورده به جام بلور  
 سه روز و سه شب شاد بودند<sup>۶</sup> بهم  
 منیره<sup>۸</sup> چو بیژن دژ بروی ماند<sup>۹</sup>  
 چو هنگام رفتن فراز آمدش  
 ۲۱۰ بفرمود تا داروی هوش بر  
 عماری بسیجید<sup>۱۳</sup> رفتن به راه<sup>۱۴</sup>  
 ز یکسو<sup>۱۷</sup> نشستگه کام را  
 بگسترده کافور بر جای خواب  
 چُن<sup>۲۱</sup> آمد بنزدیک شهر اندرا<sup>۲۲</sup>  
 ۲۱۵ نهفته به کاخ اندر آمد به شب

ابا بربط و چنگ رومی سرای<sup>۱</sup>  
 ز دینار دیبا<sup>۲</sup> چو پشت پلنگ  
 سراپرده آراسته سر بر  
 بر آورد<sup>۴</sup> با بیژن گوی زور  
 گرفته برو خواب و مستی ستم<sup>۵</sup>  
 پرستندگان را بر خویش خواند<sup>۱۰</sup>  
 به دیدار بیژن نیاز آمدش<sup>۱۱</sup>  
 پرستنده آمیخت بر<sup>۱۲</sup> نوش بر  
 مرآن خفته را اندر<sup>۱۵</sup> جایگاه<sup>۱۶</sup>  
 دگر ساخته خواب و<sup>۱۸</sup> آرام را  
 همی ریخت<sup>۱۹</sup> بر چوب صندل گلاب<sup>۲۰</sup>  
 پیوشید بر خفته بر چادر<sup>۲۳</sup>  
 به بیگانگان هیچ نگشاد لب

۱-س (نیزب): رومی درای: ل: رامی سرای: ل، ق، س: (نیزلن-ب): چنگ و (و: چنگ) رامش سرای (س: گرای: ق: ل: قزای): متن =  
 ۲-ل-س: (نیزلن، ق: ل: ب، ل: ب): زمین: (ق: آ: بدینای چین): متن = ف (نیزو) ۳-ل (نیزلن، ل: ب، و: ل: آ): ز دینار  
 و دیبا؛ س، س: (نیزب): بدینار و درهم: ق (نیزق): بدینار و دیبا: ل: بدینار و گوهر: (ل: بدینار خرگاه): متن = ف ۴-ل، ق: بر آورده:  
 س: بر آورد؛ متن = ف، س، ل: ۵-ل (نیزلن): شور؛ متن = ف، س، ق، ل: س: (نیزق-ب) ۶-ل، س، ق، س: (نیزلن، ل: ب):  
 بوده: ل: با او؛ (ب: هر دو: آ: شادمانه): متن = ف (نیزق) ۷-ف: برو خواب و مستی گرفتیش (!) ستم: س (نیزب):  
 چه بیژن چه ظهمورث و شاه جم: متن = ل، ق، ل: س: (نیزلن-آ) ۸-ل: حیاره ۹-س: دید ۱۰-س:  
 دید (پس او ندارد): ل: منیره پرستندگان را بخواند: در ل، ق این بیت پس از بیت ۲۱۰ پ آمده است: ف پس از بیت ۲۰۸ افزوده  
 است:

بفرمود کوزا بخوابد پست

بدمشش بمالند خوش پای و دست

۱۱-س: این بیت را ندارد ۱۲-ل، س، ق، س: (نیزلن-ب): با: متن = ف، ل: ل، ق (نیزلن، آ) پس از بیت ۲۱۰ بیت زیر را و ل، ق پس  
 از آن بیت ۲۰۸ را افزوده اند:

بدادند مریبیزن گیورا

مران نبکدل نامور نیورا

س، س: (نیزلن-ب) پس از بیت ۲۱۰ (لی، آپس از بیت بالا) افزوده اند:

بدادند و چون خورد می گشت مت

ابر (لن: ابی) خویشتن (ق: همان خوردن و) سرش بنهاد پست (لی: آ: همانگه برو

خواب بگشود دست: و با این سرش باز بنهاد پست)

۱۳-ف: بسیجید و ۱۴-ل: بسیجید و بنمود راه ۱۵-ل، س، ق: اندران: متن = ف، ل: س: ۱۶-س:  
 خوابگاه ۱۷-ل: زیکرو: س: یکسو ۱۸-ل، س: جای: متن = ف، ق، ل: س: ۱۹-س: براندود ۲۰-س: بیداری  
 بیژنش بد شتاب (۲۱۳-ب - ۲۱۹-آ را انداخته و از ۲۱۳-آ و ۲۱۹-ب یک بیت ساخته است) ۲۱-ل، ق، ل: س: (نیزلن-ب): چو: متن =  
 ف ۲۲-ل: اندرای ۲۳-ل: چادرای: ق: ایما ماهروسی به باین بیا (۲۱۴-ب - ۲۱۸-آ را انداخته و از ۲۱۴-آ و ۲۱۸-ب یک بیت  
 ساخته است)

چو یکچند بیژن همی بُد به خواب<sup>۱</sup>      به بیداری بیژن آمد شتاب  
 چو بیدار شد بیژن و هوش یافت      نگار سمنبر در آغوش یافت،  
 به ایوان افراسیاب اندرا<sup>۲</sup>      همان ماهرویش به بالین برا<sup>۳</sup>،  
 پیچید بر خویشتن بیژنا<sup>۴</sup>      به یزدان بنالید از<sup>۵</sup> آهرمنا<sup>۶</sup>  
 چنین گفت کای کردگار ار مرا<sup>۷</sup>      رهایی نخواهد بُدن زایدرا<sup>۸</sup>،  
 ز گرگین تو خواهی<sup>۹</sup> مگر کین من      برو بشنوی درد و نفرین من  
 که او بُد بدین بد مرا<sup>۱۱</sup> رهنمون      همی<sup>۱۲</sup> خواند بر من هزاران<sup>۱۳</sup> فسون  
 منیژه بدو گفت: دل شاد دار!      همه کار نابوده را باد دار!  
 به مردان<sup>۱۴</sup> ز هر گونه کار آیدا<sup>۱۵</sup>      گهی بزم و گه کارزار آیدا<sup>۱۵</sup>  
 نهادند هر دو<sup>۱۶</sup> به خوردن سرا<sup>۱۷</sup>      که هم دار بُد پیش و هم منبرا<sup>۱۸</sup>  
 ز هر خرگهی<sup>۱۹</sup> گل رخی خواستند      به دیبای چینی<sup>۲۰</sup> بیاراستند  
 پرچهرگان<sup>۲۱</sup> رود برداشتند      به شادی همی<sup>۲۲</sup> روز بگذاشتند<sup>۲۳</sup>

### گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از کار منیژه و بیژن<sup>۲۴</sup>

۱- ل. س. (نیز لن. لن.): بیاراسته (لن. لن.): بیاراستند (اندرو (س. اندرون) جای خواب): (ق.): بیاراستندش یکی جای خواب: ل. و آ: بایوان بیاراستش جای خواب: ب: بیاراست نیکو یکی جای خواب): متن = ف (نیز ب): ل (نیز ل): این بیت را ندارند و س. ق در اینجا افتادگی دارند: ف. س. ل (نیز ق. ل. آ) پس از بیت ۲۱۶ افزوده‌اند:

بی‌آورد روغن مر او را بداد

جوان گشت در حال بیدار و (ل): گشت بیدار و فرخنده شاد (س. ق. ل. آ): که تا گشت بیدار و چشمش گشاد

ل. س. (نیز لن. ل. ب. و. لن. ب) این بیت را ندارند و ق در اینجا افتادگی دارد: ب. و بجای بیت بالا افزوده‌اند:

درافکنند داروی هوشش بگوش

بدان تا بجای آمدی هوش و توش

۲- ل: اندرای      ۳- ل (نیز ق): ابا ماهرخ سر ببالین برا (ل: برای): س. ق. ل. س. (نیز لن. ل. ب): ابا ماهروسی (ل: ماهرویان: ل. و: ماهرویش) بالین سرا: متن = ف      ۴- ف: خویشتن بر بدیده: متن = ل. س. (نیز لن. ب)      ۵- ق. ل (نیز لن. ق. ل. ب. لن.): پناهید: متن = ل. س. س. (نیز و. آ. ب)      ۶- ل: ز      ۷- ف: ز ایران و از دوستان بیاد کرد: (ل): که چون دید او کام اهرمنا)      ۸- ف: داد فرمائی پاک: س (نیز ل. ب): کردگار جهان: ق: کردگار از من: س (نیز لن. ل. لن. آ): کردگار مرا: (ب: کردگار مرا): متن = ل (نیز ق. و)      ۹- ل: زایدرای: (ل: بدن مان بجان): ف: مرا گر بتوران زمین است خاک: س (نیز ب): رهایی توده مر مرا زین بدان: متن = ق. ل. س. (نیز هفت دستنویس دیگر)      ۱۰- ق. ل: بخواهی      ۱۱- ل: بد مرا بر بدی      ۱۲- س: هو      ۱۳- ل: فراوان: س این بیت را ندارد      ۱۴- س: بمرده      ۱۵- ل: اوفتد      ۱۶- ق. ل (نیز ق. ل. و): از آنپس: متن = س. س. (نیز لن. ل. ب. لن. آ. ب)      ۱۷- ف: به خواب و بخوردن نهادند سر      ۱۸- ف: برین کرد یکچند گردون گذر: متن = س. ق. ل. س. (نیز لن. ب): ل این بیت را ندارد      ۱۹- س: خیمه      ۲۰- ل. س. (نیز ل. و. آ. ب): رومی: متن = ف (نیز لن. ق. ل. ب. لن.): در س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است      ۲۱- ف (نیز ل. آ): پرستندگان: متن = ل. س. ق. ل (نیز هفت دستنویس دیگر)      ۲۲- ل. س. ق: همه: متن = ف. ل      ۲۳- س: رود و می خواستند: س این بیت را ندارد      ۲۴- ف: گفتار اندر آگه شدن در بان و گفتن او پیش افراسیاب و آمدن کوسوز و گرفتن بیژن را و بردن: ل: آگاهی یافتن افراسیاب از کار منیژه و بیژن: س. س. آگاهی یافتن افراسیاب از حال بیژن (س: با منیژه): متن = ل

چو بگذشت یک روزگاران چُنین<sup>۱</sup>      پس آگاهی آمد به دربان ازین<sup>۲</sup>  
 نهفته همه کارها را بچُست<sup>۳</sup>      به زرفی نگه کرد کار از نخست  
 کسی کز گرافه سَخُن راندا      درختِ بلا را بچباندا  
 نگه کرد کو کیست و شهرش کجاست      بدین آمدن سوی توران چه خواست<sup>۴</sup>  
 بدانست و ترسان شده از جان خویش      شتابید<sup>۵</sup> نزدیک درمان خویش  
 جز آگاه کردن ندید ایچ رای      دوان<sup>۶</sup> از در<sup>۷</sup> پرده برداشت پای  
 بیامد بر شاه توران<sup>۸</sup> بگفت      که دخترت از<sup>۹</sup> ایران گزیده است جفت  
 جهانجوی کرد از جهاندار یاد      تو گفتی که بیدست هنگام باد<sup>۱۱</sup>  
 که را از پس پرده دختر بود      اگر تاج دارد بداختر بود<sup>۱۲</sup>  
 ز کار منیره به خیره بماند<sup>۱۳</sup>      قراخان سالار هُش را بخواند<sup>۱۴</sup>  
 بدو گفت: ازین<sup>۱۵</sup> کار ناباک زن      هُشیوار با من یکی رای زن!  
 چُنین داد پاسخ قراخان<sup>۱۶</sup> به شاه      که در کار هُشیوارتر کن نگاه!  
 اگر هست خود جای گفتار<sup>۱۷</sup> نیست      ولیکن شنیدن<sup>۱۸</sup> چو دیدار نیست<sup>۱۹</sup>  
 به گرسوز اندر یکی بنگرید      کز ایران چه دیدیم و خواهیم دید<sup>۲۰</sup>

۱- ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز و): یک چند گاه این چنن؛ (لن، پ، ل)؛ بیکروز گار اندرین؛ ل. آ: یک چند گاهی چنن؛ بیکروز گار این چنن؛ ل. آ: چو یک چند گاه اینچنین بگذرید؛ متن = ف ۲- ل: سخشان یکایک بدریان رسید ۳- ل. ل: کارشان بازجست؛ س. س: (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ): کارها (ق، ل، رازها) بازجست؛ متن = ف (نیز پ، ب): ق بیت های ۲۲۹-۲۳۱ را ندارد ۴- ل. س، س: (نیز لن، ل، پ، لن): چراست؛ متن = ف، ل (نیز ق، ل، و، آ) ۵- ل: ترسید ۶- ل: بیامد به ۷- (ل: سبک) ۸- ل. س، ق (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، آ): از پس؛ ل: تادر؛ متن = ف، س (نیز ل) ۹- ل: ترکان ۱۰- ل: دختت ز ۱۱- (لن، پ، لن): که شد هوش و توشش بباد؛ متن = ل- س (نیز ق، ل، و، آ، ب): ف این بیت را ندارد؛ س. س: (نیز لن، پ، لن، آ) پس از بیت ۲۳۵ افزوده اند: ز دیده برخ (لن، پ، لن): بدست از مژه خون مژگان برفت برآشفست و این داستان بازگفت بیت افزوده اند: که را (اگر) دختر آید بجای پسر به از گور داماد نباید بدر (س: بر) ف، ل، ق، ل (نیز و، ب) این بیت را ندارند ۱۲- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل- س (نیز لن، ب): ل، س، ق (نیز ل، و، آ) پس از این بیت افزوده اند: برآشفست و این داستان بازگفت ۱۳- ل: دلش خیره ماند؛ ف: دل شاه ازین کار خیره بماند؛ متن = س، ق، ل، س (نیز لن، ب) ۱۴- ل، ل، س (نیز ل، و، آ، ب): سالار را پیش خواند؛ ق: بیدار هُش را بخواند؛ (لن، ق، پ، لن): سالار هُش را بخواند؛ متن = ف، س ۱۵- ق: زین ۱۶- ل: قراخان چنن داد پاسخ؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ب) ۱۷- ف: گرین هست خود جای پیکار؛ متن = ل- س (نیز لن، ب) ۱۸- ف (نیز ق): شنیده؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ب) ۱۹- س: شنیدن مر این را سزاوار نیست؛ س، س (نیز لن، ل، ب، لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

چوپاسخ چنن یافت افراسیاب      ز گفت قراخان آمد شتاب

بنداری (۲۳۷- ۲۴۰): واستدعی السالار المعروف بقراخان، وقال: أشر علىّ برأیک في هذه الخیثه. فقال: الرأی أن تستكشف حتى تطلع علی حقیقه الحال ثم تری رأیک ۲۰- ف، ل: بزد دست و جامه زغم بردرید؛ (لن: تو گفتی میانش بخواهد برید)؛ متن = س، س: (نیز ق، ل، لن، ب): ل، ق (نیز ل، آ) این بیت را ندارند؛ بنداری: فالفت الی أخیه کرسیوز وقال: انظر مالقینا من ایران، و ما نلقاه من بعد؛ ف، ل (نیز ق، ل، آ) پس از بیت ۲۴۱ و ل، ق (نیز ل، آ) بجای بیت ۲۴۱ افزوده اند:

بکرسوز آنگاه گفتش (ق: آنگه بگفتش؛ ف، ل: سخن برگشاد و بگفتش) بدرد      پراز خون دل و دیده پراز آب زرد

س، س (نیز لن، ب، و، لن، آ، ب) این بیت را ندارند

زمانه چرا بندد این بندِ بد<sup>۱</sup> غم شهر ایران<sup>۲</sup> و فرزندِ بد<sup>۳</sup>  
 برو با سواران هشیار سر نگهدار مر کاخ را بام و در  
 نگر<sup>۴</sup> تا که بینی به کاخ اندر<sup>۵</sup> بند و کشانش بیار ایدر<sup>۶</sup>

۲۴۵ چو گرسوز آمد بنزدیک در از<sup>۷</sup> ایوان خروش آمد و نوش<sup>۸</sup> و خور  
 غریویدن<sup>۹</sup> چنگ و بانگ ریاب برآمد از<sup>۱۰</sup> ایوان افراسیاب  
 سواران گرفتند گرد اندرش چو سالار شد سوی<sup>۱۱</sup> بسته درش  
 سواران در و بام<sup>۱۲</sup> آن کاخ شاه گرفتند<sup>۱۳</sup> و هر سو بجستند<sup>۱۴</sup> راه  
 چو گرسوز آن کاخ در بسته دید می و غلغل<sup>۱۵</sup> نوش<sup>۱۶</sup> پیوسته دید،  
 ۲۵۰ بزد دست و بر کند بندش<sup>۱۷</sup> ز جای بخت از در اندر میان<sup>۱۸</sup> سرای،  
 بیامد بنزدیک آن خانه زود کجا پیشگه<sup>۱۹</sup> مرد بیگانه بود  
 ز در چون به بیژن برافگند چشم بخویشد جوشن برو بر<sup>۲۰</sup> ز خشم  
 در آن<sup>۲۱</sup> خانه سیصد پرستنده دید<sup>۲۲</sup> همه با ریاب و سرود و نپید<sup>۲۳</sup>  
 پیچید بر خویشتن بیژنا که چون<sup>۲۴</sup> رزم سازد<sup>۲۵</sup> برهنه تن<sup>۲۶</sup>؟

۱- ل (نیزب): من: ق: که گیتی چرا جوید این کار بد: (ق: ل: ۲: و: بکیتی کرا بد چنین روز بد: ل: آ: زمانه چرا گردد از بخت بد): متن = ف. س. ل: س: (نیزلن، ب. لن: ۱) ۲- س: ق: شهر یاران: متن ← ۳- ل (نیزب): من: (ق: و: خود: ل: غم کین ایران و فرزند خود): متن = ف. ل: س: (نیزلن، ل: ب. لن: آ) ۴- ف: بین: متن = ل- س: (نیزلن- ب) ۵- ف (نیزل: ۲): اندرون: متن ← ۶- ف (نیزل: ۲): بیاور برون: متن = ل- س: (نیز هشت دستویس دیگر): در ف پس از بیت ۲۴۴ بیت های ۲۴۳ و ۲۴۲ دوباره آمده اند و بیت ۲۴۲ چنین آمده است:

که جاء بر آید ازین بند بد غم کین ایران و فرزند بد  
 ۷- ق. ل: ز ۸- س: گبر ۹- ل: خروشدن ۱۰- ل- س: ز: متن = ف: س. ل: پس از این بیت افزوده اند:  
 س: در کاخ او را سواران شاه بستند و هر سو گرفتند راه (= ۲۴۸)  
 ل: بیامد بنزدیک آن خانه زود کجا بشته (۱) مرد بیگانه بود (= ۲۵۱)  
 ۱۱- ل: دیده در ل. ق این بیت پس از بیت ۲۴۹ آمده است: س پس از بیت ۲۴۷ افزوده است:

ببستند درها بران لشکرش گرفتند دیوار و باد و درش  
 ۱۲- ق: راه ۱۳- ل: نشند ۱۴- ل. ق (نیزلن، ب. لن: ب): بستند: ل: گرفتند: متن = ف (نیزل: ۲): س. س. س: این بیت را ندارند (= ۲۴۶ پ) ۱۵- ف. ل (نیزلن، ل: ب. لن: آ): غلغل و نوش: س: درو غلغل و بانک: ق: درو غلغل نوش: (ب: درون غلغل و بانک): متن = ل (نیز ق: ۱): و: س: این بیت را ندارد: در ل. ق پس از این بیت، بست ۲۴۷ آمده است ۱۶- ف: و بندش بکند او: متن = ل- س: (نیزلن- ب) ۱۷- ل: از میان در اندر: ل: از در آمد میان: ق: بناگه برست او میان: (ب: نخست اندر آمد میان): متن = ف، س. س: (نیزلن- آ) ۱۸- س، ق، س: (نیزلن، ل: ب- ب): اندر و: ل: پیش آن: متن = ف. ل (نیز ق: ۱: ل) ۱۹- ل. ق: خویش برگ بر: ل: و جوشی (جوشن) برو بر: (ق: ل: و: آ: خویش برو بر: ل: خویش بت در): متن = ف، س. س: (نیزلن، ب. لن: ۲) ۲۰- ق: بدان ۲۱- ل- س: (نیز ق: ۱: ل): بود: متن = ف (نیز هفت دستویس دیگر) ۲۲- ل. س. ق. ل (نیز ق: ۱: ل): نپید و سرود: س: نپید و رباب و سرود: متن = ف (نیز هفت دستویس دیگر): س پس از این بیت افزوده است:

و بیژن تشنه میان زنان بکف بر می سرخ شادی کنان  
 بنداری: فلقع الیاب و دخل فرای بیژن کائسرو ایسق حوالیه ثلاثه وصفه کالقمر الشارق ۲۳- ل: کجا: متن = ف، س. ق. ل: س: (نیز ل- ب) ۲۴- ل. س: سازد: متن = ف، ق. ل: س:



<p>همانا که برگشتم امروز هور که سر داد باید همی رایگان جز از ایزدم نیست فریادرس</p>	<p>۲۵۵ نه شبرنگ با من، نه رهوار<sup>۱</sup> بور کجا گیو<sup>۲</sup> گودرز کشوادگان به<sup>۳</sup> گیتی نبینم همی یار کس</p>
<p>یکی خنجری داشتی<sup>۶</sup> آبگون در خانه بگرفت و برگفت نام، سر پهلوانان و<sup>۷</sup> آزادگان همی سیر آمد تنش را ز سر<sup>۸</sup> نبیند کسی پشتم اندر<sup>۹</sup> گریز که با من بدین<sup>۱۱</sup> بخت بدساز کرد میان یلان پایگاه مرا - همیشه بشوم<sup>۱۳</sup> به خون چنگ را - بیرم فراوان سران را سرا<sup>۱۵</sup> بخوانم برو داستان، آوری<sup>۱۸</sup>! سزد گر به نیکی بوی<sup>۲۰</sup> رهنمون</p>	<p>همیشه به یک پای<sup>۵</sup> موزه درون بزد دست و خنجر کشید از نیام که من بیژنم پور کشوادگان ندرد کسی پوست بر من، مگر و گر خیزد اندر جهان رستخیز به گرسیوز آنگاه<sup>۱۰</sup> آواز کرد تو دانی نیاگان و شاه مرا اگر جنگ سازی و من<sup>۱۲</sup> جنگ را ز تورانیان من بدین خنجرا<sup>۱۴</sup> گرم<sup>۱۶</sup> نزد سالار توران<sup>۱۷</sup> بری تو خواهشگری کن مرا زو<sup>۱۹</sup> به خون</p>
<p>به جنگ اندرون تیزی<sup>۲۳</sup> چنگ اوی<sup>۲۲</sup> به خون ریختن دست شویده همی به خونی<sup>۲۴</sup> بدادش بسی پندها</p>	<p>نگه کرد گرسیوز<sup>۲۱</sup> آهنگ اوی<sup>۲۲</sup> بدانست کو راست گویده همی وفا کرد با او به سوگندها</p>

۱- ل: رهوار و؛ در س<sup>۲</sup> این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲- ل، ق: گیو و؛ س، س: گرز؛ متن = ف، ل: در، ق، ل: این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳- ل، س، ق، ل: ز؛ متن = ف، س: ۴- ل، س، س: بجز؛ متن = ف، ق، ل: ۵- ل- س: (نیز ل- ب): ساق: متن = ف ۶- ق: همی داشتی خنجری ۷- ل: [و] ۸- ف: سرش رازتن (پساوند ندارد)؛ ل، ق (نیز ل، ق، ل، ب، و، ل:): همی سیری آید تنش (لن، ب، تم) راز سر؛ س (نیرب): همی سیری آیدش از جان و سر؛ ل: که آید هم از خویشتن سیر سر؛ س: که سیری نماید تنش راز سر؛ متن تصحیح قیاسی است (ف) ۹- ف، ق، ل، ل: س: (نیز ل- ب، ل:، آ): پشت من در؛ متن = ل، س (نیز ب) ۱۰- س: آنگه وی ۱۱- ف: بدن (بدین؟ بدی؟)؛ س، ق (نیز ق، ل، آ، ب): چنین؛ س: (نیز ل، و، آ): بدی؛ متن = (لن، پ، ل:، ل، ل: این بیت را ندارند ۱۲- ل، س، س: سازید مر؛ ق (نیز ل، ل، ل، آ، ب): سازید من؛ ل: سازی تو من؛ (ق: جویند من؛ ب: چنگ سازید مر)؛ متن = ف ۱۳- ل: بشوم همیشه ۱۴- ف: من اکنون بدین خنجر آبگون؛ متن = ل- س: (نیز ل- ب) ۱۵- ق: هم اکنون سرانرا سرا؛ ف: برانم به توران زمین جوی خون؛ متن = ل، س، ل، س: (نیز ل- ب) ۱۶- ق: اگر ۱۷- ل: ترکان ۱۸- ف (نیز ق، و، آ): داستان پری؛ س: داستان داوری؛ (لن، پ، ل: برین داستان داوری؛ ل: بدو داستان داوری)؛ ل: بخون برو داستان آوری؛ ق: برو بخوانم این داستان پری؛ (ل: بدو باز گویم همه داوری)؛ متن = س، ل: (نیز ب: ل: بدو) ۱۹- ل: بخواهم ۲۰- ق: شوی؛ ل: کنی ۲۱- ل: نکرد ایچ کرسیوز؛ ل: از آن پس نکردند؛ متن = ف، س، ق، س: ۲۲- ل، س، او ۲۳- س: تیزی و؛ ل: چو دید آن چنان تیزی؛ ل: چو دیدند شیری (!)؛ س: که دیدند آن تیزی؛ متن = ف، ق (نیز ل، ل، ل، پ، آ، ب) ۲۴- س: بچری؛ س این بیت را ندارد

به پیمان جدا کرد ازوا خنجرا  
 یکایک بیستش<sup>۳</sup> بکردار یوز  
 چنین ست گردنده‌ی گوژپشت<sup>۵</sup>  
 چُن<sup>۷</sup> آمد بنزدیک شاه اندرا<sup>۸</sup> ۲۷۵  
 برو آفرین کرد کای شهریار  
 نه من بآرزو<sup>۱۲</sup> جُسم این<sup>۱۳</sup> پیشگاه<sup>۱۴</sup>  
 از ایران به جنگ گراز آمدم  
 ز بهر یکی باز گم‌بوده را  
 به زیر یکی سرو رفتم به خواب ۲۸۰  
 پری بیامد<sup>۱۹</sup> بگسترد پر  
 از<sup>۲۱</sup> اسپم جدا کرد و شد تا به راه  
 سواران پراکنده برگرد دشت

به چری<sup>۲</sup> کشیدش به بند اندرا  
 چه سود از<sup>۴</sup> هنرها چو برگشت روز  
 چو نرمش بسودی بیابی درشت<sup>۶</sup>  
 گو<sup>۹</sup> دست بسته برهنه‌سرا<sup>۱۰</sup>،  
 گر از من کنی راستی خواستار<sup>۱۱</sup>،  
 نبود اندرین کار کس را<sup>۱۵</sup> گناه  
 بدین<sup>۱۶</sup> بوم توران<sup>۱۷</sup> فراز آمدم  
 برانداختم مهین و<sup>۱۸</sup> دوده را  
 که تا سایه دارد مرا زآفتاب  
 مرا اندر<sup>۲۰</sup> آورد خفته به بر  
 که آمده‌می لشکر و دُخت شاه  
 چه مایه<sup>۲۲</sup> عَماری به من برگذشت

۱- ل، ق، زو ۲- ل، س: بخوی؛ متن = ف، ق، ل، س، ۳- ل، ق، ل، س: (نیزق، و): بیاورد بسته؛ (لن، پ، لن): سرآبای  
 (بش)؛ متن = ف، س (نیزلی، ل، آ، ب) ۴- ف: آن (ه‌از)؛ متن = ل، س: (نیزلن-ب): درق، ل، س: این بیت با بیت سپین پس و  
 پیش شده است؛ س (نیزق، ل، ل، آ، ب، لن، آ، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:  
 برانسان (بدانسان) بنزدیک افراسیاب

ببدرند رخ زرد و دیده پرآب

۵- ل: کردار این گوژپشت؛ (و: نداند کسی راز این گوژپشت)؛ متن = س، ق، ل، س: (نیزهشت دستویس دیگر) ۶- ل، ل، س: چو  
 نرمی بسودی (س: بسایی) بسایی (ل: بساوی) درشت؛ س، ق (نیزلن-ل-ب): چونرمش بسودی بیاید (لن، پ، و، لن: بسایی بیابی؛ ل، آ:  
 بسازی بیابی) درشت؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ف بجای بیت ۲۷۴ و س، و پس از آن افزوده‌اند:  
 چنین است گردنده کار جهان

که ماتم کند سورهم (س، و: را) در زمان (و: نهان)

برخی از دستویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، س، س: آوردن کرمیوز بیژن را بنزدیک (س: نزد) افراسیاب؛ ق: گرفتن بیژن بدست کرمیوز و  
 بردن بنزد افراسیاب؛ ل: گرفتن بیژن و بردن نزد افراسیاب ۷- ف- ل: (نیزلن-ب): چو؛ متن = س، ۸- ل: چو آورد نزدیک شاه  
 اندرش ۹- ل: گوی ۱۰- ل: سرش؛ ق (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدو گفت شاه ای سگ زشت کیش  
 ترا نیست در تن رگ مردمی  
 ز آهرمنی نزنیاکان خویش  
 نژادت ز دیوست نزا آدمی

۱۱- ل، س، ق (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

بگوه ترا سربر داستان  
 چو گردی بگفتار همدستان

۱۲- ل: بآرزوی؛ س: نه برآرزو؛ متن = ف، ق، ل، س، ۱۳- ق: آن ۱۴- ل، ق: جشنگاه؛ ل: جایگاه؛ (ل، آ: بیشه گاه؛ ل، ب:  
 رزمگاه)؛ متن = ف، س، س: (نیزلن، ق، ب، و، لن) ۱۵- ل: جایگاه ۱۶- س: برین ۱۷- ل، س، ل، س: (نیزلن-ل، ب:  
 جشن توران؛ ق: جشنگاه زان؛ متن = ف ۱۸- ل: مهربان؛ (ل: خانه و؛ ب: من همه)؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیزهفت  
 دستویس دیگر)؛ س (نیزلی، آ، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

بماندم ز بس رنج و راه دراز  
 بدین جشنگه من رسیدم فراز

۱۹- ل: پری در بیامد؛ س (نیزق، و، ب): بیامد پری و؛ متن = ف، ق، ل، س: (نیزلن، ل، ب، لن) ۲۰- ق: ایدر؛ متن = ف، ل، س،  
 ل، س: (نیزلن-لن، ب) ۲۱- س، ق، ل، س: ز؛ متن = ف، ل، ۲۲- ف، س، س: (نیزلن، ق، لن، ب): فراوان؛ (ل، آ: زهر  
 سو)؛ متن = ل، ق (نیزل)؛ ل: بیت‌های ۲۸۳-۲۸۵ را ندارد

یکی چتر هندی<sup>۱</sup> برآمد<sup>۲</sup> ز دور  
 یکی عودِ عَمَّاری اندر میان<sup>۳</sup> ۲۸۵  
 بدو اندرون خفته بُتِ پیکری  
 پری یک‌بیک زاهرمن کرد یاد  
 مرا ناگهان در عَمَّاری نشاند  
 که تا اندر ایوان نیامد<sup>۴</sup> ز خواب  
 گناهی مرا اندرین بوده نیست ۲۹۰  
 پری بی گمان<sup>۱۱</sup> بخت برگشته بود

چُنین داد پاسخ پس افراسیاب  
 تو آتی کز ایران به تیغ<sup>۱۳</sup> و کمند  
 کنون چون زنان پیش من<sup>۱۵</sup> بسته دست  
 به کار<sup>۱۶</sup> دروغ آزمودن همی ۲۹۵

بدو گفت بیژن که ای شهریار  
 گرازان به دندان و شیران به چنگ  
 یلان هم به شمشیر و گرز و کمان<sup>۲۰</sup>  
 یکی دست بسته برهنه تن،  
 چگونه چخدا<sup>۲۱</sup> شیر بی چنگ تیز ۳۰۰  
 اگر شاه خواهد که بیند ز من

که روز<sup>۱۲</sup> بدت کرد بر تو شتاب  
 همی رزم جُستی و نام<sup>۱۴</sup> بلند  
 همی خواب گویی بکردار مست  
 بخواهی سر از من<sup>۱۷</sup> ربودن همی  
 سَخُن بشنو از من یکی هوشیار<sup>۱۸</sup>؛  
 توانند کردن به هر جای جنگ<sup>۱۹</sup>  
 توانند کوشید با بدگمان  
 یکی را ز پولاد پیراهنا،  
 اگر<sup>۲۲</sup> چند باشد دلش پرستیز  
 دلیری نمودن به هر<sup>۲۳</sup> انجمن،

۱- س (نیز ل، پ، ل، آ، ب)؛ توری؛ متن = ف، ل، ق، س (نیز ق، ل، آ، و) ۲- ف، س (نیز ب)؛ بیامد؛ متن = ل، ق، س (نیز ل، آ) ۳- ل، ق؛ زهر سو گرفته ۴- ل؛ یکی کرده از عود مهدی میان؛ ق؛ زعود قماری عماری میان؛ (ل، ن، آ)؛ یکی نوعماری بد اندر میان؛ ق، و؛ یکی هودجی ساخته در میان؛ ل، ل، آ؛ عماری یکی عودی (ل؛ حوری) اندر میان؛ متن = ف، س، س (نیز ب) ۵- س، س؛ چادر ۶- ل؛ بد ۷- ل؛ بیالین برش؛ ق؛ بیالین او؛ متن = ف، س، ل، س ۸- س؛ بیامد؛ ق این بیت را ندارد ۹- س؛ رسیدم ۱۰- ل، ق؛ (نیز ل، ل)؛ چشم کردم؛ (ل، آ؛ کرده چشم؛ ب، ل؛ چشم کرده)؛ ل؛ نجیبدم این چشم کرده؛ س؛ نجیبدم و دیده کردم؛ متن = ف (نیز ق، و)؛ س؛ این بیت را ندارد ۱۱- ق؛ بی سخن؛ ل، س، ق (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:  
 چنین بد که گفته کم و بیش نه      مرا ای دراکشون کس و خویش نه  
 ۱۲- ل، ق، س (نیز ل، آ)؛ بخت؛ متن = ف، س، ل (نیز ل، ق، ب، و، ل، ب) ۱۳- س؛ گرز ۱۴- ل، س، ق، ل (نیز ل، ل-آ)؛ بنام؛ متن = ف، س (نیز ق، ب) ۱۵- ل، س؛ پیش من چون زنان ۱۶- س؛ بیگفت ۱۷- ق؛ زم زم سر؛ س؛ سر از تن (من) بخواهی ۱۸- ق؛ هوش دار؛ ل؛ گوش دار؛ متن = ف، ل، س، س ۱۹- نیز لغت دری، ص ۱۱۰ ۲۰- س؛ تبر و کمان؛ ل، س؛ گرز گران؛ متن = ف، ل؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- ل، س (نیز ب)؛ کند (!)؛ (ق؛ درد؛ ل؛ چکد (!)؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ل، و، ل، آ) ۲۲- س؛ وگر ۲۳- ل، س، ل، س (نیز ل، ق، و، ل، ب)؛ بدین؛ (ب؛ برین؛ ل؛ باین)؛ متن = ف، ق (نیز آ)

ز توران<sup>۱</sup> گزین کن<sup>۲</sup> هزاران سران،  
اگر زنده مانم به مردم مدار!

برو برفگند و برآورد<sup>۶</sup> خشم  
کز ایران چه دید و چه خواهیم دید<sup>۷</sup>  
فزونی سیگالدهمی بر منا  
همی<sup>۱۳</sup> رزم جوید به ننگ و نبرد  
هم اندر زمان زو پرداز جای  
که باشد ز هر سو بربر گذر<sup>۱۴</sup>  
و زو<sup>۱۵</sup> نیز با من مگردان سخن  
نیارد به توران<sup>۱۶</sup> نگه کرد کس

دل از درد خسته، دو دیده پُر آب  
ز خون مژه پای مانده به گِا،  
نشته ست<sup>۱۸</sup> مردن به بدر روزگار،  
ز گردانِ ایران بترسم همی<sup>۲۰</sup> (؟)  
ز<sup>۲۲</sup> ناخسته<sup>۲۳</sup> بر دار کرده<sup>۲۴</sup> تنم  
پس از مرگ بر من بود سرزنش

یکی اسپ فرمای و گزری گران  
به آوردگه<sup>۳</sup> بر یکی زآن<sup>۴</sup> هزار

چو از بیژن<sup>۵</sup> این گفته بشنید، چشم  
به گرسوز اندر<sup>۶</sup> یکی بنگرید<sup>۷</sup>  
نیبی که<sup>۱۰</sup> این بدگوش<sup>۱۱</sup> ریما  
بسند نه بودش همین<sup>۱۲</sup> بد که کرد  
بر همچین بند بر دست و پای  
بفرمای داری زدن پیش در  
نگون بخت را زنده بر دار کن  
بدان تاز ایرانیان زین سپس

کشیدندش از پیش افراسیاب  
چو آمد به در بیژن خسته دل  
همی گفت<sup>۱۷</sup>: اگر بر سرم کردگار  
ز دار و ز کشتن نترسم<sup>۱۹</sup> همی  
که نامرد خواند مرا<sup>۲۱</sup> دشمن  
به<sup>۲۵</sup> پیش نیاگان خسرو منش<sup>۲۶</sup>

۱- ل: ترکان؛ س: گردان ۲- ل: گزین کن ز توران ۳- ف، ق: (نیز، ل، ل، ل، ب): گز (؟)؛ متن = ل، س، ل، ل، س (نیز، ب، و) ۴- ل، س، ل: زین؛ متن = ف، ق، س ۵- ل: ز بیژن چو ۶- س: بربر بجوشید و آورد ۷- ف، س: (نیز، ب): آنگه؛ (لن: ایدر)؛ متن = ل، ق، ل، ل، س (نیز، ل، و آ) ۸- س: چنین گفت شاه؛ س: همی بنگرید ۹- ل، ق، ل: (نیز، ل، آ): چه دیدیم و خواهیم دید؛ (ل: چه دیدی چه خواهیم دید)؛ س: که شد روزگار ما را تباه؛ س (نیز، ل، ب): بدو گفت چون این سخنها شنید؛ (ق، و ب: کز ایرانیان ما چه خواهیم دید؛ ل: تو گفتی میانش بخواهد برید)؛ متن = ف ۱۰- ق: تو ۱۱- س: بدرگ؛ درق لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۲- ف: همان؛ (ل، آ: همی؛ ب: چنین)؛ متن = ل-س (نیز، ل، ق، ل، و لن، ب) ۱۳- ل: (نیز، ل، آ): که هم؛ (لن، ب، لن: کنون)؛ در ف این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ یایی بیت های متن = ل-س (نیز، ل، ب) ۱۴- ل، ق، ل: (نیز، ل، ق، ل، و لن، آ): برور رهگذر؛ س: بدو در گذر؛ (ب: بدو رهگذر؛ ل: برور زهر سو گذر)؛ س: بجایی که باشد زهر سو گذر؛ متن = ف (نیز، ب) ۱۵- ل: وزان ۱۶- س: بتوران نیارد ۱۷- ق: بگفت ۱۸- ل: نوشتت ۱۹- (و: نترسم)؛ ل: من از دار و کشتن نترسم؛ متن = ف، ل، س، ق، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۰- (ق: بیچم همی؛ ل: شدسم غمی؛ آ: توران بتفسم همی)؛ س، س (نیز، ل، ب): ازین (س، ل، ن: وزین) کار بر دل نیارد غمی؛ (لن: وز ایرانیان من بتفسم همی)؛ متن = ف، ل، ق، ل: (نیز، ل، ب، و: ف-پ مساوند ندارند)؛ س (نیز، ل، ب) پس از این بیت افزوده اند:

ز گردان ایران بترسم همی  
وز ایرانیان من بتفسم همی

۲۱- ف، ق: همی؛ متن = ل، س، ل، س (نیز، ل، ب) ۲۲- ق: چو ۲۳- س: ناسته ۲۴- ق: بینه ۲۵- س: ز ۲۶- ل، ق: (نیز، ب): پهلو منش؛ س (نیز، ل، و آ): برتر منش؛ متن = ف، س (نیز، ل، ب)؛ ل: این بیت را ندارد؛ در س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است

روانم بماند<sup>۱</sup> هم ایدر به پای<sup>۲</sup> ز شرم پدر چون شود<sup>۳</sup> باز جای

### گفتار اندر آمدن پیران بنزدیک افراسیاب<sup>۴</sup>

ببخشود یزدان جوانیش را بهم بر شکست آن گمانیش را<sup>۵</sup>

۱- ف: نیاید (!): متن = ل. س. ق. س. ۲ (نیز ل. ۲. پ. و. آ. ب) ۲- ل. ق (نیز ل. ۲): بجای (پس او نندارند): متن = ف. س. س. ۳ (نیز ق. ۱. پ. و. آ. ب) ۳- س. ۲: رود: ل. ۱ (نیز ل. ۱. ق. ۱. ل. ۱) این بیت را نندارند: ل. ق. س. ۲. ل. ۱ (نیز ل. ۱. ق. ۱. پ. و. ل. ۱. ب) پس از بیت ۳۱۸ یا ۳۱۷ یا ۳۱۶ افزوده اند (ل. ۲ بیت های یکم و دوم را ندارد):

دریغنا که شادان شود دشمنم

برآید همه کام دل روشنم (ق: بر تنم: س. ۱: ز ناکشته بردار کرده تنم)

دریغنا ز شاه و ز مردان نیسو (س. ۲: شه نشاه و دیدار گیو)

دریغنا که دورم ز دیدار (ق: ز ایران و) گیو (س. ۱: ز گردان نیسو)

ایا بباد بگذر بایران زمین

پیامی بر از من بشاه گزین (ق: زمین)

بگوش که بیژن سختی در است (ل. ۱: به بند اندرست)

چو آهو که در چنگ شیر نرست (ل. ۱. س. ۲: تنش را بچنگال بر اندرست)

۴- ف: گفتار اندر آمدن پیران بنزدیک افراسیاب و خواستن بیژن گیو را بخون و او را در چاه کردن: س. رسیدن پیران بنزد بیژن و احوال پرسیدن: ق: رسیدن پیران به بیژن در حالت آویختن او و رای زدن پیران با افراسیاب و نجس فرستادن بیژن: س. ۱: ببند کردن افراسیاب بیژن را بچاه: متن = آغاز ف ۵- س. پس از این بیت افزوده است:

برآمد بر بر نهاده کلاه

درین گفته بود او که پیران ز راه

س (نیز ل. آ) پس از بیت ۳۱۸ افزوده اند:

وزان پهلوانان بد راه من (!)

دریغنا جوانمردی و نام من

بماند بتیمار من ناتوان

دریغنا که باب من آن پهلوان

که ماندم اینجای خسته جگر

دریغنا که ایران ندارد خبر

دریغنا که دورم ز دیدار نیسو

دریغنا که آگه شود دشمنم

برآید همی کام دل بر من (!)

دریغنا که هم سال و یاران من

چو آگه شوند از غم و جان من

بدر دل آوخ که بریان شوند

چو بر حال من زار و گریان شوند

گر ایزد من بر بخشاید

تن رزم جویم نفرساید

ببخشد جهان آفرین بر تنم

شود زار و پیر خون تن دشمنم

ایا بباد بگذر بایران زمین

پیامی بر از من بشاه گزین

بگردان ایران رساند خبر

وز انجا بزابستان در بدر

بگودرز و گتیم و گیو دلیر

بطوس و فریبرز و رهام شیر

برستم رسان زود از من خبر

بدان تا ببندد بکیم کمر

بگوش که بیژن سختی درست

چو آهو که در چنگ شیر نرست

پدر را بگویی که ای هوشمند

گذشتم ز فرمان و گشتم نرند

بگودرز کشواد از من بگویی

که از کار گرگین بشد آب روی

مرا در بلایی فکنند او که کس

نبینم همی هیچ فریادرس

بگرگین بگو کای یل سمت رای

چه گویی تو با من بدیگر سرای

که من با تو مردی نمودم بسی

که هرگز نکردم کس با کسی

مکافات آن را بندی ساختی

بدهد بسلام در انداختی ←

۳۲۰ گنده همی کند جای درخت  
 چو پیران و یسه بدانجا رسید  
 یکی دار بر پای کرده بلند  
 ز ترکان پرسید کین دارا چیست؟  
 بدو گفت گرسیوزه: این بیژنست  
 بزده اسپ و آمد بر بیژنا  
 دو دست از پس پشت بسته چوسنگ  
 پرسید و گفتش که چون آمدی؟  
 همه<sup>۱</sup> داستان بیژن او را بگفت  
 ببخشد<sup>۱۱</sup> پیران و یسه بر او<sup>۱۲</sup>  
 بفرمود تا یک زمانش به دار  
 ۳۳۰

پدید آمد از دور پیران ز بخت  
 همه راه ترک کمر بسته دید  
 کمندی برو بسته<sup>۱</sup> چون<sup>۲</sup> پای وند<sup>۳</sup>  
 در شاه را از در دار کیست؟  
 از ایران، کجا شاه را دشمنست  
 جگر خسته دیدش برهنه تن  
 دهان خشک و رفته ز روی آب و رنگ<sup>۴</sup>  
 به توران<sup>۵</sup> همانا به خون آمدی  
 چنان چون رسیدش ز بدخواه جفت  
 فروریخت آب از دو دیده به روی<sup>۱۳</sup>  
 نکردند و گفتش: هم ایدر<sup>۱۴</sup> بدار!

۱- س. ق (نیزق، ل. آ. ب): فروخته؛ (ل: فرو بسته)؛ متن = ف. ل. ل. س. (نیزب. و) ۲- ق: بس ۳- ل. س. ل. س. (نیزق، ل. ل. ب. آ. ب): پای بند: ق: نای بند (!)؛ متن = ف (نیزو): ل. پس از این بیت دو بیت و ف تنها بیت یکم را افزوده اند (ق نیز این بیت ها را دارد):

قضا را چن (ل: چو) آمد بنزدش (ق: فراز آمد آنگه) وزیر

که می خواست (ق: می خواست) رفتن بنزد امیر

که پیران و یسه و را نامه بود

بباب سواری عجب رام (ق: کام) بود

۴- ق: کار: ل. س: بتورانیدان گفت این (س: کین) داره متن = ف. ل. س. ۵- ف: بگفتند او را که: متن = ل. س. (نیزلن-ب): بنداری: فسأل فأعلم بالخال: س (نیزلی، آ. ب) پس از بیت ۳۲۴ افزوده اند:

بسر گب و گبدرز کشوادگان

گزیین سواران و آزادگان

۶- س: براند ۷- س: سوی ۸- ل. ق (نیزب): ز رخساره رنگ: (لن. لن: ز رخ آب و رنگ): س (نیزب): و گشته دورخ آب رنگ: ل: نهاده بگردنش بر پاهنگ: متن = ف. س. (نیزق، ل. ل. و. آ) ۹- ل. ق. ل. س. (نیزلن. ق. ل. ب. لن. آ): از (ل: ز) ایران: متن = ف. س (نیزل، و): س (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده اند:

ز بهر چه پیموده راه دور

از ایران چرا آمدی سوی تور

۱۰- ل: همان: س (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده اند:

که بدباز گردد بدو ایزدی

که گرگین چه کردست با من بدی

۱۱- س: چوبشود ۱۲- ق: بدوی ۱۳- ل: آب دو دیده بجوی: ل: ز مرگان سرشکش فروشد بروی: متن = ف. س. ق. س. ۱۴- ف: و گفتند هم ایدر: ل. ل: و گفتا زمانی: س. ق (نیزلن. ل. ل. ب. آ. ب): و گفتا هم ایدر: متن = س. (نیزو، لن)

بگوه بگردان ز کردار تو

گمان تو این بُد که من کردار تو

ز جان و روانه تو ببریدیا

ز نامردی خویش ترمبیدیا

بمال دراز از تومی نگرود

کنون گسوجون حال من بشنود

بر آن انجمن خسته و زار شد

که بیژن بتوران گرفتار شد

نیارند گفتن ز بهرت مهان

۲۵ بریده کند نامت اندر جهان

ف (نیزل) هیچک از این بیت ها را ندارند

بدان تا<sup>۱</sup> بینم یکی روی شاه      غایم بدو<sup>۲</sup> اختر نیک خواه<sup>۳</sup>

به کاخ اندرون شد<sup>۴</sup> پرستارفش  
 پیاده دوان<sup>۵</sup> تا بنزدیک تخت<sup>۶</sup>  
 همی بود بر<sup>۷</sup> پیش تختش<sup>۸</sup> به پای  
 سپهدار دانست<sup>۹</sup> کز آرزوی  
 ۳۳۵ بخندید<sup>۱۰</sup> و گنتش<sup>۱۱</sup> چه خواهی بگوی  
 اگر زر خواهی و گر گوهر<sup>۱۲</sup>  
 ندارم دریغ از تو من گنج خویش  
 چو بشنید پیران خسرو پرست  
 ۳۴۰ که جاوید بادا ترا تخت جای<sup>۱۳</sup>  
 ز شاهان گیتی ستایش تراست  
 مرا هر چه<sup>۱۴</sup> باید ز<sup>۱۵</sup> بخت تو هست  
 مرا این نیاز<sup>۱۶</sup> از پی<sup>۱۷</sup> خویش نیست

۱-س: که تا من ۲-ف: برو: متن = ل-س (نیز لن-ب) ۳-ل: نیک و راه: س (نیز لن، و آ): نیک راه: متن = ف، ل، س، ق (نیز ق، ل، ب، ل، ب، ل، ب): س (نیز لن، ل): پس از این بیت افزوده اند (بیت سوه در ل، ب، آ نیز هست):

ز فرم آن پیران نبودش گزیر

بدو گفت کی پهلوان هژیر

بندارم او را هم بدون سپیدی

مگر بد شدش پهلوان رهنمای

بزداسب پیران و به برفت بر شاه توران خرامید گفت

۴-ل-س (نیز ق، ل، ل، ل، و لن، آ، ب): اندر آمد: متن = ف (نیز لن، ب) ۵-ق: شد ۶-س (نیز ب): چندان: ق: توان: ل: بسامد  
 دمان: متن = ف، ل، س (نیز لن، ق، ل، ل، ب، لن، آ) ۷-ق: شد بنزدیک شاه ۸-ق: بدو گفت نیکت بادا از راه ۹-ل، ل، س، ل (نیز ق، ب، ب، و ب): در: متن = ف، ق، س (نیز لن، ل، لن، آ) ۱۰-ف (نیز ق): خسرو: س: اوبر: متن = ل، س، ق، ل (نیز لن،

ل-ب) ۱۱-ف: نیک رای: ل، ل (نیز ل، ب): پاکیزه و رهنمای: متن = س، ق، س (نیز هفت دستویس دیگر) ۱۲-ل: سپید  
 بدانست: (ق: جهاندار دانست: ل، آ: شه ترک دانست): متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ل، ب، و لن، ب) ۱۳-ل-س (نیز لن،

ق، ل، ب، ب): پیران آزاده خوی: متن = ف ۱۴-س: پیرسید: متن = ف-ل (نیز لن-ب) ۱۵-س، ق، ل: گفتا: متن = ف، ل، س ۱۶-ل: گوهری ۱۷-س: اگر ۱۸-ل-س (نیز لن-ب): پادشاهی: متن = ف ۱۹-س، ق (نیز ق، ل، ب):

کشور، ل: لشکری: ل: هر کشور: متن = ف، س (نیز لن، ل، ب، و لن، آ) ۲۰-ل، ل: تخت و جای: س: گنج و تخت: متن = ف، ق، س ۲۱-ل، ق: میادا ز تخت تو بردخته جای: س: نیابد به تخت تو جز جای بخت: ل: نیابد بفر تو جز بخت و رای: متن = ف، س (نیز لن،

ب) ۲۲-س: نور و نمایش: ل: و پروین نمایش: س: گردان نمایش: (ق: تابان نمایش: ل، آ: گیتی نمایش: و تابان نمایش: ب: ق و نمایش): ل، ق: ز خورشید برتر نمایش: (لن، ل، ب، لن: ز خورشید تابان نمایش (ل: نمایش: لن: ستایش): متن =

ف ۲۳-ل: هرچ ۲۴-ل-س (نیز لن-ب): به: متن = ف ۲۵-ل، ق، ل: وز ۲۶-س: از  
 ایوان و مردان ۲۷-س: مرا حاجتی ۲۸-ل: ز در ۲۹-س: بلندگان: ل پس از این بیت و س پس از این بیت و س پس از

بیت ۳۴۵ افزوده اند:

بداند شهنشاه برتر منست      ستوده پسر کز بی سرزنش

من از پادشاهیت آبادما <sup>۱</sup>	بزرگان <sup>۲</sup> فرخنده بنیادما <sup>۳</sup>
همی غم خورم تا بدآرام <sup>۴</sup> من	نخبد <sup>۵</sup> کسی کم کند <sup>۶</sup> نام من (؟)
که من شاه را پیش ازین چند <sup>۷</sup> بار	همی دادمی <sup>۸</sup> پند بر چند کار <sup>۹</sup>
به فرمان <sup>۱۱</sup> من هیچ نامد فراز	بدو <sup>۱۱</sup> داشتم کارها دست باز
مکش گفتمت پور کاوس را	که دشمن کنی رستم و طوس را
- سیاوش که بود <sup>۱۲</sup> از نژاد کیان	ز بهر تو بسته کمر <sup>۱۳</sup> بر میان-
کز ایران به پیلان بکوبندمان	ز هم بگلانند پیوندمان <sup>۱۴</sup>
[بگشتی به خیره سیاوش <sup>۱۵</sup> را	به زهر اندرآمیختی نوش را]
ز چشمت بشد رستم نیو را	سر پهلوان نامور <sup>۱۶</sup> گیو را
ندیدی <sup>۱۷</sup> بدی های ایرانیان	که کردند با شهر تورانیان؟
ز توران <sup>۱۸</sup> دو بهره به پای ستور	ببردند <sup>۱۹</sup> و شد بخت را آب شور
هنوز آن <sup>۲۰</sup> سر تیغ دستان سام	همانا نسوده ست بر تن <sup>۲۱</sup> نیام
که رستم همی سر فشاند ازوی <sup>۲۲</sup>	به خورشید بر خون چکاند ازوی <sup>۲۳</sup>
بر <sup>۲۴</sup> آرام بره کینه جویی همی	گل زهر خیره ببویی <sup>۲۵</sup> همی
اگر خون بیژن بریزی برین <sup>۲۶</sup>	ز توران برآید همان <sup>۲۷</sup> گرد کین <sup>۲۸</sup>

۱- (لن، لن: پادشاهی تو آبادما: لی، و آ: پادشاهی بس آبادما): س (نیزب): پس از پادشاهی آبادما: ل: ترا پادشاهیت آباد باد: متن = ف، ق، س (نیزق: ب) ۲- س، ق: بزرگان و: متن = ۳- ل: هر کار فرخنده و داد باد: (و: بتن زورمند و بدل شادما): متن = ف، س ۴ (نیزلن، ق، لی، لن، آ، ب): ل (نیزل: آ) این بیت را نذرند ۵- س (نیزلن، ل، پ، ب، لن): بارام: (ل، آ: بر آرام): س (نیزب): منم (ب: همی) غم خورم تا در ایام: ق: بسی غم خورم تا ز آرام: ل: همی غم خورم من کز آرام: متن = ف ۶- س (نیزب): بخندد: س: نخسبد: (لن، ب، لن: نیچند): متن = ف، ق، ل (نیزلی، ل، آ) ۷- س (نیزلی، ل، آ، ب): کوبرد: ل (نیزق: و) این بیت را نذرند ۸- ل، س (نیزب، لن): اند ۹- س، ل: دادمش ۱۰- ل: بار ۱۱- س: بگفتار ۱۲- ل: ازوی: ق: بدان: متن = ف، س، ل، س ۱۳- س، ل، ق، ل: که هست ۱۴- س: کمر بسته از مهر تو: در ل این بیت یا بیت سپس پس و پیش شده است ۱۵- س (نیزق: ل، آ) پس از بیت ۳۵۰ افزوده اند:

بسی کس درین کینه بی جان کنند

بسی تن که در خاک پنهان کنند

بسی زن که بی شوی گردد دژم

بسی شیره مردان که گردند که

بپادشاه بند مرا کار بند

بترمه کزین کار گردی نژند

۱۵- ف- س (نیزلن، ل، و، لن، ب): سیاوش (= سیاوش): متن = (ق، ل، ب، آ) ۱۶- س، ل، س (نیزلن، لی، ل، ب، لن، آ، ب): زنگه و: متن = ف، ق، ل (نیزو) این بیت را نذرند ۱۷- ل، س، ل (نیزل، و، لن): بدیدی: متن = ف، ق، س (نیزلن، ق، ل، ب، آ، ب) ۱۸- ل: ترک کن ۱۹- ل، ق (نیزو): سپردند: متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، لن، ب) ۲۰- ل، ل، ل: از ۲۱- س، س (نیزلن، لن): اندر: ل: دست و: ل، ق (نیزق: ب، و): نیاسود اندر: (ل: نکر دست آرام اندر): متن = ف (نیزلی، آ، ب) ۲۲- ل، س: ازوی: س: بدوی ۲۳- ل، س: ازوی: س: برآوی ۲۴- ل، س، ق، ل (نیزب): به: متن = ف، س (نیزلن، ق، ل، ب، لن) ۲۵- ل، س: بر خیره ببویی: متن = ف، ل، س، ق ۲۶- ل: بدین ۲۷- ل: همی ۲۸- س: یکی گرد خیزد ز ایران زمین



- ۳۶۰ خردمندشاهی و ما کهترا<sup>۱</sup>  
نگه کن کزین<sup>۲</sup> کین<sup>۳</sup> که گستردیاد<sup>۴</sup>  
همان را<sup>۵</sup> همی خواستار آوری  
چو کینه دو گردد نداره پای  
به<sup>۶</sup> از تو نداند کسی گیو را  
چو<sup>۷</sup> گودرز کشواد پولادچنگ
- ۳۶۵ چو برزد بر آن آتش تیز آب  
که بیژن ندانی<sup>۱۴</sup> که با من چه کرد  
نبینی کزین بدگش<sup>۱۶</sup> دخترم<sup>۱۷</sup>  
همه<sup>۱۹</sup> نام پوشیده رویان من  
ازین<sup>۲۰</sup> ننگ تا جاودان بر سرم<sup>۲۱</sup>  
چُن<sup>۲۳</sup> او یابد از من رهایی به جان  
به رسوایی اندر بمانم به درد
- ۳۷۰ چُنین داد پاسخ پس<sup>۱۳</sup> افراسیاب.  
به توران و ایران<sup>۱۵</sup> شدم روی زرد  
چه رسوایی آمد به پیران سرم<sup>۱۸</sup>  
ز پرده بگسترد بر انجمن  
بخندد همه<sup>۲۲</sup> کشور و لشکر  
گشایند بر من ز هر سو زبان<sup>۲۴</sup>  
بیالایم از دیدگان<sup>۲۵</sup> آب زرد
- بسی<sup>۲۶</sup> آفرین کرد پیران بر او<sup>۲۷</sup>  
که ای شاه نیک اختر راست گوی<sup>۲۸</sup>،

۱-ق (نیزلن)؛ کهتران ۲-س (نیزلی)؛ مهتر؛ ق (نیزلن)؛ بنگرآن؛ (ب.آ.ب.نگرا)؛ ل.ل.ل (نیزق)؛ تو(ق)؛ دو(چشم خرد باز کن بنگرا (ل)؛ مهتر)؛ متن = ف.س (نیزلن. ل.و) ۳-ل.ل.س.ل.س (نیزلن)؛ ق (نیزلن)؛ که این؛ متن = ف ۴-ل.ل.س (نیزلن)؛ ف: گسترده بی؛ (ب: گسترده)؛ متن = ل.س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۶-(ب: خورده)؛ ف: ایا شهیر ایران چه بر خورده بی؛ س (نیزق)؛ ل.آ.ب)؛ دم از شهر توران بر آوردی؛ س: ایا پهلوان جهان کدخدای (= ۳۶۲)؛ متن = ل.ق.ل (نیزلن. ل.ب. و.ل.آ) ۷-ف (نیزلن. ق.آ.ب.ل.ن.آ.ب)؛ همانا (؟)؛ ل: جهترا (!)؛ متن = ل.س.ق.س (نیزلی. ل.و)؛ درس بیست های ۳۶۱ و ۳۶۲ پس از بیت ۳۶۴ آمده اند ۸-ل (نیزآ)؛ [و]؛ ل.س (نیزلن. ق.ل.ل.ل.ل)؛ ایا پهلوان؛ س: ایا شهیر یار؛ ق (نیزو)؛ ایا فرخجست؛ (ب: ایا پهلوان و ب: ایا پهلوان ای)؛ متن = ف ۹-ل: جز ۱۰-ل.ل.ق (نیزل)؛ بلا؛ متن = ف.س.ل.س (نیزهشت دستنویس دیگر)؛ س پس از این بیت افزوده است:

مانست ای شاه گیسوسنگ

که کوچک سخن کرد بر ما بزرگ

۱۱-ل: ز ۱۲-ف.ق: ز بهر نییره گراید (ف: بیاید)؛ متن = ل.س.ل.س (نیزلن-آ) ۱۳-ل: پاسخش ۱۴-ل.ق (نیزلی. ل.آ.ب)؛ نبینی؛ س.ل: ندیدی؛ متن = ف.س (نیزلن. ق.آ.ب. و.ل.ل) ۱۵-ل.ق.ل: بیایران و توران ۱۶-ل.س (نیزب)؛ بدهنر؛ (ل.ن.ق.آ.ب.ل.ن.بی.هنر)؛ متن = ف (نیزلی. ل.و.آ) ۱۷-س: دختر ۱۸-س: ز بیژن مرا ۱۹-ل: همان ۲۰-ل.ق.ل.س: کزین؛ متن = ف.س ۲۱-س.ل.س (نیزلن. ق.ل.ب.ب)؛ درم؛ متن = ف.ل.ق (نیزل) ۲۲-ل: همی ۲۳-س: گر؛ ق.ل.س: چو؛ متن = ف.ل ۲۴-ل: ز هر بند گمان؛ س: ز زبان برگشایند بر من جهان ۲۵-ل: دیده گان؛ س: این بیت را ندارد ۲۶-ل.ق.س (نیزو)؛ دیگر؛ ل: شنید؛ (ن: آ: یکی)؛ متن = ف.س (نیزلن. ق.ل.آ.ب.ل.ن.ب) ۲۷-ل.ل.س.ل (نیزلی. ل.ل.ل.ن.آ.ب)؛ بدوی؛ متن = ف.ق.س (نیزلن. ق.آ.ب. و) ۲۸-ف: راه جوی؛ (ل: نسکجوی)؛ متن = ل.س (نیزهشت دستنویس دیگر)

چنینست<sup>۱</sup> کجا<sup>۲</sup> شاه گویدهمی<sup>۳</sup> جز از نام نیکی نجویدهمی<sup>۴</sup>،  
ولیکن برین<sup>۵</sup> رای هشیار من یکی بنگرد ژرف سالار من:  
۳۷۵ ببندد مرو را به بند گران کجا دار و گشتن گزیند برآن  
ازو پند گیرند ایرانیان نبندند ازین<sup>۶</sup> پس بدی<sup>۷</sup> را میان  
هر آنکو<sup>۸</sup> به زندان تو<sup>۹</sup> بسته ماند ز دیوانها نام او کس نخواند<sup>۱۰</sup>

چنان<sup>۱۱</sup> کرد سالار کو راه<sup>۱۲</sup> دید دلش با زبان شاه یکتاه<sup>۱۳</sup> دید  
ز دستور پاکیزه و<sup>۱۴</sup> راهبر درفشان<sup>۱۵</sup> شود شاه را گاه و فر<sup>۱۶</sup>

به گرسوز آنگه بفرمود<sup>۱۷</sup> شاه که بند گران ساز و تاریک چاه  
دو دستش به زنجیر برکش<sup>۱۸</sup> به غل یکی بند<sup>۱۹</sup> رومی<sup>۲۰</sup> بکردار پل<sup>۲۱</sup>  
۳۸۰ بیبوند<sup>۲۲</sup> بسمارهای گران ز سر تا به پایش ببند اندر آن<sup>۲۳</sup>  
نخستین<sup>۲۴</sup> نگون اندرافکن به چاه چون بی پیل و آن سنگ اکوان دیو  
۳۸۵ فکندهست بر<sup>۲۵</sup> بیشه ی چینستان بیاور. ز بیژن بدان<sup>۲۸</sup> کین ستان!

۱- ف: چنانست؛ متن = ل-س (نیز لن-ب) ۲- ل (نیز ل-آ): کین: ق. ل (نیز لن): چون؛ متن = ف، س، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳- ق: بن: ل: جوید همی: س (نیز ب): همه راست این که گوئی همی ۴- ف: بجز نام نیکی نجوید همی (بیاوند ندارد): ل. ق (نیز ق): جز از نام نامی نجوید همی (ق: ز من): س، ل (نیز ب): جز از نام نیکو (ل: پاک) نجوید همی: (ب: هم از نام نیکی جوید همی: و: بجز نام نیکی نجوید همی): متن = س (نیز لن، ل، لن): ۵- ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، ل، و، آ): بدین: (لن، پ، لن): ازین: متن = ف، س (نیز ب): س پس از این بیت افزوده است:

اگر ببندد این رای شاه بلند

بر این را بکشتن نباید درنگ (!)

۶- ل: ازین: س: از آن: متن = ۷- ف: ازین پس نبندند؛ متن = ق، ل (نیز لن-آ): س این بیت را ندارد؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۸- ل: که هر کو ۹- س: بیژندان تو گر کسی ۱۰- س: بیگیتی کسی زاه او را خواند؛ ق این بیت را ندارد؛ س: پس از بیت ۳۷۷ و س پس از بیت ۳۷۹ افزوده اند:

چو بشنید افراسیاب این سخن بیاور آمدش کارهای کهن

۱۱- ل: چنین ۱۲- ل، س (نیز لن، ق، ل، ل، ب، لن، آ، ب): رای؛ متن = ف، ل (نیز ل، و) ۱۳- ل: بر جای: س (نیز لن، ق، ل، ب، لن، آ، ب): یکتای: متن = ف، ل (نیز ل، و): ف، س این بیت را ندارند ۱۴- ل، س، ق (نیز لن، ل، ب): پاکیزه؛ (ق: شایسته): متن = ف، ل ۱۵- س: درفشان ۱۶- (ل: کاز و فر: ب: گاه و دره: ب: گاه بر): ل، س، ق: شاه بر گاه بر: ل: کار این گاه و فر: متن = ف (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ): س این بیت را ندارد؛ در چاه کردن افراسیاب بیژن گبور ۱۷- س: آنگاه فرمود ۱۸- ل: و گردن ۱۹- س: قتل ۲۰- س: چینی ۲۱- ف، س: بن: ل (نیز ل، و): مل (در ل به پیش بکه): س، ق (نیز لن، ق، ل، ب): بل: ل: پیل: (ب، لن، آ، ب): ۲۲- ل، ق: ببندش به: متن = ف، س، ل (نیز لن، ب) ۲۳- س: گران (بیاوند ندارد): س این بیت را ندارد ۲۴- ف: بیارش: ل، ق (نیز ل، و، آ): چوبستی: س (نیز ق، ب): پس آنگه: س: نخستش: متن = ل (نیز لن، ل، ب، لن): ۲۵- س: که: در س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۶- س: دریا بر آورد دیو ۲۷- ل، ق، ل: دره متن = ف، س، س ۲۸- ل: برو: س: بران: متن = ف، ق، ل، ل، س

به پیلان گردونکش آن سنگ را  
 بیاور سبک<sup>۲</sup> چاه او را پیوش  
 وُزآجا به ایوان آن بدهنر<sup>۱</sup>  
 برو با سواران و تاراج کن  
 بگوی<sup>۸</sup> ای بنفرین شوریده بخت  
 به ننگ از کیان پست کردی سرم  
 برهنه کثاش بیر تا به چاه  
 بهارش توی<sup>۱۳</sup>، غمگسارش توی<sup>۱۴</sup>

خرامید گرسیوز از پیش اوی<sup>۱۶</sup>  
 کشان بیژن گیو را زیر<sup>۱۸</sup> دار  
 ز سر تا به پایش بدآهن<sup>۲۰</sup> بیست  
 به پولادِ خاپسک<sup>۲۲</sup> آهنگران  
 نگونش به چاه اندر انداختند  
 وُزآجا بدایوان<sup>۲۵</sup> آن دخترش

۱- ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز لن-لن، ب)؛ ارژنگ؛ ل؛ ارنگ (!)؛ متن = ف ۲- ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-لن، ب)؛ سر؛ متن = ف؛ بنداری؛ و سد به  
 رأس البُر ۳- س، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، ب)؛ بمان؛ (ل؛ چنین)؛ متن = ف، ل، ق، ل ۴- ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، ب، لن، آ)؛  
 بی هنر؛ متن = ف، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، و، ب) ۵- ف؛ سنگ (!)؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب) ۶- ق، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ب، لن، آ)؛ دارد؛  
 (ق؛ ببیند)؛ متن = ف، ل، س، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، و، آ، ب) ۷- ق؛ سرش را بی؛ ل؛ راسرش بی؛ درس پس از این بیت، بیت های  
 ۳۹۷-۳۹۹ دوباره آمده اند ۸- ق؛ بگو ۹- ل؛ بگرید ۱۰- س؛ که ننگی تو بر کشور و ۱۱- ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ب)؛ افرم؛  
 متن = ف، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، ب، و، لن، آ) ۱۲- (و؛ براه؛ ب؛ بجاه؛ لی؛ آنچه دیدی براه؛ ل؛ آنکه دیدی براه)؛ ف؛ که در خانه بین  
 آنک دیدی براه (؟)؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، ب، لن، آ، ب) ۱۳- س، ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب)؛ تویی؛ متن = ف، ل ۱۴- س،  
 ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب)؛ تویی؛ ق (نیز لغت فرس، ص ۴۸)؛ تو باش؛ متن = ف، ل ۱۵- ل؛ درین ۱۶- ل؛ او ۱۷- ل؛ بگریده؛  
 (لن، ل، و؛ بگردید؛ آ؛ بگردار)؛ متن = ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، ب، لن، ب)؛ ف؛ این بیت را ندارد، ولی بنداری نیز شاید آنرا داشته است؛  
 قبادر کرسیوزالی امثال ما امره به الملک؛ س، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ب، لن، آ) پس از بیت ۳۹۴ افزوده اند؛

بـورد سنگ آنک (س؛ سنگی که) فرمود شاه

به پیلان گردونکش آن تا بجاه

۱۸- ل، ق، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، ب، و، لن، آ)؛ از پیش؛ س، ل<sup>۱</sup> (نیز ل، آ، ب)؛ از زیر؛ متن = ف (نیز ق) ۱۹- ل؛ بران ۲۰- ل-س<sup>۱</sup> (نیز  
 لن-ب)؛ بآهن؛ متن = ف ۲۱- ل؛ برو بازوی و گردن و پای و دست؛ ق؛ برو بازو و پا و گردن بخت؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز  
 لن-ب) ۲۲- ف؛ پیولاد و با پتک؛ س<sup>۱</sup> (نیز آ)؛ پیولاد و خاپسک؛ (ل؛ پیولاد و مسمار)؛ متن = ل، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، ب، و، ب،  
 لغت شهنامه، شماره ۸۲۲) ۲۳- ل، س؛ فروبرد؛ س؛ برو بسته؛ متن = ف، س، ل ۲۴- ل (نیز ل)؛ بند؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۱</sup>  
 (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری؛ و عطفی رأسه بذلک الحجر ۲۵- ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب)؛ بیوان؛ متن = ف، س (نیز لن، ب، لن، آ، ب) پس  
 از این بیت افزوده اند؛

خبر زو بسنزد منزه

شد از آب دیده رخسار نایبند

۴۰۰ همه گنج او را به<sup>۱</sup> تاراج داد  
 منیژه بیامد به یک<sup>۲</sup> چادرا  
 کشیدش<sup>۳</sup> دوان<sup>۴</sup> تا بدان چاهسار<sup>۵</sup>  
 بدو گفت: اینک ترا خان و مان  
 ازین بدره بستد، بدان<sup>۶</sup> تاج داد  
 برهنه دو پای<sup>۷</sup> و گشاده سرا  
 دو دیده پر از خون و رخ جویبار<sup>۸</sup>  
 زواری بدین<sup>۹</sup> بسته تا جاودان

۴۰۵ غریوان همی گشت بر گرد دشت  
 بیامد خروشان<sup>۱۲</sup> بنزدیک چاه  
 چُن<sup>۱۵</sup> از کوه خورشید سر برزدی  
 همی گیرد کردی به روز دراز  
 به بیژن سپردی و بگریستی  
 چویک روز و یک شب برو<sup>۱۰</sup> برگذشت<sup>۱۱</sup>،  
 یکی دست را اندرو<sup>۱۳</sup> کرد<sup>۱۴</sup> راه  
 منیژه به<sup>۱۶</sup> هر در همی نان چیدی  
 به سوراخ چاه آوریدی فراز  
 بدین<sup>۱۷</sup> شوربختی<sup>۱۸</sup> همی زیستی

### گفتار اندر بازگشتن گرگین میلاد بی بیژن به ایران<sup>۱۹</sup>

۴۱۰ چویک هفته گرگین به ره بر به پای  
 ز هر سوش پویان بچستن گرفت  
 پشیمانی آمدش<sup>۲۱</sup> از آن<sup>۲۲</sup> کار<sup>۲۳</sup> خویش  
 بشد تازنان<sup>۲۶</sup> تا بدان جایگاه<sup>۲۷</sup>  
 که بیژن نیامده می باز جای<sup>۲۰</sup>،  
 رخان را به خوناب شستن گرفت  
 که چون بد سیگالید با<sup>۲۴</sup> یار<sup>۲۵</sup> خویش  
 کجا بیژن گیو گم کرد راه

۱- ل. ق. ل. س: گنج و گوهر: (ق: گوهر و گنج: ل: کاخ او را به): متن = ف. س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲- س: از آن بدره بستد بدین: بنداری (۳۹۹-۴۰۰): و دخل علی ابنة أخیه، ونهب جمیع ما عندها و استلبها تاجها و زینتها، و جزها بقرونها ۳- ل. ل. ل: برهنه بیگ: ق: بیاورد بی: (ق: بماندش انی: و: بیامد انی): متن = ف. س. س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۴- ل. ل: پا ۵- ق: ببردش ۶- س: همی ۷- ل: چاه سر: س: کشیدندش از پیش تا چاهسار ۸- ق: چون بهار: ل: ز خون دو دیده دو رخساره تر ۹- ل. س. ق: برین: متن = ف. ل. س: س: (نیز ل. ب. ل. ب) پس از بیت ۴۰۳ افزوده اند:

چو کرسیوز از چاه او بازگشت منیژه ابا درد انباز گشت

ق، ل، و، آ پس از بیت ۴۰۳ افزوده اند:

بدرد دل اندر (ل، آ: بشد کرسیوز) منیژه بماند

زدل بر دورخ قطره خون فشاند

ف. ل. ق. ل. ل: هیچیک از این بیت ها را ندارند ۱۰- س: برین ۱۱- ل: درگذشت ۱۲- ل: خروشان بیامد ۱۳- س: اندرون ۱۴- ل: کرده: بنداری: و کانت فی الحجر ثقبه تدخل فیها الید ۱۵- ل. س: (نیز ل. ب): چو: متن = ف ۱۶- ل. س: (نیز ق: ب، و، ل. س: ب): زه: متن = ف (نیز ل. ل، آ) ۱۷- ل: بران: ل. س: بدان: متن = ف. س. ق ۱۸- ل: سخن اندر ۱۹- ف: گفتار اندر بازگشتن گرگین میلاد بی بیژن با ایران و پرسیدن شاه و گیو احوال بیژن از او و دروغ [گفتن]: متن = آغاز ف ۲۰- ل. س: (نیز ل. ب، ل. س): همی بود و بیژن نیامد بجای: س (نیز ق: ل): بیود و نیامدش بیژن بجای: متن = ف. ق. ل: (نیز ل. و، آ، ب: ق: چو بیژن... ل. آ، ب: و بیژن...) ۲۱- ق: آمد ۲۲- ف. ل: زان: ل: از: متن = س. ق. س: ۲۳- ق. ل: گفت ۲۴- ل. س. ل: (نیز ل. ق، ل، آ، ب، و، ل. س: ب): بر: متن = ف. ق. س: (نیز آ) ۲۵- ق. ل: جفت ۲۶- ل. س. س: تازنان (حرف چهارم نقطه ندارد): ل: تازیان: متن = ف (نیز ل. ل، ب. ب) ۲۷- ل. ل: (نیز و): جشنگاه: متن = ف. س. س: (نیز ل. ل، ب، ل. آ، ب): ق این بیت را ندارد

همه بیشه برگشت و کس را ندید<sup>۱</sup>  
 همی گشت بر گیرد آن<sup>۲</sup> مرغزار  
 یکایک ز دور<sup>۳</sup> اسپ بیژن بدید  
 گسته لگام و نگون کرده<sup>۴</sup> زین  
 بدانست کو را تباهست کار  
 اگر دار دارد و گرا<sup>۵</sup> چاه و بند  
 کمند اندرافگند و برگاشت روی<sup>۶</sup>  
 از آن<sup>۷</sup> مرغزار اسپ بیژن براند  
 و ز آنجا<sup>۸</sup> سوی شهر ایران شتافت  
 نه نیز اندرو بانگ مرغان شنید<sup>۹</sup>  
 همی یار کرد<sup>۱۰</sup> اندرو خواستار  
 که آمد از آن<sup>۱۱</sup> جویباران<sup>۱۲</sup> بدید  
 فروبرده نفع و برآورده کین<sup>۱۳</sup>  
 به ایران نیاید بدین<sup>۱۴</sup> روزگار  
 از<sup>۱۵</sup> افراسیاب آمده‌ستش گزند  
 ز کرده پشیمان دل و جفت جوی<sup>۱۶</sup>  
 به خیمه ندر آورد<sup>۱۷</sup> و روزی بماند  
 شب و روز آرام و خفتن<sup>۱۸</sup> نیافت  
 چُن آگاهی آمد ز گرگین به شاه  
 بگفت این<sup>۱۹</sup> سخن گویو را شهریار  
 پس آگاهی آمد همانگه به گویو  
 ز خانه<sup>۲۰</sup> بیامد دوان تا به کوی  
 همی گفت: بیژن نیاید<sup>۲۱</sup> همی

۱- ل: و اسبش بدید ۲- ل: که آمد در آن مرغزاری بدید (= ۱۵ ب): س: این بیت را ندارد ۳- ل: گسته لگامش بر آن ۴- ل: همی کرد یار ۵- ل: دور ۶- ق: بدان: ل: در آن ۷- ف، ل: (نیز ق، ل): حویباری (?): ل: مرغزاران: متن = س، ق، س: (نیز ل، ل، ب) ۸- س، ق، ل، ب، س: (نیز ل، ق، ل، ب، ل، آ، ب): نگونسار: متن = ف، ل: (نیز ل، و) ۹- (ل: چین): ل: (نیز ق): فرومانده بر جای اندوهگین: متن = ف، س، ق، ل، ب، س: (نیز هفت دستنویس دیگر): برآورده کین (?): ۱۰- س، ق: بدان ۱۱- ل، س: اگر ۱۲- ف، ل، س: از: متن = ل، س، ق، ۱۳- س: و اسبش گرفت ۱۴- ل، س: (نیز ل، ق، ل، و، ب): پشیمان و دل جفت جوی: ق، ل: پشیمان شده جفت جوی: (ل، آ: پشیمان بدل جفت و جوی: ل: پشیمان و دل جفت و جوی): س: دل اندر غمان جان پر از دایع جفت: متن = ف (نیز ل، ق) ۱۵- ف، س: و زان: متن = ل، س، ق، ل: ۱۶- ل، س: (نیز ل، ب): بخیمه در آورده: متن = ف: بخیمه اندر آورد ۱۷- ل: پس تنگه ۱۸- ل: (نیز ل، ق، ل): خوردن: متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز ل، و، ل، آ، ب): س: (نیز ق، ل، و) پس از بیت ۲۱ افزوده اند: همی کرد اندیشه (ق، ل، و): همی رفت با وسوسه راه را

چه گسوه چو سینه رخ شاد را

س: پس از بیت ۲۱ افزوده است:

چنین است کار جهان ای عجب  
 نه شادی بماند نه اندوه و غم  
 تن آسان بوی گاه و گاه با تعب  
 نه بیداد مآئنده داد و ست  
 ز هر گونه بگذرد روزگار  
 بدن تا توانی تواننده مدار

۱۹- ل- س: (نیز ل، ب): چو: متن = ف: برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، س: رفتن گویو پذیرد گرگین و پرسیدن حال بیژن: ق: آگاهی یافتن کیخسرو از مراجعت گرگین بی بیژن و فرستادن گویو بتفحص بیژن و آمدن گویو و گرگین نزد شاه: ل: اندر آمدن گرگین بایران و آگاهی دادن از بیژن: س: بازگشتن گرگین بایران زمین ۲۰- س: آن: درس این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۱- س: یکایک ۲۲- س: دل آورده ۲۳- ل: برخ آنجوی ۲۴- س: ل: نیامد: متن = ف، ل، ق، س: ۲۵- ف، ل، ل، ل، س: باید: ق: چرا در بیاید: متن = س

بفرمود تا بورا<sup>۱</sup> کشاورا  
 سبک<sup>۳</sup> برنهادند زین خدنگ<sup>۴</sup>  
 همانگه بدوی<sup>۵</sup> اندرآورد پای  
 پذیره شدش تا کند خواستار  
 به دل<sup>۹</sup> گفت: گرگین بدو<sup>۱۰</sup> ناگهان  
 شوم گر بینمش بی بیژن  
 بیامد، چو گرگین مرو را بدید  
 همی رفت<sup>۱۳</sup> غلتان<sup>۱۴</sup> به خاک اندر<sup>۱۵</sup>  
 پرسید و گفت: ای گزین سپاه  
 پذیره بدین<sup>۱۸</sup> راه چون آمدی؟  
 مرا جان شیرین نباید همی  
 چو چشمم به روی تو آمد<sup>۲۰</sup>، ز شره  
 کنون هیچ مندیش کو را به جان

چو اسپ پسر دید گرگین به دست  
 چو گفتار گرگینش آمد به گوش<sup>۲۴</sup>  
 به خاک اندرون شد سرش ناپدید  
 همی کند موی<sup>۲۵</sup> سر و ریش<sup>۲۶</sup> پاک  
 همی گفت کای<sup>۲۷</sup> کردگار سپهر

پُر از خاک و<sup>۲۲</sup> آسیمه<sup>۲۳</sup> برسان مست،  
 ز اسپ اندرافتاد و زو رفت هوش  
 همه جامه‌ی پهلوی بردرید  
 خروشان به سربر همی ریخت خاک  
 تو گستردی اندر دل<sup>۲۸</sup> هوش و مهر

۱- ف. ل. (نیز ب. لن.)؛ بور (بور)؛ متن = ل. س. ق. س. (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲- س. که بگذاشتی روز تک باد  
 را ۳- ل. س. (نیز ق. ل. و. آ. ب.)؛ برو: (لن. ل. ب. لن.)؛ بدو: متن = ف. ۴- س. س. س. پلنگ: ل. زربین پلنگ: متن = ف.  
 ل. ق. ۵- ق. چو بگرفته (!) ۶- س. س. س. پلنگ: متن = ف. ل. ق. ل. ۷- ل. س. ق. س. بدو: متن = ف. ل. ۸- ق.  
 ماند: ل. س. بدو: متن = ف. ل. س. ۹- ل. س. (نیز لن. ق. ب. و. لن. ب.)؛ همی: (آ. بدو بدل)؛ متن = ف. (نیز ل.) ۱۰-  
 (ق. مگر: ل. آ. زبید) ۱۱- س. زین ۱۲- ل. پیش او در دوید: س. پیش اسبش دوید: متن = ف. ق. ل. س. ۱۳- ل.  
 روی: س. ق. ل. (نیز ق. ل. و. آ. ب.)؛ گشت: متن = ف. س. (نیز لن. ب. لن.) ۱۴- (ق. ل. ب. آ. غلطان) ۱۵- ف. (نیز  
 ل.)؛ اندرون: متن = ل. س. (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۶- (ل. برهنه سرون)؛ ف. چنان چون بود مرد رنگ و فسون: متن = ل. س.  
 (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۷- ل. ق. (نیز ل.)؛ سپه‌دار و (ل. [و])؛ سالار و خورشیدگاه (ل. و ماه)؛ ل. مبین پهلوان و سپه را پناه:  
 س. سپه‌دار ایران و شه را تپاه: (لن. ب. و. لن.)؛ سپه‌دار ایران و سالار شاه: ق. سپه‌دار ایران نگهبان گاه: ل. نگهبان راه و سپه‌دار شاه: متن  
 = ف. س. (نیز ب) ۱۸- ق. درین: ل. برین ۱۹- ل. دیده‌گان ۲۰- ل. س. (نیز ل.)؛ آید: متن = ف. س. ق. ل. (نیز  
 هشت دستنویس دیگر) ۲۱- ل. س. (نیز لن. ل. ب. و. لن. آ.)؛ پیالایم (ل. و. آ. پیالودم) از دیدگان آب گرم: متن = ف. س. ق. ل.  
 (نیز ق. ل. ب) ۲۲- ل. ل. [و] ۲۳- س. عیان کوتاه استاده: ق. بیفتاد بر خاک ۲۴- ل. بخوش (!) ۲۵- ل. ل.؛  
 موی از: متن = ف. س. ق. س. ۲۶- س. سرخویش ۲۷- س. ای ۲۸- ق. ل. تو گستر کنون در دل<sup>۲۸</sup> هوش (ل. داد) و  
 مهر: متن = ف. ل. س. س.

۴۴۵ چُن<sup>۱</sup> از من جدا ماند فرزند من  
روانم بدان<sup>۲</sup> جای نیکان<sup>۳</sup> بری  
مرا خود ز<sup>۴</sup> گیتی همین بود و<sup>۵</sup> بس  
کنون بختِ بدِ کردش از من جدا  
ز گرگین همانگه<sup>۶</sup> سَخُن بازجست  
زمانه به جایش کسی برگزید<sup>۷</sup>؟  
ز بدها بدوبر چه آمد<sup>۸</sup>؟ بگوی  
چه دیو آمدش پیش در مرغزار<sup>۹</sup>؟  
تو این مُردری اسپ<sup>۱۰</sup> چون یافتی؟

۴۵۵ بدو گفت گرگین که بازار هوش  
بدان پهلوانا و آگاه باش!  
که این کار چون بود و کردار چون  
برفتیم<sup>۱۱</sup> از ایدر به زخم<sup>۱۲</sup> گراز  
یکی بیشه دیدیم کرده چو دست<sup>۱۳</sup>

سَخُن بشنو و پهن بگشای گوش  
— همیشه فروزنده‌ی گاه باش<sup>۱۴</sup>! —  
بدان<sup>۱۵</sup> بیشه با خوک پیگار چون:  
رسیدیم نزدیک ارمان فراز<sup>۱۶</sup>  
درختان بریده<sup>۱۷</sup>، چراگاه پست<sup>۱۸</sup>

۱- ل (نیزل): گره: س، ق، ل، س، س (نیزلن، ق، ل، ب، ب): چو: متن = ف ۲- س، ل، بران ۳- ل، ل، نکى: ل، بس از این بیت افزوده است:

مرا کشتن این بسی کار نیست

سندان مرا پیش دیوار نیست (= ۴۸۸)

۴- ق: به ۵- ف (نیزلی، ل، ب، آ): بود: ل، هه او بود: ق: هه او بود و: ل: همان بود و: متن = س، س، س (نیزلن، ل، و، ل، ب) ۶- س، س، س (نیزلن، ب، ل، ب): اندر دم ازدها: ق: در دم ازدها: ل: اندر بلا مبتلا: (ق: مانده ام در جهان مبتلا: و: مانده اندر جهان مبتلا): ل: مانده چنین در جهان مبتلا: متن = ف (نیزل، آ): مبتلا (ق): در ل، بس از این بیت ۷۵۰ دوباره آمده است ۷- ل، ل، ل (نیزلن، ل، ب): پس آنگه: متن = ف، س، ق، س (نیزلی، ل، ب، آ، ب) ۸- ل (نیزلی، آ): روزگار نخست: ف: این کار را از نخست: س: این روزگار از نخست: ل: بس روزگار نخست: (و: بودتان کارزار از نخست): متن = ق، س (نیزلن، ق، ل، ب، ل، ب) ۹- س: که را برگزید: ق: بگیتی بجایش یکی بد رسیده: متن = ف، ل، ل، س ۱۰- س، ق، ل، و: و: متن = ف، ل، س ۱۱- ل: چه آمد مرا و: س (نیزلن، ق، ل، ل، ب): برو بر چه آمد: ق: چه آمد برویش: ل (نیزلی، و، آ): چه آمد برو (لی: بدو) بر: متن = ف، س (نیزل، ب) ۱۲- س، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب): که: متن = ف، ل (نیزلی، ل، آ) ۱۳- ف: زور سپهری: ل، ق (نیزل): بسند سپهرش: متن = س، ل، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۴- س: بر او: ل: بدوی: متن = ف، ل، ق، س (نیزلن، ب): بروی (= به روی؟ بر او؟) ۱۵- ق: چه پیش آمدش دیو در کارزار ۱۶- ق: تو این اسپ بی مرده: ل: تو این مرده این اسپ ۱۷- در ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب) این بیت با بیت سیم پس و پیش شده است: آ این بیت را ندارد: پدایی بیت‌های متن = ف (نیزلی) ۱۸- ق: در آن ۱۹- ق: بدر رفت ۲۰- ل، ق، س (نیزلن، ب): جنگ: متن = ف، س، ل ۲۱- ق: هه شهر مانده از آن در کنار (۴۷۵) ب- ۴۵۹ آرا انداخته و از ۴۵۷ آ و ۴۵۹ ب یک بیت ساخته است) ۲۲- ف، ل، س (نیزلن، ق، آ): دشت (درف، ل، س، آ) پند نداد دست است: متن = س، ل (نیزلی، ب، و، ل، ب) ۲۳- س: بکنده ۲۴- (ل: و گشت: ق: گشت)

همه جای گشته گنام<sup>۱</sup> گراز  
 ۴۶۰ چو ما<sup>۲</sup> جنگ را نیزه<sup>۳</sup> برگزاشیم<sup>۴</sup>  
 همه شهر مانده از آن در گراز<sup>۵</sup>  
 به بیشه درون بانگ<sup>۶</sup> برداشتم<sup>۷</sup>،  
 نه یک یک، چه<sup>۸</sup> هرجای گشته گروه<sup>۹</sup>  
 بشد روز و نامد دل از جنگ سیر  
 به مِسمار دندان بکندیشان  
 همه راه شادان و نخچیرجوی  
 ۴۶۵ کز آن خوب تر کس نبیند نگار  
 چو خنک<sup>۱۱</sup> شباهنگ<sup>۱۲</sup> فرهاد روی<sup>۱۳</sup>  
 چو شبرنگ<sup>۱۴</sup> بیژن سرو گوش<sup>۱۵</sup> و دم<sup>۱۶</sup>  
 تو گفتی که از رخس دارد نژاد  
 به سرش<sup>۱۷</sup> اندرافکند<sup>۱۸</sup> بیژن کمند  
 دوان گور و بیژن پس اندر دمان  
 ۴۷۰ برآمد یکی<sup>۱۹</sup> دود از آن<sup>۲۰</sup> مرغزار  
 کمندافکن و گور شد ناپدید  
 که<sup>۲۱</sup> از تاختن شد سمندم<sup>۲۲</sup> ستوه  
 جزین<sup>۲۳</sup> اسپ و زین از پس اندر<sup>۲۴</sup> گشان  
 ز بیژن ندیدم به گیتی<sup>۲۵</sup> نشان

۱- ف: جَراء (= چرای؟)؛ س: (نیز ق، ب)؛ ه: خاگ گشته ز جنگ (ق: ز بیم)؛ ل، س: همه خاک گشته گنام (س: ز بیم)؛ متن = ل (نیز لن، لی، ب، و، لن) ۲- ق: (نیز ب)؛ کداز: س: کداز: (و: کداز)؛ ف: ازین در نیازه (لن، ل، لن)؛ ل: از او در نیازه؛ ل: ارمان از آن در کداز: س: (نیز لی، آ)؛ از او مانده اندر نیازه؛ ل: از آن مانده اندر کداز: (ق: گشته بدو در کداز)؛ متن تصحیح قیاسی است: گراز (یا: گراز؟ گداز؟) ۳- س: بر ۴- ل: نیز (حرف یکم نقطه ندارد) ۵- س: (نیز ب)؛ بفراشتم: ق، ل: (نیز ق، لی، و، آ)؛ برداشتم: س: (نیز لن، ب)؛ بفراشتم: متن = ف، ل ۶- س، س: نعره ۷- ق، ل: بفراشتم ۸- ل: به؛ س، ق، ل: (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، ب)؛ که: متن = ف، س: (نیز لی، آ)؛ رفتن گیو، بیت (۲۵۱) ۹- ق، ل: (نیز ل، و، آ، ب)؛ هرجا (ب: آمد) گروه ها گروه؛ متن = ف، ل، س، س: (نیز لن، ق، لی، ب، لن) ۱۰- ل، ل، س: (نیز لن، ب)؛ وزانجا با ایران؛ متن = ف ۱۱- س: بره بر ۱۲- ل: زان ۱۳- ق: شبرنگ ۱۴- ف: اسپ؛ (ب: رنگ)؛ متن = ل، س: (نیز لن، ق، لی، ب، و، لن) ۱۵- ل: موی (باوند ندارد) ۱۶- س، س: (نیز لن، آ)؛ بال و: ل: (نیز و)؛ پَر و: (لن، ب، ب: بال و: ق، ل، آ: بالا)؛ ل: چو سیمش دو پا و: متن = ف، ق: (نیز لی) ۱۷- ل: شب دیز ۱۸- ف: موی؛ ل: (نیز ق، ل، و)؛ پای: متن = ل، س، ق، س: (نیز لن، لی، ب، لن، آ، ب) ۱۹- ق: جتن ۲۰- ل، ق: نژند؛ متن = ف، س، ل، س: (نیز لن، ب) ۲۱- ل: برو؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن، لی، ب) ۲۲- ق: درافکند (وزن ندارد) ۲۳- ل، ق، ل: (نیز ق، ل، آ)؛ رفتن؛ متن = ف، س، س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- س، س: (نیز لن، ق، لی، ب، و، لن، ب)؛ تابیدن؛ ل: تابنده؛ متن = ف، ل، ق: (نیز و، آ) ۲۵- س، ق، ل، س: (نیز لن، ق، لی، ب، و، لن، ب)؛ همی؛ متن = ف، ل: (نیز لی، و، آ) ۲۶- ل: زان ۲۷- ل، س: (نیز ق)؛ بردرید؛ متن = ف، ل، س، ق: (نیز لن، لی، ب)؛ درق پس از این بیت، بیت ۴۷۷ آمده است ۲۸- ق: چو ۲۹- (و: نوندم) ۳۰- ل: جانی؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن، ب) ۳۱- س: بجز ۳۲- ف، ل، س: (نیز و، آ)؛ اسدر (نقطه ندارد، اسدر؟ اسدر؟)؛ س: (نیز نیز ق، ب)؛ او؛ متن = ق، ل: (نیز لن، لی، ل، ب، لن) ۳۳۹



<p>همی کردمش هر سوی خواستار که گور ژیان بود دیو سپید که چون بود با گور پیگار اوی؟<sup>۴</sup></p> <p>بدانست کو را تباهست کار همه چشمش<sup>۸</sup> از روی او<sup>۱</sup> تیره<sup>۱</sup> دید سَخُن<sup>۱۲</sup> لرزلرزان و دل پُرگناه سَخُن<sup>۱۴</sup> را بر آن گونه آلوده دید، که گرداند او را به ره بر ز پای<sup>۱۶</sup>، وگر چند ننگ آید او را ز کین<sup>۱۸</sup> نیامدهمی روشنایی پدید مگر کام بدگوهر آهرمتنا<sup>۲۱</sup>؟ دگرگونه سازم. درمان اوی<sup>۲۴</sup>؛ شود آشکارا ز گرگین گناه سنان مرا پیش دیوار نیست</p> <p>که ای<sup>۲۸</sup> بدگُشش دین پُرگزند،</p>	<p>بماندم فراوان بدان<sup>۱</sup> مرغزار از آن<sup>۲</sup> بازگشتم<sup>۳</sup> چُنین ناامید دل شد پُر آتش ز تیمار اوی<sup>۴</sup></p> <p>چو بشنید گیو این<sup>۵</sup> سَخُن، هوشیار ز گرگین سَخُن سربرس<sup>۶</sup> خیره<sup>۷</sup> دید رخش گشته از بیم او همچو کاه<sup>۱۱</sup> چو فرزند را گیو گم بوده<sup>۱۳</sup> دید ببرد آهرمن گیو را دل ز جای<sup>۱۵</sup> بخواهد<sup>۱۷</sup> ازو کین پور گزین پس اندیشه کرد اندر آن<sup>۱۹</sup> بنگرید چه آید مرا - گفت - ازین گشتنا<sup>۲۱</sup>؟ به<sup>۲۲</sup> بیژن چه سود آید از جان اوی<sup>۲۳</sup>؟ بیاشیم<sup>۲۵</sup> تا زین<sup>۲۶</sup> سَخُن نزد شاه ازو<sup>۲۷</sup> کین کشیدن بسی کار نیست</p> <p>به گرگین یکی بانگ برزد بلند</p>
--	---

۱- ل: بر آن؛ ق، ل: (نیز، ل، ی، ل، ب، ل، ن)؛ در آن: متن = س، س: (نیز، آ، ب)؛ ف این بیت را ندارد و در ل: پس از بیت ۶۹ آمده است  
 ۲- ل: (نیز، ل، ی، ب، ل، ن، آ)؛ ازو: متن = س، ق، ل، س: (نیز، ل، ب، و، ب) ۳- س: پس چو گشتم؛ ف این بیت را ندارد و در ل: پس از بیت ۷۳ آمده است؛ بنداری (۴۷۳-۴۷۶)؛ فرقت خلفه اطلبه فلم أفق له علی أثره و صادفت فرسه مقطوعه العذبان منکوس السرج. فانخلق فوادى من انه و الحزن، و بقیة أدور فی تلك الصحراء. فلما أیست منه أقلت راجعا ۴- ل: او ۵- س: آن ۶- ف: خبر سربرس؛ ق: سخن ها همه؛ متن = ل، س، ل، س: (نیز، ل، ب) ۷- س، س: تیره ۸- ل: جشن (!) ۹- ق: خود ۱۰- س، س: جهان پیش گرگین (س: چشمش) همی خیره ۱۱- ل، س: (نیز، ل، ب، و، ب)؛ رخس زرد از بیم سالار (ق، ل: سالار) شاه؛ (ل، ب، ل، ن)؛ رخس زرد گشته هم از بیم شاه؛ ل، آ: رخس گشت از بیم همرنگ کاه؛ متن = ف (س، و، آ) ۱۲- س، ق، س: (نیز، ل، ق، ل، ب، ل، ن، آ، ب)؛ تنش: متن = ف، ل، ل: (نیز، ل، و) ۱۳- س: کرده ۱۴- س، ق، ل، س: بدان؛ متن = ف، ل ۱۵- س: (نیز، ل، ن)؛ ز راه (س نخست ز جای داشته است) ۱۶- ف: او را... ز پای (پاک شده است)؛ س: (نیز، ل، ب، ل، ن، ب)؛ او را بره بر تیره (ل، ب، س، و، ن، ب، ل، ن)؛ ق: (نیز، ل)؛ بره زیر پای؛ ل: بره بر پای؛ (ق، ل، ن، آ: آن تبع زین را از پای)؛ ل: همی خواست او را درآرد ز پای؛ متن = س: (نیز، و) ۱۷- س: بخواهم ۱۸- ل، ف: (نیز، ل، ب، ل، ن، ب)؛ ازین؛ س: تنگت بر ما زمین؛ متن = ف، ل، س: (نیز، ل، و، آ) ۱۹- ق: اندرو؛ س: کرد و درو ۲۰- ف: (نیز، ل)؛ کشتش؛ ل: از کشتنا؛ متن = س، ق، ل، س: (نیز هشت دستویس دیگر) ۲۱- ف: (نیز، ل)؛ اهرمنش؛ س: (نیز، ق، و)؛ اهرمنش؛ متن = ل، س، ق، ل، س: (نیز، ل، ی، ل، ب، ل، ن، آ، ب) ۲۲- س: ز ۲۳- ل، س: او؛ بیت های ۱۱۶-۱۱۸؛ درد دستویس ها درهم ریخته اند، ف، س، س: (نیز، ل، آ، ب)؛ (۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰)؛ پیزیی بست های متن = ل، ق، ل: (نیز، ل، ب، ل، ن) ۲۴- ل: بیایم ۲۵- س: این ۲۶- ف، س، س: (نیز، آ، ب)؛ ازین؛ متن = ل، ق، ل: (نیز، ل، ن) ۲۷- ف: این (ای)

- ۴۹۰ تو بردی<sup>۱</sup> ز من شید<sup>۲</sup> و ماه مرا  
فگندی مرا در تگ و پوی پوی  
پس اکنون<sup>۳</sup> به دستان و بند<sup>۴</sup> و فریب  
نباشد ترا بیش ازین<sup>۵</sup> دستگاه  
پس آنگه به خنجر<sup>۱۱</sup> ز تو کین خویش
- ۴۹۵ وُر آنجا بیامد بنزدیک شاه  
برو آفرین کرد کای شهریار  
آنوشه<sup>۱۴</sup> جهاندار<sup>۱۵</sup> نیک اخترا  
ز گیتی یکی پور بودم جوان<sup>۱۷</sup>  
به جانش بر از بیم گریان<sup>۲۰</sup> بُدم  
کنون آمد ای شاه گرگین ز راه  
بد آگاهی آورده<sup>۲۶</sup> از پور من  
یکی اسپ دیده نگوسار<sup>۲۸</sup> زین  
اگر داد<sup>۳۰</sup> بیند بدین<sup>۳۱</sup> کار ما  
ز گرگین دهد داد من شهریار
- ۵۰۰ دو دیده پُر از خون و دل کینه خواه<sup>۱۳</sup>  
همیشه جهان را به شادی گذار!  
نبینی<sup>۱۶</sup> که بر سر چه آمد مرا؟  
شب و روز بودم بروبر<sup>۱۸</sup> نوان<sup>۱۹</sup>  
ز بیم<sup>۲۱</sup> جدایش بریان<sup>۲۲</sup> بُدم  
زبان<sup>۲۳</sup> پُر ز یافه<sup>۲۴</sup>، روان<sup>۲۵</sup> پُر گناه  
از آن<sup>۲۷</sup> نامور پاک دستور من  
ز بیژن ندارد<sup>۲۹</sup> نشانی جزین  
یکی بنگرد ز رف سالار ما  
کزو گشته<sup>۳۲</sup> اندر جهان خاکسار<sup>۳۳</sup>
- ۵۰۵ غمی<sup>۳۴</sup> شد ز درد دلِ گیو شاه  
برآشفت و بنهاد فرخ<sup>۳۵</sup> کلاه

۱- ق. ل: ببردی ۲- س: پور ۳- ل: [و]: متن = ف. س. ق. ل. س: (نیز ل. ق. ل. ب. و. ل. ب) ۴- س: جوی جوی ۵- س: آنگه ۶- ف (نیز ل. ل. آ): مکره: (ل. ن: پند: بند): متن = ل. س: (نیز ل. ق. ب. و. ب) ۷- ل: یاب: س: مانند ۸- ق: صبر: ل: جای ۹- ق: از آن ۱۰- س. ل. س: (نیز ل. ق. ب. و. ل. ب): که تا: متن = ف. ل. ق (نیز ل. ل. آ) ۱۱- ل (نیز ق): بخواهد: متن = ف. س. ق. ل. س: (نیز ل. ل. ب. ل. آ. ب) ۱۲- ل: ز بهر گرامی: متن = ف. س. ق. ل. س: (نیز ل. ب. ل. آ. ب) ۱۳- ف (نیز ل. آ): پرگناه: متن = ل. س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۴- س: همیشه ۱۵- ف (نیز ق. و): جهاندار: متن = ل. س: (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- ل: بسنی ۱۷- ل: گرگین ۱۸- ل: بندوبر ۱۹- ل: برین (!) ۲۰- ف (نیز ق): بریان: متن = ل. س: (نیز ل. ل. ب) ۲۱- ل. س. س: (نیز ق): درد: متن = ف. ق. ل. (نیز ل. ل. ب) ۲۲- ف (نیز ق): گریان: متن = ل. س: (نیز ل. ل. ب): ف پس از این بیت افزوده است:

فرستادی ای شاه گردن فراز  
وزا باز کردی به جنگ گراز

۲۳- ل: زفان: (و: روان: زوان؟) ۲۴- س. ق. ل. س: (نیز ل. ب): یابوه: (ق: پرگرافه): متن = ف. ل. ل. (نیز ل. ل. و. ل. آ. آ. ب) ۲۵- ل. س: دلی ۲۶- ل. س: (نیز ل. ق. ل. ب. و. ل. ب): آورده: متن = ف (نیز ل. آ) ۲۷- س: وزان ۲۸- ل. س: (نیز ل. ب): نگوسار: متن = ف ۲۹- ل: ندیده ۳۰- ق: شاه ۳۱- س. ل: برین ۳۲- ل: که گشته من ۳۳- س. س: (نیز ق. ب): سوگوار: (ب. ل. ن: خواستار): متن = ف. ل. ق. ل. (نیز ل. ل. و. آ) ۳۴- س: غمین ۳۵- س: بر سر: س: از سر: متن = ف. ل. ق. ل

رخ شاه بر گاه بی رنگ<sup>۱</sup> شد  
 به گیو آنگهی گفت: گرگین چه گفت؟  
 ز گفتار<sup>۳</sup> گرگین پس آنگاه گیو  
 چُن<sup>۴</sup> از گیو بشنید خسرو سَخُن  
 که بیژن به جایست<sup>۷</sup>، خرسند باش!  
 ۵۱۰ که ایدون شنیده ستم<sup>۹</sup> از موبدان  
 که من با سواران ایران به جنگ  
 به کین سیاوش کشم لشکر<sup>۱۲</sup>  
 بدانجای با من<sup>۱۵</sup> بود بیژنا  
 تو دل را<sup>۱۸</sup> بدین کار غمگین مدار!  
 ۵۱۵ بشد گیو یک دل پُر<sup>۲۲</sup> اندوه و درد

ز گردان در شاه پردخته دید  
 ز درگاه با گیو رفته نوان<sup>۲۴</sup>  
 پُر از شرم جان بداندیش اوی<sup>۲۸</sup>  
 بیوسید و بر شاه کرد آفرین  
 ۵۲۰ چو گرگین به درگاه خسرو رسید  
 ز<sup>۲۴</sup> تیمار بیژن همه پهلوان<sup>۲۵</sup>  
 برفت از در کاخ<sup>۲۷</sup> تا پیش اوی<sup>۲۸</sup>  
 چو در پیش کیخسرو آمد زمین

۱- س: شاه ایران همی زرد (پس او نندارد) ۲- ل: از: س: (نیز لن: ب): مانند از: (لن: بی: ب: و: آ: مانند آن): متن = ف. س. ق. ل: (نیز ق: ل: ب) ۳- س: کردار ۴- س: ل: س: (نیز ق: ب): مانند متن = ف. ل. ق: (نیز لن: بی: آ) ۵- ق: پیر ۶- ل: س: (نیز لن: ب): چو: متن = ف ۷- ل: بجایست: س: بجایست: متن = ف. س. ق. ل: (نیز لن: ب) ۸- س: ق. ل: س: (نیز لن: ب): اقمید: متن = ف. ل ۹- ف. س. س: (نیز ب): شنیدم من: متن = ل. ق. ل: (نیز لن: آ) ۱۰- س: س: (نیز ب): بخرگاه ترکان: متن = ف. ل. ق. ل: (نیز لن: آ): بنداری: اُنی اَقوَد العساکرانی توران ۱۱- ف: روه: متن = ل: س: (نیز لن: آ) ۱۲- س: لشکرش: (ق: سیاوش لشکر کشم) ۱۳- ف: (نیز بی: آ): آرم: متن = ل: س: (نیز لن: ل: ب: ل: ب) ۱۴- س: کشورش: (ق: بوردی از آنجا که بر کشم) ۱۵- ل: (نیز ل: ب): بدان کینه (ل: جنگ) اندوه: س. ق. ل: س: (نیز لن: ق: ل: ب: ب): بدان کینه گه بر (ق: ل: بی: دره: ب: گس): متن = ف: بنداری: ویکون معی بیژن ۱۶- ل: س: (نیز لن: ب): زرد: متن = ف ۱۷- س: اهرمنا ۱۸- س: ق. ل: س: (نیز لن: ق: ب: ل: ب): توشودن: متن = ف. ل: (نیز بی: ل: و: آ) ۱۹- ق: او ۲۰- س: بوه: س: راز بزدان کنم ۲۱- ل: غمگین ۲۲- س: بیایک دل ۲۳- ف: (نیز بی: آ): وریخ (بی: دل: آ: لب) لاجورد: س: (نیز ق: ب): خون و رخساره زرد: ل: (نیز لن: و): پیر آب و دور رخساره زرد: متن = ل. ق. س: (نیز ل: ب: لن) ۲۴- س: به ۲۵- ل: س: ق. ل: (نیز ل: ب): مهتران: متن = ف. س: (نیز هفت دستویس دیگر) ۲۶- ل: سران: متن = ف. س. ق. ل: س: (نیز لن: ب): ل: س: پس از این بیت افزوده اند:

همه پسر زرد و همه پسر زنج  
 همه همچو گه کرده (س: همه گرد کرده) صد گونه گنج  
 پراکنده رای و پراکنده دل  
 همه خاک ره زانک (س: رنگ) کرده چو گل  
 وزین روی گرگین شوریده رفت (س: سوی گرگین پسر از کینه سر)

بسنزدیک ایوان درگاه نرفت (س: دل کرده پسر درد و آشوب بر)

۲۷- ق: گاه: ل: او ز درگاه: متن = ف. س. س: ۲۸- س: ل: او: ل: این بیت را ندارد

چو الماس دندان‌های گراز  
 - که خسرو به هر کار پیروز<sup>۱</sup> باد!  
 سر دشمنان تو بادا<sup>۲</sup> به گراز  
 به دندان‌ها چون نگه کرد شاه  
 کجا ماند از تو جدا بیژن؟  
 ۵۲۵  
 چو خسرو چنین<sup>۸</sup> گفت گرگین به جای  
 زبان<sup>۹</sup> پُر ز یافه<sup>۱۰</sup>، روان<sup>۱۱</sup> پُر گناه  
 چو گفتارها یک به دیگر نماند  
 همش خیره سر دید و هم بدگمان  
 بدو گفت<sup>۱۴</sup>: نشیدی این<sup>۱۵</sup> داستان  
 ۵۳۰  
 که گر شیر با کین<sup>۱۶</sup> گودرزیان  
 اگر<sup>۱۸</sup> نیستی از پی نامِ بد  
 بفرمودمی تا سرت را ز تن  
 بفرمود خسرو به پولادگر  
 هم اندر زمان پای کردش به بند  
 ۵۳۵  
 که بند گران ساز و مِسما بر سر<sup>۲۲</sup>  
 که از بند<sup>۲۳</sup> گیرد بداندیش پند

- ۱- س: فیروز ۲- ل، ل، ل، س: (نیزلن، ل، آ، ب، ل، ن): روزگارش چو: متن = س، ق (نیزق، ل، و، آ، ب): ف این بیت را ندارد  
 ۳- ل: شهنشه: ق: دشمن پادشا را: متن = ل، س، س: (نیزلن - ب) ۴- ل (نیزلن، ل، ن): کان سران: (ل: چون سران): س، س: (نیزب): بکنده چو دندان‌های: متن = ق، ل: (نیزق، ل، ب، و، آ): ف این بیت را ندارد ۵- ل: گفتا: ف: بپرسیدش و گفت: متن = ل، س، ق، س: (نیزلن - ب) ۶- ل، ل، ل: بروبر ۷- ل، آ، س: اهرمنا: س پس از این بیت افزوده است:  
 چه افتاد کز تو بماند او جدا      مرا بازگویی از نخواهی بلا  
 ۸- ق، ل: چو شاه این سخن (ل: چنین): متن = ف، ل، س، س، ل، س، ق پس از این بیت افزوده‌اند:  
 ندانست پاسخ چه گوید بدوی  
 فروماند بر جای بر (ق: وشد) زرد روی (س: با رنگ و بوی)  
 ۹- ل: زفان ۱۰- س، س: (نیزلن، ب، ل، ن، ب): یاوه: ق: وایه (در بالا افزوده است: یافه): (ق: پر گزافه): متن = ف، ل، ل، ل (نیزلی، ل، و، آ) ۱۱- ل، ف، ل (نیزلی، آ): دلش: س، س: (نیزق، ل، ب): دلی: متن = ل، ق (نیزلن، ل، آ، ب، و، ل، ن، ب، و، آ، ب) ۱۲- ل، س: (نیزلن، ق، ل، آ، ب، و، ل، ن، ب): رخش (ل: رخان: ق، ل، ق، ل، آ، و، دورخ: ب: برخ) زرد و لرزان تن (ب: لرزنده): (ل، آ: دورخ لرزلرزان): متن = ف: س (نیزق، ل، و، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:  
 سخن چینه بر گفت ناسازوار  
 از آن بیشه و گور (س: خوک) و آن مرغزار  
 ۱۳- ق، ل: وز پیش خوبیش ۱۴- ل: بگفتش تو ۱۵- ف، ق، س: آن: ل: از (آ، ن): متن = ل، س ۱۶- ق: جنگ ۱۷- ل، ق: بسجد: س، س: (نیزق، ل، ب، ب): بکوشد: ل: چخداو: متن = ف ۱۸- س: که گر ۱۹- ل: وگر پیش: س: وگر سوی: ق، ل، س: (نیزلن، ل، ب): ویا سوی: (ق: ویا پیش): متن = ف ۲۰- س، س: آیزد ۲۱- (ل): از بدن (ل، آ، ب، ل، ن، آ، ب، بیت ۳۸۲) ۲۳- س: که اندرز (!)  
 ۲۲- س، س: (نیزلن، ل، ب): ویا سوی: (ق: ویا پیش): متن = ف ۲۰- س، س: آیزد ۲۱- (ل): از بدن (ل، آ، ب، ل، ن، آ، ب، بیت ۳۸۲) ۲۳- س: که اندرز (!)

به گیو آنگهی گفت: بازار هوش!  
 من اکنون ز هر سو سواران هزار  
 ز بیژن مگر آگهی<sup>۶</sup> یابم  
 وگر<sup>۸</sup> دیر یابم ازو<sup>۱</sup> آگهی  
 ۵۴۰ بمان تا بیاید مه فوردین<sup>۱۰</sup>  
 بدانگه<sup>۱۳</sup> که بر گل نشاندت باد<sup>۱۴</sup>  
 زمی<sup>۱۶</sup> چادر سبز برپوشد<sup>۱۷</sup>  
 به هرمز<sup>۱۹</sup> شود پاک فرمان ما<sup>۲۰</sup>  
 بخواهم من آن جام گیتی نمای  
 کجا هفت کشور بدوی<sup>۲۲</sup> اندرا  
 ۵۴۵ کنم آفرین بر نیاگان ما<sup>۲۴</sup>  
 بگویم ترا هر کجا بیژنست<sup>۲۷</sup>  
 چو بشنید گیو این سخن شاد شد  
 بخندید و بر شاه کرد آفرین  
 به کام تو بادا سپهر بلند!  
 ۵۵۰ بجویش<sup>۱</sup> به هر جای<sup>۲</sup> و هر سو<sup>۳</sup> بکوش!  
 فرستم همه درخور کارزار<sup>۴</sup>  
 بدین<sup>۷</sup> کار<sup>۵</sup> هشیار بشتابم  
 تو جای خرد را مگردان تپی!  
 که بفزاید<sup>۱۱</sup> اندر جهان هوژ دین<sup>۱۲</sup>  
 به سربر<sup>۱۵</sup> همی گل فشاندت باد،  
 هوا بر گلان زار<sup>۱۸</sup> بخروشد،  
 پرستش که فرمود یزدان ما،  
 شو پیش یزدان، بباشم<sup>۲۱</sup> به پای  
 بینم<sup>۲۳</sup> بروبوم هر کیشورا  
 گزیده جهاندار<sup>۲۵</sup> و<sup>۲۶</sup> پاکان ما<sup>۲۴</sup>  
 به جام این سخن<sup>۲۸</sup> مرا روشنست<sup>۲۹</sup>  
 ز تیمار فرزندش<sup>۳۰</sup> آزاد شد  
 که بی تو مبادا زمان و زمین<sup>۳۱</sup>!  
 به جان تو هرگز<sup>۳۲</sup> مبادا گزند!

۱-س: بجوش و ۲-ف، ق (نیزق، ل، پ): جا؛ متن = ل، س، ل، س (نیزلن، ل، و، لن، آ، ب) ۳-س: در ۴-ل، ق: فراوان سپاه؛ ل (نیزلن، ل، پ، لن، آ): فراوان سوار؛ س، س (نیزق، ب): فراوان زهر سو سوار؛ (و: زهر جا فراوان سوار): متن = ف ۵-ق: ازدر کارزار؛ لن، پ، لن: هم اندر خور کارزار؛ ل، ق: فرستم بجویم بهر جایگاه؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلی، و، آ، ب) ۶-س: کاگهی ۷-س: برین؛ ف (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده اند:

دگر گیورا گفت کای (لی، آ: توای پهلوان گزین) پرهز

مکش خویش از بهر (لی، آ: خویشتن ران) درد پسر

۸-س، س: اگر ۹-ل: یابیم زو ۱۰-ل (لی، ل: فوردین) ۱۱-ل، ل (نیزق، ل): بفروزد؛ متن = ف، س، ق، س (نیزلن، ل، ب) ۱۲-س: هورودین ۱۳-ل: برانگه ۱۴-ل (نیزق، ل): فشاندت باد (پساوند ندارند): س (نیزلن، ل، پ، لن، آ، ب): بدانگه که از (لن، پ، لن: بر: ب: پر) گل شود باغ شاد؛ متن = ف، ل، ق، س (نیزل، و) ۱۵-ل (نیزل، ل): چو بر سر: س، ق (نیزلن، ق، ل، پ، ب): ابر سر؛ ل، آ، س: و بر سرش: متن = ف ۱۶-ل-س (نیزلن، ب): زمین: متن = ف ۱۷-ل، س، ق، ل (نیزلن، ل، آ): در پوشد؛ متن = ف، س (نیزق، ب) ۱۸-س: باد (!) ۱۹-ل (نیزلی، آ): پسر سو: س: پسر جا؛ متن = ف، ق، ل (نیزلن، ق، ل، پ، و، لن، آ، ب) ۲۰-س: من: س این بیت را ندارد ۲۱-س، س: پیش جهاندار باشم: متن = ف، ل، ق، ل ۲۲-ل-س (نیزلن، ب): بدو: متن = ف ۲۳-ق: بجویم ۲۴-ل (نیزق، ل): خویش: س، ل، س: متن = ق، س (نیزلن، ل، ب) ۲۵-س: بزرگان ۲۶-س: ق: [و]: ف این بیت را ندارد ۲۷-س: بیژن ۲۸-ف: اندرون مر: ل-س (نیزق، ل، و، ب): اندرون این: متن = (لن، ل، ل، ب، ل، آ، ب، و، آ): فرزندی: متن = ل، ق، س (نیزلن، لن، آ، ب) ۳۱-ف: که ای پهلوان جهان آفرین (!): س (نیزب): که از تو فرزند کلاه و نگین: ق (نیزلن، ب، لن): که بی تو مبادا کلاه و نگین: ل: که بر تو برآرد کلاه و نگین: (ق: یکی پاک دل خسرو پاک دین: ل، آ: که باد آفرینت ز جان آفرین: و: بدو گفت کای شهریار زمین): متن = ل (نیزل، ل): س این بیت را ندارد ۳۲-ل، ل، پ، لن، آ: ز چشم بدانت): متن = ل، ق (نیزق، ل، و، آ، س، ل، س (نیزق، ل، ب) این بیت را ندارند

ز نیکی دهش بر تو باد آفرین!      که بر تو برازد کلاه و نگین<sup>۲</sup>

چو گیو از بر گاه خسرو برفت      ز<sup>۳</sup> هر سو سواران فرستاد<sup>۴</sup> تفت  
بجستن<sup>۵</sup> گرفتش به<sup>۶</sup> گرد جهان      که یابد مگر زو به جایی<sup>۷</sup> نشان  
همه بوم ایران و توران به پای<sup>۸</sup>      سپردند و نامد نشانش به جای<sup>۹</sup>  
چو نوروز خرم<sup>۱۱</sup> فراز آمدش      ۵۵۵      بدان جام فرخ<sup>۱۱</sup> نیاز آمدش  
بیامد پُراومید<sup>۱۲</sup> دل<sup>۱۲</sup> پهلوان      ز بهر پسر کوز<sup>۱۳</sup> گشته<sup>۱۴</sup> نوان  
چو خسرو رخ<sup>۱۵</sup> گیو پُرمرده دید      دلش را به درد اندر<sup>۱۶</sup> آزرده دید،  
بیامد پیوشید رومی قبای      بدان تا بود<sup>۱۷</sup> پیش یزدان به پای  
خروشید پیش جهان آفرین<sup>۱۸</sup>      به رخشنده بر چند<sup>۱۹</sup> کرد<sup>۲۰</sup> آفرین  
ز فریادگر<sup>۲۱</sup> زور و فریاد خواست      ۵۶۰      از<sup>۲۲</sup> آهرمن<sup>۲۳</sup> بدگش داد خواست  
خرامان از آنجا بیامد<sup>۲۴</sup> به گاه      به سر بر نهاد آن خجسته کلاه  
یکی جام بر کف نهاده<sup>۲۵</sup> نبید      بدوی<sup>۲۶</sup> اندرون هفت کشور پدید<sup>۲۷</sup>  
نشان و نگار<sup>۲۸</sup> سپهر بلند      همه کرده<sup>۲۹</sup> پیدا چه و چون و چند  
ز ماهی به جام<sup>۳۰</sup> اندرون تا بره      نگاریده پیکر همه بکسره

۱- ف: که از تو بنیازد؛ س (نیزب): ابی (ب: که بی) تو مبادا؛ (لن، ب، لن): که از تو فرزند؛ متن = ل ۲- (ل، آ): معین تو بادا جهان آفرین؛ و: که زبید بتوتاج و تخت و نگین؛ ق، ل، س (نیزق، ل): این بیت را ندارند ۳- س، ل (نیزلن، ل، ب، ب): به: متن = ف، ل، س (نیزق، ل) ۴- ل (نیزل، ل، ب): فرستاد؛ و: ق این بیت را ندارد ۵- س (نخستین (جیستن)) ۶- ل: گرفتند ۷- س: بگیتی؛ س: بگیتی مگر زو؛ متن = ف، ل، ق، ل، ق، ل، ق، ل: همه شهر ارمان (ق: ایران) و تورانیان؛ (لن، پ، و): همه شهر ایران (و: ارمان) و توران بپای؛ متن = ف، س، س (نیزق، ل، آ، ب) ۹- ل، ق، ل: ز بیژن نشان؛ (ق: نشانی بجای)؛ متن = ف، س، س (نیزلن، ل، ب، و، آ، ب) ۱۰- ل، ل، س، ق، ل (نیزق، ل، ل، آ، ب): فرخ؛ متن = ف، س (نیزلن، پ، و، ل) ۱۱- ل: روشن؛ س (نیزب): ز زین؛ ل (نیزو): خسرو؛ متن = ف، ق، س (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۲- ل، س (نیزلن، ل، ب): بیامد پراومید دل (س، ب: آن): متن = ف ۱۳- ل، ل، ل (نیزل، و، آ): کوز؛ س، س (نیزلن، ل، پ، ل، ب): گیو؛ متن = ف، ق ۱۴- ل: کرده ۱۵- ف: دل (ق)؛ متن = ل، س (نیزلن، ب) ۱۶- س: بدان پور؛ س: بدو دل (!) ۱۷- س: شود؛ ل: در اینجا سرنویس دارد: دیدن کیخسرو جاد جهان شمارا ۱۸- ل: بیزدان بخشنده کرد آفرین (بیانند ندارد): متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، ب) ۱۹- ل، ل، ل، س (نیزو): بخورشید بر چند؛ س (نیزب): برخشنده زاهد؛ ق: بیزدان و رخشنده؛ متن = ف (نیزلن، ب، لن، آ) ۲۰- ل: برد ۲۱- ل، ل، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، لن، ب): فریادرس؛ ق: فریاد بخش؛ (ل، آ: فیروزگس)؛ متن = ف (نیزق) ۲۲- ف: ز، ق، ل، و: متن = ل، س، س ۲۳- س: اهریمن ۲۴- ق: بیامد از آنجا؛ س: این بیت را ندارد ۲۵- س: نهاد از ۲۶- ل، س (نیزلن، ب): بدو؛ متن = ف ۲۷- ف، س (نیزلن، ب): بدید ۲۸- ف: نشان نگار؛ ل: زمان و نشان؛ س، ق (نیزلن، ق، ل، ب، ب): ز کار و نشان؛ ل: بکار (حرف یکم نقطه ندارد) و نشان؛ (ل: ز کار شمار)؛ متن تصحیح قیاسی است (ه، ف، ل) ۲۹- س، ق: کرد؛ س: این بیت را ندارد ۳۰- س (نیزب): بآب

۵۶۵	چو کیوان و بهرام و هرمزد و شیرا همه بودنی‌ها بدوی <sup>۴</sup> اندرا نگه کرد و <sup>۶</sup> پس جام بنهاد پیش به هر هفت کشور همی <sup>۱</sup> بنگرید سوی <sup>۱۱</sup> کشور گرگساران رسید در آن چاه بسته <sup>۱۲</sup> به بند گران	چو <sup>۲</sup> ناهید <sup>۳</sup> و تیر از بر و ماه زیر بدیدی جهاندار <sup>۵</sup> افسونگرا بدید اندرو <sup>۷</sup> بودنی‌ها ز بیش <sup>۸</sup> که یابد ز بیژن نشانی پدید <sup>۱۰</sup> به فرمان یزدان مرو را بدید به <sup>۱۳</sup> سختی همی مرگ جست اندران <sup>۱۴</sup> ز بهر زوارش بسته <sup>۱۶</sup> میان بخندید و رخشنده شد پیشگاه <sup>۱۷</sup> : ز هر بد تن مهتر آزاد دار! <sup>۲۰</sup> از آپس که بر جانش نامد <sup>۲۲</sup> گزند زوارش یکی ناموردخترست <sup>۲۳</sup> پُر از درد گشتم من از کار <sup>۲۶</sup> اوی <sup>۲۵</sup> که هزمان بگرید بروبر زوار <sup>۲۸</sup>
۵۷۰	منیره کجا بود دُخت <sup>۱۵</sup> کیان سوی گبو کرد آنگهی روی شاه به جایست <sup>۱۸</sup> بیژن تو دل <sup>۱۹</sup> شاددارا! نگر غم نداری به <sup>۲۱</sup> زندان و بند که بیژن به توران به بند اندرست	
۵۷۵	ز بس سختی و رنج <sup>۲۴</sup> و تیمار اوی <sup>۲۵</sup> بدانسان گذارد <sup>۲۷</sup> همی روزگار	

۱- ف: شید (پساوند ندارد): ل: ناهید شیر: س: هرمزد شیر: (ل: هرمزد پیر): ق: چو کیوان و هرمز چو بهرام شیر: ل: چه کیوان و هرمز چه بهرام و شیر: (لن، ب، لن): ل: چه کیوان چه هرمز چه بهرام و شیر: ل: آ: چو کیوان و هرمزد و بهرام و شیر: ب: چه بهرام و هرمز چه کیوان و شیر: متن = (ق، و)، یا = ف پس از تصحیح شید به شیر، یا = س پس از افزودن حرف و ۲- ل: (نیز، ل، ب، لن، آ، ب): چه ۳- ل: خورشید: متن = ف، س، ق، ل: (نیز، لن، ب): س: این بیت را ندارد: درس (نیز، ل، آ، ب) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۴- ل، ل، س، س: (نیز، لن، ب): بدو: ق: بدو بودنی‌ها بدید: ل: همه بود پیدا بنجام: متن = ف ۵- ل: سپه‌دار: متن = ف، س، ل، ق، س: (نیز، لن، ب): در ل: این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است: ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندران که شاه روز نوروز بر تخت نشست و جام جهان‌نمای پیش بنهاد که بیژن کجاست ۶- ل: [و] ۷- ف: بدید او همه: (ق: بدید اندرون: ل: بدان اندرون: آ: بدو اندرون): متن = ل، س: (نیز، لن، ل، ب، و، لن، آ، ب) ۸- س، ق: (نیز، لن، و، لن، آ، ب): بودنی کم و بیش: س: بودنی‌ها و بیش: (ب: بودنی‌های خویش): متن = ف، ل، ل: (نیز، ق، ل، ب): بودنی‌ها ز بیش (۹) ۹- ف (نیز، ق): همه: متن = ل، س: (نیز، لن، ل، ب): ۱۰- ل: ز بیژن بجایی نشانی ندید: س: (نیز، ق، ل، ب): نیامد (ل: که ایمن ز بیژن نشانی ندید: س: بدو اندرون بودنیا بدید: (لن، ب، لن): نشانش (ب: نشانی) ز کم بوده نامد پدید: متن = ف، ل: (نیز، ل، آ) ۱۱- س: جودر ۱۲- ل، ق، ل: (نیز، و): بجای بسته: س، س: (نیز، ق، ل، ب): بدان چاه بسته: (لن: بدانجا بسته: ب، لن: بدان چاه بسته): متن = ف (نیز، ل، آ) ۱۳- ل، ل، س: (نیز، لن، ب): ز: متن = ف ۱۴- ق: (نیز، ق): جستی بر آن: ل: جستی در آن: س: جست مرگ اندران: متن = ف، ل، س: (نیز، لن، ل، ب) ۱۵- ق: هست دخت: س، س: (نیز، لن، ق، ل، ب، لن، آ، ب): یکی دختری از نژاد: متن = ف، ل: (نیز، ل، و): بنداری: و رای منیره علی رأسها تقوم بأمراه ۱۶- ل، س، ق، س: (نیز، لن، ب): زوارش بسته: متن = ف: ل: این بیت را ندارد ۱۷- ف پس از این بیت افزوده است:  
چنین گفت با گیسو کای شوره‌شیر  
خردمند و بیدار و گرد و دلیز

۱۸- ل، س: (نیز، لن، ب): که زندست: متن = ف: بنداری: ضیب قلبک فان اینک فی الخوة ۱۹- ل: (نیز، ل): دلت ۲۰- ل: ز بیژن کنون بهترین یاد دار: (ل، و، آ: از اندیشه جان و دل آزاد دار: ل: همه کار ندیده رایاد لحد د) دان: متن = ف، ل، س، ق، س: (نیز، لن، ق، ل، ب، لن، ب) ۲۱- ق: ز ۲۲- س: که نامد بچانش ۲۳- س: مهترست ۲۴- ل، س: (نیز، لن، ق، ل، ب، لن، ل، ب): رنج و سختی: متن = ف (نیز، ل، و، آ) ۲۵- ل، س، ل، س: او ۲۶- ق: ز زوار: ل، آ: دل از کار: ق: پر اندیشه گشتم زیکار: ل: (نیز، و): پر اندیشه گشتم دل از کار: متن = ف، ل، س، س: (نیز، لن، ل، ب، لن، ب) ۲۷- س: برانسان گذارد: س: گذارد برسان ۲۸- س: (نیز، و، آ): برو زار زاره: ق، س: (نیز، ب): بروبر بزاره: (ل: بدو زار زار): ل: بروبر بگرید زوار: (ق: بروبر بگرید بزاره: ل: بدو باز گردد زوار: لن، ب، لن): که هر دم بگرید چو ابر پیار: متن = ف، ل:

ز پیوند و خویشان شده ناامید  
 دو چشمش پُر از خون و دل پُر ز درد  
 ۵۸۰ چو ابر بهاران<sup>۵</sup> به بارندگی  
 بدین<sup>۷</sup> چاره اکنون که جنبد ز جای<sup>۸</sup>؟  
 که دارد<sup>۱</sup> بدین کار ما<sup>۱۱</sup> را وفا؟  
 نشاید<sup>۱۳</sup> مگر<sup>۱۴</sup> رستم تیزچنگ  
 کمر بند<sup>۱۵</sup> و برگش سوی نیمروز  
 ۵۸۵ بر نامه‌ی من سوی<sup>۱۷</sup> رستما<sup>۱۸</sup>

گیارنده<sup>۱</sup> برسان<sup>۲</sup> یک شاخ بید  
 زبانش ز خویشان<sup>۳</sup> پُر از یادکرد<sup>۴</sup>  
 همی مرگ جوید بر آن<sup>۶</sup> زندگی  
 که خیزد میان بسته این را به پای<sup>۹</sup>؟  
 که آرد مرو را ز سختی<sup>۱۲</sup> رها؟  
 که از ژرف دریا برآرد نهنگ  
 شب از رفتن راه ماسای و<sup>۱۶</sup> روز  
 مزن - داستان را - به ره بر دما<sup>۱۹</sup>

۱- ل: گزارنده (گذارنده): ق (نیز آ): گزارنده (گذارنده): ل (نیز، ب): گزارنده (گذارنده): س: گزارنده (گذارنده): (ل): گزارنده (گذارنده): ل: گزارنده: متن = ف: گیارنده (= گزارنده) ۲- س: گزاران و لرزان چو: (ل، ب، ل): گزاران و لرزان چو: ق: گزارد ابرسان) ۳- ق: زپهلوی: (ل، و، آ: زخسرو): س (نیز ب): زپهلوی زبانش: متن = ف، ل، س: (نیز ل، ق، ل، ب، ل): ۴- ف: باد سرد: متن = ل، س، ق، س: (نیز ل، ب): ل: این بیت را ندارد ۵- ل: بهاری ۶- ل، س، ق، ل: (نیز ل، ب، ل، ب): بدان: س: بدین: متن = ف (نیز، و، آ) ۷- س: برین ۸- ل: جا ۹- ل: پا: س: بسته و تیزبای ۱۰- س: آرد ۱۱- ف: مرین ازدها (؟): س: (نیز ل، ب، ل، آ): بدین (ل، آ: مرین) رازما: متن = ل، س، ق، ل: بنداری: فن بنهض الآن بکشف هذا الخطب الفادح فیسمی فی خلاصه ویتلا فی حاشاشه؟ ۱۲- ل، ل، ل، س: (نیز ق، و): زسختی مرو را: متن = ف، س، ق (نیز ل، ل، ب، ل، آ): س، ل: پس از بیت ۵۸۲ (پس از بیت ۵۸۴ و ب پس از بیت ۵۸۱) افزوده اند:

بباید هم اکنون بزودی (ل: بیاردرش از آنجای زود و) نه دیر

رسیده بکاه و بدشمن دلیر (ل: حیر: و: زحیر)

بخنید گيو و بکرد آفرین	بگفت ای خدای جهان آفرین (س ندارد)
اگر روی بیژن نمایی (س: نماید) مرا	نه برداره از سجده هرگز سرا
متایش کنم پشید و هم ماه را	بخوادم ز او (ل: زشه) کین بدخواه را
5 ز گرگین میلاد آن بدکش	بجویم از او کین اهرممش
چو بشنید گيو این سخن شاد شد	روانش از اندیشه آزاد شد (ل ندارد)
ببوسیدش اندر زمان روی تخت	بکرد آفرینی ابر شاه سخت (ل ندارد)

شش گفت ازین پس (ل: اکنون) مدار ایچ غم

نویسه یکی نامه نزدیک عم (ل: بر رستم)

بخوانش ازین کار (ل: بخوانم وزین کارش) آگه کم

سخن بر تو ای گيو کوتاه کم

۱۳- ف: گشاید (؟): متن = ل، س: (نیز ل، ب) ۱۴- ل، ق (نیز ق، ل، و، آ): جزا: (ل: بجز): متن = ف، س، ل، س: (نیز ل، ب، ل، ب): س (نیز ل، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

نوبشنوز من سربسر گفت من

برافراز سراز همه انجمن

۱۵- ف: مگویند (مگویند؟): متن = ل، س: (نیز ل، ب): کمر بند (مگویند؟) ۱۶- ف، ل (نیز ل): ماساو: س، س: (نیز ل، ق، ل، ب، ل، آ، ب): ره میاسای (ن: میاسا) و: متن = ق، ل (نیز و) ۱۷- ل، س: (نیز ل، ب): بر: متن = ف ۱۸- س:

پهلوان ۱۹- س: تو بر کس دما: س: مگر نزد ما: س: داستانی بره تاتوان: س، س: (نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

چو بشنید گيو این (س: آن) سخنها چنین

ابر شاه کردش هزار آفرین



گفتار اندر نامه نشتن شاه کیخسرو به رستم<sup>۱</sup>

نیسندهی<sup>۲</sup> نامه را پیش خواند  
 به رستم یکی نامه فرمود شاه  
 که ای پهلوان زادهی<sup>۶</sup> پُره‌نر  
 توی<sup>۸</sup> از نیاگان ما<sup>۹</sup> یادگار  
 ترا داد<sup>۱۰</sup> گردن<sup>۱۱</sup> به مردی<sup>۱۲</sup> پلنگ  
 ۵۹۰ دل شهر ایران<sup>۱۴</sup> و پشت گیان<sup>۱۵</sup>  
 جهان را ز دیوانِ مازندران  
 همه جادوان را بیستی به گرز<sup>۱۹</sup>  
 چه مایه سر تاجداران<sup>۲۲</sup> ز گاه  
 بسا دشمنان<sup>۲۴</sup> کز تویی جان شده است<sup>۲۵</sup>  
 ۵۹۵ سر پهلوانی و<sup>۲۸</sup> لشکریناه<sup>۲۹</sup>  
 چه<sup>۳۰</sup> افراسیاب و چه شاهان<sup>۳۱</sup> چین  
 هر آن بند کز دست تو بسته شد  
 گشایندهی بند بسته توی<sup>۳۵</sup>

وُزین<sup>۳</sup> داستان چند با او براند  
 نشتن<sup>۴</sup> ز مهر سویی<sup>۵</sup> نیک خواه  
 ز گردانِ لشکر<sup>۷</sup> برآورده سر،  
 همیشه کمر بسته‌ی کارزار  
 به دریا ز بیمت<sup>۱۳</sup> خروشان نهنگ  
 به فریاد<sup>۱۶</sup> هر کس کمر بر میان  
 بستی، بکندی<sup>۱۷</sup> بدان<sup>۱۸</sup> را سران  
 بیفروختی تاج<sup>۲۰</sup> شاهان به برز<sup>۲۱</sup>  
 ربودی و برکندی از پیشگاه<sup>۲۳</sup>  
 بسا بوم و برکز<sup>۲۶</sup> تو ویران شده است<sup>۲۷</sup>  
 بنزدیک شاهان ترا دستگاه  
 نبشته<sup>۳۲</sup> همه<sup>۳۳</sup> نام تو بر نگین  
 گشاینندگان<sup>۳۴</sup> را جگر خسته شد  
 گیان را سپهر خجسته توی<sup>۳۵</sup>

۱- ف: گفتار اندر نامه نشتن شاه کیخسرو به رستم و خواندن او را تا چاره کار بیژن بسازد؛ ل، س: نامه نوشتن کیخسرو به رستم زال؛ س، ق: نامه شاه کیخسرو بر رستم و رفتن گیو بزرابلستان (ق: بزابل)؛ متن = آغاز ف ۲- ل، س، ق، س: (نیز لن، ق، ل، ل، و، لن، آ، ب): نویسنده؛ متن = ل (نیز پ) ۳- س، ق: وزان؛ (لن، پ، لن: ازین)؛ متن = ل، ل، س: (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب): ف این بیت را ندارد؛ بنداری: فاستحضر الکاتب ۴- ل (نیز لن، آ، ب): نوشتن؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب) ۵- س: ز بر دل؛ س: سوی مهر ۶- ل: پهلوان بچه ۷- ق: بایران و توران؛ درل پس از این بیت، بیت ۵۹۱ آمده است ۸- س، ق، س: تویی؛ متن = ف، ل، ل، ل ۹- ل، ق، ل (نیز لن، ل، ل، ب، آ): مرا؛ س (نیز ق، ب): من؛ متن = ف، س: (نیز و) ۱۰- س: داده ۱۱- ل، س: گردون (گردن)؛ (لن، لن: گردی - گردن)؛ متن = ف، ق، ل (نیز ق، ل، ل، ب، و، آ) ۱۲- س: ترا دادگر داد زور ۱۳- ق: زبیمت بدریا؛ درق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۴- ل (نیز لن، ل، ب، لن، آ، ب): شهریاران؛ س: شهر یاری؛ ق (نیز ل): شاه ایران؛ ل: در شهر ایران؛ س: (نیز ق، و): سر پهلوانان؛ متن = ف ۱۵- ف: کوان؛ متن = ل - س: (نیز لن - ب) ۱۶- ل: بفرمانت؛ درل پس از این بیت، بیت ۵۸۹ آمده است ۱۷- ل، س: (نیز لن، ق، پ، و، لن، آ، ب): بستی و کندی؛ متن = ف (نیز ل، آ) ۱۸- س: سران ۱۹- س (نیز و): بختی بگرز؛ ق: شکستی بگرز؛ (لن: بیستی بیند؛ ل، ب، لن، آ: بکشتی بگرز)؛ متن = ف، ل، ل، س: (نیز ق، ل، ل) ۲۰- ق: حان (حرف یکم نقطه ندارد) ۲۱- ل: شاهان و برز؛ (لن: تاج و تخت بلند)؛ درل، ق، ل، لن، ل، پ، لن: این بیت پس از بیت ۵۹۶ و درو پس از بیت ۵۹۵ آمده است؛ بیایی بیت های متن = ف، س، س، ق، ل، ل، آ ۲۲- س: دشمنان را ۲۳- س: ربودی تنها فکندی بچاه ۲۴- ل، س، س، س: (نیز ل، و، لن): دشمنان؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، ب، آ، ب) ۲۵- ل: بدست تو دشمن بسی کم شدست ۲۶- ق: برومشان از ۲۷- ل: درو بومشان از تو با غم شدست ۲۸- ق: پهلوانان و؛ س: پهلوانان؛ متن ← ۲۹- س: سر شهر یاری و گردان شاه؛ متن = ف، ل، ل، ل: در س: لتهای این بیت پس و پیش شده اند ۳۰- ل: چو ۳۱- س: خاقان ۳۲- ل (نیز ل، ل، و، آ): نوشته؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز لن، ق، ل، ب، لن، آ، ب) ۳۳- س: همی ۳۴- ل: گشاینده گان ۳۵- ف، س، ق، ل: تویی؛ متن = ل؛ س: این بیت را ندارد

۶۰۰ ترا ایزد این زور پیلان<sup>۱</sup> که داد  
بدان داد تا دست فریادخواه  
کنون این یکی کار شایسته<sup>۴</sup> پیش  
به تو دارد اومید<sup>۶</sup> گودرز و گیو  
شناسی بنزدیک من<sup>۸</sup> جاهشان  
۶۰۵ سزد گر تو این را نداری<sup>۱۱</sup> به رنج  
که هرگز بدین دودمان غم نبود  
نبد گیو را خود جزین<sup>۱۵</sup> پور کس<sup>۱۶</sup>  
فراوان بنزد منش<sup>۱۸</sup> دستگاه  
به هر سو که جومش یابم<sup>۲۰</sup> به جای  
۶۱۰ چو این نامه‌ی من بخوانی مپای!  
بدان تا بدین کار با ما<sup>۲۳</sup> بهم

دل شیر<sup>۲</sup> و فرهنگ و<sup>۳</sup> فرخ‌نژاد،  
بگیری برآری ز تاریک‌چاه  
فرازآمد و هست بایسته خویش<sup>۵</sup>  
که هستی به هر کشور امروز<sup>۷</sup> نیو  
زوان<sup>۹</sup> و دل و رای<sup>۱۰</sup> یکتاهشان  
بخواه آنج<sup>۱۲</sup> باید ز مردان و گنج  
فروزنده‌تر زین چنان<sup>۱۳</sup> که م‌شوند<sup>۱۴</sup>  
چه فرزند بودش<sup>۱۷</sup>، چه فریادرس  
مرا و تبار مرا<sup>۱۹</sup> نیک‌خواه  
به هر نیک و بد پیش من بر<sup>۲۱</sup> به پای  
سبک باش! با گیو خیز ایدر آی<sup>۲۲</sup>!  
زنی رای فرخ به هر بیش و کم

۱- س: زور مردی؛ درل دربالا افزوده است؛ و بازو ۲- ل: دل و هوش؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۲</sup> (نیز ق<sup>۲</sup>، ل، ل، ل، و، آ، ب) ۳- ف، ل، س، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، ل، و، آ، ب): [و]؛ متن = ق ۴- ل: بایسته؛ ل: بسته به؛ متن = ف، س، ق، س<sup>۲</sup> (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب) ۵- ل: آمد و است شایسته خویش؛ س: آمدست ز شایسته خویش؛ ق: آمدست آن نه بر جای خویش؛ ل: آمدست آن شایسته خویش؛ س<sup>۱</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>): آمد اینست بایسته (ق: شایسته) خویش؛ لن: آمد ای گرد شایسته کیش؛ ل: آمدست نه بر کاه خویش؛ پ، لن: آمدست اینست شایسته خویش؛ ب: آمدست و نیب است پیش؛ متن = ف؛ س، ل، ب پس از این بیت چهار بیت و ق، ل تنها بیت یکم را افزوده‌اند (ل، آنیز این بیت‌ها و بیت‌های دیگری را افزوده‌اند):

چنین کار نامد بگودرز زیان  
از آن گرگاران و (ق، ل، ل، ل: گرگ چهران) نورانیان  
بدین روزها مرد فریادگر (ل: بردل ما رسول)  
بدین بارگاه آمد ای نامور (ل: ز راه دراز آمد اندر دخول)  
از ارمانان آمده دادخواه  
که بیشه شد از خوک یکسر (ل: شده از گرازان) تباہ  
همه گفتها یک‌بیک (ل: گفتی‌ها درو) بازگفت  
نموده بر آن حال بیژن نهفت (ل: بنامه دراز بیژن نیک جفت)

۶- ل- س<sup>۱</sup> (نیز لن- ب): ائید؛ متن = ف ۷- ف: کشوری مرد؛ ل<sup>۲</sup> (نیز ق<sup>۲</sup>، و): کشور و مرز؛ متن = ل، س، ق، س<sup>۲</sup> (نیز هفت دستوبیس دیگر) ۸- ق، ل: تودانی بنزدیک من ۹- ف: روان (جزوان)؛ ل- س<sup>۲</sup> (نیز لن- ب): زبان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- ف: جان؛ (ل، آ: راه-جرائ)؛ متن = ل- س<sup>۲</sup> (نیز هفت دستوبیس دیگر) ۱۱- س: تونیز اندر آبی؛ س<sup>۱</sup>: نداری تو این را؛ متن = ف، ل، ق، ل<sup>۱</sup> ۱۲- س<sup>۱</sup>: آنچه ۱۳- س<sup>۱</sup>: چنین ۱۴- ل: نبود ۱۵- ل: جز او ۱۶- ف: نیز کس؛ س (نیز ب): پور و بس؛ متن = ل، ق، ل<sup>۲</sup> (نیز لن- آ) ۱۷- ل: بود و؛ ق: چه انده گسارو؛ س<sup>۱</sup>: این بیت را ندارد ۱۸- س، س<sup>۱</sup>: بنزدیک من ۱۹- س: مرا و ترا هر دو ان ۲۰- س<sup>۱</sup>: که پور ایشان ۲۱- ق: در؛ س: هست پشم ۲۲- س<sup>۱</sup> (نیز و): اندر آئی؛ (ل، آ: زود اندر آئی)؛ ف: سبک باز (سبار؟ باش؟) با گیو خیز ایدر آئی؛ ل: بزودی تو با گیو خیز اندر آئی؛ س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، ب): سبک باش و با گیو خیز اندر (لن، ب: ایدر) آی؛ ق، ل<sup>۱</sup> (نیز ل<sup>۲</sup>): سبک خیز و (ق: خیز) با گیو نزد من آی؛ متن = ف پس از تصحیح باز به باش ۲۳- ل: کار ما را (!)

ز مردان و از گنج و از خواسته<sup>۲</sup> بیارم به پیش تو آراسته<sup>۳</sup>  
 به قرخ‌پی و<sup>۴</sup> برشده‌نام تو مگر بیژن از بند یابد<sup>۷</sup> رها

۶۱۵ چو بر نامه بنهاد خسرو نگین  
 وُز آنجا بیامد سوی خانه رفت<sup>۹</sup>  
 سواران دوده همه برنشاند  
 چو نخچیر از آنجا که برداشتی<sup>۱۳</sup>  
 بیابان گرفت و ره هیرمند  
 به گورابد اندر نهادند<sup>۱۷</sup> روی  
 چو از دیدگه دیدبانش<sup>۱۸</sup> بدید<sup>۱۹</sup>  
 که آمد سواری سوی<sup>۲۱</sup> هیرمند  
 درفش درفشان<sup>۲۳</sup> پس پشت او<sup>۲۴</sup>  
 عو دیده<sup>۲۶</sup> بشنید دستان سام

سِتد<sup>۸</sup> گیو و بر شاه کرد آفرین  
 ره<sup>۱۰</sup> سیستان را بسیچید و تفت<sup>۱۱</sup>  
 به یزدان پناهد و نامش بخواند<sup>۱۲</sup>  
 دو<sup>۱۴</sup> روزه به یک روز<sup>۱۵</sup> بگذاشتی  
 همی رفت پویان بسان نوند<sup>۱۶</sup>  
 همی شد خلیده دل و راه جوی  
 سوی زاولستان<sup>۲۰</sup> فغان برکشید  
 سواران به گرداندرش نیز<sup>۲۲</sup> چند  
 یکی کاو<sup>۲۵</sup> تیغ در مشت او<sup>۲۴</sup>  
 بفرمود بر چرمه کردن لگام

۱- ل، ق، ل، س؛ ۲- ف، س (نیزب)؛ گنج آراسته؛ ل، ق، ل، س؛ (نیزلن)؛ گنج و زخواست؛ (ب) گنج پیراسته؛ متن = (ق)؛  
 ل، ل، و، آ) ۳- ف: تو از خواسته؛ س (نیزب)؛ بیارم در پیش با خواسته؛ س (نیزق)؛ بیارم در پشت آراسته؛ (ب) ل، و؛ (و)؛ بیارم  
 پیش تو آراسته؛ متن = ل، ق، ل، (نیزل، ل، آ) ۴- ل: بی بی؛ س (نیزب)؛ بی بی؛ (ل، ب، پی)؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزلن، ل، و،  
 ل، آ) ۵- ف: ز ترکان برآید؛ ل (نیزو)؛ برآید ز تووان؛ متن = ل، س، ق، س (نیزهشت دستویس دیگر) ۶- ل، ق، ل، آ، س؛  
 (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، آ، لغت فرس، ص ۶، لغت شهنامه، شماره ۲۴۳۵)؛ بیاید بسازی؛ س (نیزب)؛ بیایی بسازی (درس حرف چهارم  
 واژه یکم نقطه ندارد)؛ (ل: بیاید بشادی)؛ متن = ف: بسای (حرف دوم نقطه ندارد، بیایی؟ بیایی؟) ۷- س، ق (نیزلن، ق، ب، ل، و،  
 ب، لغت دری، لغت شهنامه)؛ گردد؛ متن = ف، ل، ل، س؛ (نیزل، ل، و، آ)؛ س، ق (نیزق، ل، و، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:  
 نویسنده نامه را پیشگاه (نامه نیکخواه)  
 بیچید و عشوان نوشتش بدان (بزر)  
 چو خسرو همان ساعت انگشتری  
 چو نوشت نامه بفرمان شاه (سپردش بشاه)  
 سپردش بدان نامور پهلوان (رهبر نامور)  
 نهادش بران نامه از مهتری

۸- ق: بشد (است) ۹- ل: تفت ۱۰- س: سوی ۱۱- س: بسازید تفت؛ ل: بیچید و رفت؛ (ل، ق، آ، ب: بیچید  
 تفت)؛ متن = ف، ق، س؛ (نیزل، ب، ل، آ)؛ ل این بیت را ندارد ۱۲- ل: و لشکر براند؛ ق: و اسبش براند؛ ف: بیزدان و ناهید (ب  
 پناهد) و نامش بخواند؛ س (نیزب)؛ یزدان بنالید و نامش بخواند؛ متن = ل (نیزلن - آ)؛ س این بیت را ندارد ۱۳- (ب: برداشتی؛  
 ق: از آنجاییکه داشتی) ۱۴- ق: سه ۱۵- ف، ل (نیزق، ل، ل، س)؛ روزه (؟)؛ متن = س، ق، ل، س؛ (نیزلن، ل، ب، و، آ،  
 ب) ۱۶- ق: سواران بگرد اندرش تان چند (۶۱۹ب - ۶۲۲آ را انداخته و از ۶۱۹آ و ۶۲۲ب یک بیت ساخته است)؛ ل: همی گرفت  
 راه و همی ساخت بند؛ متن = ف، ل، س، س؛ ۱۷- ل: بکوه و بصحرا نهادند؛ س (نیزب)؛ بکوه و بیابانش بنهاد؛ ل: بکورابه اندر نهادند؛  
 س؛ بکوه و بیابان نهادند؛ (ل، ب، ل، آ: بتنها بران ره درآورد؛ ق، و: سوی سیستان زود بنهاد؛ ل، آ: براه بیابان نهادند)؛ متن = ف ا ه  
 ل) ۱۸- ل، س (نیزق، ل، ب، و، ل، آ)؛ دیده بانش؛ متن = ف، س (نیزل، آ، ب) ۱۹- ل: دیده بان بنگرید ۲۰- ل، س  
 (نیزلن، ل، ب، بنداری)؛ زابلستان؛ متن = ف، ل، س (نیزق) ۲۱- ل: بر ۲۲- ق: نای؛ ل: بای (!) ۲۳- ل:؛  
 درفشان درفش ۲۴- ل، س: او ۲۵- ل: زابل؛ س، ق، ل، س؛ (نیزلن، ل، ب، ل، آ، ب)؛ کابل؛ (ق: پهلوان)؛ متن = ف (نیز  
 ل، و، آ) ۲۶- س: نمودند و عودیده)؛ ق، ل: چو از دیده؛ متن = ف، ل، س

۶۲۵ بزد اسپ و<sup>۱</sup> آمد پذیره به راه  
به<sup>۲</sup> ره گیو را دید پزمرده روی  
به دل گفت: کاری<sup>۴</sup> نوآمد به شاه<sup>۵</sup>  
چو نزدیک شد پهلوان<sup>۶</sup> سپاه<sup>۷</sup>  
پرسید دستان از<sup>۹</sup> ایرانیان  
۶۳۰ درود بزرگان به دستان بداد  
همه درد دل پیش دستان بخواند<sup>۱۲</sup>  
همی گفت: رویم نیسی به رنگ  
وژان<sup>۱۳</sup> پس نشان تهمتن بخواست  
بدو گفت: رستم به نخچیر گور  
شود - گفت - تامن<sup>۱۵</sup> بینمش روی  
۶۳۵ بدو گفت<sup>۱۷</sup> دستان کز<sup>۱۸</sup> ایدر مرؤ  
تو تا رستم آید به خانه<sup>۲۰</sup> بیای

چو گیو اندرآمد به ایوان ز راه<sup>۲۳</sup> تهمتن بیامد ز نخچیرگاه

۱- ل. ق. ل. (نیزو) پزاندیشه: س. بزد دست (حاسب) و: متن = ف. س (نیزهشت دستویس دیگر): بنداری: فرکب و تلقاهم ۲- ل. مگر ۳- ل. س. ق. (نیزلن. ل. ب. ل. ن): ز: متن = ف. ل. س. (نیزق. ل. و. آ) ۴- ف: کاره: متن = ل. س. (نیزلن. ب) ۵- س (نیزب): شکفت ۶- ل: فرشته (فرسته) براه: ل: فرستاده گیوست کامد براه: س (نیزب): که گیوست از نزد شاه از نرفت: (ل): که گیوست فرستاده ز ایران براه: و: که گیوارنشانی فرستد براه: متن = ف. ق. س. (نیزلن. ق. ل. ب. ل. آ): س. ب. پس از این بیت دو بیت ولی آنها بیت یکم را افزوده اند:

فرود آمد از اسپ گیو دلیر

همان زال زرنامه بردار شیر

گرفتند مریکدگر در کنار

بیسر میلدش از خسرو نامدار

۷- ل: چو گرد آمدند آن دو پهلوان دو شاه ۸- ل. س (نیزلن. ق. ل. ب. و. ل. ب): نبایش کنان: متن = ف. ق. ل. س. (نیزل. آ) ۹- ل. س: ز ۱۰- ل: ز نیکان و رزانیان (!) ۱۱- س. س: و بزرگان ۱۲- ق: بگفت (پساوند ندارد) ۱۳- ل (نیزق): از آن: متن = س. ق. ل. س. (نیزلن. ل. ب): ف بیت های ۶۳۳-۶۳۵ را ندارد. ولی در ترجمه بنداری نیز هست: وسایله عن رستم قتال: لیه رکب لمصید. والساعة يعود (= ۶۳۳ و ۶۳۴) ۱۴- س. ل. س. (نیزلن. ل. ب): بشگیر: ق: که بریست: (آ: چو برگشت): متن = ل (آ): ف این بیت را ندارد: در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵- س. س: پس تا ۱۶- ق: بروی: ف این بیت را ندارد ۱۷- س. س: بفرموده: ق: چنین گفت: متن = ف. ل. ل. ۱۸- ق: از ۱۹- ل: کنون ۲۰- ق (نیزق. ل): هم ایدر: ل: بخانه: متن = ف. ل. س. س. (نیزلن. ل. ب. ب) ۲۱- س: یکی روز ۲۲- ف. س (نیزق. و. ب): من: متن = ل. ق. ل. س. (نیزلن. ل. ب. ل. آ): س (نیزلن. ب. ل. ن): پس از این بیت افزوده اند:

بفرستند هر دو بایوان زال

نشستند هر دو سخن را مکل

۲۳- ق. ل. س: ز ایوان براه: متن = ف. ل. س

<p>پیاده شد و برد پیشش نماز<sup>۲</sup> به رخ بر نهاده ز دیده<sup>۵</sup> دو جوی بدآب<sup>۶</sup> مژه روی او شسته دید. بدایران<sup>۹</sup> و بر شاه و بر<sup>۱۰</sup> روزگار پرسیدش از<sup>۱۲</sup> خسرو تاجور ز گردان آشکر همه بیش و کم ز رهام<sup>۱۷</sup> و گرگین<sup>۱۸</sup> و از<sup>۱۶</sup> هر تن برآمد به ناگاه<sup>۱۹</sup> ازویک<sup>۲۰</sup> خروش گزین<sup>۲۲</sup> همه خسروان<sup>۲۳</sup> زمین بدین<sup>۲۴</sup> پرسش و خوب<sup>۲۵</sup> گفتار تو وزیشان<sup>۲۷</sup> سوی تو درود و پیام<sup>۲۸</sup> چه آمد ز<sup>۳۰</sup> بخت بد اندر خورم<sup>۳۱</sup> کز آن<sup>۳۳</sup> سودها مایه آمد<sup>۳۴</sup> زیان که هم<sup>۳۵</sup> پور و هم پاک دستور بود</p>	<p>پذیره شدش کز ره آمد فرازا<sup>۱</sup> پر از آرزو دل<sup>۳</sup>، پر از رنگ<sup>۴</sup> روی چو رستم دل گیسو را خسته دید به دل<sup>۷</sup> گفت: باری<sup>۸</sup> تبا هست کار از<sup>۱۱</sup> اسپ اندر آمد گرفتش به بر ز گودرز و از<sup>۱۳</sup> طوس و از<sup>۱۳</sup> گزده<sup>۱۴</sup> ز شاپور و فرهاد<sup>۱۵</sup> و از<sup>۱۶</sup> بیژن چو آواز بیژن رسیدش به گوش به رستم چنین گفت کای<sup>۲۱</sup> بافرین چنان شاد گشتم به دیدار تو درستند این هر که<sup>۲۶</sup> بردی تو نام نبینی که بر من به پیران سرم<sup>۲۹</sup> چه چشم<sup>۳۲</sup> بد آمد به گودرز زیان ز گیتی مرا خود یکی پور بود</p>
---	--

۱- ق: پدید؛ ل (نیز، ل، ب، ل، ن): گیسو ک آمد (ل: و آمد) فراز؛ متن = ف، س، ل، س (نیز، ل، ب، و، آ، ب) ۲- ف: شد و پیش بردش نماز؛ ل، ل (نیز، ل، ب، ل، ن): شد از اسب و بردش نماز؛ س (نیز، ب): شدش بیش و بردش نماز؛ ق: شد از اسب کورا پدید؛ (ق): فرود آمد و برد پیشش نماز؛ متن = س (نیز، ل، و، آ) ۳- ل: آرزوی دل؛ س (نیز، ب): خون دو دیده؛ ق: درد دل (وزن ندارد)؛ ل: پر آزار جان و؛ متن = س (نیز، ل، آ) ۴- ل: پر آرزنگ؛ س (نیز، ل، ب، و، ل، آ): پر از آب؛ (ل: پر از اشک)؛ متن = ل، س، ق (نیز، ق، ب) ۵- ل: بر نهاد از دو دیده؛ س (نیز، ل، ب، ل، ن، آ): ز دیده نهاده برخ بر؛ (ق): نهاده ز دیده برخ بر؛ متن = ق، ل، آ، س (نیز، و)؛ ف این بیت را ندارد ۶- ل، س (نیز، ل، ب): باب؛ متن = ف ۷- ل، س (نیز، ب): بدو؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز، ل، ن، آ): بنداری؛ فقال فی نفسه ۸- س: کاری ۹- ل، س (نیز، ل، ق، ل، ب، و، ل، ن، ب): بایران؛ متن = ف ۱۰- ف: بز (؟)؛ ل، ق (نیز، و): [و] بد؛ (ل: [و] به)؛ متن = س، ل، س (نیز، ل، ق، ب، ل، ن، آ، ب)؛ در س این بیت پس از بیت ۶۴۶ آمده است ۱۱- ف، ل: ز؛ متن = س (نیز، ل، و) ۱۲- ل: پرسید از آن ۱۳- ل، ق، ل، س: وز؛ متن = ف، س ۱۴- ل، س (نیز، ل، ب): گشتم؛ متن = ف، بنداری (حرف دوم در ف نقطه ندارد و در ترجمه بنداری یک نقطه دارد) ۱۵- س (نیز، ل، ب، ل، ن، آ): رهام؛ (ل، آ: گرگین؛ و: شیدوش؛ ب: بهرام)؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیز، ل، آ) ۱۶- ل، ق، ل، س: وز؛ متن = ف، س ۱۷- ف: بهرام (؟)؛ س: گرگین؛ (ل، ب، ل، ن، آ: فرهاد)؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز، ل، ب، و، آ، ب) ۱۸- س: رهام؛ (ل، آ: فرهاد)؛ بنداری: ثم سائله عن الملك و أحوال المسکة ثم عن جودرز و طوس و کردقم و ساپور و بیژن و فرهاد و جمیع الاکابر و السادة ۱۹- ل، ق (نیز، ل، ن، ق، ل، ب، ل، ن، آ): بنا کام؛ س (نیز، ب): زناگاه؛ س: زناگاه؛ متن = ف (نیز، ل، آ) ۲۰- س: صد؛ ل: بناگاهش از دل برآمد؛ در س پس از این بیت، بیت ۶۴۲ آمده است ۲۱- س: [کای] (وزن ندارد) ۲۲- ف: ننگین (؟)؛ متن = ل، س (نیز، ل، ل، ب) ۲۳- ل: پهلوان ۲۴- ف: وزین؛ متن = ل، س (نیز، ل، ب) ۲۵- ل، س، ل، س: پرسش خوب و؛ متن = ف، ق (نیز، ل، و) ۲۶- ل: ازین هرک؛ س (نیز، ب): اینها که؛ ق، ل (نیز، ل، و): ازین هرکه؛ س: پرسش خوب و؛ متن = ف، ق ازینها که؛ ل: ازین هرچه)؛ متن = ف ۲۷- ل: ازیشان ۲۸- ل: فراوان درود و پیام؛ س، س (نیز، ل، ب، ل، ن، آ): درود و سلام و پیام؛ ق: ازیشان درود و پیام؛ ل: درود و پیام و سلام؛ (ق): بتو بر درود و سلام؛ ل، و: بر تو درود و سلام)؛ متن = ف ۲۹- س، س: سرا ۳۰- س: به ۳۱- س، س: اندر خورا ۳۲- ق: بخت ۳۳- ف: وزان؛ (ل، ب، ل، ن، آ: کزین)؛ متن = ل، س (نیز، ق، ل، ب، و، آ، ب) ۳۴- ل: دارم؛ ل: سود ما را سر آمد؛ (ل، ب، ل، ن): سود جستن سر (ب: بر) آمد؛ ق: سود سرمایه آمد؛ متن = ف، س، ق، س (نیز، ل، و، آ، ب) ۳۵- ل، س، ق، ل (نیز، ل، ب، و، آ، ب): هم؛ متن = ف، س (نیز، ل، ب، ل، ن)

۶۵۵ شد از چشم من در جهان<sup>۱</sup> ناپدید  
چنینیم که بینی به پشت ستور  
ز بیژن شب و روز چون بی هُشان  
کنون شاه با جام گیتی ندای  
چه مایه خروشید و کرد آفرین  
پس آمد ز آتشکده باز گاه<sup>۱</sup>  
همان جام رخشنده بنهاد پیش  
به توران نشان داد از<sup>۱۳</sup> شهریار  
۶۶۰ چو در جام کبخسرو ایدون نمود  
کنون آمدم با دلی پُر امید  
ترا دیدم اندر جهان چاره گر

همی گفت و مرگان پر از آب زرد<sup>۱۶</sup>  
۶۶۵ وُزآنپس که<sup>۱۷</sup> نامه به رستم بداد<sup>۱۸</sup>  
ازو نامه بستد. دو دیده پُر آب  
پس از بهر بیژن خروشید زار  
به گیوانگهی گفت: مندیش ازین  
مگر دست بیژن گرفته به دست  
۶۷۰ به نیروی یزدان و فرمان شاه

همی برکشید از جگر باد سرد  
همه کار گرگین برو<sup>۱۹</sup> کرد یاد  
همه دل پُر از کین افراسیاب  
فرورخت از دیده خون بر کنار  
که رستم نگرداند از رخس زین.  
همه بند و زندان او کرده پست  
ز توران<sup>۲۰</sup> بگردانم آن<sup>۲۱</sup> تاج و گاه

۶۷۵ وُزآنجا به ایوان رستم شدند  
چُن آن نامه ی شاه رستم بخواند  
به ره بر همی رای<sup>۲۲</sup> رفتن زدند  
ز گفتار خسرو به خیره بماند:

۱- س: برکنون؛ ل: ناگهان؛ س: چشم اندر جهان؛ متن = ف، ل، ق ۲- س: براین ۳- س: جزین ۴- ل، س، س: (نیز ب): بتاریک هور؛ (لن، ق): و تاریک هور؛ ل، آ: بتاریک هور؛ ل: تاریک و تاریک هور؛ متن = ف، ق (نیز لن) ۵- ل: بجمت بهرسو ۶- ق، ل: سو ۷- ل، س، ق، س: (نیز لن، ب، لن، ب): شد؛ ل: (نیز و): بد؛ متن = ف، ق: (نیز ل، آ) ۸- ل، س: هرمزو ۹- (ل، ل: فرودین) ۱۰- ف، ل، ق، ل: (نیز ل، و، آ ب): تابگاه؛ متن = س، س: (نیز لن، ب) ۱۱- س: از ۱۲- ل: ز ۱۳- ل: زو ۱۴- ق: بر ۱۵- (لن: فرستاد)؛ ف این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما وقف علی ذلک أرسلنی الی حضرتک ۱۶- س، س: (نیز ل، آ، ب): کرد ۱۷- ق: چو؛ ل: از آنپس که؛ س: پس آنگاه؛ متن = ف، ل ۱۸- س: و زانپس برستم همی نامه داد ۱۹- ل، ق، س: (نیز ق، ل): بدو؛ متن = ف، س، س: (نیز ل، و، آ ب) ۲۰- ف، س: ترکان؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیز لن- ب) ۲۱- ل: این ۲۲- ف: راه؛ متن = ل- س: (نیز لن- ب) ۲۳- ل- س: (نیز لن- ب): چو؛ متن = ف

<p>در آن<sup>۲</sup> نامه بر<sup>۳</sup> پهلوان سپاه به فرمان او<sup>۴</sup> راه را ساختم<sup>۵</sup> کشیدن به هر کار<sup>۶</sup> تیمار<sup>۷</sup> تو به هر کینه‌گاه اندرون کینه‌خواه کمر بسته در<sup>۱۱</sup> پیش جنگاوران چنین راه دُشخوار<sup>۱۳</sup> بگذاشتی ولیکن ز بیژن غریوان<sup>۱۵</sup> شدم ترا دیدمی خسته‌ی روزگار به فرمان به سر بسپرم راه را<sup>۱۷</sup> بدین<sup>۱۹</sup> کار بیژن کمر بسته‌ام ز تن بگسلد پاک‌یزدان من فدی<sup>۲۲</sup> کردن جان<sup>۲۳</sup> و مردان<sup>۲۴</sup> و گنج به بخت شهنشاه پیروزگر<sup>۲۵</sup> نشانش با شاه در<sup>۲۹</sup> پیشگاه می و نوشه پیش آر و<sup>۳۱</sup> آزاد باش!</p>	<p>ز بس<sup>۱</sup> آفرین جهاندارشاه به گيو آنگهی گفت: بشاختم<sup>۴</sup> بدانستم این رنج و<sup>۷</sup> کردار تو چه مایه ترا نزد ما<sup>۱۱</sup> دستگاه چه کین سیاوش، چه مازندران بدین<sup>۱۲</sup> آمدن رنج برداشتی به<sup>۱۴</sup> دیدار تو سخت شادان شدم نبایستی کین چنین سوگوار<sup>۱۶</sup> من از بهر این نامه‌ی شاه را ز بهر ترا خود<sup>۱۸</sup> جگرخسته‌ام بکوشم بدین<sup>۲۰</sup> کار اگر<sup>۲۱</sup> جان من من از بهر بیژن ندارم به رنج به نیروی یزدان بندم کمر بیارمش<sup>۲۶</sup> از آن<sup>۲۷</sup> بند و تاریک<sup>۲۸</sup> چاه سه روز اندرین خان ما<sup>۳۰</sup> شاد باش!</p>
--	---

۱- س: پس از ۲- ل: بدان؛ س: برین؛ ق، س: (نیزلن، ق، ل، آ، پ، ل، ب): بران؛ متن = ف، ل: (نیزلی، و، آ) ۳- س، س: س: (نیزلن، ق، ل، ب، ل، ن، آ، ب): نامور؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، و، آ) ۴- ف: نشاختم (!): ل (نیزو، ل، ن): شتافتم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیزب): بشتافتم؛ متن = ق، ل، آ، س: (نیزلن-پ، آ): بنداری: ثم دخل به الی ایوانه ففتح الکتاب و قرأه ثم اقبل علی جیو و قال: قد وقفت علی الحال ۵- ق، ل: شه ۶- س: بیافتم ۷- ل: [و] ۸- ل: گونه ۹- س، س: (نیزل، ب): پیکار ۱۰- ل، ق (نیزلن، ق، ل، آ، ب، ل، ن): من؛ متن = ف، س، ل: (نیزلی، و، آ، ب): س: این بیت را ندارد ۱۱- ل (نیزلی، و، آ): بر؛ س: بسته‌ای؛ متن = ف، ق، ل: (نیزلن، ق، ل، آ، ب، ل، ن، ب): س: این بیت را ندارد ۱۲- ف: بدان؛ ل: برین؛ ل: (ازین)؛ متن = س، ق، ل، آ، س: (نیزلن، ق، ل، ی، و، آ، ب) ۱۳- ل- س: (نیزق، ل، و): دشوار؛ متن = ف (نیزلن، پ، ل، آ، ب) ۱۴- س: ز ۱۵- س (نیزلی، آ، ب): هراسان؛ متن = ف، ل، س: (نیزلن، ق، ل، آ، ن، پ، و): ق، ل: این بیت را ندارند؛ بنداری: و فرحت بمقدمک ۱۶- ق: کارزار ۱۷- درس پس از این بیت، بیت ۶۷۵ دوباره آمده است ۱۸- س (نیزب): من؛ ق (نیزلن، ل، آ، پ، ل، ن): تو من خود؛ س: تو خود من؛ (ل، آ: من از بهر تو خود)؛ متن = ف، ل، ل: (نیزق، آ، و) ۱۹- ف (نیزآ): برین؛ متن = ل- س: (نیزلن- ل، ن، آ، ب) ۲۰- س: برین ۲۱- ف، ل، ق (نیزق، ل، آ): کارگر؛ ل: برمگر؛ متن = س، س: (نیزلن، ل، ب، ب): ب، ف: س (نیزلی، و، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

### وگرنه ازین برنگرده مگر

دهم من بدست تو دست پسر

ل، ق، ل، آ، س: (نیزلن، ق، ل، آ، ب، ل، ن، آ، ب) این بیت را ندارند ۲۲- س، س: (نیزق، ل، آ، ب): فدا؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ (نیزلن) ۲۳- س، س: مال ۲۴- س: گردان ۲۵- س: فیروزگر ۲۶- (ق، و: برآرمش) ۲۷- ل: زان ۲۸- ل: بند تاریک و؛ ق (نیزل، آ): تنگ تاریک؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیزهشت دستویس دیگر) ۲۹- (ل، ن، ب، ل، ن): بر نامور) ۳۰- ل، ق، ل، آ، س: (نیزلن، ل، آ، ل، ن): من؛ متن = ف، س (نیزق، ل، ی، پ، و، آ، ب) ۳۱- ل: زرنج و زانندیشه؛ س: می و رود بردارو؛ ق، ل: (نیزلی، و، آ): می نوش خوروزغم؛ س: (نیزلن، ق، ل، آ، ب، ل، ن): می (لن: زمی؛ پ: بسی؛ ل، ن، آ، ب): می و نوش بردارو؛ (ل: همی خورمی و ازغم)؛ متن = ف؛ درس این بیت پس از بیت ۶۸۸ پ آمده است

که این خانه زآن خانه بخشیده<sup>۱</sup> نیست  
سه روز اندرین خانه<sup>۲</sup> باشیم شاد  
چهارم سوی شهر<sup>۳</sup> ایران شویم  
چورستم چنین گفت برجست گیو  
برو آفرین کرد کای نامور  
بماناد بر تو چنین جاودان  
ز<sup>۱۱</sup> هر نیکی بهره‌ور بادیا<sup>۱۲</sup>  
چو رستم دل گیو پدram دید  
به سالار خوان گفت: پیش آر خوان<sup>۱۳</sup>!  
زواره فرامرز و دستان و<sup>۱۴</sup> گیو  
نوازنده‌ی رود با میگسار  
همه دست لعل<sup>۱۵</sup> از می لعل فام  
۶۹۰  
مرا<sup>۱۶</sup> با تو گنج و تن و جان یکیست  
ز گردان و از<sup>۱۷</sup> شاه گیریم یاد  
به فرمان<sup>۱۸</sup> شاه دلیران<sup>۱۹</sup> شویم  
بیوسید دست و بر و پای<sup>۲۰</sup> نیو  
به نیروی و مردی و<sup>۲۱</sup> بخت و هنر،  
دل و زور پیل و هوش موبدان<sup>۲۲</sup>!  
چنان<sup>۲۳</sup> کز دلم زنگ بزادیا<sup>۲۴</sup>!  
وزآن بد به نیکی<sup>۲۵</sup> سرانجام دید،  
بزرگان و فرزنانگان را بخوان<sup>۲۶</sup>!  
نشستند بر خوان سالار نیو  
بیامد به<sup>۲۷</sup> ایوان گوه‌رنگار  
غریونده<sup>۲۸</sup> چنگ و درخشنده<sup>۲۹</sup> جام

۱- (ل: بخشوده) ۲- س: مگر؛ س: (نیزق) این بیت را ندارند؛ درس (نیزب) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است و پس از آن بیت زیر و پس بیت ۶۸۷ آمده است:

کجا بودشان خویشی از دیرباز  
زن گیو بُد خواهر سرفراز  
۳- س: چاره ۴- ل: وز؛ ل: س: (نیزل) این بیت را ندارند ۵- ل (نیزل): شاه: متن = ف، س، ق، ل، س: (نیزهشت دستویس دیگر) ۶- ل (نیزق، ل، ب، آ): بنزدیک؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیزلن، ل، و، لن، ب) ۷- ل: جهانیان؛ س: پس از این بیت (ولن، ل، ب، لن، آ) چند بیت بالاتر افزوده اند:

پس از بهر بیژن خروشید زار  
ز دیده ببارید خون بر کنار  
بدش بیژن از خواهر پیلتن  
جوان و سرافراز با زور تن  
هنرهای بیژن از آن بیش بود  
که بارستم زایل خویش بود  
۸- ل، ق: سروپای؛ (ل، آ): سراپای؛ متن = ف، س، ل، س: (نیزلن، ق، ب، پ) ۹- ل: بمردی و نیروی و؛ س: بنیرو و مردی و؛ ق: بمردی و پیروزی؛ ل: بمردی و نیروی و؛ متن = ف، س: ۱۰- س: س: (نیزلن، پ، ب): بخردان؛ ل: تن پیل و هوش و دل موبدان؛ متن = ف، ق، ل (نیزق، ل، و، لن، آ) ۱۱- ل: به ۱۲- س، ل، س: (نیزلن، پ، لن، ب): بودیا؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ل، ب، آ) ۱۳- ل: چنین ۱۴- س، ق، ل، س: (نیزلن، ق، ل، ب، لن، ب): بزودیا؛ متن = ف، ل (نیزل، آ) ۱۵- ف: بگیتی (بنیکی)؛ ل، س: از آن پس بنیکی؛ (لن، لن): وزان خود بنیکی؛ ق، ل، س: وزان پس بنیکی؛ ب: وزان خوب نیکی؛ متن = س، ق، ل (نیزل، و، آ، ب) ۱۶- ل: [گفت] خوان آر پیش ۱۷- ل: خوان پیش ۱۸- س: [و]؛ ل، س: ل (نیزق) پس از این بیت افزوده اند:

بخوردند نان (ل: خوان) و بپرداختند (ل) و سه روز آنزمان

نشتنگه خرمی (ل: رود و می) ساختند (ل): همی شاد بودند و رامشگران

۱۹- ف: ز؛ متن = ل- س: (نیزلن- ل، پ، ب) ۲۰- ف: روی لعل؛ (لن، پ، لن): دست جام؛ ل، آ: دشت لعل؛ متن = ل، س، ق، س: (نیزق، ب) ۲۱- س، س: خروشنده؛ متن = ف، ل، ق ۲۲- ل، ق: خروشنده؛ س، س: گارنده؛ متن = ف؛ ل این بیت را ندارد؛ س (نیزق، ل، و، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بیاورد نرین و عود و گلاب  
بیاورد نقل و نبید و گلاب (شراب)  
برینان چورستم بازید بزم  
گارنده بزم و بزازنده رزه  
سرپهلوانان چو بگرفت جام  
هان سرخ می رستم زال ساه



- ۷۰۰ [چنین تا برآمد<sup>۱</sup> سه روز و سه شب  
به روز چهارم گرفتند ساز  
بفرمود رستم که بندگان<sup>۲</sup> بار  
سواران گردنگش از کشورش<sup>۳</sup>  
بیامد به رخس اندر آورد پای  
۷۰۵ به زین اندرافگند گرز نیا  
به گردون برافراخته گوش رخس  
خود و گیو با زاولی<sup>۴</sup> صد سوار  
که نابردنی بود برگاشتند<sup>۵</sup>  
سوی شهر ایران نهادند روی
- ۷۱۰ چو رستم بنزدیک ایران رسید  
سر کاخ<sup>۶</sup> کیخسرو آمد پدید<sup>۷</sup>

۱- س (نیز ق، ل، و، آ): بیوند شادان؛ متن = ف ۲- س: ابا شادی و آفرین هر دو لب؛ (ق، ل، آ: ابا شاد کامی و هو و طرب؛ و: ابر باد خسرو گشاده دو لب)؛ متن = ف؛ ل، ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، آ، پ، لن، ب) این بیت را ندارند؛ س پس از این بیت و س<sup>۲</sup> (نیز لن، پ، لن، ب) بجای آن افزوده اند:

سه روز اندر ایوان رستم شراب

بخوردند و کردند رفتن (پ: از آنپس؛ ب: بر رفتن؛ س: و رفتند برره؛ لن، لن: بخورد و نکرد او بر رفتن) شتاب  
ف در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر بیرون آمدن رستم از زاولستان با گیو و از پیش بیامدن گیو بنزدیک شاه کیخسرو و خبر دادن ۳- ف،  
س، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، و، لن، ب): آمد به (؟)؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، آ)؛ س<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۴- ل، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، ب،  
لن، آ، ب): بندید؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> ۵- ل: شاه؛ متن = ف، س، ق، ل<sup>۱</sup>؛ س<sup>۲</sup> (نیز لن، ق، ل، ب، پ) ۶- ل، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز لن،  
ق، ل، ب، پ، لن، آ، ب): بیجید؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> ۷- س: گردنگش آواز کرد ۸- س: که اکنون بیجند کار نبرد ۹- ل،  
ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، و، لن، آ): کمر بست و پوشید؛ (ل: بیوشید رخسند)؛ متن = ف، س (نیز ل، آ، ب): درس (نیز ب) بیت های  
۷۰۹-۷۰۴ درهم ریخته اند: ۷۰۸، ۷۰۴، ۷۰۹، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷ ۱۰- ل این بیت را ندارد ۱۱- ل، س، ق (نیز ل، ب، و، لن،  
ب): زابل، متن = ف، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، آ)؛ ل این بیت را ندارد ۱۲- ف: که نابردنی (حرف یکم نقطه ندارد) بود برداشتند؛ س:  
چو از بردنی بود برداشتند؛ (لن، ب): که تا بردنی جمله برداشتند؛ ق، و: کجا بودنی بود برداشتند؛ ل، آ: که تا بودنی بود برگاشتند؛ ل: چه تا بودنی  
بود برداشتند؛ لن: که تا بودنی جمله برداشتند؛ ب: که تا بودنی بود برداشتند؛ متن = ل، س ۱۳- س: چو ۱۴- ف، ل، س (نیز و،  
آ): بگذاشتند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، ل این بیت را ندارند؛ س پس از این بیت افزوده است:

بگیو آنگهی گفت توشاد شو  
که بیژن سپاره بتو روز نو  
برو آفرین کرد دگر باره گیو  
چه پیروز مردی بتوشاد نو

۱۵- ف: بویان دل و کینه جوی؛ س (نیز ب): بویان و نخبیر جوی؛ س: گویان و دل کینه جوی؛ (لن: بویان و دل کینه جوی)؛ متن  
= ل، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن): سر تخت؛ (ل، آ: همه کاخ)؛ متن ← ۱۷- ل، ق (نیز  
ل): بنزدیک شهر دلیران رسید؛ متن = ف، ق، (نیز لن، ق، ب، و، ب)

→ همی گفت از فرآن شهریار  
۵ چو گفت این سخن خورد او جام می  
کم دشمنان را همه سوگوار  
بگیو آنگهی گفتش ای نک پی  
مر آزاده را بس بود یک سخن  
بخور باده و غم فراموش کن

یکی بادِ نوشین درود<sup>۱</sup> سپهر  
 بر رستم آمد پس<sup>۲</sup> آنگاه گبو  
 بدین مژده، و آگه<sup>۳</sup> کنم شاه را  
 چو نزدیک کیخسرو آمد فراز  
 پس از گبو گودرز پرسید شاه  
 ۷۱۵ بدو گفت گبو: ای شه نامدار  
 نتابید<sup>۴</sup> رستم ز<sup>۵</sup> فرمان تو  
 چُن<sup>۶</sup> آن<sup>۷</sup> نامه<sup>۸</sup> شاه داده بدوی  
 عینان با عینان من ایدون<sup>۹</sup> بیست  
 ۷۲۰ برقم<sup>۱۰</sup> من از پیش تا نزد<sup>۱۱</sup> شاه  
 به گبو آنگهی گفت: رستم کجاست؟  
 گرامیش کردن سزاوار هست  
 بفرمود خسرو به فرزندگان  
 پذیره شدن پیش او با سپاه

به رستم رسانید شادان<sup>۱۲</sup> به مهر  
 که رفتم بدایران<sup>۱۳</sup> من از پیش نیوه،  
 که پیمود رخس تهم راه را  
 ستودش فراوان<sup>۱۴</sup> و بردش نماز  
 که رستم کجا ماند و<sup>۱۵</sup> چون بود راه؟  
 برآید به بخت تو هرگونه کار  
 دلش بسته دیدم به پیمان تو  
 بمالید بر نامه بر<sup>۱۶</sup> چشم و روی<sup>۱۷</sup>  
 چنان چون بود مرد<sup>۱۸</sup> خسروپرست  
 بگویم که آمد تهمتن ز<sup>۱۹</sup> راه  
 که پشت بزرگی<sup>۲۰</sup> و تخم وفاست  
 که نیکی نمایست و خسروپرست<sup>۲۱</sup>  
 به خسرو نژادان<sup>۲۲</sup> و مردانگان<sup>۲۳</sup>،  
 که آمد به فرمان خسرو ز<sup>۲۴</sup> راه

۱- ق، ل، س، ن (نیزو): درود از: (ق: بسان، ل: دمید از: ب: بروی): متن = ف، ل، س (نیزلن، ل، ب، ل، ن، آ) ۲- (لن: شادی):  
 س: رسانیده بودش ۳- ل، س، ن (نیزلن، ل، ب، آ، ب): هم: متن = ف (نیزق، ب، ل، ن) ۴- س، ق (نیزلن، ب، ل، ن، ب):  
 بایران، متن ← ۵- ل (نیزل): کز ایدر بیاید شدن پیش نیوه: ل (نیزو): که باید مرا رفتن از پیش نیوه: س: که باید مرا رفتن من از پیش نیوه:  
 (ق، ل، آ: که رفتم من (ق: من رفتم) از پیش سالار نیوه): متن = ف ۶- ل، س، ل (نیزلن، ل، ب، آ، ب): شوم گفت و آگه: ق، س، ن  
 (نیزق، ب، و، ل، ن): شوم گفت آگه: متن = ف، ل، ق، ل پس از بیت ۷۱۳ بیت زیر را افزوده اند که در ل، ب، و، آ نیز هست:

چورفت از بر رستم (ق: رستم آن) بههلوان  
 بیامد بدرگاه شاه جوان (ل: جهان)  
 س پس از بیت ۷۱۳ سه بیت افزوده است که بیت یکم در و، بیت یکم و دوم در ل، ق، آ و بیت سوم در ب نیز آمده است:  
 بدو گفت رستم برو شاد باش  
 بگوشاه را کز غم آزاد باش  
 بمژده بشد گبو نزدیک شاه  
 که پاکیزه دژ بود و پاکیزه راه  
 برفت آن زمان گبو شادان بشهر  
 دلش یافته از همه کار بهر

۷- ق: برو آفرین کرد ۸- ل: [و] ۹- ق: که چون ماند آن رستم نیکخواه ۱۰- س: شتابید: ق، ل: نیچید: متن = ف، ل،  
 س، ۱۱- س: به ۱۲- ل، س، ن (نیزلن، ب): چو: متن = ف ۱۳- ق: من ۱۴- ف: او: ل، س، ن (نیزلن، ب، و، ل، ن،  
 ب): آن نامه بر: متن = ل، س (نیزق، ل، ب، آ) ۱۵- ق: بر نامه شاه روی ۱۶- ل، ق (نیزق، ل، ب): اندر: (ل: ایدن): متن  
 = ف، س، ل، س، ن (نیزلن، ل، و، آ، ب) ۱۷- ل، ل، ن (نیزق، ل، ب، و، آ): گسرد: متن = ف، س، ق، س، ن (نیزلن، ب، ل، ن،  
 ب) ۱۸- (ل، ب، ل، ن: برانده) ۱۹- ل (نیزل): از پیش تا با تو: س، س، ن (نیزب): از نزد او پیش: متن = ف (نیزق، ل، ب،  
 ل، ن، آ) ۲۰- س، س، ن: به: ق، ل این بیت را ندارند ۲۱- س، س، ن: بزرگان: ل این بیت را ندارد ۲۲- ل این بیت را  
 ندارد: س (نیزق، ل، و، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

چنین گفت گبو آنگهی شاه را  
 سزاوار و بیننده گاه را  
 که من راندم دو منزل به پیش  
 با گاه کردن سوی شاه خویش

۲۳- ل، ق، ل، ن: بهتر نژادان: متن = ف، س، س، ن (نیزلن، ق، ل، ب، ل، ن، آ) ۲۴- ق، ل (نیزق، ل، ب، ل، ن، آ): و آزادگان (پس) وند  
 نادرست است: متن = ف، ل، س، س، ن (نیزلن، ل، ن) ۲۵- ل، س، ن (نیزل، ل، ن، ب): به: متن = ف (نیزل، آ)

۷۲۵	بگفتند گودرز کشواد را <sup>۱</sup>	شه نوزدان <sup>۲</sup> طوس و فرهاد را <sup>۳</sup>
	دو بهره ز لشکر ز گردنکشان <sup>۴</sup>	چه از گرزداران و <sup>۵</sup> مردمکشان <sup>۶</sup>
	بر <sup>۷</sup> آیین کاوس <sup>۸</sup> برخاستند	پذیره شدن را بیاراستند
	جهان شد ز گرد سواران بنفش	درخشان سنان <sup>۹</sup> و درفشان درفش
	چو نزدیک رستم فرزا آمدند	پیاده به رسم نماز آمدند <sup>۱۰</sup>
۷۳۰	از <sup>۱۱</sup> اسپ اندرآمد جهان پهلوان <sup>۱۲</sup>	کجا <sup>۱۳</sup> پهلوانان به پیشش نوان <sup>۱۴</sup>
	پرسید مر هر یکی را ز شاه	ز گردنده خورشید و ز بخش ماه <sup>۱۵</sup>
	نشستند گردان ورستم <sup>۱۶</sup> بر <sup>۱۷</sup> اسپ	بگردار رخشنده آذرگشپ

### گفتار اندر ستایش کردن رستم بر شاه کیخسرو<sup>۱۸</sup>

۷۳۵	چو آمد <sup>۱۹</sup> بر شاه کهنر نواز	نوان <sup>۲۰</sup> پیش او <sup>۲۱</sup> رفت و بردش نماز
	ستایشکنان پیش خسرو دوید	که مهر و <sup>۲۲</sup> ستایش مرو را <sup>۲۳</sup> سزید
	برآورد سر آفرین کرد و گفت:	مبادا بجز نیک و خوبیت جفت <sup>۲۴</sup> !

۱- س: گودرز و کشوادگان ۲- ل: نوزدان ۳- س: طوس و آزادگان: بنداری: وأشار علی طوس و جودرز و فرهاد ۴- ف: دو بهره لشکر ز گردنکشان: ل، ق، ل: (نیز، ل، ق، پ، و، ل، ن: دو بهره ز گردان و (ل: [و]) گردنکشان: س (نیز ب): دو بهره ز گردنکشان برگزیده: متن = س: (نیز، آ) ۵- ل: [و] ۶- (ل، و: دشمن کشان): س (نیز ب): چنان کز در نامداران سزید: (ق: از آن سرفرازان و دشمن کشان): متن = ف، ق، ل، س: (نیز، ل، پ، ل، ن، آ): س (نیز ب) پس از این بیت افزوده اند: دو بهره ز لشکر همه سرکشان

ز نیزه گزاران (ب: هم از گرزداران) و دشمن کشان

۷- س، ق، ل: به: متن = ف، ل، س: پیشینه ۹- ف: خروشان سنان (؟): س، س: (نیز ب): خروشان سپاه: ق، ل: خروشان سواره: (ل، پ، ل، ن، آ: خروشان ستور: ق: خروش یلان: ل: درفشان سنان: و: فروزان سنان): متن = ل ۱۰- س (نیز ق، آ): پس از این بیت افزوده اند:

یکایک ببردند او را نماز چو آن دیدش آن پهلوسر فرزاز

۱۱- ف، ل: ز: متن = س: ۱۲- ل: سر پهلوان ۱۳- س: همه ۱۴- س: دوان: ل: ز پیش نوان (!) ۱۵- ل، ق: (نیز ل): و تابنده ماه: س: و رخشنده ماه: (آ: و از تخت و گاه): س (نیز ب): هم از قزو دیهم و از تاج و گاه: (ل، پ، ل، ن: ز تابنده (ل، ن): رباینده) خورشید و رخشنده ماه: متن = ف، ل: (نیز ق، و): س (نیز ق، و، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند: همی گفت هر کس که (درستست گفتا و) شاد آمدی

که از جهان تو دور ببادا بدی

۱۶- ق، ل: پهلو ۱۷- س: به ۱۸- ف: گفتار اندر ثنا گفتن رستم بر شاه کیخسرو باده پارسیان و شراب خوردن کیخسرو با رستم: س: آمدن رستم بایران زمین و ستایش کردن بر کیخسرو: ق: رسیدن رستم نزد کیخسرو و ستایش کردن شاه را: ل: اندر آفرین کرد رستم بر کیخسرو: متن = آغاز ف ۱۹- ق، ل: خرامان ۲۰- س: دوان ۲۱- ق: شه: درق لست های این بیت پس و پیش شده اند ۲۲- ل: [و]: س: که مهر ۲۳- ف: بدو بر: متن = ل، س: (نیز، ل، ق، ل، ب): ل، س، ق: پس از این بیت افزوده اند: یکی آفرین کرد رستم بشاه که هرگز نکرد آن کس از دیرگاه (س: زیرگاه)

۲۴- ل: مبادت جز از بخت پیروز جفت: س، س: (نیز، ل، پ، ل، ن، آ، ب): که بادی هم ساله با بخت جفت: ق (نیز ل): مبادا بجز نیک نامیت جفت: (ق: مبادا جز از مهر و خوبیت جفت): متن = ف (؟): ل: این بیت را ندارد: بنداری بیتهای ۷۳۵-۷۴۲ و لی بیتهای ۷۴۸-۷۴۸ را ندارند

که هرمز دهادت به دین پایگاه!<sup>۱</sup>      وُ بهمن<sup>۲</sup> نگهبان فرخ کلاه!<sup>۳</sup>  
 همه ساله<sup>۴</sup> اردیبهشت هُزیره<sup>۵</sup>      نگهبان شده بر هُش و رای پیر!<sup>۷</sup>  
 و شهریورت بادا<sup>۶</sup> پیروزگر!<sup>۸</sup>      به نام بزرگی و فر و هنر<sup>۹</sup>  
 سپندارمذ<sup>۱۱</sup> پاسبان تو بادا!<sup>۱۰</sup>      خرد جای<sup>۱۲</sup> روشن روان تو بادا!  
 ز خرداد باش از برو بوم شاد!<sup>۱۳</sup>      تن چار پایانت مرداد بادا!<sup>۱۴</sup>  
 [دی و اورمزدت خجسته بواد!<sup>۱۵</sup>      در هر بدی بر تو بسته بواد!<sup>۱۶</sup>]  
 [ترا باد فرخنده تر شب ز روز!<sup>۱۷</sup>      تو شادان و تاج تو<sup>۱۸</sup> گیتی فروز!<sup>۱۹</sup>]

۱- ل: بدین جایگاه؛ ل (نیز ق، ل، پ، و): چو (ق، ز، ب، و: که) هرمز بادت بدین پایگاه (و: بارگاه)؛ س، س: چو (س، ز): هرمز دهادت برین (س: بدین) پایگاه؛ ق: چو هرمز دهد برترین جایگاه؛ (آ: و هرمز بوادت بدین پایگاه): متن = ف (نیز ل، ل، ب): بدین پایگاه ۲- ف، ل، س، ق (نیز ل): چو بهمن؛ (ب، ل، ن: بهمن): متن = ل، س (نیز ل، و، آ، ب: ۷۳۸، ۹۴۴، ۱۲۰۲) ۳- س، ق (نیز ل، و، ل، آ، ب): تخت و کلاه؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز، آ): س (نیز، ب) پس از این بیت افزوده اند:

مه فور دینت خجسته بواد      در هر بدی بر تو بسته بواد

۴- ق، ل: چنان هم که ۵- ل: هجیر؛ (ل، ب: اردیبهشت هزیر) ۶- ل: نگهبان تو باد؛ س (نیز، ب): نگهبان تو بر؛ ق: نگهبان شد بر؛ ل: نگهبان شد باد؛ (و: نگهبان جان و): متن = ف، س (نیز ل، ب، ل، ن) ۷- س، ل: رای و ویر؛ س: هُش رای و تیر؛ متن = ف، ل، ق (نیز ل، ب، و، ل، آ، ب) ۸- ف: ز، ل، س، ق: چو؛ متن = ل، س (نیز، ب، ۷۳۸، ۹۴۴، ۱۲۰۲) ۹- ل: شهر پیرگر باد؛ ق: شهر بیاد؛ متن = ف، س، ل، س (نیز، ب) ۱۰- ف: گهر؛ متن = ل، س (نیز، ق، ب، و، ب): ل، ل، ل، ل، ل، آ این بیت را ندارند ۱۱- ف، ل، س، ق، س (نیز، و، ل، ن): سفندارمذ؛ ل: سفندارمذ؛ (ل، ب: سفندارمذ؛ ق: سفندارمذ؛ ل: سفندارمذ؛ آ: سفندارمذ): متن = ل، آ ۱۲- ل، ل، ل (نیز ل، ل، ب، ل، ن): جان؛ متن = ف، س، ق، س (نیز، و، آ، ب): در س پس از این بیت، بیت ۷۴۱ آمده است ۱۳- ل: چو خردادت از یاوران بردهاد؛ س (نیز ل، ب، ل، آ، ب): تن (س، ب: همه، آ: بر) چار پایانت مرداد (س، ب: خرداد) باد (۷۴۰ ب): ق (نیز ل، و): به (و: ز) خرداد بادت برو بوم شاد؛ متن = ف، ل ۱۴- ل: ز مرداد باش از برو بوم شاد (۷۴۰ آ): س (نیز، ب): همه بوم و شهر تو آباد باد؛ ق (نیز ل، ل، ب، ل، ن): همیشه تن و جانت (ل، ب، ل، ن: تخت) آباد باد؛ (و: هر آنچت مرداست ایزد دهاد؛ آ: همیشه برو تخت آباد باد): متن = ف، ل، س (این بیت را ندارد؛ ف پس از بیت ۷۴۰ افزوده است:

خور و ماه فرمان تو شاه باد      سرایت ز تو پیر خور و ماه باد  
 همه ساله تبوتو از روز تیر      بزرگی و شاهی و تاج و سریر  
 چو مهر سپهر آوردی به مهر      ترا تازه تر باد هر روز چهر  
 همیشه سروشت به روز سروش      نگهبان و افزون ترت رای و هوش  
 5 جوان باد بخت تو در فور دین      چو در فور دین ماه روی زمین  
 ترا روز رام از جهان رام باد      همان باد را با تو آراه باد

این بیت ها در هیچک از دستویس های دیگر نیست؛ س (نیز ق، و، ب) پس از بیت ۷۴۰ افزوده اند (بیت سوم تنها در آمده است):

تو هرچت بکلاه است ایزد دهاد

ز خرداد باش از برو بوم شاد (۷۴۰ آ)

بتو خان و مانت چو مرداد باد

همه ساله تخت تو آباد باد

در آبانت هر کار فرخنده باد

سپهر روان پیش تو بنده باد

۱۵- س: دل بدسگالت گسته بواد؛ در س (نیز ل، ق، ب، و، ل، ن، ب) این بیت پس از بیت ۷۳۹ آمده است؛ س (نیز ل، آ) این بیت را ندارند ۱۶- ل: دیت آذر فروز و فرخنده روز؛ س (نیز ق، ب): دی از دیت فرخنده تر شب ز روز؛ ق: دی از تیر فرخ تر و شب ز روز؛ ل: ترا باد فرخنده همواره روز؛ (و: از آذرت رخشنده شب همچو روز): متن = ف (نیز ل، ب، ل، ن) ۱۷- ل: تاج از تو؛ س (نیز ل، آ) این بیت را ندارند

چو این<sup>۱</sup> آفرین کرد، خسرو بیای<sup>۲</sup>  
 بدو گفت خسرو<sup>۳</sup>: درست آمدی  
 تو<sup>۴</sup> پهلوانِ گیانِ جهان  
 ۷۴۵ گزینِ گیانی و پشت سپاه  
 مرا شاد کردی به دیدار خویش  
 زواره فرامرز و دستانِ سام  
 فروبود<sup>۵</sup> رستم بیوسید تخت  
 به بخت تو هر سه درستند و شاد  
 ۷۵۰

به سالارِ نوبت بفرمود شاه  
 در باغِ بگشاد سالارِ بار  
 بفرمود تا تاجِ زرین و تخت  
 همه دیبه<sup>۶</sup> خسروانی به باغ  
 ۷۵۵ درختی زدند از بر<sup>۷</sup> گاهِ شاه  
 تنش سیم و شاخش<sup>۸</sup> زیاقوت و زر  
 عقیق و زمرد همه برگ و بار<sup>۹</sup>  
 همه باز زرین تریج و بهی  
 بدوی<sup>۱۰</sup> اندرون مُشکِ سوده به می

که گودرز و طوس و گوان را بخواه!  
 نشستن گهی ساختش<sup>۱۱</sup> شاهوار  
 نهادند زیر گل افشان درخت<sup>۱۲</sup>  
 بگسترد و شد گلستان چون<sup>۱۳</sup> چراغ  
 کجا سایه گسترد بر تاج و گاه  
 برو<sup>۱۴</sup> گونه گون شاخ های<sup>۱۵</sup> گهر  
 فروهشته از شاخ<sup>۱۶</sup> چون گوشوار  
 میان تریج و بهی را<sup>۱۷</sup> تهی  
 همه سُفته پیکرش<sup>۱۸</sup> برسان نی

۱- س، ق، س: چنین ۲- ل، س (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب): رستم بیای؛ ق، س: و خسرو بیای؛ (ق: خسرو ستای)؛ متن = ف، ل، آ؛ بنداری (۷۳۳-۷۴۳): فلما دخل رستم علی الملک خسرا سجدا فرقع رأسه و مثل بین یدیه واقفا بدعو و یثنی. و الملک ایضا واقف یصفی الی کلامه ۳- ل، ق: و کردش؛ متن = ف، س، ل، آ، س ۴- ل: پرسید و گفتش ۵- س، ق، س: تویی؛ ل: توای؛ متن = ف، ل ۶- س، س: ننگیان ۷- ل: تخت و سپه را پناه ۸- ف (نیز پ، لن، آ): برین؛ (ق: ازین)؛ متن = ل، س: (نیز لن، ل، آ، و، ب) ۹- ق (نیز ل، و): هشیار؛ س (نیز ق، ب): پرش خوب و گفتار؛ ل: فرخی برزورخساره؛ س: پرش و خوب گفتار؛ متن = ف، ل (نیز لن، ب، و، لن، آ) ۱۰- ل، س، ق، س: ازیشان؛ متن = ف، ل ۱۱- ل، آ، س: فروبرد؛ متن = ف، ل، س، ق ۱۲- ل، ق، ل، آ، س: خسرو نیک بخت؛ متن = ف، س (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ، ب) ۱۳- ل: بود بس؛ س، ق، ل: ساخته؛ (ل: ساخت بس؛ ب: ساختن)؛ متن = ف، س: (نیز هفت دستویس دیگر) ۱۴- ف این بیت را ندارد؛ متن = ل، س: (نیز لن، ب)؛ بنداری: و نقل الیه تحت الملک و تاجه ۱۵- ل، ق (نیز لن، ب، ب): دیبه ۱۶- س: باغ همچون؛ س در اینجا سرنویس دارد: صفت بزمگاه کیخسرو در زیر درخت گوهر نگار ۱۷- ل: از در ۱۸- ق: بارش ۱۹- س: بدان؛ ق: برون ۲۰- ل، س، ق، ل: (نیز ل، و، آ، ب): خوشهای؛ (ق: گونه گونه نشانده؛ ل: بافته خوشهای)؛ متن = ف، س: (نیز لن، پ، لن، آ)؛ بنداری: و نصب فی المجلس شجرة تظل علیه أصلها من الفضة و أغصانها من الذهب، فد تهلّت منها شماریح من اللؤلؤ و الیاقوت ۲۱- س: عقیق و زبرجد پروبر نگار ۲۲- ل: تاج؛ ل: بیار؛ متن = ف، س، ق، س: (نیز ل، آ، و، آ، ب) ۲۳- ل، ق (نیز و): ها؛ ل: با؛ س: (نیز ق، ل، آ): بد؛ (ل: نا)؛ س (نیز ب): تریج و بهی را میتش (ب: میانه)؛ متن = ف (نیز لن، پ، لن، آ) ۲۴- ل، س: (نیز لن، ق، ل، ب، ب): بدو؛ متن = ف ۲۵- ل، س: (نیز لن، ل، ب، ب): پیکرش سفته؛ (ق: پیکرش سوده)؛ متن = ف

۷۶۰ که را شاه بر گاه بنشاندی  
 همه<sup>۲</sup> میگساران به پیش اندرا<sup>۱</sup>  
 ز دیبای زربخت چینی<sup>۶</sup> قبای  
 همه طوق<sup>۷</sup> بر بسته و گوشوار  
 همه رخ چو دیبای رومی به رنگ  
 همه دل پُر از شادی و می به دست  
 ۷۶۵

بفرمود تا رستم آمد به تخت  
 به رستم چُنین گفت پس شهریار  
 ز هر بد توی<sup>۱۲</sup> پیش ایران سپر  
 چه<sup>۱۴</sup> در شهر<sup>۱۵</sup> ایران چه پیش<sup>۱۶</sup> گیان  
 بکندی<sup>۱۸</sup> دل دیو مازندران  
 شناسی تو کردار گودرزبان  
 میان بسته دارند پیشم به پای  
 به تنها تنِ گیو از<sup>۲۲</sup> انجمن  
 چُنین غم بدین دوده نامد<sup>۲۵</sup> بنیز  
 ۷۷۰

نشست از بر گاه زیر درخت  
 که ای نیک پیوند<sup>۱</sup> به روزگار<sup>۱۱</sup>،  
 همیشه<sup>۱۳</sup> چو سیمرغ گسترده پر  
 همه بر در<sup>۱۷</sup> رنج بندی میان  
 به فر گیان<sup>۱۹</sup> و به گرز گران  
 بر آسانی<sup>۲۰</sup> و رنج و سود<sup>۲۱</sup> و زیان  
 همیشه به نیکی مرا رهنمای  
 ز هر بد سپر بود<sup>۲۳</sup> بر<sup>۲۴</sup> پیش من  
 غم از درد فرزند برتر چه چیز<sup>۲۶</sup>؟

۱- ف: بدو؛ متن = ل-س: (نیز-لن-ب) ۲- ل، س: ازو؛ ل: بر ازو؛ متن = ف، س، ق (نیزق، ل، ل، ب) ۳- ق: همی ۴- ل: اندرش ۵- ق: همه بر سر از گوهران افسر؛ ل: همه افسران بر سر از گوهرش؛ متن = ف، ل، س: س: این بیت را ندارد ۶- ل: و رومی ۷- ل: طرف؛ متن = ف، س، ق، ل، س: (نیز-لن-ب، بنداری) ۸- ف: جام؛ ل، ق، ل: بریشان همه جامه: (لن، ب، و، ل: بدست اندرون جام)؛ متن = س، س: (نیزل، ل، آ، ب) ۹- در ف، ل، س: (نیز-لن-ب، ل، ب) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن = ل، س، ق (نیزو، آ، بنداری)؛ بنداری (۷۶۱-۷۶۵): واصطفت الوصائف والسقا علی رؤسهم الأکابیل المرصعة وعلیهم الملبس المذهبة، بالأطواق والأقراط، کالأقار الطالعة والشموس المشرقة، فی حجورهم المزاهر، و فی أیدیهم المعازف، تشرق فی أكفهم الأقداح وتقفهقه فی أوجههم الراح ۱۰- ل، ق، ل: (نیزل، ب): پیوند و؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل) ۱۱- س: که مردی دلیری بهر کارزار ۱۲- س، ق، ل: تویی؛ س: تودر؛ متن = ف، ل ۱۳- ل: (نیزو): خجسته ۱۴- ف: تو؛ متن = ل-س: (نیزلن-ب) ۱۵- ل: گاه؛ ق، ل: (نیزآ): کار؛ (ل: رزم)؛ متن = ف، س، س: (نیزهفت دستنویس دیگر) ۱۶- ف: چو پشت؛ ل: ز پیش؛ (ق، ل، ب: چه پشت)؛ متن = ل، س، ق، س: (نیزلن، ل، ب، ب) ۱۷- ل: از پی ۱۸- ل، س: (نیزلن، ب): بکننده؛ متن = ف، س: (نیزلن، ل، ل، و، آ) ۱۹- ل: (نیزلن، ل، ب، ل، آ): کیانی؛ متن = ف، س، س: (نیزق، و، ب): این بیت در ل، ل، ب، ل، س: (نیزلن، ل، ب) پس از بیت ۷۸۳، در س، س: پس از بیت ۷۸۴ و در ق: پس از بیت ۷۸۵ آمده است؛ ق، ل: این بیت را ندارند؛ پیاپی این بیت در متن = ف، ل، و، آ ۲۰- ل، ق، ل: (نیزآ): باسانی؛ س: تن آسودی؛ (لن، ق، ل، ل، و، ل: تن آسانی؛ ب: در آسانی)؛ متن = ف، س (نیزب، ل) ۲۱- س: سود و رنج ۲۲- ل، س: (نیزلن، آ): کز؛ س: (نیزب): از آن؛ ق: بدز؛ ل: بکی گیوبدز؛ متن = ف ۲۳- ل، س: بوده ۲۴- ل، س: (نیزلن، ق، ل، ب): در؛ متن = ف (نیزلی) ۲۵- ق: نباید ۲۶- ل: (نیزل): بتر چه چیز؛ س: (نیزو): بدتر چه چیز؛ (ق: برتر که دید)؛ ل: غم درد فرزند برتر ز چیز؛ (لن، ل، ب، ل): غم از بهر فرزند برتر چه چیز؛ متن = ف، س، ق (نیزآ، ب)

۷۷۵	بدین کار اگر <sup>۱</sup> تو نبندی میان <sup>۲</sup> کنون <sup>۳</sup> چاره‌ی کار بیژن بجوی از <sup>۴</sup> اسپ و سیلیح و ز مردان و گنج <sup>۵</sup>	نیاید پذیره هزبر ژیان <sup>۳</sup> که او را ز توران <sup>۴</sup> بد آمد به روی بهر چه <sup>۵</sup> باید، مدار این به <sup>۶</sup> رنج!
۷۸۰	چو رستم ز کیخسرو ایدون شوند <sup>۱</sup> برو <sup>۲</sup> آفرین کرد کای نیک‌نام ز تو دور باد آرز و خشم و نیاز <sup>۳</sup> توی <sup>۴</sup> بر گیان <sup>۵</sup> شاه و سالار <sup>۶</sup> گئی که چون تو ندیده ست یک شاه‌گاه بدان را ز نیکان تو کردی <sup>۷</sup> جدا مرا مادر از بهر رنج تو زاد منم گوش داده به فرمان شاه <sup>۸</sup> جز آن کز پی گویو گر <sup>۹</sup> بر سرم رسیده <sup>۱۰</sup> به مژگانم اندر سنان	زمین را ببوسید و برجست زود <sup>۱۱</sup> چو خورشید هر جای گسترده کام <sup>۱۲</sup> دل بدسیگالت به گرم و گداز گیان جهان مر ترا خاک پی نه تابنده <sup>۱۳</sup> خورشید و گردنده <sup>۱۴</sup> ماه تو داری <sup>۱۵</sup> به افسون و بند آرزوها تو باید <sup>۱۶</sup> که باشی به آرام و شاد بدان سو روم کو نماید کلاه <sup>۱۷</sup> هوا بارد <sup>۱۸</sup> آتش بدو <sup>۱۹</sup> ننگرم نتابم ز فرمان خسرو <sup>۲۰</sup> عنان

۱- ف، ل (نیز ق)؛ گره: متن = س، ق، ل، س (نیز ل، ل، پ، ب) ۲- س، س (نیز ل، ق، و، ب)؛ کمره: ل، ل؛ بندی میان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق (نیز ل، آ)؛ بندی میان؛ (پ: بندی کمره؛ ل: اکنون تو بندی میان)؛ متن = ف ۳- (ل: دمان)؛ ل، ق، ل (نیز آ)؛ پذیره نیایدت (ق: نیایدت) شیر ژیان؛ س، س (نیز ب)؛ نبینی بگیتی یکی چاره گره؛ (ل، ق، ب، و؛ نبینم بگیتی دگر چاره گره؛ ل، ل)؛ بندیت نیاید هزبر ژیان)؛ متن = ف ۴- ل: چنین ۵- س: ترکان ۶- ف، ل: ز؛ متن = س ۷- ل، ق، ل (نیز ل)؛ ز گردان و اسبان و شمشیر و گنج؛ متن = ف، س، س (نیز هشت دستنویس دیگر؛ س، ل، آ: سلاح) ۸- ل: هرچ ۹- س، ق، ل (نیز ل، ق، ب، ل، آ، ب)؛ مدار ایچ؛ (ل، ل، آ: مبرهیچ)؛ متن = ف، ل، س (نیز و) ۱۰- ل: شنید؛ متن ← ۱۱- ل: و دم درکشید؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز ل، ب) ۱۲- ق: بدو ۱۳- س: نام؛ ق: گسترده بهر جای کام (وزن ندارد) ۱۴- ل: خشم نیاز؛ س: بادا همه خشم و آرز ۱۵- س، ق، س: تویی؛ ل: توای؛ متن = ف، ل ۱۶- ل، ل: جهان؛ ق (نیز آ)؛ شهبان؛ متن = ف، س، س (نیز ل، ل، ل، ب) ۱۷- ل، ق، ل (نیز ل، ل، ب)؛ سالار و؛ متن = ف، س، س (نیز ل) ۱۸- ل: رخشنده ۱۹- س، ق: رخشنده؛ ل: تابنده؛ متن = ف، ل، س ۲۰- ف: تو کردی ز نیکان؛ متن = ل، س (نیز ل، ل، و، ب) ۲۱- ق: بندی؛ ل: دادی؛ در ل، ل، ل، ب، ل، آ پس از این بیت، بیت ۷۷۰ آمده است ۲۲- ل: بادا؛ در س، س، ب پس از این بیت، بیت ۷۷۰ آمده است ۲۳- ل (نیز و)؛ تو؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۴- ق: کم غمایی توراه؛ (ل، ل، ب، ل، آ: کو نماید راه؛ ق، آ: کم نماید راه؛ ل: کم نماید کلاه)؛ س (نیز ب)؛ شوم که غمایی توراه؛ ل (نیز و)؛ نگردهم بهر سان (و: زمانی نگردهم) ز پیمان تو؛ ل: بدان سرورم کم نمائند (سوروم که نمائند) کلاه؛ متن = ف، س (ل، ل، ل)؛ ل (نیز و) پس از این بیت افزوده اند:

دل و جان نهاده بسوی کلاه (و: وگر آتش آید به پیشم براد)

بسران (و: بدان) ره رود کم بفرمود شاه

۲۵- ل، ق (نیز ق، و)؛ و نیز (ق، و: همان؛ ق: دگر) از پی گویو اگر؛ س: چنانکه که گراز هوا؛ ل (نیز ل)؛ چنانکه بدین کارگر؛ س (نیز ل، ل، ب، ل)؛ چنان کز پی گویو (ب: کام) اگر (س: گر)؛ (آ: جز آن کز پی تو اگر؛ ب: چو ابر از پی اگر)؛ متن = ف ۲۶- س: باشد؛ متن ← ۲۷- ل: برو؛ س: بیارند آتش بدان؛ متن = ف، ل، ق ۲۸- س، س: گر آید؛ متن = ف، ل، ق، ل ۲۹- ل: ز فرمان خسرو نتابم

برآرم به کام<sup>۱</sup> تو این کارکرد<sup>۲</sup> سپهد نخواهم ز<sup>۳</sup> مردانِ مرد

چو رستم چنین گفت گودرز و گیو  
 بزرگان لشکر برو آفرین  
 به می<sup>۶</sup> دست بردند با شهریار  
 فربرز و فرهاد و شاپور<sup>۴</sup> نیو،  
 همی خواندند<sup>۵</sup> از جهان آفرین  
 گشاده به شادی<sup>۷</sup> در نوبهار<sup>۸</sup>

### گفتار اندر فرستادن گرگین میلاد پیغام پیش رستم به خواهشگری<sup>۹</sup>

چو گرگین نشان تهن<sup>۱۰</sup> شنید  
 فرستاد نزدیک رستم پیام  
 درخت بزرگی و گنج وفا  
 گرت رنج ناید ز گفتار من  
 یکی کز پرگار این<sup>۱۹</sup> کوزبشت<sup>۲۰</sup>  
 به تاریکی اندر مرا ره نمود<sup>۲۳</sup>  
 بدانست کآمد غمش را کلید  
 که ای<sup>۱۱</sup> تیغ بخت و وفا<sup>۱۲</sup> را نیام<sup>۱۳</sup>  
 در زادمردی<sup>۱۴</sup> و بند بلا<sup>۱۵</sup>  
 سخن گسترانم<sup>۱۶</sup> ز بیکار<sup>۱۷</sup> من<sup>۱۸</sup>؛  
 به<sup>۲۱</sup> خیره چراغ دل<sup>۲۲</sup> را بکشت  
 نبشته<sup>۲۴</sup> چنین بود و<sup>۲۵</sup> بود آنچه<sup>۲۶</sup> بود

۱- ل، ق (نیزلی، آ)؛ بخت؛ س، س، س (نیزلن، ق، پ، و، ل، ب)؛ فر: متن = ف، ل (نیزل) ۲- ف، ق، ل (نیزلی، آ)؛ زین کارکرد (کرد = گرد؟)؛ متن = ل، س، س، س (نیزهفت دستویس دیگر) ۳- ل، ل، س (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب)؛ نه: (آ)؛ نخواهم سپاه (وز)؛ متن = ف (نیزلی)؛ ل، س، ق، س (نیزلن، ق، ب) پس از این بیت افزوده اند:

کلید چنین بند باشد (س: باید) فریب (← ۸۴۰ آ)

نه هنگام گرزست و جنگ و (ل: روز؛ س: جنگت و گرزو) نیب (← ۸۴۱ ب)

۴- س: شاپور و فرهاد و ۵- ل: بخوانند می؛ س، س (نیزلن، ب، ل، ب) پس از این بیت افزوده اند:

همی دست بردند و مستان شدند

بستی همی (س: همه) می پرستان (لن، ب، ل: زیاد سپهد بدستان) شدند

۶- س: بسی ۷- ق، ل: بشادی گشاده ۸- س: نوش بار؛ س: بجای این بیت و س (نیزب) پس از این بیت افزوده اند:

بشادی همی خورد می شهریار گشاده مجلس در نوبهار

۹- ف: گفتار اندر فرستادن گرگین میلاد پیغام پیش رستم به خواهشگری و پاسخ دادن رستم گرگین راه؛ س: پیغام گرگین میلاد بنزدیک رستم

زال؛ ق: التماس گرگین از رستم شفاعت او نزد کیخسرو؛ ل: پیغام فرستادن گرگین نزد رستم و خواهشگری کردن؛ متن = آغاز ف ۱۰- س:

بدانسان خیرها ۱۱- ق: این ۱۲- ف (نیز آ): تیغ و تخت وفا (!)؛ ل، س: تیغ و بخت (حرف یکم نقطه ندارد) و وفا؛ س، ق، ل:

تیغ بخت (حرف یکم نقطه ندارد) و وفا؛ ل: تیغ بخت و وفا؛ و: تیغ بخت (حرف یکم نقطه ندارد) و وفا؛ ب: تیغ و بخت

وفا؛ متن = (ق) ۱۳- (لن، ب، ل: که ای نیک پی فرخ نیک ناه) ۱۴- ل (نیزلن، ل): زادمردی؛ س: زادمردان؛ (ب، ل):

زادمردان؛ متن = ف، س، ق، ل (نیزق، ل، و، آ) ۱۵- س (نیزل، ب): بند و بلا؛ ل: تاج سخا؛ س: رنج و بلا؛ (ق: کان سخا)؛

متن = ف، ل، ق (نیزلن، ل، آ) ۱۶- ل، ق (نیزق، ل، ب): گسترانی؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ب) ۱۷- ل، س، ق، س:

(نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب): کرداره (ل: گفتار)؛ متن = ف ۱۸- ل (نیز آ): گشاید یکی بر تو کردار من ۱۹- ل (نیزل):

نگه کن بدین گنبد (ل: گردش)؛ س، ق، ل (نیز آ، ب): نگه کن بکردار این؛ س (نیزلن، ل، ب، و، ل): نگه کن تو در کار این؛ (ق):

که این کز پرگار این؛ متن = ف (ب، ق) ۲۰- ل (نیزلن، ب): کوزبشت؛ متن = ف، س، ق، ل، س ۲۱- ل: که ۲۲-

ل: چراغ ده را بخیره ۲۳- ف (نیز آ): رهنمود (درف به پیش سوم)؛ متن = ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل: به پیش ن) ۲۴- ل،

س، س (نیزل، و، آ، ب): نوشته؛ متن = ف، ق، ل (نیزلن، ق، ل، ب، ل، ب) ۲۵- ل، س: [و] ۲۶- ق، ل، س: آنچه



<p>گر<sup>۲</sup> آمرزش آید<sup>۳</sup> مرا زین گناه به پیران سر این بُد سرانجام من چو غُرمِ ژیان با تو آیم دوان<sup>۶</sup> مگر بازیابم من آن<sup>۱</sup> کیشِ پاک</p>	<p>بر آتش نهم خویشتن<sup>۱</sup> پیش شاه مگر بازگردد ز بد<sup>۴</sup> نام من مرا گر بخواهی ز شاه جهان<sup>۵</sup> شوم پیش<sup>۷</sup> بیژن بغلم<sup>۸</sup> به خاک</p>	<p>۸۰۰</p>
<p>یکی بادِ سرد از جگر برکشید غم آمدش از آن بیده کام<sup>۱۱</sup> اوی<sup>۱۰</sup> بدو گوی کای<sup>۱۳</sup> خیره ناباک مرد، بدان<sup>۱۵</sup> ژرف دریا که زد با<sup>۱۶</sup> نهنگ، نیابد<sup>۱۹</sup> ز چنگ<sup>۲۰</sup> هوا کس رها؟ بود داستان<sup>۲۲</sup> چو شیر دلیر: نه نیز از ددان رنجش آید بر اوی<sup>۲۴</sup> ندیدی همی<sup>۲۵</sup> دام نخچیرگیر که<sup>۲۷</sup> من پیش خسرو برم نام تو فرومانده‌یی تو به یکبارگی<sup>۲۹</sup>،</p>	<p>چو پیغام گرگین به رستم رسید بیچید از آن درد پیغام اوی<sup>۱۰</sup> فرستاده را گفت: رو<sup>۱۲</sup> بازگرد تو نشیدی آن<sup>۱۴</sup> داستان پلنگ که چون<sup>۱۷</sup> بر خرد چیره گردد<sup>۱۸</sup> هوا خردمند کارد<sup>۲۱</sup> هوا را به زیر نبایدش بُردن به نخچیر بوی<sup>۲۳</sup> تو دستان نمودی چو روباه پیر نشاید برین بیده<sup>۲۶</sup> کام تو ولیکن کنون بس<sup>۲۸</sup> به بیچارگی</p>	<p>۸۰۵ ۸۱۰</p>

۱- (ل): تویادآور از من کنون) ۲- (لی، پ: که) ۳- ل، س، ق (نیز ق، ل، ب): آرد؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، لی، پ، و، لن): این بیت در ف، آ چنین آمده است:

<p>گر آمرزش آید مرا زین گناه (= ۷۹۸ ب) مگر عفویابم بجان زین گناه مگر رسته گردم بجان زین گناه</p>	<p>ف: بخواهم ز خسرو تو ای نیکخواه بر آتش نهم خویشتن پیش شاه (= ۷۹۸ آ) آ: بخواهم ز خسرو تو ای نیکخواه</p>
--	--

۴- س: زمن؛ ل: بدین ۵- ل، س: جوان؛ متن = ف، س، ق، ل (نیز لن- ب) ۶- ق: دمان ۷- ق: نزد ۸- (ق): لی، پ: بغلطم) ۹- ق، ل، س: این ۱۰- ل، س، ق: او ۱۱- س: گم شده نام ۱۲- ق، ل (نیز لن، ل، پ، لن): شو ۱۳- ل- س (نیز لن- ب): بگویش که ای؛ متن = ف ۱۴- س، س: این ۱۵- ل: در آن ۱۶- ف: چه کرد با؛ س: که بد با؛ س: زد ربا (!)؛ (لن: و کام؛ پ، لن: بکام؛ آ: که یازد)؛ متن = ل، ق، ل (نیز ق، ل، و، ب) ۱۷- ل- س (نیز لن- ل، و- ب): که گر؛ (پ: اگر)؛ متن = ف ۱۸- س: چیره گردد خرد بر ۱۹- ف: نیابد (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن = ل- س (نیز لن- ب) ۲۰- ف- س (نیز لن- ل، ل، آ، ب): جنگ؛ متن = (پ، و) ۲۱- س: آرد؛ س: و کار (!) ۲۲- ف: با ستایش؛ س: دانش او؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن- ب) ۲۳- ل: روی؛ س (نیز ب): گاه؛ س (نیز ق، آ): بودن بنخچیر بوی؛ ف: نیایدت بودن بنخچیر بوی (!)؛ متن = ل (نیز لی، ل، و): بوی = پوی؟ ۲۴- س: آرد براه؛ (ب: آید براه)؛ متن = ف، ل، ل، س (نیز ق، ل، و، آ، ب): بروی؛ ق (نیز لن، پ، لن) این بیت را ندارند ۲۵- س: خود آن؛ ل: تو آن ۲۶- ل: کزین بیده؛ س (نیز ب): بر آوردن این؛ ق، ل (نیز لن، پ، لن): بدین بیده؛ (لی: بدن بیده)؛ متن = ف، س (نیز ق، و) ۲۷- س: نه ۲۸- ل، ق (نیز و): چو اکنون؛ ل (نیز آ): تو اکنون؛ (ق: کنونت؛ ل: کنون چون؛ پ: کنون پس)؛ متن = ف، س، س (نیز لن، لی، لن، ب) ۲۹- ف: فروماندگی نوبیکبارگی (فروماندگی نوبیکبارگی)؛ ل، ق، ل (نیز ق، ل، و، آ): فرومانده گشتی (ق: بینم) بیکبارگی؛ س، س (نیز لن، پ، لن، ب): فرومانده (س: فرومایه) بینمت بیکبارگی؛ متن = (لی؛ ف)

ز خسرو بخواهم گناه ترا<sup>۱</sup>  
 اگر بیژن از بند یابد<sup>۲</sup> رها  
 رها بودی<sup>۵</sup> از بند و رستی به جان  
 وگر بر جزین<sup>۷</sup> روی گردد سپهر  
 نخستین من آیم بدین<sup>۸</sup> کینه‌گاه<sup>۹</sup>  
 وگر من نیام<sup>۱۱</sup> نه<sup>۱۰</sup> گودرز و گوی

برآمد برین بر دو روز و دو شب<sup>۱۳</sup>  
 سیم<sup>۱۷</sup> روز چون شاه<sup>۱۸</sup> بنمود تاج  
 بیامد تهمتن<sup>۱۹</sup> بگسترد پیر<sup>۲۰</sup>  
 ز گرگین سخن گفت<sup>۲۱</sup> با شهریار  
 بدو گفت شاه: ای سپهدار من  
 که سوگند خوردم به تخت و کلاه  
 که گرگین نیند ز من جز بلا  
 جز این آرزو<sup>۲۸</sup> هر چه<sup>۲۹</sup> خواهی<sup>۳۰</sup> بخواه  
 پس آنکه چنین گفت رستم به شاه

وزین<sup>۱۴</sup> کار<sup>۱۵</sup> بر شاه نگشاد<sup>۱۶</sup> لب  
 نشست از بر سیمگون تخت عاج،  
 به خواهش بر شاه خورشیدفر  
 از آن<sup>۲۲</sup> گه شده بخت و<sup>۲۳</sup> بدروزگار  
 همی<sup>۲۴</sup> بگسلی بند و زنهار<sup>۲۵</sup> من  
 به دارای خرداد<sup>۲۶</sup> و خورشید و ماه،  
 مگر بیژن از بند یابد<sup>۲۷</sup> رها  
 ز تخت و ز مهر و ز تیغ<sup>۳۱</sup> و کلاه  
 که ای باگهر نامور<sup>۳۲</sup> پیشگاه،

۱- س: 'تومین ۲- س: برافروزه این: ل: 'درفشان کم ۳- ف (نیز لن، پ، و، لن): 'گردد؛ متن = ل- س: ' (نیز ق، ل، ل، ل، آ، ب) ۴- ل: 'ما ۵- ل (نیز و): گشتی: (ق: 'گردی): متن = ف، س، ق، ل، آ، س: ' (نیز هفت دستنویس دیگر) ۶- ل (نیز ل): 'بدگمان؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س: ' (نیز هشت دستنویس دیگر) ۷- ل، ق، س: ' (نیز ق، ل، پ، و، لن، آ): 'جز برین: س (نیز لن، ب): 'جز بدین: متن = ف، ل (نیز ل، ل): '۸- ق: 'بدان ۹- ل، ق (نیز و): 'کینه خواه؛ متن = ف، س، ل، آ، س: ' (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۰- ف: 'به (حینه؟): ل (نیز لن، پ، و، لن): 'چو: ق، ل: 'نیامت؛ س (نیز ب): 'دگر آنک آیند: (ل): 'وگر نه بیاید): متن = س: ' (نیز ق، ل، ل): '۱۱- س: 'بخواهند ۱۲- س: 'کین آن ۱۳- ف، س: ' (نیز لن، ق، ل، پ، ب): 'برین (ق، ل، ل، آ، بدین) کاریک روز و شب: متن = (ل، ل، ل): '۱۴- س: 'ازین ۱۵- ل، ق، ل (نیز آ): 'گفته؛ (و، گونه): متن = ف، س، س: ' (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- ل: 'بگشاد ۱۷- ف: 'سوه؛ ل، س، ق، ل: 'دوه؛ (ل، ب، سیوه؛ ل: 'پ: 'سوه؛ و: 'سیوه؛ آ: 'سوه): متن = س: ' (نیز لن، ق، ل، لن): '۱۸- س: 'ماه (!): ق، ل: 'در اینجا سرنویس دارند، ق: 'شفاعت کردن رستم به کیخسرو جهت گرگین میلاد؛ ل: 'خواستن رستم گرگین میلاد را از خسرو ۱۹- ق: 'تهمتن بیامد ۲۰- ل، ق، س: ' (نیز لن، ق، ل، پ، و): 'بر: س (نیز ب): 'بران (ب: 'بدان) باره بر: ل: 'بگسترد بر مهر (!): متن = ف (نیز ل، ل، آ) ۲۱- س: 'رفت ۲۲- س: 'وزان ۲۳- س، ق، ل، آ، س: ' (نیز لن، ق، ل، ل، پ، و، لن، ب): ' [و]: متن = ف، ل ۲۴- ق: 'همه ۲۵- ل: 'بند زنار (؟): س: 'بند و زنار (؟): (ل): 'بند زنار؛ ل: 'بند و زنها؛ متن = ل، س، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۶- ل: 'بهراد؛ س (نیز ب): 'بخرداد و هرمزد؛ ق، ل (نیز پ، و): 'بدادار هرمزد؛ (ل، لن): 'ز دادار هر داد (بخرداد): ق: 'بناهید و بهرام؛ ل: 'بنادار کیهان؛ ل: 'بخورشید و بهرام؛ آ: 'بدادار خرداد؛ متن = ف، س: ' ۲۷- ق (نیز لن، ق، ل، پ، و، لن، ب): 'گردد؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س: ' (نیز ل، ل، آ) ۲۸- ل: 'آرزوی ۲۹- ل، س: 'هرچ ۳۰- ل (نیز لن، ب، ل، ل): 'بیاید؛ (ق: 'داری): متن = ف، س، ق، ل (نیز ل، ل، و، آ، ب) ۳۱- س: 'ز تیغ و ز مهر و ز تخت؛ س: 'این بیت را ندارد ۳۲- ل (نیز ل): 'پرهیز نامور؛ س (نیز ب): 'نامور پرهیز؛ ق، ل (نیز ل، و، آ): 'نامور باگهر؛ متن = ف (نیز لن، ق، ل، ب، ل، ل): 'س: 'این بیت را ندارد



نه هنگام گرزست و تیغ و سنان<sup>۱</sup>  
برفتن پُراومید<sup>۲</sup>، بودن به بیم<sup>۳</sup>  
شکیبا فراوان به توران<sup>۴</sup> بُدن  
بباید بهایی و بخشیدنی<sup>۵</sup>

بدین کار باید کشیدن عنان  
فراوان گهر باید و زر و سیم<sup>۲</sup>  
بکردار بازارگانان شدن  
ز گستردنی هم ز پوشیدنی

بفرمود کان<sup>۷</sup> گنج‌های گهن،  
به دیبا<sup>۸</sup> و گوهر بیاراست گاه  
هر آنچس بیایست<sup>۱۰</sup> ازو<sup>۱۱</sup> برگزید  
صد آستر<sup>۱۲</sup> ز گنج درم<sup>۱۳</sup> بار کرد  
که بگزین ز گردان لشکر<sup>۱۴</sup> هزار  
بیاید تنی چند بسته کمر<sup>۱۵</sup>  
دگر گُسته<sup>۱۶</sup> تیغ<sup>۱۷</sup> جنگاوران  
نگهبان فرهنگ و<sup>۱۸</sup> تخت و کلاه  
چو آشکش کجا هست چون نزه شیر<sup>۱۹</sup>  
نگهبان این لشکر و خواسته  
چنان چون بیایست بر ساختند  
بدان گرزداران و مردم‌کشان<sup>۲۰</sup>

۸۴۵ چو بشنید خسرو ز رستم سَخُن  
سر بدره بگشاد گنجور شاه  
تهمتن<sup>۹</sup> بیامد همه بنگرید  
ازو<sup>۱۲</sup> صد شتر بار<sup>۱۳</sup> دینار کرد  
بفرمود رستم به سالار بار  
ز شیران گردنکش<sup>۱۷</sup> نامور ۸۵۰  
چو گرگین و چون زنگه‌ی شاوران  
چهاره گرازه که راند<sup>۲۰</sup> سپاه  
چو فرهاد و رَهاده<sup>۲۲</sup> گردِ دلیر  
چنین هفت<sup>۲۴</sup> یل باید آراسته<sup>۲۵</sup>  
همه بر فرودی<sup>۲۶</sup> بینداختند ۸۵۵  
پس آگاهی آمد به گردنکشان

۱- در ل، ل<sup>۲</sup> لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲- ق: سیم و زر ۳- ل: برانید؛ س، س<sup>۲</sup> (نیز لن، ب): باقمده؛ ق، ل: بر اندیشه؛ متن = ف ۴- ق: بدر ۵- س، س<sup>۲</sup>: بتوران فراوان ۶- ق: بخشودنی؛ ل: ز بهر بها و ز بخشیدنی ۷- ل، ل، س<sup>۲</sup> (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ، ب): تا؛ (لن، ب، لن، آ: کنز): متن = ف ۸- ل، ق، س<sup>۲</sup> (نیز ل، آ): بدیناره؛ متن = ف، س، ل<sup>۲</sup> (نیز لن، ق، ب) ۹- ف: چورستم؛ متن = ل، س<sup>۲</sup> (نیز لن، ب) ۱۰- ف: بیارود؛ متن = ل، س<sup>۲</sup> (نیز لن، ق، ل، آ، ب، لن، ب) ۱۱- ل، ل، ل: زان؛ (لن، ق، ل، آ، ب، لن، آ: ب: از آن): متن = ف، س، ق، س<sup>۲</sup> ۱۲- ل، ل، س<sup>۲</sup> (نیز ق، ل، آ): از آن؛ س (نیز ب): وزان؛ ق: بلی (!): متن = ف، ل<sup>۲</sup> (نیز ل، ب، و، لن، آ) ۱۳- س<sup>۲</sup> (نیز و): شتروار ۱۴- ل، ل، س<sup>۲</sup> (نیز لن، ق، ل، ل، آ، و، لن، آ): شتر؛ متن = ف، ق، ل<sup>۲</sup> (نیز ب): بنداری؛ مائة جبل و مائة بقل ۱۵- ق، س<sup>۲</sup> (نیز ق، ل، ل، آ): گهر؛ ل: ز بخت و بسته؛ (لن، ب، لن، آ: ز گوهر همه؛ متن = ف، ل (نیز و): س (نیز ب): دگر همچنان از (ب: صد) گهر ۱۶- س: ز لشکر سواری ۱۷- ل: ز مردان گردنکش و؛ س: ز شیران و گردان همه؛ ل: همه شیر مرد و همه؛ متن = ف، ق، س<sup>۲</sup> ۱۸- س: که بند ز بهر چنین کین کمر ۱۹- ل، ق (نیز ق): شیر؛ (ب: پیر؛ و: شاه)؛ متن = ف، س، ل، آ، س<sup>۲</sup> (نیز لن، ل، ل، آ، ب، آ، ب) ۲۰- س<sup>۲</sup>: کراید (که کراید = که راند) ۲۱- ل، ل، ل، س<sup>۲</sup> (نیز ق، ل، ل، آ، ب): فروهل نگهبان؛ س (نیز لن، ب، و، لن): نگهبان گردان و؛ ق: بود او نگهبان؛ متن = ف ۲۲- ق: رهاده و فرهاد ۲۳- ل: که صید آورد نزه شیر؛ س، س<sup>۲</sup> (نیز ب): سرافراز درنده شیر؛ ق (نیز ل، و): که او هست چون نزه شیر؛ (لن، ب، لن، آ: که هست او یل نزه شیر؛ ل، آ: ننگ اوژن نزه شیر؛ ق: جهانگیر چون اشکش نزه شیر): متن = ف (ه، ف، ل، و): ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۲۴- س<sup>۲</sup> (نیز ق، ل، ل، آ، ب): هشت؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> (نیز ل، ل، آ، ب، و، لن) ۲۵- س: یل را بود ساخته؛ بنداری (۸۴۹-۸۵۴): واختار من العسکر ألف فارس من المفردین و سبعة من المقدمین مثل جرجین و زنکه و کسبه و زواره و فرهاد و رَهاده و آشکش ۲۶- ف (نیز ل، و، آ): همه کار نیکو؛ ل، ق: همه تاج و زیور؛ س: همه بر فرودن؛ ل<sup>۲</sup> (نیز لن، ق، ل، ل، ب، لن، آ): همه بر فرودی؛ متن = س<sup>۲</sup> (نیز ب) ۲۷- ل (نیز آ): [و] دشمن کشان؛ ل: و دامن کشان (!): (ق، ل، و، ب: و دشمن کشان؛ ب: [و] مردم کشان): متن = ف، س، س<sup>۲</sup> (نیز لن، ل، ل، آ): ق این بیت را ندارد

پرسید زنگه که خسرو<sup>۱</sup> کجاست؟ چه آمد به رویش<sup>۲</sup> که ما را بخواست<sup>۳</sup>؟

### گفتار اندر رفتن رستم با هفت گُرد ایران به ترکستان<sup>۴</sup>

چو سالارِ نوبت پیامد به در سپاه <sup>۵</sup> از پسِ پشت و گردانِ زپیش همه نیزه و تیر بار هیون <sup>۶</sup>	۸۶۰	به شبگیر بستند یکسر <sup>۷</sup> کمر نهاده به کف بر همه جان خویش همه جنگ را دست شسته <sup>۸</sup> به خون
سپیده‌دمان گاه بانگِ خروس تهمن پیامد چو سرو بلند برفت از در شاه با لشکرش چو نزدیکی مرز توران رسید به لشکر چنین گفت پس پهلوان	۸۶۵	ببستند بر کوهی پیل کوس به چنگ <sup>۹</sup> اندرون گرز و برزین کمند همی <sup>۱۰</sup> آفرین کرد <sup>۱۱</sup> بر کشورش سران را ز لشکر همه برگزید که ایدر بباشید روشن روان <sup>۱۲</sup>
مجنید از ایدر مگر جان من بسچیده باشید مر جنگ را		ز تن <sup>۱۳</sup> بگسلد <sup>۱۴</sup> پاک یزدان من همه تیز کرده به خون چنگ را
سپه را بدان <sup>۱۵</sup> مرز <sup>۱۶</sup> ایران <sup>۱۷</sup> بماند همه جامه برسان <sup>۱۸</sup> بازاریان <sup>۱۹</sup> گشادند گردان کمرهای سیم سوی شهر توران نهادند روی گرافمایه هفت اسپ با <sup>۲۱</sup> کاروان	۸۷۰	خود و سرکشان سوی توران براند پوشید و بگشاد بند از میان پوشیدشان جامه‌های گلیم یکی کاروانی <sup>۲۰</sup> پُر از رنگ و بوی یکی رخس و دیگر نشست گوان

۱- ف، س<sup>۱</sup> (نیز لن، آ): خسرو که زنگه؛ س (نیز ب): هر کس (ب: یک) که خسرو؛ (ب: زانکه که خسرو): متن = ل، ل<sup>۱</sup> (نیز ق، ل، ج، ل، ج، ل)؛ ل<sup>۲</sup> در ل<sup>۱</sup> با نشان خ و ه در بالای زنگه و خسرو به ضبط ف تصحیح کرده‌اند ۲- س (نیز ب): بروی ۳- ف، ل (نیز آ): بخواست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س (نیز ل): بخواست؛ متن = ل، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، ب، ل، ب، ل، ب): ف (نیز و) این بیت را ندارند ۴- ف: گفتار اندر رفتن رستم با هفت گُرد ایران بترکستان بطریق بازارگانان بطلب بیژن؛ ل: رفتن رستم زان بترکستان بشکل بازارگانان؛ س: رفتن رستم بتوران زمین بطلب بیژن گم؛ ق: رفتن رستم و پهلوانان بتوران جهت خلاص بیژن؛ ل: رفتن رستم بتوران و آوردن بیژن؛ متن = آغاز ف ۵- ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، ل، پ، و، لن، ب): گردان؛ متن = ف، ل<sup>۱</sup> (نیز ل، آ): ل (نیز ل، ب، آ) پس از این بیت افزوده‌اند: همه نیزه‌داران جنگ توران همه مرزبانان نام توران

۶- س<sup>۱</sup>: سپه؛ در ل این بیت پس از بیت ۸۶۲ آمده است ۷- س: تیغ کرده برون ۸- ق: همه دست را رنگ کرده ۹- س: بدمست؛ در ل پس از این بیت، بیت ۸۵۹ آمده است ۱۰- ل: بسی؛ ل: همه ۱۱- ل، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، ب): خوانند؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> ۱۲- ف، ل<sup>۱</sup>: نوشته روان (؟)؛ متن = ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ب) ۱۳- ف، س<sup>۱</sup> (نیز لن): ازمن؛ (ل<sup>۱</sup>: ازین جا)؛ متن = ل، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۴- ف (نیز لن): نگسلد؛ ل، س (نیز و): نگسلد (نقطه ندارد)؛ متن = ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۵- ل<sup>۱</sup> (نیز و): بران؛ (لن، ب، لن: بدین)؛ ل، س، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ب): سپه بر سر؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، آ) ۱۶- ق: بوم ۱۷- س، ق (نیز ل<sup>۲</sup>): توران ۱۸- ف: جامه‌ها همچو؛ متن = ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ب) ۱۹- ل، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، ل، پ، لن، آ، ب): بازارگان؛ متن = ف، س<sup>۱</sup> (نیز ق، و) ۲۰- ل: کاروان ۲۱- س: در

صد آستر همه بار بُد<sup>۱</sup> گوهرها  
از آن هوی هوی و جَرَنگی<sup>۲</sup> دَرای  
همه دشت از آواز او می‌خنید<sup>۳</sup> ۸۷۵  
نَبُد پهلوان و سُواری به جای<sup>۴</sup>  
چو پیرانِ ویسه ز نخچیرگاه  
یکی جام زرین پُر از گوهرها  
دو<sup>۵</sup> اسپ گرانمایه با گوهرش<sup>۶</sup>  
به فرمانبران داد و خود پیش رفت<sup>۷</sup> ۸۸۰  
برو آفرین کرد کای نامور  
صد آستر<sup>۸</sup> همه جامه‌ی لشکرا<sup>۹</sup>  
بکردار<sup>۱۰</sup> ظهمورتی<sup>۱۱</sup> گره‌نای<sup>۱۲</sup>،  
همی رفت تا شهر<sup>۱۳</sup> پیران<sup>۱۴</sup> رسید  
بُد پیش میدان او بر<sup>۱۵</sup> به پای  
بیامد، تهمتن بدیدش<sup>۱۶</sup> به راه،  
به دیبا بیوشید رستم<sup>۱۷</sup> سرا<sup>۱۸</sup>،  
به دیبا بیاراست اندرخورش<sup>۱۹</sup>،  
سوی گاه<sup>۲۰</sup> پیران خرامید تفت<sup>۲۱</sup>  
بدایران<sup>۲۲</sup> و توران به بخت و هنر<sup>۲۳</sup>

۱- ل. س. ف. س. (نیزق، ل. ل. آ. ب): بار او؛ ل: بارها؛ (ل. پ. ل. ن: بارشان): متن = ف ۲- ل (نیزل، ب. و): اشتر؛ متن = ف. س. ق. ل. س. (نیزلی، ل. ل. آ. ب) ۳- س. س. س. (نیزب): جامه و زیور؛ متن = ف. ل. ق. ل. (نیزلن. آ) ۴- ق: درنگ؛ ل: زبس های وهوی درنگ و؛ س (نیزب): زبس های و بس هوی و بانگ؛ ل. س. (نیزلن، ق. ل. ب. و. ل. ن): زبس (س. ل. آ: از آن) های و (ل. و: هوی) هوی و جرنگ؛ متن = ف (نیزلی. آ) ۵- (ق. ل. ل. و. ل. ن. آ: ظهمورتی): متن = ف. س. (نیزلن، ب) ۶- ف. ل. س: کز نای؛ ق: رهنمای (در بالا به کزه‌نای تصحیح کرده است)؛ (ل. ن: کزدنای (؟)) ۷- (و: می حید (!): ل: آوازشان می شنید؛ ق: از آواز آن می حید (!): ل. ن: از آوای او می حید؛ ب. ل. ن: لغت شهنامه، شماره ۷۹۹: از آوازشان می خنید)؛ ل. ق: همی (ق: همه) شهر بر شهر هودج کشید؛ س (نیزب): زمین جنب جیان هوا ناپدید؛ ل: همه شهر از آوازشان می خنید (!)؛ س: همه شهر آوای آن می دوید؛ (ل. آ: درو و دشت از آوای او می خنید)؛ متن = ف ۸- س: تا پیش ۹- ف. ل. (نیزلن، ب. ل. ن. آ. ب): توران؛ (لغت شهنامه: پیلان پیران): متن = س (نیزق، ل. ل. و. آ): بنداری؛ و أمر بتعلیق الأجرام علی الدواب، و سار فی هبة الفواقل حتی وصل الی مدینة بیران؛ ق (نیزل. آ) پس از بیت ۸۷۵ افزوده‌اند:

در آن مرز توران یکی شهر بود  
که پیران در آن شهر با پیر (ق: بارز) بود  
ل پس از بیت ۸۷۵ و ق پس از بیت بالا (ولی. ب. آ پس از بیت ۸۷۶) افزوده‌اند:  
چو آمد بنزدیک شهر ختن  
نظاره ببامد برش مرد و زن  
س (نیزب) پس از بیت ۸۷۵ افزوده‌اند:

همه پهلوانان ایران بیای  
شده سوی توران بفرهای  
۱۰- س (نیزلن، ق. ل. ل. و. ل. آ): سواران بجای؛ ل: همه پهلوانان توران بجای؛ س (نیزب): برفته بدان روز پیران ز جای؛ ل: همه پهلوان  
و سواران بجای؛ (ب: بشد پهلوان و سواران بجای): متن = ف ۱۱- (ل. ب. ل. ن: میدان پیران): ل: شده پیش پیران ویسه؛ ل: شده پیش  
میدان پیران؛ (ل. آ: نه کس پیش درگاه او بر؛ و: نبد کس بمیدان پیران): متن = ف. س. س. (نیزق، ل. آ. ب): ق این بیت را  
ندارد ۱۲- ل: پذیره ۱۳- (ب: برا): ف: بیاراست اندرخورا؛ (و: بیوشید اندرخورا): متن = ل. س. (نیز هفت دستویس  
دیگر) ۱۴- ل. ل. (نیزو. ب): ده؛ متن = ف. س. ق. س. (نیز هفت دستویس دیگر) ۱۵- ف: تیزتک؛ ل: با زیوروش؛ س:  
گوهرین (پس‌وند ندارد)؛ (ل. آ: بالشکرش؛ و: زرین ستاره): متن = ق. ل. س. (نیزلن، ق. ل. ب. ل. ن. آ. ب) ۱۶- س. س. (نیز  
ب): بیاراسته درخورش؛ ف: سیه چشم و کوچک سر و سخت‌رگ؛ (و: برقتن چو باد و بآلت تمام): متن = ل. ق. ل. (نیز هفت دستویس  
دیگر)؛ بنداری (۸۷۸-۸۷۹): و أخذ جاما مرصعا بالجواهر و أهداه الی بیران مع فرسین مجملین بالدیباچ و الحریر ۱۷- ل: پشرو؛ س (نیز  
ب): فرمان بردان پیروزبخت (پس‌وند ندارند)؛ ق: فرمان بردان بخود پیش رفت؛ متن = ف. ل. س. ۱۸- ل. ق. ل. (نیزو): بدرگاه؛  
(ل. ب. ل. ن: برگه): متن = ف. س. س. (نیزق، ل. ل. آ. ب) ۱۹- ل: گو؛ س (نیزل، ب. ل. ن): و تفت ۲۰- ل. س. ق. ل. (نیزلن، ق. ل. ل. آ. ب. و. ل. ن. آ. ب): بایران؛ متن = ف ۲۱- س (نیزب): ترا گاه و فر؛ س این بیت را ندارد؛ ف پس از بیت ۸۸۱

افزوده است: یکی مرد بزازگان پیشه‌ام  
ز ایران زمین باصل و نژاد  
ز سود و زیانست اندیشه‌ام  
همی تازه اندر جهان یک نهاد  
س پس از بیت ۸۸۱ افزوده است: ای تو جهان روز روشن مباد  
دل و جانست از داد آباد باد

چنان کرد روشن جهاندار ساز  
پرسید و گفت: از کجایی بگویی؟  
بدو گفت رستم: ترا کهترم  
به بازارگانی از ایران به تور  
فروشنده‌ام، هم خریدار نیز  
به مهر تو دادم روان را نوید  
اگر پهلوان گیرم زیر پَر  
هم از داد تو کس نیازدارم  
پس آن جام زرین کز اندازه بیش  
گرامیابه اسپان تازی نژاد  
بسی آفرین کرد و آن خواسته  
چو پیران بدان گوهران بنگرید  
برو آفرین کرد و بناختش  
که شو شاد و این به شهر اندر آید  
کزین خواسته بر تو تیمار نیست

۸۸۵  
۸۹۰  
۸۹۵

که پیران مرو را ندانست باز  
چه مردی و چون آمدی پوی پوی؟  
به شهر تو کرد ایزد آبخورم  
بیمودم این راه دشوار دور  
چه دارم، چه خرم زهرگونه چیز  
کنون چیره شد بر دلم بر امید  
خرم چارپای و فروشم گهر  
هم از بهر مهرت گهر باردم  
درو بود گوهر نهادش به پیش  
که بر مویشان گرد نشانند باد  
بدو داد و شد کار پیراسته  
کز آن جام رخشنده آمد پدید  
بر آن تخت پیروزه بنشاختش  
کنون نزد خویشت بسازم جای  
کسی را بدین با تو پیگار نیست

۱- س این بیت را ندارد؛ س (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

پرسید گفتا که چون آمدی

- ۲- س: چه مردی کنون ۳- س: گفتش که جایست ۴- س: بدین شهر: ف (نیزلی) این بیت را ندارند ۵- ل: چنین  
دشوار و: متن = س، ل (نیزب، ب)؛ ف (نیزلی) این بیت را ندارند ۶- س: بدین شهر: ف این بیت را ندارد ۷- ل، س، ق: زه متن = ل، س ۸- ل، ق، س: (نیزلی، ق، ل، و، ل، آ):  
بخرم؛ ل (نیزو): چه بهتر که خرم؛ (لن: که دارم زخرم؛ ل، آ: فروشم خرم من)؛ متن = ف (نیزق، ل، ل، لن) ۹- ل: فروشنده‌ام و ۱۰- ل، س، ق (نیزب، ب): فروشم  
زر دارم و چیز ۱۱- ل (نیزو): بفر (؟)؛ س: بفرزه متن = ل، ق، ل، س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۲- ل، س (نیزق، ل، ل):  
دارم روان را؛ (لن، پ، لن، آ: دارد روانه)؛ متن = ف، ق، ل، س (نیزلی، و، آ، ب) ۱۳- ل، ق (نیزلی، آ): چنین؛ متن = ف، س، ل، س (نیزهفت دستنویس دیگر)  
نقطه ندارد؛ متن = (ل) ۱۴- ل، س (نیزلن، ق، ل، آ): بر: (و: فر): متن = ف (نیزل، ب، لن، ب) ۱۵- ل، ق، ل، س (نیزلن، ق، ل، و، ل، آ): ابر: س (نیزب): چهر (بهر؟):  
متن = ف (نیزل): (؟) ۱۶- ل، س، ق، ل، س (نیزلن، ب): جام پر گوهر شاهوار؛ س: پس از (آن) جام زرین کرار اندازه (سکر  
اندازه) بیش؛ متن = ف (س) ۱۷- ل، س، ق، ل، س (نیزلن، ب): میان کیان (ق: گوان: ل: کسان: لن، ب، لن: مهان: س، ق، ل،  
ل، و، آ، ب: نیایش کسان: ل: ستایش کسان) کرد پیشش نثار؛ س: پر از گوهر آورد و بنهاد پیش؛ متن = ف (س) ۱۸- ل، س (نیزب): کزان جام رخشنده آمد پدید (= ۸۹۳ ب)؛ متن = ف، ق،  
س (نیزلی، آ) ۱۹- س، ق، س، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۲۰- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۲۱- س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۲۲- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۲۳- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۲۴- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۲۵- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۲۶- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۲۷- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۲۸- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۲۹- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۳۰- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۳۱- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۳۲- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۳۳- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۳۴- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۳۵- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ) ۳۶- ل، س، ق، ل، س (نیزلی، آ): آراسته؛ متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، ل، آ)

۹۰۰ برو هر چه<sup>۱</sup> داری بهایی بیار  
 فرود آی در<sup>۲</sup> خانِ فرزندِ من  
 چُنین<sup>۳</sup> گفت رستم که ای پهلوان  
 همه خواسته سرسَر مر تراست  
 به پیروزبخت<sup>۴</sup> جهان پهلوان  
 چه با من<sup>۵</sup> ز هر گونه مردم بود  
 بدو گفت: رو<sup>۶</sup> بارزو<sup>۷</sup> گیر جای  
 ۹۰۱  
 یکی خانه بگزید<sup>۸</sup> و برساخت کار  
 خبر شد کز ایران یکی کاروان  
 ز هر سو خریدار بنهاد<sup>۹</sup> گوش  
 خریدار دیبا و فرش<sup>۱۰</sup> و گهر  
 چو خورشید گیتی بیاراستی  
 ۹۰۵  
 به کلبه درون رخت بنهاد و<sup>۱۱</sup> بار  
 بیامد بر نامور پهلوان<sup>۱۲</sup>  
 چُن آگاهی آمد ز گوهر فروش  
 به درگاه پیران نهادند سر  
 بدان کلبه بازار برخاستی<sup>۱۳</sup>

### گفتار اندر آمدن منیژه دختر افراسیاب بنزدیک رستم<sup>۲۵</sup>

۱- ل: هرچ ۲- س: خریدار از آن ۳- س، ل، آ، س: سوی؛ متن = ف، ل، ق ۴- ق: بر ۵- ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز ل، ل، ل، پ، ل، آ، ب): چو؛ متن = ل (نیز ق، و) ۶- ل (نیز ل، آ): بدو ۷- ف: ز؛ متن = س ۸- س: (نیز و): رانده ام کاروان؛ ل، س، ق (نیز ق، ل، آ): هم آنجا (ل: هم ایدر؛ ل: هم اینجا) بیاشم با کاروان (۹۰۱ ب): ل: باید تر رانده ام کاروان؛ (ل، پ، ل، آ): هم ایدر بیاشم بر کاروان (= ۹۰۱ ب): ل، آ: هم ایدر بیاشم روشن روان (۹۰۱ ب): متن = ف (نیز ب؛ ل، آ، س، و) ۹- س (نیز ل، پ، ل، آ): بهر جا؛ (و: هم آنجا)؛ متن = ف، ل، آ (نیز ل، آ): ل، ق، س (نیز ل، آ): این بیت را ندارند ۱۰- ف: بیروی بخت؛ (ق: پیروزبخت؛ ل: پیروزبخت)؛ متن = س (نیز ل، ل، پ، آ) ۱۱- ف (نیز ل، و، آ): همانجا ۱۲- س (نیز ل، پ، ل، آ): از ایران ترا راندم این کاروان (= ۸۹۹ ب)؛ (ق: از ایران بتوراندم بی گمان (= ۸۹۹ ب)؛ متن = ف (نیز ل، و، آ) پس از تصحیح همانجا به هم ایدر؛ ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، آ): این بیت را ندارند؛ ل، ق، ل، آ، س (۹۰۱ ب) آرا انداخته و از ۸۹۹ آ و ۹۰۱ ب یک بیت ساخته اند و درس، ل، ق، آ، پ، ل، آ، س (۸۹۹ ب) با ۹۰۱ ب پس و پیش شده اند ۱۳- ل (نیز ل، آ): که با ما؛ س، س (نیز ب): ابا من؛ ق، ل (نیز ل، ق، آ): که با من؛ متن = ف ۱۴- ل: که زان؛ س (نیز ل، ب): کزان (گرگان؟)؛ ل، آ، س: کزان (= کزان؟)؛ متن = ف، ق: کزین (= کزین؟) ۱۵- ق، س (نیز ق، آ): شو ۱۶- ل: بارزوی ۱۷- ف: رهنمایان پست (!)؛ ل (نیز ب): رهنمایی بیشت؛ ل: بکن پاسبانان زهر سو؛ متن = ق، س، س (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۸- ل، ق (نیز و): بگرفت ۱۹- س: [و]؛ س: رفت و بنهاد؛ ل بجای این بیت افزوده است:

یکی جام (!) فرمود تا داشتند یکی کلبه از بار انباشتند

۲۰- ق: بیامد برش مهتری ساروان ۲۱- ل (نیز و): بگشاد ۲۲- ل، س (نیز ل، ب): چو؛ متن = ف ۲۳- ل، آ، س: دیا فروش (همدیا و فرش) ۲۴- س، س (نیز ل، ق، ل، پ، ل، آ، ب) پس از این بیت افزوده اند:

برآمد برین روزگاری چنین که رستم بماندش (ل، پ، ل، آ: مانده) بتوران زمین

ف، ل، ق، ل (نیز ل، و) این بیت را ندارند ۲۵- ف: گفتار اندر آمدن منیژه دختر افراسیاب بنزدیک رستم و گریستن اندر حق بیژن؛ س: آمدن منیژه بنزد رستم و پرسیدن حال ایرانیان؛ ق: آمدن منیژه نزد رستم و آگاهی دادن از حال بیژن؛ متن = آغاز ف



<p>یکایک به شهر اندر آمد دوان بر رستم آمد<sup>۲</sup> دو دیده پُر آب - همی باستی خون ز<sup>۳</sup> مَرگان بُرقت<sup>۴</sup> - مبادت پشیمانی از رنج<sup>۵</sup> خویش! ز چشم بدانت مبادا گزند! ز رنجی که بردی مبادت زیان! خُک باد<sup>۸</sup> ایران و خوش روزگارا! از ایران و از پهلوان سپاه<sup>۱۱</sup>! نیایش نخواهد بُدن چاره‌گر<sup>۱۳</sup>! همی بگسلاند به سختی میان دو دستش به<sup>۱۶</sup> مِسمار آهنگران همه جامه<sup>۱۸</sup> پُر خون از آن مستمند<sup>۱۹</sup> ز نالیدن او دو چشم پُر آب</p>	<p>منیزه خبر یافت از کاروان بَرهنه نوان<sup>۱</sup> دُخت افراسیاب برو آفرین کرد و پرسید و گفت که بر خوردی از جان و از گنج خویش به کام تو بادا سپهر بلند! هر او مید<sup>۷</sup> دل را که بستی میان همیشه خرد بادت آموزگارا! چه آگاهی ست<sup>۹</sup> ز گردان و شاه<sup>۱۰</sup>؟! نیامد به ایران ز بیژن<sup>۱۲</sup> خبر؟ که چونان<sup>۱۴</sup> جوانی ز گودرز زیان بسودست پایش<sup>۱۵</sup> به<sup>۱۶</sup> بند گران کشیده به زنجیر و بسته<sup>۱۷</sup> به بند نیام<sup>۲۰</sup> به<sup>۲۱</sup> درویشی خویش خواب<sup>۲۱</sup></p>
<p>یکی بانگ برزد، براندش به کوی<sup>۲۲</sup></p>	<p>بترسید رستم ز گفتار اوی</p>

۱- س: دوان ۲- س: [آمد] (وزن ندارد) ۳- ل، ل، ل (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، آ): باستین خون: س (نیز ل): باستین خون ز: متن = ف ۴- س (نیز ب): بآب مژه هر دو رخ را پشت (پساوند ندارد): ق این بیت را ندارد ۵- ل، ق، ل، س: وز: متن = ف، س ۶- س: گنج (پساوند ندارد) ۷- ل، س (نیز لن، ب): اقیده: متن = ف ۸- ل: بوه: ق (نیز لن، ل، ب، لن، آ): شهر: متن = ف، س، ل، س (نیز ل، و، ب) ۹- ل، ل، ل (نیز ل): آگاه داری: متن = ف، س، ق، س (نیز هشت دستوبس دیگر) ۱۰- ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، ب): گردان شاه: (ل: گردنکشان): متن = ف، س (نیز ل، ب، و، لن، آ) ۱۱- ل (نیز لن، ب، لن): ز گویو ز گودرز و ایران سپاه: ق: ز گویو دلیر پهلوان سپاه: ل (نیز و): ز گویو ز گودرز و شاه و سپاه: (ل: ز گودرز و از گویو آزادگان: آ: ز گویو ز گودرز و سپاه): متن = ف، س، س (نیز ق، ل، ب، ف، ل: ز ایران: س: و ز پهلوان): بنداری: آخرین عن ایران و عن الملک و عن البهلوان: ف پس از بیت ۹۱۶ افزوده است:

ز گویو و ز گودرز و ز شاه شیر ز شیدوش و طوس و هجیر دلیر

۱۲- س، ق، ل: نیامد (س: چه آمد) ز بیژن بایران: متن = ف، ل، س ۱۳- س: نمی جویدش آن گرامی پند: س: و را کس نیاید بدین چاره گر: متن = ف، ل، ق، ل ۱۴- ل (نیز ل): چون او: س (نیز لن، ب، لن): چنین: متن = ف، س، ق، ل (نیز ق، ل، و، آ، ب): ف پس از این بیت افزوده است:

نه روزش قرار و نه آرام شب بمانده از اندوه و رنج و تعب

۱۵- س: بوده میانش ۱۶- ل، س: ز: متن = ف، س، ق، ل (نیز لن، ب) ۱۷- س، ل، س (نیز لن، ب): کرده: متن = ف، ل، ق (نیز ق، آ) ۱۸- ل، س، ق، س (نیز لن، ق، ب، ب): چاه: متن = ف، ل (نیز ل) ۱۹- ل: بتک بند (!): ف پس از این بیت افزوده است:

پراز خون دلم مانده از کار او دزد گشته از ناله زار او

۲۰- ل، ق، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، لن، آ): ز: متن = ف ۲۱- س (نیز ب): نیاره ز دردش شب هیچ خواب: (ل: نیام شب و روز آرام و خواب: و: نیام ز تمار او هیچ خواب) ۲۲- ل، س (نیز ق، ل، ل): ز روی: (لن: ز کوی: ل: بروی): متن = ف (نیز آ، ب)

- بدو گفت کز پیش من دور شو  
نداره ز گودرز و گیو آگهی  
۹۲۵ به رستم نگه کرد و بگریست زار  
چنین<sup>۳</sup> گفت کای مهتر پُرخرَد  
سَخُن گر نگویی، مرانم ز پیش  
چنین باشد آیین ایران مگر  
بدو گفت رستم که ای زن چه بود؟  
۹۳۰ همی برنوشتی<sup>۶</sup> تو بازار من  
بدین تندی<sup>۸</sup> از من میازار بیش  
وُدیگر به جایی<sup>۱۰</sup> که کیخسروست  
ندانم ز بُن<sup>۱۲</sup> گیو و گودرز را
- بفرمود تا خوردنی هر چه<sup>۱۴</sup> بود  
یکایک سَخُن کرد ازو خواستار  
۹۳۵ چه پرسى ز گردان<sup>۱۵</sup> و از تخت شاه<sup>۱۶</sup>؟  
منیژه بدو گفت کز کار من  
کز آن<sup>۱۹</sup> چاه سر با دلی پُر ز درد  
زدی بانگ بر من چو جنگاوران  
۹۴۰ منیژه منم دخت افراسیاب
- نهادند در پیش درویش زود  
که با تو چرا شد دژ روزگار؟  
چه داری همی راه ایران نگاه؟  
چه جویی<sup>۱۷</sup>، ز بدبخت و تیمار<sup>۱۸</sup> من  
دویدم بنزد تو ای زادمرد<sup>۲۰</sup>  
نترسیدی<sup>۲۱</sup> از داور داوران  
برهنه ندیدی مرا<sup>۲۲</sup> آفتاب

۱- ل: سالارو گو ۲- ق: زدیده ۳- ل: بدو ۴- ق: که من دلخسته دارم بازار خویش (وزن ندارد) ۵- س، ق، س: (نیز لن، ق، ل، ل، لن، ب): نپرسد؛ متن = ف، ل، ل (نیز ل، و، آ) ۶- س (نیز ب، ب): درنوشتی؛ متن = ف، ل، ق، ل، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۷- س، ل: بدین؛ ق: ازین؛ متن = ف، ل، س ۸- ل، ل: بدتو؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ب) ۹- ق: من ۱۰- س: که آنجا؛ ل: ولیکن بدانجا ۱۱- ل: در آن شهر خود من ۱۲- ل: همی؛ ل: من این؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ل، و، ب) ۱۳- ل: این ۱۴- ل، س: هرچ ۱۵- ق (نیز آ): گودرز؛ (لن، ب، لن: ایران)؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیز ق، ل، ل، و، ب) ۱۶- ل: و شاه و سپاه؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ب؛ ف، ق، ل، س، ل، لن: وز)؛ بنداری: مالک و للسؤال عن ملوک ایران؟ ۱۷- ل، ق، ل، س (نیز لن، ب): پرسى؛ متن = ف ۱۸- ق: بیدار؛ ل: و بدبخت و تیمار؛ س (نیز ب): و (ب: تو) ازرنج و تیمار؛ (لن، ق، ب، لن: زرنج و ز تیمار؛ و: ازبخت و تیمار)؛ متن = ف، ل (نیز ل، ل، آ)؛ س این بیت را ندارد ۱۹- ل: از آن ۲۰- ل (نیز لن، ل، و): زادمرد؛ (ب: شیرمرد)؛ ل، س: ازین در بدان درد و رخساره زرد (= ۹۴۱)؛ متن = ف، ق (نیز ق، ل، ب، لن، آ)؛ س این بیت را ندارد ۲۱- س: نترسی تو؛ س، ل این بیت را ندارند؛ س بجای بیت های ۹۳۷-۹۳۹ (و ب پس از بیت ۹۳۶) افزوده اند:

چنین داد پاسخ و را دخت شاه

که ای نامورمرد با دستگاه

۲۲- ل: رخه؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ب)

کنون دیده پُرخون و دل<sup>۱</sup> پُر ز درد  
 همی نان کشکین فرازاورم  
 ازین زارتر چون بود روزگار؟  
 و<sup>۵</sup> بیچاره بیژن بدان زرف چاه<sup>۶</sup>  
 به غل<sup>۷</sup> و به مسمار و بند گران  
 ۹۴۵  
 مرا درد بر درد بفرود از آن<sup>۸</sup>  
 کنون گرت باشد به ایران<sup>۹</sup> گذر  
 به درگاه خسرو مگر گیو را  
 بگویی که بیژن به سختی درست<sup>۱۳</sup>  
 ۹۵۰  
 گرش<sup>۱۶</sup> دید خواهی میاسای دیر<sup>۱۷</sup>  
 بدو گفت رستم که ای خوب چهر  
 چرا نزد باب تو خواهشگران  
 مگر بر تو بخشایش آرد پدر  
 گر آزار بابت نبود ز پیش  
 ازین در بدان در دو رخساره زرد<sup>۲</sup>  
 چُنین گاشت<sup>۳</sup> یزدان جهان<sup>۴</sup> بر سر  
 سرآرد مگر بر من این کردگار  
 نبیند شب و روز<sup>۷</sup> خورشید و ماه  
 همی مرگ خواهد ز یزدان بر آن<sup>۸</sup>  
 نم از<sup>۱۱</sup> دیدگانم بیالود از آن<sup>۹</sup>  
 ز گودرز گشواد یابی خبر،  
 بینی و گر<sup>۱۲</sup> رستم نیو را،  
 اگر<sup>۱۴</sup> دیر گیری<sup>۱۵</sup> شود کار پست  
 که بر سرش سنگست و آهن به زیر  
 فرو ریخت<sup>۱۸</sup> از دیدگان آب مهر<sup>۱۹</sup> -  
 نینگیزی<sup>۲۰</sup> از هر سوی<sup>۲۱</sup> مهتران؟  
 بجوشدش خون و بسوزد جگر  
 ترا دادمی چیز از<sup>۲۲</sup> اندازه بیش  
 که او را بیاید بیاور<sup>۲۴</sup> برش<sup>۲۵</sup>  
 نوشته<sup>۲۶</sup> بدو اندرون نان<sup>۲۷</sup> نرم

۹۵۵  
 به خوالیگران<sup>۲۳</sup> گفت کز هر خورش  
 یکی مرغ بریان بفرمود گرم

۱- س: از آن چاه سر با دلی (= ۹۳۸ آ) ۲- ل (نیزلی): دوان (ل: شده) گرد گرد: س: دویده بنزد نوای رادمرد (= ۹۳۸ ب): متن =  
 ف، س، ق، ل (نیزل، ق، ل، ب): ل (۹۳۸ ب) - آرا انداخته و از ۹۴۱ و ۹۴۱ ب یک بیت ساخته است؛ در س ۹۳۸ ب و ۹۴۱ ب  
 پس و پیش شده اند؛ س پس از بیت ۹۴۱ افزوده است:

کنون دیده پرخون و دل پر ز درد (= ۹۴۱ آ) دویده بنزد نوای شیرمرد

۳- ل، س، ق (نیزل، و، آ، ب): راند؛ ل: گشت؛ (لن، ق، ب، لن: کرد): متن = ف، س (نیزلی) ۴- ل، س، ق (نیزلن، ب):  
 قضا؛ س: مگر؛ متن = ف، ل ۵- ف، س (نیزلن، ب، لن، ب): ز: ل (نیزل): چو؛ ق، س (نیزق، ل، و): که: متن = ل (۷۳۶،  
 ۷۳۸، ۱۲۰۲) ۶- ل: تنگ چاه ۷- س (نیزو، لن): روزو ۸- ل: در آن: ف پس از این بیت افزوده است:  
 همی خورش از دیده بیرون شود وزو سنگ را دل پر از خون شود

۹- ل، ق: زین؛ (ل، و، لن، آ: ازین): متن = ف، س، ل، س (نیزلن، ق، ب، ب) ۱۰- ل (نیزو): [از]: متن = ف، س، ق، ل،  
 س (نیزهشت دستنویس دیگر) ۱۱- ق: گر بایرانت باشد ۱۲- س، ق، ل، س (نیزلن، ل، ب): یا: متن = ف، ل (نیز  
 ق) ۱۳- ق: ببند اندرست ۱۴- س، ل، س: وگر ۱۵- ق: یابی ۱۶- ف، ل (نیزق، ل): اگر؛ س، س (نیز  
 ب): وگر؛ متن = ل ۱۷- (لن، ب، لن): چو خواهی که بینش ماسای دیر: و، آ: اگر دید خواهش ماسای دیر: ق این بیت را  
 ندارد ۱۸- س (نیزق، ب): چرا ریزی؛ (لن، ب، لن): چرا باری؛ ل: چه ریزی تو): متن = ۱۹- ل: که مهتر میراد از وی  
 سپهر؛ ق (نیز آ): که بند است بر چهر تو آب مهر؛ س: که هرگز ترا زو مبراد مهر: (ل: که از دیده ریزی همی آب مهر): متن = ف، ل (نیز  
 و) ۲۰- ل: نه انگیزی؛ (ل، ب): نه نینگیزی؛ لن: نینگیزی؛ ب: نباشند ۲۱- س، ل، س: سوی: متن = ف، ل، ق ۲۲-  
 ل: ز ۲۳- ل (نیزق، ل، آ): خوالیگرش؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیزلن، ل، ب، و، لن، ب) ۲۴- ق: بارش ۲۵-  
 ل: سرش؛ س، ل در اینجا سرنویس دارند؛ س: پنهان کردن رستم انگشتی در مرغ و فرستادن بنزد بیژن؛ ل: فرستادن رستم انگشتی را  
 بدست منیره ۲۶- (لن: نبشته) ۲۷- س: گره (بساوند ندارد)

بدو در نهان کرد<sup>۱</sup> انگشتی  
که بیچارگان را توی<sup>۲</sup> راهبر

سَبک دست رستم بسان پری  
بدو داد و گفتش<sup>۳</sup>: بدان<sup>۴</sup> چاه بر

دوان و خورش‌ها گرفته به بر  
چنان هم که بستد<sup>۵</sup> به بیژن سپرد  
از آن چاه خورشیدرخ را بخواند  
خورش‌ها کزین دست<sup>۶</sup> بشتافتی؟  
ز بهر من ای دختر راه‌جوی<sup>۷</sup>  
یکی مایه‌ور<sup>۸</sup> مرد بازارگان،  
کشیده ز هر گونه بسیار غم<sup>۹</sup>،  
ز هر گونه با او فراوان گهر،  
یکی کلبه‌سازیده بر<sup>۱۰</sup> پیش کاخ،  
که بر من جهان‌آفرین را بخوان  
دگر گر بخواهد<sup>۱۱</sup> بر تو به تو<sup>۱۲</sup>

منیژه بیامد بدان<sup>۵</sup> چاه‌سر  
نوشته<sup>۶</sup> به دستار چیزی که بُرد  
نگه کرد بیژن به خیره بماند  
که ای مهربان از کجا یافتی  
بسا رنج و سختی که ت آمد به روی  
منیژه بدو گفت کز کاروان  
از<sup>۱۱</sup> ایران به توران ز بهر درم  
یکی مرد<sup>۱۳</sup> پاکیزه باهوش و فر  
گش دستگاهی و کاری<sup>۱۴</sup> فراخ  
به من داد ازین<sup>۱۶</sup> گونه دستار خوان  
بدان چاه نزدیک آن بسته<sup>۱۷</sup> زو<sup>۱۸</sup>

پُر اومید<sup>۲۲</sup> دل، گاه با ترس و باک<sup>۲۳</sup>  
بدید آن نهان‌کرده انگشتی  
ز شادی بخندید و خیره بماند

بگسترد بیژن پس<sup>۲۱</sup> آن زان پاک  
چو دست خورش برد از آن<sup>۲۴</sup> داوری  
نگینش نگه کرد و نامش بخواند

۱- ف، س، س، س<sup>۱</sup> (نیز ل، آ، ب): نهفتش بر مرغ اندر: (لن، ب، ل، ن: نهان کرد در مرغ: و: نهفت اندر آن مرغ): متن = ل، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز ق، ل)  
۲- س: گفتا<sup>۳</sup> ل: بر<sup>۴</sup> س، ق، ل، ل، س: تویی: متن = ف، ل، س (نیز ق، ل، و، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:  
چو دیگر بباید بر ما خرام  
که از تو ننداره دریغ این مدام  
۵- ل: بر<sup>۶</sup> (ق: بسته: ل: نهفته) ۷- س: هم بسته ۸- ل، س، ق (نیز ل، ل، ب): گونه: (آ: دشت - دست):  
متن = ف، ل، س، س: دلبر نیکخوی: س<sup>۹</sup> (نیز ل، ق، ب، ل، ن): مهربان پوی پوی: (لی: مهربان چاره‌جوی: آ: دختر چاره‌جوی: ب:  
دلبر خوب روی): ل (نیز ل): منی در جهان پوی پوی: ق: منی در جهان چاره‌جوی: ل: منی درد را چاره‌جوی: (و: منی روز و شب پوی پوی): متن  
= ف ۱۰- س: نامور ۱۱- ف: ز: متن = ل، س ۱۲- ل: بسیار و کم ۱۳- ق: پیر: س پس از این بیت افزوده است:  
که من مرد چون او ندیدم بتن  
چنو که بود در همه انجمن  
۱۴- ل: نهاده: (ق، ل، ل: کاخی: لی: گاهی): س، س، س<sup>۱۵</sup> (نیز ل، ب، ل، ن، ب): عیش دستگاه است و کاخی (س: گاهی: ل، ب، ل، ن):  
و هم دل: ب: گاه: ق، ل: بگسترده گاهی و کاری (ل: کاخی): (و: سرو دستگاهی و گاهی): متن = ف (نیز آ) ۱۵- س، ق،  
ل، س<sup>۱۶</sup> (نیز ل، ق، ل، ل، ب، ل، ن، آ، ب): در: متن = ف، ل (نیز ل) ۱۶- ل: زین: ل: این بیت را ندارد ۱۷- ف: بیشه: متن =  
ل، س، ق، س<sup>۱۸</sup> (نیز ل، ب) ۱۸- ل: بر: (لی، ل، آ: شو): متن = ف، س، ق، س<sup>۱۹</sup> (نیز ل، ق، ب، و، ل، ن، ب) ۱۹- ف:  
بخوایی: متن = س، ق، س<sup>۲۰</sup> (نیز ل، ب) ۲۰- ل: دگر هر چه باید بر سر بر: ل: این بیت را ندارد ۲۱- ق (نیز آ): مر ۲۲-  
ف: پُر اومید: ل: بر اومید: س، ق، س<sup>۲۳</sup> (نیز ل، ق، ل، ل، ن، ب): بر امید: ل: (نیز ب، و): پُر امید: (لی، آ: بامید): متن تصحیح قیاسی  
است ۲۳- ل: یزدان دل از بیم و باک: ل: دل کرده و ز بیم پاک: متن = ف، س، ق، س<sup>۲۴</sup> (نیز ل، ب) ۲۴- ل: زان

یکی مَهرِ پیروزه رستم بر او<sup>۱</sup>      نبشته بدآهن<sup>۲</sup> بکردار موی  
 چو بارِ درختِ وفا را بدید      بدانست کامد غمش را گلید  
 ۹۷۵      بخندید<sup>۳</sup> خندیدنی شاهوار<sup>۴</sup>      چنان کامد آواز بر<sup>۵</sup> چاهسار  
 منیره چو بشنید خندیدنش      از آن چاه تاریک<sup>۶</sup> بسته تنش،  
 شگفت آمدش، داستانی بزد      که دیوانه خندد ز کردار<sup>۷</sup> خود<sup>۸</sup>  
 چگونه گشایی<sup>۹</sup> به خنده دو لب      که شب روز بینی<sup>۱۰</sup> همی، روز شب؟  
 چه رازست؟ پیش آ<sup>۱۱</sup> و بامن بگوی<sup>۱۲</sup>      مگر بخت نیکت نموده ست روی<sup>۱۳</sup>  
 ۹۸۰      بدو گفت بیژن کزین کار سخت      بر او مید<sup>۱۴</sup> آنم که بگشاد بخت  
 کنون گر<sup>۱۵</sup> وفای مرا نشکنی<sup>۱۶</sup>      چو با من به سوگند<sup>۱۷</sup> پیمان کنی،  
 بگویم ترا سرسبر<sup>۱۸</sup> داستان      چو باشی به سوگند همدستان  
 که گر لب بدوزی<sup>۱۹</sup> ز بهر گزند      زنان را زبان هم نماند<sup>۲۰</sup> به بند  
 منیره خروشید و نالید سخت<sup>۲۱</sup>      که بر من چه آمد ز بدخواه بخت<sup>۲۲</sup>  
 ۹۸۵      دریغ آن<sup>۲۳</sup> شده روزگارانِ من      دل خسته و چشم بارانِ من<sup>۲۴</sup>  
 بدادم به بیژن تن و خان و مان<sup>۲۵</sup>

۱- ق، ل: بدوی ۲- ل، ل: (نیزلی): نبشته باهن: س، س: (نیزق، ل، ب، ل، ب): باهن نوشته: ق: نبشته بر آن هم: (لن: باهن نبشته: و: نوشته باهن: آ: نوشته هیدون): متن = ف ۳- س: بخندید و ۴- س: (نیزآ، ب): شادوار ۵- س، س: (نیزلن، ل، ب، ل، ب): آوازش از: متن = ف، ل (نیزق، ل، آ): ق، ل: این بیت را ندارند ۶- ل: تاریک و: ل، ق (نیزلن، ل، ب، و، ل، ل، آ) پس از بیت ۹۷۶ و ل: پس از بیت ۹۷۷ افزوده اند:

منیره (ل: زمانی) عجب (ل، ل: فرو) ماند از آن (زان، ازین) کار سخت

بگفت این چه خندست ای نیکبخت (لن: بامید آنم که بگشاد بخت = ۹۸۰)

ف، س، س: (نیزق، ل، ب) این بیت را ندارند ۷- (ق: گفتار) ۸- ف، ل، ل: (نیزلی، آ): بد(؟): متن = س، ق، س: (نیزهفت دستویس دیگر): ف، س: (نیزلی، آ) پس از این بیت افزوده اند: پس آنگه منیره بدو گفت باز

بگو تا چه بودت کنونی بناز (س: چه دیدی چه داری برازه آ: چه داری بدل در تو راز: ل: نگر تا چه کردی چه دیدی برانز)

ل، س، ق، ل: (نیزلن، ق، ل، ب، و، ل، ب) این بیت را ندارند: س، ق: بجای آن افزوده اند:

س: وزان پس بدو گفت کای مستمند      بمانده بخواری و زاری و بسند

ق: بدو گفت ای بیژن پرخرد      چه خندیدنت اندرین روزید

۹- ل، س، ق، ل: (نیزلی، ل، ب، آ، ب): گشادی: متن = ف، س: (نیزلسن، ق، و) ۱۰- ل: دانی ۱۱- س: بگشای

۱۲- س: بگو ۱۳- س: رو ۱۴- س، ل: (نیزق، و، ب): بر آید: ق، س: (نیزلن، ل، ب، ل، آ): باقید: متن = ف، ل ۱۵- ل: همانا: متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیزلن - ب) ۱۶- ل: بشکنی ۱۷- س، س: (نیزلن، ق، ب، و، ل، ل، ب): بسوگند با من تو: (ل: ابا من بسوگند: ل: تو با من بسوگند): متن = ف، ل، ق، ل: (نیزآ): در لتهای این بیت پس و پیش

شده اند ۱۸- ل: سراسر ترا: متن = ف، س، ق، ل، س: (نیزلن، ق، ل، ب) ۱۹- ق: که تولب ببندی ۲۰- ل: که

بماند: ق: هم نباید: ل: (نیزق): هم نباشد: (ل: هم نیاید: و: می نماند: ل: هم نماید): متن = ف، س: (نیزلن، ل، ب، آ، ب) ۲۱- ل: زار: متن = ف، س، ق، ل، س: (نیزلن - ب) ۲۲- ل: بدروزگار: ق: زبیداد بخت: متن = ف، س، ل، آ، س: (نیزلن - ب) ۲۳-

س: دریغا ۲۴- س: (نیزق، ب): گریبان من: ف: برهنه دوان بر سر انجمن (= ۹۸۸ ب): متن = ل، ق، ل، س: (نیزلن، ل -

آ) ۲۵- س: خان مان

به تاراج دادم همه سرسَر  
 برهنه دوان بر سر انجمن  
 جهانم سیاه و دو دیده سپید  
 تو آگه تری<sup>۷</sup> ای جهان آفرین  
 ز من کار تو پاک<sup>۸</sup> بر کاستی ست<sup>۹</sup>  
 ایا<sup>۱۰</sup> مهربان پاک و<sup>۱۱</sup> هُشیار جفت،  
 که مغزم به رنج اندرون شد تهی  
 که خوالیگرش مر ترا داد نوش،  
 و گرنه نبودش به گوهر<sup>۱۲</sup> نیاز  
 بینم مگر پهن روی زمین  
 ترا زین تگاپوی و<sup>۱۳</sup> گرم و گداز<sup>۱۴</sup>  
 که ای پهلوانِ گیانِ جهان،  
 اگر تو خداوندِ رخی بگویی!

ز بیژن<sup>۱۵</sup> به رستم پیامش<sup>۱۶</sup> بداد  
 از آن<sup>۱۷</sup> راه دور آمده<sup>۱۸</sup> پوی پوی<sup>۱۹</sup>،  
 گشاده ست بر سیم رخ<sup>۲۰</sup> سرو بُن

همان گنج<sup>۱</sup> دینار و تاج<sup>۲</sup> گهر  
 پدر گشته بیزار و خویشان ز<sup>۳</sup> من  
 وز<sup>۴</sup> او میده بیژن شده<sup>۵</sup> نا امید  
 پوشده می راز بر من چُنین  
 بدو گفت بیژن: همه راستی ست<sup>۶</sup>  
 چُنین گفتم<sup>۱۱</sup> اکنون نیایست گفت؛  
 سزد گر به هر کار پندم دهی  
 تو بشناس کان مرد گوهر فروش  
 ز بهر من آمد به توران فراز  
 بیخشود بر من جهان آفرین  
 رهاند مرا زین غمان دراز  
 بنزدیک او شو بگویش نهان  
 به دل مهربانی<sup>۱۷</sup>، به تن چاره جوی

۱۰۰۰ بیامد منیژه<sup>۱۸</sup> بکردار باد  
 چو بشنید گفتار آن خوب روی<sup>۱۹</sup>  
 بدانست رستم که بیژن سخن

۱- ق، ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، آ): در گنج؛ (ق<sup>۱</sup>: درو گنج و؛ ل: در تاج و؛ ل، و، لن<sup>۲</sup>: در گنج و؛ ب: همان گنج و)؛ متن = ل، س ۲- س، ق (نیز لن، ل، پ، و، آ، ب): تاج و؛ س<sup>۳</sup>: در و؛ (ق<sup>۱</sup>: زرز؛ ل: نخت و؛ لن<sup>۴</sup>: گنج و)؛ متن = ل، ل، ل، ف این بیت را ندارد؛ در لن، پ، لن<sup>۵</sup> این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳- ق: [ز]؛ ف ۹۸۵، ب، ۹۸۷، ۹۸۸ را انداخته و از ۹۸۵ و ۹۸۸ ب یک بیت ساخته است ۴- ل، ق (نیز لن): ز؛ (ق<sup>۱</sup>: بر؛ پ: از)؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۲</sup> (نیز هفت دستنویس دیگر) ۵- ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب): امید؛ متن = ف ۶- ل، ق (نیز لن، ل، پ، آ): شدم؛ متن = ف، س، ل، ل، س<sup>۲</sup> (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، و، لن، ب) ۷- ل (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، آ): دانستری؛ متن = ف، س، ق، ل، س<sup>۲</sup> (نیز لن، ل، پ، و، لن، ب) ۸- ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب): راستت؛ متن = ف، ل ۹- ل، ق، س<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، آ): جمله؛ س: ز تو کار من پاک؛ (لن، پ، لن<sup>۱</sup>: ز مرگان تو آب؛ ق<sup>۱</sup>: ز من جمله کار تو؛ و: ز من کارهای تو)؛ متن = ف، ل (نیز ب) ۱۰- ل، س، ق، س<sup>۱</sup> (نیز لن-ب): برکاستت؛ متن = ف، ل ۱۱- ق: گفته؛ ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، پ، لن<sup>۱</sup>): گفت؛ (و: گفتن)؛ متن = ف، ل، س (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، ل، آ، ب): گفتم ۱۲- س: ایا (نقطه ندارد)؛ س<sup>۲</sup>: ایا؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیز لن-ب) ۱۳- ل، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ، ب): یار (پاک؟)؛ س، ق، ل (نیز ل، و): یار و (پاک و؟)؛ متن = ف: پاک و (پسار و؟) ۱۴- ق: بگوهر نبودش ۱۵- ل: تکاپو و؛ س<sup>۱</sup>: تکاپوی ۱۶- ف: نیاز؛ متن = ل-س<sup>۱</sup> (نیز لن-آ) ۱۷- ل، ق، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، ب): مهربان و؛ متن = ف، س، ل (نیز ل) ۱۸- س، ق (نیز لن، و، لن، ب): زیسه ۱۹- ق، ل: منیژه ۲۰- س<sup>۱</sup>: سراسر پیامش برستم ۲۱- س<sup>۱</sup>: خوبچهر ۲۲- ل، س، ق (نیز لن، ل، پ، لن، آ): کزان؛ متن = ف ۲۳- س: باز آمده؛ ق: دور آمد او ۲۴- س<sup>۱</sup>: بدانست که دارد بدل پاک مهر؛ ل (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، ب) این بیت را ندارند ۲۵- ل: لاله؛ س (نیز ق<sup>۱</sup>، ل، آ): سیم تن؛ ق (نیز ل): لاله رخ؛ (لن، پ، لن<sup>۱</sup>: ماه رخ؛ آ: گلرخ؛ و: یکسر بر آن)؛ متن = ف، ل، س<sup>۱</sup>

۱۰۰۵ بیخشود و گفتش<sup>۱</sup> که ای خوب چهر  
بگویش که آری خداوند رخس  
ز زاول<sup>۴</sup> به ایران، از<sup>۵</sup> ایران به تور  
چو با او<sup>۶</sup> بگویی<sup>۸</sup>، سخن راز دارا  
ز بیشه فراز آرز هیزم به روز

۱۰۱۰ منیره ز گفتار او شاد شد  
بیامد دوان تا بدان<sup>۱۱</sup> چاهسار  
بگفتش که<sup>۱۲</sup> دادم سراسر پیام  
چنین داد پاسخ که آنم درست  
تو با داغ دل چند پویی همی  
بگویش که ما را بسان پلنگ  
کنون چون درست آمد از تو نشان  
۱۰۱۵ زمین را بدرانم اکنون به چنگ  
مرا گفت: چون تیره گردد هوا  
بگردار کوه آتشی بفرروز  
بدان تا بینم سر<sup>۲۱</sup> چاه را

دلش زاندهان یکسر آزاد شد  
که بودش به چاه اندرون غمگسار  
بدان نیک پی فرخ<sup>۱۳</sup> نیک نام<sup>۱۴</sup>  
که بیژن به نام و نشانم بجست  
که رخ را به خوناب شویی همی<sup>۱۵</sup>  
بسود از پی تو کمرگاه و چنگ<sup>۱۶</sup>  
بینی سر تیغ مردمکشان  
به پروین<sup>۱۷</sup> براندازم آسوده سنگ<sup>۱۸</sup>  
شب از چنگ خورشید یابد<sup>۱۹</sup> رها،  
که سنگ و درو<sup>۲۰</sup> چاه گردد چوروز،  
بدان روشنی بسپر<sup>۲۱</sup> راه را

۱- (لن، ب، ل، ن، ب، بدو (ب: چنین) گفت رستم)؛ متن = ف، ل، ق، ل، ل، س، ن (نیزق، ل، ل، و، آ) ۲- س: آیزد؛ س این بیت را ندارد؛ درل پس از این بیت، بیت ۱۰۱۳ آمده است ۳- ق: پیروزبخش؛ ل این بیت را ندارد؛ در س، ب پس از این بیت، بیت ۱۰۱۳ آمده است ۴- س، ق (نیزلی، ب، ب)؛ زایل؛ متن = ف، ل، س، ن (نیزق، ل، ل) ۵- ل، ل، س، ق، س؛ ن: ن: متن = ف، ۶- ف؛ کوبد همی؛ (لن: پیمودم این؛ ب: پوید همی)؛ متن = ل، س، ق، س، ن (نیزل، و، آ)؛ ل این بیت را ندارد؛ درل، ق، س، ل، ب، آپس از این بیت، بیت ۱۰۱۳ آمده است ۷- س: چو او را ۸- ل: بگفتی ۹- ل، ل، س، ق، س، ن (نیزل، آ)؛ تیره؛ متن = ف، ل، ن (نیز ب) ۱۰- ل، ل، س، ن (نیزل، ق، ل، ل، ل، ب)؛ یکی؛ متن = ف (نیزلی، و، آ)؛ در س پس از این بیت، بیت ۱۰۱۸ آمده است ۱۱- ق: پیش آن ۱۲- ل: بدو گفت ۱۳- ف: فرخ و؛ ل، ق: بدان مرد فرخ پی؛ ل: بدان نیک فرخ پی؛ س (نیز ل، آ): بدان پیر فرخ پی؛ متن = س (نیزل، ق، ل، ل، و، ل، ب) ۱۴- ق: شادگاه ۱۵- س این بیت را ندارد ۱۶- ف، س، ق، ل، ن (نیزل، ق، ل، ل، ل، آ، ب)؛ کمرگاه جنگ؛ (و: کمرهای جنگ)؛ متن = ل، س، ن (نیزل، آ): جنگ؛ درل این بیت پس از بیت ۱۰۰۳، در س پس از بیت ۱۰۰۴ و درل، ق، س، ل، ب، آپس از بیت ۱۰۰۵ آمده است؛ پسیایی بیت های متن = ف، ل، ق، ل، ل، و، ل، ن ۱۷- (لن، ل، ن، ل، بگردون)؛ متن = ۱۸- ل: آن سوده سنگ؛ ف: برون آرد او را من از زیر سنگ؛ متن = ل، س، ق، ل، ن (نیز ق، ل، ل، آ، ل، آ)؛ س (نیزب، و) این بیت را ندارند ۱۹- ل: گردد ۲۰- ل، ق (نیزل، آ): که سنگ و سر؛ س، س، ن (نیزل، ق، و، ب)؛ که دشت و سر؛ ل: که آن سنگ و بر؛ ل: که شب بر سر؛ آ: که سنگ درو)؛ متن = ف ۲۱- س: من آن؛ در س این بیت پس از بیت ۱۰۰۷ آمده است؛ ف، س، ب پس از بیت ۱۰۱۸ و س پس از بیت ۱۰۱۷ و آپس از بیت ۱۰۱۵ افزوده اند:

ف، آ: چو بشنید بیژن دلش گشت شاد  
س، س، آ، ب: چو بیژن شنید از منیره سخن  
همی کرد با دل (آ: خود) زهر گونه یاد  
ز شادی غمان بر دلش شد کهن







- ۱۰۵۰ ز یزدان زورآفرین<sup>۱</sup> زور خواست  
 بینداخت بر<sup>۲</sup> بیشه‌ی شیرچین<sup>۳</sup>  
 ز<sup>۴</sup> بیژن بپرسید و نالید زار  
 زگیتی همه نوش بودیت<sup>۵</sup> بهر  
 بدو گفت بیژن ز تاریک‌چاه  
 ۱۰۵۵ مرا چون خروش تو آمد به گوش  
 بدینسان<sup>۶</sup> که بینی همی<sup>۷</sup> خان‌ومان  
 بکندم<sup>۸</sup> دلم زین<sup>۹</sup> سرای سپنج  
 بدو گفت رستم که بر جان تو  
 کنون<sup>۱۰</sup> ای خردمند آزاده‌خوی<sup>۱۱</sup>  
 ۱۰۶۰ به من بخش گرگین میلاد را  
 بدو گفت بیژن که با<sup>۱۲</sup> یار<sup>۱۳</sup> من  
 چه دانی<sup>۱۴</sup> تو ای نیک‌دل<sup>۱۵</sup> شیرمرد  
 گر آید<sup>۱۶</sup> بروبر جهان‌بین من  
 چنین<sup>۱۷</sup> گفت رستم که گر بدخوی<sup>۱۸</sup>
- بزد دست و آن سنگ برداشت راست  
 بلرزید از آن سنگ<sup>۱۹</sup> روی زمین  
 که چون بود کارت<sup>۲۰</sup> به بدروزگار<sup>۲۱</sup>؟  
 ز دستش<sup>۲۲</sup> چرا بستدی جام زهر؟  
 که چون بود بر پهلوان رنج راه؟  
 همه زهر گیتی شدم پاک<sup>۲۳</sup> نوش  
 از<sup>۲۴</sup> آهن زمین و ز سنگ آسمان  
 ز بس سختی و درد<sup>۲۵</sup> و اندوه و رنج  
 ببخشود روشن<sup>۲۶</sup> جهان‌بان تو  
 مرا<sup>۲۷</sup> ماند زی<sup>۲۸</sup> تو یکی آرزوی  
 ز دل دور کن جنگ<sup>۲۹</sup> و بیداد را  
 چه دانی<sup>۳۰</sup> که چون بود پیگار<sup>۳۱</sup> من؟  
 که گرگین میلاد با من چه کرد؟  
 برو رستخیز آید از کین من  
 بسازی<sup>۳۲</sup> و گفتار من نشنوی<sup>۳۳</sup>،

۱- ل: جان آفرین (ق، ل، و، ز، نیکی دهش)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، لی، ب، لن، آ، ب) ۲- ل، ق، ل، (نیز آ)؛ در: متن = ف، س، س (نیز لن، لن، ب) ۳- ف (نیز ل)؛ شیرچین: ل، س، ل، س (نیز لن، ق، آ، لی، ب)؛ شیرچین: ق؛ شاه‌چین: ب بیت ۳۸۵ ۴- ف: کوه؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، ل، ب) ۵- ل: به ۶- س: حالت ۷- ق: بدین روزگار ۸- ل، ل: همه نوش بودی ز گیتیت؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ب) ۹- ف: ز دشمن؛ متن = ل، س (نیز لن، ب) ۱۰- ل: مرا گشت؛ (ل: شده پاک)؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب) ۱۱- ف: بدین جا؛ (ق: برینسان)؛ متن = ل، س (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب) ۱۲- ل، س (نیز لن، ق، ل، لن، آ، ب)؛ مرا؛ متن = ف (نیز لی، و) ۱۳- ف، ل، ق، ل، ل: ز؛ متن = س، س ۱۴- س: بکنده؛ متن = ف، ق، ل، س ۱۵- ل: دل از این ۱۶- ل، س (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب)؛ درد و سختی؛ متن = ف ۱۷- ف: بر رستم؛ متن = ل، س (نیز لن، ل، و، ب) ۱۸- س: مرا ۱۹- ف: آزاده‌جوی (!) ۲۰- س: کنون ۲۱- ق، ل (نیز لن، لن)؛ از: (ل: با)؛ ل: هست با؛ متن = ف، س، س (نیز ق، لی، و، آ، ب) ۲۲- ل، س، ق، س (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب)؛ کین؛ متن = ف، ل (نیز ق، و) ۲۳- ل، س، ل، س (نیز ق، ل، لن، آ، ب)؛ ای: متن = ف (نیز و) ۲۴- س (نیز ق، ل)؛ خال: ق؛ پس آنگه بگفت ای جهان‌بان ۲۵- ل، س (نیز ل، و)؛ ندانی؛ متن = ف، ق، ل، س (نیز ق، ب) ۲۶- س (نیز ل)؛ احوال: ق؛ پیمان: (ق: خود حال) ۲۷- ل، ل (نیز لن، لی، و، آ)؛ ندانی؛ متن = ف، س، ق، س (نیز ق، ب)؛ ضبط ف را جودانی هم میتوان خواند ۲۸- ل، ق، ل، س (نیز لن، لی، و، آ)؛ مهتر؛ متن = ف، س (نیز ق، ب)؛ س (نیز لی، ب) پس از این بیت افزوده‌اند:

ز کردار گرگین حد آمد به پیش

ز فعل بدوی دلم گشت ریش

۲۹- ل: افتد؛ متن = ف، س، ق، ل، س (نیز لن، ق، آ، لی، و، آ، ب) ۳۰- ل، ق، ل، (نیز لن، لی، و، آ)؛ بدو؛ متن = ف، س، س (نیز ق، ب) ۳۱- س: بدخویی ۳۲- ل (نیز ل)؛ بیاری: ل (نیز ق)؛ نزاری؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، و، ب) ۳۳- ل: بشنوی؛ س: نشنوی

۱۰۶۵ بمانم ترا بسته<sup>۱</sup> در چاه پای  
چُن<sup>۲</sup> آواز<sup>۳</sup> رستم رسیدش<sup>۴</sup> به گوش  
چنین داد پاسخ که بدبخت من  
زگرگین بُد این بد<sup>۵</sup> که بر من رسید  
کشیدیم و گشتم خشنود ازوی

۱۰۷۰ فروهشت رستم به زندان کمند  
برهنه سر و<sup>۱۵</sup> موی و<sup>۱۶</sup> ناخن دراز  
همه تن پُر از خون و رخساره زرد  
خروشید رستم چُن<sup>۲۲</sup> او را بدید  
بزد دست و بگسست زنجیر و<sup>۲۴</sup> بند  
۱۰۷۵ سُوی خانه رفتند از آن<sup>۲۷</sup> چاهسار  
پُر از غم دل و جان هر دو جوان  
تهمن بفرمود شستن سرش  
از آنپس که<sup>۳۲</sup> گرگین بنزدیک اوی  
زکردار بد پوزش آورد پیش

برآوردش از چاه با پای وند<sup>۱۴</sup>  
گذازنده<sup>۱۷</sup> از درد و رنج و نیاز<sup>۱۸</sup>  
از آن<sup>۱۹</sup> بند و<sup>۲۰</sup> زنجیر زنگارخورد<sup>۲۱</sup>  
همه تن از<sup>۲۳</sup> آهن شده ناپدید  
جدا کرد از<sup>۲۵</sup> حلقه‌ی پای وند<sup>۲۶</sup>  
به یک دست بیژن، به دیگر زوار  
همی راز<sup>۲۸</sup> کردند با<sup>۲۹</sup> پهلوان  
یکی جامه پوشید<sup>۳۰</sup> اندرخورش<sup>۳۱</sup>  
بیامد بمالید بر خاک روی،  
بپچید از آن<sup>۳۳</sup> خام‌گفتار<sup>۳۴</sup> خویش،

۱- س: زنده ۲- ل: اسب ۳- ل-س: (نیز لن-ل، و، آ، ب): چو: متن = ف ۴- ل، ق، ل، (نیز لن، لی، ل، آ): گفتار: متن = ف، س، س: (نیز ق، و، ب) ۵- ف: کشیدش؛ متن = ل-س: (نیز لن-ل، و، آ، ب) ۶- ق: برآورد از آن تنگ زندان ۷- ل، ق، ل، آ، س: وز: متن = ف، س ۸- ل: دوده ۹- ف، س، ل: (نیز پ، ب): بدین بد؛ ل: بدان بد؛ ق: همان بد؛ س: (نیز لن، و): بد این بد؛ (ق، آ): چنین بد؛ لی، لن: برین بد؛ ل: ازین بد؛ متن = س، ل، و ۱۰- ل: چنین؛ متن = ف، س، ل، آ، س: (نیز لن، لی، ل، آ، ب، لن، آ، ب) ۱۱- ق: ازین روز زهره بیاید چشید؛ (ق، و): نه چشمی بدید و نه گوش شنید ۱۲- س: ما ۱۳- ق (نیز لن، لی، ب، آ): بیالود؛ ل: نیاسود؛ (و): برآسود؛ متن = ف، ل، س، س: (نیز ق، ل، لن، آ، ب) ۱۴- ل-س: (نیز لن، ق، آ، لی، ب، ب): پای بند؛ متن = ف ۱۵- ل (نیز لن، لی، ب، و، لن، آ): تن و؛ س، ق، س: (نیز ق، ل، آ، ب): شده؛ ل: شاکنده بد (؟): متن = ف ۱۶- ل: [و] ۱۷- ل: گذاریده؛ ق: گذاریده؛ ل، آ، س: (نیز لی، ل، آ، ب): گذارنده (ل نخست: گذارنده)؛ (ق): گذاریده؛ و: گذاریده؛ متن = ف (نیز لن، ب) ۱۸- ل (نیز لن، ل، لن، آ): از رنج و درد و (ل: [و]) نیاز؛ س: (نیز ق): از رنج و گرم (س): کرد) و گذار؛ (لی): از گرم و رنج و گذار؛ ب: از درد و رنج دراز؛ متن = ف، ق، ل: (نیز پ، و): س: گذازان زرد و زرنج و نیاز ۱۹- ل: بدان ۲۰- ل، س: [و] ۲۱- ف: زنگارخورد؛ (ق): پولادخورد ۲۲- ف-س: (نیز لن-ل، آ، ب): چو: متن = (آ) ۲۳- ل، ق، س: (نیز لن، ق، ل، آ): در؛ س، ل: (نیز لی): ز؛ (ب: به): متن = ف ۲۴- ل: [و] ۲۵- ف (نیز آ): کرده زو؛ متن = ل-س: (نیز لن-ل، آ، ب) ۲۶- ل-س: (نیز لن-ب): پای بند؛ متن = ف ۲۷- ل: زان ۲۸- س، ق، ل، آ، س: (نیز لن، لی، ل، لن، آ، ب): یاد (ح-راز؟): متن = ف: راز (حیاد؟) ۲۹- ق، ل، آ، س: (نیز لن، ل، لن، آ): بر؛ (لی): از؛ ق، آ، ب، و: کنان آفرین هر دو بر؛ متن = ف، س (نیز ب): ل این بیت را ندارد ۳۰- ف: فرمود؛ متن = ل-س: (نیز لن-ب) ۳۱- ل، ق، ل: (نیز و): نو بر برش؛ س، س: (نیز لن، لی، ل، آ، ب، لن، آ، ب): نو در برش؛ متن = ف (نیز ق) ۳۲- ل، ل، آ، س: (نیز لن، لن، آ، ب): چو: س (نیز ق، آ، ب): پس آنگاه؛ (ق (نیز لی، ل، آ، و، آ)): و زانپس چو؛ متن = ف ۳۳- ل: زان ۳۴- ل (نیز لن، ب، لن، آ): کردار؛ (ق): بیده کار): متن = ف، س، ق، ل، آ، س: (نیز لی، ل، و، آ، ب)

۱۰۸۰	دل بیژن از کینش آمد <sup>۱</sup> به راه	مکافات ناورد پیش <sup>۲</sup> گناه
۱۰۸۵	شتر بار کردند و اسپان به زین نشست از بر رخس و ناماوران <sup>۴</sup> گسی کرد بار و برآراست <sup>۶</sup> کار بشد با بُنه آشکش تیزهوش به بیژن بفرمود رستم <sup>۹</sup> که شو <sup>۱۰</sup> که ما امشب از کین افراسیاب یکی کار سازم کنون <sup>۱۳</sup> بر درش بدو گفت بیژن: منم <sup>۱۶</sup> پیشرو	پوشید رستم سلیح <sup>۳</sup> گزین کشیدند شمشیر و گرز گران <sup>۵</sup> چنان چون بود درخور <sup>۷</sup> کارزار که دارد سپه را به هر جای گوش <sup>۸</sup> تو با آشکش و با منیژه برو نیایم آرام <sup>۱۱</sup> و نه خورد و خواب <sup>۱۲</sup> که فردا بخندد برو <sup>۱۴</sup> کشورش <sup>۱۵</sup> که از من همی <sup>۱۷</sup> کینه سازند <sup>۱۸</sup> نو

### گفتار اندر شبیخون آوردن رستم و بیژن<sup>۱۹</sup>

۱- س، ق، ل، ل، س<sup>۱</sup> (نیز ل، آ، ب): آمد ز کینش؛ متن = ف، ل (نیز ل، پ، و، ل، ن<sup>۲</sup>) ۲- ل: پیش از؛ (ق): پیشش؛ و: آورد پیش (از) ۳- س: سلاح ۴- ف (نیز آ): رخس ناماوران؛ س (نیز ق، ب): رخس و گرز گران؛ ل: اسب و ناماوران؛ ل (نیز ل، پ): نشستند بر باره (پ: اسب) ناماوران (لن: کنداوران): متن = ق، س<sup>۵</sup> (نیز ل، ل، و، ل، ن<sup>۶</sup>) ۵- س (نیز ق، ب): کشیدند گردان و (ق): شمشیر) ناماوران ۶- ق، ل: بیاراست؛ متن = ف، ل، س، س<sup>۷</sup> ۷- س: بُد اندر خور؛ ل: برآید ز خور(!) ۸- س<sup>۸</sup> (نیز ل، پ، لن<sup>۹</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

به پیش اندرون کاروان و بنه سپه را همی برد او یک تنه

۹- ق: گفتا ۱۰- س: برو (پساوند ندارد) ۱۱- ل: نیایم آرام؛ س (نیز ب): نه آرام گیر؛ (پ، لن): نه آرام یابیم؛ متن ← ۱۲- ق: و خورد و نه خواب؛ (ل): و خوردن نه خواب؛ ل: نخواهیم کرد ایچ آرام و خواب؛ س: بهنگاه مستی و آرام و خواب (= ۱۰۹۱ ب): (لن، ق): نه آرام یابم (ق: گیره) نه خورد و نه خواب؛ ل، آ: نیایم خورد و نه آرام و خواب؛ متن = ف (نیز و) ۱۳- ل، س: ما ۱۴- ق: همه؛ ل: بدو ۱۵- ق، س<sup>۱۶</sup> (نیز لن، پ، و، ل، ن، آ): لشکرش؛ متن = ف، ل، س، ل<sup>۱۷</sup> (نیز و، ب): س، ق، ل، ل، پ، آ، ب پس از بیت ۱۰۸۷ افزوده‌اند (ق، ل، ل، آ، بیت چهارم و ل، آ بیت پنجم را ندارند؛ ب تنها بیت چهارم را دارد):

کَم روز روشن بر رویر سباه	سَرانشان بپرتم برم نزد شاه
تور و با منیژه که من رستخیز	برآرم ز توران بشمیر (س، ب: کم چنگ) تیز
بسی رنج دیدی تو از بند و چاه	نیایدت بود بدین (س، ب: بزاری نیمه ترا) رزمگاه
سرانرا بریزم چو برگ درخت	بفر جهاندار پیروز بخت

5 چو بیژن ز رستم شنید (شنود) این سخن

که رو با منیژه دوستی مکن (س، ب): که بشنوزمن این و فرمان بکن)

۱۶- ق: که من ۱۷- ف (نیز ل): همه؛ متن = ل، س<sup>۱۸</sup> (نیز هشت دستویس دیگر) ۱۸- ق، ل (نیز ق، ب): سازید؛ متن = ف، ل، س، س<sup>۱۹</sup> (نیز هفت دستویس دیگر)؛ س پس از این بیت دو بیت و ل، ب تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

بدیدارت ای پهلوان سپاه	تن من قوی گشت و دل کینه خواه
تو دانی همتن که من بیژم	یلان را همه سرزن برکم

۱۹- ف: گفتار اندر شبیخون آوردن رستم و بیژن و او (جان) هفت گرد ایران بدر سرای افراسیاب و گریختن افراسیاب؛ ق: رفتن رستم با پهلوانان بناگاه بایوان افراسیاب و گریختن شاه؛ متن = آغاز ف

برفتند با رستم<sup>۱</sup> آن<sup>۲</sup> هفت گرد  
 ۱۰۹۰ عینانها فگنند بر پیش<sup>۳</sup> زین  
 بشد تا به درگاه<sup>۴</sup> افراسیاب  
 برآمد خروش ده و دار و گیر<sup>۵</sup>  
 سران را جدا شدهی سر<sup>۶</sup> ز تن  
 ز دهلیز او<sup>۱۳</sup> رستم آواز داد  
 ۱۰۹۵ بختی تو بر گاه و بیژن به چاه  
 منم رستم زاولی<sup>۱۶</sup> پور زال  
 شکستم همه<sup>۱۸</sup> بند و زندان تو  
 رها شد سر و پای بیژن ز بند  
 بُنه اشکش تیزهش را سپرد  
 کشیدند گردان<sup>۱</sup> همه تیغ کین  
 به هنگام مستی و آرام و خواب  
 درفشیدن<sup>۸</sup> تیغ و باران تیر<sup>۷</sup>  
 پُر از خاک سر بُد<sup>۱۱</sup>، پُر از خون دهن<sup>۱۲</sup>  
 که خواب تو خوش باد و گردانت شاد!  
 مگر باره دیدی از<sup>۱۴</sup> آهن به راه<sup>۱۵</sup>؟  
 نه هنگام خوابست و گاه نهال<sup>۱۷</sup>  
 که سنگ گران<sup>۱۹</sup> بُد<sup>۲۰</sup> نگهبان تو  
 به داماد بر کس نسازد گزند!

۱- ق: بیژن ۲- س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، لن، آ، ب): این: متن = ف، ل (نیز ق، ل، ب، و) ۳- ق: پشت ۴- ل، ل، ل (نیز و): یکسر؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن، ق، آ، ل، ب، لن، آ، آ، ب) ۵- ف: شایان بدرگاه؛ س (نیز ب): بشد اندر ایوان؛ ل (نیز ل): شدند تا بدرگاه؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، آ، آ) ۶- ف، ل: مستی و آرام و؛ (لن، ب، لن): آسایش و گاه؛ ل: آرام و مستی؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، و، آ، ب): مستی = مُستی؟؛ س (نیز لن، ل، ب، لن): پس از این بیت افزوده‌اند:  
 بزد دست و بگست سمار (س: بشکت زنجیر و) بند

چو شیر ژیران خروشتن درفش کنند

۷- ل، ل، ل: برآمد که بندد ده و گیر و دار (ل: دار و گیر): س (نیز لن، ل، ل، آ، ب، آ، ب): برآمد ز درگه (لن، ب: زهر سو؛ ل، آ، آ، زناگه؛ ب: فغان) ده و دار و گیر؛ (ق: درآمد که خنجر و دار و گیر؛ لن: برآمد زهر دو سپه دار و گیر): متن = ف، س (نیز و) ۸- س، س، س (نیز ق، آ، ل، ب، لن، آ، آ): درخشیدن؛ متن = ف، ل، ق، ل (نیز لن، ل، و، ب) ۹- ل: چنان چون بود رسم در کارزار؛ بیت‌های ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳ در ل پس از بیت ۱۰۸۹، درس، لن، ل، ب، لن؛ پس از بیت ۱۰۹۱، در و پس از بیت ۱۰۹۵، در ق پس از بیت ۱۱۰۴ و در ف پس از بیت ۱۱۰۶ آمده‌اند؛ ق بیت‌های ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳ را ندارد؛ پایانی بیت‌های متن = ل، ل، ل، س، آ، آ، ب که با س، لن، ل، ب، لن؛ پس از بیرون گذاشتن بیت ۱۰۹۱ پ و با ل پس از افزودن بیت‌های ۱۰۹۰ و ۱۰۹۱ نیز برابر است و با ترجمه بنداری هم میخواند: ولبس رسته سلاحه و تدجج مظاهرا بین جُننه، و ركب معه بیژن و أصحابه الآخرون فاستلوا أسياقهم و هجموا علی باب أفراساب، و قتلوا كل من كان علیه من الحرس، و صاح البهلوان و قال: أنا رستم بن دستان، و قد أخرجت بیژن ۱۰- س (نیز ب): بسی سر؛ ل (نیز آ): همه سر؛ ل، س (نیز لن، ل، ل، آ، ب، و، لن): همه (ل، ل: بسی؛ س: همی) سر جدا شد؛ متن = ف ۱۱- ل، ل، ل: ریش و؛ س (نیز ل، ل، آ، ب): روی و؛ س (نیز لن، ق، آ، ل، و): چنگ و؛ (ب: چشم و)؛ متن = ف ۱۲- ف: کفن؛ متن = ل، س، ل، آ، س (نیز لن، ب) ۱۳- ل، ق: در؛ متن = ف، س، ل، آ، س (نیز لن، لن، آ، ب)؛ ل پس از این بیت افزوده است:

من آتم که گیره بکف تیغ جنگ

بگردانم از رنگ کبهار رنگ

وگر من کمان را بدست آورم

سمک را ز گگردون بشست آورم

چو خود را ستود آن یال نامدار

بزد بانگ و گفتار که ای شهریار

۱۴- ل، ق: ز ۱۵- س: کلاه؛ در و پس از این بیت، بیت‌های ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳ آمده است ۱۶- ل، س، ق (نیز ق، ل، ل، ل، ب، لن، آ، ب): زابل؛ متن = ف، ل، آ، س (نیز لن، و) ۱۷- ق (نیز ل، آ، آ): جای نهال؛ ل (نیز ق، آ، ل، و): و آرام و هال (لی: حال)؛ س: ندیده ز گردان کسی را همال؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، لن، آ، ب) ۱۸- ل (نیز ل، و، لن، آ): در؛ س، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، ل، ب): درو؛ متن = ف، ق (نیز ل، آ، آ) ۱۹- ق: سه ۲۰- ف: شد؛ متن = ل، س (نیز لن، ل، و، ب)

- ترا رنج و<sup>۱</sup> کین سیاوخش<sup>۲</sup> بس! ۱۱۰۰  
 که<sup>۴</sup> بر جان بیژن نباید شتاب  
 همیدون<sup>۷</sup> برآورد بیژن خروش  
 براندیش<sup>۹</sup> از آن<sup>۱۰</sup> تخت<sup>۱۱</sup> فرخنده جای<sup>۱۲</sup>  
 همی رزم<sup>۱۵</sup> جستی بسان پلنگ  
 کنوم گشاده به هامون بین
- به من بر غم و رنج این رخس<sup>۳</sup> بس!  
 دلت خیره بینم همی، سر<sup>۶</sup> به خواب  
 که ای ترک بدگوهر تیره هوش<sup>۸</sup>،  
 مرا بسته، در<sup>۱۳</sup> پیش کرده به پای<sup>۱۴</sup>  
 مرا دست بسته بکردار<sup>۱۶</sup> سنگ  
 که با من نجوید ژیان شیر کین<sup>۱۷</sup>
- بزد دست بر<sup>۱۸</sup> جامه افراسیاب ۱۱۰۵  
 بریشان زهر سو بگیرد راه<sup>۲۰</sup>!  
 زهر سو خروش و<sup>۲۲</sup> تکاپوی خاست  
 هر آنکس که آمد ز توران سپاه<sup>۲۳</sup>  
 گرفتند بر کینه جستن شتاب  
 به کاخ<sup>۲۵</sup> اندر آمد خداوند رخس ۱۱۱۰  
 پرچهرگان سپهبدپرست  
 گرانمایه اسپان به<sup>۲۸</sup> زین خدنگ<sup>۲۹</sup>
- که جنگاوران را بسته ست<sup>۱۹</sup> خواب؟  
 که جوید ز گردان نگین و کلاه<sup>۲۱</sup>  
 زخون ریختن بر درش جوی خاست  
 زمانه تهی ماند ازو<sup>۲۴</sup> جایگاه  
 از آن خانه بگریخت افراسیاب  
 همه جامه و فرش<sup>۲۶</sup> او کرد بخش  
 گرفته همه دست گردان<sup>۲۷</sup> به دست،  
 نشانده گهر در جُنای<sup>۳۰</sup> پلنگ<sup>۳۱</sup>،

۱- ل، ق، س<sup>۱</sup> (نیز لن، ل، و، ب): رزم؛ متن = ف ۲- ق، س<sup>۲</sup> (نیز ل): سیاوش (= سیاوش)؛ متن = ف، ل، س، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، ل، و، ب) ۳- ل، ل، ل<sup>۳</sup> (نیز ب): بدین (ب: برین) دشت گردیدن رخس؛ س، س<sup>۴</sup> (نیز لن، ل، آ): برین (س: بدین) دشت گرد پی (س: سه) رخس؛ ق (نیز ل): ترا از من ای بی هنر هوش؛ ق، و: ابر من همین رنج و بر رخس؛ ل: ابر من بسینی برین رخس؛ متن = ف ۴- ق: تو ۵- ف: باید (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س (نیز لن، پ، ل، ن): نگیری (در لن، پ حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: گرفتی؛ ل<sup>۱</sup> (نیز ل، ل، آ): نکردی؛ (ب: بگیری؛ ق، و: بیژنت آمد)؛ متن = س<sup>۶</sup> ۶- س: تن؛ ل این بیت را ندارد ۷- ف، س<sup>۲</sup> (نیز لن، ق، و، ل، ن): چنین هم؛ (ل: وزان پس)؛ متن = ل، س، ق، ل<sup>۱</sup> (نیز ل، ب) ۸- ل: خیره هوش ۹- ف: نگه کن؛ متن = ل - س<sup>۱۰</sup> (نیز لن، ب) ۱۰- ل: زان ۱۱- ق: تخت و ۱۲- ل: جا ۱۳- ف: بر؛ متن = ل، س<sup>۱۴</sup> (نیز لن، ب) ۱۴- ل: پیا؛ س<sup>۱۵</sup>: تخت پای ۱۵- س: جنگ ۱۶- ف: ابرسان؛ متن = ل، س<sup>۱۷</sup> (نیز لن، ق، ل، و، ل، آ، ب) ۱۷- درق پس از این بیت، بیت های ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳ آمده است؛ س (نیز ل، ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

چو بشنید افراسیاب این سخن برو (بدو) نازه شد روزگار (اندهان) کهن

۱۸- ل: در ۱۹- ف، ل<sup>۱</sup> (نیز لن، ق، و، آ، ب): بیستد؛ (ل، ل، ل، آ): بردست؛ متن = ل، س، ق، س<sup>۲۰</sup> ۲۰- ل، س: فرمود زان (س: از آن) پس که گیرند راه؛ متن = ف، ل، س<sup>۲۱</sup> (نیز لن، ق، ل، و، ل، آ، ب) ۲۱- ل: بدان نامداران جوینده گاه؛ س: که جویند از ما نگین و کلاه؛ س<sup>۲۲</sup> (نیز لن، ل، ن، ب): که جوید نگین و که جوید (لن: خواهد) کلاه؛ متن = ف، ل<sup>۲۳</sup> (نیز ق، ل، و، آ)؛ ق این بیت را ندارد؛ در ف پس از این بیت، بیت های ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳ آمده است ۲۲- ل: [و]؛ ق این بیت را ندارد؛ س پس از این بیت افزوده است:

برایشان زهر سو گرفتند راه وزان پس بیامد سراسر سپاه

۲۳- س، ق (نیز ق، ل، و، آ، ب): ز ترکان براه؛ س: ز ایوان براه؛ متن = ف، ل، ل<sup>۲۴</sup> (نیز لن، ل، ل، ن) ۲۴- ل، ل، ل: زو ۲۵- س: گاه ۲۶- ل: فرش و دیبای؛ س (نیز لن، ق، ل، پ، ب): فرش و آلات؛ ق، ل<sup>۲۷</sup> (نیز ل): فرش دیبای؛ س: فرش و آلاهی؛ متن = ف ۲۷- س: ترکان ۲۸- ف، ل، ل<sup>۲۹</sup> (نیز ل، و): و؛ متن = س، س<sup>۳۰</sup> (نیز هفت دستویس دیگر) ۲۹- ل (نیز ق، ل، ل): پلنگ؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۳۱</sup> (نیز لن، پ، و، ل، ن، ب) ۳۰- ف: جناح؛ ل (نیز ق): حنای؛ س: جناح؛ ل، س<sup>۳۱</sup> (نیز ل): جناح؛ (لن: حنای؛ و: جناح؛ ل، ن: جناح؛ ب: جناح)؛ متن = (ل) ۳۱- ل (نیز ق، ل، ل، آ): خدنگ؛ متن = ف، س، ل، س<sup>۳۲</sup> (نیز لن، پ، و، ل، ن، ب)؛ ق این بیت را ندارد

<p>از ایوان برفتند و بستند<sup>۱</sup> بار ز بهر بُنه تاخت اسپان به زور<sup>۲</sup> چنان رنجه شده رستم از رنج راه<sup>۳</sup> سواران ز بس رنج و اسپان زتنگ به لشکر فرستاد<sup>۴</sup> رستم پیام که من بی گمانم کزین پس به کین گش<sup>۵</sup> لشکری سازد افراسیاب برفتند یکسر سواران جنگ همه نیزه داران زدوده<sup>۶</sup> سنان نگهبان دیده برآمد ز دور میژه نشسته به خیمه نَدرون<sup>۷</sup> یکی<sup>۸</sup> داستان زد تهمین بر اوی<sup>۹</sup> چنین ست کار<sup>۱۰</sup> سرای سپنج ۱۱۱۵</p>	<p>به توران نکردند بس روزگار بدان تا نخیزد از آن<sup>۱۱</sup> کار شور<sup>۱۲</sup> که بر سرش بر بود رنج<sup>۱۳</sup> از کلاه یکی را به<sup>۱۴</sup> تن در<sup>۱۵</sup> نجیبید رگ که شمشیر کین برکشید از نیام سیه گردد از سَم اسپان زمین به نیزه برآرد<sup>۱۶</sup> رخ آفتاب همه جنگ<sup>۱۷</sup> را تیز کردند چنگ همه جنگ را گیرد کرده عنان همی دید راه سواران تو<sup>۱۸</sup> یرستنده بر<sup>۱۹</sup> پیش خود<sup>۲۰</sup> رهنمون که گر می بریزد نریزدش<sup>۲۱</sup> بوی گهی ناز و نوش<sup>۲۲</sup> و گهی درد و رنج ۱۱۲۰</p>
--	---

### گفتار اندر رزم رستم زال با افراسیاب<sup>۲۴</sup>

<p>چو خورشید سر برزد<sup>۲۵</sup> از کوهسار توفید<sup>۲۶</sup> شهر<sup>۲۷</sup> برآمد خروش</p>	<p>سواران توران<sup>۲۸</sup> بیستند بار تو گفتی همی کر کند نعره<sup>۲۹</sup> گوش</p>
--	--

۱-س (نیزق، و): بیستند و بردند؛ ل<sup>۱</sup> (نیزلن، لن): پیران بیستند؛ (آ، ب: ببردند و بستند)؛ ل (نیزلی، پ): ازان (لی: وزان) پس ز (پ: از) ایوان بیستند؛ متن = ف، ق، س<sup>۲</sup> (نیزل<sup>۳</sup>) ۲-س: تاخت افراسیاب ۳-ل: بدان ۴-س: تا نگیرد کسی را شتاب ۵-ل: بد؛ س: آمد؛ س (نیزآ، ب): خسته شد؛ متن ← ۶-س: ز لشکر براه؛ (ق: لی: پهلوان سپاه)؛ ف: رنج نامد بلشکر ز راه؛ ق (نیزل<sup>۳</sup>): تفته آمد بنزد سپاه (ل: بنزدیک شاه)؛ متن = ل (نیزلن، ب، و، لن<sup>۴</sup>) ۷-ل: بر درد بود؛ ل (نیزلن، پ، لن<sup>۵</sup>): بر رنج بود؛ (ق، آ، و: کجا بر سرش رنج بود)؛ متن = ف، س، ق، س<sup>۶</sup> (نیزلی، ل، آ، ب) ۸-س: ز ۹-ل، س، ل، آ، س<sup>۷</sup> (نیزلی، پ، ب): بر؛ متن = ف، ق (نیزق، ل، و، آ) ۱۰-ق: چنین داد ۱۱-ق (نیزل<sup>۳</sup>): کنون؛ (لی: ز پس: ب: که شد) ۱۲-ل، ق، ل<sup>۸</sup> (نیزق، آ، و، آ): بیوشد؛ متن = ف، س، س<sup>۹</sup> (نیزلن، لن، آ، ب) ۱۳-ل: رزم ۱۴-ل: دوده (!): س: ستوده؛ درس، ق، ل، آ، ق، لی، ل، آ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵-ل این بیت را ندارد ۱۶-ل: س<sup>۱۰</sup> (نیزلن، لی، ب): بخیمه درون؛ (ق: بخیمه نشسته درون)؛ متن = ف: بخیمه اندرون ۱۷-ل، ل، آ، س<sup>۱۱</sup> (نیزلن، لی، ب، لن<sup>۱۲</sup>): در؛ متن = ف، ل، س، ق (نیزق، ل، آ، و، ب) ۱۸-ل، ل، س، ق، ل (نیزق، لی، ل، آ، و، ب): او؛ س<sup>۱۳</sup> (نیزلن، پ، لن<sup>۱۴</sup>): با؛ متن = ف ۱۹-ل، آ، س<sup>۱۵</sup> (نیزق، آ، و، لن<sup>۱۶</sup>): همی؛ متن = ل، س، ق (نیزلن، لی، ل، آ، پ، ب) ۲۰-ق، ل (نیزل<sup>۱۷</sup>، لن<sup>۱۸</sup>): بدوی ۲۱-ق: نگردهش؛ ل (نیزآ): بریزدش؛ س (نیزلن، لن، آ، ب): که گر مشک ار بریزد نریزدش؛ و: که گر گل بریزد نریزدش)؛ متن = ف، ل، س<sup>۱۹</sup> (نیزلی، ل، آ، پ) ۲۲-ل، س، ق (نیزلن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب): رسم؛ متن = ف، ل، آ، س<sup>۲۰</sup> (نیزق، آ، و) ۲۳-ف: نوش و ناز؛ (و: ناز و شادی)؛ متن = ل-س<sup>۲۱</sup> (نیزهشت دستنویس دیگر) ۲۴-ل: رزم رستم زال با افراسیاب؛ درس، ق، ل سرنویس پایین تر آمده است؛ متن ← ل-س، ل، آ، س<sup>۲۲</sup>: برزد سر؛ متن = ف، ل، ق ۲۵-ف: ایران (!): ل، ق (نیزق، ل، آ): ترکان؛ متن = س، ل، آ، س<sup>۲۳</sup> (نیزلن، لی، ل، آ، و، لن<sup>۲۴</sup>) ۲۶-ف: بجنیبید؛ س (نیزل<sup>۲۵</sup>، ب): بجنوشید؛ متن = ل، ق، ل (نیزلن، پ، و، لن<sup>۲۶</sup>) ۲۸-س: ز گردان توران ۲۹-س: که کرشد ز آواز

- ۱۱۳۰ به درگاه افراسیاب آمدند همه جنگ را یکسره<sup>۲</sup> ساخته<sup>۳</sup> بزرگان توران<sup>۴</sup> گشاده<sup>۵</sup> کمر همه جنگ<sup>۶</sup> را پاک بسته میان کز اندازه بگذشت ما را سخن<sup>۷</sup> کزین<sup>۸</sup> ننگ بر<sup>۹</sup> شاه تا جاودان<sup>۱۰</sup> به ایران به مردان<sup>۱۱</sup> نداندمان<sup>۱۲</sup>
- ۱۱۳۵ برآشفت مهتر<sup>۱۳</sup> بسان پلنگ به پیران بفرمود تا بست کوس بزد نای رویین به درگاه شاه یلان صف کشیدند<sup>۱۴</sup> بر دسرای<sup>۱۵</sup> سپاهی ز توران بدان<sup>۱۶</sup> مرز راند چو از دیدگه<sup>۱۷</sup> دیدبان<sup>۱۸</sup> بنگرید بر رستم آمد که بیسیج کار
- کمر بستگان بر درش<sup>۱</sup> صف زدند دل از بوم و بر پاک<sup>۲</sup> پرداخته<sup>۳</sup> به<sup>۴</sup> پیش سپهدار بر خاک سر، همه دل پُر از کین ایرانیان، چه افگند باید بدین کار<sup>۵</sup> بُن، بماند ز کردار بیژن نشان<sup>۶</sup> زنان کمر بسته خوانندمان
- از آن ننگ را ساز فرمود جنگ<sup>۱۸</sup> کزین پس ندارند بر ما فسوس<sup>۱۹</sup> بجوشید در شهر توران سپاه خروش آمد از بوق<sup>۲۰</sup> و هندی درای که روی زمین<sup>۲۱</sup> جز به دریا نماند<sup>۲۲</sup> زمین را چو دریای جوشنده دید<sup>۲۳</sup> که گیتی سیه شد ز گرد سوار

۱- ل: پیش دره ف پس از این بیت افزوده است:

ببجوشید از آن شهر توران سپاه ببزد نای رویین به درگاه شاه

- ۲- ل. س. ق. ل' (نیز لن، ی، ب، ل، آ، ب): یکسره جنگ را؛ متن = ف. س' (نیز ق، و) ۳- ف، س' (نیز آ): ساختند؛ متن = ل. س. ق. ل' (نیز لن، ق، ی، ب، و، ل، ب) ۴- ل: بوم و آرام؛ س (نیز لن، ب، ل، ب): بوم و از جای؛ ل: بوم و ز خانه؛ (ل: بوم توران)؛ متن = ف. ق. س' (نیز ق، و، آ) ۵- ف، س' (نیز آ): پرداختند؛ متن = ل. س. ق. ل' (نیز لن، ق، ی، ب، و، ل، ب) ۶- س: بیسته ۷- س: ترکان ۸- س: زه ق این بیت را ندارد ۹- س: سوگ: ل' این بیت را ندارد ۱۰- ل: برین کار؛ س: ز یک کار ۱۱- س (نیز ب): ازین؛ ق. س' (نیز آ): که این؛ ل' (نیز ق، ی، ب، و): وزین؛ متن = ف. ل (نیز لن، ل، ل، س') ۱۲- ف: ای؛ متن = ل. س' (نیز لن، ب) ۱۳- ل: شاه و گردنکشان؛ متن = ف. س. ق. ل، س' (نیز لن، ب) ۱۴- ق: بگفتار نابخردان؛ ل، س' (نیز لن، ب، ل، س'): ز کردار نابخردان؛ متن = ف. ل، س (نیز ق، ی، ل، آ، ب) ۱۵- ق: بردان ایران ۱۶- س. ق. (نیز ق، و، ل، آ، ب): ندانندمان؛ ل: بدانندمان؛ متن = ف. ل، س' (نیز لن، ی، ل، آ، ب) ۱۷- ل (نیز ل): پس شه؛ متن = ف. س. ق. ل، س' (نیز لن، ق، ل، آ، ب) ۱۸- ل (نیز ی، ب): از آن پس بفرمودشان ساز جنگ؛ متن = ف. س. ق. ل، س' (نیز لن، ق، و، ل، آ، ب): ل' در اینجا سرنویس دارند، ق: گفتار در محاربت افراسیاب با رستم و هزیمت شاه؛ ل: آمدن افراسیاب با پیران بجنگ رستم ۱۹- ل، ل، س' (نیز لن، ب، و، ل، س'): که بر ما ز (ل، س': از) ایران همین بس (ل: بد) فسوس؛ س (نیز آ، ب): که بر ما ندانند ازین پس فسوس؛ ف (نیز ق، ی، ل، س'): کزان کارش آمد شگفتی فسوس؛ متن = ف (س، آ، ب) ۲۰- ل: بیستند ۲۱- ق (نیز ق، و): پیش سرای؛ (ی، و) برده سرای؛ ل: چون دید رای؛ متن = ل، س. ل، س' (نیز لن، ب، ل، آ، ب) ۲۲- س: نای؛ ف این بیت را ندارد ۲۳- ف (نیز ل): بدین؛ (ب: بران)؛ متن = ل. س' (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۴- ق: زمی ۲۵- ل: زمین ز اسب دریای جوشنده ماند ۲۶- ف. ل' (نیز لن، ب): دیده که؛ متن = س' ۲۷- ل. ق. ل، س' (نیز ق، آ): دیده بان؛ متن = ف. س (نیز لن، ب) ۲۸- ل: جوشان بدید؛ ل: جوشیده دید؛ ف: همه راه ترک کمر بسته دید؛ (ل، ب، ل: خروشی چو شیر زریان برکشید = ۱۱۴۴ ب)؛ متن = س. ق. س' (نیز ق، ی، ل، آ، ب)



بدو گفت: ما زین نداریم باک  
 بُنه با منیژه گُسی کرد و بار  
 به بالا برآمد سپه بنگرید<sup>۳</sup>  
 یکی داستان زد سوار دلیر  
 ۱۱۴۵ به گردان جنگاوره آواز کرد  
 کجا تیغ و زوپین<sup>۷</sup> آهن گذار<sup>۸</sup>؟  
 هنرها کنون کرد باید پدید

برآمد خروشیدن گره‌نای<sup>۱۱</sup>  
 ۱۱۵۰ از آن<sup>۱۳</sup> کوه سرسوی هامون<sup>۱۴</sup> کشید  
 کشیدند لشکر بر آن<sup>۱۶</sup> پهن جای  
 بیاراست رستم یکی رزمگاه  
 ابر میمنه آشکش و گُستهم  
 چوفرهاد<sup>۲۲</sup> و چون زنگه بر<sup>۲۳</sup> میسره  
 ۱۱۵۵ خود و بیژن گیو در قلبگاه  
 پس پشت لشکر گه بیستون<sup>۲۵</sup>  
 چو افراسیاب آن سپه را بدید

همتن به رخس<sup>۱۲</sup> اندرآورد پای  
 چو لشکر به تنگ اندرآمد<sup>۱۵</sup> پدید  
 به<sup>۱۷</sup> هر سو بیستند از<sup>۱۸</sup> آهن سرای<sup>۱۹</sup>  
 که از گرد اسپان جهان<sup>۲۰</sup> شد سیاه  
 سواران بسیار<sup>۲۱</sup> با او بهم  
 بدو داد مردان همه<sup>۲۴</sup> یکسره  
 نگهدار گردان و پشت سپاه  
 حصاری ز شمشیر<sup>۲۶</sup> پیش اندرون  
 که سالارشان رستم آمد پدید،

۱- ف: که ما؛ س، ق، س<sup>۱</sup> (نیزلی، ل، آ، ب): همه؛ متن = ل، ل<sup>۱</sup> (نیزلن، ق، آ، ب، و، لن<sup>۲</sup>) ۲- (آ: چه ترکان به پیشم چه یک  
 مشت) ۳- ل. س<sup>۱</sup> (نیزق، ل، آ، ب): سپه را بدید: متن = ف (نیزلن، پ، لن<sup>۲</sup>) ۴- (لن، ب، لن<sup>۲</sup>): جهان را چو دریای جوشنده  
 دید = ۱۱۴۰ ب): متن = ف- س<sup>۱</sup> (نیزق، ل، آ، ب، و، آ، ب) ۵- س، ق، س<sup>۱</sup> (نیزق، ل، آ، ب): گردنکش؛ ل<sup>۱</sup> (نیزو): لشکر  
 پس؛ متن = ف، ل (نیزلن، پ، لن<sup>۲</sup>) ۶- ل (نیزلی، آ): امروز تنگ و نبرد؛ ق، س<sup>۱</sup>: آن روز جنگ و نبرد؛ ل<sup>۱</sup> (نیزو): آن (ل: از- آن)  
 روز تنگ و نبرد؛ متن = ف، س (نیزلن، ق، آ، ب، لن<sup>۲</sup>، ب: ف: این) ۷- همه دستویس ها: زوپین ۸- ل: زهرآبدار؛ متن = ف، س،  
 ق، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیزلن- لن، آ، ب) ۹- ق: همان جوشن ۱۰- س: بدین دشت کینه بیاید؛ ق: بدین رزمگه کین بیاید؛ متن = ف، ل،  
 ل، آ، س<sup>۱</sup>؛ س در اینجا سرنویس دارد: رزم رستم با افراسیاب و هزیمت شدن افراسیاب ۱۱- ف، ل، س: کز نای؛ متن = ق، ل، آ،  
 س<sup>۱</sup> ۱۲- ف (نیزل<sup>۲</sup>): اسب؛ متن = ل- س<sup>۱</sup> (نیزلن، ل، ب- ب) ۱۳- ف: وزان؛ متن = ل- س<sup>۱</sup> (نیزلن، ل، آ، ب) ۱۴-  
 س<sup>۱</sup> (نیزلن، پ، لن<sup>۲</sup>): کوه رستم بهامون؛ متن = ف- ل (نیزلی، ل، آ، ب، و، آ، ب) ۱۵- ف: بستگی درآمد؛ متن = ل- س<sup>۱</sup> (نیزلن، ل، ب، و،  
 لن، آ، ب) ۱۶- س، ق، س<sup>۱</sup> (نیزلی، ل، آ، ب، و، آ، ب): بدان؛ ل: بدین؛ متن = ف، ل (نیزلن، لن<sup>۲</sup>) ۱۷- (ل، آ، و، لن<sup>۲</sup>):  
 ز ۱۸- ل، ل، آ: ز؛ متن = س، س<sup>۱</sup> (نیزلن، ل، آ، ب، و، لن<sup>۲</sup>) ۱۹- ق: مردان برای احد- ترای؟ سرای؟): ل: از آهن قیای؛ آ:  
 پرده سرای؛ متن = ل، س، ل، آ، س<sup>۱</sup> (نیزلن، پ، و، لن، آ، ب): ف: بیستند هر کس از آهن قیای ۲۰- ل: هوا؛ ق، س<sup>۱</sup> (نیز  
 ل، و، ب): زمین؛ (آ: زمی)؛ متن = ف، س، ل (نیزلن، ل، آ، ب) ۲۱- س، ل: هشیار ۲۲- ل- س<sup>۱</sup> (نیزلن، ل، ب- ب):  
 رهام؛ متن = ف (نیزل<sup>۲</sup>) ۲۳- ل: وزنگه ابر ۲۴- ل، ل (نیزلی، آ): بخون (ل، آ: زیون) داده (آ: کرده) مر  
 جنگ را؛ س: سنان آب داده بخون؛ ق: زیون کرد آن قوم را؛ س<sup>۱</sup> (نیزلن، ل، آ، ب، لن<sup>۲</sup>): زیون داشت آن (س: داشته) جنگ  
 را؛ (و: بیاراسته جنگ را؛ ب: توان داده آن جنگ را)؛ متن = ف ۲۵- ق: بیطسون (!) ۲۶- ف: ز آهن به؛ متن = ل- س<sup>۱</sup>  
 (نیزلن، ل- ب)

غمی گشت و پوشید<sup>۱</sup> خفتان جنگ  
 برابر به آیین صفی<sup>۲</sup> برکشید  
 ۱۱۶۰ چپ لشکرش را به پیران سپرد  
 به گرسوز و شیده بر قلبگاه<sup>۳</sup>  
 تهمتن همی گشت گیرد سپاه<sup>۴</sup>  
 فغان کرد کای ترک شوریده بخت  
 ترا چون سواران دل جنگ نیست  
 ۱۱۶۵ که چندین ز<sup>۴</sup> پیش من آیی به کین  
 چو در جنگ لشکر<sup>۱۵</sup> شود<sup>۱۶</sup> تیزچنگ  
 ز داستان تو نشیدی آن<sup>۱۸</sup> داستان  
 که شیری نترسد ز یک دشت گور  
 بدرد دل و گوش<sup>۲۱</sup> غم سترگ  
 ۱۱۷۰ نه روبه شود از ستودن<sup>۲۳</sup> دلیر  
 چُن<sup>۲۵</sup> اندر هوا باز گسترده پر  
 دلیر و<sup>۲۷</sup> سبکسار خسرو<sup>۲۸</sup> مباد!

سپه را بفرمود<sup>۲</sup> کردن درنگ  
 هوا نیلگون<sup>۱</sup> شد، زمین ناپدید  
 سوی راستش<sup>۳</sup> جای هومان<sup>۴</sup> گرد<sup>۵</sup>  
 سپرد و همی کرد هر سو نگاه<sup>۶</sup>  
 از<sup>۷</sup> آهن بکردار کوهی سیاه<sup>۸</sup>  
 که ننگی تو بر لشکر<sup>۹</sup> و تاج و تخت،  
 به جنگ دلیرانت<sup>۱۰</sup> آهنگ<sup>۱۱</sup> نیست،  
 به مردان و اسپان پیوشی زمین،  
 همه پشت یابم<sup>۱۲</sup> ترا سوی جنگ  
 که آرد<sup>۱۳</sup> به یاد از گه باستان،  
 ستاره فراوان نتابد چو<sup>۱۴</sup> هور  
 اگر بشنود نام<sup>۱۵</sup> چنگال گرگ  
 نه گوران بساوند<sup>۱۶</sup> چنگال شیر  
 نترسد ز چنگال او شیر<sup>۱۷</sup> نر<sup>۱۸</sup>  
 چو باشد<sup>۱۹</sup> دهد پادشاهی به باد

۱- ل، ل، س (نیز لن، ب، و، لن): غمی شد پیوشید ۲- ف، ل: نفرمود (حرف بکه نقطه ندارد): (لی: نفرمود): متن = س، ل، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب): ق این بیت را ندارد ۳- س: ز توران سپه: س: بر آیین صفی: ل: ز آیین توران صفی: متن = ف، ل ۴- ف: فیگون: متن = ل، س، ل، س (نیز لن، ب): ق این بیت را ندارد ۵- ل: راست پس ۶- س: شمرد ۷- ل، ل، ل (نیز و): قلب سپاه: ق (نیز آ): آن قلبگاه: (ق، ل: فرمود شاه): س، س (نیز لن، ب، ل، ب): به (س، ب: چو) کرسوز (ب، لن: کرسوز) و سرخه (س: جهن: ب: نیک) سالارگاه: متن = ف: بنداری: فوقف هومان فی المینة، و پیران فی المیره، و وقف شیده و کرسوز فی القلب ۸- ق: نکودار توران و گردان شاه: ل: همی داشت لشکر ز دشمن نگاه: (ق: که هر دو سوی قلب دارید راه: لی: سوی قلب دارید یکر نگاه): متن = ف، ل، س، س (نیز لن، ب، ب) ۹- ل: تاخت در قلبگاه ۱۰- ل: ز: ق: وز: متن = ف، س، ل، ل، س ۱۱- س: بسر بر نهاده کلاه ۱۲- س، س، س (نیز لن، ب، ل، ب): کشور: متن = ف، ل، ق، ل (نیز ق، ل، ل، و، آ) ۱۳- ل، س (نیز لن، ل، ل، ب، ل، آ، ب): ز گردان لشکر تراننگ: متن = ف ۱۴- ل، س (نیز لن، ب، ب): به: (ل، ل، تو): متن = ف ۱۵- ل: کشور ۱۶- س: جنگ تو من شود ۱۷- ل، س (نیز لن، ل، آ): بیتر: متن = ف ۱۸- س، ق: این: ل: نشیده: متن = ف، ل، س ۱۹- ل، س، ق، ل (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب): دارد: س: یارد (آرد): متن = ف ۲۰- ل، ق (نیز ل): ستاره نتابد چو تابنده: ل، ل، س: ستاره نتابد فراوان چو: (لن، ب: نتابد فراوان ستاره چو: لی، و لغت دری، ص ۱۹: ستاره نتابد هزاران چو: لن: نتابد ستاره فراوان چو: ب: هزاران ستاره نتابد چو): متن = ف، س (نیز ق، آ) ۲۱- ل: هوش: س: کوس و ۲۲- ل: نام و ۲۳- ل، س (نیز لن، ب): ز آرمودن: متن = ف ۲۴- ل، ل (نیز لن، ل، ب، ل، ب): بسایند: ق: بتابند: (ق: بکاوند): متن = ف، س، ل، ل، س (نیز و، آ، ب): در ل، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، ب) این بیت با بیت سیمین پس و پیش شده است: پیاپی بیت های متن = ف ۲۵- ل، س، ل، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، ب): چو: متن = ف ۲۶- ل، س، ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، ب): بترسد ز چنگال او کیک نر: متن = ف: ق (نیز ل) این بیت را ندارند ۲۷- ل، ق، ل (نیز آ): چو تو کس: (ب: دلیر): متن = ف، س (نیز لن، ق، ل، ب، و، لن، ب) ۲۸- ل: سبکسار و خیره ۲۹- ف: که بی شک: متن = ل، س (نیز لن، ق، ل، ب، ب): س (نیز ل) پس از این بیت افزوده اند: نویسنده بجز اندر انباشتی ندانستی ای ترک شوریده بخت نامه بزنندان تو بیزن

برین<sup>۱</sup> دشت<sup>۲</sup> هامون تو از دست من

۱۱۷۵ چو این گفته بشنید ترک<sup>۳</sup> دژم  
برآشفت کای<sup>۵</sup> نامداران تور  
چو گفتار سالارشان شد به گوش  
چنان تیرهگون<sup>۱۱</sup> شد زگرد آفتاب  
بیستند بر<sup>۱۴</sup> پیل روینه خُم  
ز جوشن<sup>۱۶</sup> یکی باره ی آهنین  
۱۱۸۰ بپوشید<sup>۱۸</sup> دشت و بتفسید<sup>۱۹</sup> کوه  
درفشان<sup>۲۰</sup> به گرداندرون تیغ تیز  
همی<sup>۲۳</sup> گرزِ پولاد<sup>۲۴</sup> همچون تگرگ  
وُزان رستمی اژدهافش درفش  
پپوشید روی هوا گرد پیل<sup>۲۶</sup>  
۱۱۸۵ به هر سو که رستم برافگند<sup>۲۸</sup> رخس  
به چنگ اندرون گرزهی گاوسار

رهایی نیابی به جان و به تن  
بلرزید<sup>۴</sup> و برزد یکی تیزدم  
که این<sup>۶</sup> دشت جنگست<sup>۷</sup> گر<sup>۸</sup> جای<sup>۹</sup> سور؟  
زگردان لشکر<sup>۱۰</sup> برآمد خروش  
که<sup>۱۲</sup> گفتی همی غرقه گردد به<sup>۱۳</sup> آب  
دمیدند شیپور با<sup>۱۵</sup> گاودم  
کشیدند گردان به روی زمین<sup>۱۷</sup>  
ز بانگ سواران هر دو گروه  
تو گفتی برآمد<sup>۲۱</sup> همی<sup>۲۲</sup> رستخیز  
بیارید بر جوشن و<sup>۲۵</sup> خود و ترگ  
شده روی خورشید تابان بنفش  
به خورشید گفتی براندود نیل<sup>۲۷</sup>  
سران را سر از تن<sup>۲۹</sup> همی کرد بخش  
بسان هیونی گسته مهار<sup>۳۰</sup>

۱- ل- س<sup>۱</sup> (نیزلی، ل، آ، ب)؛ بدین؛ متن = ف (نیزلن، ق، ب، و، ل، ن<sup>۲</sup>) ۲- ف، ل، آ، س<sup>۳</sup> (نیزب)؛ دشت و؛ متن = ل، س، ق (نیز هشت دستویس دیگر) ۳- ل؛ آمد ۴- س؛ برآشفت ۵- س؛ چنین گفت با ۶- ف، ق، س<sup>۷</sup> (نیزلن، ب، آ)؛ بدین؛ ل<sup>۸</sup> (نیزلی)؛ درین؛ (ق، ل، ن<sup>۹</sup>؛ برین؛ ل<sup>۱۰</sup>؛ درو)؛ متن = ل، س (نیزب) ۷- س؛ برزد است ۸- ل، س<sup>۹</sup> (نیزلن، ب، ل، آ، ب)؛ یا؛ متن = ل ۹- ق؛ خان؛ (ل، پ، ل، ن<sup>۱۰</sup>؛ بزم)؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، س<sup>۱۱</sup> (نیزق، ل، ل، آ، ب)؛ ل، س، ل<sup>۱۲</sup> (نیزلی، و، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

بباید کشیدن درین (بدین) رزم (جنگ) کار) رنج

که بخشم شها را بسی تاج و (کام و؛ ازین رنج) گنج

۱۰- ل؛ توران ۱۱- ق (نیزآ)؛ نیلگون ۱۲- س، ل، آ، س<sup>۱۳</sup> (نیزلن، ب، ل، آ، ب)؛ تو؛ متن = ف، ل، ق (نیزق، ل، آ، و، آ) ۱۳- ل؛ ماند در؛ (ق؛ ماند به؛ ل؛ ماند اندر)؛ س (نیزب)؛ همه (ب؛ همی) غرقه گردد در؛ ق، ل<sup>۱۴</sup> (نیزو، آ)؛ جهان غرقه گشت (ل، و؛ ماند) اندر؛ س<sup>۱۵</sup>؛ همه غرقه ماند به؛ (ل؛ همی ماند غرق اندر؛ ب، ل، ن<sup>۱۶</sup>؛ همی غرق ماند اندر)؛ متن = ف ۱۴- ف؛ دمیدند از؛ س (نیزلن، ب، ل، آ، ب)؛ فرو کوفت بر؛ متن = ل، ق، ل، آ، س<sup>۱۷</sup> (نیزلی، و، آ) ۱۵- ف؛ خروش آمد و ناله؛ (ل؛ خروشدند شیپور با)؛ متن = ل- س<sup>۱۸</sup> (نیزلن، ل، آ، ب) ۱۶- ل؛ دو حصن و ۱۷- س؛ بر آن دشت کین ۱۸- س؛ بجنید ۱۹- ل، ل، آ، س<sup>۲۰</sup> (نیز ل، ل، ب، ل، آ، ب)؛ بتوفید؛ س (نیزب)؛ بجنید؛ (ل؛ بغرید)؛ متن = ف (نیزق، و؛ ونخست داشته است؛ بتوفید)؛ ق این بیت را ندارد ۲۰- ق، س<sup>۲۱</sup>؛ درخشان ۲۱- ل، آ، س<sup>۲۲</sup> (نیزآ)؛ برآید؛ متن ← ۲۲- س، ق (نیزلن، آ)؛ یکی؛ ف (نیزق)؛ برآید (ق)؛ برآمد تو گفتی همی؛ متن = ل (نیزلی، ل، آ، ب، و، ل، ن<sup>۲۳</sup>) ۲۳- ل؛ زبس ۲۴- ل، س (نیزآ)؛ بازید؛ متن = ف، ق، ل، آ، س<sup>۲۵</sup> (نیزلن، ل، آ، ب) ۲۵- ل؛ ابر جوشن و پرو بر؛ متن = ف، س، ق، ل، آ، س<sup>۲۶</sup> (نیزلن، ب، ل، آ، ب) ۲۶- س، ل، آ، س<sup>۲۷</sup> (نیزلن، ل، آ، ب، ل، ن، آ، ب)؛ هوا را بتیر؛ متن ← ۲۷- س، ل، آ، س<sup>۲۸</sup> (نیزلن، ل، ب، ل، آ، ب)؛ قیر؛ (آ؛ رخ شید تابان شده چون زریز)؛ متن = ف، ل (نیزو)؛ ق (نیزق، ل) این بیت را ندارند ۲۸- ق؛ برانگیخت ۲۹- س؛ بن؛ س؛ ز لشکر ۳۰- ل، س (نیزلی) پس از این بیت افزوده‌اند:

همی کشت و می بست (س؛ می خست) در رزمگاه چو بیار کرد از بزرگان تباہ

پراگنده کرد آن سپاه بزرگ <sup>۱</sup>	ز قلب اندر آمد بکردار <sup>۲</sup> گرگ <sup>۳</sup>
ز گرسیوز تیغ زن کینه خواست	بر آمد <sup>۵</sup> چو باد آشکش از دست راست
چپ لشکر شاه ترکان <sup>۷</sup> ببرد	چو گرگین و فرهاد و رهام <sup>۶</sup> گرد
همی <sup>۱</sup> بزمگاه آمدش جای جنگ	به <sup>۸</sup> قلب اندرون بیژن تیزچنگ
فروریخت از بار <sup>۱۱</sup> و برگشت <sup>۱۲</sup> بخت	سران سواران چو برگ از درخت <sup>۱۰</sup>
درفش سواران <sup>۱۳</sup> ترکان نگون	همه رزمگه سر بسر جوی خون
دلیران توران <sup>۱۷</sup> همه گشته دید،	جهاندار <sup>۱۴</sup> چون بخت <sup>۱۵</sup> برگشته <sup>۱۶</sup> دید
یکی اسپ آسوده تر <sup>۱۸</sup> برنشست	بیفکند شمشیر هندی زدست
کز ایرانیان کام و کینه نیافت <sup>۲۱</sup>	ز ترکان جدا <sup>۱۹</sup> سوی توران شتافت <sup>۲۰</sup>
ببارید بر لشکرش گر و تیر	برفت از پیش رستم گردگیر <sup>۲۲</sup>
همی مردم آهخت ازیشان <sup>۲۴</sup> به دم	دو فرسنگ چون آردهای <sup>۲۳</sup> دژم
گرفتند زنده پس از کارزار	سواران جنگی ز توران هزار <sup>۲۵</sup>
که بخشش کند خواسته بر سپاه <sup>۲۷</sup>	به لشکرگه آمد از آن رزمگاه <sup>۲۶</sup>
به پیروزی آمد بر <sup>۲۹</sup> شهریار	ببخشید و بنهاد بر پیل <sup>۲۸</sup> بار

### گفتار اندر باز آمدن رستم با بیژن از توران به ایران زمین<sup>۳۰</sup>

۱- ل (نیز لن، ب)؛ به (بیت ۱۱۵۵) ۲- ف: چنان پیر؛ متن = ل، ق، ل، س (نیز لن-ب) ۳- ل: گرد ۴- ل: چپ لشکر شاه توران ببرد (= ۱۱۸۹ ب)؛ س این بیت را ندارد؛ ل (نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:  
برآمد چو باد آن سران را (سواران) ز جای همان (همه) باد پایان فرخ‌های

۵- ل، ق، س (نیز ق، ل)؛ درآمد؛ متن = ف، س، ل (نیز لن، ل، ب-ب)؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۶- ل، س (نیز و، ب)؛ رهام و فرهاد؛ متن = ف، ق، س (نیز لن-ب، ل، آ) ۷- ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، پ، ل، آ)؛ توران؛ متن = ف، س (نیز ل، و، ب)؛ ل ۱۱۸۷ ب و ۱۱۸۹ آ را انداخته و از ۱۱۸۷ آ و ۱۱۸۹ ب یک بیت ساخته است ۸- ل: ز ۹- ق: همه ۱۰- ل، س، س (نیز لن-ب، ل، آ)؛ برگ درخت؛ متن = ف، ق، ل (نیز و، ب) ۱۱- ل: باد (ببار؟)؛ متن = ف، س، ق، س (نیز لن-ب)؛ از بار (باز باد = بزودی؟) ۱۲- ل: فروریخت و آن برگ را رفت ۱۳- ل، ل، س (نیز لن، ل، ل، آ، پ، و)؛ سپهدار؛ متن = ف، س، ق (نیز ق، ل، ل، آ، ب) ۱۴- ل، س، ق، س (نیز ق، ل، و، آ، ب)؛ سپهدار؛ متن = ف، ل (نیز لن، ل، آ، پ، لن) ۱۵- ل: بخشش چو ۱۶- ف: سرگشته (ببرگشته)؛ متن = ل-س (نیز لن-ب) ۱۷- ل، ق، س: ترکان؛ متن = ف، س، ل (نیز لن-ب) ۱۸- ل، ل، س (نیز لن، ل، ل، آ، ب، ل، آ، ب)؛ آسوده را؛ متن = ف، ل، س، ق (نیز ق، آ، و) ۱۹- ل (نیز آ): خود و ویژگیان؛ س، ق، س (نیز لن، ل، ب، و، لن)؛ خود و سرکشان؛ ل: خود و شیده را؛ (ق: هزیمت شد و)؛ متن = ف (نیز ل) ۲۰- س: براند ۲۱- س: نراند (پساوند ندارد) ۲۲- س: شیرگیر ۲۳- س: آردها ۲۴- ق: زیشان؛ (ل: آمیخت زیشان)؛ متن = ف، ل، س، ل، س (نیز لن، ل، آ، ب) ۲۵- ل، ق (نیز آ): ز ترکان هزار؛ ف: پس جنگ اسیران توران هزار؛ (پ: سواران توران تنی دو هزار؛ و: ز جنگی سواران ترکان هزار)؛ متن = س، س (نیز لن، ق، ل، ل، آ، ب)؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: بعد آن اسر منهم ألف فارس ۲۶- ق: کارزار ۲۷- ق: سوار ۲۸- س: ببخشید هوار و بر بست ۲۹- س: سوی ۳۰- س: باز آمدن رستم با بیژن از توران بایران زمین؛ ق: آگاهی یافتن کیخسرو از آمدن رستم با بیژن و منیژه؛ ل: گریختن افراسیاب از رستم و رفتن بتوران؛ س (چند بیت پایین‌تر): باز آمدن رستم بنزد کیخسرو؛ ف، ل سرنویس ندارند؛ متن = س

چو آگاهی آمد به شاه دلیر  
 و بیژن شد<sup>۳</sup> از بند و زندان رها  
 سپاهی ز توران بهم بر شکست<sup>۴</sup>  
 به<sup>۵</sup> شادی به پیش جهان آفرین  
 چو گودرز و گیو<sup>۱۰</sup> آگهی یافتند  
 ۱۲۰۵ برآمد خروش و بیامد سپاه  
 دمنده دمان<sup>۱۲</sup> گاودم بر درش  
 سیه کرده اسپانش گیهان به سم<sup>۱۴</sup>  
 جهان از سواران<sup>۱۶</sup> دمان و دنان  
 به<sup>۱۸</sup> پیش سپاه اندرون<sup>۱۹</sup> بوق و کوس  
 ۱۲۱۰ به یک دست بر بسته شیر و پلنگ  
 پذیره شدش پهلوان سپاه<sup>۲۱</sup>  
 برفتند لشکر گروه ها گروه  
 چو آمد از انبه پدیدار<sup>۲۵</sup> نیو  
 ۱۲۱۵ وُرآن سو<sup>۲۷</sup> بزرگان ایران به راه<sup>۲۸</sup>  
 که پیروز برگشت از بیشه<sup>۱</sup> شیر،  
 ز دست<sup>۲</sup> بداندیش نرازدها،  
 همه کامه‌ی دشمنان<sup>۷</sup> کرد پست،  
 بمالید روی و گله<sup>۹</sup> بر زمین  
 سوی شاه پیروز<sup>۱۱</sup> بشتافتند  
 تیره زنان برگرفتند راه  
 برآمد خروشدن از<sup>۱۳</sup> لشکرش  
 همه شهر آوای<sup>۱۵</sup> روینه خم  
 به دندان زمین زنده پیلان<sup>۱۷</sup> گنان  
 درفش از پس پشت گودرز و طوس  
 به<sup>۲۰</sup> زنجیر و دیگر سواران جنگ  
 برین<sup>۲۲</sup> گونه فرمود هُشیار شاه<sup>۲۳</sup>  
 زمین شد زگردان بکردار کوه<sup>۲۴</sup>  
 پیاده شد از اسپ<sup>۲۶</sup> گودرز و گیو  
 پیاده برفتند خود با سپاه<sup>۲۹</sup>

۱- ل، س (نیز لن - ب): که از بیشه پیروز برگشت؛ ق، ل، س، س: که از بیشه برگشت پیروز؛ متن = ف ۲- ل، ق: چو؛ (ل، لن: که)؛  
 متن ← ۳- (ق: شدش بیژن؛ و: شده بیژن)؛ متن = ف، س، ل، س، س: (نیز لن، ل، ب، آ، ب: ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۴۴) ۴- ل: بند؛  
 متن = ف، س، ق، ل، س، س: (نیز لن - ب) ۵- ل: توران شها ۶- ق، ل، س: همتن بیست؛ متن = ف، ل، س، س، س: ۷- ل: لشکر  
 دشمنان؛ (ق: بند و زندان او)؛ متن = ف، س، ق، ل، س، س: (نیز لن، ل، ب) ۸- س، ل، س، س: (نیز لن - ب): ز؛ متن = ف، ل،  
 ق ۹- س: (نیز لن، ق، ب، ل، ن): بیامد (ق: فراوان) بمالید رخ؛ متن = ف، ل (نیز ل، و، آ، ب) ۱۰- ف: طوس؛ متن = ل، س، س:  
 (نیز لن - ب) ۱۱- ف: شهر پیروز (?): ق: پذیره شدن نیز؛ متن = ل، س، ل، س، س: (نیز لن - ب) ۱۲- س: دم؛ ق: دمیدندشان؛  
 متن = ف، ل، س، ل، س: [از] ۱۳- س: [از] ۱۴- ل، س: (نیز لن، ل، ب، و، ل، ن، ب): کرده (لن، ل، و، ل، ن، ب: کرد) میدانش اسپان  
 بس: ق (نیز آ): گشت میدان از انبوه سم؛ ل (نیز ل): کرد میدان از اسپان بس؛ س (نیز ق): زمین را سه کرده (ق: دید از) اسپان بس؛  
 متن = ف ۱۵- ل، س، ل: آواز؛ ق: از آواز؛ متن = ف، ل، س، س: ۱۶- ل (نیز ل): گرازان سواران؛ س (نیز ب): و زانجا جمله؛ ق (نیز آ):  
 کوان و سواران؛ ل (نیز لن، ب، ل، ن): کبان و سواران؛ س: میان سواران؛ متن = ف (نیز ق، ل، س) ۱۷- ف، س: زند پیلان؛ ق: میدان  
 چو پیلان زمانترا (در بالا: زمین را)؛ در ل بیت های ۱۲۰۹ و ۱۲۱۱ پس و پیش شده اند ۱۸- ل: ز ۱۹- ف: سپهدار دره؛ (ق):  
 اندرون ناله)؛ متن = ل، س: (نیز لن - ب) ۲۰- ل: ز ۲۱- ل (نیز ل): شدن پیش (ل: نزد) پهلوان سپاه؛ س (نیز ب): شدن از در  
 پهلوان؛ ق (نیز لن، ب، و، ل، ن، آ): سوی پهلوان سپاه؛ ل: شد آن پهلوان سپاه؛ س: شدش پهلوان و سپاه؛ متن = ف ۲۲- ل، س، ق، ل:  
 (نیز ل، لن، آ): بدین؛ متن = ف، س: (نیز لن، ب، و، ب) ۲۳- ل: بیدار شاه؛ س (نیز ب): شاه جوان؛ س: (نیز لن، ب، ل، ن):  
 پیروز شاه؛ متن = ف، ق، ل (نیز ل، و، آ) ۲۴- ق: ز گرد سواران ستوه ۲۵- ل، س: (نیز لن - ب): بیدار از (ق، ل: [از]) انبوه؛  
 متن = ف ۲۶- ل: باره؛ متن = ف، س، ق، ل، س، س: (نیز لن - ب) ۲۷- س: وزین سو؛ ق: وزینسان؛ س: وزانپس؛ متن = ف،  
 ل ۲۸- ق: ایرانیان ۲۹- س: پویان براه؛ ق: بسته میان؛ (ل، ب، ل، ن): یکسر براه؛ ل: جمله سپاه؛ و: حتی براه؛ آ: نازان براه؛  
 متن = ف، ل، س: (نیز لن، ق، ل، ب): ل این بیت را ندارد؛ س پس از این بیت افزوده است؛

چو بر پهلوان چشمشان برفتند

به پیش یکایک زمین بسوه داد

ازا اسپ اندرآمد جهان پهلوان<sup>۲</sup>      به پرسیدن<sup>۳</sup> رنج دیده گوان  
 برو آفرین کرد گودرز و گيو      که ای نامبردار سالار نیو،  
 ترا جاودان باد یزدان پناه      به کام<sup>۵</sup> تو گرداد<sup>۶</sup> خورشید و ماه  
 دلیر از تو گردد به هر کار<sup>۷</sup> شیر      سپهر از تو هرگز مگرداد سیر  
 همه بنده کردی تو این دوده را      ز تو یافتم پور گم‌بوده را  
 ز درد و غمان رستگان تویم<sup>۸</sup>      به ایران کمر بستگان تویم<sup>۸</sup>

بر اسپان نشستند یک‌یک<sup>۹</sup> میهان      گرازان بنزدیک<sup>۱۰</sup> شاه جهان<sup>۱۱</sup>  
 چو<sup>۱۲</sup> نزدیک شهر جهاندارشاه<sup>۱۳</sup>      فراز آمد آن گرد لشکر پناه<sup>۱۴</sup>،  
 پذیره شدش<sup>۱۶</sup> شهریار<sup>۱۷</sup> جهان      نگهدار گردان و پشت میهان<sup>۱۸</sup>  
 چو رستم به فتر جهاندارشاه      نگه کرد کامد پذیره به راه<sup>۱۹</sup>،  
 پیاده شد و برد پیشش<sup>۲۰</sup> نماز      غمی<sup>۲۱</sup> گشته<sup>۲۲</sup> از رنج و<sup>۲۳</sup> راه دراز  
 جهاندار خسرو گرفتش به بر      که ای بیخ مردی و کان هنر<sup>۲۴</sup>،  
 به خورشید ماند همه<sup>۲۵</sup> کار تو؛      به نیکی به هر جای دیدار<sup>۲۶</sup> تو!

۱- ل، س، ل؛ ز؛ متن = ف، ق، س؛ ۲- ف؛ گزین پهلوان؛ متن = ل، س؛ (نیز، ل- ب) ۳- ل، ل؛ (نیز، ل)؛ بپرسیدش از؛ ق (نیز و)؛ بپرسید از آن؛ (ق، آ، ب)؛ بپرسید از؛ ل؛ بپرسید آن؛ متن = ف، س، س؛ (نیز، ل، پ، ل، آ، ب) ۴- ل، ل؛ نامبردار و ۵- ف؛ بنام؛ متن = ل- س؛ (نیز، ل- ب) ۶- س؛ گردنده؛ درل، س، ق، ل؛ (نیز، ل، آ، ب، ل، ل، آ، ب) این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های متن = ف، س؛ (نیز، ل، و) ۷- ل، س، ق، ل؛ (نیز، ل، ق، ل، ب، ل، آ، ب)؛ جای؛ متن = ف، س؛ (نیز، ل، و) ۸- ف- س؛ (نیز، ل، ق، ل، ب، و، ل، آ)؛ توایم؛ (ل)؛ توایم؛ ب؛ تویم ۹- ل، س؛ (نیز، ل- آ)؛ یکسر؛ ق؛ باین برفتند یکسر؛ متن = ف، س، ل؛ (نیز، ل، ب) ۱۰- س؛ بدرگاه ۱۱- س؛ بر شهریار زمان ۱۲- ف؛ که؛ متن = ل- س؛ (نیز، ل، ق، ل، ب) ۱۳- ل، ل؛ س؛ شاه جهان شد سپاه ۱۴- س؛ فرود؛ متن ← ۱۵- ف (نیز، ل)؛ نگه کرد کامد (ق)؛ و آمد پذیره براه (= ۱۲۲۵ ب)؛ ل؛ پذیره برون آمد از گاه شاه؛ (و) رسید آن سرافراز لشکر پناه؛ متن = ل، س، ق، س؛ (نیز، ل، ب، ل، آ، ب)؛ س؛ فرود) ۱۶- ق؛ شد آن ۱۷- ف، ل، س، ق (نیز، ب)؛ نامدار؛ (آ)؛ نیز شاه؛ متن = (ل، ل، ب، و، ل، آ) ۱۸- ف؛ شاه کهان؛ (ل، پ، ل؛ تاج میهان)؛ ل (نیز، ل، آ)؛ ایران و شاه (ل، آ)؛ پشت (میهان)؛ ق؛ نگه کرد گردان بشاه جهان؛ متن = س (نیز، و، ب)؛ ل، س؛ (نیز، ل، آ)؛ این بیت را ندارند ۱۹- ق؛ نگه کرد و آن خسروانی کلاه؛ س؛ این بیت را ندارد ۲۰- ل؛ پیاده شدش پیش و بردش ۲۱- ف (نیز، ل)؛ غمین؛ متن = ل- س؛ (نیز، ل، آ- ب) ۲۲- ف، ل، س؛ (نیز، ل، آ، ب، و)؛ گشت؛ متن = ل، س، ق (نیز، ل، آ، ب) ۲۳- س؛ [و]؛ ل؛ از آن رنج و ۲۴- ف؛ پشت مردان و کان هنر؛ ل- س؛ (نیز، ل، آ، و، آ)؛ دست (س، ق، ل)؛ اصل؛ ق، آ؛ کان؛ و؛ هوش (مردی (ل)؛ مرد (!))؛ و جان (ق، آ)؛ گنج؛ س، ل، آ؛ کان (هنر (آ)؛ و گهر)؛ (ل)؛ دست برده بهر جای در؛ ل، پ، ل؛ همی گفت کای پهلوی پرهیز؛ متن = (ب)؛ س پس از این بیت، بیت زیر را که با بیت های دیگری درل، پ، ل، آ، ب نیز آمده است، افزوده است:

برآزنده بیژن از چاه تنگ

کننده سرچاه خالی ز سنگ

۲۵- ل، س، ق، ل؛ (نیز، ل، آ، و، ل، آ، ب)؛ همی؛ متن = ف، س؛ (نیز، ل، ق، آ، ب) ۲۶- (ل، آ؛ بازار)؛ ل، س، ق، ل؛ (نیز، ل، آ، ب)؛ بگیتی پراکنده کردار؛ (و) بهر جای مردی و گفتار؛ متن = ف، س؛ (نیز، ل، ل، پ، ل، آ)؛ درل، ق، ل، آ، س؛ ق، ل، ل، آ، ب این بیت پس از بیت ۱۲۳۷ و درس پس از بیت ۱۲۳۶ و درل، ب پس از بیت ۱۲۳۴ پ آمده است؛ پایی بیت های متن = ف، و

۱۲۳۰. تهمتن سبک دست بیژن گرفت  
 بیاورد و بسپرد و برپای خاست  
 وُزآن<sup>۱</sup> پس اسیرانِ توران<sup>۲</sup> هزار  
 برو آفرین کرد خسرو به مهر  
 سرت سبز باد و دلت شادمان!  
 خنک زال که ش<sup>۸</sup> بگذرد روزگار  
 ۱۲۳۵. خجسته برو بوم<sup>۱۱</sup> زاول<sup>۱۲</sup> که شیر  
 فری<sup>۱۴</sup> شهر ایران و فرخ گوان  
 وُزین<sup>۱۵</sup> هر سه برتر سر<sup>۱۶</sup> بخت من  
 به گيو آنکھی گفت شاه جهان  
 که بر دست رستم جهان آفرین<sup>۱۷</sup>  
 ۱۲۴۰. گرفت آفرین گيو<sup>۱۹</sup> بر شهریار  
 سر رستمت جاودان<sup>۲۰</sup> سبز باد!  
 چنان که ش ز شاه و پدر پذیرفت<sup>۱</sup>،  
 چنان<sup>۲</sup> بخت<sup>۳</sup> خمیده را کرد راست  
 بیاورد بسته بر شهریار  
 که جاوید بادا به کامت<sup>۶</sup> سپهر!  
 که بی تو نخواهیم هرگز جهان<sup>۷</sup>  
 بماند به گیتی<sup>۱</sup> ترا<sup>۱۱</sup> یادگار  
 همی پروراند گیان<sup>۱۳</sup> دلیر  
 که دارند چون تو یک پهلوان  
 که چون تو پرستدهمی تخت من  
 که نیکست با کردگارت نهان،  
 به تو داد پیروز پور گزین<sup>۱۸</sup>  
 که شادان بزی تا بود روزگار!  
 دل زال فرخ بدو باد شاد<sup>۲۱</sup>!

۱- (ل: بد شگفت؛ لن، پ، لن: ز شاه جهان پذیرفت؛ ب: بشاه و بگودرز گفت)؛ س: بر شاه ایران بیاورد و رفت؛ متن = ف- ل: (نیزق،  
 ل، و، آ)؛ بنداری: فاخذ رستم بيد بیژن و قدمه ال الملک، و سلمه اليه محافظه منه علی ما سبق من وعده لجیو بذلک ۲- ق، س: چو  
 آن ۳- ق: پشت ۴- ل، ق، ل: از آن ۵- ل: ترکان ۶- س: که از جان توشاد بادا ۷- س: (نیزو، ب): نخواه  
 زمین (و: سپهر) و زمان: ق: این تو میادا جهان و زمان؛ (لن، ل، پ، لن: تن زال دور از بدنگمان؛ آ: نت دور باد از بدنگمان)؛ متن = ف: ل،  
 ل، س: (نیزق، ل) این بیت را ندارند ۸- ق: چون؛ ف: چو از توبسی؛ متن = ل، س، ل، آ، س: (نیزلن- ب) ۹- س، س: بگیتی  
 بماند؛ ل: بانی بگیتی ۱۰- ف: ز تو؛ ق: (نیزق، ل، و)؛ چو تو؛ ل: از تو؛ متن = ل، س، س: (نیزلن، ق، ل، ل، پ، لن، آ، ب)؛ ف: آپس  
 از بیت ۱۲۳۴، لن، پ، لن: پس از بیت ۱۲۳۷ و ل: پس از بیت ۱۲۳۳ افزوده اند:  
 همان (ف: کجا) نیمروز از تو خالی مباد

که چون تو ندیدست گیتی بداد (ل، آ: هرگز نژاد؛ ف: که جای دگر چون تو هرگز نژاد)  
 ل- س، ق، ل، و، ب این بیت را ندارند ۱۱- ل: بر بوم ۱۲- ل، س، ق: (نیزلن، ل، ل، پ، لن، آ، ب): زابل؛ متن = ف، ل، آ،  
 س: (نیزق، و) ۱۳- ل: کوان و؛ س: (نیزلن، ل، پ، لن، آ، ب): بلان؛ ل: بلان راه؛ س: (نیزو): کوان؛ (ق، ل، آ: سوار؛ آ: بزرگ و)؛  
 ق: چو تو پروراند بزرگ و؛ متن = ف: گیان (?) ۱۴- ف: فره؛ ل، س، ق، س: (نیزل، و، آ، ب): خنک؛ ل: فره؛ (لن، پ، لن: خوشا)؛  
 متن تصحیح قیاسی (ف، ل): درس پس از این بیت، بیت ۱۲۲۸ آمده است ۱۵- ف: ازین؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: (نیزلن-  
 ب) ۱۶- ف: بود؛ ل، ق: سرو؛ متن = ل، س: (نیزلن، ق، ل، آ، ب)؛ س این بیت را ندارد؛ در ل، ق، ل، آ، س، ق، ل، ل، ل، آ، ب  
 پس از این بیت، بیت ۱۲۲۸ آمده است؛ بنداری (۱۲۳۲- ۱۲۳۷): فشرکه الملک و دعاله و اثنی علیه، و قال: ما اعلی جدا ایرانیین و ارفع شأنهم  
 و احمی حرمهم ما دمت پهلوانه و طوبی لزال اذکان مثلك له خلفا و ولدا (۱۲۳۴) و انا اعلاهم جدا و اوراها زندا حیث اصحت خادما لتختی و  
 حامیا لختوزنی ۱۷- ف: جهان پهلوان؛ متر ← ۱۸- ف: جوان؛ متن = ل- س: (نیزلن- ب)؛ بنداری (۱۲۳۸- ۱۲۳۹): ثم قال لجیو:  
 ان امرک مستقیم عند الله سبحانه و تعالی حیث یسر رجوع و ولدک الیک؛ س، س: (نیزلن، ل، پ، لن، آ، ب) پس از بیت ۱۲۳۹ افزوده اند:  
 زمین را ببوسید گود دلیر  
 که گیتی مبادا ز رای تو سیر  
 ۱۹- س، س: (نیزلن، پ، لن، آ، ب): بسی (ب: همی) آفرین کرد؛ متن = ف، ل، ق، ل: (نیزق، ل، ل، ل، و، آ) ۲۰- س: ز رستم سرت  
 جاودان ۲۱- ل: نر باد (!)؛ ق: بتوشاد باد (بساوند ندارد)؛ س: (نیزل) پس از این بیت افزوده اند:  
 ابر شاه بر آفرین کرد باز  
 گزین رستم زال بردش نماز

- بفرمود خسرو که بنهید<sup>۱</sup> خوان!  
 چو از خوان سالار برخاستند  
 فروزنده‌ی مجلس و میگسار  
 همه بر سران<sup>۶</sup> افسران گران<sup>۷</sup> ۱۲۴۵  
 رخان همچو<sup>۸</sup> دیبای رومی به رنگ  
 طبق‌های زرین<sup>۱۱</sup> پُراز مشک ناب  
 همی تافت آن<sup>۱۴</sup> فر شاهنشهی  
 همه پهلوانان خسروپرست
- بزرگان برترمنش<sup>۲</sup> را بخوان!  
 نشستن<sup>۳</sup> گه می بیاراستند<sup>۴</sup>  
 نوازنده‌ی چنگ با<sup>۵</sup> پیشکار<sup>۵</sup>  
 به زراندرون پیکر از گوهران<sup>۸</sup>  
 خروشان ز چنگ پری زاده<sup>۱۰</sup> چنگ  
 به<sup>۱۲</sup> پیش اندرون آبگیر<sup>۱۳</sup> گلاب  
 چو ماه دو هفته ز سرو سهی  
 برفتند از<sup>۱۵</sup> ایوان<sup>۱۶</sup> سالار مست
- به شبگیر چون رستم آمد به در<sup>۱۷</sup> ۱۲۵۰  
 به دستوری بازگشتن به<sup>۱۸</sup> جای  
 یکی دست جامه بفرمود شاه  
 یکی جام پُرگوهر شاهوار  
 دوپنجه پری روی بسته کمر  
 همه پیش شاه<sup>۲۴</sup> جهان‌کدخدای ۱۲۵۵
- گشاده دل و تنگ بسته کمر،  
 همی زد هُشیوار با شاه رای  
 گهر<sup>۱۹</sup> بافته بر<sup>۲۰</sup> قبا<sup>۲۱</sup> و کلاه،  
 صد اسپ به زین و صد استر به بار<sup>۲۲</sup>،  
 دوپنجه پرستار با تاج<sup>۲۳</sup> زر،  
 بیاورد و کردند پیشش<sup>۲۵</sup> به پای

۱- س: بنهد ۲- ق: دولت منش: ف پس بیت ۱۲۴۲ دو بیت و آتها بیت دوه را افزوده اند:

بیاورد سالار و بنهاند خوان (!)

طعام آورید و نهاندندان

نشند و خوردند یکسر طعام (آ: جمله بخوردند نان)

بشتند دست آنگهی شاد کام (آ: شادمان)

س پس از بیت ۱۲۴۲ افزوده است:

نشند با رستم و شهریار

ک: بخشش فزون بد و دولتش یار

- ۳- ف: نشستن گه و می بیاراستند: س: (نیز لن، ب، لن): نشستن گه مجلس آراستند: (ب: نشستن گه رود و می خواستند): متن = ل، س، ق، ل  
 (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ) ۴- ق: در ۵- س: گوشتوار ۶- ل، س: سر از (همسران) ۷- س: افسران گوهران ۸- س: پیکران گران ۹- ل، ل: (نیز لن، ب، لن): همه رخ چو: متن = ف، س، س: (نیز ق، ل، ل، و، آ، ب) ۱۰- س: پریزاد: ق  
 این بیت را ندارد ۱۱- ل، س: (نیز ل): سیمین: متن = ف، س، ق، ل: (نیز لن، ق، ل، ب) ۱۲- ل: ز ۱۳- ل: آبگیری:  
 ق: مجمری با ۱۴- ل، ق، ل: (نیز ق، ل، ل، آ، و، آ): از: س، س: (نیز لن، ب، لن): زو: (ب: ازو): متن = ف (نیز و) ۱۵- ل:  
 ز ۱۶- ق: بزه ۱۷- ق: شبگیر رستم برآمد ز در ۱۸- ف، ق، س: ز: متن = ل، س، س: (نیز لن، ب): بنداری: استاذنه  
 فی الرجوع ائی بلاد ۱۹- (ق، ل، بزر) ۲۰- ل، ق، س: (نیز لن، ب، لن، ب): با: متن = ف، س، ل: (نیز و، ب) ۲۱- ل،  
 س، ل، س: (نیز لن، ل، لن، ب): قبا: متن = ف، ق (نیز ق، آ): بنداری: فأمراً له الملك بخلفه منسوجة بالجواهر ۲۲- ل، س: (نیز ق، ل،  
 ل، و، آ، ب): صد (س: ده) اسب و صد استر (ق: اشتر) بزین و بیار (ل: بزین فسار): متن = ف (نیز لن، ب، لن، ب، لن، ب، لن، ب، لن، ب): بنداری:  
 و جام مملوء من البواقیب واللآلیء، و مائة فرس و مائة بغل ۲۳- ف، ل، ق، س: (نیز لن، ب، لن، آ): طوق: متن = س، ل: (نیز و، ب):  
 بنداری: و مائة وصیف بالمناطق الذهبیة، و مائة وصیفة بالأكالیل المرصعة ۲۴- ل: همه در به پیش (!) ۲۵- ل، ق، ل: (نیز لن، ق،  
 ل، ب، لن): یکسر: متن = ف، س، س: (نیز ل، و، آ، ب)









فهرست‌ها



## فهرست نام کسان

اشکس ← اشکش	آذرگشسپ ← فهرست نام جای ها.
آشگش ← عرض کردن کیخسرو ۳۰۶ فرود	آزادگان (← گیو) - کاموس کشانی ۲۰۷،
سیاوخش ۹۱۲ بیژن و منیژه ۸۵۳،	۲۵۳۰، ۸۰۶، ۲۴۱
۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۹، ۱۱۵۳،	
۱۱۸۸	
افراسیاب - عرض کردن کیخسرو ۷۵، ۷۸،	آرتنگ - فرود سیاوخش ۶۸۰، ۶۸۱ بیژن و
۸۲، ۱۱۵، ۱۷۶، ۱۸۶، ۲۳۱ فرود	منیژه ۳۸۶
سیاوخش ۴۶، ۵۷۶، ۶۶۶، ۶۸۹،	آرتنگ - کاموس کشانی ۱۹۷ پ، ۲۰۴ پ
۷۰۳، ۷۱۲، ۷۱۶، ۷۲۲، ۷۳۰،	آرتنگ - فرود سیاوخش ۶۸۰ پ، ۶۸۱ پ،
۱۰۱۶، ۱۲۲۳، ۱۲۲۹، ۱۲۳۱	کاموس کشانی ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۹۷،
کاموس کشانی ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۱،	۲۰۴
۲۴۶، ۴۸۲، ۶۴۹، ۷۵۳، ۷۶۷،	اسپنوی - عرض کردن کیخسرو ۱۹۶ فرود
۷۷۴، ۱۰۰۰، ۱۰۱۶، ۱۲۰۹، ۱۳۵۰،	سیاوخش ۶۹۱، ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۰۲،
۱۳۹۲، ۱۴۴۱، ۱۴۹۷، ۱۵۸۰،	۷۰۴
۱۶۳۶، ۱۶۶۷، ۱۶۹۱، ۱۶۹۴،	آشکبوس - کاموس کشانی ۱۲۶۷، ۱۲۷۰،
۱۷۲۲، ۱۷۲۹، ۱۷۵۵، ۱۷۶۱،	۱۲۷۴، ۱۲۷۷، ۱۲۸۰، ۱۲۹۳،
۱۷۹۰، ۱۸۴۴، ۱۹۵۷، ۱۹۶۰،	۱۳۰۲، ۱۳۰۶، ۱۳۳۶، ۱۴۰۱،
۲۰۴۹، ۲۱۶۱، ۲۳۹۰، ۲۳۹۳،	۱۷۶۲
	اسکس ← اشکش

سیاوخش ۵۳۰، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۳۹،	۲۵۰۵، ۲۵۳۲، ۲۵۳۴، ۲۵۴۱،
۷۱۴، ۵۶۴، ۵۵۷، ۵۵۰، ۵۴۸، ۵۴۷	۲۵۵۲، ۲۶۰۸، ۲۶۲۲، ۲۶۲۸،
بور <sup>۱</sup> (اسب کشواد و گیو) - بیژن و منیژه	۲۶۵۲، ۲۶۵۷، ۲۶۶۴، ۲۶۷۲،
۴۲۸	۲۷۲۷، ۲۷۴۴، ۲۷۵۶، ۲۷۶۸،
بور <sup>۲</sup> (اسب بیژن) - بیژن و منیژه ۹۹، ۲۵۵	۲۷۷۱، ۲۷۸۶، ۲۷۹۶، ۲۸۲۸،
بور <sup>۳</sup> (اسب کاموس) - کاموس کشانی	۲۸۵۷، اکوان دیو ۸۹، ۱۰۴، بیژن و
۱۳۷۱	منیژه ۱۴۱، ۱۸۵، ۲۱۸، ۲۴۶، ۲۹۲،
بور آبرش (رخش رستم) - کاموس کشانی	۳۱۲، ۳۳۳، ۳۶۵، ۴۱۸، ۵۹۷،
۲۶۱۳	۶۶۶، ۸۳۶، ۹۱۰، ۹۴۰، ۱۰۸۶،
بوسپاس - یوسپاس	۱۰۹۱، ۱۱۰۵، ۱۱۰۹، ۱۱۱۹،
بهرام (- گودرز) - عرض کردن کیخسرو ۵۵	۱۱۲۸، ۱۱۵۷،
فرود سیاوخش ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۸،	اکوان دیو - اکوان دیو ۴۶، ۵۸، ۶۱، ۷۱،
۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۷،	۱۲۶، ۱۳۸، ۱۵۹، بیژن و منیژه ۳۸۵،
۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۹، ۲۰۴،	۸۳۷، ۱۰۴۳،
۲۲۴، ۲۳۷، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۷،	الواد - الوای (بنداری همه جا الواد دارد)
۲۵۲، ۴۸۹، ۵۰۴، ۵۹۳، ۶۳۰،	الوای - کاموس کشانی ۱۴۳۱، ۱۴۳۷،
۶۳۱، ۶۳۵، ۶۳۷، ۶۴۰، ۱۰۰۷،	اولاد - کولاد غندی
۱۰۲۹، ۱۰۳۲، ۱۰۳۸، ۱۰۴۷،	
۱۰۵۵، ۱۰۵۹، ۱۰۶۲، ۱۰۷۲،	بارمان - فرود سیاوخش ۷۲۴ کاموس
۱۰۸۲، ۱۰۸۶، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲،	کشانی ۱۸۱۳
۱۰۹۶، ۱۱۱۱، ۱۱۲۳، ۱۱۲۸،	بازور - کاموس کشانی ۳۵۱، ۳۵۶، ۳۷۴،
۱۱۳۴، ۱۱۳۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۸،	۳۸۱
۱۱۶۰، ۱۱۷۴، ۱۱۷۶، ۱۱۷۸،	برته - برنه؛ فرود سیاوخش ۱۷۲ پ
۱۱۷۹، ۱۱۸۶، ۱۱۸۹، ۱۱۹۳،	برزین - کاموس کشانی ۱۴۴، ۳۳۳، اکوان
۱۲۰۰، ۱۲۰۱ کاموس کشانی ۸۱،	دیو ۲۲
۱۰۸، ۱۳۲۸، ۱۶۲۱، ۱۸۸۷، ۲۲۱۴،	برنه - عرض کردن کیخسرو ۱۵۰ فرود
بیژن و منیژه ۳۵ پ، ۶۴۵ پ	سیاوخش ۹۶۲
بهل - نهل	برهمن - کاموس کشانی ۲۶۷۵
بید - کاموس کشانی ۲۶۶۶	بلاشان - عرض کردن کیخسرو ۱۷۵ فرود

۵۱۴ ، ۵۱۸ ، ۵۲۵ ، ۵۳۸ ، ۵۴۷ ،  
 ۵۶۸ ، ۵۷۳ ، ۵۷۵ ، ۶۱۴ ، ۶۴۵ ،  
 ۶۴۶ ، ۶۵۵ ، ۶۶۷ ، ۶۶۹ ، ۶۷۹ ،  
 ۶۸۲ ، ۶۸۴ ، ۷۷۶ ، ۸۰۱ ، ۸۱۳ ،  
 ۸۲۴ ، ۸۳۶ ، ۹۱۷ ، ۹۴۴ ، ۹۴۹ ،  
 ۹۶۰ ، ۹۶۱ ، ۹۷۰ ، ۹۸۰ ، ۹۸۶ ،  
 ۹۸۹ ، ۹۹۱ ، ۱۰۰۰ ، ۱۰۰۲ ، ۱۰۰۸ ،  
 ۱۰۱۱ ، ۱۰۱۹ ، ۱۰۳۹ ، ۱۰۵۲ ،  
 ۱۰۵۴ ، ۱۰۶۱ ، ۱۰۷۵ ، ۱۰۸۰ ،  
 ۱۰۸۵ ، ۱۰۸۸ ، ۱۰۹۵ ، ۱۰۹۸ ،  
 ۱۱۰۰ ، ۱۱۰۱ ، ۱۱۳۳ ، ۱۱۵۵ ،  
 ۱۱۹۰ ، ۱۲۰۲ ، ۱۲۲۹ ، ۱۲۶۲ ،

۱۲۶۸ ، ۱۲۷۹

بیورد کاتی - کاموس کشانی ۷۵۸ ، ۹۳۲

پَـشنگ - عرض کردن کیخسرو ۱۵۱

پلاشان - بلاشان

پولاد - کاموس کشانی ۱۶۱۱ ، ۲۲۶۲ ،

۲۶۷۹

پولاد - کولاد غندی

پولادوند - کاموس کشانی ۲۶۳۲ ، ۲۶۳۴ ،

۲۶۴۵ ، ۲۶۵۱ ، ۲۶۶۳ ، ۲۶۷۳ ،

۲۶۸۳ ، ۲۶۸۹ ، ۲۶۹۱ ، ۲۶۹۲ ،

(پولاد) ، ۲۶۹۸ ، ۲۷۰۰ ، ۲۷۰۸ ،

۲۷۲۱ ، ۲۷۲۳ ، ۲۷۲۸ ، ۲۷۳۰ ،

۲۷۳۷ ، ۲۷۴۰ ، ۱۷۴۳ ، ۲۷۵۰ ،

۲۷۵۷ (پولاد) ، ۲۷۶۲ ، ۲۷۶۶ ،

(پولاد) ، ۲۷۷۵ ، ۲۷۸۳ ، ۲۷۸۵ ،

(پولاد) ، ۲۷۸۸ ، ۲۷۹۳ (پولاد) ،

بیژن (- گیو) - عرض کردن کیخسرو ۱۷۸ ،

۱۸۷ ، ۱۹۹ فرود سیاوخش ۱۳۰ ،

۳۵۶ ، ۳۶۱ ، ۳۶۵ ، ۳۷۹ ، ۳۸۲ ،

۳۹۲ ، ۴۰۳ ، ۴۰۴ ، ۴۰۸ ، ۴۱۰ ،

۴۱۳ ، ۴۱۷ ، ۴۴۰ ، ۴۵۵ ، ۴۵۶ ،

۴۵۷ ، ۴۷۱ ، ۴۹۹ ، ۵۳۳ ، ۵۳۸ ،

۵۴۰ ، ۵۴۳ ، ۵۴۵ ، ۵۴۹ ، ۵۵۱ ،

۵۵۳ ، ۵۶۳ ، ۵۶۶ ، ۵۶۹ ، ۶۰۲ ،

۶۰۶ ، ۶۷۰ ، ۶۷۸ ، ۶۸۳ ، ۶۹۰ ،

۷۰۰ ، ۷۰۳ ، ۷۶۵ ، ۹۶۷ ، ۹۷۰ ،

۹۷۳ ، ۹۷۵ ، ۹۶۶ ، ۹۷۹ ، ۹۸۳ ،

۹۸۸ ، ۹۹۰ ، ۱۰۲۳ ، ۱۱۴۴ ، ۱۱۹۶ ،

کاموس کشانی ۲۰۷ ، ۲۰۹ ، ۳۴۴ ،

۳۹۴ ، ۴۰۶ ، ۴۶۰ ، ۵۷۰ ، ۶۰۳ ،

۶۱۰ ، ۸۵۴ ، ۸۸۵ ، ۸۸۸ ، ۱۸۳۱ ،

۲۲۵۰ ، ۲۴۵۳ ، ۲۴۵۵ ، ۲۴۹۳ ،

۲۵۱۶ ، ۲۶۱۶ ، ۲۶۹۰ ، ۲۷۱۹ ،

۲۷۹۱ بیژن و منیژه ۳۵ ، ۷۱ ، ۷۵ ، ۷۶ ،

۸۴ ، ۸۵ ، ۸۸ ، ۹۰ ، ۹۵ ، ۹۸ ، ۹۹ ،

۱۰۳ ، ۱۰۵ ، ۱۱۱ ، ۱۱۴ ، ۱۲۳ ،

۱۲۷ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ ، ۱۷۸ ، ۱۷۹ ،

۱۸۰ ، ۱۸۲ ، ۱۸۹ ، ۱۹۳ ، ۲۰۶ ،

۲۰۸ ، ۲۰۹ ، ۲۱۶ ، ۲۱۷ ، ۲۱۹ ،

۲۵۲ ، ۲۵۴ ، ۲۶۰ ، ۲۹۶ ، ۳۰۴ ،

۳۱۱ ، ۳۲۴ ، ۳۲۵ ، ۳۲۸ ، ۳۵۸ ،

۳۶۶ ، ۳۸۵ ، ۳۹۵ ، ۴۰۸ ، ۴۰۹ ،

۴۱۲ ، ۴۱۵ ، ۴۲۰ ، ۴۲۲ ، ۴۲۶ ،

۴۳۰ ، ۴۳۲ ، ۴۵۳ ، ۴۶۷ ، ۴۶۹ ،

۴۷۰ ، ۴۷۴ ، ۴۸۶ ، ۵۰۲ ، ۵۱۰ ،



،۱۸۴۲ ،۱۸۳۹ ،۱۸۱۸ ،۱۸۱۴	۲۷۷۹ (پولاد)، ۲۸۵۷، ۲۸۸۱
،۱۸۹۱ ،۱۸۸۵ ،۱۸۷۲ ،۱۸۶۵	پیران (- ویشه) - فرود سیاوخش ۳۵، ۷۶،
،۱۹۶۶ ،۱۹۴۱ ،۱۹۲۲ ،۱۸۹۹	،۷۳۰ ،۷۲۲ ،۷۱۷ ،۵۷۸ ،۳۴۲
،۲۱۹۲ ،۲۱۳۴ ،۱۹۸۲ ،۱۹۷۷	،۸۷۳ ،۸۷۲ ،۷۴۴ ،۷۴۱ ،۷۳۵
،۲۴۰۱ ،۲۲۶۲ ،۲۲۴۸ ،۲۲۱۲	،۸۸۲ ،۸۸۷ ،۸۸۹ ،۹۲۶ ،۹۵۱
،۲۶۲۳ ،۲۶۲۰ ،۲۶۱۸ ،۲۶۰۰	،۱۰۳۳ ،۱۰۱۷ ،۱۰۱۵ ،۱۰۰۴
،۲۶۲۹ ،۲۷۱۸ ،۲۷۹۶ بیژن و منیژه	،۱۱۰۱ ،۱۰۹۲ ،۱۰۹۰ ،۱۰۸۵
،۳۳۹ ،۳۳۴ ،۳۲۹ ،۳۲۱ ،۳۲۰	،۱۱۵۵ ،۱۱۲۶ ،۱۱۲۳ ،۱۱۱۵
،۸۸۲ ،۸۸۰ ،۸۷۷ ،۸۷۵ ،۳۷۲	،۱۲۳۶ ،۱۲۳۰ ،۱۲۱۶ ،۱۲۱۵
۱۲۷۹، ۱۱۶۰، ۱۱۳۶، ۹۰۷، ۸۹۳	۱۲۴۴ کاموس کشانی ۱۱۹،
پیلتن (رستم) - عرض کردن کیخسرو ۲۶،	،۱۲۱ ،۱۲۶ ،۱۳۷ ،۱۵۲ ،۱۵۶
،۳۴ ،۳۶ ،۴۱ ،۳۳۵ فرود سیاوخش	،۱۸۲ ،۲۲۹ ،۲۳۴ ،۲۴۶ ،۲۷۷
،۱۰۷۰ ،۱۰۳۷ ،۱۰۲۶ ،۶۵۳ ،۶۲۱	،۴۲۲ ،۳۵۹ ،۳۵۳ ،۳۴۴ ،۳۰۱
،۱۴۵۷ ،۱۴۵۲ ،۱۱۴۶ ،۱۱۱۶	،۴۸۱ ،۴۷۳ ،۴۷۲ ،۴۶۶ ،۴۵۹
،۲۱۶۴ ،۲۰۸۳ ،۱۹۴۸ ،۱۶۴۰	،۵۳۰ ،۵۲۵ ،۵۰۴ ،۵۰۲ ،۴۹۶
،۲۷۳۶ ،۲۴۳۱ ،۲۳۲۸ ،۲۲۳۷	،۶۲۸ ،۵۷۳ ،۵۵۵ ،۵۵۳ ،۵۵۱
۲۸۴۵ اکوان دیو ۶۱	،۷۳۷ ،۷۱۳ ،۷۱۱ ،۷۰۸ ،۶۳۱
پیل دندان - کاموس کشانی ۱۵۴۴	،۷۹۴ ،۷۸۸ ،۷۶۴ ،۷۶۳ ،۷۴۹
۲۴۴۶ پ	،۸۷۶ ،۹۱۴ ،۹۱۷ ،۹۳۶ ،۹۴۰
پیلسم - کاموس کشانی ۱۶۹۷	،۱۰۱۹ ،۱۰۱۲ ،۱۰۱۱ ،۹۴۲ ،۹۴۱
تاج بخش (رستم) - کاموس کشانی ۲۱۷۶	،۱۱۸۸ ،۱۱۸۱ ،۱۰۹۰ ،۱۰۲۹
اکوان دیو ۱۵۴ بیژن و منیژه ۷۰۶	،۱۳۲۵ ،۱۳۱۸ ،۱۳۱۴ ،۱۲۲۷
تجاو - تزاو	،۱۳۶۶ ،۱۳۴۸ ،۱۳۴۴ ،۱۳۴۲
تخار - تخوار	،۱۴۷۸ ،۱۳۸۹ ،۱۳۷۳ ،۱۳۶۸
تُخوار - فرود سیاوخش ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۸،	،۱۶۱۰ ،۱۶۰۷ ،۱۴۹۰ ،۱۴۸۴
،۲۵۱ ،۱۵۰ ،۱۳۷ ،۱۱۹ ،۱۱۰	،۱۶۵۴ ،۱۶۲۹ ،۱۶۱۵ ،۱۶۱۱
،۲۸۸ ،۲۷۵ ،۲۷۳ ،۲۶۰ ،۲۵۴	،۱۷۰۸ ،۱۶۶۸ ،۱۶۶۵ ،۱۶۶۱
،۳۴۰ ،۳۱۲ ،۳۰۶ ،۲۹۵ ،۲۹۲	،۱۷۸۷ ،۱۷۶۷ ،۱۷۲۷ ،۱۷۲۰
	،۱۸۱۲ ،۱۸۱۰ ،۱۷۹۹ ،۱۷۹۷

۱۰۳۷، ۱۰۴۲، ۱۰۷۷، ۱۱۲۴،	۳۹۶، ۳۹۴
۱۱۵۹، ۱۱۶۲، ۱۲۲۹	تزاو ← تزاو
تزاو ← تزاو (بنداری همه جا تزاو دارد)	تزاو - عرض کردن کیخسرو ۱۸۵، ۱۹۳،
جریره - فرود سیاوخش ۶۹، ۷۳، ۹۷،	۲۰۸ فرود سیاوخش ۶۲۱، ۶۳۸،
۴۲۹، ۴۸۳	۶۴۰، ۶۴۳، ۶۴۷، ۶۵۲، ۶۶۴،
جَم - عرض کردن کیخسرو ۲۰ فرود	۶۷۲، ۶۷۹، ۶۸۳، ۶۸۵، ۶۸۸،
سیاوخش ۳۳۰ کاموس کشانی ۲۶۷۴	۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۲،
اکوان دیو ۲۲	۷۱۲، ۷۲۴، ۱۱۲۲، ۱۱۲۶، ۱۱۳۸،
چنگش ← چنگش	۱۱۴۱، ۱۱۵۴، ۱۱۵۷، ۱۱۶۲،
چنگش - کاموس کشانی ۱۵۰۳، ۱۵۰۸،	۱۱۶۵، ۱۱۶۹، ۱۱۷۵، ۱۱۸۳،
۱۵۱۱، ۱۵۲۰، ۱۵۲۵، ۱۵۲۹،	۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۶
۱۵۳۱، ۱۵۳۵، ۱۷۶۲	تور (- فریدون) - عرض کردن کیخسرو ۳۵۹
خاقان (- چین) - کاموس کشانی ۷۳۹،	کاموس کشانی ۹۱، ۲۴۷۰، ۲۴۷۷
۷۶۹، ۷۹۳، ۷۹۴، ۸۰۷، ۹۱۳،	تهل ← تهل
۹۱۷، ۹۳۲، ۹۳۴، ۹۴۱، ۹۶۲،	تهمتن (رستم) - عرض کردن کیخسرو ۴۲،
۹۹۷، ۱۰۰۲، ۱۰۱۲، ۱۰۱۹، ۱۰۴۶،	۱۳۱، ۲۴۰، ۳۵۲ کاموس کشانی
۱۱۵۱، ۱۱۸۹، ۱۲۰۶، ۱۲۱۷،	۵۹، ۸۷، ۶۰۷، ۶۸۴، ۶۹۳، ۹۹۱،
۱۲۲۵، ۱۲۲۸، ۱۲۴۱، ۱۳۰۹،	۱۰۴۴، ۱۰۶۰، ۱۰۸۰، ۱۱۱۹،
۱۳۱۰، ۱۳۱۳، ۱۳۷۶، ۱۳۷۹،	۱۱۳۷، ۱۲۷۸، ۱۲۸۶، ۱۲۸۹،
۱۳۸۸، ۱۴۱۷، ۱۳۹۵، ۱۴۸۳،	۱۳۰۳، ۱۴۴۱، ۱۵۳۷، ۱۵۶۰،
۱۴۹۰، ۱۵۰۴، ۱۵۰۸، ۱۵۴۰،	۱۸۳۲، ۱۹۱۸، ۱۹۴۱، ۲۰۶۹،
۱۵۳۷، ۱۵۸۸، ۱۶۰۵، ۱۶۳۲،	۲۰۸۹، ۲۱۰۷، ۲۱۳۱، ۲۱۳۷،
۱۷۲۸، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۴،	۲۲۰۱، ۲۲۹۷، ۲۳۳۵، ۲۴۴۲،
۱۷۸۷، ۱۸۱۱، ۱۸۲۱، ۱۹۱۹،	۲۴۵۵، ۲۴۹۹، ۲۵۰۵، ۲۵۲۹،
۱۹۳۷، ۱۹۴۵، ۲۰۲۷، ۲۱۰۶،	۲۶۸۱، ۲۷۳۹، ۲۷۴۰، ۲۷۵۰،
	۲۷۸۸، ۲۸۱۰، ۲۸۴۲، ۲۸۶۷،
	۲۸۷۵ اکوان دیو ۱۲۸، ۱۷۲ بیژن و
	منیژه ۶۳۳، ۶۳۸، ۷۱۳ (تهم)، ۷۲۰،
	۷۹۲، ۸۲۰، ۸۴۷، ۸۶۲، ۸۷۷،

،۱۱۴۹ ،۱۱۱۰ ،۱۰۹۹ ،۱۰۸۲	،۲۱۵۴ ،۲۱۳۵ ،۲۱۲۴ ،۲۱۲۱
۱۱۸۵	،۲۱۸۲ ،۲۱۷۸ ،۲۱۷۴ ،۲۱۶۶
رستم (نیز ← پیلتن، تاج بخش، تهمتن، خداوند رخش) - عرض کردن کیخسرو	،۲۳۹۴ ،۲۲۸۶ ،۲۲۱۶ ،۲۱۹۳
،۲۴۲ ،۹۶ ،۹۵ ،۷۴ ،۵۷ ،۴۷ ،۴۳	۲۶۵۹ ،۲۶۰۵ ،۲۵۷۰ ،۲۴۰۹
،۲۵۳ ،۳۳۱ ،۳۳۶ ،۳۵۷ ف — رود	خداوند رخش (رستم) - کاموس کشانی
سیاوخش ۴۴ ،۱۲۴۲ کاموس کشانی	،۲۱۷۳ بیژن و منیژه ۹۹۹ ،۱۰۰۴
،۵۴۸ ،۴۹۰ ،۴۴۹ ،۲۱۷ ،۴۸ ،۱۶	۱۱۱۰
،۶۷۸ ،۶۶۱ ،۶۳۹ ،۶۳۶ ،۶۰۲	خرّاد کاموس کشانی ۹۹ ،۳۳۳ ،۵۷۰
،۶۹۵ ،۷۰۵ ،۸۱۷ ،۸۲۴ ،۹۸۶	۱۸۳۰ اکوان دیو ۲۳
،۹۹۰ ،۱۰۰۶ ،۱۰۲۵ ،۱۰۲۸ ،۱۰۳۲	خرّاد ← خرّاد (ف بیشتر خرداد دارد)
،۱۰۵۸ ،۱۰۵۳ ،۱۰۴۱ ،۱۰۳۴	خسرو ← کیخسرو
،۱۱۳۷ ،۱۱۳۵ ،۱۱۲۹ ،۱۱۲۰	دستان (- سام) - عرض کردن کیخسرو ۷۴
،۱۱۹۴ ،۱۱۸۸ ،۱۱۸۷ ،۱۱۴۰	۹۵ ،۳۳۶ ،۳۳۷ کاموس کشانی ۵۴۸
،۱۲۳۰ ،۱۲۲۸ ،۱۲۰۳ ،۱۱۹۸	اکوان دیو ۱۰۱ بیژن و منیژه ۳۵۵
،۱۳۰۳ ،۱۳۰۰ ،۱۲۹۷ ،۱۲۴۸	،۵۳۰ ،۶۲۴ ،۶۲۹ ،۶۳۰ ،۶۳۱
،۱۳۹۸ ،۱۳۲۹ ،۱۳۱۰ ،۱۳۰۵	۱۱۶۷ ،۷۴۸ ،۶۹۷
،۱۴۴۵ ،۱۴۳۴ ،۱۴۳۳ ،۱۴۰۸	دیو سپید - کاموس کشانی ۶۴۳ ،۲۶۶۶
،۱۵۲۷ ،۱۵۲۲ ،۱۵۱۷ ،۱۴۶۹	بیژن و منیژه ۴۷۶
،۱۵۵۱ ،۱۵۵۰ ،۱۵۳۶ ،۱۵۳۴	رخش - کاموس کشانی ۶۴۴ ،۱۲۳۲
،۱۶۳۰ ،۱۶۱۶ ،۱۶۰۶ ،۱۵۹۵	،۱۴۱۲ ،۱۴۱۱ ،۱۴۰۳ ،۱۳۶۲
،۱۶۶۴ ،۱۶۵۸ ،۱۶۵۴ ،۱۶۳۵	،۱۴۵۷ ،۱۴۵۴ ،۱۴۵۲ ،۱۴۵۱
،۱۷۵۰ ،۱۷۳۲ ،۱۷۰۸ ،۱۶۶۶	،۲۰۷۵ ،۲۰۵۲ ،۱۷۸۰ ،۱۵۱۷
،۱۷۹۷ ،۱۷۷۶ ،۱۷۶۵ ،۱۷۶۰	،۲۱۷۳ ،۲۱۴۸ ،۲۱۳۸ ،۲۱۰۷
،۱۹۰۱ ،۱۸۹۰ ،۱۸۲۹ ،۱۸۲۰	،۲۱۷۶ ،۲۷۱۳ ،۲۷۸۴ اکوان دیو ۴۰
،۱۹۸۳ ،۱۹۶۶ ،۱۹۲۵ ،۱۹۱۴	،۵۵ ،۵۷ ،۸۵ ،۸۶ ،۹۰ ،۱۰۹ ،۱۵۴
،۲۰۲۳ ،۲۰۱۷ ،۲۰۱۲ ،۱۹۹۸	بیژن و منیژه ۴۶۸ ،۶۶۸ ،۷۰۴ ،۷۰۶
،۲۰۷۱ ،۲۰۷۰ ،۲۰۵۰ ،۲۰۴۹	،۷۱۳ ،۸۷۲ ،۹۹۹ ،۱۰۰۴ ،۱۰۶۵
،۲۰۹۰ ،۲۰۸۴ ،۲۰۸۰ ،۲۰۷۳	

فهرست نام کسان

۸۷۸، ۸۴۹، ۸۴۵، ۸۳۹، ۸۳۴	۲۰۹۴، ۲۰۹۷، ۲۱۰۱، ۲۱۱۶
۸۸۴، ۸۹۹، ۹۱۰، ۹۲۲، ۹۲۵	۲۱۲۹، ۲۱۳۸، ۲۱۴۴، ۲۱۷۶
۹۲۹، ۹۴۸، ۹۵۱، ۹۵۷، ۹۷۳	۲۱۸۱، ۲۱۹۹، ۲۲۰۷، ۲۲۴۸
۱۰۰۲، ۱۰۴۴، ۱۰۵۸، ۱۰۶۴	۲۲۵۴، ۲۲۶۳، ۲۲۸۲، ۲۳۶۲
۱۰۶۶، ۱۰۷۰، ۱۰۷۳، ۱۰۸۱	۲۳۷۹، ۲۴۰۲، ۲۴۰۳، ۲۴۱۳
۱۰۸۵، ۱۰۸۹، ۱۰۹۴، ۱۰۹۶	۲۴۲۱، ۲۴۲۹، ۲۴۳۲، ۲۴۵۴
۱۱۱۵، ۱۱۱۷، ۱۱۴۱، ۱۱۵۲	۲۴۵۶، ۲۴۶۲، ۲۴۶۳، ۲۴۷۷
۱۱۵۷، ۱۱۸۵، ۱۱۹۶، ۱۲۲۵	۲۴۸۲، ۲۴۸۹، ۲۵۳۷، ۲۵۴۱
۱۲۳۹، ۱۲۴۱، ۱۲۵۰، ۱۲۵۶	۲۵۴۳، ۲۵۶۲، ۲۵۶۹، ۲۵۷۲
رویین - فرود سیاوخش ۱۰۹۲، ۱۰۹۵	۲۵۷۴، ۲۵۸۱، ۲۵۹۵، ۲۶۰۹
۱۰۹۸ کاموش کشانی ۱۷۴۹، ۲۲۶۲	۲۶۲۳، ۲۶۳۶، ۲۶۳۷، ۲۶۳۸
رُهّام (- گودرز) - عرض کردن کیخسرو	۲۶۴۸، ۲۶۶۵، ۲۶۹۸، ۲۷۰۱
۲۹۰، ۲۹۴ فرود سیاوخش ۴۵۵	۲۷۰۷، ۲۷۱۵، ۲۷۲۸، ۲۷۳۳
۴۵۸، ۴۹۹، ۸۷۱، ۸۷۹، ۸۸۱	۲۷۵۲، ۲۷۵۳، ۲۷۵۷ پ (روستم)
۸۸۴، ۸۸۶، ۸۸۸، ۸۸۹، ۹۰۰، ۹۰۱	۲۷۷۰، ۲۷۷۳، ۲۷۸۳، ۲۷۹۵
کاموس کشانی ۹۸، ۳۲۰، ۳۳۳	۲۷۹۷، ۲۸۰۱، ۲۸۰۴، ۲۸۱۷
۳۴۱، ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۷۸، ۳۸۰	۲۸۳۳، ۲۸۵۰، ۲۸۵۸، ۲۸۶۶
۳۹۵، ۴۰۶، ۴۵۷۲، ۴۵۹۳، ۸۰۶	۲۸۷۶ اکوان دیو ۲۲، ۳۱، ۳۳، ۴۳
۸۵۴، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶	۴۵، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۷۱، ۹۱، ۱۰۰
۱۲۷۸، ۱۴۲۸، ۱۸۳۰، ۲۱۳۰	۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۷
۲۱۳۷، ۲۱۳۸، ۲۵۱۵، ۲۶۹۰	۱۲۲، ۱۳۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵
۲۷۱۹، ۲۷۹۱، ۲۸۴۷، ۲۸۵۱ اکوان	۱۵۱، ۱۵۲ بیژن و منیژه ۱۳۰، ۳۴۸
دیو ۲۳ بیژن و منیژه ۳۵، ۶۴۵، ۸۵۳	۳۵۲، ۳۵۶، ۳۶۳، ۵۸۳، ۵۸۵
۱۱۸۹	۵۸۷، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۷، ۶۴۱
ریونیزا (داماد طوس) - فرود سیاوخش	۶۴۷، ۶۶۵، ۶۶۸، ۶۷۱، ۶۷۲
۲۳۶، ۲۵۴، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۷۷	۶۹۱، ۶۹۵، ۷۰۲، ۷۱۰، ۷۱۱
۳۲۹، ۳۷۵، ۵۱۵، ۵۹۹ کاموس	۷۱۲، ۷۱۵، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۲۹
کشانی ۵۱، ۶۳	۷۳۲، ۷۴۹، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۷۸
ریونیزا <sup>۲</sup> (پسر کیکاوس) - فرود سیاوخش	۷۸۹، ۷۹۳، ۸۰۲، ۸۲۶، ۸۳۳

سمیران ← شمیران	۹۹۳، ۹۹۹، ۱۰۰۲، ۱۰۱۴، ۱۰۵۴
سویران ← شمیران	کاموس کشانی ۵۴، ۸۱، ۲۲۱۴
سیاوخش (نیز ← سیاوش) - فرود سیاوخش	زادشم - کاموس کشانی ۲۵۳۴
۸۵ (پساوند)، ۱۸۶، ۳۴۸، ۴۹۲،	زال (- زر، - سام نریمان؛ نیز ← دستان) -
۵۰۷، ۸۶۱، ۹۹۹ کاموس کشانی	عرض کردن کیخسرو ۲۴، ۲۶، ۳۸،
۱۶۳۸، ۱۷۷۴ بیژن و منیژه ۱۷۴،	۴۵ کاموس کشانی ۶۵۸، ۱۶۷۱،
۱۰۹۹ (پساوند)	۲۰۱۷، ۲۴۶۴، ۲۸۶۹ اکوان دیو ۱۷۳
سیاوش (نیز ← سیاوخش) - عرض کردن	بیژن و منیژه ۷۰۸، ۱۰۹۶، ۱۲۳۴،
کیخسرو ۴۴، ۴۸، ۷۶، ۱۰۶، ۲۱۷،	۱۲۴۱
فرود سیاوخش ۳۴، ۶۹، ۷۸، ۱۰۰،	زرسپ - عرض کردن کیخسرو ۱۴۲ فرود
۱۸۳، ۲۲۵، ۲۴۶، ۳۲۷، ۳۹۱،	سیاوخش ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۸۰،
۴۹۷، ۵۴۴، ۵۷۷، ۵۹۴، ۱۱۰۴،	۳۲۸، ۳۶۶، ۳۷۵، ۳۸۱، ۳۸۳،
کاموس کشانی ۱۲۸، ۱۴۸، ۵۴۴،	۴۲۴، ۵۱۴، ۵۹۷ کاموس کشانی
۶۹۸، ۸۴۴، ۹۷۵، ۱۳۵۲، ۱۵۶۵،	۷۹، ۶۳
۱۵۶۷، ۱۵۷۹، ۱۶۰۸، ۱۶۱۹،	زره - کاموس کشانی ۱۷۵، ۱۷۸،
۱۶۷۷، ۱۶۸۵، ۱۷۰۲، ۱۷۰۵،	زنگه (- شاوران) - عرض کردن کیخسرو
۱۷۲۱، ۱۷۷۴ پ (سیاوشن)، ۱۷۷۶،	۳۲۳، ۳۲۷ فرود سیاوخش ۹۸، ۱۲۸،
۱۸۴۰، ۱۸۹۳، ۲۱۰۲، ۲۳۴۱،	۱۷۲، ۱۷۸، ۵۰۵، ۹۶۲ کاموس
۲۶۵۸ اکوان دیو ۱۷۵ بیژن و منیژه	کشانی ۹۹ بیژن و منیژه ۸۵۱، ۸۵۷،
۲۹، ۱۷۲، ۱۸۱، ۳۴۹، ۵۱۳، ۶۷۷،	۱۱۵۴
سیاوش - بیژن و منیژه ۳۵۱ (پساوند؛ در	زواره - عرض کردن کیخسرو ۲۴۱ کاموس
میان مصراع همه جا به ← سیاوخش	کشانی ۱۶۷۱ بیژن و منیژه ۶۹۷، ۷۴۸،
تصحیح شد)	
سیمرغ - کاموس کشانی ۸۷۱ بیژن و منیژه	سام - کاموس کشانی ۱۹۰۵
۷۶۸، ۴۶۷	ساوه - کاموس کشانی ۲۰۶۸، ۲۰۷۳،
	۲۰۷۵
شاپور - بیژن و منیژه ۳۴، ۶۴۵، ۷۸۹،	سلم - عرض کردن کیخسرو ۳۵۹ کاموس
شباهنگ (اسب فرهاد) - بیژن و منیژه ۴۶۶	کشانی ۹۱، ۲۴۷۷ پ
شبدینز (اسب گیو) - کاموس کشانی ۲۶۸۷	

فرود سیاوخش ۱۲، ۱۹، ۲۳، ۲۷،  
 ۴۲، ۴۹، ۵۰، ۷۱، ۱۲۲، ۱۳۸،  
 ۱۷۰، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۲۲، ۲۲۴،  
 ۲۲۷، ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۶۱،  
 ۲۶۷، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۴، ۲۸۹،  
 ۲۹۳، ۳۰۷، ۳۱۴، ۳۲۶، ۴۱۹،  
 ۴۹۶، ۵۰۰، ۵۰۹، ۵۱۱، ۶۶۱،  
 ۷۰۶، ۷۱۳، ۷۸۱، ۸۱۰، ۸۲۲،  
 ۸۳۱، ۸۳۶، ۸۴۷، ۸۵۱، ۸۵۷، ۸۹۰،  
 کاموس کشانی ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۶،  
 ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۵۰، ۶۰، ۷۰،  
 ۹۸، ۱۰۷، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۸،  
 ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۷۴، ۱۸۱، ۱۸۴،  
 ۱۹۵، ۲۲۰، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۵،  
 ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۷۹، ۲۸۴، ۳۰۴،  
 ۳۱۸، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۸۶، ۳۸۹،  
 ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۳۹،  
 ۴۵۶، ۴۹۲، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۷،  
 ۵۳۸، ۵۴۳، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۸،  
 ۵۹۳، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۱۸،  
 ۶۳۵، ۶۴۸، ۶۸۸، ۶۹۶، ۶۹۹،  
 ۷۲۶، ۷۴۳، ۷۷۰، ۸۰۵، ۸۱۲،  
 ۹۰۵، ۹۲۹، ۹۸۳، ۱۰۳۲، ۱۰۳۴،  
 ۱۰۳۶، ۱۰۵۱، ۱۰۷۵، ۱۰۸۱،  
 ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۷، ۱۱۱۱،  
 ۱۱۳۴، ۱۱۴۷، ۱۱۸۰، ۱۲۲۹،  
 ۱۲۳۹، ۱۲۵۳، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸،  
 ۱۲۹۳، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۸،  
 ۱۳۳۶، ۱۴۲۰، ۱۴۲۸، ۱۷۳۵

شبرنگ (اسب بیژن) - بیژن و منیژه ۱۱۶،

۲۵۵، ۴۶۷

شطرچ ← شیطرج

شطرخ ← شیطرخ

شمیرانِ شِکَنی - کاموس کشانی ۷۶۱،

۱۳۸۰

شَنگَل - کاموس کشانی ۷۵۹، ۷۷۰، ۹۳۲،

۱۱۵۱، ۱۱۸۹، ۱۳۸۰، ۱۷۸۹،

۱۸۰۹، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۱۹،

۱۸۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲۶، ۱۹۳۸،

۲۰۱۰، ۲۰۱۲، ۲۰۱۶، ۲۰۲۳،

۲۰۲۴، ۲۵۷۱

شویران ← شمیران

شیدوش - عرض کردن کیخسرو ۲۹۲ فرود

سیاوخش ۱۳۲، ۱۷۱ کاموس کشانی

۳۳۳، ۳۴۱، ۳۹۵، ۴۰۶، ۵۷۰،

۶۰۳، ۶۰۹، ۸۵۳، ۲۵۱۵، ۲۶۱۵،

۲۸۴۷

شیده - کاموس کشانی ۲۵۶۷، ۲۵۹۷،

۲۶۴۴، ۲۷۵۲، ۲۷۵۶، ۲۷۵۸ بیژن و

منیژه ۱۱۶۱

شیرکج ← شیطرج

شیروی ← مردوی

شیطرج - کاموس کشانی ۳۴۳

ضحاک - کاموس کشانی ۲۶۷۴

طوس (- نوذر) - عرض کردن کیخسرو ۳۱،

۳۵، ۵۵، ۱۳۱، ۱۴۳، ۱۵۲، ۳۶۳،

۲۵۷، ۲۸۰، ۲۸۷، ۲۹۲، ۳۰۲،  
 ۳۰۴، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۲۶، ۳۳۳،  
 ۳۵۱، ۴۰۳، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۱۵،  
 ۴۱۸، ۴۲۴، ۴۴۷، ۴۵۰، ۴۵۷،  
 ۴۶۱، ۴۶۵، ۴۸۶، ۴۹۰، ۵۰۹،  
 ۵۹۸، ۸۲۵، ۸۲۹، ۸۶۲، ۹۹۹،  
 ۱۲۴۵ کاموس کشانی ۲۰، ۳۱، ۳۳،

۴۱، ۴۹، ۵۲، ۷۹

فرنگیس ← فریگیس

فرهاد - عرض کردن کیخسرو ۱۵۴، ۳۱۴  
 فرود سیاوخش ۱۳۴، ۱۷۱ بیژن و منیژه  
 ۳۴، ۴۶۶، ۶۴۵، ۷۲۵، ۷۸۹، ۸۵۳،

۱۱۸۹، ۱۱۵۴

فربرز (- کاوس) - عرض کردن کیخسرو

۱۴۰، ۲۸۱ فرود سیاوخش ۱۲۴،  
 ۲۰۸، ۲۱۳، ۸۱۳، ۸۴۶، ۸۴۷،  
 ۸۵۲، ۸۷۰، ۸۷۹، ۸۸۲، ۸۸۸،  
 ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۳۴،  
 ۹۳۶، ۹۴۴، ۹۴۷، ۹۶۸، ۹۶۹،  
 ۹۷۱، ۹۹۴، ۹۹۷ کاموس کشانی  
 ۶۸۳، ۶۸۷، ۹۷۰، ۹۷۴، ۹۸۷،  
 ۹۹۱، ۱۰۲۴، ۱۰۲۸، ۱۰۳۷، ۱۰۷۷،  
 ۱۰۸۱، ۱۱۸۰، ۱۲۳۸، ۱۳۳۰،  
 ۱۴۱۸، ۱۸۳۰، ۱۸۸۴، ۱۹۱۶،  
 ۲۲۹۹، ۲۳۰۵، ۲۳۲۵، ۲۳۲۷،  
 ۲۳۴۷، ۲۳۵۳، ۲۳۵۵، ۲۳۸۸،  
 ۲۳۹۲، ۲۴۲۹، ۲۶۱۵، ۲۶۹۷،  
 ۲۸۴۷، ۲۸۵۱ بیژن و منیژه ۳۳، ۷۸۹

فریدون - عرض کردن کیخسرو ۲۰، ۳۵۹

۱۸۳۰، ۱۸۸۴، ۱۸۹۸، ۱۹۱۳،  
 ۱۹۱۷، ۲۰۹۵، ۲۱۵۲، ۲۲۱۲،  
 ۲۲۶۶، ۲۳۳۸، ۲۴۶۳، ۲۴۸۰،  
 ۲۵۱۵، ۲۶۱۵، ۲۶۳۶، ۲۶۸۴،  
 ۲۶۸۶، ۲۷۱۹، ۲۸۴۷ بیژن و منیژه  
 ۳۵، ۱۳۰، ۳۴۸، ۶۴۴، ۷۲۵، ۷۵۱،  
 ۱۲۱۰

طهمورت - بیژن و منیژه ۹۵

طهمورث ← طهمورت

غولاد ← کولاد غندی

فرامرز - عرض کردن کیخسرو ۳۹، ۲۴۱

۲۵۶، ۳۲۶، ۳۳۴ کاموس کشانی  
 ۱۶۷۱ بیژن و منیژه ۶۹۷، ۷۰۸، ۷۴۸

فرخار ← فرغار

فرشیدورد - فرود سیاوخش ۹۲۷، ۹۳۳

کاموس کشانی ۳۴۱، ۱۰۲۱، ۱۵۸۳،  
 ۱۷۲۴، ۲۶۰۰

قرطوس - کاموس کشانی ۷۶۰، ۱۱۹۱

۱۳۳۲، ۱۸۷۹، ۲۱۹۳، ۲۵۷۰ پ

فرغاد ← فرغار

فرغار - کاموس کشانی ۲۵۶۰، ۲۵۶۱

۲۵۶۴، ۲۶۰۷، ۲۶۱۷، ۲۶۱۹

فرغانه - کاموس کشانی ۲۶۱۷ پ

فرود (- سیاوش) - فرود سیاوخش ۵۹، ۶۹

۷۰، ۹۴، ۱۰۸، ۱۱۹، ۱۳۷، ۱۵۳

۱۶۱، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۲

۱۸۴، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۴۷، ۲۵۰

سیاوخش ۲۲۶، ۸۳۲، ۹۸۲، ۹۹۳، ۹۹۸، ۱۰۱۳، ۱۰۴۴ کاموس کشانی	کاموس کشانی ۲۶۷۴ فریگیس - فرود سیاوخش ۱۰۴۲ کاموس کشانی ۱۲۷، ۱۶۸۷، ۱۸۴۱
۵۴ بیژن و منیژه ۶۷، ۳۴۸، ۷۲۷	قباد ← کیقباد
کاوس شاه ← کاوس	قراخان - بیژن و منیژه ۲۳۷، ۲۳۹
کاوس کی ← کاوس	
کاووس ← کاوس	
گبوده - فرود سیاوخش ۶۲۵، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۴۳	کافور - کاموس کشانی ۲۴۴۴، ۲۴۴۵، ۲۴۴۹، ۲۴۶۰، ۲۴۶۲
گرسبوز - کاموس کشانی ۱۵۷۶، ۱۷۷۵، بیژن و منیژه ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۶۳، ۲۶۹، ۳۰۵، ۳۲۴، ۳۸۰، ۳۹۴	کاموس - فرود سیاوخش ۱۲۴۵ کاموس کشانی ۱۸، ۷۴۳، ۷۴۶، ۷۷۰، ۹۳۲، ۹۵۰، ۹۶۳، ۹۹۹، ۱۰۱۲، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۶۴، ۱۰۸۵، ۱۰۹۴، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۱۰۴، ۱۱۰۶، ۱۱۱۱، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۸۹، ۱۱۹۱، ۱۱۹۶، ۱۲۰۵، ۱۲۱۴، ۱۲۲۶، ۱۲۶۴، ۱۳۰۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۲، ۱۳۳۵، ۱۳۶۶، ۱۳۸۱، ۱۴۱۵، ۱۴۲۴، ۱۴۳۷، ۱۴۴۴، ۱۴۴۹، ۱۴۵۷، ۱۴۷۱، ۱۴۷۵، ۱۴۷۹، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۹۶، ۱۵۰۷، ۱۵۱۵، ۱۵۱۹، ۱۵۴۵، ۱۶۳۴، ۱۷۵۴، ۱۷۵۸، ۱۷۹۶، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۹۲۸، ۲۰۶۸، ۲۰۷۰، ۲۰۷۲، ۲۱۶۸، ۲۲۱۷، ۲۲۸۶، ۲۳۹۴، ۲۵۷۰، ۲۶۰۵، ۲۶۵۹، ۲۸۷۹
۱۱۸۸، ۱۱۶۱، ۳۹۹	
گرشاسپ - اکوان دیو ۲۲	
گرشاسف - اکوان دیو ۲۲	
کرشپوز ← کرسیوز (و، لن <sup>۲</sup> همه جا کرشپوز دارند)	
کرکوی ← گرگوی	
گشواد - فرود سیاوخش ۹۵۵ کاموس کشانی ۲۴۳، ۱۴۱۹، ۱۹۱۵	
کلباد ← گلباد	
کمای - عرض کردن کیخسرو ۳۰۷ پ	
گنڈر - کاموس کشانی ۷۵۸، ۱۳۸۰، ۱۷۲۸، ۱۸۲۱، ۱۹۲۰، ۲۵۷۱	
کوانه ← نوایه	
کور(?) - کاموس کشانی ۱۵۷۷، ۲۴۰۹	
کوزکوه ← کوس گوش	
کوس گوش - کاموس کشانی ۱۶۰۰	
کولاد غندی - کاموس کشانی ۲۶۶۶	
کوه کوس ← کوس گوش	کاوس - عرض کردن کیخسرو ۶۹، ۷۳، ۷۴، ۹۸، ۱۰۸، ۱۳۹، ۲۴۶ - فرود



کیورث ← کبوده	کوه گوش ← کوس گوش
	کوبره ← کبوده
گرازه (- گیوگان) - عرض کردن کیخسرو	کویژه ← کبوده
۱۵۵، ۳۱۹، فرود سیاوخش ۱۷۲،	کهار ← گهار
۹۶۲ کاموس کشانی ۳۴۰، ۳۹۵،	کهای ← گهار
۶۱۰، ۲۶۱۶ بیژن و منیژه ۸۵۲	کیخسرو - عرض کردن کیخسرو ۱۴، ۱۸۹،
گردوی ← مردوی	۳۱۲، ۳۱۴ فرود سیاوخش ۴۵، ۷۴،
گرسوز ← کرسوز	۱۵۵، ۲۴۵، ۳۳۷، ۴۹۶، ۵۷۸،
گرگویی وهر - کاموس کشانی ۷۶۱،	۸۵۶، ۱۲۳۹ کاموس کشانی ۲۵،
۱۱۵۵، ۲۵۷۰	۶۸، ۷۱، ۱۰۱، ۴۸۹، ۶۲۰، ۶۲۲،
گرگین (- میلاد) - عرض کردن کیخسرو	۶۳۱، ۶۶۳، ۶۷۳، ۶۷۷، ۱۰۲۴،
۵۵، ۱۴۸، ۲۳۳ فرود سیاوخش ۱۷۱	۱۰۳۴، ۱۱۹۷، ۱۴۰۴، ۱۵۷۱،
کاموس کشانی ۹۸، ۶۹۱، ۱۳۲۹،	۱۸۴۱، ۱۸۴۴، ۲۱۱۸، ۲۱۴۱،
۱۳۳۰، ۱۸۳۱، ۲۶۱۵، ۲۷۹۱،	۲۳۲۷، ۲۳۵۵، ۲۳۵۶، ۲۳۸۱،
۲۸۴۷ اکوان دیو ۲۳ بیژن و منیژه ۳۴،	۲۵۴۸، ۲۵۵۶، ۲۸۳۷، ۲۸۴۳،
۸۸، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۴۷،	۲۸۵۲، ۲۸۷۶ اکوان دیو ۲۰، ۳۰،
۱۵۲، ۱۵۴، ۲۲۱، ۴۰۹، ۴۲۲،	۱۶۶ بیژن و منیژه ۲۴، ۲۷، ۳۸، ۴۳،
۴۲۳، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۴۰، ۴۴۱،	۴۸، ۶۱، ۸۶، ۱۳۲، ۱۴۶، ۱۶۰،
۴۴۹، ۴۵۴، ۴۷۹، ۴۸۷، ۴۸۹،	۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۷، ۵۲۰، ۵۲۲،
۵۰۰، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۷،	۵۲۶، ۵۲۹، ۵۳۴، ۵۵۲، ۵۵۷،
۵۲۶، ۶۴۷، ۶۶۵، ۷۹۲، ۸۰۲،	۶۱۵، ۶۳۵، ۶۴۳، ۶۶۱، ۶۷۲،
۸۲۱، ۸۲۴، ۸۵۱، ۱۰۶۰، ۱۰۶۲،	۷۱۰، ۷۱۴، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۳۴،
۱۰۶۸، ۱۰۷۸، ۱۱۸۹	۷۴۳، ۷۴۴، ۷۷۸، ۷۸۷، ۸۱۰،
گروی (- زره) - فرود سیاوخش ۴۴۰، ۷۳۹،	۸۱۲، ۸۴۵، ۸۵۷، ۹۲۳، ۹۳۲،
کاموس کشانی ۱۵۷۸، ۱۵۷۹،	۹۴۸، ۱۲۲۷، ۱۲۳۲، ۱۲۴۲، ۱۲۶۰،
۱۶۱۱	۱۲۶۴
گژدهم - عرض کردن کیخسرو ۱۴۷، ۳۰۰،	کیقباد - عرض کردن کیخسرو ۳۰۷ پ فرود
فرود سیاوخش ۵۶ بیژن و منیژه ۱۳۰،	سیاوخش ۱۸۶، ۲۲۶، ۳۳۰ کاموس
۶۴۴	کشانی ۶۶۳

،۱۱۲۳ ،۱۱۱۹ ،۱۱۱۷ ،۱۰۷۷  
 ،۱۷۲۴ ،۱۲۳۷ ،۱۱۴۷ ،۱۱۳۵  
 ،۱۸۹۰ ،۱۸۵۶ ،۱۸۳۰ ،۱۷۳۵  
 ،۲۱۲۹ ،۲۰۹۵ ،۲۰۰۷ ،۱۸۹۸  
 ،۲۵۱۵ ،۲۴۸۰ ،۲۳۳۸ ،۲۲۹۷  
 ،۲۷۰۳ ،۲۶۹۷ ،۲۶۱۵ ،۲۵۱۷  
 ،۲۸۵۳ ،۲۸۵۱ ،۲۸۴۷ ،۲۷۸۹  
 ،۲۸۵۸ اکوان دیو ۲۲ بیژن و منیژه ۳۴  
 ،۷۲۵ ،۶۴۴ ،۶۰۳ ،۴۶۶ ،۳۶۴  
 ،۹۳۳ ،۹۲۴ ،۸۱۷ ،۷۸۹ ،۷۵۱  
 ،۱۲۱۶ ،۱۲۱۴ ،۱۲۱۰ ،۱۲۰۵ ،۹۴۷  
 ۱۲۷۹

گهار گهانی - کاموس کشانی ۷۶۰

۲۵۷۰ ،۲۰۹۳ ،۲۰۷۹ ،۱۹۲۱

گیو (- گودرز - آزادگان) - عرض کردن

کیخسرو ۳۱ ،۵۵ ،۵۸ ،۲۱۰  
 ،۲۲۲ ،۲۹۰ ،۲۹۳ ،۲۹۹ فـرود  
 سیاوخش ۱۷۱ ،۲۰۸ ،۳۲۲ ،۳۴۶  
 ،۳۸۹ ،۳۶۲ ،۳۵۶ ،۳۵۴ ،۳۵۲  
 ،۵۱۱ ،۵۰۸ ،۵۰۱ ،۴۰۰ ،۳۹۷  
 ،۵۵۴ ،۵۴۵ ،۵۴۰ ،۵۳۵ ،۵۳۳  
 ،۵۶۸ ،۶۰۲ ،۶۰۵ ،۶۴۹ ،۶۷۷  
 ،۷۵۴ ،۷۵۵ ،۸۴۱ ،۸۴۸ ،۹۱۱  
 ،۹۲۳ ،۹۲۸ ،۹۴۶ ،۹۵۰ ،۹۶۰  
 ،۹۸۵ ،۹۹۶ ،۱۰۰۴ ،۱۰۱۲ ،۱۰۳۶  
 ،۱۰۴۰ ،۱۰۴۷ ،۱۱۴۳ ،۱۱۵۳  
 ،۱۱۵۸ ،۱۱۶۳ ،۱۱۷۵ ،۱۱۷۸  
 ،۱۱۷۹ ،۱۱۸۶ کاموس کشانی ۷۴  
 ،۱۰۴ ،۱۳۶ ،۱۴۴ ،۲۳۵ ،۲۴۰

گستهه (- گزدهه) - عرض کردن کیخسرو

،۵۵ ،۱۴۷ ،۳۰۰ ،۳۰۶ فرود سیاوخش  
 ،۳۸۲ ،۳۷۴ ،۳۶۷ ،۱۷۲ ،۱۲۶  
 ،۳۸۴ ،۳۹۰ ،۳۹۲ ،۹۶۲ ،۹۸۵  
 ،۱۰۲۰ ،۱۰۲۳ کاموس کشانی ۳۳۳  
 ،۳۹۴ ،۵۷۱ ،۶۰۳ ،۶۰۸ ،۱۸۳۰  
 ،۲۴۴۲ ،۲۴۴۷ ،۲۴۵۳ ،۲۴۹۳  
 ،۲۵۱۵ اکوان دیو ۲۲ بیژن و  
 منیژه ۳۳ ،۱۳۰ ،۸۵۱ ،۱۱۵۳

کشواد ← کشواد

گلباد - کاموس کشانی ۳۴۲ ،۱۰۳۲

،۱۸۱۹ ،۱۶۱۱ ،۱۵۸۳ ،۱۲۲۷  
 ،۱۸۲۶ ،۲۱۹۵ ،۲۲۶۲ ،۲۶۰۰

گلگون (اسب گودرز) - بیژن و منیژه ۴۶۶

گودرز (- کشواد - کشوادگان) - عرض

کودن کیخسرو ۳۱ ،۳۵ ،۵۵ ،۱۳۱  
 ،۱۴۴ ،۲۸۸ ،۲۹۹ ،۳۰۰ فـرود  
 سیاوخش ۵۲ ،۱۵۷ ،۱۷۱ ،۲۰۸  
 ،۵۰۱ ،۵۰۸ ،۵۱۱ ،۷۵۴ ،۷۷۱  
 ،۷۹۹ ،۸۳۸ ،۸۴۸ ،۹۲۶ ،۹۴۶  
 ،۹۴۷ ،۹۶۰ ،۹۶۷ ،۱۰۳۶ ،۱۱۱۴  
 کاموس کشانی ۹۸ ،۱۳۶ ،۱۳۸  
 ،۱۴۴ ،۲۰۷ ،۲۴۱ ،۳۰۷ ،۳۱۴  
 ،۳۱۹ ،۳۲۹ ،۳۴۴ ،۳۸۶ ،۴۰۶  
 ،۴۳۳ ،۴۳۹ ،۴۹۲ ،۵۱۹ ،۵۲۷  
 ،۵۶۰ ،۵۶۱ ،۵۶۸ ،۶۳۳ ،۶۴۸  
 ،۷۰۴ ،۷۲۷ ،۷۴۳ ،۸۰۶ ،۸۱۲  
 ،۸۳۴ ،۸۳۹ ،۸۶۲ ،۹۶۶ ،۹۶۸  
 ،۹۷۲ ،۹۷۳ ،۹۷۸ ،۹۹۰ ،۹۹۴

،۱۳۳۲ ،۱۱۹۱ ،۱۱۵۵ ،۱۱۵۱ ،۴۱۲ ،۴۰۶ ،۳۹۴ ،۳۴۳ ،۳۳۳  
 ،۱۸۲۱ ،۱۷۲۸ ،۱۶۰۵ ،۱۳۸۱ ،۶۰۸ ،۵۹۳ ،۵۷۲ ،۴۵۶ ،۴۱۵  
 ،۲۳۹۴ ،۲۱۹۳ ،۲۱۲۱ ،۱۸۷۹ ،۹۳۰ ،۸۵۳ ،۸۱۹ ،۸۰۶ ،۶۴۸  
 ،۲۶۵۹ ،۲۵۷۰ ،۱۱۳۴ ،۱۱۰۵ ،۱۰۹۳ ،۱۰۸۱

منشور ← منشور (و همه جا منشور دارد)

منوچهر - عرض کردن کیخسرو ۲۴۴ فرود

سیاوخش ۲۳، ۸۶۶

منیژه - بیژن و منیژه ۱۴۱، ۱۷۹، ۱۸۹

،۱۹۷ ،۲۰۸ ،۲۲۳ ،۲۳۷ ،۲۹۰

،۳۸۸ ،۴۰۱ ،۴۰۶ ،۵۷۱ ،۹۰۹

،۹۳۷ ،۹۴۰ ،۹۵۹ ،۹۶۴ ،۹۷۶

،۹۸۴ ،۱۰۰۰ ،۱۰۰۸ ،۱۰۳۰ ،۱۰۳۵

،۱۰۸۵ ،۱۱۲۳ ،۱۱۴۳

میلاذ - عرض کردن کیخسرو ۱۴۸

نستیبهن - فرود سیاوخش ۷۲۵ کاموس

کشانی ۱۵۸۳، ۸۱۳، ۲۱۹۵، ۲۶۰۰

نخار ← نخوار

نخاور ← نخوار

نخوار ← نخوار

نوابه ← نوابه

نوابه - عرض کردن کیخسرو ۱۴۹

نوذر - فرود سیاوخش ۲۰، ۲۰۹، ۳۲۸، ۵۱۴

کاموس کشانی ۴۰، ۴۴۱

نهل - کاموس کشانی ۳۴۰

نیرم - عرض کردن کیخسرو ۳۳۶

ویسه - کاموس کشانی ۱۹۶، ۱۵۸۲

،۴۱۲ ،۴۰۶ ،۳۹۴ ،۳۴۳ ،۳۳۳  
 ،۶۰۸ ،۵۹۳ ،۵۷۲ ،۴۵۶ ،۴۱۵  
 ،۹۳۰ ،۸۵۳ ،۸۱۹ ،۸۰۶ ،۶۴۸  
 ،۱۱۳۴ ،۱۱۰۵ ،۱۰۹۳ ،۱۰۸۱  
 ،۱۴۲۸ ،۱۳۳۶ ،۱۳۲۰ ،۱۱۴۷  
 ،۲۳۳۸ ،۲۱۹۷ ،۱۸۳۰ ،۱۷۳۵  
 ،۲۵۱۵ ،۲۵۱۲ ،۲۵۱۰ ،۲۵۰۷  
 ،۲۷۱۹ ،۲۶۸۹ ،۲۶۸۶ ،۲۶۱۵  
 ،۲۷۶۸ ،۲۷۹۱ ،۲۸۴۷ ،۲۸۵۱ اکوان  
 ،۱۳۰ ،۷۵ ،۳۴ ،منیژه ۳۴  
 ،۱۶۰ ،۱۸۴ ،۲۵۶ ،۳۵۲ ،۳۶۳  
 ،۴۲۳ ،۴۲۴ ،۴۲۸ ،۴۷۸ ،۴۸۱  
 ،۴۸۲ ،۵۰۵ ،۵۰۶ ،۵۰۷ ،۵۰۹  
 ،۵۱۶ ،۵۱۸ ،۵۳۶ ،۵۴۸ ،۵۵۲  
 ،۵۵۷ ،۵۷۲ ،۶۰۳ ،۶۰۷ ،۶۱۰  
 ،۶۱۵ ،۶۲۶ ،۶۲۷ ،۶۳۸ ،۶۴۱  
 ،۶۶۸ ،۶۷۴ ،۶۹۱ ،۶۹۵ ،۶۹۷  
 ،۷۰۷ ،۷۱۲ ،۷۱۵ ،۷۱۶ ،۷۲۱  
 ،۷۷۳ ،۷۸۶ ،۷۸۹ ،۸۱۷ ،۹۲۴  
 ،۹۳۳ ،۹۴۸ ،۱۲۰۵ ،۱۲۱۴ ،۱۲۱۶  
 ،۱۲۳۸ ،۱۲۴۰

لواده ← نوابه

لهاک - فرود سیاوخش ۹۲۷ کاموس

کشانی ۳۴۱، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۱

،۱۰۲۱ ،۱۵۸۳ ،۱۷۲۴

مردوی - فرود سیاوخش ۶۸۰

منشور - کاموس کشانی ۷۴۵، ۹۳۲، ۱۰۰۲

فهرست نام کسان

،۱۴۷۸ ،۱۳۲۵ ،۱۳۲۱ ،۱۲۲۷	همای - عرض کردن کیخسرو ۳۰۷
،۱۵۹۴ ،۱۵۸۳ ،۱۵۴۴ ،۱۵۳۷	هومان (- و یسه) - فرود سیاوخش ۹۳۳،
،۱۶۶۲ ،۱۶۱۴ ،۱۶۱۰ ،۱۵۹۶	،۹۳۷ ،۹۸۱ کاموس کشانی ۱۸۵،
،۱۸۱۴ ،۱۸۱۳ ،۱۷۴۹ ،۱۷۲۴	،۲۶۴ ،۲۵۰ ،۲۴۰ ،۲۳۲ ،۲۰۲
،۲۱۳۴ ،۱۹۴۲ ،۱۸۱۷ ،۱۸۱۶	،۲۸۵ ،۲۸۱ ،۲۷۷ ،۲۷۳ ،۲۶۸
،۲۱۳۴ ،۱۹۴۲ ،۱۸۱۷ ،۱۸۱۶	،۳۴۵ ،۳۴۴ ،۳۳۶ ،۳۰۶ ،۲۹۵
،۲۱۳۴ ،۱۹۴۲ ،۱۸۱۷ ،۱۸۱۶	،۵۱۱ ،۵۰۴ ،۴۸۵ ،۴۶۸ ،۳۶۱
،۲۱۳۴ ،۱۹۴۲ ،۱۸۱۷ ،۱۸۱۶	،۵۷۶ ،۵۵۳ ،۵۳۴ ،۵۱۹ ،۵۱۷
،۲۱۳۴ ،۱۹۴۲ ،۱۸۱۷ ،۱۸۱۶	،۷۶۴ ،۷۱۱ ،۶۲۷ ،۵۹۹ ،۵۸۹
،۲۱۳۴ ،۱۹۴۲ ،۱۸۱۷ ،۱۸۱۶	،۱۱۷۵ ،۱۰۹۰ ،۱۰۲۱ ،۸۷۸ ،۷۸۴

یلاشان ← بلاشان

یوسپاس - کاموس کشانی ۱۶۰۰

## فهرست نام جای‌ها

،۹۳۴ ،۹۸۱ ،۹۸۷ ،۱۰۰۱ ،۱۰۲۸ ،	آذربادگان - عرض کردن کیخسرو ۶۶
،۱۱۲۰ ،۱۱۲۵ ،۱۱۳۰ کاموس	آذرگشسپ (آتشکده، ایزد آتش) - عرض
کشانی ،۴۸ ،۷۴ ،۸۹ ،۹۲ ،۹۵ ،	کردن کیخسرو ۶۷ ،۱۱۳ فرود
،۱۲۳ ،۱۳۳ ،۱۳۴ ،۱۴۱ ،۱۴۴ ،	سیاوخش ۲۶۹ ،۵۹۷ ،۶۹۰ ،۹۷۰ ،
،۱۵۹ ،۱۷۸ ،۱۸۱ ،۱۹۹ ،۲۲۹ ،	۱۰۷۱ کاموس کشانی ۷۹ ،۱۵۱۱
،۳۹۶ ،۴۶۹ ،۴۷۲ ،۴۸۴ ،۵۰۲ ،	اکوان دیو ۵۰ بیژن و منیژه ۷۳۲
،۵۱۶ ،۵۱۹ ،۵۳۷ ،۵۸۵ ،۶۰۴ ،	
،۶۰۷ ،۶۳۷ ،۶۶۴ ،۶۷۸ ،۷۰۷ ،	آبرشهر - عرض کردن کیخسرو ۱۵۳ ،۳۱۴
،۷۵۱ ،۷۵۳ ،۷۷۳ ،۷۷۷ ،۷۸۰ ،	فرود سیاوخش ۱۳۴
،۷۸۲ ،۷۹۷ ،۸۱۶ ،۸۳۶ ،۸۴۸ ،	ارمان - بیژن و منیژه ۴۸ ،۵۶ ،۱۵۱ ،۴۲۶ ،
،۸۴۹ ،۸۵۸ ،۸۶۵ ،۸۶۶ ،۸۶۹ ،	۴۵۷
،۸۷۱ ،۸۸۰ ،۸۸۳ ،۹۰۶ ،۹۳۰ ،	اسفیجاب ← سیجاب
،۹۳۴ ،۹۴۰ ،۹۵۳ ،۹۵۶ ،۹۶۰ ،	الماس رود - کاموس کشانی ۲۵۸۰
،۹۹۶ ،۹۹۷ ،۱۰۱۵ ،۱۰۱۸ ،۱۰۲۲ ،	ایران (- زمین) - عرض کردن کیخسرو ۶۰ ،
،۱۰۳۰ ،۱۰۳۷ ،۱۰۶۲ ،۱۰۶۹ ،	،۷۶ ،۷۸ ،۱۱۳ ،۱۱۸ ،۱۷۱ ،۲۱۹ ،
،۱۰۷۵ ،۱۰۹۱ ،۱۱۳۴ ،۱۱۶۹ ،	،۲۲۰ ،۲۴۰ ،۲۴۶ ،۲۴۹ ،۳۰۵ فرود
،۱۱۸۲ ،۱۱۸۴ ،۱۱۹۲ ،۱۱۹۵ ،	سیاوخش ۳۸ ،۶۱ ،۷۱ ،۷۴ ،۹۴ ،
،۱۲۶۸ ،۱۳۱۴ ،۱۳۱۸ ،۱۳۲۲ ،	،۱۰۵ ،۱۱۲ ،۱۵۵ ،۱۹۲ ،۲۸۳ ،
،۱۳۲۶ ،۱۳۲۷ ،۱۳۲۸ ،۱۳۴۱ ،	،۳۰۸ ،۳۴۵ ،۳۹۶ ،۳۹۹ ،۵۲۹ ،
،۱۳۸۲ ،۱۴۲۹ ،۱۴۴۶ ،۱۴۶۲ ،	،۵۸۰ ،۵۸۲ ،۶۲۳ ،۶۲۷ ،۶۲۹ ،
،۱۴۶۷ ،۱۴۹۷ ،۱۵۳۹ ،۱۵۵۶ ،	،۶۴۷ ،۶۵۳ ،۶۵۶ ،۶۶۰ ،۶۶۶ ،
،۱۵۶۹ ،۱۵۷۶ ،۱۵۸۹ ،۱۵۹۷ ،	،۷۴۵ ،۷۵۲ ،۸۲۴ ،۸۳۰ ،۸۵۰ ،

بسد کوه ← سپد کوه	۱۷۴۵ ، ۱۷۳۸ ، ۱۶۵۵ ، ۱۵۹۸
بلخ - کاموس کشانی ۷۷۸ ، ۱۴۷۵	۲۰۹۷ ، ۲۰۹۶ ، ۲۰۳۷ ، ۱۸۹۳
بیداد - کاموس کشانی ۲۴۳۷	۲۱۱۸ ، ۲۱۰۳ ، ۲۱۰۰ ، ۲۰۹۹
	۲۱۷۰ ، ۲۱۵۷ ، ۲۱۵۳ ، ۲۱۲۵
پروان - کاموس کشانی ۱۹۲۳ پ	۲۲۷۲ ، ۲۲۶۱ ، ۲۲۱۵ ، ۲۲۱۳
	۲۳۹۲ ، ۲۳۸۹ ، ۲۳۵۳ ، ۲۲۸۶
توران (- زمین) - عرض کردن کیخسرو	۲۴۱۵ ، ۲۴۱۱ ، ۲۴۰۷ ، ۲۳۹۵
۱۰۴ ، ۱۶۱ ، ۲۱۹ ، ۲۴۶ ، ۲۴۸ ، ۲۵۲	۲۵۲۵ ، ۲۴۷۰ ، ۲۴۳۳ ، ۲۴۱۸
فرود سیاوخش ۶۱ ، ۱۵۵ ، ۱۹۶	۲۵۶۴ ، ۲۵۶۲ ، ۲۵۴۸ ، ۲۵۴۷
۳۳۷ ، ۳۴۲ ، ۵۲۶ ، ۵۲۹ ، ۵۳۴	۲۶۹۶ ، ۲۶۰۷ ، ۲۵۹۴ ، ۲۵۷۶
۵۷۶ ، ۶۴۸ ، ۶۵۶ ، ۶۸۲ ، ۶۹۶	۲۸۳۲ ، ۲۷۸۱ ، ۲۷۴۵ ، ۲۷۱۸
۷۴۳ ، ۸۲۳ ، ۸۹۷ ، ۹۸۶ ، ۱۰۴۳	۲۸۷۷ ، ۲۸۴۸ ، ۲۸۳۴ بیژن و منیژه
۱۱۰۴ کاموس کشانی ۱۸۲ ، ۱۸۳	۲۶ ، ۴۷ ، ۵۲ ، ۵۴ ، ۱۱۸ ، ۱۸۱
۵۱۱ ، ۴۹۶ ، ۲۷۸ ، ۲۷۱ ، ۲۲۱	۱۸۲ ، ۲۳۴ ، ۲۴۱ ، ۲۴۲ ، ۲۷۸
۵۲۰ ، ۵۲۱ ، ۵۴۹ ، ۵۹۷ ، ۶۶۶	۲۹۳ ، ۳۰۵ ، ۳۱۵ ، ۳۲۴ ، ۳۶۰
۷۴۹ ، ۷۵۳ ، ۸۴۸ ، ۸۷۹ ، ۹۹۵	۳۶۶ ، ۴۱۷ ، ۴۲۱ ، ۴۶۴ ، ۵۱۲
۱۰۷۱ ، ۱۰۷۸ ، ۱۱۸۹ ، ۱۲۴۱	۵۵۴ ، ۵۹۱ ، ۶۲۷ ، ۶۴۲ ، ۶۹۰
۱۳۴۷ ، ۱۵۶۸ ، ۱۵۸۹ ، ۱۶۰۵	۷۰۲ ، ۷۰۹ ، ۷۱۰ ، ۷۱۲ ، ۷۴۶
۱۷۱۹ ، ۱۷۲۰ ، ۱۸۷۰ ، ۱۹۲۳	۷۶۸ ، ۷۶۹ ، ۸۶۸ ، ۸۸۱ ، ۸۸۵
۱۹۵۹ ، ۲۰۸۱ ، ۲۱۰۲ ، ۲۳۷۶	۸۹۹ ، ۹۰۵ ، ۹۱۵ ، ۹۱۶ ، ۹۱۷
۲۳۹۴ ، ۳۵۱۲ ، ۲۵۹۶ ، ۲۶۰۴	۹۲۸ ، ۹۳۶ ، ۹۴۷ ، ۹۶۵ ، ۱۰۰۵
۲۸۲۷ ، ۲۸۳۰ ، ۲۸۵۲ اکوان دیو ۱۱۰	۱۱۲۹ ، ۱۲۱۵ ، ۱۲۲۱ ، ۱۲۳۶
بیژن و منیژه ۲۵ ، ۴۱ ، ۴۷ (تور) ، ۵۱	
۱۳۳ (تور) ، ۲۳۱ ، ۲۳۴ ، ۲۶۷ ، ۲۷۸	باورد - فرود سیاوخش ۷۴۰
۲۸۴ (تور) ، ۳۰۲ ، ۳۱۱ ، ۳۲۷ ، ۳۵۴	بربر - کاموس کشانی ۱۷۵۸
۳۵۸ ، ۳۶۶ ، ۵۱۲ ، ۵۵۴ ، ۵۷۵	برزین (آتشکده) - فرود سیاوخش ۱۹۷
۶۶۰ ، ۶۷۰ ، ۷۷۶ ، ۸۴۳ ، ۸۶۴	برگوش - کاموس کشانی ۱۷۵۹
۸۶۸ ، ۸۷۱ ، ۸۸۱ ، ۸۸۵ (تور) ، ۹۶۵	بروجرد ← گروگرد
۹۹۵ ، ۱۰۰۵ (تور) ، ۱۱۰۸ ، ۱۱۱۳	بزگوش ← برگوش

دریای روم - کاموس کشانی ۱۲۴۲	۱۱۲۲ (تور)، ۱۱۲۶، ۱۱۳۰، ۱۱۳۷،
دریای (رود) سند - کاموس کشانی	۱۱۳۹، ۱۱۹۳، ۱۱۹۵، ۱۱۹۸،
۲۵۷۱، ۲۳۱۴، ۱۷۰۴	۱۲۳۱، ۱۲۰۳
دریای نیل - عرض کردن کیخسرو ۲۶۸	تورگرد - کاموس کشانی ۲۴۸۸
فرود سیاوخش ۶۰، ۳۴۶ کاموس	
کشانی ۱۷۷۸، ۱۸۵۱، ۲۵۸۷	جَرم - فرود سیاوخش ۴۸، ۵۴، ۶۸، ۲۴۹،
دَنبر - کاموس کشانی ۱۹۳۹	۳۱۸، ۳۳۲، ۵۲۴، ۸۲۸، ۸۶۰
دیول - کاموس کشانی ۱۹۳۴ پ	کاموس کشانی ۱۹، ۳۲
	جیحون - فرود سیاوخش ۳۴۵ کاموس
روم - کاموس کشانی ۷۴۴، ۹۸۴، ۲۱۴۲	کشانی ۸۹۹
ری - کاموس کشانی ۲۵۳۹	جیلان - کاموس کشانی ۱۹۵۹ پ،
	۲۱۶۰ پ
زابل ← زاول	جیوگرد - گروگرد
زابلستان ← زاولستان	
زاول - کاموس کشانی ۱۰۰۴، ۱۱۱۶ بیژن	چین - کاموس کشانی ۹۲۶، ۹۸۴، ۱۱۵۸،
و منیره ۱۲۳۵	۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۹۳۳، ۲۰۵۳،
زاولستان - عرض کردن کیخسرو ۲۴۳	۲۰۶۳، ۲۰۸۱، ۲۰۹۹، ۲۱۰۳،
کاموس کشانی ۶۰۷، ۶۸۰، ۴۹۰	۲۱۲۶، ۲۱۴۱، ۲۱۴۲، ۲۱۵۰،
۷۷۹، ۱۱۹۸، ۱۴۶۸، ۱۶۳۸، ۱۷۳۳،	۲۱۶۰، ۲۲۷۴، ۲۳۱۴،
۱۸۷۷ بیژن و منیره ۶۲۱، ۱۰۰۵	۲۳۴۰، ۲۳۴۲، ۲۴۱۸، ۲۶۳۵،
سبد کوه ← سبد کوه	۲۸۰۵، ۲۸۰۸ بیژن و منیره ۱۸۶، ۵۹۷،
سبد کوه - فرود سیاوخش ۶۶، ۲۴۹، ۳۵۳،	چین ستان (← شیر چین) - بیژن و منیره
۳۹۳، ۴۳۱، ۵۰۲، ۵۹۲، ۸۲۸	۳۸۵
سبجاب ← سبجاب	حنلان ← ختلان
سبجاب - کاموس کشانی ۷۴۴	
سرخس - فرود سیاوخش ۷۴۰	خُتلان - کاموس کشانی ۱۹۵۹، ۲۱۶۰
سُغد - کاموس کشانی ۲۴۳۴	خُتن - کاموس کشانی ۲۴۰۱، ۲۵۰۸
سَقلاب - کاموس کشانی ۷۵۸، ۹۸۴،	دریای چین - کاموس کشانی ۷۳۸، ۲۵۹۶

کشانى ۱۹۲۳ پ	۱۲۴۴ ، ۱۳۸۰ ، ۱۷۰۴ ، ۱۹۵۹
	۲۰۱۵ ، ۲۰۴۱ ، ۲۰۵۳ ، ۲۰۶۳
کابل ← کاول	۲۲۷۴ ، ۲۳۴۰ ، ۲۳۴۲ ، ۲۴۱۸
کابلستان ← کاولستان	۲۶۳۵
کاس رود - عرض کردن کيخسرو ۲۱۷ ،	سکبان ← شکنان
۲۲۰ فرود سیاوخش ۵۲۷ ، ۵۲۹ ،	سگسار - کاموس کشانى ۷۵۹ (سگسار
۵۷۷ ، ۵۹۲ ، ۶۱۳ ، ۷۸۰ ، ۱۲۱۳	غرچہ) ، ۱۷۵۹ ، ۲۰۵۳ پ ، ۲۱۴۱ پ
کاسه رود ← کاس رود	سند - کاموس کشانى ۱۲۴۴ ، ۱۳۸۰
کاول - عرض کردن کيخسرو ۲۴ ، ۳۳۰	۱۹۲۳
کاموس کشانى ۱۰۰۴ ، ۷۷۹	سنگان ← شکنان
کاولستان - کاموس کشانى ۶۸۰ ، ۷۷۹ ،	سيستان - کاموس کشانى ۱۰۰۸ ، ۱۰۲۸ ،
۱۴۶۸ ، ۱۷۳۳	۱۷۶۴ بیژن و منیرہ ۶۱۶ ، ۱۲۵۸
کشانى - کاموس کشانى ۱۴۴۸	
کشمير - عرض کردن کيخسرو ۳۳۰ کاموس	شروان - کاموس کشانى ۱۹۲۳ پ
کشانى ۲۵۷۱ ، ۲۳۱۵ ، ۷۵۷	شکنان - کاموس کشانى ۲۰۵۳ ، ۲۱۴۱ ،
کلات (دز) - فرود سیاوخش ۳۳ ، ۳۷ ،	۲۳۴۲
۴۸ ، ۵۴ ، ۴۲۷ ، ۵۰۰ ، ۵۹۲ ، ۸۲۸	شکنان ← شکنان
کاموس کشانى ۱۹ ، ۳۲	شہد (رود) - کاموس کشانى ۱۱۸ ، ۱۲۰ ،
کنگ - کاموس کشانى ۲۳۲۳	۱۵۵۶ ، ۷۵۷ ، ۲۵۷ ، ۱۵۴
کنوگرد ← گروگرد	شہد (کوه) - کاموس کشانى ۲۳۱۵
کورابه ← گورابه	شيرچين (← چين ستان) بیژن و منیرہ ۱۰۵۱
کیلان - کاموس کشانى ۱۹۵۹ پ	
	طراز - کاموس کشانى ۲۵۱۳
گرگساران - بیژن و منیرہ ۵۶۹	طوس - فرود سیاوخش ۷۴۰
گروگرد - فرود سیاوخش ۶۱۷ ، ۶۲۱ ، ۶۶۸ ،	
۷۳۹	غرچہ ← سگسار
گورابه - بیژن و منیرہ ۶۲۰	
لاون - کاموس کشانى ۲۴۲	فندہار - بیژن و منیرہ ۱۶۵ پ
	قنوج - عرض کردن کيخسرو ۳۳۷ کاموس



وزوگرد ← گروگرد	ماچین - کاموس کشانی ۲۸۰۸
وهر - کاموس کشانی ۱۶۰۱، ۷۶۱،	مازندران - کاموس کشانی ۱۰۴۰، ۶۶۶،
۲۲۷۴، ۲۱۵۹	۱۴۴۲، ۱۷۵۹، ۱۹۰۵، ۲۲۲۰،
	۲۴۱۶، ۲۶۶۵، ۲۷۳۳ بیژن و منیژه
هماون (کوه) - کاموس کشانی ۴۴۵،	۷۷۰، ۶۷۷، ۵۹۲
۴۵۵، ۵۰۳، ۵۰۶، ۵۳۳، ۵۳۶،	ماورالنهر - کاموس کشانی ۷۴۰
۵۴۶، ۶۳۲، ۶۵۱، ۷۸۵، ۸۰۴،	مای - کاموس کشانی ۱۹۳۴، ۱۰۰۴،
۸۷۴، ۹۳۳، ۹۹۴، ۹۹۶، ۱۰۳۹،	قرغ - کاموس کشانی ۱۹۳۹
۱۱۳۵، ۱۰۸۷	قیم - فرود سیاوخش ۵۴، ۶۸، ۲۶۷ کاموس
هند - کاموس کشانی ۱۰۰۴، ۹۸۴، ۷۵۹،	کشانی ۱۹
۱۲۴۴، ۱۳۸۰، ۱۴۱۶، ۱۷۰۴،	
۱۸۱۱، ۱۹۲۳، ۱۹۶۴، ۲۰۱۵،	نیل ← دریای نیل
۲۲۷۴، ۲۳۱۴، ۲۳۴۰، ۲۳۴۲،	نیمروز - عرض کردن کیخسرو ۲۳، ۳۳۰،
۲۵۷۱	بیژن و منیژه ۵۸۴
هندوستان - عرض کردن کیخسرو ۳۳۷	
هیرمند - بیژن و منیژه ۶۱۹، ۶۲۲	وروگرد ← گروگرد